



انتشارات دانشگاه تهران

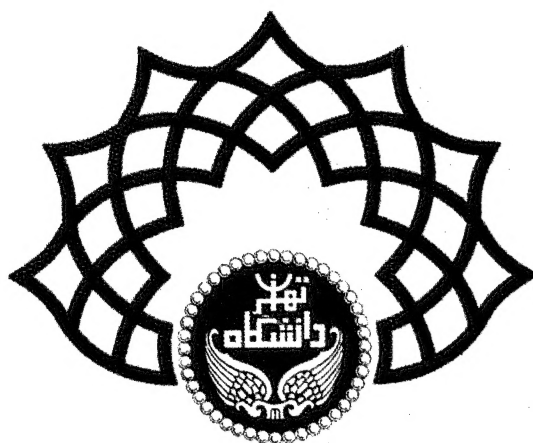
۲۶۴۸

# تطبیق نام های کهن گیاهان دارویی با نام های علمی

جلد اول

تاریخ گیاهان دارویی  
روش استفاده از منابع و متون قدیمی گیاهان دارویی  
نام های کهن گیاهان دارویی  
واژگان و نام های کهن در شناخت نام های علمی گیاهان

دکتر احمد قهرمان استاد دانشگاه تهران  
احمد رضا اخوت



هفتادمین سال تاسیس دانشگاه تهران - ۱۳۸۳

۷۰ کنج از ۷۰ سال کنجینه  
دانشگاه تهران

تفیق نام های کهن گیاهان دارویی  
بانام های علمی

جلد اول

۱۳





### پیشگفتار ناشر

گرچه دانشگاه تهران، هفتاد سال پیش پدید آمد، اما یک دهه و اندی پس از آن بود که انتشارات دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۵ خورشیدی از آن رویش باشکوه، جوانه زد و بر شاخسارش شکوفه‌های خرد و اندیشه شکفتند و در همان سال نیز به بار نشستند. دیری دیگر، هنگامی که دانشگاه تهران درختی تناور شد، گشن و پر شاخسار، بر سرتاسر ایرانزمین سایه گستراند. انتشارات نیز هم گام با آن رشد شتاب‌آلود، پیشروی به عمق و درون را آغاز کرد تا بتواند از فرهنگ و دانش ره‌توشه‌ها به مشتاقان ارمغان کند.

اینک، که بیش از نیم سده از عمر انتشارات دانشگاه تهران، به مثابه نخستین ناشر دانشگاهی ایران، می‌گذرد، مفتخریم اعلام داریم که در طول این سال‌ها بسیاری از متون پارسی را به همت استادان فرهیخته‌ای که از استوانه‌های علم و فرهنگ و ادب این سرزمین کهن بوده‌اند، از دهلیزهای تار تاریخ بیرون کشیدیم، به زیور چاپ آراستیم و به خوانندگان عرضه کردیم. همچنین می‌توانیم ادعا کنیم و بر این ادعا پای بفشیریم که این انتشارات دانشگاه تهران بود که سرآغازگر آشنایی مردم میهنمان با آثار فرهنگی، متون و نیز نوشتارهای دانش جهانی شد،



و در سلسله انتشارات دانشگاه تهران است که می‌توان تاریخ تطور علوم جدید را در سرزمین‌مان و در نیم قرن گذشته جستجو کرد. تا آن‌جا که امروز، شمار عناوین کتاب‌های چاپ نخست انتشارات دانشگاه تهران، فزون از دوهزار و هفتصد عنوان است.

اینک به فرخندگی هفتادمین سال پدیداری دانشگاه تهران، این اثر را به همه خواهندگان، به‌ویژه آنان که این شکوه ماندگاری، برآمدی بر تلاش سترگ آنان بود، ارمغان می‌کنیم.

باشد تا انتشار هفتادگنج از گنجینه‌های انتشارات دانشگاه تهران رهاورد پربار این سال باشد.

دکتر محمد شکرچی‌زاده

سرپرست مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

**تطبیق نام های کهن گیاهان دارویی**  
**با نام های علمی**  
**جلد اول**

- تاریخ گیاهان دارویی
- روش استفاده از منابع و متون قدیمی گیاهان دارویی
- نام های کهن گیاهان دارویی
- واژگان و نام های کهن در شناخت نام علمی گیاهان

**احمد قهرمان**

استاد گیاهشناسی دانشکده علوم دانشگاه تهران

**احمد رضا اخوت**

عضو علمی گروه زیست شناسی دانشکده علوم دانشگاه تهران





انتشارات دانشگاه تهران

شماره ۲۶۴۸

شماره مسلسل ۴۸۰۸

قهرمان، احمد، ۱۳۰۷ -  
 تطبیق نام‌های کهن گیاهان دارویی با نام‌های علمی ... / احمد قهرمان، احمد رضا اخوت. -  
 تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۳. -  
 ج. ۱: جدول. - (انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره ۲۶۴۸)  
 ISBN 964-03-4808-2 (ج. ۱) : ۸۵۰۰۰ ریال  
 فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
 Ahmad Ghahreman, Ahmad Reza Okhovvat.  
 Matching the Old Medicinal Plant Names With Scientific  
 Terminology.  
 ص.ع. به انگلیسی:  
 ۱. گیاهان دارویی - - نامها - - واژه‌نامه‌ها. ۲. گیاهان دارویی - - واژه‌نامه‌ها - - چندزبانه. ۳.  
 فارسی - - واژه‌نامه‌ها - - چندزبانه. ۴. واژه‌نامه‌های چندزبانه. الف. اخوت، احمد رضا. ب. عنوان  
 ۱۳۸۳ ۵۸۰/۳ QK ۹۹/آ۱ ق ۹  
 کتابخانه ملی ایران  
 ۸۲-۳۵۲۷۶

شابک ۹۶۴-۰۳-۴۸۰۸-۲ ISBN 964-03-4808-2

عنوان: تطبیق نامهای کهن گیاهان دارویی با نامهای علمی

تألیف: دکتر احمد قهرمان، احمد رضا اخوت

ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تاریخ انتشار: بهار ۱۳۸۳ (چاپ اول)

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است.

«کلیه حقوق برای دانشگاه تهران محفوظ است»

بها: ۸۵۰۰ ریال

پست الکترونیک: Press@ut.ac.ir - آدرس سایت: Press.ut.ac.ir

# فهرست

عنوان

پیش سخن

مقدمه

- ۱ ..... تاریخ شناخت گیاهان دارویی
- ۱۲ ..... روش استفاده از منابع و متون قدیم گیاهان دارویی
- ۱۲ ..... ۱ - ضرورت برگردان متون طبّی کهن و تعیین معادل نام علمی آن ها
- ۱۴ ..... ۲ - روش استفاده از متون قدیم
- ۱ - ۲ - شناخت دوره های اوج طب در ادوار تاریخ کهن و تفکیک کتب  
بجای مانده از این دوره ها.....
- ۱۴ ..... ۲ - ۲ - عناوین و موضوعات متفاوت کتب دارویی قرون و اعصار.....
- ۱۵ ..... ۲ - ۳ - معادل یابی و تطبیق واژگان متون قدیم با واژگان علمی
- ۱۵ ..... ۲ - ۴ - تفکیک عناوین و روش های تجربی و استدلالی در متون قدیم
- ۲ - ۵ - لزوم تصحیح ادبی نوشتاری متون قدیمی، دسته بندی موضوعات  
مختلف آن ، برای ایجاد فرهنگ طب گذشته .....
- ۱۵ ..... ۳ - روش شناسایی گیاهان دارویی مذکور در متون کهن
- ۱۷ ..... ۴ - نام ها، نشانه ها و واژگان گیاهان دارویی متون کهن
- ۱۷ ..... ۱ - ۴ - تفکیک و طبقه بندی نام ها در متون گذشته
- ۱۹ ..... آمار نام های محلی عربی و معرب
- ۲۰ ..... آمار نام های محلی غیر عربی
- ۲۱ ..... جدول ۱ - آمار نام های کهن گیاهان دارویی از دیسکورید تا مخزن الادویه
- ۲۱ ..... جدول ۲ - آمار نام های گیاهان دارویی در کتاب جامع ابن بیطار.....
- ۲۱ ..... جدول ۳ - آمار نام های گیاهان در کتاب صیدنه و مخزن الادویه.....
- ۲۲ ..... ۲ - ۴ - اثر برخوردها و یا تداخل فرهنگ ها در گوناگونی نام گیاهان دارویی..
- ۲۲ ..... ۳ - ۴ - نگاهی بر تحول نام های کهن گیاهان دارویی در کتب فوق و نتایج آن



۲۳	..... ۴ - ۴ - نکاتی در مورد نام ها
۲۴	..... ۵ - ۴ - منابع مورد استفاده کتاب
۲۸	..... فصل اول : نام های کهن گیاهان دارویی با ترتیب الفبایی زیر
۳۴	..... حرف الف
۷۰	..... حرف ب
۹۳	..... حرف ت
۱۰۰	..... حرف ج
۱۱۰	..... حرف ح
۱۲۷	..... حرف خ
۱۴۱	..... حرف د
۱۴۹	..... حرف ذ
۱۵۲	..... حرف ر
۱۶۰	..... حرف ز
۱۶۶	..... حرف س
۱۸۳	..... حرف ش
۱۹۴	..... حرف ص
۱۹۷	..... حرف ض
۱۹۹	..... حرف ط
۲۰۵	..... حرف ظ
۲۰۵	..... حرف ع
۲۱۸	..... حرف غ
۲۲۱	..... حرف ف
۲۳۱	..... حرف ق
۲۴۸	..... حرف ک
۲۶۵	..... حرف ل
۲۷۵	..... حرف م
۲۸۷	..... حرف ن
۲۹۳	..... حرف و

۲۹۶	..... حرف ه
۲۹۹	..... حرف ی
۳۰۲	..... فصل دوم : واژگان و نام های کهن در شناخت نام علمی
۳۰۵	..... ۱ - تعیین نام علمی گیاهان با استفاده از منشاء نام های کهن یونانی
۳۰۵	..... ۱ - ۱ - نگاهی به ریشه یونانی نام های علمی کنونی
۳۰۵	..... ۱ - ۲ - نگارش و آوانویسی درست حروف عربی ، فارسی ، سریانی ، بربری
۳۰۵	..... الف - نگارش حروف یونانی به حروف عربی ، فارسی ، سریانی ، بربری
۳۰۶	..... ب - نگارش حروف یونانی به حروف لاتینی
۳۰۷	..... ج - معرب حروف لاتینی حسب کتاب ابن بیطار
۳۰۸	..... ۳ - ۱ - فهرست نام های علمی با منشاء نام های یونانی
۳۲۲	..... ۲ - برگردان نام های لاتینی گیاهان به توسط ابن بیطار در قرن هفتم
۳۵۸	ضمیمه ۱ : فهرست نام های کهن گیاهان دارویی به ترتیب حروف الفبا.....
۴۴۴	..... ضمیمه ۲ : فهرست نام های کهن گیاهان دارویی در زبان های مختلف
۴۴۶	..... ۱ - نام های عربی و معرب
۴۸۱	..... ۲ - نام های فارسی و محلی
۴۹۳	..... ۳ - نام های یونانی ، لاتینی و رومی
۵۱۰	..... ۴ - نام های هندی ، سندی و بنگالی
۵۱۵	..... ۵ - نام های سریانی
۵۱۸	..... ۶ - نام های بربری و نبطی
۵۲۰	..... ۷ - نام های ترکی
۵۲۱	..... ۸ - نام های متفرقه
۵۳۴	..... ضمیمه ۳ : فهرست نام های علمی و انگلیسی
۵۳۶	..... ۱ - نام های علمی گیاهان دارویی به ترتیب حروف الفبا
۵۸۹	..... ۲ - نام های گیاهان دارویی به ترتیب خانواده
۶۴۲	..... منابع





## پیش سخن

در دو دهه اخیر استفاده از گیاهان دارویی به هر دلیل بیشتر شده است و کتاب‌های گیاهان دارویی بسیاری، با ارزش‌های علمی متفاوت و غالباً کم محتوا، چه در شناخت و چه در کاربری گیاهان دارویی تالیف یا ترجمه شده است. بررسی کتاب‌های گیاهان دارویی تالیفی و یا ترجمه‌ای بازار، همه حاکی از چند گیاه دارویی شناخته شده معمولی، با محتوای یکسان و برگردان و یا برگرفته از کتاب‌های معمولی گیاهان دارویی عرضه شده در پیشخوان سوپر مارکت‌های اروپایی و آمریکایی است و فاقد اعتبار و یا منابع علمی قابل ملاحظه‌اند. در حال حاضر بازار کتاب اشباع از این قبیل کتاب‌های گیاهان دارویی است و هر از چند گاه نیز کتاب‌های دیگری با همان محتوا، با شکل و نحوه تبلیغ تازه و با شرحی از فواید و خواص اغراق آمیز و معجزه آسای درمان با گیاهان محتوای آن‌ها انتشار می‌یابد. گذشته از این دسته کتب، کتاب‌هایی نیز با عناوین گیاهان دارویی سنتی، گیاهان شفابخش طب سینایی و از این قبیل، با ذکر نام گیاهانی که تقریباً در همه آن‌ها تکراری است و با مولفان مختلف و غالباً بدون ذکر منابع مورد استفاده، چاپ و عرضه می‌شود. انتشار این قبیل کتب، همراه با تبلیغات و ذکر شواهد درمانی گیاهان مذکور در آن‌ها و پیدایش موسسات گوناگون خصوصی، نیمه خصوصی و دولتی و همچنین نهادهای دست اندرکار گیاهان دارویی و تجارت آن، باعث ظهور خودجوش برخی تشکیلات مخفی و یا نیمه آشکار در خرید و فروش گیاهان دارویی شده است. عرضه انواع گیاهان با عناوین دارویی، در بسته بندی‌های رنگارنگ و یا بصورت عرقیات در سوپرمارکت‌ها و یا دکان‌هایی با نام‌های طب علفی همگی سبب شده‌اند تا افرادی بدون هیچ مدرک علمی خود را متخصص درمان بوسیله این گیاهان دانسته و با برپایی تابلوهای بزرگ و چراغ نئون، به تبلیغ بسیار گسترده و وسیع این دکان‌پردازند و ذهن برخی مردم بی اطلاع را با این تبلیغات غیر واقعی هدف سودجویی خود قرار دهند. متأسفانه هیچ کنترلی بر کار آن‌ها نیست و چنان بازار آشفته مخفی از کاسبی و تجارت گیاهان با عناوین دارویی (که اغلب مستقیماً از طبیعت برداشت می‌شوند) بوجود آمده است که هر سودجوی فرصت طلب و ناآشنا به طب و درمان و ناشناسای گیاهان دارویی خود را صاحب تجربه معرفی کرده و شیادانی نیز بساطی از گیاهان به عنوان دارویی و

طب سنتی گسترده، از اعتماد و باور خلق ساده و غالباً کم در آمد استفاده می‌کنند و چشم به کیسه بضاعت بیماران لاعلاج و بستگان مستاصل آن‌ها داشته باشند. ناگفته نماند موسسات علمی و پژوهشی و دانشگاهی یا غیر دانشگاهی و تحقیقاتی نیز وجود دارند که به کار تحقیق در خواص عصاره و ترکیبات و اثر گیاهان دارویی بدون هیچ تبلیغی مشغول هستند.

در حال حاضر بکارگیری تکنولوژی تهیه دارو از گیاهان و شناخت مولکول‌های موثر آن، باعث درآمدهای کلان کشورهای صاحب تحقیقات و تکنولوژی پیشرفته داروسازی شده است. این موسسات سالیانه ده‌ها میلیارد دلار فقط صرف تحقیقات این کار می‌کنند. همچنین موسسات کارتل‌مانندی برای تهیه دارو از گیاهان و تجارت آن در گوشه و کنار جهان وجود دارد. و هر روز مولکول‌های موثری در گیاهان کشف و برای ساخت (کپی) آن الگو برداری می‌شود و با تغییر مولکول‌های همین گیاهان گرانتترین داروها را می‌سازند. مقایسه بهره‌ناچیز و روش ابتدایی و قدیمی ما از این گیاهان، نسبت به استفاده کلان اقتصادی همراه با تکنولوژی پیشرفته از گیاهان دارویی در دیگر کشورهای جهان که از نظر غنای این ثروت خدادادی در حد ما نیستند نشان از اتلاف آشکار این ثروت عظیم کشور دارد و بسیار جای تاسف است، و تاسف بیشتر برداشت غیر مسئولانه این گیاهان به طور انبوه از محیط است که باعث انهدام و انقراض آن در طبیعت می‌گردد، و خود فاجعه‌ای است نامعقول در هدر رفتن ثروت ملی و برهم خوردن شرایط تعادل زیست محیطی کشور، و این در حالی است که بهره‌گیری درست آن می‌تواند جای در آمد نفت را بگیرد. اگر مسئولان کشور از هم اکنون به نتایج این برداشت‌ها از طبیعت توجه نکنند، در آن صورت باید پاسخگوی نسل‌های آینده باشیم که بی شک فرهیخته‌تر از ما هستند.

استفاده از گیاهان دارویی در ایران سابقه چند هزار ساله دارد و گذشته از دوران کهن در دوران اسلامی آثار گرانبهایی از دانشمندان ایرانی و غیر ایرانی در سرزمین ما جا مانده است. برخی از این آثار در یکی دو قرن اخیر، به زبان‌های اروپایی ترجمه گردیده است. به هر حال این حدیثی از سابقه درخشان کاربرد گیاهان دارویی و فرهنگ گذشته ایران است. و اکنون باید متناسب با پیشرفت علم و تکنولوژی از گیاهان دارویی بهره گرفت و اگر کسی ادعا کند در عصر حاضر هم باید از همان روش و شیوه بزرگان علم

طب گذشته ایران (همچون روش بوعلی سینا که به طب سینایی معروف است) از گیاهان دارویی استفاده کرد، بی شک در خواب قرون باقی مانده است. البته جای شک نیست که توجه به تجربه نسل‌ها در استفاده از گیاهان دارویی که پایه دانش این بزرگان را تشکیل می‌داد، امروزه نیز بسیار ارزشمند است. اما پرسش اینست اگر پورسینا (بنا به فرض) امروز هم می‌بود باز همان تجویز ده قرن پیش خود را داشت؟! که بسیار بعید است.

در هر صورت طرح عناوین استفاده از گیاهان دارویی با همان تجویز طبیبان و بزرگان علم پزشکی قدیم در واقع بهانه‌ای برای این مدعیان جهت برداشت گیاهان از طبیعت نیمه خشک ایران و دستبرد به این میراث طبیعی کشور و انهدام آن‌ها است. این مدعیان که حتی نام گیاهان مورد کاربرد این بزرگان را نمی‌دانند، با عنوان نمودن استفاده از روش آنها، نه تنها به ساحت علمی این مفاخر طب گذشته ما بی احترامی می‌کنند بلکه برای جامعه علمی ما در این روزگار پیشرفت سریع علم و توسعه تکنولوژی حقارت آمیز و بازگشت به قرون گذشته و تحقیر عقب ماندگی درخدا دار کردن فرهنگ علمی حال و گذشته است. متأسفانه در این ماجرای ناخوشایند گاهی برخی با عنوان پزشک و داروساز و حتی با عناوین عضویت در دانشگاه‌های کشور به نحوی با آن‌ها مشارکت دارند.

در سال ۱۳۷۰ که تب کاربرد گیاهان دارویی با عنوان درمان با روش طب سنتی تقریباً بالا گرفته بود و انواع بسته بندی گیاهان دارویی، با تبلیغات وسیع در هر داروخانه و سوپر مارکت و حتی خواربار فروشی‌ها و بالاخره در بازارهای دارویی فروخته می‌شد. محققان و اعضای هرباریوم مرکزی دانشگاه تصمیم به بررسی محتویات این بسته‌ها و مطابقت آن با نام روی بسته‌ها گرفتند. متأسفانه در همان ابتدای بررسی معلوم شد که محتوای بسته‌ها با نام علمی آن‌ها مطابقت ندارد و خواص قید شده نیز مربوط به آن‌ها نیست و در مواردی حتی گیاهان خرد شده داخل بسته‌ها ناشناخته بود. نتیجه مقدماتی این بررسی‌ها سبب شد تا بررسی دقیق آن موضوع طرح تحقیقاتی رساله کارشناسی ارشد با عنوان "بررسی گیاهان دارویی بازار و عطاری‌ها" باشد و به عهده دانشجویی که سابقه‌ای در موسسه تحقیقات گیاهان دارویی داشت قرار گیرد. مقایسه بررسی محتویات بسته بندی‌های جمع آوری شده از بازار با اقلام خریداری شده با همان نام از عطاری‌های سنتی، نه تنها یکی نبود، بلکه با نام علمی آن‌ها نیز در بیشتر موارد مطابقت

نداشت و غالباً دو چیز متفاوت بود. نتیجه آماری این بررسی‌ها بسیار هشدار دهنده و نشان از آشفتگی این بازار بود. لذا بررسی آشفتگی و هرج و مرج بازار گیاهان دارویی، موضوع رساله کارشناسی ارشد دیگری شد تا اولاً معلوم شود نام گیاهان دارویی مورد شناسایی مثلاً بوعلی سینا یا ابن بیطار و دیگران در گذشته چه بوده است و چگونه و با مراجعه به چه منابعی تهیه کنندگان این بسته بندی‌ها آن نام‌ها را روی بسته بندی‌های تهیه شده خود گذاشته‌اند و همچنین منشا نام‌هایی را که عطاری‌ها معمولاً سینه به سینه می‌شناخته و می‌شناسند چیست. پس از سه سال کار روی روش‌های تطبیق نام گیاهان دارویی که در حد یک رساله کارشناسی ارشد بود، به این نتیجه رسیدیم که برای دستیابی به روش تطبیق نام‌های کهن گیاهان دارویی با نام‌های علمی آن‌ها که حداقل ۲۳ قرن سابقه مکتوب دارد. می‌باید کاری چند ساله را شروع کرد. خوشبختانه کار پژوهشی سه ساله آقای احمد رضا اخوت برای مسائل مقدماتی این تحقیق آماده شد و با ادامه این پژوهش اکنون ایشان اصلی‌ترین همکار و شریک شایسته این تحقیق می‌باشند. ضمناً می‌باید از سرکار خانم دکتر فریده عطار که در تمام موارد تطبیق نام‌های علمی و جدا نمودن مترادف‌ها و پژوهش نظام یافته در طبقه بندی موضوع کتاب با ما همکاری مداوم داشتند و از استاد فاضل و دانشمند جناب آقای دکتر موسی ایرانشهر که همیشه راهنما و همکار و مشوق این تحقیق بودند تشکر نمایم، همچنین از عضو دیگر هرباریوم مرکزی دانشگاه آقای مهندس کاظم مهدیقلی که تجربه فراوان در کار گیاهان دارویی و شناخت بازار آن داشته‌اند و از آقای دکتر غلامرضا امین که مشاور آقای احمد رضا اخوت در تهیه رساله کارشناسی ارشد بوده‌اند و از همه عزیزانی که ما را در این پژوهش همراهی نموده‌اند، صمیمانه تشکر نمایم

احمد قهرمان

## مقدمه

نام هر کس یا هر چیز معرف هویت آن است. همه چیز با نام شناخته می شود. لفظ یا کلمه «نام» در هر زبانی ریشه عمیق در پیدایش تمدن و تشکیل هر جمعیت دارد. با آنکه نام‌ها در جوامع بدوی و کهن تاریخ، مفهوم گسترده کنونی را نداشته و آواهای ساده بیش نبوده‌اند، ولی افراد خانواده های ابتدایی تاریخ و یا جمعیت‌های قبیله مانند انسان‌های اولیه، با همان «آواهای نام گونه» یکدیگر و موجودات و اوضاع اطراف را می‌شناختند و مثلاً متوجه می‌شدند هر آوا نام کدام حیوان درنده و یا بی‌آزار و پرنده یا خرنده است و یا نام، مربوط به گیاهی خوراکی، سمی، بدطعم و نامطبوع است و یا به عوامل محیطی و اوضاع اطراف مربوط می‌شود.

نامگذاری‌های اولیه به هر ضرورتی و به هر دوره‌ای که مربوط باشد، آغاز راه انتقال آگاهی‌ها و ارتباط بین افراد خانواده‌ها و قبیله‌های بدوی بوده است.

شاید آغاز تکلم و ارتباط آوایی بین انسان‌های روزگاران کهن و ما قبل تاریخ همین «آواهای نام گونه» بوده است. تاریخ پیدایش نام و نامگذاری و بررسی آن نیاز به تخصص زبان شناختی و شناخت جوامع اولیه انسانی دارد که در هر صورت خارج از تخصص ما است. اما همین آواهای نام گونه احتمالاً در جریان توسعه و پیشرفت جوامع اولیه در، مکان‌های مختلف جهان و پیدایش زبان در تمدن‌ها موثر بوده است. نام‌ها با پیشرفت فرهنگ در تمدن‌های پراکنده جهان به تدریج مفهوم عمیق و گسترده پیدا نمودند و بدیهی است در زبان‌های متفاوت، هر شئی یا هر موجودی با ماهیت واحد نامی شناخته شده در آن تمدن و فرهنگ پیدا کرد و در عین حال نسبت به تعالی تمدن و زبان آن جمعیت، نام تداعی کننده بسیاری از خصوصیات و حتی ذات اصلی صاحب آن شد. در جهان کنونی نام اصلی‌ترین معرف هر چیز و هویت هر کس و تغییر ناپذیر است. با پیشرفت سریع و همه جانبه علوم در زمینه‌های مختلف، به ویژه علوم طبیعی و تجربی، وجود نام‌های گوناگون یک گیاه یا یک حیوان در زبان‌های متفاوت جهان، انتقال آگاهی‌های علمی و نشر دانش و پیشرفت جهانی علم را مشکل می‌نمود. لذا دانشمندان علوم طبیعی (به ویژه لینه پدر نامگذاری علمی) از قرن هیجدهم به بعد با طرح قواعد علمی نامگذاری (نوموکلاتور) و اصول رده بندی موجودات و تعریف گونه

به عنوان واحد رده بندی، باعث شدند تا، نام علمی و اصول نامگذاری برای گیاهان و جانوران و دیگر واژگان به مجامع علمی ارائه گردد. در عصر ما نیز هر چند سال یک بار کنگره ای با حضور دانشمندان جهانی این علم در یکی از کشورهای جهان برای نامگذاری علمی و تعیین "کد"های آن با عنوان مجمع جهانی (نوموکلاتور) معروف است.

اما نام های کهن گیاهان دارویی که خارج از این قواعد قرار دارد و تطبیق آن با نام های علمی و یا معادل که موضوع کتاب حاضر است در زبان های قومی و قبیله ای و تمدن ها و فرهنگ های سرزمین های مختلف سوابق چند هزار ساله دارد و در طول تاریخ با برخورد تمدن ها و بروز جنگ ها از زبانی به زبان دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر وارد و در این تداخل گاه چنان دچار سایش از گویش های قومی قرار گرفت و در پوششی از خاکستر قرون و ابر زمان فرو رفت که دست یابی به واقعیت و منشاء آن اگر ناممکن نباشد بسیار مشکل است.

البته از همان آغاز مشکلات این پژوهش برای ما کاملاً محسوس و معلوم بود و ما با وقوف به آن با جمع آوری تمام منابع موجود مانند کتاب های خطی و مراجعه به کتابخانه های معتبر، مانند کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه آستان قدس رضوی و مطالعه فهرست کتاب های کتابخانه مجلس و مطالعات منابع دیگر را آغاز کردیم و رده بندی کتاب ها و منابع خارج از ایران را برای هر قرن قبل و بعد از میلاد مسیح و دوران اسلامی تا قرن حاضر آغاز نمودیم و نام گیاهان دارویی را در متون مختلف از زبانی به زبانی دیگر غربال کردیم تا بتوانیم در حد امکان به نام اصلی و اولیه گیاه نزدیک شویم و از تغییرات آن در برخورد تمدن ها و تداخل فرهنگ ها به ویژه فرهنگ شرق و غرب در هر قرن آگاه گردیم و برگردان نام ها را نیز در زبان های این دوره ها از نظر دور نداریم و به شرح گیاهان در متون مختلف که غالباً غیر علمی و نا مفهوم و عجیب با نام گیاه بوده است دقت کردیم و برای فهم آن گاه به رمزگشایی واژگان در شرح ها پردازیم و در جریان این پژوهش گاه ناچار به ترجمه بخش بزرگی از کتب قدیمی و یا تمامی آن کتب دارویی بشویم، از آنجمله برگردان تمامی متن کتاب تفسیر دیسکورید و تنقیح الجامع ابن بیطار در متن این کتاب است که جا به جا دیده می شود. فهرست بقیه منابع مورد استفاده در پایان کتاب ذکر شده است.



## تاریخ شناخت گیاهان دارویی

آغاز شناخت گیاهان دارویی تمدن یونان و رم / غرب قدیم  
اگر از دوران ماقبل تاریخ بگذریم تاریخ کهن شناخت گیاهان دارویی به عهد عتیق و به دوران ارسطو بر می‌گردد.

ارسطو (۳۳۰ ق.م) اولین کسی است که آثار و مطالبی مکتوب مربوط به شناخت گیاهان دارد. البته قبل از او در آثار کهن مصر (حدود ۲۶ قرن ق.م) در «پاپیروس»ها (*Papyrus*) و «ابرز» (*Ebers*) مطالبی از گیاهان با شرح خاصی از موارد استفاده از آن‌ها باقی مانده است. ولی ارسطو نخستین اندیشمندی است که از رشد و نمو گیاهان، ماده سازی و از تفاوت آن‌ها و چگونگی استفاده آن‌ها از مواد خاک [سیاه خاک] مطالبی نوشته است. نوشته او بدون هیچ مبنای علمی تا چندین قرن بعد از او مورد قبول همه بود و حتی تدریس می شد.

«توفراست» یا «توفراستوس» شاگرد ارسطو که در سالهای ۲۵۸-۳۷۰ قبل از میلاد طیب بود [و بعدها به او پدر گیاه‌شناسی گفته‌اند]، علاوه بر آن که پیرو فلسفه استاد خود ارسطو بود تحت تأثیر نظریات «پلاتو» (*Plato*)<sup>(۱)</sup> استاد ارسطو نیز قرار داشت. او رده بندی بسیار ابتدایی از روی ریختار یا قیافه [*Habit*] گیاهان، چرخه رشد، یک ساله یا چند ساله بودن، شکل گل آذین و نحوه رشد آن و همچنین وضع گلبرگ‌های گل‌ها در کتابی به نام «هیستوریا پلانتاروم» (*Historia Plantarum*) بر مبنایی مبهم و ناشی از استنباطات نخود، دارد. او بر این مبنای تفکر ۴۸۰ گیاه را در کتاب مزبور رده بندی نمود که اساس آن کاملاً دور از حقیقت و واقعیت است. متأسفانه این نظر از ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تا قرن ۱۸ مآخذ و مبنای نگارش کتاب‌ها و آثار بسیار دیگر بود. توفراست به مقتضای شغل خود از گیاهان برای درمان استفاده می‌کرد. [متأسفانه آثاری در این مورد از او باقی نمانده است]

بعد از توفراست باید از بقراط یا «هیپوکرات» (*Hippokrates*) بزرگ‌ترین پزشک جهان باستان و هم عصر توفراست (۱۳۱ ق.م) نام برد که ادامه مکتب او بعدها منجر به مکتب طب جالینوسی شد. از این دانشمند که از گیاهان برای درمان استفاده می‌کرد مطالب و آثاری از نحوه درمان با گیاهان دارویی و یا توسط مواد گیاهی باقی مانده است.

بعد از این دانشمندان عهد عتیق می‌باید در سال‌های ۷۹ تا ۲۳ بعد از میلاد مسیح از «پلینی کهن» یا از «کارینوس پلینوس سکوندوس» (*Gaius Plinius Secundus*) یاد کنیم. او مجموعه آثاری در ۳۷ جلد به نام «تاریخ طبیعی» حاوی دانش‌ها و اطلاعات عصر و زمان خود دارد. ۹ جلد از مجموعه آثار او مربوط به گیاهان دارویی است که متأسفانه همه مطالب آن‌ها غیر واقعی و دور از حقیقت است. و جای تأسف است که تا قرن‌های بعد، یعنی تا پایان قرون وسطی آثار او سایه‌ای سنگین و تاریک بر بروز و ظهور آثار

علمی گیاه شناختی انداخته و سبب رکود این علم شده بود.

در همین عصر می‌باید از «دیوسکورید» [پدانیوس دیوسکوریدس] (*Pedanius Dioscorides*) طبیب و جراح، به ویژه جراح و طبیب ارتش روم در زمان نرون (در سال‌های ۷۵-۴۵ بعد از میلاد مسیح) اشاره کنیم که پس از ثوفراست، مشهورترین دانشمند در شناخت گیاهان دارویی دوران عتیق است. دیسکورید چون جراح ارتش امپراتوری روم بود همراه با ارتش مهاجم روم مسافرت‌های بسیاری به خارج از روم داشت. و از موقعیت این سفرها توانست از خواص گیاهان دارویی متداول در نقاط مختلف جهان آن روز اطلاعات فراوانی کسب کند و مجموعه اطلاعات و دانسته‌های خود را در کتابی معروف به نام «ماتریا مدیکا» (*Materia Medica*) که شامل شرح و خواص حدود ۶۰۰ گیاه دارویی است بنویسد. بعدها او با افزودن تصاویر جالب بر این کتاب کاربرد و معرفیت آن را بالا برد. نام ماتریا مدیکا [کتاب او] بتدریج کم رنگ و به نام خود او [دیسکورید] معروف شد. این کتاب در طول ۱۵ قرن به چنان شهرتی رسید که فقط گیاهان ذکر شده در آن اعتبار دارویی داشتند.

معروف‌ترین نسخه این کتاب پس از سال‌های طولانی از تاریخ انتشار آن، برای «جولیان» (*Juliana*) دختر امپراطور وقت روم «فلایوس اولی بریوس آئیویوس» (*Flavius Olybrius Anieius*) تهیه شد. نسخه‌های کلیشه‌ای این کتاب امروزه در کتابخانه‌های دنیا و نسخه اصلی و خطی آن در وین وجود دارد. در مورد این کتاب باید گفت با آن که خواص هر گیاه ذکر شده در آن فاقد هر گونه واقعیت علمی و پر از مطالب غیرواقعی است ولی تا یک قرن پس از هزاره میلاد مسیح همه آثار و کتب مربوط به گیاهان دارویی انتشار یافته در غرب غالباً ترجمه‌ای از دیسکورید و یا برگرفته از آن بود که ذکر همه آنها باعث اطاله مطالب ما است.

### پیشگامان و نامداران دانش شناخت گیاهان دارویی در شرق

هزاره اول میلاد مسیح دوران طلوع دانش گیاه‌شناختی در شرق است که تاریخی جدا از غرب دارد و با جنبه‌های کاربردی در درمان و تهیه داروهای گیاهی و مواد پزشکی معمول در شرق مشخص می‌شود. اما در عین حال بخشی از آن متأثر از شیوه‌های درمان غرب آن روز به ویژه روش دیسکورید و بخش عمده آن خاص شرق است. متأسفانه همه آگاهی‌ها و آشنایی‌ها به خواص داروها و گیاهان دارویی و همه دانستنی‌ها در مورد این گیاهان در شرق به علت عدم نشر آن‌ها [نسخه‌برداری‌های مکرر یا چاپ]، در داخل قوم‌ها و قبایل دور از هم سرزمین‌های شرقی و در سینه طبیبان، به صورت بسته و محدود باقی ماند و کمتر از آن خارج شد. بشریت وقتی در پژوهش‌های خود از این تجربیات گران قیمت قومی اطلاع یافت که جنگ‌هایی بین تمدن‌های ایران و روم، ایران و یونان و ایران و مصر و هندوستان و چین و سایر تمدن‌های آن روزی پیش آمد و موجبات تبادل اطلاعات و آگاهی از خواص گیاهان دارویی در بین این تمدن‌ها فراهم شد. مؤید این نظر، ریشه‌های متفاوت اسامی گیاهان دارویی است که گاه ایرانی و حتی محلی و قومی، گاه یونانی، عربی، هندی و یا چینی و غیره است. این اسامی به مرور زمان در هر کشور و در بین هر ملتی بر حسب زبان و حتی گویش‌های آنها غالباً دچار تغییرات متفاوت کم و یا زیاد کلامی شدند و اسامی تغییر یافته به سرزمین‌های دیگر یا حتی سرزمین منشاء منتقل گردید. در سرزمین ما متأسفانه در لشکرکشی اسکندر و حمله اعراب کتابخانه‌ها دوبار دچار آتش سوزی و انهدام شدند و همچنین کتابخانه مشهور اسکندریه در آتش سوزی عمدتاً نابود شد و بیشترین منابع و آثار و کتاب‌های

جمع آوری شده در آن سوخت و خاکستر شد، بدین ترتیب سوابق گیاهشناسی شرق کهن در دو تمدن ایران و مصر بر اثر این آتش‌سوزی‌ها فاقد هرگونه مدارک دیرینه شناخت گیاهان دارویی و خواص آن‌ها گردید. متأسفانه بعدها نیز بر اثر تخریب قلاع فرقه اسماعیلیه و آتش زدن کتابخانه‌های آن به وسیلهٔ هلاکوخان مغول، بقیهٔ آثار مکتوب گیاهان دارویی که توسط این فرقه جمع آوری شده بود از میان رفت.<sup>(۱)</sup>

آغاز کاربرد وسیع گیاهان دارویی و رونق و گسترش آن در کشورهای شرقی به خصوص در دوره اسلامی به زمانی که شرق به کارها، نوشته‌ها و ترجمه‌های آثار بقراط، جالینوس و کتاب‌های دیوسکورید و پلین کهن و دیگران دسترسی پیدا نمود مربوط می‌شود. زیرا کارها و آثار این دانشمندان یونانی مستقیماً از طریق سوریه به شرق رسید و در اوایل قرن سوم میلادی در «بیت الحکمة» به عربی ترجمه شد. «بیت الحکمة» در سال ۳۳۲ هجری مطابق با ۸۴۷ میلادی، بوسیله «المأمون» خلیفه عباسی در بغداد تأسیس شده بود و به وسیلهٔ جانشینانش به خصوص «المتوکل» مورد حمایت و توجه بیشتر قرار گرفت. منابع ترجمه شده «بیت الحکمة» توسط پزشکان این دوره و پزشکان ادوار بعدی، چه به صورت نظری و چه به صورت عملی مورد استفاده قرار گرفت و بسیاری از اسامی یونانی گیاهان دارویی معرب شد. برخی اطلاعات مکتوب و ترجمهٔ این آثار، یکی از منابع اصلی و مهم مورد استفاده و استنباط پزشکان و داروسازان ایران، عرب، یهود، مسیحی و غیره را تشکیل داده است. کتاب گیاهان یا «الحشایش» یکی از مهم‌ترین ترجمه‌های این منابع است که در واقع همان ترجمه «ماتریا مدیکا» دیوسکورید است و از آن زمان و حتی تا همین اواخر به عنوان طب سنتی همیشه مورد استفاده قرار می‌گرفت و هنوز هم از آن استفاده می‌گردد. ترجمه «ماتریا مدیکا» در واقع توسط «استفان بن بسیل» با کمک استادش «حنین بن اسحاق» که پزشک و مترجم بود صورت گرفت. در کتاب الحشایش شرح حدود ۶۰۰ گیاه که عمدتاً مربوط به نواحی مدیترانه هستند مذکور است و اسامی آن‌ها به زبان‌های دیگر نیز آمده است یکی از ویژگی‌های این کتاب ذکر اختصاصات «ریخت شناختی» گیاهان دارویی است و خواص پزشکی آن‌ها نیز ذکر گردیده است.

«علی ابن سهل ربن طبری» در سال ۲۳۶ هجری برابر با ۸۵۰ میلادی کتاب «فردوس الحکمة» را به نام «المتوکل» خلیفه عباسی تدوین نمود. او در این کتاب ۲۰ گیاه جدید و مواد گیاهی را که دانشمندان یونانی نمی‌شناختند، با نام‌های فارسی و عربی ذکر می‌کند و بر آنچه دانشمندان یونانی نام برده بودند می‌افزاید.

از دیگر دانشمندان مهم عرصهٔ گیاه شناختی دارویی، می‌باید از «یوحنا بن ماسویه» پزشک و گیاه‌شناس ایرانی و یکی از آخرین استادان و پزشکان نامی دانشگاه جندی شاپور اِبه وسیله خسرو نوشیروان بنا شده بود] در سال ۲۴۳ هجری برابر با ۸۷۵ میلادی نام برد. کارهای علمی و کتاب «معرفی نامه داروهای گیاهی» این دانشمند و دیگر پزشکان هم عصر او مانند «عیسی بن ماسه» در سال ۲۵۷ هجری مطابق با ۸۸۸ میلادی و همچنین «ابوزید ازجانی» و برخی دیگر کاملاً از بین رفته و نابود شدند. از اهمیت کارهای ارزشمند این دانشمندان همین بس که پزشکان و دانشمندان بعد از آن‌ها در آثار خود

۱- فرقه اسماعیلیه با صدور گیاهان دارویی به نقاط مختلف ایران و کشورهای جهان آنروز نوعی تجارت مخفی برای رفع نیازهای مالی پیروان خود در نواحی مختلف داشت و به همین علت به آن‌ها «حشاشیون» می‌گفتند. این نام به علت ترورهایی که افراد این فرقه مرتکب می‌شدند بعدها در غرب به اساسین یا تروریست مشهور شد.

اشاراتی بر کارهای ارزنده آن‌ها دارند و در برخی از تألیفات خود از کارها و آثار این دانشمندان با اهمیت خاصی نام می‌برند از جمله این دانشمندان «ابن بیطار» است که در کتاب خود معروف به «الجامع لمفردات الادویه والتغذیه» از کارهای «یوحنا» که یکی از قدیمی‌ترین کارهای ارزنده در ایران است و در آن بیش از ۲۹ رقم از گیاهان دارویی و مشتقات آن‌ها و برخی از گیاهان معطر که ارقام جدیدی در آن زمان بوده‌اند و در آثار یونانی‌ها و پزشکان اسلامی دیده نمی‌شود، نام می‌برد.

یکی از دانشمندان نامی ایران «محمد بن زکریای رازی» است. این دانشمند بزرگ ایرانی (سال‌های ۲۵۰ تا ۳۱۳ هجری قمری مطابق با ۹۲۵ تا ۸۶۴ میلادی) نه تنها در کارهای مربوط به گیاهان دارویی مطالعات عمیق داشته است بلکه نخستین دانشمندی است که تمام کارهای فارماکولوژی و همه واژه‌هایی که تا آن زمان چه از دانشمندان غرب و چه از دانشمندان شرق باقی مانده بود را مورد مطالعه و بحث قرار داد و دایرة المعارفی در درمان شناسی به نام کتاب «الحاوی فی الطب» و کتاب خلاصه پزشکی، به نام «المنصوری» و کتاب دیگری به نام «منافع لاغذیه و دفع مضارها» را نوشت. این کتاب‌ها و بقیه آثار او مخزن و مرجع مهم اطلاعات گیاه شناختی برای نسل‌های متمادی در شرق و غرب بوده است. آثار این دانشمند به زبان‌های دیگر به ویژه به زبان لاتینی نیز ترجمه شده و در کتابخانه‌های دانشگاه‌های غرب و حتی کتابخانه‌های کلیساهای معروف جهان باقی مانده است «محمد بن زکریای رازی» حدود ۶۳۰ گیاه را که مصرف پزشکی و دارویی دارند در بخش بیست و یکم کتاب «الحاوی» ذکر می‌کند.

«علی بن عباس مجوسی ازجانی» از دیگر دانشمندان عالیقدر ایرانی است که پزشک مخصوص عضدالدوله بود. او در کتاب «کامل الصناعات الطبییه»، خود را شاگرد «ابوماهر موسی بن یوسف بن سیار مجوسی» معرفی می‌کند. جالب‌ترین بحث این کتاب آن است که «ازجانی» در آن از پزشکان یونانی و مقلد اسلامی آن‌ها انتقاد کرده و به نظر او بسیاری از نظرهای فارماکولوژی و به ویژه نام گیاهانی که آن‌ها در کشورهای شرقی نامبرده‌اند قابل تشخیص و شناسایی نمی‌باشد. او شیوه‌های مداوا را که خود به کار می‌برده است، در این کتاب شرح داده و از داروهایی نام می‌برد که قبلاً مکرر به وسیله پزشکان پارسی و عراقی تجربه شده و به کار می‌رفته است. «ازجانی» در این کتاب بسیاری از داروهای ذکر شده به وسیله پزشکان یونان قدیم را مردود می‌شناسد. او می‌گوید پزشکان فارسی و عراقی آن‌ها را مصرف نمی‌کنند. در کتاب و آثار مجوسی حدود ۳۳۳ گیاه و مشتقات گیاهی دیده می‌شود که شرح مختصر آن‌ها تقریباً همان شیوه شرح جالینوسی است. از ارزنده‌ترین آثار مجوسی نوعی رده‌بندی گیاهان دارویی در کارهای او است که کار شناسایی این گیاهان را عملی و آسان می‌سازد. او در واقع اولین بنیانگذار رده‌بندی نوع «کیمیاو تاکزونومی» است. زیرا طبق خواص گیاهان، آن‌ها را به ۱۳ گروه و یا طبقه تقسیم کرده است مانند:

- ۱ - سبزیجات (بقول) نظیر بادرنجبویه، (*Melissa officinalis*)، ریحان یا «بارزوج» (*Ocimum Sp.*)، اسفناج (*Spinach*)
- ۲ - علفیها یا «حشایش» مانند «برنجاسف» یا درمنه (*Artimisia Vulgaris*)، شاهتره (*Fumaria Sp.*)، بادآورد (*Volutarella divaricata*)، پرسیاوشان (*Adiantum capillus veneris*) و غیره
- ۳ - گیاهانی که بذیشان مصرف می‌شود، مانند پنج انگشتی (*Vitex angus-castus*)، سیاهدانه (*Nigella*)

- ۴- گیاهانی که دانه‌های مصرفی دارند (حبوب)، مانند «ماش» (*Vicia*) «کاکنج» یا عروسک پشت پرده (*Physalis alkekengi*)
  - ۵- سبزیهایی که میوه‌هایشان مصرف می‌شود (سماز)، مانند بادمجان (*Solanum melongena*)، بطیخ هندی یا هندوانه (*Citrulus vulgaris*) و غیره.
  - ۶- درختان بلند و درختچه‌ها، که شامل درختان باغ و درختان کاشته شده با میوه‌های خوراکی هستند، (شجر) نظیر فندق «فتق» یا پسته، گردو، نارگیل، اترج و غیره
  - ۷- درختان وحشی که میوه آن‌ها قابل استفاده نیست، چون «گازمارچ» یا گز (*Tamarix*)، سپستان<sup>(۱)</sup>، شاه بلوط<sup>(۲)</sup> و غیره.
  - ۸- گیاهانی که گل‌هایشان مورد استفاده قرار می‌گیرد، مانند: نسترن (*Rosa sp.*)، نیلوفر آبی (*Nymphaea*) و بید مشک (*Salix aegyptica*) و غیره.
  - ۹- گیاهانی که برگ‌های مورد مصرف دارند، مانند آزاد درخت<sup>(۳)</sup>، سرو و زرین درخت.
  - ۱۰- گیاهانی که پوست و ریشه قابل استفاده دارند، مانند «پهن» (*Centaurea behen*) نوعی گل گندم، دیودار، سورنجان (*Colchicum*) و غیره.
  - ۱۱- گیاهانی که بن (ریشه، غده، پیاز و ریزوم) قابل استفاده دارند، مانند بصل یا پیاز، سلجم یا شلجم و غیره.
  - ۱۲- گیاهان روغنی که از آن‌ها روغن می‌گیرند (دهن)، مانند یاس زنبقی (*Jasminum sambac*)، بالسان<sup>(۴)</sup> یا بالم و غیره.
  - ۱۳- گیاهانی که انواع صمغ‌ها را از آن‌ها می‌گیرند، مانند «افیون» (*Opium*)، اندروت (*Sarcocolla*) کهربا (عنبر زرد) و نیل و غیره.
- «کتاب النبات ابوحنیفه دینوری»، (۲۸۳ ه.ق.) از جمله آثار ارزنده آن سال‌هاست. این کتاب دارای دو بخش یا دو قسمت متمایز است، بخش اول آن واژه‌شناسی (ترمینولوژی) عربی در موضوعاتی است که کم و بیش با گیاهان ارتباط دارد. دینوری در این قسمت از کتاب برای هر یک انواع گیاهان، فصل‌هایی جداگانه تخصیص داده است. در قسمت دوم کتاب او در کاربرد گیاهان، به ترمینولوژی عربی و نام‌های مترادف گیاهان توجهی خاص دارد. در قسمت اول و همچنین در فصل‌هایی از این کتاب در مورد قارچ‌ها و گیاهانی که در رنگرزی و عطرسازی به کار می‌روند و همچنین گیاهان دارای صمغ و گیاهان قابل استفاده در دباغی و گیاهانی که از الیاف آن‌ها برای تهیهٔ ریسمان، نساجی و یا موارد دیگر در صنعت استفاده می‌کنند، نام می‌برد. فهرست الفبایی این کتاب شامل یازده حرف یعنی از حرف «الف» تا حرف «ز» و شامل ۴۸۲ باب است که ۴۴۰ باب آن مربوط به گیاهان و واژه‌های گیاهی است. بقیهٔ باب‌های این کتاب به مترادف‌ها، منابع، موضوعات اصلی، اظهارنظرها و یادداشت‌های کوتاه مربوط می‌شود.
- م. حمیدالله - در واقع ویراستاری است که با افزودن ۱۴۵ باب به کتاب النبات، مجموع باب‌های آن

۱- سپستان *Cordia myxa* L. و انبره *Cordia dicotoma* Boiss. دارای میوه با لعاب داروئی هستند و در تهیه چسب نیز از آن استفاده می‌کنند.

۲- شاه بلوط *Casanea sativa* Mill. دارای میوه خوراکی است.

۳- میوه و دانه‌های آزاد درخت یا چریش با نام علمی دارویی *Melia azadaracha* L. هستند و خاصیت حشره‌کش دارند.

۴- بالسام به ماده رزینی از گیاه *Abies balsama* (که در کانادا می‌روید) گویند.

را به ۶۳۷ باب که ۵۰۷ باب آن به گیاهان و ۱۳۰ باب به مترادف‌ها و منابع اختصاص دارد. «کتاب النبات» عمدتاً شامل گیاهان سرزمین‌های عربی و ضمناً حاوی اطلاعاتی چند از گیاهان غیر بومی و خارج از فلات و گیاهان ایرانی و نام‌هایی معادل برای نام‌های عربی است.

ابومنصور موفق هروی، (۳۰۷ هجری مطابق با ۹۸۰ میلادی) صاحب کتاب «الابنیه عن حقایق الادویه» از دیگر دانشمندان هم عصر با مجوسی است. به ویژه کتاب او اولین اثر فارسی در معرفی مواد پزشکی و تغذیه به شمار می‌آید. او ۴۵۰ گیاه و مشتقات آن را در کتاب خود معرفی کرده است. هروی در تألیف این کتاب معتقد است، تمام کتاب‌های فارماکولوژی یونانی و اسلامی پیشینیان خود را همراه با کارهای برخی از پزشکان هندی به دقت مطالعه کرده است. به همین علت کتاب او حاوی بسیاری از گیاهان دارویی با نام‌های هندی است که او آن‌ها را به نام‌های فارسی و یا معرب نام می‌برد. مانند اسامی فوفل، هل بویا، کبایه، قولنجان و زردچوبه و غیره.

«ابن سینا» (سال‌های ۳۷۰ تا ۴۲۸ هجری مطابق با ۹۸۰-۱۰۳۷ میلادی)، دانشمند و پزشک نامدار ایرانی که در غرب او را به نام «اویسینا» می‌شناسند و پس از انقراض تمدن یونان او را بزرگ‌ترین دانشمند جهان و به اشتباه عرب دانسته‌اند. (چون کتاب‌های او به عربی نوشته شده است) در جلد دوم کتاب «قانون فی الطب»، بیش از ۸۰۰ نمونه گیاه طبی و غذایی را نام می‌برد که از آن میان ۵۴۱ گیاه و مشتقات آن‌ها دارای توصیف کاربردی و صفات ریخت شناختی هستند. او اختلاف شکل و صفات گیاهان مشابه و یا نزدیک به هم را (برای اجتناب اشتباه آن‌ها از یکدیگر) با توجه خاصی در کتاب قانون توضیح می‌دهد و در مورد چگونگی استفاده از مشتقات گیاهان دارویی و کاربرد آن‌ها، با ترتیبی خاص، معین و نظام یافته به شرح و تفصیل آن‌ها می‌پردازد.

«ابوریحان بیرونی» (۳۶۲ تا ۴۴۰ هجری مطابق با ۹۳۷ تا ۱۰۴۸ میلادی)، این دانشمند نامی هم عصر ابن سینا مؤلف کتاب معروف «صیدنه فی الطب» است. کتاب صیدنه در نوع خود کتابی جامع و کامل است و در میان تمامی کتاب‌ها و نوشته‌های دانشمندان و فرهنگ‌های دوره اسلامی به عنوان اثری بی نظیر ذکر شده است. بیرونی با اطلاعات وسیعی که در شناخت گیاهان داشته است، با بهره‌گیری از کارهای مؤلفان بزرگ گذشته، به ویژه آشنائی با «ماتریا مدیکا» دیوسکورید و دانشمندان هم عصر خود و با گلچین نمودن و اخذ چکیده‌ای از آن‌ها و افزودن اطلاعات وسیع خود، کتاب «صیدنه» را تدوین و تألیف نمود. مواد پزشکی معرفی شده در صیدنه علاوه بر تمام مواد پزشکی موجود و شناخته شده قبل از او حاوی بسیاری از مواد پزشکی دیگری است که بیرونی خود بر آن افزوده است. در صیدنه به جز برخی مترادف‌ها (سینونیم) و ارجاع‌ها (رفرنس) حدود ۷۷۰ گیاه با مشتقات و صفات درمانی شرح داده شده است. اهمیت دیگر و منحصر به فرد صیدنه، فراوانی بی‌سابقه نام‌ها و اسامی معادل گیاهان است. بیرونی در صیدنه نه تنها نام‌های معادل زبان‌های سنتی (کلاسیک) زمان مانند یونانی، لاتینی، سیریاک، عربی، ایرانی و ترکی را به کار برده است. بلکه نام‌های موسوم در نواحی مختلف را با همان لهجه‌های محلی رایج عصر خود (مانند لهجه‌های بلخی، بخارایی، گرگانی، خوارزمی، سیستانی، بخارستانی و زابلی)، ذکر کرده و نام‌های هندی، سغدی را نیز جمع آوری نموده است. منظور بیرونی از ذکر نام‌های محلی همراه با نام‌های سنتی رایج، شناخت بهتر گیاهان دارویی و جلوگیری از اشتباهات متداولی بود که پیوسته از ترجمه نام‌های گیاهان از یک زبان به زبان دیگر مثلاً از سیریاک به عربی و یا از یونانی به سیریاک و عربی، از عربی به ایرانی و از ایرانی به زبان‌های دیگر پیش می‌آمد و مرتباً نیز در ترجمه‌ها

تکرار می شد. اگر به افزایش ورود گیاهان دارویی جدید و داروهای اخذ شده از آن‌ها در زمان بیرونی توجه کنیم، آن وقت به اهمیت و ارزش کار این دانشمندان در ثبت نام‌های محلی گیاهان دارویی در صیدنه آگاه خواهیم شد. بیرونی در تنظیم اسامی گیاهان در کتاب صیدنه از کتاب‌های لغت و مترادفات گیاهان که امروزه مفقود شده بهره گرفته است.

**ضیاءالدین ابومحمد ابن بیطار المالقی** معروف به ابن بیطار، متولد الماقه اندلس در نیمه دوم قرن ششم هجری معروف از دانشمندان بنام در شناخت گیاهان دارویی و درمان با این گیاهان است. ابن بیطار دارای کتاب «الجامع ابن بیطار» است. از دیگر آثار او «تفسیر دیسکورید» و «تنقیح الجامع» است. ابن بیطار در کتاب الجامع به نقد دانش شناخت گیاهان دارویی دانشمندان قبل از خود پرداخته و آن‌ها را نقد نموده است. ابن بیطار در اصل مدرس علم شناخت گیاهان دارویی به ویژه تدریس کتاب ماتریامدیکا دیسکورید و کتاب جالینوس در دمشق بود. او بسیار سفر می‌کرد و به زبان‌های عربی و یونانی تسلط کامل داشت و نام‌های یونانی را با همان تلفظ به شاگردان خود می‌آموخت. او وقتی گیاهی را در کتاب تفسیر دیسکورید نام می‌برد ولی خود آن را ندیده و نمی‌شناخته این عدم اطلاع و شناخت خود از آن گیاه را با صراحت یاد می‌کند.

**قاسم ابونصر هروی** مولف «کتاب ارشاد الزراعه» (سال ۹۲۱ هجری مطابق ۱۵۱۵ میلادی)، تقریباً اولین ایرانی است که علاوه بر ذکر گیاهان دارویی در این کتاب، به گیاهان کشاورزی و زراعی و درختان میوه نیز در کتاب خود توجه کرده است. در کتاب ارشاد الزراعه ۷۹ گیاه از غلات، سبزی‌ها، میوه‌ها، درخت‌ها، درختان زینتی، گل‌ها و گیاهان دارویی ذکر و شرح داده شده است. تحولی که در کتاب ارشاد الزراعه نسبت به زمان خود دیده می‌شود، پایدی هروی به مفهومی نزدیک به گونه یا نوع گیاه است که تا آن زمان تقریباً به طور مبهم وجود داشت. او گیاهان را به اقسام و جورهای (وارته‌ها) کاشته شده تقسیم کرده، سپس به تفصیل به شرح گیاهان کاشته شده که خود می‌شناخت می‌پردازد. هروی در نگارش شرح‌ها دقت خاصی که معرف دید علمی او است مبذول می‌دارد. مثلاً برای انگور نزدیک به ۱۰۰ وارته (کلتیوار) برای خریزه ۵۸، برای زردآلو ۳۳، برای گندم و سیب ۱۹، برای کدو ۱۴، برای هندوانه ۶ جور یا وارته ذکر می‌کند. بدیهی است وارته یا جورهایی که او برای این گیاهان شرح می‌دهد همان ارزش واحدهای تاکسونومی امروز را ندارد.

**محمد مومن تنکابنی** (۱۰۷۷ تا ۱۱۰۵ هجری مطابق ۱۶۶۷ میلادی)، حکیم و پزشک شاه سلیمان صفوی یکی از دانشمندان و شخصیت‌های برجسته تاریخ فارماکولوژی گیاهی ایران است. تنکابنی در کتاب خود به نام «تحفة المومنین» مواد پزشکی یونانی - اسلامی، را که بیشتر شامل گیاهان دارویی است، از منابع یونانی و اسلامی اخذ و بر آن مواد هندی را اضافه کرد و همه آن‌ها را با نتایج تجربیات و کشفیات خود تلفیق نمود و بر آن‌ها با نظم الفبایی شرح نوشت. این کتاب نزدیک به ۵۷۵۰ عنوان دارد و شامل ۱۵۲۰ باب اصلی است که ۹۴۰ باب آن به گیاهان دارویی و مشتقات آن‌ها تخصیص دارد. از ویژگی‌های دیگر کتاب تحفة المومنین وجود نزدیک به ۴۲۳۰ نام‌های مترادف و مشابه گیاهی از زبان‌های مختلف یونانی، عربی، عبری، سریانی و بعضی لهجه‌ها و گرایش مختلف خراسانی، اصفهانی، مازندرانی و گیلکی (خزری)، ترکی و هندی و غیره در آن است. شرح گیاهان در این کتاب گاه کوتاه و گاهی نیز نسبتاً مفصل است. به ویژه وقتی گیاه مورد شرح، شباهت نزدیک با گیاهی دیگر داشته و یا چند رقم (وارته) مختلف داشته باشد، معمولاً دارای شرح و تفصیل بیشتری است تا در شناخت آن اشتباه



پیش نیاید. تنکابنی یک محقق بود و برای دریافت و کسب اطلاعات بیشتر از گیاه مورد نظر، مبادرت به کاشت آن می نمود. او در شرح ریختار (مورفولوژی) گیاهان دقت خاصی داشت. به عنوان مثال او در شرح «جوز ماتل» (معادل عربی گیاه تاتوره)<sup>(۱)</sup> چنین می نویسد: «این گیاه هم وحشی است و هم کاشته می شود. ارتفاع یا قد آن به اندازه بوته بادمجان ولی برگ‌های آن کمی از بادمجان کوچک تر است. گل‌های آن سفید و شبیه گل نیلوفر ولی از آن کمی بزرگ تر است. میوه «جوز ماتل» به بزرگی گردو و مانند میوه‌های کوچک خاردار است. دانه‌های درون میوه مشابه دانه سماق و همان بخش مورد مصرف گیاه با طعم خوشمزه است». او همراه با شرح ریخت شناختی گیاه به تفصیل به شرح خواص دارویی گیاه می پردازد و سپس به نام‌های مترادف آن مانند جوز قائم، جوزماتا و دهاتورا (که نام هندی آن است) اشاره می کند.

محمد حسین عقیلی خراسانی (۱۱۸۳ هجری مطابق با ۷۰-۱۷۶۹ میلادی)، مؤلف آثاری ارزنده چون «مخزن الدویه» و «ذخایر ترکیب» است که مجموعاً به نام «قربادین کبیر» شناخته می شود. این دو کتاب عقیلی مجموعاً فرهنگ بزرگ و جامعی در موضوعات فارماکولوژی ایران تا آن زمان است. کتاب مخزن الدویه عقیلی تفصیلی نظام یافته (سیستماتیک) از کتاب تحفة المومنین تنکابنی است که عقیلی اطلاعات دیگری از منابع دیگر را که ظاهراً برای تنکابنی ناشناخته بود، بر آن افزوده است به طور مثال «الادویه القلبیه» ابن سینا و بعضی کارهای پس از تحریر تحفة المومنین و مواد پزشکی هندی را مانند «اکونیت» «بلادور» و «دیودار» و همچنین ذکر نظریات و مشاهدات و تجربیات شخصی نویسنده از این جمله‌اند. از ویژگی‌های کار عقیلی در تألیف این کتاب، به کارگیری نام‌های لاتینی و واژه‌های غربی است که با همان تلفظ غربی در آن آمده است. او نام‌ها و واژه‌های لاتینی و علمی را برای شناسایی و تشخیص بهتر گیاهان به کار می گیرد. به کارگیری نام‌های انگلیسی و علمی گیاهان دارویی توسط عقیلی توجه او را به کار دانشمندان انگلیسی که در آن زمان در هندوستان در امور فارماکولوژی و گیاه‌شناسی فعالیت داشته‌اند می‌رساند و نشانی از وجود نوعی نشر دانش در آن زمان است.

#### دیناس و آغاز تحول دانش شناخت گیاهان دارویی در غرب جدید

بعد از آثار این دانشمندان که در حقیقت دوران شکوفایی علم در شرق و عصر دوران فضای اندیشه باز اسلامی در مقابل فضای بسته تفکر قرون وسطی غرب (کلیسای اروپا) دارد. یکباره با پیدایش رنسانس و تحولات علمی در غرب، چنان جهشی در اروپا به وجود آمد که حتی کلیسا و کشیش‌ها هم به علم تجربی، به ویژه به شناخت گیاهان دارویی و به مطالعه و پژوهش خواص آن‌ها پرداختند. این گروه که عمدتاً همان حشاشین (هربالیست) غرب بودند برای درمان از گیاهان دارویی جمع‌آوری کرده از طبیعت استفاده می کردند و در بین همین هربالیست‌ها، دانشمندان و محققان بزرگی برخاستند که انتشار آثار آنان سبب اعتلای علمی غرب یا اروپا شد. این دوره، آغاز تجربه شناخت علمی گیاهان همراه با توصیف دقیق و همچنین آغاز شرح نویسی علمی برای انتقال بهتر آگاهی‌ها و دانسته‌ها از گیاهان بود و هر سال نیز این آگاهی‌ها فزونی می‌یافت.

در سطور زیر روند توسعه دانش شناخت گیاهان دارویی را در غرب با ذکر آغازگران تحول این دانش،

۱- نام علمی تاتوره *Datura stramonium* و به احتمال زیاد *Datura innoxia* است.

شیوه‌های آنان در بهره‌گیری از گیاهان دارویی، به ویژه نحوه معرفی علمی این گیاهان توسط آن‌ها را یادآورد می‌شویم.

«آلبرت ماگنیوس» (*Albertus Magnus*)، این کشیش که در نوشته‌ها به «آلبرت بوستادت» بیشتر معروف است. در سال‌های ۱۲۸۰-۱۱۹۳ [بعد از ابن‌سینا و بیرونی در ایران] در بحران فکری قرون وسطی اروپا، در باره طب و تاریخ طبیعی و همچنین گیاه‌شناسی کتابی به نام رستنی‌ها [دو و ژتابلیس] (*De vegetabilis*) را نوشت. محتویات و نحوه نگارش این کتاب به خوبی نشان می‌دهد که آلبرت کبیر نیز تحت تأثیر شدید تئوفراست و دیگر دانشمندان و قدمای رم و یونان [مورد قبول کلیسا] قرار داشت و در عین حال برخی مشاهدات خود را نیز در این کتاب آورده است.

«اتوبرونفلس» (*Otto Brunfels*) (۱۴۶۴-۱۵۳۴م) این دانشمند ابتدا کشیش بود، بعد معلم شد و دومرتبه به کلیسا روی آورد و در آخر طبابت را انتخاب کرد. او برخی از گیاهان اطراف خود را جمع‌آوری نمود و به شناخت آن‌ها پرداخت و با شرح و تصاویر آن‌ها را منتشر کرد. شرح گیاهان در کتاب او بسیار ساده، عاری از هرگونه دیدگاه علمی است ولی حاکی از خواص درمانی، ارزش غذایی، طبخی، صنعتی و در واقع بیان ساده جنبه‌های کاربردی و برخی خواص غیر عادی و یا دارویی گیاهان است. برونفلس را در غرب پدر حشاشین یا طبیبان علفی (*Herbalist*) و درمان‌کنندگان با گیاهان طبیعی می‌شناسند. از کارهای برجسته او نگهداری نمونه‌های خشک کرده گیاهان جمع‌آوری شده بود و در واقع نخستین پایه‌گذار هرباریوم در جهان است. هرباریوم برونفلس مجموعه‌ای از گیاهان خشک شده، همراه با تصاویر بود و بیشتر گیاهان معرفی شده توسط تئوفراست، پلینی و دیوسکوریت را در برداشت. او در مورد این کار، کتابی به نام «هرباریوم ویواایکونس» (*Herbarium viva eicones*) را به چاپ رساند که از برجسته‌ترین آثار منتشر شده قرن شانزدهم اروپا (آلمان) است و شامل مطالبی در دسته‌بندی گیاهان گیاهان بی گل و گلدار است.

«والریوس کوردوس» (*Valerius Cordus*) از اهالی آلمان از حشاشیون (هربالیست‌ها) هم عصر اتوبرونفلس است (۱۵۴۴-۱۵۱۵ میلادی) کتاب «هیستوریا پلاتاروم» او علاوه بر داشتن نام ۴۴۶ گیاه دارویی، دارای شرح علمی و سیستماتیکی گیاهان است و ۲۰ سال پس از مرگ او چاپ شد.

«لئونارد فوکس» (*Leonard Fucsia*) از اهالی آلمان، از دیگر هربالیست‌ها است و کتابی در مورد گیاهان بویژه گیاهان دارویی به نام «دو هیستوریا استیپریوم» (*De historia stiprium*) دارد که در آن علاوه بر شرح نسبتاً مبسوط گیاهان تصاویر آن‌ها نیز برای شناسایی بهتر آنها دیده می‌شود. این کتاب یکی از ارزنده‌ترین آثار دوره رنسانس است.

گذشته از او در این دوره باید از «ویلیام تورنر» (*William turner*) انگلیسی (۱۵۶۸-۱۵۱۰ میلادی) و از «رابرت دو دونس» (*Rambert Dodoens*) آلمانی (۱۵۱۷-۱۵۸۵ میلادی) و از «شارل دولکلوس» (*Charles de l'Ecluse*) و «جان جرارد» (*John Gerard*) انگلیسی در سالهای (۱۵۴۲-۱۶۱۲ میلادی) نام برد که کار و آثار هر یک از آن‌ها موجب شکوفایی علم گیاه‌شناختی در دوران رنسانس شد. از زمان این دانشمندان به بعد معرفی گیاهان دارویی همراه با شرح آن‌ها، جنبه علمی تازه‌ای پیدا کرد و به دانش وسیع‌تر یعنی علم گیاه‌شناسی منجر شد. به تدریج که بر تعداد گیاهان جمع‌آوری شده افزوده می‌شد تفکیک و تمایز آن‌ها از هم دشوارتر شده و ضرورت طبقه‌بندی به طریق ویژه و با روش‌های علمی تازه با نام علم رده‌بندی (تاگزونومی) برای شناسایی گیاهان پیش آمد. از این پس تا زمان لینه و حتی بعد از او

نیز که گیاه‌شناسان طبیب و یا داروساز بودند، انگیزه اصلی آن‌ها شناسایی گیاهان دارویی بود. ولی از آنجا که تعداد گیاهان دارویی بسیار زیاد شده بود و مجموع گیاهان جمع آوری شده نیز به چند هزار می‌رسید. لذا پژوهش در ریختار و خصوصیات کل گیاه [جدا از دارویی بودن یا نبودن آن‌ها] برای تفکیک آن‌ها از یکدیگر، در امر رده‌بندی گیاهان مقوله‌ای جدی و الزامی شد و از آن پس گیاه‌شناسانی که قبلاً فقط با گیاهان دارویی سرکار داشتند پا را فراتر نهاده پژوهش در نحوه طبقه‌بندی گیاهان را در پیش گرفتند و این سرآغاز علمی مستقل به عنوان علم رده‌بندی گیاهان شد. از این پس برای دستیابی به یک رده‌بندی واقعی و کارآمد و شناسایی هر چه بهتر گیاهان توجه به کلیه خصوصیات رستنی‌های سطح زمین امری ضروری و الزامی گردید و پژوهشگران این مسیر، به تدریج به مرزهای جدید و تازه‌ای در علم گیاه‌شناسی رسیدند که هر یک از آن‌ها سرآغاز رشته‌ای تازه شد و دانش ساده [فقط] شناخت نام و هویت گیاه، تبدیل به علوم گیاهی گردید.

در پایان نیمه اول قرن بیستم، با رایج شدن مواد پزشکی ساخته شده (سنتتیک) و شناخت مواد مؤثر درمانی گیاهان و استخراج و تعیین فرمول آن‌ها برای استفاده به عنوان دارو، ساخت مصنوعی این مواد وارد بازار شد و سبب تغییر در آموزش پزشکی گردید از این پس با پیشرفت علم درمان و فنون جراحی و به بازار آمدن داروهای گوناگون ساخته شده با تعیین «دز» مصرف، به ویژه تأثیر سریع آن‌ها در درمان، همه سبب شد تا استفاده مستقیم از گیاهان دارویی [روشهای طب قدیم (سنتی)] به تدریج به دست فراموشی سپرده شود.

### تحولات طب در نیمه دوم قرن بیستم

هر چند تحول اساسی در نحوه درمان و علم طب با شناخت علل پاره‌ای از بیماری‌ها از زمان پاستور آغاز گردید و موضوع کشف میکرب و باسیل و نقش آن‌ها در ایجاد برخی از بیماری‌های عفونی و به ویژه اهمیت واکسن و سرم در پیشگیری و درمان برخی از این امراض کاملاً مسلم شد و علم طب مرزهای تازه‌ای پیدا کرد ولی، کشف آنتی بیوتیک‌ها و اثر قاطع و معجزه آسای آن‌ها در درمان فوری عفونت‌ها [قبلاً علاج آن‌ها اگر ممکن بود بسیار مشکل میسر می‌شد] مسیری دیگر بود و از آن پس دانش میکروبیولوژی، بیوشیمی و شناخت آنزیم‌ها و هورمون‌ها توسعه‌ای غیرقابل پیش بینی پیدا کرد و به مرزهای تازه رسید. الگوهای ساختار مولکول‌های حیاتی و عوامل ژنتیکی برخی از بیماری‌های سرشتی، قابل پیش‌بینی شد و مسئله آگاهی‌های جدید هر روزه پزشکی و درمان قطعی بیماری‌ها چنان بُعد حیرت‌آوری پیدا کرد که تا دهه‌های پیش حتی تصور آن به ذهن نمی‌آمد. با کشف داروهای تازه در هر روز و چاره‌های جدید در درمان بیماری‌هایی که قبلاً کشتار می‌کرد و همچنین پیشرفت تکنولوژی در ساخت دستگاه‌های پزشکی، چه در مورد معاینات و چه در اعمال جراحی‌های حیرت‌آور، مرزهای تازه‌ای از علم طب را در مقابل پژوهشگران قرار داد.

طب ایران نیز در راستای تحولات جهانی علم طب از زمانی که اطبای تحصیل کرده ایرانی از خارج به وطن آمدند و با خود فرهنگی از طبابت غرب (طب جدید) و آموخته‌هایی تازه آوردند. این ره آورد سبب شد تا طب سنتی ایران نیز مانند همه جای دیگر در آستانه تحول و جذب پزشکی جدید و تأثیرات سریع آن قرار گیرد. پزشکان آمده از خارج غالباً معتقد به درمان با گیاهان دارویی نبودند و یا اطلاعات لازم در باره آن‌ها را نداشتند و یا حد و حدود مقدار مصرف این داروها را نمی‌دانستند، با

تجویز داروهای جدید سریع التأثير و درمان محسوس و سریع امراض، روش‌های سنتی درمان مستقیم با گیاهان شناخته شده دارویی به طبای قدیم را کنار گذاشتند. با تأسیس دانشکده داروسازی و پزشکی و تربیت دکترهای داروساز و پزشک در این دانشکده‌ها که پس از فراغت از تحصیل در مراکز استان‌ها و شهرهای ایران مشغول به کار شدند، روش قدیمی طبای سنتی به جز در نقاط دور افتاده و در ایل‌ها [که کم و بیش باقی مانده بود]، در شهرها فراموش شد و تقریباً همه به طب جدید مایل شدند.

زندگی ماشینی و دور شدن انسان‌ها [به خصوص مردم کشورهای صنعتی] از طبیعت و گرایش بازگشت به آن و مطرح شدن اثرات جنبی و نامطلوب برخی از داروهای سنتتیک و این که مصرف داروهای گیاهی و یا گیاهان دارویی کم زیان‌تر از داروهای سنتتیک‌اند و با جای گرفتن نظر مزبور در اذهان عمومی و حتی در محافل علمی و پزشکی گوشه و کنار جهان، ناگهان مصرف گیاهان دارویی و داروهای گیاهی مجدداً با تبلیغی وسیع، مسئلهٔ روز جهان شد. در این میان فرصت طلبان و سودجویان، بازار آشفته‌ای به وجود آوردند و با برانگیختن اذهان مردم عادی با عناوین طب سنتی سینیایی، شفابخشی معجزه آسای گیاهان، جوی را باعث شدند که هر ناآگاهی خود را صاحب نظر در درمان با گیاهان دانست و متأسفانه رسانه‌های جمعی آگاهانه یا ناآگاهانه نیز با آن‌ها هم صدا شدند. معلوم نیست در این وضعیت چه باید کرد؟ و چگونه باید از گیاهان برای درمان بهره گرفت و راه درست استفاده چیست؟ در زیر فشار تبلیغات غالباً غیرواقعی که باور مردم عادی را هدف قرار داده است چه باید کرد؟ و مهم‌تر از همه، چه نباید کرد؟ تا دچار اشتباه بزرگی در سلامت جامعه نشویم و یکباره همهٔ اعتماد عامه را که به گیاهان دارویی رو آورده‌اند با سودجویی و عدم اطلاع و هزاران تبلیغ کاذب و دور از حقیقت و واقعیت، دچار آسیب جبران ناپذیر نسازیم. باید جلوی هرج و مرج و آشفستگی و بساط دروغین و پرفریب این کار در گوشه و کنار کشور گرفته شود و به وضع سواد و اطلاعات افرادی که به این کسب (که با سلامت مردم ارتباط دارد) رسیدگی گردد و از اشتغال چشم دوختگان به کیسه بیماران که علاوه بر هستی و سلامت آن‌ها با برداشت بی رویه گیاهان دارویی از طبیعت موجب انهدام آن‌ها می‌گردد، جلوگیری شود و به این هرج و مرج بازار آشفته گیاهان دارویی خاتمه داده شود. واقعاً در این غوغای تبلیغ و سودجویی چه باید کرد و یا احیاناً چه نباید کرد؟

احمد قهرمان

## روش استفاده از منابع و متون قدیم گیاهان دارویی

تأثیر و اهمیت گیاهان دارویی در زندگی روزانه اقوام و ملت های مختلف سبب شد تا هر قوم و یا هر ملتی بر حسب توان، ادراک، تجربه و حتی حدس و گمان خود، از اثر درمانی گیاهان به روش های گوناگون استفاده کند. به تدریج انباشت دانسته ها و تجربه ها با گذشت زمان موجب پدید آمدن نظرها و مکتب هایی در ملل و اقوام جهان برای استفاده هر بیشتر از گیاهان دارویی، استخراج مواد پزشکی و یافتن اثر درمانی گوناگون آنها شد.

در مسیر طولانی تاریخ، از کتاب ها و متونی که حاکی از تجربه گذشتگان برای بهره گیری از گیاهان دارویی است بسیار به جا مانده است. استفاده از این تجربیات نسل ها می تواند رهیافتی به گنجینه پر ارزش فرهنگ درمان بشر، در گذشته باشد.

برای بهره گیری از تجربیات گذشتگان، جمع آوری و طبقه بندی متون به جا مانده، برگردان آنها و حتی دانستن اندوخته های تجربی نانوشته و مانده در سینه نسل ها نیز (که در حال حاضر در درون قوم ها و قبیله ها بکار درمان می آید) بسیار مفید و ارزشمند است. بنابراین هر چه متون قدیمی بیشتر بررسی شود و مشکلاتی که برای ادراک مطالب آنها وجود دارد بر طرف شود واقعیت موجود این متون بیشتر معلوم می گردد.

### ۱ - ضرورت برگردان متون طبّی کهن و تعیین معادل نام علمی آنها:

حکیمان و دانشمندان طب قدیم، با بهره گیری از دانش درمان و آگاهی از فلسفه و تجربیات خود و رجوع به تجربیات گذشتگان و یا دیگر حکمای هم عصر خود، فرهنگی غنی در شناخت گیاهان دارویی و درمان با آنها به وجود آوردند. توجه به نگاه عقلایی - تجربی این منابع و دانستن استدلال و چگونگی به کارگیری شیوه ها و تجربه های طبیبان گذشته در درمان بیماری های شایع عمومی و بیماری های خاص، امروزه نیز بسیار با ارزش است. برای نگاه به این منابع و مقایسه آن با پیشرفت کنونی این علم، به ویژه مقایسه تجربی - استدلالی طب قدیم در برابر بهره گیری از تکنولوژی جدید توجه به مطالب زیر سودمند است: (۱)

۱- رجوع شود به کتاب مقایسه طب سنتی با پزشکی نوین نوشته دکتر مصطفوی.

- در ایران تا اواخر دوره قاجار پزشکی به همان شیوه گذشته بود. در آخر این دوره پزشکان به تدریج به طب جدید روی آورده، از داروهای ساخته شده شیمیایی [در اصطلاح قدیمی ها (جوهری)] استفاده کردند. این امر با همه محاسنی که در برداشت ولی به علت جایگزین شدن به جای روش درمانی گذشته، موجب قطع یکباره ارتباط طب قدیم با طب جدید گردید. در حقیقت طب جدید همان تداوم طب قدیم نبود و پزشکان رسماً از مکتب جدید پیروی نمودند و اساس تعلیم و تربیت پزشکی نیز از این پس بر این رویکرد قرار گرفت و طب قدیم آشکارا حذف شد و فقط در بازارهای دارویی ردپایی از آن کم و بیش باقی ماند. همچنین به علت عدم پشتیبانی علمی، معنوی و مالی از طب کهن این طب با همه فرهنگ کهن خود به فراموشی سپرده شد و هرگز موقعیتی برای تداوم و پیشرفت و حتی تغییرات و دگرگونی مناسب (در مقابل طب جدید که مقوله ای جدا بود) پیدا نکرد و مراجعین خود را که عامه مردم بودند از دست داد.<sup>(۱)</sup>

- متون گذشته به جا مانده از طب کهن، آن را یک طب استدلالی - تجربی نشان می دهد. عقل گرایی و منطق استدلال در این طب، با تمام محاسنی که داشته است در حل پاره ای مسائل از قبیل تعلیم عامه در پیشگیری یا درمان قاطع بیماری های شایع ناگهانی ناتوان بود، و دست آورد قابل توجهی در ابداع تکنولوژی های و ساخت ابزارهای معاینه و جراحی نداشت و این ناتوانی عاملی برای دوری عامه از آن گردیده است.<sup>(۲)</sup>

- در کنار مبانی استدلالی - تجربی و جنبه های عقلایی، که مبانی بسیاری از متون پزشکی قدیم را تشکیل می دهند، ذهنیت های واهی و خرافات نادرست نیز در این متون کم و بیش دیده می شود که موجب تردید مراجعه به آنها می گردد.<sup>(۳)</sup> تفکیک موارد درست و نادرست در کتب قدیم می تواند موجب بهره گیری از بخش درست آن گردد.

- مطالب و محتوای استدلالی و تجربی متون قدیم می تواند با کمک تکنیک ها و تکنولوژی پیشرفته کنونی موجب پیدایش یک مکتب یا دیدگاه های دیگر در طب جدید گردد و بحثی تازه به وجود آورد و حتی در زمینه هایی می توان از شیوه و روش تشخیص بیماری و درمان بیمار، شناسایی و تعیین دارو و تشخیص اثر آن از قیاس و استدلال پزشکان قدیم بهره جست. زیرا تمام سعی پزشکان قدیم بر آن بود تا از تمام اجزای طبیعت (کانی، گیاه، جانور) برای متعادل ساختن جسم و روح بیمار و بهبود وی استفاده نمایند. و در این شیوه گاه می شد طبیب آن روزگار حتی نام گیاه مورد تجویز خود را نمی دانست<sup>(۴)</sup>

- نگاه لطف آمیز و همدلی و توجه عاطفی طبیب به بیمار در طب قدیم در بهبود حال بیمار

۱- با نقد و بررسی فرهنگ طب قدیم باید انقطاع روند تاریخی آن را جبران نموده و زمینه شکوفایی آن را فراهم آوریم.

۲- بهره گیری ابزار و تکنولوژی جدید در این طب می تواند موجب رونق و شکوفایی آن شده نواقص و کمبودهای آن را جبران کند.

۳- اگر سطح علم گذشته طب را با امروز مقایسه کنیم و ارتباط عاطفی بیمار با پزشک آن زمان را در نظر بگیریم گاه خواهیم دید خرافه ها معمول در طب قدیم گاه اثر روانی مهم در بهبود بیمار داشته است و به هر حال می توان از بخش های مختلف این طب امروزه نیز بخوبی بهره جست.

۴- رجوع شود به مقدمه کتاب الحاوی رازی جلد یک.

بسیار کارساز بود. توجه به این گونه ارتباط عاطفی در طب قدیم، می‌تواند مکمل شیوه‌های پیشرفته و تکنولوژی عظیم طب جدید در درمان بیماران باشد.

- معاینات بالینی پزشکان کنونی که غالباً با دستگاه‌های پیشرفته است چنانچه تا حدی همراه با پیش فرض‌های طب قدیم باشد - که باری از تجربه‌های تاریخی و قیاس‌های تجربی دارد - فواید بسیاری خواهد داشت.

- عوارض روش درمانی پزشکان جدید، روبرو بودن ناگهانی بیمار (در معاینات) با دستگاه‌های هیولایی خودکار رباتی و آزمایشگاه‌های مختلف نامأنوس، خشک و بی روح و گاه خشن و ترس آوری است که خود عاملی برای ناکارایی درمان طب حاضر است. از طرفی گرانی حق پزشک، دارو و درمان موجب رویکرد عامه به طب گیاهی و به عبارت دیگر استفاده از متون و کتب قدیمی طب است.

اگر در برنامه‌های دانشگاهی سهم کمی نیز برای آشنایی با متون دارویی قدیم وجود می‌داشت بالاخره تکلیف شناخت این طب معلوم می‌شد، محتوای آن مورد نقد قرار می‌گرفت و به این صورت یکباره کهنه و خرافه معرفی نمی‌شد.

## ۲ - روش استفاده از متون قدیم

برای بهره‌گیری از متون قدیم گیاهان دارویی، می‌باید آن را تصحیح نمود، برای تصحیح بهینه متون قدیم رعایت نکات زیر لازم است:

۱ - ۲ - شناخت دوره‌های اوج طب در ادوار تاریخ کهن و تفکیک کتب مربوط به این دوره‌ها: همه تمدن‌ها در مسیر اعصار و قرون با فراز و نشیب‌های بسیار روبرو بوده‌اند. اهمیت محتوای کتب و موضوعات متون پزشکی این تمدن‌ها نیز با دوره‌های اوج یا فرود آنها مطابقت کامل دارد این دوره‌ها عبارتند از:

۱ - دوران قبل از اسلام

۲ - دوران ظهور اسلام تا قرن سوم هجری

۳ - دوران شکوفایی علمی شرق

۴ - دوران رکود علمی غرب

۵ - دوران رونق علمی غرب

۶ - دوران رکود رونق علمی شرق

۷ - دوران خواب و فراموشی شرق

۲ - ۲ - عناوین و موضوعات متفاوت کتب دارویی قرون و اعصار: همه منابع قدیمی در دسترس ما، دارای یک اعتبار، دقت و موضوعات همسان نیستند. بنابراین ابتدا می‌باید عناوین موضوعات آنها را مشخص نمود مانند:



- قوانین استدلالی طب قدیم
- روش تشخیص و درمان طب قدیم
- روش شناخت دارویی بودن گیاه، جانور، کانی و...
- شناخت ابزارهای مورد استفاده طبیب قدیمی در معاینه و درمان
- دانستن نام‌های گیاهان، جانوران و کانی‌های مورد استفاده
- چگونگی استفاده از گیاهان، جانوران و کانی‌ها در درمان

۳-۲ - معادل‌یابی و تطبیق واژگان متون قدیم با واژگان علمی: انطباق درست واژگان متون قدیم با واژه‌های علمی جدید اگر مشکل نباشد ساده هم نخواهد بود. به هر حال این کار می‌باید صورت گیرد تا این واژگان در مجامع علمی و دانشگاهی جای خود را پیدا کنند. یافتن اینگونه معادل‌ها نیاز به دقت فراوان دارد تا معانی غیر واقعی از آن به ذهن نیاید و اختلاف نظرهای بیشتر نشود و همچنین نام‌انوس بودن برخی واژگان این متون که سبب عدم رجوع به آن‌ها می‌شود برطرف گردد.

۴-۲ - تفکیک عناوین و روش‌های تجربی و استدلالی در متون قدیم: گرچه در طب قدیم، دستگاه‌های مدرن و رباتیک کنونی وجود نداشت ولی طبیب آن روزگار با دانسته‌های استدلالی و تجربه‌های خود و با دانستن زیر و بم روابط عاطفی با بیمار در او ایجاد اطمینان می‌نمود که این خود برای درمان بیمار و رفع بسیاری از مسائل ظریف دیگر او تاثیر بسزا داشت (به همین علت به پزشکان قدیم حکیم می‌گفتند). متأسفانه امروز مریض به جای عاطفه طبیب با دستگاه‌های آزمایشگاهی بی‌روح در معاینات سر و کار دارد و ارتباط عاطفی بین او و پزشک کمتر برقرار می‌شود.

۵-۲ - لزوم تصحیح ادبی نوشتارهای متون قدیمی، دسته‌بندی موضوعات مختلف آن، برای ایجاد فرهنگ طب گذشته: با آنکه در حد خود در این مورد کوشش نموده‌ایم ولی از صاحب‌نظران انتظار داریم، با نقد و بررسی این زمینه و یا ویرایش ادیبانه، محتوای علمی این فرهنگ را اعتلا بخشند.

### ۳- روش‌های شناسایی گیاهان دارویی مذکور در متون کهن:

ادبیات نام‌انوس متون قدیمی، نارسا و ابتدایی بودن شرح گیاهان و پیچیدگی نوشتاری آن، به ویژه عدم طبقه‌بندی علمی گیاهان و نامشخص بودن شرح سیستماتیک آن‌ها، کار شناخت گیاهان مذکور در متون قدیمی را بسیار مشکل می‌کند. به ویژه که نام اغلب آن‌ها با گذشت زمان تغییر کرده و سبب شده تا مراجعه‌کنندگان به متون قدیم نتوانند نام واقعی و امروزی گیاهان این کتب را تعیین کنند و ناچار به بازار گیاهان دارویی روی آوردند و یا بیشتر به حدس و گمان متوسل شدند. در زیر به برخی نکاتی مهم و اساسی برای شناخت گیاهان دارویی متون قدیم

اشاره می‌شود:

۱ - در قدیم همه یا غالب پزشکان و درمانگران خود گیاه شناس بودند و گیاهان را از روی خواص آن‌ها و تقریباً بصورت عینی می‌شناختند. از اینرو از برداشت‌های شخصی این پزشکان از گیاهان دارویی و استدلال‌های آن‌ها پیرامون خواص و کاربرد آن می‌توان برای شناخت نام کنونی گیاه دارویی متون کهن بهره جست.<sup>(۱)</sup>

۲ - گیاهان دارویی متون قدیم را می‌توان در چهار گروه قرار داد: گروه کاملاً معروف، گروه کاملاً مجهول، گروهی نزدیک به گروه معروف و گروهی نزدیک به گروه مجهول<sup>(۲)</sup>

۲ - دانستن چگونگی تغییر نام گیاه از زبانی به زبان دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر می‌تواند ما را در رمزگشایی نام آن‌ها و شناخت گیاهان مذکور در متون قدیم یاری دهد.

۳ - گرچه دانش گیاه شناسی قدیم مانند حال پیشرفته نبود ولی در حد خود دارای اصطلاحات و واژگانی برای شناخت گیاهان بود که توجه به آن‌ها ما را به دانستن نوع و اساس طبقه بندی آن زمان کمک می‌کند و بدینوسیله بهتر می‌توانیم متوجه شرح گیاهان مذکور در متون قدیم بشویم.<sup>(۳)</sup>

۴ - در متون گذشته علاوه بر شرح گیاه، گاهی تصاویری نیز با شرح آمده است. تصاویر مزبور می‌تواند تا حدی مکمل شرح برای شناسایی بهتر و یافتن نام علمی آن باشد.<sup>(۴)</sup>

۵ - همراه با نام گیاه در متون قدیم گاه مشخصات فیزیولوژیکی<sup>(۵)</sup>، اکولوژیکی، بعضاً اکوفیزیولوژیکی، جغرافیای زیستی و صفات ریختاری گیاه را هم می‌بینیم، توجه به این نکات می‌تواند در تشخیص نام علمی گیاه ما را یاری دهد.

۶ - نام گیاهان مذکور در متون قدیم، معمولاً منشأ در منابع قدیمی‌تر دارد یا از منابع همان عصر استخراج شده و یا مربوط به خود نویسنده و یا نام رایج در بازار دارویی در زمان خود او بوده است، مؤلفان کتب قدیمی در ذکر نام گیاه، گاه خود نیز شک و تردید نموده، نسبت به نام برخوردهای متفاوتی داشته‌اند. از اینرو نام درست با منشأ نام و اعتبار مؤلف و دانش او ارتباط دارد. به عنوان مثال نام گیاهان مذکور در کتاب دیسکورید، در کتب مختلف دیگر نظیر کتاب جامع و مخزن و... نیز آمده است. بنابراین در مواردی بهتر است به مرجع اصلی و یا منابع تکمیل کننده کتاب دیسکورید رجوع شود. (در فصل دوم کتاب حاضر نام تعدادی از گیاهان متون قدیم به همین صورت مورد تطبیق قرار گرفته است.)

در تطبیق نام‌ها انجام بررسی‌های زیر ضروری است:

۱ - شناسایی منشأ نام یا نام اصلی و چگونگی انتقال آن از یک کتاب به کتاب دیگر و یا از یک زبان به زبان دیگر.

۱- در جلد‌های بعد از نحوه استفاده شخصی پزشک و دیدگاه‌های او در مورد یک گیاه بطور مفصل صحبت خواهیم کرد.

۲- در جلد دوم کتاب فهرستی از این نام‌ها آمده است.

۳- در جلد دوم این کتاب اصطلاحات گیاه شناسی و همچنین نوع دسته‌بندی گیاهان موجود در متون قدیم را خواهیم دید.

۴- برخی از این اشکال در جلد دوم آمده است.

۵- مطالب مربوط به فیزیولوژی گیاه عمدتاً تحت عنوان «طبیعت گیاه» با اصطلاحات مخصوصی ذکر شده است.

- ۲- بررسی واژگان گیاه‌شناسی در متون قدیم و برگردان علمی آن‌ها و همچنین شناسایی انواع طبقه بندی گیاهان در متون قدیم.
- ۳- برگردان علمی واژگان فیزیولوژیکی، اکولوژی و جغرافیای زیستی در متون قدیم.
- ۴- گروه‌بندی گیاهان متون قدیم از نظر پراکنش و جغرافیای زیستی.
- ۵- گروه‌بندی گیاهان متون قدیم از نظر مشخصات اکولوژی.
- ۶- شناسایی گیاهان متون قدیم با توجه به شرح ریختاری، مشخصات فیزیولوژیکی، اکولوژیکی و جغرافیای زیستی آن‌ها در این کتب.
- ۷- گمانه زنی نام اصلی گیاه از روی تفسیر تصاویر موجود از آن‌ها در متون قدیم

#### ه - نام‌ها، نشانه‌ها و واژگان گیاهان دارویی در متون کهن:

نام، واژگان و نشانه‌ها در واقع مدخل هر فرهنگ علمی‌اند. مطالعه چگونگی انتقال واژگان از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر نیاز به توجه و دقت فراوان دارد زیرا همانقدر که دانستن انتقال و یا دگرگونی دقیق نام‌ها می‌تواند در یافتن نام اصلی یا ریشه‌ای بسیار موثر باشد عدم توجه به آن نیز سبب پیچیدگی در تطبیق درست نام‌ها می‌گردد.

نام و واژگان موجود در هر علم اهمیت ویژه در بیان آن داشته معرّف و نشانگر بسیاری از ویژگی‌ها هستند. هر شیئی یا هر جاننداری با نام آن شناخته می‌شود، به عبارت دیگر نام تعیین کننده هویت و ویژگی‌ها در شناخت هر موجود است و تغییر آن موجب حذف تمام ویژگی‌ها و هویت گذشته صاحب آن می‌شود. مثلاً نام گیاه «بادآور» بیان کننده بسیاری از صفات ریختاری، رویشی، خواص و اهمیت آن است. در تاکسونومی کنونی نیز نام گیاه همیشه بخش ثابت است و هیچگاه نام گیاه در جابجایی‌ها و دگرگونی‌های مرتبه‌های رده بندی عوض نمی‌شود. اصلیت نام گیاه در متون قدیمی نیز از همین اهمیت برخوردار است. بنابراین جستجوی نام‌های اصلی، تفکیک آن‌ها از نام‌های مترادف دیگر و یافتن ریشه آن‌ها در متون گذشته که غالباً دستخوش بسیاری از تغییرات به ویژه بر اثر تداخل یک زبان به زبان دیگر، یک فرهنگ به فرهنگ دیگر و یک زمان به ادوار دیگر بوده‌اند کاری بسیار مشکل است ولی گاهی منجر به باز نمودن گره‌های کور در زمینه شناخت گیاهان می‌شود.

- ۱ - ۴ - تفکیک و طبقه بندی نام‌ها در متون گذشته: نام گیاهان دارویی متون قدیم را می‌توان به صورت مختلف رده‌بندی یا گروه بندی نمود:

الف - رده‌بندی آن‌ها به نام‌های «مشهور» و «غیر مشهور»:

- ۱ - منظور از نام مشهور نامی است که علاوه بر نام گیاه، شرح و سایر اطلاعات مربوط به آن نیز در متون ذکر شده است، این قبیل نام‌ها در واقع همان اهمیت نام‌های علمی امروزی را دارا هستند و نام‌های استاندارد زمان خود و معرّف مشخصات اصلی گیاه و در حکم نام ذاتی یا نام جنس گیاه (معمول امروزی) هستند.

۲ - نام‌های غیر مشهور نام‌هایی هستند که در زبان‌های مختلف به نام مشهور افزوده شده یا به جای آن آمده‌اند. این نام‌ها در کتب و ادوار مختلف، با زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون در کنار نام‌های مشهور و مترادف با آن قرار گرفته‌اند.

ب - نام‌های مشهور از دو گروه نام‌های اصلی و نام‌های مترادف و تفسیری تشکیل شده‌اند: نام‌های مشهور اصلی، معمولاً بدون مترادف‌اند و نام‌های مشهور مترادف غالباً دارای مترادف‌هایی در زبان‌های دیگر می‌باشند. بعنوان مثال در کتاب ابن بیطار که از مهم‌ترین منابع طب قدیم است ۲۳۵۳ نام مشهور دیده می‌شود که ۱۴۲۲ نام آن از گروه اول یعنی ۶۰/۴۳٪ و ۹۳۱ نام مشهور مترادف آن یعنی برابر ۳۹/۵۷٪ است.

علت وجودی نام‌های مشهور اصلی و مترادف در متون قدیمی ظاهراً مربوط است به:

- اختلاف نظر و شک مؤلفان در ذکر یک نام  
- اتخاذ نام از منابع، ترجمه‌ها و زبان‌های مختلف بدون ریشه‌یابی نام درست گیاه در متن اصلی

- بکارگیری نام اندام‌ها یا بخش‌های مهم و مورد استفاده گیاه به جای نام خود گیاه در متون

۳ - نام گیاهان متون قدیم را می‌توان بر اساس زبان‌های مختلف به نام‌های: عربی، فارسی، لاتینی<sup>(۱)</sup>، یونانی<sup>(۲)</sup>، رومی<sup>(۳)</sup>، پُربری<sup>(۴)</sup>، سریانی<sup>(۵)</sup>، نبطی<sup>(۶)</sup>، ترکی و هندی متمایز نمود.

۱- لاتینی: منسوب به لاتین یا در اصل مربوط به لاتیوم و لاتینی‌هاست و همچنین به کشورهایی چون فرانسه و ایتالیا و اسپانیا که زبان و فرهنگ آنها از لاتینی ناشی است بکار می‌رود. در دوران جنگ‌های صلیبی به سکنه اروپای غربی در مقابل یونانی‌ها گفته می‌شد. (لغت‌نامه دهخدا)

۲- یونانی: کشوری در جنوب غربی اروپا و در جنوب غربی شبه جزیره بالکان مشتمل بر جزایر پراکنده‌ای در دریای اژه و دریای ایونی. یونان کنونی است که از نظر جغرافیایی با یونان قدیم فرق دارد و خیلی کوچکتر و محدودتر است کلمه یونان که در السنه شرقی مشهور شده از کلمه یونیه که به قسمتی از سواحل آسیای صغیر می‌باشد گرفته شده است. (لغت‌نامه دهخدا)

۳- رومی: ژم در تداول مورخان اسلامی پایتخت ایتالیا است و در مواردی آسیای صغیر و توابع آن است، توضیح دیگر آن که دولت‌های جمهوری و امپراطوری روم چون وسعت پیدا کردند و حتی آسیای صغیر را مسخر شدند از قرن پنجم میلادی به این طرف به غربی و شرقی منقسم شدند. بخش غربی آن همان ایتالیا به پایتختی رم و بخش شرقی آسیای صغیر به پایتختی استانبول بود. (لغت‌نامه دهخدا)

۴- پُربری: منسوب به پُربری و بربر مردم بین حبشه و زنگبار را گویند. و بنا به قول دیگر ممالک شمال آفریقا عبارت از مغرب، مصر، طرابلس، تونس، الجزایر و مراکش است. (لغت‌نامه دهخدا)

۵- سریانی: منسوب به سورستان (بلاد عراق) و نام قومی سامی نژاد منسوب به قوم آرامی و با لهجه‌ای به همین نام است لهجه سریانی از لهجه‌های مهم آرامی شرقی است و در ایران به خود آرامی معروف‌تر و از آن متأخرتر است، لهجه آرامی را رفته رفته از یادها زدوده و سریانی جانشین آن گردید. مرکز این لهجه در شمال عراق (بین النهرین) شهر ادسا یا ارها است. ارها در کتب اسلامی ارها خوانده شده و اکنون اورفا نامیده می‌شود و در قرن دوم میلادی این ناحیه از مراکز مهم عیسویان محسوب می‌شد. و در چند قرن پیش از آن یعنی زمان اسکندر و جانشینان وی سلوکس و انتیوخس شمال بین النهرین از مراکز زبان سریانی بوده و به واسطه مهاجرت گروهی از مردم مقدونیه و یونان به آن سرزمین‌ها سریانی رنگ و روی خاصی بخود گرفت و لهجه آن بر دیگر لهجه‌های آرامی برتری یافت و بسیار لغات یونانی با زبان سریانی در آمیخت و تغییری در آن پدید آمد. هنوز هم در بسیاری از سرزمین‌های عربی زبان، لهجه سریانی وجود دارد، لهجه آشوری‌ها و کلدانیهای سوریه و عراق و ترکیه و ایران سریانی است. (لغت‌نامه دهخدا)

۶- نبطی: به معنای منسوب به نبط گروهی از مردم بطایع میان عراق عرب و عراق عجم یا به سواد عراق ساکن بوده‌اند و

۴ - نام‌های متون قدیم را می‌توان به نام‌های «محلی» و «غیر محلی» تقسیم کرد، نام‌های محلی نام‌هایی هستند که در یک شهر و یا مکان بکار می‌رفتند. بدیهی است نام‌های مشهور در این گروه قرار ندارند. نام شهرها و محل‌های معروف (جدول شماره ۴ این کتاب) عبارتند از: در ایران: اصفهان، شیرازی، سجز یا سجستان<sup>(۱)</sup>، سمرقند، کرمان، همدان، یزد، زابل، سیستان، مکران، تنکابن، دیلم، گیلان، مازندران، ترمذ<sup>(۲)</sup>، بخار<sup>(۳)</sup>، طبرستان، بهر، ماوراء النهر، ری، خراسان، جرجان، نیشابور، سنجر، خوارزم<sup>(۴)</sup>، خوز<sup>(۵)</sup>، سغد<sup>(۶)</sup>، خوازنه در کشورهای دیگر: مغرب، اندلس، شام، دمشق، عراق، حجاز، موصل، عراق، بغداد، آفریقا، اسکندر، فاس<sup>(۷)</sup>

### آمار نام‌های محلی عربی و مُعَرَّب

۱	اندلس	۲۱۹	جامع ابن بیطار
۲	مغرب + آفریقا	۷۷ + ۲۶	جامع ابن بیطار
۳	مصر	۷۴	جامع ابن بیطار
۴	شام - دمشق	۷۳	جامع و مخزن
۵	فاس	۶۸	حذیقہ الازهار
۶	عراق + بغداد + موصل + بصره	۱۰ + ۶ + ۲ + ۲	جامع و مخزن
۷	حجاز	۸	مخزن الادویه
۸	اسکندریه	۶	جامع

اینان غیر عرب بوده که عربیت را برگزیدند و در بر آوردن آب ماهر و در کثرت فلاحت مشهور بوده‌اند. (لغت‌نامه دهخدا)

۱- منظور سیستان و اصل آن سگستان است. (کتاب صیدنه)

۲- ترمذ شهری است در ساحل نهر بلخ که آن را جیحون می‌خوانند. (لغت‌نامه دهخدا)

۳- بخارا شهری از ماوراء النهر و مشتق از بخارست به معنای علم بسیار است. (لغت‌نامه دهخدا)

۴- خوارزم نام ناحیه‌ای است در سفلی جیحون و از ایام بسیار قدیم مهد قوم آریا بوده است لسترنج در جغرافیای تاریخی خود در مورد آن چنین می‌گوید: ایالت خوارزم در اوایل قرون وسطی دو کرسی داشت: یکی در جانب باختری یعنی جانب ایرانی رود جیحون موسوم به جرجانیه یا ارگنج و دیگری در جانب خاوری یعنی جانب ترکی آن رود موسوم به کاث و این کرسی اخیر در قرن چهارم هجری از ارگنج آبادتر شد. (لغت‌نامه دهخدا)

۵- منظور از خوزی مردم خوزستان است. زیرا «اهواز» را به فارسی «هورمشیر» می‌گفتند و نام آن «اخواز» بوده که پس از مغرب شدن به آن اهواز گفتند. (زریاب در کتاب صیدنه)

۶- سغد نام شهری است در ماوراءالنهر نزدیک سمرقند. گویند آب و هوای آن در نهایت لطافت باشد و آن به سغد سمرقند شهرت دارد آن را بهشت دنیا هم گویند. (برهان قاطع)

۷- فاس شهر مشهور و بزرگی بر کرانه دریای مغرب و بزرگ‌ترین شهر مراکش است. (لغت‌نامه دهخدا)

## آمار نام‌های محلی غیر عربی

ردیف	نام محل	تعداد نام	منبعی که بیشترین تکرار را داشته است.
۱	شیراز	۱۴۹	اختیارات بدیعی
۲	اصفهان	۳۷	مخزن الادویه
۳	سجری + زابل + سیستان + مکران	۲ + ۵ + ۱۳ + ۴۷	صیدنه
۴	تنکابن + مازندران + دیلم + گیلان	۷ + ۱۱ + ۱۳ + ۲۲	مخزن الادویه
۵	جرجان - گرگان	۱۰	صیدنه
۶	خراسان + نیشابور	۳ + ۱۲	صیدنه
۷	بلخ	۹	صیدنه
۸	طبرستان	۸	صیدنه و مخزن
۹	کرمان	۶	مخزن و اختیارات
۱۰	بخارستان	۶	صیدنه
۱۱	خوارزم	۶	صیدنه
۱۲	سغد	۶	صیدنه
۱۳	ترمذ + ماوراء النهر	۱ + ۴	صیدنه
۱۴	سمرقند + هرات	۱ + ۳	صیدنه
۱۵	ری	۳	صیدنه
۱۶	آذربایجان + تبریز	۳ + ۲	مخزن و اختیارات
۱۷	اهواز، هرات، بستی، دامغان، یزد، سنجر، هری، خوازنه،	۱	

۵- گسترده‌گی زبان عمومی شرق (عربی) نقش موثری در پدید آمدن آثار و متون قدیم گیاهان دارویی داشته سبب فراوان اشاعه نام‌های تازی گیاهان گردید. نام‌های تازی را می‌توان به دو گروه عربی و معرب متمایز نمود. منظور از نام معرب نام‌هایی هستند که ریشه غیر عربی دارند ولی دارای اعراب این زبان هستند.

۶- توضیح آمار از نام‌های مشهور و سایر نام‌ها و درصد آن‌ها در جداول و نمودارهای شماره ۱ تا ۳ صفحات بعد می‌بینیم. جدول شماره ۱ آمار نام‌های گیاهان دارویی در کتب مختلف از دیسکورید تا مخزن الادویه در کتب مورد مطالعه است. و جدول ۲ آمار نام‌های گیاهان مربوط به

کتاب ابن بیطار، و جدول ۳ آمار نام‌های مشهور کتاب مخزن الادویه و صیدنه است. نام‌های مشهور هندی در جدول شماره ۳ عمدتاً مربوط به کتاب مخزن الادویه است که به کتاب‌های طبی قرن ۱۱ و ۱۲ افزوده شد.

جدول ۱ - آمار نام‌ها کهن گیاهان دارویی از دیسکورید تا مخزن الادویه

نام	تعداد	درصد	نام	تعداد	درصد
عربی	۵۵۱۹	٪۴۳	فارسی	۱۲۶۸	٪۱۰
یونانی	۱۹۸۴	٪۱۵	محلی	۴۲۹	٪۳
رومی و لاتینی	۵۹۲	٪۴	هندی	۷۲۱	٪۵
سریانی	۴۴۳	٪۳	ترکی	۵۲	٪۰/۳
بربری و نبطی	۲۳۰	٪۲	متفرقه	۱۹۳۶	٪۱۵

جدول ۲ - آمار نام‌های گیاهان در کتاب جامع ابن بیطار

نام	تعداد	درصد	نام	تعداد	درصد
عربی	۱۲۷۱	٪۵۵	عبری	۱۱	٪۰/۱ کمتر
فارسی	۴۵۴	٪۲۰	هندی	۸	٪۰/۱ کمتر
یونانی	۴۲۸	٪۱۸	مرکب	۵	٪۰/۱ کمتر
لاتینی	۶۰	٪۳	مصر قدیم	۱	٪۰/۱ کمتر
سریانی	۴۷	٪۲	نبطی	۱	٪۰/۱ کمتر
ارامیه	۲۹	٪۱	سنسکریتی	۱	٪۰/۱ کمتر
بربری	۲۷	٪۱	مجهول	۹	٪۰/۱ کمتر

جدول ۲ - آمار نام‌های گیاهان در کتاب صیدنه و مخزن الادویه

نام	تعداد	درصد	نام	تعداد	درصد
عربی	۳۴۴۴	٪۴۶	سریانی	۳۷۴	٪۴
فارسی	۱۵۳۰	٪۱۸	بربری	۱۱۰	٪۱
یونانی	۱۵۳۰	٪۱۸	ترکی	۵۱	٪۰/۱ کمتر
رومی و لاتینی	۵۴۴	٪۷	نبطی	۲۵	٪۰/۱ کمتر
هندی	۶۸۰	٪۸	متفرقه	۱۲۲۴	٪۱۵



## ۲-۴- اثر برخورد ها و یا تداخل فرهنگ ها در گوناگونی نام گیاهان دارویی:

جابه جایی تاریخی نام گیاهان دارویی در زبان‌های ملل، در جریان برخورد تمدن‌ها و تداخل فرهنگ‌های متفاوت و تاثیر گویش‌های مختلف این ملت‌ها، گاه باعث دگرگونی‌های عمیق و استحاله آن‌ها گردید، برای ادراک این گونه تغییرات کافی است به نام‌های گیاهان دارویی از کتاب دیسکورید تا کتاب مخزن الادویه یا کتاب‌های دیگر برای مقایسه رجوع کنیم. در این مقایسه خواهیم دید:

### (۱) نام‌های یونانی:

شمار نام‌های مشهور در کتاب دیسکورید: در کتاب ربرت<sup>(۱)</sup> ۶۶۵، و در شرح ابن بیطار ۴۳۳، شمار نام‌های مشهور کتاب ابن بیطار<sup>(۲)</sup> به زبان یونانی: ۴۲۸ یعنی ۱۶٪ از کل نام‌های مشهور گیاهان دارویی این کتاب است.

شمار نام‌های مشهور در کتاب مخزن الادویه و صیدنه به زبان یونانی: ۱۱۸ یعنی ۱۴٪ از کل نام‌های مشهور در این دو کتاب است.

شمار نام‌های یونانی آمده در کتب قدیم مورد مطالعه در حدود ۱۹۸۴ یعنی معادل ۱۵٪ کل نام‌ها است.

علت فزونی نام یونانی در کتب قدیمی برای افزایش گیاهان دارویی در آن‌ها نیست بلکه تغییر نام گیاه بر اثر گویش‌ها، ترجمه‌ها و تغییر آن‌ها در زبان‌های مختلف است.<sup>(۳)</sup>

### (۲) نام‌های هندی:

شمار نام‌های هندی در کتاب ابن بیطار مجموعاً ۸

شمار نام‌های هندی در کتاب صیدنه و مخزن الادویه ۱۰۹ یعنی ۱۳٪ از نام‌های مشهور آن است.

شمار نام‌های هندی در کتب قدیم مورد مطالعه ۷۲۱ یعنی ۵٪ کل نام‌های این کتب است. نام‌های هندی در کتاب مخزن الادویه شامل ۱۳٪ از نام‌های مشهور آن است که به خوبی نشان دهنده تداخل نام‌های هندی در این زمان است.

### (۳) نام‌های سریانی:

شمار نام‌های سریانی در کتاب ابن بیطار ۴۷ یعنی ۲٪ از کل نام‌های مشهور آن است.

شمار نام‌های سریانی در صیدنه و مخزن الادویه ۱۸ یعنی ۲٪ از کل نام‌های مشهور این کتاب می‌باشد.

شمار نام‌های سریانی در کتب قدیم مورد مطالعه ۴۴۳ یعنی ۳٪ از کل نام‌های موجود در کتب قدیم است.

آمار فوق نشان می‌دهد که با گذشت زمان نام‌های سریانی به تدریج اعتبار خود را در این کتب از

۱- نام گیاهان کتاب دیسکورید همراه با نام علمی پیشنهادی ربرت در فصل دوم کتاب آمده است.

۲- نام گیاهان دیسکورید با ترجمه ابن بیطار در قرن هفتم به همراه نام علمی پیشنهادی توسط ابن مراد در مقایسه با نام علمی پیشنهادی ربرت فصل دوم آمده است.

۳- علت بیشتر بودن نام‌های یونانی در کتاب ابن بیطار نسبت به مخزن الادویه عمدتاً بخاطر وجود نام‌های مترادف مشهور در کتاب ابن بیطار است.

دست داده فقط شامل ۳٪ از کل نام‌ها هستند. این کاهش بیانگر کم اعتباری این نام‌ها در این برهه است.

(۴) نام‌های عربی:

شمار نام‌های مشهور عربی در کتاب ابن بیطار ۱۲۷۱ یعنی ۵۵٪ کل نام‌های مشهور آن است. شمار نام‌های مشهور عربی در کتاب مخزن الادویه ۵۱۱ یعنی ۵۹٪ کل نام‌های مشهور آن است.

شمار نام‌های عربی در کتب قدیم مورد مطالعه ۵۵۱۹ یعنی ۴۳٪ از کل نام‌های موجود در این کتب است.

تحولات آماری در این مقایسه مؤید آن است که زبان عربی از دوران ظهور اسلام تا قرن ۱۳ عنوان اصلی را در کتب دارویی قدیم داشته است و با مرور زمان نه تنها ارزش و اعتبار خود را از دست نداده بلکه بر اهمیت آن هر روز افزوده شد.

۳-۴ - نگاهی دیگر بر تحول نام‌های کهن گیاهان دارویی در کتب فوق و نتایج آن:

۱- هر نامی در این آثار دارای بار تاریخی و سابقه‌ای مربوط به خود است و از سابقه آن‌ها می‌توان نحوه تغییر و انتقال این نام‌ها، زمان و آغاز و تغییر و اهمیت کاربرد گیاه مربوطه را در یک دوره یا یک مکان و یا محل پی برد.

۲- افزایش یا کاهش نام‌های مختلف به نام اصلی یا تغییر در تلفظ و گویش نام‌ها، گاهی نشان از شکوفایی و یا افول کاربری گیاهان دارویی در یک زمان یا یک شهر و کشور و یا یک برهه تاریخی و تحولات اجتماعی را دارد.

۳- شمار نام گیاهان تا حدودی تعیین کننده آن است که گیاه مربوط به آن فقط در این کتب نام برده شده بنابراین زمان تقریبی استفاده از گیاه را می‌توان تعیین کرد.

۴- نام گیاه گاه گرفته شده از نام اندام مورد استفاده گیاه و دارویی بودن بخش خاصی از آن است مثلاً زیره نام میوه گیاه است که گیاه را به آن می‌نامند و یا هویج که نام ریشه است بر گیاه نیز اطلاق می‌شود.

۵- نام‌های گوناگون یک گیاه غالباً حاکی از اهمیت دارویی و کاربری فراوان آن است. هرچه نام‌های گیاه متنوع و متفاوت و با گویش‌ها و زبان‌های گوناگون باشد نشان از اهمیت آن است.

۶- تنوع نام یک گیاه گاه حاکی از انقطاع یا پیوستگی تاریخی یک روند اجتماعی است و اختلاف در نام‌ها معمولاً نشان از عدم پیوستگی روند اجتماعی در آن مقطع تاریخی دارد.

۴-۴ - نکاتی در مورد نام‌ها:

توجه به نکاتی در نام‌ها می‌تواند ریشه و علت برخی از ابهامات موجود در زمینه گوناگونی اختلافات و تشبیه آن‌ها را معلوم نماید:

۱- برخی نام‌ها به صورت مشترک استفاده می‌شدند که معمولاً نام‌های غیر مشهور می‌باشند.

۲- در تسمیه برخی از نام‌ها از دیر زمان اختلاف وجود داشته و تا امروز نیز ادامه دارد.

- ۳ - برخی از نام‌های مذکور در متون تاریخی مربوط به گیاهان بازارهای دارویی است و نویسندگان خود هیچ گونه شناختی (جز خواص دارویی) از آن نداشته است. بنابراین نام این گیاهان هیچ کمکی به شناخت ریختاری گیاه نمی‌کند.
- ۴ - برخی از گیاهان در مناطق خاصی مورد استفاده بوده‌اند و با توجه به منابع همان مناطق رونویسی شده‌اند بنابراین نویسندگان خود از گیاه و حتی آثار تجربی آن اطلاعی نداشته است.
- ۵ - نام‌هایی نیز مربوط به گیاهانی از منطقه‌ای معین با مصارف دارویی معین بوده‌اند اما پس از انتقال نام گیاه به نواحی دیگر به اشتباه یا دانسته آن نام به گیاهان مشابه با همان مصارف دارویی داده شده که خود موضوعی جالب برای پژوهش است.

## ۵ - منابع مورد استفاده در این کتاب

در تألیف مجموعه حاضر دو نوع منبع برای استفاده مستقیم و غیر مستقیم در دست بوده است:

منابع مستقیم مورد استفاده شامل کتابهایی هستند که در ۶ دوره زیر<sup>(۱)</sup>، با مؤلفانی دقیق و ممتاز از سایرین انتخاب شده‌اند این مولفان در زمینه انتقال نام‌های از منابع دیگر دقیق‌تر بوده‌اند. منظور از منابع غیر مستقیم منابعی هستند که مورد استناد این منابع قرار داشتند. کتاب‌های انتخابی نوع اول عبارتند از:

- ۱ - کتاب دیسکورید مربوط به قرن اول میلاد [مربوط به دوران قبل از اسلام]
- ۲ - کتاب رازی (۲۵۱ هجری قمری) و الابنیه<sup>(۲)</sup> (۳۵۰ هجری قمری) [مربوط به دوران ظهور اسلام تا قرن چهارم]
- ۳ - کتاب صیدنه ابوریحان (۴۴۰ هجری قمری)<sup>(۳)</sup> و کتاب تنقیح الجامع ابن بیطار (۶۴۶ هجری

- ۱ - به کتاب تاریخ طب اسلامی اثر ادوارد بروان و ترجمه مسعود رجب نیا رجوع شود.
- ۲ - منابع مورد استفاده ابو منصور علی الهروی که معتقد است «کتاب‌های حکیمان قبلی و عالمان و طبیبان محدث همه بجستم و هر چه گفته بودند بتأمل نگه کردم» عبارتند از: جالینوس، دیسکورید، فولس، ماسرجویه، رازی، یوحنا.
- ۳ - منابع مورد استناد ابوریحان در صیدنه:
  - خوز یا خوزی که همان اطباء مکتب جندی شاپور (از زمان خسرو انوشیروان تا قرن سوم هجری در ایران و عراق) هستند. از کتب مورد استفاده کتاب شوسمای یا کتاب کَنَاش الخوز است که نظرات جمعی از پزشکان جندی‌شاپور به زبان سریانی که زبان علمی آن‌ها بوده، می‌باشد.
  - کتاب اوریباسیون از پزشکان جندی شاپور
  - کتاب العطر ابو عباس الحُشکی - حُشک شهری است از نواحی کابل و نزدیک تخارستان
  - و کتاب جیب العروس تیمی - احمد بن سعید تیمی مقدسی پزشکی از بیت المقدس که در سال ۳۷۰ هجری در مصر اقامت داشته است.
  - کتاب تفاسیر الادویه ابو معاذ جوانکانی (جوانکا یکی از شهرهای جرجان یا گرگان است.) تقریباً هم عصر با بیرونی است.
  - کتاب کَنَاش سجزی
  - کتاب الجامع لاقوال القدماء و المحدثین من الاطباء و المتفلسفین فی ادویه المفردة از ابوبکر حامد بن ابن سمجون از اطباء اندلس در قرن چهارم هجری
  - کتاب الرسائل الطیبه از ابو سهل بشر بن یعقوب بن المتطبّب السجزی، مولف از سجستان یا سیستان بوده حدود (۴۰۰

- ۴- کتاب حذیقة الازهار غسانی<sup>(۱)</sup> (۸۹۸ هجری قمری) و کتاب اختیارات بدیعی (۱۰۲۳ هجری قمری) [مربوط به دوران نزول]
- ۵- کتاب مخزن الادویه<sup>(۲)</sup> (۱۱۸۹ هجری قمری) [مربوط به دوران رکود و کمون]

سوم هجری)

ب- نام کتاب هایی که از نظر گیاهشناسی مورد توجه بوده است عبارتست از: ۱- الانتخاب لابی حاتم السجستانی ۲- العیان یا اعیان النبات ابی حنیفة الدینوری ۳- الجمهرة لابن درید ۴- البارع لابی علی الفالی البغدادی ۵ و ۶- کتاب انشوطا و کتاب الاشجار از هرمس ۷- هیولی الطب فی الحشایش و السموم از دیسقوریئدس العین زربی ۸ و ۹ و ۱۰- کتاب‌های تدبیر الاضحاء و حلیة البر و المیامر از جالینوس ۱۱ و ۱۲- کتابهای الاعتماد و سمائم و سموم از ابن جزّار ۱۳- فردوس الحکمة ابی الحسن علی بن سهل ربّین الطبری (۲۴۰ هـ) ۱۴- طب العرب لعبد الملک بن حبیب السلمی البیری (۲۳۸ هـ) ۱۵- التصریف لمن عجز عن التالیف لابی خلف بن عباس الزهراوی (۴۰۴ هـ) ۱۶- الفلاحۃ النبطیة ترجمه ابی بکر احمد بن وحشیة (اواخر قرن سوم هجری)

ج- منابعی که فقط نام مؤلف آن ذکر شده است و مؤلف آن نیز در زمینه طب و گیاه‌شناسی صاحب‌نظر بوده است: ۱- ابقرط ۲- اهران القس ۳- بولش الاجانیطی ۴- ابن سراجیون یوحنا (قرن سوم هجری) ۵- ابن ماسویه ابو زکریا (۲۴۲ هـ) ۶- مسیح الدمشقی ابوالحسن عیسی بن الحکم (۱۷۰ هـ) ۷- سابور بن سهل (۲۵۵ هـ) ۸- ماسرجویه (قرن اول هجری) ۹- اسحاق بن سلیمان الاسرایلی لی (۳۲۰ هـ) ۱۰- ابوالحسن احمد بن محمد الطبری (۳۶۰ هـ) ۱۱- ابو عبدالله محمد بن سعید التمیمی ۱۲- علی بن عباس المجوسی (۳۸۴ هـ) ۱۳- عیسی بن علی (قرن سوم هجری) ۱۴- محمد بن عبدون الجبلی العددی (۳۶۱ هـ) ۱۴- ابن جلیجل ابو داود سلیمان بن حسان (۳۸۴ هـ) ۱۵- علی بن محمد ۱۶- ابن سمجون ابوبکر حامد (۳۹۲ هـ) علی بن سلیمان الحاسب الزهراوی ابوالحسن (قرن چهارم هجری) ۱۷- ابن الهیثم عبدالرحمن بن اسحاق القرطبی ۱۸- عمر بن ابی عمران (قرن چهارم هجری) ۱۹- السوسی عبدالله بن محمد الثقفی (۴۰۳ هـ) ۲۰- ابن الکتانی ابو عبدالله محمد بن الحسن المذحجی (۴۲۰ هـ) ۲۱- ابن البغونش ابو عثمان سعید بن محمد (۴۴۴ هـ) ۲۲- ابن وافد ابو المطرّف عبدالرحمن بن محمد اللخمی (۴۶۷ هـ) ۲۳- شیخ ابی الحسن اللونقه استاد مؤلف ۲۴- اليهودی مروان بن جناح (قرن پنجم هجری قمری)

۱- ابوالقاسم بن محمد الأندلسی الفسانی مشهور به وزیر در سال ۹۵۵ هجری قمری در شهر غرناطة اندلس متولد شد و در شهرهای فاس و مراکش به آموختن علوم طب و سایر علوم اشتغال ورزید. سه کتاب از او در زمینه گیاهان دارویی به جا مانده است که عبارتند از: ۱- روض المکنون در شرح ارجوزه ابن غرون - این کتاب به نظم و به منزله الفیه ابن سینا تألیف ابو موسی هارون بن اسحق بن غرون (۴۹۴ هجری - قمری) است. غسانی گیاهان این کتاب را در روض المکنون شرح داده است. ۲- مغنی الطیب عن کتب اعداد الحبيب که برگردان عربی کتابی در زمینه طب و گیاهان دارویی از یکی از زبان‌های اروپایی است. ۳- حذیقة الازهار فی شرح ماهیة العشب و العقار، وی در این کتاب نام گیاهان را با زبان روز تطبیق داده و اسامی را بر اساس حروف ابجد تنظیم نموده است در این کتاب از ۳۰ گیاه و ۷ حیوان و کانی نامبرده است از امتیازات این کتاب برخوردار بودن آن از نظام طبقه بندی است.

۲- کتاب‌های مورد استناد مخزن الادویه:

- تذکرة شیخ انطاکی معروف به تذکرة اولی الالباب
- تذکرة شیخ یوسف بغدادی موسوم به مالايسع اللطیب جهله معروف به جامع بغدادی
- ارشاد شیخ اسماعیل هیبة الله
- ترجمه تذکرة ابوریحان معروف به سیدی
- مفردات نواب حکیم معتمد الملوک سید علوی خان
- اختیارات قاسمی حکیم محمد قاسم ملقب به هندو شاه مشهور به فرشته
- مجربات افضل حکیم میر محمد افضل
- حواشی حکیم میر عبد الحمید بر تحفه
- قانون ابن سینا
- جامع مالقی یا جامع ابن بیطار

۶- کتاب‌های الموسوعه، تصحیح ابن مراد بر کتاب شرح دیسکورید ابن بیطار، تصحیح ربرت بر کتاب دیسکورید، تصحیح زریاب بر کتاب صیدنه، تصحیح طباطبایی بر الحاوی، دائرة المعارف گیاهان دارویی هند، دارونامه پارسا، تصحیح خطابی بر کتاب حدیقه الازهار [مربوط به دوران جدید و عصر حاضر]

در آثار این دوران حتی المقدور سعی شد تا حد امکان نام علمی رایج کنونی برای نام قدیمی گیاهان انتخاب شود. از منابع مزبور کتابهای شرح دیسکورید ابن بیطار و تنقیح الجامع تقریباً بطور کامل ترجمه شده و از کتب دیگر فقط نام‌های گیاهان استخراج شده است.

# فصل اول

## نام‌های کهن گیاهان داروئی در کتاب‌های:

- مخزن الادویه (قرن دوازدهم هجری)
- اختیارات بدیعی (قرن یازدهم هجری)
- حدیقه غسانی (قرن دهم هجری)
- جامع ابن یطار (قرن هفتم هجری)
- تفسیر کتاب دیسقوریوس (قرن هفتم میلادی)
- عمدة الطیب فی معرفة النبات (قرن ششم هجری)
- صیدنه (قرن پنجم هجری)
- الابنیه (قرن چهارم هجری)
- الحاوی (قرن سوم هجری)

## نام‌های کهن گیاهان داروئی

مهمترین مطالب این فصل عبارتست از:

- ۱ - نام‌های کهن گیاهان داروئی از اوایل سال‌های میلادی تا عصر حاضر به تفکیک منبع
- ۲ - تاریخ استفاده از گیاه و میزان اهمیت آن در قرون گذشته
- ۳ - تصحیح نام‌ها با توجه به منشاء زبان و گویش آن
- ۳ - نام‌های علمی پیشنهادی در برخی از منابع جدید برای این گیاهان

برای استفاده از کتاب به نکات زیر توجه شود:

- ۱ - در این کتاب سعی شده تقریباً همه نام‌های اصلی و نام‌های منتقل شده در منابع گوناگون قدیم از کتاب دیسکورید تا مخزن الادویه جمع آوری شده و بدون پیش داوری در اختیار محققان قرار گیرد.
- ۲ - برای بالا رفتن دقت و تصحیح گویش‌ها و کامل شدن تاریخ گیاه سعی شده از هر قرن، کامل‌ترین منبع در زمینه نام‌های گیاهان انتخاب شود. بنابراین عدم استفاده از منابع دیگر بخاطر هم پوشانی مطالب آن با کتب انتخابی است.
- بعنوان مثال کتاب مخزن الادویه از نظر اسامی از کتاب تحفه حکیم مومن / با توجه تشابه‌های زیاد این دو / کامل‌تر است و بعلاوه به دلیل متاخر بودن آن از امتیاز بیشتری برخوردار است.
- ۳ - در جمع آوری مطالب از منابع مختلف درستی یا نادرستی نام یا مطلب، مورد نظر نبوده است زیرا عدم تفکیک موارد درست و یا نادرست می‌تواند زمینه بیشتر اظهار نظر پژوهشگران بعدی را فراهم و پژوهش آنان را پربارتر سازد. بعنوان مثال اگر نامی با زبان خاص از منبعی در این کتاب ذکر گردید درستی یا نادرستی آن مورد نظر نبوده است، بنابراین منسوب کردن نام به یونانی، عربی، و... فقط نقل قول از منابع است که ممکن است نادرست باشد.<sup>(۱)</sup> گاهی نیز نادرستی مطلب و واژگان در زمان خاص می‌تواند سرنخ‌های مطلوبی را در زمینه کشف قوانین دوره‌ای از تاریخ فراهم آورد.
- ۴ - در فصل حاضر کوشش بر این بوده نام‌های مشهور ذکر شده از منابع مختلف با یک شماره مشخص شوند مگر آنکه اختلافی بین نام‌ها به نظر آمده باشد. بنابر این تکرار شماره برای نام‌ها موید اختلاف آن‌ها با نام‌های مترادف است.
- ۵ - چنانچه قبلاً اشاره کردیم نام گیاهان با نام مشهور و غیر مشهور در کتاب متمایز شده‌اند و نام مشهور ممکن است مربوط به منابع یکسان یا منابع مختلف باشد. در هر صورت نام مشهور بلافاصله بعد از شماره در کتاب آمده و نام‌های بعدی آن با عنوان " سایر نام‌ها " آمده و غیر مشهور یا مترادف بشمار می‌روند.

---

۱- به همین دلیل همه مطالب و نام‌ها در کتاب با ذکر منبع آمده و برای هر منبع کلمه اختصاری انتخاب شده است.

۶ - در بخش پایانی کتاب نام های گیاهان داروئی به زبان های مختلف به تفکیک با ذکر صفحه، فهرست شده اند تا با مراجعه به آن بتوان به تمام نام های موجود بویژه نام های مشهور در کتب قدیم دسترسی یافت.<sup>(۱)</sup> با استفاده از این فهرست و مراجعه به متن کتاب امکان دستیابی به گیاه مورد نظر در منابع قدیم فراهم می شود. بعنوان مثال چنانچه محققى در نظر داشته باشد در زمینه گیاه «اسفرزه» در متون قدیم اطلاعاتی را استخراج نماید با مراجعه به فهرست آخر کتاب به متن ارجاع داده شده و با عنوان «بزرقوتونا» مواجه می شود بنابراین در کتبی که نام آن ها به صورت اندیس روی نام گیاه آمده است می توان اطلاعات مربوط به «اسفرزه» را تحت عنوان «بزرقوتونا» جستجو نمود.

۷ - نام های علمی در جداول کتاب برای حفظ امانت به همان صورت کتاب است و به معنی تایید درستی آن ها نیست، بدیهی است در ضمیمه شماره ۳ کتاب نام های اصلاح شده یا درست آن ها آمده است.

۸ - البته امکان یافتن نام علمی برخی از نام های علمی به علت نبود منابع میسر نگردید.

۹ - برای هر گونه اظهار نظر در مورد گیاه خاص باید حتماً به اندیس و فونت آن توجه نمود.

شایان ذکر است نشانه ها اتخاذ شده برای مشخص نمودن منابعی است که نام ها و مطالب از آن ها گرفته شده است. این نشانه ها عبارتند از:

نشانه حرف «م» مربوط به کتاب مخزن الادویه (قرن دوازدهم هجری) با فونت لوتوس ۱۴

نشانه حرف «ت» مربوط به کتاب اختیارات بدیعی (قرن یازدهم هجری) با فونت ۱۰ یاقوت

نشانه حرف «غ» مربوط به کتاب حدیقه غسانی (قرن دهم هجری) با فونت بدر ۱۲

نشانه حرف «ج» مربوط به کتب ابن بیطار (قرن هفتم هجری) با فونت ۱۲ زر ایرانیک

نشانه حرف «ش» مربوط به کتاب عمدة الطیب فی معرفة النبات (قرن ششم هجری) با فونت ۱۰

نشانه حرف «ص» مربوط به کتاب صیدنه (قرن پنجم هجری) با فونت لوتوس سیاه ۱۲

نشانه حرف «ب» مربوط به کتاب الابنیه (قرن چهارم هجری) با فونت لوتوس ۱۰

نشانه حرف «ح» مربوط به کتاب الحاوی (قرن سوم هجری) با فونت میترا ۱۲

نشانه «Glo» مربوط به کتاب *GLOSSARY OF INDIAN MEDICINAL PLANTS*

نشانه «دی.» یا «د.» مربوط به تصحیح ابراهیم بن مراد بر کتاب «تفسیر کتاب دیسکورید ابن بیطار»

نشانه «زر.» یا «ز.» مربوط به کتاب تصحیح عباس زریاب بر کتاب «صیدنه»

نشانه «الم.» یا «ال.» مربوط به کتاب «الموسوعة فی علوم الطبیعة»

نشانه «طبا.» یا «ط.» مربوط به تصحیح سید محمود طباطبائی بر کتاب «الحاوی»

نشانه «خطا.» یا «خ.» مربوط به تصحیح محمد العربی الخطابی بر کتاب «حدیقة الازهار»

نشانه «صحا.» یا «صح.» مربوط به کتاب «الصحاح فی اللغة و العلوم»

نشانه «پار.» یا «پ.» مربوط به کتاب «دارو نامه» احمد پارسا

برای روشن شدن مطالب فوق به مثال زیر اشاره می کنیم:

نام شماره ۱۸ این فصل بعنوان نمونه انتخاب می شود، که «آس» نام دارد.

۱۸ - آس، آس (نامی فارسی)، هَدَس (نام دانه)، آس، آس، آس، اسفرم، اسمار، حب الاس، قیطس:

نام های دیگر آن: ریحان - سریانی: آسای، آسای گدگلفسی (به معنای جاء بک نفسه) و کرلفنسا، به معنای

خصومت کننده با جان خود نام های نوع بستانی آن: یونانی: مرسا ایمارس، قیطس - سریانی: مرسنین،

مرسینی - حبشی: ازورا - هندی: ادھیره، نام دانه آن: بکام، قطوس، فطسا، (بنک آس را) منطر - نام گیاه

۱ - بدین ترتیب پژوهشگران می توانند با مراجعه به صفحه مربوط نام مشهور گیاه را در منبع دلخواه خود پیدا و به آن مراجعه کنند مثلاً گیاه

«مورد» را باید در کتاب مخزن الادویه تحت عنوان «آس» جستجو نمایند.



در کتاب دیسکورید: مرسینس ایماروس<sup>۴</sup> - بنکه قیطس<sup>۵</sup>، غمار<sup>۶</sup>، اسماروزند<sup>۷</sup> - مورد<sup>۸</sup> (۱)

در مثال فوق:

- نام‌های مشهور گیاه عبارت است از: «آس، هدس، اسفرم، اسمار، حب الاس، قیطس» سایر شرح‌های گیاه و خواص آن در کتاب‌های مورد نظر در ذیل این نام‌ها آمده است.

- برای بررسی این گیاه در کتب قدیم به نام‌های زیر باید رجوع شود:

در کتاب الالبیه و جامع ابن بیطار و مخزن الادویه: آس

در کتاب صیدنه: آس، هدس

در کتاب اختیارات بدیعی: آس، قیطس، حب الاس، اسمار، اسفرم

- سایر نام‌ها و مطالب این گیاه در منابع مختلف در ادامه نام‌های مشهور گیاه ذکر شده است.

- اگر نام «ازورا» بعنوان نامی مجهول در اختیار ما باشد با مراجعه به فهرست پایان کتاب به صفحه مربوط به «آس»

راهنمایی می‌شویم و برای مطالعه بیشتر به کتاب‌های مخزن الادویه، صیدنه، جامع، اختیارات بدیعی و الالبیه به کلمه

«آس» مراجعه خواهیم نمود.

- در این مراجعات به منشأ تاریخی نام گیاه نیز واقف خواهیم شد مثلاً این گیاه از زمان دیسکورید با نام «مرسینس

ایماروس» مورد استفاده بوده و در زمان‌ها، کشورها و فرهنگ‌های مختلف استفاده شده است، بنابراین به نظر می‌رسد

امتداد تاریخی استفاده این گیاه از زمان دیسکورید تا قرن ۱۳ ادامه داشته است (زیرا در همه منابع قرون گذشته از آن

نامبرده شده است).

- از آنجا که نام دانه گیاه بصورت مستقل آمده می‌توان نتیجه گرفت که مصرف خاص داروئی داشته است.

- نام‌های گیاه در انتقال مؤلفان و کتب آن‌ها دستخوش تغییر شده است که می‌توان بهترین گویش را انتخاب و واژه‌ها و

اصطلاحات بکار برده شده را اصلاح نمود و به منشاء نام تا حدودی بطور مستند نزدیک شد، مثلاً نام یونانی این گیاه در

کتاب مخزن «مرسا ایمارس» و در کتاب جامع «مرسینس ایمارس» است و با نام سریانی آن که مرسین است تشابه

زیادی دارد بنابراین نام «مرسینس ایمارس» نام یونانی قابل قبول‌تری برای آن است.

- استفاده گسترده از این گیاه در کشورهای مختلف مغرب، هند، ایران و ممالک دیگر از مواردی است که می‌توان با توجه

به تعدد نام‌های مختلف گیاه در زبان‌های متفاوت به آن پی برد.

۱- مجدداً یادآور می‌شویم اندیس‌های و تغییر فونت کلمات نشان‌دهنده مرجع مورد استفاده است.

۱۱ - آذان الفار، آذان القار، آذن الفار، آذان الفار البستاني، آذان الفار البري، آذان القار، آذان الفار<sup>(نامی)</sup>

عربی)، سمقشمحون<sup>۲</sup>: آذان الفار جنسی از مرزنگوش است. <sup>۳</sup> نام‌های دیگر آن: حشیشة الزجاج<sup>۴</sup> - یونانی: مروش<sup>۵</sup>، مروش آقطی به معنی آذان الفار<sup>۶</sup> - هندی: چوهه کنی<sup>۷</sup> - اناغلس<sup>۸</sup> - سمسق<sup>۹</sup>، سمسر<sup>۱۰</sup>، ریحان داود<sup>۱۱</sup>، سمشیر<sup>۱۲</sup>، عیسوب<sup>۱۳</sup>، عنقر<sup>۱۴</sup>، مردوش<sup>۱۵</sup>، مرزنجوش<sup>۱۶</sup>، مرزجوش<sup>۱۷</sup>، حبق القنا<sup>۱۸</sup> - فارسی: مرزنگوش<sup>۱۹</sup> - اشبیلی<sup>۲۰</sup> می‌گوید: چهار گیاه به دلیل شباهت برگ‌هایشان به گوش موش - آذن الفار - به این نام مشهورند نام نوع اول «حشیشة الزجاج» و نوع دوم «آناغالیس» و نوع سوم «مرزنجوش» و نوع چهارم «البستنی» به معنی بستانی و با نام یونانی «ماوش اوطا» است. برخی آن را به اشتباه نوعی «هیوفاریقون» و یا نوعی «آناغالیس» می‌دانند در حالی که این نام به همه این گیاهان گفته می‌شود ولی به تنهایی برای آن‌ها استعمال نمی‌شود. <sup>۲۱</sup> «آذان الفار البری» در آفریقا به «عین الهدهد»<sup>۲۲</sup> معروف است. <sup>۲۳</sup> بُتوقُس اُوطا (Muos ota): «حنین ابن اسحق» در تفسیر «بتوقس اوطا» آن را نامی برای «آذان الفارالرومی» می‌داند. در آفریقا آن را «عین الهدهد» و همان «بادوَرْد» می‌دانند. اینان در این نامگذاری دچار اشتباه شده‌اند که در فصل ۴ به «آذان الفار حقیقی» اشاره می‌شود.

آلبینی (Alsine): این نام «آذان الفار حقیقی» است و بیشتر در باغها روئیده می‌شود. [این بیطار (در تفسیر کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۶۴ و ۴ - ۷۹]

الموسوعه	آذان الفار	<i>Myosotis sp.</i>
الموسوعه	آذان الفار بری	<i>Myosotis arvensis L.</i> <i>M.stricta Roem &amp; Schut.</i>
الموسوعه	آذان الفار جبلی	<i>Myosotis alpestris Schm.</i>
الموسوعه	آذان الفار المتعمی - عین الهدهد - لاتسنی	<i>Myosotis palustris Lam.</i>
صاح	آذان الفار	<i>Myosotis palustris Lam.</i>
زریاب	آذان الفار	<i>Myosotis palustris Lam.</i> <i>Asperugo procumbens L.</i>
دیسکورید	آذان الفارالرومی	<i>Myosotis palustris Lam.</i>
دیسکورید	آذان الفار الحقیقی	<i>Parietaria cretica L.</i>
پارسا	آذان الفار - گوش موش	<i>Parietaria officinalis L.</i>
طباطبائی	آذان الفار	<i>Asperugo procumbens L.</i>
ط. - زر.	آذان الفار نبطی	<i>Anagallis arvensis L.</i>

۱۲ - آذان الفستیس<sup>۲۴</sup>: نام دیگر آن «قوتولیدون» است و نوعی از «حی العالم» است.

EN.	آذان القسیس	<i>Cotyledon umbilicus L.</i>
-----	-------------	-------------------------------

۱۳ - آذان الفیل<sup>۲۵</sup>: به آن «قلقاس» گفته‌اند اما «لوف الکبیر» صحیح تر است.<sup>۲۶</sup>

۱۴ - آذربو<sup>۲۷</sup> یا آذربویه<sup>۲۸</sup>، آذربوی<sup>۲۹</sup>، آذربوا<sup>۳۰</sup>، اصل العربیثا<sup>۳۱</sup>: (نامی یونانی) نام‌های دیگر آن: بیخ عربیثا<sup>۳۲</sup> - سیطرمنون<sup>۳۳</sup> - شیرازی: یریک<sup>۳۴</sup> - تلاد<sup>۳۵</sup>، بلاد<sup>۳۶</sup>، کلیم شوی<sup>۳۷</sup>، قصب شوی<sup>۳۸</sup> - قعیلاس<sup>۳۹</sup> - بخور مریم نوعی از آتست<sup>۴۰</sup>. نام ریشه آن عربتیفه است.<sup>۴۱</sup> - عربتیثا پیارسی «اشبریون» است و «تورم» و «فلال» نیز به آن گویند، پشم و کلیم‌ها را با آن می‌شویند نام گیاه «آذربوی» است.<sup>۴۲</sup> - «آذربوی» نام ریشه گیاهی است که به فارسی به آن «چوه صباغان» گویند.<sup>۴۳</sup>

۱۵ - آذریون<sup>۴۴</sup>، آذریون<sup>۴۵</sup>، آذریون<sup>۴۶</sup> (معنا: آتش گون)، آذریون<sup>۴۷</sup>، آذریون<sup>۴۸</sup>، آذریون<sup>۴۹</sup>، حنوة<sup>۵۰</sup>، ادام<sup>۵۱</sup>: نام‌های دیگر آن: عربی: حنوه<sup>۵۲</sup>، حنوة<sup>۵۳</sup>، تاجر الاصفر<sup>۵۴</sup>، ذهبی<sup>۵۵</sup>، عرار<sup>۵۶</sup>، بهار البر<sup>۵۷</sup>، بهار الاصفر معروف به نرجس<sup>۵۸</sup>، عین العجم<sup>۵۹</sup>، کف الاسد (زیرا شکل آن در هنگام ریزش گل مشابه کف پای شیر است).<sup>۶۰</sup> ازریول (فاس)<sup>۶۱</sup>، جمره (فاس)<sup>۶۲</sup>، تاجر (فاس)<sup>۶۳</sup> وجه تسمیه آن به تاجر بخاطر اینست که گل آن با طلوع خورشید باز و با غروب بسته می‌شود و از این جهت مشابه تاجر است.<sup>۶۴</sup> - فارسی: گل آفتاب پرست<sup>۶۵</sup>، آذرگون - هندی: سورج مکھی<sup>۶۶</sup> - اردم - به زبان عجمی: قلنیه فوله - بنابراین قول صاحب جامع نوعی از «اقحوانست» و این خلاف است زیرا

گل «اقحوان» زرد و سفید است، و گل آن زرد و سرخ است، و او گوید نبات آن به مقدار یک گز باشد اما نبات «آذریون» از یک وجب زیادت نباشد و برگ آن مطلقاً به برگ «اقحوان» ماند، اما گل وی بغایت سرخ رنگ باشد مانند آتش و میان گل وی سیاه رنگ است و از گل «اقحوان» کوچکتر بود اما میان گل «اقحوان» زرد بود و برگ های (گلبرگ های) کنار آن سفید، اما در «آذرگون» (گلبرگ های) کنار آن سرخ با میان سیاه است، و این نوعی از «شقاییق» است.<sup>۵</sup>

الموسوعه	آذریون البری، آذریون الحقل، قوقحان، کحله	<i>Calendula arvensis</i> L.
الموسوعه	آذریون مخزنی، آذریون الحدائق، قرههان، زبیده، حهوان	<i>Calendula officinalis</i> L.
زریاب	آذریون	<i>Calendula arvensis</i> L. <i>Calendula officinalis</i> L.
پارسا	گل آفتاب پرست	<i>Heliotropium europaeum</i>
طبا، خطا.	آذریون	<i>Calendula officinalis</i> L.

۱۶ - آذریونه،<sup>۶</sup> فلار،<sup>۷</sup> آذریون،<sup>۸</sup> نام های دیگر آن عبارتست از: فارسی: گلیم شوی، صابون لباس و امثال آن - سریانی: عرطینثا، عقاراعرطینثا - بلال،<sup>۹</sup> فلار - طالون - نام ریشه گیاه به رومی اطروکیا و لیطفورس است.<sup>۱۰</sup> "اسحاق بن عمران" می گوید آن نوعی «اقحوان» است.<sup>۱۱</sup>

زریاب	فلار، آذریونه	<i>Cyclamen europaeum</i> L. <i>Leontica leontopetalum</i> L.
الموسوعه	عرطینثا، شکم، بخورمریم، زهرالمسیح، وکف، خبزالمشاخ، بشلامس، رگقه	<i>Cyclamen</i> sp.

۱۷ - آرغیس، آدغیس،<sup>۱۲</sup> (نامی بربری) نام های دیگر آن: دمشق و مصر: عود الریح،<sup>۱۳</sup> عودرنج - فارسی: پوست بیخ زرشک - اصل امیرباریس - به پوست درخت «برباریس» گفته می شود و در مصر به آن «عود الریح» گویند.<sup>۱۴</sup>

۱۸ - آزاد درخت، آزاد درخت، آزادرنج، آزاددرخت، آزاددرخت، طاحسک (نام میوه): نام های دیگر آن: فارسی: شیشبان، طاق - عربی: شجرة الحر، حریطه، فالسیسبانه، علقم، لیخ، غناب الابيض، شجرة الفارسیة - تنکابن: داروان، زویاترس - جرجان: زهر زمین، یونانی: فرسیا - مازندران: سیسبان - سند: نیم - گرگان: زمین - شهرری: درخت هلیله - طبرستان: طاحک - شیرازی: طفک - «آزاددرخت» معنای فارسی «حرالسحر» است.<sup>۱۵</sup>

الموسوعه	إزْدَرْخَت	<i>Melia azadarach</i> L.
زر - طبا.	آزاد درخت	<i>Melia azadarach</i> L.
Glo-in	هندی: نیم - سندی: نیمبا	<i>Melia azadarach</i> L. <i>Azadirachta india</i> Juss.
پارسا	درخت آزاد، تومه (شیراز)، نیل (آستارا)، آقچه داغ (کردنه چناران)، ازاراد (علی آباد، حاجی آباد)	<i>Zelkova crenata</i> Spac.

۱۹ - آس، آس، آس (نامی فارسی)، هَدَس (نام دانه)، آس، آس، اسفرم، اسمار، حب الاس، قیطس، آس، ریحان: نام های دیگر آن: ریحان،<sup>۱۶</sup> آس - سریانی: آسای، آسای گدلنفسی (به معنای جاء بک نفسه) و کرلنفسا به معنای خصومت کننده با جان خود - نام های نوع بستانی آن: یونانی: مرسا ایمارس، قیطس - سریانی: مرسنین، مرسنی - حبشی: ازورا - هندی: ادھیره، نام دانه آن: بکام، قطوس، قُطسا، (بنک آس را) منظر - نام

گیاه در کتاب دیسکورید: مرسیس ایماروس<sup>۴</sup> - بنکه قیطس<sup>۵</sup>، غمار<sup>۶</sup>، اسماروزند<sup>۷</sup> - مورد<sup>۸</sup> - میزیه<sup>۹</sup> - مرثش<sup>۱۰</sup> - میبریان<sup>۱۱</sup> - رند<sup>۱۲</sup> - مرسینوس<sup>۱۳</sup> - آس دو جنس دارد: دشتی، و بستانی، نام دشتی آن «مورداسفرم» است.<sup>۱۴</sup> «آشیللی» می‌گوید: آس دارای دو نوع بستانی و سه نوع بری است که نام آن‌ها عبارت است از: ۱ - نوع بستانی هاشمی با نام ایماروس ۲ - نوع بستانی مشرقی ۳ - نوع بری مشرقی ۴ - نوع بری هاشمی ۵ - نوع بری جبلی<sup>۱۵</sup>

مرسیس ایمارس (*Mursine he hemeros*): به معنای "آس البستانی" است، زیرا مرسیس یعنی آس و ایمارس به معنی بستان است. - میوه آن به سریانی «مردایانج» و به لاتینی عمومی «مژتان» (*Myrtinus*) و «مژته» (*Murta*) است. نام گل آن به بربری «أقام» و در اندلس «ریحان» است. دیسکورید در همین ذیل به نام «مُطْنَدَانُون» (*Murtidanon*) اشاره دارد که نام "بنکه" یا مواد ترش‌حی از ساقه این گیاه است. [این بیطار (در تفسیر کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۱۵]

الموسوعه	آس جوی، خَبلاس، خَبلاس، میزین، هُدس، خَلْموش	<i>Myrtus communis L.</i>
الموسوعه	آس - خَبلاس - حَبلاس - ریحان	<i>Myrtus spp.</i>
Glo-in	هندی و پاکستانی: ویلانی مِهَنَدی - اردو: هَبولاس	<i>Myrtus communis L.</i>
ز-طب.	هدس - آس	<i>Myrtus communis L.</i>
دیسکورید	آس البستانی	<i>Myrtus communis L.</i>
پارسا	حب الّاس	<i>Baccae murti (C)</i>
پارسا	برگ مورد - مورد سبز	<i>Myrtus communis L.</i>
خطابی	آس	<i>Ruscus aculeatus L.</i>

۲۵ - آس بری، آس بری<sup>۱۶</sup>، آس بری<sup>۱۷</sup>، مورداسفرم<sup>۱۸</sup>، مورداسفرم<sup>۱۹</sup>: نام‌های دیگر آن: آس نبطی<sup>۲۰</sup> (ایض و اسود)، فارسی: مورداسفرم<sup>۲۱</sup>، اسمار<sup>۲۲</sup>، مارمورد<sup>۲۳</sup>، ماهومورد<sup>۲۴</sup>، مورداسبرم<sup>۲۵</sup>، اس کرمانی - عربی: رند<sup>۲۶</sup>، ریحان القبور<sup>۲۷</sup>، اسمادوسفرم<sup>۲۸</sup> - یونانی: مرسیا اغریا<sup>۲۹</sup>، مرسیسا اغریا<sup>۳۰</sup> - تنکابن: جز، عمار<sup>۳۱</sup> - دمشق و شهرهای شام: قف<sup>۳۲</sup>، انظر<sup>۳۳</sup> - عامه اندلس: خیزران البلدی<sup>۳۴</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: مرسینا آغریا<sup>۳۵</sup>

الموسوعه	سَقَنْدَزْلَاسِج	<i>Ruscus aculeatus L.</i>
زر - طب.	آس بری	<i>Ruscus aculeatus L.</i>

۲۱ - اَطْرِیلال<sup>۳۶</sup>، اَطْرِیلال<sup>۳۷</sup>، اَطْرِیلال<sup>۳۸</sup>، اَطْرِیلال<sup>۳۹</sup> نامی بربری به معنای پای پرنده و پای کلاغ، برای مشابهت شاخه‌های آن با چنگ کلاغ، حرز الشیاطین<sup>۴۰</sup>، حشیشة البرص<sup>۴۱</sup>: نام‌های دیگر آن: عربی: حشیشة الارض<sup>۴۲</sup>، جزر الشیاطین<sup>۴۳</sup>، رجل الطیر<sup>۴۴</sup>، رجل الغراب<sup>۴۵</sup> - ترکی: غازایاغی<sup>۴۶</sup> - هندی: کال چنگی<sup>۴۷</sup> (پای زاغ)، مسی<sup>۴۸</sup>

الموسوعه	اَطْرِیلال - اَطْرِیلال - سِرْفَل - حشیشة البرص - حشیشة البهاق - رجل الغراب - جزر الشیطان	<i>Carum ammioides Benth.</i>
دیسکورید	حشیشة البرص (نام مشترک) - اَطْرِیلال - اَطْرِیلال	<i>Ptychotis verticellata Duby.</i>
پارسا	رجل الغراب - اَطْرِیلال - حشیشة البرص - قازایاغی	<i>Cochlearia coronopus L.</i>
EN.	اَطْرِیلال	<i>Peucedanum oreoselinum M.</i>

۲۲ - أفشرو<sup>۴۹</sup>: (نامی بربری) بعضی از گیاهشناسان آن را بعنوان «قنطوریون الأصفر» می‌شناسند در حالیکه «ابو عباس» نام آن را «قنطوریون» نمی‌داند.<sup>۵۰</sup>

- ۲۳ - آکُتار<sup>ع</sup>: (نامی بربری) نام دیگر آن تلفوظه است.<sup>ع</sup>  
 ۲۴ - آکل نفسه<sup>ع</sup>، اکل نفسه<sup>ع</sup>: نام دیگر آن «فریون» است.<sup>ع</sup>  
 ۲۵ - آلاء<sup>ع</sup>، آلاء<sup>ع</sup>:؟ طباقه<sup>ع</sup>، ارطی<sup>ع</sup>، غشاه<sup>ع</sup>

<i>Dalbergia volubilis</i> Roxb.	Bobay: Alai	GLO.IN
----------------------------------	-------------	--------

۲۶ - آلاء<sup>ع</sup>: بنا به گفته ای نام دیگر «دفلی» است.<sup>ع</sup>

۲۷ - آلسن<sup>ع</sup>، آلسن<sup>ع</sup>: نامی یونانی به معنا دور کننده سگ دیوانه (زهر سگ) نام های دیگر آن: شام: حشیشه السلحفا، حشیشه السلحفا<sup>ع</sup>، حشیشه النجاة، حشیشه اللجاة<sup>ع</sup> - "جالینوس" می گوید: این گیاه را «آلسن» می نامد زیرا برای درمان گزیدگی سگ بسیار مفید است.<sup>ع</sup>

<i>Ramnus alaternus</i> L.	زفرین الجرد، بنق مترادف، آملیس، آملیلیس، عودالقیسه	الموسوعه
----------------------------	--	----------

۲۸ - آآملیس<sup>ع</sup>: (نامی بربری)

۲۹ - آنیس النفس<sup>ع</sup>:

۳۰ - آباؤ<sup>ع</sup>: نام دیگر «قصب» است و گویند نام «حلفاء» نیز هست و سنبل آن «مقیل» نامیده می شود و به «بردیة» نیز «أباءة» گویند.<sup>ع</sup>

۳۱ - آنج: نام های دیگر آن: اسفودلوس<sup>ع</sup> یا خنثی<sup>ع</sup> - فارسی: اشراس<sup>ع</sup>، اشتریس<sup>ع</sup>، اشراژ<sup>ع</sup> - بلوط الارض<sup>ع</sup> - ایجه<sup>ع</sup> - بروق<sup>ع</sup> - بربری: لاقلیشت<sup>ع</sup>، ایغرتی<sup>ع</sup>

۳۲ - أبرة الراعی<sup>ع</sup> أبرة الراعی<sup>ع</sup>: نام دیگر آن شکاعی است.<sup>ع</sup> - گویند نوعی «عصا الراعی» است و گویند نام «انجیلة» است که این درست تر است و گویند نوعی «حسک» است.<sup>ع</sup> «غافقی» می گوید نام های دیگر آن «أبرة الراهب» و «جحلوق» است.<sup>ع</sup> - این گیاه نوعی از «حسک» است و بعضی آن را به یونانی «لوقبوسوس» گویند و نوعی از گیاهی با نام یونانی «غارانیون» است و برخی «أبرة الراعی» را همان «شکاعی» می دانند که اشتباه است.<sup>ع</sup>

<i>Geranium columbinum</i> L.	عُزُنوق العزهل - جیرانیوم یمانی - أبرة الراعی	الموسوعه
<i>Geranium</i> sp.	أبرة الراعی	صباح

۳۳ - أبرون<sup>ع</sup> یا ایزون<sup>ع</sup>، ابرون<sup>ع</sup> (نامی یونانی)، حی العالم<sup>ع</sup>، حی العالم<sup>ع</sup>، حی العالم<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: حی العالم<sup>ع</sup> یعنی همیشه زنده - رومی: ایزویون<sup>ع</sup> - هندی: کزج<sup>ع</sup> - فارسی: همیشه بهار<sup>ع</sup> - عربی: حی العالم<sup>ع</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: میشکجان<sup>ع</sup>، طلاقیون<sup>ع</sup>، میشبهار<sup>ع</sup> - سیستان: میشناء<sup>ع</sup> - نام دیگر آن در کتاب دیسکورید: ایزون الکبیر است و دارای سه نوع بزرگ، کوچک و نوع سوم را بعضی از مردم «بقلة حمقاء بری» می نامند. دارای سه نوع بزرگ، متوسط و کوچک است و این اسم بر همه انواع «عصا الراعی» گفته می شود زیرا این گیاه همیشه وجود دارد.<sup>ع</sup>

ایزون الکبیر (*Zeizoon mega*): به معنای همیشه زنده است و نام های دیگر آن عبارتست از: حی العالم الکبیر<sup>ع</sup> - شیان<sup>ع</sup> و مغرب در مصر رویش ندارد.

ایزون الصغیر (*Zeizoon to mikron*): نام های دیگر آن عبارتست از: حی العالم الصغیر<sup>ع</sup>، عنب السَّقْف<sup>ع</sup> - مردم اندلس به زبان لاتینی: أیلَه دِطَلْبَاطَه<sup>ع</sup> - اهالی آفریقا: بَرَاذِل القِطَّة<sup>ع</sup>

"دیسکورید" با همین اسامی نوع سوم حی العالم را یادآور شده است که خاصیت گرم و خشک و سوزنده ای دارد. [این بیطار] در

<i>Sempervivum arborerum</i> L.	ایزون الکبیر	دیسکورید
<i>Sedum acre</i> L.	ایزون الصغیر	دیسکورید
<i>Sedum telephilum</i> L.	نوع سوم حی العالم	دیسکورید
<i>Sempervivum spp.</i> <i>sedum spp.</i>	حی العالم	صحاح
<i>Sempervivum arborerum</i> L.* <i>Sempervivum tectorum</i> L.*	ایزون	زریاب
<i>Sedum sp.</i>	حی العالم - حَیَوْن - وَدْنَة	الموسوعه
<i>Sempervivum tectorum</i> <i>Sempervivum arborerum</i>	حی العالم	طباطبائی
<i>Sedum telephium</i>	حی العالم بری - طیلاس	طباطبائی
<i>Sedum acre</i>	حی العالم صغیر - حی العالم رعونا - امرومن	طباطبائی
<i>Pistia stratiotes</i> L.	حی العالم الماء	طباطبائی
<i>Sempervivum arborerum</i> L.	حی العالم	خطابی

۳۴- آبزار، ابزار، انبویاریس: نام‌های دیگر آن: نزار (عوام) - فارسی: زرشک، زارج - انبویاریس - اثرات - امبودیسیس - درنک

۳۵- ابلم: گیاهی در حجاز

۳۶- ابلم: ش

۳۷- ابلمة: شاید «انجیلة» باشد. ش

۳۸- ابن، ابْنُ الارض، ابن الارض: ش

۳۹- ابن اؤبر: نوعی کماة ش

۴۰- ابوخلسا، ابوخلسات (نامی یونانی)، اروسا، انجسا، شجرة الدم: نام‌های دیگر آن: عربی: شجرة الدم، حمیرا، حناء الغول، خس الحمار، اروسه، رجل الحمامة، شنجار، شیفار، سنجار، شنغار، شنجار، شنکار - زابلستان: طلخشق، خرچکوک، کوک یعنی خس یا کاسنی - هوفیلوس - شنقار - کحلا - اثقلیا - سریانی: حالوما - بالقس - کاهورنه - عاقرشمعا

الف - آنخسا (*Ankhusa*): در بعضی از نسخ به آن «آنخوسا» گویند و در بعضی از ترجمه‌ها به نام‌های «ابوخلسا»، «خس الحمار»، «شنکار»، «شنقار»، «شنکال»، «شنقال» معروف است و اهالی اندلس به آن «حمیرا» و «رجل الحمامة» گویند و نزد اهالی مصر به «جنالغولة» موسوم است. دیسکورید ذیل این نام به سه نوع از این گیاه اشاره می‌کند.

ب - لوقبسون: (*Lukapsos*) (لوقسیون): از جنس شنجار (سنجار) است. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲۳ و ۲۴]

<i>Alkanna tinctoria</i> L. <i>Lithospermum fruticosum</i> L. <i>Echium diffusam</i> L.	انخسا	دیسکورید
<i>Echium italicum</i> L.	لوقبسون	دیسکورید
<i>Onosma spp.</i>	سنجار	الموسوعه
<i>Alkanna tinctoria</i> Tausch.	سنجار البر	الموسوعه
<i>Alkanna tinctoria</i> Tausch. <i>Anchusa tinctoria</i> L.	اروسا	زریاب

طباطبانی	شجره الدم	<i>Alkanna tinctoria Tausch.</i>
----------	-----------	----------------------------------

۴۱- ابوقانس (یونانی)، ابوفایس، ابوفسطن، قللجه: نوعی خمنض - نام های دیگر آن: ابوقاوس، اوقاس - عربی: غاسول رومی - نام گیاه در کتاب دیسکورید: ابوفایس زیرا محل رویش آن «ابوفایس» نام دارد.<sup>۷</sup>  
 ابوفسطن (*Hippophaiston*): نوعی از غاسول است. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۴]

دیسکورید	ابوفسطن	<i>Cirsium stellatum L.</i> <i>Euphorbia spinosa L.</i>
دیسکورید	غاسول ( <i>Hippophaes</i> )	<i>Hippophae rhamnoides L.</i>

۴۲- ابوقسطنس: «ابوفسطن» نوعی «ابوفایس» است.<sup>۸</sup>  
 ۴۳- ابهل، ابهل، ابهل، ابهل، ابهل، قطران، صفینه، صفینه: ثمر سرو کوهی - قسمی سرو کوهی قطران صمغ «ابهل» است. نام های دیگر آن: سرو کوهی - عرعرا - عربی: عرعرا، جوز العرعرا - فارسی: تخم وهل، اورس، ای رس، و برس غنچه، برس، ورس - ترکی: ارزوج - یونانی: براتی، ارقوس، یارقولس - رومی: برون، بروتانوس، بروتون، بزوثون، یابزوسیون - هندی: اوهر، اوهر، هوهر - سریانی: بزوثا، بروفا یا بزوسیاء، دانه آن: ورس غنده - «ابهل» بر خلاف نظر بعضی پزشکان «عرعرا» نیست.<sup>۹</sup> اسحاق بن عمران «ابهل» را نوعی «عرعرا» می داند.<sup>۱۰</sup>  
 براتی (*Brathu*): ابهل [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۷۶]

د.ط. -خ. -EN	ابهل	<i>Juniperus sabina L.</i>
پارسا	سرو کوهی	<i>Cuperessus sempervirens L.</i> <i>Cupressus horizontalis Mill.</i>
پارسا	زرین (منجیل، کوه درفک) - سور (شمال)	<i>Cuperessus sempervirens L.</i> <i>var. fastigiata</i>
Glo.in	<i>Hendia: Araar - Dakan: Abhal</i> <i>Kashmir: Betar, Pethra - Sanskrit: Vapusha</i>	<i>Juniperus communis</i>

۴۴- ابهل هندی، شجره الله، شجره اكله: نام های دیگر آن: هندی: دیودار - صنوبر هندی - ابهل هندی  
 ۴۵- ایغل:

زریاب	ایغل	<i>Melilotus officinalis Lam.</i> <i>Trygonella hamosa L.</i> <i>Trifolium fragiferum L.</i>
-------	------	--

۴۶- انید: نام دیگر آن: بوراطاغونس  
 ۴۷- اترج، اترج، اترج، اترج، اترج، اترج، تفاع ماهی، تفاع مائی، تفاع مائی، متک: نام های دیگر آن: عربی: «تفاع مائی» (منسوب به شهر «ماء»)، متکه، متک، ریحان الماء - مصر: ریحان النعنع، تمر الهندیه، تمر الذهبی - یونانی: مارسسیسقا، یامارسیقا، میزقیاش - سریانی: اطروغا، عاقر شمعا، حالوما، کحلا، کحیلا، هرقلو، هیقلوس، اطروکا - شیراز: طوس - هند: بکاین - فارسی:



هو جویه؛ باذرنگ<sup>س</sup> و وادرنگ<sup>س</sup> (به معنای لا زال هذا اللون موجودا) و باذرنگ (یعنی لا زال هذا اللون باقیا)، تُرنج (اهواز)، ترنج<sup>س</sup>، قدرومیلا<sup>س</sup> - افرنجی: برشیقا<sup>س</sup> - عجمی: جطریا<sup>س</sup> - بربری: تَرنج<sup>س</sup> - هندی: رتن جوت - سریانی: - عوام: طرنج<sup>س</sup> - فاس: تَرنج<sup>س</sup> - بربری: ترنج - نام‌های میوه: حب العرعر<sup>س</sup> - فارسی: تخم وهل<sup>س</sup> - هندی: بجوڑه<sup>س</sup> - فارسی (نوع کوچک): ترنج<sup>س</sup> - نام میوه نوع بزرگ: بالنگ<sup>س</sup> - فرنگی: مبدکه ماله<sup>س</sup> - نام میوه نوع کوچک به فرنگی: لیمونیه ماله<sup>س</sup> - نام نوعی از آن: نارنج<sup>س</sup>، فاس: نرنج<sup>س</sup> - نام نوع دیگر آن: زنبوع<sup>س</sup> - نام نوع دیگر آن: لیمون<sup>س</sup> - نام نوعی از آن: لیم<sup>س</sup> میدیقامیلا (Medika mela): نام دیگر آن عبارتست از: «أترج» و «تفاح الماهی»<sup>(۱)</sup> - نام عربی آن «مُثْک» است. [این بیطار (در

ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۲]

<i>Citrus medica L.</i>	اترج - تفاح ماهی - مُثْک - کَبَاد	الموسوعه
<i>Citrus medica Risso. Var. Cedrata</i>	اترج	دیسکورید
<i>Citrus medica</i>	بالنگ - بادرنگه	پارسا
<i>Citrus medica L.</i>	اترج	زر. - خط.
<i>Citrus aurantium</i>	نارنج	خطایی
<i>Citrus limonum</i>	لیمون	خطایی

۴۸ - أثاب<sup>س</sup>: أثل<sup>س</sup>۴۹ - أثبة<sup>س</sup>:۵۰ - أترار: بر اساس گفته‌های نوعی «ریباس» با نام «حماض الجیلی» است و بنا به گفته درست‌تر نام دیگر «انبریاریس» است.<sup>س</sup>

۵۱ - أثل<sup>س</sup>؛ أثل<sup>س</sup>؛ أثل<sup>س</sup>، اثل (نامی عربی)، نُضمار<sup>س</sup>، کُزمازک<sup>س</sup>، جزمارج<sup>س</sup> (دانه): نوع بزرگ "گز" به هندی "جهاؤ" است. نام دیگر آن: طرفاء البستانی<sup>س</sup> - نام‌های میوه: هندی: نهی مائین، اُجهوتی مائین<sup>س</sup> - کُزمارک<sup>س</sup>، کُزمازق<sup>س</sup>، عَذبه<sup>س</sup> آفالیس (Akakallis): شجر الأثل، نام میوه به فارسی: کُزمازک، کُزمازق، کُزمازج<sup>س</sup>، نام میوه به عربی: عَذبة<sup>س</sup> [این بیطار (در ترجمه

دیسکورید) ۱ - ۹۱]

<i>Tamarix niloticaa Ehr &amp; Bung.</i>	اثل	EN.
<i>Tamarix articulata Vahl.</i>	اثل	د. ط. - خ.
<i>Tamarix spp.</i>	اثل - عَبل - طرفاء	الموسوعه
<i>Tamarix orientalis Forsk.</i> <i>Tamarix articulata Vahl.</i>	عبل - اثل مفصلی	الموسوعه
<i>Tamarix gallica L. var. mann</i>	حب الاثل - گز خوانسار	پارسا
<i>Tamarix orientalis Forsk.</i> <i>Tamarix articulata Vahl.</i>	اثل	زریاب
<i>Tamarix gallica</i> <i>Tamarix articulata Vahl.</i>	کُزمارک	طباطبائی

۵۲ - أثلق<sup>س</sup>؛ أثلق<sup>س</sup> (نامی عربی)، اغنیس<sup>س</sup>، أغس<sup>س</sup> (نامی یونانی به معنای طاهر)، بُنج أَثْکُشت<sup>س</sup>، بُنجْکُشت<sup>س</sup>، فنجکُشت<sup>س</sup>،

۱- ماهی: به معنای منسوب به "ماه"، و آن منطقه‌ای است در دینور و نهاوند و همدان و نام واقعی آن "میدیا" است. - جهت اطلاعات بیشتر به کتاب "معجم البلدان" یا قوت الحموی مراجعه شود.

۲- "تفاح ماهی" در اصل "تفاح مای" بوده و صحیح آن "مادی" یا "میدئ" است، این بیطار هر دو واژه را بکار برده و می‌گوید منسوب به "ماه" است نه به "ماه" - نقل از ابن مراد

۳- نامی مصری

أَغْنَس (Agnos): دیسکورید: این نام به معنای طاهر (پاک کننده) است زیرا زنان زاهد با فرش نمودن این گیاه در معابد، شهوات را از خود دور می کردند. برخی آنرا «لُغْس» یا «لَوْغْس» به معنای سخت شکننده و «شجرة ابراهيم (عليه السلام) دانسته و می پنداشتند خوابیدن روی این گیاه شهوات جنسی از آنها رفع می شود و به همین علت آنرا «شجرة المطهرة» می گفتند. نام سریانی آن «أَيْلاَقْدِيشا» و نام هندی آن «سَرساد» و «سَمِثا» و نام بربری آن «وُتْقَارُف» (انقارف) و نام عربی آن «كَتَّ الْجَدْمَا» است و عموم اهالی مصر به آن «شجرة مريم» گویند و اهالی اندلس آن را با نام «شجرة القُلْفُل» و «قُلْفُل الصَّقَالِبه» (نامی مشترک بین چند گیاه) می شناسند، نام دانه آن «شُرْبُنْگَه» و در مصر «حب الشجرة» است و نزد عرب و پزشکان به «فَقْد» معروف است. [این بيطار (در ترجمه دیسکورید)]

۱- صیدنه فقد را دانه عرفج می دانند. - فقد به معنای فاقد ساختن و از بین بردن زیرا موجب فقدان نسل می شود.  
۱- در عراق به میوه بزرگ سفید گفته می شود

<i>Prunus domestica</i> L. Syn: <i>Prunus communis</i>	Hendia & Bengal: Alu-bokhara	GLO.IN.
---	------------------------------	---------

۵۴- أُجْرِدٌ<sup>ش</sup>: نام نوع دیگر آن «قصيص» است.<sup>ش</sup>

۵۵- اَحْرِیضُ، اَحْرِیضُ<sup>ع</sup>، اَحْرِیضُ<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: خریع<sup>ش</sup> - فارسی: گل کافشه، گل خنق، رنگ زعفران<sup>۱</sup> - دیلمی: کاجیره<sup>۱</sup> - هندی: کسم‌کاپهول<sup>۱</sup> - "ابوحنیفه" می‌گوید نام دیگر آن «عَصْفُر» است.<sup>عش</sup>

<i>Charthamus lanatus</i> L.	أطرقطولس - عصفربری - مرزجون	دیسکورید
<i>Charthamus tinctorius</i> L.	عصفرب	زر. - طبأ.
<i>Charthamus tinctorius</i> L.	گل کافیشه - تخم کاجیره - قرطم	پارسا
<i>Charthamus tinctorius</i> L.	قُرْطُم الصبَاغین، تبریاض، عَصْفُر	الموسوعه

۵۶- اَحیرش<sup>ش</sup>:

۵۷- اَحْیون<sup>۱</sup>، اَحْیون<sup>ع</sup>، اَحْیون<sup>ش</sup>: نامی یونانی به معنای سرافعی است، زیرا میوه گیاه به شکل سرافعی است.<sup>ع</sup> نام دیگر آن رأس الأفعی است.<sup>ع</sup>

اَحْیون (Ekhion): این نام به معنای سرافعی است زیرا گیاه دارای میوه‌ای مشابه سرافعی است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲۷]

<i>Echium rubrum</i> L.	اَحْیون	دیسکورید
<i>Echium</i> sp.	اَحْیون	EN.

۵۸- اَخْرَساج<sup>۱</sup>، اَخْرَساج<sup>ع</sup>؟

۵۹- اَخْیروس<sup>۱</sup>، اَخْیروس<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: قمح البری<sup>ع</sup>

<i>Camoanula ramosissima</i> Sibth.	اَخْیروس	زریاب
-------------------------------------	----------	-------

۶۰- اَخْلیوس<sup>ش</sup>: برخی آن را به اشتباه «شَیْبان» نامیده‌اند.<sup>ش</sup>

۶۱- اَذْرَک<sup>۱</sup>: (نامی عربی) نام دیگر آن به فارسی آلوچه سلطانی است.<sup>۱</sup>

۶۲- اَذْیرزا (اَذْیرزا): گیاهی منسوب به کوه «اَیداه»<sup>ش</sup>

۶۳- اَذْارَقی<sup>۱</sup> (نامی سریانی)، قاتل الکلب<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: کچله، کچوله<sup>۱</sup> - به زبان هندی نیز نام آن همین است - عربی: قاتل الکلب<sup>۱</sup>، حب الغراب<sup>۱</sup>، خائق الکلب<sup>۱</sup>

اَفُوقُون (Apokunon)<sup>(۱)</sup>: یعنی عَنَب الکلاب، گیاهی کشنده، بذر آن در میوه‌ای همانند خرنوب قرار دارد و نام دیگر آن قاتل الذئب است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۷۲]

<i>Marsedenia erecta</i> L. <i>Strychnos nux-vomica</i> L. <i>Barjonia racemosa</i> Decne. <i>Aconitum erectum</i> L. <i>Cynanchum erectum</i> L.	قاتل الکلب	زریاب
---	------------	-------

۱- در کتاب جامع ابن بیطار نام آن معادل "افوقون"، "قاتل الکب"، "خائق الکلب" آمده است.

دیسکورید	افرقونن	<i>Apocynum erectum Vell.</i>
----------	---------	-------------------------------

۶۴ - اذخر، اذخر، اذخر، اذخر، اذخر، اذخر، اذخر، طیب العرب، خلال مامونی، سجویس، طیب العرب: نام های دیگر آن: هندی: سوندهی، کتریل (فجاج)، عربی: نجم، اغرسطس، گورگیا، رعی العیر - جرجان: گوزن تل - سریانی: سحیل - یونانی: سجومیس، طوفسس، نحوفس، سخیونس - کامکه، تین مک - گربه دشتی - اذخر دو نوع است: نام های قسم مکی آن: عربی: تین مک، خلال مامونی، طیب الغریب - رومی یا یونانی: سخیس، سخس - رومی: ادماطیوش - عجمی: جرینه - هندی: کندهیس، کندهیل، کشول، سوندهی، روس، سوریا - فارسی: گورگیا، کاه مک، کزنه دشتی، طوسیطس - مک: غسول - فاس: اذخر، تین مک - بربری: تیطمست - هیروم، بیروم، بوفیا، جوز جنا، حشیشة البابی - "ابوحنیفة" می گوید: نوعی از آن معروف به "جرینه" یا همان "دیس" است که از آن دایره های جهت غربال تهیه می کنند.

سَخْنُونُس (Skhoninos): اذخر - تین مک [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۷]

دیسکورید	سخیونس - اذخر - تین مک	<i>Andropogon schoenanthus L.</i>
زر - خ.	اذخر	<i>Andropogon schoenanthus L.</i> <i>Andropogon lanigera Desf.</i>
الموسوعه	اذخر - تین مک - طیب العرب	<i>Andropogon schoenanthus L.</i>
پارسا	کورگیا - کاه مک - گربه دشتی	<i>Andropogon schoenanthus L.</i>
طبا، EN.	اذخر	<i>Andropogon schoenanthus L.</i> <i>Cymbopogon schoenanthus Spreng.</i>
GLO.IN.	Bombay: Azkhir	<i>Cymbopogon jawarancusa Sch.</i> Syn: <i>Andropogon jawarancusa Jo.</i>

۶۵ - اذُن الحِمَار: أونوما: یعنی ساقط کننده جنین. نوعی از گیاه "خس الحمار" است، عموم اهالی اندلس آن را «رَجُل الحَمَامَة» می نامند و دارویی بنام «اونوما» در اندلس وجود دارد و گیاهشناسان و پزشکان اندلسی به آن «اُذُن الحِمَار» گویند و "جالینوس" آن را با نام «انوسما» می شناسد. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲۶]

دی. - الم.	اونوما - اذن الحمار	<i>Onosma echinoides L.</i>
زریاب	اذن الحمار	<i>Onosma echinoides L.</i> <i>Symphytum officinale L.</i>

۶۶ - اذن البوطاط:

۶۷ - اراق، اراقا: نام های دیگر آن: فارسی: سیهک

۶۸ - اراک، اراک، اراک، اراک، بربر: نوعی رتم نام های دیگر آن: فارسی: درخت مسواک - به زبان گرمسیری: جوج - هندی: پیلووجال - نام بذریل - نام میوه رسیده به عربی: کبات، بربر - اشبیلی می گوید: برخی آن را به اشتباه «مخیطا» و عده ای «رند» و بعضی «ضرو» و «بطم» و گروهی «بنتومه» و عده ای «محلَب» می دانند در حالی که «اراک» نزد عرب گیاه مشهوری است.

ال، ط، ز، E.	اراک	<i>Salvadora persica Gaertn.</i>
پارسا	درخت مسواک	<i>Salvadora persica - S. indica</i>

- ۶۹- آر بیان<sup>۴</sup>: (نام گیاه در شام) این گیاه نزد "البکری" نوعی از «بابونج» است که به یونانی به آن «فکتلمن» گویند و آن نام «بهار» است.<sup>۵</sup> و غیر از "بکری" «آریان» را نامی برای «جراد بحری» می دانند که به آن «رویان» هم گویند.<sup>۶</sup>
- ۷۰- آرجان<sup>۷</sup>: (نامی بربری)
- ۷۱- آر جَنَقَه<sup>۸</sup>: رنگرزان به آن «آر جِیقِن» گویند.<sup>۹</sup>
- ۷۲- آر جُوَان<sup>۱۰</sup>؛ ارجوان<sup>۱۱</sup>، ارجوان<sup>۱۲</sup>؛ ارجوان<sup>۱۳</sup>: نامی معرب از ارغوان<sup>۱۴</sup> یا اُرْگُوَان<sup>۱۵</sup> - نام‌های دیگر آن: فارسی: رغیداء، داذاروان<sup>۱۶</sup>، دارارون<sup>۱۷</sup>

<i>Cercis spp.</i>	الموسوعه	أرجوان - ارجوان العرب ارغوان خزریق - سَجْرِیق - شجرة اليهود
<i>Cercis siliquastrum L.</i>	زر. - پا.	ارغوان - ارجوان
<i>Sophora mollis Gr.</i>	GLO.IN.	Arabia & Persia: Arghavan

۷۳- اِرْدَقْ نَاقِی<sup>۱۸</sup>؛ ارزاردقناقی<sup>۱۹</sup>: (نامی یونانی)؟

- ۷۴- اُرْز<sup>۲۰</sup>؛ ارز<sup>۲۱</sup>، اُرْز<sup>۲۲</sup>، ارز<sup>۲۳</sup>؛ اُرْز<sup>۲۴</sup> معرب اورزأ واوریزأ، برنج<sup>۲۵</sup>، ابرنج (نام فارسی): نام‌های دیگر آن: الرز<sup>۲۶</sup> - سریانی: روزی<sup>۲۷</sup>، اُرْزَا<sup>۲۸</sup> - عربی: مَن<sup>۲۹</sup> - فارسی: برنج<sup>۳۰</sup> - تورانی: کرنج<sup>۳۱</sup> - برنق<sup>۳۲</sup> - برنک<sup>۳۳</sup> - ابرنج<sup>۳۴</sup> - هندی: چاول<sup>۳۵</sup> - رومی: اریزون<sup>۳۶</sup> - سری فرکودات: کُرْنِج<sup>۳۷</sup> فاس: رُوْز<sup>۳۸</sup> - بربری: رُوْز<sup>۳۹</sup>

<i>Oryza sativa L.</i>	الموسوعه	ارز - رز
<i>Oryza sativa L.</i>	زر. - خط.	ارز

- ۷۵- اُرْزُ؛ اُرْزَه<sup>۴۰</sup>: نام‌های دیگر آن: درخت صنوبر بی بار<sup>۴۱</sup> - رومی: اغروسطوس<sup>۴۲</sup>، مروسیا<sup>۴۳</sup> - سریانی: ییلا<sup>۴۴</sup>، شعیعادیم<sup>۴۵</sup> - فارسی: فرزدجویار<sup>۴۶</sup> - عربی: حشیشه<sup>۴۷</sup> - نزد صاحب نظران عرب «اُرْز» نام «صنوبر نر» و «فرزدجویار» نام «ثیل» است.<sup>۴۸</sup>
- قوفی (Peuke): به معنای دُخْنه و نوعی تنوب است، نام دیگر آن «شجره الأُرْز» است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید)]

<i>Cedrus libani Bar.</i> <i>Pinus halepensis Mill.</i> کاشته شده	زریاب	ارزه
<i>Picea exelsa Link.</i> * کاشته شده	دیسکورید	قوفی - شجرة الارز

- ۷۶- ارطی<sup>۴۹</sup>: بنا به قولی نام «طرفاء» و بنا به قول دیگر نام «رمت» است و نام هندی آن «مَهْت» است.<sup>۵۰</sup>

<i>Calligonum comosum L.</i>	زریاب	ارطی
<i>Calligonum spp.</i>	الموسوعه	ارطی

- ۷۷- آرغامونی<sup>۵۱</sup>؛ آرغامونی<sup>۵۲</sup>، ارغامونی<sup>۵۳</sup>، ماشیا<sup>۵۴</sup>: نام دیگر آن به فارسی «مامیشای سرخ» است.<sup>۵۵</sup>

<i>Argemone sp.</i>	الموسوعه	ارغوان خشخاشیه
<i>Papaver argemone L.</i>	EN.	ارغامونی

۷۸ - آرْقِطون،<sup>۴</sup> اَرْقِطیون<sup>۵</sup>: معرب ارقیسون یونانی، نام دیگر آن «قرو سوقيون» است.<sup>۶</sup>

پارسا	ارْقِطون - ریشه بابا آدم	<i>Arctium lappa L. = Lappa major</i>
الموسوعه	ارْقِطون	<i>Arctium lappa L.</i> <i>Arctium tomentosum</i> <i>Arctium bardana Willd.</i>
EN.	ارْقِطون	<i>Lappa major</i>

۷۹ - آرْقِطیون،<sup>۴</sup> اَرْقِطیون آخر<sup>۵</sup>: نام دیگر آن: ارقطون<sup>۶</sup> - اَرْقِطیون (*Arktion*): به زبان عربی آن را "حربان"<sup>(۱)</sup> گویند. اَرْقِطیون آخر: به زبان عربی آن را "حربان" گویند و دارای دو نوع بری و بستانی است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹۴ و ۹۵]

دیسکورید	ارْقِطون	<i>Arctium tomentosum Shk.</i>
دیسکورید	ارْقِطون آخر	<i>Arctium lappa L.</i>

۸۰ - ارماط<sup>۷</sup>: نام های دیگر آن: درخت کدز<sup>۸</sup> - کاوی<sup>۹</sup>

۸۱ - از مال<sup>۱۰</sup> و ار مالک<sup>۱۱</sup>، آز مالک<sup>۱۲</sup>، ارماک<sup>۱۳</sup>، ارمال<sup>۱۴</sup>: پوست چربی است<sup>۱۵</sup> - چوبی سمی است و خوش بو<sup>۱۶</sup> - نام های دیگر آن: سریانی: ار مالی<sup>۱۷</sup> - پوست درخت کاوی<sup>۱۸</sup>

الموسوعه	کاوی	<i>Pandanus sp.</i>
----------	------	---------------------

۸۲ - از منین<sup>۱۹</sup>، آرمیس<sup>۲۰</sup>، ارمنین<sup>۲۱</sup>: (نامی یونانی) "ابن جلجل" پنداشته این گیاه «قلقل» و «قلقلان» است<sup>۲۲</sup> ولی مشخصات این گیاه با «قلقلانی» که در عراق به این نام مشهور است، متفاوت است.<sup>۲۳</sup> اَرْمِین (Horminon): ابن حسان معتقد است نام گیاه "حَبُّ الْقَلْقَل" و "قَلْقَال" و "قَلْقَالِي" است ولی صرف نظر از نام معروف آن نزد عرب، به آنچه مورد نظر [کتاب شرح دیسکورید / است نرسیدم<sup>۲۴</sup> - نام این گیاه در کتاب جالینوس "قُومِیون" است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۱۴]

دیسکورید	ارمنین	<i>Salvia horminum L.</i>
EN.	ارمنین	<i>Horminum pyrenaicum L.</i>

۸۳ - ارمیس<sup>۲۵</sup>:

۸۴ - ارید برید<sup>۲۶</sup>، اُرتد برید<sup>۲۷</sup>، ارید برید<sup>۲۸</sup>: پیازی که از سجستان جمع آوری می شود<sup>۲۹</sup> - به نظر "غافقی" به احتمال زیاد این گیاه همان «وِلبوث» است.<sup>۳۰</sup>

زریاب	ارید برید	<i>Gladiolus communis L.</i> <i>Gladiolus segetum Ker.</i>
-------	-----------	---

۸۵ - اَزرو د<sup>۳۱</sup>، از رود<sup>۳۲</sup>: (نامی بربری) نزد بربرهای آفریقا نام «حندقوقا»<sup>۳۳</sup> است.<sup>۳۴</sup>

۸۶- آژوسه<sup>۱</sup>: (نامی هندی)؟ نام‌های دیگر آن: وانسه<sup>۲</sup> و وانسه<sup>۳</sup>

۸۷- آسارون<sup>۴</sup>، آسارون<sup>۵</sup> (نامی رومی)، آسارون<sup>۶</sup>، آسارون<sup>۷</sup>، آسارون<sup>۸</sup>، آسارون<sup>۹</sup>، آسارون<sup>۱۰</sup>، آسارون<sup>۱۱</sup>: (نامی سریانی) نام‌های دیگر آن: یونانی: سرابیون<sup>۱۲</sup> - عربی: نوغان<sup>۱۳</sup> - عجمی: آشُرَه<sup>۱۴</sup>، افرقه دلف<sup>۱۵</sup> - بربری: قرنه<sup>۱۶</sup> - اشبیله: لوبیانیه<sup>۱۷</sup> - هندی: تکر<sup>۱۸</sup>، بتتی تکر<sup>۱۹</sup> - ناردین بری<sup>۲۰</sup>، سنبل بری<sup>۲۱</sup> - سریانی: ناردین دبرا<sup>۲۲</sup>، قرنفل جبلی<sup>۲۳</sup> - فاس: اسرون<sup>۲۴</sup> گویند «اسارون» بیخ «سنبل رومی» است و این خلاف است، زیرا «ناردین» ریشه «سنبل رومی» است.

آسارون (Asaron): گیاه معروفی است. بعضی از مردم به آن «ناردین بری» گویند. (۲) [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۰]

زر- پا.	اسارون - اسارون شامی	<i>Asarum europaeum L.</i>
الموسوعه	ناردین بری - اسارون	<i>Asarum europaeum L.</i>
دی - طب.	اسارون	<i>Asarum europaeum L.</i>
GLO.IN.	Hend & Bengal; Taggar/Kumaon: Asrun	<i>Valeriana hardwickii Wal.</i>

۸۸- اسپیزمرد<sup>۲۵</sup>: نام دیگر آن: فلفل ایض<sup>۲۶</sup>

باباری (Peperi): قُلُل - به درخت آن "دار قُلُل" و "فلفل الأیض" گویند. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۲]

دیسکورید	اسپیزمرد	<i>Piper aromaticum Lam.</i>
		<i>Piper nigrum L.</i>

۸۹- استیب<sup>۲۷</sup>: (نامی عربی) نام گروه انواع مختلفی از گیاهان است<sup>۲۸</sup>: نام‌های نوع اول عبارتند از: یونانی: قستوس - رومی: شقواصة - فارسی: قسثارون - بربری: تبرحله، وتورلت - عجمی: برتلاقش، برتقش - نام میوه: جُلُجَل - نام نوع دیگر: ورد الحمار - یونانی: ایذون - نام نوع دیگر: فارسی: شقاص - یونانی: سطوبی - نام نوع دیگر: رشال الاحمر - یونانی: قلوامانی، برطوماش - عجمی: رشاله - سریانی: قلواماش - کواکب - نام نوع دیگر: خطبه، قرغار

۹۰- استبرق<sup>۲۹</sup>:

۹۱- استن: طوبه<sup>۳۰</sup>

۹۲- اسحاره<sup>۳۱</sup>، اسحاره<sup>۳۲</sup>، اسحاره<sup>۳۳</sup>: نام‌های دیگر آن: یونانی: اوسیمون<sup>۳۴</sup>، اوسیمون<sup>۳۵</sup> - "حنین" آن را «تودری» ترجمه کرده است.

۹۳- اسخفان<sup>۳۶</sup>، اسخفان<sup>۳۷</sup>:

۹۴- اسجل<sup>۳۸</sup> (۳):

أریقی (Ereike): از انواع «أسجل» است و اهالی مغرب به آن «شجر الخُلج» گویند، زنبور عسل اگر از شهد آن استفاده کند عسل آن تلخ خواهد بود. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۰]

دیسکورید	أریقی - شجر الخُلج	<i>Erica arborea L.</i>
----------	--------------------	-------------------------

۹۵- اسد الارض<sup>۳۹</sup>، اسد الارض<sup>۴۰</sup>، اسد الارض<sup>۴۱</sup>، اسد الارض<sup>۴۲</sup>: نوعی از طرائیث<sup>۴۳</sup>، نام‌های دیگر آن: بزرالزیتون البری<sup>۴۴</sup>، مازریون<sup>۴۵</sup> بعضی گویند «اسد الارض» نباتیست که به یونانی خامالون<sup>۴۶</sup> مالس گویند و معنی آن مازریون سیاه است. برخی از مترجمان آن را «مازریون» می‌دانند ولی آن‌ها اشتباه کرده‌اند و در حقیقت نام آن «حرباء» و به یونانی «خامالون» است و

Asaro - ۱ ۲- در کتاب تنقیح ابن بیطار عین این عبارت ذکر شده است.

۳- ابوحنیفه این گیاه را درختی مشابه «قل» می‌داند که از چوب سخت آن در ساختن رحل استفاده می‌نمایند، به یکی از آن «أسجله» گویند.

«مازیرون» به یونانی «خامالیون» است، و همین نزدیک بودن دو واژه منشاء ابهام و اشتباه آن بوده است. و بعضی از متأخرین نام یونانی «أسد الأرض» را «خامالان مالس» می دانند و «مالس» به معنای سیاه است زیرا در اطراف آن گیاه دیگری نمی روید به همین دلیل عموم مردم مغرب به آن «أداد الوحید» که به عربی همان «أشخیص» است می گویند.<sup>۹۶</sup>

Chamaeleo vulgaris	اسد الارض	زریاب
Cardopatium corymbosum	اسد الارض	الموسوعه

۹۶ - اسد العدس<sup>۹۷</sup>: وجه تسمیه آن بخاطر اینست که هر گاه در مزرعه «عدس» روید آنها را از بین می برد.<sup>۹۸</sup> نام های دیگر آن: جحفیل<sup>۹۹</sup> - یونانی: أوروبخی<sup>۱۰۰</sup>

Orobanch sp.	اسد العدس	طباطبانی
--------------	-----------	----------

۹۷ - إسرار، أسرار: (نامی مغربی)؟

۹۸ - أسطراطیقوس<sup>۹۹</sup>: «ابن وافد» به اشتباه نام آن را «قرصنه» پنداشته است.<sup>۱۰۰</sup> «دیسکورید» به نقل از «جالینوس» نام دیگر آن را «قرسیون» آورده که مشتق از نام «حالب» است.<sup>۱۰۱</sup>

Aster atticus Pall.	اسطیرا طیقوس	EN.
---------------------	--------------	-----

۹۹ - أسطراغالس نام های دیگر آن: یونانی: برکینه<sup>۱۰۲</sup>، برکیره<sup>۱۰۳</sup>، أسطراغالیس<sup>۱۰۴</sup> گیاهشناسان اندلس به آن «مخلب العقارب الأبيض» گویند.<sup>۱۰۵</sup>

Astragalus sesameus L.	اسطراغالس	EN.
------------------------	-----------	-----

۱۰۰ - أسطخودوس<sup>۱۰۱</sup>، اسطوخودوس<sup>۱۰۲</sup>، اسطوخودوس<sup>۱۰۳</sup>، اسطوخودوس<sup>۱۰۴</sup>، اسطوخودوس<sup>۱۰۵</sup>، اسطوخودوس<sup>۱۰۶</sup> (نامی یونانی)، مُسِک الأرواح<sup>۱۰۷</sup>، ضمیم<sup>۱۰۸</sup>، مُسک الأرواح<sup>۱۰۹</sup>: اسطوخودوس به معنای حافظ الأرواح - نگهدارنده ارواح - است.<sup>۱۱۰</sup> و ابن جرّار<sup>۱۱۱</sup> می گوید به معنای موقف الأرواح - محل توقف ارواح - است.<sup>۱۱۲</sup> نام های دیگر آن: عربی: انس الأرواح، ممسک الأرواح<sup>۱۱۳</sup> - مکه: ضمیم<sup>۱۱۴</sup> فاس و مغرب: خلخال<sup>۱۱۵</sup> - رومی: ستوخس<sup>۱۱۶</sup> (نام اصلی از این نام گرفته شده است.) - سند: دهار<sup>۱۱۷</sup>

ستخادس (Stoikhas): «اصطفن بن بسیل» این را معادل نام «اسطوخودوس» دانسته در حالیکه اینچنین نیست زیرا صفات و خصوصیات «اسطوخودوس» با خصوصیات این گیاه مطابقت ندارد و در ماهیت و خواص نیز با آن متفاوت است. از طرفی «ستخادس» در شهرهای اندلس و مغرب یافت می شود و غیر از گیاه «اسطوخودوس» است و معروف به «یَرَبَه فَشوشکه» است. اما در مورد گیاه «اسطوخودوس»، این گیاه بسیار فراوان در شهرهای اندلس و غیر آن می روید، و عامه مردم ما به آن «خلخال»، «سُمیره»، «قُمیله»، «حائن»، «لطیّی آرشیمة» به معنای موقف الأرواح (محل توقف روح ها) گویند. (ابن یطار در ترجمه دیسکورید) ۳ -

[۲۷]

Lavandula stoechas L.	اسطوخودوس	ز. ح. - د. خ.
Lavandula stoechas L.	اسطوخودوس - خزای - شاه اسپرم رومی	الموسوعه
Lavandula stoechas L.	اسطوخودوس	پا.، EN.
Lavandula dentata L.		



۱۰۱- اسطوماخوس<sup>۳</sup>:

زریاب	اسطوماخوس	<i>Lithospermum officinale</i> L.
-------	-----------	-----------------------------------

۱۰۲- آشفاقش<sup>۴</sup>: نام‌های دیگر آن: عجمی: شامبه<sup>۵</sup> - یونانی: شالییة<sup>۶</sup> - عربی: ثغامة<sup>۷</sup> (زیرا بسیار سفید است.)، سالمة<sup>۸</sup>، مُفَصِّحة (زیرا معتقدند هر کس از آن بخورد زبانش فصیح می‌شود.)<sup>۹</sup>

خطابی	اشفاقش	<i>Salvia officinalis</i>
-------	--------	---------------------------

۱۰۳- اسفاناخ<sup>۱۰</sup>، اسفاناخ<sup>۱۱</sup>، اسفاناخ<sup>۱۲</sup>، اسفاناخ<sup>۱۳</sup>، بقله دستیه<sup>۱۴</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: اسفناج<sup>۱۵</sup>، اسپناج<sup>۱۶</sup>، اسباناچ<sup>۱۷</sup> - یونانی: سوناخیوس<sup>۱۸</sup>، سوسان فوسوخیوس<sup>۱۹</sup>، صنجیس<sup>۲۰</sup> - رومی: ابرقیا<sup>۲۱</sup> - فرنگی: اسپنس<sup>۲۲</sup> - هندی: پالک<sup>۲۳</sup> (همان اسفناج رومی یا قطف است)

Glo-in	هندی، پاکستانی: پالک	<i>Spinacia oleracea</i> L.
پارسا	اسفناج	<i>Spinacia oleracea</i> L.
EN.	اسفناخ	<i>Spinacia oleracea</i> L.

۱۰۴- اسفلیاطیقوس<sup>۲۴</sup>: نام‌های دیگر آن: خرم<sup>۲۵</sup> - اسطراطیقوس<sup>۲۶</sup>، استراتیکو به معنای ستاره آتیکاست.

زریاب		<i>Aster atticus</i> Pall. <i>Aster amellus</i>
الموسوعه	اسطراطیقوس - خزام	<i>Aster tripolium</i> L.
EN.	اسطراطیقوس	<i>Aster atticus</i> Pall.

۱۰۵- اسفَلیناس<sup>۲۷</sup>، اسقلیاس<sup>۲۸</sup>: "حنین" در مفردات "جالینوس" این نام را معادل «قنابری» گرفته که اشتباه است زیرا «قنابری» گیاهی است که همه اهالی شام آن را می‌شناسند و مشخصات آن با «اسقلیاس» همخوانی ندارد و همچنین نام «قنابری» را جالینوس و دیسکورید هم ذکر نکرده‌اند.<sup>۲۹</sup>  
 اسفَلیس (Asplenos): سقُولُوفَنَدَریون - عامه اندلس: حشیشة الدودیة، حشیشة الذهبیه، گیاهشناسان اندلسی: عَقْرَبان [این بیطار] در ترجمه دیسکورید (۳ - ۱۲۹)

دیسکورید	اسفلیس	<i>Scolopendrium vulgare</i> Sw.
----------	--------	----------------------------------

۱۰۶- اسفند<sup>۳۰</sup>: (نامی فارسی) نوعی حرمل است. این نام برای «خزمل» و «خزف ابیض» بصورت مشترکی بکاررفته است. برخی آن را به اشتباه «سذاب بری» معرفی کرده‌اند.<sup>۳۱</sup> - نام دیگر آن: یونانی: مولی<sup>۳۲</sup>  
 ۱۰۷- اسقوردیون<sup>۳۳</sup>، اسقوردیون<sup>۳۴</sup>، اسقوردیون<sup>۳۵</sup>، اسقوردیون<sup>۳۶</sup>: نامی یونانی به معنای ثوم الحیه<sup>۳۷</sup> (۱)<sup>۳۸</sup> است. - نام‌های دیگر آن: ثوم بری<sup>۳۹</sup>، ثوم الکلب<sup>۴۰</sup>، سیر صحرائی<sup>۴۱</sup> - فارسی: موسیر<sup>۴۲</sup>، سیر مو<sup>۴۳</sup> این گیاه دارای دو نوع است: نوع بی دانه آن به نام اسقوردیون جبلی، اسقوردیون مصری، کراث بری است.<sup>۴۴</sup>

۱- در کتاب دیسکورید و ابن بیطار «ثوم الحیه» و «ثوم بری» نام گیاه دیگری است که در این کتاب به آن اشاره شده است.

اَشْقُرْدِين (Skordion): این گیاه را "ثوم" (پیاز) می نامند چون دارای بوئی چون بوی پیاز است، جالینوس آن را "ثوم بری" نامیده است، ولی نام "ثوم الحیة" برای این گیاه صحیح نیست، نام های دیگر آن "حافظ الاجساد" و "حافظ الموتی" است و عامه اندلس به آن "مطر" و گیاهشناسان اندلسی "حشیشه الثومیه" گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۰۶]

Teucrium scordium L.	اشقردین	دیسکورید
Teucrium scordium L.	اسقوردیون	زر. طب.

۱۰۸ - اسقولوقندریون، اسقولوفندریون<sup>(۱)</sup>، اسقولوفندریون، سقولوفندریون، سقولوفندریون، اسقولوقندریون، اسقولوقندریون، سقوتنریون (نامی یونانی)، عقرمان، نام های دیگر آن: نباتی صخری - سقولوقندریون، به معنای مزقل الصفار، کاوی السپرز (زائل کننده و بر طرف کننده سپرز است.) و آن ریشه کبرالرومی است. - اندلس: ابرنان، عقران<sup>۲</sup> - مصر: کف النسرة<sup>۳</sup> - شیرازی: دنبی دارو، زنگی دارو - یونانی: اسفلیس، سقلیون، المیون، فطاریقا، سقولوفندریا

Scolopendrium vulgaris Sw. Ceterach officinarum L.	اسقولوفندریون	ز. ط. خ.
---	---------------	----------

۱۰۹ - اسقیل، اسقیل، اسقیل، اسقیل، اشقیل، اشقیل (نامی یونانی)، یربوع: نام های دیگر آن: اسقال - سریانی: اسقال، سقیلا، اسقال، اسقیلا، ایطیون - عربی: عَصَل، بصل البری، بصل الفار، بصل العنصل، بصل الفار، بصل البر، عنصل، عنصلان - رومی: افلیطون، اسقوتقراطیس، اسلوقوطیس - فارسی: پیاز موش (چون کشنده موش است)، موشان پیاز، پیاز موش، پیاز دشتی - هندی: کایدی، کددی - سند: قویا بصل - فاس: بصل الخنزیر - نوع دیگر این گیاه در شهر فاس به «مُخبر» و «مدیکه» معروف است.  
سقیلا (Skilla): اشقیل، عَصَل، عَصَلان - اهالی مغرب: بصل الفار، بصل الخنزیر - بربری: اُکفیل (Agufal) [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۵۳]

Scilla maritima L. Urgenia maritima Baker.	اسقیل	ز. خ. - EN
Scilla maritima L.	اشقیل - سقیلا	دیسکورید
Scilla maritima L.	پیاز عنصل	پارسا

۱۱۰ - اسکتو، زَلَم: نام های دیگر آن: تنکابن: سعد - عربی: حب الزلم

Cyperus esculentus L.	زلم	زریساب
Cyperus esculentus L.	حب الزلم - حب العزیز - زَلَم - سَعْد ماکول	الموسوعه

۱۱۱ - اسکنده: (نامی هندی)

۱۱۲ - اسل، اسل، اسل، کولان: (نامی عربی) نام های دیگر آن: عربی: کولان، دیس - هندی: کسرافی، ابو حنیفه می گوید: «اسل» از همان «سمار» گرفته شده و از حصیر هاست و نباید با انواع «أذخر» اشتباه شود.<sup>۴</sup>

۱- در کتاب دیسکورید این نام همراه با «اسفلیاس» آمده است.

«دیسکورید» «سخیونس الأجامی» (أسل) را دو نوع می‌داند، نوعی به نام «أوکسجونس» که خود از دو نوع دارای میوه و بدون میوه است و نوع دیگر آنرا «أوکسجونس» نام می‌برد.<sup>۴</sup>

سَخُونُسٌ لِیَا (Skhoinu heleias): نام انواع «سَمَار» است و عامه اندلس به آن «دیس» و «أسل» هم می‌گویند. [این بیتار در ترجمه دیسکورید ۳ - ۴۶]

<i>Juncus sp.</i>	أسل - سَمَار	الموسوعه
<i>Juncus acutus</i>	أسل کرلانی	الموسوعه
<i>Juncus arabicus Pos.</i>	سخونس لیا - سَمَار	دیسکورید
<i>Juncus acutus</i>	أسل	خطابی
<i>Juncus sp.</i>	أسل	EN.

۱۱۳ - أَسْلِیحٌ<sup>۵</sup>، أَسْلِیحٌ<sup>۶</sup>: ابوحنیفه نام آن را «رثیث» یا «لیرون» می‌داند.<sup>۷</sup> «غافقی» می‌گوید: «لیرون» است که رنگ‌رزان از آن استفاده می‌کنند.<sup>۸</sup>

۱۱۴ - إِسْلَنْجٌ<sup>۹</sup>: نام دیگر آن: ذنب الخیل<sup>۱۰</sup>

أُفُورِس (Hippuris): به معنای ذنب الخیل، جالینوس: أیفورِس [این بیتار در ترجمه دیسکورید ۴ - ۴۲]

<i>Equisetum arvense L.</i>	افورس - ذنب الخیل	دیسکورید
<i>Equisetum ramosissimum Desf.</i>	ریش بز - قنطریون - دم اسب	پارسا

۱۱۵ - اَسْنَامٌ<sup>۱۱</sup>: این نام به گیاهانی که دارای سنبله‌ای مشابه سنبله‌های ذرت و اذخر باشد گفته می‌شود و گویند نام گیاهی به نام «قارج» است.<sup>۱۲</sup>

۱۱۶ - اَسْنَانُ الذَّنْبِ<sup>۱۳</sup>: نام‌های دیگر آن: رومی: اورغیون، هوارغون<sup>۱۴</sup> - فارسی: دندان گرگ<sup>۱۵</sup> - سریانی: سَنْتْ ذِیْبِ<sup>۱۶</sup> - عربی: بقلة اليهود<sup>۱۷</sup>

<i>Eryngium creticum Lam.</i> <i>Eryngium campestre L.</i>	اسنان الذنب، بقلة اليهود	زریاب
<i>Sonchus oleraceus L.</i> <i>Sonchus ciliatus L.</i>	بقلة اليهود - تفاف معروف - سبزنک	الموسوعه

۱۱۷ - اسنولوس<sup>۱۸</sup>: نام‌های دیگر آن: اباسیا<sup>۱۹</sup> - قفر اليهود<sup>۲۰</sup>

۱۱۸ - اسیدار<sup>۲۱</sup>: نوعی صفصاف با نام غُرَب است.<sup>۲۲</sup>

۱۱۹ - اَشْبِرْتَالَه<sup>۲۳</sup>: نام‌های دیگر آن: سنبل الکلاب<sup>۲۴</sup> - عرفج<sup>۲۵</sup>

۱۲۰ - اَشْتَرْغَارٌ، اَشْتَرْغَازٌ، اَشْتَرْغَازٌ، اَشْتَرْغَارٌ، اصل الانجدان خراسانی<sup>۲۶</sup>: معرب اشترخار است، و برگردان آن به عربی شوك الجمال<sup>۲۷</sup> است. نام‌های دیگر آن: عربی: حِزَابٌ<sup>۲۸</sup>، محروث<sup>۲۹</sup> زَنْجَبِيل العجم<sup>۳۰</sup>، زَنْجَبِيل الفارس<sup>۳۱</sup>، محروث<sup>۳۲</sup> - یونانی: فرافیون<sup>۳۳</sup>، اثاریون<sup>۳۴</sup> - مصر: لحاح<sup>۳۵</sup> - هندی: اونت کتاره<sup>۳۶</sup> 'فرازی' محروث<sup>۳۷</sup> را ریشه 'انجدان' یا همان 'گز انگدان خوش' که به سندی 'هنکفار' (یا شاید اونت کتاره به معنای خار شتر) می‌داند. و 'حزاب' را نیز قَتْنِیّی 'جزربری' می‌داند.<sup>۳۸</sup>



<i>Dorema spp.</i>	الموسوعة	دُورَم - اشق
<i>Gummi-resina ammoniacum</i>	زرياب	اشق
<i>Dromea ammonicum Don.</i>		
<i>Dorema ammoniacum</i>	طبيا. - خطا.	اشق
<i>Ferula marmarica</i>	En.	اشق
<i>Gum ammoniacum</i>	En.	اشق

١٢٤ - أُشِّقَ الْإِبِلَةُ: نوعي مقل

۱۲۵ - اشموسا<sup>ت</sup>: نوعی مرو

۱۲۶ - اُشنان، اُشنان، اُشان، اُشان، اُشان، حَمْض، حُرْض، حَرْض (نامی عربی)، غاسول: نوعی حمض نام‌های دیگر آن: حُرْض، غاسول (به معنای شوینده است، زیرا لباس را با آن می‌شویند).  
نام‌های اشنان تازه: قافل، زائا - رومی: اذررقوس، اذرقیس - سریانی: جلا دقاصری - فارسی: اشنان گازران  
اشنان چهار قسم است: سپید و زرد و سبز و و قسم دیگر آن هندی است. وی را «فندق هندی» و نیز «حُرْض صینی» گویند و رُته. اُشنان دارای انواع متعددی است و همگی نوعی «حَمْض» هستند.

<i>Salicornia sp.</i>	اشنان	الموسوعة
<i>Salicornia fruticosa L.</i>	اشنان ابوساق - غاسول - غسول - ابوطسا	الموسوعة
<i>Salicornia heracea L.</i>	اشنان القلى - قلى	الموسوعة
<i>Salsola kali L.</i>	قلى، شوك أحمر، أشنان القصارين، حرض	الموسوعة
<i>Salsola kali L.</i>	اشنان	ز، ط، خ، ع.
<i>Salsola soda L.</i>	اشنان	پارسا
<i>Salsola tragus L.</i>	علف شوره	پارسا

۱۲۷ - اشنان العربی<sup>ش</sup>: نوعی حمض است. نام‌های دیگر آن: رجل الفروج<sup>ش</sup>، أشنان القصارین<sup>ش</sup>

۱۲۸ - اشنان فارسی ش: طروج ش

۱۲۹۔ اُشنان داودؑ: نام دیگر آن: زوفای یابسؑ

۱۳۰ - اشنه، اشنه، اشنه، اشنه، شیه العجوز، مساوک القروء، اشنه، اشنه، نام‌های دیگر آن: رومی: برواه، توفنه - یونانی: ابردیون، ابریون، برون - عربی: شیه العجوز، مسک القروء، دواء المسک - فارسی: دواله، دوالک، دوالی - هندی: چهریله، چریره، اکسیر، سیخ، سلبوا - سجزیه: زالکه - فاس: جوز القروء - بربری: تامیکلت، تیفوراش - اندلس: شیب العجوز - ربوداش - ربوتاش - بنتومتاش - شیب الشجر، جوزة القروء، آفواه - نام نوعی از آن: یونانی: دروپتاراش

بريون (Bruon): أشنة، شئب العجوز، سواك القروء (هنگام مسواک زدن موجب رنگی شدن دهان می شود). [ابن بطار (در ترجمه

(دیسکورید) ۱ - ۲۰]

<i>usenea barbata</i> Ach.	بريون - أشنه - شيب العجوز - سواك القروء	ديسكوريد
<i>Evernia prunastri</i> (L.) Ach.	دواله - اشنه - (نوعى گلبنگ)	پارسا
<i>usenea</i> sp.	اشنه	الموسوعه

(۱- ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید ۳-۲۳) "شَبَّ الْعَجُوز" را نامی مشترک برای "اوبشنی یا افسستین" و "اُشنه" می داند، که پیشتر برای "اُشنه" بکار برده می شود.

<i>usenea articulata</i>	اشنه	طباطبانی
<i>Muscus arboreus</i>	اشنه	خطابی
<i>Lichen</i>	اشنه	EN.
<i>Muscus sp.</i>		

۱۳۱- اصابع الصفر<sup>۱</sup>، اصابع الصفر<sup>۲</sup>، اصابع الصفر<sup>۳</sup>، اصابع الصفر<sup>۴</sup>، اصابع الصفر<sup>۵</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: انگشت زرد (در شرح این گیاه اختلاف نظر وجود دارد)، کف العایشه<sup>۶</sup>، کف مریم<sup>۷</sup> - هندی: هنس بدی<sup>۸</sup>

<i>Vitex agnus castus L.</i> <i>Memecylon tinctorium L.</i>	اصابع الصفر	زریاب
<i>Curcuma longa Ra.</i> <i>Curcuma tinctoria Gui.</i>	اصابع الصفر - کُرُم صباغی - هُرد عقید هندی - مامیران	الموسوعه
<i>Curcuma longa Ra.</i> <i>Curcuma zedoaria Rox.</i> <i>Curcuma zerumbet Rox.</i>	زردچوبه	پارسا
<i>Curcuma domestica Valet.</i>	کرکم	پارسا
<i>Curcuma zedoaria Rox.</i> <i>Curcuma zerumbet Rox.</i>	زرمباد	پارسا

۱۳۲- اصابع اللصوص<sup>۹</sup>: نام های دیگر آن: هندی: جورانکلی<sup>۱۰</sup>

۱۳۳- اصابع العذاری<sup>۱۱</sup>، اصابع العذری<sup>۱۲</sup>، اصابع العذری<sup>۱۳</sup>: نوعی از «عنب الطوال»<sup>۱۴</sup>

۱۳۴- اصابع القینات<sup>۱۵</sup>، اصابع القینات<sup>۱۶</sup>: نوعی «عنب» که در عراق می روید. "ابو حنیفه" می گوید: گیاه خوشبوئی که به فارسی به آن «فَرَنْجَمَشْک»<sup>۱۷</sup> گویند.

۱۳۵- اصابع هُرمس<sup>۱۸</sup>، اصابع هُرمس<sup>۱۹</sup>، شنبلیذ<sup>۲۰</sup>، فقاح السورنجان<sup>۲۱</sup>: فقاح السورنجان<sup>۲۲</sup> "صاحب جامع" می گوید: «شنبلید» هم فقاح (شکوفه) «سولنجان» است. "صاحب منهاج" می گوید: «شنبلید» ورق (برگ) «سورنجان» است.

۱۳۶- اصطرک<sup>۲۳</sup>، اصطرک<sup>۲۴</sup>، بُنی<sup>۲۵</sup>، اِصْطَرک<sup>۲۶</sup>، اصطرک<sup>۲۷</sup>، اصطرک<sup>۲۸</sup>،؟ جنسی از «میعه» است. بنابه قولی نامی هندی است. نام های دیگر آن: میعه یابسه<sup>۲۹</sup> - سریانی: اسطرکاییشا<sup>۳۰</sup> - فارسی: قنار و خشک<sup>۳۱</sup>، کنار هوشه<sup>۳۲</sup> - سندی: شلها - جالینوس: غلیا و ن<sup>۳۳</sup> - سطرکا<sup>۳۴</sup>

شطی رکس (*Sturax*): اِصْطَرک، عَسَل اللَّبَنی - سریانی: شطرکا<sup>۳۵</sup> - عسل رومان، لبنی رومان (منسوب به رومانی که از شهر های روم است). - لبنی رهبان (منسوب به راهبان است که در معابد خود آن را فراوان به صورت بخور استفاده می کردند). [ابن بطاردر ترجمه دیسکورید ۱ - ۵۶]

<i>Styrax officinale L.</i> <i>Liquidambar orientalis Mill.</i>	اصطرک	زر.، EN.
<i>Styrax officinale L.</i>	اِصْطَرک - بُنی - میعه	الموسوعه
<i>Styrax officinale L.</i>	اصطرک	دی. - طب.

۱۳۷- اصاص: "اشبیلی" می گوید: در مورد نام این نام اختلاف نظر است برخی آن را نام بربری «مثنان» می دانند و تلفظی از نام «آزاز» است و به

گمان من نام دیگر «مازیون» است.<sup>ش</sup>

۱۳۸ - اَصْطَفَلین: (نام گیاه در شام) نام دیگر آن: جَزَر<sup>ع</sup>

EN.	اصطفالین	<i>Daucus carota L.</i>
-----	----------	-------------------------

۱۳۹ - اَصْفُورُن<sup>ع</sup>: "دیسکورید" می‌گوید: برخی مردم به آن «فاسیلون» گویند زیرا گیاه آن مشابه «فاسیلس» (لویای سفید) است.<sup>ع</sup>

۱۴۰ - اصل السوسن الابيض: نام دیگر آن: بیخ سوسن سفید<sup>ث</sup>

۱۴۱ - اَضْحیان: بنا به گفته‌ای نوعی «مشکطرامشیر» است و گویند نوعی «بابونج» است که درست‌تر است و همچنین گویند نام «بُئلیه الاصفر» است.<sup>ش</sup>

۱۴۲ - اَضراس الکلب<sup>ع</sup>، اضراس الکلب: نام دیگر آن: بسفایج<sup>ث</sup> - گفته شده نام «بسفایج» است.<sup>ع</sup>

۱۴۳ - اَطْرَاطِيقُوس<sup>ث</sup> (نامی یونانی)، حالبی<sup>ع</sup>، حالبی<sup>ث</sup>: نام‌های دیگر آن: یونانی: استراطیقوس<sup>ع</sup> به معنای شبیه الکواکب، خَرَم<sup>ث</sup> - عربی: حالبی<sup>ث</sup> (جهت ورم‌های حالب مفید است). - رومی: اسقلیطاس<sup>ث</sup>، اسقلیاطیقوس<sup>ث</sup>، بنولیون<sup>ث</sup> - قسطلیه<sup>ث</sup> - اشبیلی<sup>ث</sup> می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است

زر. - طب.	خرم - اسقلیطاس	<i>Aster amellus L.</i> <i>Aster atticus Pall.</i>
-----------	----------------	---

۱۴۴ - اطاء<sup>ث</sup>: "اشبیلی" می‌گوید: برخی آن را به اشتباه «خلاف» می‌دانند. و "اسحاق بن عمران" آن را نوعی از «صفیراء» گفته است.<sup>ث</sup>

۱۴۵ - اَطْرَمَالَه<sup>ث</sup>، اَطْرَمَالَه<sup>ع</sup>، اطرمانه<sup>ث</sup>:؟ نام‌های دیگر آن: مَدْبَقَه<sup>ث</sup> - مَطْبَقَه<sup>ث</sup> - حَلِیْلَه<sup>ث</sup>

۱۴۶ - اَطْمُوط<sup>ث</sup>، اَطْمَط<sup>ث</sup>، اَطْمَاط<sup>ع</sup>، اطط<sup>ث</sup>:؟ نام‌های دیگر آن: بَندَق هندی<sup>ث</sup> - فوفل<sup>ث</sup> - قلوب النعام<sup>ث</sup> - نُهود القینات<sup>ث</sup> - ثمر شجر الکافور<sup>ث</sup> - "رازی" نام آن را «اطماط» نوشته، به اعتقاد وی دواي هندی است. و گویند نام باقلی هندی است.<sup>ث</sup> - «اطمط» دانه‌ای چون «فندق هندی» و قوتش بقوت «بوزیدان» ماند و «تخم نیلوفر هندی» است.<sup>ث</sup> - نام «بندق هندی» معروف به «رته» است و برخی آن را «فوفل» نوشته‌اند که درست نیست و آن «جوز الرته» است.<sup>ع</sup>

زریاب	اطموط	<i>Caesalpinia bonducella Fleming</i> <i>Areca catechu L.</i>
-------	-------	--

۱۴۷ - اَظْفَار الجن: نام دیگر آن: به هندی: کرنبات است.<sup>ث</sup>

۱۴۸ - اَغَالُوجِن<sup>ع</sup>، اغالوجن<sup>ث</sup>: نام دیگر آن: عود البخور<sup>ع</sup>

EN.	اغالوجن	<i>Agallochum sp.</i>
-----	---------	-----------------------

۱۴۹ - اغافت<sup>ث</sup>، اغافت<sup>ع</sup>، ترمانان<sup>ث</sup>، حشیش الغافت<sup>ث</sup>: نام‌های دیگر آن: رومی: فطریون<sup>ث</sup> (یا بوفاطریوس) - سریانی: عَقَارادشکرا<sup>ث</sup> و تریامان<sup>ث</sup> و اغفت<sup>ث</sup> - "جالینوس" عصاره آن را «بوفاطریوس» و «صهاربخت» بوفاطاریقون می‌داند.<sup>ث</sup>

زر. - طب.	اغافت	<i>Agrimonia eupatoria L.</i>
-----------	-------	-------------------------------

۱۵۰ - آغیراطون<sup>۳</sup>، آغیراطین<sup>۴</sup>، آغراطین<sup>۵</sup>: به معنای لایسیخ است یعنی پیر نشدنی<sup>۶</sup> - زیرا گل آن مدت زمان طولانی با طراوت و پایا باقی می ماند به آن «آغراطین» هم می گویند<sup>۷</sup>. آگیراتون در یونانی به معنای پیر نشو است.<sup>۸</sup>  
 آغیراطن<sup>۹</sup> (Ageraton): به معنای "الذی لایتنشج زهره" (دارای گلی بادوام و با شکل ثابت)، نوعی از آقحوان است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید)]

EN، زر،	آغیراطون	<i>Achillea ageratum L.</i>
دیسکورید	آغیراطن	<i>Achillea ageratum L.</i>

۱۵۱ - آغیرس<sup>۱۰</sup>، آغیرس<sup>۱۱</sup>: (نامی یونانی) نام دیگر آن: حور الرومی<sup>۱۲</sup>  
 ۱۵۲ - آفثیمون<sup>۱۳</sup>، آفثیمون<sup>۱۴</sup>، آفثیمون<sup>۱۵</sup>، آفثیمون<sup>۱۶</sup>، آفثیمون<sup>۱۷</sup>: نامی یونانی و به احتمال ضعیف سریانی به معنای دواء الجنون است.<sup>۱۸</sup> - نام های دیگر آن: فارسی: شرتین<sup>۱۹</sup> - عربی: شجر الضبع<sup>۲۰</sup>، صغیره<sup>۲۱</sup>، لعاب الحیه<sup>۲۲</sup>، کشوت فارسی<sup>۲۳</sup> - سریانی: سور مور<sup>۲۴</sup> - رومی: شیون<sup>۲۵</sup>، بسیمون<sup>۲۶</sup> - هندی: کاس بیل<sup>۲۷</sup>، امل بیل<sup>۲۸</sup> - فاس: فیثمون<sup>۲۹</sup> - بربری: تازلفت<sup>۳۰</sup> - بربری: تازلفت<sup>۳۱</sup> - عجمی: ریوله<sup>۳۲</sup> - رومی: شرکی<sup>۳۳</sup> - لاتینی: شفکان<sup>۳۴</sup>، ایبطه<sup>۳۵</sup> - «افثیمون» دو جنس است کوهی و نبطی و بهترینش رومی است.<sup>۳۶</sup> - «ابوجریج» می گوید: بهترین نوع آن اقريطی است.<sup>۳۷</sup> - پرزی و زهری و قضیانی و بهترین آن اقريطی بود یا مقدسی<sup>۳۸</sup> «اشبیلی» می گوید: دارای شش نوع است نام های نوع دوم آن عبارتست از: یونانی: افثیمون لینون - فارسی: کشوتا، کشوت - رومی: شکونیا - بربری: تازلفت الینو یعنی کتان - عجمی: طنیة - اندلسی: قرنیة - خائق الذباب - عاشق النبات - حماض الارنب - روشکه  
 نام های نوع سوم عبارتست از: شعر الفزال - شعر الذیب - لعاب القتیل - نام های نوع چهارم: بربری: لحيه امسون - نام های نوع پنجم: کتان الماء - طخلب - عجمی: اشیتیه - یونانی: برون البحری - نام های نوع ششم: صوف البحر<sup>۳۹</sup>

ز، ط، خ، E.	افثیمون	<i>Cuscuta epithymum Murr.</i>
الموسوعه	افثیمون - کشوت السعتر	<i>Cuscuta epithymum Murr.</i>
پارسا	افثیمون	<i>Cuscuta epithymum Murr.</i> <i>Cuscuta europea</i>

۱۵۳ - افانی<sup>۴۰</sup>: نام های دیگر آن: حماط<sup>۴۱</sup>، خنط<sup>۴۲</sup>

EN.	افادینی ؟	<i>Galium aparine L.</i>
-----	-----------	--------------------------

۱۵۴ - آفریبون<sup>۴۳</sup>، آفریبون<sup>۴۴</sup>، آفریبون<sup>۴۵</sup>: «آفریبون» صمغی است از انواع «مازریون» است.<sup>۴۶</sup> نام های دیگر آن: فریبون، ابرفیون<sup>۴۷</sup>، ابریبون<sup>۴۸</sup> - رومی: افنین بدون<sup>۴۹</sup> - عربی: اکل نفسه<sup>۵۰</sup>، قاتل نفسه<sup>۵۱</sup>، حافظ النحل<sup>۵۲</sup>، حافظ الاطفال<sup>۵۳</sup>، کروش الغنم<sup>۵۴</sup> - یونانی: لاحاس<sup>۵۵</sup>، تاکوب<sup>۵۶</sup> - مغربی: بستانه<sup>۵۷</sup>، لبن السوداء<sup>۵۸</sup>  
 آفریبون (Euphorbion): فریبون - بربری: تاکوت<sup>(۱)</sup> - اهالی مصر: لوبانة [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۷۸ - ۷۹]

دیسکورید	آفریبون - فریبون	<i>Euphorbia spp.</i>
----------	------------------	-----------------------

۱۵۵ - آفستین<sup>۵۹</sup>، آفستین<sup>۶۰</sup>، آفستین<sup>۶۱</sup>، آفستین<sup>۶۲</sup>، آفستین<sup>۶۳</sup>: (نامی یونانی) نوعی «برنجاسف کوهی» است و گفته اند نوعی «درمنه» است.<sup>۶۴</sup> نوعی قيصوم است. - نام های دیگر آن: عربی: خترق<sup>۶۵</sup>، شیب العجوز (فاس)<sup>۶۶</sup> -





۱۶۲ - اَپِمیدون<sup>۱</sup>، اَپِمیدِیون<sup>۲</sup>، اَپِمیدِیون<sup>۳</sup>: (نامی یونانی) نام دیگر آن: فافبوس<sup>۴</sup>

اَپِمیدِیون (*Epimedium*): جالینوس نیز این گیاه به این نام ذکر کرده است ولی من - ابن بیطار - آن را نمی شناسم. [ابن بیطار] در ترجمه دیسکورید<sup>۴</sup> - ۱۹]

دیسکورید	اَپِمیدِیون	<i>Epimedium alpinum L.</i>
----------	-------------	-----------------------------

۱۶۳ - اَپِیوس<sup>۱</sup>، اَپِیوس<sup>۲</sup>: (نامی یونانی) نام های دیگر آن: فافبوس الحدقی<sup>۳</sup>، چون شبیه حدقه است، خامالانس<sup>۴</sup>، فجل بری<sup>۵</sup> - "دیسکورید" می گوید: برخی مردم آن را «رابانس اُزغریا» (به معنای فجل بری) نامیده اند.<sup>۶</sup>  
اَپِیوس (*Apios*): کُمُری البُستانی [ابن بیطار] در ترجمه دیسکورید]

دیسکورید	اَپِیوس - کُمُری البُستانی	<i>Pyrus communis L.</i>
الموسوعه	اَپِیوس - اشخاص - شلجم بری - رَخل	<i>Euphorbia apios L.</i>

۱۶۴ - اَپیون<sup>۱</sup>، اَپیون<sup>۲</sup>، اَپیون<sup>۳</sup>: فاس: عفیون<sup>۴</sup>

۱۶۵ - اَاقاقلیس<sup>۱</sup>: اَاقاقلیس (*Akakallis*): شجرالاکل<sup>۲</sup>، نام میوه آن به فارسی "کُرمَازک" است و در کتب طبّی "کُرمَازج" و "کُرمَازق" و به زبان عربی "عَدَبَة" نامبرده شده است. [ابن بیطار] در ترجمه دیسکورید<sup>۴</sup> - ۱ - ۹۱]

دی. - زر.	اَاقاقلیس	<i>Tamarix articulata Wahl.</i>
-----------	-----------	---------------------------------

۱۶۶ - اَاقاقیا، اَاقاقیا، اَاقاقیا، قاتل اینه<sup>۱</sup>: نام های دیگر آن: مصر: سط<sup>۲</sup>، ضط<sup>۳</sup> - فارسی: کره<sup>۴</sup>، فلفل تر<sup>۵</sup> - عربی: سینت<sup>۶</sup> - رازی<sup>۷</sup> می گوید: صمغ شبدر است و "بولیس" این واژه را برای رب شبدر بکار برده ولی من آن را به معنی صمغ زیتون یافته ام.<sup>۸</sup> - نام عصاره قرظ و قرفا و آن گیاهی مصری است.<sup>۹</sup>

خطابی	اَاقاقیا	<i>Acacia arabica</i>
-------	----------	-----------------------

۱۶۷ - اَاقِحوان<sup>۱</sup>، اَاقِحوان<sup>۲</sup>، اَاقِحوان<sup>۳</sup>، اَاقِحوان<sup>۴</sup>، اَاقِحوان<sup>۵</sup>، اَاقِحوان<sup>۶</sup>: اَاقِحوان<sup>۷</sup>، اَاقِحوان<sup>۸</sup>، اَاقِحوان<sup>۹</sup>، اَاقِحوان<sup>۱۰</sup>: خبز الغراب<sup>۱۱</sup>: (نامی عربی) نوعی بابونج - نام های دیگر آن: عربی: بابونج<sup>۱۲</sup>، قُرَاص<sup>۱۳</sup>، اَاقِحوان<sup>۱۴</sup>، اَاقِحوان<sup>۱۵</sup> - فاس: بابونج الحمیر<sup>۱۶</sup> بابونه گاو<sup>۱۷</sup>، بابونه گاو چشم<sup>۱۸</sup> - یونانی: اوبیانس<sup>۱۹</sup>، اوبیانس<sup>۲۰</sup>، اوبیانس<sup>۲۱</sup> - سندی: فلانج<sup>۲۲</sup> - عبرانی: فیفایفا<sup>۲۳</sup> - سریانی: فشا<sup>۲۴</sup>، فرابیون<sup>۲۵</sup>، کرکیش<sup>۲۶</sup>، کرکاش<sup>۲۷</sup>، کافوریه<sup>۲۸</sup> - دیسکورید: برتانیون<sup>۲۹</sup> - نام های نوع صغیر (کوچک) آن: یونانی: فلیمن<sup>۳۰</sup> - فارسی: بهار<sup>۳۱</sup> - مصر: کاش<sup>۳۲</sup> - عرار<sup>۳۳</sup> - میشهار<sup>۳۴</sup> - کاو چشم<sup>۳۵</sup> - خریع<sup>۳۶</sup> - عصفر<sup>۳۷</sup> - مریق<sup>۳۸</sup> - مقد<sup>۳۹</sup> - کافوری-نر-مهرمان<sup>۴۰</sup> «اَاقِحوان بستانی» با نام «کافوری» و «اَاقِحوان بری» با نام «بابونج» است و «بهار» جنسی از «اَاقِحوان» است.<sup>۴۱</sup> «دیسکورید» آن را به سه نوع تقسیم کرده است.<sup>۴۲</sup> او را به فارسی «کافوری» خوانند، و «بابونه» جنسی است از وی.<sup>۴۳</sup> «اَاقِحوان» نزد عرب به «بابونج» معروف است و در مصر به «کرکاش» و دارای انواعی است به همین دلیل برخی از گیاهشناسان اندلس «اَاقِحوان» را نوع کوچکی از انواع «کرکاش» می دانند. برخی از گیاهشناسان پنداشته اند منظور از «اَاقِحوان» همین اسامی است در حالیکه «اَاقِحوان» در ترجمه واژه یونانی «برتانیون» آمده و آن از انواع «کرکاش» نیست و در حقیقت رستی معروفی است که در قدیم و امروزه در اندلس به آن «شجره مریم» می گویند و در آفریقا معروف به «کافوریه» است و در شهر موصل بسیار کاشته می شود و در آنجا نیز به «شجر الکافور» مشهور است و دارای دو نوع کوهی و زراعی است.<sup>۴۴</sup> «اشبیلی» می گوید: در مورد ماهیت آن

اختلاف است برخی آن را نوعی «بابونج» می‌دانند و عده‌ای می‌گویند نام دیگر «بابونج» است و نزد بعضی همان «بُبْلِيَّة» می‌باشد نام‌های دیگر آن عبارتست از: یونانی: قربانیون، برثانیون، آمارقون، اماریقون، لوقیموس - مقرجالة و اقحوان و به نظر من «اقحوان» دارای انواعی است و «ببلیه» نوعی از آن است که خود به چهار گروه تقسیم می‌شود نام‌های نوع اول آن عبارتست از: بُبْلِيَّة - اماریقون، امارقن - سقندوقس، سندوقس - نام‌های نوع دوم عبارتست از: امارنطون - اماراقوا و نام نوع دیگر «ارجل الجراد» است و نوع آخر آن را «اریان» گویند. از انواع دیگر اقحوان «قَضْب» و همچنین «شجرة مريم» با نام «برثانیون» است. نوع دیگر اقحوان «بابونج» است که خود دارای هفت گروه است: گروه اول «بابونج لاطلیطلی» است، گروه دوم دارای گلی بزرگتر از گل آن است، گروه سوم را «خیزالغراب»، «بابونج الاسود» و «بابونج الرومی» می‌نامند، گروه چهارم «بابونج الجبلی» است، گروه پنجم گلی آبی دارد و در اشبیل می‌روید و گروه ششم «بابونج الخریفی» است.<sup>ش</sup>

فَرَثَانِيُون (Parthenion): أَقْحَوَان (این یطارد در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۳]

<i>Anthemis arvensis</i>	أقحوان	خطابی
<i>Anthemis arvensis</i>	أقحوان اصفر - عَيْن القط - بهار حقلی	خطابی
<i>Anthemis spp.</i>	أقحوان	الموسوعة
<i>Anthemis tinctoria L.</i>	اقحوان الصباغین، بهارالصباغین، بابونج اصفر، عین القور	الموسوعة
<i>Anthemis nobilis</i>	بابونج	الموسوعة
<i>Matricaria chamomilla L.</i> <i>Matricaria parthenium L.</i> <i>Chrysanthemum parthenium Pers.</i>	اقحوان - بابونج - قرص	زریاب
<i>Matricaria chamomilla L.</i> <i>Matricaria aurea Sch.</i> <i>Chrysanthemum parthenium Pers.</i>	اقحوان - بابونه	پارسا
<i>Matricaria chamomilla L.</i> <i>Matricaria aurea Sch.</i> <i>Chrysanthemum parthenium Pers.</i>	اقحوان - بابونه	پارسا
<i>Chrysanthemum parthenium Per.</i>	أقحوان	دیسکورید
<i>Matricaria parthenium L.</i>	أقحوان	EN.

۱۶۸ - افسوس<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: شجرة الدب<sup>ش</sup>، جنا الاحمر<sup>ش</sup>، دبق<sup>ش</sup>  
۱۶۹ - افسون<sup>ش</sup>، اَقْتُون<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: افنیثون<sup>ش</sup> - رأس الشیخ<sup>ش</sup>

الموسوعة	أفسون - رأس الشیخ - شکاعی - طوبه - فص الجمار	<i>Onopordon acanthium</i>
----------	--	----------------------------

۱۷۰ - افسی<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: زعرور الأدویه<sup>ش</sup> - گیاهشناسان اندلس: حیربول<sup>ش</sup> - این نام درخت «برباریس» که «ابن جلیجل» آن را پنداشته و همچنین «فیلزهرج» نیست.<sup>ع</sup>  
۱۷۱ - اَقْطِن<sup>ش</sup>، اَقْط<sup>ش</sup>: (نامی یمنی) نام‌های دیگر آن: ماش<sup>ع</sup> - اصل...ماش<sup>ت</sup>  
۱۷۲ - اَقْتَالَوَقِ<sup>ش</sup>، اَقِیْثَالَوَقِ<sup>ش</sup>، شوكة البیضاء<sup>ع</sup>: نامی یونانی به معنای شوكة البیضاء نام‌های دیگر آن: باذرود<sup>ع</sup> - شوكة البیضاء<sup>ت</sup> - باذارود<sup>ت</sup>

طباطبائی	شوكة البیضاء	<i>Cincus acarna</i> <i>Sylibum marianum</i>
----------	--------------	---

<i>Crataegus oxycantha</i> L.	افتتالورقى	EN.
-------------------------------	------------	-----

۱۷۳ - اَقِیْمُنْ: نام‌های دیگر آن: ابوقینوس، نارطیطس، اوقینه، هراس - عربی: عَنَقَز، مَرَار، سَمْعَر، شوك المفلفل، حَسَك الجمال، شوكه البضاء، شوكه المُنْكَرَة، قتاد الصغیر

۱۷۴- اَکِثْمَکِتْ، اَکِثْمَکِتْ، اَکِثْمَکِتْ، اَکِثْمَکِتْ: نام‌های دیگر آن: فارس: خایه ابلیس<sup>۱</sup> - هندی: کربخور، کرنج<sup>۲</sup> - سانس کرت: ساکرکهوله<sup>۳</sup> - بعضی گویند او میوه «ام غیلان» است.<sup>۴</sup> - «صاحب منهاج» می‌گوید: چوبی هندی و نام دیگر آن «بندق هندی» است.<sup>۵</sup>

<i>Lapis aetites</i>	اکمکت	زریاب
----------------------	-------	-------

۱۷۵ - اکسیوس، ص:؟

۱۷۶- اُکرار: "ابو عباس نباتی" می‌گوید نام عربی آن نَجْد است.<sup>۴</sup> نوع بزرگ آن به نام «طرشول» و بدون میوه است و نوع میوه‌دار آن آبی رنگ با نام «توم» است.<sup>۵</sup>

۱۷۷- أكر البحر: نامهای دیگر آن: ليف البحر

۱۷۸ - اَكْلِيلُ الْمَلِكِ، اکلیل الملک<sup>ص</sup>، اکلیل الملک<sup>ع</sup>، اکلیل الملک<sup>ث</sup>، اکلیل الملک<sup>ج</sup>: اکلیل الملک دارای هفت جنس است. نام‌های دیگر آن: عربی: عَکْفِيَّةٌ، حُمَيْدَشْ (فاس)، مَکْدِشْ (فاس) اصابع الملک، ملکا<sup>ص</sup> - یونانی: هالینوطس، هللیسفاقوس<sup>ص</sup> (نامی که جالیانوس مطرح کرده است). مالیلوطس<sup>ص</sup> (نامی که دیسکورید بر آن نهاده است.) - فارسی: قیصر<sup>ر</sup>، شاه پسه<sup>ص</sup>، شاه افسر<sup>ص</sup>، اسبرک<sup>ص</sup>، کلل الملک<sup>ص</sup> - هندی: پرَنک<sup>ر</sup> - سندی: سوتن<sup>ص</sup> - سریانی: کلِل ملکا<sup>ص</sup> - اشبیلی می‌گوید: دارای چند نوع است نام نوع چهارم آن «عقربی» است و خود سه نوع است نام نوعی از آن به رومی «شاهسپرم» و به عجمی «قرنوله دکانبه» و به بربری «أذنه» و به عربی «قمرة» یا «قمر» و بُلَّيْحَاء و به آفریقائی «شجر الحب» و در مشرق «آذان الجداء» و به هندی «سورج الملک» و «رونق الملک» و به نبطی «فارنیاء» و «قارنیاء» است.<sup>ش</sup>

مالیوٹوس (*Melilotos*): اُکلیل المُلک چهار نوع است: نوع اول و دوم آن به زبان اندلسی "قُرْنِج" <sup>(۱)</sup> است که یک نوع آن را یزیدشکان مصر تجویز می کنند. نام نوع سوم "مَعْقُوب" و نوع چهارم "مُدْرَهْمُ الْوَرَق" و نام فارسی آن "دارشاه" است که اهالی آفریقا به آن "شجرة الحَبّ" گویند. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورد) ۳ - ۳۸]

<i>Melilotus officinalis</i> L.	مالیوٹس - اکیلل الملک	دی. - طب.
<i>Fritillaria imperialis</i> L.	اکلیل الملک - غرار قیصری	الموسوعه
<i>Melilotus officinalis</i> L.	اکلیل الملک	زر، خطا.
<i>Astragalus hamosus</i>	اکلیل الملک	پارسا
<i>Trigonella grandiflora</i> Bunge.	ناخنک - اکلیل الملک	پارسا
<i>Astragalus hamosus</i> L.	اصابع الملک، ہندی: پورٹوک، بمبئی: اخلیل الملیک	<i>Glo.-In</i>

۱۷۹ - اِکلیل الجَبَلْ؛ اَکلیل الجبل<sup>ع</sup>، اکلیل الجبل<sup>ث</sup>؛ از انواع «صعتر» است. نام‌های دیگر آن: یونانی: اوقلا اوقا، بایله قَبْرُونَه<sup>(۲)</sup> - فاس: اَزَرُغ - دارای سه نوع است و به یونانی آن را «لیباطیش» و به رومی «رومیرو رومینیو» یعنی «حشیشه رومانیین» گویند و نام بذر آن به عربی «فَخْدَه» نام دارد نام بربری آن «أزیر» و نام سریانی آن «اَکلیل الجبل» است. نوع اول را «عَبْبِثْرَة الْأَيْل» و «صعتر الرومی» گویند و نوع دوم را «فَخْدَا» و «راء» نامند و نام نوع سوم «قمصنا» است.<sup>ث</sup>

۱- قونج به زبان لاتینی اسپانیایی "*Cornejo*" و نام "قرنای" "*Cornus mas L.*" است. و اهالی اندلس اکلیل الملک را با نام "قُونُولیه" یا "قُونُله" یا "قُونیلیه" ذکر کرده‌اند که معادل نام لاتینی "*Cornilla real*" است.

<i>Rosmarinus officinalis L.</i>	اکلیل الجبل - نَدی البحر - قِزَمانا	الموسوعه
<i>Rosmarinus officinalis L.</i>	اکلیل الجبل	خطابی

۱۸۰ - اَکْمُويزَانْ<sup>ع</sup>، اَکْمُويزَانْ<sup>ع</sup>: "ماسرجویه" می‌گوید نام «رعی الحمام» است.<sup>ع</sup>

۱۸۱ - اَلْأَطَى<sup>ع</sup>:

۱۸۲ - اَلْأَطِیْنِ<sup>ع</sup>: نام دیگر آن لبلاب است و "مجوسی" آن را «لبلاب الأحرش» می‌داند<sup>ع</sup> و عامه اندلس به آن «شحمیه»<sup>ع</sup> و «سراویل الطلول» گویند.<sup>ع</sup>

۱۸۳ - اَلْبُ، اَلْبُ، اَلْبُ<sup>ع</sup>: (نامی عربی)

۱۸۴ - اَلْبَابِیْنِ<sup>ع</sup>: "اشبیلی" می‌گوید: نام نوعی از آن: مفاتل الراعی - نام نوع دیگر: یونانی: قلندیرله یعنی سراجیه - نام نوع دیگر: بُخْتَرَنَه - یونانی: برطانیقی - نام نوع دیگر: کوكبیه - نام نوع دیگر: عربی: شقواص - نام نوع دیگر: اَبَالَه - غرغال - قارة - نام نوعی: کما در یوس - نام نوعی: فُصْیَه - نام نوع دیگر: فلوْمُس مُقْزُون به معنای فلوْمُس صغیر - عجمی: اَلْبَابِنَه - حلیق - مفاتل الرعاة<sup>ع</sup>

۱۸۵ - اَلْإِسْفَاقِیْنِ<sup>ع</sup>، اَلْإِسْفَاقِیْنِ<sup>ع</sup>: (اَلْإِسْفَاقِیْنِ) به معنای «لسان الأبل» است و به اشتباه گفته شده نام آن «نِقُولَا الرَّاهِبِ» و «رعی الأبل» است. گیاهشناسان اندلس آن را «شالییه» و «ناعمه» نامیده‌اند<sup>ع</sup>. گمان کرده‌اند رعی الأیْلَ با نام قَلَامْ<sup>ع</sup> است.<sup>ع</sup> اَلْإِسْفَاقِیْنِ<sup>ع</sup> (Elelisphakon): برگردان آن به عربی "لسان الأیْلَ"<sup>(۱)</sup> است. عامه اندلس به آن «ناعمه» گویند و نام لاتینی آن شَالِیْیَه است. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۳۱]

<i>Salvia officinalis L.</i>	الاسفاقس	دیسکورید
<i>Salvia officinalis L.</i>	السفاقن	زریاب

۱۸۶ - اَلْف دِینَارِ<sup>ع</sup>:

۱۸۷ - اَللَّثِی<sup>ع</sup>: (نامی یونانی) "ادریسی" می‌گوید: این نام به معنای «أهلی» است. و نزد من - ابن یطار - از انواع «جَزِر البری» است و غیر از این نام دیگری برای آن نمی‌شناسم.<sup>ع</sup>

۱۸۸ - اَلنَّجِ<sup>ع</sup>: نامی یونانی به معنای اهل

۱۸۹ - اَلْوَسْنُ، اَلْوَسُونُ، اَلْوَسْنُ<sup>ع</sup>: شجرة الکلب<sup>ع</sup>، مُذْهَبُ الْکَلْبِ<sup>ع</sup>: آلوسن به معنای برطرف کننده آزار گزیدگی سگ دیوانه<sup>ع</sup>

اَلْوَسْنُ (Alusson): به معنای نافع در درمان گاز گرفتگی سگ دیوانه. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۸۶] «ابن یطار» در کتاب جامع خود آن را معادل نام های عربی "حشیشه اللِّجَاة" و "حشیشه السَّلْحَفَاة" آورده است.

<i>Alyssum saxatile L.</i>	الوسن	زریاب
<i>Farsetia chypeata R.Br.</i>		طباطبائی
<i>Alyssum spp.</i>	الوسن - اَلنَّشْم - اَلْوَسْن	الموسوعه
<i>Alyssum saxatile L.</i>	اَلْوَسْن	دیسکورید

۱۹۰ - اَلْوِیْنُ، اَلْوِیْنُ<sup>ع</sup>: (نامی یونانی) "غافقی" می‌گوید: در ترجمه بطرق - از کتاب جالینوس - محل رویش «اَلْوِیاس» در مکان‌های رملی آمده است. و او آن را همان «ترید» می‌داند که این اشتباه است. "ابن وافد" نیز این نام را معادل نام «طریفیلون» می‌داند و گفته خود را با مطالب "دیسکورید" پیرامون «طریفیلون» همسو می‌آورد و نام دیگر آن را «أرطریفیون» یا همان «ترید» می‌داند.<sup>ع</sup>

أَلْوِي (Aloe): نام «شجرة الصبر» است و این گیاه مثالی برای حروف است؟ و در خانه ها بسیار روئیده می شود و عامه مردم به آن «صَبَّارَة» و «صَابِرَة» نیز می گویند و مکانی نیست که از این گیاه برداشت نکنند. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۲]

دیسکورید	الوئی	<i>Aloe vera L.</i>
پارسا	صبر زرد	<i>Aloe aloexylon</i>
پارسا	صبر زرد سقوطی	<i>Aloe scotrina</i>

۱۹۱ - امارَة<sup>(۱)</sup>: شجرة القرمز

۱۹۲ - آماریطُنْ، امارنُطُنْ<sup>ع</sup>: (نامی یونانی) گروهی از مترجمان آنرا نوعی «أقحوان» می دانند که در حقیقت اینچنین نیست بلکه نزد من - این بیتار - از انواع «قیصوم» است و خود آن را دیده ام.<sup>ع</sup>  
 أَلِیْخْرِیْسُون (Helikhruson): برگردان آن به عربی "مَذْهَب" (طلاثی) و مشابه "قیصوم" است، و بعید نیست از انواع آن باشد. و جالینوس آن را با نام "أمارنُطُنْ"<sup>(۲)</sup> آورده است. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۵۲]

دیسکورید	ألیْخْرِیْسُون	<i>Tanacetum annum L.</i>
الموسوعة	امارنطون - بزاز العذراء - خالدة الجُرْزُر	<i>Helichrysum stoenchas DC.</i>

۱۹۳ - آمَبَرَباریسْ، امبرباریسْ، امبرباریسْ، امبرباریسْ، حب الانبرباریسْ، أثْرا<sup>(۳)</sup>، زرشکْ، زرشکْ، امبرباریسْ<sup>ع</sup>: نوعی از عوسج نام های دیگر آن: انبرباریسْ، برباریسْ - بربری: ابراز، آرزغت<sup>ع</sup> - فارسی: زرشک<sup>ع</sup>، زرشکْ، زَرکْ، زَرِکْشْ، زارجْ، زرنکْ - عربی: الإثْرا<sup>ع</sup> - برباریسْ<sup>ع</sup>  
 در الحاوِی به نام «قالیورس» آمده است و نام دیگر آن «اوقاتوس» است. دیسکورید معنای آن را دارنده خارهای تیز گفته است.<sup>ع</sup> - نام ریشه های فرعی آن «آرغیس» است.<sup>ع</sup> «اشبیلی» می گوید: دارای دو نوع جلی و بری است نام های نوع جلی عبارتست از: امبرباریس - ریفی - اشقیطله - یونانی: آفتنا آفتیس یعنی شوکه حادة - سربانی: بوفاسفوسوس - فارسی: زرشک - بربری: آزرغن - نام ریشه: آرغیس - فرنجه: اسطنکه - نام های نوع بری: عوسج الاسود - اشقیطله - بربری: آشک بردین - عجمی: آشکوذ<sup>ع</sup>

زریاب، طباطبائی	امبرباریس - زرشک	<i>Berberis vulgaris L.</i> <i>Berberis asiatica Roxb</i>
الموسوعة	بُرْبَریس، انبرباریس، اثراره، زرشک، عود الریح	<i>Berberis vulgaris L.</i>
پارسا	حضض هندی - راس هدی	<i>Berberis lycii extractum</i>
پارسا	زرشک	<i>Berberis vulgaris L.</i>
طباطبائی	حضض	<i>Lycium afrum</i> <i>Rhamnus infecteria</i>
خطابی	امبرباریس	<i>Berberis vulgaris L.</i>

۱۹۴ - آمَبَرُوسیا، آمُروسیا<sup>ع</sup>: برخی مردم به آن «بطرس» گویند و برخی «أرطاماسیا»<sup>ع</sup>. دیسکورید<sup>ع</sup> می گوید برخی آن را عنقود (بطرس) (خوشه انگور) و دیگران ارطاماسیا (ارطیسیا) می دانند.<sup>ع</sup>

زریاب	امبروسیا	<i>Ambrosia maritima L.</i>
-------	----------	-----------------------------

۱۹۵ - اَمْدُزِيان، اَمْدِرِيان، اَمْدِرِيان<sup>ش</sup>: (نامی یونانی) محل رویش: بیت المقدس و دمشق<sup>ع</sup> - برخی به اشتباه آن را «بذرة» می‌دانند.<sup>ش</sup>

۱۹۶ - اَم دَفْراء<sup>ش</sup>: اشبیلی<sup>ش</sup> می‌گوید: نوعی «قیصوم» است و شاید «فجن» باشد.<sup>ش</sup>

۱۹۷ - اَمْرود: نام‌های دیگر آن: کمثری، مرشدآباد: حسینی<sup>ع</sup>

<i>Psidium guajava L.</i>	<i>Hendia &amp; Panjub: Amrud</i>	<i>GLO.IN.</i>
---------------------------	-----------------------------------	----------------

۱۹۸ - اَمْرَه: (نامی هندی)

۱۹۹ - اَمْصوخ، اَمْصوخ<sup>ع</sup>، اَمْصوخ<sup>ش</sup> (نامی بربری به معنای انابیت)، یحیئذ: نام‌های دیگر آن: اَمْصیخ<sup>ش</sup> - اَمْصوخ<sup>ع</sup>، محلوله<sup>ش</sup> - «ابن یطار» می‌گوید: به عجمی اندلسی به آن «شتله»<sup>(۱)</sup> گویند و دارای دو نوع است بزرگ و کوچک... گروهی آن را از انواع «ذنب الخیل» می‌دانند.<sup>ع</sup>

۲۰۰ - اَمْطی<sup>ش</sup>، اَمْطی<sup>ع</sup>: (امیطی)

۲۰۱ - ام عمر<sup>ش</sup>: قسمی تین به رنگ سیاه که در شام فراوان وجود دارد.<sup>ش</sup>

۲۰۲ - اَمْغیلان، اَمْغیلان<sup>ش</sup>، اَمْغیلان<sup>ع</sup>، اَمْغیلان<sup>ش</sup>: نوعی سنط نام‌های دیگر آن: اهل بادیه: سمر<sup>ع</sup>، سمر<sup>ش</sup>، طَلح<sup>ع</sup>، شوکه مصریه<sup>ع</sup>، شوکه اعرابیه<sup>ش</sup> و سدیری<sup>ش</sup> - فارسی: مغیلان<sup>ع</sup> - هندی: کیکروبیول<sup>ع</sup> - سند: جاماها<sup>ش</sup> - اهل بغشور: حاله غوره<sup>ش</sup>

<i>Acacia arabica Willd.</i>	ام غیلان	زریاب
<i>Ilex aquifolium L.</i>	ام غیلان	EN.

۲۰۳ - اَمْ کَلْب<sup>ش</sup>، اَمْ کَلْب<sup>ع</sup>، اَمْ کَلْب<sup>ش</sup>: نام گیاه در کتاب دیسکورید: اناغیرس<sup>ش</sup> - اشبیلی<sup>ش</sup> می‌گوید: برخی آن را «طَبَاقَة الْجَبَلِیَّة» می‌دانند و به نظر من درست است.<sup>ش</sup>

اَنَاغُرُن (*Anaguros*): نام عربی آن «شجرة اَمْ کَلْب» و نام میوه آن «خَرْنُوب الْکَلْب» است و «خَرْنُوب الْکَلْب» نام مشترکی است که بیشتر در غیر این مورد بکار می‌رود. در غلاف میوه آن دانه‌هایی با رنگ‌های مختلف قرار دارد که اهالی مصر به آن «حَب الْکَلْب» گویند. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۵]

<i>Anagyris foetida L.</i>	ام کَلْب - اناغیرس	زر - دی.
----------------------------	--------------------	----------

۲۰۴ - اَمْ اَلْف وِرْق<sup>ع</sup>:

<i>Achillea millefolium</i>	ام اَلْف وِرْق	طباطبائی
-----------------------------	----------------	----------

۲۰۵ - اَمْلْ بید: (نامی هندی)

۲۰۶ - اَمْلْ کِجائی: (نامی هندی)

۲۰۷ - اَمْلِج<sup>ع</sup>، اَمْلِج<sup>ش</sup>، اَمْلِج<sup>ع</sup>، اَمْلِج<sup>ش</sup>، اَمْلِج<sup>ع</sup>، اَمْلِج<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: سریانی: املک<sup>ش</sup> - عربی: راح العرب<sup>ش</sup> - فارسی: امله<sup>ع</sup> - مصر: سنایزه<sup>ع</sup> - هند: انوله<sup>ع</sup> - شیره پرورده آن به نام «شیر املج» و دارای انواعی است که بهترین آن را «شاه املج» گویند.<sup>ش</sup> - امله دو جنس - قسم - است با استه (هسته) و بی استه.<sup>ش</sup> در مقایسه برخی از طبیبان جنسی از امله «سیر املج» نوشته شده

وایشان مصحح<sup>۲</sup> - تصحیح کرده اند به - «شیر آملج»، و پنداشتند که آن «شیر آملج»، آنست که اندر شیر آغشته است و این نادرست است، زیرا نام آن خود «سیر آملج» به سین است و این به زبان هندی گفته شده است و به معنای آملج بی استخوان است و من آنجا که آن می روید حاضر آمده و دیده ام.<sup>۳</sup>

Phyllanthus emblica L.	املج	زر-خ.
Embelica officinalis Ga. Syn: Ph.em.	بلوچستان: املک، امل - هند: املا، اونلا	Glo-in
Embllica officinalis Gae.	املج	الموسوعه

۲۰۸ - املیس<sup>۴</sup>: نوعی از درخت صغیرا مشهور به عُدوة<sup>۵</sup>

۲۰۹ - اُم وَجَعُ الْکَبِدْ، ام وجع الکبد<sup>۶</sup>: «ابوحنیفه» وجه تسمیه آنرا بخاطر درمان درد کبد و برطرف کننده صفرا دانسته است.<sup>۷</sup>

Herniaria tourneforti	ام وجع الکبد	زریاب
-----------------------	--------------	-------

۲۱۰ - اَنَاغَالْسُ، اَبَاغْلِسْ، اَنَاغَالْسُ، اَنَاغَالِیسْ، اَنَاغَالِیسْ<sup>۸</sup> (نامی یونانی) اَنَاکیر<sup>۹</sup>: نام های دیگر آن: فاس: حشیشه العلق<sup>۱۰</sup> - نبطی: اَنَاکیر<sup>۱۱</sup> - فرنگی: اَنکالن<sup>۱۲</sup> - دارای دو پایه نر و ماده است، پایه ماده با گل آبی و پایه نر با گل قرمز.<sup>۱۳</sup> اشیبلی می گوید: دارای دو نوع است نام های نوع اول آن عبارتست از: یونانی: قیخوریون - عجمی: شَنْتَلَه - قبطی: اَناطیا - عربی: خَمْخِم، حشیشه العلق - اهالی شام: اَذان الفار و نام های نوع دوم: یونانی: قیخوریون قارذنون به معنای سیاه، اَناطیریا ارمالی<sup>۱۴</sup>  
اَنَاغَالِیس (Anagallis): دو نوع است: نوعی با گل آبی که نام لاتینی آن «قَرْدَنَالَه» (Cardenella) است و به آن «حشیشه العلق» گویند. و نوع دیگر آن با گل قرمز خونی با نام لاتینی «شَنْتَلَه» (Centella) (Scintilla) به معنای «شَراره» است. (این یطارد در ترجمه دیکرید) ۲ - ۱۱۰

Anagallis coerulea Schreb	اباغالس	زریاب
Anagallis arvensis L.		
Anagallis arvensis L.	اناغالس	د.ط-خ.

۲۱۱ - اَنَاغورِس (نامی رومی)، اَبَاغورِس<sup>۱۵</sup>، اَبَاغورِس<sup>۱۶</sup>، اَنَاغورون<sup>۱۷</sup>، صلون<sup>۱۸</sup>: نام های دیگر آن: مصر: خرنوب الخنزیر<sup>۱۹</sup> - عربی: دُبُح<sup>۲۰</sup> - دُبَحَه<sup>۲۱</sup> - نام میوه آن: حب الکلی<sup>۲۲</sup>، حب الکئی<sup>۲۳</sup>

Anagyris foetida L.	اباغورس - ذبح	زریاب
---------------------	---------------	-------

۲۱۲ - اَنَبْج، اَنَبْج، اَنَبْج<sup>۲۴</sup>، اَنَبْج<sup>۲۵</sup>، اَنَبْج<sup>۲۶</sup>: عرب انبه هندی - نام های دیگر آن: اَنَب<sup>۲۷</sup> - تورانی: نغزک<sup>۲۸</sup> اشیبلی می گوید: این نام به دو گیاه «مُصع» و «مشتهی» گفته می شود.<sup>۲۹</sup>

Mangifera indica L.	انجب	زریاب
Mangifera indica L.	هندی و بلغاری: امب - ام، بلوچستانی: ام	Glo-in

۲۱۳ - اَنَبْطرون<sup>۳۰</sup>: «جالینوس» می گوید: شبیه بالکرات است.<sup>۳۱</sup>



۲۱۴ - انبوب الراعی<sup>۱</sup>، انبوب الراعی<sup>۲</sup>: گویند «مزار الراعی» و همچنین «عصی الراعی» است، «مسیح» نیز آن را نوعی «حی» العالم می‌داند و این نظر صحیح تر است.<sup>۳</sup> «اشبیلی» می‌گوید: نوع دوم العالم<sup>۴</sup> است.<sup>۵</sup>

۲۱۵ - انبوب الملك: نوعی حی العالم<sup>۶</sup>

زریاب	انبوب الملك	<i>Semperivium arboreum L.</i>
-------	-------------	--------------------------------

۲۱۶ - اَنْتَلَه<sup>۱</sup>، اَنْتَلَه<sup>۲</sup>: (نام عجمی اندلسی) نام‌های دیگر آن: جدوار اندلسی<sup>۳</sup>، جدوار<sup>۴</sup> - هندی: نرنسبی<sup>۵</sup>

الموسوعه	انتله - بیش - اقونین - اکونیت	<i>Aconitum spp.</i>
----------	-------------------------------	----------------------

۲۱۷ - اَنْتَلَه بیضاء<sup>۱</sup>: نام دیگر آن: عامه اندلس: فیهق<sup>۲</sup>

۲۱۸ - اَنْتَلَه سوداء<sup>۱</sup>: نام دیگر آن: جدوار اندلسی<sup>۲</sup>

الموسوعه	انتله سوداء، جدوار اندلسی، طَوَّارَه	<i>Aconitum anthora L.</i>
----------	--------------------------------------	----------------------------

۲۱۹ - اَنْثامیس<sup>۱</sup>: نوعی بابونج است.<sup>۲</sup> - نام دیگر آن: اقحوان البری<sup>۳</sup>

اَنْثِم<sup>(۲)</sup> س (*Anthrism*): بابونج، بابونق، بابونک، بابونَه - یونانی: خَمایِلُن<sup>(۱)</sup> برگردان عربی آن: ثُقَّاح الأرض - لائینی: مَسْئَلَه<sup>۴</sup> ، برگردان عربی آن: ثُقَّاح، زیرا بوئی مشابه بوی سیب دارد.<sup>۵</sup> [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۲]

زریاب	اَنْثامیس	<i>Anthemis nobilis L.</i>
دیسکورید	اَنْثِمیس - بابونج - بابونه	<i>Anthemis nobilis L.</i>
پارسا	بابونه شیرازی	<i>Anthemis nobilis L.</i>

۲۲۰ - اَنْثَلِیس<sup>۱</sup>، اَنْثَلِیس<sup>۲</sup>، اَنْثَلِیش<sup>(۳)</sup>: (نامی یونانی)

اَنْثَلِیس (*Anthullis*): برای من این بیطار - گیاه ناشناخته‌ای است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۱]

دیسکورید	اَنْثَلِیس	<i>Cressa cretica L.</i> <i>Ebenus cretica L.</i>
----------	------------	--

۲۲۱ - اَنْجَبَار<sup>۱</sup>، اَنْجَبَار<sup>۲</sup>: نام آن مشتق از واژه جبر است.<sup>۳</sup>

اَذَارِیْذا (*Idaia rhiza*): به معنی روئیده در محل - اِیْذا (اَذایْذا یا ایدایارِیْذا) و آن مکانی است در شهرهای روم، زیرا بر این باورند این گیاه اولین بار از این مکان جمع آوری شده است. عامه اندلس به آن "اَنْجَبَار" می‌گویند و آنچه گفته شد نزد آنان مشهور است و بیشتر در کنار آب و نهرها می‌روید. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۴۰]

دیسکورید	اَنْجَبَار - اَذَارِیْذا	<i>Uvalaria amplexifolia L.</i>
پارسا	اَنْجَبَار - اَنْجَبَار رومی	<i>Polygonum bistorta L.</i> <i>Bistorta officinalis Rafin.</i>

<i>Euphorbia pilulifera</i> L.	انجبار	پارسا
<i>Polygonum viviparum</i> L.	اردو: انجبار	GLO.IN.

۲۲۲ - انجبار رومی<sup>۴</sup>: نام دیگر آن: ساسلیوس<sup>۵</sup>

۲۲۳ - آنجُندان<sup>۶</sup>، انجندان<sup>۷</sup>، آنجندان<sup>۸</sup>، آنجندان<sup>۹</sup>، آنجندان<sup>۱۰</sup> (معرب انگدان فارسی)، عود الرقة (ریشه)<sup>۱۱</sup>، محروت (نام ریشه)<sup>۱۲</sup>، آنجندان<sup>۱۳</sup>، محروت<sup>۱۴</sup>: نوعی کلخ - نام های دیگر آن: یونانی (دیسکورید): سلفیون<sup>۱۵</sup>، سلینون<sup>۱۶</sup> - سریانی: انکرانا اوکاما<sup>۱۷</sup> - فارسی: انگدان<sup>۱۸</sup> - سجزیه: هینگ<sup>۱۹</sup> - فاس: درياس - بربری: ادرياس<sup>۲۰</sup>، اورياس<sup>۲۱</sup>، ادريس<sup>۲۲</sup> - عربی: عشية النساء<sup>۲۳</sup> - نام ریشه: محروت<sup>۲۴</sup> - نام نوع سیاه: سرخس<sup>۲۵</sup> - سوریه: باديقون<sup>۲۶</sup> - یونانی: ناغيطارس طوماغا<sup>۲۷</sup> - تازه قبرونه<sup>۲۸</sup> - آله قَبْرُونَه<sup>۲۹</sup> (۱) - عشية التيسية<sup>۳۰</sup> - به مازندرانی انجندان خوشبو را "کوله پر" گویند. ریشه آن به عربی «محروت» نام دارد<sup>۳۱</sup> و به ترکی به آن «بالدرغان» گویند و نام صمغ آن «حلتیت»<sup>۳۲</sup> است. ۱ - نام انجندان رومی: سیسالوش<sup>۳۳</sup> نام تخم آن: کاشم<sup>۳۴</sup> - ریشه انجندان خراسانی: اشترغار<sup>۳۵</sup> - «انگیان» دو جنس سیاه و سپید و جنسی دیگر هم دارد که رومیان آن را «سسالون» گویند. ۲ - «اسحاق بن عمران» می گوید: «انجندان» دو نوع است یکی سفید خوشبو که به نام «سرخسی» است و ریشه آن «محروت» نام دارد و نوع دوم سیاه بد بوست.<sup>۳۶</sup>

سلفیون (Silphion) یا سلقیون: آنجُندان، شجرة الحلتیت [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۱]

<i>Ferula asafoetida</i> L.	انجُندان	ز.ط.د.خ.
<i>Ferula asafoetida</i> L.	انجُندان - شجرة الحلتیت - حلتیت - حلتیث	الموسوعه
<i>Ferula asafoetida</i> L.	آنقوزه هراتی	پارسا
<i>Ferula asadulcis</i>	انجندان	پارسا
<i>Ligusticum levisticum</i>	انجندان رومی	پارسا
<i>Ferula narthex</i> Boiss.	Sanskrit: Hinguka - Hendia & Bombay & Bengal: Hing - Kashmir: Anjudan	GLO.IN.

۲۲۴ - آنجُره (فارسی)<sup>۱</sup>، انجره<sup>۲</sup>، انجره<sup>۳</sup>، آنجره<sup>۴</sup>، آنجره<sup>۵</sup>، بنات النار<sup>۶</sup>، قریص<sup>۷</sup>، قُریص<sup>۸</sup>، قریص<sup>۹</sup> (نام بذر)<sup>۱۰</sup>، آنجُره<sup>۱۱</sup>: نوعی از خَرِّق نام های دیگر آن: هندی: آننکن<sup>۱۲</sup> - عربی: قریص<sup>۱۳</sup>، قریص<sup>۱۴</sup>، حریق<sup>۱۵</sup>، دار المرز<sup>۱۶</sup>، آنجره<sup>۱۷</sup> - ترکی: کجیتیب<sup>۱۸</sup> - لاتینی: ارتیک پریم<sup>۱۹</sup> - گیلاَن: هریتکه<sup>۲۰</sup> - فارسی: گزنه<sup>۲۱</sup> - نام ذکر شده توسط اورباسیوس: اقالیفی<sup>۲۲</sup> - سریانی: قاروصیثو<sup>۲۳</sup>، انباتورا<sup>۲۴</sup>، سوسرخون<sup>۲۵</sup> - رومی: قرصیناتا<sup>۲۶</sup>، افلابوس<sup>۲۷</sup>، وافلایا<sup>۲۸</sup> - یونانی: قروص<sup>۲۹</sup> - قریص = بزر الانجره<sup>۳۰</sup> اقالیفی (Akalephe): قُریص - آنجُره، اهل مغرب: خَرِّق - این گیاه دو نوع است و نام دیگر آن "بنات النار" است. [این بیطار (در

ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۳۱]

<i>Urtica pilulifera</i> L.	اقلیفی - قریص - آنجره	دیسکورید
<i>Urtica urens</i> L.		
<i>Urtica spp.</i>	قُرَاص - قُریص - خَرِّق - آنجره	الموسوعه
<i>Urtica pilulifera</i> L.	انجره - قریص	زر. خطا.
<i>Urtica dioica</i> L.		
<i>Urtica dioica</i> L.	انجره، قریص، گزنه، نبات النار، هریتکه	پارسا
<i>Blepharis persica</i>	انجره	طباطبائی

- |                           |                     |       |
|---------------------------|---------------------|-------|
| <i>Ficus sycomorus</i> L. | انجير آدم - تين آدم | زرياب |
| <i>Aegle marmelo</i> Cor. |                     |       |

- |                                |                             |          |
|--------------------------------|-----------------------------|----------|
| <i>Hedysarum spp.</i>          | ایدو صارون - فاس - عدس مرّ  | الموسوعة |
| <i>Hedysarum spp.</i>          | أيد بصارون - فلاقینس - فاسی | دیسکورید |
| <i>Coronilla securidaca L.</i> |                             |          |

- |   |                                     |          |
|---|-------------------------------------|----------|
| <i>Astragalus sarcocolla</i> Dym.                               | صوقلا - عنزروت - أنزروت - کحل فارس  | دیسکورید |
| <i>Astragalus sarcocolla</i> Dym.<br><i>Penaea mucronata</i> L. | انزروت                              | ز. ط.    |
| <i>Astragalus fasciculaefolius</i> Boiss.                       | کنجد سرخ و سفید                     | پارسا    |
| <i>Penaea mucronata</i>   | انزروت، کنجد، کحل کرمانی، کحل فارسی | پارسا    |

- ۲۳۳- انس النفس<sup>ع</sup>: "شریف ادیرسی" این گیاه را از قول "ابن وحشیه" «اسکاطامن» نام داده است.<sup>ع</sup>  
 ۲۳۴- أنطویة: نام «هندباء الشامی» برگ پهن است.<sup>ع</sup>  
 ۲۳۵- أنغز، أنغز، أنغز: (نامی یونانی)  
 ۲۳۶- أنف العجل، أنف العجل<sup>ع</sup>: (نام میوه‌ای به زبان مغربی) نام‌های دیگر آن: انطریون<sup>ث</sup>، لوخنیس اغریا<sup>ث</sup>.

نام های نوع بزرگ آن: رأس العجل الكبير، عشبة القوباء<sup>ش</sup>

أنطرين (Antirrin): أنف العجل - شحم الطعام ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۰

قميص (Kemos): نوعی از أنف العجل [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۲]

Leontopodium de Dioscorides	قميص	دیسکورید
Antirrhinum majus L.	أنطرين	دیسکورید
Antirrhinum majus L.	أنف العجل	EN.

۲۳۷ - أنقردیا: (نامی رومی) «أنقردیا» به معنای مشابه قلب است.<sup>ع</sup> - نام دیگر آن: هند: بلاذر<sup>ع</sup>

۲۳۸ - آنکول، واکول: (نامی هندی)

Alanglum salviifolium (L.F.) Wan. Syn: Alanglum lamarckii Th.	سند: آنکوتا - هند: آکولا - بلوچستان: آکارکانتا - بلغار: آنکولا	Glo-in
--	---	--------

۲۳۹ - آنکیز: به لغت صفالبه به آن «خاوانی» گویند.<sup>ع</sup>

۲۴۰ - آناس: (نام میوه هندی)

۲۴۱ - آنوطلون، اوبوطلون: (نامی یونانی) نام دیگر آن: خوز<sup>ع</sup>

۲۴۲ - آنیسون، آنیسون، آنیسوم، آنیسون، آنیسون، آنسون، آنسون، آنسون (نامی رومی)، کمون الحلو، حب الحلو، رازیانه شامی، آنیسون: نام های دیگر آن: آنسون، آنسن، رهلیا، برانیا، تلکنت، سریانی: زرعشامرا - عربی: بزر الرازیانج الرومی، رازیانج رومی، رازیانج الشامی، حب الحلو، کمون الحلو، حبه حلاوة - فارسی: بادیان رومی، زیره رومی، رازیانه رومی - هندی: رندلی - سندی: سروق<sup>ع</sup>

نام نوع بری بزرگ: أبجاله - نام نوع دیگر بری: غرائق - امجلیه، دقلیوس، قرنساء، جحلیق، جحلق، لدیقه - بحرته<sup>ش</sup>

نام نوع صخری: کحلوان، تمک، تاموک، خلوانه، خلای، خلوه، روفس، قومایس، قریطیقوس، جبروان، اقلیولش<sup>ش</sup>

انیرات - اهالی صقلیه: خرفله - «آنیسون» رومی و نبطی است. و جنسی از جنس های «رازیانه» است.<sup>ب</sup>

آنینسن (Anesson): نام های دیگر آن عبارتست از: آنیسون - رازیانج الرومی - کمون الحلو - اهالی اندلس: حبه الحلو [ابن بطار (در

ترجمه دیسکورید) ۴ - ۵۳]

Pimpinella anisum L. Anisum vulgare Gaertn.	آنیسون - یانسون - کمون حلو - حبه حلو	زریاب
Pimpinella anisum L.	آنیسون	طبا، خطا.
Pimpinella anisum L.	آنیسون	پارسا

۲۴۳ - آوافیوس، آوافتوس: نامی یونانی به معنای حلقه بعضی از مترجمان برگردان عربی آن را «حدقی» می دانند.<sup>ع</sup> چون گل آن مشابه گل نرگس است.<sup>ع</sup>

Iris sp.	حدقة	الموسوعة
----------	------	----------

۲۴۴ - أوبقلصن، ابوغلصن: «ابن جليل» آن را به معنای «لسان الفرس» دانسته است.<sup>ع</sup>

۲۴۵ - أوثنا: برخی مردم آن را عصاره «مامیثا»، و برخی آن را عصاره خشخاشی به نام «قاراطیطس» و برخی آن را عصاره

گیاهی به نام «أوثنا» می‌دانند.<sup>۷</sup>

۲۴۶ - اودومالی<sup>۷</sup>: روغن گیاهی از سرزمین ترمذ<sup>۷</sup>

۲۴۷ - اورونخی<sup>۷</sup>، هالوک<sup>۷</sup>: «اورونخی» به معنای «أسد الأرض» است.<sup>۷</sup> نوعی از «طراثیث» به معنای «خاتق الکرسنه» است.<sup>۷</sup> - مصر: هالوک<sup>۷</sup>، زیرا گیاهان اطراف محل رویش خود را ازین می‌برد.<sup>۷</sup> - نام‌های دیگر آن: عراق: تراب الهالک<sup>۷</sup> - سم الفار<sup>۷</sup> - اهالی مغرب: رَهَج الفار<sup>۷</sup> - شکک<sup>۷</sup>

EN.	اورونخی	<i>Oroboanche sp.</i> <i>Oroboanche aegyptiaca Pers.</i>
-----	---------	---

۲۴۸ - اوسبید<sup>۷</sup>، اوسبید<sup>۷</sup>، اوسین<sup>۷</sup>، اوسفید<sup>۷</sup> (نامی فارسی)، نیلوفر هندی<sup>۷</sup>: نوعی نیلوفر هندی است.<sup>۷</sup> نام‌های دیگر آن: نیلوفر هندی<sup>۷</sup> - "رازی" گوید: نوعی از «نیلوفر هندی» است.<sup>۷</sup>

زریاب	اوسبید - نیلوفر هندی	<i>Nelmbium speciosum L.</i> <i>Syn: N.nuciferum Gaertn.</i>
الموسوعه	اوسبید - نیلوفر هندی	<i>Nymphaea indica</i>

۲۴۹ - اوشیرس<sup>۷</sup>:

۲۵۰ - اوفیموبنداس<sup>۷</sup>، اوفیموداس<sup>۷</sup>: نامی یونانی به معنای مشابه بادروج<sup>۷</sup> نام‌های دیگر آن: مغرب: لسیعه<sup>۷</sup>، اخیون<sup>۷</sup>، فیلاطاریون<sup>۷</sup> - گیاهشناسان آفریقا و شهر تونس: لسعة<sup>۷</sup>

۲۵۱ - «ئونما»، «اونوما»: (نامی یونانی) به معنای «مسقط الأجنة» و از انواع «شنجار» است.<sup>۷</sup> اُونوما (*Onosma*): برگردان عربی آن را «مُسْقَطُ الْأَجْنَةِ» و نوعی از «خَس الحمار» می‌داند. عامه اندلس به آن «رَجُل الحَمَامَةِ» می‌گویند و گیاهشناسان اندلس آن را «أُذُن الحِمَار» می‌نامند و جالینوس آن را با نام «أُونوسما» آورده است. (این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲۶)

دیسکورید	اُونوما - مسقط الاجنه - أذن الحمار	<i>Onosma echinoides L.</i>
EN.	اُونوما	<i>Onosma echinoides L.</i>

۲۵۲ - اُونِیَا: (نامی یونانی عصاره گیاه)

۲۵۳ - أهلال قسطا<sup>۷</sup>:

۲۵۴ - اهللیج<sup>۷</sup>، هللیج<sup>۷</sup>، اهللیج<sup>۷</sup>، اهللیجات<sup>۷</sup>، هللیله<sup>۷</sup>، هللیج<sup>۷</sup>، هللیج<sup>۷</sup>: (معرب هللیله فارسی) نام‌های دیگر آن: رومی: هللیقون<sup>۷</sup> - سریانی: هللیقی<sup>۷</sup> - هندی: هروره<sup>۷</sup>، هوزید<sup>۷</sup>، هَرین<sup>۷</sup> - هللیله سه جنس است یکی زرد... و دوم «هللیله کابلی»... سوم «هللیله سیاه» و او نیز دو گونه است یکی استه (هسته) دارد و دیگری فاقد آن است و به آن هندی می‌گویند.<sup>۷</sup> - دارای چهار نوع است<sup>۷</sup>

- اهللیج کابلی<sup>۷</sup>، هللیله کابلی<sup>۷</sup>

- اهللیج اصفه<sup>۷</sup>، هللیله زرد<sup>۷</sup>

- اهللیج اسود<sup>۷</sup>، هللیله سیاه<sup>۷</sup> - شیرازی: هللیله مویزک<sup>۷</sup>

- اهللیج هندی<sup>۷</sup>

- اهللیج چینی<sup>۷</sup>

زر. - خط.	اهللیج کابلی	<i>Terminalia chebula Ret.</i>
-----------	--------------	--------------------------------

<i>Terminalia citrina</i> Roxb.	اهلیج اصفر	زریاب
<i>Terminalia horride</i> Stend.	اهلیج هندی	زریاب
<i>Terminalia bellerica</i>	بللیج - اهلیج بلبله	الموسوعه
<i>Myrobalanus bellerica</i> Gaertn.	هلبله	پارسا
<i>Myrobalanus chebulae</i> Gaertn.	هلبله کابلی	پارسا
<i>Myrobalanus citrinae</i> Gaertn.	هلبله زرد	پارسا
<i>Myrobalanus nigrae</i>	هلبله سیاه	پارسا
<i>Terminalia chebula</i> Ret.	اهلیج	طباطبائی

۲۵۵ - اوطمی<sup>۳</sup>:۲۵۶ - ایارانوطابی<sup>۴</sup>: (نامی یونانی)

ایرانوطانی (*Hiera botane*): نوعی رعی الحمام با نام های: حشیشه المکرمة - حشیشه المقدسة - لاتینی: یربانه [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۵۵]

<i>Verbena sapina</i> L.	حشیشه المکرمة - حشیشه المقدسة	دیسکورید
--------------------------	-------------------------------	----------

۲۵۷ - ایثولیس<sup>۵</sup>، ایثویس<sup>۶</sup>: (نامی یونانی)۲۵۸ - ایذامامیر<sup>۷</sup>: (نامی یونانی)

۲۵۹ - ایدع<sup>۸</sup>، ایدع<sup>۹</sup>، ایدع<sup>۱۰</sup>: نام های دیگر آن: شتبان القاطر - اشنان<sup>۱۱</sup> - قنط<sup>۱۲</sup> - دم الاخوین<sup>۱۳</sup> - برخی آن را «دم الاخوین» دانسته، «ابو حنیفه» آن را نام صمغ قرمز رنگی که از سقطری می آوردند می داند که برای مداوای جراحات از آن استفاده می شود.<sup>۱۴</sup> این نام برای «حی العالم» نیز استفاده می شود.<sup>۱۵</sup>

<i>Dracaena cinnabari</i> Balf.	ایدع	زریاب
---------------------------------	------	-------

۲۶۰ - آیدآاریدا<sup>(۱)</sup>، آیدایاریز<sup>(۲)</sup>: (نامی یونانی)۲۶۱ - ایدوسارون یا ایدونیارون یا ایدوصارون<sup>۳</sup>: رازی آن را اندرصارون خوانده است.<sup>۴</sup>

<i>Securigera coronilla</i> D.C. Syn: <i>S.securidaca</i> (L.) Deg.&Dor. <i>Bonaveria securidaca</i> Desv.	ایدوسارون	زریاب
---	-----------	-------

۲۶۲ - ایرامامیز<sup>۵</sup>: (نامی فارسی)

۲۶۳ - ایردوسیاناس (ایردوسیاناس)<sup>۶</sup>: نام های دیگر آن: اندرسافس<sup>۷</sup>، اندرساخس<sup>۸</sup> - رازی: اندروساماس<sup>۹</sup> - دیسکورید: نوعی هوفاریقون<sup>۱۰</sup>

آندروسام<sup>(۱)</sup> (*Androsaimon*): بزرگترین نوع هیوفاریقون - جالینوس: آسقیرون [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۵۱]

<i>Hypericum ciliatum</i> L.	آندروسامن	دیسکورید
------------------------------	-----------	----------

أبرس (*Iris*): ابرسا به معنی قوس و قزح - سوسن آسمانجونی [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱]

<i>Iris florentina</i> L.	ایریس - سوسن آسمانجونی	دیسکورید
<i>Iris germanica</i>	ایریسا	خطابی
<i>Iris ensata</i> Thund.	Hendia: <i>Irisa</i> , Sosan - Kashmir: Marjal, arjal	GLO.IN.
<i>Iris ensata</i> Thund.	Hendia & Punjab: Chiluchi, Sosan	GLO.IN.

۲۶۵- ایریفارون<sup>۱</sup> یا ایزیفازن<sup>۲</sup>؛ ایریغزن<sup>۳</sup>؛ نامی یونانی به معنای پیر در بهار نام دیگر آن: اندلس<sup>۴</sup>؛ ثریا<sup>۵</sup>  
۲۶۶- ایل<sup>۶</sup>؛ نام‌های دیگر آن: قاقله الصغار<sup>۷</sup> - هیل<sup>۸</sup>، هال بوا<sup>۹</sup>، هیل بوا<sup>۱۰</sup>، شوشمشیر<sup>۱۱</sup> - چون از غلاف بیرون آید آن را لاحی  
گویند.  
۲۶۷- ایمارانو طولی<sup>۱۲</sup>؛ آیارابوطانی<sup>۱۳</sup>؛ نامی یونانی به معنای عشبۀ مکرمه - نام‌های دیگر آن: مصر: زیتونیه<sup>۱۴</sup> - نام گیاه  
در کتاب دیسکورید: بارسطاریون<sup>۱۵</sup>  
۲۶۸- ایمارو قالس<sup>۱۶</sup>؛ نام دیگر آن: سوسن زرد<sup>۱۷</sup>  
۲۶۹- ایمونیطس<sup>۱۸</sup>  
۲۷۰- ایهقان<sup>۱۹</sup>، ایهقان<sup>۲۰</sup>، ایهقان<sup>۲۱</sup>؛ نام‌های دیگر آن: نَهَق<sup>۲۲</sup>، جرجیر البری<sup>۲۳</sup> - جرجیر بیابانی<sup>۲۴</sup> - گویند نام «جرجیر بری» است.<sup>۲۵</sup>

### حرف «ب»

۲۷۱۔ باباری<sup>۲</sup>، باباری<sup>۳</sup>: (نامی یونانی) فلفل الأسود<sup>۴</sup> - فلفل سیاہ<sup>۵</sup>

۲۷۲ - بابلص<sup>ع</sup>: از انواع خشخاش<sup>ع</sup>

۲۷۳- بابونج<sup>(۱)</sup>، بابونج<sup>ث</sup>، بابونج<sup>ج</sup>، بابونج<sup>ث</sup>، قفاح الأرض<sup>ث</sup>، قفاح الأرض<sup>ث</sup>، حبق البقر<sup>ث</sup>، خامانیل<sup>ث</sup>: گیاهی یکساله از جنس هدیات است. <sup>ث</sup>نام‌های دیگر آن: عربی: بابونی، قفاح الأرض، شجرة مريم<sup>ث</sup> - فارسی: بابونه<sup>ث</sup>، کلنجه<sup>ث</sup>، بابونک<sup>ث</sup>، حبق البقر<sup>ث</sup>، حبق المغز<sup>ث</sup>، بُفَاش<sup>ث</sup> - مغرب: بابونق<sup>ث</sup> - یونانی: انثیمس<sup>ث</sup>، انثامیس<sup>ث</sup>، خمایملن<sup>ث</sup>، میلانیون<sup>ث</sup> - رومی: امیرون<sup>ث</sup>، امرقون<sup>ث</sup>، انفالیوس<sup>ث</sup> (بنا به نظر جالینوس) - سریانی: میثوبا<sup>ث</sup> - بربری: تیزمارت<sup>ث</sup> - بنا به نظر اورباسیوس: ارانتموس<sup>ث</sup> - «أقحوان زرد» را «خروسوقولی» گویند. <sup>ث</sup>«دیسکورید» آن را سه نوع با تفاوت رنگ گل‌های آن‌ها می‌داند. <sup>ج</sup>«بابونجی» که «دیسکورید» با رنگ گل سفید شرح می‌دهد گیاه معروفی است که امروزه در مصر به آن «کرکاش» گویند و اهل اندلس آن را به نام لاتینی «مقارجه» می‌شناسند و اهالی آفریقا آن را «رجل الدجاجة» نامیده‌اند و آن نزد عرب مشهور به نام «أقحوان» است. <sup>ج</sup>

<i>Solanum tuberosum</i>	تفاح الارض	طباطبائی
<i>Anthemis nobilis L.</i>	بابونج	ال-ط.سج.
<i>Anthemis nobilis L.</i>	ہندی: بابونہ کی پول	Glo.

۲۷۴ - باجروچی: ۵

۱- به آنتمیس و اقحوان رجوع شود.

۲۷۵- باداورد (فارسی)، باذآورد، شوكة البيضاء، بادآورد، باذاورد، بادآورد: نامی است که بر سبک بودن و اجتماع شاخه ها برای بالا رفتن توسط باد از زمین دلالت دارد. - نام های دیگر آن: سیدخار، کنگر سفید - عربی: شوكة البيضاء، شکاع - رومی: لوفینیقی، لوقیتی، دریقاس - سریانی: ساناحور، سابا حوراراس، کباعر بایا - عصفبر بری - هندی: جواسا - سیستان: جولاه کش - رومی: لوقاقانسی - سریانی: اقتولوقاقتادشتا - دیسکورید: اقتالوقین (اقتالوقی)

اقتالوقی (*Akantha leuke*): برگردان آن به عربی «شوكة البيضاء» است، اکتا (اقتا) به یونانی به معنی خار و لوقا به معنی سفید این گیاه علی رغم نوشته های پزشکان مصر در آنجا وجود ندارد. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲]

زریاب	بادآورد - شوكة البيضاء	<i>Cnicus acarna L.</i> <i>Picnomon acarna (L.) Cass.</i> <i>Onopordon acanthium L.</i> <i>Silybum marianum Gaertn.</i>
دیسکورید	اقتالوقی - شوكة البيضاء	<i>Picnomon acarna (L.) Cass.</i>
پارسا	باداورد	<i>Carduus benedictus Auct.</i>
طباطبانی	باداورد	<i>Fagonia cretica L.</i>

۲۷۶- بادرنجبویه، بادرنجبویه، بادرنجبویه، بادرنجویه، بادرنجویه، ترنجان، ترنجان، مفرح قلب المحزون، بادرنجبویه، ترنجان، حیق ترنخانی، مالسوفلن: نام های دیگر آن: بادرنبویه، بادرنبویه، بادرنبویه، نامی فارسی به معنای بوی ترنج «أترجی الرائحة» - و معرب بادرنگبویه است. - عربی: مفرح القلب، بادرنبویه، باذرواکوهی، بقلّة الأترجیة - ترنجان - نام گیاه در کتاب دیسکورید: مالسوفلن، مالیطانا - فارسی: بالنکو - بادرنگ - بادرنجویه دارای دو نوع است نوعی با برگ کوچک که در فاس به آن «حقیق القرنفلی» گویند و نوع دیگر با برگ بزرگ معروف به «حقیق البربری» است و برگردان عربی این نام فارسی «رائحة الأترج» است و به آن «مفرح قلب المحزون» گویند.

مالیسوفلن (*Melissophullon*): ریحان الترنجانی - باذرنبویه - بادرنبویه، این گیاه را جالینوس ذکر نکرده است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۹]

ز.ط.خ.	بادرنجبویه	<i>Melissa officinalis L.</i>
دیسکورید	مالیسوفلن - ریحان الترنجی - بادرنجویه	<i>Melissa officinalis L.</i>
پارسا	بادرنجبویه	<i>Asperugo procumbens</i>
پارسا	بادرنجبویه	<i>Dracocephalum moldavica L.</i>

۲۷۷- بادروج، بادروج، بادروج، بادرُج (نامی نبطی)، صومر، صومر، صومر، حوک، حوک، صریرا: نوعی از احباق نام های دیگر آن: بادروج - عربی: جوک، حوک - فارسی: ریحان کوهی، تره خراسانی - رومی: اوقیمون - سریانی: حوکا، اوکا (لوکا) - هندی: بابری، تلسی جنگلی، فیلطاریون به معنای دوست دارنده صاحب خود - «ابوحنیفه» صومران را حوک می داند.

اوقیمون (*Okimon*): بادروج - حوک - بنابه قول ضعیفی: بستان افروز [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۲۵]

دیسکورید	اوقیمون - بادروج - حوک	<i>Ocimum basilicum L.</i>
زریاب	بادروج - صومر - حوک	<i>Ocimum basilicum L.</i>
پارسا	باروج ایض - ریحان کوهی - تخم شربتی	<i>Ocimum album L.</i>



الموسوعه	حبّ معروف، حبّ هندی، حبّ نبطی، حوک، باذروج	<i>Ocimum basilicum</i>
----------	--	-------------------------

۲۷۸ - بادِنجان، بادِنجان، بادِنجان، بادِنجان، بادِنجان، کَهکَم، کَهلم، وِغْد، اَنب، بادِنجان: معرب بادنگان فارسی از جنس کفوف است نام‌های دیگر آن: عربی: مَغْد، مَغْد، غَدو، مَعْد، اَنب، وِغْد، نالیل الجنات - هندی: بیکن، بهانتانا، یروچی دشینا، باذاینگان، کَهکب، حَق، کَهیرک - حیصل

زر - طبّا.	بادنجان - معد - انب	<i>Solanum melongena L.</i>
الموسوعه	بادنجان - اَنب - مَغْد	<i>Solanum melongena L.</i>
پار. - خطّ.	بادنجان	<i>Solanum melongena L.</i>

۲۷۹ - بادِنجان بَرّی: نام‌های دیگر آن: هندی: بهکتائی و (بزرگ) بهرتا - یونانی: کفیشون  
۲۸۰ - بادیان خطائی: (نام میوه گیاه است)

پارسا	بادیان خطائی	<i>Illicium anisatum Lo. = I. verum H. = Anisum stellatum L.</i>
GLO.IN.	Hendia: Anasphal - Bombay: Badian Madras: Anashal	<i>Illicium anisatum Lo</i>
Glo.IN.	Persian: Badian kohl	<i>Prangos pabularia L.</i>

۲۸۱ - باذامک: نوعی صفصاف است. - نام دیگر آن در اندلس: ینبر  
۲۸۲ - بازَرْد، بازَرْد، بازَرْد: نامی صمغی به زبان فارسی نام‌های دیگر آن: عربی: قَنَه، قَنَه - یونانی: خلبانی - ترکی: قاسی - هندی: بریجا، کنده بهروزه - شیرازی: مروسرز - فارسی: پیرزد - اشبیلی می‌گوید: نام صمغ «جزر بری» است و همچنین این نام برای «قنه» نیز بکار برده می‌شود.  
خَلْبَانِی (Khalbane): - ابن بیطار - به رومی بنابر آنچه در انطالیا شنیده‌ام: خَلْوَانِی - قَنَه - فارسی: بازَرْد (۱) [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۷۹]

دیسکورید	خلبانی - بازَرْد - قَنَه	<i>Ferula galbaniflua Boiss. &amp; Bus.</i>
الموسوعه	قَنَه مَبْذُولَه - کَلَنج	<i>Ferula communis L.</i>
الموسوعه	قَنَه مَهْجُونَه - بازَرْد قَنَاشِق	<i>Ferula galbaniflua Boiss. &amp; Bus. Ferula ferulago L.</i>
طباطبائی	بازَرْد	<i>Ferula rubricaulis Boiss.</i>

۲۸۳ - باذَوَرْد، باذورد: نام دیگر آن: عصفور البری، اشبیلی می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «فَشال»، عده‌ای «قصب البردی»، گروهی «شکاعی»، بعضی «شوکه المصریه»، برخی «اقین»، گروهی «قرذیوله» و اکثر پزشکان آن «عصر بری» می‌دانند که همگی اشتباه است. نام دیگر آن «اقنثالوقی» یعنی «شوکه البیضاء» است و اعراب بادیه به آن «اشبینه آله» گویند.

خطابی	باذورد	<i>Picnomon acarna (L.) Cass.</i>
-------	--------	-----------------------------------

۲۸۴ - بارسطاریون: (به معنای حمامی) نوعی رمی الحمام - نام های دیگر آن: فرسطاریون<sup>ت</sup>

۲۸۵ - باریلوماین: (نام اندلسی به معنی مشابه چشم)

۲۸۶ - باشان<sup>س</sup>:

۲۸۷ - باشیون<sup>س</sup> و باخیون<sup>س</sup>: (پیخین) نام دیگر آن: سعله، زیرا موجب تسکین بیماری سعال می باشد.

زریاب	باشیون - باخیون	<i>Tussilago farfara L.</i> <i>Ungula caballina</i> <i>Flores tussilaginis</i>
-------	-----------------	--

۲۸۸ - باقلّا، باقلی<sup>س</sup>، باقلی<sup>س</sup>، باقلّا، باقلاء، باقلا<sup>س</sup>، جاسه<sup>س</sup>، فابش یونانی<sup>س</sup>، فابش یونانی<sup>س</sup>، جرجر<sup>س</sup>، جناح البشر<sup>س</sup>، فول<sup>س</sup>: نام های دیگر آن: باقلی<sup>س</sup> - قبطی و مصری: فول<sup>س</sup> - عراق: جرجر<sup>س</sup> - معرب کرکر - سریانی: وکونی کرانیس، قواباوس، کومی<sup>س</sup> - سنجرى و سجزی: کالوسک<sup>س</sup>، بیستی کوسک<sup>س</sup> - رومی: کیرانس، قوامس یا (کوامس)<sup>س</sup>، قویارس<sup>س</sup>، فافا (فابا)<sup>س</sup>، فاطن<sup>س</sup> - بستی: کوسک<sup>س</sup> - فارسی: خوشک<sup>س</sup>

فابش الیونانی (*Kuamos hellenikos*): فول - باقلّا - جرجر - لاتینی: فابّه [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۹۰]

ز. - خ. - پ.	باقلی	<i>Vicia faba L.</i>
دیسکورید	فابش الیونانی - فول - باقلاء	<i>Vicia faba L.</i>
الموسوعه	فول - باقلی - باقلاء - جُمی	<i>Vicia faba L.</i>
طباطبائی	باقلی	<i>Faba vulgaris Monch.</i>
<i>GLO.IN.</i>	<i>Hendia: Bakla</i>	<i>Faba faba L.</i>

۲۸۹ - باقلّای قبطی، باقلی قبطی، غلالوطا، قاباش قبطی، فاباش قبطی، جامسه، غلالوطا: نام دیگر آن: جامسیه<sup>س</sup> فابش القبطی (*Kuamos Aiguptios*): از گیاهان شهرهای مغرب نیست و تنها خاص مناطق مصر بویژه در مکانی به نام "بشرمساح" است. و عامه اهالی مصر به آن "جامسه" گویند. جالینوس این گیاه را ذکر نکرده است. «جاسه» در مصر به «باقلی قبطی» گفته می شود. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۹۱]

زریاب	فابش القبطی	<i>Nymphaea nelumbo L.</i>
-------	-------------	----------------------------

۲۹۰ - باکر: (نامی هندی)

<i>GLO.IN.</i>	هند: باکر - بلوچستانی: گوهرامونای	<i>Premna latifolia Roxb.</i>
----------------	-----------------------------------	-------------------------------

۲۹۱ - بالسه: (نامی هندی)

۲۹۲ - بالک جوهری: (نامی هندی)

۲۹۳ - بالانکو:

پارسا	بالنگو شهری	<i>Lallemantia iberica F.&amp; M.</i>
پارسا	بالنگو شیرازی	<i>Lallemantia royleana Benth.</i>

۲۹۴ - باله<sup>ش</sup>:

<i>Hibiscus mutabilis</i> L.	کاشته شده	باله	زریاب
<i>Hibiscus tortuosus</i> Roub.			

۲۹۵ - بامیه<sup>ش</sup>:

<i>Hibiscus esculentus</i> L.	بامیه	الموسوعه
<i>Abelmoschus esculentus</i> (L.) Moench	بامیه	پارسا

۲۹۶ - بیته<sup>ش</sup>: تخم میوه‌ای است.

<i>Dalbergia lanceolaria</i> L.	هند: بیتوا ( <i>Bithua</i> )	Glo-in
---------------------------------	------------------------------	--------

۲۹۷ - بیته<sup>ش</sup>: نام میوه‌ای به زبان هندی

<i>Dalbergia volubilis</i> Roxb.	هند: بهاتا ( <i>Bhatia</i> )	Glo-in
----------------------------------	------------------------------	--------

۲۹۸ - یخن<sup>ش</sup>: یخنه<sup>ش</sup>۲۹۹ - یخره<sup>ش</sup>: یخن<sup>ش</sup>

۳۰۰ - بخورالاکراد<sup>ش</sup>: زیرا گردان بسیار زیاد آن را در تهیه بخورات استفاده می کنند؛ نام‌های دیگر آن: اندلس: بربطوره<sup>ش</sup> - سریانی: اندراسیون<sup>ش</sup>  
 فوقاذان<sup>ش</sup> (فوقاذین): (*Peucedanon*): آندراسیون - لائینی: یزبطوره - عامه مغرب: یزبطور - در بعضی از شرح‌ها: جابنک -  
 یوقاذانس [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۷۴ - ۳]

<i>Selinum officinal</i>	بخورالاکراد - شمرالخنازیر - یزباطوره	الموسوعه
<i>Peucedanum officinale</i> L.		
<i>Peucedanum officinale</i> L.	فوقاذان - یزبطوره	دیسکورید
<i>Peucedanum officinale</i> L.	بخورالاکراد	طباطبانی

۳۰۱ - بخورالسودان<sup>ش</sup>: بخورالسودان<sup>ش</sup>

<i>Telephium imperati</i> L.	بخورالسودان - بخورالبیر - سزغند - دیزهک	الموسوعه
------------------------------	---	----------

۳۰۲ - بخورمریم<sup>ش</sup>: بخورمریم<sup>ش</sup>، بخورمزیم<sup>ش</sup>، بخورمریم<sup>ش</sup>، دُخنة مریم<sup>ش</sup>، فقلامینوس<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن:  
 خراسان: گلیم شوی<sup>ش</sup> - عرطنیثا<sup>ش</sup> - رومی: فوفیلاطینوس<sup>ش</sup> - افریقا: جر المشایخ، بشام، شجرة المریم<sup>(۱)</sup> -  
 فقیلاموس<sup>ش</sup>، فقلامینوس<sup>ش</sup>، فقلامینوس<sup>ش</sup> - قسیاس<sup>ش</sup>

فُقْلَامِنُوس (Kuklaminos): بخور مریم - اهالی آفریقا: عَرَطِينَا، رَكْف - خُبْرُ الْقُرود - گیاه معروفی است.  
 فُقْلَامِنُوسِ اِخْر (Kuklaminos helera): لاتینی: مَاطَرُ شَالِبِه (۱) برگردان آن به عربی: اُمُّ الشَّعْرَاءِ اهالی اندلس: صَرِيْمَةُ الْجَدْي - گیاهشناسان: سُلْطَانُ الْجَبَل - رای مُنْت (۲)، رای به معنی سلطان و منت به معنی جبل (کوه) است. - بربری: اَفْلَدَان و اَدَار (۳)، به معنی سلطان الجبل [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۷ و ۱۴۸]

<i>Cyclamen europaeum L.</i>	بخور مریم، فقلامینوس، عرطینا - خبز القرد	دیسکورید
<i>Lonicera caprifolium L.</i>	صریمة الجدی، سلطان الجبل، فقلامینوس، بخور مریم	دیسکورید
<i>Cyclamen europaeum L.</i>	بخور مریم، دخنه مریم، عرطینا، گلیم شوی	زر - طب.
<i>Cyclamen spp.</i>	عرطینا، سَکَع، بخور مریم، زهرالمسیح، وَکَف، خُبْرُ الْمَشَايِخ، بَقْلَامُس، رَكْفَه	الموسوعه

۳۰۳ - بَدَاشِقَان، بَدَاشِقَان، بَدَاشِقَان، باداشقان، باداشقان: معرب بدسکان فارسی، نام های دیگر آن: بَدَاشِقَان، بَدَکْشَان، قَاتِل اَبِه، کَف الْکَلْب، بدسکان، بدکستان، بدشغان

<i>Sparilum junceum L.</i>	بَدَاشِقَان	زریاب
<i>Parkinsonia spp.</i>	بَدَسْکَان	الموسوعه
<i>Parkinsonia aculeata L.</i>	بَدَسْکَان الشَائِک	الموسوعه

۳۰۴ - بَدَلِیُون: نام دیگر آن: مَقْل

۳۰۵ - بَزْ: (نامی هندی)

۳۰۶ - بَرِنَاقَه (۴): نام دیگر آن: اهالی عجم نغر: اَبْرُولِیَه (۵) - برخی آن را به اشتباه «شکاعی» گویند.

۳۰۷ - بَرْتَقَه: نوعی کمداریوس نام های دیگر آن: باطرنیقی - عجمی اندلس: طریه لَبَه (۶) - ذنب النمر

۳۰۸ - بَرْدی، بَرْدی، بَرْدی، بَرْدی (نامی عربی)، عُنْقَر (نام ریشه)، حَقَّ، فَاغِر: نام های دیگر آن: بابروس، بابیر، قارجی، اباء، فارسی: پیزد، لُخ - هندی: کوندل، پَهته، پیزا - مصر: فاقیر، خوص (به خاطر تشابه به برگ آن به برگ درخت خرما) - سریانی: بانورس - عربی: حَقَّ، نام بیخ (ریشه) آن: عُسْلُج - کرک های روی گیاه را به رومی «اقتلقا» و به فارسی «ایکور» و به عربی «تِلْم» و اهل ترمذ به آن «کابور» گویند. «اشبیلی» می گوید: از گیاهان مجاور آب و از جنس «جنبه» و از انواع «سیوف» و دارای چند نوع است: یک نوع نر و نوعی ماده، نام نوعی «سوسن اصفر» و نام نوع دیگر «سوسن الاسمانجونی» است.

<i>Cyperus papyrus L.</i>	بردی - لُخ	زر - طب.
<i>Cyperus papyrus L.</i> <i>Papyrus antiquorum Willd.</i> <i>Papyrus domesticus Poir.</i>	بردی - بابیر - بَبِر - بابیروس - بابورس	الموسوعه

۳۰۹ - بَرَسِیَاوَشَان، بَرَسِیَاوَشَان، بَرَسِیَاوَشَان، برسیاوشان، برسیاوشان، بَرَسِیَاوَشَان (نامی یونانی به معنای داروی سینه)، شَعْر الْجَبَّار، بُولوطریخون، سَابَقَه، سَبْع الْأَرْض، سَبْع الْأَرْض، ضِفَائِر الْجَن، ضَفَائِر الْجَن، شَعْر الْجَن، لَحِیة

۳- «اَفْلَدَان و اَدَار» با هم نام گیاه است و «اَدَار» به بربری به معنی کوه است.

۲- Rey Monte - رای - پادشاه - Rey - منت - کوه - Monte

۱- Mater sylvae

۵- Abre-ulayo-abrojo Torva-lupa

۲- Berbenaca

الحمراء: «بولوطریخون» به معنای پر مو نام «برسیاوشان» است.<sup>۴</sup> - نام‌های دیگر آن: عربی: شعر الجبال<sup>۵</sup>، شعر الجبار<sup>۶</sup>، شعر الارض<sup>۷</sup>، شعر الجن<sup>۸</sup>، شعر الخنازیر<sup>۹</sup>، شعر الخزیر<sup>۱۰</sup>، شعر الجان<sup>۱۱</sup>، شعر الماء<sup>۱۲</sup>، جعدة القنا<sup>۱۳</sup>، شعر الکلاب<sup>۱۴</sup>، کر بزة البئر<sup>۱۵</sup>، ساق الاسود<sup>۱۶</sup>، ساق الوصیف<sup>۱۷</sup>، ساق الاسود<sup>۱۸</sup>، شعر العیار<sup>۱۹</sup>، لحية الحمراء<sup>۲۰</sup>، وصف الاسود - یونانی: بولوطوطریخون<sup>۲۱</sup> یا بولوطونخون ( به معنای پر مو)<sup>۲۲</sup>، بولیطریخو<sup>۲۳</sup> - لاتینی: قافلا<sup>۲۴</sup> - فارسی: برسیاوشان<sup>۲۵</sup> - عوام: سنبل<sup>۲۶</sup> - هندی: کالی جهانپ<sup>۲۷</sup>، کرجاور نکوت<sup>۲۸</sup> - رومی: اذ یارطون<sup>۲۹</sup>، اطيوس<sup>۳۰</sup>، ابن سرایون<sup>۳۱</sup> - کرمان: کور سور<sup>۳۲</sup> - زمان شرار<sup>۳۳</sup> - براکيس یری<sup>۳۴</sup>

ز.ط.سج.	برسیاوشان - شعر الجبار	<i>Adiantum capillus veneris L.</i>
الموسوعه	کر بزة البئر، شعر الغول، شعر الارض، وصیف، برشاوشان	<i>Adiantum capillus veneris L.</i>

۳۱۰ - برسیون<sup>۳۵</sup> (برسیا)، لَئِخ<sup>۳۶</sup>، برسیانا<sup>۳۷</sup>: نام‌های دیگر آن: لَیخ<sup>۳۸</sup>، فرسانا<sup>۳۹</sup>، لبخه<sup>۴۰</sup>، آثابه<sup>۴۱</sup>، مرسیفا<sup>۴۲</sup> - سریانی: حولانا<sup>۴۳</sup> - مصر: هواسمه<sup>۴۴</sup>  
 فُرسیا (Persaia): لَئِخ - شجرة الفارسية [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۸]

زریاب	برسیون - لَیخ	<i>Mimusops schimperi Hochst.</i> <i>Albizzia lebbek Bth.</i>
الموسوعه	کَنج - البیزیه اللیخ - ذقن الباشا	<i>Albizzia lebbek Bth.</i>
دیسکورید	فُرسیا - لَئِخ - شجرة الفارسية	<i>Mimusops schimperi Hochst.</i>

۳۱۱ - برسیاندارو<sup>۴۵</sup>: نام‌های دیگر آن: عصی الراعی<sup>۴۶</sup> - تهلول<sup>۴۷</sup>، عمول<sup>۴۸</sup>، فوهل<sup>۴۹</sup>، قنابری<sup>۵۰</sup>، شجرة البهق<sup>۵۱</sup>  
 ۳۱۲ - بَرطانیقی<sup>۵۲</sup>، برطانیقی<sup>۵۳</sup> (نامی یونانی)، طروقون<sup>۵۴</sup>: نام‌های دیگر آن: هندی: سروالی<sup>۵۵</sup>، بستان افروز<sup>۵۶</sup>  
 بَرطانیقی (Brettanike): نوعی "حمّاض حَسَکي" است که در رمل‌ها می‌روید و بنا به گفته ضعیفی نام آن "بستان افروز" است.  
 [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲]

زریاب	بستان افروز	<i>Amaranthus tricolor L.</i>
دیسکورید	برطانیقی	<i>Rumex brettanica L.</i>

۳۱۳ - برقا مصر<sup>۵۷</sup>:

۳۱۴ - برقوق<sup>۵۸</sup>: نام‌های دیگر آن: مغرب و اندلس: مشمش<sup>۵۹</sup> - شام: نوعی اُجاص کوچک<sup>۶۰</sup>

EN.	برقوق	<i>Prunus domestica L.</i>
-----	-------	----------------------------

۳۱۵ - بَزْکان<sup>۶۱</sup>: نوعی حمص

۳۱۶ - بَزْکسوس<sup>۶۲</sup>: نرجس الاصفَر<sup>۶۳</sup>

۳۱۷ - بَزْکک شیرازی<sup>۶۴</sup>: نام برگ گیاه است. ریشه آن عود پری<sup>۶۵</sup> و عود البندق<sup>۶۶</sup> است.

۳۱۸ - بَرْنَجاسف<sup>۶۷</sup>، بَرْنَجاسف<sup>۶۸</sup>، بَرْنَجاسف<sup>۶۹</sup>، بَرْنَجاسف<sup>۷۰</sup>، شویلا<sup>۷۱</sup>، شویلا<sup>۷۲</sup>، اُطماسیا<sup>۷۳</sup>، اطمیسا<sup>۷۴</sup>، حیق الراعی<sup>۷۵</sup>: «برنج اسف» به زبان عربی به «ارز الخلیل» تعبیر می‌شود. و به نام‌های «برنجاسب»، «قیصوم»، «قیسوم»، «جَنجات» معروف است. نام‌های دیگر آن: قیصوم<sup>۷۶</sup> - بَرْنَجاسف<sup>۷۷</sup> - یونانی: ارطیه ماسیا<sup>۷۸</sup>، ارطاماسیا<sup>۷۹</sup>، ارطاماسیا<sup>۸۰</sup> - عربی: سویلا<sup>۸۱</sup>،

شَوْبَلَاءَ - فارسی: بومادران؛ بوی ماذران<sup>۳</sup>، مروارد شیر<sup>۴</sup> - شیرازی: برتراسک<sup>۵</sup> - رومی: ارطمیسا<sup>۶</sup> - سریانی: شواصر<sup>۷</sup>، شواصر<sup>۸</sup> - شیرازی: برتراسک<sup>۹</sup> - اشبیلی<sup>۱۰</sup> می‌گوید: برخی به اشتباه آن را «افستین» می‌دانند. <sup>۱۱</sup> - «جالینوس» یونانی‌ها آن را با نام «برنجاسف» می‌شناسند.<sup>۱۲</sup>

أرطاماسیا (Artemisia): بَلَنجَاسَف - بَرَنجَاسَف، دارای انواعی است که دو نوع آن را جالینوس ذکر کرده است.

أَمْبَرَسِیَا (Ambrosia): نوعی برنجاسف

بَطْرُس<sup>(۱)</sup> (Botrus): نوعی از برنجاسف

أَبْرُوتُون (Abrotonon): نام نوع نر و ماده "قیصوم" است. و نامیدن "برنجاسف" آن اشتباه است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ -

۱۰۸ تا ۱۱۰ و ۲۵]

Artemisia vulgaris L.	برنجاسف - ارطاماسیا - قیصوم	زر. - طبای.
Artemisia vulgaris L.	ارطاماسیا - بلنجاسف - برنجاسف	دیسکورید
Artemisia vulgaris L.	شَوْبَلَاءَ - شَوْبَلَاءَ - عَیْثَرَان مَبْدُول - برنجاسف - بلنجاسف - حَبَقِ الرَّاعِی	الموسوعه
Artemisia abrotonon L.	قیصوم	دیسکورید
Ambrosia maritima L.	أَمْبَرُوسِیَا	دیسکورید
Chenopodium botrys L. Chenopodium ambrosioides L.	بَطْرُس	دیسکورید
Artemisia abrotonum L.	قیصوم	پارسا
Artemisia vulgaris L.	برنجاسف - افستین	پارسا
Achillea pubescens L.	بومادران	پارسا
Artemisia maritima L.	برنجاسف کوهی	پارسا
Artemisia sp.	برنجاسف	EN.

۳۱۹ - برنج کابلی: نام‌های دیگر آن: ابرنج<sup>۱۳</sup> - بونق<sup>۱۴</sup> - فارسی: برنگ<sup>۱۵</sup>

۳۲۰ - برنیس<sup>۱۶</sup>: نوعی بلوط<sup>۱۷</sup>

۳۲۱ - بَرَم، بَرَم:؟ نوعی درخت سنط، در بغداد

۳۲۲ - برمس<sup>۱۸</sup>:

Verbascum thapsus L.	برمس	زریاب
----------------------	------	-------

۳۲۳ - بَرَنُوف، بَرَنُوف: (گیاهی در مصر) نام‌های دیگر آن: بنا به نظر "تیمی": شابانک<sup>۱۹</sup>، شالبج<sup>۲۰</sup> - فارسی: شابانک<sup>۲۱</sup>، معرب آن: شالبانج<sup>۲۲</sup>

قُونِزَا (Konuza): نام بربری آن «تَهْلَا» و به زبان لاتینی اندلسی: «لَبَارْدَه» و «طَبَّاق» نام دارد و «شجرة البراغیث» و «بَرَنُوف» نوعی از آنست. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۱۶]

Inula conyzoides DC.	قونیزا - برنوف	دیسکورید
----------------------	----------------	----------

۱- این بیطار در کتاب جامع خود نام "شواصر" و "مسک الجن" را معادل "بطرس" ذکر کرده است.

- ۳۲۴ - بَرَوانی؛ بروانی؛ (نامی عجمی) نام‌های دیگر آن: سریانی: عربروس؛ فاشر<sup>۱</sup> - یونانی: اسقوانس<sup>۲</sup> - کرمة البضاء<sup>۳</sup>
- ۳۲۵ - بَرَهتا؛ (نامی هندی) نام دیگر آن: کتائی بزرگ<sup>۴</sup>

<i>Solanum indicum</i> L. Syn: <i>S. incanum</i> L.	هند: برهتا <i>Birhatta</i>	<i>Glo-in</i>
---	----------------------------	---------------

- ۳۲۶ - بَرِیامصری؛ (نامی مصری)
- ۳۲۷ - بَرِیاله؛ (نامی هندی)
- ۳۲۸ - بَزَرِیدی؛ نام پدر «دیس» یا «سمار» است.<sup>۵</sup>
- ۳۲۹ - بَزَرَقَطونا؛ قَطونا؛ بَزَرَقَطونا؛ بَزَرَقَطونا؛ (نامی عربی)، حشیش، برغوثی، برغوثی، بَزَرَقَطونا؛ بَزَرَقَطونا؛ اسفرزه، اسفیوش؛ نام‌های دیگر آن: بشلیون<sup>۶</sup> - برغوثی (به معنای مشابه برغوث)<sup>۷</sup> - عراق: بَزَرَقَطونا<sup>۸</sup> - فاس: الزَرَقَطونا - بحرین: حب الزرقه<sup>۹</sup> - یونانی: نسلیون<sup>۱۰</sup> یا فسلیون<sup>۱۱</sup>، بسلیون<sup>۱۲</sup> - فارسی: ورق بنگو، اسفیوس<sup>۱۳</sup>، اسفیدش<sup>۱۴</sup>، اسفیوش<sup>۱۵</sup>، اسفیون الشوده، اسپغول<sup>۱۶</sup>، خرغول<sup>۱۷</sup>، اسپغل - در هند نیز به این نام مشهور است.<sup>۱۸</sup> - اصفهان: اسپرزه<sup>۱۹</sup> - شیراز: بنگو<sup>۲۰</sup>، شکم دریده<sup>۲۱</sup> - ترکی: قارنی باروق<sup>۲۲</sup> - شبطه و قروین<sup>۲۳</sup> فُسلِیون (*Psullion*): برگردان عربی آن «بَرغوثی» و نام‌های دیگر آن «بَزَرَقَطونا» و «اَسفیوس» است. [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۴]

<i>Plantago psyllium</i> L.	فسلیون - بَزَرَقَطونا - اسفیوس	دیسکورید
<i>Plantago psyllium</i> L.	قَطونا - بَزَرَقَطونا	ز. ط. - خ.
<i>Plantago psyllium</i> L.	بَزَرَقَطونا - عشبة البراغیث - حشیشه البراغیث	الموسوعة
<i>Plantago psyllium</i> L.	اسفرزه - بَزَرَقَطونا	پارسا

- ۳۳۰ - بَزَر الکرفس البستانی؛ بَزَر کرفس بستانی<sup>۲۴</sup>
- ۳۳۱ - بَزَر الکرفس الجبلی؛ نام دیگر آن: فطراسالیون<sup>۲۵</sup>
- ۳۳۲ - بَسباس<sup>۲۶</sup>، بَسباس<sup>۲۷</sup>، بَسباس<sup>۲۸</sup>؛ نوعی از احرار البقول و از جنس هدبات - نام‌های دیگر آن: بَسباسة<sup>۲۹</sup> - در مغرب و اندلس: رازیانج<sup>۳۰</sup> «غسانی» می‌گوید: دارای دو نوع بری و بستانی است، نوع بستانی به «رازیانج» و نوع بری به «بَسباس» معروف است.<sup>۳۱</sup> «اشبیلی» می‌گوید: دارای پنج نوع است: نوع بستانی آن «رازیانج» با نام‌های مارئون - فلیه - نافع - شمار - شومر - رازیانق است. نوع دیگر آن «بَسباس رومی» یا «انیسون» است. نوع دیگر «بَسباس نبطی» با نام «کحلوان» است که اکثر گیاهشناسان از آن اظهار بی اطلاعی می‌کنند. نوع آخر «بَسباس حبشی» با نام «انجیله» که خود نوعی از «انیسون بری» است.<sup>۳۲</sup>

<i>Foenivulum vulgare</i>	بَسباس	خطابی
---------------------------	--------	-------

- ۳۳۳ - بَسباسة<sup>۳۳</sup>، بَسباسة<sup>۳۴</sup>؛ نام پوست میوه خوشبونی است.<sup>۳۵</sup> نام‌های دیگر آن: فاس: بَسباسة - شیرازی: بَزبار<sup>۳۶</sup>

<i>Myristica fragrans</i> Houff.	بَسباسة	خطابی
----------------------------------	---------	-------

- ۳۳۴ - بستان الجواری؛ بواب الحاجب<sup>۳۷</sup>
- ۳۳۵ - بُستان افروز؛ بستان افروز<sup>(۱)</sup>، بستان ابروز، بستان افروز<sup>(۲)</sup> (نامی فارسی)، حور اسفیدان؛ نام‌های دیگر آن:

۱- به واژه «برطانیقی» یا «حماض» و «بادروج» رجوع شود.

بستان ابروز<sup>۳۳۶</sup> - عربی: حبق بستانی؛ زینة الراحین<sup>۳۳۷</sup>، راح (به معنای خوش منظر)<sup>۳۳۸</sup>، مَضیء البساتین<sup>۳۳۹</sup> - فارسی: تاج خروس<sup>۳۴۰</sup>؛ گل حلوا<sup>۳۴۱</sup>؛ گل یوسف<sup>۳۴۲</sup> - نام نوع کوچک به هندی: کوکنی، نام نوع بزرگ به هندی: جَبّار هاری<sup>۳۴۳</sup>

<i>Amaranthus tricolor L.</i>	بستان افروز	زریاب
<i>Amaranthus cruentus L.</i>	گل حلوا - گل تاج خروس	پارسا
<i>Celosia argentea L.</i>	گل حلوا - گل تاج خروس	پارسا

۳۳۶ - بستیناج<sup>۳۳۶</sup>: دارای انواع فراوان است. نام های دیگر آن: مصر: حَسَكَة<sup>۳۳۷</sup> - أَخِلَّة<sup>۳۳۸</sup>

۳۳۷ - بُسْد<sup>۳۳۷</sup>، بَسْد<sup>۳۳۸</sup>، بُسْدُ<sup>۳۳۹</sup>: نام های دیگر آن: رومی: قوالن<sup>۳۴۰</sup>، قولوریون<sup>۳۴۱</sup> - به نوعی از آن خرو هک گفته می شود.<sup>۳۴۲</sup> - مرجان مروارید خرد<sup>۳۴۳</sup> درختی است که در آب دریا رسته شود و چون غواصان آن را برکشند و هوا او را در یابد جرم او صلب شود و محکم گردد. - نام «عزول»<sup>۳۴۴</sup> و «مرجان»<sup>۳۴۵</sup> است. نام گیاه در کتاب دیسکورید «فراولیون»<sup>۳۴۶</sup> و «بَسْد»<sup>۳۴۷</sup> است که بعنوان گیاهی دریائی معرفی شده است.<sup>۳۴۸</sup>

<i>Corallium rubraum L.</i> <i>Isis nobilis Pall.</i>	بسد	زریاب
<i>E: Coral</i>	بسد - مرجان - نوعی جانور دریائی	خطابی

بسد دیگر: گل خیری الاحمر

<i>Matthiola incana</i>	بسد - گل خیری الاحمر	زریاب
-------------------------	----------------------	-------

۳۳۹ - بَسْفَایج<sup>۳۳۹</sup>، بَسَایج<sup>۳۴۰</sup>، بَسْفَایج<sup>۳۴۱</sup>، بَسْفَایج<sup>۳۴۲</sup>، بَسْفَایج<sup>۳۴۳</sup>، بَسَایج<sup>۳۴۴</sup>، بَسَایج<sup>۳۴۵</sup>، بولوبودیون<sup>۳۴۶</sup>، ثاقب الحجر<sup>۳۴۷</sup>، کثیر الأرجل<sup>۳۴۸</sup>، بولوبودیون<sup>۳۴۹</sup>، سکی رَغْلًا<sup>۳۵۰</sup>، سکی رَغْلًا<sup>۳۵۱</sup> (نام سریانی به معنای کثیر الأرجل): نام ریشه است. «بولوبودیون» به معنای دارای پای زیاد نام «بَسْفَایج» است.<sup>۳۵۲</sup> - نام های دیگر آن: عربی: اضراس الکلب<sup>۳۵۳</sup>، ثاقب الحجر<sup>۳۵۴</sup>، تَشْمِیز<sup>۳۵۵</sup>، تَشْمِیر<sup>۳۵۶</sup>، کثیر الأرجل<sup>۳۵۷</sup>، دود الصخر<sup>۳۵۸</sup>، جناح الزرزور<sup>۳۵۹</sup>، خسران<sup>۳۶۰</sup> - یونانی: بولوزیون<sup>۳۶۱</sup>، بولوبودیون<sup>۳۶۲</sup> (به معنای دارای پای زیاد یا کثیر الأرجل) - مصر: اشتوان<sup>۳۶۳</sup> - هندی: کهنکالی<sup>۳۶۴</sup>، فولوفدین<sup>۳۶۵</sup> - سریانی: سکی رَغْلًا<sup>۳۶۶</sup>، به معنای کثیر الأرجل<sup>۳۶۷</sup> اشبیلی می گوید: بَسَایج دارای انواعی است نام نوعی از آن «قلال» یا «بطارس» است و نوع دیگر آن معروف به «سیسون» است.<sup>۳۶۸</sup>

بولوبودیون: به معنای کثیر الأرجل - سریانی: سَقی رَغْلًا<sup>۳۶۹</sup>، سَخی رَغْلًا<sup>۳۷۰</sup> به معنای کثیر الأرجل (دارای پای فراوان) زیرا شبیه به "ا" اربعة و اربعین (هزار پا) است. - لاتینی: بُرْبُودُیَه<sup>۳۷۱</sup> - بربری: اَشْتِیوان<sup>(۱)</sup> (این بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۹)

<i>Polypodium vulgare L.</i>	<i>India: Basfaij</i>	<i>GLO.IN.</i>
<i>Polypodium vulgare L.</i>	بَسَایج - اضراس الکلب - قشتیوان	ال، ز، پ، د.

۳۴۰ - بَسِیْلَة<sup>۳۴۰</sup>: نوعی «جلبان» بزرگ دانه است.<sup>۳۴۱</sup>

<i>Pisum sativum L.</i>	بسیله - عثر - بسیله	EN.
-------------------------	---------------------	-----



۳۴۱- بَشَامْ، بَشَامْ: (نامی عربی)

۳۴۲- بَشَنَه:.

۳۴۳- بَشْنِین، بَشْنِین، بِرور، جُلجلان مصری: نام‌های دیگر آن: مصر: عرایس النیل، زیرا هنگام برگشتن آب نیل (پس روی) و ماندن آن ناگهان می‌روید. - "دیسکورید" می‌گوید: نام «لوطوس» موجود در مصر است و در هنگام برگشت آب نیل در مصر در آب می‌روید. نام «نیلوفر» است و دارای دو نوع است، نوعی به نام «جزیری» و نوع دیگر به نام «أعرابی» است. - «بِرور» در مصر نام ریشه «بَشْنِین» است.

الموسوعة	نیلوفرابیض - بَشْنِین ابيض - عرایس النیل - حشيشة السمک	<i>Nymphaea alba L.</i>
الموسوعة	بَشْنِین عربی - نیلوفر العروس - لوطس	<i>Nymphaea lotus L.</i>

۳۴۴- بَشوش: نام خُرمل یا حرف السطوح است.

۳۴۵- بصل، بصل، بصل، بصل، بصل، دوقص، بزر البصل: نام‌های دیگر آن: رومی: قرومیدیا، قاراماون، - سریانی: بصل، - سندی: بصل، - نام بذر آن: تخم پیاز - "رازی" گوید تلخ پیاز تیزتر است و پیاز آن را "شلار" خوانند و حدت او کم است. و ابوریحان گوید در بلاد ما آنچه ازو تیزتر باشد آن را "زُرَنک" گویند. نوعی از انواع آن "بصل الزیز" با نام‌های "قنعب" و "قُفُور" است. - بصل پنج نوع است: شامی و نبطی و زیزی و فار و بلبوس - "آشبیلی" می‌گوید: بصل دارای سه جنس بستانی، بری و احمر است. نوع بستانی دارای انواع فراوانی با نام‌های ۱- بصل الأکل ۲- بصل الأبیض یا بیضی ۳- بصل الزیدی، بصل المجوسی، بصل الخراسانی، بصل الفارسی است. نام‌های دیگر آن عبارتست از: یونانی: قرومیدیا - عجمی: جَبَلَه، بربری: تاصلیمت، ازالیم - نوع بستانی دارای سه صنف دیگر است: ۱- براسن ۲- کُرَاث الشامی، کُرَاث ملوکی، کُرَاث اندلسی، قلفوط ۳- کُرَاث الریفی و کُرَاث الجلیقی - نوع بری همان نوع شامی یا کُرَاث الروم و کُرَاث الجبلی است که به یونانی دراقنوسقردیون نامیده می‌شود و نوع دیگری از آن کُرَاث الثومی با نام یونانی سقردوناس است. نام‌های نوع دیگر آن عبارتست از: بریه اواناله یعنی عشبة الخروف - یونانی: براسن و قافالوطن - سریانی: قلفوط، علفوط - عربی: کاؤل - بربری: تراست - و نام‌های دیگر آن: قطلونیه - بوژه - بُلْبُس طویل (۱) - بلاس - کُرَاث الروم - الراسن است.

نام‌های نوع احمر - قرمز - عبارتست از: ۱- شوطی (نوع کوچک آن) معروف به مقشلان ۲- شرغلی (نوع بزرگ آن) معروف به شلوبینی، بصل الرومی - نام نوع دیگر بصل جبلین به معنای بصل الصغیر است و نوع دیگر بصل، کُرَاث با شش نوع مختلف است.

بلبوس نیز از انواع بصل است که در ماهیت آن اختلاف است نام یونانی یا رومی آن بُلْبَس و نام‌های دیگر آن عبارتست از: ماغره - البطن - فضل الجواری - نوع دیگر بصل که خوردن آن موجب قی می‌شود بصل القیء یا بصل الزیز است.

گروه‌های دیگر بصل عبارتند از: ۱- بصل الهمام با نام‌های: یونانی: ارنیوس - عربی: ذَکَر الهَر - قشطنیولا یعنی قِشْطَلَة صغیره

۲- بصل النرجس: دارای پنج گروه اصغر، ابیض، مجزَع، بَوَاقی، مَقْوَدَس است. نام‌های دیگر آن عبارتست از: به یونانی: نرکسوس، نرسیس - رومی: ونیریون - به سریانی: مرث - به عربی: نرجس - به لاتینی: نرجسینوس - به عجمی: نبقرس، قَلُور اورو گاهی به نرجس ابیض بهار نیز گفته می‌شود نام یونانی آن نرکسوس است. و نام یونانی نرجس مَقْوَدَس، ایمارو قالاس است. ۳- بصل الزعفران ۴- بصل الفار با نام‌های: بصل البر، بصل الخنزیر، عنصل، اشقیل ۵- ثوم: دارای چهار نوع بستانی با نام‌های قشطنیونی، عَقابی، سنانی، صقلی و دو نوع بری با نام اسقوزدیون یا حشيشة الثومیه یا ثوم الجبلی و سقردیون براسن است. ۶- بصل نسرين المروج: دارای گل‌های واژگون است و دو نوع زرد و سفید دارد. ۷- بصل الخصى: انواع آن فراوان است نوعی خصى الکلب یا هشت صنف نحلی با گل سیاه، نحلی با گل بنفش، دیک، دبیرانی، ثومی، فرفیری، کرائی است. و نوع دیگر آن خصى الثعلب با گل سفید است و همچنین ختنی نیز از این گروه می‌باشد. ۸- بصل اللوف ۹- بصل السنجار ۱۰- بصل السوسن: دارای انواع فراوان پیازی و غیر پیازی است، از انواع پیازی آن سوسن بستانی، سوسن بحری، سوسن رملی، بصل الخَزَم است. ۱۱- سورنجان: دارای دو نوع سیاه و سفید است. ۱۲- بصل النیلوفر: دارای انواع بسیاری است برخی دارای ریشه پیازی و گروهی فاقد آن هستند از گروه اول می‌توان به نیلوفر مجوسی یا نیلوفر فارسی یا نیلوفر ترکی با نام فارسی سفتا اشاره کرد و از انواع دیگر آن نیلوفر ابیض المائی و نیلوفر ابیض البری است.

قَرومیان (*Kromuon*): بَصَل این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۳۵

<i>Allium cepa</i> L.	بصل	ال.خ.ز.
<i>Allium cepa</i> L.	قرومیان - بصل	دیسکورید
<i>Allium cepa</i> L.	پیاز	پارسا

۳۴۶ - بصل الذئب<sup>ع</sup>: به پیاز «بلبوس» خوراکی گفته اند.<sup>ع</sup>۳۴۷ - بصل القی<sup>ع</sup>:۳۴۸ - بطره<sup>ع</sup>، بَطْرَه<sup>ش</sup>: گویند «بطره» همان «بستانج» است.<sup>ش</sup>۳۴۹ - بطریون<sup>ش</sup>: گویند «شجرة الفرس» یا «شجرة الخولان» و یا «شوكة العصبية» است.<sup>ش</sup>

۳۵۰ - بَطْمٌ، بَطْمٌ، بَطْمٌ، بَطْمٌ، بَطْمٌ، حب الخضراء، ابرقان<sup>ش</sup>: از انواع «ضرو» است<sup>ش</sup> و «ضرو بستانی» است.<sup>ع</sup> نام های دیگر آن: درخت حبة الخضراء<sup>ع</sup>، حبة الخضراء فارسی و ترکی: سقز<sup>ع</sup> - رومی: اقططرمتوس<sup>ع</sup>، طرابثیوس<sup>ع</sup>، طرامینوس<sup>ع</sup>، اقطاااقیس<sup>ع</sup>، اقوقوس<sup>ع</sup>، طراسانوس<sup>ع</sup> (طرابینوس) - سریانی: بَطْمَتَا<sup>ع</sup> - فارسی: کَبْنَهَن<sup>ع</sup>، اونیره<sup>ع</sup> (ونیره)، اسفردانه<sup>ع</sup>، وَتُوشک<sup>ع</sup> (ون نام درخت و وشک نام دانه)، بن<sup>ع</sup> - هندی: خروک<sup>ع</sup> - نیشابور: بانقش<sup>ع</sup>، نانکش<sup>ع</sup> - خراسان: خنجک<sup>ع</sup> - سجز: کنبشک<sup>ع</sup> - مکران و قزدار: کل انگور<sup>ع</sup> دو نوع است یک نوع را «شاه بن» گویند و یک نوع «بن شاه» - نام صمغ آن: عِلْک البطم<sup>ع</sup> - فارسی: سقز، وَتَزْد، خَسک<sup>ع</sup> - اصفهانی: قندرون<sup>ع</sup> - سریانی: دُعْتَا<sup>ع</sup>، بَطْمَا<sup>ع</sup>، دعتادشغاری<sup>ع</sup> (سفاری) - نام صمغ خشک: قلفون<sup>ع</sup>

طَرْمَتْس<sup>ع</sup> (۱) (*Terminthos*): شجرة البَطْم - صمغ: عِلْک الأنباط [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۶۷]

<i>Pistacia terebinthus</i> L.	طرمتس - شجرة البطم	دیسکورید
<i>Pistacia terebinthus</i> L.	بطم	ز.خ.ط.
<i>Pistacia terebinthus</i> L.	سقز سفید	پارسا
<i>Pistacia khinjuk</i> Stoc.	حب الغار (اصفهان) - حب الخضرا (تهران) - حب البنه (عرب) - سبز قلنج (تهران) - بزقنز (همدان، اصفهان) - گل پسته (بمبئی)	پارسا

۳۵۱ - بَطِيخٌ، بَطِيخٌ، بَطِيخٌ، بَطِيخٌ، بَطِيخٌ (نامی رومی)، بزر البطیخ<sup>ع</sup>، حب البطیخ<sup>ع</sup>، خربزه<sup>ع</sup>، عملج<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: خربزه<sup>ع</sup> - یونانی: فافس<sup>ع</sup> - ملفون<sup>ع</sup> معرب ملیونا - «دلاع» از انواع آن است.<sup>ع</sup> - عملج: نوعی از خربزه است که گوشت آن سرخ و سبز است و با تخم خورده می شود و آن را «خربزه زمستان» هم گویند.<sup>ع</sup> اشبیلی<sup>ع</sup> می گوید: بطیخ دارای پنج نوع است: ۱ - نوع ریفی یا بطیخ حقیقی با نام های: سملایا، ملونیا ۲ - نوع فلسطینی یا بطیخ هندی و سندی و شامی و شتوی با نام های: دَلّاع، افلسطین ۳ - حنظل ۴ - نوع شیرین به اندازه حنظل از صحرای مرابطین ۵ - بطیخ سگری و بطیخ عقابی با نام های: مَلُون - هُوزَنی<sup>ش</sup>

<i>Cucumis melo</i> L.	بطیخ	زر. خط.
<i>Cucumis melo</i> L.	خربوزه	پارسا
<i>Cucumis melo</i> L.	<i>Sanskrit &amp; Hendia: Kharbuja - Bengal: Kharmuj - Telugu: Kharbuja</i>	GLO.IN.
<i>Cucumis vulgaris</i>	دلاع	خطابی

۳۵۲- بطیخ هندی؛ بطیخ الهندی؛ بطیخ هندی؛ بطیخ رقی؛ نام‌های دیگر آن: بطیخ سندی<sup>۱۰</sup> - بطیخ رقی<sup>۱۱</sup> - بطیخ اخضر<sup>۱۲</sup> - عربی: دلاع<sup>۱۳</sup>، رابوقه<sup>۱۴</sup> - فارسی: خریزه هندی<sup>۱۵</sup>، هندوانه<sup>۱۶</sup> - شیرازی: خیار کدو<sup>۱۷</sup> - تبریزی: هندوانه<sup>۱۸</sup> - هندی: تربوز<sup>۱۹</sup> - بغداد: رقی<sup>۲۰</sup>

الموسوعه	بطیخ احمر - بطیخ هندی - جیس - رقی - دلاع - خربز	<i>Cucumis vulgaris</i>
پارسا	هندوانه	<i>Cucurbita citrullus</i> = <i>Citrullus vulgaris</i>
زریاب	بطیخ هندی	<i>Cucumis vulgaris</i>

۳۵۳- بَقْشُفَرْتُنْ؛ (نامی یونانی)  
۳۵۴- بَقْسْ، بَقْسْ، بَقْسْ، بَقْسْ، شمشاد<sup>۱</sup>، شمسار<sup>۲</sup>: معرب نام یونانی بَقْسین و یا بَقْسِیون یونانی<sup>۳</sup> - نام‌های دیگر آن: یونانی: بَقْسِیس<sup>۴</sup>، باکسیان<sup>۵</sup> - اهل شام: شمشاد<sup>۶</sup>، شمشاد<sup>۷</sup>، سمسار<sup>۸</sup> - فارسی: شمشاد<sup>۹</sup> - صحرائشینان: صفیرا یعنی بَقْس البلدی<sup>۱۰</sup> - بَقْسْ ش - بَقْسِیس<sup>۱۱</sup>

پارسا	قسم شمشاد - گوشوارک (شیرگاه) - سیاتوسکا	<i>Evonymus europaeus L.</i> <i>Evonymus verrucosa L.</i> <i>Evonymus velutina L.</i> <i>Evonymus latifolia L.</i>
الموسوعه	بَقْس - شمشاد	<i>Buxus spp.</i>
EN.	بَقْس - شمشاد	<i>Buxus sp.</i> <i>Buxus sempervirens L.</i>

۳۵۵- بقلة الأترجة<sup>۱</sup>: به گیاهی با نام فارسی «کروان» و هم به گیاه «بادرنجبویه» می‌گویند.<sup>۲</sup>  
۳۵۶- بقلة الانتصار: گویند نام «سلق» است و درست‌تر آنست که نام دیگر «کرنب الدوری» باشد.<sup>۳</sup>  
۳۵۷- بقلة الاوجاع؛ افاقیا<sup>۴</sup>، بقلة الأوجاع<sup>۵</sup>: نام‌های دیگر آن: یونانی: افاقیا<sup>۶</sup> (نام رومی است) - مغرب: توجردره<sup>۷</sup>، توجدة<sup>۸</sup> - سریانی: دعنادقرطی<sup>۹</sup> - عربی: قفل<sup>۱۰</sup> (قفل) - فارسی: ملبند شدردک<sup>۱۱</sup> - سندی: سلفارها<sup>۱۲</sup> - اندلس: اذن البجدی<sup>۱۳</sup> - دیسکورید: قاقالیه<sup>۱۴</sup>

زریاب	افاقیا - قفل - ملبند شدردک	<i>Acacia arabica Willd. (Succus Acacia)</i>
الموسوعه	بقلة الاوجاع	<i>Collinsonia canadensis L.</i>

۳۵۸- بقلة البراری؛ نام دیگر آن: بقلة الرمل<sup>۱</sup>  
۳۵۹- بَقْلَةُ الْحَمَاءِ؛ بقلة الحمقاء<sup>۲</sup>، بقل الحمقاء<sup>۳</sup>، بقل الحمقاء<sup>۴</sup>، بقل الحمقاء<sup>۵</sup>، بقل الحمقاء<sup>۶</sup>، بقل الحمقاء<sup>۷</sup> (فرغ البری)، بقلة لیته<sup>۸</sup> (نامی عربی)، کف<sup>۹</sup>، بزر الخرقه<sup>۱۰</sup>، خرقه<sup>۱۱</sup>، زریرا<sup>۱۲</sup> (نام سریانی)، فرقین<sup>۱۳</sup>، فرغ<sup>۱۴</sup>، رجله<sup>۱۵</sup>: نام‌های دیگر آن: رومی: اندرخانا<sup>۱۶</sup>، اندرخنا<sup>۱۷</sup> - سریانی: بَرِیخینا<sup>۱۸</sup> - عربی: فرغ<sup>۱۹</sup>، فرغین<sup>۲۰</sup>، رجله<sup>۲۱</sup>، حبیب<sup>۲۲</sup>، بقلة اللینه<sup>۲۳</sup>، بقلة

۱- وجه تسمیه آن به بقلة الحمقاء (گیاه خوراکی نادان) بخاطر اینست که بدون بذر - خودرو و بدون کشت - در مسیر و راه مردم قرار می‌گیرد. (به نقل از غسانی)  
۱۱- وجه تسمیه آن به رجله به معنای پاهای خطرناک است که از رسول خدا صلوات الله علیه و اله حکایت شده و آن واقعه عبارتست از اینکه روزی در یکی از غزوات سربازان پیامبر (ص) از شدت گرما و سوزش پاهایشان به حضرت (ص) شکایت کردند حضرت (ص) برای آنان دعا فرمود پس از آن این گیاه رویش یافت - این گیاه بر سر راه آنان قرار گرفت - و موجب تسکین سوزش پاهایشان شد. (به نقل از غسانی)

مبارکه<sup>۳۳</sup>، بقله فاطمه (سلام الله علیها)، بقله الزهرا (سلام الله علیها)<sup>۳۴</sup> - فارسی: خرفه، تورک<sup>۳۵</sup>، بفرخ<sup>۳۶</sup>، فرپهن<sup>۳۷</sup>، فرینه<sup>۳۸</sup> - عبرانی: ارغلم<sup>۳۹</sup> - فرنگی: برغال سالی<sup>۴۰</sup> - هندی: رجه<sup>۴۱</sup>، لونه<sup>۴۲</sup>، لونک<sup>۴۳</sup> - نیشابور: بوخل<sup>۴۴</sup> - سجزی: وشفنگ<sup>۴۵</sup> - بستی: کلنکک<sup>۴۶</sup> - هری: سنجاب<sup>۴۷</sup> - بلغ و زابلستان: خفرج<sup>۴۸</sup> - لاتینی: برقفلی<sup>۴۹</sup> - فره<sup>۵۰</sup>، پرپهن<sup>۵۱</sup> - اصفهانی: برپهن<sup>۵۲</sup> - کرمانی: تخم بلوک<sup>۵۳</sup> - تبریزی: تخمکان<sup>۵۴</sup> - شیرازی: تورکی<sup>۵۵</sup> - دندان ساوکف<sup>۵۶</sup> - قزقحیر<sup>۵۷</sup> - فرقین<sup>۵۸</sup> - حقوق<sup>۵۹</sup> - نام قسم کوچک به هندی: لونیا<sup>۶۰</sup>

اُویبذجی (Andrakhne): در بعضی از نسخه ها: آندرَخنی به معنای یک پا و نام های دیگر مانند رَجَلَه، بَقْلَه الحَمَاء، بَقْلَه المبارکَه، فُزفیر آمده است. [ابن بطار (در ترجمه دیکورید) ۲ - ۱۰۸]

Portulaca oleracea L.	بقله الزهراء	زریاب
Portulaca oleracea L.	اویبذجی - آندرَخنی - رجه	دیسکورید
Portulaca oleracea L. Portulaca sativa Ha.	Bombay: Khurfah	GLO.IN.
Portulaca oleracea L.	بقله الحماء	خطابی

۳۶۰ - بقله حمقاء بریه<sup>۶۱</sup>: نام گیاه علفی نام یونانی آن «فابلص» است و نیز نام نوعی از بتوعات (گیاهان شیرابه دار) است.<sup>۶۲</sup>  
۳۶۱ - بقله حامضه<sup>۶۳</sup>، بقله حامضه<sup>۶۴</sup>، بقله خراسانی<sup>۶۵</sup>، بقله خراسانی<sup>۶۶</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: تره خراسانی<sup>۶۷</sup>، ساق ترشک<sup>۶۸</sup>

Oxalis acetosella L.	حماض العید - بقله حامضه - اقلیس صغیر	الموسوعه
Oxalis acetosella L.	ترشک - حماض	پارسا

۳۶۲ - بقله خراسانیه: «اشبیلی» می گوید: نام های دیگر آن «حماض»، «وغد» و «رغل» است. و گروهی معتقدند نام «ترنجان» غیر معطر است و گروهی آن را از «فوذنجات» می دانند و درست آنست که نام مشترکی برای «ترنجان» و «حماض» است.<sup>۶۹</sup>

۳۶۳ - بقله دشتی<sup>۷۰</sup>: گیاهان علفی دشتی یا گیاهان صحرایی یا بقول بری چون «شاهترج»، «طرخون»، «یعضید»، «تفاف» است در عین حال این نام بطور اختصاصی به گیاه «تفاف» اطلاق می شود. برخی این نام را به «بقل ریشی» و «بقل دمشقی» تصحیح کرده اند.<sup>۷۱</sup>

۳۶۴ - بقله الرُمَاهُ، بقله الرَمَاهُ<sup>۷۲</sup>: شریف می گوید: عرب به آن بقله البراری گویند.<sup>۷۳</sup>  
۳۶۵ - بقله الحسینیه<sup>۷۴</sup>:

۳۶۶ - بقله الضَّبُّ، بقله الضَّبُّ<sup>۷۵</sup>: گویند نام «ریحان بری» است.<sup>۷۶</sup> - نام «بادرنیویه بری» است.<sup>۷۷</sup>

۳۶۷ - بقله العروس<sup>۷۸</sup>: نام دیگر آن: عروشیه<sup>۷۹</sup> - جنجقش (یعنی لطیف و شیرین)<sup>۸۰</sup> - القسینی<sup>۸۱</sup> - میوش اوطاش<sup>۸۲</sup>

۳۶۸ - بقله العدس<sup>۸۳</sup>، بقله العدس<sup>۸۴</sup>: نام دیگر آن: فودنج البری<sup>۸۵</sup>

Mentha pulegium L.	بقله العدس - فودنج بری	زریاب
--------------------	------------------------	-------

۳۶۹ - بقله الفارسیه<sup>۸۶</sup>: نام های دیگر آن: تره داهان<sup>۸۷</sup>، تره گربه<sup>۸۸</sup> - عربی: بقله السنانیر<sup>۸۹</sup> زیرا گربه از بوی آن به ولع افتاده و آن را می خورد و در زیر سایه یا روی آن می خوابد. در نسخه فارسی نام این گیاه معادل پلنگ مشک یا فلنجمشک

۱- (وهمی منسوبه الی فاطمه ابنه رسول الله (صلی الله علیه واله) و کانت تحبها و نکثر من اکلها فسمها بنو امیه بذلك و جعلوا بدل الزهراء (س) الحماء (این گیاه منسوب به حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیهاست که بسیار از آن تناول می فرمود و آن را دوست داشت و بنی امیه لعنهم الله بجای آن به این گیاه «بقله الحماء» گفتند. (صدیقه)

آمده است.

پارسا	پلنگ مشک (مازندران) - علف ماست (شمیران)	<i>Dracocephalum kotschy Boiss.</i>
-------	---	-------------------------------------

۳۷۰ - بقله المباركة: گویند نام «هندباء» است و همچنین گفته شده نام «رجله» است که این نظر صحیح‌تر است.<sup>۴</sup>

۳۷۱ - بقله یمانیه، بقله یمانیه<sup>۵</sup>، بقله الیمانیه<sup>۶</sup>، بقله یمانیه<sup>۷</sup>، بقله یمانیه<sup>۸</sup>، بقله یمانیه<sup>۹</sup>، جربوز<sup>۱۰</sup>، صدح<sup>۱۱</sup>، قُسطانیقی<sup>۱۲</sup> (اهالی سواد): از انواع «قطف» است. نام‌های دیگر آن: فاس: یربوز<sup>۱۳</sup> - بقله عربیه<sup>۱۴</sup>، بقله مائیه<sup>۱۵</sup>، یربوز<sup>۱۶</sup>، جربوز<sup>۱۷</sup> - اندلس: بلیطس<sup>۱۸</sup> - فارسی: سفید مرز<sup>۱۹</sup> - اهل بلخ: منج<sup>۲۰</sup>، اهل بخارا و جرجان: بورمنی<sup>۲۱</sup> - سندی: فانتھاری<sup>۲۲</sup> - هندی: چونلانی<sup>۲۳</sup>، چاولانی<sup>۲۴</sup> - سندی: فانتھاری<sup>۲۵</sup> - جالینوس: بلطاون<sup>۲۶</sup> - جرجان: بورمندی<sup>۲۷</sup> یا بورمنی<sup>۲۸</sup> - بلخیان: مخنخ<sup>۲۹</sup> - بخارا: دخنخ<sup>۳۰</sup> - آشبیلی<sup>۳۱</sup> می‌گوید: یربوز دارای پنج نوع است ۱ - نوع بستانی که همان نوع معروف است ۲ - نوع احمر ۳ - بادروج ۴ - نوع بری با نام لسان الطیر ۵ - نوع غیر افراشته با نام‌های: یربوز - قُزحی - بلیطش - بلیطن - جرموز - بشطانیقا - اهالی شام: یمور - اهالی حجاز: بقله یمانیه - زرنبودی - ربودی - صدح - کسج<sup>۳۲</sup>

بلیطی (Bliton): نام‌های دیگر آن عبارتست از: بقله الیمانیه - اهالی مغرب: یربوز<sup>(۱)</sup> - اهالی شام: جربوز - اهالی سواد: کسج، صدح، قُسطانیقی [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۶]

Albersia blitum Kunth. Chenopodium capitatum L. Amaranthos blitum L.	بقله یمانیه - بلطاون	زریاب
Blitum virgatum L.	بقله یمانیه	خطابی
Amaranthus blitum L. Syn: A. graecizas L. Var. Sylvestris (Vil.) Asch.	بلیطی - بقله یمانیه - یربوز - جربوز - کسج - قُسطانیقی	دیسکورید
Amaranthus blitum L.	بقله یمانیه	EN.

۳۷۲ - بقله اليهودیه<sup>(۲)</sup>، بقله اليهودیه<sup>۳</sup>، بقله یهودیه<sup>۴</sup>، بقله یهودیه<sup>۵</sup>: نام‌های دیگر آن: ملوخیا<sup>۶</sup> - اخراطن<sup>۷</sup> - اخروطن<sup>۸</sup> - ابروخیون<sup>۹</sup> - سریانی: شنادییا<sup>۱۰</sup>، به معنای اسنان الذئب یا دندان گرگ. - به گیاه «تفاف» که نوعی «هندباء بری» است و این نام برای «قرصنه» درست‌تر است.<sup>۱۱</sup>

Sonchus oleraceus L. Sonchus ciliatus L.	تفاف معروف - بقله یهودیه - شبریک	الموسوعه
Sonchus oleraceus L.	صنخیس - تفاف - هرقلوس - خس الحمار	دیسکورید
Eryngium creticum L. Eryngium campestre L. Malva rotundifolia Diss.	بقله یهودیه - اسنان الذئب	زریاب
Hibiscus esculentus L.	بقله یهودیه	خطابی

۳۷۳ - بقم<sup>۱</sup>، بقم<sup>۲</sup>، بقم<sup>۳</sup>، بقم<sup>۴</sup>، بقم<sup>۵</sup>، بقم<sup>۶</sup>، بقم<sup>۷</sup>: داربرنیا<sup>۸</sup>: معرب بقم یعنی «درخت برنیکان» است. نام‌های دیگر آن: فارسی: داربرنیا<sup>۹</sup> - خوارزم: بنحک<sup>۱۰</sup> - قنار<sup>۱۱</sup> - اقراص الملك<sup>۱۲</sup> آشبیلی<sup>۱۳</sup> می‌گوید: بقم دارای سه نوع است: ۱ - اقراص الملك ۲ - شجر العناب ۳ - نوعی از جناء الاحمر و گویند ضرو نوع چهارم بقم است. برخی نام صمغ آن را «شیان القاطر» می‌دانند.

زریاب	بقم - برنیکان - داربرنیا	<i>Caesalpinia sappan L.</i>
-------	--------------------------	------------------------------

۳۷۴ - بقنوقوم<sup>ع</sup>:۳۷۵ - بگا، بگا<sup>ع</sup>:

۳۷۶ - بگچی، (بابچی): (نامی هندی)

۳۷۷ - بگن، (یابگم): (نامی هندی)

۳۷۸ - بگمون، (نامی فارسی)، عرفج: (عربی) عرفج

زریاب	عرفج	<i>Astragalus gummifera Lab.</i>
الموسوعه	عرفج	<i>Cotoneaster spp.</i>

۳۷۹ - بگهرینده: (نام هندی)

۳۸۰ - بِل، قنآ البری الهندی:

زریاب	بِل - قنآ البری الهندی	کاشته شده در بلوچستان. <i>Aegle marmelos Corr.</i>
-------	------------------------	--

۳۸۱ - بِل، بِل: نام دیگر آن بنا به نظر رازی نزد خواننده «قنا هندی» است.<sup>ع</sup> «اشبیلی» می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف استبرخی شل و بِل را «شبوق» و «یدقه» می دانند که درست تر از بقیه نظر هاست و «بل» همان «اقلی» یا «شبوق» است.<sup>ش</sup>۳۸۲ - بلاذر، (یابلاذر، بلاذر، بلاذر، بلاذر، بلاذر): نام فارسی برگرفته از نام بهلاوه هندی به معنای مشابه قلب<sup>ع</sup>است. - نام های دیگر آن: عربی: حب الفهم، حب القلب (به خاطر شباهت آن به قلب حیوان) - رومی: انقردیا<sup>ص</sup>

زر - پار.	بلاذر	<i>Semecarpus anacardium L.</i>
-----------	-------	---------------------------------

۳۸۳ - بلاس: (نامی هندی) نام های دیگر آن: دهاک، تیسو

۳۸۴ - بلاس بایره: (نامی هندی)

۳۸۵ - بلاسنطور: نامی فرنگی به معنای شجرة النبی (صلوات الله علیه و اله) نام های دیگر آن:

دسنطو، لینوسنطو نام اول شجرة النبی و نام دوم یعنی شجرة مبارکه)

۳۸۶ - بلان: نام دیگر آن نزد اعراب «شیرق» است.<sup>ع</sup>۳۸۷ - بلبوس، بلبوس، بلبوس<sup>ع</sup> (نامی یونانی)، بصل الزیر: نام های دیگر آن: عربی: بصل الذئب، بصل

الزئر، فصل ماکول - فارسی: زیر، تلخه پیاز - شیرازی: پیاز تلک - تبریزی: رزی - ترکی: داغ سوغائی - لرستان:

طرم - سریانی: بلابس

بلبوس (Bolbos): بصل الزاز<sup>(۱)</sup>

مولی اخر (Molu): نام مشترک گیاه "حرمل" یعنی نوعی از بلبوس است. من - ابن بیطار - آن را می شناسم و نام دیگری غیر از این

نام برای آن نمی دانم. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۵۲ - ۳ - ۴۴]

زریاب	بلبوس	<i>Muscari comosum Mill.</i>
-------	-------	------------------------------

<i>Muscari comosum</i> Mill.	دیسکورید	بلیوس - بصل الزاز
<i>Muscari spp.</i>	الموسوعه	بلیوس - جلجل
<i>Allium moly</i> L.	دیسکورید	نوعی بلیوس - مولی
<i>Allium magicium</i> L.		

۳۸۸ - بِلِخْتَه، بِلِخْتَه<sup>۴</sup>: (نامی مغربی)

<i>Periploca spp.</i>	الموسوعه	بلخیه
-----------------------	----------	-------

۳۸۹ - بِلِخْتَه<sup>۴</sup>:

۳۹۰ - بِلَس، بِلَس: نام دیگر آن: تین ابیض<sup>۵</sup> - «اشبیلی» آن را نام همه انواع «تین» می‌داند.<sup>۶</sup>

۳۹۱ - بِلَسَان، بِلَسَان، بِلَسَان، بِلَسَان، بِلَسَان، بِلَسَان، بِلَسَان، حب البلسان، سعند (نام چوب)، عود البلسان: نام‌های دیگر آن: بنا به نظر جالینوس: سمون<sup>۷</sup> - بنا به نظر اورباسیوس: سامون<sup>۸</sup> - اسامی چوب آن: رومی: اسفوخوس<sup>۹</sup>، بوبلسمون<sup>۱۰</sup> - سریانی: قیس دافورسما<sup>۱۱</sup> قیسادافورسما - فارسی: دارافرسام<sup>۱۲</sup> - این گیاه بغیر از مصر در جای دیگر رویش ندارد و صاحب منهاج به سهو آن را «هیوفاریقون» گفته است.<sup>۱۳</sup>

<i>Commiphora opobalsamum</i> Engl.	زهر - پار.	بلسان - حب بلسان
<i>Amyris gileadensis</i> L.		
<i>Semcarpus anacardium</i>	خطابی	بلسان
<i>Balsamodendron</i> DC.	EN.	بلسان
<i>Balsamodendron myrrha</i> Nees.	EN.	بلسم

۳۹۲ - بِلَسْکِی، بِلَسْکِی<sup>۴</sup>: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: گیاهشناسان اندلس و مغرب: مصفی الرعاة<sup>۱۴</sup>، دود<sup>۱۵</sup>، حب الصیان<sup>۱۶</sup>، فوة البرانیة<sup>۱۷</sup> - صیدلانیة: قوت البریه<sup>۱۸</sup> - دیسکورید: آفرینی<sup>۱۹</sup>

۳۹۳ - بِلَوَط، بِلَوَط، بِلَوَط، بِلَوَط، بِلَوَط، بِلَوَط، جفت البلوط (نام پوست)، لُزاق الرخام (نام صمغ): نام میوه است. نام‌های دیگر آن: طبرستان: دارمازی<sup>۲۰</sup> - فارسی: بالوط<sup>۲۱</sup> - انطاکیه: دوام<sup>۲۲</sup> - عراق: عفضیج<sup>۲۳</sup> - مصر: ثمر الفؤاد<sup>۲۴</sup> - رومی: ژبان لباس<sup>۲۵</sup> - نام میوه: دارمازو<sup>۲۶</sup> - «شاهبلوط» از انواع آنست که به آن «قسطل» گویند.<sup>۲۷</sup>

دِرْس (Drus): با توجه به اختلاف نظرهای موجود این نام معادل «بلوط» است. و دیسکورید همراه با این واژه «شاهبلوط»<sup>(۱)</sup> را نیز ذکر کرده است و آن را «قسطانیا» که همان «قسطل» است نامیده است. [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۱- ۱۰۸/۲ - ۱۹۲/۴ - ۱۱۰]

<i>Quercus coccifera</i> L.	دیسکورید	درس - بلوط
<i>Quercus ilex</i> L.	زر - خط.	بلوط
<i>Quercus persica</i> Jaub. & Sp.	پارسا	بلوط
<i>Quercus robur</i> L.		

۳۹۴ - بِلَوَط الارض، بِلَوَط الارض، بِلَوَط الارض، بِلَوَط الارض، خامادریوس<sup>۲۸</sup>: نام مشترک بین کماذریوس و گیاه دیگر است.<sup>۲۹</sup> - نام دیگر آن به یونانی: کماذریوس است.<sup>۳۰</sup> - «اشبیلی» می‌گوید: گاهی این نام را برای ریشه‌های «خنثی» بخاطر شباهت

آن به بلوط بکار می‌برند.<sup>ش</sup>

خامادرئون (*Khamaidaruos*): برگردان عربی «کمادریوس» «بلوط الارض» است زیرا «خاما» به معنای «ارض» (زمین) و «درس» به معنای «بلوط» است. [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۳]

دیسکورید	خامادریوس - کمادریوس - بلوط الارض	<i>Teucrium chamaedrys L.</i>
----------	-----------------------------------	-------------------------------

۳۹۵ - بلوط الملك، بلوط الملك، شاهبلوط، شاهبلوط: نام های دیگر آن: شاهبلوط<sup>ت</sup> - سریانی: بلوطا ملکا<sup>س</sup> - رومی: قسطنه<sup>ت</sup>، قسطل<sup>ت</sup>، قشطل<sup>ت</sup>

زریاب	شاه بلوط	<i>Castanea sativa Mill.</i> <i>Castanea vesca Gaertn.</i> <i>Castanea vulgaris Lam.</i>
طباطبانی	شاه بلوط	<i>Castanea sativa Mill.</i> <i>Castanea vulgaris Lam.</i>
طباطبانی	شاه بلوط هندی	<i>Aesculus hippocastanum L.</i>

۳۹۶ - بلوطی، بلوطی: نام های دیگر آن: هندی: کجی، کهجور، عامه اندلس به لاتینی به آن «مرویه یلبوسه» گویند و نباید با گیاهان شیرابه دار اشتباه شود.<sup>ع</sup>  
بلوطی (*Ballote*): نوعی از فراسیون با رنگ سیاه و با نام لاتینی «مرویه بتوشه» است. در ترجمه کتاب جالینوس نام این گیاه با «لاعیه» اشتباه شده است زیرا «لاعیه» از گیاهان صمغ دار است و «بلوطی» فاقد آن است. [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۸]

دیسکورید	بلوطی	<i>Ballota nigra L.</i>
----------	-------	-------------------------

۳۹۷ - بلوغوناطن<sup>ش</sup>: گروهی آن را به اشتباه «غوذیوله» می‌دانند.<sup>ش</sup>

۳۹۸ - بلول: (نامی هندی)

۳۹۹ - بلیان: (نام درخت مصری)

۴۰۰ - بلیحاء: نام های دیگر آن: مغرب: لیرون<sup>ع</sup> - اسلیج<sup>ع</sup>

۴۰۱ - بلیج، بلیج، بلیج: نام های دیگر آن: هندی: بهیره، هلیله<sup>ت</sup>

زریاب	بلیج	<i>Terminalia bellerica Roxb.</i>
-------	------	-----------------------------------

۴۰۲ - بلیطن<sup>ش</sup>: برخی پنداشته‌اند «عشبه الطحال» است و نام های دیگر آن «فلیطش» و «بیلیطش» است.<sup>ش</sup>

۴۰۳ - بُنْتَرَنَقَه<sup>ش</sup> (۱): برخی آن را به اشتباه «باطرنیقی» می‌دانند. نام های دیگر آن: خامادریوس<sup>ش</sup> - بطالقه<sup>ش</sup> - بلوط الارض<sup>ش</sup>

۴۰۴ - بُنْتَقَه<sup>ش</sup>: بنا به نظری نوع دوم کمادریوس با نام «طربه اُبه» است و بنا به نظر دیگر نوع سوم «کمادریوس» است. نام های دیگر آن عبارتست از: قسطن، قسطنیون، قسطوریون، باطرنیقی، رُسْمَارینا، ذنب الهی<sup>ش</sup>

۴۰۵ - بتومه، بتومه، بتومه<sup>ش</sup>: (نام گیاهی در اندلس) نام های دیگر آن: شام و اندلس: رقة الفارسیه<sup>ع</sup>، ذرق الطیر<sup>ع</sup> - اهالی شوبک شام: عثم<sup>ع</sup> - فاس: انجبار<sup>ع</sup>



<i>Loranthus europaeus</i> L.	بستومه	خطابی
-------------------------------	--------	-------

[illegible]

<i>Hyoscyamus niger L.</i>	ايسقوامس - بنج	ديسكوريد
<i>Hyoscyamus albus L.</i>	بنج ابيض - سيكران	الموسوعه
<i>Hyoscyamus niger L.</i>	بنج اسود - سكران	الموسوعه
<i>Hyoscyamus albus L.</i>	بنج - حشيشة الشرک	زرياب
<i>Hyoscyamus niger L.</i>		
<i>Hyoscyamus niger L.</i>	بذر البنج	پار. - طبيا.
<i>Hyoscyamus reticulatus L.</i>		
<i>Datura fastuosa L.</i>	بنج	خطابی

۴۰۷ - بنجشکروان<sup>۴</sup>: (نامی فارسی) نام دیگر آن: لسان العصفور<sup>۵</sup>

۴۰۸ - پنجین: نام دیگر آن «فنجین» است و برخی آن را «کف السبع» و عده‌ای «مدلوک» می‌دانند.

۴۰۹- بُندا: (نامی ہندی) نام دیگر آن: عربی: خرطان'

۴۱۰- بَندال: (نامی ہندی) نام دیگر آن: سنکپہ'

۴۱۱- بُنْدُقْ، بَنْدَقْ، بَنْدِقْ، بَنْدُوقْ، بَنْدُقْ (معرب فندق فارسی): نام‌های دیگر آن: فارسی: فندُقْ - عربی:

جلوز، جلوز ع - رومی: ایلر سیا - سریانی: فندقا

<i>Corylus avellana</i> L.	بندق - فندق	ز.ب.خ.
----------------------------	-------------	--------

۴۱۲ - بندق هندی، بندق هندی، بندق هندی: نام‌های دیگر آن: هندی، ریتیه، - نبطی، رته - - بربری:

اطموط، اطماط - جوز الرثة

<i>Caesalpinia bonducella</i> Fl.	بندق هندی - قارح - جوزلرته	الموسوعه
-----------------------------------	----------------------------	----------

۴۱۳ - بِنطافِلُنْ، (فَنطافِيلُون) ، بَنطافِلُونْ، فَنطافِلُونْ، بَنطافِلُنْ؛ (نامی یونانی) به معنای ذو خمسة اوراق<sup>۴۱۲</sup> یعنی دارای پنج برگ، بَنطاطوس، بَنطاطوس به معنای ذو خمسة اقسام (دارای پنج قسمت)، بَنطاناتی، بَنطاطوس به معنای ذو خمسة اجنحه یعنی دارای پنج بال، بَنطاطوئُنْ به معنای ذو خمسة أصابع یعنی دارای پنج انگشت - فاس: عشبة خير من الف<sup>۴۱۳</sup>

نَظَاطُلُنْ (Pentaphullon): به معنای «دو خمسه اوراق» یعنی دارای پنج برگ - نَظَاطُومُنْ (Pentatomon) به معنای «منقسم»

<i>Potentilla reptans</i> L.	ذو خمسة اوراق - نطافيلون	زر. - طبأ.
<i>Potentilla reptans</i> L.	بنطافالن	ديسكوريد

<i>Viola odorata</i> L.		بنفسج	ز. ح. - ع. -
<i>Viola</i> spp.		بنفسج	الموسوعه
<i>Viola odorata</i> L.		بنفشه	پارسا
<i>Viola tricolor</i> L.		بنفشه فرنگی	پارسا
<i>Viola cinerea</i> Boiss.	<i>Punjab &amp; Bombay: Banafsha</i>		GLO.IN.
<i>Viola odorata</i> L.	<i>Bengal: Banafsha</i> <i>Hend &amp; Bombay: Banafshah</i>		GLO.IN.
<i>Viola serpens</i> Wa.	<i>Punjab &amp; Hendia: Banafsha</i>		GLO.IN.

بیطار۔ [ابن بیطار (در ترجمہ دیسکورید) ۱ - ۲۱]

<i>Orchis morio</i> L. <i>Tanacetum umbeliferum</i> Boiss. <i>Caucalis orientalis</i> (L.) RE. <i>Syn: Torilis leptophylla</i>	بوزیدان	زریاب
<i>Withania somnifera</i> Dunal	بوزیدان	پارسا

الموسوعه	بوزیدان، سَخْلَب، خصی الثعلب، قاتل اخیه، سطوریون	<i>Orchis spp.</i>
خطابی	بوزیدان، خصی الثعلب	<i>Opuntia hircina</i>
EN.	بوزیدان	<i>Orchis morio L.</i>

۴۲۳- بوش در بندی؛ بوش، بوش در بندی: نام قرص هائی است که از برگ های گیاه آن می گیرند.

۴۲۴- بوشیاد: نزد "دَوْنَس بن تمیم" نام «سلجم» است.

۴۲۵- بوصیر، بوصیر، سیکران الحوت، فلومس: نام های دیگر آن: جوزناق - عامه اندلس: برشکة - بربری: أفتقن - دیسکورید: فلومس، یونانی: فلومس - پزشکان شام و عراق: ماهی زهرج - وجه تسمیه آن به «سیکران الحوت» برای کاربرد آن است زیرا نرم شده و کوییده شده آن بر صخره اگر در آب راکدی ریخته شود و با حرکت دادن آن، با آب مخلوط گردد سبب می شود تا ماهی ها بی حس و در حال برگشته روی آب بیایند.

فلومس (*Phlomos*): بوصیر - انواع فلومس بسیار و دارای گل زرداند. گیاه در مصر یافت می شود. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹۳]

زر - طباء.	بوصیر	<i>Verbascum thapsus L.</i>
دیسکورید	فلومس - بوصیر	<i>Verbascum spp.</i>
الموسوعه	بوصیر، بوصیر، اذان الدب، مُشکر الحوت	<i>Verbascum spp.</i>
الموسوعه	بوصیر ابیض	<i>Verbascum thapsus L.</i>
الموسوعه	بوصیر اسود، لیذه سوداء	<i>Verbascum nigrum L.</i>

۴۲۶- بوئانیة: نام دیگر آن به عجمی اندلس «کرمة السوداء» است. ابن وافت آن را «کرمة البیضاء» می داند که اشتباه مسلم است زیرا این به سریانی داروئی با نام «فاشرشتین» است.

۴۲۷- بوطامخیطس:

۴۲۸- بولامونیون، بولامنیون، بولامنیون: (نامی یونانی)

الموسوعه	قَبَس - بولمونیوم	<i>Polemonium Spp.</i>
----------	-------------------	------------------------

۴۲۹- بولسری: (نامی هندی) نام های دیگر آن: بهولسری - بنگاله: بول، مولسری

۴۳۰- بولوغن: نامی یونانی به معنای «مُکَثِّر اللَّبَن» یا زیاد کننده شیر

۴۳۱- بولوغانطن: نامی یونانی به معنای «کثیر العقد» یا پر گره

۴۳۲- بولوقیمن: نامی یونانی به معنای «کثیر الرؤوس» یا دارای سرشاخه بسیار

۴۳۳- بوینون، بونیون، بونیون: (نامی یونانی) نام دیگر آن در کتاب دیسکورید: أقطیون

۴۳۴- بوئی: (نامی هندی)

۴۳۵- بهار، بهار، بهار، کاو چشم: نام های دیگر آن: بنا به نظر اورباسیوس: بوفثالمون، بولمون - سریانی:

عینی ثورا - فارسی: گاوچشم - عربی: عَرَّار، عین الثور، عین البقر - أتحوان زرد - اندلس: مقارحة - بربری:

أملال - عامه اندلس: خبز الغراب - بنا به نظر "ابن سینا": فارسی: کاو چشم - بنا به نظر "تمیمی": نام نوع کوچک آن در شام:

عین العجل - "اشبیلی" می گوید: برخی آن را نام نوعی «بصل» و عده ای آن را نوعی «اقاحی» و گروهی آن را نوعی «اغافت» می دانند. "احمد بن

داود" «بهار البر» را «عَرَّار» معرفی کرده و "مسیح" بهار را «عین العجل» و "بولش" و "بصری" آن را «عین الثور» می داند و آنچه در باغ های ما می روید

گیاهی است که با نوع بری بسیار متفاوت است و نام های آن عبارتست: بقلتمن - فجلن - طیلاله - زنبوش - بهار ابیض - بهار الریاض - قلیمونه

همچنین «بهار» نام «عین الثور» و «عین البقر» و «عبر» نیز هست.

بُقْتُلْمُنْ (*Bupthalmion*): برگردان عربی آن «عین البقر» است و نام دیگر آن در ترجمه کتاب جالینوس «بهار» ذکر شده و از انواع «بابونج» و از آن بزرگتر است. نام بربری آن اَمَلال و به لاتینی ییلو (*Boliche*) است. - برخی از انواع آن زرد و برخی سفید رنگ است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲۴]

<i>Anthemis arvensis</i> L.	بققلمن - بهار	دیسکورید
<i>Anthemis arvensis</i> L. <i>Chrysanthemum coronarium</i> L. <i>Chrysanthemum segetum</i> L. <i>Anacyclus radiatus</i> L. <i>Anacyclus valentina</i>	بهار	ز. - ط.، E.
<i>Anthemis tinctoria</i> L.	عین الثور	طباطبانی

۴۳۶ - بُهَشْ: نوعی بلوط - نام های دیگر آن: عجمی اندلس: جرکه، شوبر<sup>ع</sup>

۴۳۷ - بهفانج<sup>ع</sup>: گویند نام «مرو» است و در کتاب مجوسی دو نوع از آن نامبرده شده، نوع خوشبوی آن «مرماحور» نام دارد.<sup>ع</sup>

۴۳۸ - بهمن<sup>ع</sup>، بهمن<sup>س</sup>، بهمن<sup>ب</sup>، بهمن<sup>ج</sup>، بهمن<sup>د</sup>، بهمن<sup>ه</sup>، بهمن<sup>و</sup> (نامی فارسی) بهمن دارای دو نوع قرمز و سفید است. نام های دیگر آن: فاس: جیز<sup>ع</sup> - نوع قرمز: بهمن ایض<sup>ع</sup> - نوع سفید: بهمن سفید<sup>ع</sup>، کف الجذماء<sup>ع</sup>، کرمة البیضاء<sup>ع</sup>

<i>Statice limonium</i> L.	بهمن سرخ	زریاب
<i>Centaurea behen</i> L.	بهمن سفید	ز. - الم.
<i>Centaurea behen</i> L.	بهمن	خطابی

۴۳۹ - بُهْمی<sup>ع</sup>، بهمی<sup>س</sup>، بهمی<sup>ج</sup>، بهمی<sup>د</sup>:

فونُئس (فونئس) (*Phoenix*): نام عربی آن «بُهمی» است. ابوحنیفه گیاه تازه و خشک «بهمی» را از بهترین گیاهان یکساله خوراکی می داند. عرب به گیاه خشک آن «عُزْب» (غرب) و «صَفار» (صقار) گوید. "بُکری" نام واحد آن را «بُهماء» گوید و عامه مردم به آن «بُهماء» گویند. این گیاهی مشابه «خُرطال» ولی از آن باریکتر و دارای سنبله ای قرمز رنگ است. وقتی خشک آن در فضا پراکنده شود و به لباس می چسبد. در منابع دیگر گیاه دارای سفس؟ ذکر شده است اجزای خشک شده گیاه در هوا معلق مانده و با وزش باد در چشم و گوش رفته و در مواقعی ممکن است منجر به کوری شود. ذوالرمة نیز در مورد این گیاه و اسامی مختلف آن این شعر را سروده است:

رَعَتْ بِأَرْضِ الْبُهْمِيِّ جَمِماً وَبُسْرَةً وَصَمْعَاءَ حَتَّى آفَتْهَا نِصَالُهَا

واژه «بارض» مربوط به موقعی است که گیاه از زمین رویش می یابد. واژه «بُسْرَة» هنگامی که برگ های گیاه روئیده می شود. واژه «صَمْعَاء» در موقع رشد سنبله گل گیاه است. واژه «جَمِیم» مربوط به زمانی است که گل باز شده آن حالت چتر پیدا می کند. واژه «آفَتْهَا» دَخَلَتْ فِیْ أُنُوفِهَا؟ و این گیاه نزد عرب معروف است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳۹]

<i>Lolium perenne</i> L.	بهمی	زریاب
<i>Lolium perenne</i> L. <i>Avena fatua</i> L.	فونئس - بهمی	دیسکورید
<i>Avena fatua</i> L.	بهمی	خطابی

۴۴۰ - بُهَنْکَرَه: (نامی هندی)

۴۴۱- بُهونئی انوله: نامی هندی به معنای امله زمینی

۴۴۲- بیارانکا: (نامی هندی)

۴۴۳- بیبل: (نامی هندی)

۴۴۴- بیخ‌زرین گیاه: نام‌های دیگر آن: فرنگی: جیسو'

۴۴۵- بیزه: نام دیگر آن: آذربایجان: بیوه زاس

<i>Eryngium campestre L.</i>	بیزه	زریاب
------------------------------	------	-------

۴۴۶- بیسم: نام میوه‌ای است.

۴۴۷- بیس، بیس، بیس، بیس، بیس، بیس: (نامی هندی) عیسی بن علی می‌گوید: بیس دارای سه نوع است... نام نوع سوم آن «نبال» است. بیس زهری است و بدان که زهرها اگر چه بسیارند اصل آن‌ها سه است، یکی زهر جانوران است که با دندان چون دد و دام... بگزند. دیگری سمی است که چون بخورند صدمه ببینند مانند زهر نبات یا آن زهر هائی که از سنگ‌های معدنی حاصل شوند... دیسقوریدوس که بیش پنج گونه است یکی را «حددی» گویند و آن سست است بر دورنگ زرد و سپید و دوم «شذه» خوانند به «مارچویه» ماند و سستی است میانه، و سیم را «برهن» گویند، درونش سپید بود یا زرد و سستی است این نیز میانه و چهارم «کلاکون» است، رنگش به «هلهل» زند و وصفش همانند اوست و پنجم «هلهل» است...

<i>Aconitum ferox Wall.</i>	بیش	زر- طب.
<i>Aconitum spp.</i>	اتله - بیش - اقونین - اکونیت	الموسوعه
<i>Aconitum ferox Wall.</i> <i>Aconitum luridum Hook.</i>	<i>Hindia &amp; Bengal: Bish</i> <i>Hindia: Bish</i>	<i>GLO.IN.</i>

۴۴۸- بیش موش بیش:

۴۴۹- بیض الاوز: نوعی فطر، نام‌های دیگر آن: فواش، غوره الارض، ذکر الارض

۴۵۰- بیقیه، بیقه:

أفاقی (*Aphake*): نوعی از «رطبه» که در ابتدا رویش آن مشابه «خندقوقی» است. (ابن بطار در کتاب جامع این نام را معادل بیقیه دانسته است.) [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۶ - ۱۳۲]

<i>Vicia cracca L.</i> <i>Vicia sativa L.</i>	بیقه	دی - زریاب
--	------	------------

۴۵۱- بینب: نام دیگر آن: فینقس

۴۵۲- بیل: نام هندی میوه‌ای است.

## حرف «ت»

۴۵۳- تار: (نامی هندی)

۴۵۴- تاجر: نام دیگر آن: آذریون - وجه تسمیه آن به تاجر بخاطر اینست که گل آن در روز باز و شب بسته است بنابراین به هر گیاه دیگر که دارای این خصوصیت باشد چون نیلوفر نیز گفته می‌شود.

۴۵۵- تازرت: برخی آن را «کرمه البیضاء» می‌دانند.

۴۵۶ - تاگوت<sup>۱</sup>، تاگوت<sup>۲</sup>: (نامی بربری) این نام برای «فریون» و هم برای «حب الأثل» یا «کرمازک» است.<sup>۳</sup>

۴۵۷ - تالب<sup>۱</sup>: «اشبیلی» می‌گوید: از جنس درختان بزرگ است و برخی آن را به اشتباه «کتَم» معرفی کرده‌اند.<sup>۲</sup>

۴۵۸ - تال مکهارا<sup>۱</sup>: (نامی هندی) تال مکهانانبول<sup>۲</sup>

۴۵۹ - تامسورت<sup>۱</sup>: (نامی بربری) نام‌های دیگر آن: مؤ<sup>۲</sup> - گیاهشناسان اشیلیه<sup>۳</sup>: بُسِیسه<sup>۴</sup> - بعضی از بربرها: کَمُون الجبل<sup>۵</sup>

۴۶۰ - تانبول<sup>۱</sup>، تامول<sup>۲</sup>، تامول<sup>۳</sup>، تنبول<sup>۴</sup>، تانبول<sup>۵</sup>: (نامی هندی) ابوحنیفه می‌گوید: نوعی یقطین است.<sup>۶</sup> نام‌های دیگر آن: تنبول<sup>۷</sup> - تنبل<sup>۸</sup>

<i>Piper betle L.</i>	تامول - تنبل - شاه صینی	الموسوعه
<i>Piper betle L.</i>	تامول	EN. زر.
<i>Piper betle L.</i>	برگ ناملوك - برگ تانبوك	پارسا

۴۶۱ - تانقیت<sup>۱</sup>: (نامی بربری)

۴۶۲ - ترب<sup>۱</sup>:

۴۶۳ - ترُئِد<sup>۱</sup>، ترب<sup>۲</sup>، ترب<sup>۳</sup>، ترب<sup>۴</sup>، ترب<sup>۵</sup>، ترب<sup>۶</sup>، ترب<sup>۷</sup>: (نامی فارسی) نام‌های دیگر آن: هندی: تسوت<sup>۸</sup>، تاک پترویداره<sup>۹</sup> - بنگال: پتوهری<sup>۱۰</sup> - رومی: ینون<sup>۱۱</sup>، طریون<sup>۱۲</sup>، سندریون<sup>۱۳</sup> - سریانی: طربد<sup>۱۴</sup>، طربید<sup>۱۵</sup> - هندی: تربج<sup>۱۶</sup>، نایزه<sup>۱۷</sup> (نوع سفید)، نوع دیگر: جبلهنگ<sup>۱۸</sup> «اشبیلی» می‌گوید: نظرهای متفاوتی در مورد ماهیت آن ذکر شده که همگی اشتباه است این نظرها عبارتند از: ۱ - نوعی انجدان ۲ - ریشه نوعی خار ۳ - ریشه‌های درخت توت و انجیر<sup>۱۹</sup> - نام‌های دیگر آن عبارتست از: طریفولیون - حاراسوافی - الوبیاس - سوفی نام «تربد ابیض» «اسطاری» است.<sup>۲۰</sup>

طریفولیون (Tripolion): بنا به نظر «ابن واقد» نام «تربد» است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۱]

<i>Ipomea turpethum R.Br.</i> <i>Convolvulus turpethum L.</i>	تربد	ز، خ، ط.
<i>Ipomea turpethum R.Br.</i>	ترُئِد	الموسوعه
<i>Aster tripolium L.</i>	طریفولیون - ترُئِد	دیسکورید

۴۶۴ - ترسی<sup>۱</sup>: نوعی نیلوفر نام دیگر آن: به یونانی: باطاسیطس<sup>۲</sup>

۴۶۵ - ترُمس<sup>۱</sup>، ترمس<sup>۲</sup>، ترمس<sup>۳</sup>، ترمس<sup>۴</sup>، ترمس<sup>۵</sup>، ترمس<sup>۶</sup>، جرجر المصری<sup>۷</sup>، قیطاقون<sup>۸</sup>، باقلاء مصری<sup>۹</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: باقلا مصری<sup>۱۰</sup>، خوشک امحری<sup>۱۱</sup>، کرکر امحری<sup>۱۲</sup> - سریانی: ترمسا<sup>۱۳</sup>، اوثرمسوا<sup>۱۴</sup> «اشبیلی» می‌گوید: ترمس از انواع کفوف و از جنس بقل و دارای انواع زراعی و غیر زراعی است: نوع زراعی آن سه نوع است و نام‌های آن عبارتست از: ایمارس - ایفغسه - چزچر - بسیله - فیاقه و نوع بری پنج نوع دارد ۱ - ترمس الخنزیر با نام‌های: مسد، فایه بورکه (نام میوه)، بسیله ۲ - ترمس الثعلب با نام‌های: کف الغدري، فسوة الضبع، خانق الکلاب ۳ و ۴ - ترمس الحجل با نام: کف الضبع ۵ - کف الغظابه<sup>۱۵</sup>

ترُمی ایماروس (Thermos hemeros): ترُمس - ابوحنیفه می‌گوید: بَسَلَة نام دارد زیرا تلخ و بدمزه است. [ابن بطار (در ترجمه

دیسکورید) ۲ - ۹۴]

<i>Lupinus spp.</i>	ترُمس	الم.، EN.
<i>Lupinus termis forsk.</i>	ترمی ایماروس - ترمس - بسله	دیسکورید
<i>Lupinus angustifolius L.</i> <i>Lupinus termis forsk.</i>	ترمس	زریاب
<i>Lupinus albus L.</i>	باقلاي مصری - ترمس	پارسا



گردد به آن بلج گویند.<sup>۴</sup> - قَسَب: میوه خرماى خشک شده و نیم رس - اهل مغرب: مقلقل - نجد: عرق، بزشوم - فارسی: خرماى سنگ اشکن - شیرازی: قسبک - طَلْع: شکوفه خرما - فارسی: بهار خرما، کُفَرَى: کفزی نامی عربی و به معنی غلاف رزیم خرما قبل از شگفتن آن است. - یونانی: قیفر - فارسی: غنچه خرما، کاردوالی - شیرازی: نارونه خرما - جُمَار<sup>۵</sup>: قلب النخل، لب النخل، شحم النخل - فارسی: پنیر نخل - بهترین خرما «هاهیرون» است. - بزشوم<sup>۶</sup>: نخل تازه - نامهای دیگر آن: شَقَمَة<sup>۷</sup> - اهالی نجد: غُزف<sup>۸</sup> دَقْسَيْطُس یا فَيْيَكُس: (Phoenix) نخل [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۱]

ز، د، پ.	نخل	<i>Phoenix dactylifera L.</i>
----------	-----	-------------------------------

۴۷۵ - تمر هیرونی، قَسَب: نام دیگر آن: خرما هیرون<sup>۹</sup>  
 ۴۷۶ - تمر هندی، تمر هندی، صبار<sup>۱۰</sup>، حمر: نامهای دیگر آن: عربی: صبار، حمار و حوش، خومر<sup>۱۱</sup> - هندی: انبلی<sup>۱۲</sup> - فارسی: جنجه<sup>۱۳</sup> - زنجیه: مکوجوا<sup>۱۴</sup>

زر. - طب.	تمر هندی	<i>Tamarindus indica L.</i>
پارسا	تخم تمر - دانه تمر هندی	<i>Tamarindus indica L.</i>
الموسوعه	تمر هندی - خَوْمَر - حَمَر	<i>Tamarindus indica L.</i>

۴۷۷ - تَنَمِیْمَه<sup>۱۵</sup>: (گیاه آبری)  
 ۴۷۸ - تَنُوم<sup>۱۶</sup>، تَنُوم<sup>۱۷</sup>، تَنُوم<sup>۱۸</sup>، شجرة الیمام<sup>۱۹</sup>: (تنم) (نامی معروف نزد اعراب بقیع و اهالی حجاز) نام دیگر آن: طورته شول<sup>۲۰</sup> نوع کوچک آن گیاهی است به نام «طُرْسُول»، نام دیگر آن «توم» و به سریانی «صامریوما» است.<sup>۲۱</sup>  
 ایلِیُوطُرُویون طومقرن<sup>۲۲</sup> (*Heliotropion to mikron*): گیاهی مشابه «فراسیون» با بذری سه گوش است که از آن مداد درست می کنند. نامهای دیگر آن عبارتست از: مغرب: حشیشه السواقی - عربی: تَنُوم - لاتینی: یربه (شُد) یره (*Hirba soldera*) به معنای عَشْبَة اللحام [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۱۳]

زریاب	تنوم	<i>Cannabis sativa L.</i>
دیسکورید	ایلِیُوطُرُویون طومقرن - تنوم	<i>Croton tinctorium L.</i>

۴۷۹ - توت<sup>۲۳</sup> (نامی عربی)، توت<sup>۲۴</sup> (نامی فارسی)، توت<sup>۲۵</sup>، توت<sup>۲۶</sup>، توت<sup>۲۷</sup>، توت<sup>۲۸</sup>، توت<sup>۲۹</sup>، توت<sup>۳۰</sup>، توت<sup>۳۱</sup>، توت<sup>۳۲</sup>، توت<sup>۳۳</sup>، توت<sup>۳۴</sup>، توت<sup>۳۵</sup>، توت<sup>۳۶</sup>، توت<sup>۳۷</sup>، توت<sup>۳۸</sup>، توت<sup>۳۹</sup>، توت<sup>۴۰</sup>، توت<sup>۴۱</sup>، توت<sup>۴۲</sup>، توت<sup>۴۳</sup>، توت<sup>۴۴</sup>، توت<sup>۴۵</sup>، توت<sup>۴۶</sup>، توت<sup>۴۷</sup>، توت<sup>۴۸</sup>، توت<sup>۴۹</sup>، توت<sup>۵۰</sup>، توت<sup>۵۱</sup>، توت<sup>۵۲</sup>، توت<sup>۵۳</sup>، توت<sup>۵۴</sup>، توت<sup>۵۵</sup>، توت<sup>۵۶</sup>، توت<sup>۵۷</sup>، توت<sup>۵۸</sup>، توت<sup>۵۹</sup>، توت<sup>۶۰</sup>، توت<sup>۶۱</sup>، توت<sup>۶۲</sup>، توت<sup>۶۳</sup>، توت<sup>۶۴</sup>، توت<sup>۶۵</sup>، توت<sup>۶۶</sup>، توت<sup>۶۷</sup>، توت<sup>۶۸</sup>، توت<sup>۶۹</sup>، توت<sup>۷۰</sup>، توت<sup>۷۱</sup>، توت<sup>۷۲</sup>، توت<sup>۷۳</sup>، توت<sup>۷۴</sup>، توت<sup>۷۵</sup>، توت<sup>۷۶</sup>، توت<sup>۷۷</sup>، توت<sup>۷۸</sup>، توت<sup>۷۹</sup>، توت<sup>۸۰</sup>، توت<sup>۸۱</sup>، توت<sup>۸۲</sup>، توت<sup>۸۳</sup>، توت<sup>۸۴</sup>، توت<sup>۸۵</sup>، توت<sup>۸۶</sup>، توت<sup>۸۷</sup>، توت<sup>۸۸</sup>، توت<sup>۸۹</sup>، توت<sup>۹۰</sup>، توت<sup>۹۱</sup>، توت<sup>۹۲</sup>، توت<sup>۹۳</sup>، توت<sup>۹۴</sup>، توت<sup>۹۵</sup>، توت<sup>۹۶</sup>، توت<sup>۹۷</sup>، توت<sup>۹۸</sup>، توت<sup>۹۹</sup>، توت<sup>۱۰۰</sup>، توت<sup>۱۰۱</sup>، توت<sup>۱۰۲</sup>، توت<sup>۱۰۳</sup>، توت<sup>۱۰۴</sup>، توت<sup>۱۰۵</sup>، توت<sup>۱۰۶</sup>، توت<sup>۱۰۷</sup>، توت<sup>۱۰۸</sup>، توت<sup>۱۰۹</sup>، توت<sup>۱۱۰</sup>، توت<sup>۱۱۱</sup>، توت<sup>۱۱۲</sup>، توت<sup>۱۱۳</sup>، توت<sup>۱۱۴</sup>، توت<sup>۱۱۵</sup>، توت<sup>۱۱۶</sup>، توت<sup>۱۱۷</sup>، توت<sup>۱۱۸</sup>، توت<sup>۱۱۹</sup>، توت<sup>۱۲۰</sup>، توت<sup>۱۲۱</sup>، توت<sup>۱۲۲</sup>، توت<sup>۱۲۳</sup>، توت<sup>۱۲۴</sup>، توت<sup>۱۲۵</sup>، توت<sup>۱۲۶</sup>، توت<sup>۱۲۷</sup>، توت<sup>۱۲۸</sup>، توت<sup>۱۲۹</sup>، توت<sup>۱۳۰</sup>، توت<sup>۱۳۱</sup>، توت<sup>۱۳۲</sup>، توت<sup>۱۳۳</sup>، توت<sup>۱۳۴</sup>، توت<sup>۱۳۵</sup>، توت<sup>۱۳۶</sup>، توت<sup>۱۳۷</sup>، توت<sup>۱۳۸</sup>، توت<sup>۱۳۹</sup>، توت<sup>۱۴۰</sup>، توت<sup>۱۴۱</sup>، توت<sup>۱۴۲</sup>، توت<sup>۱۴۳</sup>، توت<sup>۱۴۴</sup>، توت<sup>۱۴۵</sup>، توت<sup>۱۴۶</sup>، توت<sup>۱۴۷</sup>، توت<sup>۱۴۸</sup>، توت<sup>۱۴۹</sup>، توت<sup>۱۵۰</sup>، توت<sup>۱۵۱</sup>، توت<sup>۱۵۲</sup>، توت<sup>۱۵۳</sup>، توت<sup>۱۵۴</sup>، توت<sup>۱۵۵</sup>، توت<sup>۱۵۶</sup>، توت<sup>۱۵۷</sup>، توت<sup>۱۵۸</sup>، توت<sup>۱۵۹</sup>، توت<sup>۱۶۰</sup>، توت<sup>۱۶۱</sup>، توت<sup>۱۶۲</sup>، توت<sup>۱۶۳</sup>، توت<sup>۱۶۴</sup>، توت<sup>۱۶۵</sup>، توت<sup>۱۶۶</sup>، توت<sup>۱۶۷</sup>، توت<sup>۱۶۸</sup>، توت<sup>۱۶۹</sup>، توت<sup>۱۷۰</sup>، توت<sup>۱۷۱</sup>، توت<sup>۱۷۲</sup>، توت<sup>۱۷۳</sup>، توت<sup>۱۷۴</sup>، توت<sup>۱۷۵</sup>، توت<sup>۱۷۶</sup>، توت<sup>۱۷۷</sup>، توت<sup>۱۷۸</sup>، توت<sup>۱۷۹</sup>، توت<sup>۱۸۰</sup>، توت<sup>۱۸۱</sup>، توت<sup>۱۸۲</sup>، توت<sup>۱۸۳</sup>، توت<sup>۱۸۴</sup>، توت<sup>۱۸۵</sup>، توت<sup>۱۸۶</sup>، توت<sup>۱۸۷</sup>، توت<sup>۱۸۸</sup>، توت<sup>۱۸۹</sup>، توت<sup>۱۹۰</sup>، توت<sup>۱۹۱</sup>، توت<sup>۱۹۲</sup>، توت<sup>۱۹۳</sup>، توت<sup>۱۹۴</sup>، توت<sup>۱۹۵</sup>، توت<sup>۱۹۶</sup>، توت<sup>۱۹۷</sup>، توت<sup>۱۹۸</sup>، توت<sup>۱۹۹</sup>، توت<sup>۲۰۰</sup>، توت<sup>۲۰۱</sup>، توت<sup>۲۰۲</sup>، توت<sup>۲۰۳</sup>، توت<sup>۲۰۴</sup>، توت<sup>۲۰۵</sup>، توت<sup>۲۰۶</sup>، توت<sup>۲۰۷</sup>، توت<sup>۲۰۸</sup>، توت<sup>۲۰۹</sup>، توت<sup>۲۱۰</sup>، توت<sup>۲۱۱</sup>، توت<sup>۲۱۲</sup>، توت<sup>۲۱۳</sup>، توت<sup>۲۱۴</sup>، توت<sup>۲۱۵</sup>، توت<sup>۲۱۶</sup>، توت<sup>۲۱۷</sup>، توت<sup>۲۱۸</sup>، توت<sup>۲۱۹</sup>، توت<sup>۲۲۰</sup>، توت<sup>۲۲۱</sup>، توت<sup>۲۲۲</sup>، توت<sup>۲۲۳</sup>، توت<sup>۲۲۴</sup>، توت<sup>۲۲۵</sup>، توت<sup>۲۲۶</sup>، توت<sup>۲۲۷</sup>، توت<sup>۲۲۸</sup>، توت<sup>۲۲۹</sup>، توت<sup>۲۳۰</sup>، توت<sup>۲۳۱</sup>، توت<sup>۲۳۲</sup>، توت<sup>۲۳۳</sup>، توت<sup>۲۳۴</sup>، توت<sup>۲۳۵</sup>، توت<sup>۲۳۶</sup>، توت<sup>۲۳۷</sup>، توت<sup>۲۳۸</sup>، توت<sup>۲۳۹</sup>، توت<sup>۲۴۰</sup>، توت<sup>۲۴۱</sup>، توت<sup>۲۴۲</sup>، توت<sup>۲۴۳</sup>، توت<sup>۲۴۴</sup>، توت<sup>۲۴۵</sup>، توت<sup>۲۴۶</sup>، توت<sup>۲۴۷</sup>، توت<sup>۲۴۸</sup>، توت<sup>۲۴۹</sup>، توت<sup>۲۵۰</sup>، توت<sup>۲۵۱</sup>، توت<sup>۲۵۲</sup>، توت<sup>۲۵۳</sup>، توت<sup>۲۵۴</sup>، توت<sup>۲۵۵</sup>، توت<sup>۲۵۶</sup>، توت<sup>۲۵۷</sup>، توت<sup>۲۵۸</sup>، توت<sup>۲۵۹</sup>، توت<sup>۲۶۰</sup>، توت<sup>۲۶۱</sup>، توت<sup>۲۶۲</sup>، توت<sup>۲۶۳</sup>، توت<sup>۲۶۴</sup>، توت<sup>۲۶۵</sup>، توت<sup>۲۶۶</sup>، توت<sup>۲۶۷</sup>، توت<sup>۲۶۸</sup>، توت<sup>۲۶۹</sup>، توت<sup>۲۷۰</sup>، توت<sup>۲۷۱</sup>، توت<sup>۲۷۲</sup>، توت<sup>۲۷۳</sup>، توت<sup>۲۷۴</sup>، توت<sup>۲۷۵</sup>، توت<sup>۲۷۶</sup>، توت<sup>۲۷۷</sup>، توت<sup>۲۷۸</sup>، توت<sup>۲۷۹</sup>، توت<sup>۲۸۰</sup>، توت<sup>۲۸۱</sup>، توت<sup>۲۸۲</sup>، توت<sup>۲۸۳</sup>، توت<sup>۲۸۴</sup>، توت<sup>۲۸۵</sup>، توت<sup>۲۸۶</sup>، توت<sup>۲۸۷</sup>، توت<sup>۲۸۸</sup>، توت<sup>۲۸۹</sup>، توت<sup>۲۹۰</sup>، توت<sup>۲۹۱</sup>، توت<sup>۲۹۲</sup>، توت<sup>۲۹۳</sup>، توت<sup>۲۹۴</sup>، توت<sup>۲۹۵</sup>، توت<sup>۲۹۶</sup>، توت<sup>۲۹۷</sup>، توت<sup>۲۹۸</sup>، توت<sup>۲۹۹</sup>، توت<sup>۳۰۰</sup>، توت<sup>۳۰۱</sup>، توت<sup>۳۰۲</sup>، توت<sup>۳۰۳</sup>، توت<sup>۳۰۴</sup>، توت<sup>۳۰۵</sup>، توت<sup>۳۰۶</sup>، توت<sup>۳۰۷</sup>، توت<sup>۳۰۸</sup>، توت<sup>۳۰۹</sup>، توت<sup>۳۱۰</sup>، توت<sup>۳۱۱</sup>، توت<sup>۳۱۲</sup>، توت<sup>۳۱۳</sup>، توت<sup>۳۱۴</sup>، توت<sup>۳۱۵</sup>، توت<sup>۳۱۶</sup>، توت<sup>۳۱۷</sup>، توت<sup>۳۱۸</sup>، توت<sup>۳۱۹</sup>، توت<sup>۳۲۰</sup>، توت<sup>۳۲۱</sup>، توت<sup>۳۲۲</sup>، توت<sup>۳۲۳</sup>، توت<sup>۳۲۴</sup>، توت<sup>۳۲۵</sup>، توت<sup>۳۲۶</sup>، توت<sup>۳۲۷</sup>، توت<sup>۳۲۸</sup>، توت<sup>۳۲۹</sup>، توت<sup>۳۳۰</sup>، توت<sup>۳۳۱</sup>، توت<sup>۳۳۲</sup>، توت<sup>۳۳۳</sup>، توت<sup>۳۳۴</sup>، توت<sup>۳۳۵</sup>، توت<sup>۳۳۶</sup>، توت<sup>۳۳۷</sup>، توت<sup>۳۳۸</sup>، توت<sup>۳۳۹</sup>، توت<sup>۳۴۰</sup>، توت<sup>۳۴۱</sup>، توت<sup>۳۴۲</sup>، توت<sup>۳۴۳</sup>، توت<sup>۳۴۴</sup>، توت<sup>۳۴۵</sup>، توت<sup>۳۴۶</sup>، توت<sup>۳۴۷</sup>، توت<sup>۳۴۸</sup>، توت<sup>۳۴۹</sup>، توت<sup>۳۵۰</sup>، توت<sup>۳۵۱</sup>، توت<sup>۳۵۲</sup>، توت<sup>۳۵۳</sup>، توت<sup>۳۵۴</sup>، توت<sup>۳۵۵</sup>، توت<sup>۳۵۶</sup>، توت<sup>۳۵۷</sup>، توت<sup>۳۵۸</sup>، توت<sup>۳۵۹</sup>، توت<sup>۳۶۰</sup>، توت<sup>۳۶۱</sup>، توت<sup>۳۶۲</sup>، توت<sup>۳۶۳</sup>، توت<sup>۳۶۴</sup>، توت<sup>۳۶۵</sup>، توت<sup>۳۶۶</sup>، توت<sup>۳۶۷</sup>، توت<sup>۳۶۸</sup>، توت<sup>۳۶۹</sup>، توت<sup>۳۷۰</sup>، توت<sup>۳۷۱</sup>، توت<sup>۳۷۲</sup>، توت<sup>۳۷۳</sup>، توت<sup>۳۷۴</sup>، توت<sup>۳۷۵</sup>، توت<sup>۳۷۶</sup>، توت<sup>۳۷۷</sup>، توت<sup>۳۷۸</sup>، توت<sup>۳۷۹</sup>، توت<sup>۳۸۰</sup>، توت<sup>۳۸۱</sup>، توت<sup>۳۸۲</sup>، توت<sup>۳۸۳</sup>، توت<sup>۳۸۴</sup>، توت<sup>۳۸۵</sup>، توت<sup>۳۸۶</sup>، توت<sup>۳۸۷</sup>، توت<sup>۳۸۸</sup>، توت<sup>۳۸۹</sup>، توت<sup>۳۹۰</sup>، توت<sup>۳۹۱</sup>، توت<sup>۳۹۲</sup>، توت<sup>۳۹۳</sup>، توت<sup>۳۹۴</sup>، توت<sup>۳۹۵</sup>، توت<sup>۳۹۶</sup>، توت<sup>۳۹۷</sup>، توت<sup>۳۹۸</sup>، توت<sup>۳۹۹</sup>، توت<sup>۴۰۰</sup>، توت<sup>۴۰۱</sup>، توت<sup>۴۰۲</sup>، توت<sup>۴۰۳</sup>، توت<sup>۴۰۴</sup>، توت<sup>۴۰۵</sup>، توت<sup>۴۰۶</sup>، توت<sup>۴۰۷</sup>، توت<sup>۴۰۸</sup>، توت<sup>۴۰۹</sup>، توت<sup>۴۱۰</sup>، توت<sup>۴۱۱</sup>، توت<sup>۴۱۲</sup>، توت<sup>۴۱۳</sup>، توت<sup>۴۱۴</sup>، توت<sup>۴۱۵</sup>، توت<sup>۴۱۶</sup>، توت<sup>۴۱۷</sup>، توت<sup>۴۱۸</sup>، توت<sup>۴۱۹</sup>، توت<sup>۴۲۰</sup>، توت<sup>۴۲۱</sup>، توت<sup>۴۲۲</sup>، توت<sup>۴۲۳</sup>، توت<sup>۴۲۴</sup>، توت<sup>۴۲۵</sup>، توت<sup>۴۲۶</sup>، توت<sup>۴۲۷</sup>، توت<sup>۴۲۸</sup>، توت<sup>۴۲۹</sup>، توت<sup>۴۳۰</sup>، توت<sup>۴۳۱</sup>، توت<sup>۴۳۲</sup>، توت<sup>۴۳۳</sup>، توت<sup>۴۳۴</sup>، توت<sup>۴۳۵</sup>، توت<sup>۴۳۶</sup>، توت<sup>۴۳۷</sup>، توت<sup>۴۳۸</sup>، توت<sup>۴۳۹</sup>، توت<sup>۴۴۰</sup>، توت<sup>۴۴۱</sup>، توت<sup>۴۴۲</sup>، توت<sup>۴۴۳</sup>، توت<sup>۴۴۴</sup>، توت<sup>۴۴۵</sup>، توت<sup>۴۴۶</sup>، توت<sup>۴۴۷</sup>، توت<sup>۴۴۸</sup>، توت<sup>۴۴۹</sup>، توت<sup>۴۵۰</sup>، توت<sup>۴۵۱</sup>، توت<sup>۴۵۲</sup>، توت<sup>۴۵۳</sup>، توت<sup>۴۵۴</sup>، توت<sup>۴۵۵</sup>، توت<sup>۴۵۶</sup>، توت<sup>۴۵۷</sup>، توت<sup>۴۵۸</sup>، توت<sup>۴۵۹</sup>، توت<sup>۴۶۰</sup>، توت<sup>۴۶۱</sup>، توت<sup>۴۶۲</sup>، توت<sup>۴۶۳</sup>، توت<sup>۴۶۴</sup>، توت<sup>۴۶۵</sup>، توت<sup>۴۶۶</sup>، توت<sup>۴۶۷</sup>، توت<sup>۴۶۸</sup>، توت<sup>۴۶۹</sup>، توت<sup>۴۷۰</sup>، توت<sup>۴۷۱</sup>، توت<sup>۴۷۲</sup>، توت<sup>۴۷۳</sup>، توت<sup>۴۷۴</sup>، توت<sup>۴۷۵</sup>، توت<sup>۴۷۶</sup>، توت<sup>۴۷۷</sup>، توت<sup>۴۷۸</sup>، توت<sup>۴۷۹</sup>، توت<sup>۴۸۰</sup>، توت<sup>۴۸۱</sup>، توت<sup>۴۸۲</sup>، توت<sup>۴۸۳</sup>، توت<sup>۴۸۴</sup>، توت<sup>۴۸۵</sup>، توت<sup>۴۸۶</sup>، توت<sup>۴۸۷</sup>، توت<sup>۴۸۸</sup>، توت<sup>۴۸۹</sup>، توت<sup>۴۹۰</sup>، توت<sup>۴۹۱</sup>، توت<sup>۴۹۲</sup>، توت<sup>۴۹۳</sup>، توت<sup>۴۹۴</sup>، توت<sup>۴۹۵</sup>، توت<sup>۴۹۶</sup>، توت<sup>۴۹۷</sup>، توت<sup>۴۹۸</sup>، توت<sup>۴۹۹</sup>، توت<sup>۵۰۰</sup>، توت<sup>۵۰۱</sup>، توت<sup>۵۰۲</sup>، توت<sup>۵۰۳</sup>، توت<sup>۵۰۴</sup>، توت<sup>۵۰۵</sup>، توت<sup>۵۰۶</sup>، توت<sup>۵۰۷</sup>، توت<sup>۵۰۸</sup>، توت<sup>۵۰۹</sup>، توت<sup>۵۱۰</sup>، توت<sup>۵۱۱</sup>، توت<sup>۵۱۲</sup>، توت<sup>۵۱۳</sup>، توت<sup>۵۱۴</sup>، توت<sup>۵۱۵</sup>، توت<sup>۵۱۶</sup>، توت<sup>۵۱۷</sup>، توت<sup>۵۱۸</sup>، توت<sup>۵۱۹</sup>، توت<sup>۵۲۰</sup>، توت<sup>۵۲۱</sup>، توت<sup>۵۲۲</sup>، توت<sup>۵۲۳</sup>، توت<sup>۵۲۴</sup>، توت<sup>۵۲۵</sup>، توت<sup>۵۲۶</sup>، توت<sup>۵۲۷</sup>، توت<sup>۵۲۸</sup>، توت<sup>۵۲۹</sup>، توت<sup>۵۳۰</sup>، توت<sup>۵۳۱</sup>، توت<sup>۵۳۲</sup>، توت<sup>۵۳۳</sup>، توت<sup>۵۳۴</sup>، توت<sup>۵۳۵</sup>، توت<sup>۵۳۶</sup>، توت<sup>۵۳۷</sup>، توت<sup>۵۳۸</sup>، توت<sup>۵۳۹</sup>، توت<sup>۵۴۰</sup>، توت<sup>۵۴۱</sup>، توت<sup>۵۴۲</sup>، توت<sup>۵۴۳</sup>، توت<sup>۵۴۴</sup>، توت<sup>۵۴۵</sup>، توت<sup>۵۴۶</sup>، توت<sup>۵۴۷</sup>، توت<sup>۵۴۸</sup>، توت<sup>۵۴۹</sup>، توت<sup>۵۵۰</sup>، توت<sup>۵۵۱</sup>، توت<sup>۵۵۲</sup>، توت<sup>۵۵۳</sup>، توت<sup>۵۵۴</sup>، توت<sup>۵۵۵</sup>، توت<sup>۵۵۶</sup>، توت<sup>۵۵۷</sup>، توت<sup>۵۵۸</sup>، توت<sup>۵۵۹</sup>، توت<sup>۵۶۰</sup>، توت<sup>۵۶۱</sup>، توت<sup>۵۶۲</sup>، توت<sup>۵۶۳</sup>، توت<sup>۵۶۴</sup>، توت<sup>۵۶۵</sup>، توت<sup>۵۶۶</sup>، توت<sup>۵۶۷</sup>، توت<sup>۵۶۸</sup>، توت<sup>۵۶۹</sup>، توت<sup>۵۷۰</sup>، توت<sup>۵۷۱</sup>، توت<sup>۵۷۲</sup>، توت<sup>۵۷۳</sup>، توت<sup>۵۷۴</sup>، توت<sup>۵۷۵</sup>، توت<sup>۵۷۶</sup>، توت<sup>۵۷۷</sup>، توت<sup>۵۷۸</sup>، توت<sup>۵۷۹</sup>، توت<sup>۵۸۰</sup>، توت<sup>۵۸۱</sup>، توت<sup>۵۸۲</sup>، توت<sup>۵۸۳</sup>، توت<sup>۵۸۴</sup>، توت<sup>۵۸۵</sup>، توت<sup>۵۸۶</sup>، توت<sup>۵۸۷</sup>، توت<sup>۵۸۸</sup>، توت<sup>۵۸۹</sup>، توت<sup>۵۹۰</sup>، توت<sup>۵۹۱</sup>، توت<sup>۵۹۲</sup>، توت<sup>۵۹۳</sup>، توت<sup>۵۹۴</sup>، توت<sup>۵۹۵</sup>، توت<sup>۵۹۶</sup>، توت<sup>۵۹۷</sup>، توت<sup>۵۹۸</sup>، توت<sup>۵۹۹</sup>، توت<sup>۶۰۰</sup>، توت<sup>۶۰۱</sup>، توت<sup>۶۰۲</sup>، توت<sup>۶۰۳</sup>، توت<sup>۶۰۴</sup>، توت<sup>۶۰۵</sup>، توت<sup>۶۰۶</sup>، توت<sup>۶۰۷</sup>، توت<sup>۶۰۸</sup>، توت<sup>۶۰۹</sup>، توت<sup>۶۱۰</sup>، توت<sup>۶۱۱</sup>، توت<sup>۶۱۲</sup>، توت<sup>۶۱۳</sup>، توت<sup>۶۱۴</sup>، توت<sup>۶۱۵</sup>، توت<sup>۶۱۶</sup>، توت<sup>۶۱۷</sup>، توت<sup>۶۱۸</sup>، توت<sup>۶۱۹</sup>، توت<sup>۶۲۰</sup>، توت<sup>۶۲۱</sup>، توت<sup>۶۲۲</sup>، توت<sup>۶۲۳</sup>، توت<sup>۶۲۴</sup>، توت<sup>۶۲۵</sup>، توت<sup>۶۲۶</sup>، توت<sup>۶۲۷</sup>، توت<sup>۶۲۸</sup>، توت<sup>۶۲۹</sup>، توت<sup>۶۳۰</sup>، توت<sup>۶۳۱</sup>، توت<sup>۶۳۲</sup>، توت<sup>۶۳۳</sup>، توت<sup>۶۳۴</sup>، توت<sup>۶۳۵</sup>، توت<sup>۶۳۶</sup>، توت<sup>۶۳۷</sup>، توت<sup>۶۳۸</sup>، توت<sup>۶۳۹</sup>، توت<sup>۶۴۰</sup>، توت<sup>۶۴۱</sup>، توت<sup>۶۴۲</sup>، توت<sup>۶۴۳</sup>، توت<sup>۶۴۴</sup>، توت<sup>۶۴۵</sup>، توت<sup>۶۴۶</sup>، توت<sup>۶۴۷</sup>، توت<sup>۶۴۸</sup>، توت<sup>۶۴۹</sup>، توت<sup>۶۵۰</sup>، توت<sup>۶۵۱</sup>، توت<sup>۶۵۲</sup>، توت<sup>۶۵۳</sup>، توت<sup>۶۵۴</sup>، توت<sup>۶۵۵</sup>، توت<sup>۶۵۶</sup>، توت<sup>۶۵۷</sup>، توت<sup>۶۵۸</sup>، توت<sup>۶۵۹</sup>، توت<sup>۶۶۰</sup>، توت<sup>۶۶۱</sup>، توت<sup>۶۶۲</sup>، توت<sup>۶۶۳</sup>، توت<sup>۶۶۴</sup>، توت<sup>۶۶۵</sup>، توت<sup>۶۶۶</sup>، توت<sup>۶۶۷</sup>، توت<sup>۶۶۸</sup>، توت<sup>۶۶۹</sup>، توت<sup>۶۷۰</sup>، توت<sup>۶۷۱</sup>، توت<sup>۶۷۲</sup>، توت<sup>۶۷۳</sup>، توت<sup>۶۷۴</sup>، توت<sup>۶۷۵</sup>، توت<sup>۶۷۶</sup>، توت<sup>۶۷۷</sup>، توت<sup>۶۷۸</sup>، توت<sup>۶۷۹</sup>، توت<sup>۶۸۰</sup>، توت<sup>۶۸۱</sup>، توت<sup>۶۸۲</sup>، توت<sup>۶۸۳</sup>، توت<sup>۶۸۴</sup>، توت<sup>۶۸۵</sup>، توت<sup>۶۸۶</sup>، توت<sup>۶۸۷</sup>، توت<sup>۶۸۸</sup>، توت<sup>۶۸۹</sup>، توت<sup>۶۹۰</sup>، توت<sup>۶۹۱</sup>، توت<sup>۶۹۲</sup>، توت<sup>۶۹۳</sup>، توت<sup>۶۹۴</sup>، توت<sup>۶۹۵</sup>، توت<sup>۶۹۶</sup>، توت<sup>۶۹۷</sup>، توت<sup>۶۹۸</sup>، توت<sup>۶۹۹</sup>، توت<sup>۷۰۰</sup>، توت<sup>۷۰۱</sup>، توت<sup>۷۰۲</sup>، توت<sup>۷۰۳</sup>، توت<sup>۷۰۴</sup>، توت<sup>۷۰۵</sup>، توت<sup>۷۰۶</sup>، توت<sup>۷۰۷</sup>، توت<sup>۷۰۸</sup>، توت<sup>۷۰۹</sup>، توت<sup>۷۱۰</sup>، توت<sup>۷۱۱</sup>، توت<sup>۷۱۲</sup>، توت<sup>۷۱۳</sup>، توت<sup>۷۱۴</sup>، توت<sup>۷۱۵</sup>، توت<sup>۷۱۶</sup>، توت<sup>۷۱۷</sup>، توت<sup>۷۱۸</sup>، توت<sup>۷۱۹</sup>، توت<sup>۷۲۰</sup>، توت<sup>۷۲۱</sup>، توت<sup>۷۲۲</sup>، توت<sup>۷۲۳</sup>، توت<sup>۷۲۴</sup>، توت<sup>۷۲۵</sup>، توت<sup>۷۲۶</sup>، توت<sup>۷۲۷</sup>، توت<sup>۷۲۸</sup>، توت<sup>۷۲۹</sup>، توت<sup>۷۳۰</sup>، توت<sup>۷۳۱</sup>، توت<sup>۷۳۲</sup>، توت<sup>۷۳۳</sup>، توت<sup>۷۳۴</sup>، توت<sup>۷۳۵</sup>، توت<sup>۷۳۶</sup>، توت<sup>۷۳۷</sup>، توت<sup>۷۳۸</sup>، توت<sup>۷۳۹</sup>، توت<sup>۷۴۰</sup>، توت<sup>۷۴۱</sup>، توت<sup>۷۴۲</sup>، توت<sup>۷۴۳</sup>، توت<sup>۷۴۴</sup>، توت<sup>۷۴۵</sup>، توت<sup>۷۴۶</sup>، توت<sup>۷۴۷</sup>، توت<sup>۷۴۸</sup>، توت<sup>۷۴۹</sup>، توت<sup>۷۵۰</sup>، توت<sup>۷۵۱</sup>، توت<sup>۷۵۲</sup>، توت<sup>۷۵۳</sup>، توت<sup>۷۵۴</sup>، توت<sup>۷۵۵</sup>، توت<sup>۷۵۶</sup>، توت<sup>۷۵۷</sup>، توت<sup>۷۵۸</sup>، توت<sup>۷۵۹</sup>، توت<sup>۷۶۰</sup>، توت<sup>۷۶۱</sup>، توت<sup>۷۶۲</sup>، توت<sup>۷۶۳</sup>، توت<sup>۷۶۴</sup>، توت<sup>۷۶۵</sup>، توت<sup>۷۶۶</sup>، توت<sup>۷۶۷</sup>، توت<sup>۷۶۸</sup>



<i>Morus acedosa</i> Cr. Syn: <i>M. indica</i> L. <i>Morus alba</i> L.	Hendia & Panjub & Bombay & Bengal: Tut	GLO.IN.
<i>Morus nigra</i> L.	Baluchistan: Shahtut	GLO.IN.

۴۸۵- تودری؛ تودزی؛ تودری؛ تودری (نامی فارسی)؛ تودریج؛ شنبله؛ بزر الهوه؛ قصیصه؛ نام‌های دیگر آن: تودریج؛ لبسان؛ اسحاره؛ سحار؛ هندی و سریانی: طودریک - سریانی: اکثر (اسخرون) - یونانی: اروسیمین؛ هری سمن - عربی: بزر الخمخ، بزر الهوه؛ قصیصه - اصفهانی: قدومه - کرمانی: مار درخت؛ مازدرخت - تبریزی: دزینه؛ ورینه - شیرازی: تدری - شنبله - این گیاه سه قسم است: سرخ، زرد و سفید نام‌های نوع سرخ در اصفهان: قدومه، گلگون؛

أروسيمن (Erusimon): نُودَرِي - نُودَرَج - عربي: صَوْب - عجمية اندلس: سُنْدَلَه - جالينوس: أروسيمون (ابن بطار (در ترجمه ديسكوريد) ۲

[141 -

<i>Sisymbrium officinale</i> L. <i>Erysimum officinale</i> L.	اروسیم - توذری - صوب	دیسکورید
<i>Sisymbrium</i> spp.	توذریج - فِجَل الجِمال - قسطبری - سماره	الموسوعه
<i>Sisymbrium officinale</i> L. <i>Erysimum officinale</i> L.	تودری	زریاب
<i>Alyssum campestre</i> L.	تودرنج	طباطبائی
<i>Alyssum campestre</i>	<i>Panjub &amp; Bengal: Todri safed</i>	<i>GLO.IN.</i>

۴۸۱- تُورثی: نام ہندی میوہ

۲۸۲ - توہماذی : ش

۴۸۳- تھکار: (نامی، ہندی)

۴۸۴- تین، تین، تین، تین، تین، تین، تین، بلس، ام عمر (نام نوعی در شام)، طَبَّار: نام‌های دیگر آن: فارسی: انجیر، پلس مرث، شوپا، سوفاس - رومی: صیکه - یونانی: بشیوماش - بربری: تاوَرْت - سریانی: تین - عربی: حشا - عجمی: فیقه - نام نوعی از آن: جُمَیز، انجیر دشتی - نوعی دیگر: به نام زُنایر، زُنباره، زُنوره، زَنِیره، انجیر حلوانی - «نیقولوس» نام انجیر زمین‌های رمله فلسطین است. و «شاه انجیر» انجیری است که خلک (صمغ) و عسل و شیرینی آن بسیار است. و «طَبَّار» نوعی انجیر با نام «تین الرحانی» است. - «اشبیلی» می‌گوید: دارای انواع(صنف) بسیاری است که برخی عبارتند از: قَلْاطی - طَبَّار - بنجانی - صدی - مَلّاحی - وحشی - ازغب - شیولی، برجین - لطین - قرطی - فاخر - قصی - برنجان - سهیلی - فشک - شعری - فراط - قرشی - نقرار - جعفری - ملجی الاسود - نفریل - بودال - قصری - زنقال - قبی - صباحی - عسیلی - ام عمر - قجلال - برجی - فارق - صناعی - ملجی الایض - دبّی - جلیقی، مرتبنی - به شیرِه آن «شبر» و به «تین پری»، «ذکار» و به «تین جبلی»، «جُمیز» گویند.

سیقا (Suka): تین - بکس [ابن بطار (در ترجمہ دیکورید) ۱ - ۱۴۰]

<i>Ficus palmata</i> Forsk.	تین - انجیر - طبار	زریاب
<i>Ficus carica</i> L.		
<i>Ficus carica</i> L.	تین	دی. - خط.
<i>Ficus</i> spp.	تین	الموسوعه
<i>Ficus carica</i> L.	تین معروف - بلس	الموسوعه
<i>Ficus carica</i> L.	قسمی انجیر وحشی	پارسا

<i>Ficus carica L.</i>	تین	طباطبانی
<i>Ficus carica L.</i>	<i>Hendia &amp; Bengal: Anjir - Punjab: Fagari</i> <i>Sanskrit &amp; Bobay: Anjira</i>	GLO.IN.

۴۸۵- تیواج:؟

## حرف «ث»

۴۸۶- ثافسیا، ثافسیه، ثافسیا، ثفسیا، تفسیا، تافسیا، تافسیا (نامی مغربی)، ادریس<sup>ع</sup> (نامی بربری)، یتتون: نام صمغ گیاه است. ثافیس نام جزیره ای است که اولین بار گیاه از آن ذکر شده است.<sup>ع</sup> در مورد ماهیت آن اختلاف است.<sup>ش</sup> آن را صمغ نوعی «کلخ» یا صمغ «سذاب بری» یا صمغ «مثنان» یا صمغ «دمینا» می دانند و برخی آن «سذاب» گفته اند.<sup>ع</sup> نام های دیگر آن: یونانی: مراس<sup>ع</sup> - بربری: اورباس<sup>ع</sup>، ادریاس<sup>ع</sup> - مغرب: دریاس<sup>ع</sup> - صمغ «سذاب» دانستن آن اشتباه است.<sup>ع</sup>

<i>Thapsia garganica</i>	دریاس - دروس - دزست - اذریاس - ثافسیا	زریاب
<i>Thapsia garganica</i> <i>Vicia sativa L.</i>	تافسیا	خطابی
<i>Gum of Anethum graveolens L.</i>	ثافسیا	EN.

۴۸۷- ثالیطرن<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: کُربرة الحبشة<sup>ع</sup> - برخی نام ورقة اللطینیه<sup>ع</sup> به آن داده اند.<sup>ع</sup>

<i>Thalictrum aquilegifolium L.</i>	ثالیطرون	EN.
-------------------------------------	----------	-----

۴۸۸- ثداء<sup>ش</sup>: در مورد ماهیت آن اختلاف است. ابونصر<sup>ع</sup> آن را نوعی خُمَاض با نام «تُزف» معرفی کرده و «ابو حَرَشَن» خشک آن را «مُصاص» گفته است.<sup>ش</sup>

۴۸۹- ثرمان<sup>ش</sup>: نوعی جنبه از جنس خُمض است.<sup>ش</sup>

۴۹۰- ثریا<sup>ش</sup>:

۴۹۱- ثُعَب<sup>ش</sup>: درخت بزرگی است که در قله های کوه رویش دارد.<sup>ش</sup>

۴۹۲- ثَغَام<sup>ع</sup>، ثَغَام<sup>ش</sup>: نام های دیگر آن: عربی: حَلی<sup>ع</sup>، اززاری<sup>ش</sup> - فارسی: سپید گیاه<sup>ع</sup> (درمنه اسپید)

<i>Atractylis gummifera L.</i>	ثغام - سپید گیاه	زریاب
--------------------------------	------------------	-------

۴۹۳- ثَلَب<sup>ع</sup>: (نامی عربی)

۴۹۴- ثَمَام<sup>ع</sup>، ثَمَام<sup>ش</sup>: (نامی عربی) نام های دیگر آن: غَرَب<sup>ش</sup> - تنکابن: زرواش<sup>ع</sup> - مازندران: میل<sup>ع</sup>

<i>Pennisetum sp.</i>	ثمام	زریاب
-----------------------	------	-------

۴۹۵- ثوع<sup>ش</sup>:

۴۹۶- ثُوم<sup>ش</sup>: درخت بزرگی است که در شهرهای عربی رویش دارد.<sup>ش</sup>

۴۹۷- «ثوم»، «ثوم»، «ثوم»، «ثوم»، «ثوم»: نام‌های دیگر آن: فارسی: «سیر» - هندی: «لهسن» - سریانی: «توما» - رومی: «اسکودا» - نام‌های نوع دشتی آن: رومی: «اسکردیون» - سریانی: «تومادیرا» - فارسی: «سیردشتی» - مولینلس (هوفیوسکردن) - نام‌های ثوم بری: یونانی: «اسقوردیون» - عربی: «ثوم الحیه»<sup>ع</sup>، «دراقنوسقردیون»<sup>ع</sup> نام‌های ثوم جبلی: فارسی: «موسیر» - نوع دیگر «ثوم ذی الأسنان» به نام «أغلیس» است.<sup>ع</sup> - «آشبیلی» می‌گوید: ثوم برگ‌یاهان مختلفی گفته می‌شود که عبارتند از: ۱- ثوم معروف (نوعی بصل) ۲- نوع بستانی با نام‌های: «سقردین»، «لوفوسقردین»، «یش»، «تیشرت»، «تسکرت» ۳- نوع بری با نام‌های: «اسقردیون»، «ثوم الحیه» ۴- ثوم جبلی با نام «اسقندریون»<sup>ث</sup>

شُقَرْدِین (Skordon): ثوم البستانی  
 أُوقِیُوشُقَرْدِین (Ophiooskordon): ثوم الحیه  
 بُراسِیُوشُقَرْدِین (Skordoprason): ثوم کُرانی  
 اُشُقَرْدِین (Skordion): این گیاه را بخاطر مشابهت در بو «ثوم» نامیده‌اند و جالینوس آن را بعنوان «ثوم بری» معرفی کرده و آن غیر از «ثوم الحیه» است. نام‌های دیگر آن «حافظ الأجساد» و «حافظ الموتی» است و اهالی اندلس به آن «مَطَرَقَال» (Matricalis) و گیاهشناسان اندلسی نیز به آن «حشیشه الثومیه» گویند. [این بیطار (در ترجمه دیسکوردید) ۳- ۱۳۶ و ۱۳۷]

<i>Allium sativum L.</i>	ثوم	ز، خ، ط.
<i>Allium sativum L.</i>	شقرذین - ثوم بستانی	دیسکوردید
<i>Allium scorodoprasum L.</i>	براسنوشقرذین - ثوم کرائی	دیسکوردید
<i>Teucrium scordium L.</i>	اشقرذین - ثوم بری - حافظ الاجساد	دیسکوردید
<i>Allium carinatum L.</i>	ثوم جبلی	الموسوعه
<i>Allium sativum</i>	ثوم زراعی	الموسوعه
<i>Teucrium scordium L.</i>	ثوم الحیه	الموسوعه
<i>Allium xiphopetalum Ait.</i> <i>Allium silvestrum</i>	ثوم بری - شقردیون	الموسوعه
<i>Allium sativum L.</i>	سیر	پارسا
<i>Allium scorodoprasum L.</i>	پیاز کوهی	پارسا
<i>Teucrium scordium L.</i>	ثوم کرائی	طباطبائی

۴۹۸- ثوم بری<sup>ع</sup>: چنانچه ذکر شد دیسکوردید نام آن را «ثوم الحیه» نهاده ولی جالینوس آن را به گیاه دیگری به نام «أسقردین»<sup>ع</sup> که گیاهشناسان اندلسی به آن «حشیشه الثومیه» گویند اطلاق می‌کند. و به نام‌های «مطرقال»، «حافظ الأجساد» و «حافظ الموتی» نیز نامگذاری شده است. و بسیاری از مترجمان به اشتباه این گیاه را همان «ثوم الحیه» می‌دانند و آن را ذیل ترجمه «ثوم» ذکر می‌کنند.<sup>ع</sup>

<i>Alliaria officinalis L.</i> <i>Sysambrium alliaria Scop.</i>	حشیشه الثومیه - ألیاریا	الموسوعه
<i>Allium xiphopetalum Ait.</i> <i>Allium silvestrum</i>	ثوم بری - شقردیون	الموسوعه
<i>Allium xiphopetalum Ait.</i> <i>Allium silvestrum</i>	ثوم بری	خطابی

۴۹۹- ثومیه<sup>ث</sup>: حشیشه الثومیه<sup>ث</sup> نام‌های نوع دیگر آن عبارتست از: حشیشه الثومیه، ثوم الضفادع - مطرقال، مطرقان - ملجاله - بلزباله یعنی

۵۰۰-ثومون، ثومون، ثوموس، ثومش<sup>۴</sup>: (نامی یونانی) ابوریحان نام آن را «حاشا» ذکر می‌کند.<sup>۵</sup> -نام‌های دیگر آن: فارسی: تخم زرداب، - ترکی: صفراالدوی، - حاشا

۵۰۱ - ثیل، تَیْل، تِیْل، تِل، تِلْ، تِلَّ، تِلْ، اُغْرُسْتُسْ<sup>ع</sup> (نامی یونانی)، نجیل، نجیر: نام‌های دیگر آن: عربی: نجم، تیل فارسی: قُرْزُد (فریز)، مارنه، مکرنه، بید گیاه - در ماوراءالنهر و فرغانه: کوم - یونانی: اغرواطس - لَحْمَةُ التیس - تخم - عربی: نجم، نجیل، وشیح، عکرش، نجمه، تخمه، خومه - ترکی: پیلان فردی - تنکابن: کرک جروش - دیسکورید: اُغْرُسْتُسْ<sup>ع</sup> - مغرب: نجیر<sup>ع</sup> اشبیلی می‌گوید: دارای سه نوع است: ۱ - نام‌های نوع اول عبارتست از: وشیح، اغرسطس، اغرسطیس، ماده، دقتوریه، غراله، آقار، نجم، نجیل، ورپزه، شاقه ۲ - نام‌های نوع دوم: عِکْرِش، قالامگرسطس ۳ - نام‌های نوع سوم: مرطنه، خِذراف، قَصَبه<sup>ش</sup>

اُغْرُسْتُسْ (*Agrostis*): عربی: نَجْم، تِل - لاتینی عمومی: نَجیل، نَجِر (*Neguilla*) - عِکْرِش - بربری: أَفَار [ابن بیطار] در ترجمه  
[دیسکورید] ۴ - ۶۷]

<i>Agropyrum repens</i> Beauv. <i>Triticum repens</i> L.	اگرستس - نجم - ٹیل - عکرش - نجیر	الموسوعه
<i>Digitaria stolonifera</i> Schrad. <i>Cynodon dactylon</i> L. <i>Panicum dactylon</i> L. <i>Dactylon officinale</i> Villars.	ٹیل - ٹیل	الموسوعه
<i>Triticum repens</i> L.	چمن - مرغ - بید گیاه - شیئل - نخیل	پارسا
<i>Agropyrum repens</i> Beauv. <i>Triticum repens</i> L.	ٹیل - عکرش - فرزد	زریاب
<i>Agropyrum repens</i> Beauv.	نجم	طباً.

۵۰۲ - چا:

۵۰۳ - جابور ش: قيساطه ش

۵۰۴ - جار النهر، جار النهر، جار النهر، سلق الماء، سلق الماء، نام‌های دیگر آن: سلق الماء - در کتاب دیسکورید: بوطاموغیطن، یعنی همسایه نهر، زیرا همیشه در کنار آب‌های روان و مکان‌های جنگلی و حلقه چاه‌ها می‌روید.<sup>۴۲</sup>

<i>Potamogeton natans</i> L.	جارالنهر	زر. - طبا.
<i>Potamogeton natans</i> L.	جارالنهر - سلق الماء - لسان البحر	الموسوعه

۵۰۵ - جاشوش<sup>ص</sup> (جاسوس)، جاسوس<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: خشخاش الزبدی<sup>ع</sup> - کاشوش<sup>ص</sup> - سریانی: کشوش<sup>ص</sup> - دیسکورید نام آن را «میفن افرووس» می‌داند که این نام معادل «جاشوش» یا «جاسوس» و «خشخاش زبدی» ذکر شده است.<sup>ص</sup>

زریاب	جاشوش	<i>Silene infelata</i> Sm. <i>Silene cucubalus</i> Willd <i>Gratiola officinalis</i> L.
-------	-------	---

۵۰۶ - جام بهل<sup>ف</sup>: (نام میوه هندی) نام دیگر آن به بنگالی «سفری» است.<sup>ف</sup>

۵۰۷ - چامرکھاس<sup>ف</sup>: (نامی هندی و بنگالی)

۵۰۸ - جامون<sup>ف</sup>: (نام میوه هندی)

۵۰۹ - جاوژس<sup>ف</sup>، جاووس<sup>ص</sup>، جاورس<sup>ع</sup>، جاورس<sup>ث</sup>، جاورس<sup>ش</sup> (معرب گاورس)، کنخروس<sup>ع</sup>، کیموس<sup>ص</sup>: نام‌های دیگر آن: کاورس<sup>ف</sup>، گاورس<sup>ص</sup> - رومی: کنخرن<sup>ص</sup> - عربی: دخن<sup>ص</sup> - هندی: باجرا<sup>ف</sup> - سه نوع است: نام‌های نوع اول: فارسی: ارزن<sup>ف</sup> - شیرازی: آلم<sup>ف</sup> - نام‌های نوع دوم: فارسی: ذرت<sup>ف</sup> - هندی: جوار<sup>ف</sup> - نام‌های نوع سوم: جاورس که همان معرب گاورس<sup>ث</sup> است. - شیرازی: کال<sup>ف</sup> - هندی: کنکنی<sup>ف</sup> - یک نوع دیگر: جاورس هندی<sup>ص</sup> - فارسی: ذره<sup>ص</sup> - گاورس بر سه گونه است یکی (از) گونه (های آن) «دخن» است.<sup>ص</sup> آشیلی<sup>ف</sup> می‌گوید: دارای سه نوع ۱- ذره ۲- شینه ۳- دخن بری<sup>ث</sup> است که دانه‌های آن‌ها به ترتیب کوچک می‌شود. نام‌های دیگر دخن بری عبارتست از: کنجروس، قمح السودان، بنجاین<sup>ف</sup> «غسانی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف کرده‌اند گروهی آن را نام «دخن» دانسته و گروهی آن را نامی برای «ذره» می‌دانند و مشهور آنست که همان «دخن» است.<sup>ف</sup> ابن وافد<sup>ف</sup> می‌گوید: این گیاه نزد همه پزشکان نوع کوچک «دخن» است و دانه‌ای محکم و خاکستری رنگ دارد، ولی نزد غالب مترجمان نام خود «دخن» است، به خلاف دیگران «ابوحنیفه» برای «دخن» دو قسم ذکر می‌کند و معتقد است «جاووس» نام فارسی و «دخن» نامی عربی است.<sup>ع</sup>

کُخْرُس (Kengkros): نوعی از «ذره» که اطباء آن را «جاووس» می‌نامند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۸۲]

دیسکورید	کیخرس - جاووس	<i>Panicum miliaceum</i> L. <i>Opopanax chironium</i> Koch
زر - خط.	جاووس - دخن	<i>Panicum miliaceum</i> L. <i>Opopanax chironium</i> Koch
پارسا	قسم ارزن - ذرت دانه ریزه - دیمیله (بانه)	<i>Holcus sorgum</i>
پارسا	ارزن	<i>Panicum miliaceum</i> L.
پارسا	ذرت	<i>Zea mais</i>
EN.	جاووس	<i>Milium indicum</i>

۵۱۰ - جاوشیر<sup>ف</sup> (نام صمغ)، جاوشیر<sup>ص</sup>، جاوشیر<sup>ع</sup>، جاوشیر<sup>ث</sup>، جاوشیر<sup>ش</sup>، فاناقس ایراقلیوس<sup>ع</sup>، جاوشیر<sup>ع</sup>، جاوشیر<sup>ث</sup>، فاناقس ایراقلیون<sup>ث</sup>: از جنس کفوف و نوعی جنبه است.<sup>ث</sup> نام‌های دیگر آن: جاوشیر<sup>ف</sup>، جاوشیر<sup>ع</sup>، فارسی: گاوشیر<sup>ص</sup>، لاوشیر<sup>ص</sup>، جاوشیر<sup>ث</sup>، کوشیر<sup>ف</sup>، کاهل<sup>ص</sup>، این گیاه از اصفهان جمع آوری می‌شود.<sup>ص</sup> - شیرازی: جاحوشی<sup>ث</sup> - سریانی: ذفارا<sup>ص</sup>، حلباتورا<sup>ص</sup> - یونانی: ابویناقس<sup>ص</sup> (ابوپاناقس نام صمغ و پاناقس نام گیاه است.) - رومی: باناقس<sup>ص</sup> - عسالیج - ابرای<sup>ث</sup> - ابرقلیون<sup>ث</sup> - ابرقینون<sup>ث</sup> - برورا<sup>ث</sup> - جلوکا<sup>ث</sup>  
فاناقس ایراقلیون (Panakes herakleion): برگردان آن به عربی «فاناقس کبیر» و نام درخت - گیاه - «جاوشیر» و نام ریشه آن به

سریانی «برورا» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۴۵]

<i>Opopanax sp.</i>	کاو شیر - جاو شیر - بیسارون بری	الموسوعه
<i>Opopanax chironium Koch.</i>	فاناقس ابرقلیون - جاو شیر	دیسکورید
<i>Opopanax chironium Koch.</i>	جاو شیر	طبا، EN.
<i>Ferula galbaniflua Boiss. &amp; Buhse</i>	India: Jawashir	GLO.IN.

## ۵۱۱ - چاؤل مُنْکری: (نام درخت هندی)

۵۱۲ - جامع اللحم: به دو گیاه مختلف گفته می شود یکی «فول الحمام» و دیگری نوعی از «یتوع» است.<sup>ش</sup>۵۱۳ - جَبْرَة، جَبْرَة: (نام مغربی مشتق از جبر)، اُولسْطیون: نام های دیگر آن: گیاهشناسان اندلس: جَبْرَة - یونانی: اُولسْطیون<sup>ع</sup> (به معنای جمع کننده پوست)اُولسْطیون (*Holosteon*): برگردان عربی آن «جامع البضع»<sup>(۱)</sup> یعنی جمع کننده گوشت است و آن را نمی شناسم. ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۱]

<i>Holosteum umbellatum L.</i>	اُولسْطیون - جامع البضع	دیسکورید
--------------------------------	-------------------------	----------

۵۱۴ - جَبْلَاهَنک، جَبْلَاهَنک، جَبْلَهَنک، جَبْلَهَنک، جَبْلَهَنک، جَبْلَهَنک: معرب جبل هنج که نام فارسی دانه ای است. - نام های دیگر آن: جَلَهَنک، جَبْلَهَنک، جَبْلَهَنک، جَبْلَهَنک - نام گیاه در کتاب دیسکورید: سیسامویداس الکبیر، به معنای مشابه «سمسم»<sup>ع</sup>

<i>Reseda alba L.</i>	خزام ایض - ذیل ایض - ذیل الخروف - جَبْلَهَنک	الموسوعه
<i>Reseda alba L.</i>	جَبْلَاهَنک	زر. - طبا.

## ۵۱۵ - جَبه:

<i>Hibiscus rosa-sinensis L.</i>	جبه	الموسوعه
----------------------------------	-----	----------

۵۱۶ - جَبْجَاث، جَبْجَاث، جَبْجَاث: (نامی عربی) نام های دیگر آن: یونانی: بردیسیون - ریحان بری - مصر: شاهور<sup>ع</sup>

<i>Pulicaria crispa Cass.</i>	جَبْجَاث - ریحان بری	زریاب
-------------------------------	----------------------	-------

۵۱۷ - جَدَوَار، جَدَوَار، جَدَوَار، جَدَوَار، جَدَوَار، جَدَوَار: (نام ریشه) معرب زوار نام های دیگر آن: عربی: انتله<sup>ش</sup> - یونانی: ساطریوس<sup>۱</sup> - مغربی: ماه فرین، ماه فروین<sup>۲</sup> - هندی: نیرِسی<sup>۳</sup> ('نیر' به معنای دافع و خالص کننده و بسی به معنای زهر است).

<i>Curcuma zedoaria Rosc.</i>	جدوار	زر. - خط.
<i>Curcuma zedoaria Rosc.</i>	جدوار عقید، کرکم زَزوار، زدوار، سَطْوَال	الموسوعه
<i>Curcuma caesia Roxb.</i>	جدوار اسود، کرکم اسود	الموسوعه

۱- ابن جلیجل بجای این واژه در برگردان نام جامع اللحم را آورده است.



۵۲۲ - جرمامة: نوعی بقل نام های دیگر آن: دُنَج - باربه دلابر یعنی لحية الارنب - باربه قُئلیة یعنی لحية القنلیة<sup>ش</sup>

۵۲۳ - جَرْمیلک: نام های دیگر آن: کوهستان و لرستان: وجائلق<sup>۱</sup> - ترکان: نبات ازاد<sup>۲</sup>

۵۲۴ - جرنوب<sup>۳</sup>: نام های دیگر آن: حُرِقِ الأملس<sup>۴</sup> - جلبوب<sup>۵</sup>

۵۲۵ - جَرُونَجی: (نامی هندی)

۵۲۶ - جریال<sup>۶</sup>: معرب گرد هیار و گریال<sup>۷</sup> - نام های دیگر آن: در اصطلاح رنگرزان: عروس آب<sup>۸</sup>، جریال بقم<sup>۹</sup> - عربی: جریال<sup>۱۰</sup>، جریله خمر<sup>۱۱</sup> (به رنگ خمر جریال گویند).

۵۲۷ - جَزَر، جَزَر، جَزَر، جَزَر، جَزَر، جَزَر، نهشل<sup>۱۲</sup>، نهشل<sup>۱۳</sup> (نام نوع بری) بزر الجزر البستانی<sup>۱۴</sup>، بزر الجزر البری<sup>۱۵</sup>:

معرب کرد فارسی از جنس هدیات است. - نام های دیگر آن: فارسی: زردک<sup>۱۶</sup>، گزر<sup>۱۷</sup> - هندی: کاجر<sup>۱۸</sup> - سریانی:

اصطفیلن<sup>۱۹</sup> - یونانی: دفقوس<sup>۲۰</sup>، دَفِقه<sup>۲۱</sup>، دَفِقینی<sup>۲۲</sup> - رومی: دَفقین<sup>۲۳</sup>، کشور<sup>۲۴</sup>، کرز<sup>۲۵</sup> - فاس: سفناریه<sup>۲۶</sup> - مراکش: خیزو<sup>۲۷</sup>،

اقلیشا<sup>۲۸</sup> - بزر الجزر البستانی - تخم گزر<sup>۲۹</sup> - بزر الجزر البری - دوقو<sup>۳۰</sup> - نام نوعی از آن: زوفس<sup>۳۱</sup> (شاید همان دوقس باشد)

- نام های نوع دشتی: در کتاب دیسکورید: اسطافالینوس<sup>۳۲</sup> - رومی: نافوس<sup>۳۳</sup> - بنا به نقل اهوازی: شقاق<sup>۳۴</sup>، شقاق<sup>۳۵</sup>

نام های نوع بری: اسطافالیوس<sup>۳۶</sup>، اسطافالیقوس<sup>۳۷</sup> اغریوس<sup>۳۸</sup>، نام نوعی: دوقو<sup>۳۹</sup> - نام نوعی: دوقو القردی<sup>۴۰</sup> - دشتی آن «شقاق<sup>۴۱</sup>»

باشد. «اشبیلی» می گوید: دارای انواع بسیار است که برخی عبارتند از: ۱ - نوع بری با نام های: اسطافالینوس اغریوس، دوقو الاحرش، اصطفیلن،

ماژش، جهنک، بشتناقه ۲ - نوعی با نام دوقو القردی ۳ - نوعی با نام لباله و صناعیه ۴ - نوعی با نام دوقو الرومی ۵ - نوعی با نام بهنک و جهنک

۶ - نوعی با نام قمح جبلی و بسطیقون<sup>۴۲</sup>

اسطافالینوس اغریوس (Staphulinos agrios): جَزَر بری - دوقو - جزر بستانی

جَنجیدِیون (Gingidion): اصطفن ابن بسیل آن را «شاهترج» می داند در صورتیکه نه تنها با مشخصات «شاهترج» همخوانی

ندارد بلکه با آن مغایر است و صحیح آن است که این گیاه را نوعی «جزر بری» بدانیم. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴۹ - ۲ - ۱۲۱]

ز - خ - ط.	جزر	<i>Daucus carota L.</i>
دیسکورید	اسطافالینوس اغریوس، جزر بری، جزر بستانی	<i>Daucus carota L.</i>
دیسکورید	جنجیدیون - نوعی جزر بری	<i>Daucus gingidium L.</i>
الموسوعه	جزر - اصطفیلن	<i>Daucus carota L.</i>
الموسوعه	جزر بری	<i>Daucus carota L.</i>
الموسوعه	جزر الرعاة - دوقس	<i>Athamanta cretensis</i>
پارسا	گزر دشتی	<i>Pastinaca sativa L.</i>
پارسا	گزر صحرائی - شقاق مصری	<i>Pastinaca secacul Russ.</i>

۵۲۸ - جُعْدَه، جُعْدَه، جُعْدَه، جُعْدَه، جُعْدَه، جُعْدَه: از جنس شیحات است نام های دیگر آن: یونانی: فولیون<sup>۴۳</sup> -

کیسرگونه<sup>۴۴</sup> - کیسومر<sup>۴۵</sup> نوع صغیر جبلی به شیرازی: گل اربه<sup>۴۶</sup> - نوع کبیر، نوع بستانی: جعده کبیر<sup>۴۷</sup> - فارسی: عنبر

بید<sup>۴۸</sup> «اشبیلی» می گوید: نام جعده در کنار نام های مشابهی چون «جَعْدَه، جَعْدَه، جَعْدَه، جَعْدَه، جَعْدَه» قرار می گیرد ولی هیچ یک باهم شباهتی

ندارند و در ماهیت آن اختلاف است و از آن چهار نوع ذکر شده است: ۱ - کوهی سفید معروف به بذلیره ۲ - نوعی معروف به مِسک الجن ۳ - نوع

حرانیه با نام های: الیون، الیاله - بولیون، فولیون، کفلیون، قرشبون، یربه قرشته، شنشطوره، کموتان، قلوبن ۴ - نوع بحری معروف به جعده

بحری - اما سایر گیاهانی که فقط شباهت اسمی به جعده دارند عبارتند از: الف - جَعْدَه الجدران که همان هندیاء الاجعد است. ب - جَعْدَه با

نام یَزبه بذلیره یعنی از بین برنده قُمل که خود دارای دو نوع است و نام های آن عبارتست از: ۱ - مسک الجن، مسک الارض ۲ - تافیزان، فنقین،

میوس، فرلیون ج - جَعْدَه که همان قَرَة العین است. د - جَعْدَه ه - جَعْدَه یَلَه که نوعی اسطوخودوس است. «دیسکورید» نوع جبلی را

«فولیون» می نامند.<sup>۴۹</sup>

پُلُون (Polion): نوع سیاه و سفید «جَعْدَه» را گویند که نام رومی آن «فُولیون» است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۰۵]



<i>Teucrium polium</i> L.	بلوین - جعدہ	دیسکورید
<i>Teucrium polium</i> L.	جعدہ	EN، زر.
<i>Ajuga iva</i>	جعدہ	طباً - خط.

۵۲۹ - جعدة القنأ: نام‌های دیگر آن: دمشق: کُزبرة البير

۵۳- جُفْتُ آفرید، جُفْتُ آفریدم، جُفْتُ آفریدی، جُفْتُ آفریدی: نامی فارسی به معنای زوج آفریده شده<sup>۵۳</sup>

<i>Androsace Tourn.</i>	جفت افريد	زرياب
-------------------------	-----------	-------

۵۳۱۔ حَفْن: ث

۵۳۲- چَکّی: (نامی ہندی) نام دیگر آن بہ بنگالی «کتھل» است۔

۵۳۳- چکوتره؛ (نامی هندی) نوعی لیمو؛ - نام دیگر آن به هندی «تاوه» است؛

۵۳۴- چکوند: (نامی هندی) نام دیگر آن به هندی «پنواز» است.<sup>۱</sup>

۵۳۵- چَلاپا: (در شهر چلاپا وجود دارد) نام دیگر آن به انگلیسی «جلب» است.<sup>۲</sup>

۵۳۶- جُلْبَان<sup>۲</sup>، جَلْبَان<sup>۳</sup>، جُلْبَان<sup>۴</sup>، جُلْبَان<sup>۵</sup>: از انواع «قطنیه» است<sup>۶</sup> و دارای سه جنس است، یکی - از آن سه - «کرسنه»... و «جلبان» را در قزوین «خُلَر» و در آذربایجان «کلول» و در خراسان گروهی - آن را - «مُتک» گویند.<sup>۷</sup> «اشبیلی» می‌گوید: دارای انواع زراعی و غیر زراعی است، گروه ۱ - بَسِیل ۲ - بِزاج، خُلَر، خَزَفی ۳ - شَنَتَرَن ۴ - جُلْبَان است نام‌های نوع غیر زراعی در پنج نوع عبارتست از: ۱ - حَبِشَه، اَباقی ۲ - ... ۳ - اَقینی یعنی مَکْشَر اللبَن، بُولوغالی، غُلُوکَش ۴ - جَلْبَان، خُلَر، اَرْبَلِیش، تَتِیفَن، الخَرْفَا، جِلْدَان، جاجر ۵ - حَبِشَه، اقروم<sup>۸</sup> «غافقی» می‌گوید: نوع بزرگ «جلبان» که تنها پخته آن خوراکی است به نام «بَسِیلَه» معروف است و نوع دیگر آن بری است.<sup>۹</sup>

<i>Pisum sativum L.</i>	جلبان	خطابی
<i>Lathyrus sativus</i>	جلبان	طباطبائی
<i>Lathyrus sp.</i>	جلبان	EN.

٥٣٧ - جلبلان الحشّة<sup>٤</sup>: ابن جليل آن را «بزر خشخاش الأسود» می شناسد.<sup>٥</sup>

۵۳۸- جُنار، جَلنار، جلنار، جَلْدَار، جلنار، جلنار، بلوسیطون، سطيوس، مظّ: معرب گلنار فارسی نام‌های دیگر آن: شیرازی: گل انار صد برگ<sup>۱</sup>- هزاره<sup>۲</sup>( زیرا گل آن بسیار بزرگ و پر برگ می باشد). - رومی: لاثوریدس<sup>۳</sup>، اوئنا<sup>۴</sup>( به معنای بهترین گل هاست) - سریانی: وردادرمانا، رمانامصرینا<sup>۵</sup>- مصری: خنداقل<sup>۶</sup>- نام‌های نوع دشتی: - رومی: فلوستپون<sup>۷</sup>- یونانی: کنطینوس<sup>۸</sup>- سریانی: رمانادبرا<sup>۹</sup>- فارسی: گلنار دشتی<sup>۱۰</sup>- مصری: خنداقل<sup>۱۱</sup>- عربی: مظّ<sup>۱۲</sup>- نام‌های نوع مصری: اورابالاسوطن<sup>۱۳</sup>- میوه درخت «نار» است و به بار «رمان» می‌گویند.<sup>۱۴</sup> - دیسکورید می‌گوید: نام

«جلنار بری» «بالسطون» است<sup>۷</sup> «جالینوس» می‌گوید: «جلنار» گل «رمان بری» است و «جُبْنَد» گل «رمان بستانی»<sup>۸</sup> بالسطون (Balaustion): «جُلنار» نام گل «رُمان بری» و «جُبْنَدَه» گل «انار بستانی» است که به آن «جلنار» نیز گویند. نام دیگر

حلنار «رَغْث» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۴]

<i>Punica granatum L.</i>	بالسطیون - جلنار	دیسکورید
<i>Punica granatum L.</i>	جلنار	ز. ط. - خ.
<i>Punica granatum L.</i>	درخت انار	پارسا

۵۳۹ - جلنجمون<sup>ش</sup>، جلنجویه<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: صعتر الفرس<sup>ع</sup> - فوتنج البری<sup>ع</sup> - یونانی: غلجن<sup>ع</sup> - فلائیه<sup>ع</sup> - نام دیگر آن صعتر العدس<sup>ش</sup> است و شاید همان «صعتر الفرس» باشد که همان «پودنه صحرانی» و صعتر فارسی است.

زریاب	جلنجمون - صعترالعدس	<i>Mentha pulegium L.</i>
-------	---------------------	---------------------------

۵۴۰ - جُلنسرین<sup>ع</sup>: نوعی از «نسرین» پر خار که در شهرهای ما به «ورد الذکر» معروف است.<sup>ع</sup>

۵۴۱ - جُلوز<sup>ش</sup> یا جُلوز<sup>ش</sup>، جُلوز<sup>ش</sup>، جُلوز<sup>ش</sup>، جُلوز<sup>ش</sup> (نامی عربی) نام های دیگر آن: بندق<sup>ش</sup> - جیلغوز یعنی جوز الجیل<sup>ش</sup>، جلفوزه مصری<sup>ش</sup> - آوزه<sup>ش</sup> - فارسی: فندق<sup>ش</sup> - اهل مغرب: ارجان<sup>ش</sup>، ارقان<sup>ش</sup>، بادام کوهی<sup>ش</sup> - شیرازی: بخرک<sup>ش</sup> - لوز البدر<sup>ش</sup> - ابیلانس<sup>ش</sup> - بسطیقا<sup>ش</sup>

قاربانیتقا (*Karua pontika*): شجرة البندق - اهالی مغرب: جُلوز<sup>ش</sup> [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۴]

زریاب	جلوز - بندق - ارزه	<i>Corylus avelana L.</i>
دیسکورید	قاربانیتقا - شجرة البندق - جلوز	<i>Corylus avelana L.</i>

۵۴۲ - جُلهم<sup>ع</sup>: گویند نام «عوسج أسود» است.<sup>ع</sup>

۵۴۳ - جلیف<sup>ع</sup>: «غافقی» می گوید: بذر معروف به عجمی اندلس به «بشت» و نام دیگر آن «زوان» است.<sup>ع</sup>

۵۴۴ - جلیط<sup>ش</sup>: نوعی ابله

۵۴۵ - جِمْمِجُم<sup>ش</sup>، جِمِجِم<sup>ش</sup>، جِم جم<sup>ش</sup>: برخی آن را «بهمن أبيض» می دانند.<sup>ع</sup>

۵۴۶ - جِمِسْفَرَم<sup>ش</sup>، جِمِسْفَرَم<sup>ش</sup>: گویند به معنای «ریحان سلیمان» است.<sup>ع</sup> - نام دیگر آن: جماهو سلیمان<sup>ش</sup>

الموسوعه	حبی الرهبان - ریحان سلیمانی	<i>Ocimum filamentosum Forsk.</i>
طباطبائی	جِمِسْفَرَم	<i>Ocimum gratissimum L.</i>

۵۴۷ - جمره الارض<sup>ش</sup>: نام مشترک برای گیاه «قُرْنَبی» و «شمال» است. علت نامگذاری به جمره الارض بخاطر رنگ قرمز آتشین آن در مراحل اولیه رویشش می باشد.<sup>ش</sup>

۵۴۸ - جَمِیز<sup>ش</sup>، جَمِیز<sup>ش</sup>، جَمِیز<sup>ش</sup>، جَمِیز<sup>ش</sup>: نوعی انجیر<sup>ش</sup> نام های دیگر آن: عربی و یمن: رَقَع<sup>ش</sup> - یونانی:

شیقوموری<sup>ش</sup>، اسفومغری<sup>ش</sup>، ایعاسوفسین<sup>ش</sup> یعنی تین الاحمق<sup>ش</sup>، سیقوموروس<sup>ش</sup> - هندی: کولر<sup>ش</sup>، ثمر پشه<sup>ش</sup> به دلیل آنکه

درون میوه آن پشه جمع می شود.<sup>ش</sup> - دیسکورید: سیقوموری<sup>ع</sup> - سواکاسینس<sup>ع</sup>، به معنای «تین أحمق» - سوفامینوس<sup>ش</sup> - فیکوس<sup>ش</sup>

- فیکومورا<sup>ش</sup> - فیکه منتیره یعنی تین جبلی<sup>ش</sup>

سیقاموری (*Sukomoron*): تین أحمق - جَمِیز<sup>ش</sup> - این گیاه در مغرب نمی روید. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید)]

د.خ - EN	جمیز	<i>Ficus sycomorus L.</i>
----------	------	---------------------------

۵۴۹ - جنت قابله<sup>(۱)</sup>: از جنس گیاهان خاردار و از نوع جنبه است و «ابن جزار» آن را به اشتباه «فو» معرفی کرده است. دارای چهار نوع با نام های

زیر است: ۱ - کامیونین، ابارس، اسطراطیقوس به معنا شوک المفلل، ایرنجی یعنی مفید برای ورم حالب، جنت قابله یعنی دارای صد سر،

قرصنه - شام: مجنون، ام یحیی، شوکه العقر، شوکه الزرقاء، کوبیه ۲ - اسطراطیقوس الصغری، ارنتاله، زریقاء ۳ - زریقاء، ارنتاله ۴ - اروناردش،

بولابیطس، اورمش<sup>ش</sup>

۵۵۲- جنّیائسَة: "اشبیلی" می‌گوید: نام دو گیاه است: ۱- عَقْرَبان ۲- هُذیلیه، که برخی آن را نوعی «خولنجان» با نام اندمولیا و الطردونه می‌دانند.

۵۵۴- جنجیدیون<sup>۴</sup>: هر چند «اصطفی بن یسیل» آن را گیاه «شاهترج» معرفی کرده ولی این درست نیست زیرا من - ابن بیطار - این گیاه را در شهرهای انتالیا مشاهده کرده‌ام و مشخصات آن را با گیاه «شاهترج» متفاوت دیده‌ام و آن نوعی «جزر» است.<sup>۵</sup>

۵۵۵- جُنْطَانَا، جُنْطَانَا، جُنْطَانَا، جُنْطَانَا (نامی یونانی یا رومی)، بشل، شکه<sup>۵</sup> (نامی اندلس)، دواء الحمة، دواء الحمة، کوشاد<sup>۶</sup>، نعم، حنه رشه، حنظل، روم<sup>۷</sup>، است<sup>۸</sup> اسم آن از نام پادشاهی به نام حنظیر که

از آن خواص اطلاع یافت و یا به وسیله آن شفا یافت گرفته شده است. نام‌های دیگر آن: داء الحیه، جنطیان،

«ابن بیطار» می‌گوید: دارای سه نوع است: نوعی در کوه‌ها و مکان‌های سردسیر و یخی می‌روید که نوع رومی است و نوع دیگر

شلفشین، جنطیانا، بشلشہ، ٹوم الحیہ، دواء الحیۃ، شجر الحیۃ، لوف الکبیر، نام ریشہ: کرشاد، کرنیبا ۲ - نوع دوم جنطیانا الجرمانی

جَیْیَانَا (*Geniuna*)، این گیاه مسوب به پادشاهی به نام «جِطَس» است که اولین مرتبه خواص آن را دست کرده است. نام  
های دیگر آن «دواء الحية»، «گوشاد» و به لاتینی «بَسَلَسْکَه» است و دارای رومی و جَرَمَقَانی است. نوع رومی که زرد بسیار تلخ

است بهتر از نوع دیگر بوده و نوع جرمقانی سیاه رنگ و نامرغوبتر است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۳]

<i>Gentiana lutea</i> L.	جنطیانا	ز.خ.ط.-E.
<i>Gentiana lutea</i> L.	جنطیانا - دواء الحیه - کوشاد	دیسکورید

۵۵۶- جَنِي، جَنِي، جناء، اَجْش: نوعی از شَم است. نام‌های دیگر آن: در قیروان: شُماری<sup>۷</sup> - نزد عرب: برقه<sup>۸</sup> - اهل قدس: قیقان، ثَقَف<sup>۹</sup> - فاس: ساسونا<sup>۱۰</sup> - بربری: بوخون<sup>۱۱</sup> - اشبیلی<sup>۱۲</sup> می‌گوید: جِنا الاحمر از جنس درخت خشبی و از نوع ورق الاسی است و

دارای دو نوع است نام‌های نوع اول آن عبارتست از: اباریقون، اماریقون، قامارون، ازیریا، مطرونیه، بذلوزن، ثومارس، ماماقولا، قومارقوس، ایسانسول، خُنب، خُمجَه، قاتا، ابیه، بُزْطَه - و نوع دوم نوع بی‌دارای، نوع کوحک و نیزگ است.<sup>۷</sup>

<i>Arbutus unedo</i>	جناء	خطابی
----------------------	------	-------

۵۵۷ - جَوْدَرَج :

۵۵۸ - جُوانِ سَہَرَم<sup>ب</sup>: جنسی است از «یاسمین»<sup>ب</sup>

۵۵۹- چوب چینی: خشب الصینی 'وبیخ چینی'

<i>Smilax L.</i> <i>Smilax glabra Roxb</i>	چوب چینی	پارسا
---	----------	-------

۵۶۰۔ چوب چینی خطائی:

۵۶۱- جوز، جوز، جوز، جوز، جوز، خسف: نام‌های دیگر آن: گردکان، چهار مغز، - ہندی: اخروی -  
 حالبوس: قاریا - رازی: جوز العدس - رومی: قریدی - اورپاسیس: قاریاسلفا (قاروا باسلیقا) - باسلیقا، قرشیقا

قاروڈیا ش - نوجی ش - اتسویک ش - برشیقا ش - الموش

قارَبَاسِيلِقا (Karua basilika): جَوْز این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۳۵ / ۱۴۶:

Juglans regia L.	جوز	زر - طب.
Juglans regia L.	قارباسیقا - جوز	دیسکورید

۵۶۲ - جَوْز اَرْقَم، جوز اَرْقَم: نام های دیگر آن: بربری: اکتار<sup>۴</sup>

Bunium bulbocastanum L.	آ اکتار اجرد - تلفوطه - جوز ارقم	الموسوعه
-------------------------	----------------------------------	----------

۵۶۳ - جوز اَرمانیوس<sup>۵</sup>: بنا به نظر این بیطار نامی برای «مُخَلَّصه» است.<sup>۶</sup>

۵۶۴ - جوز الأَنْهَار، جوز الارض<sup>۷</sup>: نام های دیگر آن: کاتنج المرجی<sup>۸</sup> - در کتاب دیسکورید: قفا<sup>۹</sup> - نام گیاه از نظر ابن جلیجل و ابن بیطار: جوز القَطَا<sup>۱۰</sup>

۵۶۵ - جوز الاكل<sup>۱۱</sup>: از جنس درختان بزرگ است و گویند «جوز السواک» است و در مغرب بطور فراوان یافت شده و مشهور و معروف می باشد.<sup>۱۲</sup>

Jualans regia	جوز الاكل	خطابی
---------------	-----------	-------

۵۶۶ - جَوْزَبَوَا، جوزبوا<sup>۱۳</sup>، جوزبوا<sup>۱۴</sup>، جوزبوا<sup>۱۵</sup>، بسباس<sup>۱۶</sup>، دارکیسه<sup>۱۷</sup>، جُوزَبَوَا، بسباسه<sup>۱۸</sup>، جارکون<sup>۱۹</sup>، جوزبوا<sup>۲۰</sup>، بسباسه<sup>۲۱</sup> (پوست جوزبوا)، جوزبوا<sup>۲۲</sup>: نام های دیگر آن: جوز الطیب<sup>۲۳</sup> - جوزبوا مغرب جوزبویای فارسی - یونانی: طریفولین<sup>۲۴</sup>، طریفولیا<sup>۲۵</sup> - هندی: جای پهل<sup>۲۶</sup>، جای بل<sup>۲۷</sup>، جادیفیل<sup>۲۸</sup>، ابرسناروا<sup>۲۹</sup>، جادوبوی<sup>۳۰</sup>، جای بل<sup>۳۱</sup>، جاوَنری<sup>۳۲</sup> - سریانی: کوزی دبسم<sup>۳۳</sup>، کوزی بویا<sup>۳۴</sup> - شام: دارکیسه<sup>۳۵</sup> - عربی: بَسْبَاسَه<sup>۳۶</sup> - فارسی: بزباز<sup>۳۷</sup>، سبزبار<sup>۳۸</sup>، کوزبویا<sup>۳۹</sup> - جالینوس: بالانوس<sup>۴۰</sup> - جوز الطیب<sup>۴۱</sup>، جوز الملک<sup>۴۲</sup> - نام ریشه آن «قَرْقَۃ» و نام میوه آن «جوز الطیب» و نام پوست خارجی میوه اش «بَسْبَاسَة» است.<sup>۴۳</sup> "اسحاق بن عمران" می گوید: پوست بخش زیرین چوبی شده «جوزبوا» است که بر بالای پوست صدفی آن پیچیده شده است.<sup>۴۴</sup> - "رازی" می گوید: «جارکون» نام بسباسه است.<sup>۴۵</sup>

Myristica fragrans Houtt.	جوزبوا - جوز الطیب - بسبلة الطیب - ضَبَر	الموسوعه
Myristica fragrans Houtt.	جوزبوا - بسباس - دارکیسه	زریاب
Myristica fragrans Houtt.	جوزبویا	پارسا
Myristica aromatica Lam.	جوزبوا	خطابی

۵۶۷ - جَوْز جَنْدَم، جَوْز جَنْدَم، جوز جندم<sup>۴۶</sup> (مغرب گوز گندم فارسی)، کوز کندم<sup>۴۷</sup>، گُوز گندم<sup>۴۸</sup>، کور کندم<sup>۴۹</sup>: نام های دیگر آن: گور گندک<sup>۵۰</sup> - گل گندم<sup>۵۱</sup> - عربی: نعیج الحبشه<sup>۵۲</sup>، شحم الارض<sup>۵۳</sup> - اهل رقه: خرو الحمام<sup>۵۴</sup> - اهل اندلس: تربة العسل<sup>۵۵</sup> - فرو الحمام<sup>۵۶</sup> - شیرازی: گل گندم<sup>۵۷</sup> - رومی: کرکسن<sup>۵۸</sup> - سریانی: حزازینا دخیقا<sup>۵۹</sup> - جوز جندم<sup>۶۰</sup> - جوز جندم جنسی است از گل و طعمش از طعم گل با طعم گندم دهد.<sup>۶۱</sup>

Lecanora esculenta Ev.	گوز گندم	زریاب
Lecanora affini Ev.		
Garicina mangostana L.		

<i>Garicina mangostana L.</i>	کوز گندم	طباطبائی
<i>Garcinia mangostana</i>	جندم منغستان - جوز جندم کوز گندم - زهره الحجر	الموسوعه
<i>Centaurea cyanus L.</i>	گل فیروزه - گل گندم	پارسا

۵۶۸ - جوز الخَمَسُ، جوز الخمس: (میوه ای هندی)

۵۶۹ - جوز الرُّقْع: نام دیگر آن: اهل السراة: رقعة<sup>۴</sup>

"ابن هیثم" آن را «جوز القی» می داند و در آن تردید است زیرا رازی «رقع الیمانی» و «جوز القی» را یک جا در کتاب «تقاسیم العلل» شرح داده و کیفیت قی را به هر دو نسبت داده است و از طرف دیگر ابو حنیفه طعم «رقع» را شیرین ذکر می کند و حال آنکه «جوز القی» شیرین نیست.<sup>۵</sup>

۵۷۰ - جوز داود: دانه ای که از هند و چین آورده می شود.

۵۷۱ - جوز رومی، جوز رومی: نام های دیگر آن: اکبروس، اکروفس - نام صمغ آن: اسخن<sup>۶</sup>

<i>Populus nigra L.</i>	جوز رومی	زریاب
-------------------------	----------	-------

۵۷۲ - جوز الریح، جوز الریح: نام های دیگر آن: لقم القاضی، بنادق البربر - اشبیلی می گوید: نام میوه نوع دیگر آن «ثمر الغالبه» است و در ناحیه غرطانه به آن «بلیار» گویند.<sup>۷</sup>

۵۷۳ - جوز الزنج، جوز الزنج، جوز الزنج: <sup>۸</sup>

<i>Sterculia acuminata</i>	جوز الزنج - کولا - کوله	الموسوعه
<i>Amomum granum-paradisi L.</i>	جوز الزنج	خطابی

۵۷۴ - جوز الشُرک، جوز الشُرک: نام های دیگر آن: تین الفیل، جوز الحبشه<sup>۹</sup>

۵۷۵ - جوز العَبْهر، جوز العَهر: <sup>۱۰</sup>

۵۷۶ - جوز القَطَا، جوز القَطَا: «قَطَا» به فارسی یعنی پرنده سنگ خوار، و چون این پرنده بسیار از آن می خورد به همین نام مشهور است.<sup>۱۱</sup>

قیماً (Kepaia): گیاهشناسان اندلس به آن «جَوْز القَطَا» گویند زیرا پرنده «قَطَا» بر خوردن این گیاه بسیار حریص است و در طعم آن حالت گسی چون گردوست. "ابن حسان" آن را «شجر حب الأسیر» معرفی کرده است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۴۶]

<i>Sedum cepaea L.</i>	جوز القطا - شجر حب الاسیر	دیسکورید
------------------------	---------------------------	----------

۵۷۷ - جوز القی، جوز القی، جوز القی، جوز القی، جوز القی، جوز القی: نام های دیگر آن: جوز الدفع زیرا

بوسیله آن قی و اسهال دفع می شود. - هندی: معین پهل، مین بل - سندی: منبهل - فرنگی: نور مطلبیه - رومی: بلا یوس - سریانی: کوزی دهفاختا<sup>۱۲</sup> اشبیلی می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است و درست آنست که دو نوع دارد: ۱ - سورنجان قتال با نام های: قلیخین، جردیونه، افیمارون ۲ - نوعی از نقاخ با نام های: رجلة الشتاء و الصیف<sup>۱۳</sup>

<i>Euphorbia curcas = Jatropha curcas</i>	جوز القی	پارسا
<i>Trichilia enetica Vahl</i> <i>Elcaya jemenensis Forsk.</i>	جوز القی	زریاب

<i>Strychnos nux-vomica</i> L.		
<i>Trichilia enetica</i> Vahl. <i>Strychnos nux-vomica</i> L.	جوزالقیء	طباطبائی
<i>Strychnos nux-vomica</i> L.	جوزالقیء - ستریکنوس القیء	الموسوعه
<i>Strychnos nux-vomica</i> L.	جوزالقیء، جوزالمقی	خطا، EN.

۵۷۸- جوز الکوثل، جوز الکوثل، جوز الکوثل: (میوه ای هندی) جوز القی

<i>Randia dumetorrn L.</i>	جوزکوئل	پارسا
----------------------------	---------	-------

<sup>۵۷۹</sup>-جوز المائل، جوز مائل<sup>ص</sup>، جَزَمَائِلْ<sup>ب</sup>، جوز مائیل<sup>ع</sup>، جوز مائل<sup>ف</sup>، جوز مائل<sup>ث</sup>، جوز مائل<sup>ط</sup>، مغرب کوز مائل فارسی، جوز روت<sup>ت</sup>: نام‌های دیگر آن: جوز ماشم، جوز مانا، جوز ماٹ، مرقد<sup>د</sup> - فارسی: تاتوله<sup>ل</sup> - هندی: دهتوره<sup>ه</sup>، ته توره<sup>و</sup> - به لغتی: استرمونیه<sup>ی</sup> - ابن بطریق می‌گوید: همان جوز القیء است.<sup>ح</sup>

<i>Datura metel</i> L.	جوز مائل - بَقَم	الموسوعه
<i>Datura metel</i> L. <i>Datura stramonium</i> L.	جوز مائل	زرياب
<i>Datura stramonium</i> L.	تاتوره - جوز مائل	پارسا
<i>Datura metel</i> L.	Bengal: Dhatura - Bombay: Dhutura - Hendia: Sadah dhatura Sanskrit: Dhustura - Tamil: Vellum mattai	GLO.IN.

۵۸۱- جوز المَرَج<sup>۵</sup>، جوز المَرَج<sup>۶</sup>: نام‌های دیگر آن: حب الكاكنج الجلبی<sup>۷</sup> - حب كاكنج كوهی<sup>۸</sup>

٥٨١ - جوز النعاس<sup>ش</sup> : فارس العود<sup>ش</sup>

۵۸۲ - جوز الهند<sup>ش</sup>: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را میوه «جوز الرومی» و عده‌ای «نخل المقل» و گروهی «شجر الفوفل» می‌دانند و در ست آنست که نام دیگر «نارجیل» است. نام‌های دیگر آن عبارتست از: اغیرس، بارنج، رانج، تافندوت<sup>ش</sup>

۵۸۳- جوز اليسرو يا جوز النسرو: نام ديگر آن: كوز كلاغ

۵۸۴ - جولق<sup>۷</sup>، جولق<sup>۸</sup>: نامی نزد عجم اندلس، که نام لاتینی آن «بلاقه»<sup>۹</sup> است و «دارشیشان» دانستن آن اشتباه است.<sup>۱۰</sup> «اشیلی» می‌گوید: از جنس تمش و نوعی شوک است. دارای پنج نوع است، نام‌های نوع پنجم آن عبارتست از: اسبلاقوس، دارشیشان، بلاقه، وارونه، شوکه ره‌اویه، قندول<sup>۱۱</sup>

۵۸۵ - جوشیصا<sup>۴</sup>: (نامی فارسی) نام دیگر آن نزد اهالی جزیره «حوسالی» است.<sup>۵</sup>

۵۸۶- چولائی: (نامی ہندی)

۵۸۷-جینت؛ (نامی ہندی)

۵۸۸- جیدار، جیدارۃ: (نامی فارسی)

۵۸۹- جیرش<sup>۷</sup>: نام دیگر آن از نظر "قسطابن لوقا" «فستق المصری» است.<sup>۷</sup>

۵۹۰- جیش: نام دیگر آن: فارسی: شلمیز

۵۹۱-جیکلکی؟ (نامی ترکی)

۵۹۲ - جینه: نام دیگر آن: ینوۃ، جمع آن: ینبوت - «شبیلی» می‌گوید: دارای دو نوع است نوعی کوچک و نوع بزرگ که معروف به «شوکه الشهباء» است و برخی آن را به اشتباه «خروب النبطی» می‌دانند.<sup>ش</sup>

۵۹۳ - ساحل اقطی: (نامی یونانی) نام‌های دیگر آن: یوس اقطی، شبوقه

۵۹۴ - حاج، حاج، حاج، ترنجبین<sup>ص</sup>، ثُرنجین<sup>ع</sup>، ترنجبین<sup>ث</sup>، ترنجبین<sup>ث</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: خارشتر<sup>(۱)</sup>  
خراسان: تر - فارس: ارود - اصفهان: اشتر - ترکی: دویتکانی - هندی: جواسا - عاقول  
در خراسان ترنجبین روی آن تشکیل می‌شود.<sup>۱</sup> - نام‌های دیگر ترنجبین: جواسا سکر الحاج - اصفهان:  
اشتر انگبین - در کتاب الحاوی این نام معادل نامی که دیسکورید از آن بعنوان «أرتقی» یاد می‌کند، آمده و «أرتقی» به زبان  
اندلس همان «خلنج» است و درخت «حاج» نمی‌تواند حتی نوعی از آن بشمار آید و / درست همین است / زیرا حاج درخت  
خارذاری است که در شهرهای مصر و شام و عراق به «عاقول» معروف است.<sup>۲</sup> ترنجبین، شبمی است غسل مانند که از آسمان بر  
روی برخی گیاهان چون «حاج» می‌نشیند و برگردان عربی آن «غسل اللّدی» است. (بر اثر نیش حشره از گیاه ترشح می‌شود).<sup>(۳)</sup>

۵۹۵ - حاذ<sup>ش</sup>: نوعی از حَمَض<sup>ش</sup>

۵۹۶ - حارز الاتهار<sup>ش</sup>: وجه تسمیه: بر روی آب‌های راکد رویش دارد. <sup>ش</sup> نام دیگر آن: سلق الماء<sup>ش</sup>، طاموغیطن<sup>ش</sup>

۵۹۷ - حارز الماء<sup>ش</sup>: دارای دو نوع است: نوع اول آن را «مربافلن» و نوع دیگر آن را «حارس» می‌نامند. نام‌های دیگر آن عبارتست از: بوطاموغیطس، سطرابطوس ماریوس یعنی بحری زیرا گیاه بر روی آب می‌روید.<sup>ش</sup> برخی آن را به اشتباه «امیره» و عده‌ای نوعی «عصارالرعی» با نام «ألف ورق» می‌دانند و نام صحیح آن «صنوبر الماء» و معروف به «قُرْیص» است.<sup>ش</sup>

۵۹۸ - حاشا، حاشا، حاشا، حاشا، حاشا، مامور: نوعی فوتیج<sup>۱</sup>، نوعی پودنه کوهی<sup>۲</sup> - نام‌های دیگر آن: مامون - یونانی: تومس، تومس - گیاهشناسان اندلس و اهالی مغرب: صعتر الحمیر، سعتر الحمیر - روفس<sup>۳</sup> - نام گاه در کتاب دیسکورید: ثومیث<sup>۴</sup> - ثوس<sup>۵</sup> - دارای دونوع حجازی و آندلسی است.<sup>۶</sup>

ثومس (Thumos): "اصطفیٰ" آن را معادل نام «حاشا» میدانند ولی مشخصات این دو با هم یکی نیست. [این بطلار (در ترجمه دیکورید) ۲ - ۴۴]

۱- به اثر نیش حشره‌ای یا کرم آن بر برگ از گیاه ترشح می‌شود.

۵۹۹- حاشیش؛ حاسیس<sup>۴</sup>: نام دیگر آن به فارسی «حسن یوسف» است.<sup>۵</sup>

۶۰۰- حاماقسیس<sup>۶</sup>: حاماقسیس<sup>۷</sup>

۶۰۱- حاماسوقی<sup>۸</sup>:

۶۰۲- حَبْجَو: (نامی عمانی و شحری)

۶۰۳- حَبّ البان؛ حب البان، بان<sup>۹</sup>، شوع<sup>۱۰</sup>، شوع<sup>۱۱</sup>، فستق الهاویه: نام های دیگر آن: شجر البان<sup>۱۲</sup> - سریانی: فستقی<sup>۱۳</sup> - هندی: بکاین<sup>۱۴</sup> - فرنگی: توزانکون ناریه<sup>۱۵</sup> - دانه: فستق البادیه<sup>۱۶</sup> - درخت: شوع<sup>۱۷</sup>

<i>Moringa aptera Gaertn.</i>	بان - یسر - شوع - سیاع	الموسوعه
<i>Moringa arabica Pers.</i> <i>Moringa pterygosperma Gaertn.</i> <i>Moringa aptera Gaertn.</i>	بان - شوع - فستق البادیه	زریاب
<i>Moringa arabica Pers.</i> <i>Moringa pterygosperma Gaertn.</i>	حب البان	طباطبانی
<i>Salix aegyptiaca Forsk.</i>	حب البان	EN.

۶۰۴- حَبّ بِلْسان:

۶۰۵- حَبّة الخضراء؛ حبة الخضراء: نام های دیگر آن: میوه درخت بطم<sup>۱۸</sup> - فارسی: خنجک<sup>۱۹</sup> - سجزی: کنشک<sup>۲۰</sup> - سندی: کلنکور<sup>۲۱</sup>

<i>Pistacia khinjuk Stoc.</i>	حب الغار (اصفهان) - حب الخضرا (تهران) - حب البنه (عرب) - سبز قلنج (تهران) - بزقنز (همدان، اصفهان) - کل پسته (بمبی)	پارسا
<i>Pistacia terebinthus L.</i>	حبة الخضراء - بطم - خنجک	زریاب
<i>Laurus camphora L.</i>	حبة الخضراء	EN.

۶۰۶- حَبّ الراسن؛ زیب الجبل<sup>۲۲</sup>، امباشا<sup>۲۳</sup>، حب الراسن: نام های دیگر آن: حب الراس<sup>۲۴</sup> - زیب الجبل؛ زیب بری<sup>۲۵</sup> - اسطافندماغریا<sup>۲۶</sup> - دیسکورید: اسطافاندا اغریا<sup>۲۷</sup> صاحب مفرد<sup>۲۸</sup> گوید آن «مویزج» است و این سهو است و صاحب منهاج ماهیت آن را درست گفته است که آن زرد رنگ و طعم وی تلخ بود و گرد شکل است مانند تخم مخلصه، و در کوهستان فارس خیزد و از کردستان حد آن و آن را «رانج ویر» خوانند و «راسن» دو نوع است: جبلی و بیستانی و منظور تخم جبلی است. صاحب جامع گوید «زیب الجبل» «حب الراسن» است و این سهو است.

۶۰۷- حب الریاس: نام دیگر آن به فارسی «تخم ریاس» است.<sup>۲۹</sup>

۶۰۸- حَبّ الزُّلم؛ حب الزُّلم<sup>۳۰</sup>، حب الزُّلم<sup>۳۱</sup>، حب الزُّلم<sup>۳۲</sup>، حب الزُّلم<sup>۳۳</sup>: نام های دیگر آن: حب دیمیم<sup>۳۴</sup>، فلفل السودان<sup>۳۵</sup> اشبیلی<sup>۳۶</sup> می گوید: برخی آن را به اشتباه «حب التشم» و «حب الدسم» و «فلفل السودان» می دانند.

<i>Cyperus esculentus L.</i>	حب الزلم	زر - خط.
<i>Cyperus esculentus L.</i>	حب العزیز، زلم، شُغْدماکول، حب الزلم	الموسوعه

۶۰۹- حَبّ السِّمنه؛ حب السِّمنه<sup>۳۷</sup>، حب السِّمنه<sup>۳۸</sup>، شاهدائق<sup>۳۹</sup>، حب السمنه<sup>۴۰</sup>، حب السمنه<sup>۴۱</sup>، حب السمنه<sup>۴۲</sup>، حب السمنه<sup>۴۳</sup>، حب السمنه<sup>۴۴</sup>، حب السمنه<sup>۴۵</sup>، حب السمنه<sup>۴۶</sup>، حب السمنه<sup>۴۷</sup>، حب السمنه<sup>۴۸</sup>، حب السمنه<sup>۴۹</sup>: نام های دیگر آن: شهدانج البری<sup>۵۰</sup> - فارسی: نقل خواجه<sup>۵۱</sup>، تخم کنب<sup>۵۲</sup>، شاهدانه بری<sup>۵۳</sup>، کبدانه<sup>۵۴</sup> - صامریوما<sup>۵۵</sup> - سریانی: زرع آدم<sup>۵۶</sup> - رومی: کناریون<sup>۵۷</sup> - تازی: قُنب<sup>۵۸</sup>، تنوم<sup>۵۹</sup> - جنگلا<sup>۶۰</sup>



قَنَابَش (Kannabis): قَنْب - شَهْدَانَج، شَاهِدَانَق

قَنَابَش أَغْرِیون (Kagria): قَنْب بری - اهالی شهرهای ما به آن «قَنْبِه» - اسم تصغیر «قَنْب» - گویند که همان «شَهْدَانَج بری» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۴۳ و ۱۴۴]

Cannabis sativa var. indica	قَنَابَش - قَنْب - شَهْدَانَج - شَاهِدَانَق	دیسکورید
Althaea cannabina L.	قَنَابَش أَغْرِیون - قَنْب بری - شَهْدَانَج بری	دیسکورید
Cannabis sativa L.	حَب السَمْنَه	زر - طبّا.
Cannabis indica L.	شَاهِدَانَه هندی	پارسا

۶۱۰ - حَب الصَّنوبر الصَّغَار: نام دیگر آن به فارسی «تخم کاج» است.

۶۱۱ - حَب الصَّنوبر الکِبَار: محل رویش: سیستان - نام دیگر آن: جَلغُوزَه - نام درخت: سوسن

۶۱۲ - حَب العَزِیز، حَب الزَلَم:

Cyperus esculentus L.	حَب العَزِیز، زَلَم، شَعْدَمَا کُول، حَب الزَلَم	الموسوعه
Cyperus esculentus L.	حَب العَزِیز	EN.

۶۱۳ - حَب الفَار:

۶۱۴ - حَب الْقَلْت، حَب الْقَلْت، حَب الْقَلْت، قَلْت، قَلْت، کَاسِر الحَجَر، مَاش هندی: قَلْت؛ قَلْت؛ مَعَرَب از کَلْتَهه هندی است. نام‌های دیگر آن: سَریانی: قَلْتَا - یونانی: اقونیا - رومی: توانیقی - نزد اهالی عراق: مَاش هندی - هندی: کَلْتَهی؛ کَلْتَه - نام‌های نوعی از آن: رَایج - عربی: کَاسِر الحَجَر

Dolichos biflorus L.	قَلْت	زریاب
Dolichos uniflorus L.		

۶۱۵ - حَب الْقَلْقَل: برخی آن را به اشتباه «فلفل الابيض» می‌دانند و برخی آن را نوعی «رمان بری» به نام «ارمنین» معرفی کرده‌اند و عده‌ای نیز آن را میوه لوبیائی شکل به نام «قَلْقَل»، «قَلْقَلان» و «قَلْقَل» می‌دانند.

Dolichos sp.	حَب الْقَلْقَل	EN.
--------------	----------------	-----

۶۱۶ - حَب الْمَحَلَب، مَحَلَب، مَحَلَب، حَب الْمَحَلَب: نام‌های دیگر آن: فارسی: پیوند مریم<sup>۲</sup> - هندی: کَهِیونِی<sup>۱</sup> فیلورا (Philura): "ابن وافد" آن را «شَجَرَة مَحَلَب» می‌داند و ابن حَسَّان آن را به نام «شَجَرَة الْعُثْم» دانسته و دانه آن را به نام «رَعَج»<sup>(۱)</sup> می‌شناسد ولی به هر دو نظر اشکال وارد است و من - ابن بیطار - این گیاه را نامی شناسم. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۸]

Phillyrea latifolia L.	فیلورا - شَجَرَة الْمَحَلَب؟ - شَجَرَة الْعُثْم؟	دیسکورید
Prunus mahaleb L.	مَحَلَب	زریاب
Cerasus mahaleb Mill.		

۱- رَعَج یا زَعَج یا زَبُوج و زَبُوج واژه‌ای بربری گرفته شده از «تَزَابُوج» (Tazabbugt) و به معنای «زیتون بری و زیتون جبلی است. ابن مراد

طباطبائی	محب	<i>Cerasus mahaleb Mill.</i>
----------	-----	------------------------------

۶۱۷- حب المِئْسَم، حب المِئْسَم<sup>۴</sup>: (نامی عربی)

الموسوعه	مئسم	<i>Aspidium lonchitis</i>
----------	------	---------------------------

۶۱۸- حب الملوك<sup>۵</sup>، حب الملوك<sup>۶</sup>، حبة الملوك<sup>۷</sup>، حب الملوك<sup>۸</sup>، طارطقه<sup>۹</sup>: (۱) نام های دیگر آن: ماهودانه<sup>۱۰</sup>، اهالی مغرب و اندلس «ماهودانه» را نام «قراضیا» می دانند و برخی از مردم نیز آن را نام دانه «صنوبر الكبير» می دانند.<sup>۱۱</sup> - «اشیلی» می گوید این نام به سه گیاه گفته می شود: ۱ - میوه فستق ۲ - میوه صنوبر ۳ - قراسیا

پارسا	حب السلاطين، حب الملوك، کرچک هندی، دند، پیدانجیر خطائی	<i>Croton tiglium L.</i>
-------	--	--------------------------

۶۱۹- حب النيل<sup>۱۲</sup>، حب النيل<sup>۱۳</sup>، حب النيل<sup>۱۴</sup>، حب النيل<sup>۱۵</sup>، حب النيل<sup>۱۶</sup>، حب النيل<sup>۱۷</sup>؛ نام های دیگر آن: قرطم<sup>۱۸</sup> - سریانی: نیلن<sup>۱۹</sup>، نیل فلفل<sup>۲۰</sup>، قرطم هندی<sup>۲۱</sup> - فارسی: تخم نیلوفر<sup>۲۲</sup> - هندی: مرچائی<sup>۲۳</sup>، زیرکی<sup>۲۴</sup> - بنگالی: جهاز قرچه<sup>۲۵</sup>، اپراچنا<sup>۲۶</sup>  
أساطس (Isatis): نیل، نیلج - طین الأخضر - عین الخضراء  
أساطس أغریا (I. agria): نیل بری [ابن یطال (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۶۵]

دیسکورید	أساطس، نیل، نیلج، طین الأخضر، عین الخضراء	<i>Isatis tinctoria L.</i>
دیسکورید	نیل بری	<i>Isatis tinctoria L.</i>
ز.خ. - ط.	حب النيل	<i>Ipomoea hederacea Jack.</i>
پارسا	تخم نیلوفر	<i>Ipomoea hederacea Jack.</i>

۶۲۰- حبریان<sup>۲۷</sup>: نام دیگر آن: ورق الحنا<sup>۲۸</sup> (گاهی بجای حنا از آن استفاده می شود). نوع کوچک: ارقطس<sup>۲۹</sup>

۶۲۱- حَبَق<sup>۳۰</sup>: نام جنسی است که گیاهان بسیاری را در بر می گیرد و گاهی منظور «فودنج النهری» است و به گیاهان معطر و خوش منظر با ساقه های چهارگوش گفته می شود که برخی از انواع آن عبارتست از: الف - پستانی با ده نوع با نام های: ۱ - نام، حب مصری، باسلیقی، منّی، ایدراسیمون، مانته ۲ - مقلوب ۳ - حب الصلّی، حب الخَز، برثماز، هیتمازه ۴ - حب الصعتری، حب الکرمانی، حب الحاحی، ریحانة الملك، شاهشُبرم، مارن، ایصورین ۵ - حب القَرْفَلی، اصابع القینات، ریحانة الرومیه، کما دیون، افرنجمشک، ارفلن، ابنیس ۶ - حب الترنجانی ۷ - حوک، بادروج، حب العریض الورق، طرطور الحاجب ۸ - ترنجان، بادرنجویه، برجارش، تقزین، ترنجاش، سیسته، مفرح قلب المحزون، دافع الغم ۸ - نعنن، ایدیا سمن، یوسیمون، ابریا منّی، میوره، بوریخا، هشرار، هازان، هازوما، هرتما ۹ - سیسنبر، شیشنبر، شنبّر، ایدیا سمن، منّده ۱۰ - مرزنجوش، صمسخن، شرخره، عنقر، مرددوش، حب المُرْد، حب الفتی، ریحانة المروء، مردادوش، سمسقون، سمسخون - ب - بری که نوعی مشکطرامشیع است. - ج - جبلی: با نام حوک و همچنین فودنج جبلی - د - نهري با نام فودنج نهري<sup>۳۱</sup>  
۶۲۲- حب المنتن<sup>۳۲</sup>:

۶۲۳- حب المساکین<sup>۳۳</sup>: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را نوعی «قسوس» و عده ای «لبلاب المجوس» و گروهی «عصا الراعی» و بعضی «یذره» - که درست تر نیز هست - می نامند و در قرطبه به آن «حب المساکین» و «غالبه» می گویند.<sup>۳۴</sup>

EN.	حب المساکین	<i>Hedera sp.</i>
-----	-------------	-------------------

۶۲۵- حَذَقْ<sup>(۱)</sup>، حَذَقْ: نام‌های دیگر آن: بادنجان<sup>۲</sup>، بادنجان دشتی<sup>۳</sup> - اهل حجاز: شوكة العقرب<sup>۴</sup> - اهل قدس: بادنجان بری<sup>۵</sup> - هندی: بهتکتیه<sup>۶</sup>، کتیکن<sup>۷</sup>

۶۲۷- حربث، حُرْبُث، حُرْبُثْ، حُرْبُثْ: نام‌های دیگر آن: بَبْرَه، تمک، انیسون البری

۶۲۸ - حربہ ص: (نامی عربی)

۶۲۹ - حرشاء: "اشبیلی" می‌گوید: به چهار نوع گیاه گفته می‌شود: ۱ - نوع مشهورتر آن خردل بری است. ۲ - گیاهی به نام رضایف و ردایف ۳ - گیاهی به نام مصاصه و حُرْبِشَه ۴ - گیاهی با نام قرادیه و قرذالِیوم<sup>ش</sup>

۶۳۰ - حَرْشَفْ، حَرْشَفْ، حَرْشَفْ، حَرْشَفْ، حَرْشَفْ (نامی نبطی)، کَنکَرْ، کَنکَرْ، کَنکَرْ، کَنکَرْد (نام صمغ)، تَراب القی، تَراب القی، عَکُوبْ، عَکُوبْ، عَکُوبْ، شُوک الدَّهْن، شُوکة الدَّهْن: نام‌های دیگر آن: عربی: عَکُوب، سَلِین، خَرَبَع - فارسی: کَنگَر، دروکی کَنکَر - سریانی: دَعثالْفَناء - رومی: کَنکَرِیس - یونانی: سَقُولوموا - کبر - نام نوع بستانی: کَناروس - صمغ آن: کَنکَرزد - نام نوع بری: فارسی: کَنکَرزد - نام صمغ آن: فارسی: کَنکَرزد - کَنگری - تَراب القی - حَرْشَف «کَنگَر» باشد و او دوجنس است دشتی و بستانی - تَراب القی به فارسی «کَنکَرزد» نام دارد و آن صمغ «حَرْشَف» است. - «حَرْشَف» دارای انواع بسیاری است ولی مشهور آن نزد پزشکان نوع بستانی و بری آنست، نوع بستانی آن «کَنکَر» و به عجمی اندلس «قناریه» نام دارد و نام نوع بری به یونانی «سَقُولومس» است و عامه اندلس به آن «لِصَف» گویند. - «ابن بیطار» می‌گوید: کَنکَر = حَرْشَف بستانی و کَنکَر زَد = صمغ الحَرْشَف، تَراب القی «حامد بن سمجون» می‌گوید: «کَنکَر بری» نوعی از خار با نام یونانی «أَفَنَس» و با نام عربی «هیشِر» است. - «غسانی» می‌گوید: دارای انواع بستانی و بری با انواع فراوان است، نام بستانی آن «قناریه» است. بری آن با انواع فراوان بوده نام نوعی از آن «حَرْشَف» است که گیاه معروفی است و پس از پختن سر شاخه‌های آن مورد استفاده غذایی می‌شود و نام نوع دیگر آن «بازورد» و نوع دیگر «افزان» و نوعی «تافغیت» و در شهر فاس معروف به «تافغا» است. <sup>۴</sup> «اشبیلی» می‌گوید: دارای انواع بری و بستانی با نام‌های زیر است:

۱ - نوع بستانی معروف: کنکر، قناریه، سقولومس، قشلومن، کنجر، خنجر، قنار، عَکَر - اهل شام: عَکُوب ۲ - قناریه بری با نام طوب و قوبع ۳ - تمیط ۴ - الداد، شوک الفلک، بشکرانیة ۵ - شوک الدراجین، عطشان ۶ - باذورد ۷ - لصف، ایقد، کنکر الکبیر، سیلونس، عَکُوب الفارسی، شوک الحما ۵ - لصف، شنبه<sup>ش</sup>

سَقُولُمُس (Skolumos): نام‌های دیگر آن عبارتست از: حَرْشَف الْبَرِّي - عامه اندلس: اَصْف  
اَاقْتَس (Acanthos): نام‌های دیگر آن عبارتست از: حَرْشَف الْبُسْتَانِي - كَنْكِر - عامه اهالی مغرب: قَنَارِيَّة (Cynara) [ابن بیطار] (در ترجمه

(دیسکورید) ۳-۱۴ و ۱۷]

<i>Cynara scolymus</i> L.	کاشته شده	سقولومس - حرشف بری - لصف	دیسکورید
<i>Scolymus hispanicus</i> L.		أفتشس - حرشف بستانی - کنکر - قناریه	دیسکورید
<i>Cynara scolymus</i> L.	کاشته شده	کنکر	زر - طباء
<i>Cynara scolymus</i> L.	کاشته شده	کنگر دهری - کنگر فرنگی	پارسا

<i>Gundelia tournefortii</i> L.	تریاک برگردان - تراب القی - کنگر زرد - کنگر	پارسا
<i>Cynara</i> sp.	حرشف - هیشر - قردون	الموسوعه
<i>Silybum marianum</i> Gaer.	حرشف بری	طبایانی
<i>Cynara scolymus</i> L.	عکوب	زر. - طب.
<i>Silybum marianum</i> Gae.		
<i>Gundelia tournefortii</i>	عکوب	الموسوعه
<i>Silybum marianum</i> Gae.		
<i>Cynara scolymus</i> L.	حرشف بستانی	خطابی
<i>Cynara cardunculus</i> L.	حرشف بری	
<i>Silybum marianum</i> Gae.	حرشف بری با نام عکوب یا شوک الدمن	

۶۳۱- حُرْف، حَرْف، حَرْف، حَرْف، حَرْف، حَرْف (نامی نبطی)، ثَقَاء، رشاد، قردامن<sup>ع</sup> (یونانی)، حب الرشاد: نام‌های دیگر آن: عربی: ثَقَاء، حب الرشاد<sup>س</sup>، ثَقَاف<sup>س</sup> - سریانی: مقلیانان<sup>ا</sup>، مقلیان<sup>ا</sup>، مقلیثا، تحلی - بربری: بلاسفین<sup>۱</sup> - فارسی: تخم سپندان<sup>ا</sup>، اسفند سفید<sup>ا</sup>، تخم تره تیزک<sup>ا</sup>، شب خیزک<sup>ا</sup> - یونانی: قردامومن<sup>ا</sup>، قردمون<sup>س</sup> - حرف المَحْمَص<sup>ع</sup> - حرف ابیض<sup>۱</sup> - هندی: هالم<sup>ا</sup>، اهلوا<sup>س</sup> - تُون تَرَه<sup>۲</sup> - سپدناک<sup>۳</sup> - نام حرف ابیض: اسفند سفید<sup>۱</sup>، خردل سفید<sup>۲</sup> - نام حرف بابلی: بردیلاسیقیس<sup>۳</sup> «شبیلی» می‌گوید: از جنس هدیبات و بصورت زراعی و خودرو است انواع آن عبارتست از: ۱- بستانی احمر زراعی با نام‌های: قردامن، قردامومن، تاسلفی، تلاشین، تنالیش، اسطورا، الثَقَاء، ثَقَاء، حُرْف، حرف البابی، مقلیان<sup>ا</sup> - ۲- نوع ابیض بستانی: با نام‌های: ثلسفی، خردل الفارسی، اسفند، حرف الشامی، حرف السطوح، حرف البری، جرجیر الکلاب، حرف المائی، سیسبرین<sup>۳</sup> - نوع بستانی مشرقی با نام‌های: لیبیذیون، درابی، حرف المشرقی، حَوْخ الماء<sup>۴</sup> - «ثَقَاء» نام «حُرْف» معروف به «حب الرشاد» است.<sup>ع</sup>

<i>Lepidium sativum</i> L.	حرف - ثقا	زرياب
<i>Nasturtium officinale</i> R.Br.		
<i>Nasturtium officinale</i> R.Br.	حرف	خطا، EN.

۶۳۲ - حرف ابیض، اسفند، اسفند اسفید: نام‌های دیگر آن: فارسی: اسفندان سفید - هندی: سرسون،  
 ثالاسفیس - اسفند سناه (اسفند سناه) اسفند شغان = خردل سفید - عربی: خردل الایض - حرف سفید

<i>Sinapis alba</i> L. <i>Brassica alba</i> L.	اسفند - خردل سفید	زریاب
<i>Lamium album</i> L. <i>Brassica alba</i> L.	حرف ایض	طباطبائی

۶۳۳- حرف البابلی؛ بزریلاستیس: نام‌های دیگر آن: سریانی: زوفرا، تحلی بابلیانا - ثلاثی ثلثی (Thlaspi): از جنس «حرف» است و آن گیاهی معروفی است که اهالی اندلس آن را با نام «اشیرون» می‌شناسند و برخی از دانشمندان متأخر آن را همان «حرف بابلی» و «حرف ابيض» و «حرف السطوح» می‌شناسند ولی صحیح آنست که «حرف بابلی» همان «حرف احمر» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲- ۱۳۹]

<i>Lepidium campestre</i> R.Br.	تلسفی - حرف بابلی	دیسکورید
---------------------------------	-------------------	----------

۶۳۴- حرف السطوح، حرف السطوح، حرف السطوح، ظفرة الفروج، نام‌های دیگر آن: یونانی: تلسفی، تلسفین، - عوام اندلس: اشیرون، آسیرون، اشترینه میاطش، پزشکان: حرف بابلی - نام نوع دیگر: بجبلین، باذبلین یعنی رجل الفروج - ظفرة الفروج

الموسوعة	حرف السطوح، خردل فارسی، صواب بری	<i>Lepidium campestre R.Br.</i>
طباطبائی	حرف السطوح	<i>Lepidium campestre R.Br.</i>

۶۳۵- حرف الماء، حرف الماء، حرف الماء، حرف الماء؟ نام‌های دیگر آن: جرجیر الماء، نام گیاه در کتاب دیسکورید: سنبریون - قرادامون - سیسنبرون - قرادسینی، سیسنبرینی اقوانته، قردامین

الموسوعة	حرف الماء - رشاد بری	<i>Seneblera coronopus Poir.</i> <i>Cochlearia coronopus L.</i>
طباطبائی	حرف الماء	<i>Nasturtium officinale R.Br.</i>

۶۳۶- حرف المشرقی، حرف مشرقی:

درابی (Drabe): بنا به نظری نام «حرف المشرقی» است و صقاله آن را به نام «أخران» می‌شناسند. ولی من - ابن یطار - نسبت به آن شناختی ندارم. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۰]

دیسکورید	درابی - حرف مشرقی	<i>Lepidium draba L.</i>
----------	-------------------	--------------------------

۶۳۷- حُرْمَل، حُرْمَل، حُرْمَل، حُرْمَل، حُرْمَل، حُرْمَل (نامی سریانی)، مولی: نام‌های دیگر آن: فارسی: اسفند، سپند، سریانی: زرع بشاشا - سندی: هملو - سجری: سبری تهلك - سداب البر - نوع دیگر آن: اسفند - دیسکورید: مولی - دو نوع است سفید و قرمز، نوع سفید آن نوع عربی است در مورد ماهیت آن اختلاف نظر است. برخی گویند نام «سداب البری» است و گویند نام «خردل» است. - نام‌های نوع سفید: حُرْمَل عربی - یونانی: مولی - فارسی: ضدل دانج - سریانی: بسباسا - نام‌های نوع قرمز: حُرْمَل عامی - فارسی: اسفید - شیرازی: ننوند، هزار سفید - اشبیلی: می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «سداب بری» و «مولی» می‌گویند و عده‌ای نام فارسی آن را «اسفند» و نام یونانی آن را «مولی» می‌دانند. نام‌های دیگر آن عبارتست از: حُرْمَل، حُرْمَل - دارای سه نوع ۱ - حُرْمَل الاحمر ۲ - نوع دیگر آن نوعی از «خردل بری» با نام «بغارن» است. ۳ - نوعی که «ابوحنیفه» آن را با عنوان «حرملة» معرفی کرده است و سایر نام‌های آن عبارتست از: اسفند، اسفندار، اولایی بوشاشا، حُرْمَل فیغانن (Peganon): واژه صحیح آن با توجه به تلفظ یونانی آن «بیغانن» است و آن نام «سداب بری» و «سداب بستانی» است، دیسکورید تحت همین نام گیاه «حُرْمَل» را که نام فارسی آن «اسفند» است، یادآور می‌شود. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴۴]

ز. ط. - خ.	حُرْمَل	<i>Peganum harmala L.</i>
دیسکورید	فیغانن - بیغانن - اسفند - مولی	<i>Peganum harmala L.</i>
پارسا	اسپند - اوزاریج (ترکی) - سداب کوهی - حُرْمَل	<i>Peganum harmala L.</i>
الموسوعة	حُرْمَل - غَلَّة الذنب	<i>Peganum harmala L.</i>

۶۳۸- حُرْمَلَه، حُرْمَلَه، حُرْمَلَه: نام عربی آن قصبانا است.

الموسوعه	حرملة	<i>Sarcostemma viminalis</i>
----------	-------	------------------------------

۶۳۹ - حريملة<sup>ص</sup>، حُرَيْمَلَة<sup>ش</sup>: نام نوع دیگر: ترنجان التعلب<sup>ش</sup>

۶۴۰ - حَزَاء<sup>ص</sup>، حَزَاء<sup>ص</sup>، حَزَاء<sup>ص</sup>، حَزَاء<sup>ص</sup>، حَزَاء<sup>ص</sup>: زوفرا<sup>ص</sup>: نام های دیگر آن: حَزَاء<sup>ص</sup> - فارسی: دینارویه، دینارویه<sup>ص</sup>، دَوْرَاو<sup>ص</sup>، دینارو<sup>ص</sup> - اموغلیا<sup>ص</sup> - سریانی: نالسفس<sup>ص</sup>، سداب البر<sup>ص</sup> - نام های تخم: زوفرا<sup>ص</sup> - شیرازی: میرک کازرونی، مترك کازرونی<sup>ص</sup>، دراز<sup>ص</sup> - مازندران: اناریچه، اهل هرات: جافر<sup>ص</sup>، جفش<sup>ص</sup> - جرجان: جعفریه<sup>ص</sup>، کرفس رومی<sup>ص</sup> - "ماسرجو" گوید که «حزاء» «دوقه» است.<sup>ص</sup>

زریاب	حزاء - زوفرا	<i>Anethum graveolens</i> L. <i>Echinophora tenuifolia</i> <i>Laserpitium siler</i> <i>Levisticum officinale</i> Koch.
EN.	حزاء	<i>Echinophora tenuifolia</i>

۶۴۱ - حَزَاءَة<sup>ص</sup>، حَزَاء<sup>ص</sup>: حَزَاءَة<sup>ص</sup>

۶۴۲ - حَزَاءَة أُخْرَى<sup>ص</sup>، حَزَاء أُخْرَى<sup>ص</sup>: دوراو<sup>ص</sup>

۶۴۳ - حَزَاء بَرَى<sup>ص</sup>: نام های دیگر آن: خَرَاء<sup>ص</sup> - شیرازی: کوخر<sup>ص</sup>

۶۴۴ - حَزَّازُ الصَّخْر<sup>ص</sup>، حَزَّازُ الصَّخُور<sup>ص</sup>، حَزَّازُ الصَّخْر<sup>ص</sup>، حَزَّازُ الصَّخْر<sup>ص</sup>، حَزَّازُ الصَّخْر<sup>ص</sup>، حَزَّازُ الصَّخْر<sup>ص</sup>، حَزَّازُ الصَّخْر<sup>ص</sup>: حَزَّازُ الصَّخْر<sup>ص</sup> - نوعی بیماری است که این گیاه آن را درمان می کند (نام های دیگر آن: حَزَّازُ الْجَبَل<sup>ص</sup> - مصر: حَزَّازُ الْقَرِيش<sup>ص</sup> - فارسی: گل سنگ<sup>ص</sup> - دیلمی: سنگ حنا<sup>ص</sup> - ارجالة<sup>ص</sup>)

زریاب	حزاز الصخور - حزاز الجبل	<i>Rocella tinctoria</i> DC. <i>Lecanara circummunita</i> nyl.
الموسوعه	حزاز الصخور - شبة العجوز	<i>Usnea barbata</i>
طباطبائی	حزاز الصخور	<i>Rocella tinctoria</i> DC. <i>Lecanara circummunita</i> <i>Cetraria islandica</i> (L.) Ach. (moss)

۶۴۵ - حَزَّزَيْل<sup>ص</sup>، یا حَزَّزَيْل<sup>ص</sup>، حَزَّزَيْل<sup>ص</sup>، حَزَّزَيْل<sup>ص</sup>، حَزَّزَيْل<sup>ص</sup>: (نامی عربی) جنسی است از «بهمن سید» نام های دیگر آن: کف الدابه<sup>ص</sup>، کف النسر<sup>ص</sup> - یونانی: مُزْیَا فُلُن<sup>ص</sup> - بیخی است که از طرف شام و بیت المقدس می آورند و سفید تیره رنگ است که به سیاهی مایل بود.<sup>ص</sup>

الموسوعه	حَزَّزَيْل <sup>ص</sup> - عیون النمر	<i>Ochna</i>
الموسوعه	حَزَّزَيْل الماء <sup>ص</sup> - حَزَّزَيْل الغی	<i>Myriophyllum spicatum</i>
زریاب	حَزَّزَيْل <sup>ص</sup>	<i>Achillea millefolium</i> <i>Myriophyllum</i> sp.
EN.	حَزَّزَيْل <sup>ص</sup>	<i>Andropogon nardus</i> L.

۶۴۶ - حَسار<sup>ص</sup>: «اشبیلی» می گوید: برخی آن را نوعی «خرف بری» می دانند و من آن را با نام «ظَفَرَة الفروج» و «جُبَلین» می شناسم و نام دیگر آن



<i>Paronchia</i> sp.	حبيشة الداحس	EN.
----------------------	--------------	-----

۶۵۴ - حشیشة دودیه<sup>۴</sup>، حشیشة دودیه<sup>۵</sup>: نام‌های دیگر آن: سقوفندریون<sup>۶</sup>، وجه تسمیه: «سقوفندرو» برای شباهت آن کرم هزار پاست و به همین دلیل به آن «حشیشة دودیه» (کرم مانند) می‌گویند.<sup>۷</sup> «اشبیلی» می‌گوید: این نام به گیاهانی از قبیل: «ننغ، دُخُن البری، ورد، اسارون» گفته می‌شود زیرا ریشه آن‌ها مانند کرم در زمین بیج می‌خورند.<sup>۸</sup>

<i>Tanacetum vulgare</i> L.	حشيشة الدود، حشيشة الشفاء، حشيشة الملوك	الموسوعة
-----------------------------	---	----------

۶۵۵ - حشيشة الدم: منظور گیاهانی است که موجب بند آمدن خون می‌شوند از قبیل: فضیة، لسان الحمل، اذن الارنب، رجل الحمامه، انواع عصا الراعی و بویژه گیاهی به نام قاب طیره<sup>ش</sup>

۶۵۶- حشيشة الرئة<sup>ش</sup>: به معنی مفید برای ذات الریه نام دیگر آن: اُنیة دغائه<sup>ش</sup> (۱)

۶۵۷ - حشيشة الزجاج، حشيشة الزجاج<sup>س</sup>، حشيشة الزجاج<sup>ع</sup>، حشيشة الزجاج<sup>ث</sup>، حشيشة الزجاج<sup>ث</sup>، عوقية: نام‌های دیگر آن: رومی: کسنین<sup>۱</sup> - اهل اندلس: حبیقة<sup>۲</sup>، حَبَّالَة<sup>۳</sup>، حبّاقا<sup>۴</sup> - فارسی: گیاه آبگینه<sup>۵</sup>، گیاهی آبگینه<sup>۶</sup> - نام گیاه در کتاب اوریباسیوس: إلكسینی<sup>۷</sup> - نام گیاه در کتاب بولس: بردیقایس<sup>۸</sup> - "غسانی" می‌گوید: این گیاه بر دو نوع است از نوعی «قَلی» ساخته می‌شود که در ساختن آینه از آن استفاده می‌شود و معروف به «شَبّ ارامس» و نوعی از «هَقَف» است و نوع دوم که در شستشوی آینه و جلا دادن آن استفاده می‌شود معروف به «عشبة البرطال» است و مردم به آن «حبیقة» گویند.<sup>۹</sup> اشبیلی<sup>۱۰</sup> می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است و بر سه قسم گیاه گفته شده است: ۱- گیاهی مشابه القسینی با نام‌های: القسینی، انفسینی، انکسینی، بطریقه، بطرقیره، ابی رستم، مؤس اوطیش، ارقلیا ۲- اذان الفار ۳- رفاید<sup>۱۱</sup>

الْأَفْسِينِي (Helxine): حشيشة الرُّجَاج - به این نام مشهور است زیرا تمیز کننده شیشه و آینه است. [این بیطار (در ترجمه دیگربرد) ۴ - ۷۸]

<i>Parietaria officinalis</i> L.	حشيشة الزجاج	زر، EN.
<i>Parietaria diffusa</i> L.	القسيبي - حشيشة الزجاج	ديسكوريد
<i>Parietaria cretica</i>	حشيشة الزجاج	الم. - خط.

۶۵۸- حشیشة السعال؛ حشیشة السعال<sup>ش</sup>: نام دیگر آن: یونانی: فیخون<sup>۱</sup> اشبیلی<sup>۲</sup> می‌گوید: این نام به گیاهان مختلفی از قبیل: کزبر<sup>۳</sup> البیر، اسطوخودوس گفته می‌شود ولی درست‌تر آنست که نام «جعدة الجدران» یا «هندباء الاعد» است.<sup>۴</sup>

<i>Tussilago farfara</i>	حشيشة السعال - فزفارة	الموسوعه
<i>Tussilago farfara</i>	حشيشة السعال	EN.

٦٥٩ - حشيشة الطحال<sup>١</sup>، حشيشة الطحال<sup>٢</sup>، حشيشة الطحال<sup>٣</sup>: نام دیگر آن: یونانی: سقولوفندریون<sup>٤</sup>

به گیاه دیگری با نام یونانی «طوقوریوس» و به گیاهی به نام «أمیونیطس» هم می‌گویند.<sup>۷</sup> اشبیلی<sup>۸</sup> می‌گوید: این نام به گیاهانی که برای درد طحال مفیدند گفته می‌شود یکی از این گیاهان به نام «رئیس الجبل» و دیگری به نام «بیلطس» معروف به «عشبة الطحال» و «تیلت اینرط»<sup>۹</sup> است.

<i>Cetrach officinarum</i>	چترک - حشبة الادويه - حشيشة الطحال	زرياب
----------------------------	------------------------------------	-------



۶۶۰ - حشیشة الطلق<sup>ش</sup>: نام دیگر آن: ابومارس<sup>ش</sup> - نام نوع دیگر: اوبلس و فلوپین<sup>ش</sup>

۶۶۱ حشیشة العَلَق<sup>(۱)</sup>: نام‌های دیگر آن: گیلان: خنیس<sup>۱</sup> - مازندران: اوحی<sup>۱</sup>

۶۶۲ - حشیشة الفَرَج<sup>ش</sup>:

۶۶۳ - حشیشة القَمَل<sup>ش</sup>: نوعی جَئده نام دیگر آن: پربه بُذلییره<sup>ش</sup>

۶۶۴ - حشیشة الکبد<sup>ش</sup>: این نام مربوط به گیاهانی است که برای کبد مفیدند از قبیل: افستین، هندباء، غافت، رئیس الجبل و... نام دیگر آن: امّ وجع الکبد<sup>ش</sup>

۶۶۵ حشیشة المَعْدِن<sup>۱</sup>: نام دیگر آن: ریش سمندر<sup>۱</sup>

۶۶۶ - حُضْض<sup>۱</sup>، حُضْض<sup>۲</sup>، حُضْض<sup>۳</sup>، حُضْض<sup>۴</sup>، حُضْض<sup>۵</sup>، حُضْض<sup>۶</sup>، حُضْض<sup>۷</sup>، حُضْض<sup>۸</sup>، حُضْض<sup>۹</sup>، حُضْض<sup>۱۰</sup>، حُضْض<sup>۱۱</sup>، حُضْض<sup>۱۲</sup>، حُضْض<sup>۱۳</sup>، حُضْض<sup>۱۴</sup>، حُضْض<sup>۱۵</sup>، حُضْض<sup>۱۶</sup>، حُضْض<sup>۱۷</sup>، حُضْض<sup>۱۸</sup>، حُضْض<sup>۱۹</sup>، حُضْض<sup>۲۰</sup>، حُضْض<sup>۲۱</sup>، حُضْض<sup>۲۲</sup>، حُضْض<sup>۲۳</sup>، حُضْض<sup>۲۴</sup>، حُضْض<sup>۲۵</sup>، حُضْض<sup>۲۶</sup>، حُضْض<sup>۲۷</sup>، حُضْض<sup>۲۸</sup>، حُضْض<sup>۲۹</sup>، حُضْض<sup>۳۰</sup>، حُضْض<sup>۳۱</sup>، حُضْض<sup>۳۲</sup>، حُضْض<sup>۳۳</sup>، حُضْض<sup>۳۴</sup>، حُضْض<sup>۳۵</sup>، حُضْض<sup>۳۶</sup>، حُضْض<sup>۳۷</sup>، حُضْض<sup>۳۸</sup>، حُضْض<sup>۳۹</sup>، حُضْض<sup>۴۰</sup>، حُضْض<sup>۴۱</sup>، حُضْض<sup>۴۲</sup>، حُضْض<sup>۴۳</sup>، حُضْض<sup>۴۴</sup>، حُضْض<sup>۴۵</sup>، حُضْض<sup>۴۶</sup>، حُضْض<sup>۴۷</sup>، حُضْض<sup>۴۸</sup>، حُضْض<sup>۴۹</sup>، حُضْض<sup>۵۰</sup>، حُضْض<sup>۵۱</sup>، حُضْض<sup>۵۲</sup>، حُضْض<sup>۵۳</sup>، حُضْض<sup>۵۴</sup>، حُضْض<sup>۵۵</sup>، حُضْض<sup>۵۶</sup>، حُضْض<sup>۵۷</sup>، حُضْض<sup>۵۸</sup>، حُضْض<sup>۵۹</sup>، حُضْض<sup>۶۰</sup>، حُضْض<sup>۶۱</sup>، حُضْض<sup>۶۲</sup>، حُضْض<sup>۶۳</sup>، حُضْض<sup>۶۴</sup>، حُضْض<sup>۶۵</sup>، حُضْض<sup>۶۶</sup>، حُضْض<sup>۶۷</sup>، حُضْض<sup>۶۸</sup>، حُضْض<sup>۶۹</sup>، حُضْض<sup>۷۰</sup>، حُضْض<sup>۷۱</sup>، حُضْض<sup>۷۲</sup>، حُضْض<sup>۷۳</sup>، حُضْض<sup>۷۴</sup>، حُضْض<sup>۷۵</sup>، حُضْض<sup>۷۶</sup>، حُضْض<sup>۷۷</sup>، حُضْض<sup>۷۸</sup>، حُضْض<sup>۷۹</sup>، حُضْض<sup>۸۰</sup>، حُضْض<sup>۸۱</sup>، حُضْض<sup>۸۲</sup>، حُضْض<sup>۸۳</sup>، حُضْض<sup>۸۴</sup>، حُضْض<sup>۸۵</sup>، حُضْض<sup>۸۶</sup>، حُضْض<sup>۸۷</sup>، حُضْض<sup>۸۸</sup>، حُضْض<sup>۸۹</sup>، حُضْض<sup>۹۰</sup>، حُضْض<sup>۹۱</sup>، حُضْض<sup>۹۲</sup>، حُضْض<sup>۹۳</sup>، حُضْض<sup>۹۴</sup>، حُضْض<sup>۹۵</sup>، حُضْض<sup>۹۶</sup>، حُضْض<sup>۹۷</sup>، حُضْض<sup>۹۸</sup>، حُضْض<sup>۹۹</sup>، حُضْض<sup>۱۰۰</sup>

نام‌های دیگر آن: رومی: لوقیون<sup>۱</sup> - سریانی: مرارت فیلا<sup>۱</sup> - فارسی: پیل زهره<sup>۱</sup>، هذل<sup>۱</sup> - هندی: قولوط<sup>۱</sup> - سندی: وَطه<sup>۱</sup> - جالینوس: فیلزهرج<sup>۱</sup> - شیرازی: هلال<sup>۱</sup> - کحل خولان<sup>۱</sup> = حُضْضِ یمانی<sup>۱</sup> دو نوع است: نام نوع مکی: یونانی: لوفیون<sup>۱</sup> - نام نوع هندی: رسوت<sup>۱</sup> - "غسانی" می‌گوید: «حُضْض» نامی برای «کُحل خولان» است و آن عصاره «کُرم» است و گویند عصاره «صبر» در مرتبه دوم عصاره گیری آن است کما اینکه به عصاره اول «صبر» و به عصاره سوم آن «مُقر» گفته می‌شود. این گیاه نزد اهالی و عطاران فاس به «خولان المکی» معروف است.<sup>۱</sup> دارای انواعی است مکی، هندی و مشهدی و بهترین نوع آن برای مداوای ورم‌ها نوع مکی و جهت بوی (بر طرف کردن بوی نامطلوب بدن) نوع هندی است. و نوعی هست که شیراز از ورق‌های - برگ‌ها - آن می‌سازند و روستائیان شیراز آن را «هلل مشکک» خوانند.<sup>۱</sup> در کتاب فردوس الحکمة آمده: عصاره درختی است، دو نوع عربی و هندی دارد. نوع عربی را عصاره «خولان» و نوع هندی را عصاره «فیلزهرج» گویند.<sup>۱</sup> "ماسرجویه" می‌گوید: «فیلزهرج» سه نوع است، یک نوع هندی، دیگری عربی بنام «حُضْض» و از نوع سوم «زرشک» حاصل می‌شود.<sup>۱</sup>

لوفیون (Lukion): شَجَرَةُ الحُضْض - کُحل خولان - نام عصاره است به زبان هندی به آن «فیلزهرج» به معنای زهره فیل می‌گویند. گیاه معروف اندلس است. "دیسکورید" دو نوع از آن را ذکر کرده است: نوعی در اصطلاح گیاهشناسی به نام «عوسج الأُسود» است. نوع دوم آن به نام «لُنْخِیطِس» (Lonkhitis) است که تردید نیست همان نام «شجرة الأمیرباریس» یا «زرشک» باشد زیرا منظور از «امیرباریس» - در منابع - همان «حُضْض» است و «حُضْض» از ریشه های این گیاه تهیه می‌شود که نزد مردم نام «عودالریح المغربی» و نزد مردم اندلس به «أزغیس» (اصطلاح بربری) مشهور است و به لاتینی به آن مصربه «أشکیطله» (Oxyacantha) گویند. این مطالب برای کسی که در شرح گیاه به توسط دیسکورید دقت کرده و خود، گیاه و محل رویش و «حُضْض» را که از پخته شدن ریشه گیاه حاصل می‌شود، دیده باشد مورد قبول است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱- ۱۰۲]

<i>Rhamnus infectoria</i> L. <i>Areca catechu</i> Willd. <i>Rhamnus infectoria</i> L.	نوع اول لوقیون - فیلزهرج	دیسکورید
<i>Berberis lycium</i> Roy.	لوقیون نوع دوم، لنخیطس، زرشک، امیرباریس	دیسکورید
<i>Lycium afrum</i> L. <i>Rhamnus infectoria</i> L.	لوقیون - پیل زهره - حُضْض	ززباب
<i>Lycium</i> sp. <i>Rhamnus infectoria</i> L.	حُضْض	الموسوعه
<i>Lycium afrum</i> L.	حُضْض	خطا، EN.

۶۶۷ - حُلاب<sup>۱</sup>، حُلاب<sup>۲</sup>:

۶۶۸ - حُلبه<sup>۱</sup>، حُلبه<sup>۲</sup>، حُلبه<sup>۳</sup>، حُلبه<sup>۴</sup>: نام‌های دیگر آن: سریانی: حمصلیثا<sup>۱</sup> - فارسی: شملت<sup>۱</sup> - شام: فریقه<sup>۱</sup> -

گیلان: خلبه<sup>۱</sup> - اصفهان: شنبلیله<sup>۲</sup> - شیراز: شملیز<sup>۳</sup> - هندی: میتھی<sup>۴</sup> - از انواع آن می توان به «نفل»، «خندقوا»، «بصبصه» و «رجل الغراب» اشاره کرد که همگی مشهورند.<sup>۵</sup>

<i>Trigonella foenum-graecum L.</i>	خلبه - شملت	ز. - خ. ط.
<i>Trigonella grandiflora Bunge.</i>	شنبلیله - اکلیل الملك - ناخنک	پارسا
<i>Trigonella sp.</i>	خلبه	الموسوعه

۶۶۹ - حَلَبَلَب<sup>۶</sup>، حَلَبَلَب<sup>۷</sup>، حَلَبَلَب<sup>۸</sup>: نام های دیگر آن: لبلاب<sup>۹</sup> - سجزیه: اشبرک<sup>۱۰</sup> - حلوب غیر منقط<sup>۱۱</sup> - قرداسات الذوائب<sup>۱۲</sup> گویند نام «لبلاب» پهن برگ بنام «قتوس» است و بعضی نیز آن را «لایعه» می نامند.<sup>۱۳</sup>

<i>Bupleurum sp.</i>	حَلَبَلَب - ضِلَع البقره	الموسوعه
<i>Bupleurum fruticosum L.</i>	حلباب مُشَوَّب - أَذُن الْأَرْب	الموسوعه
<i>Bupleurum rotundifolium Schous.</i>	حلباب مستدير الورق - ثاقب الورق	الموسوعه

۶۷۰ - حَلَبَب<sup>۱۴</sup>، حلبیب<sup>۱۵</sup>: نام های دیگر آن: سورنجان هندی<sup>۱۶</sup>

۶۷۱ - حلبیت<sup>۱۷</sup>: برخی نام آن را «بقلة الحمقاء البرية» می دانند ولی بقراط به آن «ییلون» گفته است.<sup>۱۸</sup>

۶۷۲ - حَلَبُوب<sup>۱۹</sup> (نامی نبطی)، حلوب<sup>۲۰</sup>، حلبوب<sup>۲۱</sup>: نام های دیگر آن: لبلاب<sup>۲۲</sup> - جبل المساکین<sup>۲۳</sup> - عشقه<sup>۲۴</sup> اندلس: حریف الاملس<sup>۲۵</sup>، حُرْبِق الْأَمْلَس<sup>۲۶</sup>، عصا هرمس<sup>۲۷</sup>، خصی هرمس<sup>۲۸</sup> - یونانی: لیثورسطس<sup>۲۹</sup>، برسانئون<sup>۳۰</sup>، اربوطانون<sup>۳۱</sup>، لینوزسطیس (*Linostotis*): نام «عصا هرمس» است، مؤلفی نام آن را برگرفته از «خصی هرمس» دانسته است. نام های دیگر به لاتینی «یَزَبَه نَقِيشه» است و گیاهشناسان اندلسی به آن «حَلُوب» و «حُرْبِق الْأَمْلَس» گویند. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۱۱]

<i>Euphorbia dendroides L.</i>	حلباب - حلوب غیر منقط	زریاب
<i>Mercurialis annua L.</i>	لینوزسطس، عصا هرمس، حلوب، حریق املس	دیسکورید
<i>Mercurialis sp.</i>	حریق، عصا هرمس، حلوب، حشیشه الرثیق	دیسکورید

۶۷۳ - حَلَبَتِی<sup>۳۲</sup>، حَلَبَتِی<sup>۳۳</sup>، حَلَبَتِی<sup>۳۴</sup>، حَلَبَتِی<sup>۳۵</sup>، حَلَبَتِی<sup>۳۶</sup>: محروث<sup>۳۷</sup> سبب انجدان رجوع شود، صمغ محروث<sup>۳۸</sup> یا صمغ انجدان<sup>۳۹</sup> - نام های دیگر آن: سریانی: حَلَبَتِی<sup>۴۰</sup>، دعناقوویتنا<sup>۴۱</sup> - سندی: هین<sup>۴۲</sup> (هینگ) - فارسی: انکز<sup>۴۳</sup>، انگزد<sup>۴۴</sup> انجدان زد<sup>۴۵</sup>، انگزد<sup>۴۶</sup>، انگزه<sup>۴۷</sup> اغوزه<sup>۴۸</sup> - اصفهانی: انگشت کنده<sup>۴۹</sup> - هندی: هینک<sup>۵۰</sup>، هیک<sup>۵۱</sup> - دو نوع است: خوشبو و بدبو<sup>۵۲</sup>: نام های نوع خوشبو: کولرپر<sup>۵۳</sup>، نوکانی<sup>۵۴</sup> - نام نوع بدبو: فارسی: کمات<sup>۵۵</sup> - «محروث»، «ساق انجدان» یا ریشه انجدان خوشبو<sup>۵۶</sup> است و به فارسی به آن «گز انجدان خوش» گویند و نام سندی آن «متن هنگ فار» است.<sup>۵۷</sup>

<i>Ferula scordosma Benth &amp; Hook.</i>	حَلَبَتِی - محروث - گز انجدان	زریاب
<i>Ferula assafoetida L.</i>		
<i>Ferula assafoetida L.</i>	حَلَبَتِی	ز. - خ. ط. E.
<i>Ferula assafoetida L.</i>	صمغ انجدان - حَلَبَتِی - حَلَبَتِی	الموسوعه

۶۷۴ - حَلَفَا<sup>۵۸</sup>، حَلَفَا<sup>۵۹</sup>، حَلَفَا<sup>۶۰</sup>: نوعی بردی و از اغلات است. - نام های دیگر آن: قرز<sup>۶۱</sup> - فارسی: پیژرا<sup>۶۲</sup>، (غیشه) - سجزیه: کرته<sup>۶۳</sup> - اغوری<sup>۶۴</sup>

<i>Poa cynosuroides</i> Retz. <i>Poa multiflora</i> Forsk. <i>Leptochloa bipinnata</i>	حلفاء	زرياب
<i>Stypa</i> sp. <i>Poa multiflora</i> Forsk. <i>Leptochloa bipinnata</i>	حلفاء - حَلْفَة - حَلْفَة	الموسوعة

۶۷۵- حَلَقْ؛ حَلَقْ: عصاره برگ یمنی

۶۷۶- حُلَبْ: دارای دو نوع است: نام‌های نوع اول آن عبارتست از: اوسیرس، زنبوقه - نام‌های نوع دوم: حُلَبْ التیسبی، حُلَبْاب، حُلَبْاب ش

۶۷۷ - جَلَّة: از جنس شوک و از نوع خنثه است. نام‌های دیگر آن: برینافه، ججنبیه، ابزولویه، قجاوله - نام نوع دیگر: حشیشة الثومیه<sup>۱۸</sup>

۶۷۸- حَلَمَ: نوعی شلیم با نام «حَرَاطَه» است و گویند خشک شده «قَتَّ» است. ش

۶۷۹- حَلَمَه :

۶۸۰- حَمَاحِمٌ، حَمَاحِمٌ، حَبَقِ نَبِطِيٌّ: نوعی فو تنج بستانى - نام های دیگر آن: حَبَقِ الكَرمانى - حَبَقِ بستانى<sup>۲</sup> - شام: حَبَقِ نَبِطِيٌّ<sup>۳</sup> - عربى: ريسم - فارسى: احتمالاً بستان افروز - هندی: کلغه<sup>۴</sup>

<i>Ocimum basilicum</i>	حبیب صغیر - حبیب کرمانی - شاہسفرم	الموسوعه
<i>Ocimum pilosum</i>	حبیب ویر، حبیب قونقلی، فرنجمشک، حمامیج	الموسوعه

۶۸۱ - حَمَاضٌ؛ حَمَاضٌ، حُمَاضٌ، حَمَاضٌ، حَمَاضٌ، حُمَاضٌ، بَزْر حَمَاضٌ، ثَامِرٌ (گل حَمَاضٌ)، تَاسَمَّتْ (نامی بربری)، تَاشَمَصَت (نام بربری)، حَب الرِّشَاءِ: از جنس اَلْسِن، و از نوع جنبه است. نام‌های دیگر آن: حَمَاضٌ - طَوَاطِق اغْرِیون - شیرازی: ترشه - هندی: چرکانا - فرنگی: (بستانی) اَشْلِیه (بری) اَشْلِیه پاتم - فاس: حُمَيْطٌ قسم دیگر که کوچکتر و برگ آن سه برگچه است به نام: اَطْرِیفلین، به معنی «حماض سه برگ» است. - عربی: حَمَضِیض - هندی: انروله - نام نوع بستانی: سریانی: حَمَوَعِیائا - فارسی: ترشچ (ترشه و ترشک و ترشینک)، صرَخ بای (سرخ پای) - نام نوع بری: سَلَق البَرِّی - نام نوع جبلی: هَلْمُوت - حَلِیمُوت - سَلَق جبلی - نام‌های بذر آن: حَب الرِّشِیاء - فارسی: تخم ترشه - شیرازی: تخم ترشیشک - هندی: دِیله - حَمَاض اَمَلِی: اَشْبِیلی می‌گوید: دارای انواعی است: ۱ - بستانی: اقُولاقائِن، یعنی حَمَاض المَاء ۲ - بری: حَمَاض الاجامِی، حَمَاض، حَمَاض السَّوَاقِی، نام ریشه: اَنکولس ۳ - مائی: اَنطینس، الفلیس، لیمونیون یعنی السَّبْخِی، الرَّمْث، سَیْسِبرونه ۴ - سَبْخِی: حَمَاض السَّبْخِی، حَمَاض الشَّامِی، لیمونیون، یورقداس ۵ - جبلی: رَبِیاس الجَبَلِی ۶ - حَسْکِی: حَمَاض الحَسْکِی، قُطْلَب، رَبِیاس الفارَسی، یوریداس ۶ - شامی: رَبِیاس الشَّامِی ۷ - خراسانی: رَبِیاس الخراسانی، راوند الفارَسی و نوع‌های دیگری از قَبیل: حَظْرَه - اِحْطالَه، حَظِیره، حَمَصِیص الترف، قَرْنبا، عَشْبَه الحومَل، اَکْرنب البحْرِی، قولیلیه - شیطرنج الهندی و نوعی از تین که طعم ترشی دارد و در یمن است.

لاباثون (Lapathon): نام «حماض» است و «دیسکورید» چهار نوع حمض را با این نام ذکر کرده است.

أَنُولَا بَانُنْ (Hippolapathon): نوع پنجم از «حماض کبیر» است. بربری: تَاسَمْتُ - اهل اندلس: لَبَّاصَةُ [ابن یطاد (در ترجمه دیکرید) ۶]

[100, 99 -

<i>Rumex acutus</i> L. <i>Rumex patientia</i> L. <i>Rumex scutatus</i> L. <i>Rumex acetosa</i> L.	لا بائون - حماض	دیسکورید
<i>Rumex hydrolapathon</i> L.	آفولابائون - نوع پنجم حماض کبیر	دیسکورید

<i>Rumex actosa</i> L.	حماض - ثامر	ز. ط. ع.
<i>Rumex conglomeratus</i> L. <i>Rumex obtusifolius</i> L. <i>Rumex elbursensis</i> Boiss. <i>Rumex patientia</i> L.	تخم حماز - استا	پارسا
<i>Oxalis</i> sp. <i>Rumex obtusifolius</i> L. <i>Rumex elburesensis</i> <i>Rumex patientia</i> L.	حُمَاض	الموسوعه

۶۸۲ - حماض الارض: نام دیگر آن: خراطین<sup>ت</sup>

۶۸۳ - حماض الاترج: دارای نوع بری و بستانی است: نام بری، «سلق بری» است و آن بیشتر از جبلی است و در خاک نرم و زمین سبب می‌روید و آن را به یونانی «طوطاق غریون» گویند و به شیرازی بیخ - ریشه - آن را «خلیمو» خوانند... و بستانی را به شیرازی «ترسسک» خوانند.

۶۸۴ - حماض الأرنب<sup>ع</sup>، حماض الارنب<sup>ت</sup>: کشوث<sup>ع</sup>

<i>Cuscuta epithymum</i> <i>Rumex obtusifolius</i> L. <i>Rumex elburesensis</i> <i>Rumex patientia</i> L.	حُمَاض	طباطبائی
--	--------	----------

۶۸۵ - حماض البقر<sup>ع</sup>، حماض البقر<sup>ت</sup>: نام دیگر آن: حماض البری<sup>ع</sup>

<i>Rumex patientia</i> <i>Rumex obtusifolius</i> L. <i>Rumex elburesensis</i> <i>Rumex patientia</i> L.	حُمَاض البقر	طباطبائی
--	--------------	----------

۶۸۶ - حماض السواقی<sup>ع</sup>، حماض السواقی<sup>ت</sup>: نام دیگر آن: حماض الاجامی<sup>ع</sup> اشبیلی می‌گوید: همه انواع حماض خود نوعی «حمض» هستند و برخی از انواع «حمض» عبارتند از: ۱ - حُرَض: اشنان القصارین، شبناله، طردجه ۲ - ثیل ۳ - باذی بلاله یعنی رجل الفروج ۴ - اشنان الفارسی: طردجه، قلی ۵ - غاسول: شویلا ۶ - مَلّاح: کشملخ، کشمخه، غسلین، ابروطان، حمض الابل ۷ - افانی: شورش لاطه ۸ - تَزْمَد ۹ - الحاذ ۱۰ - اخريط ۱۱ - قَضام و جذرفات ۱۲ - الحاج: عاقول ۱۳ - زُغَل: قَمیلین ۱۴ - شعران ۱۵ - تَزمان ۱۶ - قَلّام: (نوعی کرفس) اقرونوش ۱۷ - قُطْلَب: طردج ۱۸ - خُوشان: ذیره ۱۹ - قَزْمَل ۲۰ - حَزْنَبِل ۲۱ - حَيَّهَل ۲۲ - غُولان: عقاد ۲۳ - ابوقانس ۲۴ - ابرقلس<sup>ش</sup>

۶۸۷ - حماض الماء<sup>ع</sup>، حماض الماء<sup>ت</sup>:

<i>Lapathum aquaticum</i> Scop.	لَبْث، حماض الماء	الموسوعه
---------------------------------	-------------------	----------

۶۸۸ - حماض نیری: نام دیگر آن: حماض بستانی<sup>ت</sup>

۶۸۹ - حَمَاط<sup>ع</sup>، حَمَاط<sup>ت</sup>، حَمَاط<sup>ش</sup>: نوعی «جُمِيز<sup>ع</sup>» - نوعی از آن درختی و قسمی از «تین» است و نوعی علفی که به گیاه خشک «افانی» یا «حَمَلَة» گویند.

۶۹۰ - حَمَامَا، حَمَامَا، حَمَامَا، حَمَامَا، حَمَامَا، حَمَامَا، حَمَامَا (نامی نبطی)، امامون: نام‌های دیگر آن: رومی: اومومون، امامون، امؤمن، سَریانی: حَمَامَا - نوعی: فَنطسی - شیرازی: مَهلَو - بارشطان، باد دقلبه - ارمانیون - "ابن ماسویه" می‌گوید: بهترین نوع آن، نوع ارمنی است که رنگ آن زرین است. گونه‌ای در آب می‌روید و بوئی مشابه بوی «سداب» دارد و گونه‌ای نبطی به رنگ یاقوت است.  
 أمؤمن (Amomon): حَمَامَا [ابن بیطار (در ترجمه دی‌کورید) ۱ - ۱۵]

٦٩١- حمرة، حومر، حَمَر: نام «تمر هندی» و همچنین نام «قفر اليهود» «کفر اليهود» است. ع

۶۹۲- حِمَصٌ؛ حمصٌ، جنصٌ، حمصٌ، حمصٌ، حمصٌ، نوعی قطنیه نام‌های دیگر آن: رومی: ارفنتوس<sup>۱</sup>، ارینتوس<sup>۲</sup>- سریانی: حمصی<sup>۳</sup>- فارسی: نخود<sup>۴</sup>- هندی: خپه<sup>۵</sup>، بوست<sup>۶</sup>- هندی و ترکی: بولچاق<sup>۷</sup>- نام‌های نوع بری: رومی: ارفامسپس ارینتوس<sup>۸</sup>، اغریوس<sup>۹</sup>- سریانی: حمصی دبرا<sup>۱۰</sup>- فارسی: نخود دشتی<sup>۱۱</sup>- حِمَصٌ<sup>۱۲</sup> اشبیلی<sup>۱۳</sup> می‌گوید: دارای چهار قسم است: ۱- قرمز با نام: ارینانس ۲- سیاه با نام‌های: قرونوس، کبلاس ۳- سفید ۴- زرد با نام‌های: ارابنثوس، افادملس، معروف به مشرقی و طرابلسی - نام‌های نوع بری و غیر زراعی آن عبارتند از: کباس، ارابنشس ایمارس - نوع سیاه و قرمز را بخاطر شباهت آن با کرسنه «کرسنی» گویند.<sup>۱۴</sup> و به نوع بزرگ آن «ارابنشس» و «ارباننش» گویند.<sup>۱۵</sup>

اُربِنْشْ ایْمَارُسْ (*Erebinthos hemeros*): نام «حِمَصٌ بری» و «حمص بستانی» است. [این پطارد در ترجمه دیسکورید] ۳- ۹۶]

۶۹۳ - حمص الأمير<sup>ع</sup>، حمص الامير<sup>ت</sup>: نام‌های دیگر آن: شکوهِج<sup>ع</sup> - حَسَك<sup>ت</sup> 'اشبیلی' می‌گوید: برخی آن را به اشتباه «حَسَك» گویند.<sup>ث</sup>

۶۹۴ - حَمَصِص<sup>ص</sup>، حمصيص<sup>ع</sup>، حمصيص<sup>ث</sup>: نوعی حماض نام دیگر آن در خراسان: ترف<sup>ص</sup>

<i>Rumex lacerus</i> Balb.	حمصيص	زرياب
<i>Rumex vesicarius</i> L.		

<i>Oxalis corniculata</i> L.		
<i>Oxalis corniculata</i> L. <i>Rumex vesicarius</i> L.	حماض أصفر، حماض قَرْنِي، حِمَاضِيض	الموسوعه

۶۹۵ - حُمَيْرَاءٌ، حُمَيْرَا، حُمَيْرَا، بِسَاطِ الْأَمِيرِ. نوعی بقل نام‌های دیگر آن: اهل اندلس: رَجُلُ الْحَمَامِ<sup>۳۲</sup> - شَنْجَارِجَ<sup>۳۳</sup> اَشْتِيلِي<sup>۳۴</sup> می‌گوید: این نام را برای گیاهان «رَجُلُ الْحَمَامَةِ»، «مُسْكِيَّة»، «ارجالة» و ریشه «بَنَاطِلُون» بکار می‌برند.<sup>۳۵</sup>

<i>Adonsonia</i> sp.	بُوْباب، باوْباب، حَبْجَب، عَمارة	الموسوعة
<i>Rumex vesicarius</i> L.	تَبْلَدِي، حُمَيَّاء، شجرة خبز القروء	
<i>Oxalis corniculata</i> L.		

۶۹۶ - حِنَّا، حِنَّاءٌ، حِثَّاءُ، حِتَّاءُ (نامی عربی)، قَمُوْسٌ، فاغیهٔ، یُرْتَاءُ: نام‌های دیگر آن: فاغیهٔ - یونانی ارقان، فقولیون - هندی: مهندی، اشبیلی می‌گوید: دارای انواع بستنی، بری، و جبلی با نام‌های زیر است: ۱ - بستنی علفی ۲ - بستنی درختی با نام‌های: قیفرس، فیغروا، وفوهارون، اساسنه، یُرْتَا، رَقُون، غَلَام ۳ - نوع بری با نام حناء المجنونه یا مجنون، حناء المروج، حناء الرُّعَاة - نوعی جنبه است ۴ - نوع بری با نام: ابی یَموت ۵ - نوع جبلی با نام: حناء الجبلیه، خَطَرُ

قیفروس (*Kupros*): شجرة الحنّاء - اهل شام: يَرْنَأ - عربی: رِقَان، رَقُون [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۷]

<i>Lawsonia alba Lam.</i>	قيفروس - شجرة الحنا - رقان	ديسكوريد
<i>Lawsonia alba Lam.</i>	فغر - قاغيه	زر. - خط.
<i>Lawsonia sp.</i> <i>Lawsonia alba Lam.</i>	حناء - قُطْب - قاغيه	الموسوعه
<i>Lawsonia inermis L.</i> <i>Lawsonia alba Lam.</i>	حنا	پا. - طبيا.
<i>Lawsonia inermis</i> <i>Lawsonia alba Lam.</i>	Sanskrit: Mendika - Hendia: Hena, Mehndi Bombay: Mendi	GLO.IN.

۶۹۷ - حنّاء الغولۃ<sup>۴</sup>، حنّاء الغولۃ<sup>۵</sup>: عامه مصر این نام را برای «شنجار» استفاده می‌کنند.<sup>۶</sup>

<i>Onosma</i> sp.	شِنْجَار	الموسوعه
<i>Anchusa tinctoria</i> L.	حناء الغول	EN.

۶۹۸- حَنْدَقُوقِي، حَنْدَقُوقِي، حَنْدَقُوق، حَنْدَقُوقِي<sup>۵</sup> (نامی نبطی)، کرکمان، حَنْدَقُوقِي، بزر حَنْدَقُوقِي، حباقا، دیواسپست: نام‌های دیگر آن: حَنْدَقُوق - رومی: طریفولون - سریانی: کرکینا - فارسی: دیواسپست - سجزی: سوک، عرقصاء، عریقصاء - شیرازی: انده قوقو - درق - خیاط - دیواسپست - نام‌های نوع بری: عربی: حباقا، جاقی، ذرق، ذرق - یونانی: لوطوس اغریوس<sup>۶</sup>، به معنای حَنْدَقُوقِ بری - فارسی: دیواسپست صحرائی - شیرازی: اندقوقو - لاتینی: لوطوس سکرار - هندی: بسکپره، کده پرته - نام‌های نوع بستانی: عربی: ذرق - یونانی: لوطوس<sup>۷</sup> - به لغتی: طریفن - لاتینی: طریفلم اورانم، بوکسپیلان طربول رماکه - هندی: همان نام بری است - اصفهان: شبدر - مازندران: شرویه - برخی از پزشکان بی‌جهت «حَنْدَقُوقِ» و «طریفن» را یکی دانسته‌اند.<sup>۵</sup>

<i>Trigonella coerulea</i> Ser. <i>Trigonella hamosa</i> L.	خندقوی - دیوسبست	زر. - طبأ.
<i>Trigonella coerulea</i> Ser. <i>Trigonella hamosa</i> L.	لوطوس أغریوس - حباقا - ذرق	دیسکورید
<i>Melilotus</i> sp. <i>Trigonella hamosa</i> L.	خندقوق	الموسوعه
<i>Arum colcocasía</i> L.	خندقوقا	EN.

فورا (Puroi): حِنْطَة - بُرّ - فُوم - قَمَح [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۶۹]

<i>Triticum vulgare</i> Vill.	حنطه	ز. - خ. ط.
<i>Triticum vulgare</i> Vill.	حنطه - بر - فوم - قمع	دیسکورید

<i>Citrullus colocynthis</i> <i>Trigonella hamosa</i> L.	حنظل - حَدْج - مَرَاة الصَّحَارَى	الموسوعة
---	-----------------------------------	----------

<i>Citrullus colocynthis</i> Schrad.	حظفل	ز،خ،ط،E...
--------------------------------------	------	------------

۷۰۲ - جَفُول: نام درختی همانند درخت انار

۷۰۳ - حَوْدَان:

<i>Ranunculus</i> sp.	حودان	الموسوعه
-----------------------	-------	----------

۷۰۴ - حُور، حُور، حور رومی<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: حوز، کروفس<sup>ف</sup> - فارسی: توز<sup>ق</sup> - دیسکورید: کهرباء<sup>ع</sup> - لوقا: حَوْر و مَینس<sup>۲</sup> - *(Leuke)* آن دارای انواعی است. آشبیلی<sup>ی</sup> می گوید: از جنس درختان بزرگ و دارای انواع بسیار است برخی از آن عبارتند از: ۱ - نَشَم الاسود<sup>۳</sup> - ۲ - شجر الصفاف<sup>۴</sup> - حور الرومی: اغیرس<sup>ش</sup> اغیرس<sup>س</sup> (*Aigeiros*): شجر الحور الرومی - نام پوست آن «توز» است که با آن تیر و کمان را می بندند... دیسکورید نام صمغ آن را «کهرباء» می داند. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۶۹ / ۱ - ۸۴]

<i>Populus alba</i> L.	لوقا - حور	دیسکورید
<i>Populus nigra</i> L.	اغیرس - حور رومی - توز	دیسکورید
<i>Populus</i> sp.	حَوْر - حَوْر	الموسوعه

### حرف «خ»

۷۰۵ - خافور<sup>ع</sup>، خافور<sup>ش</sup>: گروهی پنداشته اند نام «مرو» است و همچنین آن را اهالی مصر «خرطال» موجود در «شعیر» گویند.<sup>ع</sup> آشبیلی<sup>ی</sup> می گوید: برخی آن را «مرو» و عده ای آن را نوعی «حَبَق» معروف به «طرطور الحاجب» و «قبسطاله» می دانند و هر دو را «خافور» می نامند.<sup>ش</sup>

<i>Danthonia</i> sp.	خافور	الموسوعه
----------------------	-------	----------

۷۰۶ - خالیدونیون<sup>ع</sup>، خالیدونیون<sup>ش</sup>: نام دیگر آن: فشر<sup>ش</sup> - به یونانی به معنای «خَطَّافی» یعنی منسوب به «خَطَّاف» است و پزشکان به آن «عروق الصفر» گویند.<sup>ع</sup> دو نوع است: بزرگ آن «عروق الصفر» و کوچک آن «مامیران» نام دارد و معنی «خالیدونیون ذو الخطافی» بوده بدان سبب که پرستوک چون بچه وی در آشیان نابینا گردد بفرمان حضرت عزت شانه برود و شاخ «مامیران» در آشیانه بیاورد و در آنجا نهد، بچه نابینا بینا گردد و این از خواص آن است فتبارک الله احسن الخالقین<sup>ن</sup>

<i>Scrophularia aquatica</i>	خالیدونیوم صغیر	EN.
<i>Chelidonium majus</i>	خالیدونیوم کبیر	EN.

۷۰۷ - خاماسوقی<sup>ف</sup>، خاماسوقی<sup>ع</sup>: نامی یونانی به معنای «انجیر زمینی» است.<sup>ف</sup> - «خاما» به معنای زمین و «سوقی» به معنای انجیر است.<sup>ف</sup> - "حنین" در ترجمه مفردات جالینوس این گیاه را «تین جبلی» معرفی کرده که نظر درستی به نظر نمی رسد زیرا دیسکورید «تین جبلی» را در مقاله اول کتاب خود همراه درختان بزرگ یاد کرده است.<sup>ع</sup>

<i>Euphorbia chamaesyce</i> L.	خاماسوقی - تین الأرض	الموسوعه
--------------------------------	----------------------	----------



۷۰۸ - خامالوقی<sup>ع</sup>:

الموسوعه	خامابوقی	<i>Chamaepeuce diacantha</i> DC. <i>Cirsium diacantha</i> DC.
----------	----------	--

۷۰۹ - خاماقسیس<sup>ع</sup>:

الموسوعه	سَنَسَم أَصْرِيَه - خاماقسُس	<i>Antirrhinum asarina</i> L.
----------	------------------------------	-------------------------------

۷۱۰ - خامالاء<sup>ع</sup>، خامالاون<sup>ع</sup>: "صاحب جامع" می‌گوید: «حربا» نوعی «مازریون سیاه» است و نام‌های دیگر آن «خامالیون» و «کمالیون» است. و «اسد الارض» را «مازریون» نامیدن سهو است زیرا «اسد الارض»، «جربا» است و گویند «خامالا» اسم «مازریون» است و این سهو بخاطر اشتراک اسم آن هاست، و هم صاحب جامع از قول برخی متأخرین «اسد الارض» را «خامالاون مالس» می‌داند که آن «مازریون سیاه» است بنابر این قول صاحب منهاج معتبرتر است. - برگردان آن به عربی «زیتون الأرض» است و آن گیاه «مازریون» است. بسیاری از مترجمان «مازریون» را به اشتباه همان «أسد الأرض» می‌دانند در حالیکه «أسد الأرض» برگردان «خامالاون الأسود» است و «مازریون» برگردان «خامالاء»، و این اشتباه مترجمان برای نزدیک بودن این دو لفظ با هم است. و من - ابن بیطار - برخی از این اشتباهات را در کتاب «الأبانة والأعلام بما فی المنهاج من الخلل والأوهام» ذکر کرده‌ام.<sup>ع</sup>

۷۱۱ - خامامیلن<sup>ع</sup>: برگردان عربی آن «تفاح الأرض» و همان «بابونج» است.<sup>ع</sup>

۷۱۲ - خامشة<sup>ع</sup>، خامشه<sup>ع</sup>: نام دیگر آن نزد اهالی بیت المقدس و شام «شیطرنج شامی» است.<sup>ع</sup>

۷۱۳ - خائق الذئب<sup>ع</sup>، خائق الذئب<sup>ع</sup>، قاتل الذئب<sup>ع</sup>، خائق الذئب<sup>ع</sup>: نام دیگر آن «قاتل الذئب» است.<sup>ع</sup>  
أفوقونُنْ (*Apocynon*): برگردان آن به عربی «عنب الکلاب» یا «انگور سگان» است و گیاه سمی کشنده‌ای با دانه هائی درون نیامی طویل است و نام دیگر آن «قاتل الذئب» یا «کشنده روباه» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۷۳]

دیسکورید	أفوقونُنْ - قاتل الذئب - عنب الکلاب	<i>Aconitum erectum</i> L.
زر، EN.	خائق الذئب - قاتل الذئب	<i>Aconitum napellus</i> L.
پارسا	قاتل الذئب	<i>Aconitum lycoctonum</i> L.
طباطبائی	قاتل الذئب	<i>Aconitum napellus</i> L. <i>Aconitum lycoctonum</i> L.

۷۱۴ - خائق الکلب<sup>ع</sup>، خائق الکلب<sup>ع</sup>، خائق الکلب<sup>ع</sup>: خائق الکلب<sup>ع</sup>، ترمس البری<sup>ع</sup>، فسوة الضبع، قاتل الکلب<sup>ع</sup> - هندی: کلهازی<sup>ع</sup> "ابن بیطار" در کتاب جامع این گیاه را معادل قاتل الکلب، می‌داند. - جالینوس وجه تسمیه آن را «کشنده سگ» می‌داند.<sup>ع</sup> برخی آن را «فول الخنزیر» با نام «أفوقونس» معرفی می‌کنند.<sup>ع</sup>

الموسوعه	خوشان - خائق الکلب	<i>Apocynum</i> sp.
طباطبائی	قاتل الکلب	<i>Strychnos nux-vomica</i> L.

۷۱۵ - خائق النمر<sup>ع</sup>، خائق النمر<sup>ع</sup>، خائق النمر<sup>ع</sup>، خائق النمر<sup>ع</sup>: نوعی از مازریون نام‌های دیگر آن: قاتل النمر<sup>ع</sup> - یونانی: أفونیطن<sup>ع</sup> - قاتل الذئب<sup>ع</sup> - «خائق النمر» یا «قاتل الذئب» را بتازی و پارسای «گرگ مرگ» گویند.<sup>ع</sup>  
أفونیطن: نام‌های دیگر آن عبارتست از: قاتل النمر - عامه اندلس: نبال (تال) [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۷۰]

<i>Aconitum lycoctonum</i> L.	خائق النمر	زر. - طبأ.
<i>Aconitum napellus</i> L.	اقونيطن - قاتل النمر - نبال	ديسكوريد
<i>Aconitum napellus</i> L.	اقونيطون - تاج الملوك	پارسا
<i>Doronicum pardalianches</i> <i>Doronicum cordatum</i> C.Koch	خائق النمر - دُونوق خائق النمر	الموسوعه

۷۱۶- خُبَّازی، خَبَزی، خَبازی، خَبازی، خُبْزای، خُبْزای، خُرو، خِروچ: نوعی خطمی و از جنس میترسات (گیاهان دارای برگ گرد) است. نام‌های دیگر آن: ملوکیه البریه - فارسی: نان کلاغ، پنیرک، خیری؛ خرو - ترکی: ایم‌کماجی - مازندران: نَحیلک - شیرازی: خطمی کوچک؛ نان کلاغ - نام‌های بذر: فارسی: تخم خرد - کرمانی: پنیرک خطمی - نام‌های نوع بستانی: ملوخیه، ملوکیه - خِروچ - نام‌های نوع بری بزرگ: خطمی - سریانی: حمری مرکب - نام‌های نوع بری کوچک: «خَبازی» و به فارسی «خیرو» است و مراد از مطلق آن همین نوع کوچک است.<sup>۱</sup> «خَبازی» نوعی از «ملوکیه» است و گویند «ملوخیان بستانی» است و «ملوکیه بری» و نوعی از «ملوخیا» را، «بقلة اليهود» خوانند و «ملوکیه» گویند و آن «خطمی» است.<sup>۲</sup> اشبیلی می‌گوید: دارای انواع بسیاری است که برخی از آن‌ها عبارتند از: ۱- خُبّازی الماکول (خوراکی)، مَالْبَه ۲- نوع بزرگ خودرو در محل‌های متروکه به نام ملوکیه، مَالْبَه ملوخه، ملوغه، الشاء، عَلْکَلْک، سفوس ۳- نوعی از «ورد الزینه البری» با نام: خَبَازی المجوسی ۴- نوع معروف به مصری با نام خَبَازی الصقلی ۵- نوع معروف به شقایق که رنگ گل آن چون شقایق قرمز است با نام الحاحی و الصينی ۶- نوع معروف به قُرطی با نام مَالْبَه اوراطه یعنی خَبَازی حَمَقَاء ۷- نوع معروف به خطمی با نام‌های: آلثا، انشعی، الغسل، غسول، مَالْبَه بَسْکَه، تبیی ان و امان، ملوکیه البحر، شَخْمَة البحر، خَبَازی السبخی، أَلْتَه ۸- نوعی با نام‌های: خطمی النهري، خطمی الرومی، خطمی الازغب، عَضْرَس ۹- نوعی با نام «ورد الزینه» یا شش نوع، سه نوع از آن بستانی با گل‌های سفید، قرمز، آبی و سه نوع آن بری، که نوعی دارای گل قرمز و نام‌های دو نوع بری دیگر آن عبارتست از: خطمية البيضاء، خطمی المروج، خُبّازی الفارسی ۱۰- نوع جبلی: خُبّازی الجبلی و نوع خَبَازی الاسود ۱۱- نوعی معروف به فم الطائر، خَبَازی الهندی، بلارجه، اقْلُولش، اخلة الارض، قَرْنه، غرنوقی، ادقام الغرائیق، ابی الولید، مُتَفَتِلَة ۱۲- بنفسج ۱۳- خریق الاسود ۱۴- نوع بزرگ حمامح<sup>۳</sup>

ملوخی (*Molokhe*): نام‌های دیگر آن عبارتست از: خُبّازی - ملوکیّه [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۳]

<i>Malva sp.</i>	خُبّازی - خُبازه	الموسوعه
<i>Malva rotundifolia L.</i>	خُبازی	طباطبائی
<i>Malva parviflora L.</i>	<i>Hendia &amp; Panjub: Panirak, Supra</i>	<i>GLO.IN.</i>
<i>Malva silvestris L.</i>	گل پنیرک	پارسا
<i>Althaea sp.</i>	خُبازی	EN.

۷۱۷ حُجَّه، بزر الحُجَّة، حُجَّه، حُجَّه، خِیَه، حَجَّة: نام‌های دیگر آن: عربی: فَتْ، نجم - شیرازی: شفتَرک<sup>۱</sup> اصفهانی: خاکشی<sup>۲</sup> - تبریزی: سوردن<sup>۳</sup> - ترکی: شیودان<sup>۴</sup>، واشوه<sup>۵</sup> - مازندرانی: شلم‌بی<sup>۶</sup> - هندی: خوب‌کلان<sup>۷</sup> - فارسی: السَّنة<sup>۸</sup> (نامی عربی)، الداس<sup>۹</sup> واش<sup>۱۰</sup> - بربری: سوارون<sup>۱۱</sup>

<i>Sisymbrium officinale</i> Scop. <i>Sisymbrium polyceraton</i>	بزرالخبه - فث - نجم	زریاب
<i>Sisymbrium officinale</i> Scop. <i>Erysimum repandum</i> L. <i>Sisymbrium irio</i> <i>Sisymbrium sophia</i>	جنفج، تودری، قدومه شیرازی، خاکشیر، خاکشی	پارسا

<i>Sisymbrium sophia</i>	خاكشير	پارسا
<i>Erysimum barbarea</i> L. <i>Erysimum cheiranthoides</i> L.	حشيشة الخفر، أريسيموم طبي، خَبه	الموسوعه

- ۷۱۸ - خبز رومی<sup>۴</sup>: نام‌های دیگر آن: قسماط<sup>۵</sup> - عامه مغرب: بَسْمَاط<sup>۶</sup>  
۷۱۹ - خبز القروء<sup>۷</sup>، خبز القروء<sup>۸</sup>، خبز القروء<sup>۹</sup>: نام‌های دیگر آن: لوف<sup>۱۰</sup> - بعضی از گیاهشناسان اندلس: نوع بزرگ لوف<sup>۱۱</sup>  
۷۲۰ - خبز المشایخ<sup>۱۲</sup>، خبز المشایخ<sup>۱۳</sup>: نام دیگر آن: عامه آفریقا: بخور مریم<sup>۱۴</sup>

<i>Cyclamen sp.</i>	خبز المشايخ - شُكْع	الموسوعة
---------------------	---------------------	----------

۷۲۱ - خُتُوفٌ، خُتُوفٌ: نام دیگر آن در بعضی از ترجمه‌ها: اُفستین<sup>۷</sup>

الم.	خَرْف، أْبَسْت، أَسْتِين، شِيح رُومِي، دَمْسِيَة	<i>Artemisia absinthium</i>
------	--	-----------------------------

۷۲۲ - خُرُو الحَمَامَ، خرو الحمام: نام‌های دیگر آن: ابن جلیل: اهالی رَقَه: جوز جندم  
۷۲۳ - خَرَامِقَان، خرامقان:

۷۲۴ - خَرَبَقْ، خَرَبِقْ، خَرَبِقْ<sup>ع</sup>، خَرَبِقْ<sup>ت</sup>، خَرَبِقْ أَيْضُ<sup>ع</sup>، خَرَبِقْ اِبْيَضُ<sup>ث</sup>: «خربق» دو جنس است سیاه و سپید.<sup>ف</sup> نام‌های دیگر آن: رومی: برون - سریانی: حوربخانا، فقوشا، اقونظاون - اوریباسیس: البروس - فارسی: داری - جالینوس: به سریانی: هلابوروس - اهالی دمشق: خردل فارسی<sup>ش</sup> اشبیلی می‌گوید در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را به اشتباه «سمّزء» و عده‌ای «حرشاء» گویند نام‌های آن عبارتست از: البوز لوقس، هیلورث، سالة<sup>ش</sup>

<i>Helleborus alba</i> L.	خريق	زرياب
<i>Veratrum album</i> L.		
<i>Veratrum album</i> L.	خريق ابيض	طبا. - خط.
<i>Helleborus</i> sp.	خريق	الموسوعه
<i>Helleborus</i> sp.	خريق ابيض	EN.

۷۲۵- خَرِیقِ اسود، خَرِیقِ اسود، خَرِیقِ اسود، خَرِیقِ اسود: نوعی کفوف و از جنس جنبه است نام‌های دیگر آن: هندی: کتکی، مالیبیذون - الیورش مالش - الباشه - سافاربعون - ملیآله (اهالی ثغر) یعنی حَبِیْرَة صغیره - سیصامویداس - هیطومون - نام نوع دیگر آن: خروسونومی - اهالی ثغر: طَرْنَة ماطر - ضابطه الجبلیة - رافعه زیرا رحم را به محل خود بر می‌گرداند - راس الذهب - نام گیاه در کتاب دسکورید: المندوبون<sup>۵</sup>

<i>Helleborus niger</i> L.	خريق اسود	ز.ال،خ،ط.
<i>Helleborus niger</i> L.	خريق سياه	پارسا
<i>Veratrum nigrum</i> L.	خريق اسود	EN.

۷۲۶- خَرْدَل؛ خردل<sup>س</sup>، خردل<sup>آ</sup>، خردل<sup>ع</sup>، خردل<sup>ف</sup>، خردل<sup>ط</sup>، خردل<sup>ث</sup>، خردل<sup>ذ</sup>، خردل<sup>ر</sup>، حَرْشاء<sup>ص</sup>: نوعی بقل یکساله نام‌های دیگر آن: سینی - صناب - اسفیندار - سریانی: خردلا<sup>ا</sup> - فارسی: اسپندان خوش<sup>ش</sup> - هندی: وائی، رائی<sup>س</sup> (رای)، بمولتان اهری<sup>س</sup>، تریزه<sup>ص</sup> - خردل البر<sup>ب</sup> - نام‌های نوع بری: عربی: حرشا<sup>ا</sup> - ترکی: فجی<sup>ا</sup> - نام‌های نوع سفید: حرف ایض<sup>ا</sup> -

فارسی: سپندان، اسپند - «خردل» «سپندان» است ... و جنسی از آن «سپید اسفند» و آن را «خردل بابلی» گویند.<sup>۳</sup>

<i>Brassica nigra</i> Koch. <i>Sinapis nigra</i> L.	خردل - مشمع خردل	پارسا
<i>Sinapis</i> sp.	خردل	الموسوعه
<i>Sinapis arvensis</i> L. <i>Sinapis nigra</i> L. <i>Brassica nigra</i> Koch.	حرشاء - خردل	زریاب
<i>Sinapis alba</i> L. <i>Sinapis nigra</i> L. <i>Sinapis arvensis</i> L.	خردل ایض خردل اسود خردل بری	خطابی
<i>Sinapis arvensis</i> L.	خردل بری	طباطبائی
<i>Sinapis arvensis</i> L.	خردل	EN.

۷۲۷ - خردل بری<sup>۴</sup>، خردل البر<sup>۵</sup>، حراشا<sup>۶</sup>، خنج<sup>۷</sup>: نوعی احرار است. گروهی پنداشته اند نام «لَبسان» است.<sup>۸</sup> و برخی آن را نوعی «لفت» می دانند.<sup>۹</sup>

<i>Sinapis arvensis</i> L. <i>Brassica sinapistrum</i> Boiss.	خردل بری، خردل حَقْلی، حَرشاء، لَبسان	الموسوعه
--	---------------------------------------	----------

۷۲۸ - خَزَزَة<sup>۱۰</sup>:

۷۲۹ - خَزَزَل: نام های دیگر آن: یونانی: البانونس

۷۳۰ - خردل فارسی<sup>۱۱</sup>، خردل فارسی<sup>۱۲</sup>، خرق<sup>۱۳</sup>: نوعی «حرف» که آن را «اسفند اسفید» خوانند و «خردل سفید» گویند.<sup>۱۴</sup> نام های دیگر آن: تلسفی<sup>۱۵</sup> - گیاهشناسان و اهالی غرب اندلس: ضباب البری<sup>۱۶</sup> - مصر: حشيشة السلطان<sup>۱۷</sup>

<i>Lepidium campestre</i> R.Br. <i>Thalaspia campestre</i> L.	خردل فارسی، خَزَف السطوح، صتاب بری	الموسوعه
--	------------------------------------	----------

۷۳۱ - خرطال<sup>۱۸</sup>، خرطال<sup>۱۹</sup>: به گیاهی از جنس «راء» و همچنین به گیاهی از نوع «شعیر» گفته می شود.<sup>۲۰</sup> نام دیگر آن: فارسی: قرطمان<sup>۲۱</sup>

<i>Avena</i> sp.	خزطال، شوقان	الموسوعه
------------------	--------------	----------

۷۳۲ - خُرْفَع<sup>۲۲</sup>، خُرْفَع<sup>۲۳</sup>: نام های دیگر آن: جنی العُشْر<sup>۲۴</sup>، عَشْر<sup>۲۵</sup> - برخی مواقع به «قُطْن» نیز «خُرْفَع» گویند.<sup>۲۶</sup>

۷۳۳ - خرکوش<sup>۲۷</sup>: در بعضی از تفاسیر آن را «لسان الحمل» می دانند.<sup>۲۸</sup>

۷۳۴ - خَزَرَقُطان: نام هندی آن «بندا» است.<sup>۲۹</sup>

<i>Loranthus globiferus</i> A.Rich.	خرقطان	الموسوعه
-------------------------------------	--------	----------

۷۳۵ - خُرْم<sup>۳۰</sup>: "رازی" این نام را گیاهی با نام یونانی «اسطراطیقوس» به معنای «حالبی» پنداشته و برخی نیز آن را با نام یونانی

«لخنس» و عده‌ای هم آن را با نام یونانی «لنخیطس» ذکر کرده‌اند و این همان گیاهی است که ابن جلیجل از آن به «سراج القطرب» یاد کرده است.<sup>ع</sup>

الموسوعه	خرم - سراج القطرب	<i>Agrostemma sp.</i>
----------	-------------------	-----------------------

۷۳۶ - خرنوب، خرنوب، خرنوب، خرنوب، خرنوب<sup>ع</sup>، خرنوب<sup>ث</sup>؛ خرنوب (در دو نوع) نبطی و شامی است.<sup>ع</sup> - نام‌های دیگر آن: خرنوب، خرنوب، خرنوب - شجرة سليمان<sup>ث</sup> - میوه ینبوت<sup>ع</sup> - سریانی: خروبی، حجتا، فیزیدجاغی<sup>ع</sup> - فارسی: زنک فلیج<sup>ع</sup> - بلخ: جنکک<sup>ع</sup> - سجریه: شمرک<sup>ع</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: قاراطیا<sup>ع</sup> - فاس: تاسلقوا - نام‌های ریشه آن: سریانی: زریات<sup>ع</sup> - سجری: سم<sup>ع</sup> - نام خرنوب نبطی: ینبوت زنکورج<sup>ع</sup> "تیمی" می‌گوید: «خرنوب شامی» دارای سه نوع است و بهترین آن نوعی به نام «صیدلانی» است.<sup>ع</sup>

ز،خ،ط،ع	خرنوب	<i>Ceratonia siliqua L.</i>
الموسوعه	خرنوب - خرنوب	<i>Ceratonia siliqua</i>
GLO.IN.	Punjab: Khamub	<i>Ceratonia siliqua</i>

۷۳۷ - خرنوب السودان: نام میوه‌ای در مغرب که عوام به آن «کورو» گویند و در مناطق سودان رویش دارد.<sup>ع</sup>

خطابی	خرنوب السودان	<i>Cola acuminata Scho.</i>
-------	---------------	-----------------------------

۷۳۸ - خرنوب نبطی<sup>ع</sup>، خرنوب نبطی<sup>ث</sup>، خرنوب النبطی<sup>ث</sup>: نام‌های دیگر آن: خرنوب - اهالی شام: خرنوب الشوک<sup>ع</sup>، خرنوب المعزی<sup>ع</sup>، مغربی<sup>ع</sup> - عربی: ینبوت<sup>ع</sup> - قضم قریش<sup>ع</sup> - فارسی: کوروارا - شیرازی: کیرکازرونی<sup>ع</sup>

۷۳۹ - خرنوب الخنزیر<sup>ع</sup>، خرنوب الخنزیر<sup>ث</sup>: نام‌های دیگر آن: عود الیسر<sup>ث</sup> - یونانی: أناغورس<sup>ع</sup> - در بازار مصر: حب الکلی<sup>ع</sup>

۷۴۰ - خرنوب الشامی: نام‌های دیگر آن: قراطیا - تیکظا - سلفوا - خرنوب - دارای انواعی است: ۱ - نوعی با نیامی بلند با نام نارجین ۲ - نوع دیگر با نیامی بلند و پهن معروف به صندلی ۳ - نوعی با نیامی کوتاه و پهن معروف به صینی<sup>ث</sup>

۷۴۱ - خرنوب الشوک<sup>ث</sup>: گویند «قرظ» است و گویند «ینبوت» است که درست‌تر است.<sup>ث</sup>

۷۴۲ - خرنوب مصری<sup>ع</sup>، خرنوب مصری<sup>ث</sup>: نام‌های دیگر آن: خرنوب نبطی<sup>ث</sup> - قرط<sup>ث</sup>

خرنوب (غلاف) درخت «سنط» است.<sup>ع</sup> از این خرنوب در شهرهای مصر عصاره «أقاقیا» استخراج می‌شود که به آن «رب القرظ» می‌گویند.<sup>ع</sup>

طباطبائی	خرنوب مصری	<i>Acacia arabica</i>
----------	------------	-----------------------

۷۴۳ - خرسوقومی<sup>ع</sup>: برگردان عربی آن «رأس الذهب» است.<sup>ع</sup>

EN.	خرسوقومی	<i>Aster alpinus L.</i>
-----	----------	-------------------------

۱- در مورد وجه تسمیه این گیاه به «خرنوب» و «شجرة سليمان» غسانی<sup>ث</sup> در کتاب خود می‌گوید: بر اساس آنچه آورده شده حضرت سلیمان علیه السلام در محراب خود گیاه بزرگ خودروئی را مشاهده کرد از گیاه پرسید اسم تو چیست و چه فواید و ضررهائی داری؟ گیاه به قدرت خداوند به سخن آمد و در حالی که حضرت سلیمان (ع) آماده نوشتن بود گفت: نام من «خرنوب» است. حضرت سلیمان (ع) فرمود: «خرنوب» همان «خراب» است پس با این نشان فهمید که حکومت او بزودی از بین می‌رود و دیر زمانی نگذشت که چنین شد و به همین دلیل به این گیاه «شجرة سليمان» گویند.

۷۴۴ - خروسوموغالی<sup>ع</sup>: نام گیاه در کتاب دیسکورید: دسقس<sup>ع</sup>

۷۴۵ - خُروَع<sup>ع</sup>، خُروَع<sup>ع</sup>، خُروَع<sup>ع</sup>، خُروَع<sup>ع</sup>، طمره<sup>ع</sup>، خُروَع<sup>ع</sup>، حب الخُروَع<sup>ع</sup>: از جنس کنوف و از درختان خَوار است. نام های دیگر آن: فارسی: بیدانجیر<sup>ع</sup>، یزدانجیر<sup>ع</sup>، انجیر<sup>ع</sup> - شیرازی: کنتو<sup>ع</sup> - ترکی: کرچک<sup>ع</sup> - هندی: ازنید<sup>ع</sup> - رومی: قفروس<sup>ع</sup> (قیفوس) - سریانی: طمری<sup>ع</sup>، قردی<sup>ع</sup> - جالینوس: قیقاوس<sup>ع</sup> - نام دانه به شیرازی «کتور» است.<sup>ع</sup> آشبیلی<sup>ع</sup> می گوید: دارای چهار نوع بزرگ، کوچک، متوسط و نوعی روئیده در کنار نهرها است: ۱ - نام های نوع بزرگ: قیقی - شیشاصینی - شیشم - قبرس: قروطن - رجنه - اریقنه - نام دانه: اسفناغ<sup>ع</sup> ۲ - نام های نوع متوسط: کسینثیون - قصفا - خولادولیون - اماری - صیصاموغربون ۳ - نام نوع کوچک: اسپیدار<sup>ع</sup> ۴ - نام نوع چهارم: حبربان<sup>ع</sup>

<i>Ricinus communis L.</i>	خُروَع	ز.خ، ط.ع.
<i>Ricinus communis L.</i>	کرچک	پارسا
<i>Ricinus communis L.</i>	خُروَع	الموسوعه

۷۴۶ - خُریَع<sup>ع</sup>، خُریَع<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: غُضُر<sup>ع</sup> - آفریقا و تونس به زبان بربری به آن «تاغفیت» گویند و نوعی «حشفت» غیر خاری است.<sup>ع</sup>

۷۴۷ - خَزامی<sup>ع</sup>، خَزامی<sup>ع</sup>، خَزامی<sup>ع</sup>، خَزامی<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: خیری البر<sup>ع</sup> - سجزیه: گل نرمه<sup>ع</sup> - فارسی: شب انبوی<sup>ع</sup>، ارونه<sup>ع</sup>، شب بو<sup>ع</sup>? - آشبیلی<sup>ع</sup> می گوید: این نام برای دو گیاه بکار برده شده است و هر دو نوعی «شیخ» هستند: ۱ - اسطوخودوس<sup>ع</sup> ۲ - خَزامی<sup>ع</sup>

لوقاس الجبلیه (*Leukas*): نام «خیری جبلی» است زیرا «لوقاس» به معنای «خیری» بوده و آن نوعی از «خَزامی» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۹۴]

<i>Lamium maculatum L.</i> <i>Lavandula vera DC.</i>	نوعی از خَزامی - لوقاس الجبلیه - خیری جبلی	دیسکورید
<i>Lavandula spica Cav.</i> <i>Lavandula vera DC.</i>	خَزامی	زر.، EN.
<i>Lavandula sp.</i> <i>Lavandula vera DC.</i>	خَزامی - لاژنده	الموسوعه
<i>Lavandula vera DC.</i>	خَزامی	طباطبائی

۷۴۸ - خَزَم<sup>ع</sup>:

۷۴۹ - خَس<sup>ع</sup>: (نام ریشه ای هندی)

۷۵۰ - خَس<sup>ع</sup>، خَس<sup>ع</sup>، خَس<sup>ع</sup>، خَس<sup>ع</sup>، خَس<sup>ع</sup>، بزر الخس<sup>ع</sup>، خس بری: نام های دیگر آن: فارسی: کاهو<sup>ع</sup> - ترکی: خاس<sup>ع</sup> - نام «خس بری» در شهر فاس «خس الحمار» است.<sup>ع</sup> آشبیلی<sup>ع</sup> می گوید: نوعی السُن و از جنس بقل با نام های بلودقش، لیتوقش و مرولیه است و دارای انواع فراوانی است که بستانی آن عبارت است از: ۱ - مأمونی و صقلی ۲ - خس الاسود ۳ - الحاحی ۴ - قسطنطنینی یا مصری ۵ - بجانی و عراقی ۶ - ربیعی - بری آن عبارتست از: ۱ - یعضید بری با نام های: ثرودوقس ایمارس، لیتوقه کنبیانه، خس الفدان ۲ - خس الارنب ۳ - شوال الحمار، خَزْشاه، خس الحمار ۴ - بیروح ۵ - غطشان، دیساقوس - می توان از «سِلَق» و انواع آن را از انواع خس دانست.<sup>ع</sup> ثرئوقس ایماروس (*Thridax hemeros*): نام «خس بستانی» و «خس بری» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۲۰]

<i>Lactuca sativa L.</i>	ثرئوقس ایماروس - خس بستانی - خس بری	دیسکورید
<i>Lactuca sp.</i>	خَس	الموسوعه

<i>Lactuca sativa L.</i>	تخم کاهو	پارسا
<i>Lactuca sativa L.</i>	خس	طبا، EN.
<i>Lactuca sativa L.</i>	خس بستانی	خطابی
<i>Taraxacum officinale</i>	خس بری	

۷۵۱ - خس الحمار<sup>۷</sup>، خس الحمار<sup>۸</sup>، خس الحمار<sup>۹</sup>، هوفیلوس<sup>۱۰</sup>: نام‌های دیگر آن: قابضه، ضابطه، مصاصة، عشبة الفتوق، شنجار<sup>۱۱</sup> - هوفیلوس<sup>۱۲</sup> - ابوخلسا<sup>۱۳</sup> گویند نام نوع بزرگ «سنجار» است.<sup>۱۴</sup>

<i>Alkanna sp.</i>	الموسوعه	کُتْهان صباغی، شِنْجار البر، خس الحمار، رَجُل الحما
--------------------	----------	---

۷۵۲ - خشخاش<sup>۱۵</sup>، خشخاش<sup>۱۶</sup>، خشخاش<sup>۱۷</sup>، شیرابه<sup>۱۸</sup>: نام دیگر آن: هندی: پوست<sup>۱۹</sup>  
نوعی از آن بستانی است که از بذر آن نانی که در وقت المَحَل آن را می‌خورند و گاهی نیز آن را بجای «سمسم» با عسل استفاده می‌نمایند و این نوع را «بولاقیطس» گویند. و نوعی بری با سر شاخه‌های مشابه آن و بذرهای سیاه است که به آن «سفرطس» گویند و برخی مردم آن را «رواس» می‌گویند زیرا این کلمه به معنای سائل (روان) بوده و از آن مایع یا شیرهای خارج می‌شود. و نوع سوم خشخاش بری کوچکتر است.<sup>۲۰</sup>  
میقن (*Mekon*): نام «خشخاش ابيض» است و همچنین «خشخاش أسود» و «أفیون» با همین نام ذکر شده است.  
میقن رُواس (*Mekon rhoias*): برگردان عربی آن «خَشْخَاش سائل» است وجه تسمیه آن بخاطر گل زودافت آن است و مشابه «شقایق» است و در کشتزارها می‌روید. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۵۸ و ۵۹]

<i>Papaver roeas L.</i>	میقن رواس - خشخاش سائل	دیسکورید
<i>Papaver somniferum L.</i>	میقن، خشخاش ابيض، خشخاش أسود، أفیون	دیسکورید
<i>Papaver sp.</i>	خشخاش	الموسوعه
<i>Papaver somniferum L.</i>	کوکنا - خشخاش	پارسا
<i>Papaver somniferum L.</i>	خشخاش	طبا، EN.

۷۵۳ - خشخاش سفید<sup>۲۱</sup>، خشخاش ابيض<sup>۲۲</sup>: از انواع آن «خشخاش احمر» است که به آن «شقایق النعمان» گویند.<sup>۲۳</sup> نام دیگر آن: خشخاش بستانی<sup>۲۴</sup>

<i>Papaver somniferum L.</i>	خشخاش ابيض	خطابی
<i>Papaver roeas L.</i>	خشخاش احمر	خطابی
<i>Anemone sp.</i>		

۷۵۴ - خشخاش بری<sup>۲۵</sup>، خشخاش سیاه<sup>۲۶</sup>: نام‌های دیگر آن: خشخاش أسود<sup>۲۷</sup>، خشخاش الیهودی<sup>۲۸</sup>  
قاراطیطس<sup>۲۹</sup> که (*Mekon keratitis*): برگردان آن به عربی «خشخاش المُقَرَّن» (خشخاش شاخ دار) است. بعضی به آن «فارالیون» (*Paralion*) برگردان آن به عربی «خشخاش الساحلی» است، می‌گویند زیرا این گیاه بیشتر در سواحل می‌روید. نام دیگر آن «خشخاش البری» است. و برای نیام بلند چون نیام «لویا» به آن «مُقَرَّن» گویند. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۰

<i>Papaver somniferum</i>	خشخاش أسود، خشخاش احمر، خشخاش مُنوم، أبوالنوم	الموسوعه
<i>Papaver somniferum L.</i>	خشخاش أسود	خطابی

<i>Glaucium corniculatum</i> Curt.	قاراطیطس، خشخاش المقرن، خشخاش ساحلی، خشخاش بری	دیسکورید
<i>Glaucium corniculatum</i> Curt.	خشخاش بری	EN.

۷۵۵- خشخاش منشور، خشخاش منشور<sup>۳</sup>: "جالینوس" می گوید: از آن جهت منشور گویند که گلبرگهای آن زود می ریزد.<sup>۳</sup>

<i>Papaver rhoeas</i>	خشخاش منشور، خشخاش اعمی، عَمَى الدجاج، شقائق حمر، شقائق النعمان	الموسوعه
-----------------------	---	----------

۷۵۶- خشخاش زبیدی، خشخاش زبیدی<sup>۳</sup>: نام های دیگر آن: میقن افروذس<sup>۳</sup> - قلیا<sup>۳</sup>  
میقن افروذس (*Mekon aphrodes*): برگردان آن به عربی «خشخاش زبیدی» است (زبد به معنای شیر یا کف روی آب) زیرا گل آن مانند کف روی آب بسیار سفید رنگ است. [این بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۱]

<i>Silene inflatal</i> L.	خشخاش زبیدی	دی.، EN.
---------------------------	-------------	----------

۷۵۷- خشخاش مقرن، خشخاش مقرن<sup>(۱)</sup>، خشخاش مقرن<sup>۳</sup>، خشخاش مقرن<sup>۳</sup>: نام دیگر آن: مامیتا<sup>۳</sup> خشخاش بحری<sup>۳</sup>، زیرا اکثراً کنار دریا و مکان های ناهموار می روید.

<i>Glaucium flavum</i> Crantz.	خشخاش مقرن، مامیتا صفراء	الموسوعه
--------------------------------	--------------------------	----------

۷۵۸- خُصَى الثعلب، خصی الثعلب<sup>۳</sup>، خصی الثعلب<sup>۳</sup>، خصی الثعلب<sup>۳</sup>، خصی الثعلب<sup>۳</sup>، سوطیون<sup>۳</sup>، طریفلن<sup>۳</sup>: نام های دیگر آن: یونانی: ساطریه، ساطریون، ساطیورین، شاطوریون<sup>۳</sup>، طریفلن<sup>۳</sup> (به معنای سه برگ) (در دو نوع) خرد و بزرگ است.<sup>۳</sup> - برای برگ های سه تایی و مایل به سمت زمین آن برخی آن را «طریفلن» می دانند... و نوع دیگر آن را گاهی «أریقون شاطوریون» گفته اند.<sup>۳</sup> "غافقی" می گوید: «خصی الثعلب» معروف نزد ما در اندلس با آنچه دیسکورید معرفی کرده متفاوت است.<sup>۳</sup> "اشبیلی" می گوید: دارای دو نوع است، نوع اول را شاطوریون، اشتنکه و طریفلن و نوع دوم بذر هائی بزرگتر از بذرهای: کتان دارد.<sup>۳</sup> - ساطوریون (*Saturion*) نام «خُصَى الثعلب» بوده و دو نوع دارد. این بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۲۳

<i>Orchis anthropophora</i> L.	ساطوریون - خصی الثعلب	دیسکورید
<i>Orchis</i> sp.	سُخلب، خصی الثعلب، خصی الکلب، قاتل اخیه، سَطوریون	الموسوعه
<i>Aceras anthropophora</i> St.	خصی الثعلب	طباطبائی
<i>Tulipa gesneriana</i> L.		
<i>Orchis hircina</i> Griseb.	خصی الثعلب	خطابی

۷۵۹- خصی الדיک، خصی الدیك<sup>۳</sup>؟

۷۶۰- خصی القط<sup>۳</sup>: نوعی بقل معروف به ذکر رئیس - اهالی ثغر: قلیون دیغاته<sup>۳</sup>

۷۶۱- خصی الکلب<sup>۳</sup>، خصی الکلب<sup>۳</sup>، خصی الکلب<sup>۳</sup>، قاتل اخیه<sup>۳</sup>: نام های دیگر آن: رومی: اُسْمَاقوس<sup>۳</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: أَرْخَس<sup>۳</sup> - این اسم - قاتل اخیه (برادر کش) - به این سبب بر آن نهاده اند که دارای دو بیخ مانند دو زیتون است که در سالی یکی از آن ها فربه شود و در سال دیگر آن فربه لاغر گردد و لاغر آن فربه گردد.<sup>۳</sup> "اشبیلی" می گوید: نوعی بصل با نام های:



«ارخس، قاتل اخیه، قلیون، دقان» و دارای ده نوع با نام‌های زیر است: ۱- نوع ثومی با نام‌های ارخس و ارخیس ۲- نوع دیکی با نام‌های ارخس طوماغن یعنی بزرگ، ساراقیاس و خصی السمور ۳- نوع نحلی ۴- نوع دیبرانی یا زنبوری که در دو نوع است. ۵- نوع کرائی ۶- نوع بصلی ۷- نوع بصلی ۸- نوع خطافی ۹- نوع زبیدی ۱۰- نوع ثعلبی<sup>۳</sup>

طباطبانی	خصی الکلب	<i>Orchis hircina</i> Griseb.
----------	-----------	-------------------------------

۷۶۲- خصی هرمس<sup>۴</sup>، خصی هرمس<sup>۵</sup>: نام‌های دیگر آن: حلیوب<sup>۶</sup> - یونانی: لسورسپس<sup>۷</sup> - گویند نام «عصا هرمس» است و به نظر صحیح تر از بقیه نظرها است و نام یونانی آن «لینوزسپس» و نام دیگر آن «حلیوب» است.<sup>۸</sup>  
۷۶۳- خطر<sup>۹</sup>، خطر<sup>۱۰</sup>: برگ «نیل رومی» است.<sup>۱۱</sup> - گویند نام «وسمه» است.<sup>۱۲</sup>

الموسوعه	خطر	<i>Cladrastis</i> sp. <i>Virgilia</i> sp.
----------	-----	--

۷۶۴- خطرة<sup>۱۳</sup>:

۷۶۵- خطمی<sup>۱۴</sup> (نامی یونانی)، خطمی<sup>۱۵</sup>، خطمی<sup>۱۶</sup>، خطمی<sup>۱۷</sup>، خطمی<sup>۱۸</sup>، خطمی<sup>۱۹</sup>، خطمی<sup>۲۰</sup>، شحم المَرَج<sup>۲۱</sup>، غسل<sup>۲۲</sup>، بزر الخطمی<sup>۲۳</sup>، صمغ الخطمی<sup>۲۴</sup>: مشتق از کثیر المنافع<sup>۲۵</sup> - نام‌های دیگر آن: رومی: لائوس<sup>۲۶</sup>، انونکسا<sup>۲۷</sup> - سریانی: حلمنا<sup>۲۸</sup>، نطفنا<sup>۲۹</sup> - فارسی: خیروج<sup>۳۰</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: ایسقوس<sup>۳۱</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: الئاس<sup>۳۲</sup> - فارسی: هشت دهان<sup>۳۳</sup>، الئال<sup>۳۴</sup> فاس: ورد الزوان<sup>۳۵</sup> نام‌های نوع بری: شحم المَرَج<sup>۳۶</sup> - یونانی: الیاء<sup>۳۷</sup> - نام گل: کثیر المنفعة<sup>۳۸</sup> - بهترین آن کوهی است که گل آن به رنگ سفید است و بستانی آن به نام «الزوانی» است.<sup>۳۹</sup> نوعی از آن بستانی و در اندلس معروف به «ورد الزوانی» است و نوع دیگر آن را عامه مردم به نام «شحم المَرَج» می‌شناسند و «دیسکورید» نام آن را به یونانی «الئال» گفته است. و دیسکورید همچنین آن را نوعی از «ملوخیه بری» معرفی می‌کند.<sup>۴۰</sup>

الئال<sup>۴۱</sup> (Althaea): خطمی - ملوخیا الشجر - عامه اهل اندلس: ورد الزوانی

الئال آخر (Alkea): نوعی از «خطمی بری» معروف به «شحم المَرَج» است. قسمت مورد استفاده ریشه‌های گیاه است و برای نرم کردن صلابات بسیار موثر است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۴۱ و ۱۴۲]

خطابی	خطمی بری	<i>Althaea rosea</i>
ز. - خ. - ط.	خطمی	<i>Althaea officinalis</i> L.
EN.	خطمی	<i>Althaea officinalis</i> L. <i>Althaea ficifolia</i> R.Br.

۷۶۶- خِلاف<sup>۴۲</sup>، خِلاف<sup>۴۳</sup>، خِلاف<sup>۴۴</sup>، خِلاف<sup>۴۵</sup>، خِلاف<sup>۴۶</sup>، صَفَصاف<sup>۴۷</sup>: نام‌های دیگر آن: صفاف<sup>۴۸</sup> - فارسی: بید<sup>۴۹</sup> - جالینوس: یطاس<sup>۵۰</sup>، غرب<sup>۵۱</sup>، شاه بید<sup>۵۲</sup> - شام: خِلاف<sup>۵۳</sup> «خِلاف» دارای انواع متعددی است نوعی از آن را «صفاف» گویند که خود دارای نوع سفید و قرمز است و نوع دیگر آن «بادامک» نام دارد که نزد اهالی اندلس به «نصی» مشهور است.<sup>۵۴</sup> «خِلاف» شامل «بید مشک»، «بید بری»، «بید موله» است و از هر گاه بدون قیدی نامبرده شود منظور «بید بری» یا «صفاف» که به فارسی «بید ساده» است، می‌باشد.<sup>۵۵</sup> «خِلاف»، «بید» است و از او «خِلاف» است و «صفاف» و «شاه بید» - «خِلاف» نوعی «صفاف» است و صمغ آن از برگ بیرون می‌آید.<sup>۵۶</sup>

أطال<sup>۵۷</sup> (Itea): شجر الصَفَصاف - خِلاف ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۰۶

EN.	بید	<i>Salix aegyptiaca</i> Forsk.
-----	-----	--------------------------------

<i>Salix babylonica</i> L. <i>Salix babilonia</i> L.	أطا - شجر الصفصاف - خلاف	دیسکورید
<i>Salix safsaf</i> Forsk. <i>Salix babilonia</i> L.	صفصاف	زر. - طب.
<i>Salix alba</i> L.	بید	پارسا
<i>Salix australior</i> Forbes	بید سیاه	پارسا
<i>Salix babylonica</i> L.	بید مجنون	پارسا
<i>Salix fragilis</i> L.	بید خشت	پارسا
<i>Salix babilonia</i> L. <i>Salix aegyptiaca</i>	خلاف	خطابی
<i>Salix acmophylla</i> Boiss.	Hendia: Bada - Punjab: Bed	GLO.IN.
<i>Salix acmophylla</i> Boiss.	Punjab: Bedi	GLO.IN.

۷۶۷ - خلاف بلخی، بهرامج، بهرامج: نام های دیگر آن: فارسی: بید مشک - شام: شاه بید - روم: بهرامج، رنف، بودکر - سندی: سریس (سرس) - بهرامه - خلاف بلخی

<i>Salix caprea</i> L. <i>Salix balchia</i> <i>Salix rosmarinifolia</i> L.	بهرامج	زریاب
<i>Salix aegyptiaca</i> Forsk.	بید مشک	پارسا

۷۶۸ - خلجی، خلجان: گویند «گرنب بری» یا «شهدانج بری» است.

۷۶۹ - خلص: شاید «کانتج النهری» باشد.

۷۷۰ - خلر، جلبان، خلر: نام های دیگر آن: عربی: خلر، ملک، جلبان، به واحد آن «جلبانه» گویند. - هندی: متر کابلی - «قصاص» نوعی خلر با غلاف نازک است. - عرب «ماش» را «میخ» و «خلر» را «زن» گوید.

<i>Lathyrus sativus</i> L.	جلبان - ملک - خلر	زریاب
<i>Pisum sativum</i> L.	کرکرو (خرقان) - خلر	پارسا
<i>Lathyrus</i> sp.	جلبان - خلر	الموسوعه

۷۷۱ - خلة: نام بوته خاردار با نام «شبرق»

۷۷۲ - خلنج، خلنج، خلنج: (نام فارسی مغرب) نام های دیگر آن: یونانی: آریقی - جرمه - عود السرح - نام نوع دیگر: غنب الذیب

آریقی (*Ereike*): اهالی مغرب به آن «شجرالخلنج» گویند و از انواع «أشجل» است و هنگامی که زنبور عسل از شهد آن استفاده کند عسلی تلخ بوجود می آید. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۰]

<i>Erica arborea</i> L.	آریقی - شجرالخلنج - نوعی أشجل	دیسکورید
<i>Erica</i> sp.	خلنج - شتطف	الموسوعه
<i>Erica cinerea</i> L.	خلنج	EN.

۷۷۳- خَمَان، خَمَانٌ (نامی نبطی)، خَمَانٌ، شَبُوقَةٌ (خَمَان الکبیر)، يَذْقَةُ، يَذْقَةُ (خَامَا أَقْطَى)، أَقْطَى، أَقْطَى، خَامَا أَقْطَى، خَامَا أَقْطَى: نام‌های دیگر آن: عربی: رَقْعَا - یونانی: أَقْطَى - خَمَانٌ - درخت معروفی است، بزرگ آن به عجمیت اندلس «شَبُوقَةُ» و کوچک آن «يَذْقَةُ» نام دارد. «خَامَا أَقْطَى» به یونانی به معنای «خَمَان الْأَرْض» و هَمَان «خَمَان الصغیر» است. دارای دو نوع بزرگ و کوچک است: خَمَان بزرگ را «شَبُوقَةُ» گویند و کوچک آن را «خَامَى أَقْطَى» و به ثمر آن «بَل» گویند. - دارای دو نوع است یکی بزرگ که گروهی به آن «خَابُور» گویند و به لاتینی «يَذْقَةُ» و به یونانی «أَقْطَى» نام دارد و نوعی کوچک که گروهی به آن «رَقْعَا» گویند و به لاتینی «شَبُوقَةُ» نامیده می شود و دادن نام لاتینی به نوع کوچک «شَبُوقَةُ» اشتباه است و همچنین دانستن «خَامَا أَقْطَى» که درختی هندی با میوه هائی با نام‌های «بَل» و «فَل» است اشتباه آشکاری می باشد.

أَقْطَى (Akte): دو نوع دارد و نام هر دو آن‌ها «عُود الکلب» و «شجر الخابور» است.

نوع دوم به نام «خَامَا أَقْطَى» است. ابن بیطار در کتاب جامع خود نوع اول را «خَمَان کبیر» و نوع دوم را «خَمَان صغیر» نامیده است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۶]

دیسکورید	أَقْطَى - عود الکلب - شجر الخابور	<i>Sambucus nigra L.</i>
پارسا	غلیون، پلم، پلیم، پلاخون، پل خون، شون	<i>Sambucus ebulus L.</i>
الموسوعه	خَمَان - أَقْطَى - أَقْطَى	<i>Actaea sp.</i>
طباطبائی	خَمَان صغیر	<i>Sambucus ebulus</i>
طباطبائی	خَمَان کبیر	<i>Sambucus nigra L.</i>
EN.	خَمَان - بیلسان	<i>Sambucus nigra L.</i>

۷۷۴- خَمَخَم، خَمَخَمٌ: "غافقی" نام این گیاه را «أَرغامونی» ذکر کرده است ولی من آن را صحیح نمی دانم - ابن بیطار - زیرا «خَمَخَم» نامی عربی است و مشخصات آن با «أَرغامونی» متفاوت است. برخی از مترجمان «خَمَخَم» را «لسان الثور» ذکر کرده اند که صحیح نیست و این توهّم بخاطر شباهت لفظی «خَمَخَم» با «حَمَخَم» است زیرا «حَمَخَم» در شهرهای بکر و شرق نام «لسان الثور» است.

الموسوعه	خَمَخَم، مَشُور بَرى، شِمِشَم	<i>Matthiola livida DC.</i>
----------	-------------------------------	-----------------------------

۷۷۵- خُخْنَى، خُخْنَى، خُخْنَى، خُخْنَى، خُخْنَى (نامی سریانی)، برواق، اصل الخُخْنَى: از جنس بصل و از نوع جنبه و دارای دو نوع نر و ماده است. نام‌های دیگر آن: اسقودولوس (اسفودالوس): اهل مغرب: بزواق، بروق، خُخْنَى، غَرى الاساکفه - عجمیت اندلس: أبجَه - اسراش - برواق - نام ریشه آن: سراش - خُخْنَى «سَریش» است. - نام نوع کوچک: خُخْنَى الصخریه - نام برگ: اینارهر

اسقودولوس (Asphodelos): سفودولوس - عربی: خُخْنَى در حاشیه کتاب دیسکورید تصحیح ابن مراد ۲ - ۱۵۲

خطابى	خُخْنَى	<i>Asphodelus microcarpus (L.) Swartz</i>
خطابى	صااصل، صوصلا، اشراس، لبن الطیر، خُخْنَى	<i>Ornithogalum stachyoides</i>
زر. - طبأ.	خُخْنَى	<i>Asphodelus ramosus L.</i>
EN.	خُخْنَى	<i>Asphodelus sp.</i>

۷۷۶- خَندَرُوس؛ خَندَرُوس<sup>۱</sup>، خندروس<sup>۲</sup>، خندروس<sup>۳</sup>، خندوس<sup>۴</sup>، خندروس<sup>۵</sup>، حنطه رومی<sup>۶</sup>، حنطه رومی<sup>۷</sup>، خالون<sup>۸</sup>، شعیر رومی<sup>۹</sup>: نوعی از «راء» است<sup>۱۰</sup> و دارای دو دانه است<sup>۱۱</sup>. نوعی اشقالیه است. نام‌های دیگر آن: خندروس<sup>۱۲</sup>، خندروش<sup>۱۳</sup> - خالون<sup>۱۴</sup> - فارسی: ذره مکه<sup>۱۵</sup>، کاکل<sup>۱۶</sup> - عربی: حنطه رومی<sup>۱۷</sup>، شعیر رومی<sup>۱۸</sup> - تنکابن: گندم مکه<sup>۱۹</sup> - هندی: جوار<sup>۲۰</sup> - گندم رومی<sup>۲۱</sup> - لوفقطوش<sup>۲۲</sup>، شوخط<sup>۲۳</sup>، طخش<sup>۲۴</sup>

خندروس (Khondros): نام «جَنطَة الرمیة» و نوعی «شعیر العربی» است و عامه اندلس به آن «شعیر النبی (صلی الله علیه و اله)» گویند. [این پیتار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۸۱]

دیسکورید	خندروس - حنطه‌الرومیه - شعیر النبی	<i>Triticum romanum L.</i>
طبا.، EN.	خندروس	<i>Triticum spelte L.</i>

۷۷۷- خندریلی<sup>۱</sup>، خندریل<sup>۲</sup>: نوعی «هندباء بری» تلخ است و گویند نام «یعضید» است<sup>۳</sup>. نوعی «کاسنی بری» اما به غایت تلخ است و آن را «یعضید» خوانند<sup>۴</sup>.

الموسوعه	خندویل - مُزْرِیة	<i>Chondrilla sp.</i>
EN.	خنزیلی	<i>Chondrilla juncea L.</i>

۷۷۸- خَوخ<sup>۱</sup>، خوخ<sup>۲</sup>، خوخ<sup>۳</sup>، خوخ<sup>۴</sup>، خوخ<sup>۵</sup>، خوخ<sup>۶</sup>، خوخ<sup>۷</sup>، خوخ<sup>۸</sup>، خوخ<sup>۹</sup>، خوخ<sup>۱۰</sup>، خوخ<sup>۱۱</sup>، خوخ<sup>۱۲</sup>، خوخ<sup>۱۳</sup>، خوخ<sup>۱۴</sup>، خوخ<sup>۱۵</sup>، خوخ<sup>۱۶</sup>، خوخ<sup>۱۷</sup>، خوخ<sup>۱۸</sup>، خوخ<sup>۱۹</sup>، خوخ<sup>۲۰</sup>، خوخ<sup>۲۱</sup>، خوخ<sup>۲۲</sup>، خوخ<sup>۲۳</sup>، خوخ<sup>۲۴</sup>، خوخ<sup>۲۵</sup>، خوخ<sup>۲۶</sup>، خوخ<sup>۲۷</sup>، خوخ<sup>۲۸</sup>، خوخ<sup>۲۹</sup>، خوخ<sup>۳۰</sup>، خوخ<sup>۳۱</sup>، خوخ<sup>۳۲</sup>، خوخ<sup>۳۳</sup>، خوخ<sup>۳۴</sup>، خوخ<sup>۳۵</sup>، خوخ<sup>۳۶</sup>، خوخ<sup>۳۷</sup>، خوخ<sup>۳۸</sup>، خوخ<sup>۳۹</sup>، خوخ<sup>۴۰</sup>، خوخ<sup>۴۱</sup>، خوخ<sup>۴۲</sup>، خوخ<sup>۴۳</sup>، خوخ<sup>۴۴</sup>، خوخ<sup>۴۵</sup>، خوخ<sup>۴۶</sup>، خوخ<sup>۴۷</sup>، خوخ<sup>۴۸</sup>، خوخ<sup>۴۹</sup>، خوخ<sup>۵۰</sup>، خوخ<sup>۵۱</sup>، خوخ<sup>۵۲</sup>، خوخ<sup>۵۳</sup>، خوخ<sup>۵۴</sup>، خوخ<sup>۵۵</sup>، خوخ<sup>۵۶</sup>، خوخ<sup>۵۷</sup>، خوخ<sup>۵۸</sup>، خوخ<sup>۵۹</sup>، خوخ<sup>۶۰</sup>، خوخ<sup>۶۱</sup>، خوخ<sup>۶۲</sup>، خوخ<sup>۶۳</sup>، خوخ<sup>۶۴</sup>، خوخ<sup>۶۵</sup>، خوخ<sup>۶۶</sup>، خوخ<sup>۶۷</sup>، خوخ<sup>۶۸</sup>، خوخ<sup>۶۹</sup>، خوخ<sup>۷۰</sup>، خوخ<sup>۷۱</sup>، خوخ<sup>۷۲</sup>، خوخ<sup>۷۳</sup>، خوخ<sup>۷۴</sup>، خوخ<sup>۷۵</sup>، خوخ<sup>۷۶</sup>، خوخ<sup>۷۷</sup>، خوخ<sup>۷۸</sup>، خوخ<sup>۷۹</sup>، خوخ<sup>۸۰</sup>، خوخ<sup>۸۱</sup>، خوخ<sup>۸۲</sup>، خوخ<sup>۸۳</sup>، خوخ<sup>۸۴</sup>، خوخ<sup>۸۵</sup>، خوخ<sup>۸۶</sup>، خوخ<sup>۸۷</sup>، خوخ<sup>۸۸</sup>، خوخ<sup>۸۹</sup>، خوخ<sup>۹۰</sup>، خوخ<sup>۹۱</sup>، خوخ<sup>۹۲</sup>، خوخ<sup>۹۳</sup>، خوخ<sup>۹۴</sup>، خوخ<sup>۹۵</sup>، خوخ<sup>۹۶</sup>، خوخ<sup>۹۷</sup>، خوخ<sup>۹۸</sup>، خوخ<sup>۹۹</sup>، خوخ<sup>۱۰۰</sup>

دیسکورید: از جنس درختان چوبی است دارای انواع بسیاری است: ۱ - بنوش، مِلق، ازغب ۲ - اقرع، اجر، املس ۳ - برقوق، ذرقون، تفاح الفارسی، دُراقن، فُزسک، کورش، برشیقا میلا، دراجن، قربان ۴ - خوخ الماء، درچکان، سَنَقِزَه

بَرُشیقا (*Persika mela*): نام «خوخ» است و دارای انواع فراوانی است. [این پیتار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۰]

زر. - طبا.	خوخ - دراقن	<i>Persica vulgaris Mill.</i>
دی. - خ.	خوخ	<i>Prunus persica Sieb.</i>
الموسوعه	خوخ	<i>Prunus domestica</i>
EN.	خوخ	<i>Amygdalus persica L.</i>

۷۷۹- خَوشان: قسمس قطف بری و از انواع جِمض - نام دیگر آن: زُغل<sup>۱</sup>

۷۸۰- خَوْلَنجان<sup>۱</sup>، خاولنجان<sup>۲</sup>، خولنجان<sup>۳</sup>، خولنجان<sup>۴</sup>، خاولنجان<sup>۵</sup>، خولنجان<sup>۶</sup>، خولنجان<sup>۷</sup>، خولنجان<sup>۸</sup>، خولنجان<sup>۹</sup>، خولنجان<sup>۱۰</sup>، خولنجان<sup>۱۱</sup>، خولنجان<sup>۱۲</sup>، خولنجان<sup>۱۳</sup>، خولنجان<sup>۱۴</sup>، خولنجان<sup>۱۵</sup>، خولنجان<sup>۱۶</sup>، خولنجان<sup>۱۷</sup>، خولنجان<sup>۱۸</sup>، خولنجان<sup>۱۹</sup>، خولنجان<sup>۲۰</sup>، خولنجان<sup>۲۱</sup>، خولنجان<sup>۲۲</sup>، خولنجان<sup>۲۳</sup>، خولنجان<sup>۲۴</sup>، خولنجان<sup>۲۵</sup>، خولنجان<sup>۲۶</sup>، خولنجان<sup>۲۷</sup>، خولنجان<sup>۲۸</sup>، خولنجان<sup>۲۹</sup>، خولنجان<sup>۳۰</sup>، خولنجان<sup>۳۱</sup>، خولنجان<sup>۳۲</sup>، خولنجان<sup>۳۳</sup>، خولنجان<sup>۳۴</sup>، خولنجان<sup>۳۵</sup>، خولنجان<sup>۳۶</sup>، خولنجان<sup>۳۷</sup>، خولنجان<sup>۳۸</sup>، خولنجان<sup>۳۹</sup>، خولنجان<sup>۴۰</sup>، خولنجان<sup>۴۱</sup>، خولنجان<sup>۴۲</sup>، خولنجان<sup>۴۳</sup>، خولنجان<sup>۴۴</sup>، خولنجان<sup>۴۵</sup>، خولنجان<sup>۴۶</sup>، خولنجان<sup>۴۷</sup>، خولنجان<sup>۴۸</sup>، خولنجان<sup>۴۹</sup>، خولنجان<sup>۵۰</sup>، خولنجان<sup>۵۱</sup>، خولنجان<sup>۵۲</sup>، خولنجان<sup>۵۳</sup>، خولنجان<sup>۵۴</sup>، خولنجان<sup>۵۵</sup>، خولنجان<sup>۵۶</sup>، خولنجان<sup>۵۷</sup>، خولنجان<sup>۵۸</sup>، خولنجان<sup>۵۹</sup>، خولنجان<sup>۶۰</sup>، خولنجان<sup>۶۱</sup>، خولنجان<sup>۶۲</sup>، خولنجان<sup>۶۳</sup>، خولنجان<sup>۶۴</sup>، خولنجان<sup>۶۵</sup>، خولنجان<sup>۶۶</sup>، خولنجان<sup>۶۷</sup>، خولنجان<sup>۶۸</sup>، خولنجان<sup>۶۹</sup>، خولنجان<sup>۷۰</sup>، خولنجان<sup>۷۱</sup>، خولنجان<sup>۷۲</sup>، خولنجان<sup>۷۳</sup>، خولنجان<sup>۷۴</sup>، خولنجان<sup>۷۵</sup>، خولنجان<sup>۷۶</sup>، خولنجان<sup>۷۷</sup>، خولنجان<sup>۷۸</sup>، خولنجان<sup>۷۹</sup>، خولنجان<sup>۸۰</sup>، خولنجان<sup>۸۱</sup>، خولنجان<sup>۸۲</sup>، خولنجان<sup>۸۳</sup>، خولنجان<sup>۸۴</sup>، خولنجان<sup>۸۵</sup>، خولنجان<sup>۸۶</sup>، خولنجان<sup>۸۷</sup>، خولنجان<sup>۸۸</sup>، خولنجان<sup>۸۹</sup>، خولنجان<sup>۹۰</sup>، خولنجان<sup>۹۱</sup>، خولنجان<sup>۹۲</sup>، خولنجان<sup>۹۳</sup>، خولنجان<sup>۹۴</sup>، خولنجان<sup>۹۵</sup>، خولنجان<sup>۹۶</sup>، خولنجان<sup>۹۷</sup>، خولنجان<sup>۹۸</sup>، خولنجان<sup>۹۹</sup>، خولنجان<sup>۱۰۰</sup>

سودار<sup>۱</sup>، جِشْرِق<sup>۲</sup> - خسرو دارو<sup>۳</sup> - ترکی: غرغات<sup>۴</sup> - هندی: کلیجن<sup>۵</sup>، کلاجن<sup>۶</sup> - نام نوع دیگر: جتجانسه<sup>۷</sup>

پارسا	خولنجان مصری - ریشه جوز	<i>Alpinia galanga (L.) Will.</i>
خطابی	خولنجان	<i>Alpinia galanga (L.) Will.</i>
الموسوعه	خولنجان	<i>Alpinia sp.</i>
طبا.، EN.	خولنجان	<i>Alpinia officinarum Hance</i>
GLO.IN.	Vernacular: Khulanjan	<i>Alpinia khulanjan = A. galanga</i>
GLO.IN.	Hendia: Kulanjan - Bengal: Sugandha	<i>Alpinia officinarum Hance</i>





۷۹۱- دارفلفل؛ دارفلفل<sup>۱</sup>، دارفلفل<sup>۲</sup>، دارفلفل<sup>۳</sup>، دارفلفل<sup>۴</sup>، دارفلفل<sup>۵</sup>، دارفلفل: نام‌های دیگر آن: فارسی: فلفل دراز<sup>۶</sup> - هندی: پیپل<sup>۷</sup>، پیپلی<sup>۸</sup> - "جالینوس" گوید «بهار»، «فلفل سفید» است و گویند درخت آن غیر از «درخت فلفل» است.<sup>۹</sup>  
باباری (Peperi): فلفل - به درخت آن «دار فلفل» گویند. - فلفل الأبيض این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۲

<i>Capsicum frutescens L.</i> <i>Piper nigrum L.</i>	دارفلفل	الموسوعه
<i>Cucurbita sp.</i> <i>Piper nigrum L.</i>	قرع، یقطین	الموسوعه
<i>Piper aromaticum Lamk.</i> <i>Piper nigrum L.</i>	باباری - دارفلفل - فلفل آبیض	دیسکورید
<i>Piper longum L.</i>	دارفلفل	طبا، EN.

۷۹۲- دارقفوطون<sup>۱۰</sup>:

<i>Arum italicum L.</i> <i>Dracunculus vulgaris Schott.</i>	دارقفوطون	زریاب
--	-----------	-------

۷۹۳- دارکیسه<sup>۱۱</sup>، دارکیسه<sup>۱۲</sup>: نام دیگر آن: بسباسه<sup>۱۳</sup> - نام درخت: مافر<sup>۱۴</sup> - گویند نام «طالیسفر» است و همچنین نام آن را «بسباسه» گفته‌اند.<sup>۱۵</sup>

<i>Myristica fragrans Houff.</i>	دارکیسه - ردرس	طباطبائی
----------------------------------	----------------	----------

۷۹۴- دارم<sup>۱۶</sup>، دارم<sup>۱۷</sup>:

۷۹۵- دارمک<sup>۱۸</sup>: نوعی از مرو<sup>۱۹</sup>

۷۹۶- دارمیران<sup>۲۰</sup>: نام‌های دیگر آن: مامیران - شاید نوع کوچک «اسارون» باشد و گویند چوب هائی هندی است که در سرمه از آن استفاده می‌شود.<sup>۲۱</sup>

۷۹۷- دارهلد<sup>۲۲</sup>: (نام درختی هندی) نام‌های دیگر آن: دارچوبه<sup>۲۳</sup> - هندی: ابنی هلدی<sup>۲۴</sup>

۷۹۸- دانج أبروج<sup>۲۵</sup>، دانج أبرونج<sup>۲۶</sup>، دانج أبروج<sup>۲۷</sup>: از کوه کیلویه که از ولایت پارس است برخیزد و در هیچ موضع دیگر نباشد.<sup>۲۸</sup>  
نام‌های دیگر آن: دانک افرونک<sup>۲۹</sup> - شیرازی: انچلک<sup>۳۰</sup>، تخم امروود جنگلی است.<sup>۳۱</sup> صیاده عراق آن را بعنوان «فلفل آبیض» و بعضی از ایشان آن را «قرطم» می‌دانند.<sup>۳۲</sup>

۷۹۹- دانک<sup>۳۳</sup>؟

۸۰۰- دُبا<sup>۳۴</sup>، دبا<sup>۳۵</sup>، دُبا<sup>۳۶</sup>، دُبا<sup>۳۷</sup>: نام‌های دیگر آن: قرع<sup>۳۸</sup> - فارسی: کدوی رومی<sup>۳۹</sup>، قرع الیابس<sup>۴۰</sup> - «ابوحنیفه» آن را «قرع» می‌داند نه «قرع یابس»<sup>۴۱</sup>

<i>Lagenaria vulgaris Ser.</i>	دبا	زریاب
<i>Lagenaria vulgaris Ser.</i>	کدوی قلیانی	پارسا
<i>Cucurbita pepo L.</i>	دبا	خطابی

۸۰۱- دِیق<sup>۴۲</sup>، دیق<sup>۴۳</sup>، دیق<sup>۴۴</sup>، شجرة الدیق<sup>۴۵</sup>، شجرة الدیق<sup>۴۶</sup>، دبقتست<sup>۴۷</sup>: نام‌های دیگر آن: درخت سیستان<sup>۴۸</sup> - غلتان<sup>۴۹</sup> - مخاطه<sup>۵۰</sup> -

رومی: اکثیفوس<sup>۳</sup>، هذوغورون<sup>۴</sup> - سریانی: دبوقا<sup>۵</sup>، قسوس<sup>۶</sup> - فارسی: مویزک عسلی<sup>۷</sup>، کشمش کاولیا<sup>۸</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: اقسوس<sup>۹</sup> - عطاران شیراز: مویزج عسلی<sup>۱۰</sup>  
 اقسوس: دق - صمغی که از درخت «کُمُری» و غیر آن است. ابن بطار (در ترجمه دیسکورید)

<i>Loranthus europaeus</i> L.	دبق	دیسکورید
<i>Viscum album</i> L. <i>Loranthus europaeus</i> L.	دبق - اکثیفوس	زریاب
<i>Cordia myxa</i> L. <i>Viscum album</i> L.	دبق - فور - عداس	طباطبائی

۸۰۲ - دیداریا<sup>۱۱</sup>، دیداریا<sup>۱۲</sup>: (لغت نبطی مشتق از فارسی)

۸۰۳ - دبیراز<sup>۱۳</sup>: نوعی ابله<sup>۱۴</sup>

۸۰۴ - دحداح<sup>۱۵</sup>، داح<sup>۱۶</sup>: سرخ مرد<sup>۱۷</sup>، (لاک ساک)

<i>Crinum</i> sp.	دحداح - زُئِیة	الموسوعه
<i>Amaranthus paniculatus</i> L. <i>Amaranthus gangeticus</i> L.	دحداح	زریاب
<i>Amaranthus tricolor</i>	داح	طباطبائی

۸۰۵ - دخسیسا<sup>۱۸</sup>: نامی مشترک برای «بُنک» و روغن «بلسان» است.<sup>۱۹</sup>

۸۰۶ - دُخْن<sup>۲۰</sup>، دخن<sup>۲۱</sup>، دخن<sup>۲۲</sup>، دخن<sup>۲۳</sup>: نوعی جاورس<sup>۲۴</sup> نام های دیگر آن: فارسی: ارزن<sup>۲۵</sup> - شیرازی: الم<sup>۲۶</sup> -

هندی: کنکنی<sup>۲۷</sup> - جالینوس: قنخروس<sup>۲۸</sup>، جاوروس<sup>۲۹</sup> - برخی آن را به اشتباه «جاورس» می دانند. دارای هفت قسم زراعی و غیر زراعی است، غیر زراعی آن عبارتست از: ۱ - بنجاین: قلفورا، قفورا ۲ - حشیشة الحوت: قمرون، دخن النملی، ملّاجه اقوانته، ملّاجه بطره ۳ - اَبید

۴ - بِشَط: شَیْلَم ۵ - خافور: قبساطه، دخن العصافیر، بَزْمَس

اَلُمُس (Elumos): دخن ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۸۳

<i>Andropogon sorghum</i> Brot.	اَلُمُس - دخن	دیسکورید
<i>Panicum italicum</i> L. <i>Panicum miliaceum</i> L. <i>Sqtaria italica</i> Beauv. <i>Holcus dochna</i> Forscal <i>Sorghum vulgare</i> L.	دخن	زریاب
<i>Panicum</i> sp. <i>Panicum miliaceum</i> L. <i>Sqtaria italica</i> Beauv. <i>Holcus dochna</i> Forscal <i>Sorghum vulgare</i> L.	دخن	الموسوعه

۸۰۷ - دراقیل<sup>۳۰</sup>: نوعی «قرصنة» که اهالی کوهستانی بیروت و لبنان به آن «شنداب» گویند.<sup>۳۱</sup>

۸۰۸ - درامج<sup>۳۲</sup>، درانیج<sup>۳۳</sup>: گفته شده نام «یعضید» است و همچنین گفته شده نوعی «بلاب» کوچک است.<sup>۳۴</sup>



۸۰۹ - دُرْحوْلَة: نوعی از «سوسن بری» با نام یونانی «کسفیون» یا به نام «دَلْبُوث» است.<sup>۴</sup>  
 ۸۱۰ - دَرْدَاب: دستنبویه، شمام: نام نوعی بطیخ کوچک - نام‌های دیگر آن: فارسی: دستنبویه، دستنبو - هندی: کچری - بنگالی: کژمین، سیندنی - شام: شمام  
 ۸۱۱ - دَرْدَار: دردار، دردار، دردار، دردار (نامی فارسی)، شجرة البق، بوقیصا: نام‌های دیگر آن: شجرة دردار - شام و عراق: شجرة البق - خوش سایه - دارون، سسفیدار، درخت پشه، گویند در میوه آن پشه جمع می‌شود. - «بولس» می‌گوید: نام «شجرة البق» است. بیشتر پزشکان آن را «لسان العصور» می‌دانند. «اشبیلی» می‌گوید: درختی بزرگ با نام‌های: «باطالا، بنجکسروان، قیلورا، فراشنه، براخشنه، مالیا، وزق، شجرة البق» با انواع افرنجی، جلیقی و بلدی است.<sup>۵</sup>  
 بطالایا (Ptelea): شجر الدردار - اهل عراق: شجرة البق - اهل اندلس: شَمَّ الأسود - جالینوس: بنطادانقا به «ایذیسارون» هم مراجعه شود. این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۸۵ و ۳ - ۱۲۵

Ulmus spp.	دردار	دیسکورید
Ulmus spp.	بطالایا - شجر الدردار - شجرة البق	خطابی
Ulmus campestris L.	دردار	ز، ط، E.
Ulmus campestris L. Ulmus montana With. Ulmus effusa Sibth.	درخت نارون - شجرة البق - دردار - دارون - قرانحاج - درخت صمت (آستارا) - لی (لاهیجان) - قلع (شمال) - شل درا (حاجیلر) - اوجا (شمال)	پارسا
Ulmus sp. Ulmus montana With. Ulmus effusa Sibth.	بوقیصا - دردار - شجرة البق - آلم	الموسوعه

۸۱۲ - درماء: نوعی حمض یا نوعی از ذکور البقل

۸۱۳ - درمامة:

۸۱۴ - دَرُوبَطَارِس: دروبطارس، دروبطارس: به یونانی به معنای فرزند بلوط، «بلوطی» و «سرخس البلوط» است، زیرا گیاه آن بریدن کهنه بلوط می‌روید. نام دیگر آن «دودسپاروس» است. - در جزیره الخضراء اندلس به «دیک» و نزد برخی از گیاهشناسان اندلسی «غلاة» معروف است و آن نوعی «سقایج» است.<sup>۴</sup>  
 دَرُوبَطَارِس (Droopteris): یعنی «بلوطی» و نام دیگر آن «سرخس البلوط» است زیرا بر روی درخت بلوط رویش می‌یابد و سمی و کشنده است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۱۰]

Asplenium adiantum nigrum L.	دروبطاروس - سرخس البلوط	دیسکورید
------------------------------	-------------------------	----------

۸۱۵ - دَرُوفینوس: دروفینون، دروقینون: (نامی یونانی) نام‌های دیگر آن: عربی: زیتونیه، زیرا برگ‌های آن مشابه برگ زیتون است.

دَرُوقینون (Doruknion): گیاهی است که در ابتدای رویش برگ‌های مشابه برگ «زیتون» دارد و مخدر و خواب‌آور است و من - این بیطار آن را می‌شناسم. این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۸

Dorycnium spp.	دروقینون	دیسکورید
----------------	----------	----------

۸۱۶ - دَرُونَج: درونج، درونج، درونج: (نامی فارسی) نام‌های دیگر آن: درونک - هندی: سنکهاوت، سنکهاورت - لبنان: عَقْبَرَة - حارکوش - جذوار - سیدار - یزبه غلیشکه

<i>Doronicum pardalianches</i> L. <i>Doronicum scorpioides</i> Lam.	درونگ	زریاب
<i>Doronicum scorpioides</i> Lam.	درونج	EN. خطا.
<i>Doronicum pardalianches</i> L.	درونج عقربی	پارسا
<i>Doronicum</i> sp.	دُرُونق - دَرُونک - درونج	الموسوعه
<i>Doronicum hookeri</i> Hook. <i>Doronicum roylei</i> DC.	Punjab: Darunj-akrabi	GLO.IN.
<i>Doronicum pardalianches</i> L.	India: Darunj-akrabi	GLO.IN.

۸۱۷- دَریاس: 'معرب دورس فارسی'

الم.	دُزْيَاس، دُروس، دُرُسْت، اُدْيَارَس، ثَافِيسِيَا	<i>Thapsia garganica</i>
------	---	--------------------------

۸۱۸- دُرّیان؟: میوه‌ای مخصوص زیرباد'

۸۱۹ - دستنبویه<sup>۴</sup>: نوعی «بطیخ» کوچک که در شام به آن «شمامات» و «لفاح» گویند.<sup>۵</sup>

۸۲۰۔ دُعاع: نام دیگر آن: شونیز القمح

۸۲۱ - دُغْبُوبُ ش :

۸۲۲- دُغلول<sup>ش</sup>: نام دیگر آن: فستق الارض<sup>ش</sup> - قَشْطَنُوْلَه<sup>ش</sup>

۸۲۳ - دَفْلِیْ، دَفْلِیْ، دَفْلِیْ، دَفْلِیْ، دَفْلِیْ، دَفْلِیْ، خورزهرج، خرزهرج (نوعی دَفْلِیْ)، سَمُ الحمار، سَم الحمار، حسین یا حنین (دانه): نام های دیگر آن: یونانی: شیر یون، نیریون - سریانی: رودیون - عربی: جبین جبن، سَم الحمار، جبن، قاتل الحمیر، سَم البهائم، عقر، خَمَط، شجر الخبیثه - فارسی: خرزهره - هندی: کین، کنیر - جالینوس: دافنی - سندی: قنوبر - سَم الحمار - ارنوله - رود دَفْنِی - آلیلی - زوذا - جوجهرج - خرزون - دَوْدَر - غسانی می گوید: دارای سه نوع است نوعی نهری و دو نوع دیگر آن جبلی است که نوع بزرگ آن به نام «دَفْلِی البیضاء» و نوع کوچک آن به نام «دَفْلِی الخضراء» است.

نیرون (Nerion): ذیلی - خَزَرْهَرْج برگردان عربی آن از زبان فارسی «سَمِّ الحِمَار» و نام عربی «حَبْن»<sup>(۱)</sup> است. [این بیطار (در ترجمه دیکورید) ۴ - ۷۴]

<i>Nerium oleander</i> L.	نیرون - ذفلی - حبن	دیسکورید
<i>Nerium oleander</i> L.	خرزهره	پارسا
<i>Nerium oleander</i> L.	ذفلی	زط،خ،ع
<i>Nerium</i> sp.	ذفلی - سم الحمار	الموسوعه

۸۲۴- دَفْتَرِ اَنْشَش<sup>(۲)</sup>: نام‌های دیگر آن: انطالین - بابُلُن - خامادفنی - رند - یَزْبَه اونا<sup>ش</sup>له

۸۲۵- دُلب، دلب، دلب، دلب، دلب، دلب، جُتار، صنار؛ درختی از نوع صَفِیراء نام‌های دیگر آن: شجر الدلب - فارسی: چنار، صنار - فرنگی: بلطانس - ابلاتنوس - عیشام، صنار، شجره العیشام، جوزالدلب، غصوة - شیرازی: چنار - فاس: دلم - «ابوحنیفه» «چنار» را به معنای درخت بی بار معنی کرده و شاید به تعبیر مخفف «چیز نیار» بوده است.

أفلاطینس (Platanos): نام‌های دیگر آن عبارتست از: شجر الدُّلب - صَنار - جَنار این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۸۰

<i>Platanus orientalis L.</i>	دلب	ز، ط، خ، د.
<i>Platanus orientalis L.</i>	درخت چنار	پارسا
<i>Platanus sp.</i>	دلب	الموسوعه

۸۲۶- دَلْبُوث، دَلْبُوث، دَلْبُوث، دَلْبُوس، سیف الغراب، سیف الغراب، نافوخ: نام‌های دیگر آن: سوسن الاحمر، سنجار - ریشه سوسن سرخ صحرائی معروف به «سیف الغراب» است، زیرا برگ آن مشابه شمشیر است. - نوعی «سوسن بری» است و آن معروف به «سیف الغراب» است و به آن سبب این اسم بوی نهاده‌اند که ورق آن مانند سیف (شمشیر) است و به شکل ورق «ایرسا» بود اما ورق «ایرسا» باریکتر و کوچکتر بود و ساق وی بمقدار یک کز بود و گل آن سرخ بود و وی را «سقراغانیون» و بعضی «باخاریون» خوانند و «کسیفون» نیز گویند. «ابن بیطار» می‌گوید: نام نوع قرمز «سوسن البری» است و بنا به نقل غافقی معروف به «سیف الغراب» است و نام ریشه آن به گفته «ابوعباس» در بغداد به نام «نافوخ» است. <sup>۴</sup>  
کُسیفون (Xiphion): با نام‌های «سوسن بری»، «سیف الغراب»، «سیف القُراب»، «دورخولی» و «فَسْغانیون» (Phasganion) بیشتر در مزارع گندم می‌روید. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲۰]

<i>Gladiolus communis L.</i>	کُسیفون، سوسن بری، سیف الغراب، سیف القُراب، دورخولی، فَسْغانیون	دیسکورید
<i>Gladiolus sp.</i>	دلبُوث - سیف الغراب - غلدیون	الموسوعه

۸۲۷- دلدغ: «ابو عباس» نباتی می‌گوید: «دلدغ» نام گیاهی در شهر بیت المقدس از نوع «کلخی» معروف به «غرناطه» است که در شهرهای اندلس آن را «کلخ دلی» و در سرزمین بربر به آن «ثافقرا» گویند. <sup>۴</sup>  
۸۲۸- ذَلِک، ذَلِک، ذَلِک، ذَلِک: نام‌های دیگر آن: میوه گل سرخ صحرائی - تنکابن: کلِیک - ترکی: اینبروئی - شام: سرسر الدیک، صرم الدیک <sup>۴</sup>

<i>Rosa gallica L.</i> <i>Rosa centifolia L.</i>	دلیک	زریاب
<i>Rosa centifolia L.</i> <i>Rosa damascena Mill.</i>	گل سرخ	پارسا
<i>Rosa anserinaefolia Boiss.</i>	ایت یورنی - کلِیک	پارسا

۸۲۹- دَمُ الاخوین، دَمُ الاخوین، دَمُ الاخوین، دَمُ الاخوین، خون سیاوشان، خون سیاوشان: نام‌های دیگر آن: فارسی: خون سیاوشان - عربی: عَنْدَم، شِیان، ایدع - سندی: پاندروت - صیادله: قاطر - سریانی: ورداد صیادی - جالینوس: آرون، درقنطیون - شجره دم الاخوین - هندی: پاندورت یعنی دم پاندو - «دم الاخوین»، «خون سیاوشان» باشد و او را «قاطر» گویند. - در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی گویند صمغ درخت «شِیان» است و گویند عصاره آن است. <sup>۴</sup>  
أخلیوس سَندْرِیطس: برگردان عربی آن «النافع من أخلیوس» است و «أخلیوس» نام بیماری «غُرب» است. و این گیاه را نه دیده‌ام و نه هیچ شناختی نسبت به آن دارم. ابن وافت نام گیاه را «دَمُ الأَخوین» ذکر می‌کند. و من در این مورد بی اطلاعم. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۲۲]

<i>Achillea tomentosa L.</i>	أخلیوس سَندْرِیطس - دَمُ الأَخوین	دیسکورید
------------------------------	-----------------------------------	----------

<i>Calamus draco Willd.</i> <i>Dracaena cinnabari Balf.</i> <i>Dracaena draco L.</i>	دم الاخوين - عندم - درقنطیون	زریاب
<i>Daemonorops draco Blume</i>	دم الاخوين	طباطبائی
<i>Dracaena cinnabari Balf.</i>	خون سیاوش	پارسا
<i>Dracaena cinnabari Balf.</i>	دم الاخوين	خطابی

۸۳۰ - دم الأمير: نامی است که در شهرهای بکر و اطراف آن به گیاهی با نام فارسی «بستان افروز» گفته می شود.<sup>۴</sup>

۸۳۱ - دم الغزال: دم الغزال: در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی آن را قسمی حمض معروف به «ثرف» و عده ای آن را نوعی «بقل» مشابه «طرخشقون» و بعضی هم آن را «طرخون» می دانند.<sup>۵</sup>

<i>Gnaphalium sanguineum Spr.</i> <i>Helichrysum sanguineum Cost.</i>	دم الغزال	زریاب
<i>Gnaphalium leontopodium</i>	كُرْسَفِيَّة حمراء، غُثْثال أحمر، دم الغزال	الموسوعة

۸۳۲ - دَمَادَم: دَمَادَم: نوعی لوییای هندی

۸۳۳ - دَمَادَم:

۸۳۴ - دند: دند، دند، دند، دند، دند: نوعی یتوع دارای سه نوع است. حبشی، سجزی، هندی نام های دیگر آن: تارتقه<sup>۶</sup> - هندی: چپال - شیرازی: باتو - حب قطاهی - حب سلاطین - نام «خروج صینی» که نام «ماهودانه» است، برای آن اشتباه است.<sup>۷</sup> - بعضی گویند «حب الملوك» «دند» است و این خطاست و «حب الملوك»، «ماهودانه» است. - «ابوجریح» می گوید: سه گونه است: گونه چینی که دارای دانه هائی بزرگ همانند پسته دارد، گونه دیگرش همچون دانه کرچک است ولی کوچکتر و دارای خال های سیاه است و از سگستان می آورند و گونه سوم که اندازه اش بین گونه چینی و گونه شحری است رنگ آن تیره متمایل به زرد و از هندوستان بدست می آید.<sup>۸</sup>

<i>Croton tiglium L.</i>	دند	زریاب
--------------------------	-----	-------

۸۳۵ - دوادم: دوادم، دوادم: چیزی همانند صمغ است که از درون تنه چوب درخت «عرعر» بیرون می آید.<sup>۹</sup> - لثی الشمر<sup>۱۰</sup>

۸۳۶ - دَوَايَاغَرِيَا، دواغریا: (نامی یونانی) به معنای قصب جبلی یا قصب بری<sup>۱۱</sup>

۸۳۷ - دورقنی: نوعی کاکنج نام های دیگر آن: قراطاوس - دروقینون یعنی جن القتال<sup>۱۲</sup>

۸۳۸ - دُوسِر، دُوسِر، دُوسِر، دُوسِر، دُوسِر: نام های دیگر آن: دوشسر - اغیلفس - زن - نام گیاه در کتاب دیسکورید: أجلبس<sup>۱۳</sup> - نام تخم آن به شیرازی: کرکاس - اشبیلی می گوید: دارای سه نوع است: ۱ - نوع اول معروف به بجه بانام های: اغلبس، اغلبس - اولیذا - دنقه - ازقون - واوذاق - وازنیر - زوان - زن - عبری: سالم - سعيع - قَبَاة ۲ - نوع جبلی با نام: طردقیره منتریه یعنی حنطة جبلیه ۳ - نوع معروف به شتین<sup>۱۴</sup>

<i>Triticum ovatum L.</i> <i>Aegilops ovata L.</i>	دوسر - زن	زر - طبأ.
<i>Secale corutum</i>	سککاله - دوسر گندم زنگزده	پارسا
<i>Avena elatior L.</i>	خَرْطال رفیع - دُوسر	الموسوعة

۸۳۹ - دُوقُس، دوقس، دوقس ایمارس<sup>ش</sup>: (نامی یونانی) اشبیلی<sup>ش</sup> می‌گوید: دارای سه قسم است: ۱ - رجل الغراب ۲ - رازیانج القرد ۳ - بخور عایشه<sup>ش</sup> - قریطقوس ارمالی<sup>ش</sup>، برخی آن را به اشتباه شحمیله<sup>ش</sup> گویند.

"دیسکورید" می‌گوید: نوعی از آن به نام «قریطقوس» است و دارای سه نوع است.<sup>ع</sup> - "سفیان اندلسی" می‌گوید: نوعی از آن در شام به نام «قُمیله» و در بیت المقدس به نام «حشیشه البراغیث» است.<sup>ع</sup>

دوقس (Daukos): گیاهی است که خود آن را می‌شناسم و سه نوع دارد. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶۹]

الموسوعه	جَزَر الرعاة - دوقس	<i>Athamanta cretensis</i>
دیسکورید	دوقس	<i>Athamanta cretensis L.</i> <i>Peucedanum cervaria L.</i> <i>Seseli ammoides L.</i>

۸۴۰ - دُوقو، دوقو، دوقو، دوقو، دوقو<sup>ش</sup> (نامی یونانی)، قوقابس<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: تخم گزر دشتی<sup>ش</sup> - ری: نهنمک<sup>ش</sup>، دوقو اغریا<sup>ش</sup>، دوقو بری<sup>ش</sup>، تخم جزر بری<sup>ش</sup> - نام ریشه آن: مستسقاقل<sup>ش</sup> - نام گیاه: خرس گیاه<sup>ش</sup>، - نام نوع زیرا خرس آن را بسیار دوست دارد. - شیرازی: بدوان<sup>ش</sup>، ترخر<sup>ش</sup> دو گیاه جبلی: دوا یا اغریا<sup>ش</sup> اشبیلی<sup>ش</sup> می‌گوید: دوقو به «کاشم کبیر» و «اذخر» گفته می‌شود و منظور از «دوقو الاحرش» انواع «جَزَر البری» با نام «سنفاله» است و منظور از «دوقو املس»، «بَسَناج» است که خود در دو نوع بدو و غیر آن می‌باشد، نام‌های نوع اول «طقاره»، «مقارجه» و «قیعرن» و نام‌های نوع دیگر «غراء» و «غَزْزَاء» است.<sup>ش</sup>

اسطافالینوس اُغْرِیوس (*Staphulinos agrios*): جَزَر البری - جزر البستانی - دوقو ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴۹:

زر. - طب.	دوقو - تخم گزر دشتی	<i>Daucus carota L.</i> <i>Athamanta cretensis L.</i>
دیسکورید	اسطافالینوس اُغْرِیوس - جزربری - جزرستانی - دوقو	<i>Daucus carota L.</i> <i>Athamanta cretensis L.</i>

۸۴۱ - دهاهامیج<sup>ع</sup>:

۸۴۲ - دهماسا<sup>ع</sup> (نامی هندی)، دَهَمَسْت<sup>ع</sup>، دهمست<sup>ع</sup>، دهمست<sup>ش</sup> (نامی فارسی)، شجرة الغار<sup>ش</sup>، غار<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: عربی: غار<sup>ش</sup> - رومی: اذفونیدیس<sup>ش</sup>، اذفیوس<sup>ش</sup> - دهمست<sup>ش</sup>

زر. - طب.	دهمست - غار	<i>Laurus nobilis L.</i>
پارسا	درخت غار	<i>Laurus nobilis L.</i>
الموسوعه	زند، غار	<i>Laurus nobilis L.</i>

۸۴۳ - دیس<sup>ش</sup>: اشبیلی<sup>ش</sup> می‌گوید: دارای انواع بسیاری برخی از آن عبارتست از: ۱ - سَمَار: دارای دو نوع نر و ماده است: نر آن را «اسل» گویند و هر دو نوعی «اغلاث» با نام‌های غانافلیان، سخیونس الیا، ازلاف، ترهیلیه، ترهلیان، سومر، سمار است. ۲ - سامان ۳ - خَلْفاء ۴ - مَلْجی: طرح ۵ - طریاج: نوعی سغدی ۶ - بوظة: نوعی سعدی، رَغی البَط ۷ - مَظْطنه ۸ - فَنال ۹ - اذخر ۱۰ - قَارِج: قَزَج، قمسِل، اسنام ۱۱ - قَصْبَة: قَلامُثَرَسْطَس ۱۲ - جَزْبَنه: نوعی اذخر<sup>ش</sup>

۸۴۴ - دینارویه<sup>ع</sup>، دینارویه<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: عراق: حزاء<sup>ع</sup>، زوفراء<sup>ع</sup>

پزشکان مغرب بر خلاف پزشکان بغداد «زوفراء» را غیر از «حزاء» می‌دانند.<sup>ع</sup>

۸۴۵ - دِینِساَقوس<sup>ع</sup>، دیساقوس<sup>ع</sup>، دیساقوس<sup>ش</sup> (نامی یونانی)، دیناقوس<sup>ش</sup>، شوک الدراجین<sup>ع</sup>، شوک الدراجین<sup>ش</sup>، عطشان<sup>ع</sup>، عطشان<sup>ش</sup>، مشط الراعی<sup>ع</sup>، ملطاه<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: یونانی: دبساَقوس<sup>ع</sup> یعنی دائم العطش یا همیشه تشنه<sup>ع</sup> جِرامِغه<sup>ع</sup>،

جرامقه<sup>۳</sup>، خالینوس<sup>۳</sup> - مشط الراعی<sup>۲</sup>، عطشان<sup>۳</sup> - شیرازی: طوسک<sup>۲</sup> - شوک الدراجین<sup>۳</sup> - مغرب: مشط الراعی - خس الکلب<sup>۳</sup> - تیمشطان و انتلی<sup>۳</sup>  
 دبساقوس (*Dipsakos*): برگردان عربی واژه یونانی «عطشان» است. نام های دیگر آن «شوک الدراجین» و «مسط الراعی» است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۱]

دبسکورید	دبساقوس - شوک الدراجین - مشط الراعی	<i>Dipsacus fullonum L.</i>
----------	-------------------------------------	-----------------------------

۸۴۶ - دیودار<sup>۱</sup>، دیودار<sup>۲</sup> (نامی فارسی)، تفاح الجن<sup>(۱)</sup>، دیودار<sup>۳</sup>، دیندار<sup>۳</sup>، دیودار<sup>۳</sup>: به معنای شجر الجن<sup>۳</sup> شاید اسمی مرکب از فارسی و هندی است. «دیو» به هندی یعنی «بزرگ» و «دار» به فارسی یعنی درخت - چوب - است و آن را به هندی «چیر» نامند. نام های دیگر آن: بیدار<sup>۳</sup> - عربی: شجرة البق<sup>۳</sup>، شجرة الجن<sup>۳</sup> - فارسی: دیودر<sup>۳</sup>، اسپیدار<sup>۳</sup> «ابن سینا» می گوید: «دیودار» از جنس «أبهل» است و به آن «صنوبر الهندی» گویند. «ابوماسویه» می گوید: گونه ای است از «أبهل» و همانند «سرو» است.<sup>۳</sup>

زریاب	تفاح الجن	<i>Mandrgora officinarum L.</i>
طباطبائی	دیودار	<i>Cedrus deodara Loud.</i> <i>Cedrus libani Loud.</i>

### حرف «ذ»

۸۴۷ - ذات الریش<sup>۳</sup>: «اشبیلی» می گوید: این نام به سه گیاه گفته می شود: ۱ - قسمی عصا الراعی<sup>۲</sup> - نوعی قیاصم و قسمی ریحان الثعلب با نام فورینه یا فلورینه<sup>۳</sup> - عشبة الطيور<sup>۳</sup>  
 ۸۴۸ - ذاقینی الاسکندری<sup>۳</sup>، ذافنی الاسکندری<sup>۳</sup>، ذاقنی<sup>(۲)</sup> (نامی یونانی)، خاماذفی<sup>۳</sup>: به معنای غار الاسکندری<sup>۳</sup> و برگردان عربی آن «ذافنی الاسکندری» است.<sup>۳</sup> «ابوعباس نباتی» می گوید: نوعی از «شقال» است.<sup>۳</sup>  
 ذافنی (*Daphne*): شجر الغار - شجر الرند - دارای دو نوع نر و ماده است. ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۷۸:

دیسکورید	ذافنی - شجر الغار - شجر الرند	<i>Laurus nobbilis L.</i>
----------	-------------------------------	---------------------------

۸۴۹ - ذاقنیویداس<sup>۳</sup>، ذافنیدس<sup>۳</sup>، ذاقنویداس<sup>۳</sup>: (نامی یونانی) نوعی مازریون<sup>۳</sup> - نام های دیگر آن: ذاقنویداس<sup>۳</sup> به معنای «مشابه غار» است.<sup>۳</sup> - مغربی: مازرو<sup>۳</sup> - شام: بقله<sup>۳</sup> - «دیسکورید» می گوید: برخی مردم آن را «خاماذفی» می دانند.<sup>۳</sup> نام دانه گیاه غار است که اسامی آن در «ذافنی الاسکندری» ذکر آن آمده است.<sup>۳</sup>  
 ذافنیدس (*Daphnides*): نام های دیگر آن عبارتست از: حب الغار - حب الرند - حب الدهمشت (*Dahmast*) - لاتینی: آرْباقه (*Orbaco*) - لوره (*Laurus*) - بربری: بسلیت [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۷۹]

الموسوعه	ذافنیداس، ذَفَنَة سَامَّة، اُثْم، مازریون	<i>Daphne mezereum</i>
----------	---	------------------------

۸۵۰ - ذَرَه<sup>(۲)</sup>، ذَرَه<sup>۳</sup>، ذَرَه<sup>۳</sup>، ذَرَه<sup>۳</sup>: نام های دیگر آن: جاورس الهندی فارسی: ارزن<sup>۳</sup> - هندی: جنیه<sup>۳</sup>، جوار<sup>۳</sup> - جاوروس هندی<sup>۳</sup> - شیرازی: زره<sup>۳</sup> - دو نوع است سیاه و سفید<sup>۳</sup>، نوعی از آن «جواری» که به نام «ارزن هندی» است.<sup>۳</sup>

۱- به تفاح الجن رجوع شود. ۲- به «جاوروس» رجوع شود.

نام پوست ارزن به عربی «طَهْف» است. نیبذ «ارزن» را به عربی «مرز» گویند و چون شیرین است آن را «جعه» گویند. اشبیلی می‌گوید: دارای دو نوع کوچک و بزرگ است نام‌های نوع بزرگ آن عبارتست از: کنخروس - بنیشه - اتلی - نام سنبله آن: مُطر - نام کاه آن: حَمَاط - نام‌های نوع کوچک آن: بنجّة - امزقور - جاورس<sup>ش</sup>

<i>Andropogon sorghum</i> <i>Sorghum vulare Pers.</i>	ذره	الموسوعة
<i>Holcus sorghum L.</i> <i>Sorghum vulare Pers.</i>	ذره - ارزن	زریاب
<i>Holcus sorghum L.</i> <i>Zea mays</i>	ذره	طباطبائی
<i>Sorghum vulgare Pers.</i>	ذرة رفيعة	EN.
<i>Zea mays</i>	ذرة شامی	EN.

۸۵۱ - ذرقی: نوعی سداب<sup>ش</sup>  
 ۸۵۲ - ذرق؛ ذرق<sup>ع</sup>، ذرق<sup>ث</sup>، ذرق<sup>ش</sup>: (نامی فارسی) نوعی بصل بری نام دیگر آن در بغداد: حَنْدَقُوقِی<sup>ث</sup> - نام نوعی از آن «عَرْقُصَان» است.<sup>ع</sup> - نوع دیگر آن: حَنْدَقُوقَا - اهالی حیره: حباقا  
 لوطوس آغریوس (*Lotos agrios*): حباقا - ذرق این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹۶

<i>Trigonella laciniata L.</i> <i>Trigonella corniculata L.</i>	ذرق	زر. - طبأ.
<i>Trigonella corniculata L.</i>	لوطوس آغریوس - حباقا - ذرق	دیسکورید
<i>Trigonella corniculata L.</i>	حلبه قرینه، ذرق	الموسوعة

۸۵۳ - ذرق الحَمَام: نوعی شاهترج معروف به قُلْنَبِیْثَه<sup>ش</sup>  
 ۸۵۴ - ذرق الطَّيْرِ: نام آن به یونانی: بَتُومَة<sup>ع</sup>  
 ۸۵۵ - ذروفینون<sup>ث</sup>:  
 ۸۵۶ - ذریزه<sup>ث</sup>:

<i>Arum italicum Mill.</i>	أروم إيطالی - لوف جعد - ذُرَّیْزَة	الموسوعة
<i>Acorus calamus L.</i>	ذُرَّیْزَة	EN.

۸۵۷ - دُغْلُوق<sup>ث</sup>:  
 ۸۵۸ - ذَفْراء<sup>ع</sup>، ذَفْراء<sup>ث</sup>: "رازی" می‌گوید: گویند نام «سداب البر» است.<sup>ع</sup> برخی آن را «فخن» و عده‌ای آن را «عوی» (قیصوم) می‌دانند.

<i>Ruta montana</i>	ذَفْراء - سداب البر - حَزْمَلُ الْجَبَل	الموسوعة
---------------------	---	----------

۸۵۹ - ذَکَر الدِّیک: نوعی بصل بری معروف به ماغره الاسود<sup>ش</sup>  
 ۸۶۰ - ذَکَر الرِّیْس: نام‌های دیگر آن: قلیونش دِغاته یعنی خصی الهَر - عجمی اندلس: شوله دی رای  
 ۸۶۱ - ذَکَر الکَلْب: نوعی بصل بری نام دیگر آن: زَب زَباح<sup>ش</sup>

۸۶۲ - ذکر الہ: نوعی بصل بری

۸۶۳ - ذنبان<sup>ش</sup>:۸۶۴ - ذنب الخروف<sup>۱</sup>، ذنب الخروف<sup>۲</sup>: "ابو عباس نباتی" این نام را مربوط به دو نوع گیاه دانسته است.<sup>۳</sup>

۸۶۵ - ذنب الخیل<sup>۱</sup>، ذنب الخیل<sup>۲</sup>، ذنب الخیل<sup>۳</sup>، ذنب الخیل<sup>۴</sup>، ذنب الخیل<sup>۵</sup>، ذنب الخیل<sup>۶</sup>، ذنب الخیل<sup>۷</sup>، ذنب الخیل<sup>۸</sup>، ذنب الخیل<sup>۹</sup>: «ذنب الخیل» جنسی است از «شنگ» و برخی به اشتباه آن را نوعی از «طرائث» می دانند و گویند نوعی «عصی الراعی» است. نام های دیگر آن: سحبر<sup>ش</sup>، ثمام<sup>ش</sup> - شام: ذنب الفرس<sup>۱۰</sup> - سریانی: لحيۃ التیس<sup>۱۱</sup>، طور را<sup>۱۲</sup> - کرفس کوهی<sup>۱۳</sup> - لحيۃ العنز<sup>۱۴</sup> - رومی: ایفورس<sup>۱۵</sup> - یونانی: فباواریس<sup>۱۶</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: أفورس<sup>۱۷</sup> - آماسیرنیون<sup>۱۸</sup> - ینشتاله<sup>۱۹</sup> - قوله دقتاله<sup>۲۰</sup> - «اشبیلی» می گوید: دارای دو نوع کوچک و بزرگ است، نوع بزرگ آن را «أذنب البقر» گویند.<sup>۲۱</sup> «غسانی» می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «عصا الراعی» و گروهی آن را «رتم» می دانند و آن از جنس «هدبات» - سوزنی برگان - است و در شهر فاس معروف و مشهور می باشد.<sup>۲۲</sup> «اشبیلی» می گوید: ذنب الخیل نام مشترکی برای نوعی «عصا الراعی» و نوعی «رتم» است.<sup>۲۳</sup>

أفورس: برگردان عربی آن «ذنب الخیل» است و به همین نام نیز معروف است و جالینوس آن را «ایفورس» نامد. [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۴۲]

الموسوعه	أمسوخ، ذنب الخیل، کُتبات الشتاء، حشيشة الطوخ، ذنب الفرس	<i>Equisetum hyemale L.</i>
زریاب	لحيۃ التیس - ذنب الخیل - کرفس کوهی - ایفورس	<i>Equisetum arvense L.</i>
طباطبانی	ذنب الخیل	<i>Equisetum arvense L.</i> <i>Tragopogon pratensis L.</i>

۸۶۶ - ذنب السع<sup>۱</sup>، ذنب السع<sup>۲</sup>: نام های دیگر آن: ذنب اللبوء<sup>۳</sup> - عجمی اندلس: قذله<sup>۴</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: قرسیون<sup>۵</sup>

الموسوعه	ذنب السع	<i>Cirsium rhizocephalum C.A.Mey.</i>
----------	----------	---------------------------------------

۸۶۷ - ذنب العقرب<sup>۱</sup>، ذنب العقرب<sup>۲</sup>، سقرايويداس<sup>۳</sup>:؟ نام های دیگر آن: صامریوما<sup>۴</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: سقرايويداس<sup>۵</sup>

الموسوعه	ذنب العقرب، عقریۃ	<i>Scorpiurus sp.</i>
طباطبانی	ذنب العقرب	<i>Heliotropium europaeum L.</i>

۸۶۸ - ذنب القط<sup>۱</sup>، ذنب القط<sup>۲</sup>: (نامی نزد گیاهشناسان اندلس) نام آن به یونانی: خروسوقومی<sup>۳</sup>

الموسوعه	ذنب القط - کریزوکومه	<i>Chrysocoma sp.</i>
----------	----------------------	-----------------------

۸۶۹ - ذنب اللبوء: به دو گیاه گفته شده: ۱ - قذلبه یعنی ذنب اللبوء ۲ - الباین: مقاتل المرعی - طربه لبه یعنی فرع اللبوء<sup>ش</sup>

۸۷۰ - دُنْبَاء<sup>ش</sup>: دانه ای است که در «حنطة» است. گروهی آن را «زوان» می دانند.<sup>ش</sup>

۸۷۱ - ذو ألف ورقه<sup>۱</sup>، کثیر الورق<sup>۲</sup>: مرافلن<sup>۳</sup> - گاهی نام «أسطراطیوس» را نیز «ذو ألف ورقه» گفته اند.<sup>۴</sup>

طباطبانی	کثیر الورق	<i>Achillea millefolium</i>
----------	------------	-----------------------------





ماژئون (*Marathon*): رازیانج البستانی - شمار - شمور - بزَهلیا [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۶۶]  
 اُفومارثُن (*Hippomarathon*): به معنای «شمار العریض» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶۸]

<i>Foeniculum vulgare</i> Mill.	رازیانج	ز،خ،ط،پ.
<i>Foeniculum vulgare</i> Mill.	ماژئون، رازیانج البستانی، شمار، شمور، بزَهلیا	دیسکورید
<i>Hippomarathrum libanotis</i> Koch.	اُفومارثُن - شمار العریض	دیسکورید
<i>Feniculum</i> sp.	شمار، شُمرة، ش ومار، رازیانج	الموسوعه

۸۸۷ - رازیانج حبشی: نوعی انیسون و قسمی کحلوان است.<sup>ش</sup>

۸۸۸ - رازیانج رومی و رازیانج شامی<sup>ع</sup>: اُنِسُون<sup>ع</sup>

۸۸۹ - رازیانه بری<sup>ف</sup>:

ماژئون اُغریون (*Marathon*): به معنای «رازیانج بری» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۶۸]

۸۹۰ - رازیانج القروذ: نام دیگر آن: تُوْنَفَع<sup>ش</sup>

۸۹۱ - رأس الذهب: نامی است که به گیاهان بسیاری گفته می شود برخی از این گیاهان عبارتند از: خردل، بابونج الاسود، ذهبیه، خربق الاسود، اقحوان العربی نام نوع دیگر آن: بُلْبُلِیة الاسود: اماریطون، شنثمن، اقند، حوذان، اخرسون<sup>ش</sup>

۸۹۲ - رأس الزرور: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را به اشتباه نام «قبسطاله» و یا نام «شَحْمَة الدجاجة» می دانند و درست آنست که «عُضْفَر بری» معروف به «شَنْقَنیره» است.<sup>ش</sup>

۸۹۳ - رأس العصفور: نام های دیگر آن: قولومینس - قولوقمین - تَبْسِیروله<sup>ش</sup>

۸۹۴ - رأس الشیخ: نام های دیگر آن: قاذازش - قَباسه - رأس القنفذ<sup>ش</sup>

۸۹۵ - راسَن، راسَن، راسَن، راسَن، راسَن، راسَن (نامی در اندلس)، کلموج<sup>ص</sup>، قسط شامی<sup>ع</sup>، قسط شامی<sup>ع</sup>، زنجبیل شامی<sup>ع</sup>، زنجبیل بلدی<sup>ع</sup>، زنجیل شامی<sup>ع</sup>، اَلانیون<sup>ع</sup>، الانیون<sup>ع</sup>، اصل الراسَن، جناح<sup>ع</sup>: نوعی جنبه نام های دیگر آن: قُسط الرومی<sup>ع</sup>، کراث الروم<sup>ع</sup>، زنجبیل شامی<sup>ع</sup>، زنجبیل بلدی<sup>ع</sup> - یونانی: انیون<sup>ش</sup> - اندلس: جناح<sup>ش</sup>، کلموج<sup>ف</sup> - رومی: قعالا<sup>ص</sup>، النیسون<sup>ص</sup>، الیوون<sup>ص</sup>، الفوثویا<sup>ص</sup>، انفولوفا<sup>ص</sup>، اورافلون<sup>ص</sup>، ایروفلون<sup>ص</sup> - سریانی: ریسنا<sup>ص</sup>، اسفلیقین<sup>ص</sup>، طماخنا<sup>ص</sup>، عکارشا<sup>ص</sup>، زرقوتبا<sup>ص</sup>، فشقل<sup>ص</sup>، تملح<sup>ص</sup>، کراعی قمصی<sup>ص</sup>، شنکوسا<sup>ص</sup>، قلفوح<sup>ص</sup> - ارسطیون<sup>ش</sup> - بناطش ابدا<sup>ش</sup> - آله<sup>ش</sup>(۱) - بنور<sup>ش</sup> - قسط رومی<sup>ش</sup> - میدیفی<sup>ش</sup> - فلومس اداوش<sup>ش</sup> - عالیة و برشقی<sup>ش</sup> - اَنلیه کمبیانه<sup>ش</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: هیلانیون<sup>ص</sup> - ترکی: اَنذَر<sup>ص</sup> - رازی نام دیگر این گیاه را «عِکرش» می دانند.<sup>ص</sup>

اَلانیون (*Helenion*): نام دیگر آن: جناح - راسَن - زنجبیل الشامی - ترکی: عَنطوز [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۶۷]

<i>Inula helenium</i> L.	الاتیون - جناح - راسَن - زنجبیل شامی	دیسکورید
<i>Calamintha incana</i> Boiss. & Held.		
<i>Inula helenium</i> L.	رأس هندی - زنجبیل شامی	پارسا
<i>Inula helenium</i> L.	<i>Pers &amp; Arab: Rasan</i>	GLO.IN.
<i>Inula helenium</i> L.	<i>Arab: Rasan - Kash: Poshkar</i>	GLO.IN.
<i>Inula helenium</i> L.	راسَن	زر. - طب.
<i>Calamintha incana</i> Bois & Held.		
<i>Inula helenium</i> L.	راسَن	خطا، EN.

۸۹۷- رامک<sup>۲</sup>: عطری است که از «مازو» گیرند.<sup>۳</sup>

۸۹۸- راوند، ریوند<sup>ب</sup>، راوند<sup>د</sup>، راوند<sup>ز</sup>، راوند<sup>ث</sup>، راوند صینی<sup>غ</sup>، راوند صینی<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: ریوند<sup>ا</sup>، بیخ جگری<sup>ی</sup>، ریشه ربیاس<sup>س</sup>، بیخ چکری<sup>م</sup>، ریون<sup>ث</sup> - عربی: راوند<sup>ث</sup> - راو<sup>ث</sup> - «ریوند» صینی باشد و خراسانی<sup>ب</sup> - دارای انواعی چون شامی و زنجی است.<sup>ع</sup> - «غانی» گوید برخی به اشتباه آن را نوعی «اغاف» یا «ربیاس» دانسته‌اند.<sup>غ</sup> «اشبیلی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را به اشتباه ریشه «قرع» و عده‌ای «اغاف» و گروهی ریشه «فاشرا» و برخی «ربیاس» می‌دانند.<sup>ث</sup>

رآء: راوند [بن بظار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶]

۸۹۹- راوند شامی<sup>۸</sup>، راوند شامی<sup>۹</sup>: از جنس «کلخ» است.<sup>۱۰</sup> نام‌های دیگر آن: بنطیقا<sup>۱۱</sup> - سامری<sup>۱۲</sup>

۹۰۰- رای بیل: (نامی هندی) سه نوع است با نام های «رای بیل»، «موتیه»، «موکره»  
 ۹۰۱- ربرق، ربرق (يمن): نام دیگر غن الثعلب<sup>ج</sup>

۹۰۲۔ رَبِّلٌ، رَبِلٌ، رَبْلٌ: نوعی افسنتین کوهی است۔<sup>ت</sup>

۹۰۳ - رَئَمٌ، رَئَمٌ، رَئَمٌ: (نامی عربی) از جنس هدیات نام‌های دیگر آن: شبرطیون - تالْقَبْت - یناشه - "اشبیلی" می‌گوید: سیاه آن سه نوع است نام‌های دو نوع آن عبارتست از: ۱ - رَئَم الظباء ۲ - رَئَم الخنزیر - برکینه - یناشته دَبُورَکَه - نام نوع دیگر آن: ینشتاله: کوچک آن: اذئاب البقر، بزرگ آن: اذئاب الخیل <sup>ج</sup> غافقی می‌گوید: دارای دونوع سیاه و سفید است.

<i>Retama sp.</i>	رَتم	الموسوعه
<i>Cytisus scoparius Br.</i>	رَتم	EN.

۹۰۴ - رَتهٔ س، رَتهٔ ب، رَتهٔ ج، رَتهٔ د، رَتهٔ ه: نام دیگر بندق هندی <sup>سبج</sup>

<i>Caesalpinia bonducella Flem.</i> <i>Guilandina boneculla Flem.</i>	رته	زر. - طب.
--	-----	-----------

۹۰۵ - رجهٔ س:

۹۰۶ - رجل البازی: نام های دیگر آن: کاشم الکبیر - طریفلون - سسالیوس ایتونیکون <sup>ش</sup>

۹۰۷ - رجل الجراد، رجل الجراد، رجل الجراد، نام های دیگر آن: زرنب <sup>ش</sup> - روبیان <sup>ش</sup> - شیخ الرئیس - گوید بقله است که قائم مقام «بقله یمانی» است... و مسیح گوید «زرنب» است و مولف دیگری گوید همچنین نام «زرنب» است و آن را «سرو ترکستانی» خوانند. <sup>ش</sup> - این نام به گیاه دیگری از انواع «اقاحی» معروف به «اربیان» نیز گفته می شود.

<i>Taxus baccata</i>	رجل الجراد	طباطبانی
----------------------	------------	----------

۹۰۸ - رجل الحدأة: نام های دیگر آن: باطنیقی - فوروفش - لختیره <sup>ش</sup>

۹۰۹ - رجل الحمامه: اسم جنس و نوعی انجسا و دارای سه نوع: ۱ - انجسا الساحلی: لوقیدس - ارجیولیه - تاینس - حَمیر ۲ - نحلیه: عیبادیوس - انوخیلوس - ارطی صغیر ۳ - انجسا الرملی: لوقیمو بداس - سین نوذه - فیلاطاریون <sup>ش</sup>

۹۱۰ - رجل الزرور: نام دیگر آن: غنب السقف <sup>ش</sup>

۹۱۱ - رجل العقاب، رجل العقاب، رجل العقاب: نام های دیگر آن: حَمیراء <sup>ش</sup> - مسکیه <sup>ش</sup> - رجل العقق <sup>ش</sup>، رجل الزرور <sup>ش</sup> - رجل الغراب <sup>ش</sup> اهالی مصر گیاه دیگری با نام بربری «آطریلال» را به این نام که /معروف به «رجل الغراب» است / می شناسند. <sup>ع</sup>

۹۱۲ - رجل الغراب، رجل الغراب، رجل الغراب، زرقوری، زرقوری: نام های دیگر آن: شام: رجل الزاغ <sup>ع</sup> - پهلوی: پای کلاغ، کلاغ پا - ترکی: غاز یاغی - فرنگی: کرتویس - فاس: آطریلان <sup>ش</sup> - قنلیه <sup>ش</sup> همچنین می گویند «آطریلال» است، ولی بیشتر آن را غیر آن می دانند. <sup>ش</sup> غسانی گوید برخی به اشتباه آن را «زرنب» می دانند. <sup>ش</sup>

- آشیللی می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است

قورونفس (*Krethmon*): نام های دیگر آن عبارتست از: رجل الغراب - رجل الزاغ [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۴]

<i>Crithmum maritimum L.</i>	قورونفس، رجل الغراب، رجل الزاغ	دیسکورید
<i>Carum ammiodides Benth.</i>	رجل الغراب	خطابی

۹۱۳ - رجل الفروج، رجل الفروج: نوعی حَمض نام های دیگر آن: رجل الدجاجة - رجل القلوس - قاقلی <sup>ش</sup>

نام «رجل القلوس» و هم نام اندلسی گیاه دیگری در بغداد با نام «قاقلی» می باشد و آن نوعی «حَمض» است. <sup>ع</sup>

۹۱۴ - رجل الحشاء: نام های دیگر آن: شج مال - اذن الحمار - شهیدیه <sup>ش</sup>

۹۱۵ - رخامی <sup>ش</sup>:

۹۱۶ - رُذُونْتی: (نامی هندی)

۹۱۷ - رَطْبَه، رَطْبَه، رَطْبَه، رَطْبَه، فصفصه، فصفصه، فصفصه، بزر الرطبه، علف، قداح، قصب (فصفصه): نام های دیگر آن: فارسی: اسپست باغ تازه، اسپست، اسپست، اسپست تر - ترکی: یونجه، نام های نوع خشک آن:

عربی: قَتَّ - هندی: هفت - رومی: میدیکی - فِصْفِصَة = رطب القَتَّ، فارسی: اَسبَسْت - نام‌های بذر: بزر القداح، بزر الفصفصة، بزر القَتَّ، بزر القَتْد، بزر القصب، بزر العلق - تخم اسبست  
 میدیقی: رَطْبَة - فِصْفِصَة - خشک آن: قَتَّ - فارسی: اَسْفَسْت - عربی: قَصَب - عجمیت اندلس: يُرْبَة موله به معنای «عشبه البغلة» ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۳۱ و ۱۳۲

<i>Medicago sativa L.</i>	فصفصه - رطبه - اسفست - قصب	دیسکورید
<i>Medicago sativa L.</i>	یونجه - قَت - اسبوست - اسپسته (افغانها)	پارسا
<i>Trifolium pratense L.</i>	رطبه، نفل المروج، نفل بنفسجی، بَرَسیم أحمر	الموسوعه
<i>Medicago sativa L.</i>	رطبه	ز، ط، E.
<i>Medicago sativa L.</i> <i>Trifolium alexandrinum L.</i>	فصفصه	خطابی

۹۱۸ - رَعَى الإبل، رعى الابل، رَعَى الإبل، رَعَى الأيّل، نام‌های دیگر آن: سنائی، سفائی - مصر: شوک الجمل - سریانی: رعایلا - نام گیاه در کتاب جالینوس: هیلابسقون - نام گیاه در کتاب دیسکورید: آلفوبسقن - سریانی: رعایلا

آلفوبسقن: نام آن «رَعَى الأيّل» و به سریانی «رَعَاذِلا» است و آن گیاه معروفی است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶۵]

<i>Salvia officinalis L.</i> <i>Pastinaca sativa L.</i>	رعى الابل - رعى الابل	دی - زر.
<i>Echinops sphaerocephalus</i> <i>Pastinaca sativa L.</i>	رعى الابل	الم - طبا.

۹۱۹ - رعى الحمار، رعى الحمار: گویند رعى الابل است.

۹۲۰ - رعى الحَمَام، رعى الحَمَام، رعى الحمام، رعى الحمام، فسطاریون، فرسطالیون، قارسطاریون، فارس ناریون: نوعی کرسنه نام‌های دیگر آن: در کتاب دیسکورید با نام یونانی: فارسطاریون، یعنی «حمامی» و یا به معنای «مظلل الحمام»، قوسطاریون، فارسطازیون - فارسی: گاو مشنگ، دیو مشنگ، چینه کبوتران - نام گیاه در کتاب جالینوس: فارستاریون، باریسطاریون -

فارسطازیون به (Peristerion): برگردان آن «حمامی» است و نام‌های دیگر آن «رعى الحمام» و «حشیش الأعظم» است. و «جالینوس» آن را نوعی از «میامیر» می‌داند و به لاتینی «قَلْبَارِش» (Columbaris) معنای «حمامی» است. نام یونانی و لاتینی این گیاه یکی است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۵۴ و ۵۵]

<i>Verbena officinalis L.</i>	فارسطاریون، رعى الحمام، حشیش الأعظم	دیسکورید
<i>Verbena sp.</i> <i>Pastinaca sativa L.</i>	رعى الحمام	الموسوعه
<i>Verbena officinalis L.</i>	رعى الحمام	زریاب
<i>Verbena officinalis L.</i>	قارسطاریون	خطابی

۹۲۱ - رَعَى، رَعَى: در بعضی از ترجمه‌ها: جَلَنَارَ

۹۲۲ - رعى الابل: نام دو گیاه است ۱ - لصیف و کنکر بری ۲ - سواک العباس



شامل انواع شیرین، تلخ و ترش می‌باشد که هر یک خود اقسام مختلفی دارند، اقسام نوع ترش عبارتست از: ۱ - فطیسی: داوری ۲ - برجین ۳ - بلدی - اقسام نوع تلخ عبارتست از: ۱ - کبیر (بزرگ): رومی ۲ - صغیر (کوچک): اقسام نوع شیرین عبارتست از: ۱ - فسطیسی ۲ - مقدسی ۳ - قمحی - رمان بری نرو معروف به جلنار است نام‌های دیگر آن عبارتست از: رَغْث - نارِ مِشک - تاغیش - لوسطیون<sup>۳</sup> انار بسیار آبدار را که تخم کم داشته باشد به لغت عرب «مرمار» گویند.<sup>۴</sup> «جالینوس» می‌گوید: «نالاسطون» نام شکوفه انار دشتی است.<sup>۵</sup> - نام دانه آن: انار دانه<sup>۶</sup> «غسانی» می‌گوید: رمان دارای دو نوع نرو ماده است نام نوع نر «جُلنار» است و ماده آن دارای انواع فراوانی از قبیل شیرین، ترش، تلخ، آبی، و... می‌باشد که هر یک از این انواع در شهر فاس دارای اسامی خاصی است بعنوان مثال: منظور از درخت «سلطان» بلندترین و نیکوترین درخت انار است و به ترتیب نوع «سفری» و «کلخی» قرار دارد و هرگاه درختی دارای انارهای بزرگ باشد به آن «میمونه» و اگر دارای انارهای ریز باشد به آن درخت «عظمی» گویند.<sup>۷</sup>

رُوداْیْدا (Rhoa): رمان [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۳]

<i>Punica granatum L.</i>	رمان	ز، خ، پ، ال، ط.
<i>Punica granatum L.</i>	روداْیْدا - رمان	دیسکورید

۹۴۲ - رمان الأنهار<sup>۸</sup>، رمان الانهار<sup>۹</sup>: در دمشق نام نوع بزرگ «هوفاریقون» با نام «أندروسا» یا «اندرسامس» است.<sup>۱۰</sup>

۹۴۳ - رمان السعال<sup>۱۱</sup>، رمان السعال<sup>۱۲</sup>، رمان السعال<sup>۱۳</sup>: نام دیگر آن: خشخاش<sup>۱۴</sup>، خشخاش الابيض<sup>۱۵</sup> برای بسیاری از پزشکان این نام نوعی «خشخاش سفید» است و درست تر آنست که نوعی «خشخاش» معروف به «منثور» است که مشابه «شقایق النعمان» است ولی شقایق مزبور نیست.<sup>۱۶</sup>

<i>Papaver somniferum album</i> <i>Pastinaca sativa L.</i>	رمان السعال - خشخاش ابيض	الموسوعه
---	--------------------------	----------

۹۴۴ - رمان بری<sup>۱۷</sup>، رمان البری<sup>۱۸</sup>، حب القلقل<sup>۱۹</sup>، حب القلقل<sup>۲۰</sup>، بزرالمط<sup>۲۱</sup>، مض<sup>۲۲</sup> - رمان بری<sup>۲۳</sup> - نام‌های میوه: حب القلقل<sup>۲۴</sup>، رمان البری<sup>۲۵</sup>، شاهدانج<sup>۲۶</sup>، نار دانه دشتی<sup>۲۷</sup> - نام ریشه: مغاث<sup>۲۸</sup>

<i>Crotalaria retusa L.</i> <i>Cassia tora L.</i>	رمان البری	زریاب
<i>Cassia tora L.</i>	حب القلقل	پارسا
<i>Balaustion sp.</i> <i>Pastinaca sativa L.</i>	رمان بری - مَطَّ	الموسوعه

۹۴۵ - رمث<sup>۲۹</sup>، رمث<sup>۳۰</sup>، رمث<sup>۳۱</sup>: نوعی «حمض»<sup>۳۲</sup> نام دیگر آن: طردج - نام شیره سفید رنگ بر روی گیاه: مغفور الرمث<sup>۳۳</sup> - نام نوع دیگر آن: شعران<sup>۳۴</sup>

<i>Caroxylon articulatum Moq.</i> <i>Pastinaca sativa L.</i>	رمث	الموسوعه
---	-----	----------

۹۴۶ - رمّرام<sup>۳۵</sup>، رمّرام<sup>۳۶</sup>، رمّرام<sup>۳۷</sup>: نام دیگر آن: قرصنه<sup>۳۸</sup> - ابريجون<sup>۳۹</sup> نام «قرطم بری» است و گویند نام «قرصنه» است.<sup>۴۰</sup>

الموسوعه	رُمَرَم - رُمَزَم	<i>Chenopodium murale</i> L. <i>Pastinaca sativa</i> L.
----------	-------------------	--

۹۴۷- رُنْد، رُنْدَس، رُنْدَس، رُنْدَس، رُنْدَس، رُنْدَس؟ (نامی عربی) نوعی زیتون است. نام‌های دیگر آن: شجر الغار<sup>ش</sup> - حَنَوَه<sup>ش</sup> - دافنی<sup>ش</sup> - ارباقه<sup>ش</sup> - دهسمت<sup>ش</sup> - سطا فان<sup>ش</sup> - غار<sup>ش</sup> - تاسلت<sup>ش</sup> - حب القوقایا<sup>ش</sup> به «راسن» در شام «غار»<sup>ش</sup> گویند و همچنین آن را نام دیگر «صندل» گفته‌اند.<sup>۱</sup> صاحب منهاج گوید نام «اس» است و به «غار» هم گفته می‌شود.<sup>۲</sup>

زر. - خط.	رند	<i>Laurus nobilis</i> L.
-----------	-----	--------------------------

۹۴۸- رند اسکندرانی: نام‌های نوعی از آن: خامادفنی - مازر - خُصیراء - نام نوع دیگر: دفنوداس<sup>ش</sup>  
۹۴۹- رنف: «اشبیلی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «خلاف بلخی» و عده‌ای آن را نوعی «یبروح می‌دانند و همچنین گویند نام «بهرامج البر» است برخی نام عجمی آن را «بَیْزَه دی فَوْقَه»<sup>(۱)</sup> به معنای «عشبه النار» گفته‌اند و به نام‌های «لبن الحماره» و «کوکبه» نیز آمده است. و درست آنست که دارای دو نوع بزرگ و کوچک است نوع بزرگ آن «خلاف بلخی» و کوچک آن «ظلیان» یا «یاسمین البر» است.<sup>ش</sup>  
۹۵۰- رضایف<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: کرکیشه - بطریره - بطرقیره - حریشه - حشیشه الزجاج - عصا هرمس<sup>ش</sup>

۹۵۱- رواس<sup>ش</sup>، رواس<sup>ش</sup>: گروهی آن را «جرجیر الماء» می‌دانند.<sup>۳</sup>

۹۵۲- رُوذا آریذا، رودیاریز، رودیاریز<sup>ش</sup>: (نامی یونانی) برگردان عربی آن از نام یونانی «اصل الوردی» است.<sup>۴</sup>  
رُوذا آریذا (*Rhoa*): رمان [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۳]

۹۵۳- ریباس<sup>ش</sup>، ریباس<sup>ش</sup>، ریباس<sup>ش</sup>، ریباس<sup>ش</sup>، ریباس<sup>ش</sup>، زرنیلج<sup>ش</sup>، زرنیلج<sup>ش</sup>، یَعْمِیصا<sup>ش</sup>، یَعْمِیصا<sup>ش</sup> (نامی سریانی): نام‌های دیگر آن: حماض جبلی<sup>ش</sup> - ریباس<sup>ش</sup> - فارسی: ریواس<sup>ش</sup>، ریواج<sup>ش</sup>، جگری<sup>ش</sup>، جگری<sup>ش</sup> - تازی: نامی چون نبات او بزرگ شود هر برگی از او بدست آدمی مشابهت دارد. و اردشیر را ریوند دست گویند بآن سبب که دست‌های او دراز بود. و تخم او از آن قصب [گل آذین سنبله افراشته] پدید آید و در هر طرف سنبله برگهائی بشکل دست آدمی وجود دارد.<sup>۵</sup> «غسانی» می‌گوید: برخی آن را به اشتباه «راوند الفارسی» می‌دانند.<sup>۶</sup> «اشبیلی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را به اشتباه «حماض حسکی» می‌دانند و درست آنست که «حماض الجبلی» است.

ز،خ،پ،ط.	ریباس	<i>Rheum ribes</i> L.
الموسوعه	راوند ریباسی - ریباس - ریاص - یَعْمِیصا	<i>Rheum ribes</i>

۹۵۴- رَیحان<sup>ش</sup>، رَیحان<sup>ش</sup>، رَیحان<sup>ش</sup>، رَیحان<sup>ش</sup>، رَیحان<sup>ش</sup>، یزر الریحان<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: ضمran - ریحان الملك<sup>ش</sup> - فارسی: شاهسفرم<sup>ش</sup>، شاه اسپر<sup>ش</sup>، سپر<sup>ش</sup>، مورد اسپر<sup>ش</sup>، شاهسفرم<sup>ش</sup> - هندی: ناذبود<sup>ش</sup>، نکدبابوی<sup>ش</sup> - حماحم<sup>ش</sup> - «حماحم» معربست از لفظ «همبهم» و «همبهم» را معنی اینچنین باشد بلغت تازی که «هااناذا» یعنی «چنانستی که نبات ریحان چون از زمین پدید آید گوید نک من اینم»<sup>۷</sup> اهالی اندلس به «آس بستانی»<sup>(۲)</sup> گویند. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۱۵]  
«اشبیلی» می‌گوید: به هر گیاه خوشبو ریحان گفته می‌شود و عرب این نام را برای «حَنَوَه» نیز بکار می‌برند و اهالی اندلس به آن «آس» گویند. انواع آن عبارتست از:

- ریحان الثعلب<sup>ش</sup>: نوعی قیضوم<sup>ش</sup>
- ریحان الجن<sup>ش</sup>: ریحان الثعلب<sup>ش</sup>
- ریحان السواقی<sup>ش</sup>: ضومران<sup>ش</sup>
- ریحان المزد<sup>ش</sup>: مرزنجوش<sup>ش</sup>



- ریحانة الملك<sup>ش</sup>: نوعی حقیق<sup>ش</sup> - افرنجیشک<sup>ش</sup>  
 - ریحانة الفتی<sup>ش</sup>: مرزنجوش<sup>ش</sup>

<i>Ocimum basilicum L.</i>	ریحان	ز، ط، ع.
<i>Ocimum basilicum L.</i>	ریحان سبز - شاهسفرم	پارسا

۹۵۵- ریحان السلیمان<sup>۱</sup>؛ ریحان السلیمان<sup>۲</sup>، ریحان سلیمان<sup>۳</sup>، جم اسپرم<sup>۴</sup>: نام‌های دیگر آن: عربی: فُشاع<sup>۵</sup> - فارسی: ریحان سلیمان<sup>۶</sup>، جمسفرم<sup>۷</sup>، جماهو سلیمان<sup>۸</sup> نبات آن در کوهستان فارس و اصفهان بود<sup>۹</sup>.

<i>Ocimum filamentosum Forsk.</i>	ریحان سلیمان - حبق الرهبان	الموسوعة
<i>Ocimum filamentosum Forsk.</i> <i>Ocimum gratissimum L.</i>	فُشاع - ریحان سلیمان	زریاب
<i>Ocimum gratissimum L.</i>	ریحان سلیمان	طباطبائی

۹۵۶- ریحان الکافور<sup>۱</sup>؛ ریحان الکافور<sup>۲</sup>: ؟ نام‌های دیگر آن: کافور یهودی<sup>۳</sup>، شجر الکافور<sup>۴</sup>، ریحان الیهود<sup>۵</sup>، شجر الکافور<sup>۶</sup> - فارسی: سوسن<sup>۷</sup> گویند: گیاه «سوس» است<sup>۸</sup> - نوعی درخت است و نبات وی بیشتر در خراسان باشد<sup>۹</sup>.

<i>Camphorosma sp.</i>	ریحان الکافور	الموسوعة
------------------------	---------------	----------

۹۵۷- رئیس الجبل<sup>۱</sup>، طرفیوس<sup>۲</sup>: نام‌های دیگر آن: رائی مَنت - فارقلومانن - اطرس - ماطرشَلَبَة - الف دینار - حشیشة الطحال - صریمة الجدی<sup>۳</sup>

## حرف «ز»

۹۵۸- زان<sup>۱</sup>، زان<sup>۲</sup>: نام‌های دیگر آن: مران<sup>۳</sup> - قرانیا<sup>۴</sup> - مالیا<sup>۵</sup> - برخی آن را به اشتباه «شَوْحط» می‌دانند<sup>۶</sup>.  
 مَالِیا (*Melia*): نام عربی آن «مُرَّان» و نام بربری آن «زان» است. اما «مران» ذکر شده در کتاب جالینوس با آن متفاوت بلکه منظور گیاه «قرانیا» است.

۹۵۹- زَبَدای<sup>۱</sup>: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «بِزرقطونا» و عده‌ای «صَغِیْتَرَه» و گروهی آن را نوعی «هوفاریقون» می‌دانند<sup>۲</sup>.  
 ۹۶۰- زراوند خراسانی<sup>۱</sup>: نوعی کمداریوس نام‌های دیگر آن: ریشه بَنَثَرَقَه<sup>۲</sup>

۹۶۱- زَراوند<sup>۱</sup>، زَراوند<sup>۲</sup>، زَراوند<sup>۳</sup>، زَراوند<sup>۴</sup>، زَراوند<sup>۵</sup>، زَراوند<sup>۶</sup> (نامی فارسی)، مسمقوره<sup>۷</sup>، مسمقوره<sup>۸</sup> (نام بربری)، ارسطولوخیا<sup>۹</sup>، ارسطولوخیا<sup>۱۰</sup> (نامی یونانی زراوند طویل)<sup>۱۱</sup>: زراوند دو جنس است طویل و مدور. نام‌های دیگر آن: عجمی اندلس: مسمقوره و معرب آن مسمقاره، مسمقران<sup>۱۲</sup> - اهل مغرب: شجر رستم<sup>۱۳</sup> - یونانی: ارسطولوخیا «ارسطو» به معنای «فاضل» و «لوخیا» به معنای «نفسا» است زیرا موجب تسهیل زایمان می‌گردد<sup>۱۴</sup>. - ارسطالوخیا<sup>۱۵</sup>، ارسطالوخیا<sup>۱۶</sup>: سریانی: سفولوا<sup>۱۷</sup> «ابن ماسویه» می‌گوید: دارای سه گونه است: دراز و گرد و گونه‌هایی چون «بقش الکرم» است<sup>۱۸</sup>. ارسطولوخیا<sup>۱۹</sup> از دو نام «ارسطو» و «لوخیا» گرفته شده است منظور از «ارسطو» دانشمند فاضل معروف است و منظور از «لوخیا» زن نفساء است بنابراین معنای کلی واژه «الفاضل بالمنفعة للنساء» یا داروی برتر برای سود بخشیدن زن نفساء است<sup>۲۰</sup>. «غسانی» می‌گوید: دارای دو نوع نر و ماده است نوع نر طویل (کشیده) و نوع ماده آن مدحرج (پیچ خورده) می‌باشد و در فاس به آن «بَرَسْتُم» گویند<sup>۲۱</sup>.







الموسوعه	حب الزُّم، حب العزیز، زُّم، سَعْد مأكول	<i>Cyperus esculentus</i>
----------	---	---------------------------

۹۸۱- زَنْبَا، زَنْبَا: (نامی فارسی)

۹۸۲- زَنْبَق، زَنْبَق، زَنْبَق: نام‌های دیگر آن: یاسمین<sup>۱</sup> - فارسی: سوسن آزاد به روغن «حَلّ» پرورش یافته در «یاسمین» گویند.

أیماروقالِس (Hemerokallis): ابن حَسَّان می‌گوید: سَوْسَن أَصْفَر - دمشق: زَنْبَق [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۱۷]

دیسکورید	أیماروقالِس - سوسن أَصْفَر - زَنْبَق	<i>Hemerocallis flava L.</i>
پارسا	زَنْبَق	<i>Iris germanica L.</i>
الموسوعه	زَنْبَق	<i>Lilium sp.</i>

۹۸۳- زَنْجَبِيل، زَنْجَبِيل، زَنْجَبِيل، زَنْجَبِيل، زَنْجَبِيل: نام‌های دیگر آن: زَنْبَاری - هندی: (تازه آن) اذْرک<sup>۲</sup>، (خشک آن) سونته<sup>۳</sup>، سنده<sup>۴</sup>، سنده<sup>۵</sup> - فارسی: شنگویر<sup>۶</sup>، زَنْگَبَر، شَنْگَلیل<sup>۷</sup> - سریانی: زَنْجَبیل<sup>۸</sup> - طَخاری: شَنْگَر فیر<sup>۹</sup>

زَنْغَبَاری (Zingiberi): زَنْجَبیل [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۳]

ز، پ، ط، خ	زَنْجَبیل	<i>Zingiber officinale Rosc.</i>
دیسکورید	زَنْجَبیل	<i>Zingiber officinale Rosc.</i>
الموسوعه	زَنْجَبیل	<i>Zingiber sp.</i>
GLO.IN.	Sanskrit & Kanares: Ardraka - Hendia & Punjab: Adrak - Telugu: Ardrakamu	<i>Zingiber officinale Ros.</i>

۹۸۴- زَنْجَبیل الافرنجی<sup>۱۰</sup>: نام‌های دیگر آن: زَنْبَاری، مابرونه<sup>۱۱</sup>

۹۸۵- زَنْجَبیل العجم<sup>۱۲</sup>، زَنْجَبیل العجم<sup>۱۳</sup>: نام دیگر آن: اَشْتَر غَاذ<sup>۱۴</sup>

۹۸۶- زَنْجَبیل الکلاب<sup>۱۵</sup>، زَنْجَبیل الکلاب<sup>۱۶</sup>: زَنْجَبیل الکلاب<sup>۱۷</sup> (کشنده سگ) نام‌های دیگر آن: رِی: تَزْم<sup>۱۸</sup> - طبرستان: فَلَک<sup>۱۹</sup> - بهران<sup>۲۰</sup>

زریاب	زَنْجَبیل الکلاب	<i>Polygonum hydropiper L.</i>
-------	------------------	--------------------------------

۹۸۷- زَوَان، جَوَز زَوَان، زَوَان، زَوَان، زَوَان، زَوَان، دَنْقَه، دَنْقَه: نام‌های دیگر آن: زَوَان<sup>۲۱</sup> - فارسی: تَوِیوش<sup>۲۲</sup> - شیلیم<sup>۲۳</sup> - حر<sup>۲۴</sup>

أرآ (Aira): «شِلْم» موجود بین «قَمَح» زَوَان - نام‌های دیگر آن عبارتست از: دَنْقَه - زَعْبَداء - زَعْبَداء - مُرْزَاء

گویند به زبان عرب «خَضِر» نام دارد. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۸۵]

زریاب	زَوَان	<i>Lolium temulentum L.</i>
دیسکورید	أرآ - زَوَان - شیلیم - دَنْقَه - رَعْبَداء	<i>Lolium temulentum L.</i>
الموسوعه	زَوَان	<i>Lolium sp.</i>

۹۸۸ - زوفای یابس<sup>ث</sup>، زوفا یابس<sup>ث</sup>، زوفا<sup>ث</sup>، زوفای یابس<sup>ث</sup>، زوفا یابس<sup>ث</sup>: «زوفا» دو جنس خشک و تر دارد، خشک آن جنسی از «سغتر» است.<sup>ث</sup> جبلی و بستانی بود و بهترین آن بود که از بیت المقدس خیزد و آن مشهور بود به زوفای مصری.<sup>ث</sup> - نام های زوفای یابس: صعتر رومی<sup>ث</sup> - رومی: اوسفول<sup>ث</sup>، هوسفون<sup>ث</sup> - سریانی: زوفایشا<sup>ث</sup> - اسوفس<sup>ث</sup> - سیوس<sup>ث</sup> نام های زوفای رطب: رومی: اوسفون، و سبطون - سریانی: زوفارطیا<sup>ث</sup> - «زوفای رطب» بیخی است که به دنیهای میش ارمن جمع می شود زیرا گیاهی شیرابه دار است و از «یتوعات» می باشد و چون میش آن را بخورد سبب حدت و قوت شیر و جمع شدن آن بر دنبه آنان شود.<sup>ث</sup>

اُسُوفُون (Hussopon): زوفا الیابس [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۶]

اُیْسِفُس (Oisupos): «زوفا الرطب» را از «دسم الصوف الودج» است (ودج قسمت های زائد پشم گوسفند است). [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۶۶]

Hyssopus officinalis L. Origanum aegyptiacum L.	زوفا یابس	دیسکورید
Hyssopus officinalis L. Origanum aegyptiacum L.	زوفا	ز. - پ. - ال. - ط. - خ.
Nepeta micrantha Bu. Nepeta mispahanica Bo.	زوفا	پارسا
Hyssopus officinalis L. Origanum aegyptiacum L.	Hendia: Zufah-yabeis - Urdu: Zufh	GLO.IN.

۹۸۹ - زوفر<sup>ث</sup>، زوفر<sup>ث</sup>، سسطیعون<sup>ث</sup>: نام دیگر آن در کتاب دیسکورید: فاناقس اسقلیوس<sup>ث</sup>

Echinophora tenuifolia L. Laserpitium silver L.	زوفر <sup>ث</sup>	طباطبائی
--	-------------------	----------

۹۹۰ - زهره<sup>ث</sup>، زهره<sup>ث</sup>، زهره<sup>ث</sup>: نام های گیاه از نظر ابن بطار: انیلس، نقخارس<sup>ث</sup> - به گیاه «وج» گویند و همچنین به گیاهی که در اندلس مشهور به «قرنقلیه» است.<sup>ث</sup> نام «الوج» است و برخی گویند نام به «سوسن اصر» است.<sup>ث</sup> آقورون (Akoron): به «وج» و در بعضی از ترجمه ها به «زهره» گویند. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۲]

Cyclamen hederacifolium Ait. Cressa cretica Willd.	زهره	زر. - طب.
Acorus calamus L.	آقورون - وج - زهره	دیسکورید

۹۹۱ - زهره الحجر<sup>ث</sup>، زهر الحجر<sup>ث</sup>: نام های دیگر آن: حزاز الصخر<sup>ث</sup> - گویند نام «جوز جندم» و همچنین نام «حزاز الصخر» است.<sup>ث</sup>

۹۹۲ - زهر الملح<sup>ث</sup>: نباتیست که در نیل مصر، در آبهای ایستاده، نهرها و در زمینهای شور می روید.<sup>ث</sup>

۹۹۳ - زیتون<sup>ث</sup>، زیتون<sup>ث</sup>، زیتون<sup>ث</sup>، زیتون<sup>ث</sup>، زیتون<sup>ث</sup>، زیتون<sup>ث</sup>، زیتون<sup>ث</sup>، زیتون<sup>ث</sup>، زیتون<sup>ث</sup>، زیتون<sup>ث</sup>: نام دیگر آن: غم<sup>ث</sup> - زنبوج<sup>ث</sup> - زیتونی که نزدیک آب باشد، «زیتون الماء» نام دارد. غسانی می گوید: درخت «زیتون» را بخاطر آیه شریفه قرآن «یوقد من شجرة مباركة زیتونه لا شرقیه ولا غربیه» «شجره لا ولا» گویند. اشبیلی می گوید: دارای اقسامی است، برخی از آن عبارتست از: ۱ - ملیان ۲ - احمر ۳ - اللجن ۴ - طرل ۵ - مرقیر ۶ - و رکط

الأَغْرِيا (Agrielaia): برگردان آن به عربی «زیتون بری» است و نام‌های دیگر آن «عُثم» و «زَعْبَج» و به بربری «أَزْمُون» و نزد عامه اندلس «زَبُوج» است. [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۰۷]

<i>Olea europaea</i> L.	زیتون	ز. پ. - ال. - ط. - خ.
<i>Olea oleaster</i> L.	الأغریا، زیتون بری، زبوج، عثم، زعبیج	دیسکورید

۹۹۴ - زیتون البحر<sup>ش</sup>:

۹۹۵ - زیتون صخری: نام‌های دیگر آن: قطلم - عقاب الجبل - زیتون الطحال - زیتون المعز - جرجس - ارجان<sup>ش</sup>

۹۹۶ - زیتون الحَبَش، زیتون الحبش<sup>ت</sup>: نام‌های دیگر آن: زیتون الکلبه<sup>ت</sup>، زیتون البری<sup>ت</sup>

<i>Daphne oleoides</i>	دَفْنَةُ الزیتونیه - زیتون البر	الموسوعه
<i>Olea oleaster</i> L.	زیتون بری	طباطبائی
<i>Phillyrea latifolia</i>		

۹۹۷ - زیت السودان، زیت السودان<sup>ت</sup>، زیت المهرجان<sup>ت</sup>: نام‌های دیگر آن: زیت الهرجان<sup>ت</sup> - اهل مغرب: ارجان<sup>ت</sup>، ارقان<sup>ت</sup>

۹۹۸ - زیزفون<sup>ت</sup>، زیزفون<sup>ت</sup>: نام دمشق نوع بدون میوه درخت «غیراء» است.<sup>ت</sup>

<i>Tilia rubra</i> De. & T.	کیو - پالادیا - پالاس - برگ تیول - زیزفون - کف - نمدار (شمال)	پارسا
<i>Tilia sylvestris</i> Desf.		
<i>Tilia</i> sp.	زیزفون	الموسوعه
<i>Tilia silvestris</i> Desf.	زیزفون	EN.

## حرف «س»

۹۹۹ - ساج<sup>ش</sup>، ساج<sup>ت</sup>، ساج<sup>ت</sup>: (نام درختی در هندوستان)

<i>Tectonia grandis</i> L.	ساج	زریاب
<i>Tectonia</i> sp.	ساج	الموسوعه

۱۰۰۰ - ساداوران<sup>ت</sup>: (نام گیاهی در هند) معرب سیاه‌داران (فارسی) به معنای سیاهی درختان<sup>ت</sup> نام‌های دیگر آن: عربی: سواد الحکام<sup>ت</sup>، سواد القضا<sup>ت</sup>

<i>Orseille tinctoria</i>	أشنة الصباغین - سادروان	الموسوعه
---------------------------	-------------------------	----------

۱۰۰۱ - سادج<sup>ش</sup>، سادج<sup>ت</sup>، سادج<sup>ت</sup>، سادج<sup>ت</sup>، سادج<sup>ت</sup>: (نام گیاهی در هند)، خوق اقرع<sup>ت</sup>، مامهستا<sup>ت</sup>: نام‌های دیگر آن: هندی: پتروتیزپاپ<sup>ت</sup>، کندبتر<sup>ت</sup>، مامهستان<sup>ت</sup> - مالایترون<sup>ت</sup>، مالاثرون<sup>ت</sup> "دیسکورید" می‌گوید: «مالاثرون» یا همان «سادج» را برخی می‌پندارند برگ «فردین» است در حالیکه چنین نیست و علت اشتباه آنها برای تشابه بوی هر دو آنهاست.<sup>ت</sup>

مالابثرون (Malabathron): سازج هندی [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲]

<i>Cinnamomum citriadorum</i> Th.	مالابثرون - سازج هندی	دیسکورید
<i>Melastoma</i> sp.	ملستومه، سازج هندی	الموسوعه
<i>Cinnamomum tamala</i> Nees.	سازج	طبایطانی
<i>Cinnamomum malabathrum</i> Burm.	سازج هندی	EN.

۱۰۰۲ - ساذرون<sup>۴</sup>، سادوران<sup>۵</sup>: نامی فارسی و برگردان عربی آن «سواد العصاره» است.<sup>۶</sup> نام های دیگر آن: ساداوران قنطار<sup>۷</sup> - عربی: ختم الملك<sup>۸</sup> - شیرازی: سهک داوران<sup>۹</sup>

۱۰۰۳ - ساطریون<sup>۱۰</sup>: نام دیگر آن: سوفطیون<sup>۱۱</sup>

۱۰۰۴ - سالی<sup>۱۲</sup>، ساسالیوس<sup>۱۳</sup>، سیسالیوس<sup>۱۴</sup>: نام های دیگر آن: ساسلیوس<sup>۱۵</sup> - طردیلون<sup>۱۶</sup> - انجدان رومی<sup>۱۷</sup> - کاشم رومی<sup>۱۸</sup>

<i>Seseli tortuosum</i> L.	ساسالی	EN.
----------------------------	--------	-----

۱۰۰۵ - سامان<sup>۱۹</sup>: نوعی بردی نام دیگر آن به فارسی: پیرز<sup>۲۰</sup>

۱۰۰۶ - سَعِ الْكَثَّانِ<sup>۲۱</sup>: یعنی با مجاورت این گیاه با «کثان» موجب از بین رفتن آن می شود /وجه تسمیه آن/ و نزد پزشکان اندلس و مصر و مغرب و آفریقا به «کشوث» معروف است و در اندلس به آن «قُرْبَعَة الْكَثَّان» گویند و اهالی اندلس آن را «جامول الکثان» می نامند و این با «کشوثی» که در عراق است متفاوت است و آن به نام «کشوث» بیشتر معروف است.<sup>۲۲</sup>

۱۰۰۷ - سَعِ الشَّعْرَاءِ<sup>۲۳</sup>، سبع الشعراء<sup>۲۴</sup>: گویند نام «أفثیمون» است.<sup>۲۵</sup>

۱۰۰۸ - سَبَسْتَان<sup>۲۶</sup> (نامی فارسی)، سَبَسْتَان<sup>۲۷</sup>، أطباء الکلبه<sup>۲۸</sup>، مخاطه<sup>۲۹</sup>، مخاطه<sup>۳۰</sup>، مَخِيطَة<sup>۳۱</sup>: نام های دیگر آن: بَسِستان<sup>۳۲</sup> - سَبَسْتَان<sup>(۱)</sup> - عربی: دَبَق<sup>۳۳</sup> - هندی: لسوده<sup>۳۴</sup>، به معنای اطباء الکلبه<sup>۳۵</sup>، مَخِيطَة<sup>۳۶</sup> - [به «دَبَق» یا «اقسوس» رجوع شود. (۳ - ۸۴)]

<i>Loranthus europeus</i> L.	اقسوس - دَبَق	دیسکورید
<i>Cordia myxa</i> L.	سَبَسْتَان	پارسا
<i>Cordia sebestena</i> L.	سَبَسْتَان	EN.

۱۰۰۹ - سَجَا<sup>۳۷</sup>:

۱۰۱۰ - سَحْسُونَه<sup>۳۸</sup>: نام دیگر آن به نظر تذره عبدوس<sup>۳۹</sup>: دانه سَجَسْتَان<sup>۴۰</sup>

۱۰۱۱ - سَخَار<sup>۴۱</sup>:

۱۰۱۲ - سُخَّر<sup>۴۲</sup>:

۱۰۱۳ - سُذَاب<sup>۴۳</sup>، سُذَاب<sup>۴۴</sup>، سُذَاب<sup>۴۵</sup>، سَذاب<sup>۴۶</sup>، سَذاب<sup>۴۷</sup>، سَذاب<sup>۴۸</sup> (نامی عربی)، تافسیا<sup>۴۹</sup>، تفسیا<sup>۵۰</sup>، تافسیا (نام صمغ)، فیجن<sup>۵۱</sup>، تفسیا (نام صمغ سذاب دشتی)، تافسیا، بذر السذاب<sup>۵۲</sup>: برای انوشیروان خضائع فیجن را بردند او امر می کرد که آن ها را آبیاری کنند تا سبز شوند پس آن ها را در صد محل قرار دادند تا سبز شد و بدین ترتیب به نام سذاب موسوم گردید.<sup>۵۳</sup> - نام های دیگر آن: فیجن<sup>۵۴</sup> - دیلم و تنکابن: بیم<sup>۵۵</sup> - هندی: سانول<sup>۵۶</sup>، ساتری<sup>۵۷</sup> - در لغتی: زنجی<sup>۵۸</sup> - بنگالی: تتلی<sup>۵۹</sup> - رومی: ففوس<sup>۶۰</sup>، طریفوس<sup>۶۱</sup> - سریانی: فیثنا<sup>۶۲</sup>، خُفَت<sup>۶۳</sup>، فَبَجَل<sup>۶۴</sup> - فارسی: سذاب<sup>۶۵</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: «فیغان»<sup>۶۶</sup> و نام بری آن «فیغانن اغریون»<sup>۶۷</sup> - نام های صمغ سذاب بری و جبلی: تافسیا<sup>۶۸</sup>، تفسیا<sup>۶۹</sup> (تایسوس)، یتون<sup>۷۰</sup> - فاس: روطه<sup>۷۱</sup>

۱- در اصل سگ پستان بوده است و دارای میوه ای شبیه عتاب است - بهمنیار



<i>Ruta graveolens</i> L.	سذاب	ز. ط.، E.
<i>Thapsia garganica</i> L.	صمغ سذاب بری و جبلّی	زر. - طبا.
<i>Ruta montana</i> L.	فیغانن - بیغانس - سذاب بری	دیسکورید
<i>Ruta</i> sp.	سذاب - فیتجن	الموسوعه
<i>Ruta graveolens</i> L.	<i>Hendia: Sadab - Panjub: Sdab - Kan sadabu</i>	GLO.IN.
<i>Ruta tuberculata</i> Fisch.	<i>Arab: fidjel</i>	GLO.IN.
<i>Ruta graveolens</i> L.	سذاب بستانی	دیسکورید
<i>Ruta montana</i> L.	سذاب بری	خطابی
<i>Ruta hortensis</i> Mill.	سذاب بستانی	خطابی

<i>Paliurus aculeatus</i> Lam.	فاليورس - سدر عبري و سدر ضال	ديسكوريد
<i>Zizyphus lotus</i> Lam.	درخت سدر	پار. خطا.
<i>Willd. Zizyphus-christii spina</i>	ثَبَق المِصْبَح - شجرة النبق - سدر	الموسوعه
<i>Zizyphus spina-christii</i> Willd.	سدر	ز، ط، ع، EN.

خطابی	خزم - سراج القطرب	<i>Agrostemna sp.</i>
-------	-------------------	-----------------------

۱- ابو حنیفه در کتاب النبات می‌گوید: «سدر عبری» دارای خار و «سدر ضال» بدون خار است.

<i>Cheiranthus incanus L.</i> <i>Mathiola incana R.Br.</i>	خیری ازرق - سراج القطرب	خطابی
<i>Cheiranthus cheiri L.</i>	خیری اصفر - سراج القطرب	خطابی
<i>Lychnis githago L.</i> <i>Coronaria L.</i> <i>Agrostemna githago L.</i>	سراج القطرب	زریاب

۱۰۱۷ - سراج القطرب: 'صاحب منهاج' نام آن را «خرم» می داند.

۱۰۱۸ - سُرة الأرض: نام دیگر آن به یونانی «قوتولیدون» است.<sup>۴</sup>

<i>Cotyledon umbelicus L.</i>	سُرة الأرض - اشراان الأرض - خُبز القاف	الموسوعة
-------------------------------	--	----------

۱۰۱۹ - سَرَح:

<i>Cadaba farinosa Forsk.</i>	سرح	زریاب
<i>Cadaba sp.</i>	قَصْبَة، سَرَح، طَرِيع	الموسوعة

۱۰۲۰ - سَرَحْس (نامی فارسی)، سَرَحْس، سَرَحْس، سَرَحْس، سَرَحْس، بشعیرا، بطارس، بطارس، رقعاء، رقعاء، کیلدارو، کیل دارو، کیلدارو، جمان: 'سَرَحْس نر' گیاهی است با برگ هائی شبیه «بطارس». امروزه در کوههای لبنان و بیروت به نام «شرد» است.<sup>۴</sup> نام های دیگر آن: جیلدارو - سعبر - کیلدار - قلعون - یونانی: بطارس - تنکابن و دیلم: جماز، هندی: کیل دارو، بسوره - بنگال: پنکهرج - سریانی: نشرا - فارسی: گیل دارو - اصل التهل

<i>Dryopteris filix max L.</i> <i>Athyrium filix-mas L.</i>	کرف - بیخ جماز - سَرَحْس مذکر	پارسا
<i>Asplenium adiantum-nigrum L.</i>	سَرَحْس البلوط	الموسوعة
<i>Dryopteris robertiana (Hof.) Chr.</i>	سَرَحْس جَفَاص	الموسوعة
<i>Dryopteris filix mas</i>	سَرَحْس ذَکَر	الموسوعة
<i>Asplenium ruta muraria L.</i>	سَرَحْس سَنَع الأجررض	الموسوعة
<i>Osmunda cinnamomea L.</i>	سَرَحْس قاتن	الموسوعة
<i>Asplenium trichomanes L.</i>	سَرَحْس لِحاء الغول	الموسوعة
<i>Phyllitis scolopendrium L.</i>	سَرَحْس مخزنی - سَرَحْس عَشْ التَر - کف النسر	الموسوعة
<i>Dryopteris aculeata (L.) Kuntze</i>	سَرَحْس مُسْتَن - سَرَحْس شوکی	الموسوعة
<i>Osmunda regalis L.</i>	سَرَحْس مُلَکی	الموسوعة
<i>Dryopteris filix-max L.</i> <i>Aspidium filix-mas L.</i>	سَرَحْس	زر. - طبأ.
<i>Athyrium filix-mas L.</i> <i>Dryopteris filix max L.</i>	سَرَحْس ماده سَرَحْس نر	خطابی

۱۰۲۱ - سیرس: (نامی هندی) نام های دیگر آن: سلطان الاشجار - فارسی: درخت زکریا

۱۰۲۲ - سرشاد<sup>ع</sup>: در بعضی از ترجمه‌ها با نام «بنجنکشت» آمده است.<sup>ع</sup>

الموسوعه	سرساد - آرثد - بنجنکشت - فنجنکشت - شجرة ابراهيم - كف مریم	<i>Vitex agnus castus</i>
----------	---	---------------------------

۱۰۲۳ - سرغت<sup>ع</sup>، سرغت<sup>ع</sup>: نام بربری گیاهی به نام «بخور البربر»<sup>ع</sup> - نام دیگر آن: أسرغت<sup>ع</sup> - «غسانی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «بخور مریم» و عده‌ای «بخور السودان» و گروهی «بخور البربر» می‌دانند و این نظر صحیح است.<sup>ع</sup>

خطابی	سرغینه - سرغت	<i>Telephium imperati L.</i>
-------	---------------	------------------------------

۱۰۲۴ - سرسانه<sup>ع</sup>:

۱۰۲۵ - سرمه<sup>ع</sup>: گیاهی با نام یونانی «مُریق» که ابن البطریق آن را «طرفاء» می‌داند.<sup>ع</sup>

۱۰۲۶ - سَرْمَقْ، سَرْمَقْ، سَرْمَقْ، سَرْمَقْ، سَرْمَقْ، بقله ذهبیه<sup>ع</sup>، بقله ذهبیه<sup>ع</sup>، قطف<sup>ع</sup>، بزر السرمق<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: سرمج<sup>ع</sup> - مغرب: قَطْف<sup>ع</sup> - صحرانشینان: كَطْف<sup>ع</sup> - رومی: اَطْرَقْسُوس<sup>ع</sup> - سریانی: قَطْفَا<sup>ع</sup> - فارسی: سَرْمَه<sup>ع</sup>، بستولاک<sup>ع</sup> - هندی: باتو<sup>ع</sup> - بربری: تاسلفا<sup>ع</sup> - ارموش<sup>ع</sup> - کرساخسن<sup>ع</sup> - سرمس<sup>ع</sup> - رُغْل<sup>ع</sup> - سرمج اطرافاکیسیس<sup>ع</sup> - اشبیلی<sup>ع</sup> می‌گوید: قطف دارای پنج نوع است نوعی از آن را «عشبه الکلب» و نوع دیگر آن را «جملج» و «غالیبوس» می‌نامند.<sup>ع</sup>

اَنْدَرَوَافَقْسُس (*Andraphaxus*) نام‌های آن عبارتند از: السَرْمَقْ - السَرْمَجْ - قَطْف - بَقْل الزَّوْم - بَقْل الذَّهَبی (این ببطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۴)

ز، د، خ، ع.	سرمق	<i>Atriplex hortensis L.</i> <i>Atriplex rosea L.</i>
الموسوعه	قَطْف - سرمق	<i>Atriplex sp.</i> <i>Atriplex rosea L.</i>

۱۰۲۷ - سَرْمَنَجی<sup>ع</sup>: (نامی هندی)

الموسوعه	فیلادلفس - سَرْمَنَجَ	<i>Philadelphus sp.</i> <i>Atriplex rosea L.</i>
----------	-----------------------	---

۱۰۲۸ - سَرَو، سَرَو، سَرَو، سَرَو (نامی فارسی)، شجرة الحیات<sup>ع</sup>، شجرة الحیات<sup>ع</sup>: جبلی یا بری آن را «درخت عرعر»<sup>ع</sup> می‌نامند. لجوز السرو نام میوه درخت سرو است.<sup>ع</sup> «غسانی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را درخت «اثل» و بعضی «عرعر» و عده‌ای «ارز» می‌دانند.<sup>ع</sup>

از آن جهت شجرة الحیات را درخت مارها گویند که جایگاه مار است.<sup>ع</sup> [این ببطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۷۴]

ز، خ، ط.	درخت عرعر	<i>Cupressus sempervirens L.</i>
EN.	سرو	<i>Cupressus sp.</i> <i>Cupressus sempervirens L.</i>

۱۰۲۹ - سَرْمَنَجی<sup>ع</sup>: (نامی هندی)

۱۰۳۰ - سَرِ پُھونکَه: (نامی هندی)

۱۰۳۱ - سَطَاخِیْسُ، سَطَاخِیس: (نامی یونانی) نام های دیگر آن: اندلس: قارَه - عجمی اندلس: بتوشَه  
سَطَاخِیس (*Stakhys*) در اندلس به آن «قارَه» گویند زیرا نوشیدن آن در هنگام تنگی نفس و خفقان قلب را «قرار» می دهد و در  
لاتینی به «اَنوشَه» (*Hianusa*) معروف است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۰۱]

الموسوعه	سطاقیس - سطاخیس	<i>Stachys sp.</i>
دیسکورید	سطاخیس	<i>Stachys germanica L.</i>
EN.	سطاخیس	<i>Stachys hirta L.</i>

۱۰۳۲ - سَطَارِیُون، سَطَارِیوس، قرسطاریون: (نامی یونانی) گیاهی است که روی آب می روید. «سَطَارِیوس»  
معروف به «ذو آلف ورَقه» و دارای هزار برگ است و آن درختچه ای کوچک است. نام های دیگر آن: سَطَارِیُون -  
شیرازی: کماه کوهی  
۱۰۳۳ - سَطْرَاطِیوْطُس، سَطْرَاطِیوس، سَطْرَاطِیوْطس: نام یونانی گیاهی آبزی - نام های دیگر آن: خِیوْخِیر -  
خیرخیر - فارس الماء

زر. - طبا.	فارس الماء - سطرانیون	<i>Achillea millefolium L.</i> <i>Pistia stratiotes L.</i>
EN.	سطراطیوس	<i>Stratiotes aloides L.</i>

۱۰۳۴ - سَطْرَکَا: نام های دیگر آن: قرسطاریون - فارسی: مران  
۱۰۳۵ - سَطْرَوْنِیُون، سَطْرَوْمِیُون، سَطْرَوْنِیُون، سَطْرَوْنِیُون: (نامی یونانی) گویند «کنَدَس» است و مولف گوید نوعی  
«کنَدَس» است و آن را «آزربو» گویند. "حنین" در ترجمه کتاب جالینوس این نام را معادل «کَنَدَس» می داند و درست بودن آن  
بعید است زیرا «کنَدَس» مشهور است و "ابو عباس" نام اندلسی آن را «قَوْلِیَّة» و نام بربری آن را «تاغیغشت» می داند.

زریاب	سطرومیون	<i>Saponaria officinalis L.</i> <i>Gypsophila struthium L.</i>
EN.	سطرونیون	<i>Lysimachia vulgaris</i>

۱۰۳۶ - سَطوْبی: "ابن بیطار" می گوید: اگر کسی این نام را برای گیاه «خلاف» بداند اشتباه می کند.

EN.	سطوی؟	<i>Trichera arvensis Schrad.</i>
-----	-------	----------------------------------

۱۰۳۷ - سَعَالِ: نام های دیگر آن: فنجون، حشیشه السعال  
۱۰۳۸ - سَعْد، سَعْد، سَعْد، سَعْد، سَعْد، سَعْد: برخی این نام را مربوط به «دارشیشان» می دانند. نام های دیگر  
آن: فارسی: مشک زمین - تنکابن: استکو - ترکی: یتلاق قرقرون، توبالغ - هندی: موفه، مشکک، مت -  
رومی: قیوفاروس - سریانی: سعدی - زابلی: مُست - سجزی: خویو - ترکیه: طبرقاق، سعدی - دیسکورید:  
قیارس، اروسیتیقون - غسانی می گوید: دارای انواع فراوانی است نوعی به نام «سعدی المَضْفَرَة» است.  
کیارس (*Kuperos*): در بعضی از نسخه ها «قیارس» آمده و نام «سعد» است و دارای انواعی است بهترین آن نوع کوفی آن  
است و دیسکورید نوع دیگری از «سعد» را یادآور شده که در هند وجود دارد و رنگ آن مشابه «زنجبیل» است و هر گاه



<i>Convolvulus scammonia</i> L.	سقمونيا	ز.خ، ط.
<i>Convolvulus scammonia</i> L. <i>Convolvulus syriacus</i>	محمودة - سقمونيا	الموسوعة

<i>Ferula scowitziana</i> DC.	سکینج	دی. - خط.
<i>Ferula scowitziana</i> DC.	أنجدان العجم - جلیث عجمی - سکینج	الموسوعه
<i>Ferula persica</i> Willd.	سکینج	پارسا
<i>Ferula saapenum</i> Polack <i>Ferula persica</i> Willd.	سکینج	طباطبائی
<i>Kandelia rheedii</i> W. & A.	Bengal: Guria - Tamil: Kandal - Kannarese:Kandale Telugu: Kandigala - Maalyalam: Kantal	GLO.IN.

<i>Saccharum officinarum</i> L.	سكر	زرياب
---------------------------------	-----	-------

۱- منسوب به جر مگان که معربش جر مغان است و ظاهراً نام محلی در حوالی موصل است که طایفه‌ای از عجم موسوم به جرافغه در آنجا ساکن بوده‌اند. - بهمنیار

طراغیس (Tragos): سَلْت - گیاه معروفی است. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۷۸]

<i>Gymnorrithon tragus L.</i>	طراغیس - سلت	دیسکورید
<i>Triticum spelta L.</i>	سلت	زر. - خط.
<i>Avena sativa</i>	سلت - جو برهنه	پارسا

۱۰۵۴ - سَلْدَانِیون: (نامی نبطی) نام دیگر آن در مصر: سدایان  
 ۱۰۵۵ - سَلْع: نام‌های دیگر آن: شجر تهام - مَظ - صاب - سَلْع - مَرخ - عَفار - سَلَب - حُضض - هَلْتی - جَدَف

<i>Saelanthus quadrangulum Forsk.</i>	سلع - صاب	زریاب
<i>Cissus sp.</i>	سَلْع - خَلوق	الموسوعه

۱۰۵۶ - سِلْق: سَلْق، سَلْق، سَلْق، بزر السلق: دارای سه نوع است.<sup>۴</sup> نام‌های دیگر آن: فارسی: چغندر، چگندر، صربه - رومی: ایروقولیون، طوطنون - سریانی: سلفا، شیلوما، شیلوم  
 طوطن (Teutlon) (Seutlon): نام «سَلْق بستانی» است و به نوع بری نیز گویند. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۰۷]

<i>Beta vulgaris L.</i>	سلق	ال، ز، خ، E.
<i>Beta vulgaris L.</i>	طوطن - سلق بستانی	دیسکورید
<i>Beta vulgaris L.</i>	چغندر	پار. - طب.

۱۰۵۷ - سَلْق بری<sup>۵</sup>، سَلْق بری: نوعی حماض<sup>۶</sup>

<i>Rumex hydrolapathum</i>	سَلْق بری - حَمِیض المناق	الموسوعه
----------------------------	---------------------------	----------

۱۰۵۸ - سَلَم:

<i>Acacia ehrenbergiana Hayne.</i> <i>Acacia arabica W.</i> <i>Acacia flava Forsk.</i>	سلم	زریاب
<i>Acacia flava</i> <i>Acacia arabica W.</i> <i>Acacia flava Forsk.</i>	سلام - سلم	الموسوعه

۱۰۵۹ - سلمه: نام‌های دیگر آن: شوکه قبطیه  
 ۱۰۶۰ - سَلِیخه، سَلِیخه، سَلِیخه، نَجَب (نام پوست)، سَلِیخه، قشا: نام‌های دیگر آن: یونانی: اسلیوس - هندی: تج - تجار اسکندریه: دافنطس  
 قَسِیا (Kassias): نام «سَلِیخه» است و دارای انواع فراوانی است. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۳]





۱۰۶۵ - سَمَر:

Acacia mellifera Bth.	سمر	زریاب
Acacia spirocarpa Hook.		
Acacia spirocarpa Hook.	سمره - سمر	EN.

۱۰۶۶ - سمرنیون<sup>۱</sup>، سمورنیون<sup>۲</sup>: نام‌های دیگر آن: کرفس بری<sup>۳</sup> - سمونیون<sup>۴</sup>

Smyrniium sp.	سمرنیون	EN.
---------------	---------	-----

۱۰۶۷ - سَمَسِم<sup>۱</sup>، سَمَسِم<sup>۲</sup>، سَمَسِم<sup>۳</sup>، سَمَسِم<sup>۴</sup>، جَلَجَلان<sup>۵</sup>، جَلَجَلان<sup>۶</sup>، جَلَجَلان<sup>۷</sup>: نام‌های دیگر آن: حبشه: جَلَجَلان<sup>۸</sup> - فارسی: کنجد<sup>۹</sup> - هندی: تِل<sup>۱۰</sup> - رومی: سیسامون<sup>۱۱</sup>، اورو سیمون<sup>۱۲</sup> - "ابوریحان" از قول "خلیل بن احمد" نقل می‌کند «جَلَجَلان» از انواع تره‌ها است که پارسیان او را «گشنیز» می‌نامند. و عرب تخم آن را «جَلَجَلان» گوید. - روغن آن به عربی: سلیط<sup>۱۳</sup>

سِیسَامُن (Sesamon): نام‌های آن عبارتست از: سَمَسِم - جَلَجَلان - روغن آن: حَلّ - شَیْرَج [ابن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۸۴]

Sesamum orientale L.	جَلَجَلان	زر. - خط.
Sesamum indicum L.	سیسامن - سَمَسِم - جَلَجَلان	دیسکورید
Sesamum oleiferum Moench	جَلَجَلان، جَلَجَلان، سَمَسِم، سَمَسِم	الموسوعه
Sesamum indicum L.	کنجد - سَمَسِم	پارسا
Sesamum indicum L.	سَمَسِم	طبا، EN.

۱۰۶۸ - سَمَسِم بری<sup>۱</sup>، سَمَسِم بری<sup>۲</sup>: نام دیگر آن: جلبهنگ<sup>۳</sup>۱۰۶۹ - سَمَقُوطُن<sup>۱</sup>، سَمَقُوطُن<sup>۲</sup>: (نامی یونانی)؟

سَمَقُوطُن بَطْرَاوُن (Sumphuton petraion): برگردان عربی «بطراون» «صخری» است. و عامه گیاهشناسان اندلس به «شَاغَة صخریه» گویند.

سَمَقُوطُن آخَر (Sumphuton allo): گیاهشناسان اندلسی به آن «شَاغَة البستانیه» و عامه شهرهای ما به زبان لاتینی به آن «شَیْبَطَه»<sup>(۱)</sup> (Sinfito) گویند و جالینوس هر دو نوع را در فصل هشتم کتاب خود ذکر کرده است. [ابن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۱۰]

Symphytum petraeum	سَمَقُوطُن بطراون - شَاغَة الصخریه	دیسکورید
Symphytum bulbosum Schi.	سَمَقُوطُن - شَاغَة البستانیه - شَیْبَطَه	دیسکورید
Symphytum sp.	سَمَقُوطُن، سَمَقُوطُن، کُنَسُودَه	الموسوعه
Symphytum officinale L.	سَمَقُوطُن مخزنی، کُنَسُودَه مخزنی	الموسوعه

۱۰۷۰ - سَمَقُوطُن آخَر<sup>۱</sup>: نام دیگر آن نزد عجم اندلس: شَیْبَطَه<sup>۲</sup>۱۰۷۱ - سَمِیْقُلَس<sup>۱</sup>:

۱۰۷۲ - سَنَامِکِ<sup>۱</sup>، سَنَامِکِ<sup>۲</sup>، سَنَامِکِ<sup>۳</sup>، سَنَامِکِ<sup>۴</sup>، سَنَامِکِ<sup>۵</sup>: نام‌های دیگر آن: هندی: مهار<sup>۶</sup>، کوالهر بها<sup>۷</sup> - حَرَمِ<sup>۸</sup>، سَنَامِکِ<sup>۹</sup>

## حرمی و سنا

<i>Cassia angustifolia</i> Vahl. <i>Cassia acutifolia</i> Del.	سنا مکی	زر. - طبا.
<i>Cassia lanceolata</i> Forsk.	سنا مکی	پارسا
<i>Cassia angustifolia</i> Vahl	<i>Hendia: Hindisana ; Bengal: Sanna makki</i>	GLO.IN.
<i>Crotalaria juncea</i> L.	<i>Sanskrit: Sana - Hendia: Sunn</i>	GLO.IN.
<i>Cassia acutifolia</i> Deli.	سنا مکی، سنا حجازی، سنا حرمی	الموسوعه
<i>Cassia angustifolia</i> Vahl	سنا مکی	خطابی
<i>Cassia acutifolia</i> Deli.	سنا هندی	خطابی

۱۰۷۳ - سنبراس<sup>(۱)</sup>: دانه‌ای چون «بزرگقونا» سپید لیکن مدور<sup>۱</sup>

۱۰۷۴ - سنجسفویه<sup>(۲)</sup>: دانه‌ای است کناره‌اش مختلف<sup>۲</sup>

۱۰۷۵ - سنبل، سنبل، سنبل، سنبل، سنبل، سنبل، عصاره‌السنبل<sup>۳</sup>: منظور «سنبل الطیب»، «سنبل العصاره»، «سنبل رومی»، «سنبل جبلی» است و از مطلق آن «سنبل هندی» است.<sup>۴</sup> - نام‌های دیگر آن: ناردین اقلیطی<sup>۵</sup> - هندی: بال چهر، غنغیطس اشقاقا<sup>۶</sup>، غنغس الجاری<sup>۷</sup>، جناماسی<sup>۸</sup> - یونانی: ناردین<sup>۹</sup> - لاتینی: نارود<sup>۱۰</sup> - سوری<sup>۱۱</sup> - نوع دوم آن را «ناردوایتالیون» گویند.<sup>۱۲</sup> - «شرف ادرسی» می‌گوید: دارای سه نوع هندی، رومی و جبلی است که به نوع هندی آن «سنبل الطیب» و همچنین «سنبل العصاره» گویند<sup>۱۳</sup> و نوع رومی آن «ناردین اقلیطی» نام دارد.<sup>۱۴</sup> - «دیسکورید» می‌گوید: نام «سنبل هندی» «ناردین» است و دارای دو جنس است، جنسی هندی و جنس سوری.<sup>۱۵</sup>

ناردس (*Nardos*): در بعضی نسخه‌ها با نام «ناردین» آمده و آن نام هر دو نوع «سنبل هندی» است.

ناردس سنفاریطیقی (*N. sampharitique*): جالینوس «سنبل هندی» و انواع آن را در ابتدای فصل هشتم کتاب خود ذکر کرده است. [این بيطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۶ و ۷]

<i>Nardostachys jatamansi</i> D.C.	ناردس سنفاریطیقی	دیسکورید
<i>Valeriana celtica</i> L. <i>Valeriana jatamansi</i> Jones <i>Nardostachys jatamansi</i> D.C.	عصاره‌السنبل	زریاب
<i>Valeriana</i> sp.	سنبل، ناردین	الموسوعه
<i>Valeriana officinalis</i> L.	سنبل الطیب	پا - طبا.
<i>Adropogon nardus</i>	سنبل	EN.

۱۰۷۶ - سنبل جبلی: ریشه والا؟<sup>۱۶</sup>

ناردین اوری (*N. oreine*): نام دیگر آن «سنبل جبلی» است و هم اکنون در شهرهای مصر بجای سنبل رومی مصرف می‌شود و دارای خاصیتی نزدیک با آن است. [این بيطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۹]

<i>Valeriana tubereuse</i> Sprun.	ناردین اوری - سنبل جبلی	دیسکورید
-----------------------------------	-------------------------	----------

۱- در بحر جواهر آمده دوائی است هندیسکورید

۲- مغرب سنگ سیوه و دانه‌ای سخت و املس شبیه به سنگهای مربعی شکل و به رنگ ماش است و نیامی دراز چون نیام لوبیا دارد. - بهمنیار

پارسا	سنبل کوهی - نو - سنبل جبلی	<i>Valeriana dioscorides Sibt.</i>
-------	----------------------------	------------------------------------

۱۰۷۷ - سنبل رومی؛ عطارد<sup>۵</sup>، عطارد<sup>۶</sup>، منتجوشه<sup>۷</sup>، منتجوشه<sup>۸</sup>: نام‌های دیگر آن: سنبل رومی<sup>۹</sup>، سنبل اقلیطی<sup>۱۰</sup>، ناردین اقلیطی<sup>۱۱</sup> - فرنگی: ناردین ناروس<sup>۱۲</sup>، گیاکو<sup>۱۳</sup>  
 ناردس اقلیطی (N. keltike): نام‌های دیگر آن عبارتست از: سنبل الرومی، اقلیطی، منتجوشه<sup>(۱)</sup>، شرائط [ابن بطار] در شرح کتاب دیسکورید (۱ - ۸)

دیسکورید	ناردس اقلیطی - سنبل رومی - میخوشه	<i>Valeriana celtica L.</i>
----------	-----------------------------------	-----------------------------

۱۰۷۸ - سنبل فارسی: «پرسیاوشان» را نیز شامل می شود.  
 ۱۰۷۹ - سنبل الکلب<sup>۱۴</sup>، سنبل الکلب<sup>۱۵</sup>: میوه «درخت دردان» معروف به «الأسنة العصافیر» است.<sup>۱۶</sup> صاحب جامع گوید ثمر «شجر دردان» معروف به «الأسنة العصافیر» است و سهو کرده است، زیرا «دردان» نام پارسی «اسفیدار» است و بعربی «شجرة البق» و «الأسنة العصافیر» ثمر درختی است که به پارسی به آن «اهر» گویند.  
 ۱۰۸۰ - سنبل هندی<sup>۱۷</sup>، سنبل هندی<sup>۱۸</sup>: «سنبل الطیب» است.<sup>۱۹</sup> و گفته شده «دارشیشعان» نیز هست و این خلافت. نام‌های دیگر آن: ناردین<sup>۲۰</sup> - سنبل العصافیر<sup>۲۱</sup>

پا - طب.	سنبل الطیب	<i>Valeriana officinalis L.</i>
پارسا	سنبل هندی	<i>Nardus indica L.</i>
دیسکورید	ناردس - ناردین - سنبل هندی	<i>Nardostachys jatamansi DC.</i>
خطابی	سنبل هندی	<i>Nardostachys jatamansi</i>

۱۰۸۱ - سندروس<sup>۲۲</sup>، سندروس<sup>۲۳</sup>، سندروس<sup>۲۴</sup>، صمغ درخت «جوز الهند» است.<sup>۲۵</sup> نام‌های دیگر آن: هندی: رال<sup>۲۶</sup>، مَرْمَدَهون<sup>۲۷</sup>، میمو<sup>۲۸</sup>  
 قِئَمَن (Kankamon)<sup>(۲)</sup>: در بعضی از نسخ «قیقین» آمده و ابن وافد نام آن را «لُکْ» می داند و دانشمندان قبل از او این نام را برای «سندروس»<sup>(۳)</sup> که صحیح تر نیز هست، ذکر کرده اند. [ابن بطار] در شرح کتاب دیسکورید (۱ - ۲۳)

دیسکورید	قیقین - سندروس	<i>Amryris kataf Forsk.</i>
الموسوعه	سندروس	<i>Callitris sp.</i>
طب - خطا.	سندروس	<i>Callitris quadrivalvis Vent.</i> <i>Thuya articulatta Vahl.</i>
EN.	سندروس	<i>Rhus vermicifera DC.</i>

۱۰۸۲ - سَنَدَرِیْطُس<sup>۲۹</sup>، سیدریطس<sup>۳۰</sup>: نامی یونانی به معنای شبیه به آهن یا حدیدی - سریانی: سمیق<sup>۳۱</sup>  
 سَنَدَرِیْطُس (Sideritis): گیاهی است که عامه اهالی اندلس و مغرب به زبان لاتینی به آن «غالَه قُرْشَتَه» (Gallocresta) گویند. [ابن

۱- در کتاب مستدرک دوزی بنا به نقل ابن مراد صحیح این کلمه «میخوشه» برگرفته از «می» (شراب) و «یخوشه» (سنبل) به معنی «شراب السنبل» ذکر شده است.

۲- در اصل «قیقین» است که صحیح آن «قیقین» می باشد و در رسم الخط این کلمه اختلاف زیادی است و بصورت‌های مختلفی تلفظ شده چون «قیقین»، «قیقین»

۳- ابن بطار در کتاب جامع خود از این نظر برگشته و چنین گوید: برخی «قیقین» را نامی برای «سندروس» دانند و عده‌ای نیز نامی برای «لک» در حالیکه هیچیک نمی تواند صحیح باشد چراکه این صمغ بخلاف دو گیاه دیگر بلبوست.

بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۲۹]

سندریطس آخر (*Alle sideritis*): این گیاه را گیاهشناسان اندلسی به «توت الثعلب» و «توتته» می شناسند و عوام به آن «خیر من ألف» گویند و اهالی آفریقا آن را «عشبه کل بلا» نامند. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۳۰]

سندریطس آخر: عوام ما به آن «کُزْبُرَة الثعلب» گویند و در سقف خانه ها و لبه های دیوار می روید و بواسطه شیرابه ای که دارد معروف است. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۳۱]

أخلیوس سندریطس (*Akhilleios*): یعنی سندریطسی که برای بیماری «أخلیوس» نافع است و این همان بیماری «غَرَب» (یک نوع بیماری مربوط به چشم) است. این گیاه را ندیده و نمی شناسم. "ابن وافد" این گیاه را همان گیاه «دم الأخوين» می داند و من - این بیطار - از صحت آن اطلاعی ندارم. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۳۲]

دیسکورید	سندریطس - غاله قرشته	<i>Stachys recta L.</i>
دیسکورید	سندریطس - توت الثعلب - توتیه - خیر من ألف - عشبه کل بلا	<i>Poterium sanguisorba L.</i>
دیسکورید	سندریطس - کزبرة الثعلب	<i>Scrophularia chrysanthemifolia L.</i>
دیسکورید	أخلیوس سندریطس	<i>Achillea tomentosa L.</i>

۱۰۸۳ - سیدریطس آخر<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: عامه اندلس: خیر من ألف درهم<sup>ع</sup>، توت الثعلب<sup>ع</sup> - اهالی مغرب: عشبه کل بلاء<sup>ع</sup>

۱۰۸۴ - سندیان<sup>ع</sup>، سندیان<sup>ع</sup>: نام دیگر آن در شام: درخت بلوط<sup>ع</sup>

الموسوعه	بلوط - سندیان	<i>Quercus sp.</i> <i>Thuya articulata Vahl.</i>
----------	---------------	---

۱۰۸۵ - سندیان الأرض<sup>ع</sup>، سندیان الارض<sup>ع</sup>: نام دیگر فراسیون<sup>ع</sup> برخی آن را «فراسیون» می دانند اما دیسکورید از آن با نام «بلوطی» یاد کرده است که صحیح به نظر می رسد<sup>ع</sup>.

بلوطی (*Ballote*): نوعی از فراسیون با رنگ سیاه با نام لاتینی «مَرْوُیَة بُتُوشَة» است. - در ترجمه کتاب جالینوس این گیاه بر اثر مترجمان «لاعیه» دانسته شد اما «لاعیه» از گیاهان صمغ داراست و «بلوطی» اینگونه نیست. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹۸]

دیسکورید	بلوطی	<i>Ballota nigra L.</i>
----------	-------	-------------------------

۱۰۸۶ - سندهان<sup>ع</sup>، یلنجوح<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: عود هندی<sup>ع</sup>

۱۰۸۷ - سنک سبویه<sup>ع</sup>، سنکسبویه<sup>ع</sup>: (نامی فارسی) معرب آن «سَنج سَبویه» است. نام های دیگر آن: سریانی: مشحونا<sup>ع</sup> - هندی: تخم چکوند<sup>ع</sup>، تخم پنوار<sup>ع</sup>

۱۰۸۸ - سنکهارا<sup>ع</sup>: (نامی هندی) نام های دیگر آن: گیلانی: جیلان<sup>ع</sup>، جیلام<sup>ع</sup>

۱۰۸۹ - سنکها<sup>ع</sup>: (نامی هندی)

۱۰۹۰ - سواد القضا<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: عقص<sup>ع</sup>

۱۰۹۱ - سواد الهند<sup>ع</sup>: نوعی از سلیخه<sup>ع</sup> - نام دیگر آن: سلیخ اسود<sup>ع</sup>

۱۰۹۲ - سورنجان<sup>ع</sup>، سورنجان<sup>ع</sup>، سورنجان<sup>ع</sup>، سورنجان<sup>ع</sup> (گل)، سورنجان<sup>ع</sup>، سورنجان<sup>ع</sup>، سورنجان<sup>ع</sup> (نامی هندی و بربری)، اصابع هرمس<sup>ع</sup>، حافر المهر<sup>ع</sup>، حافر المهر<sup>ع</sup>، خمل<sup>ع</sup>، سنبلید<sup>ع</sup>، عکنه<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: لعبت بربری<sup>ع</sup>، سورنگان<sup>ع</sup> - سندی: لایحل مول<sup>ع</sup> - رومی: ارمزدقطولوس<sup>ع</sup> - سریانی: حمصی لیتا<sup>ع</sup>، دبلیغ<sup>ع</sup>، شنبلیذ<sup>ع</sup> - مصر: عکبة<sup>ع</sup>، عکنه<sup>ع</sup> - عراق: لعبة البربرية<sup>ع</sup> - یونانی: ملحتفن<sup>ع</sup>، بلبوسا<sup>ع</sup>، افیمارون<sup>ع</sup> - نام ریشه: جغزیه<sup>ع</sup> - قسمی را «یستهارمک»

نامند.<sup>۱</sup> - گویند «اصابع هرمس» نام گل «سورنجان» است. نام‌های دیگر آن «چغزب» و «چغرب» است. و آن گلی است که در اول بهار پس از آب شدن یخ ظاهر می‌شود و به رنگ‌های زرد، سفید و اکهب بوده و دونوع بری و بستانی دارد. <sup>۲</sup> قَلْخِیْقَن به (Kolkhikon): نام «سورنجان» است و آن گیاه معروفی است و نام‌های دیگر آن عبارتست از: «فَرْج الأرض» و «قَلْب الأرض». گل آن «اصابع هرمس» نام دارد که به لاتینی به آن «قَشْتِیُوْلَه» (Castanuela) معنای «قَسْطَلَه صغیر» گویند. کتاب منهاج نام گل این گیاه را «شَبْنِیْلِد» می‌داند و در شهرهای مصر به آن «عُکْنَه» گویند. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۷۶]

Colchicum autmnale L.	قلخیقن - سورنجان - اصابع هرمس	دیسکورید
Colchicum autmnale L.	سوزنجان مصری - گل حسرت	پارسا
Colchicum luteum Bak. Colchicum speciosum Ste.	سوزنجان کرمانی	پارسا
Colchicum persicum Bak. Colchicum violaceum Par.	گل حضرتی - پیاز حضرتی - گل حسرت (تفرش) - پیاز سگ (طالش)	پارسا
Merendera persica Boiss	سورنجان شیرین	پارسا
Colchicum sp.	سراج الغولة - سورنجان	الموسوعه
Colchicum autmnale L. Colchicum variegatum L.	سورنجان	زر. - طب.
Colchicum autmnale L.	سورنجان	خطابی
Colchicum variegatum L.	سورنجان	EN.

۱۰۹۳ - سوس، سوس، سوس، سوس، سوس، عروق دار هرم، عروق دارموم، غلوقریزا، غلوقریزا، اصل السوس: نام‌های دیگر آن: شیرازی: مهک - اصفهانی: مژو، اند - ترکی: شیرین‌بان - مری: - فرنگی: گلیسریزه - هندی: مهلت، ملهتی حیتهی مد - سجزی: موز - سجستان: بوی هریذان - زابل: مَلْخَج - نام ریشه: کلوقورون - سریانی: عقارشوشا - هندی: بشرسون - سندی: مهلتی، میلی - فارسی: منزه و شک، دارورهرام، دار شیرین، بیخ مهک - حبشیه الحلو - خوردپیلا - یعنی طعام فیل - عربی: مدهوق - جالینوس: جلوقریزون، غلوقریزا، به معنای شیرین - اصل المتک

Glycyrrhiza glabra L.	سوس	زر. - خط.
Glycyrrhiza glabra L.	شیرین بیان - ریشه اصل سوس - رب سوس	پارسا
Glycyrrhiza sp.	سوس، عِرْقَسوس، شجرة السوس، ریکلیس	الموسوعه
Glycyrrhiza sp.	سوس	EN.

۱۰۹۷ - شوسن یا سوسن، سوسن، سوسن، سوسن، سوسن، مشک: معرب از «سوسانی» سریانی است. نام‌های دیگر آن: رومی: قرینوس، سوسنین - سریانی: شوشینا - فارسی: سوسن - نام روغن آن: رومی: ایریمورون - سریانی: مشحادیرسا  
نام سوسن سفید: عبقر - آزاد سوسن - سوسن ادرا - نام سوسن آسمانجونی: افامیرون - نام سوسن الارجوانی: دلال - نام ریشه سیاه آن: رومی: اخینوس، ایرنیوقرینوس - سریانی: ادم، حزا اوکامی - دارای سه نوع سفید و بستانی و بری است، نوع سفید را «سوسن آزاد» گویند. چهار نوع است یکی سفید و آن را «سوسن آزاد» خوانند و یکی ازرق که آن را «سوسن کبود» خوانند. یکی صحرائی و آن الوان رنگ است که به ازرق و زرد و «سوسن آسمان‌گون» موسوم است و بیخ وی را «ایرسا» گویند که زرد است و آنرا «سوسن خطاهی» گویند. غسانی می‌گوید: سوسن نامی غیر عربی و معروف است که دارای

انواع فراوانی می باشد به نوع آبی (گل) آن «ایرسا» یا «سوسن الاسمانجونی» گویند و نوع سفید آن دارای دو نوع بری و بستانی است و نوع قرمز آن نیز دو نوع دارد که به نوعی «مسیخا» و به نوع دیگر «ذنب الثعلب» گویند. و نوع زرد آن نوعی از «نرجس» است.

ایریس (*Iris*): ایرسا - نام «سوسن الاسمانجونی» است. و «ایرسا» به معنای قوس و قزح است.

لیرئون (*Leirion*): روغن ایرسا (این بيطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۱ و ۴۴)

کراینوسوسین (*Krion-susino*): گل «سوسن الأبيض» است و به آن «رازقی» گویند. (این بيطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۹۷)

ایماروقالس (*Hemerokallis*): این حسان آن را «سوسن أصفر» می داند و در دمشق به نام «زنبق» معروف است. (این بيطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۱۷)

کسیفیون (*Xiphion*): نام سوسن بری است و سایر نام های آن عبارتست از: «سیف الغراب»، «سیف القراب»، «دورحولی»، «فستغانیون»

سفرغانیون (*Sparganion*): نوعی سوسن است - سوسن بری - و جالینوس آن را «سفرطغانیون» نامیده است.

اکسورس (*Xuris*): نوعی سوسن (این بيطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۲۰ و ۲۱ و ۲۲)

افیمارون (*Ephemeron*): نوعی «سوسن بری» با نام لاتینی «أشبطانه» (*Espadana*) (این بيطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۷۷)

<i>Iris florentina L.</i>	ایریس - سوسن آسمانجونی	دیسکورید
<i>Lilium candidum L.</i>	کراینوسوسین - سوسن أبيض - رازقی	دیسکورید
<i>Hemerocallis flava L.</i>	ایماروقالس - سوسن أصفر - زنبق	دیسکورید
<i>Glaodialis communis L.</i>	کسیفیون - سوسن بری - سیف الغراب	دیسکورید
<i>Sparganium ramosum Huds.</i>	سفرغانیون - سوسن بری	دیسکورید
<i>Iris florentina L.</i>	اکسورس - سوسن بری	دیسکورید
<i>Convallaria rusticellata L.</i>	افیمارون - نوعی سوسن بری - أشبطانه	دیسکورید
<i>Lilium candidum L.</i>	سوسن	پارسا
<i>Iris sp.</i>	سوسن	الموسوعه
<i>Lilium candidum L.</i>	سوسن	زر - طباء
<i>Iris florentina L.</i>		
<i>Lilium sp.</i>	سوسن	خطابی
<i>Iris florentina L.</i>	سوسن	EN.

۱۰۹۵ - سوفال؟

۱۰۹۶ - سولان؛ سولان یا شولان، سولان، سولان، دواء رومی: (نامی یونانی) شیخ الرئیس گوید دوائی رومی است.

۱۰۹۷ - سهجه: (نامی هندی) نام های دیگر آن: سرکوه، سی کوه

۱۰۹۸ - سیساریون، سیسارون، سیساریون: (نامی یونانی) نام دیگر آن: خشب سومر برخی آن را «قلقاس» می دانند که اینچنین نیست.<sup>۴</sup> «رازی» می گوید: «حنین بن اسحاق» آن را چوب «شونیز» می داند و این درست نیست.<sup>۵</sup>

<i>Sium sisarum</i>	سیسارون	الموسوعه
<i>Peucedanum sativum Benth.</i>	سیسارون کبیر	الموسوعه
<i>Pastinaca sativa L.</i>		
<i>Pastinaca sativa L.</i>	سیسارون	EN.

۱۰۹۹ - سیسالیون، ساسلیون: (نامی یونانی) نام دیگر آن به فارسی: کاشم رومی؟ - دیسکورید: ساسالی<sup>۶</sup>

ساسالیوس (*Seseli*): این گیاه دارای سه نوع است که همه آن‌ها را دیده‌ام - ابن بیطار - و می‌شناسم.  
 طُرْدِیلُن (*Tordilon*): نوع چهارم گیاه «ساسالیون» است و نام دیگر آن افریطی است و در اندلس به آن «بَقُولُ الشَّعَالِ» گویند زیرا در سوخت آتش استفاده می‌شود. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۵۰ و ۵۱]

<i>Seseli tortuosum</i> L. <i>Tordylion officinale</i> L.	ساسالی	زر - طباً.
<i>Seseli tortuosum</i> L. <i>Bupleurum fruticosum</i> L. <i>Lophotenia aurea</i> L.	ساسالیون	دیسکورید
<i>Tordilium officinale</i> L.	طرذیلن، نوعی ساسالیون، افریطی، بقول الشعاع	دیسکورید

۱۱۰۰ - سَیْسَبَان (نامی عربی)، سیسبان<sup>ع</sup>: (نام گیاهی در مصر) نام دیگر آن: هندی: گل انول؟ دارای دو نوع بری و بستانی است و بسیار در فلسطین می‌روید.<sup>ع</sup> "ابن بیطار" می‌گوید: «سیسبانی» که رازی در حاوی ذکر کرده ممکن است «درخت اثل» باشد، نه غیر آن.<sup>ع</sup>

<i>Sesbania</i> sp. <i>Pastinaca sativa</i> L.	سیسبان	الموسوعه
<i>Sesbania aegyptiaca</i> Poir.	سیسبان	EN.

۱۱۰۱ - سیسبر<sup>ع</sup>:

۱۱۰۲ - سیسنبرون<sup>ع</sup>، سیسنبریون<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: حرف الماء<sup>ع</sup>

۱۱۰۳ - سیسِنْبَل (نامی هندی)

۱۱۰۴ - سیو<sup>ع</sup>: (نامی فرنگی)

۱۱۰۵ - سیسِنْبَر، سیسنبر (نامی فارسی)، نَمَام<sup>ع</sup>، نَمَام<sup>ع</sup>، اَقْط<sup>ع</sup>، بَزْر النَمَام<sup>ع</sup>، دَبَاب<sup>ع</sup>، هِرْقُولِیون<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: سوسنبر<sup>ع</sup> - سندی: سیسنبر<sup>ع</sup> - فارسی: سه‌سنبل<sup>ع</sup>، سی سنبل<sup>ع</sup>، سُسْرَم<sup>ع</sup> - لاتینی: وسربیلیم<sup>ع</sup> - عربی: نَمَام<sup>ع</sup>، نَمَام المَلِك<sup>ع</sup>، قَلَس<sup>ع</sup> (وجه تسمیه آن به نَمَام به خاطر بوی تند آن است) - نیقولاولوس<sup>ع</sup> - اَطَه<sup>ع</sup> - قَرادامنی<sup>ع</sup> - عَیْس<sup>ع</sup> - دیسکورید: ارفلس<sup>ع</sup> - هرقلیون<sup>ع</sup> - نام‌های نوع بری: الالط<sup>ع</sup> - زیفس<sup>ع</sup>

سیسنبرون (*Sisumbrion*): نوعی از «نَمَام بری» به نام «سیسنبر» است که به زبان لاتینی به آن «مَنَته» (*Mentha*) گویند. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۳۹]

<i>Thymus glaber</i> Mill. <i>Thymus serpyllum</i> Fries.	نَمَام - سیسنبر	زریاب
<i>Thymus glaber</i> Mill.	سیسنبرون - نَمَام بری - سیسنبر	دیسکورید
<i>Thymus nummularius</i> Benth.	سیسنبر - کللیک اودی - اس‌بویه (کیلان)	پارسا

۱۱۰۶ - سین<sup>ع</sup>، سین<sup>ع</sup>، قَرَة العین<sup>ع</sup>، جرجیر الماء<sup>ع</sup>، جرجیر الماء<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: قَرَة العین<sup>ع</sup> - بَقَرَة العین<sup>ع</sup> (قَرَة العین)، کَرَفَس الماء<sup>ع</sup>، جرجیر الماء<sup>ع</sup>

سین (*Sion*): نام دیگر آن «قَرَة العین» و «کَرَفَس الماء» است و «قَلَام» دانستن آن اشتباه است. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۱۱]

<i>Sium latifolium L.</i>	سین - قره العین	زریاب
<i>Sium latifolium L.</i>	سین - قره العین - کرفس الماء	دیسکورید

## حرف «ش»

۱۱۰۷ - شارَف: (نامی هندی)

۱۱۰۸ - شاض: نام دیگر آن به هندی: اره رتور

۱۱۰۹ - شاهبانک، شاهبانک، شاهبانک و شایانج، جوانسفرم، شه بانو: نام های دیگر آن: جوانسپر، شاهبانک، شاهبانک، شامامک، عربی: عَبَس، قسوة الکلابغلتک، شابانک، شاهبانج، بنفسج الکلاب - صاحب جامع می گوید: «برنوف» است هم گوید «شجره ابراهیم» کوچک است و هم او از قول غافقی گوید نوعی از «قیصوم» است و از قول صاحب حاوی گویند «حب سرم بری» است مولف گوید این اقوال خلاف است آنچه محقق است «بنفسج الکلاب» را به شیرازی «افس سک» خوانند. "غافقی" می گوید: گویند نام نوعی «قیصوم» است و گویند «شاهبانج» است و در حاوی آن را «حب الشبرم البری» ذکر کرده است و در بعضی از کتب آن را «شاهبانک» و «شجره ابراهیم» کوچک دیده ام که در نقاط دور دست می روید و بعضی مردم آن را «شجيرة مريم» می نامند و درست تر آنست که آن نوعی «قیصوم» به نام «برنوف» است. - برهان قاطع نام های دیگر آن را «ریحان الشیاطین»، «بنفسج الکلاب»، «شابانج» می داند.

<i>Inula conyzoides L.</i>	جوانسفرم - عبس	زریاب
<i>Inula conyzoides L.</i> <i>Pulicaria odora Reichb.</i>	بزنوف، شاهبانج، طباق البراغیث، راسن البراغیث	الموسوعه

۱۱۱۰ - شاهتره، شاهترج، شاهترج، شاهترج، شاهترج (نامی فارسی)، بقلة الملك، فرنث، هلیانسه: معرب آن: شاه ترج به معنای سلطان البقول - نام های دیگر آن: عربی: بقلة الملك، کربزه الحمام - یونانی: وقفتص - هندی: پت پایره (به معنای گیاه مفید برای صفرا) و کت پایره، پایله، پاپره - نام آن در کتب طب قدیم: فلاخان - شام: شجرة الدم (چون صاف کننده خون است). - رومی: طابلیدیون - نام گیاه در کتاب دیسکورید: غینغیدیون، فقیص - زابلی: تشیک (نَشْنَك) - نام گیاه در کتاب جالینوس: فالینوس - یونانی: قانیوس به معنای دخانی - شیرازی: شاه تره - فاس: بقول الصبیه - حنین در کتاب خود آن را «بسقما» خوانده است و وی «کمون بری» بوده به آن «کربزه الحمام» و «بقلة الملك» گویند. - دارای دو نوع است گروهی نام نوع اول را «شاهترج» و نام نوع دوم را «فقیص» پنداشته اند که درست نیست.

<i>Fumaria parviflora Lam.</i>	شاه تره	پارسا
<i>Fumaria sp.</i>	شاهتره	الموسوعه
<i>Fumaria officinalis L.</i>	شاهتره	زر، EN.
<i>Fumaria parviflora</i>	شاهترج	طباطبائی
<i>Fumaria parviflora</i> <i>Fumaria officinalis</i>	شاهترج	خطابی

۱۱۱۱ - شاهسفرم، شاهسپر، شاهسفرم، شاهسپر، شاهسپر، حبق کرمانی: معرب شاهسپر فارسی به معنای «سلطان الریاحین» است. نام های دیگر آن: حبق کرمانی، حبق الصعتری، شاهسفرم - فارسی: نازبو





ز.خ.ط.	شبرم	<i>Euphorbia pithyusa L.</i>
--------	------	------------------------------

۱۱۱۸ - شَبْطاطٌ، شَبْطِباطٌ: نام «عصا الراعی» است و تفسیر آن به سریانی «عَصِیة» است.<sup>۷</sup>

الموسوعة	تَبْطاط نیلی، شَبْطِباط، نِلَّة صِیْنِیَّة	<i>Polygonum tinctoriumm Hort.</i>
----------	--	------------------------------------

۱۱۱۹ - شَبِیْه، شَبْهَانٌ: نام های دیگر آن: شَبِیْهَانٌ - سریانی: شَبَاهِی - یونانی: فالیورس<sup>۷</sup>

الموسوعة	شَبْهَان، صامور	<i>Paliurus sp.</i>
----------	-----------------	---------------------

۱۱۲۰ - شَبْثٌ؟:

۱۱۲۱ - شَجَرَة اِبْنِ مَالِك، شَجَرَة اَبی مَالِك، شَجَرَة اِبْنِ مَالِك، صابون القلّی<sup>۷</sup> (نامی در دمشق)، صابون القاق<sup>۷</sup>، قَلُومان<sup>۷</sup>: نام های دیگر آن: یونانی: فلو ماین<sup>۷</sup> - شام: صابون القاق<sup>۷</sup> - در اندلس به لاتینی: سَبِنِرَة - مغرب: اَبی مَالِك دارای نوع بری و نهري است، نام بری «أَبَاغَسَالَة» و نام نهري آن «أَبَا مَالِك» است.<sup>۷</sup> نباتی است که در مکان های نمناک روید و در میان نهرها، بیخ آن مانند صابون برای پاک کردن جامه بکار می رود.<sup>۷</sup>

قَلُومان<sup>۷</sup> (*Klumenon*): ابن حسان نام لاتینی آن را اُونِیاغَاثَه (*una de gato*) دانسته که برگردان عربی آن «أَطْفَار الْقُطْ» است. این گیاه را خود می شناسم و نامی غیر از این نام ها برای آن نمی دانم. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۱۳]

دیسکورید	قَلُومان - اُونِیاغَاثَه	<i>Leonicera perichlymenon L.</i>
----------	--------------------------	-----------------------------------

۱۱۲۲ - شَجَرَة الرَّاهِب:

۱۱۲۳ - شَجَرَة اِبْرَاهِیم، شَجَرَة اِبْرَاهِیم، شَجَرَة اِبْرَاهِیم، شَجَرَة اِبْرَاهِیم: ؟ «صاحب فلاحه» گوید نام «درخت برم» است.<sup>۷</sup> «غافقی» می گوید: به گیاه «بنجنگشت» و همچنین به زعم گروهی به گیاه «شاهدانج» گویند.<sup>۷</sup> آغَنَس (*Agnos*): دیسکورید این واژه را به معنای ظاهر دانسته نام دیگر گیاه «شَجَرَة اِبْرَاهِیم» است... [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۰۵ (به آغَنَس رجوع خود).]

زریاب	شَجَرَة اِبْرَاهِیم	<i>Vitex agnus castus L.</i>
دیسکورید	آغَنَس - لیغس - عسرة الرض - شَجَرَة اِبْرَاهِیم	<i>Vitex agnus castus L.</i>
الموسوعة	سرساد - آرئد - بنجنگشت - فنجنگشت - شَجَرَة اِبْرَاهِیم - کف مریم	<i>Vitex agnus castus</i>

۱۱۲۴ - شَجَرَة بَارْدَة، بَقْلَة الْبَارْدَة، شَجَرَة بَارْدَة: نام دیگری برای «لباب الصغیر» و «لباب» است.<sup>۷</sup>

۱۱۲۵ - شَجَرَة الْبَق، نَشْم، شَجَرَة الْبَق، شَجَرَة الْبَق: (نامی نزد اهالی شام) نام های دیگر آن: سَجْزِی و سمرقندی: کُزْم - زَابَلِی: عَزْبَه - شَجَرَة الدردار<sup>۷</sup> [به دردادر، و اَیْنِصارون، رجوع شود. ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۸۵ و ۳ - ۱۲۵]

الموسوعة	بوقصیا، دردار، شَجَرَة الْبَق، أَلْم	<i>Ulmus sp.</i> <i>Ulmus montana With.</i> <i>Ulmus effusa Sibth.</i>
دیسکورید	بطالایا، شَجَر الدردار، شَجَرَة الْبَق، نَشْم الْأَسْوَد	<i>Ulmus spp.</i>

Ulmus campestris L. Ulmus glabra L.	شجره البق	زر - طباً.
--	-----------	------------

۱۱۲۶ - شجره التنین<sup>ع</sup>: نام «لوف الكبير» معروف به «لوف الحیة» است.<sup>ع</sup>

Draconitium sp.	حشيشة التنين	الموسوعة
-----------------	--------------	----------

۱۱۲۷ - شجر التیس<sup>ع</sup>، شجره التیس<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: یونانی: طراغیون<sup>ع</sup>

Hypericum hircinum	داذی المتن، هیوفاریقون المتن، شجره التیس، دُمع التستین	ال.
--------------------	--	-----

۱۱۲۸ - شجره الدب<sup>ع</sup>: گویند نام «زعرور» است و گویند نام «علیق الکلب» است و همچنین ممکن است «قُطَلَب» باشد.<sup>ع</sup>

"ابن جزار" در کتاب سمائم «أقسوس» را «شجره الدب» ذکر کرده است.<sup>ع</sup>

۱۱۲۹ - شجره رستم<sup>ع</sup>، شجره رستم<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: آفریقا: زراوند الطویل<sup>ع</sup>

۱۱۳۰ - شجره الشین<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: لوف الكبير<sup>ع</sup>

۱۱۳۱ - شجره الضفادع<sup>ع</sup>، شجره الضفادع<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: کیکج<sup>ع</sup>

۱۱۳۲ - شجره الطلق<sup>ع</sup>، شجره الطلق<sup>ع</sup>: وجه تسمیه آن به طلق بخاطر اینست که هرگاه زن حامله در حال زایمان از حل شده آن بخورد بلافاصله فرزند از او جدا (طلق) می شود.

Anastatica hierochuntica	شجره الطلق	خطابی
--------------------------	------------	-------

۱۱۳۳ - شجره الکف<sup>ع</sup>، شجره الکف<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: الصانع الصفّر<sup>ع</sup> - "سلیمان بن حسان" می گوید: درختی است باریشهای مشابه پنجه دست انسان و به «کف مریم» نیز مشهور است.<sup>ع</sup> - "ابن یطار" می گوید: نام «أصابع الصفّر» است و برخی از مترجمین آن را «کف عائشة» خوانده اند.<sup>ع</sup>

۱۱۳۴ - شجره مریم<sup>ع</sup>، شجره مریم<sup>ع</sup>، شجره مریم<sup>ع</sup>، شجره مریم<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: تازی: عبوتران<sup>ع</sup>، عبیثران<sup>ع</sup> صاحب جامع اقوال مخالف یکدیگر بسیار آورده و محقق نکرده است و صاحب منهاج به تحقیق می گوید آن «بخور مریم» است و آن سه نوع است یک نوع بر [میوه] نمی دهد و دو نوع بر می دهد و بیخ آن «عرطینثا» است.<sup>ع</sup> - "ابن یطار" می گوید: نامی مشترک که در شهرهای مائندلس به نوعی رستنی بنام «أقحوان» با نام مغربی «کافوریه» گویند و همچنین نام گیاه دیگری با نام یونانی «لینوتس» است و همچنین به گیاه «بخور مریم» و درخت «بنجنگشت» و درخت دیگری در شام و شهرهای روم که مشابه درخت «سفرجل» است گفته می شود و در سرزمین مصر به «حب الفول» معروف است و در شهر شام آن را به «عَهر» و «شجره اللیثی» و «اصطرک» می شناسند و پزشکان ما این اسامی را به «میعة»<sup>(۱)</sup> اطلاق می کنند.<sup>ع</sup> [ابن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) به «شجره ابراهیم، و «اغنس، رجوع شود.]

Cyclamen europaeum L. Anastatica hierochuntica L. Pyrethrum partheinm Sm.	شجره مریم - عبوتران	زریاب
Chrysanthemum parthenium	قُوقَحان مَئِیات، کَرکاش، شجره مریم	الموسوعة

خطابی	شجرهٔ مریم	<i>Chrysanthemum parthenium</i> <i>Matricaria chmomilla</i>
-------	------------	--

- ۱۱۳۵ - شحم الحنظل: نام‌های دیگر آن: خطمی بری<sup>۱</sup> - گویند «شنجار» و «شجره قلی» است.<sup>۲</sup>  
 ۱۱۳۶ - شرین، شربین، قَطْران: دیسکورید می‌گوید: درخت بزرگی است که «قَطْران» نوعی از آن است.<sup>۳</sup>

الموسوعه	شرین، سرو زشیق، سرو فضی	<i>Chamacyparis sp.</i>
----------	-------------------------	-------------------------

- ۱۱۳۷ - شَرَس: نام «شوکه مغیلة» است و «مغیلة» شهری از شهرهای مغرب است. برخی آن را به نام «زریعة أبلیس» می‌شناسند زیرا در مسیرها و راهها بطور پراکنده می‌روید.<sup>۴</sup>  
 ۱۱۳۸ - شرم: گیاهی است که در کنار بستانها و کنار جوی‌ها و در صحراها می‌روید، به شیرازی «گاومطوسک» نام دارد زیرا اگر گاو از آن بخورد می‌میرد و گوسفند هر چند بخورد هیچ مضرت بوی نرسد.  
 ۱۱۳۹ - شری: «حنظل» است و گویند نام «عَلَقَم» است.<sup>۵</sup>  
 ۱۱۴۰ - شَرِیفَه: (نامی هندی) نام دیگر آن: سیناپهل  
 ۱۱۴۱ - شُشْتَرَه، ششتَرَه: نوعی سعتَر نام‌های دیگر آن: شطریه<sup>۶</sup> - فارسی: مرزه<sup>۷</sup> - نام «مْرِقِرَة» و «مْرِقِرَة» به معنای «مَحْسَنَة» نیکو شده است.<sup>۸</sup>  
 ۱۱۴۲ - شُشْرِیْث: (نام گیاه مصری)، شُشْرُوب: (نام گیاهی در مصر و قاهره)  
 ۱۱۴۳ - شُطْرِیَه: نام گیاهی در اندلس نام «صعتر البستانی» بابرگ‌های بلند است و در مصر و اندلس کشت می‌شود.<sup>۹</sup>  
 ۱۱۴۴ - شُطْبِیَه، شُطْبِیَة: (نام مغربی) نام دیگر آن: اندلس: سسترنه<sup>۱۰</sup>  
 ۱۱۴۵ - شِعْر الجیاد، شعر الجبار: نام‌های دیگر آن: برشیاوشان<sup>۱۱</sup> - کُزْبَرَة البیر<sup>۱۲</sup>

طباطبائی	شعر الجبار	<i>Adiantum capillus-veneris L.</i>
----------	------------	-------------------------------------

- ۱۱۴۶ - شعر الغول، شعر الغول، شعر الغول، شعر الغول: نام دیگر آن «لحاء الغول» است<sup>۱۳</sup> و بنابر قولی پرسیاوشان است.<sup>۱۴</sup> گویند نام «پرسیاوشان» است ولی صحیح نیست، این گیاه را دیسکورید در کتاب خود بعد از «پرسیاوشان» با نام یونانی «طریخومانس» یادآور شده است.<sup>۱۵</sup>

ز، خ، ط.	شعر الغول	<i>Asplenium trichomanes L.</i> <i>Adiantum capillus-veneris L.</i>
الموسوعه	کُزْبَرَة البئر، شَعْر الجن، شعر الأرض، وصیف، بَرَشَاوْشان، شعر الغول	<i>Adiantum capillus-veneris L.</i>

- ۱۱۴۷ - شعیر، شعیر، شعیر، شعیر، شعیر: نام‌های دیگر آن: فارسی: جو<sup>۱۶</sup> - هندی: سج<sup>۱۷</sup> - رومی: قرثاون<sup>۱۸</sup> - سریانی: صعاری<sup>۱۹</sup>  
 قرثی (Krithe): شعیر [ابن بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۷۲ و ۷۹]

ز، خ، ط، ع.	شعیر	<i>Hordeum vulgare L.</i>
دیسکورید	قرثی - شعیر	<i>Hordeum spp.</i>
الموسوعه	شعیر، شِیْتَعُور، شِیْتَعُور	<i>Hordeum spp.</i>

<i>Hordeum vulgare</i> L.	شعير معروف	الموسوعة
---------------------------	------------	----------

[illegible]

<i>Pastinaca schekakul</i> Russ. <i>Malabaila sekakul</i> Russ. <i>Malabaila pumila</i> Rois. <i>Eryngium campestre</i> L.	سِسارون، حَشَقَال، جَزَر أَقْلِيطِي، حُرْصُ النِّيل	الموسوعه
<i>Pastinaca schekakul</i> Russ. <i>Malabaila sekakul</i> Russ. <i>Malabaila pumila</i> Rois. <i>Eryngium campestre</i> L.	شَقَاقِل	زرياب
<i>Pastinaca schekakul</i> Russ.	شَقَاقِل	خطابي
<i>Trodylium ackakul</i>	شَقَاقِل	EN.

۱۱۴۹- شقایق؛ شقایق، شقائق النعمان<sup>۵</sup>، شقر<sup>۶</sup>، انومیا<sup>۷</sup>، شقایق النعمن<sup>۸</sup>، شقو<sup>۹</sup>، ورد و فرا<sup>۱۰</sup>: «شقایق» دو جنس است، کوهی و بستانی نام‌های دیگر آن: سقر<sup>۱۱</sup>- شقایق النعمان<sup>۱۲</sup> - لاتینی: بیای درازاتیم<sup>۱۳</sup> (یعنی گلی که رنگ آن زود متغیر می‌شود)، کستیلان امایلس<sup>۱۴</sup> - فارسی: لاله<sup>۱۵</sup> - یونانی: ارامونی<sup>۱۶</sup> - علت نام «نعمان» بخاطر مشابهت با رنگ برق - در رعد و برق - یا شباهت به رنگ خون، ذکر شده است زیرا در لغت به خون «نعمان» گویند و همچنین گفته شده چون «نعمان بن منذو» این گیاه را بسیار دوست داشته و اول کسی بود که در باغچه‌های اطراف قصر خود آن را کاشته بود و یا در خضابات بسیار آن را استعمال می‌نمود، به آن «نعمان» گویند. دارای نوع بری و بستانی است، گل آن بزرگ است و به پارسی به آن «لاله» گویند و نوع دیگر آن «شقایق» هست که آن را «زربون» خوانند.<sup>۱۷</sup> برخی از مردم تفاوت بین «شقائق النعمانی البری» و «أرغامونی» و گل نوعی «خشخاش» به نام «رواس» بخاطر تشابه رنگ گل آنها قائل نیستند و در عین حال یکی دانستن «أرغامونی» و «أغاف» نیز اشتباه است.<sup>۱۸</sup>

آنآمونوی (Anemone): نام «شقائق النُعمان» است و به عربی آن را «شقر» گویند.

أرغامونی أعرِيا (Argemone): نوع دوم «شقائق النعمان» و نوع بری آنست. [بن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲- ۱۵۸، ۱۵۹]

<i>Anemone coronaria</i> L.	أَنَامُونِي - شقائق النعمان - شقر	ديسكوريد
<i>Anemone hortensis</i> L.	أَرغَامُونِي أَغْرِيَا - نوع برى شقائق النعمان	ديسكوريد
<i>Papaver rhoeas</i>	شقائق	پارسا
<i>Ranunculus asiaticus</i>	خَوَذَان اَسِيوِي، شقائق النعمان، كَبِيكْج، كَفَّ السَّيْع، كَف الضَّيْع، لاله	الموسوعه
<i>Anemone coronaria</i> L.	شقائق النعمان	طباطبائي
<i>Anemone pulsatilla</i> L.		
<i>Anemone</i> sp.	شقائق النعمان	EN.

۱۱۵۰ - شُقْراض<sup>۷</sup>: نوعی «حَطَب» است که عوام نوعی از آن را «وسیل» می‌نامند و نام آن به یونانی «قستوس» است و «حُئِن» این نام را در ترجمه کتاب دیسکورید مربوط به «لحیة التیس» دانسته و تعجب است که او چگونه با توجه به تفاوت‌های زیاد این

دو گیاه اینگونه نامگذاری کرده است.<sup>۶</sup>

۱۱۵۱ - شقر دیون<sup>۷</sup>، شقر دیون<sup>۸</sup>: این نام مربوط به «ثوم الحیه» نیست.<sup>۹</sup> نام های دیگر آن: اسفی دیون<sup>۱۰</sup> - اسقوردیون<sup>۱۱</sup> - حشیشه الثومیه<sup>۱۲</sup> - حافظ الأجساد<sup>۱۳</sup>، حافظ الموتی<sup>۱۴</sup> - اندلس: مطرقال<sup>۱۵</sup>

الموسوعه	ثوم بری - شقر دیون	<i>Allium xiphopetalum</i> Ait. <i>Allium silvestrum</i>
----------	--------------------	---

۱۱۵۲ - سُکاعی<sup>۱۶</sup>، سُکاعی<sup>۱۷</sup>، سُکاعی<sup>۱۸</sup>، سُکاع<sup>۱۹</sup>، سُکاعی<sup>۲۰</sup>، أَقْتَا أَرَائِقَا<sup>۲۱</sup> (نامی یونانی به معنای شوکه العربیه)، شوکه عربیه<sup>۲۲</sup>، شوکه غربیه<sup>۲۳</sup>: (نامی عربی) از اصناف «بادآورد» است.<sup>۲۴</sup> نام های دیگر آن: سُکاعی<sup>۲۵</sup> - یونانی: اقرانیقی<sup>۲۶</sup> به معنای شوکه البیضاء، شوکه البیضاء<sup>۲۷</sup>، شوکه العربیه<sup>۲۸</sup>، کثیرالرب<sup>۲۹</sup> - لاتینی: کطباس<sup>۳۰</sup> - فارسی: چرچه<sup>۳۱</sup> - در بعضی بلاد: کنگرخر<sup>۳۲</sup> - هندی: اونت کتاره<sup>۳۳</sup> - برخی پزشکان «قناد» را «سُکاعا» دانسته و به آن «کُثیرا» گفته اند.<sup>۳۴</sup> أَقْتَا أَرَائِقِی (Akantha leuke): برگردان عربی آن «شوکه العربیه» و نام دیگر آن «سُکاعی» است. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۳ و ۱۸]

دیسکورید	أَقْتَا أَرَائِقِی - سُکاعی - شوکه العربیه	<i>Onopordon acanthium</i> L.
الموسوعه	أَقْسُون - رأس الشیخ - سُکاعی - طربه - فَص الجمار	<i>Onopordon acanthium</i> L.
زر. - طبأ.	سُکاعی	<i>Onopordon acanthium</i> L. <i>Onopordon arabicum</i> L.
EN.	سُکاعی	<i>Onopordon arabicum</i> L.

۱۱۵۳ - شَکَرَقَنْد<sup>۳۵</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: زمین قند<sup>۳۶</sup>

۱۱۵۴ - شُل<sup>۳۷</sup>، شُل<sup>۳۸</sup>، شُل<sup>۳۹</sup>: شُل<sup>۴۰</sup>: (نامی هندی)؟ "اسحاق بن عمران" می گوید: «شُل» نام هندی «سفرجل هندی» است.<sup>۴۱</sup> غسانی<sup>۴۲</sup> می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی آن را «سفرجل هندی» و برخی آن را «صنصاف البُلخی» می دانند و «اصمعی» گوید برخی از اعراب به اشتباه آن را «غرب» نامیده اند و گویند «رمان الهندی» است و نظر ابو فتوح جرجانی صحیح است که در مورد «شُل» و «بل» گفته یکی «رمان الهند» و دیگری «سفرجل الهند» است و هر دو گیاه در مغرب بسیار کم می روید و رویش اصلی آن در سرزمین چین و هند است.<sup>۴۳</sup>

زر. - خط.	شُل	<i>Cydonia indica</i> Spach.
خطابی	بل	<i>Aegle marmelos</i>
الموسوعه	دوسینیه - شُل، سَفَرَجَل هندی	<i>Docynia</i> sp.

۱۱۵۵ - شَلْجَم<sup>۴۴</sup> (معرب شلغم فارسی)، شَلْجَم<sup>۴۵</sup>، شَلْجَم<sup>۴۶</sup>، شَلْجَم<sup>۴۷</sup>، شَلْجَم<sup>۴۸</sup>، شَلْجَم<sup>۴۹</sup>، غَنْجَلِی<sup>۵۰</sup>، لَفْت<sup>۵۱</sup>، لَفْت<sup>۵۲</sup>، لَفْت<sup>۵۳</sup>: نام های دیگر آن: لَفْت<sup>۵۴</sup>، لَفْت مدور<sup>۵۵</sup> فاس: لَفْت البلدی<sup>۵۶</sup> - یونانی: عنقلی<sup>۵۷</sup>، عنقلی<sup>۵۸</sup> - فارسی: برشاد<sup>۵۹</sup> - شيلم<sup>۶۰</sup> - فرنگی: پُثم<sup>۶۱</sup> - نام نوعی: لَفْت المحفور<sup>۶۲</sup> - نام نوع غیر خوراکی: یونانی: نونیناس<sup>۶۳</sup>، نونیناس<sup>۶۴</sup> - رومی: غنکیلی<sup>۶۵</sup> نام نوع بری: بونیاون<sup>۶۶</sup> (بویونیون) - نام نوع بستانی: جنخلیدس<sup>۶۷</sup> - "صاحب فلاحه" می گوید: نوعی از «شَلْجَم» را «أبوشاد» گویند که در باغ ها کاشته می شود.<sup>۶۸</sup> - "دیسکورید" می گوید: «بونیناس» نوعی «شَلْجَم» کوچک است.<sup>۶۹</sup> «اشبیلی» می گوید: دارای انواعی است، بستانی آن عبارتست: ۱ - لَفْت مدور ۲ - طَلِیْطَلِی: عنقل، سلجم، برشاد، بورشاد ۳ - صَفَلِی بری آن عبارتست: ۱ - لسان ۲ - اشبرون: نابیارش ۳ - قلستر ۴ - لاختنه: روبیاس، اروسیمون، اسحارة، سحارة ۵ - صَنَاب: خردل نام های نوع جلی آن عبارتست از: اسطراطیقوس، نبال غَنْجَلِی (Gongule): شَلْجَم معروف به «لَفْت الْأَحْمَر المدور» - شَلْجَم [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۹۵]

<i>Brassica rapa</i> L. <i>Brassica napus</i> L.	غنقلی - سلجم - لفت الأحمر المدور	دیسکورید
<i>Brassica rapa</i> L. <i>Brassica napus</i> L.	شلجم	ز. ط. خ.
<i>Brassica campestris</i> L. var. <i>napus</i> Bal.	شلجم	پارسا
<i>Brassica campestris</i> L.	سلجم، شلجم	الموسوعه

۱۱۵۶ - شلیل: نام‌های دیگر آن: خراسانی: شقرنگ؛ شیرهو - گویند درختی حاصل از پیوند درخت «زردآلو» و «شفتالو» است.<sup>۱</sup>

۱۱۵۷ - شمام: نام نوعی «بطیخ» کوچک - شام: لَفَّاح<sup>۲</sup> برخی عقیده دارند «لَفَّاح» غیر از آن است.<sup>۳</sup>

<i>Cucumis melo</i> L.	شمام	EN.،،،
------------------------	------	--------

۱۱۵۸ - شنجار، شنجار، شنفار، رجل الحمامة (نامی در اندلس)، رجل الحمامة، عاقر شمع، عود الفالوج: دارای چهار نوع است.<sup>۴</sup> نام‌های دیگر آن: شنجار، کَحْلَاء، حُمِيزَاء، رجل الحمامة - سریانی: حالوما<sup>۵</sup>

<i>Onosma</i> sp.	شِنْجار	الموسوعه
<i>Lithospermum tinctorium</i> L.	شِنْجار - ابو حلسا - خس الحمار	EN.

۱۱۵۹ - شَنْدَلَة: نام‌های دیگر آن: بنا به نظر بکری: (أسحارة - یونانی: أروسیم - تودری<sup>۶</sup>

۱۱۶۰ - شَوَاصِرَا، شَوَاصِرَه، شَوَاصِرَا، شَوَاصِرَا: (نامی یونانی) نوعی برنجاسف<sup>۷</sup> "رازی" آن را از انواع «بلنجاسف» به نام «برنجاسف» می‌داند. نام‌های دیگر آن: مشک الجن، مسک الجن<sup>۸</sup> - بلاد شبانکاره فارس: مشک چوپان - تنکابن: مشک داش<sup>۹</sup> یونانی: بطوس<sup>۱۰</sup> - «ابن یطار» می‌گوید: «شَوَاصِرَا» و «مسک الجن» معادل نام «بطرس» است.

بُطْرُس (*Botrus*): از انواع «بَرَنْجَاسَف» است [ابن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۱۰]

<i>Artemisia vulgaris</i> L. <i>Artemisia abrotanum</i> L. <i>Chenopodium ambrosioides</i> L.	شَوَاصِرَه	زریاب
<i>Chenopodium botrys</i> L. <i>Chenopodium ambrosioides</i> L.	بطرس، از انواع برنجاسف، شَوَاصِرَا، مسک الجن	دیسکورید

۱۱۶۱ - شَوْحَط، شوخط: (نام عربی)؟ نام دیگر آن: خوشه ارزن<sup>۱۱</sup>

سَمِيلَقْس (*Smilax*): درخت بزرگی در سرزمین روم و مغرب با نام لاتینی «طَخَش» (*Taxus*) است که از آن «قِس» می‌سازند. «غافقی» با توجه به اختلاف نظرهایی که وجود دارد این نام را معادل نام «شَوْحَط» می‌داند. [ابن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴/۷۲]

<i>Taxus baccata</i> L.	سمیلقس - طخش - (شوخط)	دیسکورید
-------------------------	-----------------------	----------

۱۱۶۲ - شَوْزَه: (نامی حجازی)

۱۱۶۳ - شوکران، شوکران، شوکران، شوکران، شوکران، صرو، طحما: ؟ (نام عربی) نام های دیگر آن: نزد عجم اندلس: حفوظه - یونانی: قونیون، سقونیون، بارقیون، طفنیقوس، منقوسیون، طفسقویون، ماریقون، قثیون - فرنگی: شبکته - فارسی: بیخ تفت - حفوظ - تخم بیخ رومی شبیبی: ریشه «شوکران» و «بیخ تفت» (چون در کوه تفت بسیار می روید).  
قونیون (Koneion): نام های دیگر آن عبارتست از: شوکران - لاتینی: حَقُوطَه (Cicuta) - اهالی آفریقا: حَزَمَل البَلَدی [ابن بطار (در شرح

کتاب دیسکورید) ۴ - ۶۳ و ۷۱]

Conium masculatum L. Hyoscyamus niger L.	قونیون - شوکران - حفوظه	دیسکورید
Conium maculatum L. Hyoscyamus niger L.	شوکران	زر - طب.
Conium maculatum L. Hyoscyamus niger L.	بیخ تفت - شوکران	پارسا
Cicuta virosa L.	شوکران سام، شوکران متن، قاتل البقر	الموسوعه
Aethusa cynapium L.	شوکران صغیر، شوکران البساتین، بقدونس کاذب	الموسوعه
Conium maculatum L.	شوکران، طَحْمَاءِ بَنَسِيس	الموسوعه
Conium maculatum L.	شوکران	EN.

۱۱۶۴ - شوكة المصرية، شوكة المصرية، شوكة مصریه، ام غیلان، انفیطینا (نام میوه شوک مصری): نام های دیگر آن: ام غیلان - شوکه اعرابی - قبیطه - نام میوه: یلوسیطون، سیطوس، عنم، حد  
أَقَاكِیَا (Akakia): به عصاره «قُزط» گویند و نام گیاه آن «خَرْوَب السَّنَط» و «شوكة المصرية» است و به نوع بری آن «أُمُّ غِیلان» گویند و صمغ آن به «صمغ العربی» معروف است. [ابن بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۰۳]

Acacia arabica W. Acacia nilotica D. Acacia vera Willd. Mimosa niltica L.	شوكة المصرية - ام غیلان - شوكة اعرابی	زریاب
Acacia arabica W.	أَقَاكِیَا - قُزط - خَرْوَب السَّنَط	دیسکورید
Acacia vera Willd.	ام غیلان - صمغ عربی	دیسکورید
Acacia arabica Willd.	ام غیلان	زریاب
Acacia arabica Willd. Acacia nilotica	شوكة المصرية	طباطبائی

۱۱۶۵ - شوكة اليهودیه، شوكة يهودية: نام های دیگر آن: قرصنة الزرقاء - عربی: سوداء الورق (سیاه برگ)، عَضْر الصَّیَّان

أَیْرُنْجِی (Erunge): گیاه «شوكة» (خار دار) است و نام سریانی آن «قَرْصَعَنَة» (Qersa anna) است. در بعضی از ترجمه ها نام آن را «شوكة السوداء»، «شوكة اليهودية» و «شوكة الزرقاء» ذکر کرده اند و دارای دو نوع سفید و آبی رنگ است. در کتب پزشکان با



نام «جَنْت قَابِظَة»<sup>(۱)</sup> (*Centumcantha*) آمده است و دو نوع آن ذکر گردید. نام لاتینی آن «بِرَّاطَه» (*Piperito*) به معنای «شوکت المُفْلَل» است و گویند این گیاه در زمین اسکندریه می‌روید، جالینوس آن را «أیرنجان» نامیده است. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۲۱]

دیسکورید	اُیرنجی، قرصنه، شوکة یهودیه، شوکة الزرقاء	<i>Eryngium campestre</i> L.
طباطبائی	شوکة یهودیه	<i>Eryngium campestre</i> L. <i>Eryngium creticum</i>

۱۱۶۶ - شومر، شینر، شومر

۱۱۶۷ - شوَنَدَر؟

الموسوعه	شوَنَدَر، شَمَنَدَر، بَنَجَر، صَوَطَلَة	<i>Beta vulgaris</i> L.
----------	---	-------------------------

۱۱۶۸ - شوَنیز، شوَنیز (نامی فارسی)، شوَنیز، شوَنیز، شوَنیز، شوَنیز (نامی حجازی)، حبة السوداء، حبة السوداء، نام‌های دیگر آن: فارسی: شوَنوز، سیاه دانه - عربی: حبة السوداء - یونانی: سنو، شنون - هندی: کلونجی، سَویداء - یونانی: میلانثیون - لاتینی: نیلی - رومی: میروقوقین - سریانی: شبوبانا - هندی: قالنَجی، کالنَجی، قالیر - اهل هری: غنج - غسانی می‌گوید: «شوَنیز» دارای دو نوع بری و بستانی است نوع بری را «حبة السوداء» گویند و منظور روایت نقل شده از پیامبر اکرم صلوات الله علیه و اله «حبة السوداء شفاء من کل داء» همین گیاه است و در شهر فاس به «سانوج» معروف است.

مالِیْثِیُون (*Melanthion*): دارای نام‌های «شوَنیز»، «کَمُون الأسود» و به عربی «حبة السوداء» است که نامی مشترکی می‌باشد و به لاتینی به آن «شَمِیت مَورس» به معنای «زریعة السوداء» گویند. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۷۵]

دیسکورید	مالِیْثِیُون، شوَنیز، کَمُون الأسود، حبة السوداء	<i>Nigella sativa</i> L.
ز، خ، ط.	شوَنیز	<i>Nigella sativa</i> L. <i>Agrostemma githago</i>
پارسا	سیاه تخمه - شوَنیز - سیاه دانه	<i>Nigella sativa</i> L.
الموسوعه	شوَنیز، شِینیز	<i>Nigella</i> sp.
الموسوعه	شوَنیز زراعی	<i>Nigella sativa</i>

۱۱۶۹ - شیان، شیان: نام دیگر آن: دم‌الاخوین صمغی است که از جزیره سقطری می‌آورند و معروف به «دم الاخوین» است و همچنین عوام اندلس این نام را برای نوع بزرگ «حی العالم» می‌دانند.

۱۱۷۰ - شَیْبَه، شَیْبَه، شَیْبَة العَجوز: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: اشنه - بعضی افراد: اشنه بستانی  
بَرُیُون (*Bruon*): نام «أَشَنَة» است و آن نام «شَیْب العَجوز» است و به آن «سواک القُرد» نیز گویند زیرا هنگام مسواک دهان را رنگی می‌کند. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۲۰ و ۳ - ۲۳]

دیسکورید	بریون، اشنه، شَیْب العَجوز، سواک القُرد	<i>Usnea barbata</i> Ach.
الموسوعه	شَیْبَه، دَقَن الشَّیخ، ریحان أبيض	<i>Artemisia arborescens</i> L.



<i>Lepidium latifolium</i> L. <i>Plumbago zeylanica</i> L.	شیطرنج	ز.ط.، EN.
<i>Lepidium iberis</i> L. <i>Lepidium latifolium</i> L. <i>Lepidium sativum</i> L.	شیطرنج اندلسی شیطرنج هندی عصاب	خطابی

۱۱۷۶ - شَیْلَم، شَیْلَم، شَیْلَم، شَیْلَم: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: شالم<sup>۱</sup> - سیاه دانو<sup>۲</sup>، زوان<sup>۳</sup>، زیاء<sup>۴</sup> - عربی: حنطه السوداء، زوان<sup>۵</sup> (مغرب) - فارسی: گندم دیوانه<sup>۶</sup>، زغیر<sup>۷</sup> - اصفهان: کاکلک<sup>۸</sup> - شیرازی: مشکک<sup>۹</sup> - رومی: لیخون<sup>۱۰</sup> - زوان گندم<sup>۱۱</sup> - دوسر<sup>۱۲</sup>

(Aria): نام «زوان» است و آن «شَیْلَم» موجود بین «قَمَح» است. نام‌های دیگر آن «دَنَقَة»، «رُعَیْدَاء»، «رُعَیْدَاء» و «مُرَیْرَاء» است و گویند نام عربی آن «خَضِر» است. [این بیطار (در شرح کتاب دیسکورد) ۲ - ۸۵] اَرَأَ

<i>Lolium temulentum</i> L.	شَیْلَم - زوان -	ز.خ.، ط.
<i>Lolium temulentum</i> L.	اَرَأَ - زوان - شَیْلَم - مریراء - رغیداء	دیسکورید
<i>Secale cereale</i> L.	شَیْلَم، سَلْت، شَوْلَم	الموسوعة

### حرف «ص»

۱۱۷۷ - صاب<sup>۱</sup>، صاب<sup>۲</sup>، صاب<sup>۳</sup>: گویند «قسا الحمار» است و گویند نوعی از یتوعات است. گویند نام «قَتَاء الحمار» است که درست نیست و بعضی از دانشمندان ما بر این گمانند که از «یتوع» است.<sup>۴</sup>

<i>Ecballium elaterium</i> Rich.	صاب	زریاب
<i>Hippomane manchinella</i> L.	صابه، مَسْنِیْلَا	الموسوعة

۱۱۷۸ - حاصلی<sup>۱</sup>، حاص<sup>۲</sup>: نام‌های دیگر آن: صوصلا<sup>۳</sup>، صاصلی<sup>۴</sup> - یونانی: ارتینوس غالا<sup>۵</sup>، اَرْتِنُوس غالا<sup>۶</sup>

<i>Ornithogalum</i> sp.	حاصل، اُشراس، صُوصَلَا	الموسوعة
-------------------------	------------------------	----------

۱۱۷۹ - صالیه<sup>۱</sup>: (نامی عجمی) نام دیگر آن نزد اهالی صقلیه: نوع نازک شالیه<sup>۲</sup>

۱۱۸۰ - صامریوما<sup>۱</sup>، صامریوما<sup>۲</sup>: (نامی سریانی) نام‌های دیگر آن: عربی: غبرا<sup>۳</sup>، چون رنگ آن اغبر یا خاکستری است. - لاجوردیه<sup>۴</sup>، زیرا رنگ عصاره گل آن لاجوردی است. - عجمی اندلس: طُرْشُول<sup>۵</sup> - مصر: گیاه عقرب<sup>۶</sup>، حشیشه العقرب<sup>۷</sup>، غُیْرَاء<sup>۸</sup> - اهل اندلس: ترانشول<sup>۹</sup> - دیسکورید: علت نامگذاری این گیاه به «أیلوپترویون» بخاطر اینست که برگ خود را به سمت آفتاب می‌گرداند.<sup>۱۰</sup>

<i>Heliotropium europaeum</i> L.	صامریوما	طباطبائی
----------------------------------	----------	----------

۱۱۸۱ - صبار<sup>۱</sup>: نام‌های دیگر آن: تمر هندی ترش<sup>۲</sup> - صباری<sup>۳</sup>



<i>Thymus kotchyanus</i> Boiss.	صعتر، کوشان شیرازی، اذشان، اشمه کوهی (تفرش)	پارسا
<i>Origanum vulgare</i> L.	آویشن شیرازی	پارسا
<i>Origanum</i> sp.	صعتر، صعتر	الموسوعه
<i>Thymus serpyllum</i> L.	صعتر	طباطبائی
<i>Thymus vulgaris</i> L.	صعتر	خطا، EN.

۱۱۸۶ - صَعْتَرُ الْفَرَسِ: [این بيطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۳۵: به «صعتر، رجوع شود].

<i>Mentha pulegium</i> L.	صعتر الفرس	زریاب
---------------------------	------------	-------

۱۱۸۷ - صَعْدٌ:

۱۱۸۸ - صَفْرَاءُ:

۱۱۸۹ - صُفْرَاءُ، صَفْرَاءُ: نام‌های دیگر آن: صفیرا - اهالی مصر: عود القسینة

<i>Sophora</i> sp.	صُفْرَاءُ	الموسوعه
<i>Rhamnus tinctoria</i> Waldest.	صُفْرَاءُ	خطابی

۱۱۹۰ - صَلْبَانٌ:

۱۱۹۱ - صَلْوَانٌ: (نامی موصلی) نام‌های دیگر آن: خَرُوب الخنزیر - نام میوه در مصر: حب الکلی

۱۱۹۲ - صَمِغ الدَمِثِثَا، صَمِغ دَمِثِثَا:

۱۱۹۳ - صَنْدَلٌ، صَنْدَلٌ، صَنْدَلٌ، صَنْدَلٌ، صَنْدَلٌ ابيض، صَنْدَلٌ احمر، صَنْدَلٌ سرخ و سپید بود. نام‌های دیگر آن: رومی: گلو سطقا، قلودیقی - سَنْدَل (فارسی یا سریانی) - یونانی: حلوسطقاقیل - رومی: فلوریکا - هندی: چندن

<i>Petrocarpus santalinus</i> L. <i>Santalum album</i> L.	صَنْدَل	زریاب
<i>Santalum</i> sp. <i>Santalum album</i> L.	صَنْدَل	الموسوعه
<i>Santalum album</i> <i>Santalum album</i> L.	صَنْدَل اَبِیض	الم. - طب.
<i>Pterocarpus santalinus</i> L.	صَنْدَل احمر	طباطبائی

۱۱۹۴ - صَنْوَبَرٌ، صَنْوَبَرٌ، صَنْوَبَرٌ، صَنْوَبَرٌ (عربی)، حَب الصَنْوَبَرِ، قَضَم قَرِیش، رَاتِیَانَج، تَوْبٌ، صَنْوَبَرٌ، قَضَم قَرِیش (دانه)، تَنْوَب (صَنْوَبَرِ كوچك)، كَرَكَرٌ، - كَرَكَرٌ (صَنْوَبَرِ صَغِيرِ معروف به «قَضَم قَرِیش»): نام‌های دیگر آن: عربی: ارزه، اَرَزْ - سریانی: ارزند - رومی: بَقْطَانِیون، اسْطُرُوِیْلِیا، قُونُوس، فَايُوقِی - یونانی: قِلوْغِیْطُون - سریانی: ارزا - فارسی و شیرازی: کاج - فارسی: بادام نشك، جَلْغُوزَه، چَنَار، جَنَّار

دارای انواعی است: نام نوع بستانی: فارسی: ناژ، ناجو - شیرازی: کاج - نام میوه آن به شیرازی: پرکاج - نام نوع جبلی: سریانی: ارزند - نام میوه نوع انثی کبیر: چلغوزه - در شیروان و آذربایجان و نقاطی از روم و کشمیر می روید - نام نوع انثی صغیر: تنوب - نام میوه آن: قَضَم قَرِیش - عامه اهل شیراز: فستق - غسانی:

می گوید: از انواع صنوبر «بَقَم قریش» است که در شام به آن «قَطواندس» گویند و از انواع دیگر آن «رجینة» و «سرو» است.<sup>۵</sup> نام های صمغ صنوبر: راتیناج، راتینج، رتیانج، رجینه، دشینه<sup>۶</sup> آنچه در شیراز به نام «چلغوزه» معروف است از اقسام «بادام» است.<sup>۷</sup> - «تَوَب» نام «صنوبر کوچکی» است که میوه آن «قَصَم قریش» است.<sup>۸</sup> - ابن بطار: دیسکورید: «بیطویداس» یا «قَصَم قریش» میوه «توب» و «أَرْز» است.<sup>۹</sup> بیطویداس (Pituides): نام «صنوبر الصغار» است و میوه آن را «قَصَم قُریش»، «فم قریش» و «فمل قریش» گویند. سَطْرَویلو (Stroobilo) نام «شجر الصنوبر الکبار» است. اسامی صمغ هر دو نوع «راتینج»، «راتیناج»، «راتینا»، «راطینا» نام دارد. [ابن بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۶۴ و ۶۵]

<i>Pinus orientalis</i> Link.	صنوبر	زریاب
<i>Pinus pinea</i> L. <i>Picea excelsa</i> Link.	قَصَم قریش	زریاب
<i>Pinus pinea</i> L. <i>Pinus cembra</i> L.	حب الصنوبر: جَلُوز	زر - طباء
<i>Pinus pinea</i> L.	بیطویداس (نوع کوچک) سَطْرَویلو (نوع بزرگ)	دیسکورید
<i>Pinus eldarica</i> Medew.	کاج	پارسا
<i>Pinus</i> sp.	صنوبر	الموسوعه
<i>Pinus pinea</i> L. <i>Pinus excelsa</i> L.	قَصَم قریش	طباطبائی
<i>Pinus pinea</i> L.	صنوبر	خطابی
<i>Pinus halepensis</i> Mill.	صنوبر الحلبی	خطابی
<i>Pinus nigra</i> L.	صنوبر الاسود	خطابی
<i>Pinus maritima</i> Lam.	صنوبر البحری	خطابی
<i>Pinus sylvestris</i> L.	صنوبر الفصی	خطابی
<i>Pinus pinea</i> L.	صنوبر	EN.

۱۱۹۵ - صنین<sup>۱۰</sup>:۱۱۹۶ - صوصلة<sup>۱۱</sup>، صوطله<sup>۱۲</sup>: نوعی «سَلَق»<sup>۱۳</sup>

<i>Beta vulgaris</i> L.	سَوْنَدَر، شَمَنْدَر، بَنَجَر، صَوَطْلَة	الموسوعه
-------------------------	--	----------

## حرف «ض»

۱۱۹۷ - ضَجَاج، ضِجَاج<sup>۱۴</sup>: (نام صمغ گیاهی در کوه های عمان)۱۱۹۸ - ضرم<sup>۱۵</sup>: گویند نام «أسطوخودوس» است.<sup>۱۶</sup>

<i>Quereillet</i> (F)	ضَرَم	الموسوعه
-----------------------	-------	----------



<i>Mentha aquatica L.</i>	ضمیران	زریاب
<i>Ocimum minimum L.</i>		
<i>Mentha aquatica L.</i>	ضومران	خطابی

## حرف «ط»

۱۲۰۵ - طالیسفر<sup>۱</sup>، طالیسفر<sup>۲</sup>، طالیسفر<sup>۳</sup>، طالیسفر<sup>۴</sup>، طالیسفر<sup>۵</sup>، طالیسفر<sup>۶</sup>، طالیسفر<sup>۷</sup>؛ نام های دیگر آن: بسباسه - کندیت<sup>۸</sup> - یونانی: دارکیسه<sup>۹</sup> با آنکه اکثر مردم آن را «بسباسه» می دانند ولی آن نیست. و «ابن جلجل» به اشتباه آن را «لسان العصافیر» می داند. - و گویند ریشه درختی هندی است که نام یونانی آن «دارکیسه» است، دیسکورید نیز آن را به نام «ماقر» معرفی کرده و آن را پوست درختی می داند که از یونان آورده می شود.<sup>۱۰</sup> «صاحب منهای» گوید ورق «رسون هندی» است و آن قشوری هندی بود، صاحب جامع اقوال بسیار آورده است اول گفته «بسباسه» است و دیگر قول «ابن جلجل» را آورده است که «لسان العصافیر» است و دیگری گفته که «عرق»<sup>(۱)</sup> شجره هندی» است و یا گویند «عرق درخت توت» که کرم ابریشم برگ آن را می خورد، و همه خلافت و قول مجوسی را آورده است که «ورق زیتون هندی» است و این موافق با منهای است و صاحب منهای «صاحب جامع» بیان نکرده اند که آن چیست. مولف گوید: «پوست بیخ زیتون هندی» است و همه این قول ها خلافت.<sup>۱۱</sup>

ماقر (*Makir*): نام «بسباسه» است و اهل شام به آن «دارکیسه» گویند.<sup>۱۲</sup> ابن بطار در کتاب جامع خود بیان می کند این نامگذاری ها سبب اختلاف زیادی بین دانشمندان قدیم شده است، برخی آن را معادل «بسباسه» و عده ای نیز آن را همان گیاه «طالسفر» می دانند.<sup>۱۳</sup> [ابن بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۸۳]

<i>Taxus Baccata L.</i>	طالیسفر	دیسکورید
<i>Flacourita cataphracta Willd.</i>	طالیسفر	زر. - طبا.
<i>Taxus Baccata L.</i>		
<i>Myristica fragrans Houff.</i>	طالیسفر	خطابی

۱۲۰۶ - طباشیر<sup>۱</sup>، طباشیر<sup>۲</sup>، طباشیر<sup>۳</sup>، طباشیر<sup>۴</sup>، طباشیر<sup>۵</sup>، طباشیر<sup>۶</sup>، طباشیر<sup>۷</sup>؛ مواد مشابه گره که از نوعی «نی» به نام هندی «توله بانس» خارج می شود.<sup>۸</sup> نام های دیگر آن: هندی: بنس لوجن<sup>۹</sup>، بنس روجن<sup>۱۰</sup>، توشیر<sup>۱۱</sup>، تباکیر<sup>۱۲</sup> نام های طباشیر هندی به سریانی «قمحادرزی»<sup>۱۳</sup>، «طبشیر»<sup>۱۴</sup> و «طواخشیر»<sup>۱۵</sup> است.<sup>۱۶</sup>

<i>Bambusa arundinacea willd.</i>	طباشیر	زر. - طبا.
<i>Arundo bambos L.</i>	طباشیر	پارسا

۱۲۰۷ - طباق<sup>۱</sup>، طباق<sup>۲</sup>، طباق<sup>۳</sup>، شوکه مئینه<sup>۴</sup>، شوکه منفته<sup>۵</sup>، شجرة البراغیث<sup>۶</sup>، شجرة البراغیث<sup>۷</sup>، ترهلان<sup>۸</sup> (نامی بربری): نام های دیگر آن: یونانی: قونیزا<sup>۹</sup>، قوئیرا<sup>۱۰</sup> - عربی: طباق<sup>۱۱</sup> - عامه مردم اندلس: طباقه<sup>۱۲</sup> - بربری: ترهلان<sup>۱۳</sup>، ترهلا<sup>۱۴</sup> - فارسی: اسپرغم بیابانی<sup>۱۵</sup> - چند نوع است: نوع بزرگ آن «طباشیر متن»<sup>۱۶</sup>، یا «شجر البراغیث»<sup>۱۷</sup> است زیرا گستراندن برگ های آن حشرات موزی و براغیث را دور می کند. اکثر پزشکان ما آن را بعنوان «غاف»<sup>۱۸</sup> مورد استفاده قرار می دهند بدلیل اینکه «غاف» واقعی را نمی شناسند.<sup>۱۹</sup> بعضی گویند غیر «غافت» است اما قول بیشتر آنست که «غافت» است.<sup>۲۰</sup> «دیسکورید» می گوید: نوعی از این گیاه را «قونیزا الأصغر» می نامند.<sup>۲۱</sup> [ابن بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۱۶: به شجر البراغیث، و قونیزا رجوع شود.]



<i>Inula conyzoides</i> DC.	قونیزا، ترهلا - مشکینه - لبارده طباق - شجرة البراغیث - برنوف	دیسکورید
<i>Inula viscosa</i> Ait.	طَبَّاق، طَيُون، راسن دَبَق طباق - شجرة البراغیث - برنوف	الموسوعه

۱۲۰۸ - طبرزد<sup>۴</sup>: (نامی فارسی) نام دیگر آن: تبرزد<sup>۵</sup>

۱۲۰۹ - طبق: نوعی گندم

[illegible]

بُرونِ ثالاسیون (*Bruon thalassion*): نام «طَحْلَبُ البحری» است و دارای انواع فراوانی است.

فُوْکَسُ الْبَحْرِی (Phukos thalassion): نوعی «طحلب» است. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۹۰]

<i>Lemna minor</i> L.	طحلب - عدس الماء	ز، خ، ط... EN
<i>Corallina officinalis</i> L.	برون ثالاسيون - طحلب بحري	ديسكوريد
<i>Gnaphallium leontopodium</i> L.	فوقس البحري - نوعي طحلب	ديسكوريد
<i>Moss</i> (E)	طُحْلَب، طُحْلَب، طُحْلِب	الموسوعة

۱۲۱۱ - طثیه ش:

۱۲۱۲ - طَخْمَاءٌ، طَخْمَاءٌ: نام دیگر آن به سجزی: روی<sup>ص</sup> - در بعضی تفسیرها: نجیل<sup>ش</sup> - ابوعمر: هُرم

<i>Cynodon dactylon</i> Pers.	طحماء	زرياب
<i>Conium maculatum</i> L.	شوكران، طخماء، بنيس	الموسوعة

۱۲۱۳ - طخس<sup>ع</sup>: چوبی است که در اندلس از «قسی» گرفته می‌شود. و گروهی نام آن را «سمیلقس» پنداشته اند که درست نیست و گروهی آن را «مران» می‌دانند و گویند نام «شَوْحَط» است.<sup>ع</sup>

۱۲۱۴ - طَخْشِیقون، طَخْشِیقون<sup>۲</sup>، طحسفیون<sup>۳</sup>: نام‌های دیگر آن: طفسیقون<sup>۴</sup> - طفشیقون<sup>۵</sup>، به معنای قوسی<sup>۶</sup> زیرا اهل ارمن پیکان را به وی زهر آلود می‌کنند و در جنگ‌ها به کار می‌برند.

<i>Taraxacum dens-leonis</i> DC. <i>Taraxacum officinalis</i> Will. <i>Taraxacum vulgare</i> Shramk <i>Leontodon taraxacum</i> L.	هِنْدَاب، طَرْخَشْفُوق	الموسوعة
--	------------------------	----------

۱- واژه صحیح آن «خزاز» است و به معنای خزر الصحور از گیاهانی است که امروزه به آن «گل‌سنگ» گویند.

طباطبائی	طَرُخْشَقُوق	<i>Taraxacum officinalis Will.</i>
----------	--------------	------------------------------------

۱۲۱۵ - طرائیث<sup>س</sup>، طرائیث<sup>ج</sup>، طرائیث<sup>ع</sup>، طرائیث<sup>ث</sup>، طرائیث<sup>ش</sup>؛ از جنس کَمَاة و فُطَر - بنا به نظر عده ای عصاره گیاهان دیگر است. <sup>س</sup> -- «طرائیث» اسم جمع و «طرثوث» مفرد آن است و جنسی از «کَمَاة» و «فُطَر» است که بدون ریشه و بذر می روید. <sup>ج</sup> - نام های دیگر آن: سَجِسْتَان: رُطُط<sup>س</sup> - اصحاب السوائِم: هیوز<sup>س</sup>، خیوز<sup>س</sup> - شیراز: یل شیرین<sup>س</sup> - طرثوث<sup>س</sup> - قیسارون<sup>س</sup> «اشبیلی» می گوید: دارای انواع مختلف است: ۱ - طرثوث: زُب رباح، فُشال، لَحیة التیس ۲ - طرثوث ابیض: دُونُون ۳ - قسطیدس: قسطیدس، جَمَرَة الارض، جُلنار بری ۴ - فُشال: تومرنا، قسطیدس، زُب رباح<sup>ش</sup>

اُوروبَنجی (*Orobanch*): نوعی «طرائیث» با برگردان عربی «خائق الکرسنة» است و در بعضی از ترجمه به آن «جَعْفیل» گویند و اهالی مصر آن را بعنوان «هالوک» می شناسند چراکه هر گاه بین گیاهان مزرعه روئیده شود موجب از بین رفتن آنها می شود. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۲۶]

ز. - خ. - ط.	طرائیث	<i>Cynomorium coccineum L.</i>
دیسکورید	نوعی طرائیث، خائق الکرسنه، جعفیل، هالوک	<i>Orobanche caryophyllacea SM.</i>
الموسوعة	طرثوث، مَصْرور، زُب الارض، اُبر الخَبَش، اُبر الذنب	<i>Cynomorium coccineum L.</i>
الموسوعة	طرثوث أحمر، هالوک شرقی	<i>Phelypaea coccinea Poir.</i>
الموسوعة	طرثوث مصری، هالوک ریخی	<i>Phelypaea egyptiaca Walp.</i>

۱۲۱۶ - طَرَّاشَنَه<sup>ث</sup>، طَرَّاشَنَه<sup>ع</sup>، طَرَّاشَنَه<sup>س</sup>: نام های دیگر آن: جعفریه<sup>س</sup>، عَشْبَة العَجُول<sup>ث</sup>، یعنی بهبود دهنده سفیدی چشم

پارسا	گل جعفری	<i>Tagetes erecta L.</i>
-------	----------	--------------------------

۱۲۱۷ - طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>: به معنای قوسی و نام دیگر آن «قوسی» است.<sup>ث</sup>

۱۲۱۸ - طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>، طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>: نام های دیگر آن: «رازی» می گوید: نام های دیگر آن «قوسی» و «مُتَلَّث» است. <sup>ع</sup> «اشبیلی» می گوید: برخی آن را به اشتباه «لَحیة التیس» و برخی آن را «ذَکَر الهَر» می دانند.<sup>ث</sup>

۱۲۱۹ - طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>: نوعی از حبوب - برخی آن را «طرامیش» و عده ای «سلت» و گروهی «خندروس» و بعضی «دوسر» می دانند که صحیح است.<sup>ث</sup>

۱۲۲۰ - طَرَّاعْثُون سَقْرِیون<sup>ث</sup>:

۱۲۲۱ - طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>: نام های دیگر آن: طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>، سَقْرِیون<sup>ث</sup>

طَرَّاعْثُون (*Tragion*): برگردان عربی آن «تیس» است و بنا به نقل «ابن جلیجل» نوعی درخت «مصطکی» است ولی من - ابن بیطار - از آن اطلاعی ندارم.

طَرَّاعْثُون آخر: نوعی از گیاه قبلای است که در جزیره اُفریطش می روید.

طَرَّاعْثُون آخر: گویند «حُمَاص بحری» است ولی من - ابن بیطار - از آن اطلاعی ندارم. [ابن بیطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۴۴ و ۴۵ و ۴۶]

دیسکورید	طَرَّاعْثُون - تیس	<i>Hypericum hircinum L.</i>
دیسکورید	طَرَّاعْثُون	<i>Tragium columnae Spreng.</i>
دیسکورید	طَرَّاعْثُون	<i>Ephedra distachya L.</i>

۱۲۲۲ - طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>، طَرَّاعْثُون<sup>س</sup>، طَرَّاعْثُون<sup>ع</sup>، طَرَّاعْثُون<sup>ث</sup>: نامی یونانی به معنای مشابه «بیش» و دارای دو نوع است. <sup>س</sup>

<i>Hypericum hircinum</i> L. <i>Pimpinella trgium</i> Vill. <i>Androsacinum hircinum</i> Spach.	طراغيبون	زرياب
---	----------	-------

۱۲۲۳ - طراغیون آخر<sup>۷</sup>: نام‌های دیگر آن در کتاب دیسکورید: سقریون<sup>۸</sup>، طراغین<sup>۹</sup>

۱۲۲۴ - طرأمة ش:

۱۲۲۵ - طَرَحُ النَوَاتِيَةِ<sup>ش</sup>: نام دیگر آن: کاشمِ الصغیر<sup>ش</sup>

۱۲۲۶ - طَرخُون؛ طَرْخُون، طرخون<sup>ص</sup>، طرخون<sup>ج</sup>، طرخون<sup>ث</sup>، طرخون<sup>غ</sup>، طرخون<sup>ش</sup>: معرب ترخانی فارسی نام‌های دیگر آن: طَرْخُون<sup>ث</sup>، طرخنی<sup>ث</sup> - یونانی: طرخخونی؛ میورسینه<sup>ث</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: بلوس<sup>ص</sup> - بلخی: غروب اوس<sup>ص</sup> - شیرازی: ترخونی<sup>ث</sup> - «غسانی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را نوعی «کرفس» می‌دانند و برخی گفته‌اند «عاقِر قُرْحَا» است ولی صحیح و مشهور آنست که گیاهی مشابه «کرفس» با نام «مَقْدُونَس» است و در محل‌های مرطوب و باغ‌ها می‌روید و در فاس و جزایر به «معدنوس» معروف است. وجه تسمیه آن به «مقدونس» بخاطر اینست که در شهری به نام «مقدونیا» بسیار رویش دارد.<sup>غ</sup> اشبیلی<sup>ث</sup> می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «شطریه» و عده‌ای «عاقِر قُرْحَا» و برخی آن را گیاه خوراکی مشابه «بقل بمانی» می‌دانند و درست آنست که گیاهی با برگ‌های مشابه «حبق الحمامی» با ساق‌های قرمز است.<sup>ث</sup>

<i>Artemisia dracunculus</i> L.	طرخون	ز.ال، پ.ط، ع.
---------------------------------	-------	---------------

۱۲۲۷ - طَرْفَا، طرفاء، طرفاء، طرف، طرفه، کزماج<sup>س</sup> (نام میوه)، جزمارج<sup>ب</sup>، طَرَفَه: نام‌های دیگر آن: فارسی: گز<sup>ز</sup> - هندی: چهار، برواه<sup>س</sup> - رومی: موريقا<sup>ا</sup> - سریانی: عرا<sup>ا</sup> - یونانی: اریقابوشا، مورشقی<sup>ی</sup> - فارسی: طنچین (ترنجبین)<sup>ن</sup> - غسانی<sup>ی</sup> می‌گوید: دارای دو نوع بری و بستانی است به نوع بستانی «أثل» و به بری «طرفه» گویند و گیاه معروفی است.<sup>ع</sup> - «فلاحه» می‌گوید: «طرفاء» سه نوع است نوعی از آن «کزمازک» است.<sup>ع</sup> «عقیلی» می‌گوید: دارای چهار نوع است: نام‌های نوع اول: بزرگ: اثل<sup>ل</sup> - میوه: عذبه<sup>ه</sup> - به هندی: نتهی مائی، درخت سال<sup>ل</sup> - نام نوع دوم: .... نام نوع سوم: هندی: بری مائی<sup>ی</sup> - نام نوع چهارم: ... زین الدین<sup>ن</sup> می‌گوید: دارای انواعی است یک نوع «کزمارج» خوانند و آن «أثل» است و «حب الاثل» گویند و «ثمرة الطوفان» خوانند.<sup>ث</sup> «اشیلی» می‌گوید: «طرفاء» از جنس هدبات و نوعی درخت بزرگ و خاردار است دارای پنج نوع بستانی و بری است، انواع بستانی را «أثل» و بری را «طرفاء» گویند، نام‌های دیگر «طرفاء» عبارتست از: موريقا - طمرشکه - تاممشت - اثاب - اثل - خَمَر - مَزْخَة - نُضار - به تعبیری دیگر نوعی طرفاء «أثل» است و سایر نام‌های آن عبارتست از: اقاقلیس - خرمازق - طمرشکه - خوفان - خومان - جرمان- اثاب

موریقی (Murike): شجرة الطرفاء [ابن بطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۱ - ۸۹]

<i>Tamarix tetrandra</i> Guebh.	سیاه کز	پارسا
<i>Tamarix gallica</i> L.	طرفاء	طبيا - خطا.
<i>Tamarix gallica</i> L.	موریتی - شجرة الطرفاء	دیسکورید
<i>Tamarix pentandra</i> Pall. <i>Tamarix tetrandra</i> Guebh. <i>Tamarix articulata</i> Vahi.	گزمازج	پارسا
<i>Tamarix</i> sp.	اثل، طرفاء	الموسوعه
<i>Tamarix</i> sp.	طرفاء	EN.

۱۲۲۸ - طَرَفَرِیدُس: (نامی یونانی) نام دیگر آن: عشبہ کثیر الاغصان

۱۲۲۹ - طَرْفُولُسْ: (نامی یونانی)

۱۲۳۰ - طَرْنَة: نام دیگر آن به عربی: بساط الغول<sup>ع</sup>

الموسوعة	نَطْبَاط، جُنْجُر، طَرْنَة، شَبَط الغول	<i>Polygonum avicularee L.</i>
----------	---	--------------------------------

۱۲۳۱ - طریخومانس: همراه کرَبْزَة البئر می روید و دارای همان خواص است.

۱۲۳۲ - طَرِيفْلُنْ، طَرِيفْلَنْ، طَرِيفْلَنْ، طَرِيفْلَنْ (نامی یونانی)، حرمانه: به معنای ذو ثلاثة اوراق<sup>ع</sup> نام های دیگر آن: سریانی: طَرِيفْلَنْ - اسواس - اسفلیطس - اکسوفیلن - جعدة حزان<sup>ع</sup> - "ابن یطار" می گوید: نام مشترکی بین چند گیاه است که به «حندقوقا» و یکی از انواع «خُصَى الثعلب» و «حومانة» گفته می شود.<sup>ع</sup> "اشبیلی" می گوید این نام به انواع گیاهان یکساله و بیشتر انواع «خُصَى الثعلب» و نوعی «الطورثه شول»<sup>(۱)</sup> گفته می شود. و همچنین گیاهانی را که دارای سه برگ از یک رگبرگ اصلی هستند نیز شامل می شود.

طَرِيفْلُنْ (*Tiphullon*): عامه گیاهشناسان اندلس به آن «طریفل» گویند و اهالی آفریقا آن را «حشیشه الحُمَى» و «حومانة» می نامند. [ابن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۰۴]

زر. - طبا.	طریفلن	<i>Psoralea bituminosa L.</i>
دیسکورید	طریفلن - طریفل - حشیشه الحمی	<i>Psoralea bituminosa L.</i>
EN.	طریفلن	<i>Trifolium sp.</i>

۱۲۳۳ - طَرِيقُولِيُونْ، طَرِيقُولِيُونْ: نامی یونانی به معنای «ذو ثلاثة عناقيد» (سه خوشه ای)<sup>ع</sup> برخی آن را «ترید» دانسته اند که چنین نیست.<sup>ع</sup>

طَرِيقُولِيُونْ (*Tripolion*): ابن وافد آن را نامی برای «تَرِيد» می داند. [ابن یطار (در شرح کتاب دیسکورید) ۴ - ۱۰۱]

زریاب	طریفولیون	<i>Aster tripolium L.</i>
EN.	طریفولیون	<i>Plumbago europaea L.</i>

۱۲۳۴ - طلاء: گویند نوعی «قطران» است.<sup>ع</sup>

۱۲۳۵ - طَلَحْ، طَلَحْ، طَلَحْ، طَلَحْ؟ برخی آن را «موز» و برخی «ام غیلان» دانسته اند.<sup>ع</sup> - "خلیل بن احمد" می گوید: منظور از «طلح» در قرآن «موز» است.<sup>ع</sup>

طباطبائی	موز	<i>Musa sepintum</i> <i>Musa paradisiaca</i>
----------	-----	---

۱۲۳۶ - طمره: نام دیگر آن در کتاب رازی: خروع<sup>ع</sup>

الموسوعة	خروع	<i>Ricinus communis L.</i>
----------	------	----------------------------

۱۲۳۷ - طَهْطَف: می گویند نام «دُرّه» است و گویند نام غذائی است که از آن تهیه می شود.<sup>ع</sup>

الموسوعه	طَهْف	<i>Milium nigricans</i> Ruis.
----------	-------	-------------------------------

۱۲۳۸ - طواره<sup>ع</sup>: گویند نوعی «یش» است.<sup>ع</sup>

الموسوعه	انتله سوداء، جدوار اندلسی، طواره	<i>Aconitum anthora</i> L.
----------	----------------------------------	----------------------------

۱۲۳۹ - طوبه<sup>ع</sup>: (نامی عجمی) نام دیگر آن: نزد عرب: آشتر<sup>ع</sup>

الموسوعه	أقسون، رأس الشيخ، شکاعی، طوبة، فص الحمار	<i>Onopordon acanthium</i>
----------	--	----------------------------

۱۲۴۰ - طورنه شول<sup>(۱)</sup>: به گیاهانی گفته می‌شود که حرکت خورشید موجب چرخش آن‌ها می‌شود که سه نوع از این گیاهان عبارتند از: ۱ - ایلوپتروبیون با نام‌های: ایلوپتروبیون طومقرون، شحیره، تتوم، بروقی (یعنی مفید برای دانه‌ها یا ثالیدی به نام بروقه)، عشبۃ الثالیل، عابدة الشمس، مائلة، ترتلی، رعی الشواہین، کوکب الارض ۲ - نوع نر آن با نام‌های: ایلوپتروبیون طوماغا، سقریون یعنی ذنب العقرب ۲ - نوع دیگر از نر آن با نام‌های: سقرابیدیداس، سقریون یعنی مشابه دم عقرب ۴ - گیاهی معروف به ابی ان یموت ۵ - گیاهی ابزی با نام: طرافلون ۶ - گیاهی به نام قلنبارس یا قلنبره که گاهی به آن رعی الحمام نیز می‌گویند. (هرچند این نام گیاه دیگری از انواع طراشته است).<sup>ش</sup>

۱۲۴۱ - طورنه لیته<sup>(۲)</sup>: دامداران بخور این گیاه را برای زیاد شدن شیر گوسفندان خود استفاده می‌کنند از اینرو به آن «ابیره» یعنی شیر گویند.<sup>ش</sup>

۱۲۴۲ - طورنه مریطه<sup>(۳)</sup>، ظفیره<sup>ش</sup>: گیاهی است که به نظر عوام در سحر از آن استفاده می‌شود و به آن «نبات سحری» گفته می‌شود و زنان می‌پندارند با استفاده این گیاه هنگام ترک شوهر نشان موجب مراجعت آنان می‌شود. (شاید موجب مهر شوهر نشان شود). و دارای دو نوع است: ۱ - نوعی «لفت بری» معروف به «اشبرون» - که از گیاهان مربوط به سحر و جادو است. ۲ - نوعی خزاز الصخر (گل‌سنگ یا خزه) که بر روی سنگ‌ها بوجود می‌آید.<sup>ش</sup>

۱۲۴۳ - طوره: نام دیگر آن: طیثومالس<sup>ش</sup>، الطانه - نام نوع دیگر آن: درغل - بوذافان<sup>ش</sup>

۱۲۴۴ - طوقریوس<sup>ع</sup>، طوقریوس<sup>ش</sup>، طوقریوس<sup>ش</sup>: نوعی حی العالم<sup>ش</sup> نام دیگر آن بزبه اشبیلی است.<sup>ش</sup> - نام نوعی «کمادریوس النعنی» است که اهالی اندلس به آن «شویعة» گویند و به لاتینی «بزبه آسلی» به معنای «عشبۃ الطحال» است.<sup>ع</sup>

الموسوعه	طوقزیون، طیوقزیون	<i>Teucrium</i> sp.
----------	-------------------	---------------------

۱۲۴۵ - طوله<sup>ع</sup>، طوله<sup>ش</sup>: نوعی کلخ و از ذوات الجُجم است. نام‌های دیگر آن: سفندولیون - قریطیقوس - انثار - بغصران - ترتیق - کاشم - یغفر - قیطل - ارتکا - الطقرا - طفیر - بعضی از مترجمان: کَمون الابيض<sup>ش</sup> گویند نام «فیطل» است و بنا به گفته برخی مترجمان نام «طی» با نام یونانی «سفندولیون» است.<sup>ع</sup>

۱۲۴۶ - طیرانه<sup>ش</sup>، طیرنه<sup>(۴)</sup>: نام‌های دیگر آن: طشیر<sup>ش</sup>، طشور<sup>ش</sup> - اللقامن<sup>ش</sup>

۱۲۴۷ - طیطان<sup>ش</sup>: نام دیگر آن: کراث بری<sup>ع</sup>

۱۲۴۸ - طیفی<sup>ع</sup>: دادی<sup>ع</sup>

طیفی (*Tuphe*): نوعی «حلفاء» معروف [این عبارت (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۱۲]

دیسکورید	طیفی	<i>Typha latifolia</i> L.
----------	------	---------------------------

۱۲۴۹ - طیلانیون<sup>ع</sup>:



<i>Anacyclus pyrethrum DC.</i> <i>Anthemis pyrethrum L.</i>	عاقرقرا	ز، پ، خ، ط.
<i>Anacyclus pyrethrum DC.</i>	عاقِر قُرْحا، عود القرح	الموسوعة
<i>Anacyclus pyrethrum DC.</i>	Sanskrit: Akara-karava - Hendia & Bengal & Bombay: Akarakara - Madras: Akkirakaram	GLO.IN.

۱۲۶۰ - عاقول: نام دیگر آن: شوكة الجمال<sup>۱</sup>

<i>Alhagi mannifera Desv.</i> <i>Alhagi maurorum</i>	عاقول، حاج، زَنْجَبِيل العَجَم، أَشترخار	الموسوعة
---	--	----------

۱۲۶۱ - عِبَّ، عِبَّ: نام‌های دیگر آن: قاهره: كَاكُنْج<sup>۲</sup> - حب اللهو<sup>(۱)</sup> - میوه كاكنج<sup>۳</sup>  
 ۱۲۶۲ - عَبْهَر، عِبْهَر، نرجس: نام‌های دیگر آن: نرجس<sup>۴</sup> - عَبْهَر<sup>۵</sup> - اهالی شام: شجر اللُّبْنی<sup>۶</sup> - شجر الأَصْطَرَك<sup>۷</sup> -  
 شجرة النبی (ص)، اَصْطَرَك<sup>۸</sup> ؟

<i>Narcissus tazetta L.</i> <i>Narcissus poeticus L.</i>	نرجس - عِبْهَر	زریاب
<i>Leucoium sp.</i>	عِبْهَر	الموسوعة

۱۲۶۳ - عَبْهَر، عِبْهَر، عِبْهَر: نام‌های دیگر آن: عبوثران<sup>۹</sup> - هندی: دانه، داونه مروا، شجرة مریم، بخور مریم<sup>۱۰</sup>

<i>Artemisia judaica</i> <i>Alhagi maurorum</i>	شیخ اليهودية، شَيْحَان، عَبْهَر، عبوثران، بَخْثَران	الموسوعة
--	---	----------

۱۲۶۴ - عُمَم، عُمَم<sup>(۲)</sup>، عُمَم، زَغْبَج<sup>۱۱</sup>: نام‌های دیگر آن: زيتون الجبلی، زيتون كوهی<sup>۱۲</sup> - میوه: زَبُوج<sup>۱۳</sup> - یونانی: فیلورا<sup>۱۴</sup>  
 فیلورا (Philura): ابن وافد - رحمه الله - بر این گمان است که آن نام «شجر المَحْلَب» است و ابن حَسَّان آن را «شجرة العُمَم»  
 که دانه ای به نام «زَغْبَج» دارد می داند ولی هر دو نظر خالی از اشکال نیست. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۹۸ و ۱۰۷]

<i>Olea oleaster L.</i> <i>Phillyrea latifolia L.</i>	عُمَم	زریاب
<i>Phillyrea latifolia L.</i>	فیلورا	دیسکورید
<i>Olea oleaster L.</i>	الآغریا - زيتون بری - عُمَم - زَغْبَج	دیسکورید

۱۲۶۵ - عُمَرَب<sup>(۳)</sup>: گروهی به آنرا نام «سَمَّاق» دانسته‌اند.<sup>۱۵</sup>  
 ۱۲۶۶ - عَعَق، عَعَق، عَعَق: نام‌های دیگر آن: عثر<sup>۱۶</sup>

۱- الموسوعة: «عِب» در کتاب لسان به دانه «كاکنج» و «عنب الثعلب» و «شجرة الرء» گفته شده و از نظر ابوحنیفه نام درختی از انواع «اغلاث» است.

۲- به زيتون رجوع شود.

۳- الموسوعة: ابوحنیفه: درختی در اندازه مشابه درخت «انار» و با برگی قرمز مشابه «ترشک» ابتدا بر روی آن ترق علیه بطون الماشية؟ و سپس گوشتی بر آن بسته می‌شود و دارای خوشه‌های قرمز رنگ است و دانه‌ای چون دانه «ترشک» دارد.

<i>Buxus sempervirens</i> L.	عُثْق، عثر	زرياب
<i>Buxus sempervirens</i> L.	عُثْق، بقس دائم الخضرة، شَمَشَاد أخضر، شَمَشِير	الموسوعه

۱۲۶۷ - عجمه: "ابن بیطار" می‌گوید: بنا به نظر "عافقی" گیاهی است با نام بربری «تاغیغشت» و با نام «قولیّه»، ولی هنگام بررسی آن، مشخصات گیاه «مُسْتَعِجَلَه» را ذکر می‌کند و از منافع «قولیّه» غافل می‌شود البته او در اینجا اشتباه کرده زیرا «قولیّه» گیاهی با نام یونانی «سپروثیون» است و آن غیر از «مُسْتَعِجَلَه» است.<sup>۷</sup>

۱۲۶۸- عدس، بِلَسَن، عدس، عدس، بِلَسَن، عدس، بِلَسَن: نام‌های دیگر آن: عدس<sup>۴</sup> - یمن: ملس<sup>۵</sup> - فارسی: نشک، مرجومک، نرسک - هندی: مَسُور<sup>۶</sup> - نام‌های نوع بستانی آن: شوخدانه<sup>۷</sup> - بنگالی: اکری<sup>۸</sup> - رومی: فکی<sup>۹</sup> - مکه: بِلَسَن<sup>۱۰</sup> - سجزی: شِر<sup>۱۱</sup>، عِلَس<sup>۱۲</sup>، بِلَسَن<sup>۱۳</sup>

فاقوس (Phakos): عدس المأكول (عدس خوراکی) - عربی: بُلْسُن [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۹۲]

<i>Lens esculenta</i> Mo.	عدس	ز،خ،ال،پ.
<i>Lens culinaris</i> Medic.	بلسن، عدس	طباطبائی

۱۲۶۹ - عدس الماء، عدس الماء: نام دیگر آن: طحلب<sup>۲</sup> - «صاحب منہاج» گوید «برسیاوشان» است و صاحب جامع گوید «طحلب» است.<sup>۳</sup>

<i>Lemna sp.</i>	عدس الماء	الموسوعة
------------------	-----------	----------

۱۲۷۰ - عدس المرّ: نام‌های دیگر آن: یونانی: سفارغانیون<sup>۴</sup> - سوسن بری<sup>۵</sup>

<i>Hedysarum</i> sp.	أيدصارون، فأس، عدس مَر	الموسوعة
----------------------	------------------------	----------

۱۲۷۱ - عدس نبطی<sup>۵</sup>:

۱۲۷۲ - عُدَيْسَة<sup>(۱)</sup>: نام‌های دیگر آن: اندلس: مروشَة - مزودة<sup>۲</sup>

۱۲۷۳ - عَذْبَةٌ: (نامی مصری) نام میوه «أثل» است.<sup>۷</sup>

۱۲۷۴ - عرصف<sup>۷</sup>: گویند نام «کما فیطوس» است.<sup>۷</sup>

<i>Ajuga sp.</i>	عَرْصَف	الموسوعة
<i>Ajuga chamaepitys L.</i>	كَمَانِيطُوس، عَرْصَف صَنْبُورِي	الموسوعة

۱۲۷۵ - عَرِصَمٌ، عَرِصَمٌ: نامی یمنی است. نام‌های دیگر آن: بادنجان بری<sup>۷</sup> - حَدَقٌ

<i>Streptosolen</i> sp.	عَرَضِيَّة	الموسوعة
-------------------------	------------	----------

۱۲۷۶ - عربنیا<sup>۵</sup>، عربنیا<sup>۶</sup>: به «بخور مریم» و همچنین به گیاهی در شام با نام «مهد» که در ساحل غزه می‌روید، گویند و برخی آن را «علج» می‌نامند و نزد اهالی مشرق به «قلعی» معروف است و با آن لباس‌های پشمی خود را می‌شویند.<sup>۷</sup>



الموسوعه	عَرَطَيْثَا، شَكَّ، بخورمریم، زَهرالمسیح، وَكْف، خُبْزالمشایخ، بَقْلَامْس، رَكْفَه	<i>Cyclamen spp.</i>
طباطبائی	عَرَطَيْثَا	<i>Cyclamen spp.</i>

۱۲۷۷- عَرَعَر، عَرَعَر، عَرَعَر، عَرَعَر، حب العرعر، طرفاء الهندی<sup>۱۰</sup>: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: فارسی: سرو کوهی<sup>۱۱</sup>، اُبرس<sup>۱۲</sup> - شیرازی: وهل<sup>۱۳</sup> - سریانی: سروبیاجبلا<sup>۱۴</sup> - رومی: قرونوس<sup>۱۵</sup> - یونانی: ثمارون<sup>۱۶</sup>، اروس<sup>۱۷</sup>، سرونمارون<sup>۱۸</sup> - بربری: طاگْگْا<sup>۱۹</sup>  
 اَرَقوُش (*Arkeuthos*: عَرَعَر [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۷۵]

دی. - خط.	عرعر	<i>Juniperus communis L.</i>
الموسوعه	شیزی، عرعر	<i>Juniperus sp.</i>
طباطبائی	عرعر	<i>Juniperus oxycedrus</i>
EN.	عرعر	<i>Juniperus vulgaris</i>

۱۲۷۸- عرف<sup>۲۰</sup>: نام‌های دیگر آن: نزدیک اهل مغرب: خصوص و دوم<sup>۲۱</sup>  
 ۱۲۷۹- عرفج بری<sup>۲۲</sup>: نام دیگر آن: عمون<sup>۲۳</sup>  
 ۱۲۸۰- عَرَفَط<sup>۲۴</sup>:

زریاب	عرفط	<i>Mimosa oerfota Fork.</i> <i>Acacia oerfota (Forsk.) Sch.</i>
الموسوعه	عَرَفَط	<i>Acacia oerfota (Forsk.) Sch.</i>

۱۲۸۱- عَرَفُصَاء<sup>۲۵</sup>: گروهی آن را گیاهی که در اندلس به نام «یربطوره» است می‌دانند ولی ابو حنیفه آن را «حَنْدَقُوقی» می‌داند.<sup>۲۶</sup>  
 ۱۲۸۲- عروق الصبغین<sup>۲۷</sup>، عروق الصبغین<sup>۲۸</sup>: نام‌های دیگر آن: بقلة الخطاطیف<sup>۲۹</sup>، فوه الصبغین<sup>۳۰</sup> یا عروق الصفر<sup>۳۱</sup>. نام گیاه در کتاب دیسکورید: خالیدونیون طوماغا<sup>۳۲</sup> دارای دو نوع است، نوع بزرگ آن به فارسی «زردجوبه» و به عربی «هَرْد» نام دارد برخی پنداشته‌اند «کَرْكُم الصغیر» است و یا گمان کرده‌اند نام «مامیران» است.<sup>۳۳</sup>

الموسوعه	عروق الصبغین، عروق الصفر، بقلة الخطاطیف، میران	<i>Chelidonium majus</i>
----------	--	--------------------------

۱۲۸۳- عروق الصفر<sup>۳۴</sup>، عروق الصفر<sup>۳۵</sup>، عروق الصفر<sup>۳۶</sup>، عروق الصفر<sup>۳۷</sup>، خالیدونیون<sup>۳۸</sup>، بقلة الخطاطیف<sup>۳۹</sup>، شجرة الخطاطیف<sup>۴۰</sup>، بقلة الخطاطیف<sup>۴۱</sup>: نام‌های دیگر آن: زرجوبک<sup>۴۲</sup> - عروق الزعفران<sup>۴۳</sup>، حشیشه الصفرا<sup>۴۴</sup>، عروق الصبغین<sup>۴۵</sup> - عربی: بردرده<sup>۴۶</sup>، بقلة الخطاطیف<sup>۴۷</sup> - یونانی: خالیدونیون<sup>۴۸</sup>، خلدانیون<sup>۴۹</sup>، طوماغا<sup>۵۰</sup> - رومی: کالیدونیون<sup>۵۱</sup> - فارسی: زرجوبه<sup>۵۲</sup>، زردجوبه<sup>۵۳</sup> - هندی: هلدی<sup>۵۴</sup> - روالحطافی<sup>۵۵</sup> - دو نوع دارد نام نوع کوچک آن «مامیران» است.<sup>۵۶</sup>  
 خالیدونیون طوماغا (*Khelidonium to mega*): گویند نام «کَرْكُم» است ولی این صحیح به نظر نمی‌رسد و «طوماغا» به معنای بزرگ است و برگردان این نام به عربی «دواء الخطاطیف» است.  
 خالیدونیون طومقرن (*K. to mikron*): گویند نام «مامیران» است ولی این صحیح به نظر نمی‌رسد. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۶۲ و ۱۶۳]

دیسکورید	خالیدونیون	<i>Chelidonium majus L.</i>
----------	------------	-----------------------------

<i>Chelidonium majus L.</i>	خالدونیون - زرجوبک	زریاب
<i>Curcuma longa</i>	عروق الصفر	طباطبائی

- ۱۲۸۴ - عریز الکبیر یا عزیز الکبیر: نام های دیگر آن: قنطوریون غلیظ<sup>۲</sup>  
 ۱۲۸۵ - عریز الصغیر یا عزیز الصغیر: نام های دیگر آن: قنطوریون دقیق<sup>۳</sup>  
 ۱۲۸۶ - عَشْبَةُ السَّبَاعِ<sup>۴</sup>:

<i>Daphne tartonrarira L.</i> <i>Thymelaea tartonraira Endl.</i>	کَرْد، عَشْبَةُ السَّبْع، دَفْنَةُ قَاتِلَة	الموسوعة
---	---	----------

۱۲۸۷ - عَشْبَةُ مغریبه<sup>۵</sup>: نامی برگرفته از وجه تسمیه آن زیرا ابتدا اهل مغرب از آن اطلاع یافتند و سپس در سایر شهر ها شناخته شد. - نام های دیگر آن: مغرب: عَشْبَةُ النار (زیرا تند است) - هندی: رس - رومی: سرینه - فرنگی: اسفرینه

<i>Smilax sarsaparilla L.</i>	عشبه	پارسا
-------------------------------	------	-------

۱۲۸۸ - عَشْرٌ، عَشْرٌ، عَشْرٌ، عَشْرٌ، عَشْرٌ: درختی اعرابی - یمانی - و از یتوعاتست. و ثمر وی را «خریع» خوانند. نام های دیگر آن: عربی: عشار - یونانی: حجاجیوس - فارسی: خزل، درخت زهرناک - هندی: آک، اکون، مدارا - جالینوس: تی سمیل - دیودار - "احمد بن داود" می گوید: «عشر» از انواع «عُضاه» است.<sup>۶</sup>

<i>Calotropis sp.</i> <i>Calotropis procera R.Br.</i>	عُشْر	الموسوعة
<i>Asclepias gigantea R.Br.</i> <i>Calotropis procera R.Br.</i>	عُشْر	زریاب
<i>Asclepias cynanchoides Humb.</i>	عُشْر	EN.

۱۲۸۹ - عَشْرَق، عَشْرَق، عَشْرَق، عَشْرَق: نام های دیگر آن: یونانی: قرحا، مرفوران - اهل حجاز: سنای عریض الورق، سنامکی - سندی: قشوقی، قوال سریسی - بزرالمرو<sup>۷</sup>  
 قَرْقَا (*Kirkaia*): ابن حسان آن را با نام لاتینی «یُنْکَه» معرفی می کند و من - ابن بیطار - خود آن را دیده ام ولی به غیر از این نام، نام دیگری برای آن نمی شناسم. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۱۴]

<i>Circaea spp.</i>	قرقا - ینکه	دیسکورید
<i>Circaea lutetiana</i>	أبوسلام، عَشْرَق	الموسوعة
<i>Cassia obeovata Coll.</i> <i>Cassia sophera L.</i> <i>Circaea lutetiana L.</i>	عشرق - سنای مکی	زریاب
<i>Cassia tora L.</i> <i>Cassia sophera L.</i> <i>Circaea lutetiana L.</i>	عشرق	طباطبائی

۱۲۹۰ - عشق الصبیان<sup>۴</sup>، عشر الصبیان<sup>۴</sup>:

طباطبائی	عشر الصبیان	<i>Eryngium coeruleum</i> <i>Eryngium creticum</i> L.
----------	-------------	--

۱۲۹۱ - عَشَقَه: نام‌های دیگر آن: فارسی: اخفاک؛ تال شال<sup>۵</sup> - هندی: چاندریل<sup>۶</sup>

الموسوعه	عَشَقَه	<i>Hedera</i> sp.
----------	---------	-------------------

۱۲۹۲ - عَصْفَر<sup>۷</sup>، عَصْفَر<sup>۷</sup>، عَصْفَر<sup>۷</sup>، بهرم<sup>۸</sup>، مَرِیق<sup>۹</sup>، بهرمان<sup>۱۰</sup>، حب العصفَر<sup>۱۱</sup>، خریع<sup>۱۲</sup>، مریق<sup>۱۳</sup>، نقد<sup>۱۴</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: خسق<sup>۱۵</sup> - اصفهانی: گل کاوشه<sup>۱۶</sup>، رنگ زعفران<sup>۱۷</sup> - ابوحنیفه: عصفَر<sup>۱۸</sup> - هندی: کُسْتَب<sup>۱۹</sup>، بهرمان<sup>۲۰</sup>، ثوب مَبْهَرَم<sup>۲۱</sup> - خریع<sup>۲۲</sup>، بهرامج<sup>۲۳</sup> - همدان: کاجیره<sup>۲۴</sup> - سجزی: یَلَم<sup>۲۵</sup>، شَورَان<sup>۲۶</sup>، سُیُونک<sup>۲۷</sup> - اخْرِیض<sup>۲۸</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: اطراقتولیس<sup>۲۹</sup> - بنا به قول حمزه: «بهرامه» نام گل آن و «هُسک» نام گیاه آن است و «قرطم هسک» و «هسک توم» نام دانه و نام دیگر آن «کافیشه» است.<sup>۳۰</sup> - نام دانه: قرطم<sup>۳۱</sup> - دارای دو نوع بری و بستانی است.<sup>۳۲</sup>

«عصفَر» معرب «هُسْکَفَر» است و آب آن «هسک آه» که همان «عندم» است.<sup>۳۳</sup> صاحب مفرده گوید نوعی «حرفش» است که به زبان بربری به آن «بانقیب» گویند.<sup>۳۴</sup>

أَطْرَقُطُولُس (*Atraktulis*): نام «عَصْفَرُالْبَری» است و به لاتینی به آن «مَرْزُجُون» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۸۸]

دیسکورید	أَطْرَقُطُولُس - عَصْفَرُالْبَری - مرزجون	<i>Charthamus lanatus</i> L.
زر - طب.	عصفَر	<i>Charthamus tinctorius</i> L.
پارسا	گل کافیشه - تخم کاجیره - قرطم	<i>Charthamus tinctorius</i> L.
الموسوعه	قُرْطُم الصَّبَاغین، تِرِیاض، عَصْفَر	<i>Charthamus tinctorius</i> L.

۱۲۹۳ - عَصَصِ الرَّاعِی<sup>۳۵</sup>، عَصَا الرَّاعِی<sup>۳۶</sup>، عَصَا الرَّاعِی<sup>۳۷</sup> (نامی عربی)، بَطْبَاط<sup>۳۸</sup>، برشیان دار<sup>۳۹</sup>؟ دارای دو نوع نر و ماده است.<sup>۴۰</sup> - نام‌های دیگر آن: لاتینی: بسباث بلی کوئیم<sup>۴۱</sup> - بربری: رستنی نودیه<sup>۴۲</sup>، کوری زوله<sup>۴۳</sup> - عربی: عَصَا الرَّاعِی<sup>۴۴</sup> - یونانی: طباط<sup>۴۵</sup>، بلغوثیون برمندار<sup>۴۶</sup> - سریانی: شطبانی فلوعرین<sup>۴۷</sup>، باقریقی خنجر<sup>۴۸</sup>، حطری راعیا<sup>۴۹</sup> - فارسی: برشیان دارو<sup>۵۰</sup>، برسیاج دارو<sup>۵۱</sup>، برسیان دارو<sup>۵۲</sup>، هزار بندک<sup>۵۳</sup>، صَذِیوَنَد<sup>۵۴</sup>، وِی اِیْزَه<sup>۵۵</sup> - شیرازی: کسته<sup>۵۶</sup>، سرخ فرد<sup>۵۷</sup> - یزدی: سلم سرخ<sup>۵۸</sup> - هندی: لال ساک<sup>۵۹</sup>، راج کیری<sup>۶۰</sup>، عصای موسی<sup>۶۱</sup> - بستی: دیوزوان<sup>۶۲</sup> - بَطْبَاط<sup>۶۳</sup> - «غسانی» می‌گوید: دارای چهار نوع با شکل‌های مختلف و خواص مشابه است نام نوعی از آن در فاس «بوعقاد» است. نام نوع دوم آن - که نوع ماده آنست - «مزمار الراعی» و نوع سوم آن «اذناب الخیل» و نوع چهارم آن «اذن الوطاط» است.<sup>۶۴</sup>

بُلُوغُونُ (*Polugonon arren*) hyu: برگردان «آزن» به عربی «ذَکَر» (نر) است. نام گیاه «عَصَا الرَّاعِی» است و گویند به سریانی به آن «شَبْطَاط»، «خطری دَعِیا» و «بَطْبَاط» گویند.

بُلُوغُونُ (*Polugonon thelu*): نوع دوم «عَصَا الرَّاعِی» با گره‌های بسیار «کثیر العقد» است.

فلوغوناتُن (*Polugonaton*): نامی است که جالینوس در مقاله هشتم به آن اشاره کرده است و ابن حسان نام لاتینی آن را «عُوْدَیَالَه» (*Corrigiola*) می‌داند ولی من - ابن بیطار - آن را نمی‌شناسم. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۵ و ۶ و ۷]

دیسکورید	بلوغانن - عصا الراعی - بطباط	<i>Polygonum aviculare</i> L. <i>Cephalaria pilosa</i> Schr.
دیسکورید	بلوغانن - عصا الراعی	<i>Equisetum pallidum</i> L.

<i>Polygonatum officinale L.</i>	فلوغانطن - غوذیاله	دیسکورید
<i>Polygoum sp.</i>	قَرْدَب، عَصَا الراعی	الموسوعه
<i>Polygonum aviculare L.</i>	عصا الراعی - بطباط - صذپیوند	زریاب
<i>Polygonum aviculare L.</i> <i>Polygonum amphibium L.</i>	عصا الراعی	طباطبانی
<i>Polygonum aviculare L.</i>	عصا الراعی	خطابی
<i>Equisetum arvensi</i> <i>Polygonum amphibium</i>	عصا الراعی - ذنب الخیل	خطابی
<i>Polygonum equiestiforme Sibth.</i>	عصا الراعی	EN.

۱۲۹۴ - عَصِيفَرَة<sup>۱</sup>، عَصِيفَرَة<sup>۲</sup>. نام دیگر آن: در بغداد و موصل: خیری با گل زرد<sup>۳</sup>

<i>Impatiens balsamina L.</i> <i>Balsamina hortensis L.</i>	بَها، عَصِيفِيرَة، مِجْزَاعَة	الموسوعه
--	-------------------------------	----------

۱۲۹۵ - عَضْرَس<sup>(۱)</sup>: می گویند نام «ختمی بری» معروف به «شَحْم المَرَج» است.<sup>۴</sup>  
 ۱۲۹۶ - عِظْلَم<sup>۵</sup>، عِظْلَم<sup>۶</sup>، عِظْلَم<sup>۷</sup>: نام های دیگر آن: نیل<sup>۸</sup>، وَشْمَة الذَّكْر<sup>۹</sup> - نام عصاره خشک شده آن «نیلج» و «سُدوس» است.<sup>۱۰</sup> گیاهی است که از آن «نیلج» گرفته می شود و بعضی دانشمندان ما آن را «وَسْمَة» نامیده اند.<sup>۱۱</sup>  
 أساطیس اُغْرِیا (*Isatis agria*): نام «نیل البری» است و نزد گیاهشناسان معروف و شناخته شده است.  
 أساطیس (*Isatis*): نام های دیگر آن عبارتست از: نیل - نیلج - طین الأخضر - عین الأخضر [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۶۵]

<i>Isatis tinctoria L.</i> <i>Indigofera tinctoria L.</i>	عظلم	زر - طبّا.
<i>Isatis tinctoria L.</i>	أساطیس، نیل، نیلج، طین الأخضر، عین الأخضر	دیسکورید
<i>Isatis sp.</i>	وَسْمَة، وَشْمَة، عِظْلَم	الموسوعه

۱۲۹۷ - عَفَار<sup>۱۲</sup>، عَفَار<sup>۱۳</sup>: گروهی آن را میوه «قاتل ایبه» دانسته اند ولی مشخصات «عفار» با «قاتل ایبه» متفاوت است. نام دیگر آن بنا به گفته ابو حنیفه «جَاء الأَحْمَر» است و گویند نام «مَرخ» است.<sup>۱۴</sup>

<i>Arbutus unedo L.</i>	عفار	زریاب
-------------------------	------	-------

۱۲۹۸ - عَفَص<sup>۱۵</sup>، عَفَص<sup>۱۶</sup>، عَفَص<sup>۱۷</sup>، عَفَص<sup>۱۸</sup>: نام های دیگر آن: قیقیدیس<sup>۱۹</sup> - رومی: قیسوس<sup>۲۰</sup> - یونانی: ققیس<sup>۲۱</sup> - سریانی: افصی<sup>۲۲</sup>، میشی<sup>۲۳</sup> - جالینوس: ققیس<sup>۲۴</sup> - فارسی: مازو<sup>۲۵</sup> - ترمذی: سکفس<sup>۲۶</sup> - بخاریه: سکوک<sup>۲۷</sup>، مازن شیر<sup>۲۸</sup> - شیر<sup>۲۹</sup> آن «بسباس» نام دارد. سبز آن بهترین است و بی سوراخ است و آن را «نعاقلیس» خوانند و آن غوره بود.<sup>۳۰</sup>  
 قَقِیس (*Kekis*): نام «عَفَص» و بنا به بعضی از تفاسیر نام «قَشَف» است که به لاتینی به آن «جُولَه» (*Galla*) گویند. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱۱ - ۱۰۹]

۱- الموسوعة: نام «ختمی مخزنی» (ختمی داروئی) است که گل آن قرمز رنگ است و پوزه حیواناتی را که از آن می خورند به رنگ سیاه می شود.

۲- الموسوعة: ابوحنیفة: بعضی از اعراب مرا مطلع ساخته اند که گیاهی است مشابه «غیراء» با گلی مشابه با گل آن و آن درختی است خار دار و لذلك جاد للزناد؟

<i>Quercus lustanica</i> Lam.	قیس - عقص - قشف - جوله	دیسکورید
<i>Quercus infectpria</i> Olivier	مازو - انار - مایفلا (هند)	پارسا
<i>Quercus lustanica</i> var. <i>tauricola</i>	مازوی بصره	پارسا
<i>Quercus</i> sp.	مازوی تیغ دار - زیاش ماشی	پارسا
<i>Quercus lustanica</i> Lam. <i>Cynips gallaeturcieae</i> Hart.	عقص - قیس - مازو - قیسوس	زریاب
<i>Quercus lustanica</i> Lam. <i>Thuya orientalis</i>	عقص	زر. - طبّا.
<i>Quercus ilex</i> L.	عقص	خطابی

۱۲۹۹ - عَقَار<sup>(۱)</sup>:

<i>Urtica pilulifera</i> L.	عقار	زریاب
-----------------------------	------	-------

۱۳۰۰ - عَقِیْقَاءَ<sup>۱</sup>:۱۳۰۱ - عَکْرَبْ<sup>۱</sup>: نوعی حششف بری<sup>۱</sup>

۱۳۰۲ - عَکْرَشْ<sup>۱</sup>، عَکْرَشْ<sup>۲</sup>: نام‌های دیگر آن: شجرالکلب<sup>۱</sup>، حسک الفراخ<sup>۱</sup> - سجزی: بُنُو<sup>۱</sup> - ثیل<sup>۱</sup>، نجمه<sup>۱</sup> - حجاز: بَکْرَشْ<sup>۱</sup> گروهی آن را همان «ثیل» دانسته‌اند و برخی گفته‌اند «قصبی» نوعی از آنست و برخی دیگر آن را نوعی «عَکْرَشْ» دانسته‌اند.<sup>۲</sup> [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۲۷: به ثیل رجوع شود]

<i>Agropyrum repens</i> Be.	اُغْرَسْطُس، نجم، نجیل، نجیر، عَکْرَشْ، ثیل	دیسکورید
<i>Festuca</i> sp.	عَکْرَشْ	الموسوعه
<i>Agropyrum repens</i> Be. <i>Aeluropus littoralis</i> Ga. <i>Aeluropus repens</i> De.	عَکْرَشْ - ثیل - نجمه	زریاب
<i>Agropyrum repens</i> Be. <i>Festuca altissima</i> Boiss.	عَکْرَشْ	طباطبائی

۱۳۰۳ - عَکْنَهْ<sup>۱</sup>، عَکْنَهْ<sup>۲</sup>: (نامی بربری) نوع دقیق - نازک - «سورنجان» است.<sup>۱</sup> نام‌های دیگر آن: لَعبَة البربریه<sup>۱</sup> - سورنجان<sup>۲</sup> - مصر: عَکْنَهْ<sup>۲</sup> - اندلس: سورنجان الدقیق<sup>۲</sup>

<i>Colchicum montanum</i>	سورنجان الجبل، فُزَج الأرض، عَکْنَهْ	الموسوعه
---------------------------	--------------------------------------	----------

۱۳۰۴ - عَلْت<sup>(۲)</sup>: نام‌های دیگر آن: یونانی: خندریلی<sup>۲</sup>۱۳۰۵ - عَلْجَان<sup>۲</sup>: (نام عربی در آفریقا) نام‌های دیگر آن: قَوَّاح<sup>۲</sup>

۱- الموسوعة: اللسان: گیاهی علفی است که به اندازه نصف قامت رشد پیدا می‌کند و میوه آن چون فندق است و مزه‌ای بسیار تلخ (ممنض) دارد و آن را هیچ موجودی نمی‌خورد حتی سگ و هر گاه به آن لب زند عو عو می‌کند و عقار را «ناعمه» نیز نامیده‌اند و ناعمه زنی است که آن را پخته و با خوردن آن گشته شده است.

۲- الموسوعة: اللسان: طرفاء و «حاج» و «نیوت» و «عَکْرَشْ» همگی نوعی «عَلْت» هستند. ج: أعلات

<i>Arundinaria sp.</i> <i>Silybum marianum</i> Gae.	عَلْجَان، عَلَيج	الموسوعة
--	------------------	----------

۱۳۰۶ - عَلسْ، زَاآءْ، عَلسْ: نام‌های دیگر آن: فارسی: گندم مکّه - عجمی اندلس: أَشْقَالِيَّةٌ - عَلسْ  
 زَاآ (Zea): نام‌های آن عبارتست از: عربی: کُتِيب، اندلسی: عَلسْ - لاتینی: أَشْقَالِيَّة (Secale) - «جلبان» داشتن آن اشتباه است.  
 أولیرا (Olura): دانه ای از جنس «زَاآ» ست و نوع دوم آن با نام‌های «عَلسْ» و «کُتِيب» است. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۷۵]

<i>Triticum monococcum</i> L.	زآا - علس - كنيب - أشكاليه	ديسكوريد
<i>Triticum dicoccum</i> Schr.		

۱۳۰۷ - علقم،<sup>۴</sup> علقم: نام دیگر آن: قثاء الحمار<sup>۵</sup> - ابوحنیفه گوید: نام «حنظل» و نام هر گیاه تلخی است.<sup>۶</sup> گویند «قثاء الحمار» است و گویند «حنظل» است و هر چه تلخ باشد آن را «علقمه» خوانند.

۱۲۰۸ - علیجان، قراح: نباتی مانند «رازیانه» است که گوسفند و خر آن را می‌خورند و مؤلف گوید آن را به شیرازی «که» گویند.  
۱۳۰۹ - عَلَیقْ، عَلِیقْ، عَلِیقْ، عَلِیقْ، توت وحشی، توت وحشی: نوعی از آن «علیق الکلب» است و «عوسج» هم نوعی از «علیق» است. نام‌های دیگر آن: توت العلیق - جرجان: تمش - یونانی: باطس، ناطس - رومی: روس، سایر - فارسی: وزدا، در، کیهه - باطوس - شیرازی: توت سه گل - دیلم: تموش - ترکی: بکوزتیکان - عَلِیقْ - نام میوه آن به فارسی: اَلْدِر دارای دو نوع جبلی و غیر جبلی است نام یونانی نوع غیرجبلی آن «ساز ساهورده» است.

بابطس الوحشی (Batos): گیاه خاردار مشهوری است که اهالی اندلس و اهالی مغرب به آن «علیق» گویند و میوه آن به نام «توت» است و به بربری به آن «ثائقا» و به لانی «أرجه» گویند.

باطس ایذا (Batos idaira): به معنای روئیدن آن در محل «ایذی» و آن کوهی است در شهرهای روم و نوعی از «عقیق» باشد که خار ندارد. (این ببطور (در ترجمه کتاب دسکورید) ۴ - ۳۳، ۳۴]

<i>Rubus fruticosus L.</i>	باطس، علیق، توت وحشی، ثایقا، أُرجه	دیسکورید
<i>Rubus Idaeus L.</i>	باطس آیدا - نوعی از علیق	دیسکورید
<i>Rubus sanctus Schreb.</i>	توت سه گل - تموش - بخورتیگان - لام - تندل - کرتیف - تمشک	پارسا
<i>Rubus sp.</i>	عُوشج، عُلیق، بَاطس، شُوکل	الموسوعه
<i>Rubus fruticosus L.</i>	علیق	ز. - خ. - ط.
<i>Rubus fruticosus L.</i>	علیق اسود	EN.
<i>Rubus idaeus L.</i>	علیق احمر	EN.

۱۳۱۰ «عَنْاب» عَنْاب، عَنْاب، عَنْاب، زُفِيف<sup>۴</sup> (نامی اندلسی): نام دیگر آن به سریانی «زیزوفی» است.<sup>۵</sup> «غسانی» می‌گوید: دارای انواع فراوانی از قبیل بری، بستانی، قرمز و سفید است و منظور در اینجا نوع احمر آن می‌باشد و در شهر فاس رویش بسیاری دارد و عوام به آن «زفروف» گویند. نوع سفید آن که از گیاهان نواحی مغرب نبوده و در خراسان و شام و مصر می‌روید و به نام «عَنْاب الابیض» و «ازاددرخت» معروف است، محل اصلی رویش آن در شهرهای فارس بوده و در آنجا دارای سموم کشنده‌ای بوده که با انتقال آن به مکان‌های دیگر حالت سمی خود را از دست داده است و عرب آن را «لَبَنخ» می‌نامد.<sup>۶</sup> «ابن بیطار» در کتاب عمدة الطیب فی معرفة النبات می‌گوید: «عَنْاب» درختی با انواع فراوان از جمله بری، بستانی، سفید، و قرمز است، نام نوع سفید آن «ازاددرخت» است و قرمز آن پنج نوع دارد، یکی از آن با نام «أملیسی» و دیگری «جلی» و نوع دیگر آن «شوکی» با نام عربی «أشکل» و نوع

چهارم «برجین» و نوع آخر آن «سدر» با نام یونانی «فلیورس» و نام عجمی «شفلیش» و نام عربی «عُتاب» است. نام دیگر آن مربوط به نوع بری یعنی «زفیزف» و «نبق» است که معروف به «خرز الملوک» می‌باشد. در کتاب صیدنه «عُتاب» با نام یونانی «زیزوفی» آمده است.<sup>۴</sup> [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۹۴: به «سدر» رجوع شود.]

<i>Zizyphus vulgaris L.</i>	عُتاب	پارسا
<i>Zizyphus jujuba Lam.</i>	عُتاب	طباطبائی
<i>Zizyphus sativa G. Syn: Z.vulgaris L.</i>	Bombay: Unnab	GLO.IN.
<i>Zizyphus sativus Gae.</i> <i>Rhamnus zizyphus L.</i>	عُتاب	زریاب
<i>Zizyphus sativus Gae.</i>	عُتاب	خطابی
<i>Zizyphus sativa Gae.</i> <i>Zizyphus vulgaris L.</i> <i>Rhamnus zizyphus</i>	عُتاب	الموسوعه
<i>Zizyphus vulgaris L.</i>	عُتاب	EN.

۱۳۱۱ - عُتاب: (گیاهی هندی)

<i>Mangifera indica L.</i>	أنج، مَنغا، مَنجا، مَنجو، مَنجو، عُتاب	الموسوعه
<i>Mangifera indica L.</i>	Hendia & Bombay: Am, Amb	GLO.IN.

۱۳۱۲ - عُتاب: عُنب خمری، عُنب، عُنب، عُنب، عُنب: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: فارسی: انگور<sup>۵</sup> - ترکی: اوزم - هندی: داک - رومی: اصطفیذه<sup>۶</sup>  
زرچون<sup>۷</sup>: نام «کُرم» است و گویند نام چوب آنست و همچنین گفته شده نام باران ریخته بر (مستنقع) بر روی صخره هاست.<sup>۸</sup>

<i>Vitis vinifera L.</i>	عُنب خمری	ز. - خ. - ط.
<i>Vitis vinifera L.</i>	کُرمه العُنب، کُرمه عنبیه	الموسوعه
<i>Vitis vinifera L.</i>	Hendia & Punjab & Bengal: Angur	GLO.IN.

۱۳۱۳ - عُنب الثعلب: عُنب الثعلب، عُنب الثعلب، عُنب الثعلب، عُنب الثعلب، رُوباه، رُوک، ثلثان، حب الفنا، لما: نام‌های دیگر آن: فارسی: رُوباه، تربک، رُوباه تورک (به معنای انگور رُوباه)، شکر انگور رُوباه، رُوبارزج، کلنکر، سک انگور - ترکی: قوش اوزی - دیسکورید: اطزوخیوس - سندی: قواد - عُنب الثعلب - زابلی: سک انگور - سجزی: کنکر رُزی - عربی: فنا - اصفهانی: تاج ریزی - هندی: مکوی و مکوی، کاک ماجهی - بنگالی: کال ماجهی، کُستی - لاتینی: سلاطم - بربری: مزابله، بکسیتلان از مور - طولیدون - دربرق - ثلثان - فاس: عُنب الذیْب، ابی مقینة - دارای پایه های نر و ماده و دارای انواع بستانی، جبلی و بری است: نام‌های نوع نر بستانی آن: کاکنج - اهل مغرب: حب اللهو - نام‌های نوع ماده آن: عُنب الثعلب - اهل مغرب: قناد - نام‌های نوع جبلی نر آن نزد اهل مغرب: کاکنج غالیه، کاکنج منوم - نام نوع ماده بری: عُنب الثعلب مخین - نوع بستانی به عربی به نام «فنا» و «برنوف» و «بلان» است و عامه اندلس به آن «عُنب الذیْب» گویند. و نوع نر به نام «کاکنج» با دو نوع بستانی و بری جبلی است، که بستانی آن در اندلس به «حب اللهو» معروف و دیگری به «عُنب» مشهور است و مردم اندلس آن را به نام «غالبه» می‌شناسند.<sup>۹</sup>

سُطْرُوخْنُ البستانی (*Strukhnon kepaion*): گیاه معروف به «عَنْبُ الثَّلَبِ» است که به عربی به آن «فَنَا» گویند و همان «ثَلْثَان» است و از اعراب خود شنیدم به این گیاه «ثَلْثَان» هم می گویند و به فارسی به آن «زَرْوَان زَنْج» و «زَوْزَبَارِج» گفته است. می شود و در زبان رومی «اسْطَرْخَلُو» دیسکورید (*Strumum*) (*Strychnus*) نام دارد و نام لاتینی آن «أَوْتَه قَنِینة» (*Uva canina*) و همراه با این ترجمه «کاکنج» را یادآور می شود که نام لاتینی آن «غَالِیَّة» است و اهالی اندلس و مغرب به آن «حَب اللِّهْو» گویند و به رومی «أَلَلِیقَاوْن» (*Halikakkabon*) نام دارد و عامه مصر به آن «عُجَب» گویند و جالینوس انواع «عنب الثعلب» را در فصل هشتم از کتاب خود ذکر کرده است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۶۵]

زر. - طب.	عنب الثعلب	<i>Solanum nigrum L.</i>
دیسکورید	سُطْرُوخْنُ البستانی، فَنَا، ثَلْثَان، عنب الثعلب	<i>Solanum nigrum L.</i>
دیسکورید	نوع دوم عنب الثعلب، کاکنج، حب اللهو	<i>Physalis alkekengi L.</i>
پارسا	کاکنج - عروسک پس پرده	<i>Physalis glkekengi L.</i>
الموسوعه	حبوة کاکنجیة، کاکنج، کَرْز القدس، شاش القاضی	<i>Physalis alkekengi L.</i>
الموسوعه	فَنَا، عَنْبُ الثَّلَبِ	<i>Paris incompleta Bieb.</i>
خطابی	عنب الثعلب بری	<i>Solanum nigrum L.</i>
خطابی	عنب الثعلب بستانی	<i>Physalis alkekengi L.</i>

۱۳۱۴ - عنب الحیة<sup>۱</sup>، عنب الحیة<sup>۲</sup>: به میوه آن «هزار جَسَن» گویند و آن «کرمة البیضاء» است و گاهی منظور یونانیان از این نام میوه «کَبَر» است.<sup>۳</sup>

الموسوعه	فاشرا سَوْدَاء، عنب الحیة، خَیْطَة	<i>Bryonia dioica Jacq.</i>
----------	------------------------------------	-----------------------------

۱۳۱۵ - عنب الدُّب<sup>۱</sup>، عنب الدب<sup>۲</sup>، عنب الدب<sup>۳</sup>: نام های دیگر آن: ترکی: مردار اغاجی<sup>۴</sup> - درخت غایش<sup>۵</sup>

الموسوعه	عَیْسِرَان عنب الدب، عنب الدب	<i>Arctostaphylos uva-ursi Spreng.</i>
----------	-------------------------------	--

۱۳۱۶ - عَنْدَم<sup>۱</sup>، عَنْدَم<sup>۲</sup>، عَنْدَم<sup>۳</sup>: نام های دیگر آن: به گفته ابو حنیفه: بَقَم<sup>۴</sup> - دیگر مترجمان: دم الأخوين<sup>۵</sup> - نام صمغ: شِیَان<sup>۶</sup>

الموسوعه	عَنْدَم	<i>Caesalpinia sp.</i>
خطابی	عَنْدَم	<i>Caesalpinia echinata L.</i>

۱۳۱۷ - عُنْصَل<sup>۱</sup>، عنصل<sup>۲</sup>، عنصل<sup>۳</sup>: نام های دیگر آن: اسقیل<sup>۴</sup> - به گفته ابو حنیفه: بَصَل البر<sup>۵</sup> - عموم مردم: بصل الفأر<sup>۶</sup> - عُنْصَلَان<sup>۷</sup> - پزشکان: أشقیل<sup>۸</sup>

الموسوعه	أشقیل، عُنْصَل	<i>Scilla sp.</i>
EN.	عُنْصَل	<i>Scilla sp.</i>

۱۳۱۸ - عُنْقُود<sup>۱</sup>:

۱۳۱۹ - عَنَم<sup>۱</sup>، عَنَم<sup>۲</sup>، عَنَم<sup>۳</sup>: نام های دیگر آن: دیلم و تنکابن: دارواش<sup>۴</sup> - هندی: شکر داری<sup>۵</sup>



<i>Loranthus curopaeus</i> Jack. <i>Viscum album</i> L.	عنم	زرياب
<i>Loranthus</i> sp. <i>Viscum album</i> L.	حَصَّال، عنم	الموسوعه

<i>Aquilaria malaccensis</i> Lam.	عود	زریاب
<i>Aloexylon agallocha</i> Roxb.		
<i>Aloexylon agallocha</i> Roxb.	عود رطب	خطابی

<i>Ophioxylon serpentium</i> L.	عود الحية	الموسوعة
<i>Viscum album</i> L.		

<i>Achillea ptarmica</i> L.	بطرمیتی - عطاس	دیسکورید
-----------------------------	----------------	----------

<i>Anthemis pyrethrum</i> L.	عود القرح	EN.
------------------------------	-----------	-----

۱۳۲۶ - عود الیسر، عود النسر: شریف آن را نام گیاهی با نام یونانی «أناغورس» می‌داند و دیگران آن را نامی برای چوب «خطمی» یا چوب «مخلب» یا «أراک» می‌دانند.<sup>۵</sup>



الموسوعه	عين الديك، ششم، غُصْبَة السوس	<i>Abrus pectorius</i>
----------	-------------------------------	------------------------

۱۳۳۲ - عین الهدهد<sup>ع</sup>، عین الهدهد<sup>ن</sup>: (نامی در آفریقا) نام دیگر آن: آذان الفار الرومی<sup>ع</sup>

الموسوعه	اذان الفار المنعی - عین الهدهد - لاتسنی	<i>Myosotis palustris</i>
----------	---	---------------------------

۱۳۳۳ - عینون<sup>ع</sup>، عینون<sup>ن</sup>، غسله<sup>ع</sup>، سنا اندلسی<sup>ع</sup>: دارای پایه نر و ماده است که یکی را «کحلا» و «کحدان» و «سایس» می نامند. «غافقی» می گوید: نزد ما این نام مربوط به دو نوع گیاه است یکی با نام «کُحِلَاء» و «کُحلوان» و «سلیس» و نزد پزشکان ما در اندلس به «سنا البلدی» معروف است.<sup>ع</sup>

خامالوقی (*Khamaipeuke*): نام بربری آن «تاسلغا» (*Taselga*) است و همان گیاه «عینون» است و نام‌های دیگر آن به لاتینی «شلباش» (*Sivaticus*) و «شرباش» است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۹۹]

دیسکورید	خامالوقی - تاسلغا - عینون - شلباش شرباش	<i>Stachelina chamepeuce L.</i> <i>Serrattula chamepeuce L.</i>
الموسوعه	عینون شرباش	<i>Globularia sp.</i> <i>Serrattula chamepeuce L.</i>

### حرف «غ»

۱۳۳۴ - غار<sup>ع</sup>، غار<sup>ن</sup>، غار<sup>س</sup>: نام‌های دیگر آن: رومی: ارقونیذوس<sup>س</sup> - یونانی: انیموروسقلمیوس<sup>س</sup> - اهل شام: زند<sup>ع</sup>، رند<sup>ع</sup> - فارسی: باهشتان<sup>س</sup> - فرنگی: لاورس<sup>س</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: ذافنی<sup>ع</sup> - نام میوه: فارسی: دهمشت<sup>ع</sup>، دهمست<sup>س</sup> - یونانی: ذافنی<sup>س</sup> - سندی: شنکر<sup>س</sup>، رند<sup>س</sup> [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۷۸: به ذافنی، رجوع شود.]

زریاب	حب الغار	<i>Laurus nobilis L.</i>
دیسکورید	ذافنی - شجر الغار شجر الرند	<i>Laurus nobilis L.</i>
الموسوعه	غار، رند	<i>Laurus nobilis L.</i>

۱۳۳۵ - غارنیون<sup>ع</sup>: نوع اول از این گیاه در ثغر اسکندریه با نام «یمان» و «یَمین» معروف است و نام آن را از اعراب «رقه» شنیده‌ام.<sup>ع</sup>

EN.	غارنیون	<i>Geranium sp.</i>
-----	---------	---------------------

۱۳۳۶ - غاریقون<sup>ع</sup>، غاریقون<sup>س</sup>، غاریقون<sup>ن</sup>، غاریقون<sup>ع</sup>، غاریقون<sup>ن</sup>، غاریقون<sup>ع</sup>، غاریقون<sup>ن</sup>: احتمالاً نوعی «قارچ» است. دو نوع دارد نر و ماده. - نوعی از «فطر» است و دو نوع سفید و سیاه دارد که نوع سفید آن دارای دو نوع نر و ماده است.<sup>ع</sup>  
اغاریقون (*Agarikon*): گیاه معروفی است که وجه تسمیه آن از شهر «أغارقه» روم که در آنجا یافت شده گرفته شده است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۱]

ز.ط.خ.	غاریقون	<i>Polyporus officinalis Fr.</i>
دیسکورید	اغاریقون	<i>Polyporus officinalis Fr.</i>





۱۳۴۸ - غَسْلَجْ<sup>(۱)</sup>، عسلج: نام دیگر آن: عرطینثا<sup>۱</sup>

Geranium arabicum Forsk.	عسلج	زریاب
--------------------------	------	-------

۱۳۴۹ - غَضَفْ<sup>(۲)</sup>: نام های دیگر آن: سندی: قلیخ<sup>۲</sup>، سمّام<sup>۳</sup>۱۳۵۰ - غَلَقَّة<sup>۴</sup>، غَلْقَى<sup>۵</sup>، غلقا: نوعی از يتوعات<sup>۶</sup>

Daemia cordata R.Br. Pergularia tomentosa L. Vincetoxicum officinale Monch.	علقه	زریاب
Pergularia tomentosa L. Vincetoxicum officinale Monch.	غَلَقَّة، غَلْقَى، صُقْلَاب مخزنی	الموسوعة

۱۳۵۱ - غلوکس<sup>۷</sup>:

Gloxinia sp. Pergularia tomentosa L. Vincetoxicum officinale Monch.	غلوکسینیه، سلطان	الموسوعة
---	------------------	----------

۱۳۵۲ - غلیجن آغریا<sup>۸</sup>، غلیجن اغریا: نام های دیگر آن: مشکطرامشیر<sup>۹</sup> - فودنج البستانی<sup>۱۰</sup>

Mentha pulegium L.	غلیخن	EN.
--------------------	-------	-----

۱۳۵۳ - غُوشَنَه<sup>۱۱</sup>، غُوشَنَه<sup>۱۲</sup>، غُوشَنَه<sup>۱۳</sup>، غُوشَنَه<sup>۱۴</sup>، غُوشَنَه<sup>۱۵</sup>، غُوشَنَه<sup>۱۶</sup>، غُوشَنَه<sup>۱۷</sup>، غُوشَنَه<sup>۱۸</sup>، غُوشَنَه<sup>۱۹</sup>، غُوشَنَه<sup>۲۰</sup>، غُوشَنَه<sup>۲۱</sup>، غُوشَنَه<sup>۲۲</sup>، غُوشَنَه<sup>۲۳</sup>، غُوشَنَه<sup>۲۴</sup>، غُوشَنَه<sup>۲۵</sup>، غُوشَنَه<sup>۲۶</sup>، غُوشَنَه<sup>۲۷</sup>، غُوشَنَه<sup>۲۸</sup>، غُوشَنَه<sup>۲۹</sup>، غُوشَنَه<sup>۳۰</sup>، غُوشَنَه<sup>۳۱</sup>، غُوشَنَه<sup>۳۲</sup>، غُوشَنَه<sup>۳۳</sup>، غُوشَنَه<sup>۳۴</sup>، غُوشَنَه<sup>۳۵</sup>، غُوشَنَه<sup>۳۶</sup>، غُوشَنَه<sup>۳۷</sup>، غُوشَنَه<sup>۳۸</sup>، غُوشَنَه<sup>۳۹</sup>، غُوشَنَه<sup>۴۰</sup>، غُوشَنَه<sup>۴۱</sup>، غُوشَنَه<sup>۴۲</sup>، غُوشَنَه<sup>۴۳</sup>، غُوشَنَه<sup>۴۴</sup>، غُوشَنَه<sup>۴۵</sup>، غُوشَنَه<sup>۴۶</sup>، غُوشَنَه<sup>۴۷</sup>، غُوشَنَه<sup>۴۸</sup>، غُوشَنَه<sup>۴۹</sup>، غُوشَنَه<sup>۵۰</sup>، غُوشَنَه<sup>۵۱</sup>، غُوشَنَه<sup>۵۲</sup>، غُوشَنَه<sup>۵۳</sup>، غُوشَنَه<sup>۵۴</sup>، غُوشَنَه<sup>۵۵</sup>، غُوشَنَه<sup>۵۶</sup>، غُوشَنَه<sup>۵۷</sup>، غُوشَنَه<sup>۵۸</sup>، غُوشَنَه<sup>۵۹</sup>، غُوشَنَه<sup>۶۰</sup>، غُوشَنَه<sup>۶۱</sup>، غُوشَنَه<sup>۶۲</sup>، غُوشَنَه<sup>۶۳</sup>، غُوشَنَه<sup>۶۴</sup>، غُوشَنَه<sup>۶۵</sup>، غُوشَنَه<sup>۶۶</sup>، غُوشَنَه<sup>۶۷</sup>، غُوشَنَه<sup>۶۸</sup>، غُوشَنَه<sup>۶۹</sup>، غُوشَنَه<sup>۷۰</sup>، غُوشَنَه<sup>۷۱</sup>، غُوشَنَه<sup>۷۲</sup>، غُوشَنَه<sup>۷۳</sup>، غُوشَنَه<sup>۷۴</sup>، غُوشَنَه<sup>۷۵</sup>، غُوشَنَه<sup>۷۶</sup>، غُوشَنَه<sup>۷۷</sup>، غُوشَنَه<sup>۷۸</sup>، غُوشَنَه<sup>۷۹</sup>، غُوشَنَه<sup>۸۰</sup>، غُوشَنَه<sup>۸۱</sup>، غُوشَنَه<sup>۸۲</sup>، غُوشَنَه<sup>۸۳</sup>، غُوشَنَه<sup>۸۴</sup>، غُوشَنَه<sup>۸۵</sup>، غُوشَنَه<sup>۸۶</sup>، غُوشَنَه<sup>۸۷</sup>، غُوشَنَه<sup>۸۸</sup>، غُوشَنَه<sup>۸۹</sup>، غُوشَنَه<sup>۹۰</sup>، غُوشَنَه<sup>۹۱</sup>، غُوشَنَه<sup>۹۲</sup>، غُوشَنَه<sup>۹۳</sup>، غُوشَنَه<sup>۹۴</sup>، غُوشَنَه<sup>۹۵</sup>، غُوشَنَه<sup>۹۶</sup>، غُوشَنَه<sup>۹۷</sup>، غُوشَنَه<sup>۹۸</sup>، غُوشَنَه<sup>۹۹</sup>، غُوشَنَه<sup>۱۰۰</sup>

Morchella esculenta Pers.	غُوشَنَه	زریاب
Morchella esculenta Pers. Helvella phalloides	غُوشَنَه	الموسوعة

## حرف «ف»

۱۳۵۴ - فَاخُور<sup>(۳)</sup>: نام دیگر آن: مرو العراض<sup>۴</sup>

Origanum maru L.	فاخور - مرو العراض	زریاب
------------------	--------------------	-------

۱- الموسوعة: اللسان: گیاهی است چون «قنقاع» به ارتفاع یک وجب با برگهائی لزج و گلی مشابه گل «مرو جبلی».

۲- الموسوعة: گفته شده گیاهی است در هند مشابه «نخل» با این تفاوت که میوه آن بدون پوست است و از باین تا بالا دارای برگ سبز است.

۳- الموسوعة: گیاهی است خوشبو. ابوحنیفه آن را «مرو بهن برگ» می داند. و گویند در وسط آن گل آذینی مشابه دم رویا با گل قرمز خوشبونی دارد.



<i>Fagara sp.</i> <i>Fragra avicennae Lam.</i>	فاغره	الموسوعه
<i>Xanthoxylon avicenne D.C.</i> <i>Fragra avicennae Lam.</i>	فاغره	زریاب
<i>Xanthoxylon avicenne D.C.</i>	فاغره	خطابی

۱۳۶۰ - فَاَلِنْجِيْنُ، فالنجین: نامی یونانی به معنای رتیل است. نام های دیگر آن: فالنجیطس<sup>۴</sup>، نوقاقیس<sup>۵</sup> فالنجین (*Phalangion*): به معنای «النافع من الرتلاء» نافع برای نیش رتیل است. و من این گیاه را نمی شناسم. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱۰۳ - ۳]

<i>Phalangium ramosum Lam.</i> <i>Anthericum ramosum L.</i>	فالنجنین	دیسکورید
--	----------	----------

۱۳۶۱ - فَاَلْبَرْئُسُ، فالبریس: نام های دیگر آن: فالبرس<sup>۶</sup>، فالی بورس<sup>۷</sup> فالبریس (*Phaleris*): این گیاه را نمی شناسم. جالینوس آن را «فالئورس» می نامد. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱۳۷ - ۳]

<i>Phalaris tuberosa L.</i>	فالبریس	دیسکورید
-----------------------------	---------	----------

۱۳۶۲ - فَاَنَاقِسُ اَسْقَلِيُوس<sup>۸</sup>، فاناقس اسقینوس: نوع بزرگ «زوفرا»<sup>۹</sup>  
 ۱۳۶۳ - فَاَنَاقِسُ خَيْرُونِيُون<sup>۱۰</sup>، فاناقس خمرونیون: نوع کوچک «زوفرا»<sup>۱۱</sup>  
 ۱۳۶۴ - فَاَوَانِيَا، فاونیا، فاونیا، فاونیا، فاونیا، عود الصلیب<sup>۱۲</sup>، کهنابا<sup>۱۳</sup> (نام چوب)، عود الصلیب<sup>۱۴</sup>، عود الصلیب<sup>۱۵</sup>، عود الصلب<sup>۱۶</sup>: ؟ نام های دیگر آن: عود الصلیب<sup>۱۷</sup> - جالینوس: جالقیسیدس<sup>۱۸</sup> - عود الريح<sup>۱۹</sup> - سریانی: کهنابا، کهنابا - مغرب: عود الحمیر<sup>۲۰</sup> دارای دو نوع نر و ماده است نام نوع ماده آن نزد عوام «ورد الحمیر» است.<sup>۲۱</sup>  
 غلیقیسیدی (*Glukuside*): همان «فاونیا»، «کهنابا» و «عود الصلیب» است و دارای پایه های نر و ماده است.  
 نام پایه نر را گیاهشناسان اندلسی «وَرْدُ الْحَمِير» گویند و این نامی مشترک است و این نوع در بازار عطاری مصر هم اکنون وجود دارد. پایه ماده آن برای یملری «صرع» مفید است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱۳۵ - ۳]

<i>Paeonia officinalis Retz.</i>	فاونیا	ز. - خ. - ط.
<i>Sedum telphium</i>	فاونیا - عود الصلیب - ناز	پارسا
<i>Sedum telphium</i>	فاونیا - عود الصلیب - ناز	پارسا
<i>Paeonia corallina L.</i> <i>Paeonia officinalis L.</i>	غلیقیسیدی، فاونیا، عود الصلیب، کهنابا، ورد الحمیر	دیسکورید
<i>Paeonia corallina L.</i>	فاونیا	EN.

۱۳۶۵ - فَتَاتِلُ الرَّهْبَانِ، فتاتل الرهبان: نام دیگر آن در اسکندریه: زنجبیل<sup>۲۲</sup>  
 ۱۳۶۶ - فَجْلُ، فجَل، فجَل، فجَل، فجَل بری<sup>۲۳</sup>، هیضمان<sup>۲۴</sup>، هیضمان (فجل بری): نام های دیگر آن: فارسی: ترب<sup>۲۵</sup>، تربیزه<sup>۲۶</sup> - شیرازی: تربزه<sup>۲۷</sup>، تربیزک<sup>۲۸</sup> - سریانی: فعالا<sup>۲۹</sup>، فوغلی<sup>۳۰</sup> - رومی: دفیون<sup>۳۱</sup>، رفینون<sup>۳۲</sup>، رفانی<sup>۳۳</sup> - یونانی: افاتیس<sup>۳۴</sup>، ابابوس<sup>۳۵</sup> - هندی: مولی<sup>۳۶</sup> - فرنگی: رفالس<sup>۳۷</sup> «غسانی» می گوید: دارای نوع بستانی و بری است و بستانی به دو نوع کوچک و بزرگ تقسیم می شود، نام نوع بزرگ «فجل رخامی» و نام نوع بری «اقرنون» است و عوام شهر فاس به آن «کرونونش» گویند و



معروف به «فجل بری» است.

رافانوس (*Rhaphanis*): فُجَل (این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۹۷]

<i>Raphanus sp.</i>	فجل	الموسوعه
<i>Cochlearia armoracia L.</i>	فجل بری	طباطبائی
<i>Raphanus sativus L.</i>	فجل	ز،خ،ط،د.
<i>Nasturtium officinale R.Br.</i>	اقرنون	خطابی
<i>Raphanus niger Mill.</i>	فجل الاسود	خطابی - EN.
<i>Raphanus raphanistrum L.</i>	فجل بری	خطابی

۱۳۶۷ - فجل باعشقی: نام دیگر آن: فجل شامی

۱۳۶۸ - فراسیون، فراسیون، فراسیون، فراسیون، فراسیون، شربت، شارب، انجیده، صنوبر الارض، کراث جبلی: نام «فراسیون» از یکی از شهرهای روم به نام «فرانسه» گرفته شده است. نام‌های دیگر آن: اذن الحمار، اذن الثور - فاس: مریوت، مرور - اورمینون - طوریدخ - یونانی: فراسین، برسون - لاتینی: مادر و پتیم - عربی: علقما (زیرا تلخ است و عرب هر چه تلخ باشد را «علقم» گوید)، حشیشه الکلب، صوف الارض - فارسی: گندنا کوهی، افنان سر، کورار، به معنای کراث جبلی که گندنا کوهی است و لفظ کرویا شاید از کورار گرفته باشد. پراسین (*Prasion*): نام «فراسیون الأبيض» و «مرویه الأبيض» است و «سنار» یا «شجرة الکلاب» نام دارد زیرا سگ‌ها بیشتر روی آن بول می‌کنند، نام دیگر آن «شجرة سندیان الارض» است.

بلوطی (*Ballota*): به لاتینی «مرویه بتوشه» نام دارد و نوعی فراسیون سیاه رنگ است. جالینوس آن را «لاعه» معرفی کرده در حالیکه لایه از «یتوعات» (گیاهان شیرابه دار) است و «بلوطی» شیرابه ندارد. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۹۸ و ۱۰۰ - ۴ - ۱۱۳]

<i>Marrubium vulgare L.</i>	براسین، فراسیون الأبيض، مرویه الأبيض سنار، شجرة الکلاب	دیسکورید
<i>Ballota nigra L.</i>	بلوطی - نوعی فراسیون سیاه	دیسکورید
<i>Marrubium sp.</i>	فراسیون، باذاورد	الموسوعه
<i>Marrubium vulgare L.</i>	فراسیون	ز،خ،ط،د. EN.

۱۳۶۹ - فریون، فریون، فریون، فریبون، فریبون، تاکوب، حافظ الطفل، حافظ الاطفال:؟ مغرب او برنیون فارسی است. نام‌های دیگر آن: رومی: فریبون، هیوما فطون، افریبون، ایریبون - اکل نفسه، حافظ اطفال، قاتل ایه - بربری: تاکسوت - رومی: فوطینوس - یونانی: کمالیون - اهل مصر و شام: لبانه مغریه - مغرب: تگوت

أفریبون (*Euphorbion*): نام دیگر آن «فریبون» است و به بربری «تاکوت» نام دارد و در مصر به آن «لوبانة المغریه» گویند. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۷۸]

<i>Euphorbia L.</i>	أفریبون، فریبون، تاکوت، لوبانة المغریه	دیسکورید
<i>Euphorbia L.</i> <i>Euphorbia lathyris L.</i>	فریبون	پارسا
<i>Euphorbia L.</i> <i>Euphorbia lathyris L.</i>	فریبون، یتع، تاکوت، عتجد	الموسوعه

<i>Euphorbia resinifera</i> Berg.	فربيون	زریاب
<i>Euphorbia resinifera</i> Berg. <i>Euphorbia helioscopia</i> L.	فربيون	زر. - طبا.
<i>Euphorbia officinarum</i> L.	فربيون	خطا، EN.
<i>Euphorbia pithyusa</i> L.	تاگوت	خطایی

۱۳۷۰ - فرمِ یوس: نام دیگر آن: برنفیس

۱۳۷۱- «فَرَنْجَمَشْک»، «فلنجمشک»، فرنجمشک، «فَرَنْجَمَشْک»، «بَرَنْجَمَشْک»، «بَرَنْجَمَشْک»، فرنجمشک، «فرنجمشک»، «فرنجمشک»، «برشک»، «بلنجمشک»، «حبق قرنفل»<sup>۱</sup> (فرنجمشک بستانی)، «فلنجمشک»، «قرنفل بستانی»، «قرنفل بستانی»، «فرنجمشک»<sup>۲</sup> «مغرب پلنگمشک» فارسی است. نام‌های دیگر آن: «فلنجمشک»، «ابرنجمشک»، «برگ فرنجمشک» - هندی: «انبل»، «رام تلسی» - «ابن ماسویه: حَبَقْ قَرْنَفَلِ»<sup>۳</sup> - سریانی: «فلنلمکا» - رومی: «امیولوفرأس» - سریانی: «اتبلیس» - ریحان قرنفلی» - «فرنجمشک»، «پلنگ مشک» - نام گیاه در کتاب دیسکورید: «آفیس»<sup>۴</sup> - شیرازی: «پوبهکل»<sup>۵</sup> «ابن بیطار» می‌گوید: بعضی از دانشمندان ما «فرنجمشک» را دو نوع می‌دانند یکی بستانی معروف به هندی و دیگری بری معروف به صینی، و نوع اول به یونانی به «آفیس» معروف است.<sup>۶</sup> - «ابوحنیفة» نام دیگر «فرنجمشک» را «أصابع الفیتات» می‌داند.<sup>۷</sup>

الْأَيْنُس (Akinos): نام‌های دیگر آن عبارتست از: فرنجمشک - برنجمشک - حَبَقِ قَرْفَلَى - اصابع الفتيات - قَلْثَمَان [ابن بطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۴۱]

<i>Ocimum pilosum W.</i>	دیسکورید أَفْيُس - فرنجمشک - برنجمشک - حَبَقْ قرنفلی - اصابع الفتیات - قَلْمان
<i>Calamintha acinos Man.</i> <i>Ocimum pilosum W.</i> <i>Ocimum basilicum L.</i>	زریاب فلنجمشک
<i>Calamintha graveolens Benh.</i>	پارسا ترنج مسک - فرنج مشک
<i>Melissa calamintha Benth.</i> <i>Melissa officinalis L.</i>	پارسا فرنجمشک
<i>Ocimum pilosum Willd.</i>	الموسوعه فرنجمشک، حَبَقْ قرنفلی، حبِق ویر، حمام

۱۳۷۲ - فَرخار:

۱۳۷۳ - فرود و هامان<sup>۵</sup>:

۱۳۷۴ - فرفار: نام درخت، بزرگ  
ابوحنیفه

۱۳۷۵ - فروغودیلان<sup>۵۶</sup>، تیمط<sup>۵۷</sup>: نام‌های دیگر آن: اندلس و مغرب: تیمق<sup>۵۸</sup>، تیمط<sup>۵۹</sup> - برخی از شهرهای اندلس: رعی الحمیر<sup>۶۰</sup> - خاملان مالس<sup>۶۱</sup> - تاسکرا<sup>۶۲</sup> - وایله<sup>۶۳</sup> - شوک الحمیر<sup>۶۴</sup>، شوک الفراء<sup>۶۵</sup>

۱۳۷۶ - فُسْتُقْ، فسْتَقْ، فسْتَقْ، فسْتَقْ، فسْتَقْ؛ مغرب پسته فارسی - نام «پسته» مشهور است و یک سال نمی بندد که به این نام موسوم می باشد. - نام های دیگر آن: سریانی: بستقی - یونانی: بسطاقیا - فرنگی: بسباکه - «بُزْعُنَج» و «بزغند» به فارسی نام میوه «درخت پسته» است و گویند نام میوه پسته ای است که یک سال مغز می بندد.

بِسْطَاقِيَا (*Pistakia*): نام «فُسْتَق» است و ابن جزار صمغ آن را «عَلْكُ الْأَنْبَاط» نامد. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۳۴]

<i>Pistacia vera</i> L.	بسطاقيا - فستق - علك الانباط (صمغ)	ديسکورید
-------------------------	------------------------------------	----------

<i>Pistacia vera L.</i>	فستق	ز. - خ. - ط. - ال.
<i>Pistacia vera L.</i>	پسته - شهن (بلوچستان)	پارسا

۱۳۷۷ - فُسَوَة الضعیج، فوه الصیغ: نوعی کماة - نام دیگر آن: قَعْبَل

<i>Tuber brumale Vittad.</i> <i>Bovista plumbea Pers.</i>	فوه الصیغ - قَعْبَل - نوعی کماة	زریاب
<i>Pancaratium maritimum</i>	فسوه الضعیج	خطابی

۱۳۷۸ - فُشَاغ، فُشَاع، فُشَع، کَرَمَة شائکَة، کَرَمَة شانکَة: نام‌های دیگر آن: فُشَع - فارسی: سرم - بخاریه: افزغنج - سفدیه: فزغند - ترمذیه: قوج - بلخیه و طخاریه: جُذری، عَکاش - عجمی اندلس: ربولة - دیسکورید: میلقص طراخیا - نام میوه آن نزد عامه اندلس و مغرب «حَب النعام» است.<sup>۴</sup>

<i>Smilax aspera L.</i>	فُشَاغ	زریاب
<i>Smilax sp.</i>	فُشَاغ، فُشَاغ	الموسوعة

۱۳۷۹ - فُضِیَّة، غُنافالیون، غُنافَلِیون: نام‌های دیگر آن: در کتاب دیسکورید: غُنابلیان - در کتاب جالینوس: نام این گیاه «غالبون» مشتق از «قطن» است زیرا مردم بخاطر برگ‌های نرم و فربه آن جهت زیر انداز آن استفاده می‌کنند.<sup>۵</sup> غُنافَلِیان (*Gnaphallion*) نام گیاه «فضیه» و به معنای «حشوی» است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۱۲]

<i>Gnaphalium dioicum L.</i> <i>Santolina maritima Smith.</i>	غُنافالیون	زریاب
<i>Gnaphalium L.</i> <i>Santolina maritima Smith.</i>	غُنافالیان	دیسکورید
<i>Protea sp.</i>	فُضِیَّة	الموسوعة

۱۳۸۰ - فُطَر، کَوکَب الارض، فُطَر، فُطَر، فُطَر: نام‌های دیگر آن: فُطَر - فارسی: سماروغ، شما - سریانی: فطریاثا - رومی: موکوپیس - هندی: پهین چهر - یونانی: اونطریثا، قنطس، موقوطس - دارای انواعی است: نام‌های نوعی از آن: فُقع - فارسی: هیگل - نام نوعی دیگر: فوشنه - نام نوعی دیگر: فقیل - نام فطر خوراکی به هندی: کبنهی بخفای - نام فطر غیر خوراکی به هندی «پدیهر» و نام نوعی دیگر آن «چهربخفای‌ها» و نوع دیگر آن «کن دهل» است.  
موقِطُس (*Muketos*): نام‌های دیگر آن عبارتست از: فُطَر - فُقع [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۷۵]

<i>Tuber album Sow.</i>	کَوکَب الارض	ز. - خط.
<i>Funji spp.</i>	فُطَر	دی. - خط.
<i>Funus - Mushroom (E)</i>	فُطَر	الموسوعة
<i>Mushroom (E)</i>	فُطَر	EN.

۱۳۸۱ - فُطَراسالیون، فُطَراسالیون، بطراسالیون، بطراسالیون (نامی یونانی)، نفکر: نام‌های دیگر آن: فُطَراسلیون -

<i>Carum petroselinum</i> Benth. & Hook.	فطراسالیون - بزر کرفس کوهی	زریاب
<i>Carum petroselinum</i> Benth. & Hook.	بطراسالینون - کرفس صخری	دیسکورید
<i>Apium petroselinum</i> L.	فطراسلینون	EN.

<i>Lycoperdon</i> sp.	فَقَع	الموسوعة
-----------------------	-------	----------

<i>Cucumis sativus</i> L.	فَقُوس، قَبَاء، مَقْتَى، قَتَى، قُسْفَر	الموسوعه
---------------------------	---	----------

<i>Jasminum sambac</i> (L.) Ait.	فل - ریشه نیلوفر هندی	زریاب
<i>Jatropha gossipifolia</i> L.	فل	خطابی
<i>Jasminum sambac</i> (L.) Ait. <i>Mogorium sambac</i> Lam.	فَلّ - یاسمین زنبقی	الموسوعه
<i>Jasminum sambac</i> (L.) Ait. <i>Mogorium sambac</i> Lam.	فَلّ	EN.

باباری (Peperi): به آن «فلّ» گویند و درخت آن «دارفلل» نام دارد و نام دیگر آن «فلل الأیض» است. [ابن بطار] در ترجمه کتاب دیسکورید ۲ - ۱۴۲]

<i>Piper nigrum L.</i>	فلفل أسود - فلفل أبيض	زر. - خط.
<i>Piper nigrum L.</i> <i>Piper aromaticum Lamk.</i>	باباری - فلفل - دار فلفل - فلفل أبيض	دیسکورید
<i>Piper nigrum L.</i>	فلفل سیاه	پا. - طب.
<i>Piper sp.</i>	فلفل	الموسوعة

۱۳۸۸ - فلفل السودان؛ فلفل السودان؛ فلفل السودان: نام دیگر آن: بربری: حرفی<sup>۴</sup>

۱۳۸۹ - فلفل الصقالبة<sup>(۱)</sup>، فلفل الصقالبة: نام دیگر آن: بزر فنجنگشت<sup>۵</sup>

گاهی منظور از این نام میوه «بنجنگشت» است و گاهی نیز «بزر حُرْف مشرقی» است.<sup>۶</sup>

۱۳۹۰ - فلفل الماء؛ فلفل الماء؛ فلفل الماء: نام دیگر آن در کتاب جالینوس: اوردپاپاری<sup>۷</sup> - نباتیست که در آبهای راکد و آب‌های روان و آرام می‌روید.<sup>۸</sup>

اُودزُباباری (*Hudropeperi*): به معنای «فلفل الماء» است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۴۴]

<i>Polygonum hydropiper L.</i>	فلفل الماء - اوردپاپاری	زر. - طب.
<i>Polygonum hydropiper L.</i>	اُودزباباری - فلفل الماء	دیسکورید
<i>Polygonum hydropiper L.</i>	زنجبیل الکلاب - فلفل الماء	الموسوعة

۱۳۹۱ - فلفلمون: نوعی پودنه - نام‌های دیگر آن: حبق جبلی - فارسی: نه کوهی<sup>۹</sup>

۱۳۹۲ - فلفل مویه؛ فلفل مویه؛ فلفل مویه؛ فلفل مویه؛ فلفل مویه؛ فلفل مویه؛ اصل الفلفل: یعنی شبیه به فافل<sup>۱۰</sup> نام‌های دیگر آن: فلفلموی، فلفلمون، فلفل مویه - هندی: پی پل مول، پیپلامول بلام، پیپلامور، «مور» و «مول» به معنای ریشه و «پیپل» نام درخت «فلفل» است. بنا بر گفته‌ای معنای «فلفل مویه»، «ریشه دارفلفل» است.<sup>۱۱</sup> «ابن ماسه» و دیگران آن را ریشه درخت «فلفل» می‌دانند.<sup>۱۲</sup> - «رازی» «فلفل مویه» را شاخه «فلفل» می‌داند.<sup>۱۳</sup> «اسحاق بن عمران» می‌گوید: ریشه‌های نارگی است...<sup>۱۴</sup> - «صهاربخت» آن را ریشه «فلفل» می‌داند.<sup>۱۵</sup>

<i>Piper longum L.</i> <i>Piper betle L.</i>	فلفلمول	زریاب
<i>Capsicum frutescens L.</i>	فلفل مویه - فلفل سرخ - فلفل احمر	پارسا

۱۳۹۳ - فلّیقله<sup>۱۶</sup>، فلیقله: نام «هرونه» است و عامه اندلس آن را نام «نانخواه» می‌دانند و بعضی آن را بعنوان میوه «بنجنگشت» می‌شناسند.<sup>۱۷</sup>

<i>Capsicum sp.</i>	فلّیقله	الموسوعة
---------------------	---------	----------

۱۳۹۴ - فَنجیون: نام دیگر آن: فنجریون<sup>۱۸</sup>

۱۳۹۵ - فَو، فَو، فَو، فَو، فَو (نامی یونانی)، عروق حُمَر: نام‌های دیگر آن: فَوه - فارسی: شیشه، بیخ سنبل - یونانی: ثوریدوس، فوله - اهل خوارزم: زوله - هندی: چهل کری، جالکری، قرین مو - دوقو - نارین بری، ناردوس بری - سریانی: رعنادملا - حنین: کرفس عظیم<sup>۱۹</sup>

۱- الموسوعة: نام «آرنده» و «سرساده» و «کف مریم» و... است.

دارای دو نوع است: نام های نوع بزرگ آن: فرنگی: فوباکینوم<sup>۱</sup> - نام کوچک آن: فرنگی: فوباروم<sup>۲</sup> - غسانی<sup>۳</sup> می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است عده ای آن را «سنبل بری» و گروهی «قرصنة» و برخی «شقائق» می دانند و بعضی آن را نامی برای ریشه های «جَزَر بری» و گروهی هم نام ریشه «غَيْطَل» می گویند. برخی هم می گویند نوعی «قرصنه» است و این نظر را برخی از دانشمند جدید بر سایر نظرات ترجیح داده اند.<sup>۴</sup>

فو (Phu): غیر از این نام دیگری برای آن نمی شناسم. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۱۱]

Valeriana dioscorides Sibt.	فو	دی. - خط.
Valeriana dioscorides Sibt. Valeriana phu L.	ناردین الحدائق، سنبل الحدائق، فُو	الموسوعة
Valeriana Phu L. Valeriana dioscorides Sibt. Valeriana officinalis L.	فو - ناردوس بری	زریاب
Valeriana officinalis L.	فو	طباطبائی
Valeriana sp.	فو	EN.

۱۳۹۶ - فودَنْج<sup>۱</sup>؛ فوتنج<sup>۲</sup>؛ فوتنج<sup>۳</sup>؛ فودنج<sup>۴</sup>؛ فودنج<sup>۵</sup>؛ غلیجن<sup>۶</sup> (نوع بری)، حبق<sup>۷</sup>، حبق الماء (فوتنج نهري)، فودنج<sup>۸</sup>؛ فوتنج<sup>۹</sup> معرب از «پودنه»<sup>۱۰</sup> یا «پودنک» فارسی است.<sup>۱۱</sup> - نام های دیگر آن: سریانی: هیزارنا، فونیاتا، فیلا<sup>۱۲</sup> - رومی: اربقانون<sup>۱۳</sup> - عربی: حبق<sup>۱۴</sup> - فاس: مشیشتر<sup>۱۵</sup> - مراکش: تیمج<sup>۱۶</sup> - بربری: تیمرساط<sup>۱۷</sup> - اندلس: ضومران<sup>۱۸</sup> - بلایه<sup>۱۹</sup> - دارای سه نوع است: نام های نوع بری: یونانی: علیجن<sup>۲۰</sup> - اهل اندلس: بلایه<sup>۲۱</sup> - مصر: قلیه<sup>۲۲</sup> - شام: صعتر<sup>۲۳</sup> - غُبیره<sup>۲۴</sup> - نام های نوع جبلی: رومی: اریقانون<sup>۲۵</sup> - اوریاسیوس: غلیشن<sup>۲۶</sup> - سریانی: قورنیشادطوری<sup>۲۷</sup> - سندی: فودنو<sup>۲۸</sup> - فارسی: پودنه کوهی<sup>۲۹</sup> - نام های نوع بستانی: حبق بستانی - فریشا<sup>۳۰</sup>، قریشا<sup>۳۱</sup> - نام های نوع دیگر: رومی: طراغوریقاس<sup>۳۲</sup> - فودنج التیس<sup>۳۳</sup> - نام های نوع نهري: حبق الماء - حبق التمساح<sup>۳۴</sup> - فوتنج نهري<sup>۳۵</sup> - ضومران<sup>۳۶</sup> - «فوتنج»، «پودنه» است... سه جنس است کوهی و جویباری و بستانی، کوهی را «فوتنج جبلی» گویند، و جویباری را «هیرازمای» خوانند، و بستانی را «ننع» گویند.<sup>۳۷</sup> «فودنج» سه نوع باشد جبلی و بری و نهري. مولف گوید جبلی دو نوع است یک نوع را «حاشا» خوانند، به یک نوع «فلقمون» و «فم» گفته اند. بری آن دو نوع دارد یکی را «مسک طرامسیع» گویند و نوع دیگری مانند «پودنه» است. و نهري آن یک نوع بیش ندارد، بهترین آن جبلی است تازه سبز آن خوشبو است و برگ های کوچک دارد.<sup>۳۸</sup> «ابن بیطار» می گوید: دارای سه جنس است: بری، جبلی و نهري. نوع بری گیاهی معروف است. عجم اندلس به آن «بلایه» و عامه مصر «قلیه» و به یونانی «غلیجن» گویند، اصطفاان این گیاه را در روم با همین نام مشاهده کرده و می گوید اهالی شام به آن «صعتر» گویند.<sup>۳۹</sup> اما گیاه «غلیخن آغریا» یا «مشکطرامشیع» در جزیره آفریقای می روید، و «قلامتی» نام «فودنج نهري» است.<sup>۴۰</sup>

قلامتی (Kalaminthe): نام «فودنج» است .... [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۴۳: به وضومران، و وضومران، رجوع شود.]

Thymus barrelieri Spreng. Thymus nepeta Sm. Thymus calamintha Scop.	فالامتی - فودنج	دیسکورید
Mentha aquatica L.	فودنج نهري	دیسکورید
Origanum vulgare L. Mentha sylvestris L. Mentha officinalis Hull. = M.piperita L.	فودنج شائع، فودنج	الموسوعة



دِرَاقُطِیون (Drakontion): به معنای «لوف الحَیَّه» و نام آن «فیلجوش» و «لوف الجَعْد» است و در مغرب به آن «صارَه» و در اندلس «صَرَاحَة» و به زبان لاتینی عمومی «عَرَّغَنِیْته» گویند. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۴۹]

Colocasia antiquorum Shott. Arum colocasia L.	فیلجوش	زر. - طب.
Arum dracunculus L.	دراقتیون، فیلجوش، لوف الجعد	دیسکورید
Arum sp.	فیلجوش، تریاق آبیض	الموسوعه

۱۴۰۲ - فیلزهرج، فیلزهرج، فیلزهرج، فیلزهرج (نامی فارسی)، لوقیون: نام های دیگر آن: حُضْض هندی، درخت حضض - لوقیون - مرارة الفیل - نام عصاره: حضض - رازی می گوید: دارای سه نوع، هندی است و از زرشک گرفته می شود و نام عربی آن «حضض» و «لوقیون» است.

Lycium afrum L. Rhamnus infectoria L.	فیلزهرج - لوقیون	زر. - طب.
--	------------------	-----------

۱۴۰۳ - فیلون:

۱۴۰۴ - فیلطس: نام دیگر آن: نزد گیاهشناسان اندلس: ذنب الحداء

### حرف «ق»

۱۴۰۵ - قاتل ایبه، قاتل ایبه، قاتل ایبه: نام های دیگر آن: قوماروس - اطيوس - قطلب - وجه تسمیه آن: برای ماندن آن روی درخت تا پیدایش جوانه های تازه است.

قوماروس: به معنای «طُعْمَة الحَمراء» است و نام میوه آن «جَنَى الاحمر» و «قاتل ایبه» است و به درخت آن «شجر القُطْلَب» گویند، نام رومی آن «قاماریون» است و اهالی اندلس آن را «عصیر الدب» و عامه مغرب «آسانشوا» نامند و به زبان لاتینی عمومی «مَطْرُونِیْه» (Matronus) نام دارد. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱۲۱ - ۱]

Arbutus sp.	قاتل ایبه، قُطْلَب، قُطْلَب، بَیْج	الموسوعه
Arbutus unedo L.	قاتل ایبه	زر. - طب.
Arbutus unedo L.	قومارس - قاتل ایبه	دیسکورید

۱۴۰۶ - قاتل الدب: نام های دیگر آن: بارویشا - بارونوخیا، از اسم داحس گرفته شده چون موجب بهبودی آن است.

Paronychia serpyllifolia D.C.	قاتل الدب - باروخیا	زریاب
-------------------------------	---------------------	-------

۱۴۰۷ - قاتل العلق: نوع ماده «أناغلس» با گل آبی است.

۱۴۰۸ - قاتل الکلب، قاتل الکلب: نام های دیگر آن: خائق الکلب، کرنب الکلب - سطاخیس [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۴ - ۷۳: به «خائق الذب» و «خائق الکلب» رجوع شود.]





الموسوعة	فاقل، قاقاليا
----------	---------------

۱۴۱۶ - قاقیا: نوعی اشق<sup>۳</sup>

۱۴۱۷ - قاوند: (تخمی که از هندوستان می‌آورند) نام‌های دیگر آن: قیوند - فارسی: تخم قاوند - روستائیان شیراز: سربیل  
۱۴۱۸ - قَتَادُ، قَتَادُ، قَتَادُ، قَتَادُ: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: عربی: شجر القدس، مسواک القیاد، مسواک المسيح - فارسی: گون، نوارس (قیچ نوعی از آن است)، کُم - شیرازی: بالش عاشقان - شجرة کثیراء<sup>۵</sup> غسانی گوید: پزشکان در مورد ماهیت آن اختلاف کرده‌اند گروهی آن را «شکاعی» و عده‌ای آن را «کثیراء» می‌دانند و... بطرَبون (Potirion) "سلیمان بن حسان" آن را نامی برای «عود الاراک» بادانه‌ای به نام «بربر» دانسته در حالیکه گیاه «اراک» خاردار نیست. در عین حال من - ابن بیطار - آن را نمی‌شناسم. (این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۱۵)

ابن بیطار در کتاب جامع می‌گوید: این گیاه را من در کوه‌های لبنان شناختم که به آن «قَتَادُ الأعظم» گفته می‌شود و ریشه‌های آن مشابه شبکه اعصاب است و هنگامیکه شکسته می‌شود شیرابه از آن خارج می‌گردد.

<i>Acacia senegalensis</i>	سَنَط السَّنْغَال، قتاد، هَشَاب	الموسوعة
<i>Acacia senegal Willd</i>	قتاد	زر. - طبيا.
<i>Astragalus tragacantha L.</i>		
<i>Astragalus poterium</i> L.	بطريون، (قتاد الأعظم)	ديسكوريد
<i>Astragalus arnacantha M.</i>		
<i>Astragalus gummifera</i>	قتاد	خطابي

۱۴۱۹ - قِثاء، قِثاء، فنا، قِثا، قِثا، بذر القِثا، خیار؛ نام‌های دیگر آن: خراسان: خیار - یمن: قُشْمَر - قسعر - فارسی: خیارزه<sup>۲</sup> - تبریزی: شنکیا - یونانی: قیموطمشور<sup>۳</sup> - سریانی: بوسینی<sup>۴</sup> - رومی: قومیا، اغفورقیون<sup>۵</sup>، فاوریسون<sup>۶</sup>، سوکی فینون<sup>۷</sup> - هندی: ککری<sup>۸</sup> - سریانی: قطیا<sup>۹</sup> - نام‌های نوع کوچک آن: شعایر - صقابس - فارسی: خیار درزده<sup>۱۰</sup>، خیار دراز<sup>۱۱</sup>

سیفُس ایماروس (*Sikus hermeros*): نام «قنّاء البستانی» است و اهالی مغرب به آن «فُقُوس» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه کتاب دیکورید) ۲ - ۱۱۹ - ۳ - ۱۵]

<i>Cucumis sativus</i> L.	قثاء	زر - طبا.
<i>Cucumis flexuosus</i> L.		
<i>Cucumis sativus</i> L.	سیفس ایمارس، قثاء بستانی، قفوس	دیسکورید
<i>Cucumis sativus</i> L.	خیار، قُثدسیفس ایمارس، قثاء بستانی، قفوس	الموسوعه
<i>Cucumis sativus</i> L.	قُفوس، قُثاء، مِقتی، قُتی، قُشُغر	الموسوعه
<i>Cucumis flexuosus</i> L.	قثاء	خطابی
<i>Cucumis sativus</i> L.	خیار	خطابی

۱۴۲۰ - قِثَاءُ الْحِمَارِ، قِثَاءُ الْحِمَارِ، قِثَاءُ الْحِمَارِ، قِثَاءُ الْحِمَارِ، قِثَاءُ الْحِمَارِ، قِثَاءُ الْحِمَارِ، قِثَاءُ الْحِمَارِ (نامی عربی)، اومادا (نام عصاره): نام‌های دیگر آن: عربی: مشط الذنب؛ - فارسی: خیارزه اسپند، خیارخر، سماهنگ، کربز، خیارزده سفید - یونانی: شقوشینا، اسفیراناغویوس - هندی: کرمی، کچری تلخ - رومی: اغرو سو قومیس - سریانی: قطبی حمار - قِثَاءُ الْبَرِّ - اندلس: عَظْمٌ - قُوسُ الْحَمِيرِ - نام میوه به یونانی: اتریون - نام عصاره آن به رومی: الطیرون و اتریون - اونودیا

<i>Momordica elaterium</i> L. = <i>Cucumis asininus</i> Willd.	قثاء الحمار - اصفهان: کوزسگی، کموزکمل، خرخیار	پارسا
<i>Momordica elaterium</i> L. <i>Echallium elaterium</i> <i>Elaterium officinale</i> <i>Elaterium agreste</i>	قثاء بری، ققوس الحمیر، عوزور، اطرینون	الموسوعه
<i>Echallium elaterium</i> Rich. <i>Momordica elaterium</i> L.	قثاء الحمار	زریاب
<i>Echallium elaterium</i> Rich.	قثاء الحمار	خزابی

۱۴۲۱ - قثاء الحیة، قثاء الحیه: نام دیگر آن: زراوند الطویل<sup>ع</sup>  
 ۱۴۲۲ - قثد (نامی عربی) قثل، خیار، جلجمانا، قثد، بزر القثد، جلمات، قثد، خیار: نام‌های دیگر آن: عربی: قثد - فارسی: خیار خوراکی، خیار باذرنگ - شیرازی: خیار دراز، خیار بالنک - خراسانی: خیار بادرنگ - هندی: کهپرا - فرنگی: کوکوابرس - رومی: تیطراانگورن (*Tetraggouron*)، کیطروناکوس - عراق: خیار - حجاز: قثد - خراسان: خیار باذرنگ - نام‌های بذر آن: تخم خیار - شیرازی: خیار بالنک - "رازی" می‌گوید: «جلجمانا» نام «خیار» است.<sup>ع</sup> - در الانبیه آمده: «قثد» را «خیار» گویند.<sup>ع</sup>

<i>Cucumis sativus</i> L.	قثد - خیار	زر - الم - طبایا
---------------------------	------------	------------------

۱۴۲۳ - قذروس: نام دیگر آن: شجر القطران<sup>ع</sup>

<i>Cedrus libani</i> Bar. <i>Juniperus oxycedrus</i> L.	قذروس - شجر القطران	زریاب
--	---------------------	-------

۱۴۲۴ - قثی: (نام دانه)

۱۴۲۵ - قدح مریم، قدح مریم: نام دیگر آن: یونانی: قوطولیون<sup>ع</sup>

۱۴۲۶ - قراض، قراض، قراض: «ابوقتیة» آن را «بابونج» می‌داند و غیر او آن را نامی برای «أقحوان»<sup>ع</sup>.

<i>Utrica pillulifera</i> L. <i>Anthemis nobilie</i> L. <i>Matricaria chamomilla</i> L.	قراض	زریاب
<i>Utrica</i> sp.	قراض، قریص، حریق، أنجزة	الموسوعه

۱۴۲۷ - قراضیا، قراضیا، قراضیا، قراضیا، قراضیا: نام‌های دیگر آن: اهالی صقلیه: قراضیا البعلبکیه<sup>ع</sup> - جراسیا<sup>ع</sup> - رومی: کراسیا، قراضیا، قراضیا: اهل صقلیه: جراسیا - اهل مغرب و اندلس و فاس: حب الملوک<sup>ع</sup> - اهل دمشق: قراضیا، قراضیا بعلبکی<sup>ع</sup> - فارسی: گلتار (گیله نار) - شیرازی: آلی باقلی<sup>ع</sup> - به فارسی شیرین آن را «گیلاس» و ترش آن را «آلوبوعلی» و عوام آن را «آلوالو»، «آلوبولی» و «آلی بالی» گویند.<sup>ع</sup> - سه نوع بود شیرین، ترش و عفص<sup>ع</sup>

<i>Cerasus avium</i> L.	آلوبالو	پارسا
<i>Prunus avium</i> L.	گیلاس - خلار - علی کک - آلو کک	پارسا

<i>Prunus cerasifera</i> Erth.		قراصيا	الموسوعه
<i>Prunus cerasia</i> B.R. <i>Prunus avium</i> L.		قراسيا	طباطبائى
<i>Prunus cerasia</i> B.R. <i>Prunus avium</i> L.		قراسيا	زرياب
<i>Prunus cerasia</i> B.R.		قراسيا	خطابى
<i>Prunus avium</i> L.	<i>Kashmir: Gilas</i>		<i>GLO.IN.</i>
<i>Prunus cerasia</i> B.R.	<i>Hendia: Alubalu - Panjab: Gilas</i>		<i>GLO.IN.</i>

۱۴۲۸ - قَرَاطَرِغُونْ، قَرَاطَاغُونْ، قَرَاطَاغِیونْ: نام دیگر آن: گندم صحرائی

۱۴۲۹ - قراطاط: (نامی ترکی)

۱۴۳۰ - قرالنا: درختی است بزرگ که در کوهستان‌های سرسبز روید.<sup>ت</sup>

۱۴۳۱ - قرانیہ:

<i>Cornus</i> sp. <i>Matricaria chamomilla</i> L.	قُرْنُوس، قَرَانِيَا	الموسوعة
<i>Cornus mas</i> <i>Cornus sanguinea</i>	قَرَانِيَا	EN.

۱۴۳۲ - قرشن<sup>۴</sup>: نام دیگر آن در شهر مالق اندلس: قرن الایل<sup>۵</sup>

۱۴۳۳ - قَرَّةُ العین، قَرَّة العین، قَرَّة العین، بیشتر در آبهای راکد می‌روید. نام‌های دیگر آن: جرجیر الماء، کرفس الماء<sup>۴۳</sup> - یونانی: دیقورس، سلینون<sup>۴۴</sup>، افسالیون به معنای کرفس الماء - سریانی: کرقشاً - رومی: سیون - فارسی: کنگر آبی - مصر و صقلیه و اسکندریه: بقول المائده<sup>۴۵</sup> - اقرون<sup>۴۶</sup>

سیسَمْبْرِیُون: (Sisumbrion) نزد اهالی مغرب به «حُرُفِ المَاء»، «فُجُلِ المَاء» و «جِرْجیرِ المَاء» معروف است و عامه مردم به آن «قَرُونُش» (Acoriones) گویند. [ابن یسار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۲ - ۱۱۲]

<i>Nasturtium officinale</i> R.Br. <i>Anthemis nobilis</i> L. <i>Matricaria chamomilla</i> L.	قُرّة العين، قُرّة	الموسوعه
<i>Sium latifolium</i> <i>Matricaria officinale</i>	قُرّة العين	خطأ.. EN.

۱۴۳۴ - قِرْدِمَانَا، قَرْدَمَانَسْ، قُرْدَمَنَّا، قَرْدَمَنَّا، قَرْدَمَنَا، قُرْدَمَانُ، قَرْمَومَنْ، قَرْطُمَانَه، قَرْدَمَانَا، قَرَدَمَنْ، کَرْدَمَانَا: نام‌های دیگر آن: قَرْطُمَانَسْ، قَرْدَمَانَا، قُرْدَمَانَا، قَرْدَمَانِي - یونانی: قَرْدَامُون - کروویای دشتی - فارسی: کَرْوِیا رومی - قَرْدَامُوْمَنْ - فریقان - گیاهشناسان اندلس: کَرْوِیا الجلیة - نام‌های تخم آن: فارسی: تخم توخره - شیرازی: تخم ترخَر، تخم پدران

قردامومن (Kardamomon): نام‌های دیگر آن عبارتند از: قردمانا - کرویای جلیه - قرنباد - قرنفاد (عرب به این گیاه قافله

گوید.) [ابن یطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۱ - ۵]

<i>Lagoecia cuminoides</i> L.	قردمانا - قرطمانا - قردامومون	زریاب
<i>Elletaria cardamomum</i> Wh.&ma.	نوع کوچک	دیسکورید
<i>Amomum melegueta</i> Ros.	نوع بزرگ	قرنبا - قرفناد - (قالله)
<i>Cardamina amara</i> L.	خَسَاة، قُرْدَمَانَا، قَرْنَبَا، قَرْنَفَاد، (قالله)	الموسوعه
<i>Cardamina</i> sp.	قُرْدَمَانَا	EN.

۱۴۳۵ - قَرَصَعَنَه (نامی عربی)، شوکه زرقاء، شوکه یهودیه، قرصعنه، قرصونه: نام‌های دیگر آن: حافظ النحل - اهل شام: شوکه ابراهیم، شجره ابراهیم - فرنگی: اریزجیم - عامه اندلس: شوکه ابراهیم - بقلة یهودیه - نوعی از آن: تفاح الجمل - دیسکورید: ایرنجی - چند قسم است: نام نوعی از آن: فارسی: بیوه‌زا - نام نوعی: قرصعنه جبلی - نام‌های نوعی دیگر: قرصعنه مسدس - مازندرانی و لنگ و تنکابن: ششکاک (مخفف شش شاخ) نوعی از خار و دارای انواع بسیار است و در سنگستانها و زمینهای خشن و در ریگ بومها روید... بیخ آن به درازی سه گزیل یا زیاده است و مؤلف گوید به زبان قومی که زنبور عسل می‌دارند آن را «خارخسک» گویند و به شیرازی «سزه» و در صحراهای شیراز بسیار بود و زنبور عسل گل وی را دوست دارد.

ایرنجی (*Erunge*) گیاه خاردار با نام سریانی «قَرَصَعَنَه» (*Qersa anna*) و نام‌های «شوکه السوداء» و «شوکه اليهودیه» و «شوکه الزرقاء» است و دارای دو نوع سفید و آبی است و در برخی از کتاب‌های پزشکان با نام «جَنْب قَابْطَه» (*Centuncapita*) آمده که آنها نیز دو نوع سفید و آبی آن را تأیید کرده‌اند و به لاتینی به آن «پِیْرَاطَه» (*Piperito*) یعنی «شوکه المفلّفل» گویند و آن گیاهی از شهرهای اسکندریه است و جالینوس آن را «ایرنجان» نامیده است. [این بیطار (در ترجمه کتاب دیسکورید) ۳ - ۲۱]

الموسوعه	قَرَصَعَنَه، قَرَصَعَنی، شوک عَرَبَانی، شِنداب اُکْریتی	<i>Eryngium creticum</i>
----------	---	--------------------------

۱۴۳۶ - قُرْط، قُرْط، قُرْط، قُرْط: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: فارسی: شبدر، شیدار - اصفهانی: شودر - نام میوه آن: رسین - نوعی در مصر به نام «ذراع» و میوه آن به نام «رسیم» است.

زریاب	قرط	<i>Trifolium alexandrium</i> L.
الموسوعه	خندقوق صغیر الزهر، قُرْط، مَحْبِلَه	<i>Melilotus parviflora</i>

۱۴۳۷ - قُرْطُم، قُرْطُم، قُرْطُم، قُرْطُم، قُرْطُم، قُرْطُم: نام‌های دیگر آن: سریانی: خریما، کشنی - فارسی: کاکیان، کاهیان، کاجله - جالینوس: قیقوس - عربی: احریضه، قِرْطُم، حب العصفرا، بردالحریض - فارسی: خسک دانه، تخم کافشه - گیلانی: تخم کاجره، تخم کازیره - هندی: کروکسینه، کابیچ - رومی: قنطادوس - یونانی: اطرقطوس، فنیفس - نام نوع بری: فنیفس اغریون (یعنی اصفر بری) - فاس: عَصْفَرَه

ز. - خ. - ط.	قرطم	<i>Carthamus tinctorius</i> L.
الموسوعه	قُرْطُم، قِرْطُم، اُخْرِیض، بَهْرَم، بَهْرَمَان، مُرْتَق	<i>Carthamus</i> sp.
EN.	قُرْطُم	<i>Carthamus</i> sp.

۱۴۳۹ - قُرْطُم بری، قُرْطُم بری، قُرْطُم بری، طریفا: نام‌های دیگر آن: سجری: سونک - در کتاب دیسکورید: اطرقطولس - یونانی: انطرقطولس، فیغن اغریون - شیرازی: انکر، نکریز

<i>Carthamus lanatus</i> L.	قرطم بری	زر. - طبيا.
<i>Carthamus lanatus</i> L. <i>Kentrophyllum lanatum</i>	قرطم صوفی، شوارب، عَنَتَر، قرطم بری	الموسوعه

۱۴۴۰ - قرطم هندی، قرطم هندی: گویند نام «حب النیل» است<sup>۴</sup> و می گویند دانه‌ای است که از هند می‌آورند.<sup>۵</sup>  
۱۴۴۱ - قُرْطُمَان، قُرْطُمَان، قُرْطُمَان، قرطمانا، هرطمان، هرطمان: ؟ «معرب «هرطمان» فارسی است.<sup>۶</sup> نام دیگر آن: فاس: خرطال<sup>۷</sup> - گویند همان «حلبان» است.<sup>۸</sup>

<i>Avena sativa</i> L.	خَرْطَال زراعی، شُوفان زراعی، قُرْطُمَان	الموسوعه
<i>Avena sativa</i> L.	قُرْطُمَان مزروعی	خطابی
<i>Avena fatua</i> L.	قرطمان بری	

[illegible]

<i>Acacia arabica</i> W. <i>Mimosa arabica</i> Lam. <i>Mimosa nilotica</i> L.	سَنْط عربي، قُرْظ، شَوْكَة قَيْطِيَه	الموسوعه
<i>Acacia arabica</i> W. <i>Mimosa arabica</i> Lam. <i>Mimosa nilotica</i> L.	قرظ	زرياب
<i>Acacia arabica</i> W. <i>Mimosa arabica</i> Lam. <i>Mimosa nilotica</i> L.	قرظ	خطابی
<i>Mimosa nilotica</i> L.	قرظ	EN.

۱۴۴۳ - قرط: نوعی «رطب» است که در مصر می‌کارند و برگ آن بزرگتر از «رطب» است و چهارپایان آن را می‌خورند و فربه می‌شوند.

۱۴۴۴ - قَرْع، قَرْع، قَزَع، قَرَع، قِرْع، یَقِطِن، حب القرع: نام‌های دیگر آن: عربی: قَرَع - فارسی: کدو - هندی: کدو، قیرع - ترکی: قباق - سریانی: قرأ، قرا - رومی: فلوقرنیا، قولوقونثا - یونانی: قروفا، قلولفوا، قولوقونطس - گیاه به عربی «یقطين» و میوه آن «دبا» نام دارد. دارای انواعی است: نام‌های نوعی: فارسی: کدوی تلخ - هندی: تونبری - عربی: قَرِع المُرّ - نام‌های نوعی به هندی: دیسندس - نام‌های نوع دیگر به هندی: بیتِه - بنگالی: کونده - نام‌های نوعی: مزوبه - فارسی: کدو مکه - هندی: کدیمه

<i>Cucumis colocynthis</i> L. = <i>Citrullus colocynthis</i> Schrad.	كدو بیابانی	پارسا
<i>Cucurbita pepo</i> L. <i>Cucurbita langenaria</i> كدو سراجی	كدو	پارسا
<i>Cucurbita</i> sp.	قَرَع، بَقَطِين	الموسوعة

<i>Cucurbita maxima Duch.</i>	قرع	زریاب
<i>Cucurbita maxima Duch.</i>	قرع	زر. - طبا.
<i>Cucurbita pepo L.</i>		

۱۴۴۵ - قُرفه، قُرفه، قُرفه: نوعی دارصینی - نام‌های دیگر آن: هندی: طج، تج - سندی: حادطج

<i>Cinnamomum zeylanicum N.</i>	قرفه	زر. - طبا.
---------------------------------	------	------------

۱۴۴۶ - قرقسیون: (نامی یونانی) نام دیگر آن: کُبابه - گروهی تصور می‌کنند نام «بسبسه» است ولی اینچنین نیست.

۱۴۴۷ - قِرْقِمَان، قرقمان: ؟ در درون تنه درختِ مقل حجازی و صعیدی و خرما بوجود می‌آید.

۱۴۴۸ - قُرم، قُرم: (۱)

<i>Avicennia officinalis L.</i>	قرم	زریاب
<i>Seura marina Fo.</i>		

۱۴۴۹ - قَرْنَفُل، قرنفل، قرنفل، قرنفل، قرنفل: ؟ در جنس است نر و ماده - نام‌های دیگر آن: هندی: لُونُگ، لونکهل،

لونک، بانکریزی کلوف - قرنفول - یونانی: غرنیواس - رومی: قرفلون - فارسی: میخک

<i>Clinopodium montanum (L.) Kuntz.</i>	حب القرنفل	پارسا
<i>Eugenia aromatica Baill.</i>	قرنفل	پارسا
<i>Eupatoria cannabinum L.</i>		
<i>Caryophyllus aromaticus L.</i>	قرنفل	زر.، EN.
<i>Eugenia caryophyllata Thunb.</i>		
<i>Syzygium aromaticus (L.) Merr.</i>	قرنفل	طباطبانی
<i>Dianthus sp.</i>	قرنفل	الموسوعه
<i>Eupatoria cannabinum L.</i>		
<i>Dianthus caryophyllus L.</i>	قرنفل	خطابی
<i>Eugenia caryophyllata</i>		

۱۴۵۰ - قرنفل شامی: نام دیگر آن: قرنفلیه (نامی مغربی)

۱۴۵۱ - قَرْوَة: گروهی گفته‌اند نام «هَرْوَة» است.

۱۴۵۲ - قرون السنبل، قرون السنبل: ؟ برخی گویند نوعی «سنبل سفید» است کشنده است و در میان «سنبل» یابند و گویند

بیخ «خانق النمر» است و صاحب منهاج گوید دواء کشنده است. [این پیکار (در ترجمه دیسکورید): به «سنبل» رجوع شود.]

<i>Nardostachys sampharutke</i>	ناردس سنفاریطقی - سنبل - قرون السنبل	دیسکورید
---------------------------------	--------------------------------------	----------

۱۴۵۳ - قَرَّاح، قَرَّاح: (نامی مغربی) نوعی «رازیانج» که مورد چرای شتر قرار می‌گیرد. نام دیگر آن: اعراب افریقا:

علجان - شیراز: کهه، کهه - قرون

۱۴۵۵ - قسا: نام دیگر سلیخه

<i>Cinnamomum zeylanicum</i> Var.	قسا - سلیخه	زریاب
<i>Cinnamomum cassia</i> Boiss.		
<i>Cinnamomum cassia</i> Boiss.	قسیا - سلیخه	دیسکورید

<i>Aucklandia costus</i> Fal.	قسط - قسط - کست	زریاب
<i>Saussurea lappa</i> Clarke		
<i>Costus albus</i> A.Chev.	قسط شیرین	پارسا
<i>Costus amarus</i> Rad.	قسط کشمیری - قسط تلخ	پارسا
<i>Cistus ladaniferus</i>	قسط	طباطبائی
<i>Costus speciosus</i> Sm.	قسطس - قسط - کست	دیسکورید
<i>Costus arabicus</i> L.	قسط	خطابی

<i>Stachys betonica</i> Benth.	قسطرون	ديسکورید
<i>Betonica officinalis</i> L.	قسطرون	EN.



۱۴۵۹ - قسوس<sup>۴</sup>، قسوس<sup>۵</sup>، یذره<sup>۶</sup>، یذره<sup>۷</sup>: نام‌های دیگر آن: جَل المساکین<sup>۸</sup> - لبلاب الکیر<sup>۹</sup> - یذره از انواع «قسوس» و از جنس «لبلاب» است.<sup>۱۰</sup>

طباطبائی	قسط	<i>Hedera helix</i>
خطابی	یذره	<i>Hedera helix</i>

۱۴۶۰ - قشبه<sup>۱۱</sup>: (نامی حجازی)

الموسوعه	قشبه <sup>۱۲</sup> ، قشبه <sup>۱۳</sup>	<i>Ashbia gossypii</i> <i>Nematospora corylii</i> <i>Spermophthora gossypii</i> <i>Eramothecium ashybii</i>
----------	---	--

۱۴۶۱ - قشر ترجمه<sup>۱۴</sup>: (نامی فارسی)

۱۴۶۲ - قصاص<sup>۱۵</sup>: نام دیگر آن در کتاب دیسکورید: قوطس<sup>۱۶</sup>

الموسوعه	فصه مشجرة قصاص	<i>Medicago arborea</i> Mill.
----------	----------------	-------------------------------

۱۴۶۳ - قَصَب<sup>۱۷</sup>، قَصَب<sup>۱۸</sup>، قَصَب<sup>۱۹</sup>، قَصَب<sup>۲۰</sup>، قَصَب<sup>۲۱</sup>، قَصَب<sup>۲۲</sup>: اصل القصب<sup>۲۳</sup> (نامی عربی)، يراع<sup>۲۴</sup>، يراع<sup>۲۵</sup>: نام‌های دیگر آن: بیخ نی<sup>۲۶</sup> - سریانی: قنا<sup>۲۷</sup> - یونانی: اثونبون<sup>۲۸</sup>، قالاظ<sup>۲۹</sup> - رومی: فلاپوس<sup>۳۰</sup> - فارسی: نی<sup>۳۱</sup> - ترکی: قاییش<sup>۳۲</sup> - هندی: سرکنده<sup>۳۳</sup>، نل<sup>۳۴</sup> - فرنگی: برونند<sup>۳۵</sup> - نوع بسیار بزرگ آن به هندی «بانس» و متوسط آن «ترله بانس» است.<sup>۳۶</sup> «غسانی» می‌گوید: دارای انواع مختلفی است نوع توپر و سخت آن را «قَش» می‌نامند و در ساختن تیر و قلم از آن استفاده می‌شود و نوعی توخالی و زود شکننده است و عوام فاس به آن «قصب الریح» گویند و برای حصیر بافی از آن استفاده می‌کنند.<sup>۳۷</sup> «دیسکورید» می‌گوید: نام نوعی از آن «نسطوس» و نوعی دیگر «ئلس» است و آن پایه ماده می‌باشد.<sup>۳۸</sup>

الموسوعه	بوص، قصب	<i>Arundo phragmites</i> L. <i>Arundo donax</i> L. <i>Phragmites communis</i> Trin
زریاب	قصب	<i>Arundo phragmites</i> L. <i>Arundo donax</i> L. <i>Phragmites communis</i> Trin
خطابی	قصب الهند	<i>Arundo donax</i>
خطابی	قصب السیاح	<i>Phragmites communis</i>
EN.	قصب	<i>Acorus calamus</i>

۱۴۶۴ - قصب الذریره<sup>۳۹</sup>، قصب الذریره<sup>۴۰</sup>، قصب الذریره<sup>۴۱</sup>، قصب الذریره<sup>۴۲</sup>، قصب الذریره<sup>۴۳</sup>: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: فارسی: نی نهاوندی<sup>۴۴</sup>، برکینه<sup>۴۵</sup> - عربی: قصب بوا<sup>۴۶</sup> - سریانی: قساریسما<sup>۴۷</sup> - یونانی: ارمنیقون<sup>۴۸</sup>، قالاس<sup>۴۹</sup> - رومی: اقیاقیلونی<sup>۵۰</sup> - هندی: چرایتا<sup>۵۱</sup>، چرایته<sup>۵۲</sup> - فرنگی: کالدوم ارمانک<sup>۵۳</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: قالاموس<sup>۵۴</sup> اروماتیقوس<sup>۵۵</sup> - قصب الذریره<sup>۵۶</sup> - قمحه<sup>۵۷</sup> - نام نوع دیگر آن به هندی نیپال<sup>۵۸</sup> است.

قلاُمُسْ أَرُوْمَاطِيْقِس (Kalamos aromatikos): قصب الزريرة - قلماس - قَمَحَة [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۸]

<i>Acorus calams L.</i> <i>Andropogona martini</i>	قصب الذريره	طب. - خط.
<i>Swertia chirata Ham.</i> <i>Acorus calams L.</i> <i>Andropogona martini Roxb.</i>	قصب الزريره	زریاب
<i>Acorus calams L.</i>	قلاُمُسْ أَرُوْمَاطِيْقِس، قصب الزريرة	دیسکورید
<i>Acorus calams L.</i> <i>Acorus aromaticus Gilib.</i>	عود الوَجْ، عِزْقْ أَكُوْر، وَجْ، أَيْكِر، قصب الزريرة	الموسوعة
<i>Calamus aromaticus</i>	قصب الزريرة	EN.

۱۴۶۵ - قَصَبُ السُّكَّرْ، قَصَبُ السُّكَّرْ، قَصَبُ السُّكَّرْ، قَصَبُ السُّكَّرْ: نام های دیگر آن: فارسی: نیشکر<sup>۱</sup> - هندی: اوکھے، کاندھ، کنه، پوندا<sup>۲</sup> - نام عصاره: عسل القصب<sup>۳</sup>

<i>Saccharum officinarum L.</i>	قصب السكر	ز. - خ. - ط.
<i>Saccharum officinarum L.</i>	قصب السُّكَّر، مُصَان، بَزُوم	الموسوعة

۱۴۶۶ - قَضَابُ مِصْرِي<sup>۴</sup>، قَضَابُ مِصْرِي<sup>۵</sup>: در مصر نام عربی نوع بزرگ آن «عصی الراعی» است.<sup>۶</sup> «ابن بیطار» می گوید: «قَضَاب» تنها در شهرهای مصر وجود دارد و آنگونه که عده می پندارند «عصا الراعی» نیست، بلکه گیاهی است که دیسکورید در مقاله چهارم خود آن را به یونانی «قَلِمَاصِيس» نامیده است.<sup>۷</sup>

<i>Vinca minor</i>	قَضَابُ صَغِير، قَضَابُ مِصْرِي	الموسوعة
--------------------	---------------------------------	----------

۱۴۶۷ - قَضَب<sup>۸</sup>: نام های دیگر آن: رطبة و فصفصة<sup>۹</sup>

<i>Medicago sp.</i>	قَضَب، فِصَّة، رَطْبَة، فِصْفَصَة	الموسوعة
---------------------	-----------------------------------	----------

۱۴۶۸ - قَضَمُ قَرِيْش: نام های دیگر آن قم قریش<sup>۱۰</sup> است که به «بزر تنوب» می گویند و به «خرنوب» نیز می گویند و «صاحب جامع» گوید آن «حب صنوبر صغار» است و در این مورد جای بحث است و گویند «حب صنوبر کبار» است.<sup>۱۱</sup>

۱۴۶۹ - قَطْرَاتُ كُوْثِي<sup>۱۲</sup>: (نامی فارسی)

۱۴۷۰ - قَطْف<sup>۱۳</sup>، قَطْف<sup>۱۴</sup>، قَطْف<sup>۱۵</sup>: (نامی عربی) نام های دیگر آن: در کتاب جالینوس: اطفکسوس<sup>۱۶</sup> - سریانی: قَطْبَا<sup>۱۷</sup>، قَرطَف<sup>۱۸</sup> - عربی: سَرْمَق<sup>۱۹</sup>، سَرْمَق<sup>۲۰</sup>، سَرْمَق<sup>۲۱</sup>، سَرْمَق<sup>۲۲</sup>، سَرْمَق<sup>۲۳</sup>، سَرْمَق<sup>۲۴</sup>، سَرْمَق<sup>۲۵</sup>، سَرْمَق<sup>۲۶</sup>، سَرْمَق<sup>۲۷</sup>، سَرْمَق<sup>۲۸</sup>، سَرْمَق<sup>۲۹</sup>، سَرْمَق<sup>۳۰</sup>، سَرْمَق<sup>۳۱</sup>، سَرْمَق<sup>۳۲</sup>، سَرْمَق<sup>۳۳</sup>، سَرْمَق<sup>۳۴</sup>، سَرْمَق<sup>۳۵</sup>، سَرْمَق<sup>۳۶</sup>، سَرْمَق<sup>۳۷</sup>، سَرْمَق<sup>۳۸</sup>، سَرْمَق<sup>۳۹</sup>، سَرْمَق<sup>۴۰</sup>، سَرْمَق<sup>۴۱</sup>، سَرْمَق<sup>۴۲</sup>، سَرْمَق<sup>۴۳</sup>، سَرْمَق<sup>۴۴</sup>، سَرْمَق<sup>۴۵</sup>، سَرْمَق<sup>۴۶</sup>، سَرْمَق<sup>۴۷</sup>، سَرْمَق<sup>۴۸</sup>، سَرْمَق<sup>۴۹</sup>، سَرْمَق<sup>۵۰</sup>، سَرْمَق<sup>۵۱</sup>، سَرْمَق<sup>۵۲</sup>، سَرْمَق<sup>۵۳</sup>، سَرْمَق<sup>۵۴</sup>، سَرْمَق<sup>۵۵</sup>، سَرْمَق<sup>۵۶</sup>، سَرْمَق<sup>۵۷</sup>، سَرْمَق<sup>۵۸</sup>، سَرْمَق<sup>۵۹</sup>، سَرْمَق<sup>۶۰</sup>، سَرْمَق<sup>۶۱</sup>، سَرْمَق<sup>۶۲</sup>، سَرْمَق<sup>۶۳</sup>، سَرْمَق<sup>۶۴</sup>، سَرْمَق<sup>۶۵</sup>، سَرْمَق<sup>۶۶</sup>، سَرْمَق<sup>۶۷</sup>، سَرْمَق<sup>۶۸</sup>، سَرْمَق<sup>۶۹</sup>، سَرْمَق<sup>۷۰</sup>، سَرْمَق<sup>۷۱</sup>، سَرْمَق<sup>۷۲</sup>، سَرْمَق<sup>۷۳</sup>، سَرْمَق<sup>۷۴</sup>، سَرْمَق<sup>۷۵</sup>، سَرْمَق<sup>۷۶</sup>، سَرْمَق<sup>۷۷</sup>، سَرْمَق<sup>۷۸</sup>، سَرْمَق<sup>۷۹</sup>، سَرْمَق<sup>۸۰</sup>، سَرْمَق<sup>۸۱</sup>، سَرْمَق<sup>۸۲</sup>، سَرْمَق<sup>۸۳</sup>، سَرْمَق<sup>۸۴</sup>، سَرْمَق<sup>۸۵</sup>، سَرْمَق<sup>۸۶</sup>، سَرْمَق<sup>۸۷</sup>، سَرْمَق<sup>۸۸</sup>، سَرْمَق<sup>۸۹</sup>، سَرْمَق<sup>۹۰</sup>، سَرْمَق<sup>۹۱</sup>، سَرْمَق<sup>۹۲</sup>، سَرْمَق<sup>۹۳</sup>، سَرْمَق<sup>۹۴</sup>، سَرْمَق<sup>۹۵</sup>، سَرْمَق<sup>۹۶</sup>، سَرْمَق<sup>۹۷</sup>، سَرْمَق<sup>۹۸</sup>، سَرْمَق<sup>۹۹</sup>، سَرْمَق<sup>۱۰۰</sup>

أَنْدَرُوْافَقْسُس: سَرْمَق<sup>۱۰۱</sup> - سَرْمَق<sup>۱۰۲</sup> - بَقْلُ الرُّوم - بَقْلُ الذَّهَبِي ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۴:

<i>Atriplex hortensis L.</i>	أَنْدَرُوْافَقْسُس، سَرْمَق، قَطْف، بَقْلُ الرُّوم، بَقْلُ الذَّهَبِي	دیسکورید
<i>Atriplex sp.</i>	سَرْمَق، قَطْف	الموسوعة

<i>Atriplex hortensis</i> L.	قطف آبیش، سرق آبیش	الموسوعه
<i>Commiphora kataf</i> En. <i>Balsamodendron kataf</i>	قَطَف	الموسوعه
<i>Atriplex hortensis</i> L. <i>Atriplex rosea</i> L.	قطف - اطفکسوس - قرطف	زریاب
<i>Atriplex hortensis</i> L. <i>Atriplex hastata</i> L.	قطف	طبا، EN.

۱۴۷۱ - قطف بحری، قطف بحری<sup>۳</sup>، تلش<sup>۴</sup>: نام‌های دیگر آن: ملوخ<sup>۵</sup> - شام: ملوح<sup>۶</sup> - یونانی: ملح<sup>۷</sup>، لیمون<sup>۸</sup> - ارماس - ملّاح  
 الیمون (Halimon): نام‌های دیگر آن عبارتست از: ملوخ - قطف بحری - نام گیاه در کتاب جالینوس: ملیخ [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱-۳]

<i>Atriplex halimus</i> L.	الیمون - ملوخ - قطف بحری - ملیخ	دیسکورید
<i>Atriplex halimus</i> L.	سرق بحری، قَطَف بحری، حلیم	الموسوعه

۱۴۷۲ - قُطْلَب<sup>۱</sup> (نامی شامی)، عصیر الدب<sup>۲</sup> (میوه)، قطلب<sup>۳</sup>: نام‌های دیگر آن: عربی: قاتل ابیه<sup>۴</sup> - به لغت عجمیت اندلس: مطردیه<sup>۵</sup>، مطرونیة<sup>۶</sup> - اندلس: عصى الدب<sup>۷</sup>، عصیر الدب<sup>۸</sup> - یونانی: قوماریس<sup>۹</sup>، قوماورس<sup>۱۰</sup> - نام‌های میوه آن: جنی الاحمر<sup>۱۱</sup>، جناء الاحمر<sup>۱۲</sup> - قدس: نقیب<sup>۱۳</sup> - یونانی: باقولا<sup>۱۴</sup>  
 قوماروس (Komaros): تفسیر آن «طُعْمَة حَمْرَاء» است و نام دیگر آن «جَنَى الْأَحْمَر» و نوعی از گیاه «قاتل ابیه» است و به آن «شجر القُطْلَب» و به رومی «قاماریون» و به زبان اندلسی به آن «عصیر الدب» و اهالی مغرب به آن «آسانوآ» و به لاتینی عمومی «مَطْرُونِيَّة» گویند. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱-۱۳۱]

<i>Arbutus unedo</i> L.	قوماروس، طعْمَة حمراء، شجر القُطْلَب، قاماریون عصیر الدب، آسانوآ، مطرونیة، قاماریون	دیسکورید
<i>Arbutus</i> sp.	قُطْلَب، قُطْلَب بَج، قاتل ابیه عصیر الدب، آسانوآ، مطرونیة، قاماریون	الموسوعه

۱۴۷۳ - قُطْن<sup>۱</sup>، قُطْن<sup>۲</sup>، قُطْن<sup>۳</sup>، قُطْن<sup>۴</sup>، قُطْن<sup>۵</sup>، قُطْن<sup>۶</sup>، خیشفوج<sup>۷</sup> (دانه)، طوط<sup>۸</sup>، عُطَب<sup>۹</sup>، قُضْم<sup>۱۰</sup>، قُطْن<sup>۱۱</sup> (نامی عربی)، کُرسِف<sup>۱۲</sup>، برس<sup>۱۳</sup>، بَزَس (نوع بری)<sup>۱۴</sup>، حب القطن<sup>۱۵</sup>، عطب<sup>۱۶</sup>، قِصم (نوع کهنه)<sup>۱۷</sup>: نام‌های دیگر آن: عربی: کرسف<sup>۱۸</sup>، برشف<sup>۱۹</sup>، طوط<sup>۲۰</sup>، عصب الحرف<sup>۲۱</sup>، شحم الارض<sup>۲۲</sup> - نام نوع تازه آن: قوز<sup>۲۳</sup> - نام‌های نوع کهنه آن: قصیم<sup>۲۴</sup> - فارسی: پنبه<sup>۲۵</sup> - ترکی: ماقوق<sup>۲۶</sup>، بینوق<sup>۲۷</sup> - هندی: دوئی<sup>۲۸</sup> - نام گیاه آن: کپاس<sup>۲۹</sup> - نام شکوفه آن: کپاس کاپهول<sup>۳۰</sup> - نام دانه آن: بنوله<sup>۳۱</sup> - خِیسْفُوج<sup>۳۲</sup>، جنسِ سفوح<sup>۳۳</sup> - فارسی: پنبه دانه<sup>۳۴</sup>

<i>Gossypium herbaceum</i>	قطن	زر. - طبا.
<i>Gossypium</i> spp.	پنبه	پارسا
<i>Gossypium</i> sp.	قُطْن، بَزَس، طُوط، عَطُطَب، کُرسِف	الموسوعه

۱۴۷۴ - قطیفه<sup>۱</sup>: نام دیگر آن: غساقالس<sup>۲</sup>

طباطبائی	قَطِیفَه، عَصِیرالدب، اساسنوا، مطرونیه، قاماریون	<i>Tagetes erecta</i>
----------	--	-----------------------

۱۴۷۵ - قَعْبَلْ، قَعْبَلْ، قَعْبَلْ؟ نام‌های دیگر آن: یونانی: سقراطیون<sup>۱</sup>، سفلاریقون<sup>۲</sup> - در کتاب دیسکورید: فنقراطیون<sup>۳</sup> بنقراطیون (*Pankration*): نوعی پیاز «عنصل» است با این تفاوت که کوچکتر از آن است و این گیاه بجای «عنصل» مورد استفاده قرار می‌گیرد و آن را «فانقراطیون» می‌نامند. - ابن بیطار در کتاب جامع خود آن را معادل «قعبل» می‌داند. - [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۵۴]

دیسکورید	بنقراطیون - فانقراطیون (قعبل)	<i>Pancratium maritimum L.</i>
----------	-------------------------------	--------------------------------

۱۴۷۶ - قَعْنَبْ، قَعْنَبْ: نام‌های دیگر آن: عجم اندلس: طرنیه<sup>۱</sup> - اهالی بادیه: لعاس<sup>۲</sup> - نام مشترک با «شیر» و «روباه نر»<sup>۳</sup> و «ناخن بازو» و گیاهی است که به عجمیت اندلس «طرسه» یا «طرنه» نام دارد.<sup>۴</sup>  
۱۴۷۷ - قفلوط<sup>۱</sup>، قفلوط<sup>۲</sup>: نوعی کراث شامی<sup>۳</sup>

الموسوعه	کُراث عَقْلُون، کُراث اندلسی، کراث أبوشوشه، قُفلوط	<i>Allium ascalonicum</i>
----------	--	---------------------------

۱۴۷۸ - قَقُورْ، قَقُورْ: نباتی است که «قطا» بر آن چرا کند.<sup>۱</sup>  
۱۴۷۹ - قَلَانْشْ، قَلَانْشْ: نام دیگر آن: خوخ المروج<sup>۲</sup>  
۱۴۸۰ - قَلَامْ، قَلَامْ، ملاح<sup>۱</sup>: نام‌های دیگر آن: عربی: شجرة الفسلین<sup>۲</sup>، مَلَّاح<sup>۳</sup> - کُشْمَلْنَجْ<sup>۴</sup> - قاقلا<sup>۵</sup>

الموسوعه	قَلَامْ	<i>Conandron sp.</i>
زریاب	قَلَامْ - قاقلا	<i>Cakile maritima Scop.</i>
خطابی	قَلَامْ - ملاح	<i>Androsaces sp.</i> <i>Androsaces lactea L.</i>

۱۴۸۱ - قَلْبْ، قَلْبْ، قَلْبْ، قَلْبْ: نام‌های دیگر آن: یونانی: لبلیس فرسن<sup>۱</sup> یعنی بذر حجری - عجمیت اندلس: سجس افراغیه<sup>۲</sup> (به معنای «کاسر الحجر»)<sup>۳</sup> - فارسی: سنگ سبویه<sup>۴</sup> - کلب<sup>۵</sup> - لسوالسومر<sup>۶</sup> «ابن ماسویه» می‌گوید: دانه‌ای است هندی همانند دانه «کتان» ولی اندکی بزرگتر و تیره رنگ.<sup>۷</sup>

لیتسفرمن (*Lithospermon*): برگردان عربی این نام یونانی «بزر الحجر» است و به عربی به آن «قَلْب» گویند. زیرا بسیار سخت و سفید است به لاتینی آن را «شَخْفراغنه» به معنای «کاسر الحجر» شکننده سنگ یا «مَشْطِیه» گویند و این گیاه نهایت اثر را در شکستن سنگ دارد و بذر آن مدور، سخت و براق است و در شهرهای اندلس بسیار یافت می‌شود و در بازار داروئی خرید و فروش می‌شود. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۶]

دیسکورید	لیتسفرمن، بزرالحجری، کاسرالحجر، قلب	<i>Lithospermum officinale L.</i>
----------	-------------------------------------	-----------------------------------

۱۴۸۲ - قَلْجُونَه: نام‌های دیگر آن نزد اهالی آفریقا و بعضی از عرب‌ها: قیروان<sup>۱</sup> - کرنجونه<sup>۲</sup>  
۱۴۸۳ - قَلْسُوفُودیون، قَلْسُوفُودیون: (نامی یونانی)  
۱۴۸۴ - قَلْقاس، قَلْقاس، قَلْقاس، قَلْقاس: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: رومی: قَلْقاس، اوزی تغس<sup>۱</sup> - سریانی: قَلْقاسی<sup>۲</sup> - هندی: اروی<sup>۳</sup> - دکهنی: چمکدلا<sup>۴</sup> - بنگالی: کچو<sup>۵</sup> - فاس: قرقاز<sup>۶</sup>

<i>Colacasia antiquorum</i> Sch. <i>Colacasia esculenta</i> L. <i>Arum esculenta</i> L.	فلقاس	الموسوعه
<i>Colacasia antiquorum</i> Sch. <i>Arum colocasia</i> L.	فلقاس	زر. - طبأ.
<i>Arum colocasia</i> L.	فلقاس	خطابی

۱۴۸۵ - قَلِيلٌ، قَلِيلٌ، قَلِيلٌ<sup>٤</sup>، قَلَقَ<sup>٥</sup>، حَبَّ الْقَلَقُ<sup>٦</sup>، حَبَّ الْقَلَقُ<sup>٧</sup>: نام‌های دیگر آن: قَلِقُلْ؟، قَلَقِلْ<sup>٨</sup>، قَلَقْلان<sup>٩</sup>

<i>Crotalaria retusa</i> L.	قلقل	زرياب
<i>Cassia tora</i> L.		
<i>Cassia tora</i> L.	سنابري، قَلَقِل، قُلَاقِل	الموسوعه
<i>Dolchos</i> sp.	قَلَقِل	EN.

۱۴۸۶ - قلقونی<sup>۱</sup>، قلقونی<sup>۲</sup>: "غافقی" می‌گوید: صمغ صنوبر معروف به «قوفا» است.<sup>۳</sup> - نام‌های دیگر آن: در کتاب نام گیاه در کتاب "جالینوس": علك<sup>۴</sup> - در کتاب "حنین": راشنج<sup>۵</sup> - به شیرازی: زنگباری<sup>۶</sup>

۱۴۸۷ - قلوئس: نامی یونانی به معنای اذان‌الدب - "رازی" آن را «بوسیر» دانسته است.

۱۴۸۸ - قُلُومَائِن: (نامی یونانی) نام‌های دیگر آن: شجره‌ابی مالک - شام: صابون القاف، صابون الثیاب، ظفر القط.

κλωμαίν (Klumenon): ابن حسان نام لاتینی این گیاه را «اونیاغانه» می‌داند که به معنای «اظفار القط» است. این گیاه را خود می‌شناسم و غیر از این نامی برای آن نمی‌دانم. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۳]

دیسکورید	قلومان - اونباغاتہ	<i>Leonicera periclymenon</i> L.
----------	--------------------	----------------------------------

۱۴۸۹ - قلی: خاکستر درخت «طاق» است. نام‌های دیگر آن: فارسی: شخار - رومی: اسطوریقون - سریانی: قلیا - هندی: ساجی، سجوی و نام یک نوع دیگر آن: «کالو»

<p><i>Salicornia herbacea</i> L.</p> <p><i>Cassia tora</i> L.</p>	<p>اشنان القلى - قلى، أبوقابس، خرنس</p>	<p>الم. - طبيا.</p>
---	---	---------------------

۱۴۹۰ - قُمَيْحَه : نام دیگر آن: قصب الذريره

۱۴۹۱ - قنیل، قنیل:

<i>Rottlera tinctoria</i> Roxb.	قنبيل	زرياب
<i>Mallotus philippinensis</i> Mull.		
<i>Mallotus</i> sp.	قنبيل، ورس مكوّتا	الموسوعة
<i>Mallotus philippinensis</i>	قنبيل	طباطبائي

١٤٩٢ - قنّی، قنّاء، شعاریں (قنا صغیر) : عامہ مغرب : کلخ - یونانی : تَرْتُسُ

نَرْتَقَس (Narthekeos): گیاهی است که در اندلس به نام «کَلَخ الکبیر» معروف است و به آن «شجر القنا» گویند و جالینوس به آن «نارتکس» گوید. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۷۳]

الموسوعه	قنا	<i>Canna sp.</i>
دیسکورید	نرتقس - کلخ کبیر - قنا	<i>Ferula communis L.</i>
EN.	قنا	<i>Ferula communis L.</i>

۱۴۹۳ - قُنَابَری، قُنَابَری، قُنَابَری، قُنَابَری، قُنَابَری (نامی عربی یا نبطی)، برغشت، تملول، شجرة البهق، شجرة البهق، غُمْلُول، تمیم، غُمْلُول: نام های دیگر آن: نبطی: قُنَابَری - عربی: عملول، قملول، نملول، تملول، غُمْلُول، شملول، تمول - فوهق، فوهل، شجرة البهق - یونانی: قیفهیمالون - سیستان: بچند - ری: هنجمک، کنکران - رومی: قبارومبدوس - خراسانی: برغشت - فارسی: بزندوبخند، برغشت، برغست - شیرازی: شبزه، سوده، سوره - اصفهانی: موجه - ژرد - گوزغت<sup>(۱)</sup>

سَقْلِیَاس (Asklepias): جالینوس به آن «قُنَابَری» گوید و در شام نیز به همین نام مشهور است ولی مشخصات آن با «سقلیاس» متفاوت است و من - ابن بیطار - این گیاه را نمی شناسم. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۸۷]

زر - طب.	قنابری	<i>Lepidium draba L.</i>
		<i>Plumbago europaea L.</i>
دیسکورید	سقلیاس - قنابری	<i>Asclepias vincetoxicum L.</i>

۱۴۹۴ - قُنَب، قُنَب، قُنَب، شاهدانق (بز القنب)، شهدانج، شهدانج (بزر)، شهدانج قُنَب (نامی عربی یا معرب کنب فارسی) نام های دیگر آن: ابق - یونانی: ودیفرونس، قنابس، قنابوس - سریانی: قنبیرا - رومی: کتانی - فارسی: کنب، بَنک، - هندی: بهنک - ورق الخیار، جزو اعظم، حشیش، حشیشه الفقرا - نشاط افزا، فلک تاز، عرش نما - حبة المساکین - شهوت انگیز - مونس الهموم - چتر اخضر - زمرد رنگ - برگک - مغرب: قنب - "ابن بیطار" می گوید: نوع سوم «قنب» را «قنب هندی» گویند و من غیر از مصر در جای دیگری آن را ندیده ام. - سه نوع بری، بستانی و هندی است. «قنب هندی» را به شیرازی «بنک» و «سر» و به پارسی «حشیش» و بعضی وی را «حرّو اعظم» گویند.

قُنَابَش (Kannabis): نام های دیگر آن عبارتست: قُنَب - شهدانج - شاذانق [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۸۷]

دیسکورید	قُنَابَش - قُنَب - شهدانج - شاذانق	<i>Cannabis sativa L.</i>
EN. ..	قُنَب	<i>Cannabis sativa L.</i>
EN.	قُنَب البری	<i>Cannabis sylvestris</i>

۱۴۹۵ - قُنَیْط، قُنَیْط: نام های دیگر آن: فارسی: کلم رومی، کلم کرد - شام و بغداد: بیض العیار

الموسوعه	قُرَیْیَط، قُنَیْط	<i>Brassica oleracea var. botrytis</i>
----------	--------------------	--

۱۴۹۶ - قُنْطُورِیُون، قُنْطُورِیُون، قُنْطُورِیُون، قُنْطُورِیُون، جتوریه، قُنْطُورِیُون کبیر، قُنْطُورِیُون کبیر، قُنْطُورِیُون صغیر،

قنطوریون صغیر<sup>۱</sup>، جنتوری<sup>۲</sup>: به عجمی اندلس نام «قنطوریون الدقیق» است.<sup>۳</sup> «قنطوریون» لغت رومی و معرب «جنتوری» رومی و منسوب به «جنتورس» حکیم رومی است.<sup>۴</sup> - نام‌های دیگر آن: سریانی: اسکیفیلای<sup>۵</sup> - یونانی: اومیطرون<sup>۶</sup> - فارسی: اوبزر، لوفای، کریون<sup>۷</sup> - قنطوریون دارای دو نوع است: نام‌های قنطوریون کبیر: قنطورین غلیظ<sup>۸</sup> - یونانی: قنطوریون طوماغا<sup>۹</sup> (یعنی قنطوریون بزرگ)، بوقی<sup>۱۰</sup>، لوفای کبیر<sup>۱۱</sup> - عربی: خصی الثعلب<sup>۱۲</sup> - نام‌های قنطوریون صغیر: قنطوریون دقیق<sup>۱۳</sup> - یونانی: قنطوریون طولیطون<sup>۱۴</sup> (به معنای قنطوریون نازک)، قنطوریون طرمقرون<sup>۱۵</sup> (به معنای قنطوریون کوچک)، طومقرون<sup>۱۶</sup>، ملیسون<sup>۱۷</sup> (مشتق از ملیس به معنای آب راكد است زیرا در کنار آب‌های راكد می‌روید)، لمنیسون<sup>۱۸</sup> - فارسی: لوفای فاخر<sup>۱۹</sup>، کریون<sup>۲۰</sup> - «غسانی» گوید قنطوریون در دو نوع کوچک و بزرگ است که در مورد ماهیت نوع بزرگ آن اختلاف است گروهی از پزشکان آن را «فول الحام» می‌دانند و گروهی گویند «قوسییه» است و برخی معتقدند «یاسمین بری» است.<sup>۲۱</sup>

قنطوریون طوماغا (*Kentaureion to mega*): نام «قنطوریون الکبیر» و «قنطوریون الجلیل» است و نزد گیاهشناسان به همین نام مشهور است و من - ابن بیطار - از شهر انطالیا آن را جمع‌آوری کرده‌ام و ریشه‌های ضخیم آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. قنطوریون طولیطون: به معنای «قنطوریون الدقیق» است و به آن «قنطوریون طومقرون» به معنای «قنطوریون صغیر» است و به زبان لاتینی مشهور به «جنتوری» (*Centaurea*) منسوب به جنتورس حکیم است و او اولین کسی است که آن را شناخته و شرح آن را داده است. اهل مغرب به آن «قُصَّة الحَيَّة» گویند و در بعضی از شهرهای اندلس به زبان لاتینی آن را «مُکْنِیْسَة» نامند و اهل مایرقا به آن «طُرْطُر» و در روم به آن «اجیلیه» و «غریزا» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶]

<i>Centaurea centaurium</i> L.	قنطوریون کبیر	دی. - خط.
<i>Erythraea centaurium</i>	قنطوریون طولیطون، جنتوری، قنطوریون صغیر	دیسکورید
<i>Erythraea centaurium</i>	قنطوریون صغیر	ز. - خ. - پا.
<i>Centaurea officinale</i>	گل گندم - قنطوریون کبیر	پارسا
<i>Equisetum ramosissimum</i> Desf.	ریش بز - قنطوریون - دم اسب	پارسا
<i>Centaurea</i> sp.	قنطوریون، قنطاریون	الموسوعه
<i>Centaurea centaurium</i> L.	قنطوریون کبیر، غرطاب	الموسوعه
<i>Erythraea centaurium</i>	قنطوریون صغیر	الموسوعه
<i>Centaurea cyanus</i> L.	قنطوریون	طباطبائی
<i>Centaurea minus</i> Moen. <i>Erythraea centaurium</i>	قنطوریون صغیر	طباطبائی

۱۴۹۷ - قنّه<sup>۱</sup>، قنّه<sup>۲</sup>، قنّه<sup>۳</sup>، قنّه<sup>۴</sup>، قنّه<sup>۵</sup>، قنّه<sup>۶</sup>، قنّه<sup>۷</sup>، قنّه<sup>۸</sup>، قنّه<sup>۹</sup>، قنّه<sup>۱۰</sup>، قنّه<sup>۱۱</sup>، قنّه<sup>۱۲</sup>، قنّه<sup>۱۳</sup>، قنّه<sup>۱۴</sup>، قنّه<sup>۱۵</sup>، قنّه<sup>۱۶</sup>، قنّه<sup>۱۷</sup>، قنّه<sup>۱۸</sup>، قنّه<sup>۱۹</sup>، قنّه<sup>۲۰</sup>، قنّه<sup>۲۱</sup>، قنّه<sup>۲۲</sup>، قنّه<sup>۲۳</sup>، قنّه<sup>۲۴</sup>، قنّه<sup>۲۵</sup>، قنّه<sup>۲۶</sup>، قنّه<sup>۲۷</sup>، قنّه<sup>۲۸</sup>، قنّه<sup>۲۹</sup>، قنّه<sup>۳۰</sup>، قنّه<sup>۳۱</sup>، قنّه<sup>۳۲</sup>، قنّه<sup>۳۳</sup>، قنّه<sup>۳۴</sup>، قنّه<sup>۳۵</sup>، قنّه<sup>۳۶</sup>، قنّه<sup>۳۷</sup>، قنّه<sup>۳۸</sup>، قنّه<sup>۳۹</sup>، قنّه<sup>۴۰</sup>، قنّه<sup>۴۱</sup>، قنّه<sup>۴۲</sup>، قنّه<sup>۴۳</sup>، قنّه<sup>۴۴</sup>، قنّه<sup>۴۵</sup>، قنّه<sup>۴۶</sup>، قنّه<sup>۴۷</sup>، قنّه<sup>۴۸</sup>، قنّه<sup>۴۹</sup>، قنّه<sup>۵۰</sup>، قنّه<sup>۵۱</sup>، قنّه<sup>۵۲</sup>، قنّه<sup>۵۳</sup>، قنّه<sup>۵۴</sup>، قنّه<sup>۵۵</sup>، قنّه<sup>۵۶</sup>، قنّه<sup>۵۷</sup>، قنّه<sup>۵۸</sup>، قنّه<sup>۵۹</sup>، قنّه<sup>۶۰</sup>، قنّه<sup>۶۱</sup>، قنّه<sup>۶۲</sup>، قنّه<sup>۶۳</sup>، قنّه<sup>۶۴</sup>، قنّه<sup>۶۵</sup>، قنّه<sup>۶۶</sup>، قنّه<sup>۶۷</sup>، قنّه<sup>۶۸</sup>، قنّه<sup>۶۹</sup>، قنّه<sup>۷۰</sup>، قنّه<sup>۷۱</sup>، قنّه<sup>۷۲</sup>، قنّه<sup>۷۳</sup>، قنّه<sup>۷۴</sup>، قنّه<sup>۷۵</sup>، قنّه<sup>۷۶</sup>، قنّه<sup>۷۷</sup>، قنّه<sup>۷۸</sup>، قنّه<sup>۷۹</sup>، قنّه<sup>۸۰</sup>، قنّه<sup>۸۱</sup>، قنّه<sup>۸۲</sup>، قنّه<sup>۸۳</sup>، قنّه<sup>۸۴</sup>، قنّه<sup>۸۵</sup>، قنّه<sup>۸۶</sup>، قنّه<sup>۸۷</sup>، قنّه<sup>۸۸</sup>، قنّه<sup>۸۹</sup>، قنّه<sup>۹۰</sup>، قنّه<sup>۹۱</sup>، قنّه<sup>۹۲</sup>، قنّه<sup>۹۳</sup>، قنّه<sup>۹۴</sup>، قنّه<sup>۹۵</sup>، قنّه<sup>۹۶</sup>، قنّه<sup>۹۷</sup>، قنّه<sup>۹۸</sup>، قنّه<sup>۹۹</sup>، قنّه<sup>۱۰۰</sup>، قنّه<sup>۱۰۱</sup>، قنّه<sup>۱۰۲</sup>، قنّه<sup>۱۰۳</sup>، قنّه<sup>۱۰۴</sup>، قنّه<sup>۱۰۵</sup>، قنّه<sup>۱۰۶</sup>، قنّه<sup>۱۰۷</sup>، قنّه<sup>۱۰۸</sup>، قنّه<sup>۱۰۹</sup>، قنّه<sup>۱۱۰</sup>، قنّه<sup>۱۱۱</sup>، قنّه<sup>۱۱۲</sup>، قنّه<sup>۱۱۳</sup>، قنّه<sup>۱۱۴</sup>، قنّه<sup>۱۱۵</sup>، قنّه<sup>۱۱۶</sup>، قنّه<sup>۱۱۷</sup>، قنّه<sup>۱۱۸</sup>، قنّه<sup>۱۱۹</sup>، قنّه<sup>۱۲۰</sup>، قنّه<sup>۱۲۱</sup>، قنّه<sup>۱۲۲</sup>، قنّه<sup>۱۲۳</sup>، قنّه<sup>۱۲۴</sup>، قنّه<sup>۱۲۵</sup>، قنّه<sup>۱۲۶</sup>، قنّه<sup>۱۲۷</sup>، قنّه<sup>۱۲۸</sup>، قنّه<sup>۱۲۹</sup>، قنّه<sup>۱۳۰</sup>، قنّه<sup>۱۳۱</sup>، قنّه<sup>۱۳۲</sup>، قنّه<sup>۱۳۳</sup>، قنّه<sup>۱۳۴</sup>، قنّه<sup>۱۳۵</sup>، قنّه<sup>۱۳۶</sup>، قنّه<sup>۱۳۷</sup>، قنّه<sup>۱۳۸</sup>، قنّه<sup>۱۳۹</sup>، قنّه<sup>۱۴۰</sup>، قنّه<sup>۱۴۱</sup>، قنّه<sup>۱۴۲</sup>، قنّه<sup>۱۴۳</sup>، قنّه<sup>۱۴۴</sup>، قنّه<sup>۱۴۵</sup>، قنّه<sup>۱۴۶</sup>، قنّه<sup>۱۴۷</sup>، قنّه<sup>۱۴۸</sup>، قنّه<sup>۱۴۹</sup>، قنّه<sup>۱۵۰</sup>، قنّه<sup>۱۵۱</sup>، قنّه<sup>۱۵۲</sup>، قنّه<sup>۱۵۳</sup>، قنّه<sup>۱۵۴</sup>، قنّه<sup>۱۵۵</sup>، قنّه<sup>۱۵۶</sup>، قنّه<sup>۱۵۷</sup>، قنّه<sup>۱۵۸</sup>، قنّه<sup>۱۵۹</sup>، قنّه<sup>۱۶۰</sup>، قنّه<sup>۱۶۱</sup>، قنّه<sup>۱۶۲</sup>، قنّه<sup>۱۶۳</sup>، قنّه<sup>۱۶۴</sup>، قنّه<sup>۱۶۵</sup>، قنّه<sup>۱۶۶</sup>، قنّه<sup>۱۶۷</sup>، قنّه<sup>۱۶۸</sup>، قنّه<sup>۱۶۹</sup>، قنّه<sup>۱۷۰</sup>، قنّه<sup>۱۷۱</sup>، قنّه<sup>۱۷۲</sup>، قنّه<sup>۱۷۳</sup>، قنّه<sup>۱۷۴</sup>، قنّه<sup>۱۷۵</sup>، قنّه<sup>۱۷۶</sup>، قنّه<sup>۱۷۷</sup>، قنّه<sup>۱۷۸</sup>، قنّه<sup>۱۷۹</sup>، قنّه<sup>۱۸۰</sup>، قنّه<sup>۱۸۱</sup>، قنّه<sup>۱۸۲</sup>، قنّه<sup>۱۸۳</sup>، قنّه<sup>۱۸۴</sup>، قنّه<sup>۱۸۵</sup>، قنّه<sup>۱۸۶</sup>، قنّه<sup>۱۸۷</sup>، قنّه<sup>۱۸۸</sup>، قنّه<sup>۱۸۹</sup>، قنّه<sup>۱۹۰</sup>، قنّه<sup>۱۹۱</sup>، قنّه<sup>۱۹۲</sup>، قنّه<sup>۱۹۳</sup>، قنّه<sup>۱۹۴</sup>، قنّه<sup>۱۹۵</sup>، قنّه<sup>۱۹۶</sup>، قنّه<sup>۱۹۷</sup>، قنّه<sup>۱۹۸</sup>، قنّه<sup>۱۹۹</sup>، قنّه<sup>۲۰۰</sup>، قنّه<sup>۲۰۱</sup>، قنّه<sup>۲۰۲</sup>، قنّه<sup>۲۰۳</sup>، قنّه<sup>۲۰۴</sup>، قنّه<sup>۲۰۵</sup>، قنّه<sup>۲۰۶</sup>، قنّه<sup>۲۰۷</sup>، قنّه<sup>۲۰۸</sup>، قنّه<sup>۲۰۹</sup>، قنّه<sup>۲۱۰</sup>، قنّه<sup>۲۱۱</sup>، قنّه<sup>۲۱۲</sup>، قنّه<sup>۲۱۳</sup>، قنّه<sup>۲۱۴</sup>، قنّه<sup>۲۱۵</sup>، قنّه<sup>۲۱۶</sup>، قنّه<sup>۲۱۷</sup>، قنّه<sup>۲۱۸</sup>، قنّه<sup>۲۱۹</sup>، قنّه<sup>۲۲۰</sup>، قنّه<sup>۲۲۱</sup>، قنّه<sup>۲۲۲</sup>، قنّه<sup>۲۲۳</sup>، قنّه<sup>۲۲۴</sup>، قنّه<sup>۲۲۵</sup>، قنّه<sup>۲۲۶</sup>، قنّه<sup>۲۲۷</sup>، قنّه<sup>۲۲۸</sup>، قنّه<sup>۲۲۹</sup>، قنّه<sup>۲۳۰</sup>، قنّه<sup>۲۳۱</sup>، قنّه<sup>۲۳۲</sup>، قنّه<sup>۲۳۳</sup>، قنّه<sup>۲۳۴</sup>، قنّه<sup>۲۳۵</sup>، قنّه<sup>۲۳۶</sup>، قنّه<sup>۲۳۷</sup>، قنّه<sup>۲۳۸</sup>، قنّه<sup>۲۳۹</sup>، قنّه<sup>۲۴۰</sup>، قنّه<sup>۲۴۱</sup>، قنّه<sup>۲۴۲</sup>، قنّه<sup>۲۴۳</sup>، قنّه<sup>۲۴۴</sup>، قنّه<sup>۲۴۵</sup>، قنّه<sup>۲۴۶</sup>، قنّه<sup>۲۴۷</sup>، قنّه<sup>۲۴۸</sup>، قنّه<sup>۲۴۹</sup>، قنّه<sup>۲۵۰</sup>، قنّه<sup>۲۵۱</sup>، قنّه<sup>۲۵۲</sup>، قنّه<sup>۲۵۳</sup>، قنّه<sup>۲۵۴</sup>، قنّه<sup>۲۵۵</sup>، قنّه<sup>۲۵۶</sup>، قنّه<sup>۲۵۷</sup>، قنّه<sup>۲۵۸</sup>، قنّه<sup>۲۵۹</sup>، قنّه<sup>۲۶۰</sup>، قنّه<sup>۲۶۱</sup>، قنّه<sup>۲۶۲</sup>، قنّه<sup>۲۶۳</sup>، قنّه<sup>۲۶۴</sup>، قنّه<sup>۲۶۵</sup>، قنّه<sup>۲۶۶</sup>، قنّه<sup>۲۶۷</sup>، قنّه<sup>۲۶۸</sup>، قنّه<sup>۲۶۹</sup>، قنّه<sup>۲۷۰</sup>، قنّه<sup>۲۷۱</sup>، قنّه<sup>۲۷۲</sup>، قنّه<sup>۲۷۳</sup>، قنّه<sup>۲۷۴</sup>، قنّه<sup>۲۷۵</sup>، قنّه<sup>۲۷۶</sup>، قنّه<sup>۲۷۷</sup>، قنّه<sup>۲۷۸</sup>، قنّه<sup>۲۷۹</sup>، قنّه<sup>۲۸۰</sup>، قنّه<sup>۲۸۱</sup>، قنّه<sup>۲۸۲</sup>، قنّه<sup>۲۸۳</sup>، قنّه<sup>۲۸۴</sup>، قنّه<sup>۲۸۵</sup>، قنّه<sup>۲۸۶</sup>، قنّه<sup>۲۸۷</sup>، قنّه<sup>۲۸۸</sup>، قنّه<sup>۲۸۹</sup>، قنّه<sup>۲۹۰</sup>، قنّه<sup>۲۹۱</sup>، قنّه<sup>۲۹۲</sup>، قنّه<sup>۲۹۳</sup>، قنّه<sup>۲۹۴</sup>، قنّه<sup>۲۹۵</sup>، قنّه<sup>۲۹۶</sup>، قنّه<sup>۲۹۷</sup>، قنّه<sup>۲۹۸</sup>، قنّه<sup>۲۹۹</sup>، قنّه<sup>۳۰۰</sup>، قنّه<sup>۳۰۱</sup>، قنّه<sup>۳۰۲</sup>، قنّه<sup>۳۰۳</sup>، قنّه<sup>۳۰۴</sup>، قنّه<sup>۳۰۵</sup>، قنّه<sup>۳۰۶</sup>، قنّه<sup>۳۰۷</sup>، قنّه<sup>۳۰۸</sup>، قنّه<sup>۳۰۹</sup>، قنّه<sup>۳۱۰</sup>، قنّه<sup>۳۱۱</sup>، قنّه<sup>۳۱۲</sup>، قنّه<sup>۳۱۳</sup>، قنّه<sup>۳۱۴</sup>، قنّه<sup>۳۱۵</sup>، قنّه<sup>۳۱۶</sup>، قنّه<sup>۳۱۷</sup>، قنّه<sup>۳۱۸</sup>، قنّه<sup>۳۱۹</sup>، قنّه<sup>۳۲۰</sup>، قنّه<sup>۳۲۱</sup>، قنّه<sup>۳۲۲</sup>، قنّه<sup>۳۲۳</sup>، قنّه<sup>۳۲۴</sup>، قنّه<sup>۳۲۵</sup>، قنّه<sup>۳۲۶</sup>، قنّه<sup>۳۲۷</sup>، قنّه<sup>۳۲۸</sup>، قنّه<sup>۳۲۹</sup>، قنّه<sup>۳۳۰</sup>، قنّه<sup>۳۳۱</sup>، قنّه<sup>۳۳۲</sup>، قنّه<sup>۳۳۳</sup>، قنّه<sup>۳۳۴</sup>، قنّه<sup>۳۳۵</sup>، قنّه<sup>۳۳۶</sup>، قنّه<sup>۳۳۷</sup>، قنّه<sup>۳۳۸</sup>، قنّه<sup>۳۳۹</sup>، قنّه<sup>۳۴۰</sup>، قنّه<sup>۳۴۱</sup>، قنّه<sup>۳۴۲</sup>، قنّه<sup>۳۴۳</sup>، قنّه<sup>۳۴۴</sup>، قنّه<sup>۳۴۵</sup>، قنّه<sup>۳۴۶</sup>، قنّه<sup>۳۴۷</sup>، قنّه<sup>۳۴۸</sup>، قنّه<sup>۳۴۹</sup>، قنّه<sup>۳۵۰</sup>، قنّه<sup>۳۵۱</sup>، قنّه<sup>۳۵۲</sup>، قنّه<sup>۳۵۳</sup>، قنّه<sup>۳۵۴</sup>، قنّه<sup>۳۵۵</sup>، قنّه<sup>۳۵۶</sup>، قنّه<sup>۳۵۷</sup>، قنّه<sup>۳۵۸</sup>، قنّه<sup>۳۵۹</sup>، قنّه<sup>۳۶۰</sup>، قنّه<sup>۳۶۱</sup>، قنّه<sup>۳۶۲</sup>، قنّه<sup>۳۶۳</sup>، قنّه<sup>۳۶۴</sup>، قنّه<sup>۳۶۵</sup>، قنّه<sup>۳۶۶</sup>، قنّه<sup>۳۶۷</sup>، قنّه<sup>۳۶۸</sup>، قنّه<sup>۳۶۹</sup>، قنّه<sup>۳۷۰</sup>، قنّه<sup>۳۷۱</sup>، قنّه<sup>۳۷۲</sup>، قنّه<sup>۳۷۳</sup>، قنّه<sup>۳۷۴</sup>، قنّه<sup>۳۷۵</sup>، قنّه<sup>۳۷۶</sup>، قنّه<sup>۳۷۷</sup>، قنّه<sup>۳۷۸</sup>، قنّه<sup>۳۷۹</sup>، قنّه<sup>۳۸۰</sup>، قنّه<sup>۳۸۱</sup>، قنّه<sup>۳۸۲</sup>، قنّه<sup>۳۸۳</sup>، قنّه<sup>۳۸۴</sup>، قنّه<sup>۳۸۵</sup>، قنّه<sup>۳۸۶</sup>، قنّه<sup>۳۸۷</sup>، قنّه<sup>۳۸۸</sup>، قنّه<sup>۳۸۹</sup>، قنّه<sup>۳۹۰</sup>، قنّه<sup>۳۹۱</sup>، قنّه<sup>۳۹۲</sup>، قنّه<sup>۳۹۳</sup>، قنّه<sup>۳۹۴</sup>، قنّه<sup>۳۹۵</sup>، قنّه<sup>۳۹۶</sup>، قنّه<sup>۳۹۷</sup>، قنّه<sup>۳۹۸</sup>، قنّه<sup>۳۹۹</sup>، قنّه<sup>۴۰۰</sup>، قنّه<sup>۴۰۱</sup>، قنّه<sup>۴۰۲</sup>، قنّه<sup>۴۰۳</sup>، قنّه<sup>۴۰۴</sup>، قنّه<sup>۴۰۵</sup>، قنّه<sup>۴۰۶</sup>، قنّه<sup>۴۰۷</sup>، قنّه<sup>۴۰۸</sup>، قنّه<sup>۴۰۹</sup>، قنّه<sup>۴۱۰</sup>، قنّه<sup>۴۱۱</sup>، قنّه<sup>۴۱۲</sup>، قنّه<sup>۴۱۳</sup>، قنّه<sup>۴۱۴</sup>، قنّه<sup>۴۱۵</sup>، قنّه<sup>۴۱۶</sup>، قنّه<sup>۴۱۷</sup>، قنّه<sup>۴۱۸</sup>، قنّه<sup>۴۱۹</sup>، قنّه<sup>۴۲۰</sup>، قنّه<sup>۴۲۱</sup>، قنّه<sup>۴۲۲</sup>، قنّه<sup>۴۲۳</sup>، قنّه<sup>۴۲۴</sup>، قنّه<sup>۴۲۵</sup>، قنّه<sup>۴۲۶</sup>، قنّه<sup>۴۲۷</sup>، قنّه<sup>۴۲۸</sup>، قنّه<sup>۴۲۹</sup>، قنّه<sup>۴۳۰</sup>، قنّه<sup>۴۳۱</sup>، قنّه<sup>۴۳۲</sup>، قنّه<sup>۴۳۳</sup>، قنّه<sup>۴۳۴</sup>، قنّه<sup>۴۳۵</sup>، قنّه<sup>۴۳۶</sup>، قنّه<sup>۴۳۷</sup>، قنّه<sup>۴۳۸</sup>، قنّه<sup>۴۳۹</sup>، قنّه<sup>۴۴۰</sup>، قنّه<sup>۴۴۱</sup>، قنّه<sup>۴۴۲</sup>، قنّه<sup>۴۴۳</sup>، قنّه<sup>۴۴۴</sup>، قنّه<sup>۴۴۵</sup>، قنّه<sup>۴۴۶</sup>، قنّه<sup>۴۴۷</sup>، قنّه<sup>۴۴۸</sup>، قنّه<sup>۴۴۹</sup>، قنّه<sup>۴۵۰</sup>، قنّه<sup>۴۵۱</sup>، قنّه<sup>۴۵۲</sup>، قنّه<sup>۴۵۳</sup>، قنّه<sup>۴۵۴</sup>، قنّه<sup>۴۵۵</sup>، قنّه<sup>۴۵۶</sup>، قنّه<sup>۴۵۷</sup>، قنّه<sup>۴۵۸</sup>، قنّه<sup>۴۵۹</sup>، قنّه<sup>۴۶۰</sup>، قنّه<sup>۴۶۱</sup>، قنّه<sup>۴۶۲</sup>، قنّه<sup>۴۶۳</sup>، قنّه<sup>۴۶۴</sup>، قنّه<sup>۴۶۵</sup>، قنّه<sup>۴۶۶</sup>، قنّه<sup>۴۶۷</sup>، قنّه<sup>۴۶۸</sup>، قنّه<sup>۴۶۹</sup>، قنّه<sup>۴۷۰</sup>، قنّه<sup>۴۷۱</sup>، قنّه<sup>۴۷۲</sup>، قنّه<sup>۴۷۳</sup>، قنّه<sup>۴۷۴</sup>، قنّه<sup>۴۷۵</sup>، قنّه<sup>۴۷۶</sup>، قنّه<sup>۴۷۷</sup>، قنّه<sup>۴۷۸</sup>، قنّه<sup>۴۷۹</sup>، قنّه<sup>۴۸۰</sup>، قنّه<sup>۴۸۱</sup>، قنّه<sup>۴۸۲</sup>، قنّه<sup>۴۸۳</sup>، قنّه<sup>۴۸۴</sup>، قنّه<sup>۴۸۵</sup>، قنّه<sup>۴۸۶</sup>، قنّه<sup>۴۸۷</sup>، قنّه<sup>۴۸۸</sup>، قنّه<sup>۴۸۹</sup>، قنّه<sup>۴۹۰</sup>، قنّه<sup>۴۹۱</sup>، قنّه<sup>۴۹۲</sup>، قنّه<sup>۴۹۳</sup>، قنّه<sup>۴۹۴</sup>، قنّه<sup>۴۹۵</sup>، قنّه<sup>۴۹۶</sup>، قنّه<sup>۴۹۷</sup>، قنّه<sup>۴۹۸</sup>، قنّه<sup>۴۹۹</sup>، قنّه<sup>۵۰۰</sup>، قنّه<sup>۵۰۱</sup>، قنّه<sup>۵۰۲</sup>، قنّه<sup>۵۰۳</sup>، قنّه<sup>۵۰۴</sup>، قنّه<sup>۵۰۵</sup>، قنّه<sup>۵۰۶</sup>، قنّه<sup>۵۰۷</sup>، قنّه<sup>۵۰۸</sup>، قنّه<sup>۵۰۹</sup>، قنّه<sup>۵۱۰</sup>، قنّه<sup>۵۱۱</sup>، قنّه<sup>۵۱۲</sup>، قنّه<sup>۵۱۳</sup>، قنّه<sup>۵۱۴</sup>، قنّه<sup>۵۱۵</sup>، قنّه<sup>۵۱۶</sup>، قنّه<sup>۵۱۷</sup>، قنّه<sup>۵۱۸</sup>، قنّه<sup>۵۱۹</sup>، قنّه<sup>۵۲۰</sup>، قنّه<sup>۵۲۱</sup>، قنّه<sup>۵۲۲</sup>، قنّه<sup>۵۲۳</sup>، قنّه<sup>۵۲۴</sup>، قنّه<sup>۵۲۵</sup>، قنّه<sup>۵۲۶</sup>، قنّه<sup>۵۲۷</sup>، قنّه<sup>۵۲۸</sup>، قنّه<sup>۵۲۹</sup>، قنّه<sup>۵۳۰</sup>، قنّه<sup>۵۳۱</sup>، قنّه<sup>۵۳۲</sup>، قنّه<sup>۵۳۳</sup>، قنّه<sup>۵۳۴</sup>، قنّه<sup>۵۳۵</sup>، قنّه<sup>۵۳۶</sup>، قنّه<sup>۵۳۷</sup>، قنّه<sup>۵۳۸</sup>، قنّه<sup>۵۳۹</sup>، قنّه<sup>۵۴۰</sup>، قنّه<sup>۵۴۱</sup>، قنّه<sup>۵۴۲</sup>، قنّه<sup>۵۴۳</sup>، قنّه<sup>۵۴۴</sup>، قنّه<sup>۵۴۵</sup>، قنّه<sup>۵۴۶</sup>، قنّه<sup>۵۴۷</sup>، قنّه<sup>۵۴۸</sup>، قنّه<sup>۵۴۹</sup>، قنّه<sup>۵۵۰</sup>، قنّه<sup>۵۵۱</sup>، قنّه<sup>۵۵۲</sup>، قنّه<sup>۵۵۳</sup>، قنّه<sup>۵۵۴</sup>، قنّه<sup>۵۵۵</sup>، قنّه<sup>۵۵۶</sup>، قنّه<sup>۵۵۷</sup>، قنّه<sup>۵۵۸</sup>، قنّه<sup>۵۵۹</sup>، قنّه<sup>۵۶۰</sup>، قنّه<sup>۵۶۱</sup>، قنّه<sup>۵۶۲</sup>، قنّه<sup>۵۶۳</sup>، قنّه<sup>۵۶۴</sup>، قنّه<sup>۵۶۵</sup>، قنّه<sup>۵۶۶</sup>، قنّه<sup>۵۶۷</sup>، قنّه<sup>۵۶۸</sup>، قنّه<sup>۵۶۹</sup>، قنّه<sup>۵۷۰</sup>، قنّه<sup>۵۷۱</sup>، قنّه<sup>۵۷۲</sup>، قنّه<sup>۵۷۳</sup>، قنّه<sup>۵۷۴</sup>، قنّه<sup>۵۷۵</sup>، قنّه<sup>۵۷۶</sup>، قنّه<sup>۵۷۷</sup>، قنّه<sup>۵۷۸</sup>، قنّه<sup>۵۷۹</sup>، قنّه<sup>۵۸۰</sup>، قنّه<sup>۵۸۱</sup>، قنّه<sup>۵۸۲</sup>، قنّه<sup>۵۸۳</sup>، قنّه<sup>۵۸۴</sup>، قنّه<sup>۵۸۵</sup>، قنّه<sup>۵۸۶</sup>، قنّه<sup>۵۸۷</sup>، قنّه<sup>۵۸۸</sup>، قنّه<sup>۵۸۹</sup>، قنّه<sup>۵۹۰</sup>، قنّه<sup>۵۹۱</sup>، قنّه<sup>۵۹۲</sup>، قنّه<sup>۵۹۳</sup>، قنّه<sup>۵۹۴</sup>، قنّه<sup>۵۹۵</sup>، قنّه<sup>۵۹۶</sup>، قنّه<sup>۵۹۷</sup>، قنّه<sup>۵۹۸</sup>، قنّه<sup>۵۹۹</sup>، قنّه<sup>۶۰۰</sup>، قنّه<sup>۶۰۱</sup>، قنّه<sup>۶۰۲</sup>، قنّه<sup>۶۰۳</sup>، قنّه<sup>۶۰۴</sup>، قنّه<sup>۶۰۵</sup>، قنّه<sup>۶۰۶</sup>، قنّه<sup>۶۰۷</sup>، قنّه<sup>۶۰۸</sup>، قنّه<sup>۶۰۹</sup>، قنّه<sup>۶۱۰</sup>، قنّه<sup>۶۱۱</sup>، قنّه<sup>۶۱۲</sup>، قنّه<sup>۶۱۳</sup>، قنّه<sup>۶۱۴</sup>، قنّه<sup>۶۱۵</sup>، قنّه<sup>۶۱۶</sup>، قنّه<sup>۶۱۷</sup>، قنّه<sup>۶۱۸</sup>، قنّه<sup>۶۱۹</sup>، قنّه<sup>۶۲۰</sup>، قنّه<sup>۶۲۱</sup>، قنّه<sup>۶۲۲</sup>، قنّه<sup>۶۲۳</sup>، قنّه<sup>۶۲۴</sup>، قنّه<sup>۶۲۵</sup>، قنّه<sup>۶۲۶</sup>، قنّه<sup>۶۲۷</sup>، قنّه<sup>۶۲۸</sup>، قنّه<sup>۶۲۹</sup>، قنّه<sup>۶۳۰</sup>، قنّه<sup>۶۳۱</sup>، قنّه<sup>۶۳۲</sup>، قنّه<sup>۶۳۳</sup>، قنّه<sup>۶۳۴</sup>، قنّه<sup>۶۳۵</sup>، قنّه<sup>۶۳۶</sup>، قنّه<sup>۶۳۷</sup>، قنّه<sup>۶۳۸</sup>، قنّه<sup>۶۳۹</sup>، قنّه<sup>۶۴۰</sup>، قنّه<sup>۶۴۱</sup>، قنّه<sup>۶۴۲</sup>، قنّه<sup>۶۴۳</sup>، قنّه<sup>۶۴۴</sup>، قنّه<sup>۶۴۵</sup>، قنّه<sup>۶۴۶</sup>، قنّه<sup>۶۴۷</sup>، قنّه<sup>۶۴۸</sup>، قنّه<sup>۶۴۹</sup>، قنّه<sup>۶۵۰</sup>، قنّه<sup>۶۵۱</sup>، قنّه<sup>۶۵۲</sup>، قنّه<sup>۶۵۳</sup>، قنّه<sup>۶۵۴</sup>، قنّه<sup>۶۵۵</sup>، قنّه<sup>۶۵۶</sup>، قنّه<sup>۶۵۷</sup>، قنّه<sup>۶۵۸</sup>، قنّه<sup>۶۵۹</sup>، قنّه<sup>۶۶۰</sup>، قنّه<sup>۶۶۱</sup>، قنّه<sup>۶۶۲</sup>، قنّه<sup>۶۶۳</sup>، قنّه<sup>۶۶۴</sup>، قنّه<sup>۶۶۵</sup>، قنّه<sup>۶۶۶</sup>، قنّه<sup>۶۶۷</sup>، قنّه<sup>۶۶۸</sup>، قنّه<sup>۶۶۹</sup>، قنّه<sup>۶۷۰</sup>، قنّه<sup>۶۷۱</sup>، قنّه<sup>۶۷۲</sup>، قنّه<sup>۶۷۳</sup>، قنّه<sup>۶۷۴</sup>، قنّه<sup>۶۷۵</sup>، قنّه<sup>۶۷۶</sup>، قنّه<sup>۶۷۷</sup>، قنّه<sup>۶۷۸</sup>، قنّه<sup>۶۷۹</sup>، قنّه<sup>۶۸۰</sup>، قنّه<sup>۶۸۱</sup>، قنّه<sup>۶۸۲</sup>، قنّه<sup>۶۸۳</sup>، قنّه<sup>۶۸۴</sup>، قنّه<sup>۶۸۵</sup>، قنّه<sup>۶۸۶</sup>، قنّه<sup>۶۸۷</sup>، قنّه<sup>۶۸۸</sup>، قنّه<sup>۶۸۹</sup>، قنّه<sup>۶</sup>

۱۴۹۸ - قوطامه:

۱۴۹۹ - قُوطُلیدون، قوطلیدون، قوطولیدون: (نامی یونانی) نام های دیگر آن: یونانی: قومالیون - مغرب: زلایف الملوک، بشائق، اذان القسیس (زیرا برگ آن شبیه به ترازوئی است که به زبان یونانی «قطولی» نام دارد)، سفائق - عربی: کاسات (زیرا برگ آن شبیه به کاسه است).

قوطلیدون (Kotuledon): نام دیگر آن «کأس» است زیرا مشابه ظروف کوچکی به نام «سکارچ» می باشد و عوام شهرهای ما به آن «المصاق» گویند زیرا برگی پهن دارد و به «اذان القسیس» و «زلائف الملوک» نیز مشهور است.

این گیاه در بام ها و دیوار خانه ها و صخره کوه ها می روید و دو نوع دارد و نوع دوم آن را اهالی مصر «اذنة» (یا اده) نامند. [ابن بطار

(در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۸۲]

دیسکورید	قوطلیدون، کأس، اذان القسیس، زلائف الملوک،	<i>Cotyledon lusitanicus Lam.</i>
----------	---	-----------------------------------

۱۵۰۰ - قونی: (نامی یونانی) نام دیگر آن: بخور - همچنین به درخت «أرز» نیز گفته می شود.

۱۵۰۱ - قوالس: نام های دیگر آن: عجمی اندلس: أقجاله

۱۵۰۲ - قونیزا، قونیزا: نام «طباق» است ولی بطریق نام آن را «تنبوت» می داند که اشتباه است.

۱۵۰۳ - قولانی: «جوی» است که از هندوستان آرند.

۱۵۰۴ - قومن: نام های دیگر آن: مرز - رازی: مثلث

۱۵۰۵ - قیسوم، قیسوم، قیسوم، قیسوم، قیسوم (نامی عربی)، أرطمیسا، أرطماسا: نوعی برنجاسف - نام های دیگر آن: عربی: قیسوم، قیسوم، جنجاث، وطای قیسوم - یونانی: شوصر - رومی: ارطاماسیا، اطمیثا - فارسی: برنجاسف، بلنجاسف، برنجاسب، فلسب، فریرسب، بوی ماذران، بوی مادران، برتراسک - شیراز: سرزردک - سجستان: بزیر - هندی: کندنا، کندمار - غسانی: می گوید قیسوم دارای انواع فراوانی است در عین حال در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «شیخ ارمنی» می دانند و عده ای بر این اعتقادند که «افستین» است.

أبروطون (Abrotonon): نام «قیصوم» است و دارای دو پایه نر و ماده است و کسی که آن را «برنجاسف» نامیده دچار اشتباه

شده است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۵]

زریاب	ارطمیس - قیسوم - جنجاث	<i>Artemisia vulgaris L.</i>
دیسکورید	ابروتون - قیسوم (نوع اول) (نوع دوم)	<i>Achillea fragrantissima Sch.</i> <i>Artemisia abrotonon L.</i>
الموسوعه	قیصوم، أبروطون، زحان الأرض، مشک الجن	<i>Artemisia abrotonon L.</i>
طباطبائی	قیصوم	<i>Artemisia abrotonon L.</i>
خطابی	قیصوم (ذکر) قیصوم (انثی)	<i>Artemisia abrotonon L.</i> <i>Achillea fragrantissima Sch.</i>

۱۵۰۶ - قیقهر، قیقهر: نام های دیگر آن: یونانی: قیقهن، قیقهر، قیقهر - عربی: شجر - فارسی: لعل معبری - هندی: رال، دھونه؟

۱۵۰۷ - قیص:

۱۵۰۸ - قینا: نوعی بقلة الحمقاء



## حرف «ک»

۱۵۰۹ - کات: نام مشترک «برنجی» در شوشتر و صمغ درخت هندی به نام «کیهر»<sup>۱</sup>  
 ۱۵۱۰ - کاذی؛ کاذی<sup>۲</sup>، کاذی<sup>۳</sup>، کاذی<sup>۴</sup> (لغت عربی اهل یمن یا لغت هندی است.)، کاوی<sup>۵</sup>، کدر<sup>(۱)</sup>: گویند طلعی است و «ابن سمجون» گوید بیشتر در زمین هند باشد و درخت آن مانند درخت خرما است... و مؤلف گوید بدانچه محق و مشهور است گلی است که در بحرین و نواحی عمان و در مناطق گرمسیر شیراز روید و آن را «گل کیدی» گویند و بوی بسیار خوش دارد حتی جامه که بوی آن بگیرد تا مدت‌ها آن بوی زایل نگردد.<sup>۲</sup> نوع کوچک آن «کیتکی» نام دارد.<sup>۱</sup> - نام‌های دیگر آن: عربی: کدر<sup>۱</sup> - هندی: کیوار<sup>۲</sup>، گل کیوره<sup>۳</sup> - اصفهان: کیده<sup>۴</sup>

<i>Pandanus odoratissimus L.</i>	کاذی - گل کیوره	زر. - طب.
<i>Pandanus sp.</i>	کاذی	الموسوعه

۱۵۱۱ - کاشیم؛ کاشم<sup>۱</sup>، کاشم<sup>۲</sup>، کاشم<sup>۳</sup>، کاشم<sup>۴</sup>، کاشم<sup>۵</sup> رومی<sup>۶</sup>: از هدبات و نوعی جنبه (نامی عربی یا فارسی) نام‌های دیگر آن: رومی: لویسطیقون<sup>۷</sup> - یونانی: قنالیون<sup>۸</sup>، لیفستیقون<sup>۹</sup> ساسالی<sup>۱۰</sup>، لیفطیغون<sup>۱۱</sup>، لیفسطیقون<sup>۱۲</sup>، سیالیوس - سریانی: نیلی یشا<sup>۱۳</sup> - رومی: کملاون<sup>۱۴</sup> - گویند نام «انجدان رومی» است.<sup>۱۵</sup> - تخم آن به فارسی «گل‌پر» نام دارد.<sup>۱۶</sup> رازی آن را «زوفر» می‌داند.<sup>۱۷</sup> بعضی گفته‌اند نوع چهارم «سیسالیون» که با نام یونانی «طروبین» است.<sup>۱۸</sup> «اشبیلی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را بذر «کلخ» و گروهی نوعی «انجدان» و بعضی «سالیون» یا «بسطیقون» که همان «انجدان رومی» و «کمون رومی» است، می‌دانند. - نام نوعی از آن: سسالیون - کاشم صینی - منفوخه - بَلَه بانته - بَلَراله - نوعی «ابی دالس» نام‌های نوع دیگر آن: فول الشعال - کاشم الریفی - طریدلیون - اقریطون - فاناقس خیرونیون - انطبذه - نام‌های نوع دیگر آن: سسالیوس و سناتیا یعنی سنوت الجبلی - سنوت یعنی کمون - کمون الملوکی - طغارنه - طغاره - فلیفله - کاشم صغیر: طَرَح النواتیه - خُراء النواتیه - رَجَل البازی<sup>۱۹</sup>  
 لیفسطیقون (*ligustikon*): نام «کاشم» است و اهالی انطالیا به آن «رُزُغْد» گویند و آن را با گوشت بجای گیاه «التویل» می‌پزند.  
 [این پیتار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴۸]

<i>Levisticum officinale Koch.</i>	کاشم - لیسطیقون - ززغد	دیسکورید
<i>Levisticum officinale Koch.</i>	انجدان رومی، کاشم، کاشم رومی	الموسوعه
<i>Levisticum officinale Koch.</i> <i>Ligusticum levisticum L.</i>	کاشم	زر. - طب.
<i>Levisticum officinale Koch.</i>	کاشم رومی	خطابی
<i>Seseli tortuosum L.</i>	کاشم	خطابی

۱۵۱۲ - کافور؛ کافور<sup>۱</sup>، کافور<sup>۲</sup>، کافور<sup>۳</sup>، کافور<sup>۴</sup>، کافور<sup>۵</sup>، کافور<sup>۶</sup>، کافور<sup>۷</sup>، کافور<sup>۸</sup>، کافور<sup>۹</sup>، کافور<sup>۱۰</sup>، کافور<sup>۱۱</sup>، کافور<sup>۱۲</sup>، کافور<sup>۱۳</sup>، کافور<sup>۱۴</sup>، کافور<sup>۱۵</sup>، کافور<sup>۱۶</sup>، کافور<sup>۱۷</sup>، کافور<sup>۱۸</sup>، کافور<sup>۱۹</sup>، کافور<sup>۲۰</sup>، کافور<sup>۲۱</sup>، کافور<sup>۲۲</sup>، کافور<sup>۲۳</sup>، کافور<sup>۲۴</sup>، کافور<sup>۲۵</sup>، کافور<sup>۲۶</sup>، کافور<sup>۲۷</sup>، کافور<sup>۲۸</sup>، کافور<sup>۲۹</sup>، کافور<sup>۳۰</sup>، کافور<sup>۳۱</sup>، کافور<sup>۳۲</sup>، کافور<sup>۳۳</sup>، کافور<sup>۳۴</sup>، کافور<sup>۳۵</sup>، کافور<sup>۳۶</sup>، کافور<sup>۳۷</sup>، کافور<sup>۳۸</sup>، کافور<sup>۳۹</sup>، کافور<sup>۴۰</sup>، کافور<sup>۴۱</sup>، کافور<sup>۴۲</sup>، کافور<sup>۴۳</sup>، کافور<sup>۴۴</sup>، کافور<sup>۴۵</sup>، کافور<sup>۴۶</sup>، کافور<sup>۴۷</sup>، کافور<sup>۴۸</sup>، کافور<sup>۴۹</sup>، کافور<sup>۵۰</sup>، کافور<sup>۵۱</sup>، کافور<sup>۵۲</sup>، کافور<sup>۵۳</sup>، کافور<sup>۵۴</sup>، کافور<sup>۵۵</sup>، کافور<sup>۵۶</sup>، کافور<sup>۵۷</sup>، کافور<sup>۵۸</sup>، کافور<sup>۵۹</sup>، کافور<sup>۶۰</sup>، کافور<sup>۶۱</sup>، کافور<sup>۶۲</sup>، کافور<sup>۶۳</sup>، کافور<sup>۶۴</sup>، کافور<sup>۶۵</sup>، کافور<sup>۶۶</sup>، کافور<sup>۶۷</sup>، کافور<sup>۶۸</sup>، کافور<sup>۶۹</sup>، کافور<sup>۷۰</sup>، کافور<sup>۷۱</sup>، کافور<sup>۷۲</sup>، کافور<sup>۷۳</sup>، کافور<sup>۷۴</sup>، کافور<sup>۷۵</sup>، کافور<sup>۷۶</sup>، کافور<sup>۷۷</sup>، کافور<sup>۷۸</sup>، کافور<sup>۷۹</sup>، کافور<sup>۸۰</sup>، کافور<sup>۸۱</sup>، کافور<sup>۸۲</sup>، کافور<sup>۸۳</sup>، کافور<sup>۸۴</sup>، کافور<sup>۸۵</sup>، کافور<sup>۸۶</sup>، کافور<sup>۸۷</sup>، کافور<sup>۸۸</sup>، کافور<sup>۸۹</sup>، کافور<sup>۹۰</sup>، کافور<sup>۹۱</sup>، کافور<sup>۹۲</sup>، کافور<sup>۹۳</sup>، کافور<sup>۹۴</sup>، کافور<sup>۹۵</sup>، کافور<sup>۹۶</sup>، کافور<sup>۹۷</sup>، کافور<sup>۹۸</sup>، کافور<sup>۹۹</sup>، کافور<sup>۱۰۰</sup>، کافور<sup>۱۰۱</sup>، کافور<sup>۱۰۲</sup>، کافور<sup>۱۰۳</sup>، کافور<sup>۱۰۴</sup>، کافور<sup>۱۰۵</sup>، کافور<sup>۱۰۶</sup>، کافور<sup>۱۰۷</sup>، کافور<sup>۱۰۸</sup>، کافور<sup>۱۰۹</sup>، کافور<sup>۱۱۰</sup>، کافور<sup>۱۱۱</sup>، کافور<sup>۱۱۲</sup>، کافور<sup>۱۱۳</sup>، کافور<sup>۱۱۴</sup>، کافور<sup>۱۱۵</sup>، کافور<sup>۱۱۶</sup>، کافور<sup>۱۱۷</sup>، کافور<sup>۱۱۸</sup>، کافور<sup>۱۱۹</sup>، کافور<sup>۱۲۰</sup>، کافور<sup>۱۲۱</sup>، کافور<sup>۱۲۲</sup>، کافور<sup>۱۲۳</sup>، کافور<sup>۱۲۴</sup>، کافور<sup>۱۲۵</sup>، کافور<sup>۱۲۶</sup>، کافور<sup>۱۲۷</sup>، کافور<sup>۱۲۸</sup>، کافور<sup>۱۲۹</sup>، کافور<sup>۱۳۰</sup>، کافور<sup>۱۳۱</sup>، کافور<sup>۱۳۲</sup>، کافور<sup>۱۳۳</sup>، کافور<sup>۱۳۴</sup>، کافور<sup>۱۳۵</sup>، کافور<sup>۱۳۶</sup>، کافور<sup>۱۳۷</sup>، کافور<sup>۱۳۸</sup>، کافور<sup>۱۳۹</sup>، کافور<sup>۱۴۰</sup>، کافور<sup>۱۴۱</sup>، کافور<sup>۱۴۲</sup>، کافور<sup>۱۴۳</sup>، کافور<sup>۱۴۴</sup>، کافور<sup>۱۴۵</sup>، کافور<sup>۱۴۶</sup>، کافور<sup>۱۴۷</sup>، کافور<sup>۱۴۸</sup>، کافور<sup>۱۴۹</sup>، کافور<sup>۱۵۰</sup>، کافور<sup>۱۵۱</sup>، کافور<sup>۱۵۲</sup>، کافور<sup>۱۵۳</sup>، کافور<sup>۱۵۴</sup>، کافور<sup>۱۵۵</sup>، کافور<sup>۱۵۶</sup>، کافور<sup>۱۵۷</sup>، کافور<sup>۱۵۸</sup>، کافور<sup>۱۵۹</sup>، کافور<sup>۱۶۰</sup>، کافور<sup>۱۶۱</sup>، کافور<sup>۱۶۲</sup>، کافور<sup>۱۶۳</sup>، کافور<sup>۱۶۴</sup>، کافور<sup>۱۶۵</sup>، کافور<sup>۱۶۶</sup>، کافور<sup>۱۶۷</sup>، کافور<sup>۱۶۸</sup>، کافور<sup>۱۶۹</sup>، کافور<sup>۱۷۰</sup>، کافور<sup>۱۷۱</sup>، کافور<sup>۱۷۲</sup>، کافور<sup>۱۷۳</sup>، کافور<sup>۱۷۴</sup>، کافور<sup>۱۷۵</sup>، کافور<sup>۱۷۶</sup>، کافور<sup>۱۷۷</sup>، کافور<sup>۱۷۸</sup>، کافور<sup>۱۷۹</sup>، کافور<sup>۱۸۰</sup>، کافور<sup>۱۸۱</sup>، کافور<sup>۱۸۲</sup>، کافور<sup>۱۸۳</sup>، کافور<sup>۱۸۴</sup>، کافور<sup>۱۸۵</sup>، کافور<sup>۱۸۶</sup>، کافور<sup>۱۸۷</sup>، کافور<sup>۱۸۸</sup>، کافور<sup>۱۸۹</sup>، کافور<sup>۱۹۰</sup>، کافور<sup>۱۹۱</sup>، کافور<sup>۱۹۲</sup>، کافور<sup>۱۹۳</sup>، کافور<sup>۱۹۴</sup>، کافور<sup>۱۹۵</sup>، کافور<sup>۱۹۶</sup>، کافور<sup>۱۹۷</sup>، کافور<sup>۱۹۸</sup>، کافور<sup>۱۹۹</sup>، کافور<sup>۲۰۰</sup>، کافور<sup>۲۰۱</sup>، کافور<sup>۲۰۲</sup>، کافور<sup>۲۰۳</sup>، کافور<sup>۲۰۴</sup>، کافور<sup>۲۰۵</sup>، کافور<sup>۲۰۶</sup>، کافور<sup>۲۰۷</sup>، کافور<sup>۲۰۸</sup>، کافور<sup>۲۰۹</sup>، کافور<sup>۲۱۰</sup>، کافور<sup>۲۱۱</sup>، کافور<sup>۲۱۲</sup>، کافور<sup>۲۱۳</sup>، کافور<sup>۲۱۴</sup>، کافور<sup>۲۱۵</sup>، کافور<sup>۲۱۶</sup>، کافور<sup>۲۱۷</sup>، کافور<sup>۲۱۸</sup>، کافور<sup>۲۱۹</sup>، کافور<sup>۲۲۰</sup>، کافور<sup>۲۲۱</sup>، کافور<sup>۲۲۲</sup>، کافور<sup>۲۲۳</sup>، کافور<sup>۲۲۴</sup>، کافور<sup>۲۲۵</sup>، کافور<sup>۲۲۶</sup>، کافور<sup>۲۲۷</sup>، کافور<sup>۲۲۸</sup>، کافور<sup>۲۲۹</sup>، کافور<sup>۲۳۰</sup>، کافور<sup>۲۳۱</sup>، کافور<sup>۲۳۲</sup>، کافور<sup>۲۳۳</sup>، کافور<sup>۲۳۴</sup>، کافور<sup>۲۳۵</sup>، کافور<sup>۲۳۶</sup>، کافور<sup>۲۳۷</sup>، کافور<sup>۲۳۸</sup>، کافور<sup>۲۳۹</sup>، کافور<sup>۲۴۰</sup>، کافور<sup>۲۴۱</sup>، کافور<sup>۲۴۲</sup>، کافور<sup>۲۴۳</sup>، کافور<sup>۲۴۴</sup>، کافور<sup>۲۴۵</sup>، کافور<sup>۲۴۶</sup>، کافور<sup>۲۴۷</sup>، کافور<sup>۲۴۸</sup>، کافور<sup>۲۴۹</sup>، کافور<sup>۲۵۰</sup>، کافور<sup>۲۵۱</sup>، کافور<sup>۲۵۲</sup>، کافور<sup>۲۵۳</sup>، کافور<sup>۲۵۴</sup>، کافور<sup>۲۵۵</sup>، کافور<sup>۲۵۶</sup>، کافور<sup>۲۵۷</sup>، کافور<sup>۲۵۸</sup>، کافور<sup>۲۵۹</sup>، کافور<sup>۲۶۰</sup>، کافور<sup>۲۶۱</sup>، کافور<sup>۲۶۲</sup>، کافور<sup>۲۶۳</sup>، کافور<sup>۲۶۴</sup>، کافور<sup>۲۶۵</sup>، کافور<sup>۲۶۶</sup>، کافور<sup>۲۶۷</sup>، کافور<sup>۲۶۸</sup>، کافور<sup>۲۶۹</sup>، کافور<sup>۲۷۰</sup>، کافور<sup>۲۷۱</sup>، کافور<sup>۲۷۲</sup>، کافور<sup>۲۷۳</sup>، کافور<sup>۲۷۴</sup>، کافور<sup>۲۷۵</sup>، کافور<sup>۲۷۶</sup>، کافور<sup>۲۷۷</sup>، کافور<sup>۲۷۸</sup>، کافور<sup>۲۷۹</sup>، کافور<sup>۲۸۰</sup>، کافور<sup>۲۸۱</sup>، کافور<sup>۲۸۲</sup>، کافور<sup>۲۸۳</sup>، کافور<sup>۲۸۴</sup>، کافور<sup>۲۸۵</sup>، کافور<sup>۲۸۶</sup>، کافور<sup>۲۸۷</sup>، کافور<sup>۲۸۸</sup>، کافور<sup>۲۸۹</sup>، کافور<sup>۲۹۰</sup>، کافور<sup>۲۹۱</sup>، کافور<sup>۲۹۲</sup>، کافور<sup>۲۹۳</sup>، کافور<sup>۲۹۴</sup>، کافور<sup>۲۹۵</sup>، کافور<sup>۲۹۶</sup>، کافور<sup>۲۹۷</sup>، کافور<sup>۲۹۸</sup>، کافور<sup>۲۹۹</sup>، کافور<sup>۳۰۰</sup>، کافور<sup>۳۰۱</sup>، کافور<sup>۳۰۲</sup>، کافور<sup>۳۰۳</sup>، کافور<sup>۳۰۴</sup>، کافور<sup>۳۰۵</sup>، کافور<sup>۳۰۶</sup>، کافور<sup>۳۰۷</sup>، کافور<sup>۳۰۸</sup>، کافور<sup>۳۰۹</sup>، کافور<sup>۳۱۰</sup>، کافور<sup>۳۱۱</sup>، کافور<sup>۳۱۲</sup>، کافور<sup>۳۱۳</sup>، کافور<sup>۳۱۴</sup>، کافور<sup>۳۱۵</sup>، کافور<sup>۳۱۶</sup>، کافور<sup>۳۱۷</sup>، کافور<sup>۳۱۸</sup>، کافور<sup>۳۱۹</sup>، کافور<sup>۳۲۰</sup>، کافور<sup>۳۲۱</sup>، کافور<sup>۳۲۲</sup>، کافور<sup>۳۲۳</sup>، کافور<sup>۳۲۴</sup>، کافور<sup>۳۲۵</sup>، کافور<sup>۳۲۶</sup>، کافور<sup>۳۲۷</sup>، کافور<sup>۳۲۸</sup>، کافور<sup>۳۲۹</sup>، کافور<sup>۳۳۰</sup>، کافور<sup>۳۳۱</sup>، کافور<sup>۳۳۲</sup>، کافور<sup>۳۳۳</sup>، کافور<sup>۳۳۴</sup>، کافور<sup>۳۳۵</sup>، کافور<sup>۳۳۶</sup>، کافور<sup>۳۳۷</sup>، کافور<sup>۳۳۸</sup>، کافور<sup>۳۳۹</sup>، کافور<sup>۳۴۰</sup>، کافور<sup>۳۴۱</sup>، کافور<sup>۳۴۲</sup>، کافور<sup>۳۴۳</sup>، کافور<sup>۳۴۴</sup>، کافور<sup>۳۴۵</sup>، کافور<sup>۳۴۶</sup>، کافور<sup>۳۴۷</sup>، کافور<sup>۳۴۸</sup>، کافور<sup>۳۴۹</sup>، کافور<sup>۳۵۰</sup>، کافور<sup>۳۵۱</sup>، کافور<sup>۳۵۲</sup>، کافور<sup>۳۵۳</sup>، کافور<sup>۳۵۴</sup>، کافور<sup>۳۵۵</sup>، کافور<sup>۳۵۶</sup>، کافور<sup>۳۵۷</sup>، کافور<sup>۳۵۸</sup>، کافور<sup>۳۵۹</sup>، کافور<sup>۳۶۰</sup>، کافور<sup>۳۶۱</sup>، کافور<sup>۳۶۲</sup>، کافور<sup>۳۶۳</sup>، کافور<sup>۳۶۴</sup>، کافور<sup>۳۶۵</sup>، کافور<sup>۳۶۶</sup>، کافور<sup>۳۶۷</sup>، کافور<sup>۳۶۸</sup>، کافور<sup>۳۶۹</sup>، کافور<sup>۳۷۰</sup>، کافور<sup>۳۷۱</sup>، کافور<sup>۳۷۲</sup>، کافور<sup>۳۷۳</sup>، کافور<sup>۳۷۴</sup>، کافور<sup>۳۷۵</sup>، کافور<sup>۳۷۶</sup>، کافور<sup>۳۷۷</sup>، کافور<sup>۳۷۸</sup>، کافور<sup>۳۷۹</sup>، کافور<sup>۳۸۰</sup>، کافور<sup>۳۸۱</sup>، کافور<sup>۳۸۲</sup>، کافور<sup>۳۸۳</sup>، کافور<sup>۳۸۴</sup>، کافور<sup>۳۸۵</sup>، کافور<sup>۳۸۶</sup>، کافور<sup>۳۸۷</sup>، کافور<sup>۳۸۸</sup>، کافور<sup>۳۸۹</sup>، کافور<sup>۳۹۰</sup>، کافور<sup>۳۹۱</sup>، کافور<sup>۳۹۲</sup>، کافور<sup>۳۹۳</sup>، کافور<sup>۳۹۴</sup>، کافور<sup>۳۹۵</sup>، کافور<sup>۳۹۶</sup>، کافور<sup>۳۹۷</sup>، کافور<sup>۳۹۸</sup>، کافور<sup>۳۹۹</sup>، کافور<sup>۴۰۰</sup>، کافور<sup>۴۰۱</sup>، کافور<sup>۴۰۲</sup>، کافور<sup>۴۰۳</sup>، کافور<sup>۴۰۴</sup>، کافور<sup>۴۰۵</sup>، کافور<sup>۴۰۶</sup>، کافور<sup>۴۰۷</sup>، کافور<sup>۴۰۸</sup>، کافور<sup>۴۰۹</sup>، کافور<sup>۴۱۰</sup>، کافور<sup>۴۱۱</sup>، کافور<sup>۴۱۲</sup>، کافور<sup>۴۱۳</sup>، کافور<sup>۴۱۴</sup>، کافور<sup>۴۱۵</sup>، کافور<sup>۴۱۶</sup>، کافور<sup>۴۱۷</sup>، کافور<sup>۴۱۸</sup>، کافور<sup>۴۱۹</sup>، کافور<sup>۴۲۰</sup>، کافور<sup>۴۲۱</sup>، کافور<sup>۴۲۲</sup>، کافور<sup>۴۲۳</sup>، کافور<sup>۴۲۴</sup>، کافور<sup>۴۲۵</sup>، کافور<sup>۴۲۶</sup>، کافور<sup>۴۲۷</sup>، کافور<sup>۴۲۸</sup>، کافور<sup>۴۲۹</sup>، کافور<sup>۴۳۰</sup>، کافور<sup>۴۳۱</sup>، کافور<sup>۴۳۲</sup>، کافور<sup>۴۳۳</sup>، کافور<sup>۴۳۴</sup>، کافور<sup>۴۳۵</sup>، کافور<sup>۴۳۶</sup>، کافور<sup>۴۳۷</sup>، کافور<sup>۴۳۸</sup>، کافور<sup>۴۳۹</sup>، کافور<sup>۴۴۰</sup>، کافور<sup>۴۴۱</sup>، کافور<sup>۴۴۲</sup>، کافور<sup>۴۴۳</sup>، کافور<sup>۴۴۴</sup>، کافور<sup>۴۴۵</sup>، کافور<sup>۴۴۶</sup>، کافور<sup>۴۴۷</sup>، کافور<sup>۴۴۸</sup>، کافور<sup>۴۴۹</sup>، کافور<sup>۴۵۰</sup>، کافور<sup>۴۵۱</sup>، کافور<sup>۴۵۲</sup>، کافور<sup>۴۵۳</sup>، کافور<sup>۴۵۴</sup>، کافور<sup>۴۵۵</sup>، کافور<sup>۴۵۶</sup>، کافور<sup>۴۵۷</sup>، کافور<sup>۴۵۸</sup>، کافور<sup>۴۵۹</sup>، کافور<sup>۴۶۰</sup>، کافور<sup>۴۶۱</sup>، کافور<sup>۴۶۲</sup>، کافور<sup>۴۶۳</sup>، کافور<sup>۴۶۴</sup>، کافور<sup>۴۶۵</sup>، کافور<sup>۴۶۶</sup>، کافور<sup>۴۶۷</sup>، کافور<sup>۴۶۸</sup>، کافور<sup>۴۶۹</sup>، کافور<sup>۴۷۰</sup>، کافور<sup>۴۷۱</sup>، کافور<sup>۴۷۲</sup>، کافور<sup>۴۷۳</sup>، کافور<sup>۴۷۴</sup>، کافور<sup>۴۷۵</sup>، کافور<sup>۴۷۶</sup>، کافور<sup>۴۷۷</sup>، کافور<sup>۴۷۸</sup>، کافور<sup>۴۷۹</sup>، کافور<sup>۴۸۰</sup>، کافور<sup>۴۸۱</sup>، کافور<sup>۴۸۲</sup>، کافور<sup>۴۸۳</sup>، کافور<sup>۴۸۴</sup>، کافور<sup>۴۸۵</sup>، کافور<sup>۴۸۶</sup>، کافور<sup>۴۸۷</sup>، کافور<sup>۴۸۸</sup>، کافور<sup>۴۸۹</sup>، کافور<sup>۴۹۰</sup>، کافور<sup>۴۹۱</sup>، کافور<sup>۴۹۲</sup>، کافور<sup>۴۹۳</sup>، کافور<sup>۴۹۴</sup>، کافور<sup>۴۹۵</sup>، کافور<sup>۴۹۶</sup>، کافور<sup>۴۹۷</sup>، کافور<sup>۴۹۸</sup>، کافور<sup>۴۹۹</sup>، کافور<sup>۵۰۰</sup>، کافور<sup>۵۰۱</sup>، کافور<sup>۵۰۲</sup>، کافور<sup>۵۰۳</sup>، کافور<sup>۵۰۴</sup>، کافور<sup>۵۰۵</sup>، کافور<sup>۵۰۶</sup>، کافور<sup>۵۰۷</sup>، کافور<sup>۵۰۸</sup>، کافور<sup>۵۰۹</sup>، کافور<sup>۵۱۰</sup>، کافور<sup>۵۱۱</sup>، کافور<sup>۵۱۲</sup>، کافور<sup>۵۱۳</sup>، کافور<sup>۵۱۴</sup>، کافور<sup>۵۱۵</sup>، کافور<sup>۵۱۶</sup>، کافور<sup>۵۱۷</sup>، کافور<sup>۵۱۸</sup>، کافور<sup>۵۱۹</sup>، کافور<sup>۵۲۰</sup>، کافور<sup>۵۲۱</sup>، کافور<sup>۵۲۲</sup>، کافور<sup>۵۲۳</sup>، کافور<sup>۵۲۴</sup>، کافور<sup>۵۲۵</sup>، کافور<sup>۵۲۶</sup>، کافور<sup>۵۲۷</sup>، کافور<sup>۵۲۸</sup>، کافور<sup>۵۲۹</sup>، کافور<sup>۵۳۰</sup>، کافور<sup>۵۳۱</sup>، کافور<sup>۵۳۲</sup>، کافور<sup>۵۳۳</sup>، کافور<sup>۵۳۴</sup>، کافور<sup>۵۳۵</sup>، کافور<sup>۵۳۶</sup>، کافور<sup>۵۳۷</sup>، کافور<sup>۵۳۸</sup>، کافور<sup>۵۳۹</sup>، کافور<sup>۵۴۰</sup>، کافور<sup>۵۴۱</sup>، کافور<sup>۵۴۲</sup>، کافور<sup>۵۴۳</sup>، کافور<sup>۵۴۴</sup>، کافور<sup>۵۴۵</sup>، کافور<sup>۵۴۶</sup>، کافور<sup>۵۴۷</sup>، کافور<sup>۵۴۸</sup>، کافور<sup>۵۴۹</sup>، کافور<sup>۵۵۰</sup>، کافور<sup>۵۵۱</sup>، کافور<sup>۵۵۲</sup>، کافور<sup>۵۵۳</sup>، کافور<sup>۵۵۴</sup>، کافور<sup>۵۵۵</sup>، کافور<sup>۵۵۶</sup>، کافور<sup>۵۵۷</sup>، کافور<sup>۵۵۸</sup>، کافور<sup>۵۵۹</sup>، کافور<sup>۵۶۰</sup>، کافور<sup>۵۶۱</sup>، کافور<sup>۵۶۲</sup>، کافور<sup>۵۶۳</sup>، کافور<sup>۵۶۴</sup>، کافور<sup>۵۶۵</sup>، کافور<sup>۵۶۶</sup>، کافور<sup>۵۶۷</sup>، کافور<sup>۵۶۸</sup>، کافور<sup>۵۶۹</sup>، کافور<sup>۵۷۰</sup>، کافور<sup>۵۷۱</sup>، کافور<sup>۵۷۲</sup>، کافور<sup>۵۷۳</sup>، کافور<sup>۵۷۴</sup>، کافور<sup>۵۷۵</sup>، کافور<sup>۵۷۶</sup>، کافور<sup>۵۷۷</sup>، کافور<sup>۵۷۸</sup>، کافور<sup>۵۷۹</sup>، کافور<sup>۵۸۰</sup>، کافور<sup>۵۸۱</sup>، کافور<sup>۵۸۲</sup>، کافور<sup>۵۸۳</sup>، کافور<sup>۵۸۴</sup>، کافور<sup>۵۸۵</sup>، کافور<sup>۵۸۶</sup>، کافور<sup>۵۸۷</sup>، کافور<sup>۵۸۸</sup>، کافور<sup>۵۸۹</sup>، کافور<sup>۵۹۰</sup>، کافور<sup>۵۹۱</sup>، کافور<sup>۵۹۲</sup>، کافور<sup>۵۹۳</sup>، کافور<sup>۵۹۴</sup>، کافور<sup>۵۹۵</sup>، کافور<sup>۵۹۶</sup>، کافور<sup>۵۹۷</sup>، کافور<sup>۵۹۸</sup>، کافور<sup>۵۹۹</sup>، کافور<sup>۶۰۰</sup>، کافور<sup>۶۰۱</sup>، کافور<sup>۶۰۲</sup>، کافور<sup>۶۰۳</sup>، کافور<sup>۶۰۴</sup>، کافور<sup>۶۰۵</sup>، کافور<sup>۶۰۶</sup>، کافور<sup>۶۰۷</sup>، کافور<sup>۶۰۸</sup>، کافور<sup>۶۰۹</sup>، کافور<sup>۶۱۰</sup>، کافور<sup>۶۱۱</sup>، کافور<sup>۶۱۲</sup>، کافور<sup>۶۱۳</sup>، کافور<sup>۶۱۴</sup>، کافور<sup>۶۱۵</sup>، کافور<sup>۶۱۶</sup>، کافور<sup>۶۱۷</sup>، کافور<sup>۶۱۸</sup>، کافور<sup>۶۱۹</sup>، کافور<sup>۶۲۰</sup>، کافور<sup>۶۲۱</sup>، کافور<sup>۶۲۲</sup>، کافور<sup>۶۲۳</sup>، کافور<sup>۶۲۴</sup>، کافور<sup>۶۲۵</sup>، کافور<sup>۶۲۶</sup>، کافور<sup>۶۲۷</sup>، کافور<sup>۶۲۸</sup>، کافور<sup>۶۲۹</sup>، کافور<sup>۶۳۰</sup>، کافور<sup>۶۳۱</sup>، کافور<sup>۶۳۲</sup>، کافور<sup>۶۳۳</sup>، کافور<sup>۶۳۴</sup>، کافور<sup>۶۳۵</sup>، کافور<sup>۶۳۶</sup>، کافور<sup>۶۳۷</sup>، کافور<sup>۶۳۸</sup>، کافور<sup>۶۳۹</sup>، کافور<sup>۶۴۰</sup>، کافور<sup>۶۴۱</sup>، کافور<sup>۶۴۲</sup>، کافور<sup>۶۴۳</sup>، کافور<sup>۶۴۴</sup>، کافور<sup>۶۴۵</sup>، کافور<sup>۶۴۶</sup>، کافور<sup>۶۴۷</sup>، کافور<sup>۶۴۸</sup>، کافور<sup>۶۴۹</sup>، کافور<sup>۶۵۰</sup>، کافور<sup>۶۵۱</sup>، کافور<sup>۶۵۲</sup>، کافور<sup>۶۵۳</sup>، کافور<sup>۶۵۴</sup>، کافور<sup>۶۵۵</sup>، کافور<sup>۶۵۶</sup>، کافور<sup>۶۵۷</sup>، کافور<sup>۶۵۸</sup>، کافور<sup>۶۵۹</sup>، کافور<sup>۶۶۰</sup>، کافور<sup>۶۶۱</sup>، کافور<sup>۶۶۲</sup>، کافور<sup>۶۶۳</sup>، کافور<sup>۶۶۴</sup>، کافور<sup>۶۶۵</sup>، کافور<sup>۶۶۶</sup>، کافور<sup>۶۶۷</sup>، کافور<sup>۶۶۸</sup>، کافور<sup>۶۶۹</sup>، کافور<sup>۶۷۰</sup>، کافور<sup>۶۷۱</sup>، کافور<sup>۶۷۲</sup>، کافور<sup>۶۷۳</sup>، کافور<sup>۶۷۴</sup>، کافور<sup>۶۷۵</sup>، کافور<sup>۶۷۶</sup>، کافور<sup>۶۷۷</sup>، کافور<sup>۶۷۸</sup>، کافور<sup>۶۷۹</sup>، کافور<sup>۶۸۰</sup>، کافور<sup>۶۸۱</sup>، کافور<sup>۶۸۲</sup>، کافور<sup>۶۸۳</sup>، کافور<sup>۶۸۴</sup>، کافور<sup>۶۸۵</sup>، کافور<sup>۶۸۶</sup>، کافور<sup>۶۸۷</sup>، کاف

۱۵۱۳ - کافوریوه<sup>ص</sup>: نام دیگر آن: کافور یهودی<sup>ص</sup>

زیباب	کافور بویه	<i>Camphorosma glabrum L.</i>
-------	------------	-------------------------------

۱۵۱۴ - کاکراسینکی<sup>ف</sup>: (نامی هندی)

۱۵۱۵ - کاکنج<sup>ف</sup>، کاکنج<sup>ص</sup>، کاکنج<sup>ث</sup>، کاکنج<sup>ج</sup>، کاکنج<sup>ح</sup>، کاکنج<sup>ط</sup>، حب اللق<sup>ص</sup>، حب الکاکنج<sup>ص</sup>، قسطولیدون<sup>ص</sup>: معرب «کاکنه» فارسی است. نوعی از اغلاث است.<sup>ث</sup> - نوعی عروس در پرده است.<sup>ص</sup> - نام های دیگر آن: اهالی فارس: عروسک پس پرده<sup>ف</sup> - شیراز: کچومن<sup>ث</sup> - یونانی: اوسفدنون<sup>ف</sup>، بقغاین<sup>ص</sup> - سریانی: خمیری مرجا<sup>ف</sup> - رومی: اسقیدولیون<sup>ف</sup> - عربی: جوزالمزج<sup>ف</sup>، حب اللهو<sup>ف</sup>، عُب<sup>ث</sup> - هندی: راجپونکه<sup>ف</sup>، بن پوتکه<sup>ف</sup>، بیر<sup>ص</sup> - لاتینی: هلیله کایم<sup>ف</sup> - مرو: عروس در قبه<sup>ص</sup> - ماوراءالنهر: عروس رزانی<sup>ص</sup>، عروس در پرده<sup>ص</sup> - مغرب: حب اللهو<sup>ف</sup> - غب الثعلب<sup>ف</sup> میفالا فالون<sup>ص</sup> - نام میوه آن: فسولیدس<sup>ص</sup> - فاس: غب الثعلب<sup>ف</sup>، غب الذیب<sup>ف</sup> "خوزی" می گوید: دو گونه است: یکی را از ماه و اصفهان و شهرهای سردسیر می آورند.<sup>ص</sup> قاطاجانس<sup>ص</sup> گوید: کاکنج نوعی «غب الثعلب» است که میوه اش سرخ است.<sup>ص</sup> دو نوع است یک نوع به شیرازی «عروس در پرده» خوانند و یک نوع دیگر «کچومن» گویند و بهترین آن بزرگ سرخ کوهی است.<sup>ص</sup> اشبیلی<sup>ف</sup> می گوید: دارای انواعی است

۱ - بستانی با نام های: غب الثعلب البستانی - القیابن - سطرخنوس - آبالش - فسولیدوس ۲ - نوع جیلی با نام های: سطرخنوس فنجوش - بلیار - مودیان - غالبه ۳ - شوطی: سلطان الجبل - سطرخنوس و قفالا ۴ - بری با نام های: أوبة قنینه - سطرخنوس - زئرق - فنا - روبادوج - ثعالة - ثلثان - دریقنن - مَجَنَن (دیوانه کننده) ۴ - مَنُوم با نام های: فارسون - قراسیون - برون - وربوعن<sup>ث</sup> ۵ - مروج با نام های: کاکنج المروج - جوز القطاة - دروقنی - مراطولس<sup>ث</sup> [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶۵: به غب الثعلب، رجوع شود.]

ز.خ.ط.	کاکنج	<i>Physalis alkekengi L.</i>
الموسوعة	حبة کاکنجیه، کاکنج، کَرْز القدس، شاش القاضی	<i>Physalis alkekengi L.</i>
GLO.IN.	India: Kaknaj	<i>Physalis alkekengi L.</i>
GLO.IN.	Bombay: Kaknaj - Hendia: Akri - Bengal: Ashvaganda	<i>Withania coagulans Dunal</i>

۱۵۱۶ - کالاکوت<sup>ف</sup>: (نامی هندی به معنای سیاه گل)۱۵۱۷ - کالی زیری<sup>ف</sup>: (نامی هندی) نام دیگر آن: سوراج<sup>ف</sup>

۱۵۱۸ - کبابه<sup>ف</sup>، کبابه<sup>ص</sup>، کبابه<sup>ث</sup>، کبابه<sup>ج</sup>، کبابه<sup>ح</sup>، کبابه<sup>ط</sup>: (نامی عربی) نام های دیگر آن: عربی: حب العروس<sup>ث</sup> - یونانی: مهیلیون<sup>ف</sup> - رومی: فریغلیون<sup>ف</sup> - هندی: کباب چینی<sup>ف</sup> نوع بزرگ: حب العروس<sup>ث</sup> - نوع کوچک: فِلَنجَة<sup>ث</sup> "غسانی" می گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را «حب العروس» می دانند و گروهی می گویند «آس البری» است و آن دانه ای همانند دانه «ریحان» است و در کوه های شام بسیار رویش یافته و بهمین دلیل با بهای اندکی خرید و فروش می شود و نزد ایشان به «دارکیسه» معروف است و در عراق به آن «دارکسنة» و «کبابه» گویند و از داروهای خوشبوست که نزد ما در فاس به «کبابه هندی» معروف است.<sup>ف</sup>

ز.خ.پ.ط.	کبابه	<i>Piper cubeba L.</i>
الموسوعة	فلغل کبابه، حبّ العروس، کبابَة	<i>Piper cubeba L.</i>

۱۵۱۹ - کبات<sup>ث</sup>، کبات<sup>ص</sup>: گویند نام میوه «آراک» است و گویند نوعی از میوه «آراک» است.<sup>ص</sup>

<i>Salvadora persica</i> Gaertn.	كبات، شجر السواك، اراک	الموسوعة
----------------------------------	------------------------	----------

۱۵۲۰ - کَبّ: جمع: کَبّة - نوعی حَمَض ش

۱۵۲۱ - کَبَرٌ، کَبْرٌ، کَبَرٌ، کَبِرٌ، کَبِرٌ (عربی یا معرب از فارسی)، شَفْلَجٌ، شَفْلَجٌ (میوه)، أَصْفٌ، أَصْفٌ، أَصْفٌ، لَصَفٌ، اصل کَبَرٌ، اصل صَفٌ: نوعی جنبه و گیاهی کوهی و صخره‌ای نام‌های دیگر آن: اَصْفٌ، ثَمَرَةُ الْکَبَرِ، عُرُوقُ الْاَصْفِ، لَصَفٌ عِکْرٌ، کَرَمَةُ السُّوداءُ - یونانی: اِثُونِیطُس، قَبارس، قُفْسیون - سریانی: قَبار - رومی: قَباریش - شیرازی: کورک - حب العروس - نام گیاه نزد برخی پزشکان: رَاوَنْد الْجَبَلِی - جَبْرِش - فِیغَس باطس - ابونیطش - تِلِیوت - کَبَار - قَبَار - کلنبار - کلنکار - رَاوَنْد الْجَبَلِی - نام میوه آن: عَرَبِی: شَفْلَج - رومی: بِلِباسی («بِلَناس» یا «بالانوس» نام میوه‌های مشابه «بلوط» است)، «ایفلوفوس» (ایپولوبوس و شاید افیوسطافیلن) - سریانی: دهنون دودِی، قوتری (به هندی و سندی) «ابن هیثم» می‌گوید: «کبابه» دارای دو نوع کوچک و بزرگ است، کوچک آن «حب العروس» و بزرگ آن «فلنج» نام دارد.

قبارس (*Kapparis*) نام «کَبَر» است و «أَصْف» نام چیزی است که در ریشه آن وجود دارد و به میوه آن «شَفْلَح» گویند. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۵۵]

<i>Capparis spinosa</i> L.	کبر - اصف	ز. - خ. - ط.
<i>Capparis spinosa</i> L.	قبارس - کبر - اصف - شفلح	زریاب
<i>Capparis spinosa</i> L.	خیار شنگ - مارگیر - کوله کمر	پارسا
<i>Capparis</i> sp.	کَبَّار، کَبَر	الموسوعه
<i>Capparis spinosa</i> L.	Bombay: Kabar - Hendia & punnjab: Kabra	GLO.IN.

١٥٢٢ - كَبُوءَ: نام‌های دیگر آن: لبن الحمارة - قِطَانَه - انْفَحَة - غَالِبُون

۱۵۲۳- کِسُون، کَفَسُون، کِسُون: گیاهی از حبشه نام آن را «کَشَوْت» گفته‌اند که صحیح نیست.<sup>۴</sup>

۱۵۲۴- کِیکِج، کِیکِج، کِیکِج، کِیکِج: بطراخيون<sup>۵</sup> (نامی یونانی به معنای صُفدعی)، ورد الحب: کِیکِجِ معرب کِیکِکه فارسی و نوعی کرفس بری است. - نام‌های دیگر آن: کَف الضبع، کَف السبع<sup>۶</sup> - یونانی: بطراخيون<sup>۷</sup>، سالتین اغریون، شالین اغریون<sup>۸</sup>، سالس اغریون<sup>۹</sup> - اصفهان: موشک<sup>۱۰</sup> - ترکی: ماستواچچکی<sup>۱۱</sup> - هندی: جل نیل<sup>۱۲</sup>، لستوپری<sup>۱۳</sup> - فرنگی: زتنکل<sup>۱۴</sup> - انواع بسیار دارد نوع اول برگ آن مانند... است و نزدیک آبهای روان می‌روید و نوع دیگر که تیره رنگ است بغایت حریف و نوع سوم کوچک و گل آن دمی رنگ و آن را به شیرازی «کس ویران» - یا «کس ویران» - خوانند و به اصفهانی «موشک» و نوع چهارم همانند نوع سوم ولی گل آن مانند شیر سفید رنگ است.<sup>۱۵</sup>

بطراخيون: برگ‌زدان عربی آن «صُفْدَعِی» است و به سریانی به آن «کِیکِج» گویند و چهار نوع است و نزد اهل مغرب به «کَف الضَّب» و «کَف الکلب» معروف است و اهالی مصر به آن «تَاَزَعْلَت» (نامی بربری) گویند. [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۵۷]

<i>Ranunculus asiaticus</i> L.	کیکج	زریاب
<i>Ranunculus asiaticus</i> L.	بطراخيون، کیکج، کف الضیع، کف الکلب (نوع اول)	دیسکورید
<i>R.lanuginosus</i> L.	(کیکج نوع دوم)	
<i>R.muricolus</i> L.	(کیکج نوع سوم)	
<i>R.aquatitits</i> L.	(کیکج نوع چهارم)	
<i>Ranunculus asiaticus</i>	خودان اسبوی، شقائق النعمان، کیکج، کَف السَّيْنِ، کف الضَّيْع، لاله	الموسوعه

۱۵۲۵- کَتَّان، کَتَّان، کَتَّان، کَتَّان، بزرگَتَّان، بزرگَتَّان، بزرگَتَّان، نام‌های دیگر آن: عربی: کَتَّان - هندی:

السی<sup>۴۳</sup>، تیسسی<sup>۴</sup> - نام های تخم آن: عربی «بَزْرُکْتَان» یا «بَزْرُکْتَان»<sup>۴</sup> - فارسی: تخم کتان<sup>۴۳</sup>، کشدانک<sup>۴۳</sup>، کوشک دانک<sup>۴۳</sup> - شیرازی: برزک - هندی: السی کابیچ<sup>۴</sup>، تیسسی<sup>۴</sup> - سغد و سمرقند و فرغانه: زغیر<sup>۴۳</sup>، زغیره<sup>۴۳</sup> اشبیلی<sup>۴۳</sup> می گوید: دارای چهار نوع زراعی و غیر زراعی است. نام های زراعی آن عبارتست از: یونانی: لیئس فرمون - رومانی: لیناری - فارسی: قرمون و دارای دو نوع است: ۱- خلخل ۲- ابارتل یعنی باز شده زیرا بعد از رسیدن میوه پس از باز شدن، بذرها از آن خارج می شود. غیر زراعی آن در دو نوع است نام های آن عبارتست از: ۱- قنباله ۲- کتین - بربری: تیفتست ازوزغار<sup>۴۳</sup> لیئس فرمون (*Linis permon*): به «بز رکتان» گویند و جالینوس آن را «الینو» می نامد. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۸۸ و ۹۷]

زریاب	کتان	<i>Linum usitatissimum L.</i>
دیسکورید	لیئس برمون - کتان	<i>Linum usitatissimum L.</i>
الموسوعه	کتان	<i>Linum sp.</i>

۱۵۲۶ - کتم<sup>۴۳</sup>، کم<sup>۴۳</sup>، کتم<sup>۴۳</sup>، کتم<sup>۴۳</sup> (نامی عربی)، خطر<sup>۴۳</sup>، فلفل القروء<sup>۴۳</sup> (دانه)، فلفل القروء (دانه): نام های دیگر آن: فارسی: وسمه<sup>۴۳</sup> - مازندران و تنکابن: شال حنی<sup>۴۳</sup> (به معنای حنای شغال) - خطار<sup>۴۳</sup> - نام نوعی به زبان بربری: زنجو<sup>۴۳</sup> نام های نوع دیگر: زغیج - غممر - فیلورا - اطیرنه - ازبوج - لطرنه<sup>۴۳</sup>

زریاب	کم - خطر	<i>Isatis tinctoria L.</i> <i>Buxus dioica For.</i>
خطابی	کتم	<i>Buxus dioica For.</i>

۱۵۲۷ - کتینه<sup>۴۳</sup>، کتینه<sup>۴۳</sup>:

۱۵۲۸ - کتيله<sup>۴۳</sup>، کتيله<sup>۴۳</sup>:

۱۵۲۹ - کثیرا<sup>۴۳</sup>، کثیرا<sup>۴۳</sup>، کثیرا<sup>۴۳</sup>، کثیرا<sup>۴۳</sup>: صمغ گیاه خاردار در خراسان است و گویند صمغ «قتاد» است. نام های دیگر آن: صمغ القتاد<sup>۴۳</sup> - فارسی: گون<sup>۴۳</sup> - هندی: کتیرا<sup>۴۳</sup>، جیر<sup>۴۳</sup>، قادی<sup>۴۳</sup> - یونانی: طراغافینا<sup>۴۳</sup>، طراغافیا<sup>۴۳</sup>، طراغاقانی<sup>۴۳</sup>، دراغاقنی<sup>۴۳</sup> - سریانی: انث الا<sup>۴۳</sup> - زول زده<sup>۴۳</sup> - نام گیاه در کتاب دیسکورید: طراغاقنا<sup>۴۳</sup> - اهالی یمن ریشه آن را «وجد» گویند.

طراغاقنا<sup>۴۳</sup> (*Traagakantha*): نام «شوگ القتاد» است و به صمغ آن «کتیرا» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۰]

زر - طبا.	طراغاقانی - کتیرا	<i>Astragalus gummifera Lb.</i> <i>Astragalus tragacantha L.</i>
پارسا	کتیرا	<i>Astragalus gummifera Lb.</i> <i>Astragalus tragacantha L.</i>
الموسوعه	أسطراغالوس دَبَق، کتیرا بیضاء، قتاد الصمغ	<i>Astragalus gummifera Lb.</i> <i>Astragalus tragacantha L.</i>
دیسکورید	طراغاقنا - شوگ القتاد - کتیرا	<i>Astragalus tragacantha L.</i>
خطابی	کتیرا	<i>Astragalus tragacantha L.</i>

۱- الموسوعة: گیاهی است کوهستانی با برگهایی مشابه برگ «آس» که نرم شده آن را برای حضاب استفاده می کنند و میوه ای مانند میوه «فلفل» دارد که هنگام رسیدن سیاه رنگ می شود و گاهی از آن روغن می گیرند. ۲- الموسوعة: الکثیرة هی النخلة فاتت الید.

- ۱۵۳۰ - کثیر الرؤوس<sup>ع</sup>، کثیر الرؤوس<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: یونانی: بولوفتیم<sup>ع</sup> - بعضی «قرصنة» را نیز به این نام ذکر کرده‌اند.<sup>ع</sup>
- ۱۵۳۱ - کثیر الزکب<sup>ع</sup>، کثیر الزکب<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: غودیوله<sup>ع</sup> - یونانی: بولوغانا<sup>ع</sup>
- ۱۵۳۲ - کحلاء<sup>ع</sup>، کحلاء<sup>ع</sup>، کحلاء<sup>ع</sup>: نوعی از ذکور اغلات است.<sup>ع</sup> - نام‌های دیگر آن: فدلقم<sup>ع</sup> - بلغیس<sup>ع</sup> - لسان الثور<sup>ع</sup> - سیسارون<sup>ع</sup> - نام نوع دیگر آن: شلبش<sup>ع</sup> به گیاه «لسان الثور» و همچنین به گیاه دیگری که شبیه به آنست، و به «لسان» نامیده می‌شود و همچنین به انواع «شنجار» و گاهی نیز به «عینون» می‌گویند.<sup>ع</sup> - اشبیلی<sup>ع</sup> می‌گوید: گیاهان زیر از انواع کحلاء هستند: ۱ - رجل الحمامة ۲ - أذن غزال: لصیقاء - لُصق ۲ - قَفْعَاء: اخیون - مقامح ابلیس ۳ - أذن الحمار: فرسیون ۴ - لسان الفرس: سَطَاح ۵ - کحلاء الجبلی<sup>ع</sup>

الموسوعه	شِنجار صِباغی، اَنْشُرَة صِباغیَّة، بوغلصن الصباغین،	<i>Onosma echinoides L.</i>
جَنَّة الغول، کَحْلَاء		<i>Onosma tinctoria Bieb.</i>

- ۱۵۳۳ - کَحْلَاء<sup>ع</sup>، کَحْلَاء<sup>ع</sup>، کَحْلَاء<sup>ع</sup>: اذن الثور<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: اندلس و مغرب: لسان الثور<sup>ع</sup> - بوغلصن، بلغیس - حاوزوان - جنیم - لِنَقُودبوی یعنی لسان الثور<sup>ع</sup>

- ۱۵۳۴ - کجومن<sup>ع</sup>: "چو من که دید" او را باین نام خوانند زیرا میوه او از برگ پیرون می‌آید؟ این درخت را عرب "مَنْ رَأَى مِثْلِي" گوید.<sup>ع</sup>

۱۵۳۵ - کَجَنار<sup>ع</sup>: (نامی هندی)

- ۱۵۳۶ - کُرَاث<sup>ع</sup>، کُرَاث<sup>ع</sup>، کُرَاث<sup>ع</sup>، کُرَاث<sup>ع</sup>، کُرَاث<sup>ع</sup>، کُرَاث<sup>ع</sup>، کُرَاث<sup>ع</sup>، کُرَاث<sup>ع</sup>: نوم کرائی<sup>ع</sup>، کاول<sup>ع</sup>، کاول<sup>ع</sup>، بزر الکراث<sup>ع</sup>: نام‌های دیگر آن: سریانی: کرائاثا<sup>ع</sup>، حطارا<sup>ع</sup> - فارسی: گندنا<sup>ع</sup> - کُرَاث<sup>ع</sup> (عربی) - فارسی و هندی: گندنا<sup>ع</sup> - اصفهان: تره<sup>ع</sup> - دیلم: کوار<sup>ع</sup> - لاتینی: کوپرکیسو<sup>ع</sup> - یونانی: فراسینا<sup>ع</sup> - رومی: قفلوطا<sup>ع</sup>، مروس<sup>ع</sup> - فلسطین: کراث شامی<sup>ع</sup> - قفالوط<sup>ع</sup>، قبلوط<sup>ع</sup> - طیطان<sup>ع</sup>، و کُل<sup>ع</sup> - اشبیلی<sup>ع</sup> می‌گوید: دارای انواعی است: ۱ - کُرَاث بری ۲ - کُرَاث رومی: راسن ۳ - کُرَاث الکرم: کراث الشامی - اولیه ۴ - کُرَاث نبطی: کراث الجبل ۵ - کُرَاث الصخر: ابچه ۶ - کُرَاث شامی: اندلسی، قفلوط

- بستانی آن را نبطی و جبلی آن را «فراسیون» نامند.<sup>ع</sup> - ابن سمجون می‌گوید: نام «کُرَاث نبطی» «کراث المائدة» است.<sup>ع</sup> نام‌های نوع بری: رومی: امفلویراسیون<sup>ع</sup> - سریانی: کراثادبرا<sup>ع</sup>، گندنا<sup>ع</sup> دشتی<sup>ع</sup> - «کاول» معادل نام «کُرَاث الکرم» است.<sup>ع</sup> "رازی" و "غافقی" نام دیگر «کُرَاث الشامی» را «قفلوط» می‌دانند<sup>ع</sup>

- "غافقی" می‌گوید «کُرَاث» دارای چهار نوع است: نوعی «کراث نبطی» و نوع دیگر «کوهیان» که در خراسان می‌روید و نوع سوم «کُلکان» که در ری و خراسان رویش دارد و نوع چهارم «لابس» که دارای بزری سیاه و غیر مدور است و در بابل می‌روید.<sup>ع</sup>

فِرَا اِسْن قَافَلُوطُن (*Parson kephalaton*): کراث شامی

اِنْبَالْفَرَّاسُن (*Ampeloprason*) به معنای «کراث الکرمی» و «کُرَاث بری» [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۳۴]

زر - طب.	کراث	<i>Allium porrum L.</i>
دیسکورید	کراث الشامی	<i>Allium ascalonicum L.</i>
دیسکورید	کراث الکرمی - کراث بری	<i>Allium ampeloparassum L.</i>
پارسا	گندنا - تره	<i>Allium porrum L.</i>
الموسوعه	کُرَاث معروف، کُرَاث رومی	<i>Allium porrum L.</i>
الموسوعه	کُرَاث البر، طَیْطَان	<i>Allium vineale L.</i>
الموسوعه	کُرَاث الدَّب	<i>Allium ursinum L.</i>
الموسوعه	کُرَاث الصخور، کُرَاث اُسبَانِیا	<i>Allium scorodoprasum L.</i>
الموسوعه	کُرَاث اُنْدَلَسِی، کراث عَقْلُون، کراث اَبُو شَوْشَة، قُفْلُوط	<i>Allium ascalonicum L.</i>
الموسوعه	کُرَاث نبطی، بصل العَفْرِیت، ثوم الشرق	<i>Allium ampeloparassum L.</i>

<i>Allium roseum</i> L.	كُراث وَزْدِي، قِرْط	الموسرعه
<i>Allium ampeloprasum</i> = <i>A.porrum</i>	Arabic: Kirath - Bengal: Paru	GLO.IN.
<i>Allium ascalonicum</i> L.	Hendia: Kanda ;Lasum ;Gandana - Bengal: Gundhun	GLO.IN.
<i>Allium cepa</i> L.	Hendia: Piyaz - Bengal: Piaj	GLO.IN.

۱۵۳۷- کَرَاث، کَرَاث، کَرَاث<sup>(۱)</sup>، کَرَاث<sup>(۲)</sup>: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: عَشْبَةُ الصَّبَاع<sup>۱</sup> - اندلس: عَشْبَةُ الصَّبَاع<sup>۲</sup>

<i>Euphorbia aculeata</i> Forsk.	کراث	زریاب
----------------------------------	------	-------

۱۵۳۸ - کریز<sup>۵</sup>: گویند «قثاء الکبر» است و خلافت آنجه محقق است «قثاء الحمار» است.<sup>۶</sup>

۱۵۳۹- کردیلن<sup>۷</sup>: برخی پندارند نام «کاشم» است ولی اینگونه نیست بلکه نوعی «ساسلیوس» است و تلفظ صحیح آن «طردیلن» است.<sup>۷</sup>

۱۵۴۰- کَرْسَنَه، کَرَسَنَه، کِرْسِنَه، کَرِسْنَه، کُشَنِ، نَمِيسَقَنْ: معرب کسنک<sup>۱</sup> نام‌های دیگر آن:  
عربی: حب البقر - یونانی: اوزنس<sup>۲</sup> - سریانی: کُشنی<sup>۳</sup> - رومی: ناغیونس<sup>۴</sup> - فرنگی: بر<sup>۵</sup> - هندی: متر<sup>۶</sup> -  
فارسی: کسنک، گشن، کُشن، مشنگ گاوی، گاو دانه<sup>۷</sup> - جالینوس: ارویموس<sup>۸</sup>  
اُروپس (Orobos): نام‌های دیگر آن عبارتست از: کَرْسَنَه - اهالی شام: کُشنی [ابن بطار (در ترجمه دیکورید) ۹۳ - ۲]

<i>Vicia ervillia</i> Wi.	اورویس - کرسنه - کشتی - کشن	دیسکورید
<i>Ervum ervillia</i> L. <i>Vicia ervillia</i> Wi.	کِزْشَنَه	الموسوعه
<i>Vicia ervillia</i> Wi.	کرسنه	زر. - خطا.
<i>Vicia ervillia</i> Wi. <i>Ervum ervilia</i>	کرسنه	طباطبائی

۱۵۴۱- گَرش<sup>ش</sup>: نوعی نفل نام‌های دیگر آن: یَزَبَه بَطْرَه - جُرْبُونَه

۱۵۴۲- کَرْفَسْ؛ کَرْفَسْ، کَرْفَسْ، کَرْفَسْ، کَرْفَسْ، کَرْفَسْ، مَقْدُونَسْ، مَقْدُونَسْ، یَخْصَصْ (کَرْفَسْ مشرقی)، اِکَرْفَسْ، اَوْرَاسِیالیون (نوع جبلی)، بِراجیلْ، عَمْرُو، یَخْصَصْ (نوع بزرگ): کَرْفَسْ معرب از کَرْفَشْ یا کَرْسَبْ فارسی است. نام‌های دیگر آن: یونانی: اَوْرَاسِالیونْ، حِلْتْ، سالیونْ، فطراسالیون - سریانی: کَرْفِشَا - رومی: باطراخیونْ، سِلِنَا - هندی: اِجودْ - فرنگی: سَلَریْ - لاتینی: سِلْدَهَریْ، اَمِلوپراسونْ، عَمْرودْ - نام کَرْفَسْ بزرگ: یَخْصَصْ - مشرقی - نام نوع نهری: سَریانی: کَرْفَسادِمیا - نام‌های نوع جبلی: سَریانی: کَرْفَسادطورا - فارسی: کَرْفَسْ جوئی - اسمورنین - نام نوع بستانی: سالیون قیفون - نام ریشه به هندی: کُھَرپا - نام بذر: کُھَریج - نام کَرْفَسْ رومی: مَقْدُونِیس - دارای انواع فراوان بستانی، جبلی، صخری و مائی است و بستانی دو نوع است. کَرْفَسْ را «بُطرسالیون» و «وَرَسالیون» گویند.<sup>۱</sup> «غافقی» می‌گوید: نوعی کَرْفَسْ به نام «اَوْرَاسِالیون» معروف است که به معنای «کَرْفَسْ جبلی» است.<sup>۲</sup> «دیسکورید» می‌گوید: نوع دیگر «کَرْفَسْ» «بُطراسالون» نام دارد که برگردان عربی آن به گفته «ابن بیطار» «کَرْفَسْ الصخری» است. و آن «کَرْفَسْ مقدونی» است. و نوع دیگر به نام «اَفوسالیون» با برگردان عربی «کَرْفَسْ العظیم» یا «کَرْفَسْ النبطی»، «کَرْفَسْ المشرقی»، «کَرْفَسْ الشَّوْی»، «کَرْفَسْ العریض» و با نام بربری «تَخْصِص» است. و از «کَرْفَسْ بستانی» بزرگتر است. و نوع دیگر آن «کَرْفَسْ

بری» با نام یونانی «سمرنیون» است.<sup>۴</sup> آشبیلی می‌گوید: کرفس دارای انواع بسیاری است دو نوع آن بستانی و نوعی جبلی، صخری و مائی است و در یکی بودن «پترسالیئوس»، «اورسالیئون» و «کرفس العظیم» اختلاف است. برخی «پترسالیئوس» را نوعی «کرفس العظیم» می‌دانند، نام‌های دیگر آن عبارتست از: ابوسمس - بطراساموه، بعضی «اورسالیئون» را «کرفس الجبلی» می‌دانند، نام دیگر آن «سمرنیون» است. نام‌های دیگر «پترسالیئون» نیز عبارتست از: اغلیس، سواک العباس. نوع دیگر کرفس، «کرفس الصخری» با نام «انیولیون» است. «کرفس بستانی» دارای دو نوع کوچک و بزرگ است نام‌های نوع بزرگ آن عبارتست از: سیلن، سالیئون ریفان یعنی کرفس الریفی. نام نوع کوچک آن «سالیئون ایمارش» است. نوع دیگر کرفس «کرفس مائی» است نام‌های آن عبارتست از: اقریون، افوسالیئن، رواش، شنفیل، اقریوش، قریون، قلام، علام، جعداء، جعداء الماء، مائده. نوع دیگر کرفس «کرفس المڑ» است نام‌های آن عبارتست از: فلفل الماء، سمرنیون، سمربا، سیسارون، سیسنبرون، جرجیر الماء. نوع دیگر کرفس «بوطل» است و شش قسم است: ۱ - بوطولون: بوطلی، رعی الضفادع، شجرة الضفادع، سالین، ورد الحب، کبیکج، بطراخیون ۲ - کرفس المجوسی ۳ - قبتوریة ۴ - جبلی کشنده ۵ - کف الہڑ، راحة الکلب<sup>۵</sup>

سالیئوس قیفاؤن (*Selinon kepaion*): نام «کرفس البستانی» است که دیسکورید در ترجمه آن را «الاولشالین» که همان «کرفس الماء» است، ذکر می‌کند. و همه پزشکان مغرب به آن «کرفس الاجامی» گویند، جالیئوس نیز آن را «کرفس بستانی» نامد.

افوسالیئون (*Hipposelinon*): به معنای «کرفس العظیم» و از انواع بزرگ «کرفس» است و به بربری به آن «یَخْصِص» گویند و اهالی اسکندریه آن را «اجبرنی» گویند و به بذر آن در مصر «بطراسالیئون» گویند که این نام برای آن اشتباه است.

سمرنیون (*Smurnion*): نام «کرفس بری» است. [این بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۶۱ و ۶۲ و ۶۳]

<i>Apium petroselinum L.</i> <i>Apium graveolens L.</i>	کرفس	زر. - طبای
<i>Petroselinum sativum Hoffm.</i>	کرفس رومی یا مقدونیس	زریاب
<i>Sium latifolium L.</i> <i>Apium Gr.</i>	کرفس الماء کرفس بستانی	دیسکورید
<i>Smyrniium perfoliatum L.</i>	افوسالیئون - کرفس العظیم	دیسکورید
<i>Smyrniium olusatrum L.</i>	سپرونیون - کرفس بری	دیسکورید
<i>Ferula sumbul Hook.</i>	ریشه کلفس (به لهجه افغانی) - کرفش	پارسا
<i>Apium graveolens L.</i>	کرفس نبطی، کرفس	الموسوعه
<i>Sium latifolium L.</i>	کرفس الماء، کرفس بستانی، کرفس الاجامی	الموسوعه
<i>Smyrniium olusatrum L.</i>	سمرنیون، کرفس بری	الموسوعه
<i>Apium graveolens L.</i>	کرفس لفتی	الموسوعه
<i>Petroselinum sativum Hoff.</i> <i>Carum petroselinum Benth. &amp; Hook.</i> <i>Apium petroselinum</i> <i>Apium vulgare L.</i>	کرفس رومی، بقدونس، مقدونس	الموسوعه
<i>Athamanta oreoselinum L.</i> <i>Petroselinum oreoselinum</i>	کرفس الجبل	الموسوعه
<i>Levisticum officinale</i>	کرفس الجبل	طباطبائی
<i>Prangos pablaria L.</i>	کرفس کوهی	طباطبائی
<i>Apium graveolens L.</i>	کرفس الماء	طباطبائی
<i>Apium graveolens L.</i>	تخم کرفس - گل کرفس	پارسا
<i>Apium graveolens L.</i>	کرفس	خطابی

۱۵۴۳ - کَرْکَزَهَن، کرکروهان: (نامی بربری) گویند نام «عافر قرحا» است.<sup>ع</sup>

زر - طب.	کرکروهان	<i>Anacyclus pyrethrum D.C.</i>
----------	----------	---------------------------------

۱۵۴۴ - کَرْکُم، کرکم، کرکون: "غسانی" می گوید: نام دیگر آن «زعفران هندی» است و دارای دو نوع بزرگ و کوچک است، کوچک آن با نام «مامیران» و بزرگ آن با نام «کرکم» معروف است.<sup>ع</sup> "صاحب منهاج" گوید «زعفران» است و "صاحب جامع" می گوید نام ریشه گیاهی است. "دیسکورید" به آن «خالدونیون طوماغا» گوید و نوع بزرگ آن «عروق الصباغین» یا «عروق الصفّر» نام دارد و گیاه آن را «بقلة الخطاطیف» گویند و به «کرکم» معروف است نزد ما ریشه هائی است که از هند می آورند و نام فارسی آن «قرمد» است.<sup>ع</sup> و هم او گوید اصول [ریشه های] «ورس» است.<sup>ت</sup>

الموسوعه	کَرْکُم	<i>Curcuma sp.</i>
الموسوعه	کَرْکُم أسود، جذوار أندلسی	<i>Curcuma caesia</i>
الموسوعه	کَرْکُم زُدوار، زُدوار، جذوار عقید، سطوال	<i>Curcuma zedoaria</i>
الموسوعه	کَرْکُم صباغی، هُرد، عقیدهندی، مامیران، أصابع صفّر	<i>Curcuma longa</i>
خطابی	کَرْکُم	<i>Curcuma longa</i>

۱۵۴۵ - کرکی: نوعی خیار - نام های دیگر آن: فارسی: کلک یا کلنک

۱۵۴۶ - کَرْم، کرم، کرم، کرم بری، کرم بستانی، فقاح الکرم: (نامی عربی) نام های دیگر آن: درخت تاک - یونانی: اولیاطیوم - سریانی: کبیشاحمرا - رومی: دیدرون اسایا، انفلوس - فارسی: تاک، زر - هندی: داکهه جهاز - نام شکوفه انگور: فقاح الکرم - فارسی: ول وجه تسمیه آن به «کرم» بخاطر کرم گیاه است بگونه ای که میوه هایش در دسترس کوچک و بزرگ قرار می گیرد.<sup>ع</sup> [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۷: به عنب، رجوع شود.]

ز. - خ. - ط.	کرم	<i>Vitis vinifera L.</i>
--------------	-----	--------------------------

۱۵۴۷ - کِرْمَدانه، کِرْمَدانه، کِرْمَدانه، کِرْمَدانه (نامی فارسی)، مَثان: نوعی از قُرْیَص برگردان عربی آن: حب الدود نام های دیگر آن: رومی: اقلفوس، اقلفی - سریانی: نبات نورا - کرویان - خرمدانق "غافقی" می گوید: میوه درخت «مَثان» است.<sup>ع</sup> "زین الدین عطار" می گوید: بعضی آن را «انجر» گفته اند که اشتباه است و مؤلف می گوید به تحقیق نام تخم نوعی «مازیون» است.<sup>ت</sup>

الموسوعه	کِرْمَدان، مَثان	<i>Nartheceum sp.</i>
الموسوعه	کِرْمَدان مَثعی، خُثی کَذاب	<i>Nartheceum ossifragum Huds.</i>
طباطبائی	کِرْمَدانه	<i>Daphne gnidium L.</i> <i>Urtica urens</i>

۱۵۴۸ - کَرْنَب، کَرْنَب، کَرْنَب، کَرْنَب، بقلة الأنصار، کَرْنَب، بذر الکرنب: کَرْنَب، کَرْنَب (معرب از کرم فارسی) نام های دیگر آن: فارسی: کلم - اصفهانی: قمريت - یونانی: قرنبا، قرنبو - سریانی: کرنبا، کرانی، کَرْابا - رومی: عاریسا، اغریا، اغرسود و طوس، اغرسطورو، بدیلثون - عربی: بقلة الانصار - نام بدن: تخم کرنب - شیرازی: تخم کلم - دو نوع نبطی و خوری است.<sup>ت</sup> - دارای انواع مختلفی است: نوعی از آن «گل کلم» و نوعی





به آن «قَصْبُور» گویند. نام های دیگر آن: سریانی: کسبر تا<sup>۳</sup>، جملجلان<sup>۴</sup> به خشک آن گفته می شود - یونانی: بردنمانون<sup>۵</sup>، فورویون<sup>۶</sup> - نبطی: فاتره<sup>۷</sup> - فارسی: گشنیز<sup>۸</sup> - هندی: دهنیه<sup>۹</sup>، کوتهمیر<sup>۱۰</sup> - نام گیاه در کتاب جالینوس: قوریانون<sup>۱۱</sup> «اشبیلی» می گوید: دارای انواعی است: ۱ - نوع بستانی با نام های: قوریون، یقده، قلاتره، خلجا، خلجلا ۲ - قلاتره کمبائه یعنی بری، کزبر الصخری، کزبر السحری ۳ - کزبرة البیر: ادیانطن، برشتاوشان، کامن قزبان، برشتاوشان داوران، ارجقیل، شعر الجان، شعر الخنازیر، قُرش قَبْلَه یعنی انیت الشعر، شعر الغول، شعر الماء، فغلون، یربه بانکه، قَبْلَه موره یعنی شعر کبیر ۳ - رقعة الصخرية: طرينخومانس، یسقام الجن، شعر الجن، شعر الغول، لُخِیة الجَمَل، ظفائر الجن، ضابطه<sup>۱۲</sup>

قوریون (Korion): نام های دیگر آن عبارتست از: کُزْبُره - دانه: تَقْدَه [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۵۹]

Coriandrum sativum L.	قوریون - کزبره - تقده	دیسکورید
Coriandrum sativum L.	کزبره	زر - خط.
Coriandrum sativum L.	گشنیز	پارسا
Coriandrum sp.	کُزْبُره، کُزْبُره، کُشْبُره	الموسوعه
Coriandrum sp.	کُزْبُره	طباطبائی

۱۵۵۴ - کُزْبُره الثَّعلَب<sup>۱۳</sup>، کزبرة الثعلب<sup>۱۴</sup>، کسيرة الثعلب<sup>۱۵</sup>، کزبرة الثعلب<sup>۱۶</sup> (نامی اندلسی): نوعی بقل نام های دیگر آن: سیدریطس<sup>۱۷</sup> - الف ورق

سندریطس اخر (Hetera sidritis): نام «کُزْبُره الثَّعلَب» است و در بام ها و دیوار خانه ها می روید. [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳۱]

Achillea tomentosa L.	سندریطس - کزبرة الثعلب	دیسکورید
Poterium sanguisorba L.	کُزْبُره الثعلب، بَلَّان میخام	الموسوعه

۱۵۵۵ - کُزوان<sup>۱۸</sup>، کُزوان<sup>۱۹</sup>: نام های دیگر آن: بقله اترجیه<sup>۲۰</sup>، بقله فلفلیه<sup>۲۱</sup> (به دلیل بوی آن) «غافقی» می گوید: گویند نام «بادرنجویه» است و همچنین گویند نام «بادرنویه» است. فلاحه می گوید: نام «بقله الأترجیه» معروف به «بادرنجویه» است و همچنین به خاطر تند بودن آن به نام «لفله» نیز مشهور است.<sup>۲۲</sup>

۱۵۰۸ - کسيرة الحمام<sup>۲۳</sup>: نوعی «شاهترج»<sup>۲۴</sup>

۱۵۵۶ - کُشْمُوقا، کُشْمُوقا<sup>۲۵</sup>:

۱۵۵۷ - کُشُول<sup>۲۶</sup>: (نام گیاهی رومی)

۱۵۵۸ - کُشُونْدِی<sup>۲۷</sup>: کسونجی<sup>۲۸</sup> (نامی هندی)

۱۵۵۹ - کُسیرو<sup>۲۹</sup>: (نامی هندی)

۱۵۶۰ - کسیفیون<sup>۳۰</sup>: نوعی از «سوسن بری» معروف به «دُکُوث» و «سَیْف الغراب» که «دور حولی» نیز نامیده می شود.<sup>۳۱</sup>

Gladiolus communis L.	کسیفون	EN.
-----------------------	--------	-----

۱۵۶۱ - کُسیلی<sup>۳۲</sup>، کُسیلا<sup>۳۳</sup>، کُسیلا<sup>۳۴</sup>: (نامی نبطی)

۱۵۶۲ - کُشْت بَزْکُشْت<sup>۳۵</sup>، کُشْت بَرْکُشْت<sup>۳۶</sup>، کُشْت بَرْکُشْت<sup>۳۷</sup>، کُشْت بَرْکُشْت<sup>۳۸</sup> (نامی فارسی)، سوراهند<sup>۳۹</sup>: نام های دیگر آن: فارسی: کُشْت بَرْکُشْت<sup>۴۰</sup> - عربی: التواء بر التواء<sup>۴۱</sup> (به معنای زرع علی زرع)، سواد السند<sup>۴۲</sup>، سواد الهند<sup>۴۳</sup>، سواد الاکراد<sup>۴۴</sup> - فارسی و شیراز: پیچک<sup>۴۵</sup> - اهل شبانکاره فارس: بچو<sup>۴۶</sup> - عربی و یونانی: که از هند فناغیوس<sup>۴۷</sup> - رومی: بروطوس<sup>۴۸</sup> - هندی: پهیلی<sup>۴۹</sup> - بعضی نام دیگر آن را «برکشان» خوانده اند.<sup>۵۰</sup> - می آورند.<sup>۵۱</sup>

زر. - طبای.	گشت برگشت	<i>Helicteris isora</i> L.
-------------	-----------	----------------------------

۱۵۶۳ - کُشَنج<sup>۱</sup>، کُشَنج<sup>۲</sup>، کُشَنج<sup>۳</sup>: ابن ماسه می‌گوید: نوعی از جنس «فطر» است.<sup>۴</sup> «ابن سینا» می‌گوید: نوعی از جنس «کَمَاءَة» است.<sup>۵</sup> به «بقلة الیمانی» نیز گفته می‌شود.<sup>۶</sup>

الموسوعة	کَمء أسود، کُشَنج	<i>Tuber melanosporum</i>
----------	-------------------	---------------------------

۱۵۶۴ - کُسنیا<sup>۱</sup>:

۱۵۶۵ - کُشَمَلَنج<sup>۲</sup>: برخی آن را «مُلاح» و عده‌ای «قَلَام» می‌دانند و نزد ما به «طُرْدِج» معروف است.<sup>۳</sup>

۱۵۶۶ - کُشَوْت<sup>۱</sup>، کُشَوْت<sup>۲</sup>، کُشَوْت<sup>۳</sup>، کُشَوْت<sup>۴</sup>، کُشَوْت<sup>۵</sup>، کُشَوْت<sup>۶</sup>، بزر الکُشَوْت<sup>۷</sup>، دینار (نام بذر): نام‌های دیگر آن: اکُشَوْت<sup>۸</sup> (نامی عربی) (گفته اند معرب کُشَوْت است). - یونانی: بشروطوس<sup>۹</sup> - سریانی: ونا<sup>۱۰</sup>، رغبا<sup>۱۱</sup> - رومی: کُشمورین<sup>۱۲</sup> - فارسی: برش<sup>۱۳</sup> - هندی: امل بیل<sup>۱۴</sup>، اکاس بیل<sup>۱۵</sup>، امرتیه<sup>۱۶</sup> - برخی در مورد ماهیت آن اختلاف کرده‌اند و گویند «شیخ الارمنی» است و همچنین گویند نوعی از «قیاصم» است ولی هیچ یک از این دو صحیح نیست.<sup>۱۷</sup> و این نام به گیاهان متعددی گفته می‌شود از جمله: ۱ - افثیمون ۲ - قُرْبعة: گیاه بدون ریشه‌ای که در بهار همراه با «کُتَن» می‌روید و آن را از بین می‌برد. ۳ - کُشَوْت الرومی: افسنتین ۴ - کُشَوْت الجبلی ۵ - کُشَوْت المجوسی: فشر<sup>۱۸</sup> - گویند به فارسی «رُجُمُول» نام دارد و گویند نام تخم آنست.<sup>۱۹</sup> نام‌های بذر: رُجُمُول<sup>۲۰</sup> - تخم کُشَوْت<sup>۲۱</sup> - سریانی: دینار<sup>۲۲</sup>، شکو<sup>۲۳</sup> - «کُشَوْت» حقیقی در شام و عراق می‌روید و نزد پزشکان ما مورد استفاده است، اما آنچه در مغرب و آفریقا و مصر بنام «اُکُشَوْت» معروف است با آن متفاوت است و آن گیاهی که روی گیاه «کُتَن» پدید می‌آید (انگل) و در مصر به «جامول الکُتَن» و در اندلس به «قُرْبعة الکُتَن» معروف است.<sup>۲۴</sup> کُشَوْت فارسی همان «افثیمون» است.<sup>۲۵</sup>

زر. - طبای.	کُشَوْت	<i>Cuscuta epithymum</i> Mur. <i>Cuscuta europaea</i> L.
پارسا	کُشَوْت - تفرش: شن	<i>Cuscuta monogyna</i> Vahl.
پارسا	تخم کُشَوْت - سس	<i>Cuscuta planifolia</i> Ten. <i>Cuscuta hyalina</i> Roth.
الموسوعة	کُشَوْت، کُشَوْت، اُکُشَوْت، لُفلاف	<i>Cuscuta</i> sp.
خطابی	کُشَوْتا	<i>Cuscuta epilinum</i> Mur.

۱۵۶۷ - کُصتیون<sup>۱</sup>، کُصنتیون<sup>۲</sup>: نام‌های دیگر آن: کُستیون<sup>۳</sup> - عامه اندلس: باذنجان البری<sup>۴</sup>

۱۵۶۸ - کُف اُجُذم<sup>۱</sup>، کُف الجُذماء<sup>۲</sup>، کُف الجُذماء<sup>۳</sup>: نام دیگر آن: بهمن البیض<sup>۴</sup> - برخی می‌گویند «بنجنگشت» است و برخی آن را ریشه «سنبِل» و برخی نیز آن را گیاهی باریشه هائی چون شلجم... می‌دانند.<sup>۵</sup> برخی آن را «شُخیمالَه» و عده‌ای آن را «بنطافلون» می‌دانند و نام اول صحیح است.<sup>۶</sup>

۱۵۶۹ - کُف ادم<sup>۱</sup>، کُف ادم<sup>۲</sup> (نامی عربی) نام دیگر آن: بهمن الأحمر<sup>۳</sup>

۱۵۷۰ - کُف الأسد<sup>۱</sup>، کُف الأسد<sup>۲</sup>: نام‌های دیگر آن: آذربون - یونانی: لاونطوباطلن<sup>۳</sup> - عربیتنا<sup>۴</sup>

۱۵۷۱ - کُف الذئب<sup>۱</sup>: بنا به نظر مترجمان نام «جنطیانا» است.<sup>۲</sup>

۱۵۷۲ - کُف السبع: نام دیگر آن: باذلَببته و بادِ لَبته - انواع آن عبارتست از: ۱ - قُرَة العین: باذلَببته، فورس، بورنسون، لاقتون، قبتوریة، بالکی

۱- الموسوعة: تذکره: گیاهی است به ارتفاع یک زراع با برگ‌های بیضی و زیر با رنگ حدواسط سیاه و زرد که در داخل آن قرمز است و دارای بذری مشابه «قرطم» ولی نازکتر و کمی تلخ

البارد ۲ - راحة الکف: نوعی «بوطل»

۱۵۷۳ - کَفُ الضَّبْع، کف الضبع: (نامی عربی) غافقی: گاهی با این نام منظور «کیکج» است و «کف الضبع» نوعی از «کیکج» است.<sup>ع</sup> [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۵۷: به «کیکج» رجوع شود.]  
 ۱۵۷۴ - کَف عایشه<sup>ش</sup>:  
 ۱۵۷۵ - کَف القرد<sup>ش</sup>: نوعی خربق الاسود<sup>ش</sup>

۱۵۷۶ - کَف الکلب<sup>ع</sup>: "صاحب منهاج" می گوید: بدشکان<sup>ع</sup> - ابو عباس نباتی می گوید: کف مریم حجازی<sup>ع</sup>  
 ۱۵۷۷ - کَف الهَر، کف الهَر، کَف الهَر<sup>ش</sup>: (نامی عربی) نوعی از «کف الضبع»<sup>ش</sup> نام های دیگر آن: مدلوک<sup>ش</sup> - خَوَذان<sup>ش</sup> - صفیراء<sup>ش</sup> - اسنان الفار<sup>ش</sup>

الموسوعة	کف الهَر، خَوَذان حَقْلی، شَقِیق حَقْلی	<i>Ranunculus arvensis L.</i>
----------	---	-------------------------------

۱۵۷۸ - کَف المریم، کف مریم<sup>ع</sup>: (نامی عربی) کف عایشه<sup>ع</sup> - هندی: کتھاجوری<sup>ع</sup> گویند نام «أصابع الصفرة» است اما اهالی غرب اندلس این نام را برای «بنطافن» و بعضی نیز برای «بنجنگشت» بکار می برند و اما در شهرهای مصر این نام را برای گیاه دیگری می گویند.<sup>ع</sup> [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳۸: به «بنطافن» رجوع شود.]

الموسوعة	سرساد - آرند - بنجنگشت - فنجنکشت - شجرة ابراهيم - کف مریم	<i>Vitex agnus castus</i>
----------	---	---------------------------

۱۵۷۹ - کُفَر<sup>ش</sup>: نام دیگر آن: قردب الاسود<sup>ش</sup>  
 ۱۵۸۰ - کُلت<sup>ش</sup>: نام دیگر آن: ماش هندی<sup>ش</sup>

زریاب	کلت	<i>Dolichos biflorus L.</i> <i>Lithospermum officinale L.</i>
-------	-----	--

۱۵۸۱ - کُکُروْل<sup>ش</sup>: (نامی هندی)

۱۵۸۲ - کُکُروْندَه<sup>ش</sup>: (نامی هندی) گویند نام «کماذریوس» است.<sup>ع</sup>

۱۵۸۳ - کُلُخ، کُلُخ<sup>ع</sup>، کُلُخ<sup>ش</sup>: (نامی سریانی) نام کُلُخ معروف «قنا» است نام های دیگر آن: عامه اندلس: قَنَة<sup>ع</sup> - اهالی مصر: أَشَق<sup>ع</sup> - اهالی ثغر: قَانَش<sup>ش</sup> - نَرْتَقَس<sup>ش</sup> - اوفال<sup>ش</sup> - مَزَخ<sup>ش</sup>

سَفْذُولِیون (*Sphondulion*): کُلُخ الذَّلْبی - بربری: تافیفرا

نَرْتَقَس (*Narthekos*): نام های دیگر آن: اندلس: کُلُخ الکبیر - شجر القنا - نارتکس [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۷۲ و ۷۳]

دیسکورید	سَفْذُولِیون، کُلُخ الذَّلْبی، تافیفرا نَرْتَقَس، کُلُخ الکبیر، شجر القنا، نارتکس	<i>Heracleum spondylium L.</i> <i>Ferula communis L.</i>
الموسوعة	قَنَة مِذولَة، کُلُخ نَرْتَقَس، کُلُخ الکبیر، شجر القنا، نارتکس	<i>Ferula communis L.</i>

۱۵۸۴ - کُل داودی<sup>ع</sup> (گل داودی): نام دیگر آن به لاتینی: «برطینی»<sup>ع</sup>

۱۵۸۵ - کل مِهْندی<sup>ش</sup>: (نامی هندی)

۱۵۸۶ - کِلَز<sup>ش</sup>: (نامی هندی)





۱۶۰۱ - کُمُکُوت: (نامی فرنگی به معنای صمغ «درخت کوت» است.) نام‌های دیگر آن: کوتا کبنا، غوتاغبنا - انگلیسی: کمینوس - پرتغالی: برون - نزد عوام مشهور به «عصاره ریوند» است.<sup>۲</sup>

۱۶۰۲ - کَمُون، کَمُون، کَمُون، کَمُون، کَمُون، کَمُون، سنوت: نامی عربی معرب «خامون» یونانی یا «کمون» سریانی نام‌های دیگر آن: فارسی: زیره، قومینون<sup>۳</sup> - هندی: زیره<sup>۴</sup>، بیره، جیره<sup>۵</sup> - عربی: سنوت<sup>۶</sup> - رومی: اسفیقوس، قومینون<sup>۷</sup> - یونانی: کرمینون، کومینون<sup>۸</sup> - سریانی: کمونا<sup>۹</sup> - قُمُنش، کُمینش<sup>۱۰</sup> - نام‌های نوع بری: رومی: قافنیس، قافنون<sup>۱۱</sup> - سریانی: کمونادبرا، کومون اغریون<sup>۱۲</sup> - نام‌های نوع هندی: رومی: اسطبخیس، اصطیفیقوس<sup>۱۳</sup> - سریانی: کموناهندو<sup>۱۴</sup> - فارسی: زیره هندو سیاه<sup>۱۵</sup> - هندی: اجاجی<sup>۱۶</sup> - سندی: جیروا<sup>۱۷</sup> - جالینوس: امراطیون<sup>۱۸</sup> - «ابن سینا» می‌گوید: کمون دارای انواع، کرمانی، فارسی، شامی، و ببطی است.<sup>۱۹</sup> آشبیلی می‌گوید: دارای انواعی است برخی عبارتند از: ۱ - کمون کرمانی: فانقوس ۲ - کمون البری: قیمین اغریون ۳ - کمون حبشی: نانخه، نبیا ۴ - کمون الحلو: انیسون ۵ - کمون الرومی: اندراسیون، یربطوره ۶ - کمون الملوكی: ششتره ۷ - کمون صخری ۸ - کمون هندی: شونیز بری کومینون (*Kuminon to hemeron*): کُمُون الایض - کمون الکرمانی - دیسکورید: کمون الملوكی کسی که نوع کرمانی را غیر از این می‌داند دچار اشتباه شده است.

قیمینون اُغْرِیون (*Kuminon agrion*): به معنای «کُمُون البری» و دو نوع است و اسمی غیر آن نمی‌شناسم.

آمی (*Ami*): کُمُون الحبشی - سریانی: التینیا - نانخواه [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۵۶]

<i>Cuminum cyminum L.</i>	کمون، کومینون، کمون‌الایض، کمون‌الکرمانی	دیسکورید
<i>Lagoecia cuminoides L.</i>	قیمینون اغریون، کمون البری	دیسکورید
<i>Carum copticum Benth.</i>	کمون الحبشی، التینیا - نانخواه	دیسکورید
<i>Carum bulbocastanum Koch.</i> <i>Carum carvi</i>	زیره سیاه کرمانی	پارسا
<i>Cuminum cyminum L.</i>	زیره سبز - زیره سفید	پارسا
<i>Cuminum cyminum L.</i>	کَمُون، سَنُوت، سِنُوت	الموسوعه
<i>Cuminum cyminum L.</i>	کمون	ط،خ،ع.

۱۶۰۳ - کمون الأسود: این نام هم به «کمون» سیاه رنگ و هم به «حبه السوداء» گفته می‌شود.<sup>۲۰</sup>

۱۶۰۴ - کمون حبشی: نام دیگر آن: کمون بری<sup>۲۱</sup>

۱۶۰۵ - کناوس<sup>۲۲</sup>:

<i>Cynara scolymus L.</i>	کناوس	زریاب
---------------------------	-------	-------

۱۶۰۶ - کنبات<sup>۲۳</sup>:

<i>Equisetum arvense L.</i>	امسوخ، کُنبات الحقل، ذنب الخیل، شِیَالَة	الموسوعه
<i>Equisetum hyemale</i>	امسوخ شتوی، کُنبات الشتاء، حشيشة الطوخ، ذنب الفرس	الموسوعه

۱۶۰۷ - کنب<sup>۲۴</sup>:

<i>Eleusine coracana Gaer.</i>	کنب	زریاب
--------------------------------	-----	-------

۱۶۰۸ - کُنْدُرْ، کُنْدُرْ (لغت فارسی یا عربی)، کُنْدُرْ، کُنْدُرْ (نامی فارسی)، کُنْدُرْ، کُنْدُرْ، لُبَانْ، عود العطاس<sup>۴</sup>: نام های دیگر آن: یونانی: قیوطیسرون<sup>۵</sup> - سریانی: لیانئون<sup>۶</sup>، لبونا<sup>۷</sup>، لبنا<sup>۸</sup> - رومی: سیفروس<sup>۹</sup> - کُنْدُرْ دریایی<sup>۱۰</sup> - عربی: لُبَانْ، لُبَانْ - اصمعی<sup>۱۱</sup> گوید سه چیز است که از یمن برخیزد و در هیچ جای دیگر نبود: «لبان» و «ورشن» و «عصب» یعنی بر دیمنی و ابوحنیفه گوید «لبان» نبود مگر بر درختهای عمان و درخت آن خارناک بود و قد آن دو گز زیاده بود و نرئید مگر در کوه و ورق و ثمر آن مانند «مورد» بود و عک وی را «کزر» و «نسج» گویند و به یونانی «لبیانوا» خوانند<sup>۱۲</sup>.

الموسوعه	لُبَانْ هندی، لُبَانْ ذَكَرْ بَشْتِجْ هندی، کُنْدُرْ	<i>Boswellia serrata</i> Roxb.
ز، خ، ط.	کُنْدُرْ - لبان	<i>Boswellia carterii</i> Bird W. <i>Boswellia serrata</i> Roxb.
EN.	کُنْدُرْ	<i>Boswellia</i> sp.

۱۶۰۹ - کُنْدُرْ:

۱۶۱۰ - کُنْدُرْ، کُنْدُرْ، کُنْدُرْ، کُنْدُرْ، کُنْدُرْ، کُنْدُرْ، عود العطاس<sup>۱۳</sup>: نوعی جنبه نام های دیگر آن: فارسی: بیخ کازران<sup>۱۴</sup>، کُنْدُرْ، کُنْدُرْ - رومی: اسطروثیون<sup>۱۵</sup>، دربولطاس<sup>۱۶</sup> - قُنْدَسْ - سطروثیون - برله - اسطرس - سراج القطرب<sup>۱۷</sup> نام نوع دیگر آن: بطرمیقی تاغیغشت - نام گیاه نزد رازی: عطشان - قولانه<sup>۱۸</sup> آشیلی<sup>۱۹</sup> می گوید: عوام به آن «بقلة» گویند و ریشه هائی را که از آن جدا می کنند «کُنْدَسْ» می نامند و از آنجا که این گیاه در شب می درخشد معروف به «سراج الظلام» است و از داروهای کُشَنده می باشد. نوع دیگر آن مشابه «کنکر» با نام «سعود الدواب» است که اهالی فاس در مغرب به آن «تَغِغْشْت» گویند و از ریشه های آن در شستشوی لباس استفاده می کنند<sup>۲۰</sup>.

زر. - خطا.	کُنْدُرْ	<i>Gypsophila struthium</i> L.
پارسا	کُنْدُرْ - بیخ کازران	<i>Veratum album</i> L.
الموسوعه	کُنْدَسْ	<i>Gypsophila</i> sp.
EN.	کُنْدَسْ	<i>Schoenocaulon officinale</i> A. Gray

۱۶۱۱ - کُنْدَلَاء<sup>۲۱</sup>: (گیاهی آبی) نام های دیگر آن: نام پوست: ایدع<sup>۲۲</sup> - حجاز: شوره<sup>۲۳</sup>  
 ۱۶۱۲ - کُنْکَهْی<sup>۲۴</sup>: نام های دیگر آن: کُنْکَهْی<sup>۲۵</sup> (نامی هندی) - فارسی: درخت شانه<sup>۲۶</sup> (زیرا میوه آن مشابه شانه است).  
 ۱۶۱۳ - کُنْهَانْ، کُنْهَانْ: نام های دیگر آن: کوننهان<sup>۲۷</sup> (معرب از «کوهان» فارسی است).

الموسوعه	لُبْنَد، کُنْهَانْ	<i>Alkanna orientalis</i> (L.) Boiss.
----------	--------------------	---------------------------------------

۱۶۱۴ - کُنْهَنْهَلْ<sup>۲۸</sup>: جنسی طلع نام دیگر آن: نزد عرب: غَلْفَه<sup>۲۹</sup>

۱۶۱۵ - کُنْیَبْ، کُنْیَبْ، کُنْیَبْ (نامی یمنی): نوعی علس<sup>۳۰</sup> یا نوعی قرطمان است. بنا به نظری علس و بنابه نظر دیگر جُلْبَان است. نام گیاه در کتاب رازی<sup>۳۱</sup> «هرطمان» است. در کتاب دیسکورید با نام «اولیرا» دانه ای از جنس «راء» است<sup>۳۲</sup>. نام دیگر آن: دُزَه [این عبارت (در ترجمه دیسکورید) ۷۵ - ۷۷: به دُزَا، و اولیرا، رجوع شود.]

دیسکورید	کُنْیَبْ - اولیرا زَاآ	<i>Triticum monococcum</i> L. <i>Triticum dicoccum</i> Schr.
----------	---------------------------	---



<i>Triticum monococcum</i> L. <i>Triticum spelta</i> L. <i>Triticum zea</i> Host.	کنیب	زریاب
<i>Triticum monococcum</i> L. <i>Triticum spelta</i> L.	کنیب	طباطبائی

۱۶۱۶ - کور<sup>۱</sup>، کور<sup>۲</sup>، نام دیگر آن: مقل اليهود<sup>۳</sup>

<i>Balsamodendron mukul</i> Hook.	کور	زریاب
-----------------------------------	-----	-------

۱۶۱۷ - کوشنبیل<sup>۱</sup>: (نامی از تنکابن و دیلم) نام‌های دیگر آن: طبرستانی: دیودار<sup>۲</sup> - مازندران و دامغان: گوزن گیاه<sup>۳</sup>، کومرثل<sup>۴</sup>

۱۶۱۸ - کوکب الأرض<sup>۱</sup>، کوکب الارض<sup>۲</sup>، کوکب<sup>۳</sup>: گویند کوکب، «قیمولیا» است و رازی گوید آن را «طلق» می‌خوانند. «ابوحنیفه» آن را نام گل «شکاص» که نوعی «استب» است و همچنین گل «رُشالة الابيض» می‌داند.<sup>۴</sup>

۱۶۱۹ - کونله<sup>۱</sup>: (نامی هندی)

۱۶۲۰ - کویت<sup>۱</sup>: نام‌های دیگر آن: کبیت<sup>۲</sup> (نامی هندی) - بنگالی: کنبیل<sup>۳</sup>

۱۶۲۱ - کهرَباء<sup>۱</sup>، کهرَباء<sup>۲</sup>، کهرَباء<sup>۳</sup>، کهرَباء<sup>۴</sup>، کهرَباء<sup>۵</sup>، مصباح الروم<sup>۶</sup>، مصباح الروم<sup>۷</sup>: لغت فارسی یا معرب از «کاهربای» فارسی است.<sup>۸</sup> نام صمغ درختی بزرگ از بلاد مغرب به نام «اروس بلغار» است.<sup>۹</sup> نام صمغ «جوز رومی» است.<sup>۱۰</sup> نام‌های دیگر آن: کاربا - ایلیقپوران<sup>۱۱</sup> - یونانی: دیامنطیس<sup>۱۲</sup> - سریانی: حمرا<sup>۱۳</sup> - رومی: هیغیرس<sup>۱۴</sup>، القطرون<sup>۱۵</sup>، ادمنطوس<sup>۱۶</sup>، القطرون<sup>۱۷</sup>، ادمنطوس<sup>۱۸</sup> - سریانی: دقتا<sup>۱۹</sup>، حیاثوا<sup>۲۰</sup>، السری<sup>۲۱</sup> - هندی: کپور<sup>۲۲</sup> - عربی: قرن البحر<sup>۲۳</sup>، مصباح الروم<sup>۲۴</sup> مترجمان کتاب‌های جالینوس و دیسکورید پنداشته‌اند «کهرَباء» صمغ گیاه «جوز رومی» است، ولی اینچنین نیست.<sup>۲۵</sup> ابن سینا<sup>۲۶</sup> می‌گوید: «کهرَباء» صمغ «کالستندروس» است.<sup>۲۷</sup>

اغیرس (Aigeiros): نام «شجرالجوزالرومی» است و به پوست آن «توز» گویند و دیسکورید نام صمغ آن را «کهرَباء» می‌داند. ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۸۴]

<i>Pinites succinifer</i> Goppe. & Bern. <i>Pinites stroboides</i> (Conw.) Sch.	ایلیقپوران - کاربا	زر - طب.
<i>Populus nigra</i> L.	اغیرس، شجرالجوزالرومی، کهرَباء، توز	دیسکورید

۱۶۲۳ - کهرنی<sup>۱</sup>: (نامی هندی)

۱۶۲۴ - کهورات<sup>۱</sup>:

۱۶۲۵ - کَیک‌واشه<sup>۱</sup>:

۱۶۲۶ - کیلکان<sup>۱</sup>، کلیکان<sup>۲</sup>: از انواع «کراث»<sup>۳</sup>

۱۶۲۷ - کَینتی<sup>۱</sup>: (نامی بنگالی)

۱۶۲۸ - گوزن گیاه<sup>۱</sup>: نام‌های دیگر آن: خرس گیاه، گوزنیک<sup>۲</sup>

<i>Eryngium maritimum</i> L.	گوزن گیاه	زریاب
------------------------------	-----------	-------

۱۶۳۲- لالا، لالاء، لالا، لالا: نام دیگر آن: سمسمه - گیاهی که از طرف مکه می آورند.



الاطینی (Elatine): نام «لَبْلَابِ المَجُوسِ» و «لَبْلَابِ الْأَحْرَشِ» است و عامه اندلس به آن «سراویل الكُكَّة» (Cuco - Cucus) و «شُحِيمَه» یا «سَحِيمَه» گویند. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳۵ و ۳۶]

<i>Convolvulus arvensis L.</i>	القسینی - لبْلَابِ الحَقِیقِی	دیسکورید
<i>Linaria elatine Mill.</i>	الاطینی، لبْلَابِ المَجُوسِ، لبْلَابِ الاحْرَشِ، شحیمه	دیسکورید
<i>Convolvulus sp.</i>	لَبْلَاب	الموسوعه
<i>Convolvulus arvensis L.</i>	لَبْلَابِ الخُقُولِ، لَبْلَابِ صَغِيرٍ، طُربُوشِ الغَرابِ	دیسکورید
<i>Veronica officinalis L.</i>	فیرونیکا مَخْزَنِيَه، لبْلَابِ المَجُوسِ	دیسکورید
<i>Convolvulus arvensis L.</i> <i>Dolichos lablab</i>	لَبْلَاب	طباطبائی
<i>Hedera helix L.</i>	لَبْلَاب - پیچک دردس (آستارا)، پلک (نور)، ولو، بلو بلوه (گرگان)، پاپیتال (تهران)	پارسا
<i>Hedera helix L.</i>	Bohar: Lablab - Kumaon: Bana	GLO.IN.
<i>Dolichos lablab</i>	لَبْلَاب	خطابی
<i>Convolvulus arvensis L.</i>	قربوله	خطابی

۱۶۴۴ - لبن الحماره: نوعی يتوع

۱۶۴۵ - لُبْنِيَّ، لُبْنِيَّ، لُبْنِيَّ: نوعی «میعَه» که از «اصطُرک» درست می شود. دارای شیرهای چون عسل به نام «عسل لبنی» است.<sup>۴</sup> - آنچه سایله - روان - بود آن را «عسل لبنی» خوانند و «میعَه سایله» گویند و در آن حلاوت نبود و آن صمغ درخت رومی است.<sup>۵</sup>

<i>Styrax officinale L.</i>	اصطُرک، لُبْنِيَّ، مِيعَه	دیسکورید
<i>Liquidambar sp.</i> <i>Styrax officinale</i>	لُبْنِيَّ	طباطبائی

۱۶۴۶ - لُبْنِيَّ: (نام گیاهی در بنگالی)

۱۶۴۷ - لَبْجَالُو: (نامی هندی)

۱۶۴۸ - لَحَاءِ الغُول: نام های دیگر آن: فارسی: اُردمانه<sup>۶</sup> - بربری: تامرت<sup>۷</sup>

۱۶۴۹ - لَحْيَانِيَّ: نام های دیگر آن: رازی: حَرْشُف<sup>۸</sup> - فلاحه می گوید: نوعی خار به نام «خبز الکلب»<sup>۹</sup>

۱۶۵۰ - لَحْيَةُ التَّيْسِ<sup>۱۰</sup>، لَحْيَةُ التَّيْسِ<sup>۱۱</sup>، لَحْيَةُ التَّيْسِ<sup>۱۲</sup>، لَحْيَةُ التَّيْسِ<sup>۱۳</sup>: (نامی عربی) نام های دیگر آن: رومی: هیوفقسطیداس<sup>۱۴</sup>، هوفقسطیداس<sup>۱۵</sup>، هوفقسطیداس<sup>۱۶</sup>، هوف طیداس<sup>۱۷</sup> - سریانی: دقنادعزی<sup>۱۸</sup> - جالینوس: قستوس<sup>۱۹</sup> - عامه اندلس: بسقواس<sup>۲۰</sup> - فارسی: اسلیخ<sup>۲۱</sup>، اسبلنج - شنکی<sup>۲۲</sup> - اصفهانی: شنگ<sup>۲۳</sup>، الاشنگ<sup>۲۴</sup> - یونانی: قسوس<sup>۲۵</sup>، قصادق<sup>۲۶</sup>، قسارت<sup>۲۷</sup> - اهل شام و شرق: اذنانب الخیل<sup>۲۸</sup> - ذنب الخیل<sup>۲۹</sup> - "ابن بیطار" می گوید: این گیاه نزد اهالی شام و غرب و شرق و سرزمین مصر معروف است و نوعی از آن در شهر فیوم مصر می روید. اما آن گیاهی که "حنین" در ترجمه کتاب جالینوس و دیسکورید به نام «لَحْيَةُ التَّيْسِ» نامیده با آنچه شرح داده شد متفاوت است و آن گیاهی است که به یونانی به آن «قستوس» گویند.<sup>۳۰</sup>

<i>Tragopogon pratensis L.</i>	سَلْسَفِيلِ المَرَجِ، لَحْيَةُ التَّيْسِ	الموسوعه
<i>Tragopogon pratense L.</i> <i>Cytisus hypocistis L.</i>	لَحْيَةُ التَّيْسِ	زریاب

<i>Tragopogon pratense</i> L. <i>Filipendula ulmaria</i> Maxim.	لحیة التیس	طباطبانی
<i>Tragopogon</i> sp. <i>Podospermum jacquinianum</i> Koch.	شنگ	پارسا
<i>Tragopogon</i> sp.	لحیة التیس	EN.

۱۶۵۱ - لُخْنِیس<sup>۱</sup> (نامی یونانی)، لخنس الأکلییة<sup>۲</sup>، لحنس الاکلیه<sup>۳</sup>؛ نوعی از «خیری جبلی» و آن خرامی است.<sup>۴</sup> «ابو عباس نباتی» می‌گوید: نام گیاه «اکلیلی» نامیده شده زیرا آن را بر روی تاج‌ها قرار می‌دهند و نزد من نوع جبلی «خیری» با گل بنفش است.<sup>۵</sup> «دیسکورید» می‌گوید: «لخنس آگریا» در همه حالت‌ها مشابه «لخنس بستانی» است.<sup>۶</sup>

لُخْنِیس الاکلیة (*Lukhnis stepha nomatike*): نوعی «لوقاس» با رنگ بنفش است و چون از نظر طبقه بندی آن را جزء گیاهان چتر دار می‌دانند به آن «اکلیلی» گویند.

لُخْنِیس آگریا (*Lukhnis agria*): نام آن «خُزامی» است. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۹۶]

<i>Lychnis coronaria</i> Desf.	لخنس الاکلیه	دی.، EN.
<i>Agrostemma githago</i> L.	لخنس آگریا - خزامی	دیسکورید
<i>Lychnis</i> sp.	لُخْنِیس	الموسوعه
<i>Lychnis chalconica</i> L.	لخنس آگریا	EN.

۱۶۵۲ - لِسَان الایِل<sup>۱</sup>: (نامی عربی)؟ الالسفاکُس (*Eelisphakon*): به معنای «لسان الایِل» است و در اندلس به آن «ناعمة» گویند و به لاتینی «شالییه» نام دارد. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۳۱]

<i>Salvia officinalis</i> L.	الالسفاکس - لسان الایِل، ناعمه، شالییه	دیسکورید
------------------------------	--	----------

۱۶۵۳ - لِسَان الثَّور<sup>۱</sup>، لسان الثور<sup>۲</sup>، لسان الثور<sup>۳</sup>، لسان الثور<sup>۴</sup>، لسان الثور<sup>۵</sup> (نامی عربی)، بوغُلَصَن<sup>۶</sup> (نامی یونانی)، کاوزاون<sup>۷</sup> (نامی فارسی)، مَفْرَح<sup>۸</sup>، مَفْرَح<sup>۹</sup>، حُمَحُم<sup>۱۰</sup> (اهالی شام و شرق و دیار بکر)، کاوزان<sup>۱۱</sup>: گویند نوعی «مرو» است.<sup>۱۲</sup>

نام‌های دیگر آن: فارسی: گاوزبان<sup>۱۳</sup>، گاوزوان<sup>۱۴</sup> - یونانی: نو<sup>۱۵</sup> - لاتینی: بکلورم<sup>۱۶</sup>، پراجم<sup>۱۷</sup> - هندی: سنکاهولی<sup>۱۸</sup> - رومی: بوغُلوسن<sup>۱۹</sup> - سریانی: لشان ثورا<sup>۲۰</sup>، رقبه<sup>۲۱</sup> - ابن سینا: کاوزان<sup>۲۲</sup>

<i>Echium amoenum</i> Fis.& Mey. <i>Caccinia glauca</i> Savi. <i>Trichodesma molle</i> DC. <i>Trichodesma zeylanicum</i> R.Br. <i>Trichodesma indicum</i> DC. <i>Anchusa italica</i> Retz. <i>Anchusa hybrida</i> Ten.	گل کاوزبان	پارسا
<i>Echium sericeum</i> Vahl.	برگ کاوزبان	پارسا
<i>Pulmonaria officinalis</i> L.	قسمی کاوزبان	پارسا
<i>Anchusa italica</i> Retz. <i>Borago officinalis</i> L.	لسان الثور	زر. - طب.
<i>Anchusa officinalis</i> L.	أنشوزة مخخزنية، بوغُلَصَن مخزنی، دَبُون، لسان الثور المخزنی	الموسوعه

<i>Borrigo officinalis L.</i>	لسان الثور	EN.
-------------------------------	------------	-----

۱۶۵۴ - لسان الجمل<sup>ع</sup>: "غافقی" می‌گوید: برخی پنداشته‌اند «لسان الثور» است ولی چنین نیست بلکه آن گیاهی است که به آن «أذن الثور» و «كحلأ» گویند... و به عجمی اندلس «أدادی» نام دارد.<sup>ع</sup> ابن بیطار<sup>ع</sup> می‌گوید نام گیاه در آفریقا «أوسانی» است.<sup>ع</sup>

۱۶۵۵ - لسان الحمل<sup>ع</sup>، لسان الحمل<sup>س</sup>، لسان الحمل<sup>ل</sup>، لسان الحمل<sup>ع</sup>، لسان الحمل<sup>س</sup>، لسان الحمل<sup>ل</sup>، لسان الحمل<sup>ع</sup> (نامی عربی)، هفت پهلوس<sup>ع</sup>، كثير الاضلاع<sup>ع</sup>، كثير الاضلاع<sup>س</sup>، برد و سلام<sup>ع</sup>، برد و سلام<sup>س</sup>، بزر لسان الحمل<sup>ع</sup>، ذنب الفاره<sup>ع</sup>، أذن الأرنب<sup>ع</sup>: از جنس السن است. نام‌های دیگر آن: رومی: ارنگلیسون<sup>س</sup>، ارطوس<sup>س</sup>، ملطیرغون<sup>س</sup> - سریانی: لحکا<sup>س</sup>، شبعالعين<sup>س</sup>، لسانامراس<sup>س</sup> - فارسی: خرگوشک<sup>س</sup> - ترکی: باغ پر باغ<sup>س</sup> - شیرازی: ورق بارتنگ<sup>س</sup> - عربی: ذنب الفار<sup>س</sup> - لسان الحمل<sup>س</sup> (زیرا خوشه آن مشابه دم موش است.)، كثيرة الاضلاع<sup>ع</sup>، ذو سبعة اضلاع<sup>ع</sup> - یونانی: أرنقالس<sup>ع</sup> - نام‌های تخم: فارسی: بارشک<sup>ع</sup> - تبریزی: تخم بزوشه<sup>ع</sup> - فاس: مصاصة<sup>ع</sup> - نام‌های لسان الحمل کبیر<sup>ع</sup>: فرنگی: بیشاک میسور<sup>ع</sup> - نام‌های لسان الحمل صغیر<sup>ع</sup>: فرنگی: بیشاک مینور<sup>ع</sup> - اشبیلی<sup>ع</sup> می‌گوید: دارای انواعی است که نام‌های برخی عبارتست از: ۱ - ارنقالس، بلتاین ۲ - قتاله ۳ - ظفر الفرس: بَتمه، فطیطن، اذن الارنب، خرافة العجوز، اولیه دلیبر ۴ - ظفرة الفرس

آرُونُغُلْسَن (Aronoglosson): نام آن «لسان الحَمَل» و «برد و سلام» و به لاتینی «پِلَتائین» (*Plantaina*) و در اندلس «مَصَّاصَة» و «ذنب الفار» است. و دارای دو نوع کوچک و بزرگ است کوچک آن را اهالی اندلس «أذن الشاة» گویند. [این عبارت (در ترجمه دیسکورید ۲ - ۱۱۰)]

<i>Plantago major L.</i>	ارنوغلِس، لسان الحمل، بِلَتائین، مِصاصه	دیسکورید
<i>Plantago major L.</i>	لسان الحمل	ز.خ، ط.، E.
<i>Plantago major L.</i>	بارهنگ، تخم سفید، قارنی یاروغ، تخم بیروشا (تبریز)	پارسا

۱۶۵۶- لسان الذیّب: نام‌های دیگر آن: سطرابطوس - امیره - امیریا - عُشبة الطحال - نام نوع دیگر: افیمدیون

١٦٥٧ - لسان السَّبْع، لسان السَّبْع<sup>٤</sup>.

۱۶۵۸ - لسان العَصافیر<sup>ع</sup>، لسان العَصافیر<sup>س</sup>، لسان العَصافیر<sup>ق</sup><sup>(۱)</sup>، لسان العَصافیر<sup>ر</sup>، السنة العَصافیر<sup>ر</sup>، لسان العَصافیر<sup>ل</sup>، لسان العَصافیر<sup>ز</sup>، حب السود<sup>ر</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: مرغ زفانک<sup>س</sup>، بنجشک زبان<sup>س</sup>، زبان گنجشک<sup>ع</sup>، سُرو<sup>و</sup>، اهر<sup>ر</sup>، گنجشک ازوان<sup>س</sup> - هندی: اندرجو<sup>و</sup> - سندی: اندرجو<sup>و</sup> - شیرازی: تخم اهر<sup>ر</sup> - سریانی: لشان صفرا<sup>و</sup> - سجزی: سُرو<sup>و</sup> - زابلی: شُتک<sup>س</sup> - درختی مشابه درخت «دردار» است و گویند نام درخت دردار است. "ابن یطار" می‌گوید: میوه درخت «دردار» آست نه درخت «نبق».<sup>ع</sup> اشبیلی<sup>ع</sup> می‌گوید: «لسان العصفور» نام مشترک نوعی «سنبل رومی» و «السنة العصافیر» است و در مورد ماهیت آن اختلاف است برخی آن را نوعی «شجرة الدردار» با نام «بنجسکروان» و «فراخشنه» می‌دانند و درست آنست که درختی مشابه درخت دردار است نام‌های دیگر آن عبارتست از: ایدوصارون، بلائقس، اسکروان، السنة العصافیر<sup>ر</sup>.

<i>Fraxinus excesior</i> L.	لسان المصافير	ز.خ، ط.ع.
<i>Fraxinus excesior</i> L.	زبان گنجشک - ون - ونل - ونو - سیر - سر (شمال)	پارسا

۱۶۵۹ - لسان الکلب؛ لسان الکلب<sup>۵</sup>، لسان الکلب<sup>۶</sup>، لسان الکلب<sup>۷</sup>؟ نام‌های بستانی آن: سطاربون، شبیطه، سمفوطن ارتارون نام‌های نوع بری آن: مورجون، لِنَقُوه دَلْبَه یعنی لسان السبع، شبیطه کنبیانه، مسجدوان، توکردوز، سمفوطن<sup>۸</sup> - به «لسان الحمل» و همچنین «حماض» گفته می‌شود<sup>۹</sup> ولی در اینجا منظور گیاه دیگری است.<sup>۱۰</sup>

۱- الموسوعة: (لسان الغصن) نام شایعی است که بر گیاهان متعددی اطلاق می‌شود از اینرو نمی‌توان آن را به یک گیاه خاص بست داد.

Cynoglossum sp.	لسان الکلب، آذان الأرنب، آذان الغزال	الموسوعه
Cynoglossum officinale L.	لسان الکلب	طباً،
Rumex acetosa		EN.

۱۶۶۰ - لصیف<sup>ش</sup>: نوعی کنکر البری است. <sup>ش</sup> نام‌های دیگر آن: شوک الجمال<sup>ش</sup> - شوکه الشهباء<sup>ش</sup>  
 ۱۶۶۱ - لصیقی<sup>ش</sup>، لصیقی<sup>ش</sup>، لصیقی<sup>ش</sup>، لبق<sup>ش</sup>: نوع کوچک لسان الحمل<sup>ش</sup> از آن جهت که گیاه خاردار است و به لباس می چسبد به آن «لصیقی» گویند. و ممکن است به گیاهان دیگر که دارای این خصوصیت هستند نیز گفته شود. <sup>ش</sup> نام‌های دیگر آن: آذان الدب<sup>ش</sup> - تنکابن: کاش<sup>ش</sup> - «ابن یطار» می‌گوید: گیاهی است که به آن «آذان الأرنب» گویند و گروهی نیز آن را «آذان الغزال» نام داده‌اند<sup>ش</sup> و گاهی نیز به گیاه دیگری به نام «بلسکی» گفته می‌شود.<sup>ش</sup>

Galium aparine L.	غالیون أبيض، لصیقی، حَشِيشَةُ الْأَفَاعِی، بُلْسُک، اَزْمَن	الموسوعه
-------------------	---	----------

۱۶۶۲ - لُعبَة بَرَبْرَی<sup>ش</sup>، لعبه بربریه<sup>ش</sup>، لعبت بربریه<sup>ش</sup>، لعبه<sup>ش</sup>، لعبه<sup>ش</sup>: بنا به گفته‌ای «سورنجان» است. <sup>ش</sup> نام‌های دیگر آن: سورنجان<sup>ش</sup> - مصر: عَکَنَة<sup>ش</sup> آنچه محقق است «سورنجان» است و بعضی گویند نوعی «یبروح» است و این خلافت.<sup>ش</sup>

Hermodactylus tuberosus Salisb.	لعبه	زریاب
---------------------------------	------	-------

۱۶۶۳ - لعبه مطلقه<sup>ش</sup>، لعبت مطلقه<sup>ش</sup>، لُعبَة<sup>ش</sup>: نام دیگر آن: عَروَسَالَة - مصر: ریشه یبروح<sup>ش</sup>  
 ۱۶۶۴ - لُفَاح<sup>ش</sup>، لُفَاح<sup>ش</sup>، لُفَاح<sup>ش</sup>، لُفَاح<sup>ش</sup>، لُفَاح<sup>ش</sup> (نامی عربی)، اصل اللُفَاح<sup>ش</sup>، تَفَاح الجن<sup>ش</sup>، سَایِزَج<sup>ش</sup>، سَایِزَج<sup>ش</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: شاییزک<sup>ش</sup>، سَایِزِک<sup>ش</sup> (به معنای سیب کوچک)، مَغْدَل<sup>ش</sup> - لُفَاح: نام میوه آن «یبروح بری» است.<sup>ش</sup> - نام میوه «یبروح» است.<sup>ش</sup> - ریشه آن به نام «یبروح سریانی» است.<sup>ش</sup> - فارسی: سَیِیزَه<sup>ش</sup> - سندی: سَیِیزَوَا<sup>ش</sup>، سَایِشِک<sup>ش</sup> - نام‌های نوع ماده: لُفَاح الجن<sup>ش</sup> «ابن یطار» می‌گوید: «لُفَاح» در مصر به نوعی «بطیخ» کوچک گفته می‌شود.<sup>ش</sup>  
 مَندَرَاغُوس (mandragas): نام‌های دیگر آن عبارتست: یَیْرُوح - میوه: لُفَاح - فارسی: سَایِزِک، شَایِزَج - تَفَاح الجن<sup>ش</sup> - لاتینی: آرْجَبِلِطَه (Archobellitho) بربری: تَازِیل، عَروَسَه [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۹]

Mandragora officinarum L.	لُفَاح	زر - طباً.
Mandragora officinarum L.	مندراغوس - یبروح - لُفَاح - تَفَاح الجن	دیسکورید
Mandragora sp.	لُفَاح، یَیْرُوح، مَندَرَاغُورَا، مَندَرَاک، تَفَاح المجانین، تَفَاح الجن	الموسوعه

۱۶۶۵ - لُفَاح الهندی<sup>ش</sup>:

۱۶۶۶ - لُفَاش<sup>ش</sup>: (نام گیاهی در نواحی شام)

۱۶۶۷ - لُک<sup>ش</sup>، لُک<sup>ش</sup>، لُک<sup>ش</sup>، لُک<sup>ش</sup>، لُک<sup>ش</sup>: «غسانی» می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی گویند کرمی است که در شاخه‌های نازک درختی در سرزمین هند و ارامنه وجود می‌آید و برخی گویند رطوبتی است که بر درخت «عنبر» می‌نشیند و عده‌ای بر این اعتقادند که صمغ درخت «بَقَم» است.<sup>ش</sup> لُک صمغ درختی هندی است.<sup>ش</sup>

۱ - «لُک» صمغ یا شبنم درختی است شبیه به درخت کنار یا سدر که در هند و بنگاله بهم می‌رسد. این صمغ سرخ رنگ است چون توت و حب هایش به اندازه لیمو و نارنج هم می‌رسد، آن را در آب می‌پزند و انواع رنگ‌های سرخ از آن بعمل می‌آید. لُک را به فارسی «لاک» گویند.

<i>Ficus laccifera</i> Roxb.	لک	زر - طباً
<i>Thus oxyantha</i>	لک	خطابی

۱۶۶۸ - لکّاع<sup>ش</sup>: نوعی حِلّه است. <sup>ش</sup> نام های دیگر آن: لکّاعه<sup>ش</sup> - حشیشة الثومية<sup>ش</sup>

۱۶۶۹- لم لم: نام دیگر آن: در صحرای برنیق: قطف بحری<sup>۵</sup>

۱۶۷۰. لَنْجِيْطُسْ، لَنْخِيْطُسْ<sup>۴</sup>: (نامی یونانی) نام‌های دیگر آن: شام: منسم<sup>۵</sup> - لبنان: تومین<sup>۶</sup>

لَنْخِيْطِس (Lonkhitis): گیاهی است با بذرهای سه گوش مشابه نیزه. با توجه به اینکه آن را می‌شناسم ولی غیر از این نامی برای آن نمی‌دانم.

لنخبطس آخر: دارای برگهائی مشابه برگ «سقولوفندریون» است و عامه گیاهشناسان اندلسی آن را به «الرُّقعة الصَّخره» می‌شناسند. نوع دیگر آن به عنوان «لوقیون» یا «شجر الحوض» معرفی شده که همان «زرشک» یا «امیرباریس» است. [ابن بطاردر ترجمه دیکورد] ۳ - ۴۹ و ۱۴۰]

<i>Serapias lingua</i> L.	لنخيطس	ديسكوريد
<i>Aspidium lonchitis</i> L.	لنخيطس - رقعة الصخرية	
<i>Aspidium lonchitis</i>	منبسم، لنخيطس	الموسوعة
<i>Aspidium lonchitis</i> L.	لنخيطس - رقعة الصخرية	

۱۶۷۱ - لنخيطس آخر<sup>۴</sup>: نام ديگر آن: گياهشناسان اندلس: رقعة الصخرية<sup>۵</sup>

۱۶۷۲ - لوییا، لوییا، لوییا<sup>ش</sup> (نامی هندی)، دُجر<sup>۱</sup>، لوییا<sup>۲</sup>: از جنس کفوف و نوعی لبلاب است. نام‌های دیگر آن: لیا<sup>۳</sup>، لوییاچ<sup>۴</sup> - ترمزی، راژموک<sup>۵</sup> - سجزی: فراژمنک<sup>۶</sup> - یونانی: سیلهین<sup>۷</sup> - قبطی: مامیر<sup>۸</sup> - رومی: فسولن<sup>۹</sup> - در کتاب دیسکورید: سیمیلش<sup>۱۰</sup> - عربی: فریقا، دجر<sup>۱۱</sup> - فارسی: لوییا، الویا، ثامروان<sup>۱۲</sup>، ثامر<sup>۱۳</sup> - رومی: فصولیا<sup>۱۴</sup> - سریانی: اصفوورون<sup>۱۵</sup> - عجمی: فسون<sup>۱۶</sup> اشبیلی<sup>۱۷</sup> می‌گوید: دارای انواعی است نام‌های آن عبارتست از: ۱ - لویا الابيض: اصفوورون ۲ - تبرئه ۳ - غَعَقَه ۴ - شَرکیه ۵ - هندیه: صفور ۶ - جوز الريح ۷ - مَکثر اللبن: فول الخنزیر، خَرّوب الخنزیر ۸ - صَنِیه<sup>۱۸</sup>

سَمَلَقَس (Smilax kepia): نام‌های دیگر آن عبارتست از: لوییا - ثامرا - ابی حنیفه: دُجَر [ابن‌یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱۳۰ - ۱۳۱]

<i>Phaseolus vulgaris</i> L.	لوبيا	زرر. - طبخا.
<i>Dolichos lubia</i> Fors.		
<i>Dolichos lubia</i> Fors.	سميلقس - لوبيا - ثامرا - دجر	ديسكوريد
<i>Phaseolus communis</i> = <i>Ph. vulgaris</i>	لوبيا	پارسا
<i>Vigna catjang</i> Walp		
<i>Dolichos unguiculatus</i>	لوبيا، لُوبياء	الموسوعة

۱۶۷۳ - النجرويلة<sup>(۱)</sup>: به معنای رُمح صغیر است زیرا برای بیماری سینه پهلوی (زُمح) مفید است. نام دیگر آن: حَربَة

۱۶۷۴ - کُوز، لُوژ، لُوژ، لُوژ، لُوژ حلو، لُوژ مَ، لُوژ البَربر (نوع جبلی)، مزج (نوع تلخ)؛ نام‌های دیگر آن: رومی؛ امیقدالی - فارسی: بادام - فرنگی: انگذاله - نام نوع شیرین آن: لُوژ الحلو، بادام شیرین  
نام نوع تلخ آن: لُوژ المُرّ، بادام تلخ، باذام طلع - رومی: ارموکی - سریانی: لُوژدمیرا، شغدی میری -



قسمی از لوز بری با نام لوز البربر است.<sup>۲</sup>

امقدال ببقرا (*Amugdal picra*): اهالی انطالیا: لوز المر - در بعضی از ترجمه‌ها: معقلوس

امقدال غلوقیا (*Am. glukeia*): به معنای «لوز الحلو» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۳۲]

<i>Amygdalus communis</i> L. <i>Prunus amygdalus</i> Stokes.	لوز - بادام	زر - طباً.
<i>Prunus amygdalus</i> Stokes. <i>Amygdalus communis</i> L.	امقدال ببقرا - لوز المر امقدال غلوقیا	دیسکورید
<i>Prunus amygdalus</i> Stokes.	لوز	الم - خط.
<i>Prunus amygdalus communis</i> L. <i>Amygdalus communis</i> L. <i>Amygdalus dulcis</i> Mill.	لوز الحلوز	الموسوعه
<i>Prunus amygdalus</i> var. <i>amara</i> Fock. <i>Amygdalus amara</i> Hayne	لوز المر	الموسوعه
<i>Amygdalus amara</i> Syn: <i>P. communis</i>	Hendi & Panjub & Bambay: Badam Sanskrit: Badama	GLO.IN.

۱۶۷۵ - لوسیماکھیوس<sup>۳</sup>، لوسیماکھیوس<sup>۴</sup>، لوسیماکھیوس<sup>۵</sup>: نامی یونانی به معنای «شبهه الذهب» یا مشابه طلا است.<sup>۶</sup> نام‌های دیگر آن: اهل اندلس: قصب الذهبی<sup>۷</sup>، خویصه مصغر<sup>۸</sup>، خوصه<sup>۹</sup>، لخوخ الماء<sup>۱۰</sup>، خوخ الماء<sup>۱۱</sup>، عود الريح<sup>۱۲</sup>، خویخه<sup>۱۳</sup> - هندی: جوراوراج ناکهه<sup>۱۴</sup> - «اشبیلی» می‌گوید: برخی آن را «انجبار النهری» و گروهی «سراج القطرب» و عده‌ای «خیری الماء» می‌دانند.<sup>۱۵</sup>

لوسیماکھیوس (*Lusimakheios*): گیاهی که اهالی اندلس به آن «عود الريح» و «قصب الريح» گویند و هر دو نام مشترک بین چند گیاه است نام دیگر آن در اندلس «قَصَب الذهبی» است و بعضی از گیاهشناسان به آن «خوخ الماء» گویند و عامه نیز نام آن را «خَوِیخَه» نامند. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۳]

<i>Lysimachia vulgaris</i> L.	لوسیماکھیوس - قصب الذهبی - خوخ الماء	زریاب
-------------------------------	--------------------------------------	-------

۱۶۷۶ - لوطوس<sup>۱۶</sup>، لوطوس<sup>۱۷</sup>، لوطوس<sup>۱۸</sup>: به نوعی «هندقوی» گفته می‌شود و همچنین نام «بشنین» است و «بشنین» نوعی از «نیلوفر» است که در مصر وی را «خنزیری» خوانند و آن «نیلوفر» دیگر را «اعرابی» گویند. و همچنین دیسکورید در مقاله اول خود «لوطوس» را به گیاه دیگری گفته و «حنین» آن را به «سدر» ترجمه کرده ولی صحیح نیست<sup>۱۹</sup> و غیر «حنین» آن را به نام «میس» تفسیر کرده‌اند و این صحیح‌تر است.<sup>۲۰</sup>

لوطوس (*Lotos to dendron*): گویند معادل نام «شجر النبق المصری» است ولی صحیح آنست که گیاه معروفی است که اهالی اندلس به آن «نشم الاسود» (بشم الاسود) گویند و این نام مشترکی بین چند گیاه است. نام دیگر این گیاه «شجر المیس» است. [این بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۵]

<i>Nymphaea lotus</i> L.	لوطوس	زریاب
<i>Celtis australis</i> L.	لوطوس - نشم الاسود - شجر المیس	دیسکورید
<i>Lotus</i> sp.	لوطوس، لوتوس	الموسوعه

أَرْوَن (Aron): لوف السَّبَط - عامه اندلس: صارة الاثني - بربری: اِئرن  
أَرِصَارُون (Arisaron): کوچکترین نوع «لوف» است و در مصر به آن «ذُرْبَةُ السَّحْم» گویند. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۴۰]

<i>Dracunculus vulgaris</i> Scho.	لوف - دراقطيون	زرياب
<i>Arum dracunculus</i> L.		
<i>Arum italicum</i> L.		
<i>Arum dracunculus</i> L.	دراقطيون، لوف الحية، لوف الجعد، فيلجوش، صاژه، صراخه، غرغنيته	ديسكوريد
<i>Arum vulgare</i>	أزون، لوف السبط، صارة الانثى، ايرن	ديسكوريد
<i>Arum arisarum</i> L.	أريصارون - ذرية الشحم	ديسكوريد
<i>Luffa</i> sp.	لوف، ليف، فيلجوش	الموسوعة
<i>Arum maculatum</i>	أروم، لوف مبع، تياق أبيض	الموسوعة
<i>Arum italicum</i>	أروم ايطالي، لوف جعد، دُرَيْزَة	الموسوعة
<i>Dracunculus vulgaris</i> Schot.	لوف الحية، أذن الراهب	الموسوعة
<i>Arum dracunculus</i>		
<i>Luffa cylindrica</i> M.Roe.	لوف أسطواني، لوف مصرى	الموسوعة
<i>Luffa aegyptiaca</i> Mill.		
<i>Poppia fabiana</i> Koch.		
<i>Luffa aegyptiaca</i> Mill.	لوف	طباطباني
<i>Dracunculus vulgaris</i> Schot.	لوف الحية	طباطباني

۱۶۷۹ - لوفاً، لوفاً<sup>۳</sup>: "صاحب منهاج" گوید «قنطوریون باریک» است و صاحب جامع گوید نوعی از «حی العالم» است که آن را «اذان القسیس» خوانند.<sup>۳</sup>

۱۶۸۰ - لوقاس<sup>۴</sup>، لوقاین<sup>۳</sup>: "بطریق" آن را «حرف أبيض» می‌داند و "حنین" آن را به نام «سفند أسفید» نامگذاری کرده<sup>۳</sup> و "رازی" به آن «سفند اسفندو» گوید و گویند نام نوعی «مرو» است.<sup>۴</sup>

الموسوعة	لامیون أرقط، لوقاس، حَرْف أبيض	<i>Lamium maculatum</i>
----------	--------------------------------	-------------------------

۱۶۸۱ - لوقاقانثا<sup>۳</sup>:

۱۶۸۲ - لهلوقوغزاتیس<sup>۳</sup>: (نام گیاهی مصری)

۱۶۸۳ - لیثانوس<sup>۴</sup>، لیانوطس<sup>۳</sup>: دارای انواع مختلف است و به معنای «کندریات»<sup>۳</sup> یا «کندریات» است زیرا بوی «کندر» می‌دهد و نام یونانی آن نیز از «لیانوس» که همان «کندر» است گرفته شده است.<sup>۴</sup> نوعی را اهل اندلس «بربطور» و بعضی را «استر» و بعضی را «عسالیج» دانند.<sup>۳</sup> انواع «لیانوطس» از انواع «کلوخ» است، نوعی از آن را گیاهشناسان اندلس به نام «یربطور الساحلی» می‌شناسند و نوع دیگر آن را اهالی غرب اندلس «یربطور الشعراوی» می‌نامند و نوعی «أشتر»، «عسالیج» و «قلیقل» نامیده می‌شود و ریشه‌های این گیاه بوئی چون بوی «کندر» دارد.<sup>۴</sup> "ابن جلیجل" پنداشته است نام «أکلیل الجبلی» است که در اندلس به «أکلیل النُفساء» معروف است و این کاملاً اشتباه است و نظر او منشأ اشتباه بقیه نیز شده است.<sup>۴</sup>

لیبانو (*Libanos*): نام «کندر» و «لَبان» است و محل رویش آن فقط در شحر عمان است. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۵۸]

دیسکورید	لیبانو - کندر - لبان	<i>Baswellia Roxb.</i>
----------	----------------------	------------------------

۱۶۸۴ - لیرون: نوعی بقل یکساله نام‌های نوع جبلی آن: ربناله یعنی فجل الصغیر، النینا نام‌های نوع سهلی آن: لورونیا، اسلیج، لیرون، خربث، تمک<sup>۳</sup>

۱۶۸۵ - لیفة: نام‌های دیگر آن: شغالة، لیفة، سمفوطن بطرا یعنی شاعة الصخریة<sup>۳</sup>

۱۶۸۶ - لیف البحر<sup>۳</sup>، لیف<sup>۳</sup>:

۱۶۸۷ - لیفیه<sup>۴</sup>، لیفة<sup>۳</sup>: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: لیفة<sup>۳</sup> - حجاز: عَلَم<sup>۴</sup>

۱۶۸۸ - لیمو<sup>۴</sup>، لیمو<sup>۳</sup>، لیمون<sup>۴</sup>، لامون<sup>۳</sup>: صاحب منهاج گوید مانند «اترج» بود.<sup>۳</sup>

دیسکورید	لیمو	<i>Citrus medica Risso</i> <i>Citrus limonum Risso</i>
پارسا	لیمو	<i>Citrus aurantifolia Sw.</i>
الموسوعة	لیمون	<i>Citrus sp.</i>
المؤسوعة	لیمون حامض	<i>Citrus medica L.</i>
الموسوعة	لیمون حلو	<i>Citrus aurantifolia Sw.</i>

۱۶۸۹ - لیمونیون<sup>۴</sup>، لیمونیون<sup>۳</sup>: نوعی «حماض بزرگ» است و در باغ‌ها و بیشه‌ها روید.<sup>۳</sup> معنای این واژه یونانی «سبخی» است.<sup>۴</sup>

<i>Phaseolus mungo</i> <i>Phaseolus radiatus</i> L.	ماش	الموسوعه
--	-----	----------

<i>Phaseolus max. L.</i> <i>Phaseolus mungo L.</i>	ماش	زریاب
<i>Vicia sativa</i> <i>Phaseolus mungo L.</i>	ماش	طباطبائی
<i>Phaseolus mrabiatius L.</i> <i>Vicia ervillia</i>	ماش	پارسا
<i>Phaseolus mungo L.</i> <i>Vigna sinensis Endl.</i>	ماش	خطابی

۱۶۹۸ - مالکتنکی: (نامی هندی)

۱۶۹۹ - مالیا، مالیا: نام‌های دیگر آن: مزان

۱۷۰۰ - مامیثا، مامیثا، مامیثا، مامیثا، مامیثا: (نامی نبطی) نوعی بقل نام‌های دیگر آن: شام: منبج - جالینوس: غلوقیون، غلوقی، حشیشة الخُمرة، خشخاش المقرن، شقائق الفرس، همینا  
غلوقیون (*Glaukion*): مامیثا [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۸]

<i>Glaucium corniculatum Curt.</i> <i>Chelidonium carniculatum L.</i>	مامیثا	زر. - طبا.
<i>Glaucium corniculatum Curt.</i>	غلوقیون - مامیثا	دیسکورید
<i>Glaucium sp.</i>	مامیثا، مَمِیثا	الموسوعه

۱۷۰۱ - مامیران، مامیران، مامیران، مامیران، مامیران: (نامی فارسی و سریانی) نوعی زردچوبه نام‌های دیگر آن: رومی: بالیدونیقی، کلدونیا، کیلادونیا - زابلستان: سمرقندیا - نوع کوچک عروق الصفر - فاس: حشیشة الخطاطیف خالیدونیون طومقرون (*Khelidion mikron*): بنا به قول ضعیفی نام «مامیران» است.  
خالیدونیون طوماغا: بنا به قول ضعیفی نام «کرکم» است و «طوماغا» به معنای کبیر است و برگردان عربی آن «دواء الخطاطیف» است. [ابن یطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۶۳]

<i>Chelidonium majus L.</i> <i>Coptis teeta Wall.</i>	مامیران	ز، د، پ، خ، ط.
<i>Curcuma longa</i> <i>Curcuma tinctoria</i>	اصابع الصفر - کُرْکُم صباغی - هُزْد - عقیق هندی - مامیران	الموسوعه

۱۷۰۲ - ماهودانه، ماهودانه، ماهودانه، ماهودانه، ماهودانه: (نامی فارسی)، ماهودانه، حب الملوك، طارطلقه (لاتینی)، فلفل الأخوص، فلفل الخواص، شباب: «ماهودانه» به معنای قائم بذات است، زیرا در درمان اسهال به تنهایی استفاده می شود. نام‌های دیگر آن: ماهودانه - اهل مشرق: حب الملوك - هندی: جیالگوت، ماهوی دانه، دند هندی - عامه اندلس: طارطقة، سیسبان - فارسی: حبة الملوك، ابوجریح می گوید: دو گونه است. صاحب جامع در ماهیت اسم وی و تفسیر آن سهو کرده است از بهر آنکه وی تفسیر «ما هو بذاته» کرده و گفته «آئی قائم بنفسه آئی أنه یقوم بذاته فی الإسهال» و حال آنکه آن را «ماهودانه» خوانند نه «ما هو بذاته» و بعضی «دند» را «حب الملوك» خوانند و «دند» غیر از «حب الملوك» است.

<i>Croton tiglium</i> L.	حب الملوك	زریاب
<i>Euphorbia lathyris</i> L.	ماهوذانه	زریاب
<i>Euphorbia lathyris</i> L. <i>Croton tiglium</i>	ماهوذانه	طباطبانی

۱۷۰۳ - ماهیزهرج، ماهیزهرج، ماهی زهرة، ماهیزهرج، سیکران الحوت، مکنسة الاندر، سم السمک: معرب از ماهی زهره فارسی است، زیرا کشنده ماهی می باشد. نام های دیگر آن: سریانی: جغتاریختانا - جالینوس: بیورس قاتل الحیتان - نوعی از «فلوس» است و به نام «سقوریدی» می باشد.<sup>۱</sup>

آن را «سیکران الحوت» خوانند و سه نوع بود دو نوع کوهی و یک نوع صحرائی و کوهی بقوت تر بود و آن را «بوصیر» خوانند و «فلوس» گویند و نوع سوم معروف بود به «ماهیزهره». ابن بطار می گوید: برای شناخت حقیقت این گیاه در مشرق و مغرب بررسی کردم و نهایت آنچه دیدم این بود که اهالی مشرق و شام بجای این گیاه پوست ریشه «بوصیر» را استفاده می کردند و اهالی مغرب و اندلس آن را بعنوان «شوکران الحوت» می شناسند و دارای سه نوع است، که دو نوع آن جلی و نوع دیگر بستانی است.<sup>۲</sup> [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۹۳: به عینون، رجوع شود.]

<i>Anamirta paniculata</i> Colebr. <i>Menispermum cocculus</i> L.	ماهیزهرج	زریاب
--	----------	-------

۱۷۰۴ - مثنان، مثنان، مثنان: (نامی عربی) از جنس تمنس است. نام های دیگر آن: ثومالا، جامالا، قسطن، طربشکه، الازار، لینش یعنی شبیه به کتان - «مازریون» و قسم های مختلف «شبارم» نوعی از آن است.<sup>۳</sup>

ثومالا (*Thumelaia*): نام «مثنان» است و رنگرزان مغربی برای رنگ کردن از آن استفاده می کنند و به بربری نام آن «أصاص» و «أزان» است و به دانه آن «أزرم» گویند. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۰۵]

<i>Daphne chidium</i>	ثومالا، مثنان، أصاص، ازاز	دیسکورید
<i>Daphne gnidium</i> L. <i>Thymelaea hirsuta</i> Endl.	مثنان، کزمدانه، دقنة لاحقة	الموسوعة

۱۷۰۵ - مثنان آخر:

۱۷۰۶ - مَجْنَح، مَجْنَح: (نامی عربی) نام های دیگر آن: گل خوش نظر

۱۷۰۷ - مُخْلَصَة، مخلصه، محاجم، محاجم، محاجم (نامی اندلسی)، الوج، مکنسة قرشیه: وجه تسمیه آن: زیرا خوردن آن فرد را از سم افعی و سائر گزندگان خلاص می کند. نام های دیگر آن: شیرازی: کازریسک - فارسی: بلبل شامی - قنطوریون موریون یک نوع دیگر: گشنیز کوهی - یک نوع از آن «تریاق کوهی» نام دارد. نوع سوم در اسکندریه می روید و به «رأس الهدهد» معروف است.<sup>۴</sup>

<i>Linaria vulgaris</i> Mill.	لیناریه عادی، حَبَابِ مبدول، جوز آرمانیوس، مُخْلَصَة	الموسوعة
<i>Linaria vulgaris</i> Mill.	مُخْلَصَة	EN.

۱۷۰۸ - مُرّ، مُرّ، مُرّ، مُرّ، مُرّ: نامی عربی صمغ گیاهی که در روم و بلاد مغرب و جزیره سقطره می روید. نام های دیگر آن: رومی: اعروعلیطوس - سریانی: مرادکبار - یونانی: سمرونا - هندی: بول شمرنا (*Smurna*): مُرّ [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۵۵]

دی، الم، خط.	مُرّ	<i>Commiphora myrrha</i> Engl.
--------------	------	--------------------------------

۱۷۰۹ - مُرّار، مرار، مرار، مرّار، مرا: (نامی عربی) نوعی شکا‌عا است و باد آورد نام‌های دیگر آن: مصر: مُرّزیر - سرزمین بکر: دردریة

زریاب	مرار	<i>Centaurea aegptiaca</i> Del. <i>Centaurea alexandrina</i> D. <i>Centaurea calcitrapa</i> L. <i>Centaurea pallescens</i> Del. <i>Triptaris vaillantii</i> L.
الموسوعة	قطریون نَجْمی، مرار	<i>Centaurea calcitrapa</i> L. <i>Centaurea stellata</i>

۱۷۱۰ - مُرّان، مرّان، مران: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: شجرة الرمح - مالیا

مالیا (*Melia*): نام «شجر المرّان» است ولی منظور از «مرّان» در کتاب جالینوس این گیاه نیست بلکه گیاهی است که "دیسکورید" از آن بعنوان «قرانیا» یاد کرده است. جالینوس از «مالیا» در کتاب خود نامی نبرده است. "دیسکورید" «قرانیا» را گیاهی کوهستانی معرفی کرده که در لبنان و مکان‌های دیگر رویش دارد و دارای میوه‌ای کوچک چون سیب کوچک است و هنگام رسیدن زرد و قرمز می‌شود و کمی ترش مزه است و درون آن دانه‌ای از جنس «زعرور» قرار دارد. برای این گیاه غیر از نام «قرانیا» نام دیگری نمی‌شناسم. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۸۱]

دیسکورید	مالیا - مران - زان	<i>Fraxinus excelsior</i> L.
دیسکورید	قرانیا	<i>Cornus mascula</i> L.
الموسوعة	مُرّان، لسان العصفور	<i>Fraxinus</i> sp.
دیسکورید	مران شامخ	<i>Fraxinus excelsior</i> L.
زریاب	مرّان	<i>Cornus mascula</i> L.
طباطبانی	مرّان	<i>Cornus mascula</i> L. <i>Fraxinus excelsior</i>
EN.	مران	<i>Fraxinus excelsior</i> L.

۱۷۱۱ - مُرّخ، مرخ: گیاهی است بیابانی که با وزش تند باده‌ها کنده شده و از آن برای درست کردن آتش استفاده می‌شود و عرب این نام را همچنین به هر گیاه خاردار مورد استفاده در آتش چون عفار، شبرق و کلخ بکار می‌برد.

زریاب	مرخ	<i>Cynanchum pyrotechnicum</i> L.
-------	-----	-----------------------------------

۱۷۱۲ - مُرّذکی، نام‌های دیگر آن: رومی: طرغولیطوس - سریانی: مرّادخیا، مرّافروط، اسمرنا، سمرنا یو طیفقا

زریاب	مرذکی	<i>Commiphora abyssinica</i> Engl. <i>Balsamodendron myrrha</i> Nees.
-------	-------	--

۱۷۱۳ - مَرَزَنْجُوشْ، مَرَزَنْجُوشْ، مَرَزَنْجُوشْ، مَرَزَنْجُوشْ، سَمَسَقْ، سَمَسَقْ، عَنَقَرْ و عَنَقَرْ، عَنَقَرْ، انجرك، حب القثا، حب القیل، شمشرا، عیسوب، مردقوش: معرب مرزنگوش فارسی - نام های دیگر آن: عربی: سرمق، عَنَقَر، عَنَقَر، حب المرء، حَبِّ الْفَتَى ریحان الامروء - هندی: رونا، مروانا، مدقوش، مرقوش - دیسکورید: سَمَسَخُون - رومی: امارقون، سَمَسَق - مردقوش - مرددوش

صَمُصُوخُن (ملول) (Samsukhon): نام «مرزنجوش» به معنای گوش موش است و از نام های دیگر آن: «سَمَسَق»، «مَرَدَقُوش»، «عَنَقَر»، «انجرك» است و بعضی آن را «اَذُنُ الْفَار» نامیده اند در صورتیکه «اَذُنُ الْفَار» نام مشترکی است که به بقیه گیاهان تناسب بیشتری دارد. اهالی اندلس به این گیاه «مَرَدَدُوش» گویند. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۷]

<i>Origanum majorana L.</i>	مرزنجوش - سَمَسَق - صَمُصُوخُن	دیسکورید
<i>Origanum majorana L.</i>	مرزنجوش	ز. - خ. - ط.
<i>Origanum majorana L.</i> <i>Stachys lavandulaefolia Vahl.</i>	مرزنگوش	پارسا
<i>Majorana sp.</i>	مَرَدَقُوش، مَرَدَقُوش، مَرَدَقُوش، مَرَزَنْجُوش، ریحان داوود، سَمَسَق	الموسوعه
<i>Majorana hortensis Moench.</i> <i>Origanum majorana L.</i>	مَرَدَقُوش بستانی	الموسوعه
<i>Majorana hortensis Moench.</i> <i>Origanum majorana L.</i>	مَرَزَنْجُوش	EN.

۱۷۱۴ - مرس:

۱۷۱۵ - مَرَسَطُسْ: (نامی نبطی)

۱۷۱۶ - مرطولست:

۱۷۱۷ - مرقد، مرقد: به «افیون» و همچنین به «جوز مائل» گفته می شود.

۱۷۱۸ - مَرَمَاحُور، مَرَمَاحُوزْ، مَرَمَاحُوزْ، مَرَمَاحُوزْ، مارون: نام های دیگر آن: فارسی: مرو خوش، مرو جبلی - رومی: هیوفسپتیوس - فارسی: مرماهوز، مرو همیشه بهار

ماژون: نوعی از «نم» و نوع بری آن است و دارای کرک های سفید نرم و مشخصی با گلتهائی چون گل «صعتر» بصورت سه تائی است. من - ابن بطار - غیر نام یونانی آن نام دیگری برای آن نمی شناسم ولی در عین حال گویند همان گیاه «مرماحور» است. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۴۰]

<i>Origanum maru L.</i>	مرماحور	زر، دی.
<i>Origanum maru L.</i> <i>Origanum amaracus Gled.</i>	مَرُو، حَبِّ الشَّيْخ، خَرَبَاش، مَرَمَاحُوزْ، مَرَدَقُوش مُعَقَّد، زَغَبَر	الموسوعه

۱۷۱۹ - مَزَمَلَطْ: در دو نوع سفید و سیاه است، نام سفید آن «شَاب رَدَجَه» یعنی «سبعة اصول» یا هفت ریشه می باشد.

۱۷۲۰ - مَرَمِخَا: (نامی سفدی) نام دیگر آن به جرجانی «قمش» است.

<i>Rubus fruticosus L.</i>	مرمخا	زریاب
----------------------------	-------	-------

۱۷۲۱ - مَرَمَازاد: نام های دیگر آن: فارسی: مروازاد - فرنگی: اسطاکیس



۱۷۲۲ - مرماطوس<sup>۱</sup>: نام‌های دیگر آن: مرو بری<sup>۲</sup> - فارسی: درنک<sup>۳</sup>

۱۷۲۳ - مرماهوس<sup>۴</sup>: نام‌های دیگر آن: فارسی: مرو سفید<sup>۵</sup>، مرو تلخ<sup>۶</sup>

۱۷۲۴ - مرناغر<sup>۷</sup>: نام دیگر آن: سماق بری، اطریشیه

۱۷۲۵ - مَرَو، مرو، مرو، مرو<sup>۸</sup> (لغت نبطی یا فارسی)، بزرالمرو<sup>۹</sup>، حیق الشیوخ<sup>۱۰</sup>: نوعی جنبه نام‌های دیگر آن: ریحان الشیوخ<sup>۱۱</sup> - فارسی: مروزشک<sup>۱۲</sup> - شیرازی: مرورشک<sup>۱۳</sup> - هندی: کنوچه<sup>۱۴</sup> (دارای چهار نوع می باشد). عربی: زَغَبَر<sup>۱۵</sup>، زَبَغَر<sup>۱۶</sup> - "رازی" می‌گوید: نام آن «قهلمان» و چهار نوع است: اردشیران و میردارون و درامک و مرماهویه و نوعی به نام «میشبهار» است. انواعی است نوع خوشبوی وی را مرماحوز خوانند، به شیرازی به آن «مرخوش» گویند و نوع دیگر آن را که بوی کمتر دارد «شموسا» خوانند و آن «مرو سفید» بود و گویند بدرستی که «لسان الثور» است و یک نوع دیگر را «خراما» گویند و یک نوع دیگر را «دارمک» خوانند. و آن «مرو سفید» بود و گویند بدرستی که «لسان الثور» است و یک نوع دیگر را «خراما» گویند و یک نوع دیگر را «اردشیر دارو» و «وارد شیران» گویند و آن را به شیرازی «مرو تلخ» خوانند و به لفظ دیگر «مرماهان» و «مرماهوس» گویند... مؤلف گوید: انواع «مرو» هیچ کدام حب سفید نیست الا «مرو تلخ» که خود و حب او هر دو سفیدند و این مشهور بود به «مرو سفید» پس بدین تقدیر «مرو سفید» غیر «لسان الثور» است و نوعی دیگر هست که آن را «میشبهار» گویند و آن «گاو چشم» است. "غافقی" می‌گوید: "صاحب فلاحه" برای «مَرَو» هفت نوع ذکر کرده است نوعی به نام «مرماحوز» است. "اشبیلی" می‌گوید: دارای پنج قسم است که نام‌های آن‌ها عبارتست از: ۱ - نوع اول بستانی: مالیسوقلن، مرو، شبرله، مرماخور، زغبر، مالیطا ۲ - نوع دوم بستانی: رائحة البستان، حیق الشیوخ، شاهشیرم، تاجیقطون، مندبونه، ازدشیر زاد، خَشَبُزَم، نام برگ: خَزَق ۳ - انیولیس یا اثیویس، خافور ۴ - مرو اسود: افریقیة منتهونه یعنی رَجَل صالح، میرادون، یعنی مرو الاسود ۵ - ممونون، اردمیردا<sup>۱۷</sup>

زر. - طب.	مرو	<i>Origanum maru L.</i> <i>Teucrium marmu L.</i>
الموسوعة	مَرَو، حَبَقِ الشیوخ، خَرَبَاش، مَرَمَاحوز، بَزْدَقوش مُعَقَّد، زَغَبَر	<i>Origanum maru L.</i> <i>Origanum amaracus</i>

۱۷۲۶ - مروی مشتقی<sup>۱۸</sup>: این گیاه بصورت درختی و علفی است درختی آن در دو نوع جبلی و بستانی است. نام‌های علفی آن عبارتست از: بُشَج مائی یعنی مَص العسل، لسان الفرس نام‌های نوع جبلی آن عبارتست از: سطالیون، ابمیلُس، اسملیس، بُروله، نَمرة الدب، انبجه نوع دیگری از آن نیز طیلاقیون نامیده می‌شود.<sup>۱۹</sup>

۱۷۲۷ - مروریة<sup>۲۰</sup>، مروریة<sup>۲۱</sup>: نام‌های دیگر آن: بعضید<sup>۲۲</sup>، نوعی هندباء<sup>۲۳</sup> "رازی" می‌گوید: «مروریة» نوعی «خَس» است.<sup>۲۴</sup>  
۱۷۲۸ - مریافلون<sup>۲۵</sup>، مریافلون<sup>۲۶</sup>، مریافلن<sup>۲۷</sup>: به معنای ذو ألف ورقة<sup>۲۸</sup> نام‌های دیگر آن: موزق<sup>۲۹</sup>، قانطیره<sup>۳۰</sup>، شَعَر العجل<sup>۳۱</sup> - جامع گوید «حزنبل» است و طرقیان آن را «حدمانه» خوانند.<sup>۳۲</sup>

طبایبائی	مریافلن	<i>Myriophyllum sp.</i>
----------	---------	-------------------------

۱۷۲۹ - مریافلون آخر<sup>۳۳</sup>، مریافلون بحری<sup>۳۴</sup>: نام‌های دیگر آن: ماریون یعنی بحری - سطرابطوطس شاید نیلوفر البَرک باشد.<sup>۳۵</sup>

۱۷۳۰ - مریخ<sup>۳۶</sup>، مریح<sup>۳۷</sup>: نام دیگر جوز هندی<sup>۳۸</sup>

۱۷۳۱ - مَرَّیْهِ<sup>(۱)</sup>: از جنس جنبه و نوعی فودنج و دارای سه نوع است: ۱ - سهلی با نام‌های: فرسیون، فراسیون، اسفیدارا راغیا، شنار، حبشیشه الکلاب، شُرْبِث، اشکریة، مَرَّیْهِ الابيض ۲ - صخری با نام‌های: فراسیون، فلوقاریش یعنی شعری، غَرَب، مَرَّیْهِ الاسود ۳ - جبلی با نام‌های: قارة یعنی مفید برای خفقان سودائی، سطاخیس یعنی بیضاء، الوسن، مَرَّیْهِ ابیض، السمته، نسمة زیرا برای درمان بیماری نسمة بکار می‌رود، هانجة، حبشیشه الکلب زیرا برای گاز گرفتگی سگ مفید است، قَئِیره یعنی کلبیة، ساکته، مُشکَته، الوسن یعنی خواب (گیاه سحری است).<sup>۳۹</sup>

<i>Alisma plantago</i> L.	ميزمار الزراعى	زر. - طبيا.
<i>Alisma plantago</i> L.	اليسما، ميزمار الزراعى، أذن الاذن	ديسكوريد
<i>Alisma</i> sp.	ميزمار الزراعى، شساس	الموسوعة

الموسوعة	مسواك الراعي، عُصاب، شَبْرَج	<i>Lepidium sp.</i>
----------	------------------------------	---------------------

<i>Origanum dictamnennus</i> L. <i>Amaracus dictamnus</i> Ben.	طرامشیع	زر. - طبا.
<i>Origanum dictamnennus</i> L. <i>Origanum creticum</i> L. <i>Origanum hirtum</i> Lk.	مشکطرامشیر - مشکطرامشیع (نوع اول) فسود و دقطنن، مشکطرامشیع کاذب، نوع دوم اقریطی (نوع سوم)	دیسکورید

*Poleo chorbuno* – ۲

الموسوعه	نَمَع المَاء، حَبَق المَاء، فَوْتَنَج المَاء، فَوْدَنَج المَاء، ضَمِيرَان، مَشْكَطَرَا، مَشْكَطَرَا مَشِيرَزُور	<i>Mentha aquatica L.</i>
----------	--	---------------------------

۱۷۴۵ - مَشْمِش، مَشْمِش، مَشْمِش، مَشْمِش، مَشْمِش، تَفَاح اَرْمَنِی، تَفَاح اَرْمَنِی: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: بَرَقَوَیة - رومی: اَرْمِیَناقون، اَغْلَقَنْدَرِیَا - سریانی: رومانی دَبَرَقَوِیَا - یونانی: اَرْمِنیافن، اَرْمِیَناقن - رومی: اصاقو - فارسی: زَرْدآلو، قِیسی - ترکی: اَرْدک - مغرب: مَشْمَاش - فاس: نِیش - به خشک کرده آن «قیسی» و «خوبانی» گویند.<sup>۱</sup>

ارامانیا (Armenika mela): مَشْمِش - تَفَاح الارمنی [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۱]

دیسکورید	ارامانیا - مَشْمِش - تَفَاح الارمنی	<i>Prunus armeniaca L.</i>
پارسا	زرد آلو مَشْمِش	<i>Prunus armeniaca L.</i>
ال.، EN.	مَشْمِش	<i>Prunus armeniaca L.</i>
طبایطانی	مَشْمِش	<i>Armeniaca vulgaris</i>
زر. - خط.	مَشْمِش	<i>Prunus armeniaca L.</i>
GLO.IN.	Hendia: Khobani, Zardalu - Panjub: Gurdiu	<i>Prunus armeniaca L.</i>

۱۷۴۶ - مَضْطَکِی، مَضْطَکِی، مَضْطَکِی، مَضْطَکِی، مَضْطَکِی، مَضْطَکِی، کِیة، اَرَاه: نام‌های دیگر آن: مُضْطَکِی، مَضْطَکَاء (مغرب از «مضطخای» یونانی یا «مضطخی» رومی است). عربی: عِلْک رومی، عِلْک الروم - سریانی: کِیا<sup>۲</sup> - رومی: وسندی کِیه، مَضْطَکِی - یونانی: سَخِینوس - سندی: کِیه، ریاس، ریاس - خلال - کِیه - «آشبیلی» می‌گوید: دارای دو نوع انطاکی و نیطی است، نوع انطاکی، نوع رومی و سفید و صمغ «صَرُو» است و نام‌های آن عبارتست از: مشتجی، غرایه، عِلْک الروم، مضطنجی و نوع نیطی سیاه رنگ و معروف به عِلْک است.<sup>۳</sup>

سَخِینس (Skhinos): شَجَرَة المَضْطَکِی

طراغین (Tragion): «ابن جلیل» آن را نوعی «شَجَرَة المَضْطَکِی» می‌داند ولی من - ابن بطار - آن را نمی‌شناسم. [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۶۶ و ۴ - ۴۴]

دیسکورید	سَخِینس - شَجَرَة مَضْطَکِی	<i>Pistacia lentiscus L.</i>
دیسکورید	طراغین	<i>Hypericum hircinum L.</i>
الموسوعه	بَطْم شرقی، بَطْم مستکی، صُرُو، مَضْطَکَاء	<i>Pistacia lentiscus L.</i>
زریاب	مَضْطَکِی - اَلْکِیا	<i>Pistacia chia DC.</i> <i>Pistacia lentiscus L.</i>
طبایطانی	مَضْطَکِی	<i>Pistacia lentiscus L.</i>
EN.	مَضْطَکِی	<i>Pistacia lentiscus L.</i>

۱۷۴۷ - مَضْع، مَضْع: از جنس شوک و قسمی زَعَرور است.<sup>۴</sup> نام‌های دیگر آن: مُشْتَلِیش - غبانستر - انبج - نیاشبرش ابوحنیفه می‌گوید: میوه درخت «عوسج»<sup>۵</sup> است. «غافقی» می‌گوید: نزد ما در اندلس درای دو نوع جبلی و بستانی است و آن میوه‌ای از نوع خار چون «عوسج» است.<sup>۶</sup>

۱۷۴۸ - مطرقال<sup>(۱)</sup>: این نام به معنای «عشبة الحر» است و به دو نوع گیاه گفته می‌شود: ۱ - «قیصوم الصغیر» ۲ - گیاهی با برگ‌های مشابه فودنج

<i>Punica granatum L.</i>	مطّ	زریاب
---------------------------	-----	-------

<i>Glossostemon bruguieri</i> D.C.	مغاث	زرياب
<i>Glossostemon</i> sp.	مُغاث	الموسوع
<i>Glossostemon bruguieri</i> D.C.	مغاث عجمي	الموسوع

<i>Acacia oerfota</i> (Forsk.) Sch.	نام صمغ گیاه عُرقُط	الموسوعة
-------------------------------------	---------------------	----------

<i>Solanum melongena</i> L.	بادنجان - أنب - مُنَد	الموسوعة
-----------------------------	-----------------------	----------

بذليون (Bdeilion): به معنای «راحة الاسد» و از انواع «مقل الأزرق» است. [این عبارت (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۵۷]

۱۷۵۸- مقل مکى، مقل مکى<sup>ء</sup>، مقل مکى<sup>ٔ</sup>، خِضلاف<sup>٤</sup>، مقل مکى<sup>٥</sup>: نام دیگر آن: میوه دوم<sup>ج</sup>

۱۷۵۹ - مقلیثا، مقلیثا<sup>۱</sup>: (نامی سریانی) بنا به نظر عده‌ای نام «حرف» است.<sup>۲</sup>

۱۷۶۰-مکهاره: (نامی هندی) ریشه گیاهی که به هندی «بتال مکهان» نامیده می شود.<sup>۲</sup>

۱۷۶۳ - ملوکیه، ملوخیه، ملوخیا، ملوخیا: «ملوخیه» جنسی است از «خبازی» - نوعی «خبازی» است و آن بستانی بود. نام‌های دیگر آن: شیرازی: ختمی کوچک - رومی: ایسقسوس - سریانی: ملوخیا - سجری قدیم: ملک - سجری جدید: پنی‌رک، کشیماء - بلغ: دبوکی، ملوخیه - ملوکیه، خبازی، خُباز

ملوخی (Molokhe): نام‌های دیگر آن عبارتست از: خُبازی - ملوکیه [این عبارت (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۳]

<i>Malva rotundifolia</i> Desf.	ملوخی - ملوکیه - خبازی	زریاب
<i>Corchorus olitorius</i>	ملوخیة	الموسوعه
<i>Malva silvestris</i> L. <i>Corchorus olitorius</i> L.	ملوکیه - پنیرک - خبازی	زریاب

EN. طباء	ملوخیه	<i>Corchorus olitorius L.</i>
----------	--------	-------------------------------

- ۱۷۶۴ - ملونیه<sup>ع</sup>، ملونیا<sup>ب</sup>: نام‌های دیگر آن: بطیخ الطویل<sup>ع</sup> - مقلونیا<sup>ب</sup> - خربزه دراز<sup>ب</sup> - شیرازی: خیار دراز<sup>ب</sup>  
 ۱۷۶۵ - منثور<sup>ع</sup>: به «خیری» گفته می‌شود و همچنین به نوعی «خشخاش» با نام یونانی «میقن ژواس»<sup>ع</sup>.

الموسوعه	منثور بری، شیخیم، خنجم	<i>Matthiola livida DC.</i>
الموسوعه	خیری، منثور	<i>Cheiranthus sp.</i>
EN.	خیری، منثور	<i>Cheiranthus cheiri L.</i>

- ۱۷۶۶ - منج زراوشان<sup>ب</sup>؛ منج زراوشان (تخم خیری)<sup>ب</sup>: (نامی فارسی) نام‌های دیگر آن: عربی: منج<sup>ب</sup> - فارسی: کونک<sup>ب</sup>

زریاب	منج	<i>Datura metel L.</i>
-------	-----	------------------------

- ۱۷۶۷ - منسیه<sup>ب</sup>: نوعی هیوفاریقون - وجه تسمیه: با نوشیدن شربتی از آن عشق زیاد فرد را با ایجاد فراموشی متعادل می‌کند.<sup>ب</sup>  
 ۱۷۶۸ - منشم<sup>ب</sup>، حب المنشم<sup>ب</sup>: دانه‌ای به اندازه قفل و به رنگ میان زردی و سرخی و بغایت ملس و خوش بوی و زود شکن بود و مغز آن بغایت سفید و معطر است.<sup>ب</sup>

زریاب	منشم	<i>Commiphora opobalsamum Engl.</i> <i>Amyris opobalsamum</i>
-------	------	--

- ۱۷۶۹ - منیره<sup>ب</sup>، منیره<sup>ب</sup>: نام دیگر آن: أرجونیه<sup>ع</sup> - ارجمونیه<sup>ب</sup>  
 ۱۷۷۰ - مو<sup>ب</sup>، مین<sup>ب</sup>، مو<sup>ب</sup>، مو<sup>ب</sup>، مو<sup>ب</sup>: نام دیگر آن: هندی: مون<sup>ب</sup>  
 میئون (Meon): مو [ابن بطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۳]

ز. ط.، E.	مو	<i>Meum athamanticum Jack.</i>
دیسکورید	میئون - مو	<i>Meum athamanticum Jack.</i>
الموسوعه	شبت بری، موم، مو	<i>Meum athamanticum Jack.</i>

- ۱۷۷۱ - مواغژن<sup>ب</sup>: به معنای عسلی - نام‌های دیگر آن: هزجان<sup>ب</sup>  
 ۱۷۷۲ - مورقا<sup>ب</sup>، مورقا<sup>ب</sup>: (نامی اندلسی) نام‌های دیگر آن: سرزمین بربر: آسمان<sup>ب</sup> - بعضی از مردم: سنبلی بری<sup>ع</sup>  
 برخی گمان می‌کنند نام «مو» است ولی اینچنین نیست.<sup>ع</sup>  
 ۱۷۷۳ - مؤز<sup>ب</sup>، مؤز<sup>ب</sup>، مرز<sup>ب</sup>، مؤز<sup>ب</sup>، مؤز<sup>ب</sup>، مؤز<sup>ب</sup>: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: عربی: طلیح<sup>ب</sup> - هندی: کیله<sup>ب</sup>

الموسوعه	موز	<i>Musa sp.</i> <i>Musa sepientum L.</i>
زر. - خط.	موز	<i>Musa paradisiaca L.</i> <i>Musa sepientum L.</i>
EN.	موز	<i>Musa sepientum L.</i>

- ۱۷۷۴ - مؤسلی: (نامی هندی)  
 ۱۷۷۵ - مؤل سَری: (نامی هندی)  
 ۱۷۷۶ - مولی<sup>۴</sup>، مولی<sup>۵</sup>: گویند «حَرْمَل بری» است.<sup>۶</sup>

<i>Arum dracuncululus L.</i>	مرلی	EN.
------------------------------	------	-----

- ۱۷۷۷ - مونج: پوست نی تو خالی به نام سرکنده است.<sup>۱</sup>  
 ۱۷۷۸ - مونندی: (نامی هندی)  
 ۱۷۷۹ - موؤس: نام‌های دیگر آن: هَروا<sup>۲</sup> - قونیون<sup>۳</sup>  
 ۱۷۸۰ - مَهْد، مَهْد: (نام کشمیری) نوعی «عرطینا» معروف به «راحة الأسد» که اهالی شام به آن «قیلعی» گویند.<sup>۴</sup>  
 ۱۷۸۱ - میه<sup>۵</sup>:

<i>Pteris radiofa Mett.</i> <i>Acrostichum dichototum Forsk.</i>	میه	زریاب
---	-----	-------

- ۱۷۸۲ - مِیسَن، مِیسَن، مِیسَن، مِیسَن، مِیسَن: (نامی عربی) نوعی قِیَقَب است. نام‌های دیگر آن: مُلیونه<sup>۱</sup> - یونانی:  
 لوسوس<sup>۲</sup>، لَطوس<sup>۳</sup> [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۲۵: به «لوطوس» رجوع شود.]

<i>Trigonella elatior Sybth.</i> <i>Nymphaea lotus L.</i> <i>Trigonella caerulea Ser.</i>	مِیسَن	زریاب
<i>Nymphaea lotus L.</i>	مِیسَن	طباطبائی
<i>Celtis sp.</i> <i>Nymphaea lotus L.</i> <i>Trigonella caerulea Ser.</i>	مِیسَن، نَسَم	الموسوعه
<i>Sorbus torminalis (L.) Crantz</i>	مِیسَن	EN.

- ۱۷۸۳ - میسنای<sup>۱</sup>: نام‌های دیگر آن: زابلستان: شیرگیا<sup>۲</sup> - بلخ و طخارستان: خیارک بی بر<sup>۳</sup> - خوارزم: ویدویک<sup>۴</sup>  
 ۱۷۸۴ - میعة سائله<sup>۱</sup>، میعة<sup>۲</sup>، میعة<sup>۳</sup>، میعة<sup>۴</sup>، میعة<sup>۵</sup>: (نامی عربی) نام‌های دیگر آن: عربی: لبنی<sup>۱</sup> - هندی: سلارس<sup>۲</sup>  
 درخت آن را به فرنگی «اسطراکه‌لیکه» (یعنی نرم) گویند. دارای دو نوع میعة سائله و میعة یابسه<sup>۳</sup> است. «ابوجریح»  
 می‌گوید: میعة صمغی است روان، از گیاهی که در شهرهای روم می‌روید بدست می‌آید. میعة دو نوع است: سائله با نام‌های:  
 عسل اللبني<sup>۱</sup> - هندی: سلهارس<sup>۲</sup>، اصطفی<sup>۳</sup>، عسل لبنی<sup>۴</sup> - یابسه با نام‌های: هندی: سلَهه<sup>۱</sup>، سلَهس<sup>۲</sup>، شیرازی: لحوز<sup>۳</sup> میعة  
 سه جنس است، «مِعه تر» و «مِعه خشک» و «اصطُرک» و «أصطُرک» نوعی از «میعة» است.<sup>۴</sup>  
 صَطَقَطی (Stakte): مِیعة السائله - حنین: دَسَم الشجر المرّ [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۵۱]

<i>Commiphora myrrha Engl.</i> <i>Styrax officinale L.</i>	صطفنی - میعة سائله میعة یابسه	دیسکورید
<i>Rosa maialis Desf.</i>	میاه سائله	پارسا
<i>Strax officinale</i>	اضطُرک - لبنی - میعة	الموسوعه

<i>Liquidambar orientalis L.</i>	میعه سائله	زریاب
<i>Styrax officinale L.</i>	میعه یابسه	
<i>Liquidambar orientalis L.</i>	میعه	طبا، EN.
<i>Styrax officinale L.</i>	میعه یابسه	

۱۷۸۵ - میکلس:

<i>Convolvulus sepium L.</i>	میکلس	زریاب
<i>Smilax aspera L.</i>		

۱۷۸۶ - میلقص لیا:

۱۷۸۷ - مین: نام های دیگر آن: اثامطیقون - مین - میون - بیزه - مو - سنبل الاقلیطی - مورانه - موران

۱۷۸۸ - میواقتوس: نام دیگر آن: شوک الفأرة

<i>Asparagus officinalis L.</i>	میواقتوس - شوک الفأرة	زریاب
<i>Asparagus acutifolius L.</i>		

۱۷۸۹ - میودیون: نام دیگر آن: مادیون - برگردان عربی آن «ذنب الأیئل» است.

۱۷۹۰ - میویزج، میویزج، میویزج، میویزج (نامی فارسی)، زیبب الجبل: نام های دیگر آن: اسطافیدوس اغریا - حب الراس - صیب - خروع الاسود - شیرازی: مویزک - فاس: حب الراس - برگردان عربی آن زیبب الجبل و زیبب الریفی است و نام دیگر آن «حب الراسن» است. صاحب جامع گوید «حب الراسن» است و این سهو است.

<i>Delphinium staphisagria L.</i>	میویزج	ز، خ، ط.
-----------------------------------	--------	----------

## حرف «ن»

۱۷۹۱ - نارجیل، نارجیل، نارجیل، نارجیل، نارجیل، جوز هندی، رانج، جوز هندی، رانج، نارجیل: معرب ناریل هندی است. نام های دیگر آن: هندی: نالیر - عربی: جوز هندی، الزنج - فرنگی: کوکرس اندیکریس - رانج - جوز الهند - شیرازی: گردو هندی - به هندی تازه آن را «ناریل» و خشک آن را «کھوپره» گویند.

<i>Cocos nucifera L.</i>	نارجیل	ز، ط، E.
<i>Cocos nucifera L.</i>	نارجیل - نارکیل	پارسا
<i>Cocos nucifera L.</i>	نارجیل معروف، جوز الهند، رانج، شمعور، جشرج	الموسوعه

۱۷۹۲ - نارجیل بحری: نام دیگر آن: فارسی: نارجیل دریائی

<i>Lodoicea sechellarum Lab.</i>	نارجیل دریائی - کشکول	پارسا
----------------------------------	-----------------------	-------

۱۷۹۳ - ناردین، ناردین، ناردین، ناردین، ناردین: سنبل رومی؟ «ابن بیطار» می گوید: هر گاه «ناردین» به تنهایی



ذکر شود منظور «سنبل هندی» است و هر گاه «ناردین اقلیطی» گفته شود منظور «سنبل اقلیطی» و همان نوع رومی است، و «ناردین آوری» «سنبل جبلی» است و «ناردین آغریا» به معنای «سنبل بری» بوده و به «سنبل جبلی» «آسارون» نیز گفته می‌شود.<sup>۴</sup> آشبیلی<sup>۵</sup> می‌گوید: نام انواع آن عبارتست از: ۱ - ناردین اقلیطی: سنبل الرومی ۲ - ناردین جبلی: ششتره، فو ۳ - ناردین نهري: ساذج ۴ - ناردین صینی: آسارون<sup>۶</sup> [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۶ و ۷: به «سنبل، رجوع شود. ]

<i>Valeriana sp.</i>	سنبل، ناردین	الموسوعه
<i>Valeriana celtica L.</i>	سنبل رومی، ناردین اقلیطی، عطارد	الموسوعه
<i>Valeriana phu L.</i> <i>Valeriana discordes Sibth.</i>	سنبل الحدائق، سنبل الحدائق، فر	الموسوعه
<i>Valeriana montana L.</i> <i>Valeriana discordes Sibth.</i>	سنبل ناردین الجبل	الموسوعه
<i>Valeriana wallichii DC.</i> <i>Valeriana discordis Sibth.</i>	ناردین آرزق، سنبل آرزق	الموسوعه
<i>Valeriana spica Vahl.</i> <i>Valeriana discordes Sibth.</i>	ناردین الطیب، ناردین هندی	الموسوعه
<i>Valeriana officinalis L.</i> <i>Valeriana discordes Sibth.</i>	ناردین مخزنی، حشیشه القط، بقلة الهر	الموسوعه
<i>Asarum europaeum L.</i>	ناردین بری - آسارون	الموسوعه
<i>Valeriana celtica L.</i> <i>Valeriana jatamansi DC.</i> <i>Nardostachys jatamansi DC.</i>	ناردین	زریاب
<i>Valeriana celtica L.</i> <i>Valeriana officinalis</i>	ناردین	طباطبائی
<i>Valeriana jatamansi DC.</i>	ناردین	EN.

۱۷۹۴ - نار فارس؛؟

۱۷۹۵ - نار قیصر؛؟

۱۷۹۶ - نارکیوا، نارکیوغ، نارکیو: نام‌های دیگر آن: مارکیوا؟، خشخاش الاحمر<sup>۷</sup> ابن بیطار<sup>۸</sup> می‌گوید: به «رمان السعالی» که نوعی «خشخاش» است گفته می‌شود و گویند منظور از «نارکیو» همه انواع «خشخاش» است و همچنین گویند فقط نوع سیاه «خشخاش» مورد نظر است.<sup>۹</sup> - گویند «بزر مرزنجوش» است.<sup>۱۰</sup>

<i>Papaver rhoeas L.</i>	نارکیوا	زر. - طبا.
--------------------------	---------	------------

۱۷۹۷ - نارمشک، نارمشک، نارمشک، نارمشک، نارمشک، نارمشک: لغت فارسی و به معنای مسک الرمان، مشک الرمان است.<sup>۱۱</sup> و در مورد ماهیت آن اختلاف است گروهی گویند «جلنار» است و برخی آن را شکوفه و پوست و گل‌های درختی مشابه «بسباسه» می‌دانند و در هند رویش دارد.<sup>۱۲</sup> نام‌های دیگر آن: اقماع رمان هندی - سندی: نارغفف، نارغیست، نارغیث، ناغیست، سوربارو - هندی: ناکیسر، ناکمتر، ناکفف، ناکیس - ابن ماسویه<sup>۱۳</sup> می‌گوید: شکوفه گیاهی که آن را «نارماسیس» می‌نامند.<sup>۱۴</sup> - «رازی» می‌گوید: گل درختی به نام «نارماسیس» است.<sup>۱۵</sup>

<i>Mesua ferrea L.</i>	نارمشک	خطابی
------------------------	--------	-------





<i>Mentha piperita</i> Smith. <i>Mentha sativa</i> L.	نعنع	ز.ط.ع.
<i>Mentha piperita</i> Smith.	ابدیاسمن - نعن	دیسکورید
<i>Mentha</i> sp.	نعنع، نُعْنَع، نُعْنَاع	الموسوعه
<i>Mentha</i> sp.	نعنع	خطابی
<i>Mentha piperita</i> Smith.	نعنع فلفل	خطابی
<i>Mentha sativa</i> L.	نم	خطابی
<i>Mentha aquatica</i> L.	نعنع البری - نعن المانی	خطابی

۱۸۱۴ - نَفْلٌ، نَفْلٌ، نَفْلٌ، نَفْلٌ، نَفْلٌ: نام های دیگر آن: قَت البرّ، بارزد - فارسی: شَقْتَل، غسانی می گوید: از انواع آن «جَمَصی»، «حَنْدَقَوْقا»، «بساط الملك» و «انجبار» است. <sup>۴</sup> اشبیلی می گوید: نفل دارای انواع بسیاری است و همگی از گیاهان یکساله مرتعی هستند که عبارتند از: ۱ - جَمَصی ۲ - جَمَری و نحلی ۳ - رطبه - قَت: لوطس اغریوس، یربه بطره یعنی عشبة البغلة ۴ - قَضب: لوطس، یربه بطیره، قَت ۵ - حندقوقا: لوطس طوماغا، لوطس اغریوس، طریفان، طریفله، حندقوقا، خاقی، ذُرَق، آزرود، کرکمان، قرنفل الارض ۶ - حندقوقا مصری: ذُرَق ۷ - فصفصة ۸ - بساط الملك ۹ - ازراز: ثغام، اِزْرة الارض ۱۰ - بلوز الريح ۱۱ - کرسنی ۱۲ - میدیقی ۱۳ - عروق السوس ۱۴ - انجبار النهري ۱۵ - رقعة النهريّة <sup>۵</sup>

<i>Trifolium</i> sp.	نفل، شبدر	الموسوعه
<i>Trifolium melilotus-indica</i> L.	نفل	طباطبائی
<i>Medicago ciliaris</i> Hook. <i>Medicago intertexta</i> L. <i>Trifolium melilotus indica</i> L.	نفل	زریاب
<i>Medicago ciliaris</i> Hook. <i>Medicago hispida</i> Gaertn. <i>Medicago littoralis</i> Rhod. <i>Medicago sativa</i> L.	نفل	خطابی

۱۸۱۵ - نِکاچونی: (نامی هندی)

۱۸۱۶ - نَلک، نَلک: به درخت «زعرور» و همچنین به درخت «دب» گویند. <sup>۶</sup>

<i>Prunus divaricata</i> Led.	نلک	زریاب
<i>Crataegus azarolus</i> L.	نلک، زعرور عادی	الموسوعه

۱۸۱۷ - نم: <sup>۷</sup>

<i>Thymus glaber</i>	سَعْتَرِ اَمْرَط، سَيْسَبْر، نَم، نَم الملك، رُيْبَرَة	الموسوعه
<i>Thymus glaber</i> <i>Thymus serpyllum</i> L.	نم	طباطبائی

۱۸۱۸ - نَوَارس، نَوَارس، نَوَارس: (نامی یونانی)، عصب: نام های دیگر آن: شجرة القدس، مسواک

العباس<sup>۳</sup>، مسواک المسيح<sup>۴</sup> - دیسکورید: بطریون<sup>۵</sup> "غافقی" می‌گوید: نوع بزرگ «فتاد» را گویند و برخی از مردم آن را به نام «شجرة العرس» و برخی «سواک عباس» و «سواک عباسی» نامیده‌اند و در روم «سواک المسيح» نام دارد<sup>۶</sup> - "رازی" می‌گوید: نام دیگر آن «شجرة العصب» است<sup>۷</sup>.

الم.	أسطراغالوس نوارس، نوارس، شجرة القدس، عَصَب	<i>Astragalus arnacantha</i>
------	--	------------------------------

۱۸۱۹ - تُوْنِف: نام‌های دیگر آن: دوقس، امسخسر یعنی باطل کننده سحر<sup>۸</sup>

۱۸۲۰ - نَهْمَا، نَهْمَا: (نامی نبطی)

۱۸۲۱ - نِيطافَلِی:

۱۸۲۲ - نِيفاطوس:

۱۸۲۳ - نِیلَج، حب النیل، نِیلَج، لِنِیَج، لِنِیَج، نِیل، نِیل، نِیل، نِیل، وِسْمَه، وِسْمَه، حناء معجون، عجب، عجب (دانه)، وِسْمَه (نام برگ): نام‌های دیگر آن: نِیل - اساطوس - عَظْلَم، عَظْلَم (نام درخت) - خَطَر - اندلس: سمائی - نام گیاه در کتاب دیسکورید: أساطیس - "غسانی" می‌گوید: در مورد ماهیت آن اختلاف کرده‌اند گویند نام «نیل» است و گویند «عَظْلَم» است. ابوحنیفه به نقل از بعضی اعراب «عَظْلَم» و «توم» و «وِسْمَه» را نامی برای یک گیاه می‌داند. اشبیلی<sup>۹</sup> می‌گوید: به دو گیاه «عجب» و «وِسْمَه» با سه قسم می‌گویند سایر نام‌های وِسْمَه عبارتست از: سدوس، ایساتس، تنطربه، طیلسات<sup>۱۰</sup> - نام‌های دانه آن: قرطم هندی، نِیلِنج، لِنِیَج - عصاره گیاه هرگاه خشک شود «سدوس» نام دارد<sup>۱۱</sup> - «وِسْمَه» به برگ آن گفته می‌شود<sup>۱۲</sup>.  
 أساطیس (Isatis): نِیل نِیلَج - طین الاخضر - عین الاخضر

اساطیس اغریا: نِیل بری (ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۶۵ و ۱۶۶)

خطابی	نیل	<i>Isatis tinctoria L.</i>
دیسکورید	نیل - نِیلَج - طین الاخضر - عین الاخضر	<i>Isatis tinctoria L.</i>
الموسوعه	نیل - نِیلِنج - حَلَّة	<i>Indigofera sp.</i>
زریاب	نیل - وِسْمَه	<i>Indigofera tinctoria L.</i>
طباطبائی	نیل	<i>Indigofera tinctoria L.</i>
الموسوعه	لِیْلَک، لِنِیَج، نِیلَج	<i>Syringa sp.</i>
زریاب	حب النیل - قرطم هندی	<i>Ipomoea hedracea Ja.</i>

۱۸۲۴ - نِیلوفر، نِیلوفر، نِیلوفر، نِیلوفر، نِیلوفر، کرنب الماء (سریانی)، عروس: معرب «نیلوپهل» هندی است و «نیل» به زبان هندی به معنای آب و پهل به معنای میوه است<sup>۱۳</sup> - نام‌های دیگر آن: سریانی: نیروفل - نام‌های دیگر آن: فارسی: بن لیلوفر، نیلوپرک - خُرپرسته - یونانی: نیمفا<sup>۱۴</sup> - عربی: کرنب الماء، خیری، وردالشمس، وردالمجوس، سارق الخاتم - دیسکورید: نیمفا<sup>۱۵</sup> - بنگالی: سیلا، کوهن، دانه آن به نام «حب العروس» است<sup>۱۶</sup>. نام بری آن را در مصر «عرایس النیل» گویند<sup>۱۷</sup>. اشبیلی<sup>۱۸</sup> می‌گوید: دارای انواع بسیار بستانی، بری و نهري است برخی با گل سفید، زرد، قرمز و آبی است. نوعی نیلوفر بری با گل زرد و نهري و معروف به ذهبی است نام‌های دیگر آن عبارتست از: نیمفا یعنی عروسة المجلیة، سفتک، بلاطر، بشنین، نیلوفر ذهبی، قاتل النحل، سارق الخاتم، التاجر، عروس، نام برگ: تَزَس الماء، مراوح الجن، بوقی، بَنَقور - نوع دیگر نیلوفر معروف به نیلوفر البرک است و نام‌های دیگر آن عبارتست از: نیلوفر القَمَری، ورد الانهار، نیلوفر المجوسی - نوع دیگر نیلوفر به صقلی و شمسی معروف است و به آن نیلوفر الصینی گویند<sup>۱۹</sup>.

نیمفا (Numphaia): لِنوفر - نوفر - عروس الماء - قاتل النحل (ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۱۹۷)

<i>Nymphaea lotus L.</i> <i>Nuphar luteum L.</i> <i>Nymphaea lutea L.</i> <i>Nymphaea alba L.</i>	نیلوفر	زر. - طب.
<i>Nymphaea lutea L.</i> زرد <i>Nuphar alba L.</i> سفید <i>Nymphaea coerulea L.</i> ازرق <i>Nymphaea alba L.</i>	نیمفا - لینوفر - نوفر - عروس الماء - قاتل النحل	دیسکورید
<i>Nymphaea sp.</i>	نیلوفر، نینوفر، بشنین	الموسوعه
<i>Nymphaea alba</i>	نیلوفر آبیض، بشنین آبیض، عرایس النيل، حشيشة السمك	الموسوعه
<i>Nymphaea coerulea L.</i>	نیلوفر ازرق، بشنین ازرق، کُزنب الماء	الموسوعه
<i>Nymphaea flava Leitner</i>	نیلوفر أصفر	الموسوعه
<i>Nymphaea lotus L.</i>	نیلوفر العروس، بشنین عربی، لوطس	الموسوعه
<i>Nymphaea indica</i>	نیلوفر هندی، اوسید	الموسوعه
<i>Nymphaea sp.</i>	نیلوفر	خطابی

## حرف «و»

۱۸۲۵ - وَج، وَج، وَج، وَج، وَج، عود الوج، وَج، قوث: نام های دیگر آن: الوج - یونانی: اقورون، اقارون - فارسی: اگیر ترکی، وَژ، وریژک، افریژ - هندی: بجه - رومی: اقیرون - سریانی: وَض - دارای سه نوع است نوعی هندی و دو نوع اندلسی و آن ریشه درخت «اقارون» است و گویند ریشه درخت «سوسن ازرق» است.<sup>۶</sup>

<i>Calamus aromaticus</i>	اگیر ترکی	پارسا
<i>Calamus asiaticus</i>	وج	پارسا
<i>Acorus calamus L.</i> <i>Acorus aromaticus Gilib.</i>	وج، قصب الذريرة، عرق اکور، عود وج، ائیکر	الموسوعه
<i>Ulmus minor Mill.</i> <i>Iris pseudacorus L.</i>	وج	طب. - خطا.
<i>Acorus calamus L.</i> <i>Iris pseudacorus L.</i>	وج	زریاب
<i>Acorus calamus L.</i>	<i>Hendia &amp; bengal: Bach - Bombay: Vaj - Telgu: Vadaja</i>	GLO.IN.

۱۸۲۶ - وَخشیزق، وَخشیزج: نام گیاه از نظر غافقی: حشيشة الخراسانية  
۱۸۲۷ - وَذع: نام های دیگر آن: هندی: کوری، کفرجک، کج - سجزی: دندان جانان

<i>Cypraea moneta L.</i>	ودع	زر. - طب.
--------------------------	-----	-----------

۱۸۲۸ - وَژد، ورد، ورد، ورد، وِرد، بزر الورد، حرحم (ورد احمر): نام های دیگر آن: رومی: انشوس - سریانی: وردا - دارای انواعی است: احمر، ابيض، اصفر، موجه، احمر المضاعف الكثير الوراق، ذو خمسة اوراق به نام طیار

بهترین نوع آنست که از گل فارسی گیرند. - دارای انواع مختلفی است: ورد احمر بستانی - ورد ابیض بری - نام ورد احمر بری: گل درخت دلیک - نام ورد احمر بستانی: گل سرخ  
 نام ورد اصفر بری: نسرین زرد بری - نام ورد اصفر بستانی: نسرین زرد بستانی - نام ورد الحماق: ورد العجار - فارسی: گل رعناى زیبا - شیرازی: گل قعجه - نام‌های ورد موجه: رومی: ططریوغنون - سریانی: ورد الصیاری - فارسی: گل روسیجه

قونُس باطُس (Kunosbatos): برگردان عربی آن «عَلِیقُ الْکَلْب» است زیرا «قانس» به یونانی یعنی «کلب» (سگ) و «باطس» یعنی «علیق» و اهالی مغرب به آن «نسرین» گویند و به «ورد بری» مشهور است و نام بربری آن «ادمام» و نام لاتینی آن «سنلتجی» است و جالینوس نام آن را در مقاله هفتم خود یادآور شده است. [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۹۶]  
 رُودَا (Rhoda): در بعضی از نسخه‌ها «جُودَا» گفته شده و آن نام - یونانی - «وُرد» یا همان «جُل» که ریشه واژه معرب شده آن فارسی است می باشد و به نوع سرخ آن «حَوَّجَم» و به نوع سفید آن «وَتیرا» گویند و جالینوس آن را در مقاله هشتم خود یادآور شده است. [این بيطار (در ترجمه دیسکورید) ۱ - ۱۰۱]

<i>Rosa sp.</i> <i>Rosa damascena L.</i>	نجل، ورد	الموسوعه
<i>Rosa sp.</i>	ورد	خطابی
<i>Rosa canina L.</i>	قونس باطس - ورد بری - نسرین	دیسکورید
<i>Rosa Tourn.</i> <i>Rosa gallica L.</i> <i>Rosa alba L.</i>	روذا حوجم - ورد احمر وتیر - ورد ابیض	دیسکورید
<i>Rosa centifolia L.</i> <i>Rosa damascena L.</i>	ورد	زریاب
<i>Rosa gallica</i> <i>Rosa damascena L.</i>	ورد	طباطبانی
<i>Rosa alba L.</i>	Hendia: Gulab - Bengal: Swet glub Bombay: Gul - Panjub: Gulseoti	GLO.IN.
<i>Rosa centifolia L.</i>	Hendia: Gulab - Bengal: Glub Phul Bombay: Gul - Telugu: Gulab	GLO.IN.
<i>Rosa damascena Mill.</i>	Hendia: Gulab Ūe phul - Bengal: Glub Phul Telugu: Gulab	GLO.IN.
<i>Rosa gallica L.</i>	Hendia & Bengal: Glub	GLO.IN.
<i>Rosa cinensis Jac. Syn: R. indica L.</i>	Bengal: Kat glub - Panjub: Sada gulab	GLO.IN.

### ۱۸۲۹ - ورد الحب:

<i>Ranunculus asiaticus L.</i>	ورد الحب	زر - طب.
--------------------------------	----------	----------

۱۸۳۰ - ورد الحمار، ورد الحمار، ورد الحمار: نام‌های دیگر آن: رازی: بهار - ابن ماسویه: ورد الفجار - گل قعجه [این

بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۳۵: به (فانایا و عود الصلیب) رجوع شود.]

<i>Nerium oleander L.</i>	ورد الحمار	طباطبانی
---------------------------	------------	----------

<i>Bupthalmum speciosissimum</i> Ard. <i>Telekia speciosissimum</i> DC.	رَندِ نَین، ورد الحمار	الموسوعه
<i>Paeonia officinalis</i> L. <i>Paeonia corallina</i> Ret. <i>Paeonia wittmanniana</i> Hart. <i>Althaea rosea</i> Cavan. <i>Anthemis arvensis</i> L.	ورد الحمار	زریاب

۱۸۳۱ - ورد الحمیر<sup>ع</sup>: عامه اندلس نوع نر آن را «فاونیا» گویند.<sup>ع</sup>

۱۸۳۲ - ورد الحمه<sup>ع</sup>: نوع گل سرخ آن «القون» است.<sup>ع</sup>

۱۸۳۳ - ورد منتن<sup>ع</sup>: نوعی عود الصلیب<sup>ع</sup>

۱۸۳۴ - وُزُس<sup>ع</sup>، ورس<sup>ع</sup>، ورس<sup>ع</sup>، ورس<sup>ع</sup>، ورس<sup>ع</sup>: نام های دیگر آن: بادره، ندی<sup>ع</sup> - سریانی: ورش<sup>ع</sup>، حص<sup>ع</sup>، قندیز<sup>ع</sup> - حجر البقر<sup>ع</sup> - ابن ماسویه<sup>ع</sup> می گوید: از شهرهای یمن آورده می شود و به رنگ سرخ سیر است، بر روی پوست گیاهی که در یمن می روید، پدیدار گشته گرد آوری می شود. همانند زعفران نرم و سائیده شده است.<sup>ع</sup>

<i>Flemmigia rhodocarpo</i> Bak. <i>Mallotus philippinensis</i> Mill. <i>Rottlera tinctoria</i> Rox. <i>Memecylon tinctoria</i> Wil. <i>Memecylon edule</i> Rox.	ورس	زریاب
<i>Reseda luteola</i> L.	ورث	پارسا
<i>Memecylon tinctorium</i> L.	ورس	الموسوعه

۱۸۳۵ - ورطوری<sup>ع</sup>، ورطوری<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: یونانی: سطاخیس<sup>ع</sup>

<i>Stachys germanica</i> L.	سطاquis جرمانی، قازة، وُزطوره	الموسوعه
<i>Stachys</i> sp.	سطاquis، سطاخیس	الموسوعه

۱۸۳۶ - وُشیج<sup>ع</sup>، وسیج<sup>ع</sup>: نام دیگر آن: فارسی: لیمودار<sup>ع</sup>

امونیاکن (Ammoniakon): اشق<sup>ع</sup> - وُشق<sup>ع</sup> - اُشیج<sup>ع</sup> - وُشیج<sup>ع</sup>: لاتینی: الغُته (Guta)، لُراق الذهب - نام مشترکی است. - [این یطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۲۷]

<i>Dorema ammoniacum</i> Don.	امونیاکن - اشق - وُشیج	دیسکورید
<i>Heliconia</i> sp.	وُشیج، هلیکونیا	الموسوعه

۱۸۳۷ - وُطم<sup>ع</sup>: نام ریشه به بربری: اُوطمو<sup>ع</sup>

۱۸۳۸ - وُلب<sup>ع</sup>، ولب<sup>ع</sup>: (نامی عربی) نوعی از بتوعات است.<sup>ع</sup> - نام های دیگر آن: یونانی: نابلس<sup>ع</sup>، بابلص<sup>ع</sup> - گروهی پنداشته اند نوع معروف «عریج بری» با نام یونانی «فلیس» است و «بقراط» نام آن را «بلیون» گذاشته و نام آن در بعضی از ترجمه ها «حلتیت» آمده است.<sup>ع</sup>

۱۸۳۹ - وقواق<sup>ع</sup>: (نامی هندی)



۱۸۴۰ - ونجهک: نام‌های دیگر آن: شریف ادریسی: بربری: عشبۀ قبری  
حرف «ه»

۱۸۴۱ - هازسَنکَهَار: (نامی هندی) هار به معنای گردن بندی از گل و سنکه‌هار زینت و آرایش را گویند.  
۱۸۴۲ - هاسیمونا، هاسیمونیا: (نامی نبطی)  
۱۸۴۳ - هال بوا، هال، هال، هیدبوا، هیل بوا، خیر بوا، خیر بوا، شمین، هال: نام‌های دیگر آن: خیر بوا - هیل بوا، هیل وهال - سریانی: شوشمانیا - هندی: شمشیر، شوقشمیر، هیل، شسمیرون - قاقلة صغیرة - قاقلة صغار

زر. - طب.	هال بوا	<i>Elettaria cardamomum</i> Whi. & Mat. <i>Amomun melegueta</i> Ros.
زریاب	هال صغیر، قاقلة صغیر، حَنَهان	<i>Elettaria cardamomum</i> Whi. & Mat.
الموسوع	هال، هیل، هیلوا، قاقلة، شوشمة، شوشمیر	<i>Amomun</i> sp.
طباطبانی	هال، هیل، هیلوا، قاقلة، شوشمة، شوشمیر	<i>Amomun granum-paradisi</i> L.

۱۸۴۴ - هُذیلة: (نامی اندلسی)  
۱۸۴۵ - هرائیه، هرنوه: نام‌های دیگر آن: فارسی: هُره، هرنوه - قرنوه - میوه درخت عود

الموسوع	هَرَنَوی، هَرَنَوَة	<i>Apera spica-venti</i> L.
---------	---------------------	-----------------------------

۱۸۴۶ - هُرطَمان، هرطمان: نوعی از حبوب - نام‌های دیگر آن: بطیقی، بلورا - شام: بهاسلوواکرا - شام و مصر: حشیش الدواب [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۷۹: به «قوتمان، رجوع شود]

زر. - طب.	هرطمان	<i>Avena sativa</i> L.
الموسوع	خَرطال زراعی، شوفان زراعی، قُرطَمان	<i>Avena sativa</i>

۱۸۴۷ - هرقلوس، هرقلوس، هرقلوس: نوعی هندباء بری - نام‌های دیگر آن: بقلة اليهودیه - خَس الحمار، (هرقلوه) بعضی گویند نوعی از سنجار و بقلة اليهودیه است، و شریف گوید قرصعنه است و آنچه مسلم است هرقلوه است. [ابن بیطار] می‌گوید: برخی آن را «بقلة اليهودیه» نامیده‌اند و بعضی آن را نامی برای «خَس الحمار» می‌دانند و آن نوعی «هندباء بری» است و بر خلاف پندار برخی از مترجمان از انواع «سنجار» نیست و آن را به یونانی «صَنخیس» و به بربری «تفاف» می‌نامند. "اسحاق بن عمران" می‌گوید: از آنجا که به شکل فلفل کوچک است به آن «فلیفلة» گویند.  
صَنخیس (Sonkhos): نوعی «هندباء بری» با برگ‌های خار دارست و به بربری به آن «هرقلوس» گویند و عوام آن را «خَس الحمار» نامند. "ابو عباس اشیلی" آن را «اسفناج» دانسته در صورتیکه صحیح نیست. [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۵]

زریاب	هرقلوس - خَس الحمار	<i>Taraxacum officinale</i> Wigg. <i>Lithospermum officinale</i> L.
دیسکورید	صَنخیس - هرقلوس - خَس الحمار	<i>Sonchus oleraceus</i> L. <i>Lithospermum officinale</i> L.

۱۸۴۸ - هرنوه، هرنوه، هرنوه: نام‌های دیگر آن: هندی: تَمَر - فاغرة الهندیه - شجرة العود - فلیفلة

<i>Capsicum minimum</i> Rox. <i>Aloexylon agallochum</i> Lour. <i>Vitex agnus castus</i> L.	هرنوه	زریاب
<i>Aloexylon agallochum</i> Lour.	هرنوه	خطابی

۱۸۴۹ - هَزَنُودَ: دانه ای است از «پاپل» کمتر، بویش بوی «عود» است.

۱۸۵۰ - هزارگشان: هزار چشان، هزار چشان، هزار چشان، هزار چشان: (نامی فارسی) به معنای ألف ذراع. - نام های دیگر آن: هزارچشان - رومی: کلیلوپین - به سریانی «الفشرا»، «فاشرا» و «فاشرستین» را گویند. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۷۹]

<i>Bryonia dioica</i> Jac. <i>Bryonia alba</i> L.	هزارگشان - هزارچشان	زریاب
<i>Tamus</i> sp.	فاشرشین، ششیدار، هزارچشان	الموسوعه
<i>Bryonia alba</i> L.	فاشرا - هزارچشان	پارسا
<i>Bryonia alba</i> L.	هزارچشان	طباطبائی

۱۸۵۱ - هشت دهان: هشت دهان: ریشه خيرو

<i>Althaea officinalis</i> L.	هشت دهان	زریاب
-------------------------------	----------	-------

۱۸۵۲ - هَلِیون، هَلِیون، هَلِیون، هَلِیون، هَلِیون (نامی رومی)، یرامع، بذر الهلیون، مارچوبه، مارچوبه: نام های دیگر آن: مارچوبه، مارچوبه، مارکیا - هلیوس - سریانی: اذوس - عربی: خشب الحیه - فارسی: مارچوبه - اهل مغرب و اندلس: اسفراج - فرنگی: سپارک - هندی: ناکرون - عجمی اندلس: أسفراغس - فاس: سکوم - هلیون دشتی: لسباراغوس، اسپاراغوس  
اسفاراغش بطراؤس (Asparagus petraios): به معنای صخری است و نام دیگر آن «هلیون» است و اهالی مغرب به آن «اسفراج» گویند. [این بیتار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۰۹]

<i>Asparagus officinalis</i> L.	هلیون	ز،خ،ط،E.
<i>Asparagus officinalis</i> L.	اسفاراغش بطراؤس - اسفراج - هلیون	دیسکورید
<i>Asparagus adscendens</i> Roub.	مارچوبه	پارسا
<i>Asparagus officinalis</i> L.	هلیون	پارسا
<i>Asparagus</i> sp.	هلیون، هلیون	الموسوعه
<i>Asparagus officinalis</i> L.	هلیون معروف، ضنبوس، یرمغ	الموسوعه

۱۸۵۳ - هِنْدَبَا، هِنْدَبَا، هِنْدَبَا، هِنْدَبَا، هِنْدَبَا، هِنْدَبَا، هِنْدَبَا، هِنْدَبَا، هِنْدَبَا، هِنْدَبَا (نامی عربی)، انطویا (کاسنی شامی): نام های دیگر آن: فارسی: کاسنی - رومی: بکریدیا، انطویا، انطویا، طرکسمی - سریانی: حدبی - فارسی: کسناج، ملک طلحه، گسنی، کشنی، کذی - عربی: خَس - یونانی: ققولس، فتحوریون - فاس: تیفلت، هِنْدَبَا بستانی: یونانی: اندیقا - نام نوع بری: طرحشقوق - فارسی: وتلخ - نوعی: خندریل - نام نوع شامی: انطویا - "دیسکورید"

می‌گوید: دارای دو نوع بری و بستانی است، نوع بری را «بقریس» و «قیخوریون» گویند. «حامد بن سمجون» می‌گوید: نوع بستانی خود دارای دو نوع است، نوعی را «امیرون» می‌نامیم و نوع دیگر با نام رومی «آنطویا» و معروف به «هندباء شامی» و «هندباء هاشمی» است و به عجمی «سراییه» نام دارد و پنداشته‌اند «طرخشقون» است. «غافقی» می‌گوید: «طرخشقون» نوع اول از انواع بری «هندباء» است و دو نوع دیگر آن با نام «یعضید» و نام یونانی «خندریلی» است.<sup>۲</sup>

سارس (Seris): نام‌های دیگر آن عبارتست از: هندباء البستانی - عامه اندلس به لاتینی: سرالیه (Sarralia)، انطویا (Intubos) [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۵ و ۱۱۶]

<i>Cichorium endivia L.</i> <i>Cichorium intybus L.</i>	هندباء	ز.، خ.، ط.
<i>Cichorium endivia L.</i> <i>Cichorium intybus L.</i>	هندباء	الموسوعه
<i>Cichorium endivia L.</i>	Bengal: Kassini - Bombay & Hendia: Kasini - Tamil: Kashini	GLO.IN.

۱۸۵۴ - هندبای بری، طلخشقون: نام‌های دیگر آن: طرخشقون - بقلة اليهود - طرخشقون - حواء البقر - خاروه - گاودر - فارسی: تالکن - هندی: کلی قیسوس، بهطل کطی - ابو معاذ «طرخشقون»، «امروسیا»، «مرار» را جزء «هندباء بری» می‌داند.  
خندریلی (Khondrile): هندباء بری - عجمیت اندلس: امیرون (Amarus) - لاتینی عامه: سرالیه الحمار - مصر: یعضید [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۶]

<i>Taraxacum officinale Will.</i>	طلخشقون	زریاب
<i>Chondrilla juncea L.</i>	خندریلی - هندباء بری	دیسکورید
<i>Chichorium intybus L.</i>	هندباء بریه، هندباء مَرَّة، شیکوریه	الموسوعه
<i>Chichorium intybus L.</i>	Hendia & Bengal: Kasni - Tamil: Kashni Telugu: Kasini	GLO.IN.

۱۸۵۵ - هوفاریقون، هیوفاریقون، هیوفاریقون، هیوفاریقون، هیوفاریقون، هیوفاریقون، افساریقون، اوفاریقون: معرب اوفاریقون یونانی - نام‌های دیگر آن: سریانی: فرما - فارسی: مرودشتی - داذی الرومی - هیوفاریقون، اندروسامن، قوریون، امامانیطس - داذی کوهی - گویند «هوفاریقون» لغت یونانی است. - در ماهیت آن اختلاف است گویند «داذی الرومی» است و گویند نام «زرشک» است و گویند «بزر الخشخاش الاسود» است و گویند میوه «عنب الحیه» است. - دمشقی آن را «مازریون» می‌داند.<sup>۳</sup>

اوفاریقون (Hyperikon): هیوفاریقون - نام گیاه در کتاب حنین: داذی الرومی - به عجمیت اندلس «یُرْبَه قَرَجیره» (Yerba corazonera) به معنای «عشبه القلب» است زیرا دارای دانه صوبری شکل مشابه قلب است و عامه بلاد ما به آن «مُشیبه» گویند. اسقیرن (Askuron): نوع دوم افاریقون. اندروسامن (Androsaimon): بزرگترین نوع هوفاریقون. قورس (Koris): نوع چهارم هوفاریقون - جالینوس: اندروساقس [ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۳ - ۱۴۹ و ۱۵۱ و ۱۵۲]

<i>Hypericum barbatum L.</i>	اوفاریقون، هیوفاریقون، داذی الرومی	دیسکورید
<i>Hypericum perforatum L.</i>	اسقیرن - نوع دوم افاریقون	دیسکورید
<i>Hypericum ciliatum L.</i>	اندروسامن بزرگترین نوع هوفاریقون	دیسکورید
<i>Hypericum coris L.</i>	قورس، نوع چهارم هوفاریقون، اندروساقس	دیسکورید

<i>Hypericum sp.</i>	داذی - هیوفاریقون - اُوفاریقون	الموسوعه
<i>Hypericum perforatum L.</i>	علف چای - هوفاریقون	پارسا
<i>Hypericum perforatum L.</i>	هوفاریقون	طبا. - خطا.

۱۸۵۶-ھوم: (نامی ترکی)

۱۸۵۷- هوم المَجوس؛ هوم المَجوس<sup>۱</sup>، هوم المَجوس<sup>۲</sup> (نامی عربی)، مرانیه<sup>۳</sup>: نام‌های دیگر آن: هوم الهرایده<sup>۴</sup> - مرآتیا<sup>۵</sup>؟ - سفدی: خوم<sup>۶</sup> - سریانی: عززاد مغوشی<sup>۷</sup> - آفتاب پرست<sup>۸</sup> - هویغون<sup>۹</sup>

گویند درختی است که در حوالی فارس می‌روید مانند درخت «یاسمین» و مجوس ویرا در وقت زمزمه استعمال می‌کنند و شکوفه آن به «مشکلر امشیع» مانند<sup>۱۰</sup>.

<i>Morettia conescens</i> Bois.	هوم المجوس	زرياب
<i>Ephedra vulgaris</i> Rich.		

۱۸۵۸ - هَيْشَر، هَيْشَر، هَيْشَر: (نامی عربی) نام دیگر آن: کنکر بری

<i>Cynara cardunculus</i> L. <i>Cynara syriacus</i> Gaer.	هيشر	زرياب
<i>Cynara</i> sp. <i>Cynara syriacus</i> Gaer.	هيشر، خرشيف، قردون	الموسوعه

۱۸۵۹ - هیوسفطیداس<sup>۵</sup>، هوسفطیداس<sup>۶</sup>، هیوُستیداس<sup>۷</sup>: نام دیگر آن: عصى الراعى<sup>۸</sup> - برخی پنداشته‌اند نام عصاره «لحیه التیس» است.<sup>۹</sup> - نام عصاره «طرائیث» است و گویند نام خود «طرائیث» است.<sup>۱۰</sup>

<i>Cytisus hypocistis</i> L. <i>Cynara syriacus</i> Gaer.	هرفسطيلداس	طبيا. - خطا.
--	------------	--------------

## حرف «ی»

۱۸۶۰- یاسمین، یاسمین، یاسمین، یاسمین، یاسمین، سِجَلَّاط، سِجَلَّاط، نام‌های دیگر آن: یاسمون، سجلات - شیرازی: گل هاشم، گل یاسم - هندی: چنپیلی - سموق - سِجَلَّات

<i>Jasminum officinale</i> L.	ياسمين	پارسا
<i>Jasminum</i> sp.	ياسمون، ياسمين	الموسوعه
<i>Jasminum officinale</i> L.	ياسمين أبيض، ياسمين مخزني، ياسمين معروف ياسمين	الموسوعه
<i>Jasminum officinale</i> L. <i>Jasminum sambac</i> Ait.	ياسمين	زرياب
<i>Jasminum gradiflorum</i> officinal	ياسمين	خطابی

۱۸۶۱ - یَبْرُوح الصَّنَم، یَبْرُوح، یَبْرُوح، یَبْرُوح، یَبْرُوح، تَفَاح الجن، مَدَغُورَه، مَدَغُورَه: ریشه لفاح بری است<sup>۱</sup> - نام‌های دیگر آن: مهرگیاه، سککن<sup>۲</sup> - یَبْرُوح = مَدَغُورَه «تَفَاح الجن» نام «لَفَاح» یا نام میوه «یَبْرُوح» است.<sup>۳</sup> - این گیاه را بخاطر شباهتش به گیاه «خس» «خسی» گویند و نزد عوام به «لَفَاح» مشهور است و ریشه آن «یَبْرُوح» و میوه‌اش «لَفَاح» نام دارد.<sup>۴</sup> نام‌های دیگر آن: سریانی: یَبْرُوحی<sup>۵</sup> - فارسی: ساییزک<sup>۶</sup> - یونانی: افطیمس<sup>۷</sup>، موقولن<sup>۸</sup>، درقیانا<sup>۹</sup> - نوع نر آن: موریون<sup>۱۰</sup> به ریشه لفاح «یمرو» گویند و به معنای «دارای دو صورت» است زیرا هنگامی که ریشه به دو نیمه می‌شود دو صورت مشابه صورت زن و مرد در آن آشکار می‌شود، «یم» به معنای هر چیز زوج و «رو» به معنای صورت است.<sup>۱۱</sup> - نام ریشه یَبْرُوح را «مَدَاغُورَس» گویند.<sup>۱۲</sup> دو نوع است: یک نوع «بیخ لفاح» خوانند و یکی «یَبْرُوح الصنم» گویند و آن بیخ «لفاح بری» است و مؤلف گوید در حدود گرمسیر شیراز نزدیک قلعه شهریار می‌باشد.<sup>۱۳</sup> «یَبْرُوح» دو جنس است، هندی و نبطی، هندی را «یَبْرُوح الصنم» گویند و نبطی را «اصل السرح».<sup>۱۴</sup> «یَبْرُوح» دارای دو نوع است نوعی ماده بارنگ سیاه معروف به «خسی» زیرا برگ‌های مشابه گیاه «خس» (کاهو) دارد... نام آن «لَفَاح» است. نوع دیگر معروف به نر و سفید رنگ با نام «موریون» است.<sup>۱۵</sup> [این ببطار (در ترجمه دیسکورید) ۴ - ۶۹: به «لَفَاح» رجوع شود.]

دیسکورید	یَبْرُوح مخزنی	<i>Mandragora officinarum</i> L.
پارسا	مهرگیاه - یَبْرُوح الصنم	<i>Mandragora officinarum</i> = <i>Atropa mandragora</i>
ط...خ... EN	یَبْرُوح	<i>Mandragora officinarum</i> L.

#### ۱۸۶۲ - یَبْرِیْقَه:

۱۸۶۳ - یَتَوَع، یَتَوَع، یَتَوَع، یَتَوَع، یَتَوَع: نام‌های دیگر آن: رومی: توتاملون<sup>۱</sup> - فارسی: اسفیدکشیر<sup>۲</sup> - یونانی: خارقیاس<sup>۳</sup> - انثی: مرسلطس<sup>۴</sup> (به معنای مشابه اس) اسم جنس گیاهان شیربه دار است.<sup>۵</sup> - دارای انواعی است: نام نوعی: نواصیر<sup>۶</sup> - نام نوعی: جوری<sup>۷</sup> - نام نوعی: مشمش<sup>۸</sup> (یعنی دایر با شمس) نام نوعی: سروی<sup>۹</sup> نام نوعی به یونانی: فودیاسایس<sup>۱۰</sup> - نوعی: پارلیوس<sup>۱۱</sup> چنین گفتند که هفت گونه است و او «مازریون» است و «عُشَر» و «دیودار» و «لاغیه» و «شَبْرَم» و «شیرانجیر» و «تبراق نبطی» و ذکر «ماه‌ودانه» گویند نام دیگر آن «ینبوع» است و این نامگذاری مناسبی است زیرا هنگامی که شاخه‌ای از آن قطع می‌شود شیرابه‌ای از آن خارج می‌شود «تَبَعُ مِنْهَا لَبَن».<sup>۱۲</sup>

ز...ط...خ... E.	یتوع	<i>Euphorbia</i> sp.
زریاب	خارقیاس	<i>Euphorbia sibthorpii</i> Boiss.
زریاب	مرسلطس	<i>Euphorbia myrsinites</i> L.
زریاب	سروی و قوفارسیاس	<i>Euphorbia paralias</i> L.
زریاب	ایلقونیوس	<i>Euphorbia helioscopia</i> L.
الموسوعه	فریبون، یَتَوَع، تاکوت، عُشْجَد	<i>Euphorbia</i> sp.

۱۸۶۴ - یَبْرُطُورَه، یَبْرُطُورَه: (نامی لاتینی) از انواع «کلخ» و از جنس «هدبات» و دارای گل آذین چتر است.<sup>۱</sup> نام دیگر آن «کلخ الصغیر»<sup>۲</sup> و به یونانی فوقادان<sup>۳</sup> است.

خطابی	یَبْرُطُورَه	<i>Peucedanum ammoniacum</i>
-------	--------------	------------------------------

۱۸۶۵ - یربه شانه<sup>۱</sup>: نامی به عجمی اندلسی به معنای «عُشْبَة الصَّحِیْحَة»<sup>۲</sup>

۱۸۶۶ - یَمْعِیْد، یَمْعِیْد، یَمْعِیْد، طرخشوق<sup>۳</sup>: نوعی جنبه و قسمی هندباء بری نام‌های دیگر آن: یونانی: خندریلی<sup>۴</sup> امیرون -

طرخشقون - بلحشکوک - لخنس - شَرّالیه اَشْنَش - یعضید<sup>ش</sup>

[ابن بیطار (در ترجمه دیسکورید) ۲ - ۱۱۷: به «هندباء» رجوع شود.]

<i>Chondrilla juncea L.</i>	یعضید	زریاب
<i>Leontodon sp.</i>	یعضیض، یعضید	الموسوعه

۱۸۶۷ -- یَنْبوت<sup>۱</sup>، ینبوت<sup>۲</sup>، ینبوت<sup>۳</sup>، شوکه<sup>۴</sup> شهباء<sup>۵</sup>، ینبوت<sup>۶</sup>، ینبوت<sup>۷</sup>:

نام «خرنوب نبطی» است.<sup>۸</sup> - نام های دیگر آن: شجر الخرنوب<sup>۹</sup> - فارسی: زنگورج<sup>۱۰</sup> - اهالی شام: خرنوب المعزی<sup>۱۱</sup> - دانه: حب الکلی<sup>۱۲</sup> "ابو حنیفه" می گوید: دارای دو نوع است، نوعی با خارهای کوچک به نام «خرنوب نبطی» - میوه آن را «فَش» گویند.<sup>۱۳</sup> "غسانی" می گوید: این نام به دو گیاه مختلف گفته می شود یکی از این دو بزرگ و دیگری کوچک است در مورد ماهیت نوع بزرگ اختلاف است برخی آن را «سرو» و بعضی «خروب العریض» و برخی «شجر الارز» می دانند و همگی اشتباه است... در مورد نوع کوچک نیز اختلاف نظر است برخی آن را «عوسج» و بعضی «شوک القتاد» و عده ای «خروب النبطی» و همچنین اسامی دیگری ذکر کرده اند.<sup>۱۴</sup>

<i>Anagyris foetida</i>	ینبوت تن، أناغورس طَبی، خروب الخنزیر، جَرود	الموسوعه
<i>Anagyris foetida</i>	ینبوت	خطابی
<i>Inula viscosa</i> <i>Ceratonia silique L.</i> <i>Anagyris foetida L.</i>	ینبوت	زریاب
<i>Anagyris sp.</i>	ینبوت، أناغورس	الموسوعه
<i>Anagyris sp.</i>	ینبوت	EN.



## **فصل دوم**

### **واژگان و نام های کهن در شناخت نام علمی گیاهان داروئی**

۱ - تعیین نام علمی گیاهان با استفاده از منشاء نام های کهن یونانی

۲ - برگردان عربی نام های لاتینی گیاهان در قرن هفتم به توسط ابن بیطار



## واژگان و نام های کهن در شناخت نام های علمی گیاهان داروئی

نام گیاهان داروئی متون قدیم مجموعه ای است از فرهنگ ها و زبان ها و گاه برگردان های چند باره یک نام به نام ها و زبان های دیگر است و با کمک زبان اصلی این متون ، می توان هویت گیاهان کهن را تا حدی شناسائی و نام معادل علمی دقیق تری را برای آن ها پیشنهاد نمود.

در فصل پیش زبان های لاتینی ، رومی، یونانی و عربی را به عنوان زبان های اصلی و تعیین کننده نام بردیم در این فصل نام های علمی دارای ریشه لاتینی و همچنین برگردان نام های لاتینی به عربی را جهت شناخت گیاهان بویژه رفع برخی ابهامات نام آن ها یاد آور می شویم.

### ۱ - نام علمی گیاهان برگرفته از نام لاتینی قدیم آن ها

تشابه نام علمی گیاهان با نام داروئی قدیم آنها - با تلفظ صحیح - احیاناً پایه نامگذاری جنس یا گونه گیاهان قرار گرفته است. تاریخ نامگذاری علمی - جنس و گونه - غالباً در زمان لینه صورت گرفت، برخی از نام های جنس و تیره و گونه نیز کم و بیش ارتباط با نام گیاهان در متون داروئی قدیم بویژه کتب یونانی که منشأ اسامی نام های عربی نیز هست می باشد نام های مشهور دارای ریشه لاتینی معمولاً معبر نام غیر علمی گیاهان و نام علمی آن است و با گذشت زمان کم و بیش در متون علمی نیز وارد شده اند.

با توجه و استفاده از نام های مشابه می توان تا حدی نام های علمی برخی از گیاهان داروئی موجود در متون قدیم را معلوم نمود.

برای نیل به این هدف لازم است ابتدا چگونگی تلفظ لغات یونانی و لاتینی و برگردان آن به عربی را بدانیم که در جداول زیر به این موضوع اشاره شده است.

در آغاز این فصل ابتدا فهرستی از نام های کهن گیاهان که ریشه یونانی دارند را خواهیم دید. سپس فهرستی از برگردان نام های یونانی به عربی یا معرب شده آن ها را مشاهده می کنیم . هر دو مورد فوق می تواند ما را در تعیین نام علمی گیاهان یاری دهد.

## ۱ - تعیین نام علمی گیاهان با استفاده از منشاء نام های کهن یونانی

### ۱-۱ - نگاهی به ریشه یونانی نام های علمی کنونی

نام گیاهان داروئی در متون قدیم مجموعه ای از فرهنگ ها، زبان ها و گاه نیز برگردان چند باره آن ها از یک نام به نام و یا از یک زبان به زبان دیگر است. شناخت زبان اصلی این متون ، هویت و نام گیاهان کهن را تا حدی شناخت و تعیین نام معادل علمی آن ها مؤثر باشد. چنانچه در فصل پیش نیز برخی از زبان های را مانند: لاتینی ، رومی، یونانی و عربی را به عنوان زبان های اصلی نام بردیم، در این فصل نیز نام های علمی دارای ریشه لاتینی و برگردان نام های لاتینی به عربی را برای شناخت نام کهن گیاهان داروئی یاد آور می شویم.

وجود تشابه نام علمی گیاهان با نام قدیمی آن ها [ با تلفظ صحیح ] احياناً همان منشاء نام جنس یا گونه آن ها است. با آنکه تاریخ نامگذاری علمی جنس و گونه به زمان لینه مربوط می شود، نام برخی از جنس ها ، تیره ها و گونه های امروزی با نام کهن آن ها در متون قدیمی بویژه در کتب یونانی ارتباط نزدیک دارد.

نام های مشهور با منشاء لاتینی و یونانی معمولاً معبر نام علمی و نام های دیگر معرب شده آن هاست. رعایت دقت در نام های مشابه تا حدی نام علمی برخی از گیاهان متون قدیم را معلوم می نماید.

### ۲-۱ - نگارش و آوانویسی درست حروف یونانی به لاتینی و عربی

تلفظ و نگارش درست حروف و کلمات در زبان یونانی و لاتینی و برگردان آن به عربی، فارسی، سریانی، بربری در یافتن نام های علمی گیاهان قدیم مورد توصیه ماست که در زیر بصورت جدول به تلفظ حروف در زبان های فوق اشاره شده است.

### الف - نگارش حروف یونانی به حروف عربی، فارسی، سریانی، بربری:

ه - ' -	ب - b	ج - ğ	ح - h	خ - h
د - d	ذ - d	ر - r	ز - z	س - s
ش - Š	ص - Š	ط - ṭ	ع - ' -	غ - g
ف - f	ق - q	ک - k	ل - l	م - m
ن - n	ه - h	و - w	ی - y	

## ب- نگارش حروف یونانی به حروف لاتینی:

نگارش حروف یونانی		نگارش حروف لاتینی	نام در لاتینی	نام در عربی	
A	α	A	Alpa	الفا	۱
B	β	B	Beta	بیتا	۲
Γ	γ	G	Gama	قما	۳
Δ	δ	D	Delta	دلتا	۴
E	ε	E (courte)	Epsilon	اپسلون	۵
Z	ζ	Z	Dzeta	دزیتا	۶
H	η	E(longue)	Eta	ایتا	۷
Θ	θ	TH	Theta	ثیتا	۸
I	ι	I	Iota	یوتا	۹
K	κ	K	Kappa	کپا	۱۰
Λ	λ	L	Lambda	لمدا	۱۱
M	μ	M	Mu	مو	۱۲
N	ν	N	Nu	نو	۱۳
Ξ	ξ	X	Ksi	کسی	۱۴
O	ο	O(courte)	Omicron	اومکرون	۱۵
Π	π	P	Pi	پی	۱۶
P	ρ	R	Rho	رو	۱۷
Σ	ςσ	S	Sigma	سیقما	۱۸
T	τ	T	Tau	تو	۱۹
Υ	υ	Y	Upsilon	اوپسلون	۲۰
Φ	φ	PH	Phi	فی	۲۱
X	χ	KH	Khi	خی	۲۲
Ψ	ψ	PS	Psi	پسی	۲۳
Ω	Ω	O(longue)	Omega	اومفا	۲۴

## ج - معرّب حروف لاتینی حسب کتاب ابن بیطار:

حرف لاتینی	معادل حرف عربی	مثال هائی از کتاب ابن بیطار
A	آ - ا	Akoron آقورون - Asarum اسارون
B	ب	Balaustion بالاسطیون
C		
D	د ذ	Drabe درابی Hudropeperi اودروباباری
E	-	-
F	-	-
G	غ ج	Lagopun لاغوبن - Glukurrisa غلوکیریزا Gentiane جنطیانا
H	ا	Helxine القسینی - Helitropion ایلوطروپیون
I	ای	Iris ایریس
J	-	-
K	ک	Kardamomon قرادامومن
L	ل	Linospermon لئس برمون
M	م	Meon مینون
N	ن	Nardos ناردس
O	او	Akoron
P	ب - ف	کیارس (kuperus) - Polugonon بلوغونن - Peperi باباری Polugonaton فلوغوناظن
Q	-	-
R	ر	Bruon بریون
S	ص - س - ش	Aspalathos اصبالاتوس Tribolos طروبیلش
T	ط	Kostos قسطس
U	او	
V	-	-
W	-	-
Y	-	-
Z	ز	Zingiberi زنگباری
Ph	ف	Sampharitike سنفاریطیقی
Kh	خ	Skhoinos سخنیوس
Th	ث	La pathon لاباثون

### ۳-۱ - فهرست نام های علمی دارای منشاء نام های کهن یونانی

نام های جداول زیر برای آسانی تطبیق نام علمی با نام داروئی کهن و دارای ریشه یونانی انتخاب شده است. منابع مورد استفاده این نام ها عبارتند از:

- ۱ - کتاب دیسکورید (اول میلادی) - حاوی نام های لاتینی بسیاری از گیاهان داروئی قدیم
- ۲ - "شرح دیسکوریدوس" ابن بیطار (۶۴۶ هـ - ق / ۱۲۴۸ م) - فرهنگی معتبر و غنی با واژگان عربی و لاتینی برای تطبیق نام های لاتین به عربی
- ۳ - ترجمه کتاب دیسکورید به زبان انگلیسی حاوی تصحیح و تطبیق نام لاتینی به نام علمی به توسط R. T. GUNTHER (۱۹۳۴ میلادی) - از ویژگی های این ترجمه که در واقع افراد دیگری نیز با او همراهی کرده اند توجه مترجمین آن به تصاویر کتاب دیسکورید است که از نظر واقعیت یا خیالی بودن تصاویر ارزیابی شده است.
- ۴ - تحقیق ابراهیم بن مراد بر تفسیر کتاب دیسکورید ابن بیطار که در آن نام علمی مناسب برای هر گیاه ذکر شده است.

#### راهنمای جداول:

نام های ستون اول مربوط به نام های لاتینی گیاهان کتاب دیسکورید است که به توسط ابن بیطار معرب یا عربی شده است.

- در ستون دوم نام های علمی پیشنهادی ابراهیم بن مراد است .
- در ستون سوم نام های دارای منشاء عربی از ابن بیطار است.
- در ستون چهارم نام های غیر مشهور به منشاء غربی و غیر عربی از ابن بیطار است.

نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
کیبارس یا قیفارس kuperos	Cyperus longus L.	سعد	
آفُورُون Akoron	Acorus calamus L.	وَجْ - زهره	
ایریس Iris	Iris florentina L.	سوسن آسمانجونی	فوس و فزح
قرادامومن Kardamomon	Eletteria Cardamomum sp. White & Mat.	کرویا جبلیه - قرنباک - قرنفاک	قردامانا
مینون Meon	Meum athamanticum J.	مَر	
ناردس Nardos	Nardostaachys jatamansi D.C.	سنبل هندی	ناردین
اسارون Asaron	Asarum europaeum L		
کسیا Kassias	Cinnamomum cassia BL.	سلیخه	
قَنَا مومن Kinnamomon	Cinnamomum zeilanicum Nees.	دارصینی	
آمومن Amomon	Amomum racemosum Lam.	حماما	
کُسطُس Kostos	Costus speciosus Sm.	کُسط - کُشت	
سُخینوس Skhoinos	Andropogon schoentus L.	آذخر - تبن مکه	
فلامس اروماتیکس Kalamos aromatikos	Acorus calamus L.	قصب الذریره - قلماس - قمحه	
کُروکُس Krokos	Crocus sativus L.	زعفران - کُرکُم - جادی	جساد - ربهقان
آنیون Helenion	Inula helenium L.	جناح - راسن - زنجبیل شامی	عنطوز (ترکی)
شطی رکس Sturax	Styrax officinalis L.	أصطُرک - عسل اللبني - لبني رهبان - میعه	شطرا (سربانی) عسل رومان
بیطس - بنطس Pitus	Pinus pinea L.	تنوب	صمغ آن: قُلُوثُیا
قوفی یا فوقی Peuke	Picea excelsa Link.	شجر الأرز	نوعی از تنوب است به معنای دخته
قافارسیس Kuparissos	Cupressus sempervirens L.	شجر السرو	
قادرُس Kedros	Cedrus libani Barrel .	شجر الشربین	
أفلاطینُس Platanos	Platanus orientalis L.	شجر الدب - صنار - چنار	
فافورُس Papuros	Cyperus papyrus Trin.	فافیر - بردی	
أریقی Ereike	Erica arborea L.	شجر الخَلنج (مغرب)	از انواع أسحل
ألیمون Halimon	Atriplex halimus L.	ملوخ - قَطَف بحری - ملیخ	
فالیورُس Paliuros	Paliurus aculeatus Lam.	سدر - شجره القَناب؟ - فالیورون	دو نوع: غثری و ظما

نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام مغرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
زعرور الادویه (اندلس)	<i>Crataegus oxyacantha</i> L.	قسیا آفتش <b>Oxuakantha</b>	به معنای شوک الحاد - جتیرئول (لاتینی) - تاغفرزت (بربری)
شجره المحلب ؟ - شجره القتم	<i>Phillyrea latifolia</i> L.	فیلورا <b>Philura</b>	دانه آن : زُنج ؟
شقاوص (اندلس) - وردالجبللی (مغرب) - وردالفحصی	<i>Cistus ladanifolius</i> L. <i>C. villosus</i> L. <i>C. hypocistis</i> L.	قستوس <b>Kisthos</b>	دارای سه نوع است : دو نوع آن لحیه التیس نام دارد و نام نوع سوم آن از لاذن گرفته شده و به نامهای اُسْتَب ، حطب الفتح ، شجر اللاذن و ارتقش (لاتینی به معنای کثیر المعصی) است .
أبنوس	<i>Ebenus</i> L.	آبائوس <b>Ebenos</b>	
ورد	<i>Rosa Tourn .</i> <i>R. gallica</i> L. <i>R. alba</i> L.	رودا <b>Rhoda</b>	قرمز آن : حوچم سفید آن : و تیر جل (فارسی)
عصاره القَرْظ - خَرْوَب السِنط - شوکه المصریه	<i>Acacia arabica</i> Willd.	اکاکیا <b>Akakia</b>	بری آن : اُم غیلان صمغ صمغ العربی
شجره ابراهیم - شجره مطهره - کَفَّ الجذماء - نام دانه آن : حب القَد - مصر : شجره مریم	<i>Vitex agnus castus</i> L.	اُغنس <b>Agnos</b>	به معنای طاهر - سریانی : ایلاقدیشا - هندی : سرساد و شَمِیثا - بربری : و تماروف اندلس : شجره القُلُل و قُلُل الصقالیه
سَمَق - تتم	<i>Rhus coriaria</i> L.	رُوس یا اطا اویسا <b>Rhus Epi ta opsa</b>	سریانی : سَمَاقیل - عربی : عربرب
نخل	<i>Phoenix dactylifera</i> L.	فَئیکس - دَقَسِطس <b>Phoinix</b>	
	<i>Prunus cerasia</i> Br.	قاراسیا <b>Kerasia</b>	
تَفَاح	<i>Pyrus malus</i> L.	میلأس <b>Meleas</b>	
سَفَرجل	<i>Cydonia vulgaris</i> Pers.	قودُونیا میلا <b>Kudonia mela</b>	
خَوْخ	<i>Prunus persica</i> Sieb.	پرسیکا <b>Persika mela</b>	
شمش - تفاح الارمنی	<i>Prunus armenica</i> L.	اَرْمَانِیَا <b>Armeenika mela</b>	
اُتْرَج - تفاح المامی	<i>Citrus medica</i> Ris. var. <i>cerata</i>	میدیقا میلا <b>Medika mela</b>	عربی : مَنک

نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
أخراس Akhras	<i>Pyrus communis</i> var. <i>akhras</i>	کُمثری البری	اندلس : برجون
أَمْقَدَال بَیْفَرَا Amugdala pikra	<i>Prunus amygdalus</i> var. <i>amara</i> Fock.	لوزالمر	
أَمْقَدَال غُلُوقِیَا Amugdala ukeia	<i>Prunus amygdalus</i> Stock.	لوزالحلو	
بِسْطَانِیَا Pistakia	<i>Pistacia vera</i> L.	فُسْتَقُ	صمغ : علك الانباط
مورا Morea	<i>Morus alba</i> L.	توت - قَرَصَاد	رب آن : دیامیرون
سِقَمُورِی Sukomoron	<i>Ficus sycomorus</i> L.	تین الاحمق - جَمِیز	
طِراغِیس Tragos	<i>Gymnorithon ragus</i> L.	ستلت	
أُورِیزَا Oruza	<i>oryza sativa</i> L.	أرز	
سِیسامِن Sesamon	<i>Sesamum indicum</i> L.	سَمَسَم - جَلْجَلان	روغن : حَلْ - سَبِیج
تَرْمِیْ اِیمَارُوس - تَرْمَس Thermos hemeros	<i>Lupinus termis</i> Forsk.	بَسَلَه (یعنی تلخ و بد مزه)	
رَافانوس Raphanis	<i>Rhaphanus sativus</i> L.	فُجَل	
سِیسارون؟ Sisaron	<i>Sium sisarum</i> L.		
بَلِیْطِی Bliton	<i>Amarantus blitum</i> L.	بقله الیمانیه	یربوز (مغرب) - جربوز (شام) - کَنَج - مَدَح - قسطانیقی (سواد)
أَسْفَارَاغِش بِطْرَاوُس Petraios Asparagos	<i>Asparagus officinalis</i> L.	هَلِیون	أَسْفَرَاخ (مغرب)
سِین Sion	<i>Sium latifolium</i> L.	قُرَه العین	کرفس الماء
قَرْتَمِن Krethemon	<i>Crithmum maritimum</i> L.	قَرْن الأَثِیْل (اندلس)	زَبَل النواتیه (آفریقا)
قُورُونَفَس Koronopus	<i>Plantago coronopus</i> L.	رِجَل القُرَاب - رِجَل الزِواغ	
صَنَخِیس Sonkhos	<i>Sonchus oleraceus</i> L.	هَنْدَبَاء البری - خَس الحمار	
خَنْدَرِیْلِی Khondrile	<i>Chondrilla juncea</i> L.	هَنْدَبَاء البری - یَعْضِید (مصر)	أَمِیرون (اندلس) شِرا لیه الحمار (لاتینی)
جَنْجِیدِیون Gingidion	<i>Daucus gingidion</i> L.		نوعی از جزر بری
سَقَنْدِیْکَس Skandix	<i>Scandix pecten veneris</i> L.		سَقَنْدِیْکَس
قَوَالِیس Kaukalis	<i>Caucalis maritima</i> L.	أَبْرَه الراعی - أَمْشَاط العجوز	تَامَشْطُت (بربری) أَنْجَالَه (لاتینی)
أَفِیمِن Okimon	<i>Ocimum basilicum</i> L.	بَادُورُج - حوک	گفته شده به فارسی بستان افروز است ؟
اورُوبَنْخِی Orobankhe	<i>Orobanche caryophyllacea</i> Sm.	طرائث - خائق الکرسَه	هالوک (مصر) - جَعْفِیل - اورُونَاکْ جِی



نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مزاد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
طرا راغوبوغن <b>Tragopogon</b>	<i>Tragopogon orientalis</i> L.	؟	
میدیکی <b>Medike</b>	<i>Medicago sativa</i> L.	رطبه - فصصه قَصَب (عربی) خشک : قَتَّ	یزبه موله (اندلس) - به معنای عشبہ البغله - فارسی : اَسْفَسْت
انبافراسن <b>Ampeloprason</b>	<i>Allium ampeloprasum</i> L.	کراث الکرمی - کراث بری	
سمیلکس - لوبیا <b>Samilax kepaia</b>	<i>Dolichos lubia</i> Forsk	لوبیا	دُجَر - ناعرا
شقرذین براسنو <b>Skordoprason</b>	<i>Allium scordoprasum</i> L.	ثوم کرائی - ثوم البستانی	
تلسفی <b>Thalaspi</b>		نوعی از حرف	اشیرون (اندلس)
دارابی <b>Drabe</b>	<i>Lepidium draba</i> L.	حرف المشرقی	أحرار (صقالبه)؟
باباری <b>Peperi</b>	<i>Piper aromaticum</i> Lamk. <i>Piper nigrum</i> L.	قُلُل	
اودروباباری <b>Hudropeperi</b>	<i>Polygonum hydropiper</i> L.	قُلُل الماء	
بطرمیقی <b>Ptarmike</b>	<i>Achillea ptarmica</i> L.		به معنای معطس بر گرفته از بطرموس به معنای بسیار عطسه کننده
فقلامینوس <b>Kuklaminos</b>	<i>Cyclamen europaeum</i> L.	بخور مریم - رکف	عُرطشا - خُیْر القُرود (آفریقا)
دراکنتیون <b>Drakontion</b>	<i>Arum dracunculus</i> L.	لوف الجعد - فیلجوش	به معنای لوف الحیه است - صاره (مغرب) ( - صراخه (اندلس) - غَرْغِیْته (لاتینی)
أارن <b>Aron</b>	<i>Arum vulgare</i>	لوف السبط	صاره - ایرنی
أاریصارن <b>Arisaron</b>	<i>Arum arisarum</i> L.	لوف	از انواع سه گانه لوف دُرْبَرَه
سکیلا <b>Skilla</b>	<i>Scilla maritima</i> L.	اشقیل - غنصل - غنصلان	بصل الفار - بصل الفار بصل الخنزیر (مغرب) أُکْغیل (بربری)
بنقراتیون <b>Pankration</b>	<i>Pannkratium maritimum</i> L.		نوعی از بصل المنصل
قبارس <b>Kapparis</b>	<i>Capparis spinosa</i> L.	کبر - میوه : شفلح	اصف (چیزهائی که در ریشه آن )
لیبیدیون <b>Lepidion</b>	<i>Lepidium sativum</i> L.	عشبہ السلطان (مصر)	صلص
آنامونی <b>Anemone</b>	<i>Anemone coronaria</i> L.	شقائق النعمان - شقر	أرجامونی (جالیئوس)

نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
خالدونیون طوماغا Khelidonion to maga	Chelidonium majus L.		طوماغا به معنای بزرگ - به معنای دواء الخطاطیف است .
بنتوقس أوطا Muos ota	Myosotis palustris Lam	آذان الفارالرومی	عين الهدد و باذرود (آفریقا)
أساطیس Isatis	Isatis titictoria L.	نیل - نیلج	طین الاخضر - عین الاخضر
جنطیانا Gentiane	Gentiana lutea L.	دواء الحیه - کوشاد	بشَلْشَکَ (لاتینی)
أرسطولوخیا Aristolokheia	Aristolochia Sp.	زراوند	دارای سه نوع است . مُسْمَعَار و مُسْمَقُور و مسمقران (بربری) بَرَسْتَم (افریقا)
غلوقرریزا Glukurrisa	Glycyrriza glabra L.	عودالسوس - مَنک	عصاره آن به لاتینی مُتَدِلَّه به معنای پاک کننده سینه است .
قَنطُوریون طوماغا Kentaureion to mega	Centaurea centaurium L.	قَنطُوریون الکبیر	
دِیساقوس Dipsakos	Dipsacus fullonum L.	شوک الدَّرَاجین - مَشْط الراعی	به معنای عطشان است .
سقولومس Skolumos	Scolymus hispanicus L.	حَرْشَف البری	لَصَف (اندلس)
بطریون Potirrion	Astragalus poterium L.	؟	
آنونش Anonis	Anonis antiquorum L.	زریعه الابلیس (مغرب)	مرر (مصر)
طراغاتنا Tragkantha	Astragallus tragacantha L.	شوک القَتَاد	صمغ کثیرا
أیرنجی Erunge	Eryngium campestre L.	فَرَصَعَنَه (مربانی) - شوکه الزرقا شوکه السوداء - شوکه اليهودیه	جَنَتْ قَابِظَه - به لاتینی : بیراطه به معنای شوک المَقْلَقَل
ألوی Aloe	Aloe vera L.	شجره الصبر	صباره - صابره
أوبشثنی Apsinthion	Artemisia absinthium L	افستین	نَشَانَسَه (لاتینی) - کشوث الرومی - افستین ساحلی = شِبب العُجُوز
أُسوفون Hussopon	Hyossopus officinalis L.	زوفای یابس	
سُتَخَادس Stoikhas	Lavandula stoechas L	اسطوخودوس	
أورینفانس أیرفلأوطیقی Origanos Herakleotike	Origanum sp.	صمتر	دارای انواع ابیض و اسود و ملوکی و صمتر الشَّوْء که همان خوزی است - جالینوس: فودنج جبلی

نام علمي (از کتاب ابن مراد)	نام عربي (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها	نام مغرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)
Origanum dictamnus L.	مشکطراشیع - فودنج التیسی	دارای سه نوع است : ۱ - بَلایَه جَرَبُونَه ۲ - فُودودِفُطْمُنْ ، فُودودِفُطْمَانْ ۳ - الأفریطی	دَقْطَمُنْ Diktamnnon
Thymus calamintha Scop. T. barrelieri Spreng.	فودنج	دارای سه نوع است : ۱ - نَهْرِي به نام صومُران (مغرب) ۲ - حَبِّق التماسح ۳ - جیلی به نام نابطه (اندلس)	قَلامَتی Kalaminthe
Thymus capitatus L.	صعتر جبلی (آفریقا)	صعتر الحمیر (اندلس)	ثومش Thumos
Melilotus officinalis Lam	أکلیل الملک	دارای چهار نوع است : ۱ - و ۲ - قُرْتَبَج (اندلس) ۳ - معقرب ۴ - مَدْرَهْم الورق - دارشاه (فارسی) - شجره الخب (آفریقا)	مالیلوتس Melilotos
Baccharis sp.	قرنغیه (اندلس)		بَخْخارِس Bakkharis
Peganum harmala L. Ruta montana L. بری R. graveolens L. بستانی		دو نام متفاوت برای این گیاه ذکر شده یکی سداب بری و بستانی و دیگری اسفند یا حرمَل	فیغانن Peganon
Allium moly L.		نوعی بلبوس	مولی Molu
Levisticum officinale Koch.	کاشم	زُرْغَد (انطالیا)	لِیْقُسْطِیقون Ligustikon
Seseli tortuosum L.		دارای سه نوع است .	ساسالیوس Seseli
Tordilium officinale L.		نوع چهارم ساسالیوس به نام افریطی . بقول الشعَال (اندلس) زیرا برای درست کردن آتش از آن استفاده می شود.	طَرزِيلَن Tordilon
Sison amomum L.	؟		سینون Sinon
Pimpinella anisum L.	انیسون - رازیانج رومی - کمون الحلو	حبه الحلوه (اندلس)	أنیسون Anesson
Carum carvi L.	کرویا بستانی - کمون الارمنی		قاروا Karo
Anethum graveolens L.	شبت	أنیث (لاتینی) - أسیلی (بربری)	أنثيون Anethon

نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام مغرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
کمون الابيض - کمون الکرماني	Cuminum cyminum L.	کومینون Kuminon	کمون الملوکی (دیسکورید)
کرفس الجبلی	Peucedanum oreoselinum Mo.	اوراسالینون Oreoselinon	(اورا) به یونانی به معنای کوه و (سالین) به معنای کرفس است.
کرفس الصخر	Carum petroselinum Benth & Hook.	بطراسالینون Petroselinon	(بطرا) به یونانی به معنای صخره است.
کرفس یری	Smyrniun olusatrum L.	سمرنیون Smurniun	
به معنای شمار العریض است.	Hippomarathrum libantis Koch.	اُفومارثن Hippomarathon	
	Anacyclus pyrethrum DC.	فُرترون Purithros	
کندریات	Cachrys libnotis Ferula nodiflora	لیبانوتس Libanotis	سه نوع است
کَلَح الدَلَبی	Heracleum spondylium L.	سفندولین Sphondulion	تاقیرا (بربری)
اَنْدَراسیون	Peucedanum officinale L.	فوقاذن Peukedanon	یربطوره (لاتینی) یربطور (مغرب) - جابهنگ
فُریون	Euphorbia L.	اُفُریون Euphorbion	تاکوت (بربری) لوبانه مغربیه (مصر)
أَشَقْ - وَشَقْ - أُشَجْ - وَشَجْ	Dorema ammoniacum Don.	امونیان Ammoniakon	غته (لاتینی) - لُزاق الذهب
عَنْزَرُوت - انزروت - کُحل فارس	Astragalus sarcocolla L.	صرقولاً Sarkokolla	سرفقلین (رومی)
مُصَفَى الرِّعَاه (اندلس) - حشیشه الافعی	Galium aparine L.	اُفارینی Aparine	به معنای دوست دارنده صاحب خود بیض العنکبوت
	Alyssum saxatile L.	اَلوسن Alusson	یعنی مفید برای گزیدگی سگ
؟ قُنابری	Asclepias vincetoxicum L.	سقلیبیاس Asklepias	
یعنی پایه های تخت. قلیتی به معنای تخت و فوذیون به معنای پا است	Clinopodium vulgare L.	قلینوفوذیون Klinopodion	
عَریطِیْثا (اسم مشترک)	Leontice leontopetalum L.	لَاوَنْطُوبَاطَلَن Leontopetalon	مَهد (ساحل غزه) غسلیح (اهل مشرق)
کَمادَریوس التَّعنَی	Teucrium flavum L.	طوقریوس Teukrion	یربه اُشِبیلینی (لاتینی) (به معنای گیاه طحا)
کَمادَریوس	Teucrium chamaedrys L.	خامادریوس Khamaidruos	به معنای بلوطی است.

نام معرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
لُخْنِیس الاکلیلیه Lukhnis stephanomatike	Lychnis coronaria Desf.		
بَلُوَطی Ballote	Ballota nigra L.	مَرَوِیَه بَنْتَوُشَه (لاتینی)	نوعی از فراسیون سیا
مالیسوفُلُن Melissophullon	Melissa officinalis L.	بادرنجَبویه - باذَرَنْبویه	ریحان الترنجی
سُطَاخِیس Stakhus	Stachys germanica L.	قَارَه (اندلس) زیرا نوشیدن آن فرد را از خفقان نجات می دهد .	اَنُوشَه (لاتینی)
فُلْبِطِش Phyllitis	Phyllitis scolopendrium L.	دَنْب الحداه	اکثرا در دهانه های چاه ها می روید.
فَالْتَجین Phalangion	Phalangion ramosum Lam		به معنای مفید برای نیش رتیل
بَلَوِین Polion	Teucrium polium L.	جَعْدَه	دو نوع سفید و سیاه دارد فولیون (رومی)
اَشْقَر دین Skordion	Teucrium scordium L.	حافظ الأجساد - حافظ الارواح	ثوم (زیرا بوی پیاز می دهد) - ثوم ببری (جالینوس) - مطرقدی حشیشه الثومیه (اندلس)
اَرطاماسیا Artemisia	Artemisia vulgaris L.	بَلَنْجاسف - برنجاسف	دارای انواعی است .
اَمْبِرَوسیا Ambrosia	Ambrosia maritima L.	نوعی برنجاسف	
بَطْرَس Botrus	Chenopodium botrys L.	نوعی برنجاسف	
غارانین Geranion	Geranium rotundifolium L.	تَمَار - جابره	نوعی از زقعات
غنافلیان Gnaphallon	Gnaphalium L.	قَضیه	
طیفی Tuphe	Typha latifolia L.	نوعی حلفاء	
قِرْقا Kirkaia	Circaea Tourn.	یَنْکَه (لاتینی)	
قُونِزا Konuza	Inula conyzoides DC.	شجره البراغیث	تَرَهْلَا (بربری) - مَشْکِیَنَه (لاتینی) لَبَارْذَه - طَبَّاق (اندلس)
ایمارُوقالس Hemerokallis	Hemerocallis flava L.	سوسن اصغر	زنبق (دمشق)
اَرْخَس Orkhis	Orchis morio L.	خُصی الکلب	
اَرْخَس آخر Orkhis heteros	Orchis undulatifolia L.	نوعی خصی الکلب - قاتل اخیه زیرا ریشه آن دو تائی بوده یکی پر از مواد و دیگری چروکیده ، ولی پس از گذشت زمان موقعیت آن ها عوض می شود	ساراقیاس (این اسم از نام خدائی از قبسط مشتق شده است و به معنای بسیار پسر منفعت می باشد)

نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
أرمنین Horminon	Salvia horminum L.	حب القلقل - قلقال - قلاقلی	قومبون (جالینوس)
ایذیسارون Hedusaron	Hedysarum L.		به معنای فأسی یعنی بزر آن دارای دو سر تیز چسبون فأسس است. - فلاقینس (به معنای زیان )
أنوما Onosma	Onosma echinoides L.	خَس الحمار -	رجل الحمامه (اندلس) انوسما (جالینوس)
نیمفا Numphaia	Nymphaea alba L.	لینوفر - نوفر - عروس الماء - قاتل النحل	
أندرساقاس Androsakes	Androsace lactea L.	كشملنج - كشمخه	ملاح - به خاطر شباهت آن به رنگ نمک نه طعم آن به این نام مشهور است - از انواع حمض
ایمیونیتس Hemiontis	Hemionitis L.	ایونیطس ؟	
أنتمس Anthemis	Anthemis nobilis L.	بابونج - بابونق - بابونک - بابونه	خمامیلن (یونانی) به معنای تفاح الارض است) - مسناله (لاتینی) به معنای سیب زیرا بونی شبیه به بوی سیب دارد.
فَرثانیون Parthenion	Chrysanthemum parthenium Pers.	أقحوان	
لیتسفرمن Lithospermon	Lithospermum officinale L.	قَلَب (زیرا بسیار سخت و سفید است )	به معنای بزر الحجری شَخْفَرَاغْته (لاتینی) برگردان عربی آن: کاسر الحجر یا مَشْطِیه
فالریس Phaleris	Phalaris tuberosa L.	؟	فالیورس (جالینوس)
لُنْخِطْس آخر Lonkhitis hetera	Aspidium lonchitis L.	رَقْعَه الصخریه (اندلس)	
ألثا Althaea	Althaea officinalis L.	خطمی - ملوخیال الشجر	ورد الزوانی
ألثا آخر Alkea	Althaea rosea Cau.	خطمی البری - شحم المرج	
قَنَابِش Kannabis	Cannabis sativa L. var. indica	قُنب - شَهْدَانِج - شادانق	

نام عرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
قَنَابَشِ أَغْرِیون Kannabis agria أناغرون Anaguros	Althaea cannabina L.	قَنْبُ البری - شهدانج البری	قَنْبیه (مصغر قَنْب است)
قیأ Kapaia	Anagyris foetida L.	أُم کلب - حب الکلی	میوه : خرنوب الکلب (اسم مشترک)
ألیسما Alisma	Sedum cepaea L.	جوز القَطَا (اندلس) (زیرا پرنده قطا بر خوردن آن حریص است .)	شجر حب الاسیر (ابن حسان)
أنوبراخیس Onobrukhis	Alisma plantaga L.	مزارم الراعی - أذن الأرتب - سنبیل الملوك	دَمَامَتُونیون (جالینوس)
أوفاریقون Huperikon	Onobrychis viciaefolia Scop.	عنب الحیه (برگردان نام یونانی به عربی)	
خامافیطس Khamaipitus	Hypericum barbatum L.	هیوفاریقون - ذاذی الرومی	یربیه قَرْجَنْبیره (عجمیت اندلس) به معنای عشبہ القلب یعنی دارای دانه ای قلبی شکل است . - مَشْتَبِه - دارای چهار نوع است .
برطانیقی Brettanike	Ajuga chamaepitys L.	صنوبر الارض (برگردان نام یونانی به عربی) - کامافیطوس	دارای سه نوع است . صنوبری لاکلیلی / فرفری
لوسیماکھیوس Lusimakheios	Rumex brettanica L.	خماض حسکی	گفته شده بستان افروز است.
بلوغونون Polugonon arren	Lysimachia vulgaris L.	عود الريح (اسم مشترک) (اندلس) قَصَب الريح (اسم مشترک) (اندلس)	قصب الذهبی (اندلس) خَوْخ المَاء - خَوْیَخَه
فلوغوناظن Polugonaton	Polygonum aviculare L.	عصا الراعی	به معنای ذَکَر است شَبَطاط - خطری دَغِیَا بَطِیاط (سریانی)
فولامونیون Polemonion	Polygonatum officinale L.	؟	غوذیاله (لاتینی)
سمفوطن بطراون Sumphuton petraion	Polemonium caruleum L.	؟	
سمفوطن آخر	Symphytum petraeum	شَاغَه الصخریه (اندلس)	
أولسسطیون Holosteon	Symphytum bulbosum	شَاغَه البستانی	شَبیطه (لاتینی)
فارقلومائن Periklumenon	Holosteum umbellatum L.	؟ جامع البضع (برگردان نام یونانی به عربی)	
	Leonicea periclymenon L.	صَریمه الجدی	نوع دوم قَلَامینوس است .

نام علمي (از كتاب ابن مراد)	نام عربي (به نقل از ابن بيطار)	سایر نام ها	نام مغرب لاتینی (به نقل از ابن بيطار)
Tribulus terrestris L.	حسک - شکومج	أبروؤذیا (رومی) غاله جاقه (لاتینی) حمص الامير (مغرب)	طربولس Tribolos
Statice limonium L.	سبخی (برگردان نام یونانی به عربی)	نوع ششم حماض طویل السورق و عسلیج است - سلق الماء	لیمونیون Leimonion
Sparganium ramosum Huds.	نوعی از سوسن پری	سقارطاغانیون (جالینوس)	سفرغانیون Sparganion
Echium rurum L.	ذکر الافعی (به خاطر اینکه دارای میوه ای در رأس است که به شکل سر افعی می باشد).		أخیون Ekhion
Achillea tomentosa L.		یعنی مفید برای بیماری اخیلوس که همان غرب است.	أخیلوس Akhilleios
Linaria elatine Mill.	لباب المعجوسی - لبلاب الاحرش	سراویل الککة سحیمه	الأتینی Elatine
Agrimonia eupatoria L.	غافق الشاهدانجی		أوباطورئوس Eupatorios
Tragium colomnae		گیاه آن در جزیره اقریطش است.	طراغین آخر Tragion allo
Paronychia serpyllifolia DC.		یعنی الشافع من الداحس	فارنوخیا Paronukhia
Chrysocoma L.		برگردان عربی آن راس الذهب و نوعی از بابونه جبلی است.	خروسوقومی Khrusokome
Helichrysum sp. ?		برگردان عربی آن قذقوب است. امارتطن (جالینوس) شاید نوعی قيصوم باشد	ألیخریسون Helikhruon
Astragalus Tourn.	کعب الخنزیر (برگردان نام یونانی به عربی)	مخطب العقاب الابيض (اندلس) - برطسره (لاتینی)	أسطراغالوس Astragalos
Hyacinthus orientalis	حافر البغل - قسطل الارض	بلبوسی (تأویل آن به عربی)	أواقثس Huakinthos
Hyoscyamus Sp.	بنج - سیکران (اندلس)	ملعنذر - یضمون	أیسقاموس Huoskuamos
Plantago psyllium L.	بزرقطرنا - أستقیوس	برغوث (برگردان عربی آن)	فسلیون Psullion
Dorycnium L.			دروکنیون Doruknion



نام معرب لاتینی (به نقل از ابن بیطار)	نام علمی (از کتاب ابن مراد)	نام عربی (به نقل از ابن بیطار)	سایر نام ها
مندراغورس Mandradoras	Mandragora officinarum L.	بیروح - سابیژک - شابیژج - نُفّاح الجن	میسوه : اُنّساح - أرجلیطه (لاتینی) - تاریال (بربری) - عروسه
أقونیطون Akoniton	Aconitum nepellus L.	قاتل النمر	نبال (اندلس)
قونیون Koneion	Conium masculatum L.	شوکران	جقوطه (لاتینی) حرمال البلدی (آفریقا)
أفوقونن Apokunon	Apocynum erectum Vell.	قاتل الذئب	عنب الکلاب (برگردان عربی آن)
نیریون Nerion	Nerium oleander L.	ذُفلی - خَرَزَه رَج - حبن	سم الحمار (برگرفته از لغت فارسی آن است.)
قُلْخِیْمَن Kolkhikon	Colchicum automnale L.	سورَنجان - قَرَج الارض - قَلب الارض - عَکَنه (مصر)	نام گل : اصابع هرمس و شنبلید - قُشْتَنیوله (لاتینی) (به معنای قسطله کوچک است.)
قوطولیدیون Kotuledon	Cotyledon lusitanicus Lam.	کأس - آذان القشیس - زلائف الملوک - مصافق	دو نوع است ، نوع دیگر آن در مصر اذنه خوانده می شود . این گیاه در شکافها و سقف ها و کوه هارونیده می شود.
غالیون Galion	Galium verum L.	لُخْتِیروآله (لاتینی)	موجب بسته شدن شیر می شود.
ثالیترن Thalietron	Thalictrum flavum L.	کُزْبَره حبشه	
بوطوماغیطن Potamogeiton	Potamogeton natans L.	جار الانهار (برگردان نام یونانی به عربی)	
سطراطیوطس Stratiotes	Pistia stratiotes L.	فارس الماء (برگردان نام یونانی به عربی)	
أرقطیون Arktion	Arctium tomentosum Shkuhr.		گفته شده نرزد عرب به حرابان (بدون نقطه در محل با) مشهور است .
أرقطیون آخر Arktion	Arctium lappa L.		دارای دو نوع بری و بستانی است.
لوطوس أغریوس Lotos agrios	Lotus sp. ?	حباقا	لوتوسی که در مصر است به نام پُشْنین می باشد.
مریافُلُن Muriphullon	Myriophyllum spicatum L.		به معنای هزار برگ است .
أنطریتن Antirrhinon	Antirrhinum majus L.	أنف العجل - شحم الطعام	

نام علمي (از کتاب ابن مراد)	نام عربي (به نقل از ابن بيطار)	سایر نام ها	نام معرب لاتینی (به نقل از ابن بيطار)
Polypodium vulgare L.		به معنای دارای پای زیاد است. (کثیر الارجل) - سقی رَغْلا - سخی رَغْلا سکی - رَغْلا (سریانی) (به معنای کثیر الارجل) - یرتوڈنه (لاتینی) - اُشتیوان (بربری)	بولوپودیون Polupodion
Heliotropium europaeum L.	حشیشه العقرب (مصر) زیرا انتهای آن شبیه به دم عقرب است.	به معنای آفتاب گردان است طرنه سُوکی (اندلس)	أیلوطروپیون طوماغا Heliotropion to mega

## ۲- برگردان نام های لاتینی گیاهان به توسط ابن بیطار در قرن هفتم

محتوای متون پزشکی قدیمی به زبان عربی و ایرانی معمولاً متاخذ از کتب لاتینی و یونانی است و حاکی از آن است که منشأ نام های کهن گیاهان و همچنین برخی از نام های جدید لاتینی است. ریشه یابی نام ها، چه قدیمی و چه جدید، چه شرقی و چه غربی امکان تطبیق این نام ها را به یکدیگر فراهم می آورد و با این انطباق زمینه پیشنهاد مناسب ترین نام علمی را امکان پذیر می سازد.

با تعیین نام لاتینی گیاهان و سپس یافتن نام های معرب دارای ریشه لاتینی، ارتباط آن ها با نام های مشهور در متون قدیم [عربی و غیر عربی] میسر می شود. از سوی دیگر بررسی های صورت گرفته نشان می دهد برخی از نام ها چه در شرق و چه در غرب مستقل از هم بوده و متاخذ از هم نیستند. این نام ها نیز می توانند نام شناخت گیاه باشند.

از اینرو در نام یابی های کهن گیاهان داروئی دانستن ارتباط نام رایج گیاه با نام لاتینی آن می تواند معیاری برای یافتن نام علمی آن و همچنین دستیابی به سرچشمه نام های مشهور و چگونگی انتقال نام در زبان های دیگر باشد. برای دست یابی به این منظور شرح هر گیاه کتاب دیسکورید با دو منبع غربی و شرقی که هر یک ویژگی خود را دارند مقایسه گردید. مهمترین ویژگی های آن ها عبارتند از:

**الف - کتاب دیسکورید:** تا قرون اخیر به عنوان مهمترین منبع مورد استفاده اغلب محققان علوم زشکی و گیاهان داروئی بوده است، و نام های لاتین آن به زبان های دیگر بویژه عربی برگردانده شده است.

اولین کسی که به ترجمه این کتاب اهتمام ورزید حنین بن اسحق (۲۶۰ هـ - ق / ۸۷۳ م) بود که آن را از زبان یونانی به زبان سریانی برای بختیشوع بن جبریل برگرداند و همچنین یکی از شاگردان خود را به نام اصطفن بن بسیل تشویق به ترجمه این کتاب به زبان عربی نمود. اما این دو نتوانستند همه لغات لاتینی را به عربی برگردانند و تنها به معرب کردن لغات بسنده نمودند.

پس از آن نیز ترجمه هائی از کتاب دیسکورید به توسط ابوالفرج، مهران بن منصور، ابی سالم المطلبی نگاشته شد که در مجموع کار مهران بن منصور از همگی قویتر است.

دانشمندان مهمی که به شرح کتاب دیسکورید پرداختند چهار نفر و همگی از اهالی اندلس هستند این چهار نفر عبارتند از:

۱- ابو داود سلیمان بن حسان بن جُلجل (۳۸۴ هـ - ق / ۹۹۴ م)

۲- ابوالعباس احمد بن محمد النباتی ابن الرومیه (۶۳۷ هـ - ق / ۱۲۳۹ م)

۳- ابی محمد عبدالله بن احمد بن محمد بن ابن بیطار المالیقی (۶۴۶ هـ - ق / ۱۲۴۸ م)

۴- ابوالحسن علی بن عبدالله الاشبیلی (احتمالاً قرن هفتم هجری قمری)

**ب - تفسیر کتاب دیسکوریدوس به توسط ابن بیطار:** نام های لاتین در این کتاب معرب شده و یا به عربی برگردانده شده و نام های رایج دیگر نیز [فارسی، سریانی و ...] در این کتاب دیده می شود. از ویژگی های این کتاب و همچنین مؤلف آن می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱ - از آنجا که مؤلف به زبانهای لاتینی و عربی به خوبی مسلط بوده، انتقال نام ها و ترجمه مطالب کتاب و معرب نمودن نام ها دقیق صورت گرفته است.
  - ۲ - همراه بودن نام های معرب با نام های مشهور عربی و غیر عربی این کتاب را عامل مهمی در ارتباط فرهنگ های گیاهشناسی و پزشکی تمدن های گذشته است.
  - ۳ - مؤلف چون خود گیاهشناس بود سعی نمود تا شرح گیاهان را در این تالیف با نمونه های عینی در دست تطبیق داده درستی یا مجهول بودن آن را اعلام نماید.
  - ۴ - اشراف مؤلف به تالیفات قبلی، و تالیفات عصر خود و تالیفات متنوعی که خود داشت موجب شده، کتاب های او بعنوان تالیف شاخص برای قرن های بعدی در گستره ای جغرافیائی وسیع مطرح باشد.
  - ۵ - پرهیز مؤلف از ذکر خواص و حتی شرح های سیستماتیکی در این کتاب و بیان آن در کتاب جامع اهمیت وی را به تطبیق و تصحیح واژه ها و نام ها معلوم می نماید.
- با توجه به ویژگی های فوق می توان کتاب ابن بیطار را برگردان علمی - مطابق با زمان خود - از کتاب دیسکورید دانست که گذشته از ذکر نام ها گیاهان بطور دقیق، ضمن اشاره به اطلاعات به مربوط پیرامون محل رویش و جغرافیای گیاه، اختلاف نظرها موجود در مورد هویت گیاه را نیز به نقد و بررسی کند.
- در جداول زیر نام های لاتینی معرب شده همراه با اسامی لاتینی آنها آمده است. دقت در این نام ها می تواند در برگردان صحیح نام ها را یاری رساند.

#### راهنمای جداول:

- نام های ستون اول مربوط به نام های لاتینی گیاهان کتاب دیسکورید که به توسط ابن بیطار معرب شده است.
- در ستون دوم نام های پیشنهادی ابراهیم بن مراد آمده است.
- در ستون سوم نام های پیشنهادی ROBERT T. GUNTHER آمده که با نام های لاتینی معرب ابن بیطار مقایسه شده است.
- در ستون چهارم شماره تصاویر مربوط به هر گیاه از کتاب دیسکورید ROBERT T. GUNTHER است، این تصاویر در جلد دو کتاب آمده است.
- در ستون پنجم نام های دارای منشاء عربی و از ابن بیطار است.
- در ستون ششم نام های عربی و غیر عربی مشهور و از ابن بیطار است.

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
کیارس یا قیفارس <b>kuperos</b>	Cyperos longus L.	C. rotundus	۴/ ۱	سعد	
آقورون <b>Akaron</b>	Acorus calamus L.	Iris pseudacorus	۲/ ۱	وَجْ - زهره	
ایریس <b>Iris</b>	Iris florentina L.	I. florentina L. I. germanica	۱/ ۱	سوسن آسمانجونی	قوس و قزح
قرادامومن <b>Kardamomon</b>	Eletteria cardamomum White & Maton	E. cardamomum		کرویا جبلیه قرنباد - قرنفاذ	قرمانا
مینون <b>Meon</b>	Meum athamanticum J.	M. athamanticum J.		مو	
ناردسستفاریطیقی <b>Sampharitike</b>	Valeriana celtica L.				
ناردس اقلیطیقی <b>N. keltike</b>	Valeriana celtica L.	V. celtica L.		سنبل الرومی	سنبل الاقلیطیقی متجوشه - شرانط
ناردس اُورنی <b>N. oreine</b>	Valeriana tubereuse Spr.	V. tubereuse Mountain Nard		سنبل الجبلی	
ناردس <b>Nardos</b>	Nardostaachys jatamansi DC.	N. jatamansi		سنبل هندی	ناردین
اسارون <b>Asaron</b>	Asarum europaeum L.	A. europaeum	۹/ ۱		
فو <b>Phu</b>	Valeriana dioscorides Sibth.	V. dioscorides			
مالابثرن <b>Malabathron</b>	Cinnamomum citriodorum Twhwait.			ساذج الهندی	
کسیا <b>Kassias</b>	Cinnamomum cassia BL.	Cinnamomum iners		سلیخه	
قَنّا مومن <b>Kinnamomon</b>	Cinnamomum zeilanicum Nees.	C. cassia		دارصینی	
اُمومن <b>Amomon</b>	Amomum racemosum La.	A. sublatum or cissus vitiginea		حماما	
قُسْطُس <b>Kostos</b>	Costus speciosus Sm.			قُسْط - کُشْط	کُشت
سکینوس <b>Skhoinos</b>	Andropogon schoentus L.	Cymbopogon schoenanthus		أذخر	تبن مکه
فلامس اروماتیکیس <b>Kalamos aromatikos</b>	Acorus calamus L.	A. calamus L.		قصب الذریره	
أصبالاتوس <b>Aspalathos</b>	Calycotom spinosa Lk.	Cytisus lanigerus DC. Genista acathoclada DC.		داریشیخان	قندولی (مغرب)
بریون <b>Bruon</b>	Usenea barbata Ach.	Usenea sp.		أشنه - شَبب العجوز	سَوَاک القروء (زیرا دهان هنگام استفاده از آن رنگ می گیرد).
نَشَقْشَن	؟	؟		بَنَک	

نام لاتینی (ابن بطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بطار)	سایر نام ها (از ابن بطار)
أغالوخن Agalokhon	Aloexylon agallochum Lou.	A. agallochum		عود هندی	آلنجج
قِیَمَن Kankamon	Amyris kataf Forsk.	Amyris sp.		سندروس - لک	قیمن
قُروفس Krokos	Crocus sativus L.	C.sativus	۲۵/۱	زعفران	کُرکُم - جادی - جساد - ربهقان
هِنِون Helenion	Inula helenium L.	I.helenium	۲۷/۱	جناح - راسن زنجبیل شامی	عُطُوز (ترکی)
سُمرنا Smurna	Commiphora myrrha Engl.	Amyris myrrh Hafal.		مر	
شطی رکس Sturax	Styrax officinalis L.	S. officinalis		أصطرک عسل اللبني	شطركا (سریانی) عسل رومان -
بذليون Bdellion	Commiphora mukul Engl.	Hyphaene thebaica		مُقل الأزرق	دارای انواع متعدد است.
لبانوَ Libanos	Baswellia Roxb.	Baswellia cartera		کُندر - لَبان	تنها در شحر عمان رویش دارد.
بیطس - بنطس Pitus	Pinus pinea L.	P.halepensis P. cembra P. maritima		تُتوب	صمغ آن: قُلُقُوتیا
قوفی یا فوقی Peuke	Picea excelsa Link			شجر الأرز	نوعی تُتوب
بیطویدامس Pituides		Pine-seeds		قَصَم قریش	میوه صنوبر الصغار
سطرویلو Strobiloi		Pine-cones		شجرالصنوبر الکبار	صمغ هر دو صنوبر راتینج - راتینج
سَخِیْنَس Skhinos	Pistacia lentiscus L.	P. lentiscus		شجره المصطکی	
طرمثس Terminthos	Pistacia terebinthus L.	P.terebinthus.		شجره البطم	صمغ: عُلک الانباط
أرقوئس Arkeuthos	Juniperus communis L.				
Arkeuthos Megale Arkeuthos Mikra		J.macrocarpa J. phoenicea J.co.- J. Drupacea	۱ - ۱۰۳	عرعر	
برائی Brathu	Juniperus sabina L.	J. sabina var. cupressifolia var. tamariscifolia		أبهل	
دافنی Daphne	Laurus nobilis L.	L.nobilis		شجر الغار شجر الرند	دو نوع نر و ماده دانه: دافنیدس
قُناَرِسیس Kuparissos	Cupressus sempervirens L.	C.sempervirens		شجرالسرو	

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Robertz)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
قادرُس Kedros	Cedrus libani Barrel .	C. libani		شجر الشربین	
أفلاطینس Platanos	Platanus orientalis L.	P.orientalis		شجر الدب صَنار - جنار	
مالیا Melia	Fraxinus excelsior L.	F.ornus Manna Ash		شجر المران	زان (بربری)
لوتا Leuke	Populus alba L.	P.alba		حور	دارای انواعی است.
ماقر Makir	Myrsica fragans Houtt.			بسباسه	دارکیسه (شام)
أغیرس Aigeiros	Populus nigra L.	P.nigra		حورالرومی	نوز - کهریا
بطالایا Ptelea	Ulmus L.	Ulmus campestris		شجر الدردار	شجره البق - شَم الاسود
تالامن Kalamon	Phragmites communis Trin			قَصَب الفارسی	
Kalamos Nastos		Cenchrus frutescens Sieb.			
Ka.Suriggios		Erianthus ravennas			
Ka.Donax		Arundo donax			
K.Phragmites		Phragmites communis			
فانورس Papuros	Cyperus papyrus Trin.			فافر - بردی	
موریقی Murike	Tamarix gallica L.	T.gallica	۱ ۱۱۶	شجره الرفا	
Murris		Myrrhis odorata L.			
أریقی Ereike	Erica arborea L.	E.arborea -E.herbacea		شجر الخُلج	از انواع أسحل
أفقالیس Akakalis	Tamarix articulata Vahl.	T.orientalis		شجر الاثل عذبه (عربی)	میوه : کزمازک کزمازق - کزمازج
رامنس Rhamnos	Lycium afrum L.	Paliurus aculeatus	۱ ۱۱۹	عوسج - عَرَقْد	
ألیمون Halimon	Atriplex halimus L.			مَلُوخ	قُطَف بحری - ملیخ
فالپورس Paliuros	Paliurus aculeatus Lam.	Zizyphus vulgaris L.		سدر - شجره العَناب	دونوع عبری و ضال.
اقسیا آفتش Oxuakantha	Crataegus oxyacantha L.	Crataegus pyracantha Medic.		زعزور الادویه یه معنای شوک الحاد	جبرئیل تاغفرت (بربری)
Papuros		Papyrus antiquorum Wild.			
قونس باطس Kunosbatos	Rosa canina L.	Rosa sempervirens L.		علیق الکلب ورد بری	نسرین - اذممام - قانس به یونانی به معنای کلب و باطس به معنای علیق است .
قیفروس Kupros	Lawsonia alba Lam.	L.alba		شجره الحنا	یرناه - رفان

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
فیلورا Philura	Phillyrea latifolia L.	P. latifolia.		شجره المحلب شجره العتم ؟	دانه آن : زَغِيج ؟
کستوس Kisthos	Cistus ladanifolius L. C. villosus L. C. hypocistis L.			شَقَوَاص (اندلس) وردالجبلی (مغیر) (ب) وردالفحصى	سه نوع: دو نوع آن به نام لحيه التيس و نوع سوم گرفته شده از لادن با نام های أَسْتَب، حطب الفتح ، شجراللاذن، ارتقش (یعنی کثیر المعصی) است.
Kustos Arren		Cistus villosus			
Kustos Thelus		Cistus salviaefolius			
Ladanon		Cistus creticus			
آبائُس Ebenos	Ebenus L.	Diospyrus melanoxylon Ebenoxylon verum		أَبْنُوس	
لوقیون Lukion	Rhamnus infectoria L.	R.infectoria		شجره الحضض	عصاره : فیلزهرج کحل خولان
رُودَا Rhoda	Rosa Tourn R. gallica L. R. alba L.	Rosa lutea Bort.	۱ ۱۳۰	ورد	قرمز آن : حوجم سفید آن : وَتیر جبل (فارسی)
اکاکیا Akakia	Acacia arabica Willd.	Acacia vera		عصاره القَرظ خَرْتُوب السِنَط شوکه المصریه	بری آن : أُمُ غِلَان صمغ : صمغ العربی
اِطَا Itea	Salix babylonica L.	Salix sp.		شجرالصفصاف خلاف	
اَغْنُس Agnos	Vitex agnus castus L.	V. agnus castus	۱ ۱۳۵	شجره ابراهیم شجره مطهره حب القَد شجره مریم	یعنی طاهر- ایلاقدیشا (سربانی)- سرساده و شَمِیثا (هندی) وَتَقَارُوف (بربری) شجره القُلُقُل و قُلُقُل الصقالیه (اندلس)
الْأَغْرِيَا Agrielaia	Olea oleaster Lk.	O.oleaster		زیتون بری عتم - زَغِيج	أَزْمُود (بربری) زَبُوج (اندلس)
دَرَس Drus	Quercus coccifera L.	Quercus aegilops L.		شجر البلوط	شاه بلوط - قُطَانِيَا - قُطُل
قَقِيس Kekis Phegos	Quercus lusitanica Lam.	Quercus aesculus Boiss.		عفص - قُشَف	جَوَلَه (لاتینی)
رُؤُوس یا اَطَا Rhous Epi ta opsa	Rhus coriaria L.			سَمَاق - تَمْتُم	سربانی : سَمَاقِيل عَرَبَر - عَرَبَر



نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
فُنیکس دَقِیْطُس Phoinix	Phoenix dactylifera L.	P.dactylifera.		نخل	
رُودَا اَیْذَا Rhoa	Punica granatum L.	P.granatum		رمان	جلنار، گل انار - پی جینیذَه: گل انار بستانی - رَعَث
مُرسینس اَیمَارُس Mursine he hemeros	Myrtus communis L.	M.communis Gardan Myrtle		آس بستانی ریحان	میوه: مردابانج (سریانی) مَرثان و مَرْتَه (لاتینی) گل: اَقمام (بربری)
قاراسیا Kerasia	Prunus cerasia Br.	P. cerasia.			
قاراطیا Keratia	Ceratonia siliqua L.	C.siliqua		خرنوب شامی	
میلانُس Meleas	Pyrus malus L.	P.malus Appel		تَفَاح	
قُودُونِیا میلا Kudonia mela	Cydonia vulgaris Pers.	C.vulgaris Quince		سَفَرجل	
برسیقا Persika mela	Prunus persica Sieb..	Pyrus malus Crab Appel		خوخ	
اَرْمَانِیَا Armeenika mela	Prunus armenica L.			تفاح الارمنی	شمش
میدیکا میلا Medika mela	Citrus medica Risso var.cerata			اَنَرَج	مُتک - تفاح المامی
اَپیوس Apios	Pyrus communis L.	P. communis		کُمثری البستانی	
اَکْهَراس Akhras	Pyrus communis var. akhras	Pyrus amygdaliformis		کُمثری البری	برجون (اندلس)
لوطوس Lotos to dendron	Celtis australis L.	C.australis		شجر المیس	نَشم الاسود (نام مشترک)
مَشیپِلِن Mespilon	Crataegus azarolus L.	C.azarolus C.tanacetifolius		شجره الزعرور	طریقن (یعنی دارای سه دانه) - نلک
اَفلَمِلیس Epimelis	Pyrus germanica L.				شاید نوعی از زعرور
قَرانیا Krania	Cornus mas L.	Cornus mascula			از جنس زعرور
اَوَا Oua	Pyrus sorbus Gaertn.	Sorbus domestic		شجر الغیرا	
قَوامِیلا Kokkumelea	Prunus domestica L.	P. domestica		شجر الاجاص	عین البقر (مغرب) شاهلوح - شاهلوی
قَومارُوس Komaros	Arbutus unedo L.	Arbutus andrachne L.		شجر القطلب شجره قاتل ابیه میوه: جَنی الاحمر	معنای نام یونانی: طعمه قرمز - قامارون (رومی) عصیر الدب (اندلس) - اَساشنوا (مغرب) - مطرونیه

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberthz)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
Amugdale		Amygdalus communis			
أمقدال بیقرا Amugdala pikra	Prunus amygdalus var . amara Fock.			لوزالمَر	
أمقدال غُلوقیا Amugdala glukeia	Prunus amygdalus Stock.			لوزالحلو	
بسطاقیا Pistakia	Pistacia vera L.	Pistacia lentiscus		فُسْتَق	صمغ : علك الانباط
قاربانیطیکا Karupontik a	Corylus avellana L.	C. avellana		بندق	جَلُوز (مغرب)
قارباسیلکا Karuabasilik a	Juglans regia L.	J. regia		جوز	
مورا Morea	Morus alba L.	Morus nigra		توت	عربی : قرصاد رب آن : دیامیرون
سیقاموری Sukomoron	Ficus sycomorus L.	F.sycomorus		تین الاحمق	جویز
أَمینون سیفون Olunthoi	Caprificus	Unripe Fig		توت الفج	ذکار - توت نارس
سیقا Suka	Ficus carica L.	F.carica		تین - بلس	
فَرمِیا Persaia	Mimusops schimperi Hot.	M. schimperi		لَیخ	شجره فارسیه
زآا أولیرا Zea Olura	Triticum monococcum L. Triticum dicoccum	T.dicoccum T. Monococcum T.dicoccivarietas		عَلَس (اندلس) کَنبب	أولیرا (از جنس زآا) أشکلبه (لاتینی)
طَراغیس Tragos	Gymnorrithon ragus L.	Ephedra distachya Br.		سَلت	
أوریزا Oruza	oryza sativa L.	O.sativa		أرز	
سیسامن Sesamon	Sesamum indicum L.	S. indicum		سَمسم، جَلَجَلَا	روغن : حل - شبرج
خَندروس Khondros	Tricticum romanum L.	Hordeum sp.	۲ ۱۱۸/	خَنطَه الرومیه	نوعی شعیر العربی شعیر النبی (ص) (اندلس)
کَیخَروس Kengkros	Panicum milliaceum L.	P.milliaceum	۲ ۱۱۹/	جاووس	نوعی از ذره
ألومس Elumos	Andropogon sorghum Brot.	Setaria italicum Beauv.	۲ ۱۲۰/	دخن	
أرآا Aira	Lolium temulentum L.	L. temulentum	۲ ۱۲۲/	زُوان - شِلَم	دَقَه - رُعَیْدَا - رُعَیْدَا - مَریرا - خَضَر
طیلِس Telis	Trigonella foenum graecum L.	T.foenum graecum	۲ ۱۲۴/	حلبه	فَریقَه
لِنُس برمون Linospemon	linum usitatissimum L.	L.usitatissimum		بزرکتن - آلینو	

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Robert H)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
اُربیش اِیمارُس <b>Erebinthos hemeros</b>	Cicer arietinum L.	C.arietinum	۲ ۱۳۶/	حمص	دارای دو نوع بری و بستانی است.
فابش الیونانی <b>Kuamos Hellenikos</b>	Vicia faba L.	V.faba	۲ ۱۳۷/	فول - باقلّا	فابه (لاتینی)
فابش القبطی <b>Kuamos Aiguptios</b>	Nymphaea nelumbo L.	Nelumbium speciosum Wild.		جامسه (مصر)	در سرزمین مصر روئیده می شود.
فاکوس <b>Phakos</b>	Lens esculenta Monch.	Ervum lens L.	۲ ۱۳۹/	عدس - بَلَسَن	
اُوروبس <b>Orobos</b>	Vicia ervillia Willd.	Ervum ervillia L.	۲ ۱۳۱/	کرسنه	کُشی (شام) - کُشن (فارسی)
تُرمس اِیمارُوس <b>Thermos hemeros</b>	Lupinus termis Forsk.	Lupinus pilosus Murr.	۲ ۱۳۲/	بسله	به علت تلخی و بد طعمی ابوحنیفه آن را بسله نامیده است.
<b>Termos Agrios</b>		Lupinus Angustifolius DC. Lupinus alba L.	۲ ۱۳۳/		
غُنْقِلِ <b>Gongule</b>	Brassica rapa L.	B.rapa	۲ ۱۳۴/	سلجم - سلجم	لفت الاحمر المدور
بونیا س <b>Bunias</b>	Brassica napus L.	Bunias erucago Brassica bunias		لفت طویل	لفت طلیطلی (مغرب)
رافانوس <b>Raphanis</b>	Rhaphanus sativus L.	R.sa. - Radish	۲ ۱۳۷/	فُجل	
<b>Raphanos Agria</b>		Raphanus raphanistrum L.	۲ ۱۳۸/		
سیسارون <b>Sisaron</b>	Sium sisarum L.	Pastinaca sativa	؟		
لاباثون <b>Lapathon</b>	Rumex acutus L. Rumex scutatus L. Rumex patientia L. Rumex acetosa L.	Rumex patientia L.	۲ ۱۴۰/	حَمَاض	دارای انواع مختلف است.
اُفولاباثُن <b>Hippolapathon</b>	Rumex hydrolapathum L.	Rumex aquaticus L.	۲ ۱۴۱/		نوع پنجم حماض کبیر
اَلْمَقْسانِ <b>Lampsane</b>	Raphanus raphanistrum L.	Sinapis arvensis	۲ ۱۴۲/	؟	
بلیطی <b>Bliton</b>	Amarantus blitum L.	A.blitum	۲ ۱۴۳/	بقله الیمانیه	بربوز (مغرب) - جربوز (شام) - کُشُج - صَدَح قُسطانیقی (سواد)
ملوخی <b>Molokhe</b>	Malva rotundifolia Desf.			خیازی	
<b>Malache Agria</b>		Malva silvestris	۲ ۱۴۴/		

نام لاتینی (ابن بطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بطار)	سایر نام ها (از ابن بطار)
Malache Kepaia		Alcea rosea L.	۲ ۱۴۴/		
آندروآفکسس Andrapphaxus Atraphaxis	Atriplex hortensis L.	Atriplex rosea L.	۲ ۱۴۵/	سرمق - سرمج - قَطَف	بقُل الروم - بقُل الذهبی
قولی ایماؤوس Krambe hemeros	Brassica oleracea L.	B.oleracea	۲ ۱۴۶/	کرنب البستانی	قربنا
قولی آغریا Krambe agria	Brassica incana L.	Brassica cretica	۲ ۱۴۷/	کرنب البری	نوع دریائی را با همین نام ذکر کرده است.
Krambe Thalassia		Crithmum maritimum	۲ ۱۴۸/		
طوطلن Teutlon	Beta vulgaris L.	B.vulgaris	۲ ۱۴۹/	سَلَق البستانی	سَلَق بری را نیز با این اسم می شناسند.
اوبیدجی یا آندرخنی Andrakhne	Portulaca oleracea L.	P.oleacea - Purslane	۲ ۱۵۱/	رِجَله، بَقْلَه الحمقاء، بقله المبارکه، فرفریر	آندراخته (به معنای یک پا است. رِجَله)
أسفاراغش بطراؤس Asparagos Petraios	Asparagus officinalis L.	Asparagus acutifolius L.		هَلِیون	أسفراخ (مغرب)
آرنوغلسن Arnoglosson	Plantago major L.	P. major	۲ ۱۵۳/	لسان الحمل برد وسلام ذنب الفأ	بلشتان (لاتینی)- مصاصه دارای دو نوع بزرگ و کوچک . نوع کوچک آذن الشاه (اندلس)
سین Sion	Sium latifolium L.	Sium nodiflorum L.	۲ ۱۵۴/	قَرَه العین	کرفس الماء
سیسنبیریون Sisumberion	Nasturtium officinalis L.		۲ ۱۵۵/	حرف الماء	قَرَنوُش (اندلس)- فُجَل الماء - جرجیر الماء
Sisumberion Eteron		Sisymbrium nasturtium Muhl.	۲ ۱۵۶/		
قَرثمن Krethmon	Crithmum maritimum L.	C.maritimum		قَرَن الأیل	زبل النواتیه (آفریقا)
قُورونُفس Koronopus	Plantago coronopus L.	Lotus ornithopodioides L.	۲ ۱۵۸/	رِجَل القُراب	رِجَل الزاغ
صَنخیس Sonkhos	Sonchus oleraceus L.			هَنَدِباء البری	خس الحمار
Sonkhos Akanthodesteros		Helminthia echiodes Gaert.			
Sonkhos Trachos		Sonchus arvensis L.	۲ ۱۵۹/		

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ایراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
Sonkhos Trupheros		Sonchus oleraceus L.	۲ ۱۵۹/		
Seris	Cichorium endivia L.	C.en. – Endive		هندیاء البستانی یعضید (مصر)	شرالیه (اندلس) أنطوبیا
خندریلی Khondrile	Chondrilla juncea L.	C. Juncea or chondrilla ramosissima	۲ ۱۶۱/	هندیاء البری یعضید (مصر)	امیرون (اندلس) شرالیه الحمار (لاتینی)
Khondrile Etera		Thrinsia tuberosa or apargia			
قلوقتی Kolokuntha edodimos	Cucurbita lagenaria L.	Cucumis sativus L. Cucumber		قرع - یقطین - دبا	
سیس آیماروس Sikus hemeros	Cucumis sativus L.	Cucumis Melo L. Melon		قثاء البستانی	فقوس (مغرب)
Pepon		Cucumis pepo Dum. Pmpion			
ثروتوس آیماروس Thridax hemeros	Lactuca sativa L.	L. Sativa	۲ ۱۶۵/	خس	دارای دو نوع بری و بستانی است.
Thridax Agria		Lactuca scariola	۲ ۱۶۶/		
جنجیدیون Gingidion	Daucus gingidion L.		۲ ۱۶۷/		نوعی از جزر بری
سقندقس Skandix	Scandix pecten veneris L.	S.pecten veneris	۲ ۱۶۸/		سقندقس
قوقالیس Kaukalis	Caucalis maritima L.	Handquistia aegyptiaca	۲ ۱۶۹/	أبره الراعی - أمشاط العجوز	تامشطت (بربری) أكجاله (لاتینی)
اوزیمن Euzomon	Eruca sativa Mill.	E.sativa Brassica erucastrum L.	۲ ۱۷۰/	جرجر - کثاء	بری: أبهقان
أقیمن Okimon	Ocimum basilicum L.	O.basilicum	۲ ۱۷۱/	بادروچ - حوک	گفته شده به فارسی بستان افروز است.
اوروبنخی Orobankhe	Orobanch caryophyllacea	Cuscuta europaea		طرائث - خائق الکرسنه	هالوک (مصر) اوروناکجی - جعفریل
طرار اغوبوغن Tragopogon	Tragopogon orientalis L.	Tragopogon villosum L.	۲ ۱۷۳/	؟	
آرنیثوس غالا Ornithos gala	Ornithogalum umbellatum L.	O. umbellatum			
ودثن Hudnon	Tuber michell - Terfezia claveriji	Tuber cibarium		کثاء	بنات الرعد
میدیکی Medike	Medicago sativa L.	M.sativa		رطبہ ، فصصه قضب	خشک: قت وبه فارسی: أسفست یربه موله (اندلس)

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Robert)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
انبالفراسن <b>Ampeloprason</b>	Allium ampeloprasum L.			کُراث الکرمی	کراث بری
أفاکی <b>Aphake</b>	Vicia cracca L.	Lathyrus Aphaca	۲ ۱۷۸/		نوعی از رطبه
سمیلکس لوبیا <b>Samilax kepaia</b>	Dolichos lubia Forsk	Smilax aspera		لوبیا	دجر - نامرا
فرآسن قافالوٹن <b>Prason kephaloton</b>	Allium ascalonicum L.	Allium porrum L.	۲ ۱۷۹/	کُراث الشامی	
انبالفراسن <b>Ampeloprason</b>	Allium Ampeloprasum L.			کراث بری	به معنای کراث الکرمی است.
قرومیان <b>Kromuon</b>	Allium cepa L.	A. cepa	۲ ۱۸۱/	بصل	
شُردین <b>Skordon</b>	Allium sativum L.	A. sativum	۲ ۱۸۲/	ثوم البستانی	
<b>Leukoskorodon</b>		Allium ampeloprasum L.	۲ ۱۸۲/		
<b>Ophioskorodon</b>		Allium scorodoprasum L.	۲ ۱۸۲/		
<b>Elaphoskorodon</b>		Allium subhirsutum L.	۲ ۱۸۲/		
براسنوشُردین <b>Skordoprason</b>	Allium scordoprasum L.	Allium descendens L.	۲ ۱۸۳/	ثوم کرائی	ثوم البستانی
<b>Sinepi</b>		Brassica alba	۲ ۱۸۴/		
کردامن <b>Kardamon</b>	Lepidium sativum L.	L. sativum	۲ ۱۸۵/	حرف الاحمر	حب الرشاد - نقا
تلسفی <b>Thalaspī</b>	Lepidium campestris R.Br.	Thlaspi bursa- pastoris L.	۲ ۱۸۶/	نوعی از حرف	اشیرون (اندلس)
دارابی <b>Drabe</b>	Lepidium draba L.	L. draba		حرف المشرقی	أحراز (صقالیه)؟
أروسیمن <b>Erusimon</b>	Sisymbrium officinale Scop.	Sisymbrium polyceratum L.	۲ ۱۸۸/	تُوذری تُوذرنج	صوب - شُسنْدله (اندلس) - أورو سیمو
باباری <b>Peperi</b>	Piper aromaticum Lamk.	Piper nigrum L.		فُلْفُل	
أوذروباباری <b>Hydropeperi</b>	Polygonum hydropeperi L.	P. hydropiper		فُلْفُل الماء	
زنجباری <b>Zingiberi</b>	Zingiber officinale Rosc.	Z. officinale		زنجبیل	
بطرمیقی <b>Ptarmike</b>	Achillea ptarmica L.	Beranthemum Annum			به معنای معطس بر گرفته از بطرموس
سُطروئون <b>Struthion</b>	Saponaria officinalis L.	S. officinalis	۲ ۱۹۳/		تاغیغیت (بربری) - قوللیه - کندش
فُقلامینوس <b>Kuklaminos</b>	Cyclamen europaeum L.	Cyclamen graecum Greek cyclamen	۲ ۱۹۴/	بخور مریم	عرطنا - رکف - خبر القُروود (افریقا)

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
فقلامینوس اخر Kuklaminos helera	Lonicera caprifolium L.	Cyclamen Hederifolium	۲ ۱۹۵/	صَریمه الجدی (اندلس) سلطان الجبل	ماطرشالبه (لاتینی) برگردان عربی: امالشعراء - اقلسدان و آدار (نامی بربری به معنای سلطان الجبل) رای مَنَسْت (لاتینی) (رای به معنای سلطان و منت به معنای کوه)
دراکُتیون Drakontion	Arum dracunculus L.	A.dracunculus	۲ ۱۹۶/	لوف الجعد - فیلجوش	به معنای لوف الحیه اصاره (مغرب) (صراخه (اندلس) غرغیتیه (لاتینی)
Drakontion Mikron		Arum maculatum	۲ ۱۹۶/		
أرون Aron	Arum vulgare L.	Arum dioscoridis L. Cuckoo-Pint		لوف السبط	صاره - ایرنی
أَرِصارُون Arisaron	Arum arisarum L.	A. arisarum		لوف	از انواع سه گانه لوف ذریه (مصر)
Asphodelus		Asphodelus ramosus Asphodel	۲ ۱۹۹/		
بَلْبوس Bolbos	Muscari comosum Mill.			بصل الزَّاز	
Bolbos Edodimos		Hyacinthus comosus	۲ ۲۰۰/		
Bolbos Emetikos		Ornithogalum Stachyoides Bulbus vomitorium			
سَقِیلَا Skilla	Scilla maritima L.	S. maritima	۲ ۲۰۲/	أَشْقِیل - عُنْصَل - عُنْصَلان	بصل الفار - بصل الفار بصل الخنزیر (مغرب) أَثْقِیل (بربری)
بَنَقْرَاطِیون Pankration	Pannkratium maritimum L.	P.maritimum Scilla pancration Nym.	۲ ۲۰۳/		نوعی بصل المنصل
قَبَارِس Kapparis	Capparis spinosa L.	C. spinosa	۲ ۲۰۴/	کبر	چیزهایی که در ریشه آن یافت می شود را أَصَف گویند. میوه: شَقْلُج
لِیبِیدون Lepidion	Lepidium sativum L.	Lepidium latifolium L.		عُشْبَه السلطان (مصر)	صَلَص
بَطْرَاخِیون Batrakhion	Ranunculus asiaticus L.	Ranunculus acris L.	۲ ۲۰۶/	كَفَّ الكلب و كف الضبع (مغرب)	دارای چهار نوع - برگردان عربی آن عُتْقَدُعی - کَبِکَج (سریانی)

نام لاتینی (این بيطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بيطار)	سایر نام ها (از ابن بيطار)
<b>Batrakhion Eterin</b>		Ranunculus lanuginosum L.	۲ ۲۰۶/		
<b>Batrakhion Triton</b>		Ranunculus muricatus L.			
<b>Batrakhion Tetarton</b>		Ranunculus aquatilis L.			
آنانامونی <b>Anemone</b>	Anemone coronaria L.	A.coronaria	۲ ۲۰۷/	شقائق النعمان شقر	ارجامونی (جالینوس)
ارجامونی آغریا <b>Argemone</b>	Anemona hortensis L.	Thalictrum flavium Agrimonia eupatorium	۲ ۲۰۸/ ۲ ۲۰۸/	ارجامونی	نوع دوم شقائق النعمان
آناغلس <b>Anagallis</b>	Anagallis arvensis L.	A.arvensis	۲ ۲۰۹/		
<b>Korkoros</b>		Anagallis coerulea	۲ ۲۰۹/		
قسوس <b>Kissos</b>	Hedera helix L.	H.helix	۲ ۲۱۰/	لیلاب الکبیر حبل المساکین	بشکه - بعضی از انواع آن به نام أحمل یا عصبه - یذره
خالدونیون طوماغا <b>Khelidonion to maga</b>	Chelidonium majus L.	C.majus			طوماغا به معنای بزرگ به معنای دواء الخطاطیف
خالدونیون طومشرون <b>Khelidonion to mikron</b>		Ranunculus ficaria L. Lesser celandine		نوع دوم طوماغا است .	
بتوقس اوطا <b>Muos ota</b>	Myosotis palustris Lam.	Lithospermum purpurea-coeruleum	۲ ۲۱۴/	آذان الفار الرومی	عین الهدد و باذرود (آفریقا)
اساطیس <b>Isatis</b>	Isatis titictoria L.	I. titictoria	۲ ۲۱۵/	نیل - نیلج	طین الاخضر - عین الاخضر
اساطیس آغریا <b>Isatis agria</b>		Isatis lusitanica	۲ ۲۱۶/	نیل بری	
طیلانیون <b>Telephonion</b>	Cerinth minor L.	C.minor.	۲ ۲۱۷/	حشیشه البرص	
جنطیانا <b>Gentiane</b>	Gentiana lutea L.	G.lutea .	۳/۳	دواء الحبه کوشاد	بششکه (لاتینی)
آغاریقون <b>Agarikon</b>	Polyporus officinalis Fr.				این نام یکی از شهر های روم به نام آغارِقَه است .
أرسطولوخیا <b>Aristolokheia</b>	Aristolochia Sp.	Aristolochia pallida Round Aristolochia	۴/۳	زراوند	دارای سه نوع است . مسمقار (بربری) بیرستم (آفریقا)



نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
<b>Aristolochia Makra</b>		Aristolochia Parvifolia Sm. Aristolochia Sempervirens L.	۵/۳		
<b>Aristolochia Klematitis</b>		Aristolochia boetica			
غلوقریرزا <b>Glukurrizza</b>	Glycyrriza glabra L.	G.glabra	۷/۳ تصویر گویا نیست	عودالسوس	عصاره آن به لاتینی مُبدله به معنای پاک کننده سینه است. مُثک
قَنطوریون طوماغا <b>Kentaureion to mega</b>	Centaurea centaurium L.	C.centaurium		قَنطوریون الکبیر	
قَنطوریون طو لبطون <b>entaureion to lepton</b>	Erythraea centaurium Pers.	E. centaurium	۹/۳	قَنطوریون الدقیق قَنطوریون طومقرون (طومقرون به معنای کوچک است.)	جَنتوریه (لاتینی) - قَصَّ الحِیَّه (مغرب) - مَکِیْسَه (اندلس) - طَرِیْطَر (ماتیرقا) - أجیلیه (رومی) - عزیرا
خامالون لوئس <b>Kamaileon leukos</b>	Atractylis gummifera L.	A. gummifera			داد الایض (مغرب) بشکرائیه و شجرالملک و محقریه (اندلس)
خامالان مالس <b>Kh.melas</b>	Cardoptium corymbosum pers.	C.corymbosum		داد الاسود (مغرب)	بشکرائین الاسود (اندلس) داد الوحید و وَغْد (آفریقا) زیرا با رویش آن گیاهان اطراف آن از بین می رود.
فروفودیلاون <b>Krokodeileon</b>	Carduus pycnocephalus L.	Echinops sphaerocephalus	۱۲/۳	رعی الحمیر (اندلس)	تیمط و تیمق (اندلس) فروفودیلاون (جالینوس)
دبساquos <b>Dipsakos</b>	Dipsacus fullonum L.	Dipsacus sylvestris Mill.	۱۳/۳	شوک الدراجین مشط الراعی	به معنای عطشان است.
أَنثالوقی <b>Akantha leuke</b>	Picnoman acarna Coss.	Echinops lanuginosus Acacia albida Cnicus acarna	۱۴/۳	باداورد	شوکه البیضاء (برگردان عربی آن)
أَنثا أرابیقی <b>Akantha Arabike</b>	Onopordon acanthium L.	Onopordon Arbicum L.	۱۵/۳	شکاعا	شوکه العربی (برگردان عربی آن)
سقولومس <b>Skolumos</b>	Scolymus hispanicus L.	S.hispanicus.	۱۶/۳	حَرْشَف البری	لَصَف (اندلس)
بطریون <b>Potirion</b>	Astragalus poterium L.	Astragalus creticus Lam.	؟		

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
آکانتیون Akanthion		Onopordon illiricum L.	۱۸/ ۳	رأس الشَّيخ نوعی شکاعی	وجه تسمیه به رأس الشیخ: روئیدن گل های سفید در وسط گل آذین آن می باشد.
آکانتس Akanthos	Cynara scolymus L.			حرشَف البستانی کَنکَر	قناریه (مغرب)
Akantha Erpekantha		Acanthus spinosus Acanthus mollis	۱۹/ ۳		
Akantha Agria		Silybum syriacum	۲۰/ ۳		
آنونش Anonis	Anonis antiquorum L.	Ononis antiquorum Ononis arvensis L.		زریعه الابلیس	مرمر (مصر)
لوقانتا Leukakantha	Cnicus tuberosus L.	Cirsium tuberosum	۲۲/ ۳	؟	گیاهی خاردار
طراغاتا Tragkantha	Astragalus tragacantha L.	Astragalus aristatus L.		شوگ القَتَاد	صمغ: کثیرا
ایرنجی Erunge	Eryngium campestre L.	Eryngium planum L.	۳ / ۲۴	شوکه السوداء شوکه اليهودیه شوکه الزرقا	جنت قابطه، بهرابطه به معنای شوگ المتفلفل - قرصنه (سریانی)
آلوی Aloe	Aloe vera L.	Aloe vulgaris Lam.	۲۵/ ۳	شجره الصبر	صباره - صابره
اوبشینی Apsinthion	Artemisia absinthium L.	Ar. absinthium Artemisia pontica		افستین کشوث الرومی	نشانه (لاتینی) افستین ساحلی = شیب العُجُوز
Apsinthion Thalassion		Artemisia maritima	۲۷/ ۳		
Apsinthion Triton Santonion		Artemisia palmata			
ساریفون Seriphon	Artemisia maritima L.			شیخ	۱- شیخ الارمنی ۲- شیخ البحری
آبروتون Abrotonon	Achillea fragrantissima Sch. Artemisia abrotonon L.	A. abrotonon	۲۹/ ۳	قبصوم	دارای دو نوع نر و ماده
أسوفون Hussopon	Hyossopus officinalis L.	Thymbra stricata Hor. تصویر مربوط است به Origanum Lirium	۳۰/ ۳	زوفای یابس	
ستخادس Stoikhas	Lavandula stoechas L.	L. stoechas	۳۱/ ۳	اسطوخودوس	ابن بیطار در نقدی این گیاه را اسطوخودوس ندانسته و آن را معادل نام لاتینی برسه قدوشکه می داند و می گوید: رویشگاه این گیاه در اندلس و شهرهای مغرب بوده و گیاهی که در مناطق محل زندگی او می روید حلتحال — سمیره -

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
أوریفانوس أیرقلاوطیقی Origanos Herakleotike	Origanum sp.	Origanum vulgare var. megastachyum	۳۲/۳	صعتر	دارای انواع ابيض و اسود و ملوکی و صعتر الشوا که همان خوزی است فودنج جلی
Origanos onitis		Origanum onitis L. Origanum sipyleum L.	۳۳/۳		
Agrioriganos		Origanum vulgare			
Tragoriganos		Thymus graveolens Bieb. Origanum majorana L.	۳۵/۳		
Origanos Erakleotike		Origanum vulgare L. var. megastachyum			
غلیجن Glekhon	Mentha pulegium L.	Mentha pulegium var. erecta	۳۶/۳	فودنج بری	بلايه (اندلس)(مصر)
دقطنن Diktamnon	Origanum dictamnus L.	O. dictamnus	۳۷/۳ تصویر خیالی است.	مشکطرامشیع فودنج التیسی	دارای سه نوع است : ۱ - بلايه جربوئنه (لاتینی) به عربی به معنای غُبیره الأیل ۲ - فُسودودقطنن به معنای مشکطرامشیع کاذب. نام دیگر آن: فُسودودقطنن به معنای مشکطرامشیع زوری ۳ - الاقربطی
Pseudodiktamnos		Marrubium pseudodictamnus	۳۸/۳		تصویر مشابه Salvia officinalis
Diktamnos Allo		Ballota pseudodictamnus Be.			
ألسفانوس Elelisphakon	Salvia officinalis L.	S.officinalis Salvia cyanescens	۴۰/۳	لسان الأیل (برگردان عربی آن)	ناعمه (اندلس) شالبیه (لاتینی)
أید یاسمن Heduosmon	Mentha piperita Smith.			نعنغ	
Eduosmon Emeros		Mentha sativa L.	۴۱/۳ مشکوک		
Eduosmon Agrios		Mentha aquatica L.	۴۲/۳		
قالامنتی Kalaminthe	Thymus calamintha Scop. Thymus barrelieri Spreng. Thymus nepeta Sm.	Mentha sylvestris	۴۳/۳	فودنج	دارای سه نوع است: نهری به نام صومران (مغرب)، حبیق التمساح، جلی به نام نابطه (اندلس)
ثومش Thumos	Thymus capitatus L.	T.capitatus	۴۴/۳	صعتر جلی	صعتر الحمیر (اندلس)

نام لاتینی (این بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ایراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth از)	شماره تصویر	نام عربی (از این بیطار)	سایر نام ها (از این بیطار)
ثمبرا <b>Thumbr</b>	<i>Satureia hortensis</i> L.	<i>Satureia thymbra</i> <i>Micromeria juliana</i> Bent.	۴۵/۳	صعتر الفارسی	شطریه (اندلس)
أرفلس <b>Erpullos</b>	<i>Thymus vulgaris</i> L. <i>Thymus serpyllum</i> L.	<i>Thymus sibthorpii</i> Benth.	۴۶/۳	نعام	برگرفته از نام لاتینی أرفی که همان دبیب ونعام است
صمصوخن <b>Sampsukhon</b>	<i>Orgianum majorana</i> L.	<i>O. majorana</i>	۴۷/۳ نامشخص ص	مرزنجوش سمسق	آنجرک - مرددوش (اندلس) - ملول - عنقر
مالیلوطس <b>Melilotos</b>	<i>Melilotus officinalis</i> Lam.	<i>Trifolium officinalis</i> Willd. <i>Trifolium italicum</i> Boiss. <i>Trigonella graeca</i> Boiss.		أکلیل الملک	دارای چهار نوع است ۱: - ۲ - قرنچ (اندلس) - ۳ - معقرب ۴ - مدرهم الورق دارشاه (فارسی) شجره الخب (آفریقا)
سینبرون <b>Sisumbrion</b>	<i>Thymus glaber</i> Mill.			نعام بری	العائنه (لاتینی) - سینبر
مارون <b>Maron</b>	<i>Origanum marum</i> L.	<i>Trifolium sipyleum</i>	۴۹/۳	مرماحوز	تصویر مربوط به <i>Hypericum</i> sp.
أقینس <b>Akinos</b>	<i>Ocium pilosum</i>	<i>O. pilosum</i>	۵۰/۳	قرنچمشک	حیق القرنفل - أصابع الفتیات - قلثمان
بخخارس <b>Bakkharis</b>	<i>Baccharis</i> sp.	<i>Conyza squarrosa</i> <i>Gnaphalium</i> <i>sanguineum</i> Sp.		قرنغلیه (اندلس)	
پیغانن <b>Peganon</b>	<i>Peganum harmala</i> L. <i>Ruta montana</i> L. بری <i>Ruta graveolens</i> L.				دو نام متفاوت برای این گیاه ذکر شده یکی سداب بری و بستانی و دیگری اسفند یا حرمل
<b>Peganon To Kapaion</b>		<i>Ruta graveolens</i>	۵۲/۳		
<b>Peganon To oreinon</b>		<i>Ruta montana</i>	۵۲/۳		
<b>Peganon Agrion</b>		<i>Peganum harmala</i>	۵۳/۳		
مولی <b>Molu</b>	<i>Allium moly</i> L.	<i>Allium dioscorides</i> Si.	۵۴/۳		نوعی بلبوس
فاناقس ایرقلیون <b>Panakes Herakleion</b>	<i>Opopanax chironium</i> Koch.	<i>Opopanax hispidus</i> Gr. <i>Ferula opopanax</i> Spreng.	۵۵/۳	جاوشیر	ریشه: - برورا - برگردان نام لاتینی آن به عربی)
فاناقس أسقلیون <b>Panakes Asklepion</b>	<i>Echinophora tenuifolia</i> L.	<i>E. tenuifolia</i> <i>Ferula nodosa</i> Benth.		زوافرا	نام اولین شخصی است که آن را شناسایی کرده است.
فاناقس خیرونیون <b>Panakes Kheironion</b>					نام اولین شخصی است که آن را شناسایی کرده است.

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
لیقسطیقون <b>Ligustikon</b>	Levisticum officinale Koch.	Liserpitium siler L.		کاشم	زرغد (انطالیا)
اسطافالینوس أغریوس <b>Staphulinos agrios</b>	Daucus carota L.	Daucus guttatus Sibb.	۵۹/۳	جزر البری دوقوا	جزر البستانی
<b>Staphulinos Kepaios</b>		Daucus carota L.	۵۹/۳		
ساسالیوس <b>Seseli</b>	Seseli tortuosum L.				دارای سه نوع است.
<b>Sesel Massaleotikon</b>		Echinophora tenuifolia L.	۶۰/۳		
<b>Sesel aithiopikon</b>		Bupleurum fruticosum L.	۶۱/۳		
<b>Sesel Peloponnesiakon</b>		Angelica sylvestris L. Myrrhis odorata Scop.	۳ ۶۲/		
طرزین <b>Tordilon</b>	Tordilium officinale L.	T. officinale		نوع چهارم اسالیوس به نام اقریطی است.	بقول الشعال (اندلس) (زیرا برای درست کردن آتش از آن استفاده می شود.
سینون <b>Sinon</b>	Sison amomum L.	S. amomum		؟	
آنسین <b>Anesson</b>	Pimpinella anisum L.	P. anisum - Anise	۶۵/۳	آنسین رازیانج رومی کمون الحلو	حبّ الحلو (اندلس)
قاروا <b>Karo</b>	Carum carvi L.	C. carvi		کرویا بستانی کمون الارمنی	تصویر ممکن است مربوط به : <b>Ammi majus</b> باشد
آنثیون <b>Anethon</b>	Anethum graveolens L.	A. graveolens		شبت	أنیث (لاتینی) - أسلیلی (بربری)
کومینون <b>Kuminon Emeron</b>	Cuminum cyminum L.	C. cyminum	۶۹/۳	کمون الابيض کمون الکرماتی	کمون الملوکی (دیاسکوریدس)
فیمینون أغریون <b>Kuminon agrion</b>	Lagoecia cuminoides L.	L. cuminoides	۶۸/۳	کمون البری (برگردان نام لاتینی)	تصویر از <b>Centaurea sp.</b>
آمی <b>Ami</b>	Carum copticum Benth	Ammi visnaga	۷۰/۳	نانخواه	کمون الحبشی التنبیا (سریانی)
قوریون <b>Korion Koriannon</b>	Coriandrum sativum L.	C. sativum	۷۱/۳	کُزیره	دانه : نَقْدَه
<b>Ierakion Mega</b>		Arnopogon picroides	۷۲/۳		
<b>Ierakion Mikron</b>		Scorzonera elongata	۷۳/۳		

نام لاتینی (ابن بطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Robert)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بطار)	سایر نام ها (از ابن بطار)
سالیوس قیفاون <b>Selinon kepaion</b>	Apium graveolens L.	A. graveolens L.	۷۴/ ۳	کرفس البستانی	اوشالین - کرفس المبائی - کرفس الاجامی (مغرب)
<b>Selinon Agrion</b>		Ranunculus repens L.			
<b>Eleioselinon</b>		Apium graveolens Marsh Celery	۷۵/ ۳		
اوراسالینون <b>Oreoselinon</b>	Peucedanum oreoselinum	Petroselinum sativum تصویر ممکن است مربوط باشد به: Poterrum sp.	۷۶/ ۳	کرفس الجبلی	اورا به یونانی به معنای کوه و سالیون به معنای کرفس است
بطراسالینون <b>Petroselinon</b>	Carum petroselinum Benth & hook.	Athamanta macedonica Spreng.		کرفس الصخر	بطرا به یونانی به معنای صخره می باشد.
أفوسالینون <b>Hipposelinon</b>	Smyrnium perfoliatum L.	Smyrnium olusatrum Alexanders		کرفس العظیم	یخخص (بربری) أجبرنی
سمرنیون <b>Smurniun</b>	Smyrnium olusatrum L.	Smyrnium dioscoridis	۷۹/ ۳	کرفس بری	
ألافوبسکن <b>Elaphobosko n</b>	Echinops spharocephalus L.	Pastinaca graeca	۸۰/ ۳	رعی الأیل	راعیاذیلا (سریانی)
مارثون <b>Marathon</b>	Foeniculum vulgare Mill.	F.vulgare	۸۱/ ۳	رازیانج البستانی	برهلیا- شمار - شمار
أفومارثن <b>Hippomarathon</b>	Hippomarathrum libanotis Koch.	Prangos ferulacea L.	۸۲/ ۳		به معنای شمار العریض است.
مارثون أغریون				رازیانج بری	
دوکس <b>Daukos</b>	Athamanta L. Peucedanum cervaria L. Seseli ammoides L.	Atcretensis Daucus carota S.ammoides L.			دارای سه نوع است.
<b>Delphinion</b>		Delphinium peregrinum	۸۴/ ۳		
<b>Delphinion Eteron</b>		Delphinium consolida			
فرثرون <b>Purithros</b>	Anacyclus pyrethrum DC.	Anthemis pyrethrum تصویر مربوط به Oenanthe:	۸۶/ ۳		
لیبانوتس <b>Libanotis</b>	Cachrys libnotis Ferula nodiflora L.	C. libnotis F.nodiflora Prenanthes purpurea		کندریات	سه نوع است
سفندولیون <b>Sphondulion</b>	Heracleum spondylium L.	H.spondylium	۹۰/ ۳	کَلخ الدلبی	نافیغرا (بربری)
نرثکس <b>Narthechos</b>	Ferula communis L.	F.communis	۹۱/ ۳	کَلخ الكبير	نارثکس - شجر القنا
فوقاذن <b>Peukedanon</b>	Peucedanum officinale L.	P. officinale	۹۲/ ۳	آندراسیون	بربطوره (لاتینی) بربطور (مغرب) جابهینک

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ایراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth j)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
مالیتئون Melanthion	Nigella sativa L.	N.sativa	۹۳/۳	شونیز کَمُون الاسود	شمیت مورس (لاتینی) زربعه السوداء - حبه الاسود
سلفیون Silphion	Ferula assafoetida L.	Ferula tingitana L.		اَنْجَدَان	شجره الحلیت
صاغابین Sagapenon	Ferula scowitziana DC.	Ferula persica Willd.		سکینج	شاکه بانه ( نامی لاتینی به معنای خارج کننده باد).
اُفریون Euphorbion	Euphorbia L.	Euphorbia L.		فریون	تاکوت (بربری) لویانه مغریه (مصر)
خَلْبَانِی Khalbane	Ferula galbaniflua Boiss. & Bush.	Ferula ferulago L. Selinum galbanum		قنه	خَلْوَانِی (انطابا) بارزَد (فارسی)
اُمونیاکن Ammoniakon	Dorema ammoniacum Don.	Ferula orientalis L. Ferula tingitana L.	۹۸/۳	اَشَق - وَشَق اَشَج - وُشَج	عُته (لاتینی) لِزاق الذهب
صَرَقُولَا Sarkokolla	Astragalus sarcocolla L.	Penaea sp.		عزروت انزروت	سرفقلین (رومی) کُحل فارس
Glaukion		Glaucium corniculatum Curt.			
Ixos		Viscum album L.or Loranthus europaeus			
اُفارینی Aparine	Galium aparine L.	G.aparine or Galium verrucosum Sm.	۳ ۱۰۴/	مصفی الرعاه (اندلس) - حشیشه الافعی	به معنای دوست دارنده صاحب خود بیض العنکبوت
اُلوسن Alusson	Alyssum saxatile L.	Alyssum clypeatum	۳ ۱۰۵/		به معنای مفید برای گریذگی سگ
سقلیاس Asklepias	Asclepias vincetoxicum L.	Cynanchum vincetoxicum Pers.	۳ ۱۰۶/	؟ قنابری	
اَطَرَطُولس Atraktulis	Carthamus lanatus L.	C.lanatus Atriplex hortensis L.	۳ ۱۰۷/	عَصْفَر البری	مرزجون (لاتینی)
قَلینوفُذیون Klinopodion	Clinopodium vulgare L.	C.vulgare L. Melissa clinopodium	۳ ۱۰۹/		به معنای پایه های تخت
فولونئمِن Poluknemon	Zizyphora capitata L.	Mentha arvensis L.	۳ ۱۰۸/	أمریه و شجیره ومشکرون	شاید تصویر مربوط باشد به: Stachys sp.
لاونطوباطالن Leontopetalon	Leontice leontopetalum L.	Leontice chrysogonum L.	۳ ۱۱۰/	عُرطنیثا (اسم مشترک)	مهد (ساحل غزه) عَلج (اهل مشرق)
طوکرِیوس Teukrion	Teucrium flavum L.	T.flavum or Veronica teucrium	۳ ۱۱۱/	کَمادریوس التعمی	یربه اُشمیلینی به معنای گیاه طحال است
			تصویر همانند نهره نمناغ نیست یا		

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
لوقاس الجبلیه Leukas	Lamium maculatum L.	L.maculatum		نوعی خُرّامی	به معنای خیری جبلی است زیرا برگردان لوقاس، خیری است.
خامادریوس Khamaidruos	Teucrium chamaedrys L.	T.chamaedrys	۳ ۱۱۲/	کَمَازِیوس	به معنای بلوطی است زیرا خاما به معنای زمین و درس به معنای بلوط می باشد
لُخْنِیس الِاکْلیلیه Lukhnis stephanomatik e	Lychnis coronaria Desf.	L.coronaria	۳ ۱۱۴/		
لُخْنِیس اُغْرِیا Lukhnis agria	grostemma githago L.	A.githago	۳ ۱۱۵/	خُرّامی	
قَرینُوصواسین Krinonsusino n	Lilium candidum L.	L.candidum	۳ ۱۱۶/	گل سوسن سفید و رازقی	
بَلُوطی Ballote	Ballota nigra L.	B.nigra Lamium striatum Sib.		نوعی فراسیون سیاه رنگ	مرویه بَنَتُوشه (لاتینی)
مالیوْقُلن Melissophullon	Mellissa officinalis L.	M.officinalis	۳ ۱۱۸/	ریحان الترنجی	بادرنجبویه- باذر ثوبه
براسین Prasion	Marrubium vulgare L.	M.vulgare	۳ ۱۱۹/	فراسیون الابیض مَرُوبه الابیض سنار	شجره الکلاب (سگ) ها بسیار پای آن بول می کنند. شجره سندیان الارض
سطاخیس Stakhus	Stachys germanica L.	Stachys palaestina L.	۳ ۱۲۰/ نامشده ص	قارَه (اندلس) زیرا نوشتن آن فرد را از خفقان نجات می دهد.	أَنُوشَه (لاتینی)
فلیطش Phullitis	Phyllitis scolopendrium L.	Scolopendrium vulgare	۳ ۱۲۱/	ذَنَب الحدّاه	اکثرا در دهانه های چاه ها می روید.
فالنجین Phalangion	Phalangion ramosum Lam.	Anthericum graecum L.	۳ ۱۲۳/		به معنای مفید برای نیش رتیل می باشد.
طریفلن Triphullon	Psoralea bituminosa L.	P.bituminosa	۳ ۱۲۳/		طریفل (اندلس) - حشیشه الحمی (آفریقا) - حومانه
بلوین Polion	Teucrium polium L.	T.polium	۳ ۱۲۴/	جعده	دونوع سفید و سیاه دارد فولیون (رومی)
أشقرذین Skordion	Teucrium scordium L.	T.scordium	۳ ۱۲۵/	حافظ الأجساد حافظ الارواح	ثوم (زیرا بوی پیاز می دهد) ثوم بری - مطرقال - حشیشه الثومیه (اندلس)



نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Robert)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
فیخین Bekhion	Tussilago vulgaris L.	Tussilago farfara L.		حشیشہ السُّعال	دستوربه (اندلس)
أرطاماسیا Artemisia	Artemisia vulgaris L.	A.vulgaris		بلنجاسف برنجاسف	دارای انواعی است .
Artemisia monoklonos		Artemisia campestris	۳ ۱۲۷/		
Artemisia monoklonos Etera		A.vulgaris	۳ ۱۲۷/		
Artemisia leptophullos		Artemisia arborescens			
أمبروسیا Ambrosia	Ambrosia maritima L.	Artemisia campestris	۳ ۱۲۹/	نوعی برنجاسف	
بطرس Botrus	Chenopodium botrys L. Ch. Ambrosioides L.	Chenopodium botrys		نوعی برنجاسف	
غارائین Geranion	Geranium rotundifolium L.	Geranium Tuberosum	۳ ۱۳۱/	تَمار - جابره	نوعی رَقعات
Geranion Eteron		Erodium malachoides Willd.	۳ ۱۳۱/		
غنافلین Gnaphallon	Gnaphalium L.	Santolina maritima	۳ ۱۳۲/	قضبہ	
طیفی Tuphe	Typha latifolia L.	Ty.latifolia Typha angustata L.	۳ ۱۳۳/	نوعی حلفاء	
قرقا Kirkaia	Circaea Tourn.	Cynanchum nigrum Pers.			بنکه (لاتینی)
أَلْتَنی Oinanthē	Spiraea filipendula L.	Pedicularis tuberosa Vill.	۳ ۱۳۵/		
قُونِزَا Konuz	Inula conyzoides DC.	Inula viscosa Ait.Hor. Inula saxatilis Lam. Inula britannica L.	۳ ۱۳۶/	شجره البراغیث	تَرَهْلَا (بربری) - مَشْکَبَه (لاتینی) - لَبَارْدَه - طَبَاق (اندلس)
ایماروقالس Hemerokallis	Hemerocallis flava L.	Lilium chalcedonicum	۳ ۱۳۷/	موسن اصغر	زنبق (دمشق)
لُوقانین Leukoion	Cheiranthus flava L.	Cheiranthus cheiri Matthiola incana	۳ ۱۳۸/	خیری مثنور	مه نوع است
Leukoion Thalassion		Cheiranthus tricuspidatus L.	۳ ۱۳۸/		
قُرَااطَاوْغُونُون Krataiogonon	Polygonum persicaria L.	P.persicaria Polygonum hydropiper	۳ ۱۳۹/	حطه البریه ؟	
فیلون Phullon	Mercurialis annua L.	M.annua	۳ ۱۴۰/	نَافُورَا ؟	
أَرْخِس Orkhis	Orchis morio L.	Orchis rubra Jacq. Orchis papilionacea		خُصی الکلب	قاتل اخیه (ایرا ریشه آن در تانی بوده یکی پر از مِسَواد و دیگری چروکیده می باشد ولی پس از گذشت زمستانی موقعیت آن ها عوض می شود

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
أرخس آخر <b>Orkhis heteros</b>	<i>Orchis undulatifolia</i> L.	<i>Ophrys apifera</i> ?		نوعی خاصی الکلب	ساراقیاس (این اسم از نام خدائی از قبسط مشتق شده است و به معنای بسیار پسر منفعت می باشد)
ساطوریون <b>Saturion</b>	<i>Orchis anthropophora</i> L.	<i>Ophrys</i> sp.		خُصی الثعلب	دارای دو نوع است.
أرمین <b>Horminon</b>	<i>Salvia horminum</i> L.	<i>Sa. horminum</i>	۳ ۱۴۵/ نامشخص ص	حب القلقل	قوشون (جالینوس) قلقل - قُلَاقِلی
أیدیسارون <b>Hedusaron</b>	<i>Hedysarum</i> L.	<i>Securigera coronilla</i> DC.			به معنای فأسی یعنی بزر آن دارای دو سر تیز چون فأس می باشد. فلاقینس (به معنای زیان)
أنوما <b>Onosma</b>	<i>Onosma echinoides</i> L.	<i>Onosma</i> sp.	۳ ۱۴۷/	خَس الحمار	رجل الحمامه (اندلس) انوسما (جالینوس)
نیمفا <b>Numphaia</b>	<i>Nymphaea alba</i> L.	<i>N. alba</i>	۳ ۱۴۸/	عروس الماء قاتل النحل	لینوفر - نوفر
<b>Numphaia Alle</b>		<i>Nuphar luteum</i> Sibth			
أندرساقس <b>Androsakes</b>	<i>Androsace lactea</i> L.			ملاح ( به خاطر شباهت آن به رنگ نمک نه طعم آن به این نام مشهور است )	از انواع حمض - کشملخ - كُشْمَلَخَه
أسفلیس <b>Asplenos</b>	<i>Scolopendrium vulgare</i> Sw.	<i>Gymnogramma ceterach</i> (L.) Spre.		السقولوفندریون عقربان	حشیشه الدودیة و حشیشه الذهبية (اندلس)
ایمونیطس <b>Hemionitis</b>	<i>Hemionitis</i> L.	<i>Scolopendrium hemionitis</i> L.		ایمونیطس ؟	
أنثلیس <b>Anthullis</b>	<i>Cressa cretica</i> L. <i>Ebenus cretica</i> L.	<i>C. cretica</i> <i>Ajuga iva</i>	؟		
أنثیس <b>Anthemis</b>	<i>Anthemis nobilis</i> L.	<i>Anthemis chia</i> L.		بابونج - بابونق بابونک - بابونه	خَمَامِلَن (یونانی) (به) معنای تفاح الارض است) مستأنه (لاتینی) (به) معنای سیب می باشد زیرا بونی شبیه به بوی سیب دارد.)

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Robert)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
<b>Anthemis Porphuranthes</b>		Anthemis rosea Sibth.			
<b>Anthemis Melananthes</b>		Anthemis tinctoria L.			
فَرثانیون <b>Parthenion</b>	chrysanthemum parthenium Pers.	Pyrethrum parthenium	۳ ۱۵۵/	أَقْحَوَان	
بَقْثَلْمَن <b>Buphthalmion</b>	Anthemis arvensis L.	Anthemis valentina L.	۳ ۱۵۶/	بهار - عین البقر (برگردان نام لاتینی)	نوعی بابونج - أَمْلَل (بربری) - بیلیو (لاتینی)
غلیقسیدی <b>Glukuside Paionia Arren</b>	Paeonia corallina L.	P. corallina		فاوینا عود الصلیب	کهنایا - ورد الحمیر (اندلس) اسم مشترک دارای دو نوع نر و ماده است.
<b>Paionia Theleia</b>		Paeonia officinalis			
لیتُسفرمن <b>Lithospermon</b>	Lithospermum officinale L.	L.officinale تصویر مربوط به : Lathyrus aphaca Tourn. & L.	۳ ۱۵۸/	قَلْب (زیرا بسیار سخت و سفید است)	به معنای بزر الحجری است . شَخْفَرَاغْثَه (لاتینی) برگردان عربی آن: کاسر الحجر یا مَشْطِیَه
فالریس <b>Phaleris</b>	Phalaris tuberosa L.	Phalaris canariensis Nutt.	۳ ۱۵۹/	؟	فَالیُورُس (جالینوس)
أَرُثْرَدَانُون <b>Eruthrodanon</b>	Rubia tinctorium L.	R.tinctorium	۳ ۱۶۰/	فَوَه الصَّبَغ	ثاروبیا (بربری)
لَنْخِیْطُس <b>Lonkhitis</b>	Serapias lingua L.	S.lingua.			
لَنْخِیْطُس آخر <b>Lonkhitis hetera</b>	Aspidium lonchitis L.	A.lonchitis	۳ ۱۶۲/	رَقْعَه الصَخْرِیَه (اندلس)	
أَلْثَاا <b>Althaia</b>	Althaea officinalis L.	A.officinalis	۳ ۱۶۳/	خَطْمِی مَلُوخِیَا الشَّجَر	ورد الزوانی
أَلْثَا آخر <b>Alkea</b>	Althaea rosea Cau.	Malva alcea L.		خَطْمِی البری	شَحْم المَرْج
قَنَابِش <b>Kannabis</b>	Cannabis sativa L.var. indica	Cannabis sativa	۳ ۱۶۵/	قُنْب - شَهْدَانِج	شادانق
قَنَابِش أَغْرِیُون <b>Kannabis agria</b>	Althaea cannabina L.	A.cannabina	۳ ۱۶۶/	قُنْب البری شَهْدَانِج البری	قَنَبِیَه (مصغر قُنْب)
أَنَاغُرُون <b>Anaguros</b>	Anagyris foetida L.	A.foetida	۳ ۱۶۷/	أَمْ کَلْب	میوه : خَرْتُوب الکَلْب (اسم مشترک) حَبَّ الکَلْبِ
تِبْأ <b>Kepaia</b>	Sedum cepaea L.	S.cepaea		جوز القَطَا (اندلس)	شجر حب الاسیر (ابن حُثَّان)

نام لاتینی (ابن بطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بطار)	سایر نام ها (از ابن بطار)
آلیسما <b>Alisma</b>	<i>Alisma plantaga L.</i>	<i>A. plantaga</i>	۳ ۱۶۹/	مزمار الراعی	دماسونیون (جالینوس) سنبل الملوک - اذن الأرتب
آنوبراخیس <b>Onobrukhis</b>	<i>Onobrychis viciaefolia Scop.</i>	<i>Vicia onobrachioides Sanfoin</i>	۳ ۱۷۰/ مشکوی	عنب الحبه (برگردان آن به عربی)	
أوفاریقون <b>Huperikon</b>	<i>Hypericum barbatum L.</i>	<i>H. barbatum Hypericum crispium L.</i>	۳ ۱۷۱/	هیوفاریقون فاذی الرومی دارای چهار نوع	یزبه قرنجیره ) اندلس (به معنای عشبه القلب است یعنی دارای دانه ای قلبی شکل است . - منسبه
أسقیرن <b>Askuron</b>	<i>Hypericum perforatum L.</i>	<i>H. perforatum L.</i>		نوع دوم هوفاریقون	
آندروسامن <b>Androsaimon</b>	<i>Hypericum ciliatum L.</i>	<i>H. ciliatum</i>		نوع سوم هوفاریقون	بزرگترین نوع آن
قورس <b>Koris</b>	<i>Hypericum coris L.</i>	<i>H. coris</i>		نوع چهارم هوفاریقون	آندروساقس (جالینوس)
خامایطس <b>Khamaipitus</b>	<i>Ajuga chamaepitys L.</i>	<i>A. chamaepitys</i>		صنوبر الارض (برگردان آن به عربی)	دارای سه نوع است . صنوبری - اکلیلی - فرفری - کمافیطوس
<b>Khamaipitus Etera</b>		<i>Aiuga chamaepitys</i>			
<b>Khamaipitus Trite</b>		<i>Passeina hirsuta L.</i>			
قسطرن <b>Kestron</b>	<i>Stachys betonica Benth.</i>	<i>Betonica alopecuos Ros.</i>	۱/ ۴ نامشخص ص		
برطانیکی <b>Brettanike</b>	<i>Rumex brettanica L.</i>	<i>Lythrum salicaria L.</i>		خماض حسکی	گفته شده بستان افروز است.
لوسیماکھیوس <b>Lusimakheios</b>	<i>Lysimachia vulgaris L.</i>	<i>L. vulgaris</i>	۳/ ۴	عود الريح (اسم مشترک) (اندلس)	قصب الذهبی (اندلس) خوخ الماء - خوبخته قصب الريح (اسم مشترک) (اندلس)
بلوغوثن <b>Polugonon arren</b>	<i>Polygonum aviculare L.</i>	<i>P. aviculare</i>	۴/ ۴	عصا الراعی	به معنای ذکر (نر) است. شبطباط - خطری دعیا بطباط (سریانی)
بلوغاثن <b>Polugonon thelu</b>	<i>Equisetum pallidum L.</i>	<i>Hippuris vulgaris</i>		نوع دوم عصا الراعی	

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ایراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
فلوغوناطن Polugonaton	Polygonatum officinale L.	Convallaria polygonatum	۶/ ۴	؟	غُودِیَالَه (لاتینی)
قلیماطیس Klematis	Vinca minor L.	V.minor	۷/ ۴	نوع بزرگ عصا الراءعی	قُضَاب (مصر)
فولامونیون Polemonion	Polemonium caruleum L.	Polemonium coeruleum	۸/ ۴	؟	
سمفوطن بطراون Sumphuton Petraion	Symphytum petraeum	Symphytum sp.		شاغۀ الصخریه (اندلس)	
سمفوطن آخر	Symphytum bulbosum Sch.	Symphytum sp.		شاغۀ البستانی	شَبِیْطَه (لاتینی)
اولکستیون Holosteon	Holosteum umbellatum L.	Holosteum sp.		جامع البضع (برگردان آن به عربی)	
سٹوبی Stoibe	Poterium spinosum L.	P.spinosum	۱۲/ ۴	؟ شجره اللاذن	
فارقلومائن Periklumenon	Leonicea periclymenon L.	Convolvulus arvensis L.	۱۴/ ۴	صَریْمَه الجدی	نوع دوم قُفْلَامِیْنوس .
قلومائن Klumenon	Leonicea periclymenon L.	Convolvulus sepium L.	۱۳/ ۴	أَطْفَار القَط	اُونِیَاغَاتَه (لاتینی)
طرویلش Tribolos	Tribulus terrestris L.	T.terrestris	۱۵/ ۴	حسک - شکوهج	أَبْرُوذِیَا (رومی) غاله جاقه (لاتینی) حمص الامیر (مغرب)
لیمونیون Leimonion	Statice limonium L.	S.limonium	۱۶/ ۴	سَبْخِی (برگردان آن به عربی)	نوع ششم حماض طویل الورق و عسالیج ، سلق الماء
لاغوبن Lagopun	Trifolium arvense L.	T.arvense	۱۷/ ۴	أَرْبِی (برگردان نام لاتینی)	
میدیون Medion	Campanula lacinata L.	Astragalus sesameus L.	۱۸/ ۴	دَبَّ ایل	
أفیمدئون Epimedium	Epimedium alpinum L.	E.alpinum	۱۹/ ۴	؟	
کسیفیون Xiphion	Gladiolus communis L.	G.communis	۲۰/ ۴	سوسن بری سیف القُراب	سیف القُراب - دورحولی - فسنفانیون
سفرغانیون Sparganion	Sparganium ramosum Huds.	S.ramosum	۲۱/ ۴	نوعی سوسن بری	سَقَارطَاغَانِیون (جالینوس)
اُکسورس Xuris	Iris foeditissima L.	I.foeditissima	۲۲/ ۴	نوعی سوسن	
آنکُسا Ankhusa	Alkanna tinctoria Tausch. chium diffusum L. Lithospermum fruticosum L.	Anchusa tinctoria L. Echium creticum L. L.fruticosum	۲۳/ ۴ ۲۴/ ۴ ۲۵/ ۴	خَسَّ الحمار شُجَار - حمیرا رجل الحمامه	آنخوسا - أبوحلسا خناء الغوله (مصر) دارای سه نوع است .

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberthz)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
لوقبوسوس <b>Lukapsos</b>	Echium italicum L.	E.italicum	۳۶/ ۴	از جنس شنجار	
آخيون <b>Ekhion</b>	Echium rurum L.	Echium vulgare	۳۷/ ۴	ذکر الافعی	(به خاطر اینکه دارای میوه ای در رأس است که به شکل سر افعی می باشد.)
آقیمیداس <b>Okimoeides</b>	Silene gallica L.	Cerastium aquaticum ?	۳۸/ ۴	کسیه (برای نیش عقرب مفید است.)	
آغرسطس <b>Agrostis</b>	Agropyrum repens Beauv.	Cynodon dactylon	۳۰/ ۴	نجم - ثیل عکرش	آفار (بربری) - نجیل و نجیر (لاتینی)
<b>Agrostis en Parnasso</b>		Parnassia palustris L.			
قالامغرسطس <b>Kalamagrostis</b>	Dactylis repens L.	Cynosurus aegyptiaca L.	۳۱/ ۴	ثیل القصبی برگردان نام یونانی	
سندریطس <b>Sinderitis</b>	Stachys recta L.	Sideritis remota Urv.	۳۳/ ۴		غاله قرشته (لاتینی)
سندریطس آخر <b>Alle sinderitis</b>	Potenrium sanguisorba L.	Sanguisorba Officinalis		توت الثعلب	توبته
سندریطس آخر <b>Hetera sinderitis</b>	Scrophularia chrysanthemifolia L.	Scrophularia lucida L.		کزبره الثعلب	
آخلیوس <b>Akhilleeios</b>	Achillea tomentosa L.	Achillea sp.	۳۶/ ۴		به معنی مفید برای اخیلوس (غرب) است.
<b>Batos</b>		Rubus fruticosus L. Rubus ulmifolius Sco.			
<b>Batos Idaia</b>		Rubus idaeus L.			
<b>Elxine kussampelos</b>		Convolvulus arvensis Digitalis aegyptiaca	۳۹/ ۴		
الاطینی <b>Elatine</b>	Linaria elatine Mill.	Linaria spuria Mill.	۴۰/ ۴	لباب الممجوسی لباب الاحرش	سراویل الککک - شجیمه
أوباطوریوس <b>Eupatorios</b>	Agrimonia eupatoria L.	Eupatorium cannabinum	۴۱/ ۴	غاف الشاهدانجی	
بُطانلن <b>Pentaphullon</b>	Potentilla reptens L.	P.reptens	۴۲/ ۴	دوخسمه أوراق کف مریم (اندلس)(نام مشترک)	بُطاطومُن (به معنای تقسیم شده به پنج قسم است.) - بُطایبوس (به معنای دارای پنج بال است.) بُطادفُطولن (به معنای پنج انگشت است.)

نام لاتینی (این بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth از)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
فونئس Phoineix	Avena fatua L. Lolium perenne L.	Hordeum murinum L.	۴۳/ ۴	بهمی	از احرار البقول — بهماء (یک گیاه بهمی )
آذاریذا Idaia rhiza	Uvularia amplexifolia L.			آنچبار	الثابت فی ایذا (برگردان نام یونانی) (ایذا شهری در روم) — در کناره های نهر ها می روید.
روذیاریدا Rhodia rhiza	Sedum roseum Scop.	S.roseum	۴۵/ ۴	؟	به معنای دارای بوی گل سرخ
افورس Hippuris	Equisetum arvense L.	Equisetum sylvaticum Equisetum fluviatile	۴۶/ ۴	دَئِب الحَیْل	(برگردان نام یونانی)
Hippuris Etera		Equisetum arvense L. Equisetum limosum	۴۷/ ۴		
قیس بافیکی Kokkos baphike	Quercus coccifera L.	Q.coccifera		شجره القرمز	قرمز (جالیئوس) در شهرهای اندلس می روید.
طراغین Tragion	Hypericum hircinum L.	H.hircinum		تیشی (برگردان نام یونانی)	نوعی درخت مصطکی
طراغین آخر Tragion	Ephedra distachya L.		۵۱/ ۴	؟	
طراغین آخر Tragion allo	Tragium colomnae Spreng.	Tragium columnae	۵۰/ ۴		گیاه آن در جزیره اقریطش است.
سکونس کیا Skhoinu heleias	Juncus arabicus Post.	Juncus acutus		سمار — دیس أسل	انواع سمار را شامل می شود.
لیخن Leikhen ho epi ton petron	Usenea barbata var. florida			حزاز الصخر	أوجیله (اندلس)
فارنوخیا Paronukhia	Paronychia serpyllifolia D.C.	Illecebrum Paronychia	۵۴/ ۴		برگردان عربی آن : النافع من الداحس
خروسوقومی Khrusokome	Chrysocoma L.	Chrysocoma linosyris	۵۵/ ۴		برگردان عربی آن : راس الذهب — نوعی از بابونه جبلی
Chrusogonon		Leontice leontopetalum L.	۵۶/ ۴		
آلیخرسون Helikhruson	Helichrysum sp. ?	Helichrysum siculum (Spr.) Boiss.	۵۷/ ۴		برگردان عربی آن: مذهب — امارتُن (جالیئوس) شاید نوعی قیصوم باشد
Chrusanthemo n		Chrysanthemum cornarium	۵۸/ ۴		
أغیراطن Ageraton	Achillea ageratum L.	Achillea viscosa Lam.	۵۹/ ۴	نوعی اقحوان	به معنای الذی لا ینشج زهره

نام لاتینی (ابن بطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberthz)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بطار)	سایر نام ها (از ابن بطار)
فارسطاریون Peristerion	Verbena officinalis L.		۶۰/ ۴	رعی الحمام	به معنای حمامی است قُنْبَارِش (نامی لاتینی به معنای حمامی)
Peristereon Uptios or Ierobotane		Verbena supina L. Vervain	۶۱/ ۴		
Peristereon Orthos		Verbena sp.	۶۰/ ۴		
ایارابوطانی Hiera botane	Verbena sapina L.		۶۱/ ۴	مکرمه - مقدسه	یربانه (لاتینی) نوعی رعی الحمام
أسطرغالوس Astragalos	Astragalus Tourn.	Astragalus baeticus L.	۶۲/ ۴	کعب الخنزیر (برگردان عربی آن).	مُخَلَّب المقاب الابيض (اندلس) - برطیره (لاتینی)
أواقثس Huakinthos	Hyacinthus orientalis	Scilla bifolia L.	۶۳/ ۴	حافر البغل قسطل الارض	بلیوسی (برگردان عربی آن).
میقن رؤاس Mekon rhois	Papaver rhoeas L.	P.rhoeas	۶۴/ ۴	خشخاش سائل (برگردان عربی آن)	وجه تسمیه : به سرعت گل آن می ریزد در کشتزارها می روید.
میقن Mekon	Papaver somniferum L.	P. somniferum.	۶۵/ ۴	خشخاش سفید	خشخاش سیاه و افیون نیز با این نام می آید
قاراطیطس Mekon keratitis	Glaucium corniculatum Curt .	Glaucium luteum Scop.	۶۶/ ۴	خشخاش المقرن (زیرا غلاف بزرگی چون لوبیا دارد).	خشخاش الساحلی (زیرا غالباً در سواحل می روید). خشخاش البری
میقن أفروذس Mekon aphrodes	Silene inflata Sm.	S.inflata	۶۷/ ۴	خشخاش الزیدی (برگردان عربی آن).	وجه تسمیه : بسیار سفید چون زید
أفیقون Hupekoon	Hypericum procumbens L.	H.procumbens L.	۶۸/ ۴	نوعی جلبان بی	مخدر ومنوم است . الوبيقواون (جالینوس)
أیسقوامس Huoskuamos	Hyoscyamus sp.			بنج - میکران (اندلس)	ملمنذر - بیضمون
Huoskuamos Melas		Hyoscyamus niger L.			
Huoskuamos Leukos		Hyoscyamus albus L.			
Huoskuamos Meloides		Hyoscyamus aureus L.			
نُسلِون Psullion	Plantago psyllium L.	P.psyllium.	۷۰/ ۴	بزرقطنونا أسقمیس	برغوث (برگردان عربی آن)



نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
سطروخن البستانی Strukhnnon kepaion	Solanum nigrum L.	S.nigrum	۷۱/ ۴	عنب الثعلب قَنَا ثَلْثَان - ثُلْثَان	زَرَّان رَنج (فارسی) - روزبیارچ - اسطرخلو (رومی) - اُوبه قنینه (لاتینی)
سطروخن البستانی Strukhnnon kepaion	Physalis alkekengi L.	P.alkekengi	۷۲/ ۴	کاکنج عَب (مصر)	حب اللّهُو (لاتینی) - البَقْلَقین (رومی) - عنب الثعلب
سطروخن المنوم Strukhnnon hupnotikon	Physalis somnifera L.	P.somnifera	۷۳/ ۴	نوعی کاکنج	
سطروخن المَجْنَن Strukhnnon manikon	Solanum sodomum L.	Datura stramonium		جناج الرعاه	از انواع کاکنج
دُرُوقْنِیون Doruknion	Dorycnium L.		۷۵/ ۴		
مَنْدِرَاغُورَس Mandragoras	Mandragora officinarum L.	Atropa Mandragora L. Mandrake		بیروح - سایبُزک شایبُزج - ثُقَاح الجن	میوه : ثُقَاح - أرجلیطه (لاتینی) - تاریال (بربری) عروسه
أَقُونِیْطَن Akoniton	Aconitum nepellus L.	Doronicum pardalianches	۷۷/ ۴	قاتل الثَّمر	نبال (اندلس)
Akoniton Eteron		Aconitum lyconitum Aconitum napellus	۷۸/ ۴		
قُونِیون Koneion	Conium masculatum L.	C. masculatum	۷۹/ ۴	شوکران	جقوله (لاتینی) حرمل البلدی (آفریقا)
سمیلکس Smilax	Taxus baccata L.	Quercus ilex L.		عنب الکلاب (برگردان عربی آن)	
أَفُوقُونُن Apokunon	Apocynum erectum Vell.	Cynanche erectum L.	۸۱/ ۴	قاتل الثَّوب	عنب الکلاب (برگردان عربی آن)
نیریون Nerion	Nerium oleander L.	N.oleander	۸۲/ ۴	ذِفْلَى - خَزْهَرَج حَبین	سم الحمار (برگرفته از لغت فارسی)
Muketes		Fungi sp.			
قَلْخِیْکَن Kolkhikon	Colchicum automnale L.	C.automnale		سورَنجان قَرَج الارض قَلَب الارض	نام گل: اصابع هرمس و شَنبِلِذ - قَشْتَنبُولَه (نام لاتینی به معنای قسطله کوچک - عَکَنَه (مصر)
قَوطُولِیدِیون Kotuledon	Cotyledon lusitanicus Lam.			آذان القَسَیس - زَلانف الملوک کَاس - مصافق	دو نوع است ، به نوع دیگر آن در مصر اَدَنَه روئیده درشکافها و سقفها و کوه ها

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
أفیمارون <b>Ephemeron</b>	Convallaria rusticellata L.	Colchicum parnassicum Sart.	۸۵/ ۴	نوعی از سوسن بری	أشبطانه (لاتینی)
ألقسینی <b>Helxine</b>	Parietaria cretica L.	Parietaria sp.	۸۶/ ۴	حشیشة الزجاج (زیرا آینه را جلا می دهد.)	
ألسینی <b>Alsine</b>	Parietaria cretica L.	P.cretica		آذان الفار	روئیده در باغ ها
فانوس <b>Phakos</b>	Lemna minor L.	Lemna sp.	۸۸/ ۴	عدس الماء	
أیزون الکبیر <b>Aeizoon mega</b>	Sempervivum arboreum L.	S.arboreum	۸۹/ ۴	حی العالم الکبیر	به معنای همیشه زنده
أیزون الصغیر <b>Aeizoon to mikron</b>	Sedum acre L.	Sedum ochroleucum Vill.	۹۰/ ۴	حی العالم الصغیر عنب السقف	أبیله دلباطمه (لاتینی) بزازیل القطه (آفریقا) *
أیزون الصغیر <b>Aeizoon to leptophullon</b>	Sedum telephium L.	Sedum stellatum L.	۹۱/ ۴	نوع سوم حی العالم	
<b>Kotuledon</b>		Cotyledon umbelicus	۹۲/ ۴		
<b>Kotuledon Eteron</b>		Cotyledon serrata	۹۳/ ۴		
أقالفی <b>Akalephe</b>	Urtica pillulifera L.	U.pillulifera Urtica urens	۹۴/ ۴	قُرِیص - آئجره	خریق (مغرب) - بنات النار دارای دو نوع است.
غالبیس <b>Galeopsis</b>	Lamium purpureum L.	Scrophularia peregrina L.	۹۵/ ۴	شجره الکلب	مستنه (مصر) - جملج (لاتینی)
غالبون <b>Galion</b>	Galium verum L.	G.verum	۹۶/ ۴		لختیروآله (لاتینی) موجب بسته شدن شیر می شود.
<b>Erigeron</b>		Sencio vulgaris L.	۹۷/ ۴		
ثالیطرن <b>Thaliatron</b>	Thalictrum flavum L.	Thalictrum minus L.		کُزْبَره حبشه	
برون (تالاسیون) <b>Bruon thalassion</b>	Corallina officinalis L.	Uva lactuca	۹۹/ ۴	طحلب البحر	دارای انواع مختلف است
فوقس البحر <b>Phukos thalassion</b>	Gnaphalium leontopodium L.	Fucoidearum sp. Variae. Posidonia or laminaria		نوعی طحلب	
بوطوماغیطن <b>Potamogeiton</b>	Potamogeton natans L.	P.natans		جار الانهار	
سطرابطوطس <b>Stratiotes</b>	Pistia stratiotes L.	Stratites aloides	۴ ۱۰۲/ ۴ ۱۰۳/	فارس الماء (برگردان عربی آن)	

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Roberth از)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
فلومس Phlomos	Verbascum sp.	Verbascum sp. Verbascum sinuatum Desc.	۴ ۱۰۴/	بوصیر	
Phlomos Leuke Theleia		Verbascum thapsus L.			
Phlomos Leuke Arren		Verbascum plicatum Sibth.			
Phlomos Leuke Melaina		Verbascum nigrum L.			
Aithiopis		Salvia aethiopis			
أرقطیون Arktion	Arctium tomentosum Shkuhr.	Conyza candida	۴ ۱۰۶/		گفته شده نزد عرب به حریان (بدون نقطه در محل با ) مشهور است
أرقطیون آخر Arktion	Arctium lappa L.				دارای دو نوع بری و بستانی است.
Kutisos		Laburnum vulgare	۴ ۱۱۳/		
لوطوس أغریوس Lotos agrios	Lotus sp. ?			حباقا	لوتوسی که در مصر است به نام بشتین می باشد.
لوطوس الذی یکون بمصر Lotos ho en Aigupto	Nymphaea lotus L. Nymphaea coerulea L.	Nymphaea stellata Wild.	۴ ۱۱۴/	بشتین (مصر)	دو نوع است .
Murris		Myrrhis odorata Scop.			
Muagros		Camelina sativa Cran.			
Onagrra		Oenothera biennis L.			
Kirsion		Cirsium tenuiflorum			
Aster astikos		Aster amellus	۴ ۱۲۰/		
Isopuron		Corydalis claviculata (L.) DC.	۴ ۱۲۱/		
Ion		Viola odorata	۴ ۱۲۲/		
Kakalia		Inula candida Cass.			
Bounion		Pimpinella dissecta Pollini	۴ ۱۲۴/		
Pseudobounion		Pimpinella dioica L.	۴ ۱۲۵/		
Bouglosson		Anchusa paniculata Aiton.	۴ ۱۲۸/		
Kunoglosson		Cynoglossum officinale L.	۴ ۱۲۹/		

نام لاتینی (این بيطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از: Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از این بيطار)	سایر نام ها (از این بيطار)
<b>Phuteuma</b>		Silene sp.	۴ ۱۳۰/		
<b>Leontopodion</b>		Micropus erectus L.			
<b>Ippoglosson</b>		Ruscus hypoglossum			
<b>Adianton</b>		Adiantum capillusveneris Asplenium trichomanes L.	۳ ۱۳۶/		
<b>Trichomanes</b>		Asplenium trichmanes L.			
<b>Xanthion</b>		Xanthium strumarium	۴ ۱۳۸/		
<b>Aigilops</b>		Aegilops ovata L.	۴ ۱۳۹/		
<b>Bromos</b>		Avena fatua Avena sativa	۴ ۱۴۰/		
<b>Glaux</b>		Astragalus glaux L.			
<b>Polugalus</b>		Astragalus sp.	۴ ۱۴۲/		
<b>Osuros</b>		Osyris alba			
<b>Smilax tracheia</b>		Smilax aspera	۴ ۱۴۴/		
<b>Smilax leia</b>		Convolvulus sepium L.	۴ ۱۴۵/		
<b>Mursine agria</b>		Ruscus aculeatus			
<b>Daphne alexandrina</b>		Ruscus hypophyllum	۴ ۱۴۷/		
<b>Daphnoides</b>		Daphne mezeron			
<b>Elleboros</b>		Veratrum album	۴ ۱۵۰/		
<b>Elleboros Melas</b>		Helleborus officinalis Salis.	۴ ۱۵۱/		
<b>Sesamoeides</b>		Helleborus cyclophyllus Boiss.			
<b>Sesamoeides Mikron</b>		Reseda canescens L.	۴ ۱۵۳/		
<b>Sikus agrios</b>		Momordica elaterium	۴ ۱۵۴/		
<b>Elaterion</b>		Momordica elaterium			
<b>Staphisagria</b>		Delphinium staphisagia			
<b>Thapsia</b>		Thapsia garganica	۴ ۱۵۶/		
<b>Spartion</b>		Spartium juncum	۴ ۱۵۸/		
<b>Silubon</b>		Silybum marianum Gaer.	۴ ۱۵۹/		

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (Robertz)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
Narkisson		Narcissus poeticus			
Ippophaes		Hippophae rhamnoides L.	۴ ۱۶۲/		
Kroton ekiki		Ricinus communis	۴ ۱۶۴/		
Tithumalos Charachias		Euphorbia characias L.	۴ ۱۶۵/		
Tithumalos Kuparissios		Euphorbia aleppica L.	۴ ۱۶۵/		
Tithumalos Mursinites		Euphorbia myrsinites L.	۴ ۱۶۵/		
Tithumalos Elioskopios		Euphorbia helioscopia L.	۴ ۱۶۵/		
Tithumalos Paralios		Euphorbia paralias L.	۴ ۱۶۵/		
Tithumalos Dendrites		Euphorbia dendroidea L.	۱۶/۴ ۵		
Tithumalos Platuphullos		Euphorbia pilosa L.	۴ ۱۶۵/		
Pituousa		Pinus halepensis	۴ ۱۶۶/		
Lathuros		Euphorbia lathyris L.	۴ ۱۶۷/		
Peplos		Euphorbia falcata L.			
Peplion		Euphorbia peplis L.	۴ ۱۶۹/		
Chamaisuke		Euphorbia chamaesyce L.	۴ ۱۷۰/		
Skammonia		Convolvulus farinosus Convolvulus scammonia	۴ ۱۷۱/		
Chamelaia					
Chamaiaakte		Sambucus ebulus L.	۴ ۱۷۵/		
Apios		Euphorbia apios L.			
Kolokunthis		Cucumis colocynthis L.	۴ ۱۷۸		
Epithumon		Cuscuta epithymum Mur.	۴ ۱۷۹/		
Empetron		Sedum anopetalum DC.			
Clematitis		Clematis cirhosa			
Ampelos Leuke			۴ ۱۸۴/		
Ampelos Melaina		Tamus communis L.	۴ ۱۸۵/		
مریافلن Muriphullon	Myriophyllum spicatum L.	Achillea millefolium L.	۴ ۱۱۵/		به معنای هزار برگ

نام لاتینی (ابن بیطار، دیسکورید)	نام علمی (از ابراهیم بن مراد)	نام علمی (از Roberth)	شماره تصویر	نام عربی (از ابن بیطار)	سایر نام ها (از ابن بیطار)
خامالوقی <b>Khamaipeuke</b>	Stachelina chamepeuce L. Serratula chamepeuce L.			عینون	تاسلغا (بربری)- شرباتش (لاتینی)
آنطریئن <b>Antirrinon</b>	Antirrhinum majus L.	Antirrhinum orontium	۴ ۱۳۳/	آف العجل	شحم الطعام
طریفولیون <b>Tripolion</b>	Asterattikos tripolium L.	A.tripolium	۴ ۱۳۵/	تَرید	
قمیص <b>Kemos</b>	Leontopodium de Dioscorides			آف العجل	
خاماذافی <b>Khamaidaphne</b>	Ruscus racemosus L.	Ruscus hypophyllum	۴ ۱۴۹/	رُند اراضی برگردان عربی	
أبو فسطن <b>Hippophaiston</b>	Circium stellatum L. Euphorbia spinosa L.	C.stellatum	۴ ۱۶۳/	نوعی غاسول	
ثومالا <b>Thumalaia</b>	Daphne cnidium L.	D.cnidium	۴ ۱۷۳/	مُشان	أصطن - أزاز - أرزام
أقطی <b>Akte</b>	Sambucus nigra L.	S. nigra	۴ ۱۷۴/	عود الکلب	شجرالخایور
أنبالس مالیا <b>Ampelos melaina</b>	Tamus communis L.			کرم الاسود	فاشرومتین و بوطانیه (اندلس) میمون (مغرب)
بطارس <b>Pteris</b>	Dryopteris filix mas L.	Aspidium aculeatum Nephrodium	۴ ۱۸۶/	کیلدارو (فارسی)	قلجہ (لاتینی)
<b>Thelupteris</b>		Pteris aquilina	۴ ۱۸۷/		
بولوبودیون <b>Polupodion</b>	Polypodium vulgare L.	P.vulgare Ceterach	۴ ۱۸۸/		به معنای دارای پای زیاد است.
دروبطارس <b>Druopteris</b>	Aspelenium adiantum nigrum L.	A. adiantum nigrum	۴ ۱۸۹/	سرخس البلوط	به معنای بلوطی است (روئیده بر بلوط)
<b>Knikos</b>		Cincus sp. or carthamus tinctorius	۴ ۱۹۰/		
لینوزسطیس <b>Linozostis</b>	Mercurialis annua L.	M.annua	۴ ۱۹۱/	عصا هرمس	یره نقیشه (لاتینی)- حریق الاملس
<b>Kunokrambe</b>		Thelygonum cynocrambe L.	۴ ۱۹۲/		
أیلوطرویون طومقرون <b>Heliotropion to mikron</b>	Coroton tinctorium L.	Heliotropium villosum	۴ ۱۹۴/	تَوم	حشیشه لیواقی - یربه شلدیره (نام لاتینی به معنای عشب اللحام)
أیلوطرویون طوماغا <b>Heliotropion to mega</b>	Heliotropium europaeum L.	H.europaeum	۴ ۱۹۳/	حشیشه العقرب	به معنای آفتاب گردان است . طُرنه شولی (اندلس)
<b>Skorpioides</b>		Calendula officinalis	۴ ۱۹۵/		



## ضمیمه (۱)

### فهرست نام‌های کهن گیاهان داروئی به ترتیب حروف الفبا

در کتاب‌های:

- مخزن الادویه (قرن دوازدهم هجری)
- اختیارات بدیعی (قرن یازدهم هجری)
- حدیقه غسانی (قرن دهم هجری)
- جامع ابن یطار (قرن هفتم هجری)
- تفسیر کتاب دیسقوریدس (قرن هفتم میلادی)
- عمدة الطیب فی معرفة النبات (قرن ششم هجری)
- صیدنه (قرن پنجم هجری)
- الابنیه (قرن چهارم هجری)
- الحاوی (قرن سوم هجری)



حرف «الف»		آذريونه، ۳۵	آلو جبلی، ۵۱	ابآله، ۶۰
آغوری، ۱۲۱	آرمینس، ۴۵	آرغینس، ۳۵، ۶۱	آلوجه، ۵۱	ابانس، ۳۳
آقوزون، ۱۶۵	آزاددرخت، ۳۵	آزاددرخت، ۳۵	آلوچه سلطانی، ۴۱، ۴۲	ابانون، ۳۳
آکئار، ۳۷	آزاددرخت، ۳۵	آزاددرخت، ۳۵	آلوسن، ۲۸۰	اباء، ۷۵
آملیس، ۳۷	آزاد سوسن، ۱۸۰	آزاد سوسن، ۱۸۰	آلوکشته بتر، ۵۱	ابجه، ۳۷
آبنوس، ۳۳	آزاددرخت، ۶۱	آزاددرخت، ۶۱	آلوی زرد بخارانی، ۴۱	ابجه، ۲۵۲
آبیل، ۳۳	آزاد (فاس)، ۵۹	آزاد (فاس)، ۵۹	آلوی سیاه، ۴۱	ابراز، ۶۱
آبیوس، ۲۶۱	آزاد، ۲۹۱	آزاد، ۲۹۱	آله، ۱۵۳	ابراوی، ۱۰۰
آت جو، ۱۷۳	آس، ۳۱، ۳۵، ۱۵۹	آس، ۳۱، ۳۵، ۱۵۹	آله قبرونه، ۶۵	ابریون، ۵۵، ۲۲۴
آتفاح، ۹۴	آسا، ۳۱، ۳۵	آسا، ۳۱، ۳۵	آله دبقتر، ۱۵۷	ابردیون، ۵۲
آچین، ۳۳	آس البری، ۲۴۹	آس البری، ۲۴۹	آلی باقلی (شیرازی)، ۲۳۴	ابرساروا، ۱۰۷
آدریس، ۳۳	آس البستانی، ۳۶	آس البستانی، ۳۶	آلی بالی، ۲۳۴	ابرفیون، ۵۵
آذان الأرنب، ۳۳	آسای، ۳۱، ۳۵	آسای، ۳۱، ۳۵	آلیلی، ۱۴۵	ابرقان، ۸۱
آذان التیس (اندلس)، ۳۳	آس بری، ۳۶، ۲۸۳	آس بری، ۳۶، ۲۸۳	آمارقون، ۵۸	ابرقطس، ۱۲۳
آذان الجداء، ۵۹	آس بری (اندلس)، ۱۴۰	آس بری (اندلس)، ۱۴۰	آمزقور، ۱۵۰	ابرقلیون، ۱۰۰
آذان الجدی (دمشق و شام)، ۳۳	آست، ۲۶۶	آست، ۲۶۶	آمله، ۶۲	ابرقیا، ۴۸
آذان اللب، ۳۳	آس نبطی، ۳۶	آس نبطی، ۳۶	آمله، ۶۲	ابرقینون، ۱۰۰
آذان الشاة، ۳۳	آشک بردین، ۶۱	آشک بردین، ۶۱	آمی، ۲۸۹	ابرنا (اندلس)، ۴۹
آذان الشاة (اندلس)، ۳۳	آطرس، ۱۶۰	آطرس، ۱۶۰	آنیش، ۳۷	ابرنبج، ۷۷
آذان العنز، ۳۳	آطریلال، ۳۶، ۱۱۸، ۱۵۵	آطریلال، ۳۶، ۱۱۸، ۱۵۵	آنفتها، ۹۱	ابرنبجمشک، ۲۲۵
آذان الغزال، ۳۳	آطریلان (فاس)، ۱۵۵	آطریلان (فاس)، ۱۵۵	آویشن، ۱۹۵	ابرو، ۸۹
آذان الفار، ۳۳، ۶۳	آطء، ۲۲۰	آطء، ۲۲۰	آیزنی، ۲۷۳	ابروتا، ۱۹۳
آذان الفار البری، ۳۳، ۳۴	آغنس، ۱۸۵	آغنس، ۱۸۵	آء، ۳۳	ابروخیون، ۸۴
آذان الفار البستانی، ۳۳	آقواء، ۵۲	آقواء، ۵۲	آارژذائن، ۲۳۰	ابروطنان، ۱۲۳
آذان الفار الرومی، ۳۴	آقطی، ۱۳۸	آقطی، ۱۳۸	آاویقواون، ۵۶	ابروطنیون، ۱۹۳
آذان الفار الرومی، ۲۱۸	آک، ۱۷۳، ۲۰۹	آک، ۱۷۳، ۲۰۹	آبابوس، ۳۳، ۲۲۳	ابروولی، ۱۲۲
آذان الفستیس، ۳۴	آکل نفسه، ۳۷	آکل نفسه، ۳۷	آباخورس، ۶۳	آبروئیته (نغری)، ۷۵
آذان الفیل، ۳۴	آلالاء، ۳۷	آلالاء، ۳۷	آبارتل، ۲۵۱	آبرون، ۳۷
آذربو، ۱۷۱، ۳۴	آلاء، ۳۷	آلاء، ۳۷	آبارس، ۱۰۵	آبرویون، ۵۲
آذربوا، ۳۴	آلسن، ۳۷	آلسن، ۳۷	آباریقون، ۱۰۶	آبریا متی، ۱۱۳
آذربوی، ۳۴	آلو، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷	آلو، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷	آباسیا، ۵۰	آبریجون، ۱۵۸
آذربویه، ۳۴	آلوبالو، ۲۳۴	آلوبالو، ۲۳۴	آباغلس، ۶۳	آبریمون، ۷۰
آذرگون، ۳۴	آلوبوعلی، ۲۳۴	آلوبوعلی، ۲۳۴	آباغورس، ۶۳	آبزار، ۳۸
آذریون، ۳۴، ۲۵۸	آلوبولی، ۲۳۴	آلوبولی، ۲۳۴	آباقی، ۱۰۴	آبزرااله، ۲۲۲
			آبالشر، ۲۴۹	آبزیرو، ۲۰۵
				آبق، ۲۴۵

ابلاطونوس، ۱۴۵	ابیلا نس، ۱۰۵	اخراطن، ۸۴	اذفونیدیس، ۱۴۸
ابلر، ۱۶۳	ابی مقینة (فاس)، ۲۱۴	اخردس، ۲۹۰	اذفیوس، ۱۴۸
ابم کماجی، ۱۲۹	ابی یموت، ۱۲۵	آخز ساج، ۴۲	اذذاب البقر، ۱۵۴
ایمیلُس، ۲۸۰	اپراچنا، ۱۱۳	اخرسون، ۱۵۳	اذذاب الخیل، ۱۵۴، ۲۱۰
ابن، ۳۸	اپویاقس، ۱۰۰	اخروطن، ۸۴	اذذاب الخیل (شام و شرق)، ۲۶۷
إبن الارض، ۳۸	اتبلیس، ۲۲۵	اخروی، ۱۰۶	أذن الازنب، ۱۱۹، ۲۶۹
ابن أویر، ۳۸	أترج، ۳۹، ۱۶۲، ۲۷۴	اخریط، ۱۲۳	أذن الثور، ۲۸۱
ابن سرابیون، ۷۶	اتسویک، ۱۰۷	اخشنة، ۱۰۲	أذن الحمار، ۴۳، ۱۵۵، ۲۲۴
ابنيس، ۱۱۳	أتنکن، ۶۵	اخفاک، ۲۱۰	أذن الشاة (اندلس)، ۲۶۹
ابنی هلدی، ۱۴۲	اثاب، ۲۰۲	اخلة الارض، ۱۲۹	أذن الفار، ۲۷۹
ابویناقس، ۱۰۰	أثابه، ۷۶	آخیروس، ۴۲	أذن القسیس، ۲۸۱
ابوپاناقس، ۱۰۰	اثاریون، ۵۰	اخینوس، ۱۸۰	أذن الوطواط، ۲۱۰
ابوخلسا، ۳۸، ۱۳۴	اثامطیقون، ۲۸۷	اخیون، ۶۸، ۲۵۲	أذن غزال، ۲۵۲
ابوسمس، ۲۵۴	اثانقون، ۵۱	آذار، ۷۵	اذوس، ۲۹۷
ابوعیس، ۱۴۰	اثرا، ۳۸	آذک، ۴۱، ۴۲	اذیارتون، ۷۶
ابوغلصن، ۶۷	اثقلیا، ۳۸	اذک، ۱۶۴	ارابتش، ۱۲۴
ابوفاطریوس، ۵۴	أثل، ۴۰، ۱۷۰، ۲۰۲	ادرومیلن، ۹۴	ارابتشوس، ۱۲۴
ابوفایس، ۳۹	أثلق، ۴۰	ادریاس، ۶۵	ارابتشس ایمارس، ۱۲۴
ابوفسطن، ۳۹	اثونبون، ۲۴۰	ادریس، ۳۳	أراقق، ۴۳
ابوقانس، ۳۹، ۱۲۳	اثونیطس، ۲۵۰	ادریفن، ۲۷۳	اراقوا، ۴۳
ابوقارس، ۳۹	اثوبس، ۲۸۰	ادقام الغرائق، ۱۲۹	أراک، ۴۳، ۱۶۱، ۲۳۳
ابوقسطنس، ۳۹	اجاجی، ۲۶۲	ادم، ۱۸۰	ارامانیا، ۲۸۲
ابوقینوس، ۵۹	أجاص، ۴۱، ۱۸۴	اذمام، ۲۹۴	ارامونی، ۱۸۸
ابومارس، ۱۲۰	اجاص اصفر، ۱۸۴	ادمطوس، ۲۶۴	اراثموس، ۷۰
ابونس، ۳۳	اجیزنی (اسکندریه)، ۲۵۴	ادهیره، ۳۱، ۳۵	اراه، ۲۸۲
ابونیطس، ۲۵۰	اجرد، ۱۳۹	ادیانطن، ۲۵۷	ارب، ۲۷۳
ابهل، ۳۹، ۱۰۵، ۱۴۳	اجطاله، ۱۲۲	ادی دولی، ۲۶۰	اریاقه، ۱۵۹
ابهل هندی، ۳۹	اجواین، ۲۸۹	آذارقی، ۴۲	اریانشس، ۱۲۴
ابی، ۱۷۲	اجواین خراسانی، ۸۸	اذان الدب، ۲۴۴، ۲۷۰	اریسارم (فرنگی)، ۲۷۳
ابی الولید، ۱۲۹	اجود، ۲۵۳	اذان الفار، ۱۱۹	اریصارن، ۲۷۳
ابی ان یموت، ۲۰۴	اجیلیه، ۲۴۶	اذان الفار حقیقی، ۳۴	اریقانن، ۲۲۹
آبئد، ۱۴۳	احباق، ۷۱	اذان الفیل، ۲۳۰	اریلیش، ۱۰۴
ایید، ۲۶۱	احداق المرضی، ۵۷	اذان القسیس، ۲۴۷، ۲۷۴	اریوطانون، ۱۲۱
ابی دالس، ۲۴۸	إخریض، ۲۱۰، ۴۲	اذان القسیس، ۲۴۷	ارییان، ۵۸، ۱۵۵
اییدی، ۲۶۱	احریضه، ۲۳۶	إذخر، ۴۳، ۱۴۸	ازیانسان، ۱۲۴
ابی رستم، ۱۱۹	احنینه، ۲۶۶	اذخر (فاس)، ۴۳	
ایغل، ۳۹	آخون، ۴۲	اذررقوس، ۵۲	
ایبکه (لاتین)، ۲۶۱	اخرادس، ۲۶۱	اذرقیس، ۵۲	

اریشوس، ۱۲۴	ارزواج، ۳۹	ارمارینون، ۱۲۴	ارید برید، ۴۵
ارتارون، ۲۶۹	ارزه، ۱۹۶	ارماس، ۲۴۲	اریدبرید، ۴۵
ارتقش (لاتینی)، ۲۶۵	آرژه، ۴۴	ارماط، ۴۵	اریزجیم (فرنگی)، ۲۳۶
ارتکا، ۲۰۴	ارسطالاخیا، ۱۶۰	آرمال، ۴۵	اریزون، ۴۴
ارتیک پریم (لاتینی)، ۶۵	ارسطالوخیا، ۱۶۰	آرمالک، ۴۵	اریسه، ۱۹۸
ارتینوس، ۱۹۴	ارسطولوخیا، ۱۶۰	ارمالک، ۴۵	اریغانون، ۱۹۵، ۲۲۹
ارثیوس، ۸۰	ارسطیون، ۱۵۳	ارمالی، ۴۵	اریقابوشا، ۲۰۲
ارجالون، ۲۲۲	ارطاماسیا، ۶۱، ۷۶، ۲۴۷	ارمزدقطولوس، ۱۷۹	اریقته، ۱۳۳
ارجاله، ۱۱۷، ۱۲۵، ۲۰۰	آرطاماسا، ۲۴۷	ارمنیافن، ۲۸۲	اریفس، ۲۲۷
ارجان، ۱۶۶	ارطمیسا، ۷۷	ارمنیقون، ۲۴۰	ازاددرخت، ۲۱۳
ارجان (مغرب)، ۱۰۵، ۱۶۶	آرطمیسا، ۲۴۷	آرمنین، ۴۵	ازاددرخت، ۲۱۳، ۲۶۶
ارجقیل، ۲۵۷	ارطوس، ۲۶۹	ارموش، ۱۷۰	آراز، ۲۷۷
ارجل الجراد، ۵۸، ۱۶۱	ارطی، ۳۷، ۴۴	ارموکی، ۲۷۱	ازالیم، ۸۰
ارجمونه، ۲۸۵	ارطیسیا، ۶۱	ارمیس، ۴۵	ازبوج، ۲۵۱
آرژوان، ۴۴	ارطی صغیر، ۱۵۵	ارمیناقن، ۲۸۲	ازحمیون، ۲۵۶
ارجیقن، ۱۶۲	ارطیه ماسیا، ۷۶	ارمیناقون، ۲۸۲	ازدری، ۱۴۱
ارجیولیه، ۱۵۵	ارعاحوزا، ۴۱	آزن، ۲۷۳	ازدشیرزاد، ۲۸۰
ارخس، ۱۳۶	آرغامونی، ۴۴	ارنبی، ۲۶۵	ازرار، ۲۹۱
ارخس طوماغن، ۱۳۶	ارغوان، ۴۴	ارنتاله، ۱۰۵	ازرود، ۴۵
ارخیس، ۱۳۶	ارغیلیم (عبرانی)، ۸۳	آزن صاژن، ۲۷۳	ازروی، ۶۶
اردشیران، ۲۸۰	ارفامسیس اریثوس، ۱۲۴	ارنغلیسون، ۲۶۹	ازره الارض، ۲۹۱
اردشیر دارو، ۲۸۰	ارفلس، ۱۸۲	ارنقالس، ۲۶۹	ازریول (فاس)، ۳۴
ازدق ناقی، ۴۴	ارفلن، ۱۱۳	آزنوغلشن، ۲۶۹	ازغب، ۹۶، ۱۳۹
اردک، ۲۸۲	ارفنطوس، ۱۲۴	ارنوله، ۱۴۵	ازقون، ۱۴۷
اردم، ۳۴	ارقالیا، ۲۶۶	ارنیوقرینوس، ۷۰	ازلاف، ۱۴۸
اردمیردا، ۲۸۰	ارقان، ۱۰۵، ۱۲۵	ارو، ۱۳۹	ازمایلوس، ۸۸
آرز، ۴۴	ارقان (مغرب)، ۱۶۶	ارویموس، ۲۵۳	ازنید، ۱۳۳
آرز، ۴۴	ارقطس، ۱۱۳	ارود (فارس)، ۱۱۰	ازورا (حبشی)، ۳۱، ۳۵
آرز، ۱۲۶	ارقطون، ۴۵	اروس، ۲۰۸	ازیریا، ۱۰۶
آرز، ۱۷۰	آرقتیون، ۴۵	اروسا، ۳۸	آزوسه، ۴۶
ارزا، ۱۹۶	ارقلیا، ۱۱۹	اروس بلغار، ۲۶۴	اسارون، ۴۶، ۱۱۹، ۱۴۲
ارزا اردفناقی، ۴۴	ارقوس، ۳۹	اروسه، ۳۸	۲۸۸
آرز الخلیل، ۷۶	ارقولس، ۳۹	اروسیمن، ۹۶	اساسنوا، ۱۰۶
آرزم، ۲۷۷	ارقونیدوس، ۲۱۸	اروسیمون، ۱۸۹	آسانشوا (مغرب)، ۲۳۱
ارزمی، ۲۶۰	ارقیسون، ۴۵	آرون، ۱۴۶	آسانشوا (مغرب)، ۲۴۲
ارزن، ۱۰۰، ۱۴۳، ۱۴۹	آرقتیون، ۴۵	اروناردش، ۱۰۵	اساسنه، ۱۲۵
ارزند، ۱۹۶	ارکه، ۱۲۶	اروی، ۲۴۳	اساطوس، ۲۹۲
ارزن هندی، ۱۴۹	آرگوان، ۴۴	ارهرتور، ۱۸۳	آساطیس، ۲۹۲

اساطیس اغریا، ۲۹۲	اسرون (فاس)، ۴۶	۲۹۷	اسفیون الشوده، ۷۸
اسبالاقوس، ۱۰۹	اسطاری، ۹۳	اسفردانه، ۸۱	اسقال، ۴۹
اسباناج، ۴۸	اسطافالیقوس اغریوس، ۱۰۳	اسفرک (شیراز)، ۱۶۲	اسقردین، ۲۸۳
اسبرک، ۵۹	اسطافالینوس اغریوس، ۱۰۳	اسفرم، ۳۱، ۳۵	اسقروامس، ۸۸
اسبریون، ۳۴	اسطافالینوس اغریوس، ۱۰۳	اسفرینه (فرنگی)، ۲۰۹	اسقلیاطیقوس، ۵۴
اسبط، ۲۷۳	اسطافالینوس اغریوس، ۱۴۸	اسفکوخوس، ۸۶	اسقلیطاس، ۵۴
اسبلنج، ۲۶۷	اسطافالینوس اغریوس، ۱۴۸	اسقلیطاس، ۲۰۳	اسقندرین، ۹۸
اسبندان خوش، ۱۳۰	اسطافالینوس، ۱۰۳	اسقلیطس، ۲۰۳	اسقنوقراطیس، ۴۹
اسبیدار، ۱۳۳، ۱۴۹	اسطافیدوس اغریا، ۲۸۷	اسقلیغین، ۱۵۳	اسقوانس، ۷۸
اسبیدمرد، ۴۶	اسطاقندما اغریا، ۱۱۱	اسقلیناس، ۴۸	اسقوردیون، ۸۰، ۹۸، ۱۸۹
اسپاراغوس، ۲۹۷	اسطاکیس (فرنگی)، ۲۷۹	اسفناج، ۴۸، ۲۹۶	اسقوردیون جبلی، ۴۸
اسپالاتوس، ۱۴۱	اسطخیس، ۲۶۲	اسفناج رومی، ۲۴۱	اسقوردیون مصری، ۴۸
اسپرز (اصفهان)، ۷۸	اسطخودوس، ۴۷	اسفناج رومی (شیرازی)، ۲۴۱	اسقورولوس، ۱۳۸
اسپرغم بیابانی، ۱۹۹	اسطراطیقوس، ۴۸، ۱۰۵	اسفند، ۱۱۵، ۱۱۶	اسقولس، ۸۸
اسپست باغ تازه، ۱۵۵	۱۳۱	اسفندار، ۱۱۶	اسقولوجندریون، ۴۹
اسپغل، ۷۸	اسطراطیقوس الصغری، ۱۰۵	اسفندار، ۱۱۶	اسقون، ۱۲۶
اسپناج، ۴۸	اسطراطیقوس الصغری، ۱۰۵	اسفند اسفید، ۱۱۵، ۱۳۱	اسقیدولیون، ۲۴۹
اسپند، ۱۳۱	اسطراکه لیکه (فرنگی)، ۲۸۶	اسفندان سفید، ۱۱۵	اسقیراسن، ۸۸
اسپنس (فرنگی)، ۴۸	اسطرخلو، ۲۱۵	اسفندسفا، ۱۱۵	اسقیرن، ۲۹۸
استب، ۴۶	اسطرس، ۲۶۳	اسفند سفید، ۱۱۵	اسقیل، ۴۹
آشتب (اندلس - لاتینی)، ۲۶۵	اسطراکیشا، ۵۳	اسفندسناه، ۱۱۵	اسقیل، ۲۱۵
استبرق، ۴۶	اسطرویلیا، ۱۹۶	اسفندشغان، ۱۱۵	اسقیلا، ۴۹
استراتیکو، ۴۸	اسطروثیون، ۲۶۳	اسفندغار، ۱۳۳	اسکتو، ۴۹
استراطیقوس، ۵۴	اسطوخودوس، ۴۷، ۱۱۹	اسفودالوس، ۱۳۸	اسکردا، ۹۸
استر (اندلس)، ۲۷۴	۱۳۳، ۱۹۳، ۱۹۵	اسفودلوس، ۳۷	اسکردیون، ۹۸
استرمونیه، ۱۰۹	اسطوخودوس، ۱۰۳	اسقودلوس، ۱۳۸	اسکرسول، ۱۶۲
استکو (تنکابن)، ۱۷۱	اسطورا، ۱۱۵	اسفومغری، ۱۰۵	اس کرمانی، ۳۶
اسحاره، ۴۶	اسطوریقون، ۲۴۴	اسفیدار، ۱۷۸	اسکروان (نبطی)، ۲۶۹
اسحاره، ۱۴۰، ۱۸۹	اسطوماخوس، ۴۸	اسفیداراغیا، ۲۸۰	اسکنده، ۴۹
اسجیل، ۴۶	اسغان امشانتن، ۳۳	اسفیدش، ۷۸	اسکیغیلا، ۲۴۶
اسخرون، ۹۶	اسغان یزان، ۳۳	اسفیدکشیر، ۳۰۰	اسکیلیم چشم (سجزی)، ۲۱۷
آشخه، ۱۰۸	اسفاراغش بطراؤس، ۲۹۷	اسفی دیون، ۱۸۹	اسکی نان تو (فرنگی)، ۴۱
اسد الارض، ۴۶، ۱۲۸	اسفارج الصینی، ۲۵۶	اسفیراداغویوس، ۲۳۳	اسل، ۴۹
۲۷۵	اسفاناج، ۴۸	اسفیقوس، ۲۶۲	اسل، ۱۴۸
اسد العدس، ۴۷	اسفید، ۱۱۶	اسفیدار، ۱۳۰	اسلنج، ۵۰
إشرار (مغرب)، ۴۷	اسفراج (مغرب)، ۲۹۷	اسفیوس، ۷۸	اسلوقطیس، ۴۹
اسراش، ۱۳۸	اسفراج (مغرب و اندلس)، ۷۸	اسفیوش، ۷۸	

اسلیج، ۲۷۴	اشج، ۵۱	اصابع الفتیات، ۲۲۵	اطراقتولیس، ۲۱۰
اسلیج، ۲۶۷	أشج، ۲۹۵	اصابع القینات، ۱۱۳	اطرایلس، ۹۴
اسلیوس، ۱۷۴	إشخیص، ۵۱	اصابع اللّصوص، ۵۳	أطرقفسوس، ۱۷۰
اسمادوسفرم، ۳۶	اشخیص، ۲۷۵	اصابع الملك، ۱۶۳، ۵۹	اطرقطوس، ۲۳۶
اسمار، ۳۶، ۳۱، ۳۵	اشخیص اسود، ۵۱	اصابع هرمس، ۱۷۹، ۱۸۰	اطرقطولس، ۲۳۶
اسماروزند، ۳۶، ۳۱	اشخیص سفید، ۵۱	أصاخص، ۲۷۷	أطرزماله، ۵۴
أشماقوس، ۱۳۵	اشراز، ۳۷	اصاقو، ۲۸۲	اطروغا، ۳۹
اسمرنا، ۲۷۸	اشراس، ۳۷	اصبالاثوس، ۱۴۱	اطروکا، ۳۹
اسملیس، ۲۸۰	إشراس، ۵۱	اصطرک، ۵۳، ۲۰۶، ۲۸۶	اطروکیا، ۳۵
اسمورنین، ۲۵۳	أشراس (مغرب)، ۵۱	اصطرک (شام)، ۱۸۶	اطریفیة، ۲۸۰
اسمیم باروم (فرنگی)، ۱۸۴	اشریس، ۳۷	اصطقالینوس، ۱۰۳	اطریفیلن، ۱۲۲
اسمیم (فرنگی)، ۱۸۴	أشفاقیش، ۴۸	اصطفی، ۲۸۶	اطریلال، ۱۵۵
اسمیم ماکنوم (فرنگی)، ۱۸۴	أشقی، ۵۱	اصطفیذہ، ۲۱۴	اطریون، ۲۳۳
	اشقی، ۲۳۳	اصطفیقوس، ۲۶۲	اطزوخیوس، ۲۱۴
اسنام، ۱۴۸	أشقی، ۲۹۵	اصطفیلن، ۱۰۳	اطفکسوس، ۲۴۱
أشنان الذئب، ۸۴، ۵۰	اشقیطله، ۶۱	اصف، ۲۵۰	اطمات، ۸۸
اسنان الفار، ۲۵۹	اشقیل، ۸۰	اصل الانجدان خراسانی، ۵۰	أطمط، ۵۴
اسنولوس، ۵۰	اشکریة، ۲۸۰		أطموط، ۵۴
اسواس، ۲۰۳	اشکّه، ۱۴۰	اصل التهل، ۱۶۹	اطموط، ۸۸
اسود، ۱۷۳	اشکیل، ۲۱۷	اصل الخثنی، ۱۳۸	اطمیثا، ۲۴۷
اسوفس، ۱۶۵	اشلابوس، ۱۴۱	اصل الراسن، ۱۵۳	اطمیسا، ۷۶
اسیلیسقان، ۱۰۶	اشلیه پاتم (فرنگی)، ۱۲۲	اصل السرح، ۳۰۰	اطّه، ۱۸۲
اشبته، ۲۰۰	اشلیه (فرنگی)، ۱۲۲	اصل السوس، ۱۸۰	اطیا، ۲۲۰
اشبرک (سجزی)، ۱۲۱	اشموسا، ۵۲	اصل السوسن الایض، ۵۴	اطیرنه، ۲۵۱
اشبرون، ۲۰۴، ۱۸۹	أشنان، ۵۲، ۶۹	اصل الفلفل، ۲۲۸	اطیطون، ۴۹
أشبرون (اندلس)، ۱۱۵	اشنان العربی، ۵۲	اصل القصب، ۲۴۰	اطیوس، ۷۶، ۲۳۱
اشبطله، ۱۲۶	اشنان الفارسی، ۱۲۳	اصل اللفاح، ۲۷۰	اطّا، ۲۲۰
أشبنه ألبه، ۷۲	اشنان القصارین، ۱۲۳	اصل اللوف، ۲۳۰	أظفار الجن، ۵۴
أشبنه، ۵۵	اشنان گازران، ۵۲	اصل المتک، ۱۸۰	اعرابی، ۲۷۲
اشتر (اصفهان)، ۱۱۰	أشنه، ۵۲	اصل النیلوفر هندی، ۲۲۷	اعروعلیطوس، ۲۷۷
اشترانگبین (اصفهان)، ۱۱۰	أشنه، ۱۱۸	اصل الوردی، ۱۵۹	اعناب السّراة، ۲۱۷
اشترخاراست، ۵۰	اشنه، ۱۹۲	اصل امیرباریس، ۳۵	اغاریقون، ۲۱۸
أشترغار، ۶۵، ۵۰	اشنه بستانی، ۱۹۲	اصوفورون، ۲۷۱	اغافت، ۵۴، ۹۰، ۹۴، ۱۵۴
اشترغاز، ۵۰	اشود، ۱۸۴	اصوفورون، ۲۷۱	اغافت، ۵۴
اشترینه میاطشن، ۱۱۶، ۱۱۸	أشه، ۵۱	اضراس الکلب، ۷۹	اغرابیون، ۲۸۱
اشتکه، ۱۳۵	اشیرون (اندلس)، ۱۱۶	اطّا، ۲۲۰	اغرسطورون، ۲۵۵
اشتوان (مصر)، ۷۹	اصابع الصفّر، ۵۳	أطراطیقوس، ۵۴	اغرسطس، ۴۳، ۹۹
اشج، ۵۱	اصابع العذاری، ۵۳	اطرافعس، ۲۴۱	اغرسطیس، ۹۹

اقریون، ۲۵۴	افیقون، ۸۸	افرقه دلف، ۴۶	اگرسودوطوس، ۲۵۵
اقسوس، ۱۴۳، ۱۶۲	افیلون، ۵۶، ۱۹۳	افرنجمشک، ۱۱۳، ۲۲۵	اغرقتیه، ۲۷۳
اَقْسُون، ۵۸	افیمارن، ۷۰	افرنَجْمِشک، ۱۶۰	اغر قونیة، ۲۰۵
اقسیس، ۱۶۲	افیمارون، ۱۰۸، ۱۷۹	افریژ، ۲۹۳	اگروسطوس، ۴۴
اقسینی، ۲۶۶	افیمدیون، ۲۶۹	افریقیه منتهونه، ۲۸۰	اگرو سوقومیس، ۲۳۳
اقسیوس، ۱۶۱	افیمدیون، ۲۷۵	افزغنج (بخاریه)، ۲۲۶	اگروغن، ۱۲۶
اقت، ۱۸۲	اَفیمیدون، ۵۷	افس سک (شیرازی)، ۱۸۳	اگریا، ۲۵۵
اقتاطاقیس، ۸۱	افینوس، ۱۶۸	اَفَسْتین، ۵۵	اگریذی، ۲۵۶
اقتطرمتوس، ۸۱	اَفیوس، ۵۷	افستین، ۷۷، ۱۲۰، ۱۵۴، ۲۵۸	اگریمون، ۱۰۲
اقتطیت، ۸۸	افیوسطافیلن، ۲۵۰		اگریوس، ۱۲۴، ۱۲۶
اقتن (یمن)، ۲۷۵	افیون، ۵۷	افستین البحر، ۱۹۳	اغزواطس، ۹۹
اقت (یمن)، ۵۸	اقاقحی، ۹۰، ۱۵۵	افستئون، ۵۶	اغفت، ۵۴
اقلفوس، ۲۵۵	اقراروا، ۲۵۶	افصی، ۲۱۱	اغفورقیون، ۲۳۳
اقلفی، ۲۵۵	اكارون، ۲۹۳	افطریون، ۱۷۳	اغلاق، ۱۲۱، ۱۴۸، ۲۴۹
اقلولش، ۱۲۹	ااقالیس، ۵۷	افطیمس، ۳۰۰	اغلېس، ۱۴۷
اقلیشا، ۱۰۳	ااقالیس، ۲۰۲	افکرکسیس، ۲۴۱	اغلېص، ۱۴۷
اقلیطی، ۱۷۸	ااقایا، ۵۷، ۸۲، ۲۳۷	افلایوس، ۶۵	اغلقتدریا، ۲۸۲
اقلیولش، ۶۷	اقالیفی، ۶۵	اَفَلْدان، ۷۵	اغلېس، ۲۵۴
اقتالوقی، ۷۱	اقتلقا، ۷۵	افلسطین، ۸۱	اغلیطوس، ۲۲۲
اقتالوقین، ۷۱	اقحوان، ۳۵، ۵۸	اَفَلَنَجَه، ۵۶	اغنس، ۴۱
اقتلولواقیثادشتا، ۷۱	اَقْحُوَان، ۵۷	افلیطون، ۴۹	اغنوس، ۴۱
اقتالوقی، ۷۲	اقحوان البری، ۶۴	افلیوکیون، ۲۴۱	اغنیس، ۴۰، ۴۱
اقتد، ۱۵۳	اقحوان العربی، ۱۵۳	اقتان سر، ۲۲۴	اغیراطون، ۵۵
اقورون، ۲۹۳	اقحوان بری، ۵۷	افنیئون، ۵۸	اغیرس، ۱۰۹، ۱۲۷
اقوقوس، ۸۱	اقحوان بستانی، ۵۷	اَفَنیقون، ۵۶	اغیرُس، ۲۶۴
اقولاقائن، ۱۲۲	اقحوان زرد، ۷۰	افنین بدونون، ۵۵	اغیلفس، ۱۴۷
اقونطیاون، ۱۳۰	اقدینا، ۱۹۳	افودوس، ۱۲۶	افاتیس، ۲۲۳
اقونیا، ۱۱۲	اقدی، ۱۷۲	افوروس، ۱۲۶	اquadملس، ۱۲۴
اقونیطن، ۱۲۸	اقراص الملک، ۸۴	اَفوسالینث، ۲۵۴	اَقار، ۹۹
اقایاقیلونی، ۲۴۰	اقرانیقی، ۱۸۹	اَفوسالینون، ۲۵۴	اقریقون، ۲۹۸
اقیثالوقی، ۵۸	اقرسینی، ۲۶۶	افوسالیون، ۲۳۵	اقامیرون، ۷۰، ۱۸۰
اقریون، ۲۹۳	اقرع، ۱۳۹	افوقونس، ۱۲۸	افانی، ۱۲۳
اقرین، ۷۲	اقرنون، ۲۲۳، ۲۳۵	اَفیثمون، ۵۵	اقتاب پرست، ۲۹۹
اقرینی، ۱۰۴	اقرنونش، ۱۲۳	افیثمون، ۱۹۵	اقتیمون، ۵۵، ۱۴۱
اکاسبیل، ۲۵۸	اقروم، ۱۰۴	افیثمون لینون، ۵۵	اَفْتیمون، ۵۵
اکاکیا (فرنگی)، ۲۳۷	اقریطون، ۲۴۸	افیغون، ۵۶	اَفَرَبیون، ۵۵
اکتر، ۹۶	اقریطی، ۲۸۱	افیقرون، ۵۶	اقریبون، ۱۶۳، ۲۲۴
اَکت مکت، ۵۹	اقریوش، ۲۵۴	اَفیقَطُس، ۵۶	اقرسیر، ۱۵۷

الاقط، ۱۸۲	الرْمِثَة (اندلس)، ۲۱۹	إلْقِيس (سجزی)، ۲۶۶
الاملك (طبرستان و	الزنج، ۲۸۷	إلْقِوس (سجزی)، ۲۶۶
تنكابن)، ۲۲۲	الريح، ۲۷۳	الكس، ۱۲۶
إلب، ۶۰	الزرقطونا (فاس)، ۷۸	الكسینا، ۲۶۶
الباشه، ۱۳۰	الزواني، ۱۳۶	إلْكسینی، ۱۱۹
البانونس، ۱۳۱	السَّرْمَج، ۱۷۰	الكن، ۲۳۹
الباین، ۱۵۱	السَّرْمَق، ۱۷۰	الكور (یمنی)، ۲۸۳
البروس، ۱۳۰	السری، ۲۶۴	الكیا، ۲۸۲
البستنی، ۳۴	السفاقن، ۶۰	اللقامن، ۲۰۴
البطن، ۸۰	السمته، ۲۸۰	اللشی، ۶۰
البَل، ۱۴۱	السُن، ۱۲۲	ألم (شیراز)، ۱۰۰
البوزش لوقس، ۱۳۰	السُن، ۱۳۳	الم (شیراز)، ۱۴۳
البوقاله، ۱۵۷	السنة، ۱۲۹	المصافق، ۲۴۷
البهار، ۲۱۷	السنة العصافیر، ۱۷۸، ۲۶۹	المُعین، ۲۷۵
البیسم (لاتین)، ۲۳۰	السی، ۲۵۰	ألمو (لاتینی)، ۱۰۷
التاجر، ۲۹۲	السی کابیج، ۲۵۱	المیس، ۲۹۰
التاره، ۳۳	الصانع الصفر، ۱۸۶	المیون، ۴۹
التواء بر التواء، ۲۵۷	الصینی، ۱۲۹	النافع من الرتبیلاء، ۲۲۳
التویل، ۲۴۸	الطانه، ۲۰۴	النافع من أخلیوس، ۱۴۶
التینیا، ۲۶۲	الطردونه، ۱۰۶	ألتج، ۶۰
ألتیه، ۱۲۹	الطَفْرا، ۲۰۴	النیسون، ۱۵۳
الثاء، ۱۲۹	الطورثه شول، ۲۰۳	النینا، ۲۷۴
الثاء، ۱۳۶	الطیرون، ۲۳۳	الوا، ۱۹۵
الثال، ۱۳۶	الغثة (لاتینی)، ۲۹۵	الواس، ۲۱۶
الثفاء، ۱۱۵	الغسل، ۱۲۹	الویباس، ۹۳
الحاج، ۱۲۳	الف، ۲۲۲	الوج، ۲۷۷، ۲۹۳
الحاحی، ۱۲۹، ۱۳۳، ۲۵۶	الفاضل لثفساء، ۱۶۱	الوخن، ۲۸۳
الحاذ، ۱۲۳	الف دینار، ۱۶۰	الودین، ۲۶۰
الخرقا، ۱۰۴	الفشرا، ۲۹۷	ألوسن، ۶۰
الداد، ۱۱۴	الفلیس، ۱۲۲	ألوسن، ۶۰
الداس واش، ۱۲۹	الفوئویا، ۱۵۳	ألوسون، ۶۰
الدیر، ۲۱۳	القباين، ۲۴۹	الونی، ۲۷۳
الدوم، ۲۸۳	القسینی، ۸۳، ۱۱۹، ۲۶۶	الویا، ۲۷۱
الراسن، ۸۰	القسینی، ۲۶۶	ألوین، ۶۰
الرَز، ۴۴	القسینی الكبير، ۲۶۶	الهدایه، ۱۵۷
الرُقعة الصخریه (اندلس)،	القطرون، ۲۶۴	الیا، ۱۳۶
۲۷۱	القون، ۲۹۵	الیاله، ۱۰۳
الرمث، ۱۲۲	القیس، ۲۶۶	الیسما، ۲۸۱
آکیمکیت، ۵۹		
اکثار، ۱۰۷		
اکثوث، ۲۵۸		
اکثیقوس، ۱۴۳		
اکر، ۲۱۶		
اکرفس، ۲۵۳		
اکرکره، ۲۰۵		
اکرمیوسنه، ۲۱۹		
أکرنب البحری، ۱۲۲		
اکرنب الدوری، ۲۵۶		
اکرنب الرومی، ۲۵۶		
اکرنب الشامی، ۲۵۶		
اکرنب الکرمانی، ۲۵۶		
اکرنب الهاشمی، ۲۵۶		
اکروفس، ۱۰۸		
اکری (بنگال)، ۲۰۷		
اکسوفیلن، ۲۰۳		
اکسیر، ۵۲		
اکسیوس، ۵۹		
اکل نفسه، ۵۵، ۲۲۴		
إکلیل الجبل، ۵۹		
اکلیل الجبل، ۱۹۳		
إکلیل المَلِک، ۵۹		
اکول، ۶۷		
اکون، ۲۰۹		
اکیروس، ۱۰۸		
اگر، ۲۱۶		
اگیراتون، ۵۵		
اگیرترکی، ۲۹۳		
الأس، ۳۵		
الابورش مألش، ۱۳۰		
الایثار، ۶۱		
الازاز، ۲۷۷		
الاشنگ (اصفهان)، ۲۶۷		
الاطینی، ۶۰، ۲۶۶		
ألاطینی، ۲۶۷		
الالسفاقس، ۲۶۸		
الالسفاقن، ۶۰		

الیس، ۹۸	آفسوخ، ۶۲	آناس، ۶۷	آنجرک، ۲۷۹
الیسکه، ۱۴۰	أفطی، ۶۲	آناغالس، ۳۴، ۶۳	آنجره، ۶۵، ۶۵، ۲۵۵
الیکا، ۲۲۰	ام عمر، ۶۲، ۹۶	آناغورس، ۶۳	انجسا، ۳۸
الیلان، ۲۸۳	ام غیلان، ۵۹، ۲۱۷	اناغیرس، ۶۲	انجسا الرملی، ۱۵۵
الیمون، ۲۸۴	أم غیلان، ۶۲	اناکیر (نبطی)، ۶۳	انجسا الساحلی، ۱۵۵
آلینو، ۲۵۱	أمغیلان، ۶۲	انانوس، ۱۵۲	انجیده، ۲۲۴
الیون، ۱۰۳	ام غیلان، ۱۹۱، ۲۰۳	انب، ۷۲	انجیر، ۹۶، ۱۰۵، ۱۸۴
الیوون، ۱۵۳	امفلوراسیون، ۲۵۲	انباتورا، ۶۵	انجیر آدم، ۶۶
امارقوا، ۵۸	إمقدال یبقرا، ۲۷۲	انبالس مالیا، ۲۲۲	انجیر حلوانی، ۹۶
ام اربعة و اربعین، ۷۹	إمقدال غلوقیا، ۲۷۲	انبالفراسن، ۲۵۲	انجیر دشتی، ۹۶
امارنطون، ۵۸	أم کلب، ۶۲	أنجج، ۶۳	انجیر زمینی، ۱۲۷
اماری، ۱۳۳	أمل بید، ۶۲	انجج، ۲۸۲	انجیر وربری، ۱۸۴
آماریطن، ۶۱	امل بیل، ۵۵، ۲۵۸	انبجّه، ۲۸۰	انجیله، ۷۸
اماریطون، ۱۵۳	أمّنج، ۶۲	انیریاریس، ۳۸، ۴۰، ۶۱	انجیله، ۳۷
اماریقون، ۵۸، ۱۰۶	املس، ۱۳۹	انیرسول، ۲۸۱	انچلک (شیراز)، ۱۴۲
أم الف ورق، ۶۲	املک، ۶۲	انیرود، ۲۶۱	اندراسیون، ۷۴، ۲۶۲
امامانیطس، ۲۹۸	أمّ کجانی، ۶۲	انبل، ۲۲۵	اندرافکسیس، ۲۴۱
اماموس مانیوس، ۲۸۹	املناس، ۱۴۰	انبلی، ۹۵	اندراین کاپهل، ۱۲۶
امامون، ۱۲۴	أمّ وجع الکبد، ۶۳	انبویاریس، ۳۸	اندرجو، ۲۶۹
امانیاقن، ۵۱	اموره، ۲۷۵	انبوب الراعی، ۶۴	اندرجو (سندی)، ۲۶۹
امباشا، ۱۱۱	امونیاقن، ۲۹۵	انبوب الملک، ۶۴	اندرخانا، ۸۲
آمترباریس، ۶۱	امونیاقون، ۵۱	انبه، ۶۳	اندرخنا، ۸۲
آمبروسیا، ۶۱	امونیقون، ۵۱	انتله، ۱۰۱	اندرساخس، ۶۹
امبلوبراسون (لاتینی)، ۲۵۳	امی، ۲۸۹	آنتله (عجمی اندلس)، ۶۴	اندرسافس، ۶۹
امبودایس، ۳۸	امیانی، ۲۸۹	انتلی، ۱۴۹	اندرسامس، ۱۵۸
امجلیه، ۶۷	ام یحیی (شام)، ۱۰۵	انثار، ۲۰۴	آندرزارون، ۶۶، ۶۹
آمڈریان، ۶۲	امیریاریس، ۶۱، ۲۷۱	انثامیس، ۶۴	آندروافقسس، ۱۷۰
امراطیون، ۲۶۲	امیرون، ۷۰، ۳۰۰	آنتلیس، ۶۴	اندروت، ۶۶
امراقون، ۲۷۹	امیرون (اندلس)، ۲۹۸	انثوس، ۲۹۳	اندروساقس، ۲۹۸
امرباطون، ۱۱۸	امیره، ۱۱۰، ۲۶۹	انثون، ۱۸۴	اندروساماس، ۶۹
امرتیه، ۲۵۸	امیریا، ۲۶۹	انجاص، ۴۱	اندروسامن، ۲۹۸
امرقون، ۷۰	امیطی، ۶۲	انجاص (فاس)، ۲۶۱	اندروسامن، ۲۹۸
امرو، ۲۶۱	امیغدالی، ۲۷۱	آنجبار، ۶۴، ۸۷، ۱۵۷، ۲۹۱	اندروصارون، ۲۲۲
آمرو، ۶۲	امیولوفراس، ۲۲۵	انجبار النهری، ۲۷۲، ۲۹۱	آندروطالیس، ۶۶
امرو، ۲۶۱	امؤمن، ۱۲۴	انجدان، ۵۰، ۶۵، ۹۳، ۱۲۱	آندروطون، ۶۶
امروسیا، ۲۹۸	انار، ۱۵۷	انجدان رومی، ۶۵، ۱۶۷	اندقوقو (شیراز)، ۱۲۵
آمژه، ۶۲	انار دانه، ۱۵۸	۲۴۸	اندمولیا، ۱۰۶
امسخر، ۲۹۲	اناریچه (مازندران)، ۱۱۷	انجرک، ۲۷۹	اندُمیان، ۲۵۶



اندوا (ماوراء النهر)، ۱۰۲	انکسینس، ۳۳	انیلس، ۱۶۵	اُوروپس، ۲۵۳
انده قوقو (شیرازی)، ۱۲۵	انکسینی، ۱۱۹	انیولیس، ۲۸۰	اورودیس، ۲۳۰
اندیقا، ۲۹۷	اُنکول، ۶۷	انیولیون، ۲۵۴	اوروسیمون، ۱۷۶
اُنْدَر، ۱۵۳	انکولس، ۱۲۲	انیون، ۱۵۳	اوریز، ۴۴
انروله، ۱۲۲	اُنکیز، ۶۷	اُنْیه دی غاْته، ۲۰۵	اوریزا، ۱۲۶
اُنْزروت، ۶۶	انگدان، ۶۵	اُنْیه دغاْته، ۱۱۹	اوریزو دینوس، ۲۳۰
انزروتا، ۶۶	انگدان زد، ۱۲۱	اُوافیوس، ۶۷	اوریغاسن، ۱۹۵
انس الارواح، ۴۷	انگداله (فرنگی)، ۲۷۱	اوبانیس، ۵۷	اوزم، ۲۱۴
انسون، ۶۷	انگدان، ۶۵	اوبرنیون، ۲۲۴	اوزمون، ۱۰۲
انسیتون، ۵۶	انگزد، ۱۲۱	اویزر، ۲۴۶	اوزنس، ۲۵۳
انشعی، ۱۲۹	انگْزه، ۱۲۱	اویطوری (لاتین)، ۲۱۹	اوزونا، ۲۶۰
انطاین، ۱۴۵	انگشت، ۵۳	اویلس و فلوطن، ۱۲۰	اوسید، ۶۸
انطبذه، ۲۴۸	انگشت کنده (اصفهان)، ۱۲۱	اُویه قتیْته، ۲۴۹	اوسید، ۶۸
انطرقطولس، ۲۳۶	انگور، ۲۱۴، ۲۱۷	اوبیانس، ۵۷	اوسفدنون، ۲۴۹
انطریون، ۶۶	انگور سگان، ۱۲۸	اوبیانیس، ۵۷	اوسفول، ۱۶۵
انطولیا (شام)، ۲۹۷	انگیان، ۶۵	اوْثرمسوا، ۹۳	اوسفون، ۱۶۵
انطویا، ۲۹۷	انلی، ۸۸، ۱۵۰	اوْثنا، ۱۰۴	اوسفید، ۶۸
انطوینا (لاتینی)، ۲۹۸	اُنْلیه کمبیانه، ۱۵۳	اوْثومیس، ۲۷۵	اوسیرس، ۱۲۲
انطینس، ۱۲۲	انئوس، ۲۶۱	اوجا (تنکابن و دیلم)، ۲۲۰	اوسیمون، ۴۶
انظر (دمشق و شام)، ۳۶	انوْثیرا، ۱۴۱	اوحی (مازندران)، ۱۲۰	اوشن، ۱۹۵
اُنْغْزا، ۶۶	انوخیلوس، ۱۵۵	اودومالی، ۶۸	اوشه (شیرازی)، ۱۹۵
انغوزه، ۱۲۱	انوسما، ۴۳	اودمون، ۱۷۳	اوفاریقن، ۲۹۸
اُنْث العِجل، ۶۶	اَنوْشه (لاتینی)، ۱۷۱	اودْی تغس، ۲۴۳	اوفاریقون، ۲۹۸
انفالیوس، ۷۰	اُنْطولیون، ۶۷	اورابالا وسطون، ۱۰۴	اوفال، ۲۵۹
انفحه، ۲۵۰	انوله، ۶۲	اوراسالیون، ۲۵۳	اوفیموئداس، ۶۸
انفسینی، ۱۱۹	اُنوما، ۶۸	اوراسیمون، ۲۹۰	اوقاس، ۳۹
انفلوس، ۲۵۵	انومیا، ۱۸۸	اورافلون، ۱۵۳	اوقانتوس، ۶۱
انفولوفا، ۱۵۳	انونکسا، ۱۳۶	اوراهیا سلیون، ۲۵۳	اوقلاوفا، ۵۹
انقیطینا، ۱۹۱	انیت الشعر، ۲۵۷	اورباس، ۹۷	اوقیمون، ۷۱
انقث الا، ۲۵۱	انیراتا، ۶۷	اوردپاری، ۲۲۸	اوقیمویداس، ۶۸
انقردیا، ۸۵	انیسن، ۶۷	اوردقیون، ۲۳۲	اوقینه، ۵۹
انقوس، ۲۶۱	انیسوم، ۶۷	اورزأ، ۴۴	اوکا، ۷۱
انقیلامی، ۹۴	اَنسیسون، ۶۷، ۷۸، ۱۵۲	اورسالیون، ۲۵۴	اوکامانا، ۲۲۷
انقیون، ۱۸۴	۱۵۳، ۲۶۲	اورسیمون، ۲۳۰	اوککه، ۲۴۱
انکالن (فرنگی)، ۶۳	انیسون البری، ۱۱۴	اورغیون، ۵۰	اولایی بوشاشا، ۱۱۶
انکر (شیرازی)، ۲۳۶	انیسون بری، ۷۸	اورمش، ۱۰۵	اولسطیون، ۱۰۱
انکرانا اوکاما، ۶۵	انیطوا (لاتینی)، ۱۸۴	اورمون، ۱۰۲	اولیاطیوم، ۲۵۵
انکز، ۱۲۱		اورمینون، ۲۲۴	اولیذا، ۱۴۷

اولیه، ۲۵۲	ایذوصارون، ۶۹	ایل، ۷۰، ۲۳۲	أَبَجَه (اندلس)، ۱۳۸
اولیه دَلْبَر، ۲۶۹	ایذن، ۴۶	ایلانجی، ۲۳۲	أَبْرَس، ۲۰۸
اومادا، ۲۳۳	ایذونیارون، ۶۹	ایلر سیا، ۸۸	أَبْرَنْج، ۴۴
اومومون، ۱۲۴	ایذووسمون، ۲۹۰	ایلیقس، ۱۲۶	أَبْرُوذْیا، ۱۱۸
اومیطرون، ۲۴۶	ایذیصارون، ۱۴۴	ایلیقطان، ۲۶۴	أَبْرُوَطُنُون، ۷۷
اونت کتاره، ۵۰	ایرامامیز، ۶۹	ایلیوطرویون، ۲۰۴	أَبْرُوَطُنُون، ۲۴۷
اونت کتاره، ۱۸۹	ایردوساناس، ۶۹	ایلیوطرویون طوماغا، ۲۰۴	أَبْرَة الرَّاعِی، ۳۷
اونطریثا، ۲۲۶	ایردوسیاناس، ۶۹	ایلیوطرویون طومقرون، ۲۰۴	أَبْرَة الرَّاهِب، ۳۷
اونودی، ۲۳۳	ایرس، ۳۹		أَبْلَم، ۳۸
اُونْیا، ۶۸	ایرسا، ۷۰، ۱۴۶، ۱۸۰، ۱۸۱	ایمارانوطولی، ۷۰	أَبْلَم، ۳۸
اونیاغائه (لاتینی)، ۲۴۴	ایر صا، ۲۷۳	ایمارس، ۹۳	أَبْلَم، ۲۸۳
اونیره، ۸۱	ایزن، ۲۷۳	ایمارو قلاس، ۸۰	أَبْلَمَة، ۳۸
اوهیر، ۳۹	ایرنجان، ۲۳۶	اینارهر، ۱۳۸	أَبُوخَلْسَا، ۳۸
اوهیر، ۳۹	ایرنجی، ۱۰۵	اینبروئی، ۱۴۶	أَبُو شَاد، ۱۸۹
اویشم (اصفهان)، ۱۹۵	ایرنجی، ۲۳۶	اینه، ۱۲۶	أَبُو فَايِس، ۳۹
اهالوا، ۱۱۵	آیرنی، ۲۷۳	ایورش، ۲۸۳	أَبُو فَايِس، ۳۹
اهر، ۱۷۸، ۲۶۹	ایرنیوقرینوس، ۱۸۰	ایو سقوامس، ۸۸	أَبُو فُسْطُن، ۳۹
اهلیج، ۶۸	ایروفلون، ۱۵۳	ایهقان، ۱۰۲	أَبُو فُسْطُن، ۳۹
اهلیج اسود، ۶۸	ایروقولیون، ۱۷۴	أَقْتَشَس، ۱۱۴	أَبُو مَارْثُون، ۱۵۲
اهلیج اصفر، ۶۸	ایریس، ۷۰	أُرُون، ۲۷۳	أَبْهَل، ۱۴۹
اهلیج چینی، ۶۸	ایریفارون، ۷۰	أَفْشَرُو، ۳۶	أَبْیَد، ۳۹
اهلیج کابلی، ۶۸	ایریمورون، ۱۸۰	أَقْوَنْیَطَن، ۱۲۸	أَبْیَلَه دِطْلَبَاطَه (اندلس)، ۳۷
اهلیج هندی، ۶۸	ایرینون، ۷۰	أَقْیَشَس، ۲۲۵	أَبْی مالک (مغرب)، ۱۸۵
ایارانوطابی، ۶۹	ایزون، ۳۷	أَلِیْمُون، ۲۴۲	أَتْرَجِی الرَّائِحَة، ۷۱
ایسقسوس، ۲۸۴	ایزیویون، ۳۷	أَلْمُوْمَن، ۱۲۴	أَتْم، ۱۶۵
ایبولوبوس، ۲۵۰	ایزیفازن، ۷۰	أَلْمَی، ۲۶۲	أَثَاب، ۴۰
ایثوسیس، ۲۷۵	ایساطس، ۲۹۲	أَنْیَسَن، ۶۷	أَثَبَة، ۴۰
ایثولیس، ۶۹	ایسقسوس، ۱۳۶	أَبَابُئْس، ۳۳	أَثَرَا، ۴۰
ایدراسیمون، ۱۱۳	ایشن، ۱۹۵	أَذَارِیْذَا، ۶۴	أَثَرَا، ۶۱
ایدع، ۶۹، ۱۴۶	ایصورین، ۱۱۳	أَزْرَن، ۲۷۳	أَثَل، ۴۰، ۲۰۷، ۲۹۰
ایدمامیر، ۶۹	ایعاسوفسین، ۱۰۵	أَرِیْصَاوْن، ۲۷۳	أَج، ۱۰۶
ایدوصارون، ۲۶۹	ایغرتی، ۳۷	أَطَا، ۱۳۶	أَجاص، ۲۱۷
ایدیاسمن، ۱۱۳	ایغسه، ۹۳	أَتَامُونِی، ۱۸۸	أَجاص الْأَبْیَض، ۱۸۴
ایدیاسْمَن، ۲۹۰	ایفلوفوس، ۲۵۰	أَبَاغَسَالَة، ۱۸۵	أَجاص شَتَوِی، ۱۶۲
ایدیاسمین، ۱۱۳	ایفوریس، ۱۵۱	أَبَامالک، ۱۸۵	أَجاص کَوچک، ۷۶
ایْذَاآرِیْذَا، ۶۹	ایقذ، ۱۱۴	أَبَاة، ۳۷	أَجْرِد، ۴۲
ایذنطوس، ۲۶۶	ایکده، ۲۱۹	أَبَاو، ۳۷	أَجیلِبِس، ۱۴۷
ایذوسارون، ۶۹	ایکور، ۷۵	أَبْجَالَه، ۶۷	أَحْرَاز (صقالبه)، ۱۱۶

أحریص، ۴۲	أرجه (لاتین)، ۲۱۳	أزوری، ۱۴۱	أسنام، ۵۰
أحیرش، ۴۲	أرجیقن، ۴۴	أزیر، ۵۹	أُسُوفُون، ۱۶۵
أخِلَّة، ۷۹	أرخس، ۱۳۵	أسارون، ۲۸۸، ۴۶	أسیدار، ۵۰
أخلیوس، ۴۲	أردمانه، ۲۶۷	أساطیس، ۲۱۱، ۱۱۳	أسیرون (اندلس)، ۱۱۶
أخلیوس سَندَریطس، ۱۴۶	أَزَز، ۱۹۷	أساطیس، ۲۹۲	أشبرتالَه، ۵۰
أخلیوس سَندَریطس، ۱۷۹	أَزَز، ۲۴۷	أساطیس أغریا، ۲۱۱، ۱۱۳	أشبطانَه (لاتینی)، ۱۸۱
أخیون، ۴۲	أَرِسْطُلُوخیا، ۱۶۱	أسبست، ۱۵۶	أشتر، ۲۷۴، ۲۰۴
أداد، ۵۱	أرسطولوخیا، ۱۶۰	أستن، ۴۶	أشترغاز، ۱۶۴
أداد الوحید (مغرب)، ۴۷	أرطاماسیا، ۶۱	أشحاره، ۴۶	أشتیوان، ۷۹
أدادی (اندلس)، ۲۶۹	أرطاماسیا، ۷۷	أسحاره، ۱۹۰، ۹۶	أشخیص، ۴۷
أدریاس، ۹۷	أرطریفیون، ۶۰	أشخفان، ۴۶	أشُرَه، ۴۶
أدریس، ۹۷	أرغامونی، ۱۸۸، ۱۳۸	أسجیل، ۴۶	أشُق، ۲۳۲
أَذِیرزا، ۴۲	أرغامونی أغریا، ۱۸۸	أسجیل، ۱۳۷	أشُق الابله، ۵۲
أذخیر، ۴۳	أرغیس (اندلس)، ۱۲۰	أسد الأرض، ۶۸	أشقالیه (اندلس)، ۲۱۳
أذریون، ۳۵	أرقطیون، ۴۵	أسرغنت، ۱۷۰	أشَقَزْدین، ۹۸، ۴۹
أذئاب البقر، ۱۵۱	أرقطیون آخر، ۴۵	أسطافالینوس أغریوس، ۱۰۳	أشُق (مصر)، ۲۵۹
أذن الأرنب، ۲۶۹، ۲۷۰	أرقوش، ۲۰۸		أشقیطله، ۶۱
أذن الثور، ۲۶۹، ۲۵۲	أرماک، ۴۵	أسطافاندا أغریا، ۱۱۱	أشقیل، ۴۹
أذن الجَدی (اندلس)، ۸۲	أزمینن، ۴۵	أسطراطیقوس، ۴۷	أشقیل، ۲۱۵
أذن الحِمار، ۴۳	أرنبی، ۲۶۵	أسطراطیوس، ۱۵۱	أشْکالِیه (لاتینی - اندلس)، ۲۱۳
أذن الحِمار (اندلس)، ۶۸	أرتقالس، ۲۶۹	أسطراغلُس، ۴۸	أشکل، ۲۱۳
أذن الغزال، ۳۳، ۲۷۰	أرنیثوس غالاً، ۱۹۴	أسطنکه (فرنچی)، ۶۱	أشکوذ، ۶۱
أذن الوطواط، ۴۳	أروسیطقون، ۱۷۱	أسطوخودوس، ۱۹۷	أشْکیطْلَه (لاتینی)، ۱۲۰
أذنه، ۵۹	أروسیمنن، ۹۶	أسطوخودوس، ۴۷	أشنان القصارین، ۵۲
أَرَأا، ۱۶۴، ۱۹۴	أروسیمن، ۱۹۰	أسفراغس، ۲۹۷	أشنان داود، ۵۲
أراک، ۲۱۶، ۲۴۹	أروسیمون، ۹۶	أشفت، ۱۵۶	أشنان فارسی، ۵۲
أزْباقَه (لاتینی)، ۱۴۹	أریصارون، ۲۷۳	أشقلیثس، ۴۸	أشنه، ۵۶
أزْبِثْس اَیمارَس، ۱۲۴	أریقارون، ۱۹۳	أسفند، ۴۸	أصابع الصفر، ۱۸۶، ۲۵۹
أربیان، ۴۴	أریقون شاطوریون، ۱۳۵	أشفیوس، ۷۸	أصابع العذری، ۵۳
أربیان (شام)، ۴۴	أریقی، ۴۶	أسقردین، ۹۸	أصابع الفتیات، ۲۲۵
أرتدبرید، ۴۵	أریقی، ۱۳۷	أسقلیاس، ۴۸	أصابع القینات، ۵۳
أرتقی، ۱۱۰	أزاددرخت، ۳۵	أسقیزن، ۶۹	أصابع هُرمس، ۵۳
أرتقی (اندلس)، ۱۱۰	أزاز، ۵۳	أسکاطامن، ۶۶	أصاص، ۵۳
أرجان، ۴۴	أزْدَف، ۱۶۲	أشل، ۱۷۵	أَصْطَرک، ۵۳
أرجل الجراد (لبنان، عراق، شام)، ۱۶۱	أزراری، ۹۷	أشل (اندلس)، ۵۰	أصطَرك، ۵۳
أزجَنقه، ۴۴	أزرغن، ۶۱	أسلیح، ۸۷، ۵۰	أصطَرك، ۲۸۶
أرجونیه، ۲۸۵	أزروود، ۴۵	أسلیلی، ۱۸۴	أصطقلین (شام)، ۵۴
	أزَمَور، ۱۶۶	أسمانن، ۲۸۵	أصفوزن، ۵۴

أضحیان، ۵۴	أفوسالینون، ۲۵۳	أقنقن، ۹۰	ألوی، ۶۱
أضراس الکلب، ۵۴	أفوقوثن، ۴۲	أقیثا، ۷۱	ألوی، ۱۹۵
أطاء، ۵۴	أفوقوثن، ۱۲۸	أقیمن، ۵۹	ألخیریسون، ۶۱
أطاء، ۲۲۰	أفولاباثن، ۱۲۲	أقینس، ۲۲۵	أمارنطن، ۶۱
أطباء الکلبه، ۱۶۷	أفورمارتن، ۱۵۳	أقیثس، ۲۲۵	أمارنطن، ۶۱
أطرَقطولس، ۲۱۰	أفورمارتون، ۱۵۲	أكباب، ۲۱۶	أماره، ۶۱
أطرماله، ۵۴	أفیغزون، ۵۶	أکرار، ۵۹	أماسیرنیون، ۱۵۱
أطماط، ۵۴	أفیفقطس، ۵۶	أکر البحر، ۵۹	أم الشغراء، ۷۵
أظفار القبط، ۱۸۵	أفیقون، ۵۶	أكسورس، ۱۸۱	أمبرشیا، ۷۷
أعرابی، ۸۰	أفیمارون، ۵۶، ۱۸۱	أكشوث (مغرب، مصر،	أم دفراء، ۶۲
أعصاب، ۱۹۳	أفیمیدیون، ۵۷	أفريقا)، ۲۵۸	أمذریان، ۶۲
أغافث، ۱۸۸	أفیمیدیون، ۵۷	أكفیل، ۴۹	أمروسیا، ۶۱
أغالوجن، ۵۴	أفیوس، ۵۷	أكلیل الجبلی، ۲۷۴	أمصوخ، ۶۲
أغرسطن، ۹۹	أفیون، ۱۳۴، ۲۷۹	أكلیل الجیل، ۵۹	أم غیلان، ۲۱۶
أغرسطنس، ۹۹	أفاقالیس، ۴۰، ۵۷	أكلیل النفساء، ۲۷۴	أملال، ۹۰
أغرومی، ۲۸۹	أفاقیا، ۱۳۲، ۱۹۱	أكلیلی، ۲۶۸	أملال، ۹۱
أغلیس، ۹۸	أقالیقی، ۶۵	أكموبزان، ۶۰	أملال، ۲۱۷
أغثس، ۴۱	أقجاله (اندلس)، ۲۴۷	ألاغریزا، ۱۶۶	أملیس، ۶۳
أغیراطن، ۵۵	أقحوان، ۳۵	ألاطی، ۶۰	أملیسی، ۲۱۳
أغیراطین، ۵۵	أقحوان، ۱۸۶، ۲۳۴	ألافوسقن، ۱۵۶	أمیریاریس، ۱۲۰
أغیرس، ۵۵، ۱۲۷	أقحوان زرد، ۹۰	ألافوئشقن، ۱۵۶	أمیرون، ۲۹۸
أغیلان، ۶۲	أقسوس، ۵۱، ۵۸، ۱۸۶	ألانیون، ۱۵۳	أمیونیطس، ۱۱۹
أفار، ۹۹	أقسوس، ۱۴۳	ألانیون، ۱۵۳	أناطیا (قبطی)، ۶۳
أفارینی، ۸۶، ۱۱۸	أقسیا، ۵۱، ۵۸	ألأسفاقس، ۶۰	أناطیریا أرمالی، ۶۳
أفاقی، ۹۲	أقطف (شام)، ۲۷۵	ألباین، ۶۰	أناغالیس، ۳۴
أفانی، ۵۵	أقطن (یمن)، ۵۸	ألباینه، ۶۰	أناغرن، ۶۲
أفثیمون، ۱۶۷، ۲۵۸	أقطی، ۸۵، ۱۳۸	ألثاآ، ۱۳۶	أناغلس، ۲۳۱
أفزیون، ۵۵	أقطی، ۱۳۸	ألسفاس، ۶۰	أناغورس، ۱۳۲، ۲۱۶
أفستین، ۱۳۰	أقطیون، ۹۰	ألسنه العصافیر، ۱۷۸	أنبالس لوقی، ۲۲۲
أفستین، ۱۹۳	أقمام، ۳۶	ألسینی، ۳۴	أنبالس مالیس، ۲۲۲
أفستین البحری، ۵۶	أقتا، ۷۱	ألف دینار، ۶۰	أنبطرون، ۶۳
أفستین الساحلی (اندلس و	أقتا أرابیقا، ۱۸۹	ألف ذراع، ۲۹۷	أنتله بیضاء، ۶۴
مغرب)، ۵۶	أقتا أرابیقی، ۱۸۹	ألف ورق، ۱۱۰	أنتله سوداء، ۶۴
أفستین بحر، ۱۹۳	أقتا أقیس، ۶۱	ألقسینی، ۱۱۹	أنثلیش، ۶۴
أفلاطینس، ۱۴۶	أقتالوقی، ۵۸	أللیقائبن، ۲۱۵	أنثامیس، ۷۰
أفمیلیس، ۱۶۲	أقتالوقی، ۷۱	ألوبن، ۶۰	أنثلیس، ۶۴
أفورس، ۵۰، ۱۵۱	أقتس، ۱۱۴	ألوسن، ۶۰	أنثیمس، ۶۴
أفورس، ۱۵۱	أقتون، ۵۸	ألومس، ۱۴۳	أنیمس، ۷۰



بادیان رومی، ۶۷	باریلوماین (اندلس)، ۷۳	بامیه، ۷۴	بَخور الأُکُراد، ۷۴
بادیقون (سوریه)، ۶۵	باسلیقا، ۱۰۶	بان، ۱۱۱	بخور البربر، ۱۷۰
بازام طلخ، ۲۷۱	باسلیقون، ۲۸۹	باناقس، ۱۰۰	بخور البربر، ۱۷۰
بازامک، ۷۲	باسلیقی، ۱۱۳	بانس، ۲۴۰	بَخور السُودان، ۷۴
بازاینگان، ۷۲	باشان، ۷۳	بانسه، ۴۶	بخور النئی، ۲۶۶
بازبیلین، ۱۱۶	باشیون، ۷۳	بانقیب، ۲۱۰	بخور عایشه، ۱۴۸
بازرنوبیه، ۷۱، ۲۵۷	باطاسیطس، ۹۳	بانقش (نیشابور)، ۸۱	بخور عایشه، ۲۵۶
بازرنوبیه بری، ۸۳	باطالا، ۱۴۴	بانکریزی کلوف، ۲۳۸	بخور مریم، ۳۴، ۱۷۰، ۱۸۶
بازرنجوبیه، ۸۲	باطانیقی، ۱۵۵	بانوج، ۲۶۱	۲۰۶، ۲۰۷، ۲۲۷
بازرنجویه، ۲۵۷	باطراخیون، ۲۵۳	بانورس، ۷۵	بَخور مریم، ۷۴
بازرنگ، ۴۰	باطرنیقی، ۷۵، ۸۷	باهستان، ۲۱۸	بخور مریم (آفریقا)، ۱۳۰
بازرواکوهی، ۷۱	باطس، ۲۱۳	بَیْراطَه (لاتینی)، ۱۹۲، ۲۳۶	بَداشِیقان، ۷۵
بازروج، ۷۱	باطُس، ۲۱۳	بَیْزَه، ۱۱۴	بدالیون، ۲۸۳
بازرود، ۵۸	باغ پر باغ، ۲۶۹	بیسطین، ۲۷۵	بداوان (شیراز)، ۱۴۸
بازنجان، ۷۲، ۲۸۳	باقریقی خنجر، ۲۱۰	بیلعش، ۱۵۷	بُذّاة، ۲۶۰
بازنجان البری (اندلس)، ۲۵۸	باقلا، ۷۳	بیلیون، ۲۹۵	بدران (شیراز)، ۵۱
	باقلا مصری، ۹۳	بَیْلَیْه، ۵۸	بدسکان، ۷۵
بازنجان بری، ۲۰۷	باقلائی قبطی (مصر)، ۷۳	بَیْلَیْه الاصفَر، ۵۴	بدشغان، ۷۵
بازرُزْد، ۳۴، ۷۲	باقلی، ۷۳	بَیْلَیْره، ۵۸	بدشکان، ۲۵۹
بازُرد، ۱۱۴	باقلی هندی، ۵۴	بَیْیَته، ۷۴	بدکستان، ۷۵
بازُرد، ۱۱۴	باقولا، ۲۴۲	بَیْیهه، ۷۴	بدکشان، ۷۵
بازی بلاله، ۱۲۳	باکر، ۷۳	بتال مکهانه، ۲۸۴	بدلیون، ۷۵
باربه دلابر، ۱۰۳	باکسیان، ۸۲	بترح، ۱۶۱	بدولیون، ۲۸۳
باربه قُتلیه، ۱۰۳	بالانوس، ۱۰۷، ۲۵۰	بشروطوس، ۲۵۸	بدیلثون، ۲۵۵
بازرُذ، ۷۲، ۲۴۶	بال چهر، ۱۷۷	بجبلین، ۱۱۶	بذاشغان، ۷۵
بازرد، ۲۹۱	بالدرغان، ۶۵	بجوژه، ۴۰	بذالیون، ۲۸۳
بازرُذ، ۷۲	بالسطیون، ۱۰۴	بجُبه، ۱۴۷	بذر، ۱۲۶
بارسطاریون، ۷۰، ۷۳	بالسُطیون، ۱۰۴	بچند (سیستان)، ۲۴۵	بذر السداب، ۱۶۷
بارسطوان، ۱۲۴	بالسه، ۷۳	بجو (فارس)، ۲۵۷	بذلوزن، ۱۰۶
بارشک، ۲۶۹	بالش عاشقان (شیراز)، ۲۳۳	بجه، ۲۹۳	بذلیره، ۱۰۳
بارِض، ۹۱	بالقس، ۳۸	بحتریه، ۶۷	بذلیون، ۲۸۳
بارقیون، ۱۹۱	بالک جوهری، ۷۳	بَحْن، ۷۴	بذه، ۲۲۰
بارلیوس، ۳۰۰	بالکی البار، ۲۵۹	بحنه، ۷۴	بر، ۱۲۶
بارنج، ۱۰۹	بالنکو، ۷۳	بُخْتَرنه، ۶۰	بُر، ۱۲۶
بارون، ۲۰۵	بالنگ، ۴۰	بخرک (شیراز)، ۱۰۵	برائی، ۳۹
بارونوخیا، ۲۳۱	بالنگو، ۷۱	بَخْره، ۷۴	بِرائی، ۳۹
بارویشا، ۲۳۱	بالوط، ۸۶	بُخْشش، ۲۹۰	براجیل، ۲۵۳
باریسطاریون، ۱۵۶	باله، ۷۴	بَخور، ۲۴۷	براخشنه، ۱۴۴

براذج، ۱۶۱	بردیقیاس، ۱۱۹	برغست، ۲۴۵	برنیکان، ۸۴
براسن، ۸۰	بردیه، ۳۷	برغشت، ۲۴۵	برواق (مغرب)، ۱۳۸
براسینوشقزذین، ۹۸	برس، ۳۹، ۲۴۲	برغوثی، ۷۸	بروانی، ۷۸
براسن وقفالوطن، ۸۰	برسانیون، ۱۲۱	بر (فرنگی)، ۲۵۳	بروانیا، ۷۸
براسین، ۲۲۴	برُسْتُم (آفریقا)، ۱۶۱	برقامصر، ۷۶	برواونثلاسیون، ۲۰۰
براکیس یری، ۷۶	برُسْتُم (فاس)، ۱۶۰	برَقَقْلَی (لاتینی)، ۸۳	برواه، ۵۲، ۲۰۲
برانیا، ۶۷	برس غنچه، ۳۹	برقوق، ۷۶، ۱۳۹	بروئا، ۳۹
براوانیا، ۲۲۲	برسون، ۲۲۴	برقوق (فاس)، ۴۱	برورا، ۱۰۰
براوانیا، ۲۲۲	برسیا، ۷۶، ۸۸، ۲۶۶	برقوقیه، ۲۸۲	بروطوس، ۲۵۷
براهمی، ۱۶۱	برسیاج دارو، ۲۱۰	برقه، ۱۰۶	بروق، ۳۷، ۱۳۸
برباریس، ۳۵، ۵۸، ۶۱، ۱۶۳	برسیانا، ۷۶	برزکان، ۷۶	بروقیا، ۲۰۴
برُخینا، ۸۲	برسیانداری، ۷۶	برُکسوس، ۷۶	بروله، ۲۸۰
بریشکة (اندلس)، ۹۰	برسیان دارو، ۲۱۰	برکشان، ۲۵۷	برومس، ۱۲۶
بریطور (اندلس)، ۲۷۴	برِسیاوشان، ۷۵	برُکک شیرازی، ۷۶	برون، ۳۹، ۱۳۰، ۲۰۰، ۲۴۹
بربله، ۲۶۳	برسیاوشان، ۱۸۷، ۲۰۷	برکیره، ۴۷	برون، ۵۵
بریناقه، ۷۵	برُسیقا، ۱۳۹	برکینه، ۲۴۰	برون البحری، ۵۵
بریناقه، ۱۲۲	برسیون، ۷۶	برکینه، ۴۷، ۱۵۴	برون (پرتغال)، ۲۶۲
بربوٹ، ۵۲	برش، ۲۵۸	برگ فرنجمشک، ۲۲۵	برون ثالاشیون، ۲۰۰
بربوذا، ۵۲	برشاد، ۱۸۹	برگک (شیرازی)، ۲۴۵	بروند (فرنگی)، ۲۴۰
برُبوذیّه (لاتینی)، ۷۹	برشف، ۲۴۲	برُم، ۷۷	برُهتا، ۷۸
بربهن (اصفهان)، ۸۳	برشک، ۲۲۵	برم، ۲۱۷	برهلیا، ۱۵۲
برتراسک، ۲۴۷	برُشون، ۹۴	برمس، ۷۷	برهمن، ۹۲
برتراسک (شیراز)، ۷۷	برشیان دار، ۲۱۰	برنهی، ۱۶۱	برهمی، ۱۶۱
برتقش، ۴۶	برشیان دارو، ۲۱۰	برنج، ۴۴، ۲۴۸	برُزِیاله، ۷۸
برتلاقش، ۴۶	برشیاوشان، ۱۸۷	برنجاسب، ۲۴۷	برُزیا مصری (مصر)، ۷۸
برثانیون، ۵۷، ۵۸	برشیاوشان، ۲۵۷	برُنْجاسف، ۷۶	بريجا، ۷۲
برثماز، ۱۱۳	برشیاوشان داوران، ۲۵۷	برنج اسف، ۷۶	بریدفوقه (اندلس)، ۲۰۵
برجارش، ۱۱۳	برشيقا، ۱۰۷	برنجاسف، ۷۷، ۱۹۰، ۲۴۷	بریر، ۴۳
برجی، ۹۶	برشيقا (افرنجی)، ۴۰	برنجاسف کوهی، ۵۵	بریر، ۲۳۳
برجین، ۹۶	برشيقا میلا، ۱۳۹	برنجان، ۹۶	بری مائی، ۲۰۲
برُرجین، ۲۱۴	برطانیقی، ۶۰، ۲۳۹	برنجان، ۷۷	برُیون، ۵۲، ۱۹۲
برد الحریض، ۲۳۶	برُطانیقی، ۷۶	برنج کابلی، ۷۷	بزاج، ۱۰۴
بردیلاسقیس، ۱۱۵	برطانیقی (لاتینی)، ۲۳۹	برنجمشک، ۲۲۵	برُزایل القَطَه (آفریقا)، ۳۷
بردرده، ۲۰۸	برطره، ۲۰۵	برنق، ۴۴	بزبار (شیرازی)، ۷۸
بردنمانمون، ۲۵۷	برطوماش، ۴۶	برنک، ۴۴	بزبان، ۱۰۷
برد و سلام، ۲۶۹	برطینی (لاتین)، ۲۵۹	برنگ، ۷۷	بزرا اسفناج البری، ۱۱۸
بردی، ۷۵، ۱۶۷	برغال سالی (فرنگی)، ۸۳	برُنوف، ۷۷، ۱۸۳، ۲۱۴	بزرا الانجره، ۶۵
بردیسیون، ۱۰۱	برغث (خراسان)، ۲۴۵	برنيس، ۷۷	بزرا البصل، ۸۰

بزر البطیخ، ۸۱	بزر النمام، ۱۸۲	بَسْبَاسَة، ۱۰۷، ۱۴۲، ۱۹۹،	بُشَام (آفریقا)، ۷۴
بزر البنج، ۸۸	بزر الورد، ۲۹۳	۲۳۸	بُشَانِق، ۲۴۷
بزر البنجنکشت، ۴۱	بزر الهلیون، ۲۹۷	بَسَاکَه (فرنگی)، ۲۲۵	بُشْبُش، ۱۲۶
بزر الجرجیر، ۱۰۲	بزر الهوه، ۹۶	بستان ابروز، ۷۸	بشیش، ۱۲۶
بزر الجزر البری، ۱۰۳	بُزَر بَرْدی، ۷۸	بستان افروز، ۷۱، ۷۶، ۷۸،	بشبوقة (اندلس)، ۱۳۸
بزر الجزر البستانی، ۱۰۳	بزر بلاستیس، ۱۱۵	۱۲۲، ۱۴۷	بِشْت، ۱۰۵
بزر الحجری، ۲۴۳	بزر خشخاش الأسود، ۱۰۴	بستان الجواری، ۷۸	بِشْتَر، ۲۶۶
بزر الخبازی، ۱۲۹	بُزَر قَطُونَا، ۷۸	بستانه، ۵۵	بِشْتَاقَه، ۱۰۳
بزر الخَبَّة، ۱۲۹	بُزَر قَطُونَا، ۱۶۰	بِشْتَقی، ۲۲۵	بُشْج مائی، ۲۸۰
بزر الخرفه، ۸۲	بُزَر قَطُونَا، ۱۷۷	بِشْتَاج، ۸۱	بشرسون، ۱۸۰
بزر الخس، ۱۳۳	بُزَر قَطُونَا (عراق)، ۷۸	بستولاک، ۱۷۰	بشرمساح (مصر)، ۷۳
بزر الخشخاش الاسود، ۲۹۸	بُزَر کَتَان، ۲۵۱	بِشْتِیْنَاج، ۷۹	بِشْط، ۱۴۳
بزر الخطمی، ۱۳۶	بزر لسان الحمل، ۲۶۹	بَسْد، ۷۹، ۱۴۰	بِشْطَانِیْقَا، ۸۴
بزر الخمخم، ۹۶	بُز شوم (نجد)، ۹۵	بُسْد، ۷۹	بشعیرا، ۱۶۹
بزر الرازیانج الرومی، ۶۷	بُزْعُج، ۲۲۵	بُسْر، ۹۴	بشکرانی (اندلس)، ۵۱
بزر الرطبه، ۱۵۵	بُزْعَد، ۲۲۵، ۲۳۷	بُسْرَة، ۹۱	بشکرانیة (اندلس)، ۵۱
بزر الريحان، ۱۵۹	بُزَنْدُوخَنْد، ۲۴۵	بِسْطَاقِیَا، ۲۲۵	بشکرانین الاسود، ۵۱
بزر الزيتون البری، ۴۶	بُزَوَاق (مغرب)، ۱۳۸	بِسْطَاقِیَا، ۲۲۵	بشکل (حجاز)، ۹۵
بزر السرْمَق، ۱۷۰	بُزُوْثَا، ۳۹	بِسْطِیْقُون، ۱۰۳	بشل (اندلس)، ۱۰۶
بزر السلق، ۱۷۴	بُزُوْثُون، ۳۹	بِسْطِیْقِیَا، ۱۰۵	بَشْلَشْکَه (لاتینی)، ۱۰۶
بزر الثبِت، ۱۸۴	بُزُوْسیَاء، ۳۹	بِسْفَایِج، ۵۴، ۱۴۴	بشلشه، ۱۰۶
بزر العلق، ۱۵۶	بُز، ۷۵	بِسْفَایِج، ۷۹	بشم الاسود، ۲۷۲
بزر الفصفصه، ۱۵۶	بُزْیِر (سجستان)، ۲۴۷	بِسْقَمَا، ۱۸۳	بشمه (حجاز)، ۹۴
بزر الفت، ۱۵۶	بُسَاة، ۱۶۱	بِسْقَوَاس (اندلس)، ۲۶۷	بشمه (حجازی)، ۱۹۲
بزر الفتا، ۲۳۳	بُسَاط الغول، ۲۰۳	بِسْکَهْرَه، ۱۲۵	بشنه، ۸۰
بزر الفتد، ۱۵۶، ۲۳۴	بُسَاط الملک، ۲۹۱	بِسْلَة، ۹۳	بشنین، ۸۰
بزر القداح، ۱۵۶	بُسَاث بلی کوئیم (لاتینی)، ۲۱۰	بِسْلِیْت، ۱۴۹	بشنین، ۲۷۲، ۲۹۲
بزر القصب، ۱۵۶	بُسَبَاس، ۷۸، ۱۰۷، ۲۱۱،	بِسلِیون، ۷۸	بشنین (مصر)، ۸۰
بزر القُتَب، ۲۴۵	۲۲۰	بَسْمَاط، ۱۳۰	بشوریقون، ۲۲۷
بزر الکُتَان، ۲۵۰	بَسَبَاس، ۱۵۲	بَسْنَاج، ۱۴۸	بشوش، ۸۰
بزر الکراث، ۲۵۲	بَسَبَاس، ۱۱۶	بِسورَه، ۱۶۹	بشیوما، ۹۶
بزر الکرفس البستانی، ۷۸	بَسَبَاس حَبْشِی، ۷۸	بُسْیِیْسَة، ۹۳	بصل، ۸۰، ۹۰، ۱۳۸، ۲۷۳
بزر الکرفس الجبلی، ۷۸	بَسَبَاس رومی، ۷۸	بِسیل، ۱۰۴	بَصَلَا، ۸۰
بزر الکرنب، ۲۵۵	بَسَبَاس نَبْطِی، ۷۸	بِسیله، ۹۳	بَصَلَا (سندی)، ۸۰
بزر الکشوْث، ۲۵۸	بَسَبَاسَه، ۷۸	بِسیله، ۷۹، ۱۰۴	بصل الأیض، ۸۰
بزر المرو، ۲۰۹، ۲۸۰	بَسَبَاسَه، ۱۰۷	بُشَاش، ۷۰	بصل الأکل، ۸۰
بزر المَط، ۱۵۸	بَسَبَاسَه، ۱۰۷	بُشَام، ۸۰	بصل البر، ۴۹، ۸۰



بَصَلُ الْبَرِّ، ۲۱۵	بطراخيون، ۲۵۰، ۲۵۴	بطیقي، ۲۹۶	بَقْلَةُ الْحَمَقَاء، ۸۲، ۸۳
بصل البری، ۴۹	بَطْرَاخِيُون، ۲۵۰	بَغْصِرَان، ۲۰۴	بقلة الحمقاء، ۲۴۷
بصل الخراسانی، ۸۰	بطراسالنون، ۲۵۳	بغلیس، ۲۵۲	بَقْلَةُ الْحَمَقَاء البرية، ۱۲۱
بصل الخَرْم، ۸۰	بطراسالینون، ۲۲۶، ۲۲۷	بفرخ، ۸۳	بقلة الخطاطیف، ۲۰۸، ۲۵۵
بصل الخُصَى، ۸۰	بَطْرَاسَالِیْنُون (مصر)، ۲۵۴	بقتلمن، ۹۰	بقلة الرُّمَاه، ۸۳
بصل الخنزیر، ۸۰	بطراسالیون، ۲۲۶	بَقْتَلْمَن، ۹۱، ۲۱۷	بقلة الرمل، ۸۲
بصل الخنزیر (فاس)، ۴۹	بطرس، ۶۱	بَقْتُوفِرُثْن، ۸۲	بقلة الزهراء، ۸۳
بصل الخنزیر (مغرب)، ۴۹	بَطْرُس، ۷۷	بقرة العين، ۱۸۲	بقلة السنانیر، ۸۳
بصل الذنب، ۸۱، ۸۵	بَطْرُس، ۱۹۰	بقریس، ۲۹۸	بقلة الضَّب، ۸۳
بصل الرومی، ۸۰	بطرسالی (فرنگی)، ۲۲۷	بَقْس، ۸۲	بقلة العدس، ۸۳
بصل الزنر، ۸۵	بطرسالینوس، ۲۵۴	بقس البلدی، ۸۲	بقلة العروس، ۸۳
بَصَلُ الزَّاز، ۸۵	بطرسالیون، ۲۵۳	بقسیس، ۸۲	بقلة الفارسیه، ۸۳
بصل الزیدی، ۸۰	بطرساموه، ۲۵۴	بقسین، ۸۲	بقلة اللینه، ۸۲، ۱۶۲
بصل الزعفران، ۸۰	بطرسلینون، ۲۵۴	بقسیون، ۸۲	بَقْلَةُ الْمَبَارَكَةِ، ۸۳، ۸۴
بصل الزیر، ۸۵	بطرقیره، ۱۱۹، ۱۵۹	بَقْس، ۸۲	بقلة الملك، ۱۸۳
بصل الزیز، ۸۰	بطرمیقی، ۱۷۲	بقش الکرم، ۱۶۰	بقلة الیمانی، ۲۵۸
بصل السنجار، ۸۰	بَطْرُمِیقَى، ۲۱۶	بقطانیون، ۱۹۶	بقلة الیمانیه، ۱۶۲
بصل السوسن، ۸۰	بطرمیقی تاغیغشت، ۲۶۳	بقغاین، ۲۴۹	بقلة اليهود، ۵۰، ۱۲۹، ۲۹۸
بصل الصغیر، ۸۰	بطره، ۸۱	بقل، ۹۳، ۱۰۳، ۱۳۳، ۱۳۵	بقلة اليهودیه، ۸۴، ۹۴، ۲۹۶
بصل العصل، ۴۹	بطریره، ۱۱۹، ۱۵۹	۱۴۷، ۱۵۴، ۲۰۵، ۲۷۴	بقلة حامضه، ۸۳
بصل الفار، ۴۹	بطریون، ۲۳۳، ۲۹۲، ۸۱	بَقْلُ الْحَمَقَاء، ۸۲	بقلة حمقاء بری، ۳۷
بصل الفارسی، ۸۰	بَطْم، ۴۳، ۸۱، ۱۱۱، ۱۹۸	بَقْلُ الذَّهَبَى، ۱۷۰	بقلة حمقاء بریه، ۸۳
بصل الفأر، ۸۰، ۲۱۵	بطما، ۸۱	بقل الذهبی، ۲۴۱	بقلة خراسانی، ۸۳
بَصَلُ الْفَأْرِ (مغرب)، ۴۹	بطمتا، ۸۱	بَقْلُ الزَّوْم، ۱۷۰	بقلة خراسانیه، ۸۳
بصل القی، ۸۰، ۸۱	بطورنه ماطرش، ۹۹	بَقْلُ الزَّوْم، ۲۴۱	بقلة دستیه، ۴۸
بصل اللوف، ۸۰	بطوس، ۱۹۰	بقل دمشقی، ۸۳	بقلة دشتی، ۸۳
بصل المجوسی، ۸۰	بطیالایا، ۲۹۰	بقل ریشی، ۸۳	بقلة ذهبیه، ۱۷۰
بصل النرجس، ۸۰، ۲۹۰	بَطِیْخ، ۸۱، ۱۴۴، ۱۹۰، ۲۷۰	بقله (شام)، ۱۴۹	بقلة عائشه (اسکندریه)، ۱۰۲
بصل النیلوفر، ۸۰	بطیخ اخضر، ۸۲	بقله یمانی، ۱۵۵	
بصل الھام، ۸۰	بطیخ الصخری، ۱۲۶	بقلة، ۲۶۳	بقلة عربیه، ۸۴
بصل بری، ۱۵۰	بطیخ الطویل، ۲۸۵	بقلة اترجیه، ۲۵۷	بقلة فاطمه، ۸۳
بصل جبَلین، ۸۰	بطیخ الفلسطینی، ۱۲۶	بقلة الانصار، ۸۲، ۲۵۵	بقلة فلفلیه، ۲۵۷
بصل نسرين المروج، ۸۰	بطیخ الھندی، ۸۲	بقلة الاوجاع، ۸۲	بقلة لیثه، ۸۲
بطارس، ۱۶۹	بطیخ رقی، ۸۲	بقلة الأترجیه، ۸۲	بقلة مانیه، ۸۴
بَطَالَايَا، ۱۴۴	بطیخ سکری، ۸۱	بقلة الأنصار، ۲۵۵	بقلة مبارکه، ۸۲
بطالش، ۱۱۸	بطیخ سندی، ۸۲	بقلة الباردة، ۱۸۵	بَقْلَةُ یمانیه، ۸۴
بطباط، ۲۱۰	بطیخ عقابی، ۸۱	بقلة البراری، ۸۲، ۸۳	بقلة یمانیه، ۸۴
بَطْبَاط، ۲۱۰	بطیخ هندی، ۸۲	بقلة الحسینیہ، ۸۳	بقلة یهودیه (اندلس)، ۲۳۶

بقل یمانی، ۲۰۲	بلاسفین، ۱۱۵	بلغوثیون برمندار، ۲۱۰	بلیطن، ۸۴، ۸۷
بقم، ۸۴، ۲۱۷	بلاسَنطور (فرنگی)، ۸۵	بلغیس، ۲۵۲	بلیطی، ۸۴
بَقَم، ۲۱۵، ۲۷۰	بلاطر، ۲۹۲	بُلُقیرَه، ۱۱۸	بَلیلج، ۸۷
بقنوقومَن، ۸۵	بلاقه، ۱۰۹	بلناس، ۲۵۰	بمولتان اهری، ۱۳۰
بَقول السَّعال، ۱۸۲	بلاقه (لاتینی)، ۱۰۹	بَلتائین، ۲۶۹	بن، ۸۱
بقول الصبیه، ۱۸۳	بلال، ۳۵	بَلتائین (لاتینی)، ۲۶۹	بَن، ۸۹
بقول المائده (مصر)،	بِلان، ۸۵	بَلنجاسف، ۷۷	بنات الرعد، ۲۶۰
اسکندریه، صقلیه، ۲۳۵	بَلایه، ۲۲۹	بلنجاسف، ۱۹۰، ۲۴۷	بنات النار، ۶۵
بکا، ۸۵	بَلایَه جزیره (لاتینی)، ۲۸۱	بلودقش، ۱۳۳	بنات اُزیر، ۲۶۰
بکام، ۳۱، ۳۵	بلايه قَبرونه، ۵۹	بلورا، ۲۹۶	بنات مریرا، ۱۲۶
بکاین، ۳۹، ۱۱۱	بَلایه (اندلس)، ۲۲۹	بلوز الريح، ۲۹۱	بنادق البریر، ۱۰۸
بَكْکَر، ۱۴۰	بلباسی، ۲۵۰	بلوس، ۲۰۲	بناطش ابذا، ۱۵۳
بُکجی، ۸۵	بلیان، ۲۱۴	بلوسیطن، ۱۰۴، ۱۹۱	بن پوتکه، ۲۴۹
بکرش (حجاز)، ۲۱۲	بَلیراله، ۲۴۸	بلوط، ۷۷، ۸۶، ۸۷، ۹۱	بُشرقه (رومی)، ۲۳۹
بکریدیا، ۲۹۷	بُلُپسا، ۸۰	۱۴۴، ۱۶۸، ۲۵۰، ۲۶۰	بشرقه، ۱۶۰
بکریر، ۲۷۵	بُلُیس طویل، ۸۰	بَلوط، ۸۶	بُشرزَنقه، ۸۷
بکسیتلان ازمور، ۲۱۴	بلبل شامی، ۲۷۷	بلوط ارعا، ۲۶۰	بُشرقه، ۸۷
بکسیس، ۸۲	بُلُبلیه الاسود، ۱۵۳	بلوط الارض، ۳۷، ۸۶، ۸۷	بتوشه (اندلس)، ۱۷۱
بکلورم (لاتینی)، ۲۶۸	بلبوس، ۸۰، ۸۱	۲۶۰	بُتوقُس اُوطا، ۳۴
بکم، ۸۴	بَلبوس، ۸۵	بلوط الملک، ۸۷	بتومه، ۱۵۷
بکَم، ۸۵	بلبوسا، ۱۷۹	بلوطا ملکا، ۸۷	بتومه (اندلس)، ۸۷
بُکمون، ۸۵	بَلج، ۹۴	بلوط (شام)، ۱۷۹	بتومه، ۴۳، ۵۲، ۱۵۰، ۱۵۷
بُکَن، ۸۵	بلج، ۹۴	بلوطی، ۸۷، ۱۴۴، ۲۲۴	بَنج، ۸۸
بکوزتیکان، ۲۱۳	بلحشکوک، ۳۰۱	بَلوطی، ۸۷، ۱۷۹	بنج اسود، ۸۸
بَکهرینده، ۸۵	بَلخته (مغرب)، ۸۶	بلوطی صقلا، ۹۴	بَنج اَنگشت، ۴۰
بَل، ۸۵	بلخیه، ۸۶	بلوغوناطن، ۸۷	بنجانی، ۹۶
بَل، ۸۵	بَلزیهاله، ۹۸	بَلوغوثن، ۲۱۰	بنجاین، ۱۰۰، ۱۴۳
بل، ۱۳۸	بلس، ۸۶، ۹۶	بَلول، ۸۷	بنجسکروان، ۲۶۹
بلاس، ۸۰، ۸۵	بَلسان، ۸۶	بَلوین، ۱۰۳	بنجسکروان، ۸۸
بلاقبس، ۲۶۹	بلسان، ۱۴۳	بَله بانته، ۲۴۸	بنجشک زیان، ۲۶۹
بلایبوس، ۱۰۸	بُلَسکی، ۸۶	بلیار، ۱۰۸	بنجسکروان، ۱۴۴
بلاثه (اندلس)، ۲۲۹	بلسکی، ۱۱۸، ۲۷۰	بَلیار، ۲۴۹	بنجکشت، ۱۵۲
بلاد، ۳۴	بَلسن، ۲۰۷	بلیان (مصر)، ۸۷	بنجکست، ۱۷۰
بَلادَر، ۸۵	بُلَسَن (سجزی)، ۲۰۷	بَلیحاء، ۵۹	بنجکشت، ۴۰، ۱۸۵، ۱۸۶
بَلادر، ۸۵، ۶۷	بُلَسَن (مکه)، ۲۰۷	بلیحاء، ۸۷	۲۲۸، ۲۵۸
بلارجه، ۱۲۹	بلطالة، ۸۷	بلیذا، ۱۴۰	بنجه، ۱۲۶
بلاس، ۸۵	بَلطانس (فرنگی)، ۱۴۵	بلیطس (اندلس)، ۸۴	بنجه، ۱۵۰
بلاس بابره، ۸۵	بَلطاون، ۸۴	بلیطش، ۸۴	بنجین، ۸۸

بن چهتکی، ۸۹	بنک آس‌را، ۳۱، ۳۵	۸۴	بول (بنگال)، ۹۰
بنحنک (خوارزم)، ۸۴	بنک (شیرازی)، ۲۴۵	بورمنی (جرجان)، ۸۴	بولجاق، ۱۲۴
بنداء، ۸۸	بَنک مُخیر، ۸۹	بورنسون، ۲۵۸	بولدین، ۲۸۱
بنداء، ۱۳۱	بنکو (شیراز)، ۷۸	بوَرَه، ۸۰	بوئسری، ۹۰
بندال، ۸۸	بَنگَه، ۳۶	بوریکا، ۱۱۳	بولو، ۱۹۵
بندُق، ۸۸	بنکه قیطس، ۳۱، ۳۶	بوریداس، ۱۲۲	بولوودیون، ۷۹
بندق، ۱۰۵	بنگ، ۸۸	بوزیدان، ۵۴	بولوودیون، ۷۹
بندُق هندی، ۵۴، ۵۹، ۸۸	بن لیلوفر، ۲۹۲	بُوزیدان، ۸۹	بولودیون، ۱۵۷
۱۵۵	بنور، ۱۵۳	بوست، ۱۲۴	بولوزیون، ۷۹
بَنسِیکِی، ۸۹	بَنو (سجری)، ۲۱۲	بوسیر، ۸۸، ۲۴۴	بولوطریخون، ۷۵
بنس روجن، ۱۹۹	بنو سیاه (شیرازی)، ۲۷۵	بوسینی، ۲۳۳	بولوطوطریخون، ۷۶
بنس لوجن، ۱۹۹	بنوش، ۱۳۹	بوش، ۹۰	بولوطونخون، ۷۶
بن شاه، ۸۱	بنولیون، ۵۴	بوش‌دربندی، ۹۰	بولوغالی، ۱۰۴
بنطاباطس، ۸۸	بنوماش (شیرازی)، ۲۷۵	بوشیاد، ۹۰	بولوغاناطن، ۲۵۲
بَنطابیطوس، ۸۹	بَنیاله، ۸۹	بوصیر، ۳۳، ۹۰، ۲۷۷	بولوغانطن، ۹۰
بنطادانیقا، ۱۴۴	بنیشه، ۱۵۰	بوطاماخیطس، ۹۰	بولوغتن، ۹۰
بنطادَقطوُلُن، ۸۸	بوئی، ۹۰	بوطاموغیطس، ۱۱۰	بولوقنیمن، ۹۰، ۲۵۲
بَنطادَقطوُلُن، ۸۹	بواب الحاجب، ۷۸	بوطاموغیطن، ۹۹	بولیطریخو، ۷۶
بنطاطوس، ۸۸	بوارس، ۲۸۱	بوطانیه (اندلس)، ۲۲۲	بولیون، ۱۰۳
بنطافلن، ۸۸	بوئالمیوس، ۲۱۷	بوطانیة، ۹۰، ۲۲۲	بومادران، ۷۷
بَنطافلن، ۸۸	بولسُمون، ۸۶	بوتل، ۲۵۴، ۲۵۹	بوتق، ۷۷
بَنطافلن، ۸۸	بویونیان، ۱۸۹	بوتولون، ۲۵۴	بونیاَس، ۱۸۹
بَنطافلن، ۱۵۲	بوئلمون، ۹۰	بوطة، ۱۴۸	بونیاون، ۱۸۹
بنطافلن، ۲۵۹	بوخل (نیشابور)، ۸۳	بوَعقَاد (فاس)، ۲۱۰	بونیکا، ۱۵۷
بنطافلون، ۱۲۵، ۲۵۸	بوختو، ۱۰۶	بوغلصن، ۲۵۲، ۲۶۸	بونیون، ۹۰
بَنطاموَمَن، ۸۸	بودال، ۹۶	بوغلوسن، ۲۶۸	بوی جهودان، ۲۸۳
بنطاناتی، ۸۸	بودی، ۲۷۵	بوفاالمون، ۹۰	بوی مادران، ۲۴۷
بنطفلون، ۴۱	بودافانن، ۲۰۴	بوفاسفسوس، ۶۱	بوی ماذران، ۲۴۷
بنطیقا، ۱۵۴	بودریج، ۸۹	بُوقاذائُس، ۷۴	بویون، ۹۰
بَنفَسَج، ۸۹، ۱۲۹	بودنه، ۲۹۰	بوقی، ۲۴۶، ۲۹۲	بوی هیربذان (سجستان)، ۱۸۰
بنفسج الکلاب، ۱۸۳	بوراطاغرین، ۱۲۶	بوقیصا، ۱۴۴	به، ۱۷۲
بنفسج اللیل، ۱۶۸	بوراطاغونس، ۳۹	بوکسطیلان طربول رماکه	بهار، ۴۴، ۵۷، ۸۰، ۹۰
بنفشه، ۸۹	بورشاد، ۱۸۹	(لاتینی)، ۱۲۵	۱۴۲، ۲۱۷، ۲۹۴
بَنقراطیون، ۲۴۳	بورفیا، ۴۳	بول، ۲۷۷	بهار ابیض، ۹۰
بَنقَه، ۸۹	بورقداس، ۱۲۲	بولابیطس، ۱۰۵	بهار الاصفَر، ۳۴
بنک، ۸۸، ۲۴۵	بورکر، ۱۳۷	بولابیطس، ۱۳۴	بهار البر، ۳۴، ۹۰
بَنک، ۸۹	بورمندی (جرجان)، ۸۴	بولامنیون، ۹۰	بهار الریاض، ۹۰
بَنک، ۱۴۳	بورمنی (بخارا و جرجان)،	بولامونیون، ۹۰	

بهار خرما، ۹۵	بیئل، ۹۲	۲۶۹	پاندروت (سند)، ۱۴۶
بهار (فاس)، ۲۹۰	بیوریس، ۲۷۷	بیشاک مینور (فرنگی)، ۲۶۹	پاندورت، ۱۴۶
بهاری، ۲۹۰	بیت، ۱۴۰	بیش موش بیشا، ۹۲	پای کلاغ (پهلوی)، ۱۵۵
بهاسلواواکرا، ۲۹۶	بیجه، ۱۷۳	بیض الاوز، ۹۲	پت پایره، ۱۸۳
بهانتانا، ۷۲	بیخ آسمان گون، ۷۰	بیض العیار (شام و بغداد)، ۲۴۵	پتروتیزپاپ، ۱۶۶
بهتکتیه، ۱۱۴	بیخ برنده، ۱۹۳	بیتضمون، ۸۸	پتوهری (بنگال)، ۹۳
بَهَج، ۲۸۱	بیخ بنفشه، ۷۰	بیضة الارض، ۲۶۰	پدیهره، ۲۲۶
به دانه، ۱۷۲	بیخ نفت، ۱۹۱	بیضة البلد، ۲۶۰	پرپی، ۱۶۱
بهرامج، ۱۳۷، ۲۱۰	بیخ جگری، ۱۵۴	بیضة النعامة، ۲۶۰	پرپهن، ۸۳
بهرامج البر، ۱۵۹، ۲۰۵	بیخ چکری، ۱۵۴	بیضی، ۸۰	پَرسیاوشان، ۷۵
بهرامه، ۲۱۰	بیخ چینی، ۱۰۶	بیطویداس، ۱۹۷	پرسیاوشان، ۷۶، ۱۷۸، ۱۸۷
بهرامه، ۱۳۷	بیخ سنبل، ۲۲۸	بیطوئیداس، ۱۹۷	پرکاج (شیراز)، ۱۹۶
بهران، ۱۶۴	بیخ سوسن سفید، ۵۴	بیغانس، ۱۶۸	پرنگ، ۵۹
بَهْرَة، ۱۹۳	بیخ عرطیشا، ۳۴	بیغانن، ۱۱۶	پسته، ۲۲۵
بهرینه، ۱۲۶	بیخ کازران، ۲۶۳	بیقرون، ۵۶	پشم، ۹۴
بهرتا، ۷۲	بیخ لقاح، ۳۰۰	بیتفور، ۲۹۲	پل پرنگ، ۵۶
بهرم، ۲۱۰	بیخ مهک، ۱۸۰	بیقه، ۹۲	پلپل، ۲۲۷
بهرمان، ۲۱۰	بیخین، ۷۳	بیقیه، ۱۰۴، ۹۲	پلپلی، ۲۲۷
بَهش، ۹۱، ۲۸۳	بید، ۱۳۶	بیکن، ۷۲	پلنگ مشک، ۸۳
بهطل کطی، ۲۹۸	بیدار، ۱۴۹	بیل، ۹۲	پلنگمشک، ۲۲۵
بهفانج، ۹۱	بیدانجیر، ۱۳۳	بیلطس، ۱۱۹	پلیهیم (طبرستان)، ۲۱۹
بهقان، ۱۰۲	بید بری، ۱۳۶	بیلیم، ۷۵	پُم (فرنگی)، ۱۸۹
بهکتانی، ۷۲	بید گیاه، ۹۹	بیلمون، ۸۲	پنبه، ۲۴۲
بهلاوه، ۸۵	بیدمر، ۴۱	بیلیطش، ۸۷	پنبه دانه، ۲۴۲
بَهْمَاه، ۹۱	بید مشک، ۱۳۶، ۱۳۷	بیلئو (لاتینی)، ۹۱	پنچگشت، ۴۱
بهمن، ۹۱	بید موله، ۱۳۶	بیلیون، ۱۲۱	پنکهرج (بنگال)، ۱۶۹
بهمن الأحمر، ۲۵۸	بیدانجیر، ۱۳۳	بیلئو (لاتینی)، ۲۱۷	پنواز، ۱۰۴
بهمن أبيض، ۱۰۵	بیر، ۱۶۸، ۲۲۲، ۲۴۹	بیم (دیلیم و تنکابن)، ۱۶۷	پنیرک، ۱۲۹
بَهْمی، ۹۱	بیرزد، ۲۴۶	بیئب، ۹۲	پنیرک خطمی (کرمانی)، ۱۲۹
بهنک، ۱۰۳، ۲۴۵	بیرور، ۸۰	بینوق، ۲۴۲	پنیرک (سجزی جدید)، ۲۸۴
بَهْنُکْره، ۹۱	بیروم، ۴۳	بیوهزا، ۲۳۶	پنیر نخل، ۹۵
بُهونی انوله، ۹۲	پیرون، ۱۴۵	بیوه زا (آذربایجان)، ۹۲	پویهکل (شیرازی)، ۲۲۵
بهولسری، ۹۰	بیره، ۲۶۲		پودنک، ۲۲۹
بهی، ۱۷۲	بیزه، ۹۲، ۲۸۷		پودنه، ۲۲۸، ۲۲۹
بهیره، ۸۷	بیستی کوسک، ۷۳		پودنه جلی، ۲۸۱
بهی (سجزی)، ۱۲۶	بیسم، ۹۲		پودنه صحرانی، ۱۰۵
بیارانکا، ۹۲	بیش، ۹۲، ۲۰۴		
بیای درازاتیم (لاتینی)، ۱۸۸	بیشاک میسور (فرنگی)، ۱۰۰		

## حرف «پ»

بودنه کوهی، ۱۱۰، ۲۲۹	تاتوله، ۱۰۹	تاک پترویداره، ۹۳	تخم بزوشه (تبریزی)، ۲۶۹
پوروس، ۱۲۶	تاج خروس، ۷۹	تاکسوت، ۲۲۴	تخم بلوک (کرمان)، ۸۳
پوست، ۱۳۴	تاجر الاصف، ۳۴	تاکوب، ۵۵، ۲۲۴	تخم بیخ رومی، ۱۹۱
پوست بیخ زرشک، ۳۵	تاجر (فاس)، ۳۴	تاکوژت، ۹۳، ۱۶۳	تخم پدران (شیرازی)، ۲۳۵
پوست درخت کاژی، ۴۵	تاج ریزی (اصفهان)، ۲۱۴	تالاسفیس، ۱۰۲	تخم پنوار، ۱۷۹
پوندا، ۲۴۱	تاجیقطن، ۲۸۰	تال شال، ۲۱۰	تخم پیاز، ۸۰
پهته، ۷۵	تار، ۹۲	تالکن، ۲۹۸	تخم ترخر (شیرازی)، ۲۳۵
پهیلی، ۲۵۷	تارقه، ۱۴۷	تال مکهارا، ۹۳	تخم ترشه، ۱۲۲
پهین چهر، ۲۲۶	تاره قبرونه، ۶۵	تال مکهانبول، ۹۳	تخم ترشیشک (شیرازی)، ۱۲۲
پیاز تلکه (شیرازی)، ۸۵	تازیل، ۲۷۰	تالیس، ۱۶۱	تخم تره تیزک، ۱۱۵
پیاز دشتی، ۴۹	تازرت، ۹۶، ۹۲	تالیسپتر، ۱۶۱	تخم توخره، ۲۳۵
پیاز موش، ۴۹	تازرت، ۲۲۲	تالیسفیس، ۲۸۱	تخم جزربری، ۱۴۸
پیاز نرگس، ۲۹۰	تازغللت (بربری - مصر)، ۲۵۰	تامرت، ۲۶۷	تخم چکوند، ۱۷۹
پیپل، ۱۴۲، ۲۲۸	تازلفت، ۵۵	تامسورت، ۹۳	تخم خرد، ۱۲۹
پیپلامور، ۲۲۸	تازلفت الینو، ۵۵	تاممشت، ۲۰۲	تخم خیاب، ۲۳۴
پیپلامول بلام، ۲۲۸	تاسکرا، ۲۲۵	تاموک، ۶۷	تخم دل آشوب (شیرازی)، ۴۱
پی پل مول، ۲۲۸	تاسلت، ۱۵۹	تامول، ۹۳	تخم ریباس، ۱۱۱
پیپلی، ۱۴۲	تاسلغا، ۲۱۸	تانبول، ۹۳	تخم زرداب، ۹۹
پیتنه، ۲۳۷	تاسلفی، ۱۱۵	تانقیت، ۹۳	تخم سپندان، ۱۱۵
پیچک، ۲۵۷	تاسلقا، ۱۷۰	تاوه، ۱۰۴	تخم قاوند، ۲۳۳
پیچک (شیرازی)، ۲۵۷	تاسلقوا (فاس)، ۱۳۲	تاینس، ۱۵۵	تخم کاج، ۱۱۲
پیر در بهار، ۷۰	تاسمت، ۱۲۲	تآلب، ۹۳	تخم کاجره (گیلان)، ۲۳۶
پیرز، ۱۶۷	تاسمت، ۱۲۲	تباکیر، ۱۹۹	تخم کازیره (گیلان)، ۲۳۶
پیرزد، ۷۲	تاشمست، ۱۲۲	تبرنه، ۲۷۱	تخم کافشه، ۲۳۶
پیزا، ۷۵	تاشمست، ۱۲۲	تبرزد، ۲۰۰	تخمکمان (تبریز)، ۸۳
پیزد، ۷۵	تاصالیمت، ۸۰	تین مکه، ۴۳	تخم کرفس رومی، ۲۶۱
پیزرا، ۱۲۱	تاغیت (آفریقا و تونس)، ۱۳۳	تبن مکه (فاس)، ۴۳	تخم کشوت، ۲۵۸
پی زمی، ۲۶۰	تاغندشت، ۲۰۵	تبهو، ۲۴۱	تخم کلم (شیرازی)، ۲۵۵
پیل، ۴۳	تاغیشت، ۱۵۸	تترک، ۱۷۵	تخم کنب، ۱۱۱
پیلان فردی، ۹۹	تاغیشت، ۱۷۱، ۲۰۷	تتل، ۱۷۵	تخم گزر، ۱۰۳
پیل زهره، ۱۲۰	تافزیرت، ۱۲۶	تتلی (بنگال)، ۱۶۷	تخم نیلوفر، ۱۱۳
پیل گوش، ۲۳۰	تافسیا، ۹۷، ۱۶۷	تج، ۱۷۴، ۲۳۸	تخم نیلوفر هندی، ۵۴
پیل گوشک، ۲۳۰	تافندوت، ۱۰۹	تخلی، ۱۱۵	تخم وهل، ۳۹، ۴۰
پیلووجال، ۴۳	تافیزان، ۱۰۳	تخصیص، ۲۵۳	تخمه، ۹۹
پیوند مریم، ۱۱۲	تافیرا، ۲۵۹	تخم، ۹۹	تذری (شیراز)، ۹۶
	تافیرا، ۱۷۲	تخم اسبست، ۱۵۶	تراب القی، ۱۱۴
	تاک، ۲۲۲، ۲۵۵	تخم امروود جنگلی، ۱۴۲	
		تخم اهر (شیرازی)، ۲۶۹	

تراب الهالك (عراق)، ۶۸	ترمس، ۹۳	تفاح الارمنى، ۲۸۲	تلیوت، ۲۵۰
تراست، ۸۰	ترمس الثعلب، ۹۳	تُفاح الأرض، ۶۴، ۷۰، ۱۲۸	تمتم، ۱۷۵
ترانشول (اندلس)، ۱۹۴	ترمس الحجل، ۹۳	تفاح الجمل، ۲۳۶	تَمَر، ۹۴
ترب، ۲۲۳	تُرمس الخنزیر، ۱۵۷، ۹۳	تفاح الجن، ۱۴۹، ۲۷۰	تمر، ۲۳۹
تریج، ۹۳	ترمشیر (نبطی)، ۲۸۱	۳۰۰	تَمِر، ۲۹۶
تُرید، ۶۰، ۹۳، ۱۵۲، ۱۷۳	تُرْمی أیماؤوس، ۹۳	تفاح الدب، ۴۱، ۹۴	تمر، ۹۴
۲۰۳، ۲۴۵	تُرَنج، ۴۰	تفاح الفارسی، ۱۳۹	تمر الجوز، ۲۰۵
ترید ابیض، ۹۳	ترنجاش، ۱۱۳	تفاح ارمنى، ۲۸۲	تمر الذهبی، ۳۹
تریزه (شیراز)، ۲۲۳	ترنجان، ۷۱، ۸۳، ۱۱۳، ۲۸۳	تفاح بری، ۹۴، ۱۶۲	تمر الهندیة، ۳۹
تریوز، ۸۲	ترنجان الثعلب، ۱۱۷	تفاح فارسی، ۱۳۹	تمر هندی، ۹۵، ۱۲۴
تربة، ۹۳	ترنجبین، ۱۱۰، ۱۹۳	تفاح مائی، ۳۹	تمر هندی ترش، ۱۹۴
تربة العسل (اندلس)، ۱۰۷	تُرَنج (فاس)، ۴۰	تفاح ماهی، ۳۹	تمر هیرونی، ۹۵
تریزک (شیرازی)، ۲۲۳	تُرَنگ (اهواز)، ۴۰	تفاح، ۸۳، ۸۴، ۹۴، ۲۹۶	تمش (جرجان)، ۲۱۳
تُرِیزه، ۱۳۰، ۲۲۳	تره (اصفهان)، ۲۵۲	تَفّاء، ۱۱۵	تمک، ۶۷، ۲۷۴
ترثلی، ۲۰۴	تره تیزک، ۱۰۲	تفده، ۲۵۶	تمک، ۱۱۴
ترتیق، ۲۰۴	تره خراسانی، ۷۱، ۸۳	تفسیا، ۹۷، ۱۶۷	تملمح، ۱۵۳
ترخانی، ۲۰۲	تره داهان، ۸۳	تفوریة، ۲۱۹	تملول، ۱۷۵، ۲۴۵
ترخر، ۱۴۸	تره گریه، ۸۳	تفده، ۲۵۶	تمنس، ۲۷۷
تر (خراسان)، ۱۱۰	تُرَهْلا، ۷۷، ۲۱۹	تَفْده، ۲۵۷	تموش (دیلیم)، ۲۱۳
ترخونی (شیرازی)، ۲۰۲	ترهْلان، ۱۹۹	تَفْده، ۲۵۷	تمول، ۲۴۵
تُرْس الماء، ۲۹۲	ترهلان (آفریقا)، ۲۱۹	تَفْده، ۲۵۶	تمیط، ۱۱۴
ترسک (شیرازی)، ۱۲۳	ترهلیان (نبطی)، ۱۴۸	تقرد، ۲۵۶	تمیم، ۲۴۵
ترسی، ۹۳	تره میره (سیستان)، ۱۰۲	تَقْرَد، ۲۵۶	تنالیش، ۱۱۵
ترشح، ۱۲۲	ترهلیه (نبطی)، ۱۴۸	تقرزین، ۱۱۳	تنایس، ۲۶۶
ترشک، ۱۲۲	تریاق کوهی، ۲۷۷	تکر، ۴۶	تنبل، ۹۳
ترشه، ۱۲۲	تریاق نبطی، ۳۰۰	تَکْطِشْت، ۲۰۵	تنبول، ۹۳
ترشه (شیراز)، ۱۲۲	تریامان، ۹۴، ۵۴	تَکُوت (مغرب)، ۲۲۴	تنزیک، ۱۷۵
ترشینک، ۱۲۲	ترزلیت، ۹۴	تِل، ۱۷۶	تَنْصَب، ۹۴
تُرَف، ۹۷، ۱۴۷	تستر، ۲۰۵	تلاد، ۳۴	تنطریه، ۲۹۲
ترفاس، ۲۶۰	تستریة، ۲۰۵	تلاسفین، ۱۱۶	تَنعیمه، ۹۴، ۹۵
ترفاس (مغرب)، ۲۶۰	تسکرت، ۹۸	تلاشفین، ۱۱۵	تنکر، ۲۱۷
ترف (خراسان)، ۱۲۴	تسوت، ۹۳	تلخه پیاز، ۸۵	تنوب، ۴۴، ۱۹۶، ۲۴۱
ترفس، ۲۶۰	تشمیز، ۷۹	تُلْسَفی، ۱۱۵، ۱۱۶	تُوب، ۱۹۶، ۱۹۷
ترله بانس، ۲۴۰	تَشْمِیزَج، ۹۴	تلسی، ۱۸۴	تنوم، ۵۹، ۱۱۲، ۲۹۲
ترمانان، ۵۴	تشن (سیستان)، ۹۴	تلسی جنگلی، ۷۱	تَنوم، ۹۵
ترمر، ۱۰۲	تشیک (زابل)، ۱۸۳	تلغوطه، ۳۷	تَنوم، ۲۰۴
تُرْم (ری)، ۱۶۴	تَغِغِشْت (فاس)، ۲۶۳	تلکنت، ۶۷	تینفن، ۱۰۴
تُرْمس، ۹۳، ۱۰۲	تُفّاح، ۶۴، ۹۴	تلیش، ۲۴۲، ۲۸۴	تنین، ۲۷۳

توانیقی، ۱۱۲	تونیا (هندی و سندی)، ۱۶۱	تین الرحانی، ۹۶	ثغامة، ۴۸
توبالاغ، ۱۷۱	تُوَیْتِه، ۱۷۹	تین الفُج، ۱۸۴	ثُفَاء، ۱۱۵
تویج، ۲۶۶	تویوش، ۱۶۴	تین الفیل، ۱۰۸	ثغاة، ۱۱۵
توت، ۹۵	توئمان، ۹۶	تین أحق، ۱۰۵	ثقولس، ۲۹۷
توت الثُّغَلْب، ۱۷۹	ته توره، ۱۰۹	تین بری، ۹۶	ثلاسفی، ۱۱۵
توت الثعلب، ۱۷۹	تَهْکَار، ۹۶	تین جبلی، ۹۶، ۱۰۵، ۱۲۷	ثَلْب، ۹۷
توت الحریر، ۹۵	تهلول، ۷۶	تین مکه، ۴۳	ثلاثان، ۲۱۴
توت العلیق، ۲۱۳	تهور، ۱۶۳	تیواج، ۹۷	ثلاثان، ۲۱۵، ۲۴۹
توتاملون، ۳۰۰	تیاج، ۱۵۲	تیونی، ۲۹۰	ثُلثلان، ۲۱۵
توت حامض، ۹۵	تیبی ان و امان، ۱۲۹		ثُلْس، ۲۴۰
توت حلو، ۹۵	تیرحله، ۴۶		ثلسفی، ۱۳۱
توت سه گل (شیراز)، ۲۱۳	تیزغا (فاس)، ۲۱۹		ثمارون، ۲۰۸
توت شامی، ۹۵	تیزمارت، ۷۰	ثابقا، ۲۱۳	ثَمَام، ۹۷
توت لَحْن، ۹۵	تی سملیل، ۲۰۹	ثارویا، ۲۳۰	ثَمَام، ۱۵۱
توت نبطی، ۹۵	تیسو، ۸۵	ثافیشیا (مغرب)، ۹۷	ثمبرا، ۱۹۵
توت وحشی، ۹۵، ۲۱۳	تیسی، ۲۰۱، ۲۵۱	ثافیقرا، ۱۴۶	ثمر الغالبه، ۱۰۸
توجده (مغرب)، ۸۲	تیشرت، ۹۸	ثاقب الحجر، ۷۹	ثمر الفؤاد (مصر)، ۸۶
توجردره (مغرب)، ۸۲	تیطرا انگورن، ۲۳۴	ثالاسطون، ۱۵۸	ثمر پشه، ۱۰۵
تودری، ۴۶، ۱۹۰	تیطمست، ۴۳	ثالاسفیس، ۱۱۵	ثمر شجر الکافور، ۵۴
تودری، ۹۶	تیغَل، ۱۲۶	ثالیطرن، ۹۷	ثمره الدب، ۲۸۰
توذریج، ۹۶	تيفرست، ۲۶۱	ثالیل الجنات، ۷۲	ثمره الکبر، ۲۵۰
تُوَرْتی، ۹۶	تيفست ازوزغار، ۲۵۱	ثامر، ۱۲۲	ثملول، ۲۴۵
تورک، ۸۳	تيفلت (فاس)، ۲۹۷	ثامرا، ۲۷۱	ثُمَيْلَه (اندلس)، ۴۷
تورکی (شیراز)، ۸۳	تیکظا، ۱۳۲	ثامروان، ۲۷۱	ثوب مَبْهَرَم، ۲۱۰
تورم، ۳۴	تيلت اینرقت، ۱۱۹	ثبوریدوس، ۲۲۸	ثور، ۲۰۰
توز، ۱۲۷، ۲۶۴	تیمجا (مراکش)، ۲۲۹	ثُداء، ۹۷	ثوس، ۱۱۰
توزانکون ناریه (فرنگی)، ۱۱۱	تیمرساط، ۲۲۹	ثُرثوقس ایماروس، ۱۳۳	ثوع، ۹۷
	تیمزین، ۱۲۶	ثرمان، ۹۷	ثوم، ۴۹، ۸۰، ۹۸، ۱۵۷
توشیر، ۱۹۹	تیمشطان، ۱۴۹	ثُرْمان، ۱۲۳	ثُوم، ۹۷
توفته، ۵۲	تیمط (اندلس و مغرب)، ۲۲۵	ثُرْمَد، ۱۲۳	ثومادیرا، ۹۸
توله بانس، ۱۹۹	تیمق (اندلس و مغرب)، ۲۲۵	ثُرودوقس ایمارس، ۱۳۳	ثومارس، ۱۰۶
توما، ۹۸	تسین، ۶۲، ۹۶، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۸۴	ثریا، ۹۷	ثومالا، ۲۷۷
تومالی، ۲۷۵	تین آدم، ۶۶	ثریا (اندلس)، ۷۰	ثومالا، ۲۷۷
تومرنا، ۲۰۱	تین ایض، ۸۶	ثعاله، ۲۴۹	ثوم البستانی، ۹۸
تومس، ۱۱۰	تین الاحق، ۱۰۵	ثُغْب، ۹۷	ثوم الجبلی، ۸۰
تومین (لبنان)، ۲۷۱		ثُعره، ۲۵۶	ثوم الحیه، ۴۸
تونبری، ۲۳۷		ثُغام، ۹۷	ثوم الحیه، ۴۹، ۹۸
تَوْن تَرَه، ۱۱۵		ثُغام، ۲۹۱	ثوم الحیه، ۹۸، ۱۰۶، ۱۸۹

### حرف «ث»

ثوم الضفادع، ۹۸	جام پهل، ۱۰۰	جُبَلین، ۱۱۷	جرجیر الماء، ۱۰۲، ۱۵۹
ثوم الکلب، ۴۸	جامسه، ۷۳	جبن، ۱۴۵	۱۸۲، ۲۳۵، ۲۵۴
ثوم بری، ۹۸، ۴۹، ۹۸	جامسیه (مصر)، ۷۳	جَبْن الثعبان، ۲۷۳	جرجیر الماء (مغرب)، ۲۳۵
ثوم جبلی، ۹۸	جامع البضع، ۱۰۱	جبن القروذ، ۲۷۳	جرجیر الهر، ۱۰۲
ثوم ذی الأستان، ۹۸	جامع البضع، ۱۵۷	جَبْه، ۱۰۱	جرجیر بری، ۷۰
ثومس، ۱۱۰	جامع اللحم، ۱۰۱	جبین جبن، ۱۴۵	جرجیر بیابانی، ۷۰
ثومش، ۹۹	جامول الکتان، ۲۵۸	جشجات، ۷۶، ۱۰۱، ۲۴۷	جرذیونه، ۱۰۸
ثومش، ۱۱۰	جامول الکتان (اندلس)، ۱۶۷	جشم، ۱۲۶	جرز الشیاطین، ۳۶
ثوم کُرانی، ۹۸	جامون، ۱۰۰	جحفیل، ۴۷	جرمامه، ۲۶۵
ثومون، ۹۹	جامه خواب، ۲۰۰	جحلق، ۳۷، ۶۷	جرمامه، ۱۰۳
ثومیة، ۹۸	جاوردشیر، ۱۰۰	جحلیق، ۶۷	جرمان، ۲۰۲
ثیل، ۴۴، ۹۹، ۲۱۲	جاورزس، ۱۰۰	جَخِجَن (اهل هری)، ۹۴	جرموز، ۸۴
ثیل، ۱۲۳	جاورس، ۱۴۳، ۱۵۰	جُذری (بلخ و طخاری)، ۲۲۶	جَزْمیلک، ۱۰۳
ثیلوطارس، ۱۵۷	جاورس هندی، ۱۰۰	جَدَف، ۱۷۴	جزنوب، ۱۰۳
<b>حرف «ج»</b>			
جابور، ۹۹	جاوروس، ۱۴۳، ۱۰۰	جَدوار، ۱۰۱، ۱۴۴	جریال، ۱۰۳
جاجر، ۱۰۴	جاوروس هندی، ۱۴۹	جدوار اندلسی، ۶۴	جریال بقم، ۱۰۳
جاجوشی (شیراز)، ۱۰۰	جاوشیر، ۱۰۰	جراد بحری، ۴۴	جریله خمر، ۱۰۳
جادوبوی، ۱۰۷	جاونری، ۱۰۷	جراشیا، ۲۳۴	جز (تنکابن)، ۳۶
جادی، ۱۶۳	جابهتک، ۷۴	جراطه، ۱۰۲	جَزَر، ۵۴، ۱۰۳
جادیفل، ۱۰۷	جاهی، ۲۰۵	جراطه، ۱۲۲	جزیر البری، ۶۰، ۱۴۸
جار النهر، ۹۹	جای بل، ۱۰۷	جر المشایخ (آفریقا)، ۷۴	جزر البستانی، ۱۴۸
جارکون، ۱۰۷	جای پهل، ۱۰۷	جرامغه، ۱۴۸	جزر بری، ۵۰، ۲۲۹، ۲۹۰
جاسا آکاما، ۴۱	جَبَا، ۲۶۰	جرامقه، ۱۴۹	جزمارج، ۲۰۲
جاسوس، ۱۰۰	جَبَاة، ۲۶۰	جَزْبه، ۱۴۸	جزو اعظم، ۲۴۵
جاسه، ۷۳	جبراهنگ، ۱۰۱	جرینه، ۴۳	جزیری، ۸۰
جاشوش، ۱۰۰	جبرش، ۲۵۰	جربوز، ۸۴ (شام)	جَساد، ۱۶۳
جافر (هرات)، ۱۱۷	جبروان، ۶۷	جُربونه، ۲۵۳	جسد، ۱۶۳
جاکج (خوارزم)، ۹۴	جَبْرَة (مغرب)، ۱۰۱	جرجار، ۱۰۲	جسمی، ۱۱۸
جاکجو (خوارزم)، ۹۴	جبل المساکین، ۱۲۱	جَزْجِر، ۹۳	جَطْرِغ، ۱۹۳
جاکمو، ۹۴	جبل اهتق، ۱۰۱	جرجر المصری، ۹۳	جَطْره، ۱۲۲
جاکله، ۹۴	جَبْلاهنگ، ۱۰۱	جرجر (عراق)، ۷۳	جطریا، ۴۰
جالکری، ۲۲۸	جبل هنج، ۱۰۱	جرجس، ۱۶۶	جطیره، ۱۲۲
جالیقیسدس، ۲۲۳	جبلهنج، ۱۰۱	جرجمه، ۱۳۷	جَعْد، ۲۵۶
جامالا، ۲۷۷	جَبْلَهَنج، ۱۰۱	جرجیر، ۱۰۲	جَعْداء، ۱۰۳، ۲۵۴
جاماها (سند)، ۶۲	جبلهنگ، ۹۳	جرجیر، ۱۰۲	جَعْدَه، ۱۰۳
	جَبْلَهَنگ، ۱۰۱	جرجیر البری، ۷۰	جَعْدَه، ۱۲۰، ۲۸۱
	جَبْلَة، ۸۰	جرجیر الکلاب، ۱۰۲، ۱۱۵	جَعْدَه، ۲۳۰



جعدہ کبیر، ۱۰۳	جلجلان (حبشه)، ۱۷۶	جُمَلَج، ۶۶	جنجر، ۶۶
جَعْدَةُ الجَدْران، ۱۰۳	جلجلان مصری، ۸۰	جُمَلَج، ۱۷۰	جنجقش، ۸۳
جعدة الجَدْران، ۱۱۹	جلجمانا، ۲۳۴	جملج (اندلس)، ۲۱۹	جنجل، ۱۰۶
جعدة القَنَا، ۷۶، ۱۰۴	جلدان، ۱۰۴	جُمَیز، ۹۶	جنجه، ۹۵
جَعْدَةُ الماء، ۲۵۴	جلغوزه، ۱۱۲، ۱۹۶	جُمیز، ۹۶	جَنجیدِیون، ۱۰۳
جعدة بحری، ۱۰۳	جلغوزه مصری، ۱۰۵	جُمَیز، ۱۰۵	جنجیدیون، ۱۰۶
جعدة حَرَّان، ۲۰۳	جلماث، ۲۳۴	جُمَیز، ۱۰۵	جنخلیدس، ۱۸۹
جعفری، ۹۶	جُلنار، ۱۰۴	جُمَیز، ۱۲۳	جنسفسوح، ۲۴۲
جعفریه، ۲۰۱	جلنار، ۱۵۶	جُمَیز، ۱۵۷	جنشاله، ۱۵۲
جعفریه (جرجان)، ۱۱۷	جُلنار بری، ۲۰۱	جَمیم، ۹۱	جنطیان، ۱۰۶
جَعْفیل، ۱۱۸، ۲۰۱	جلنجمون، ۱۰۵	جن آر، ۱۹۶	جَنطیانا، ۱۰۶
جعه، ۱۵۰	جلنجویه، ۱۰۵	جنا الاحمر، ۵۸	جَنطیانا، ۱۰۶
جُعیداء، ۱۰۳	جُلنسرین، ۱۰۵	جناح، ۱۵۳	جنطیانا، ۲۵۸
جُعیدیلَه، ۱۰۳	جل نیل، ۲۵۰	جناح البشر، ۷۳	جنطیانا الجرملقانی، ۱۰۶
جغثاریحثانا، ۲۷۷	جُلوز، ۸۸، ۱۰۵	جناح التیس، ۱۰۶	جنطیان الرومی، ۱۰۶
جغزیه، ۱۷۹	جِلُوز (مغرب)، ۱۰۵	جناح الزرزور، ۷۹	جنطیانه، ۱۲۶
جغش (هرات)، ۱۱۷	جلوقوریزون، ۱۸۰	جناح النسر، ۱۵۷	جنکک (بلخ)، ۱۳۲
جُفَت آفرید، ۱۰۴	جلوکا، ۱۰۰	جناح (اندلس)، ۱۵۳	جنکهارمول، ۱۱۸
جفت البلوط، ۸۶	جُلهم، ۱۰۵	جَنار، ۱۴۶	جنکی چنبیلی، ۲۰۵
جفت آفرید، ۱۵۷	جلهنک، ۱۰۱	جَن القَتال، ۱۴۷	جنگلا، ۱۱۲
جُفَری، ۲۴۸	جلیط، ۱۰۵	جناماسی، ۱۷۷	جَنی، ۱۰۶
جَفَن، ۱۰۴	جلیف، ۱۰۵	جنا، ۱۰۶	جَنی، ۱۰۶
جقلال، ۲۶۶	جلیقی، ۹۶	جنا، الاحمر، ۸۴	جَنی الاحمر، ۲۳۱
جَقوطَه (لاتینی)، ۱۹۱	جُمَار، ۹۵	جَناء الاحمر، ۲۱۱	جَنی الاحمر، ۲۴۲
جُکری، ۱۵۹	جماز (تنکابن و دیلم)، ۱۶۹	جَناء الاحمر، ۲۴۲	جَنی القُشر، ۱۳۱
جگری، ۱۵۹	جم اسپرم، ۱۶۰	جَنید، ۱۰۴	جنیه، ۱۴۹
جُل، ۲۹۴	جمان، ۱۶۹	جنیه، ۷۵، ۸۹، ۹۷، ۱۰۰	جو، ۱۸۷
جلبان، ۷۹، ۱۳۷، ۲۱۳	جماهو سلیمان، ۱۰۵، ۱۶۰	۱۰۵، ۱۰۶، ۱۲۲، ۱۲۵	جوار، ۱۰۰، ۱۳۹، ۱۴۹
۲۳۷	جم جم، ۱۰۵	۱۳۸، ۱۵۳، ۲۴۸، ۲۶۳	جواری، ۱۴۹
جُلبان، ۱۰۴، ۲۶۳، ۲۸۱	جَمجم، ۱۰۵	۲۸۰، ۳۰۰	جواسا، ۷۱، ۱۱۰
جُلبان البری، ۵۶	جَمجَم، ۱۰۵	جنید، ۱۹۵	جواشیر، ۱۰۰
جلب (انگلیسی)، ۱۰۴	جَمجَواء، ۱۰۶	جَنَت قابِطه، ۱۰۵	جُوان سَبَرَم، ۱۰۶
جلبانه، ۱۳۷	جمرة الارض، ۱۰۵	جَنَت قابِطه، ۱۹۲	جوانسپرَم، ۱۸۳
جلبوب، ۱۰۳	جَمَرَة الارض، ۲۰۱	جَنَت قابِطه (لاتینی)، ۲۳۶	جوانسفرَم، ۱۸۳
جَلَبَنَهَنک، ۱۰۱	جَمَرَة (فاس)، ۳۴	جتتوریه، ۲۴۵	جو برهنه، ۱۷۳
جُلجل، ۴۶	جمسفرَم، ۱۰۵	جَنجَبانَسَة، ۱۰۶	جوج، ۴۳
جلجلان، ۱۷۶، ۲۵۷	جمسینج (خوارزم)، ۹۴	جنجبانسه، ۱۳۹	جوجادو، ۱۴۱
جلجلان الحبشه، ۱۰۴	جَمشک، ۹۴	جنجبنیه، ۱۲۲	جوجهرج، ۱۴۵

جوده (فرنگی)، ۲۶۱	جوز النسرو، ۱۰۹	جیدار، ۱۰۹	چشوم، ۹۴
جَوْدَر، ۱۰۶، ۲۱۹	جوز النعاس، ۱۰۹	جیرش، ۱۰۹	چغرب، ۱۸۰
جورانکلی، ۵۳	جوز الهند، ۱۰۹، ۲۸۷	جیروا (سندی)، ۲۶۲	چغزب، ۱۸۰
جوراوراج ناکه، ۲۷۲	جوز اليسرو، ۱۰۹	جیسو (فرنگی)، ۹۲	چغندر، ۱۷۳، ۱۷۴
جوری، ۳۰۰	جوز أرمانيوس، ۱۰۷	جیکلک، ۱۰۹	چَکَوْتَرَه، ۱۰۴
جوز، ۹۴، ۱۰۶، ۲۹۰	جَوَزَبَوَا، ۱۰۷	جیلان (گیلان)، ۱۷۹	چَکَوْنَد، ۱۰۴
جَوَز اَزَقَم، ۱۰۷	جوزبوا، ۱۰۷	جیلان (گیلان)، ۱۷۹	چَکَی، ۱۰۴
جوز الابيض، ۲۹۰	جوزبویا، ۱۰۷	جیلغوز، ۱۰۵	چگندر، ۱۷۴
جوز الاکل، ۱۰۷	جوز جنا، ۴۳	جَینَت، ۱۰۹	چَلابا، ۱۰۴
جوز الأنهار، ۱۰۷	جَوَز جَندَم، ۱۰۷	جینه، ۱۰۹	چلغوزه، ۱۹۶
جوزالجبل، ۱۰۵	جَوَز جَندَم، ۱۶۵		چمکدلا، ۲۴۳
جوز الحبشه، ۱۰۸	جوز جندم (رقه)، ۱۳۰	<b>حرف «ج»</b>	چنار، ۱۴۵، ۱۹۶
جوز الخَمْس، ۱۰۸	جوز داود، ۱۰۸	چا، ۹۹	چنار (شیراز)، ۱۴۵
جوز الدفع، ۱۰۸، ۱۵۷	جوز روت، ۱۰۹	چاکسو، ۹۴	چنبیلی، ۲۹۹
جوزالدلب، ۱۴۵	جوز رومی، ۱۰۸، ۲۶۴	چاکشو، ۹۴	چند سر، ۱۰۲
جوز الرثه، ۵۴	جوز زوان، ۱۶۴	چاکشو، ۹۴	چند سور، ۱۰۲
جوز الرثه، ۸۸	جوز سودار، ۱۳۹	چامرکهااس، ۱۰۰	چندن، ۱۹۶
جوز الرُقَع، ۱۰۸	جَوَز مائِل، ۱۰۹	چاندریل، ۲۱۰	چَنیا، ۱۰۶
جوز الريح، ۱۰۸، ۲۷۱	جوز ماث، ۱۰۹	چاندلی بیل، ۲۶۶	چوب چینی، ۱۰۶
جوز الزنج، ۱۰۸	جوز ماثا، ۱۰۹	چاول، ۴۴	چوب چینی خطائی، ۱۰۶
جوز السرو، ۱۷۰	جوز مائل، ۲۷۹	چاولانی، ۸۴	چولانی، ۱۰۹
جوز السواک، ۱۰۷	جوز ماثم، ۱۰۹	چاؤل مُتَکَر، ۱۰۱	چونلانی، ۸۴
جوز الشیرک، ۱۰۸	جوز ناق، ۹۰	چتر اخضر، ۲۴۵	چوه صباغان، ۳۴
جوز الطیب، ۱۰۷	جوز هندی، ۲۸۷، ۲۸۰	چتره، ۱۹۳	چوهه کنی، ۳۴
جوز العَبْهَر، ۱۰۸	جوزة القروء، ۵۲	چراسیا (صقلب)، ۲۳۴	چهارا، ۹۴
جوزالعد، ۱۰۶	جوشیصا، ۱۰۹	چرایتا، ۲۴۰	چهار مغز، ۱۰۶
جوز العرعر، ۳۹	جوک، ۷۱	چرایته، ۲۴۰	چهال کری، ۲۲۸
جوز القروء (فاس)، ۵۲	جوگندم (زابل)، ۱۷۳	چرچه، ۱۸۹	چهربخفای ها، ۲۲۶
جوز القَطَا، ۱۰۷	جولاه کش (سیستان)، ۷۱	چرکانا، ۱۲۲	چهریله، ۵۲
جوز القِطاة، ۱۰۸، ۲۴۹، ۲۹۰	جَوَلَق، ۱۴۱	چَرَوَنجی، ۱۰۳	چهوتی مائین، ۴۰
جوز القی، ۱۰۸	جولق (اندلس)، ۱۰۹	چریره، ۵۲	چیال، ۱۴۷
جوز القیء، ۱۰۸، ۱۰۹	جُوَلَه (لاتینی)، ۲۱۱	چشم، ۹۴	چیپژک، ۱۹۳
جوز الکَوْنَل، ۱۰۹	جوهی، ۲۰۵	چشم خروس، ۲۱۷	چیر، ۱۴۹
جوز المائل، ۱۰۹	جهار، ۲۰۲	چشمک، ۹۴	چینه کیوتران، ۱۵۶
جوز المَرَج، ۱۰۹	جهاز قرچه (بنگال)، ۱۱۳	چشمک (شیراز)، ۹۴	
جوز المزج، ۲۴۹	جهاؤ، ۴۰	چشمیز، ۹۴	
جوزالملک، ۱۰۷	جهنک، ۱۰۳	چشمیزج، ۹۴	
	جیبالگوت، ۲۷۶	چشمیژه، ۹۴	
			<b>حرف «ح»</b>
			حائن (اندلس)، ۴۷

حب المِشم، ۲۸۵	حب العزیز، ۱۱۲	حباقی، ۱۲۵	حافِطی، ۱۱۰
حب المِشم، ۱۱۳	حب العصفَر، ۲۱۰، ۲۳۶	حب الاثل، ۲۰۲	حاج، ۱۱۰، ۲۰۵، ۲۱۲
حب النسل، ۴۱	حب الغار، ۱۴۹	حب الاس، ۳۱، ۳۵	حاحی اکامی، ۴۱
حب النشم، ۱۱۱	حب الغراب، ۴۲	حب الانیربارس، ۶۱	حادطیج (سندی)، ۲۳۸
حب النعام (مغرب و اندلس)، ۲۲۶	حب الفار، ۱۱۲	حب الأثل، ۹۳	حاذ، ۱۱۰
حب النیل، ۱۱۳، ۲۳۷، ۲۹۲	حب الفقد، ۴۱	حب البان، ۱۱۱	حاراسوافی، ۹۳
حب بلسان، ۱۱۱	حب الفنا، ۲۱۴	حب البطیخ، ۸۱	حارز الانهار، ۱۱۰
حب جنکلا، ۱۱۱	حب الفول (مصر)، ۱۸۶	حب البقر، ۲۵۳	حارز الماء، ۱۱۰
حبِجَو (عمان و شجر)، ۱۱۱	حب الفهم، ۸۵	حب البلسان، ۸۶	حارس، ۱۱۰
حبربان، ۱۱۳، ۱۳۳	حب الفتا، ۲۷۹	حب الحلو، ۶۷	حارسوهک (شیراز)، ۱۱۸
حب سجستانی، ۲۳۲	حب القرع، ۲۳۷	حب الخروع، ۱۳۳	حارکو، ۱۴۴
حب سرم بری، ۱۸۳	حب القطن، ۲۴۲	حب الخضراء، ۸۱	حاسیس، ۱۱۱
حب سلاطین، ۱۴۷	حب القلب، ۸۵	حب الدسم، ۱۱۱	حاشا، ۹۹، ۱۱۰، ۱۹۵، ۲۲۹
حبشة، ۱۰۴	حب القلت، ۱۱۲	حب الدود، ۲۵۵	حاشیش، ۱۱۱
حب صنوبر صغار، ۲۴۱	حب القلقل، ۴۵، ۱۱۲	حب الدهمشت، ۱۴۹	حافر المهر، ۱۷۹
حب صنوبر کبار، ۲۴۱	۱۵۸، ۲۸۳	حب الراس، ۱۱۱، ۲۸۷	حافظ اطفال، ۲۲۴
حبّ، ۱۱۳، ۱۶۰	حب القلقل، ۲۴۴	حب الراسن، ۱۱۱، ۲۸۷	حافظ الاجساد، ۴۹
حبّ، ۱۲۷	حب القوقایا، ۱۵۹	حب الرشاء، ۱۲۲	حافظ الارواح، ۴۷
حبّ، ۲۲۹	حب الکاکنج، ۲۴۹	حب الرشاد، ۱۰۲، ۱۱۵	حافظ الاطفال، ۵۵، ۲۲۴
حبّقا (اندلس)، ۱۱۹	حب الکاکنج الجبلی، ۱۰۹	حب الرشیا، ۱۲۲	حافظ الأجساد، ۹۸، ۱۸۹
حبّق البربری، ۷۱	حب الکلی، ۶۳	حب الرمان، ۱۵۷	حافظ الطفل، ۲۲۴
حبّق البقر، ۷۰	حب الکلی (مصر)، ۶۲	حب الرند، ۱۴۹	حافظ الموتی، ۴۹، ۹۸
حبق الترنجانی، ۱۱۳	۱۳۲، ۱۹۶	حب الریاس، ۱۱۱	۱۸۹
حبّق التماسح، ۱۹۸	حب الکثری، ۲۶۱	حب الزرقه (بحرین)، ۷۸	حافظ النحل، ۵۵، ۲۳۶
حبق التماسح، ۲۲۹	حب الکئی، ۶۳	حب الزلم، ۴۹، ۱۱۲، ۱۶۳	حاقی، ۲۹۱
حبق الحاحی، ۱۱۳	حب اللهق، ۲۴۹	حب الزلم، ۱۱۱	حالب، ۴۷
حبق الحرّ، ۱۱۳	حب اللهو، ۲۰۶، ۲۱۴، ۲۴۹	حب السیفنه، ۱۱۱	حالبی، ۵۴، ۱۳۱
حبق الحمامی، ۲۰۲	حب اللهو (مغرب)، ۲۱۴	حب السود، ۲۶۹	حالتی الشعر، ۲۲۲
حبق الراعی، ۷۶	۲۴۹	حب الشبرم البری، ۱۸۳	حالوما، ۳۸، ۳۹، ۱۹۰
حبق الشیوخ، ۲۸۰	حب اللّهُو (مغرب و اندلس)، ۲۱۵	حب الشجره (مصر)، ۴۱	حاله غوره، ۶۲
حبق الصعتری، ۱۱۳، ۱۸۳	حب المَحَلَب، ۱۱۲	حب الصبیان، ۸۶	حاماقسیس، ۱۱۱
حبق الصلّقی، ۱۱۳	حب الملوک، ۱۱۳، ۱۴۷	حب الصراط، ۲۷۵	حاماسوقی، ۱۱۱
حبق العریض الورق، ۱۱۳	۲۷۶	حب الصنوبر، ۱۹۶	حامافیطوس، ۲۶۱
حبق الفتی، ۱۱۳، ۲۷۹	حب الملوک (مغرب و اندلس و فاس)، ۲۳۴	حب الصنوبر الصغار، ۱۱۲	حاوزوان، ۲۵۲
حبق الفیل، ۲۷۹	حب المِشم، ۱۱۳	حب الصنوبر الکبار، ۱۱۲	حبّارهاری، ۷۹
حبّق القَرْنَفلی، ۷۱		حب العرعر، ۴۰، ۲۰۸	حباقا، ۱۲۵
حبق القَرْنَفلی، ۱۱۳		حب العروس، ۲۴۹، ۲۵۰	حبّاقا، ۱۲۶، ۱۵۰
		۲۹۲	حباقا (اهالی حیره)، ۱۵۰

حَبَقُ الْقَرْثُلَى (فاس)، ۱۸۴	حبیقه (اندلس)، ۱۱۹	حَرْشَفُ الْبَرَى، ۱۱۴	حرمَلُ الْبَلَدِی، ۱۹۱
حَبَقُ الْقَنَا، ۳۴	حبیقه، ۱۱۹	حَرْشَفُ الْبُسْتَانِی، ۱۱۴	حرمَلُ عامی، ۱۱۶
حَبَقُ الْکَرْمَانِی، ۱۲۲، ۱۱۳	حَتِی، ۲۸۳	حَرْشَفُ بَرِی، ۲۱۲	حرمَلُ عربی، ۱۱۶
حَبَقُ الْمَاءِ، ۱۹۸، ۲۲۹	حِثَا، ۹۶	حَرْشَفُ بَسْتَانِی، ۱۱۴	حَرْمَلَه، ۱۱۶
حَبَقُ الْمُرْدِ، ۱۱۳	حِثِیل، ۱۱۴	حَرْشَفُ (نَبَطِی)، ۱۱۴	حَرْمَلَه، ۱۱۶
حَبَقُ الْمَرِّ، ۲۷۹	حِجَاکِیوس، ۲۰۹	حُرْضُ، ۵۲، ۱۲۳	حَرْمِی، ۱۷۶
حَبَقُ الْمَغْزِ، ۷۰	حُجْثَا، ۱۳۲	حُرْضُ صِیْنِی، ۵۲	حَرْوَاعِظْم، ۲۴۵
حَبَقُ الْمَتْنِ، ۱۱۳	حِجَرُ الْبَقْرِ، ۲۹۵	حُرْفُ، ۱۱۵	حَرْوَبِی، ۱۳۲
حَبَقَالَه (اندلس)، ۱۱۹	حِدَ، ۱۹۱	حُرْفُ، ۱۳۱، ۲۸۴	حَرْیْشَاء، ۱۵۷
حَبَقُ بَسْتَانِی، ۷۹، ۱۲۲، ۲۲۹	حِدَبِی، ۲۹۷	حُرْفُ ابِیض، ۴۸	حَرْیْشَه، ۱۱۴
	حِدَج، ۱۲۶	حُرْفُ ابِیض، ۱۱۵، ۱۳۰	حَرْیْشَه، ۱۵۹
حَبَقُ تَرَنْخَانِی، ۷۱	حِدَدِی، ۹۲	حُرْفُ احْمَر، ۱۱۵	حَرْیْشَه، ۱۵۷
حَبَقُ جَبَلِی، ۲۲۸	حِدَقُ، ۷۲	حُرْفُ الْبَابِلِی، ۱۱۵	حَرْیْطَه، ۳۵
حَبُ قِطَاهِی، ۱۴۷	حَدَقُ، ۱۱۴، ۲۰۷	حُرْفُ الْبَرِی، ۱۱۵	حَرْیْفُ الْاَمْلَسِ (اندلس)،
حَبَقُ قَرْنَفَلِ، ۲۲۵	حَدَقِی، ۶۷	حُرْفُ السُّطُوحِ، ۸۰، ۱۱۵	۱۲۱
حَبَقُ قَرْنَفَلِی، ۲۲۵	حَدْمَانَه، ۲۸۰	حُرْفُ السُّطُوحِ، ۱۱۵	حَرْیْقُ، ۶۵
حَبَقُ کَرْمَانِی، ۱۸۳	حَدِیدِی، ۱۱۴	حُرْفُ السُّطُوحِ، ۱۱۶	حَرْیْقُ، ۶۵
حَبَقُ مِصْرِی، ۱۱۳	حَر، ۱۶۴	حُرْفُ الشَّامِی، ۱۱۵	حَرْیْقُ الْأَمْلَسِ، ۱۰۳
حَبَقُ نَبَطِی، ۱۲۲	حَرَاثَا، ۱۳۱	حُرْفُ الْمَائِی، ۱۱۵	حَرْیْقُ الْأَمْلَسِ (اندلس)،
حَبَقُ نَبَطِی (شام)، ۱۲۲	حَرَاقَه، ۱۴۰	حُرْفُ الْمَاءِ، ۱۱۶، ۱۸۲	۱۲۱
حَبُ کَاکَنْجِ کُوهِی، ۱۰۹	حَرَاالسَّحَرِ، ۳۵	حُرْفُ الْمَاءِ (مَغْرِبِ)، ۲۳۵	حَرْیْقُ (مَغْرِبِ)، ۶۵
حَبِلُ الْمَسَاکِینِ، ۱۱۳، ۲۴۰، ۲۶۶	حَرَانِیَه، ۱۰۳	حُرْفُ الْمَشْرِقِی، ۱۱۵، ۱۱۶	حَرِیْمَلَه، ۱۱۷
حَبِلُ الْمَسَاکِینِ،	حَرِیَا، ۱۲۸	حُرْفُ ابِیض، ۱۱۵، ۲۷۴	حَرْیْمَلَه، ۱۱۶
حَبِلُ الْمَسَاکِینِ (قَرْطَبَه)،	حَرِیَان، ۴۵	حُرْفُ بَابِلِی، ۱۰۲، ۱۱۵، ۱۱۶	حَزَا، ۱۸۷
۱۱۳	حَرِیَاء، ۴۶		حَزَا، ۱۱۷
حَبِلِی، ۲۶۶	حَرْثِی، ۱۱۴	حُرْفُ بَرِی، ۱۱۷	حَزَاوَاکَمِی، ۱۸۰
حَبْنِ، ۱۴۵	حَرْثِی، ۱۱۴، ۲۷۴	حُرْفُ سَفِیدِ، ۱۱۵	حَزَا، ۲۰۰
حَبُوبِ، ۲۰۱، ۲۹۶	حَرِیَه، ۱۱۴	حُرْفَلَه (صَقْلَه)، ۶۷	حَزَا الْجَبَلِ، ۱۱۷
حَبَه الْخُلُو (اندلس)، ۶۷	حَرِیَه، ۲۷۱	حُرْفُ مَشْرِقِی، ۲۲۸	حَزَا الصَّخَرِ، ۱۱۷
حَبَه الْخَضْرَاءِ، ۸۱، ۱۱۱، ۱۹۸	حَرْحَمِ، ۲۹۳	حُرْفُ (نَبَطِی)، ۱۱۵	حَزَا الصَّخَرِ، ۱۶۵
حَبَه السَّفَرَجَلِ، ۱۷۲	حَرْشَا، ۱۳۰	حُرْفُ (نَبَطِی)، ۱۱۵	حَزَا الصَّخَرِ، ۲۰۴
حَبَه السُّودَاءِ، ۹۴، ۱۹۲، ۲۶۲	حَرْشَاء، ۱۱۴، ۱۳۰	حُرْفِی، ۲۲۸	حَزَا الصَّخُورِ، ۱۱۷
حَبَه الْمَسَاکِینِ، ۲۴۵	حَرْشَاء، ۱۳۰	حِرْکَه (اندلس)، ۹۱	حَزَا یَثَا دَخِیْقَا، ۱۰۷
حَبَه الْمَلُوکِ، ۱۱۳	حَرْشَاء، ۱۳۳	حَرْمَانَه، ۲۰۳	حَزَاة، ۱۱۷
حَبَه حَلَاوَه، ۶۷	حَرْشَفِ، ۱۰۶، ۱۳۳، ۲۱۰، ۲۶۵	حَرْمَلِ، ۴۸	حَزَاء، ۱۱۷
	حَرْشَفِ، ۲۶۷	حَرْمَلِ، ۸۰	حَزَاء، ۱۴۸
		حَرْمَلِ، ۸۵، ۱۱۶، ۲۸۶	حَزَاء بَرِی، ۱۱۷
		حَرْمَلِ، ۱۱۶	حَزَاءة، ۱۱۷

حزاة أخرى، ۱۱۷	حشيشة الأسد، ۱۱۸	حشيشة السُّلُخفاة، ۶۰	حفوط (لاتینی)، ۱۹۱
حُزْبِل، ۱۱۷	حشيشة الأفعى، ۱۱۸	حشيشة السنبِل الرومى، ۱۴۱	حفوظه (عجمیت اندلس)، ۱۹۱
حُزْبِل، ۱۱۷	حشيشة البابلى، ۴۳	حشيشة السَّوَّاقى (مغرب)، ۹۵	حِفُول، ۱۲۷
حُزْبِل، ۱۲۳	حشيشة البراغيث، ۱۱۸	حشيشة الشرى، ۸۸	حَقْل، ۱۲۶
حزنبِل، ۲۸۰	حشيشة البراغيث (شام)، ۱۱۸	حشيشة الصفراء، ۲۰۸	حقوق، ۸۳
حزوزى، ۹۴	حشيشة البرص، ۳۶، ۱۱۸	حشيشة الطحال، ۱۱۹، ۱۶۰	حَلْ، ۱۷۶
حسار، ۱۱۷	حشيشة الثومى، ۱۸۹	حشيشة الطلق، ۱۲۰	حَلاب، ۱۲۰
حَسَك، ۳۷، ۱۱۸، ۱۲۴	حشيشة الثوميه، ۸۰	حشيشة العقرب، ۱۹۴	حلا دقاصرى، ۵۲
حَسَك، ۳۷	حشيشة الثوميه، ۹۸	حشيشة العَلَق، ۶۳، ۱۲۰	حلا لات، ۱۲۶
حسك البرى، ۱۱۸	حشيشة الثوميه (اندلس)، ۴۹	حشيشة الغافث، ۲۱۹	حَلَاوى، ۶۷
حسك الجمال، ۵۹	حشيشة الثومية، ۹۸، ۱۲۲	حشيشة الفَرَج، ۱۲۰	حَلْب، ۱۲۲
حسك الفِراخ، ۲۱۲	۲۷۱	حشيشة الفقراء، ۲۴۵	حَلَباب، ۱۲۲
حسك كوهى، ۱۱۸	حشيشة الثومية (اندلس)، ۹۸	حشيشة القمل، ۱۲۰	حلبادشغفینون، ۱۷۳
حَسَكَة (مصر)، ۷۹	حشيشة الكبد، ۱۲۰	حشيشة الكلاب، ۲۸۰	حَلْب التيسى، ۱۲۲
حَسَل، ۱۱۸	حشيشة الحلو، ۱۸۰	حشيشة الكلب، ۲۲۴، ۲۸۰	حلبانثا، ۲۴۶
حسم عوسج، ۲۱۷	حشيشة الحُمى (آفريقا)، ۲۰۳	حشيشة اللجأة، ۶۰	حَلَباب، ۱۲۱، ۱۲۲
حسمى، ۱۱۸	حشيشة الحوت، ۱۴۳	حشيشة المَعْدِن، ۱۲۰	حلبوب، ۱۳۶، ۲۶۶
حسن لبه، ۱۹۸	حشيشة الخراسانية، ۲۹۳	حشيشة المَقْدَسَة، ۶۹	حَلْبوب (اندلس)، ۱۲۱
حسن يوسف، ۱۱۱	حشيشة الداخس، ۱۱۸	حشيشة المَكْرَمَة، ۶۹	حلبوب غير منقط، ۱۲۱
حسومى، ۲۸۹	حشيشة الدم، ۱۱۹	حشيشة النجاة (شام)، ۳۷	حَلْبوب (نبطى)، ۱۲۱
حسيب، ۸۲	حشيشة الدَّودِيه (اندلس)، ۴۸	حشيشة دودية، ۱۱۹	حَلْبَة، ۱۲۰
حسين، ۱۴۵	حشيشة الذهبية (اندلس)، ۴۸	حَضْ، ۲۹۵	حَلَبِيب، ۱۲۱
حسينى، ۲۶۱	حشيشة الرثة، ۱۱۹، ۲۰۵	حَضْض، ۲۳۱	حلبيثا، ۱۲۱
حسينى (مرشدآباد)، ۶۲	حشيشة الزجاج، ۳۴	حَضْض هندی، ۲۳۰، ۲۳۱	حلتيت، ۶۵، ۱۲۱، ۲۹۵
حِشْرِق، ۱۳۹	حشيشة الرومانيين، ۵۹	حَضْض يمانى، ۱۲۰	حلتيتا، ۱۲۱
حشرما، ۲۹۰	حشيشة السعال، ۱۱۹، ۱۷۱	حَطار، ۲۵۲	حَلْتِث، ۱۲۱
حَشَف، ۲۸۳	حشيشة السلحفا (شام)، ۳۷	حَطَب، ۱۸۸	حَلْحال (اندلس)، ۴۷
حشيفنفل، ۱۸۸	حشيشة السلحفاة (شام)، ۳۷	حَطَب السودان، ۳۳	حَلْحال (مغرب و فاس)، ۴۷
حشوى، ۲۲۶	حشيشة السلطان (مصر)، ۱۳۱	حَطَب الفَتَح، ۲۶۵	حَلْحل، ۲۵۱
حشيش، ۷۸، ۲۴۵	حشيشة الافعى، ۱۱۸	حَطَبه، ۴۶	حَلْقا، ۱۲۱
حشيش الأعظم، ۱۵۶		حَطَرى راعيا، ۲۱۰	حَلْقاء، ۳۷، ۱۴۸، ۲۰۴
حشيش الدَّوَاب (مصر و شام)، ۲۹۶		حفا، ۷۵	حَلَق، ۱۲۲
حشيش الغافث، ۵۴		حَقَا، ۷۵	حلمثا، ۱۳۶
حشيشه، ۴۴			حَلْمة، ۱۲۲، ۱۶۳
حشيشة الارض، ۳۶			حَلْوانه، ۶۷
حشيشة الافعى، ۱۱۸			حلوسطاقيل، ۱۹۶

خُلوه، ۶۷	حماض نیری، ۱۲۳	خُمیر، ۳۸، ۱۵۵	حَنطة صغيرة، ۱۷۳
جِلَّة، ۱۲۲، ۱۸۴، ۲۷۱	حَماط، ۵۵، ۱۲۳، ۱۵۰	خُمیراء، ۳۸، ۱۲۵، ۱۵۵	حَنظَل، ۸۱، ۱۲۶، ۱۸۷
خَلی، ۹۷	حَماما، ۱۲۴	۱۹۰	۲۱۳
خَلی، ۱۲۲	حَماما (نبطی)، ۱۲۴	خُمَیْط (فاس)، ۱۲۲	خَنظَل، ۱۲۶
خلیق، ۶۰	حمامی، ۷۳	جَناء، ۱۲۵	حَنظَل رومی، ۱۰۶
خلیلوطن، ۲۲۲	حمامی، ۱۵۶	جَناء الغُولَة (مصر)، ۳۸	حَنظَل زرد، ۱۲۶
حَلیة، ۵۴	جَمِجَم، ۲۵۲	حَنامشہ، ۱۹۳	حَنوه، ۳۴
خلیمو، ۱۲۲	خُمُحَم (شام و شرق)، ۲۶۸	حَناء الجبلیه، ۱۲۵	خَنَوَه، ۱۵۹
حماا قسیس، ۱۱۱	حمر، ۹۵، ۱۲۴	حَناء الرُعَاة، ۱۲۵	خَنَوَة، ۳۴
حَماجِم، ۱۲۲	حمراد حَزَوری، ۹۴	حَناء الغول، ۳۸	خَنوة، ۱۵۹
حماحم، ۱۲۹، ۱۵۹، ۱۸۴	حمرما، ۲۶۴	حَناء الغولَة، ۱۲۵	حَنیق زَنیق، ۲۹۰
حماروحوش، ۹۵	حمری مرکی، ۱۲۹	حَناء القَریش (مصر)، ۱۱۷	حَنین، ۱۴۵
خَمَاض بَحری، ۲۰۱	حَمَص، ۷۶	حَناء المَجَنونَه، ۱۲۵	حَوان (سندی)، ۲۸۹
حماض، ۸۳، ۲۶۶، ۲۶۹	حِمَص، ۱۲۴	حَناء المَروِج، ۱۲۵	خَواء البَقَر، ۲۹۸
خَمَاض، ۹۷	حِمَص الامیر، ۱۱۸	حَناء قَریش، ۱۱۷	خَوَجَم، ۲۹۴
خَمَاض، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۷۴	حِمَص الامیر، ۱۱۸، ۱۲۴	حَناء مَعجون، ۲۹۲	حَوَانیثا، ۴۱
حماض الاترج، ۱۲۳	حَمَص الامیر (مغرب)، ۱۱۸	خَندقوق، ۱۲۵	خَوَذان، ۱۲۷، ۲۵۹
حماض الاجامی، ۱۲۲، ۱۲۳	حِمَص الامیر (مغرب)، ۱۱۸	خَندقوقا، ۱۵۰، ۲۰۳، ۲۹۱	خَوَذان، ۱۵۳، ۲۷۳
حماض الارض، ۱۲۳	حَمَص البری، ۱۱۸	خَندقوقا مصری، ۲۹۱	خَوَر، ۱۲۷
حماض الارنب، ۵۵	حِمَص بری، ۱۲۴	خَندقوقی، ۹۲، ۱۵۲، ۲۰۸	خَوَر، ۱۲۷
حماض الأَرنب، ۱۲۳	حَمَص بستانی، ۱۲۴	۲۷۲	حوراسفیدان، ۷۸
حماض البری، ۱۲۳	حَمَصلیثا، ۱۲۰	خَندقوقی (بغداد)، ۱۵۰	خَوَر الرومی، ۵۵
حماض البَقَر، ۱۲۳	حِمَصی، ۱۲۴، ۲۹۱	خَندقوقی (نبطی)، ۱۲۵	خَوَر الرومی، ۱۰۹، ۱۲۷
حماض الجبلی، ۴۰، ۱۵۹	حَمَصی دبرا، ۱۲۴	جَنزَاب، ۵۰	حوربخانا، ۱۳۰
حماض الحسکی، ۱۲۲	خَمَصیص، ۱۲۴	خَنَشی، ۲۷۳	حور رومی، ۱۲۷
حماض السبخی، ۱۲۲	خَمَصیص الترف، ۱۲۲	جَنطَه، ۱۲۶	حوز، ۱۲۷
حماض السواقی، ۱۲۲، ۱۲۳	حَمَصی لیتا، ۱۷۹	حَنطه السوداء، ۱۹۴	حوسالی (اهالی جزیره)، ۱۰۹
حماض الشامی، ۱۲۲	حَمَض، ۵۲، ۱۴۴، ۱۴۷	حَنطه رومی، ۱۳۹	خَوک، ۷۱
حماض الماء، ۱۲۲، ۱۲۳	خَمَض، ۵۲	حَنطه، ۱۵۱، ۱۵۷	خَوک، ۱۱۳
حماض املی، ۱۲۲	خَمَض، ۶۶، ۹۷، ۱۱۰، ۱۵۵، ۲۸۴	حَنطه البریه، ۱۲۶	خَوک، ۱۹۸
حماض بزرگ، ۲۷۴	حَمَض، ۱۳۹، ۱۵۸	حَنطه الحبشیه، ۱۲۶	خَوکا، ۷۱
حماض بستانی، ۱۲۳	حَمَض الابل، ۱۲۳	حَنطَة الرَمیه، ۱۳۹	حولانا، ۷۶
حماض جبلی، ۱۵۹	حَمَلايا، ۲۷۵	حَنطه الرومیه، ۱۲۶	خَومانه، ۱۵۲
خَمَاض حَسَکَی، ۱۵۹، ۷۶	خَمَلَة، ۱۲۳	حَنطه السَداب، ۱۲۶	خومانه، ۲۰۳
حماض سه برگ، ۱۲۲	حَموعیانَا، ۱۲۲	حَنطه الفارسی، ۱۷۳	خومانه (آفریقا)، ۲۰۳
حماض کبیر، ۱۲۲	خَمَیْیدش (فاس)، ۵۹	حَنطه جَبلیه، ۱۴۷	حومر، ۱۲۴
		حَنطه رومی، ۱۳۹	حی، ۳۷



خزهرج، ۱۴۵	خرنوب الخنزیر، ۱۳۲	خریج، ۴۲	خشخاش، ۷۰، ۱۳۴، ۱۵۸
خزهره، ۱۴۵	خرنوب الخنزیر (مصر)، ۶۳	خریج، ۵۷، ۲۰۹، ۲۱۰	۱۸۸، ۲۷۵، ۲۸۵، ۲۸۸
خزهره (کرمان)، ۱۲۶	خرنوب الشوک (شام)، ۱۳۲	خُرَیج، ۱۳۳	خشخاش احمر، ۱۳۴
خَزَزَة، ۱۳۱	خَزَنوب الکلب، ۶۲	خریعا، ۲۳۶	خشخاش اسود، ۱۳۴
خرس گیا، ۲۶۴	خرنوب المعزی، ۱۳۲	خَزْء الحَمَام، ۱۳۰	خشخاش البری، ۱۳۴
خرس گیا، ۱۴۸	خرنوب المِعْزِی (شام)، ۳۰۱	خِرْو الحَمَام (رقه)، ۱۰۷	خشخاش الزَّیْدی، ۱۰۰
خرسیطس، ۱۰۲		خَزَامی، ۱۳۳	خشخاش الساحلی، ۱۳۴
خَرْطال، ۹۱	خرنوب شامی، ۱۳۲	خَزَامی، ۱۴۰، ۱۹۳، ۲۶۸	خشخاش المَقْرَن، ۱۳۴
خَرْطال، ۱۲۶	خرنوب مصری، ۱۳۲	خزران، ۱۴۰	خشخاش المَقْرَن، ۲۷۶
خرطال، ۱۳۱	خرنوب نبطی، ۱۳۲، ۳۰۱	خَزَم، ۱۳۳	خشخاش اليهودی، ۱۳۴
خرطال (فاس)، ۲۳۷	خرنوب نبطی، ۳۰۱	خَس، ۱۳۳	خشخاش أبيض، ۱۳۴
خرطال (مصر)، ۱۲۷	خرنوب هندی، ۱۴۰	خَس، ۱۳۳	خشخاش أسود، ۱۳۴
خرطان، ۸۸	خرو، ۱۲۹	خَس، ۲۸۰	خشخاش بحری، ۱۳۵
خرغول، ۷۸	خرو الحَمَام، ۱۳۰	خَس، ۲۹۷	خشخاش بری، ۱۳۴
خُزْف، ۱۳۱	خرو الضفادع، ۲۰۰	خَسا، ۱۰۲	خشخاش پستانی، ۱۳۴
خرفق، ۱۳۱	خَزَوْب، ۱۳۲	خَس الارنب، ۱۳۳	خشخاش زَبَدی، ۱۳۵
خرفه، ۸۳	خروب، ۱۳۲	خَس الاسود، ۱۳۳	خشخاش زیدی، ۱۳۵
خَزْفی، ۱۰۴	خَزَوْب الخنزیر، ۱۹۶، ۲۷۱	خَس الحَمَار، ۳۸، ۹۴، ۱۳۴	خَشْخَاش سائل، ۱۳۴
خِرْق، ۲۸۰	خَزَوْب السُّنْط، ۱۹۱	خَس الحَمَار، ۳۸	خشخاش سفید، ۱۳۴، ۱۵۸
خَرْقَطان، ۱۳۱	خروب السودان، ۱۳۲	خَس الحَمَار، ۴۳	خشخاش سیاه، ۱۳۴
خرقع، ۱۷۳	خَزَوْب الشامی، ۱۳۲	خَس الحَمَار، ۶۸	خشخاش شاخ دار، ۱۳۴
خرک، ۱۷۳	خروب الشوک، ۱۳۲	خَس الحَمَار، ۱۳۳، ۲۹۶	خشخاش مُقْرَن، ۱۳۵
خرک (شیرازی)، ۹۴	خروب العریض، ۳۰۱	خَس الحَمَار (فاس)، ۱۳۳	خشخاش مشور، ۱۳۵
خرکوش، ۱۳۱	خَزَوْب النبطی، ۱۰۹	خَس القدان، ۱۳۳	خَشَقاقِل، ۱۸۸
خرگوشک، ۲۶۹	خروب النبطی، ۳۰۱	خَس الکلب، ۱۴۹	خَشَل، ۲۸۳
خزل، ۲۰۹	خَزَوْب الهندی، ۱۴۰	خَس بری، ۱۳۳	خَشَل، ۲۸۳
خَزَم، ۴۸	خروب الهندی، ۱۴۰	خَس پستانی، ۱۳۳	خَصی الثعلب، ۸۰، ۸۹
خَزَم، ۵۴	خروس لوج، ۱۱۸	خسران، ۷۹	۱۳۵، ۱۵۲
خَزَم، ۱۳۱	خروسوقولی، ۷۰	خسرو دارو، ۱۳۹، ۲۲۲	خَصْی الثعلب، ۱۳۵
خرم، ۱۶۹	خروسوقومی، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۵۱	خسف، ۱۰۶	خَصْی الثَّغْلَب، ۱۳۵
خرما، ۹۴، ۲۳۸		خسِق، ۲۱۰	خَصْی الثعلب، ۲۰۳
خرمازق، ۲۰۲	خروسوموغالی، ۱۳۳	خسک دانه، ۲۳۶	خَصْی الثعلب، ۲۰۳
خرما هیرون، ۹۵	خروع، ۱۳۳، ۲۰۳	خسکدانه، ۲۶۶	خَصْی الثعلب، ۲۴۶
خرمای سنگ اشکن، ۹۵	خروع الاسود، ۲۸۷	خسَن، ۳۰۰	خَصْی الدیک، ۱۳۵
خرمدانق، ۲۵۵	خروع الضفادع، ۲۰۰	خشب الحیه، ۲۹۷	خَصْی السَمور، ۱۳۶
خرنوب، ۱۳۲	خروع صینی، ۱۴۷	خشب الصینی، ۱۰۶	خَصْی القط، ۱۳۵
خَزَنوب، ۱۳۲	خروک، ۸۱	خَشَبَرَم، ۲۸۰	خَصْی الکلب، ۸۰
خرنوب، ۲۴۱، ۱۳۲	خروهک، ۷۹	خشب سومر، ۱۸۱	خَصْی الکلب، ۱۳۵



خومی، ۱۴۰	خنج، ۱۳۱	خُلْجان، ۱۳۷	خصی الهَر، ۱۵۰
خومان، ۲۰۲	خنجر، ۱۱۴	خلجلا، ۲۵۷	خصی هرمس، ۱۳۶، ۱۲۱
خومر، ۹۵	خنجک، ۱۱۱	خُلجی، ۱۳۷	خُصی هرمس، ۱۲۱
خوم (سفدی)، ۲۹۹	خنجک (خراسان)، ۸۱	خلدانیون، ۲۰۸	خَضیر، ۱۹۴، ۱۶۴
خومه، ۹۹	خنداقل (مصر)، ۱۰۴	خَلر، ۱۰۴	خِضلاف، ۲۸۳، ۱۵۷
خونسیاوشان، ۱۴۶	خندروس، ۲۰۱، ۱۳۹، ۱۲۶	خَلر، ۱۳۷	خُضیراء، ۱۵۹
خون سیاوشان، ۱۴۶	خندروس، ۱۳۹	خَلر (قزوين)، ۱۰۴	خُضیراء، ۲۷۵
خویبو (سجزی)، ۱۷۱	خندروش، ۱۳۹	خَلص، ۱۳۷	خَطار، ۲۵۱
خویصه مصغر (اندلس)، ۲۷۲	خندریل، ۲۹۷	خلنج، ۱۱۰	خَطافی، ۱۲۷
خیار، ۲۵۵، ۲۳۴، ۱۴۰	خندریلی، ۲۱۲، ۱۳۹	خَلنج، ۱۳۷	خطای (شیرازی)، ۱۴۰
خیار باذرنگ (خراسان)، ۲۳۴	خندوس، ۱۳۹	خَلوانی، ۷۲	خِطَر، ۲۹۲، ۱۲۵
خیار باذرنگ، ۲۳۴	خنزیری (مصر)، ۲۷۲	خَلوانی (اندلس)، ۲۴۶	خِطَر، ۱۳۶
خیار باذرنگ (خراسان)، ۲۳۴	خنس (گیلان)، ۱۲۰	خلوق، ۱۶۳	خِطَر، ۲۵۱
خیار بالنگ (شیراز)، ۲۳۴	خوب کلان، ۱۲۹	خلوق، ۱۶۳	خِطَرَة، ۱۳۶
خیار تلخ، ۱۲۶	خوخ، ۱۳۹	خلوqe، ۲۶۱	خطری دَعیا، ۲۱۰
خیار چنبر، ۱۴۰	خوخ الماء، ۱۱۵، ۱۳۹	خَلقة، ۱۳۷	خطمی، ۲۱۶، ۱۳۶، ۱۲۹
خیار خر، ۲۳۳	خوخ المروج، ۲۴۳	خلیمو (شیرازی)، ۱۲۳	خِطْمی، ۱۳۶
خیار (خراسان)، ۲۳۳	خوخ قلیق استه، ۲۳۲	خمداریوس، ۲۶۰	خطمی الازغب، ۱۲۹
خیار خوراکی، ۲۳۴	خوردپیلا، ۱۸۰	خمدافنی، ۲۷۵	خطمی الرومی، ۱۲۹
خیار دراز، ۲۳۳	خورزهرج، ۱۴۵	خمالازن، ۲۷۵	خطمی المروج، ۱۲۹
خیار دراز (شیراز)، ۲۳۴	خوز، ۶۷	خَمایِلن، ۶۴	خطمی النهری، ۱۲۹
خیار درزده، ۲۳۳	خوشان، ۱۲۳، ۱۳۹	خمان الأرض، ۱۳۸	خطمی بری، ۱۸۷، ۱۳۶
خیار دشتی، ۱۲۶	خوش سایه، ۱۴۴	خمان الصغیر، ۱۳۸	خطمی کوچک (شیراز)، ۲۸۴، ۱۲۹
خیار زره سفید، ۲۳۳	خوشک، ۷۳	خمان الکبیر، ۱۳۸	خطمی البیضاء، ۱۲۹
خیار زره، ۲۳۳	خوشک امحری، ۹۳	خَمَان (نبطی)، ۱۳۸	خُفت، ۱۶۷
خیار زره اسپند، ۲۳۳	خوشه ارزن، ۱۹۰	خَمایملن، ۷۰	خفجرومیثا، ۲۳۷
خیار زره کوچک، ۱۹۸	خوص (مصر)، ۷۵	خَمَنجَم، ۶۳	خفرج (بلخ و زابلستان)، ۸۳
خیار شنبر، ۱۴۰	خوص (مغرب)، ۲۰۸	خَمَنجَم، ۱۳۸	خلاف، ۱۷۱، ۵۴
خیار صنبر، ۱۴۰	خوصه (اندلس)، ۲۷۲	خَمَطر، ۱۴۵، ۵۵	خلاف، ۱۳۶
خیار طلخ، ۱۲۶	خوفان، ۲۰۲	خَمَل، ۱۷۹	خلاف بلخی، ۱۳۷، ۱۵۹
خیار (عراق)، ۲۳۴	خولاذولیون، ۱۳۳	خَشی، ۳۷، ۵۱، ۸۰، ۸۶	خلاف (شام)، ۱۳۶
خیارک بی بر (بلخ و طبرستان)، ۲۸۶	خولان، ۱۲۰	خَشی، ۱۳۸	خلال، ۲۸۲
خیاط، ۱۲۵	خولع، ۱۲۶	خَشی، ۱۳۸	خلال مامونی، ۴۳
	خوللو (شیرازی)، ۱۵۲	خشی الصخریه، ۱۳۸	خلبانی، ۷۲، ۲۴۶
	خولجان، ۱۰۶، ۱۳۹		خلبه (گیلان)، ۱۲۱
			خلجاء، ۲۵۷

خیر بوا، ۲۹۶	دازی، ۱۴۱	داره‌لد، ۱۴۲	دُخُن، ۱۴۳
خیر خیر، ۱۷۱	داذی الرومی، ۲۹۸	داری، ۱۳۰	دُخُن البری، ۱۱۹
خیر مِنْ أَلْف، ۱۷۹	داذی رومی، ۱۴۱	داغ سوغانی، ۸۵	دخن العصافیر، ۱۴۳
خیر من ألف درهم، ۱۷۹	داذی کوهی، ۲۹۸	دافع الغم، ۱۱۳	دخن النملی، ۱۴۳
خیرو، ۱۲۹	دارارون، ۴۴	دافنطس (اسکندریه)، ۱۷۴	دخن بری، ۱۰۰
خیروج، ۱۲۹، ۱۳۶	دارافرسام، ۸۶	دافنی، ۱۴۵، ۱۵۹	دخنخ (بخارا)، ۸۴
خیری، ۱۲۹، ۱۴۰، ۲۸۵	دار المرز، ۶۵	داک، ۲۱۴	دُخْنه، ۴۴
۲۹۲	داربرنیا، ۸۴	داککه جهاز، ۲۵۵	دُخْنه مریم، ۷۴
خیری ازرق، ۱۶۸	دارچوبه، ۱۴۲	دالان بزرگ، ۱۵۲	در، ۲۱۳
خیری اصفر، ۱۶۸	دارچینی، ۱۴۱	دانج ابروج، ۱۴۲	درابی، ۱۱۵، ۱۱۶
خیری الاحمر، ۷۹	دارشاه، ۵۹	دائک، ۱۴۲	دراجن، ۱۳۹
خیری الاصفر، ۱۴۰	دار شیرین، ۱۸۰	دانک افرونک، ۱۴۲	دراز (شیرازی)، ۱۱۷
خیری البر، ۱۳۳	دارشیشعان، ۱۰۹، ۱۴۱	دانه، ۲۰۶	دراشتا، ۲۶۱
خیری البر، ۱۴۰	۱۷۱، ۱۷۸	دانه سجستان، ۱۶۷	درافس، ۱۳۹
خیری الماء، ۱۴۰، ۲۷۲	دارصینی، ۱۴۱، ۲۳۸	داونه مروا، ۲۰۶	درافیون، ۲۷۳
خیری (بغداد و موصل)، ۲۱۱	دار صینی الدون، ۱۴۱	داء الحیه، ۱۰۶	دراققطی، ۲۵۱
خیری جبلی، ۱۳۳، ۲۶۸	دار صینی حبشی، ۱۴۱	دب، ۲۹۱	دُراقِن، ۱۳۹
خیری سیاه، ۱۴۰	دار صینی زور، ۱۴۱	دُبا، ۱۴۲	دراقن (شام)، ۱۳۹
خیزران، ۱۴۰	دارفلقل، ۴۶، ۱۴۲، ۲۲۷	دبا، ۲۳۷	دُراقنطیون، ۲۳۱
خیزران البلدی (اندلس)، ۳۶	دارقفوطون، ۱۴۲	دباب، ۱۸۲	دراقنطیون، ۲۷۳
	دارکسنة (عراق)، ۲۴۹	دبسا قوس، ۱۴۸	دراقنطیون، ۲۷۳
	دارکیسه، ۱۹۹	دیساقوس، ۱۴۹	دراقنوسقر دیون، ۸۰، ۹۸
خیزران بلدی، ۱۴۰	دارکیسه (شام)، ۱۰۷	دبق، ۵۱، ۵۸، ۱۶۷	دراقونطیون، ۲۷۳
خیزو (مراکش)، ۱۰۳	دارکیسه، ۱۴۲	دبقی، ۱۴۲	دراقیطن، ۲۷۳
خیسفوج، ۲۴۲	دارکیسه (شام)، ۱۹۹، ۲۴۹	دبقت، ۱۴۲	دراقیطون، ۲۳۰، ۲۷۳
خینوس، ۱۹۳	دارم، ۱۴۲	دبقی، ۵۱	دراقیل، ۱۴۳
خیو خیر، ۱۷۱	دارم، ۱۵۷	دبندار، ۱۴۹	دراقینی، ۱۳۹
خیوز (سوانم)، ۲۰۱	دارما، ۲۸۰	دبوقا، ۱۴۳	درامج، ۱۴۳
	دارمازو، ۸۶	دبوکی (بلخ)، ۲۸۴	درامک، ۲۸۰
	دارمازی (طبرستان)، ۸۶	دبی، ۹۶	درانیج، ۱۴۳
<b>حرف «د»</b>	دارمک، ۱۴۲	دبیداریا (نبطی)، ۱۴۳	دبرق، ۲۱۴
دائم العطش، ۱۴۸	دارمون، ۱۵۷	دبیراز، ۱۴۳	دبریقا، ۷۱
داح، ۱۴۳	دارمیران، ۱۴۲	دتبلیغ، ۱۷۹	درجکان، ۱۳۹
داد الأبیض (اندلس)، ۵۱	دارواش (دیلم و تنکابن)، ۲۱۵	دُجر، ۲۷۱	درحسختک، ۱۹۸
داد الأسود، ۵۱	داروان (تنکابن)، ۳۵	دجر، ۲۷۱	دُرحولة، ۱۴۴
داد الوحید (آفریقا)، ۵۱	دارورهرام، ۱۸۰	دحداح، ۱۴۳	درخت اثل، ۱۸۲
دادی، ۲۰۴	دارون، ۱۴۴	دخسیسا، ۱۴۳	درخت پشه، ۱۴۴
داذاروان، ۴۴		دخن، ۱۰۰	درخت دبق، ۵۱

درخت دردار، ۱۷۸	دروقیون، ۱۴۴، ۱۴۷	دفلی الخضراء، ۱۴۵	دمیثا، ۹۷
درخت دلیک، ۲۹۴	دروقیونون، ۱۴۴	دفتویداس، ۱۵۹	دنبی دارو (شیرازی)، ۴۹
درخت زکریا، ۱۶۹	دروکی کنکر، ۱۱۴	دقیقه، ۱۰۳	دند، ۱۴۷، ۲۷۶
درخت زهرناک، ۲۰۹	دُرُونج، ۱۴۴	دقیون، ۲۲۳	دندان جانان (سجزی)، ۲۹۳
درخت سال، ۲۰۲	درونک، ۱۴۴	دِق، ۱۴۳	دندان ساوکف، ۸۳
درخت سیستان، ۱۴۲	درویطارس، ۵۲	دِقان، ۱۳۶	دندان گرگ، ۵۰، ۸۴
درخت شانه، ۲۶۳	درهن، ۱۸۴	دقتا، ۲۶۴	دند هندی، ۲۷۶
درخت عرعر، ۱۷۰	دَریاس، ۱۴۵	دَقْتَرَانَش، ۱۴۵	دَنقَه، ۱۴۷
درخت عود، ۲۹۶	دریاس (فاس)، ۶۵	دقتوریه، ۹۹	دَنقَه، ۱۶۴
درخت غایش، ۲۱۵	دریاس (مغرب)، ۹۷	دَقْسِنِطُس، ۹۵	دَنقَه، ۱۹۴
درخت فلفل، ۱۴۲	دُریان، ۱۴۵	دقتابانون، ۲۸۱	دوئی، ۲۴۲
درخت کدز، ۴۵	دریقونون، ۲۴۹	دقپامیون، ۲۸۱	دوادم، ۱۴۷
درخت کلنورا، ۱۹۸	درینه (تبریز)، ۹۶	دقطنن، ۲۸۱	دواغریا، ۱۴۷
درخت کوت، ۲۶۲	دریولطاس، ۲۶۳	دَقْطَمْنَن، ۲۸۱	دوالک، ۵۲
درخت مسواک، ۴۳	دستنبو، ۱۴۴	دقلیوس، ۶۷	دواله، ۵۲
درخت هلیله (شهرری)، ۳۵	دستنبویه، ۱۴۴	دقنادعزی، ۲۶۷	دوالی، ۵۲
دَرداب، ۱۴۴	دستنبویه، ۱۴۵	دل اشوب (شیرازی)، ۴۱	دوام (انطاکیه)، ۸۶
دَردار، ۱۴۴	دسقس، ۱۳۳	دُلَاع، ۸۱	دَوایاغریا، ۱۴۷، ۱۴۸
دردار، ۲۶۹، ۲۹۰	دَسَم الشجر العَر، ۲۸۶	دلاع، ۸۲	دواء الجنون، ۵۵
دردریه (بکر)، ۲۷۸	دسم الصوف الؤذح، ۱۶۵	دلاع البری، ۱۲۶	دواء الحیه، ۱۰۶
دَرس، ۸۶	دسظو، ۸۵	دلال، ۱۸۰	دواء الخَطاطیف، ۲۰۸، ۲۷۶
درغل، ۲۰۴	دسیسه (مصر)، ۵۶	دُلب، ۱۴۵	دویر (مصر)، ۲۷۳
درق، ۱۲۵	دشینه، ۱۹۷	دلب، ۲۱۷، ۲۹۰	دود الصخر، ۷۹
درقنطیون، ۱۴۶	دُعاع، ۱۴۵	دَلْبوث، ۴۵	دَوْدِر، ۱۴۵
درقیانا، ۳۰۰	دُعوب، ۱۴۵	دَلْبوث، ۱۴۴، ۱۴۶، ۲۵۷	دودزلوس، ۲۳۰
درمامه، ۱۴۴	دُعنا، ۸۱	دلپوس، ۱۴۶	دودسپاروس، ۱۴۴
درماء، ۱۴۴	دعتادشغاری، ۸۱	دلدهغ، ۱۴۶	دَوْدِم، ۱۴۷
درمنه، ۱۹۳، ۵۵	دعتادقرطی، ۸۲	دَلَم (فاس)، ۱۴۵	دودهالی، ۱۸۸
درمنه اسپید، ۹۷	دعناقریشا، ۱۲۱	دلوباخوسطس، ۲۳۰	دَوْرَاو، ۱۱۷
درمنه ترکی، ۱۹۳	دعناغنا، ۱۱۴	دَلِیک، ۱۴۶	دوراو، ۱۱۷
درنک، ۲۸۰، ۳۸	دعقیلا، ۱۱۸	دَمادم، ۱۴۷	دورخولی، ۱۴۶
دَروازَد، ۱۹۸	دُغلول، ۱۴۵	دماسونیون، ۲۸۱	دورحولی، ۱۸۱، ۲۵۷
دَرویطارس، ۱۴۴	دفعوس، ۱۰۳	دَم الاخوین، ۱۴۶، ۶۹	دورس، ۱۴۵
دَرویطارس، ۱۴۴	دققین، ۱۰۳	۱۷۹، ۱۹۲، ۲۱۵	دورقنی، ۱۴۷
دَرویفینوس، ۱۴۴	دققینی، ۱۰۳	دم الأمیر، ۱۴۷	دورقنطون، ۲۳۰
دروقتی، ۲۴۹	دفلی، ۳۷	دم الغزال، ۱۴۷	دوسر، ۱۴۷
دُرُونج، ۱۴۴	دِفلی، ۱۴۵	دَمدام، ۱۴۷	دوسر، ۱۹۴
	دفلی البیضاء، ۱۴۵	دمسقینی، ۴۱	دوسر، ۲۰۱

دوشر، ۱۴۷	دیس، ۴۳، ۷۸، ۱۴۸	ذاقنیداس، ۱۴۹	ذنب الجداة (اندلس)، ۲۳۱
دوقس، ۱۱۸	دیس (اندلس)، ۱۷۵، ۵۰	ذُبُح، ۶۳، ۱۰۳، ۲۶۵	ذَنبُ الخُروف، ۱۵۱
دُوقس، ۱۴۸	دیسندس، ۲۳۷	ذُبْحَة، ۶۳	ذنب الخیل، ۵۰، ۶۲، ۲۶۷
دوقس، ۲۹۲	دیشار، ۲۸۱	ذراعہ (مصر)، ۲۳۶	ذَنبُ الخَیْلِ، ۵۰
دوقس (شام)، ۱۱۸	دیقطنینون، ۲۸۱	ذربون، ۱۸۸	ذَنبُ الخَیْلِ، ۱۵۱
دوقص، ۸۰	دیقورس، ۲۳۵	ذرت، ۱۰۰	ذنب السَّبُع، ۱۵۱
دوقسو، ۱۰۳، ۱۱۷، ۱۴۸	دیک الاعمی، ۱۱۸	ذرعاً، ۲۶۱	ذنب العقرب، ۱۵۱، ۲۰۴
۱۸۸، ۲۵۶، ۲۲۸	دیک الاعور، ۱۱۸	ذرفی، ۱۵۰	ذَنبُ العقرب، ۱۵۲
دُوقو، ۱۴۸	دیک (اندلس)، ۱۴۴	ذرق، ۱۲۵، ۱۵۰	ذنب الفار، ۲۶۹
دوقواغریا، ۱۴۸	دیک اَعُور، ۱۱۸	ذُرَق، ۲۹۱	ذَنبُ الفار (اندلس)، ۲۶۹
دوقوالاحرش، ۱۰۳، ۱۴۸	دیلہ، ۱۲۲	ذُرَق الحَمَام، ۱۵۰	ذنب الفارہ، ۲۶۹
دوقو الرومی، ۱۰۳	دینار، ۲۵۸	ذُرَق الطیر، ۸۷	ذنب الفرس (شام)، ۱۵۱
دوقوالقرادی، ۱۰۳	دینارو، ۱۱۷	ذُرَق الطَیْرِ، ۱۵۰	ذنب القَط (اندلس)، ۱۵۱
دوقوالقرادی، ۱۰۳	دینارویه، ۱۱۷، ۱۴۸	ذرقونن، ۱۳۹	ذنب اللبوء، ۱۵۱
دوقواملس، ۱۴۸	دینساقوس، ۱۴۸	ذروفینون، ۱۵۰	ذنب اللوء، ۱۵۱
دوقوبری، ۱۴۸	دیواسپست، ۱۲۵	ذره، ۱۰۰	ذنب النمر، ۷۵
دوم، ۱۵۷، ۱۶۸، ۲۸۳، ۲۸۴	دیواسپست صحرائی، ۱۲۵	ذُرہ، ۲۰۳	ذنب الہر، ۸۷
دوم (مغرب)، ۲۰۸	دیودار، ۳۹، ۱۴۹، ۲۰۹	ذُرہ، ۲۶۳	ذنبان، ۱۵۱
دومه، ۲۸۳	۳۰۰	ذُرہ مکہ، ۱۳۹	ذُنَبِیاء، ۱۵۱
دوینکانی، ۱۱۰	دیودار (طبرستان)، ۲۶۴	ذُرہ، ۱۴۹	ذوات الجُجم، ۲۰۴
دویره، ۲۷۳	دیودر، ۱۴۹	ذُرَیْرَة السَّخْم (مصر)، ۲۷۳	ذوات جُجم، ۲۵۶
ذَهار (سند)، ۴۷	دیوزوان (بستی)، ۲۱۰	ذریرة (مصر)، ۲۷۳	ذو ألف ورقة، ۱۵۱، ۱۷۱
ذهاک، ۸۵	دیوسبست، ۱۲۵	ذریزه، ۱۵۰	ذو ثلاث الوان، ۱۵۲
ذهاهاهیج، ۱۴۸	دیوفونیطس، ۲۷۳	ذفارا، ۱۰۰	ذو ثلاث حبات، ۱۶۲
دهتوره، ۱۰۹	دیو مشنگ، ۱۵۶	ذفراء، ۱۵۰	ذو ثلاث شوکات، ۱۵۲
دهکلو (شیراز)، ۲۶۰		ذفکر، ۲۲۶	ذو ثلاث ورقات، ۱۵۲
دهماسا، ۱۴۸		ذِفلی، ۱۴۵	ذو ثلاثة اوراق، ۲۰۳
دَهْمَسْت، ۱۴۸، ۱۵۹، ۲۱۸		ذُکار، ۹۶	ذو ثلاثة ألوان، ۱۵۲
دهمشت، ۲۱۸	ذات الریش، ۱۴۹	ذکر الارض، ۹۲	ذو ثلاثة شعب، ۱۱۸
دهنون دودی، ۲۵۰	ذات ثلاث حبات، ۱۶۲	ذَکَر الدیک، ۱۵۰	ذو ثلاثة عناقید، ۲۰۳
دهنیہ، ۲۵۷	ذافنی، ۱۴۹	ذکر الرئيس، ۱۳۵، ۱۵۰	ذو خمسة أجنحه، ۸۹
دهونه، ۲۴۷	ذافنی، ۲۱۸	ذکر الکلب، ۱۵۰	ذو خمسة اجنحه، ۴۱، ۸۸
دیاکلمن، ۱۴۱	ذافنی الاسکندری، ۱۴۹	ذَکَر الہر، ۸۰	۱۵۲
دیامنطیس، ۲۶۴	ذافنیدس، ۱۴۹	ذَکَر الہر، ۲۰۱	ذو خمسة اصابع، ۱۵۲
دیامیرون، ۹۵	ذاقنیداس، ۱۴۹	ذکور البقل، ۱۴۴	۲۳۰
دیساقوس، ۱۳۳، ۱۴۸	ذاقنی، ۱۴۹، ۲۱۸	ذَنبُ الأُیْلِ، ۲۸۷	ذو خمسة اقسام، ۸۸، ۱۵۲
دییناقوس، ۱۴۸	ذاقنی الاسکندری، ۱۴۹	ذنب الثعلب، ۱۸۱	ذو خمسة اوراق، ۴۱، ۸۸
دیدرون اسایا، ۲۵۵	ذاقنی الاسکندری، ۱۴۹	ذَنبُ الجَمَل، ۱۲۶	۱۵۲، ۲۳۰

## حرف «ذ»

رتّه (نبطی)، ۸۸	رانج وبر (فارس)، ۱۱۱	راحة الکفّ، ۲۵۹	ذو خمسة أجنحة، ۱۵۲
رتیانج، ۱۹۷	رانداروی تلخ، ۲۶۰	راحة الکلب، ۱۵۲	ذو خمسة أصابع، ۴۱، ۸۸
رثیث، ۵۰	راون، ۱۵۴	راحة الکلب، ۲۵۴	۱۵۲
رجبه، ۱۵۵	راوند، ۱۵۴	رازقی، ۱۵۲	ذو خمسة أقسام، ۱۵۲
رجل الارنب، ۲۶۵	راوند الجبلی، ۲۵۰	رازقی، ۱۸۱	ذو سبعة اضلاع، ۲۶۹
رجل الأرنب، ۲۶۵	راوند الفارسی، ۱۲۲، ۱۵۹	رازیانج، ۷۸، ۱۵۲، ۲۳۸	ذو شُوْنِکَة، ۱۵۲
رجل البازی، ۱۵۵	راوند شامی، ۱۵۴	رازیانج البستانی، ۱۵۳	ذو مائة رأس، ۱۵۲
رجل البازی، ۲۴۸	رای، ۱۳۰	رازیانج الرومی، ۶۷	ذهبی، ۳۴
رجل الجراد، ۱۵۵، ۱۶۱	رای بیل، ۱۵۴	رازیانج الشامی، ۶۷	ذهبیه، ۱۵۳
رجل الحدأة، ۱۵۵	رای مُنت، ۷۵	رازیانج القروء، ۱۴۸، ۱۵۳	ذهبیه، ۱۵۲
رجل الحرشاء، ۱۵۵	رائی مُنت، ۱۶۰	رازیانج بری، ۱۵۲، ۱۵۳	ذی الورقة الواحدة، ۲۷۳
رجل الحمام (اندلس)، ۱۲۵	راء، ۱۵۲	رازیانج حبشی، ۱۵۳	ذیره، ۱۲۳
رجل الحمامه، ۳۸، ۱۱۹	راء آ، ۱۵۲	رازیانج رومی، ۱۵۳	ذُونون، ۱۵۲، ۲۰۱
۱۲۵	راء، ۵۹، ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۹	رازیانج شامی، ۱۵۳	
رجل الحَمَامَة، ۳۸، ۴۳، ۲۵۲	۲۶۳	رازیانج فارسی، ۱۵۲	<b>حرف «ر»</b>
رجل الحَمَامَة (اندلس)، ۶۸	رأس الأفعی، ۴۲	رازیانج (مغرب و اندلس)، ۷۸	رئیس الجَبَل، ۱۱۹
۱۹۰	رأس الذهب، ۱۳۲، ۱۵۳	رازیانق، ۷۸	رئیس الجبل، ۱۲۰، ۱۶۰
رجل الدجاجة، ۱۵۵	رأس الزرزور، ۱۵۳	رازیانه، ۱۵۲، ۲۱۳	راء، ۱۵۴
رجل الدجاجة (آفریقا)، ۷۰	رأس الشيخ، ۵۸، ۱۵۳	رازیانه بری، ۱۵۳	رائحة الأثرنج، ۷۱
رجل الزاغ (شام)، ۱۵۵	رأس العجل الكبير، ۶۷	رازیانه رومی، ۶۷	رائحة البستان، ۲۸۰
رجل الزرزور، ۱۵۵	رأس العصفور، ۱۵۳	رازیانه شامی، ۶۷	رائی، ۱۳۰
رجل الطیر، ۳۶	رأس القنفذ، ۱۵۳	راژموک (ترمذی)، ۲۷۱	رابانس ازغریا، ۵۷
رجل العقاب، ۱۵۵	رأس الهدهد (اسکندریه)، ۲۷۷	راس الذهب، ۱۳۰	رایج، ۱۱۲
رجل العقق، ۱۵۵	رب القَرظ، ۱۳۲	راسن، ۱۵۹، ۲۵۲	رابستیاج، ۱۹۳
رجل الغراب، ۳۶، ۱۴۸	رَبْرَق، ۲۴۹	راسن (اندلس)، ۱۰۶	رابوقه، ۸۲
۱۵۵، ۱۶۲، ۲۵۶	ربرق (یمن)، ۱۵۴	راسن (اندلس)، ۱۵۳	راتیانج، ۱۹۶
رجل الغُراب، ۱۵۵	رَبْل، ۱۵۴	راطینا، ۱۹۷	راتیانج، ۱۹۷
رجل الفروج، ۵۲، ۱۲۳	رَبْل (مصر)، ۵۶	رافانوس، ۲۲۴	راتینا، ۱۹۷
۲۳۲	رَبْنالَه، ۲۷۴	رافعه، ۱۳۰	راتیانج، ۱۵۲
رجل الفُرُوج، ۱۱۶	ربوذي، ۸۴	رافعة، ۱۵۴	راتینج، ۱۵۲، ۱۹۷، ۲۴۴
رجل الفروج (اندلس)، ۱۵۵	رتک (شیرازی)، ۲۸۱	راقوته (شیراز)، ۲۹۰	راتینج، ۱۹۷
رجل القلُوس، ۱۵۵	رَتَم، ۱۵۱، ۱۵۴	رال، ۱۷۸، ۲۴۷	راجونک، ۲۴۹
رجل القلوس، ۱۵۵	رَتَم الخنزیر، ۱۵۴	رام تلسی، ۲۲۵	راج کیری، ۲۱۰
رجل صالح، ۲۸۰	رَتَم الطُّبَاء، ۱۵۴	رامک، ۱۵۴	راح، ۷۹
رجله، ۸۲، ۸۳، ۸۴	رتن جوت، ۴۰	رامشس، ۲۱۷	راح العرب، ۶۲
رجلة الشتاء و الصيف، ۱۰۸	رُتَه، ۵۲، ۵۴	رانج، ۱۰۹	راحة الاسد، ۲۸۳
رجموم، ۲۵۸	رُتَه، ۱۵۵	رانج، ۲۸۷	راحة الأسد، ۲۸۶
رجنه، ۱۳۳			

رجینة، ۱۹۷	رعى الأیل، ۶۰	رقعة الصخرية (اندلس)،	رمانامصرینا، ۱۰۴
رجینة (اندلس)، ۱۵۲	رعى الأیل، ۲۸۱	۲۷۱	رمان بری، ۱۰۴، ۱۱۲،
رحبینه، ۱۹۷	رعى الأیل، ۱۵۶	رقعة الصنوبریه، ۱۵۷	۲۸۳، ۱۵۸
رخامی، ۱۵۵	رعى الأیل، ۱۵۶	رقعة الفارسیة (اندلس)، ۸۷	رمان بستانی، ۱۰۴
رخون (بغداد)، ۲۶۱	رعى البط، ۱۴۸	رقعة اللطینیة، ۹۷	رمان حامض، ۱۵۷
رخینه، ۱۵۲	رعى الحمام، ۶۰، ۷۳، ۱۵۶،	رقعة النهریة، ۲۹۱	رمان حلو، ۱۵۷
ردایف، ۱۱۴	۲۰۴	رقعة (اهل سراق)، ۱۰۸	رمان هندی، ۱۴۱، ۲۸۸
رُدوثی، ۱۵۵	رعى الحمام، ۶۹	رقعة بریة، ۱۵۷	رمت، ۴۴
ردین، ۲۶۰	رعى الحمام، ۱۵۶	رقعة جبلیة، ۱۵۷	رمت، ۱۵۸
رُزّا، ۴۴	رعى الحمیر، ۲۲۵	رقعة خضفیة، ۱۵۷	رُمح صغیر، ۲۷۱
رزى (تبریز)، ۸۵	رعى الشواهین، ۲۰۴	رقعة سهلیة، ۱۵۷	رمرام، ۱۵۸
رس، ۲۰۹	رعى الضفادع، ۲۵۴	رقعة شعریة، ۱۵۷	رَمَرام، ۱۵۸
رستنی نوذیه، ۲۱۰	رعى العیر، ۴۳	رقعة طلیبیة، ۱۵۷	رند، ۳۶، ۴۳، ۱۴۵، ۱۶۱
رسماریتا، ۲۳۹	رَعِیداء، ۱۶۴	رقعة ظلیة، ۱۵۷	رَند، ۱۵۹
رُسَماریتا، ۸۷	رَعِیداء، ۱۹۴	رقعة فارسیة، ۱۵۷	رند اسکندرانی، ۱۵۹
رسوت، ۱۲۰	رغباء، ۲۵۸	رقعة قَرَنُقلیة، ۱۵۷	رند (سندی)، ۲۱۸
رسون هندی، ۱۹۹	رَغَتْ، ۱۰۴	رقعة لطینیة، ۱۵۷	رندلی، ۶۷
رسم (مصر)، ۲۳۶	رغل، ۸۳	رقعة مَرَجیة، ۱۵۷	رَنف، ۱۳۷، ۱۵۹
رسین (اصفهان)، ۲۳۶	رُغل، ۱۲۳، ۱۳۹، ۱۷۰،	رقعة نهریة، ۱۵۷	رنکبار (شیرازی)، ۱۵۲
رشاد، ۱۰۲، ۱۱۵	رغیدا، ۴۴، ۱۵۷، ۱۶۴، ۱۹۴	رقوناء، ۲۹۰	رنگ زعفران، ۴۲
رِشال الاحمر، ۴۶	رفالس (فرنگی)، ۲۲۳	رقون، ۱۲۵	رنگ زعفران (اصفهان)،
رِشاله، ۴۶	رفانی، ۲۲۳	رقون، ۱۲۵	۲۱۰
رُشالة الابيض، ۲۶۴	رفاید، ۱۱۹	رقعة، ۲۱۸	رنیکا، ۴۱
رشینه، ۱۵۲	رفیتون، ۲۲۳	رقیب الشمس، ۱۵۷	رواس، ۱۳۴، ۱۵۹، ۱۸۸
رشینة (اندلس)، ۱۵۲	رقاع، ۱۵۷	رقی (بغداد)، ۸۲	رواش، ۲۵۴
رضایف، ۱۱۴، ۱۵۹	رُقاع الیمانی، ۱۵۷	رَکَف (آفریقا)، ۷۵	روبادوج، ۲۴۹
رطا، ۲۴۷	رقاقس، ۱۵۷	رَکَل، ۲۵۲	رویازرج، ۲۱۴
رطب القث، ۱۵۶	رقان، ۱۲۵	رمان، ۱۰۴	روباه تریک، ۲۱۴
رَطْبُهُ، ۱۵۵	رقبه، ۲۶۸	رُمان، ۱۵۷	روباه تورک، ۲۱۴
رطبه، ۲۳۷، ۲۹۱	رُقَع، ۱۰۵، ۱۵۷	رُمانا، ۱۵۷	روباه رَزَک، ۲۱۴
رطبه، ۲۴۱، ۹۲	رقعا، ۱۳۸	رمانادبرا، ۱۰۴	رویایس، ۱۸۹
رعاولیلا، ۱۵۶	رقع الیمانی، ۱۰۸	رمان الأنهار، ۱۵۸	رویایان، ۴۴، ۱۵۵
رَغَتْ، ۱۵۸، ۱۵۶	رقعاء، ۱۶۹	رمان البر، ۱۵۸	رویبه منور، ۲۳۰
رعنادملا، ۲۲۸	رَقَعُهُ، ۱۵۷	رمان السُعال، ۱۵۸	رویبه (فرنگی)، ۲۳۰
رعیادیلا، ۱۵۶	رقعة الرومیة، ۱۵۷	رمان السعال، ۲۷۵	رودا ایدا، ۱۵۷
رَغِیاذیلا، ۱۵۶	رُقَعَةُ الصخری (اندلس)،	رمان السعالی، ۲۸۸	رودک، ۲۳۰
رَغی الایل، ۱۵۶	۱۵۷	رمان الهند، ۱۸۹	رودیاریزا، ۱۵۹
رعى الابل، ۶۰، ۱۵۶	رقعة الصخریة، ۲۵۷	رمان الهندی، ۱۸۹	رودیون، ۱۴۵



زیت المهرجان، ۱۶۶	زنجی، ۱۶۷	زقوم، ۱۹۸	زَرَوَان زَنْج، ۲۱۵
زیت الهرجان، ۱۶۶	زند (شام)، ۲۱۸	زقوم آخر، ۱۶۳	زره (شیرازی)، ۱۴۹
زیتون، ۱۶۵، ۵۷	زنجباری، ۱۶۴	زلائف الملوک، ۲۴۷	زریات، ۱۳۲
زیتون الأَرْض، ۱۲۸، ۲۷۵	زنجباری، ۱۶۴	زلاییه، ۱۶۳	زَریر، ۱۶۲
زیتون البحر، ۱۶۶	زنقال، ۹۶	زلایف الملوک (مغرب)، ۲۴۷	زریرا، ۸۲، ۱۶۲
زیتون البری، ۱۶۶	زنکیل، ۱۶۴	زَلَم، ۴۹	زریعة السُوداء، ۱۹۲
زیتون الجبلی، ۲۰۶	زنک فلج، ۱۳۲	زلم، ۱۶۳	زریعة أبلیس، ۱۸۷
زیتون الحَبَش، ۱۶۶	زنکورج، ۳۰۱	زماره الراعی، ۲۸۱	زریقاء، ۱۰۵
زیتون الطحال، ۱۶۶	زنگباری (شیرازی)، ۲۴۴	زَم البول، ۱۱۸	زَرین گیاه، ۹۲
زیتون الکَلْبَة، ۱۶۶	زنگبیر، ۱۶۴	زَم شرار، ۷۶	زَرین گیاه، ۱۶۲
زیتون الماء، ۱۶۵	زوار، ۱۰۱	زمردرنگ، ۲۴۵	زُرْغَد (انطالیا)، ۲۴۸
زیتون المعز، ۱۶۶	زوان، ۱۰۵، ۱۴۷، ۱۵۱	زمین قند، ۱۸۹	زُط (سجستان)، ۲۰۱
زیتون بری، ۱۶۶	زوان گندم، ۱۹۴	زمین (گرگان)، ۳۵	زُغُور، ۱۶۲
زیتون صخری، ۱۶۶	زوان (مغرب)، ۱۹۴	زَن، ۱۳۷	زعرور، ۱۶۳، ۱۸۶، ۲۸۲
زیتون کوهی، ۲۰۶	زوباترس (تنکابن)، ۳۵	زَن، ۱۴۷	۲۹۱
زیتون هندی، ۱۹۹	زَوَیری، ۱۲۶	زَنابیر، ۹۶	زعرور الأدویه، ۵۸
زیتونیه، ۱۴۴	زوذوذا، ۱۴۵	زَنبَا، ۱۶۴	زعرور بستانی، ۱۶۳
زیره (مصر)، ۷۰	زوفاء، ۱۹۵، ۲۸۱	زَنبَارَه، ۹۶	زعرور جبلی، ۱۶۲
زیر، ۸۵	زوفارطیبا، ۱۶۵	زنبق، ۱۵۲	زَعفران، ۱۶۳، ۲۵۵
زیر خار (سجزی)، ۲۱۷	زوفایشا، ۱۶۵	زَنبَق، ۱۶۴	زعفران بری، ۱۶۳
زیرکش، ۶۱	زوفای رطب، ۱۶۵	زَنبَق (دمشق)، ۱۶۴، ۱۸۱	زعفران حبشی، ۱۶۳
زیرکی، ۱۱۳	زوفای یابس، ۱۶۵، ۵۲	زنبوج، ۱۶۵، ۲۵۱	زعفران شرکی، ۱۶۳
زیره، ۲۶۲	زوفرا، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۴۸	زَنبُوج، ۹۶	زعفران هندی، ۱۶۳، ۲۵۵
زیره رومی، ۶۷، ۲۵۶	زوفرا، ۱۶۵، ۲۲۳، ۲۴۸، ۲۸۱	زَنبُورَه، ۹۰	زَعْفَرَاء، ۱۶۳
زیره هندو سیاه، ۲۶۲	زوفراء، ۱۴۸	زنبوش، ۴۰	زَعْبَج، ۱۱۲، ۱۶۶، ۲۵۱
زیزفون، ۲۱۹	زوفس، ۱۰۳	زنبوقه، ۱۲۲	زَعْبَج، ۲۰۶
زیزفون (دمشق)، ۱۶۶	زول زده، ۲۵۱	زَنبُوقَه، ۹۶	زَعْبَر، ۲۸۰
زیزوفی، ۲۱۳، ۲۱۴	زوله (خوارزم)، ۲۲۸	زَنجَبیل، ۱۶۴	زَعْبَر، ۲۸۰
زیفس، ۱۸۲	زهر المَلح، ۱۶۵	زنجبیل، ۱۷۱	زغیر (سغد، سمرقند)، ۲۵۱
زَيْلَعی، ۲۳۹	زهر زمین (جرجان)، ۳۵	زنجبیل الاقرنجی، ۱۶۴	زغیره (سغد، سمرقند)، ۲۵۱
زیتان (شیرازی)، ۲۸۹	زهرور، ۲۸۹	زنجبیل العجم، ۱۶۴، ۵۰	زفروف (فاس)، ۲۱۳
زینة الریاحین، ۷۹	زَهْرَة، ۱۶۵	زنجبیل الفارس، ۵۰	زفیزف (اندلس)، ۲۱۳
زینیان، ۲۸۹	زهرة الحجر، ۱۶۵	زنجبیل بلدی، ۱۵۳	زفیزف ونبق، ۲۱۴
ژالک (سجزی)، ۵۲	زهم، ۱۶۱	زنجبیل شامی، ۱۵۳	زُقال، ۱۶۳
	زیا، ۱۹۴	زنجبیل (اسکندریه)، ۲۲۳	زُقَشْتَه، ۱۶۳
	زیتارعا، ۲۷۵	زَنجُرو (سجزی)، ۶۶	زُقوم، ۱۶۳
	زیت السودان، ۱۶۶		



## حرف «س»

سَخار، ۱۶۷	سَبْعُ الْكُتَّان، ۱۶۷	سافاریعون، ۱۳۰	سابا حورارا، ۷۱
سُخُر، ۱۶۷	سبعة اصول، ۲۷۹	ساق الاسود، ۷۶	سابقه، ۷۵
سَخَس، ۴۳	سبنيرة (اندلس - لاتین)، ۱۸۵	ساق الوصیف، ۷۶	سایبج، ۲۷۰
سَخوزیون، ۱۷۳	سببذخار (سجزی)، ۲۱۷	ساق ترشک، ۸۳	سایبک، ۲۷۰، ۳۰۰
سُخُونُس لَیَا، ۱۷۵	سپارک (فرنگی)، ۲۹۷	ساکته، ۲۸۰	سایشک (سندی)، ۲۷۰
سَخی رَعَلَا، ۷۹	سپاری، ۲۳۰	ساکرکھوله (سانس کرت)، ۵۹	ساتر، ۱۹۵
سَخیس، ۴۳	سپر، ۱۵۹	سالتین اغریون، ۲۵۰	ساتری، ۱۶۷
سَخینس، ۲۸۲	سَنَسْتان، ۱۶۷	سالس اغریون، ۲۵۰	ساج، ۱۶۶
سَخِیْنُوس، ۴۳	سپست تر، ۱۵۵	سالم (عبری)، ۱۴۷	ساجی، ۲۴۴
سَخینوس، ۲۸۲	سپندان، ۱۳۱	سالمة، ۴۸	ساداقران، ۱۶۶
سَخینوس، ۴۳	سپندانک، ۱۱۵	ساله، ۱۳۰	ساداوران قطار، ۱۶۷
سَخینوس الأجامی، ۵۰	سپند، ۱۱۶	سالی، ۱۶۷	ساذج، ۱۶۶، ۲۸۸
سَخینوس الیا، ۱۴۸	سپنی، ۱۶۱	سالین، ۲۵۴	ساذج هندی، ۱۶۷
سَداب، ۱۲۴، ۱۵۰	سپید اسفند، ۱۳۱	سالتینوس قیفاون، ۲۵۴	ساذرون، ۱۶۷
سَداب، ۱۶۷	سپید گیاه، ۹۷	سالتینو ایمارش، ۲۵۴	ساراقیاس، ۱۳۶
سَداب البر، ۱۱۶	ستاره ائیکا، ۴۸	سالتینو ریفان، ۲۵۴	سارس، ۲۹۸
سَداب بری، ۱۱۶، ۱۶۸	ستالی، ۱۸۸	سالتینو قیفون، ۲۵۳	سارق الخاتم، ۲۹۲
سَداب بستانی، ۱۱۶، ۱۶۸	ستاور، ۱۸۸	سالیون، ۲۵۳	ساریفون، ۱۹۳، ۵۶
سدایان (مصر)، ۱۷۴	شَخادِس، ۴۷	سامان، ۱۴۸، ۱۶۷	ساریفون، ۱۹۳
سَدَر، ۱۱۸، ۲۱۴، ۲۷۲	ستوخس، ۴۷	سامر (شام)، ۲۸۴	ساز ساهوره، ۲۱۳
۲۸۹	سج، ۱۸۷	سامری، ۱۵۴	سامالی، ۱۸۱
سِدر، ۱۶۸	سجا، ۱۶۷	سامون، ۸۶	ساسالیوس، ۱۶۷
سدر بری، ۶۲	سجستان، ۱۶۷	ساناحور، ۷۱	ساسالیوس، ۱۸۲
سِدرْوان، ۱۶۸	سجس افراغیه (اندلس)، ۲۴۳	سانوج (فاس)، ۱۹۲	ساسالیون، ۱۸۲
سِدرَة، ۱۶۸	سجالات، ۲۹۹	سانول، ۱۶۷	ساسلیوس، ۲۵۳، ۶۵
شُدوس، ۲۱۱	سجَلَط، ۲۹۹	سایر، ۲۱۳	ساسلیوس، ۱۶۷
سدوس، ۲۹۲	سجومیس، ۴۳	سایس، ۲۱۸	ساسلیون، ۱۸۱
سَداب، ۹۷، ۱۶۷	سجی، ۲۴۴	سبیت، ۵۷	ساسم، ۳۳
سَداب، ۱۶۷	سجیوس، ۴۳	سبیت، ۲۳۷	ساستوا (فاس)، ۱۰۶
سَداب البر، ۱۵۰	سحار، ۹۶	سبری تهلک (سجزی)، ۱۱۶	ساضلی، ۱۹۴
سَداب بری، ۴۸، ۹۷	سحارة، ۱۸۹	سبزیار، ۱۰۷	ساطریوس، ۱۰۱
سرایبون، ۴۶	سَحبر، ۱۵۱	شَبزه (شیراز)، ۲۴۵	ساطریون، ۱۳۵، ۱۶۷
سراج البری، ۱۶۸	سحر، ۲۶۰	سبسرین، ۱۱۵	ساطریه، ۱۳۵
سراج الظلام، ۲۶۳	سحسونه، ۱۶۷	سبط، ۲۵۶، ۲۷۳	ساطوریون، ۱۳۵
سراج القطرب، ۱۳۲، ۱۴۰	سحیلِس، ۴۳	سَبْعُ الْأَرْض، ۷۵	ساطورین، ۱۳۵
۲۶۳، ۲۷۲	سحیمه (اندلس)، ۲۶۷	سبع الشَّعراء، ۱۶۷	ساغافیون، ۱۷۳

سراج متوج، ۱۶۸	سرم، ۲۲۶	سَطارِیون، ۱۷۱	سعدی المَضَفَرَة، ۱۷۱
سراجیه، ۶۰	سرما، ۱۷۰	سطاریون، ۲۶۹	سَعَسَع (عبری)، ۱۴۷
سراش، ۱۳۸	سَرَمَج، ۲۴۱	سطاغونس، ۲۶۶	سَعْفور الصَفالیه، ۱۶۳
سرالیه، ۲۹۸	سرمج اطرافاکسیس، ۱۷۰	سطافانن، ۱۵۹	سَعْلَه، ۷۳
سراویل الطلول (اندلس)، ۶۰	سرمس، ۱۷۰	سطالیون، ۲۸۰	سَعْلَه، ۱۷۲
سراویل الکُکَّه (اندلس)، ۲۶۷	سَرَمَق، ۱۷۰، ۲۴۱	سطانیق، ۱۲۶	سَعْد، ۸۶
سربن طین (فرنگی)، ۲۷۳	سرمق، ۲۴۱، ۲۷۹	سطانیون، ۲۱۹	سَعُوط، ۱۷۲
سربیل (شیراز)، ۲۳۳	سرمک، ۲۴۱	سطراطیوس، ۱۷۱، ۲۶۹	سَعُوط الدُّوَاب، ۲۶۳
سَرَبَهونکَه، ۱۷۱	سَرَمَه، ۱۷۰	سطراطیوس ماریوس، ۱۱۰	سَعِیَع (نبطی)، ۱۴۷
سَرَج، ۱۶۹	سَرَنَجی، ۱۷۰	سطراطیوطس، ۱۷۱، ۲۸۰	سَغابینون، ۱۷۳
سرخ پای، ۱۲۲	سرو، ۱۴۹، ۱۹۷، ۳۰۱	سَطراطیوطس، ۱۷۱	سَغَبین، ۱۷۳
سرخس، ۱۵۷	سرو، ۱۷۰	سطراک، ۱۶۱	سَفادیکس، ۱۷۲
سرخس، ۱۶۹	سرو، ۲۶۹	سطرخنوس، ۲۴۹	سَفارغانیون، ۲۰۷
سرخس البلوط، ۱۴۴	سروالی، ۷۶	سطرکا، ۵۳، ۱۷۱	سَفاری، ۸۱
سرخس نر، ۱۶۹	سروبیاجبلا، ۲۰۸	سَطروبیلو، ۱۹۷	سَفانی، ۱۵۶
سرخسی، ۶۵	سرو ترکستانی، ۱۵۵، ۱۶۱	سَطروثیون، ۱۷۱، ۲۰۷	سَفنا، ۸۰
سرخ فرد (شیرازی)، ۲۱۰	سَرُ (سجزی)، ۲۶۹	سَطروثیون، ۲۶۳	سَفَتک، ۲۹۲
سرخ مرد، ۱۴۳	سروق (سند)، ۶۷	سطروخنس، ۲۴۹	سَفجَه، ۱۹۸
سرزردک (شیراز)، ۲۴۷	سرو کوهی، ۳۹، ۲۰۸	سطروخنس فنجوش، ۲۴۹	سَفْذولِیون، ۲۵۹
سَرَزک، ۱۶۲	سرونمارون، ۲۰۸	سَطروخْتَن البستانی، ۲۱۵	سَفَزَجَل، ۱۷۲
سِرِس، ۱۶۹	سروی، ۳۰۰	سطروخینس، ۲۴۹	سَفرجل، ۱۸۶
سَرَساد، ۴۱	سَرَفَنجی، ۱۷۰	سطرومیون، ۱۷۱	سَفرجل الهند، ۱۸۹
سر سرالیدیک (شام)، ۱۴۶	سَرَة الأرض، ۱۶۹	سَطرونیون، ۱۷۱	سَفرجل هندی، ۱۸۹
سر س (سند)، ۱۳۷	سریس (سند)، ۱۳۷	سط (مصر)، ۵۷	سَفرجل هندی، ۱۸۹
سر سون، ۱۱۵	سریش، ۵۱، ۱۳۸	سطوبی، ۴۶، ۱۷۱	سَفرطس، ۱۳۴
سر شاد، ۱۷۰	سریقون ارمنی، ۱۹۳	سطوسا، ۱۸۴	سَفَزغانیون، ۱۸۱
سر شو (شیرازی)، ۲۶۶	سرینه، ۲۰۹	سطیوس، ۱۰۴	سَفرکلا، ۱۷۲
سر (شیرازی)، ۲۴۵	سزَه (شیرازی)، ۲۳۶	سعادی (ترکیه)، ۱۷۱	سَفری، ۱۵۸
سر غنت، ۱۷۰	سسالیوس ابونیقون، ۱۵۵	سعالی، ۱۷۱	سَفری (بنگال)، ۱۰۰
سَرَفْغَلین، ۶۶	سسالیون، ۶۵	سَعیر، ۱۶۹	سَفلاریقون، ۲۴۳
سرقسانه، ۱۷۰	سسالیون، ۲۴۸	سَعتر، ۱۶۵	سَفلولَا، ۱۶۰
سرقسطه بلطاله مرکلینه، ۲۶۶	سسترنه (اندلس)، ۱۸۷	سَعتر، ۱۸۷، ۱۹۵	سَفلیون، ۴۹
سرقوقینا (شام)، ۱۹۳	سُشُرُم، ۱۸۲	سَعتر الحمیر، ۱۱۰	سَفناریه (فاس)، ۱۰۳
سرکنده، ۲۴۰	سسطیعون، ۱۶۵	سَعْد، ۱۷۱	سَفند اسفندو، ۲۷۴
سرکوه، ۱۸۱	سَطّاح، ۲۵۲	سعدان، ۱۷۲	سَفند اُسفید، ۲۷۴
	سَطّاخیس، ۱۷۱، ۲۳۱	سعد (تنکابن)، ۴۹	سَفندولِیون، ۱۷۲، ۲۰۴
	۲۳۲، ۲۸۰، ۲۹۵	سَعْدی، ۱۴۸	سَفودالس، ۱۹۵
	سَطّاخِیْس، ۱۷۱	سعدی، ۱۷۱	سَفوذلوس، ۱۳۸

سفوس (لاتینی)، ۱۲۹	سقیلا، ۴۹	سلطان الجبل، ۲۴۹	سَمَار، ۱۷۵
سفیدار، ۱۴۴	سُقِلَا، ۴۹	سلطان الجبل (اندلس)، ۱۹۵	سماروغ، ۲۲۶، ۲۶۰
سَفیدلیون، ۱۷۲	سُکَات، ۱۷۳	سلطان الریاحین، ۱۸۳	سَمَاق، ۱۷۵
سفید مرز، ۸۴	سک انگور (زابل)، ۲۱۴	سَلَع، ۱۷۴	سَمَاق، ۲۰۶
سَقازطاغانیون، ۱۸۱	سَکِینَج، ۱۷۳	سَلَع، ۱۷۴	سَمَاق الدباغین، ۱۷۵
سِقَام الجن، ۲۵۷	سکینه، ۱۷۳	سلغرها (سند)، ۸۲	سَمَاق بری، ۲۸۰
سقاون، ۴۱	سکر، ۱۷۳	سَلغَوَا، ۱۳۲	سَمَاقیل، ۱۷۵
سقرا بیداس، ۲۰۴	سُکُر، ۱۷۳	سَلقیون، ۶۵	سَمَاقیل، ۱۷۵
سقرا بیویداس، ۱۵۱	سُکُر العُشر، ۱۷۳	سَلقیون، ۶۵	سم البهائم، ۱۴۵
سقراطیون، ۲۴۳	سَکَزَجَه، ۱۷۳	سَلق، ۸۲، ۱۷۳	سَم الحمار، ۱۴۵
سقراغانیون، ۱۴۶	سکفس (ترمذی)، ۲۱۱	سَلق، ۱۳۳	سم الحمار، ۱۴۵
سقریون، ۲۰۲، ۲۰۴	سکفینه، ۱۷۳	سَلق، ۱۷۴	سم السمک، ۲۷۷
سقردونواس، ۸۰	سککن، ۳۰۰	سَلق، ۱۹۷	سم الفأر، ۶۸
سقردین، ۹۸	سکنبویه، ۱۷۳	سَلقا، ۱۷۴	سمالو، ۲۶۰
سُقردین، ۲۸۳	سکوک (بخاری)، ۲۱۱	سَلق البری، ۱۲۲	سمام، ۲۲۱
سقردیون براسن، ۸۰	سکوم (فاس)، ۲۹۷	سَلق الماء، ۹۹	سمانی (اندلس)، ۲۹۲
سقر، ۸۱	سَکُوَه، ۱۷۳	سَلق الماء، ۱۱۰	سماهنگ، ۲۳۳
سَقَلِیاس، ۲۴۵	سکوهنج، ۱۱۸	سَلق بری، ۱۲۳، ۱۷۴	سَمُر، ۶۲، ۱۷۶
سقلیاس، ۲۴۵	سک هنو، ۱۷۳	سَلق بستانی، ۱۷۴	سمر (اهل بادیه)، ۶۲
سَقْمُونیا، ۱۷۲	سکی رغلا، ۷۹	سَلق جبلی، ۱۲۲	سَمُراء، ۱۷۵
سقمونیا محموده، ۱۷۲	سگ انگور، ۲۱۴	سَلقیون، ۶۵	سمرقندیا (زابل)، ۲۷۶
سقندوقس، ۵۸	سگستان، ۱۶۷	سَلَم، ۱۷۴	سمرنا، ۲۷۷
سقوبردی، ۲۷۷	سلارس، ۲۸۶	سلم سرخ (یزدی)، ۲۱۰	سمرنا بیوطیق، ۲۷۸
سقوس، ۱۲۶	سلاطم (لاتین)، ۲۱۴	سلمه، ۱۷۴، ۲۴۱	سمرنیون، ۱۷۶، ۲۵۴
سَقُولفندریون، ۱۵۷	سَلَب، ۱۷۴	سلهارس، ۲۸۶	سَمُر نیون، ۲۵۴
سقوقریون، ۴۹	سلین، ۱۱۴	سَلهَس، ۲۸۶	سمریا، ۲۵۴
سقولوفندرو، ۱۱۹	سَلَت، ۲۰۱	سَلهَه، ۲۸۶	سمرنیون، ۲۵۴
سقولوفندریا، ۴۹	سلجم، ۹۰، ۱۸۹	سَلِیخ اسود، ۱۷۹	سم (سجری)، ۱۳۲
سَقُولُفندریون، ۴۸	سَلْدانیون (نیطی)، ۱۷۴	سَلِیخه، ۱۷۴	سمسخون، ۱۱۳، ۲۷۹
سقولوفندریون، ۱۱۹، ۴۹	سلدهری (لاتین)، ۲۵۳	سَلِیخه، ۱۷۹، ۲۳۹	سمسر، ۳۴
سقولوفندریون، ۲۷۱	سلری (فرنگی)، ۲۵۳	سَلِیخه، ۱۴۱	سمسق، ۳۴
سَقُولُفندریون، ۴۹	سلس (فارس)، ۲۱۹	سَلِیس، ۲۱۸	سَمَسَق، ۲۷۹
سَقُولُومس، ۱۱۴	سلطاری، ۱۲۶	سَلِیسک (فارس)، ۲۱۹	سمسقون، ۱۱۳
سقولوموا، ۱۱۴	سلطان، ۱۵۸	سَلِیط، ۱۷۶	سمسم، ۱۰۱
سقونیوس، ۲۰۱	سلطان الاشجار، ۱۶۹	سَلینون، ۲۳۵	سَمِسم، ۱۷۶
سقونیون، ۱۹۱	سلطان البقول، ۱۸۳	سمار، ۴۹، ۷۸، ۱۴۸	سمسم بری، ۱۷۶
سَقی رَغلا، ۷۹	سلطان الجبل، ۷۵	سَمَار، ۱۴۸	سمشیر، ۳۴
			سمعر، ۵۹

سَمْفُوطُ آخَر، ۱۷۶	سنبِل الطیب، ۱۷۷	سَنْقُوتَه، ۱۳۹	سوراج، ۲۴۹
سَمْفُوطُن، ۲۶۹	سنبِل العَصافیر، ۱۷۷، ۱۷۸	سَنکاهولی، ۲۶۸	سور اهند، ۲۵۷
سَمْفُوطُن آخَر، ۱۷۶	سنبِل الکلاب، ۵۰	سَنکپره، ۸۸	سوربارو، ۲۸۸
سَمْفُوطُن بطرا، ۲۷۴	سنبِل الکلب، ۱۷۸	سَنکِ سَبویه، ۱۷۹	سورج الملک، ۵۹
سَمْفُوطُن یَطْزَاوُن، ۱۷۶	سنبِل الملوک، ۲۸۱	سَنکسبویه، ۱۷۹	سورج مکهی، ۳۴
سَمَقْشَمَحُون، ۳۴	سنبِل اقلیطی، ۲۸۸	سَنکهارا، ۱۷۹	سوردن (تبریز)، ۱۲۹
سَمْقُوطُن، ۱۷۶	سنبِل بری، ۴۶، ۲۲۹، ۲۸۵	سَنکهاوت، ۱۴۴	سورمور، ۵۵
سَمَلایا (نبطی)، ۸۱	۲۸۸	سَنکهاورت، ۱۴۴	سورنجان، ۵۶، ۸۰، ۲۱۲
سمورنیون، ۱۷۶	سنبِل جبلی، ۱۷۷، ۲۸۸	سَنکپها، ۱۷۹	۲۷۰
سمون، ۲۲۲، ۸۶	سنبِل رومی، ۴۶، ۱۷۷	سَنگ بادکوکافیلون، ۴۱	سورنجان، ۱۷۹
سمونیون، ۱۷۶	۱۷۸، ۲۶۹، ۲۸۷	سَنگ حنا (دیلیم)، ۱۱۷	سورنجان، ۱۸۰
سَمْهَر، ۱۲۶	سنبِل سفید، ۲۳۸	سَنگ سَبویه، ۲۴۳	سورنجان الدقیق (اندلس)، ۲۱۲
سمید العنزروت (فاس)، ۶۶	سنبِل (عوام)، ۷۶	سَنلتجی (لاتینی)، ۲۹۴	
سَمَیْراء، ۱۳۰	سنبِل فارسی، ۱۷۸	سِن نوذَه، ۱۵۵	سورنجان قتال، ۱۰۸
سَمَیْره (اندلس)، ۴۷	سنبِل هندی، ۱۴۱، ۱۷۷	سِنو، ۱۹۲	سورنجان هندی، ۱۲۱
سمیقلس، ۱۷۶	۱۷۸، ۲۸۸	سِنوت، ۲۶۲	سورنگان، ۱۷۹
سَمیلَقْس، ۱۹۰	سَنبِهاو، ۴۱	سِنوت الجبلی، ۲۴۸	سوری، ۱۷۷
سَمیلَقْس، ۲۰۰	سَنْت ذِیْبی، ۵۰	سِواء، ۱۸۴	سوریا، ۴۳
سَمیلَقْس، ۲۷۱	سَنجاب (هری)، ۸۳	سِواء الاکراد، ۲۵۷	سوس، ۱۶۰، ۱۸۰
سَمیلَقْس، ۲۷۱	سَنجار، ۳۸، ۱۴۶، ۲۹۶	سِواء الحکام، ۱۶۶	سوسان فوسوخیوس، ۴۸
سنا، ۱۷۶	سَنجد، ۲۱۹	سِواء السند، ۲۵۷	سوسانی، ۱۸۰
سنا البلدی (اندلس)، ۲۱۸	سَنج سَبویه، ۱۷۹	سِواء العُصاره، ۱۶۷	سوسرخون، ۶۵
سنا اُندلسی، ۲۱۸	سَنجسَفویه، ۱۷۷	سِواء القضا، ۱۷۹	سوسن، ۱۱۲، ۱۶۰، ۱۸۰
سناتیا، ۲۴۸	سَندرُوس، ۱۷۸	سِواء القضا، ۱۶۶	سوسن، ۱۸۰
سَنار، ۲۲۴	سَندرِیطس، ۱۱۴	سِواء القطا، ۱۶۸	سُوسَن، ۱۸۰
سَنامکی، ۱۷۶، ۲۰۹	سَندرِیطس، ۱۷۸	سِواء الهند، ۱۷۹، ۲۵۷	سوسن آزاد، ۱۶۴، ۱۸۰
سنانی، ۱۵۶	سَندرِیطس اخر، ۲۵۷	سِوارون، ۱۲۹	سوسن آسمانجونی، ۷۰
سنایزه (مصر)، ۶۲	سَندریون، ۹۳	سِواک العَباس، ۱۵۶، ۲۵۴	۱۸۰
سَنای عَرِیض الورق	سَندل، ۱۹۶	سِواک القُروِد، ۵۲	سوسن آسمانگون، ۷۰
(حجاز)، ۲۰۹	سَندوقس، ۵۸	سِواک القُروِد، ۱۹۲	سوسن ادرا، ۱۸۰
سَنبراس، ۱۷۷	سَنده، ۱۶۴	سِواک المَسیح، ۲۹۲	سوسن اصفَر، ۷۵، ۱۶۵
سَنبریون، ۱۱۶	سَندهان، ۱۷۹	سِواک عباس، ۲۹۲	سوسن الاحمر، ۱۴۶
سَنبل، ۱۴۱، ۲۵۸	سَندهی، ۱۶۴	سِواک عباسی، ۲۹۲	سوسن الارجوانی، ۱۸۰
سَنبل، ۱۷۷	سَندیان، ۱۷۹	سِوالی، ۱۸۸	سوسن الاسمانجونی، ۷۵
سَنبل اقلیطی، ۱۷۸	سَندیان الارض، ۱۷۹	سِوب، ۱۵۲	۱۸۱
سَنبل الاقلیطی، ۲۸۷	سَنط، ۷۷، ۱۳۲، ۲۳۷	سِوتن (سندی)، ۵۹	سُوسَن الاسمانجونی، ۱۸۱
سَنبل الرومی، ۱۷۸، ۲۸۸	سَنقاله، ۱۴۸	سِوداء الورق، ۱۹۱	سُوسَن الأَبیض، ۱۸۱
		سِوده (شیراز)، ۲۴۵	سوسن الأَزاد، ۱۸۰

سوسن البری، ۱۴۶	سَهَنجَه، ۱۸۱	سیسنبر، ۱۱۳	سین، ۱۸۲
سوسن الفیروزجی، ۷۰	سه سنبل، ۱۸۲	سِیْسَنْبَر، ۱۸۲	سیناپهل، ۱۸۷
سَوَسَن أَضْفَر، ۱۶۴	سهک داوران (شیرازی)، ۱۶۷	سیسنبر (سند)، ۱۸۲	سینبل، ۱۸۲
سوسن أَضْفَر، ۱۸۱	سه کوهنج، ۱۱۸	سیسنبرون، ۱۱۶، ۲۵۴	سینی، ۱۳۰
سوسن بحری، ۸۰	سهیلی، ۹۶	سیسنبرون، ۱۸۲	سیندنی (بنگال)، ۱۴۴
سوسنبر، ۱۸۲	سیاک لاتی، ۱۴۰	سیسنبرینی اقوانته، ۱۱۶	سینون، ۲۲۰
سوسن بری، ۱۴۴، ۱۴۶	سیاه برگ، ۱۹۱	سیسنبریون، ۱۸۲	سیوس، ۱۶۵
۱۸۱، ۲۰۷، ۲۵۷	سیاه داران، ۱۶۶	سِیْسَنْبَرُیُون، ۲۳۵	سیوف، ۷۵
سوسن بستانی، ۸۰	سیاه دانو، ۱۹۴	سی سنبل، ۱۸۲	سیو (فرنگی)، ۱۸۲
سوسن خطاهی، ۱۸۰	سیاه دانه، ۱۹۲	سیسنه، ۱۱۳	سیون، ۲۳۵
سوسن رملی، ۸۰	سیب، ۹۴، ۱۶۳	سیسون، ۷۹	سیونک (سجزی)، ۲۱۰
سوسن زرد، ۷۰	سیبزو (سندی)، ۲۷۰	سِیْسَنْبَر، ۱۸۲	سیهک، ۴۳
سوسن سرخ صحرائی، ۱۴۶	سیبزه، ۲۷۰	سیصامویداس، ۱۳۰	سیهنده، ۱۶۳
سوسن سفید، ۱۵۲، ۱۸۰	سیج، ۱۶۳	سیطرمون، ۳۴	<b>حرف «ش»</b>
سوسن کیود، ۱۸۰	سیخ، ۵۲	سیطوس، ۱۹۱	
سوسنن، ۱۸۰	سیدریطس آخر، ۱۷۹	سیف الغراب، ۷۰، ۱۴۶	
سوفاس، ۹۶	سیدریطس، ۲۵۷	۱۸۱	شامی، ۱۶۱
سوفال، ۱۸۱	سیر، ۹۸	سَیْف الغراب، ۲۵۷	شابالج، ۷۷
سوفامینوس، ۹۵، ۱۰۵	سیر آمُلج، ۶۲	سیف القُراب، ۱۴۶، ۱۸۱	شابانج، ۷۷
سوفطیون، ۱۶۷	سیردشتی، ۹۸	سیفروس، ۲۶۳	شابانک، ۷۷، ۲۳۲
سوفی، ۹۳، ۱۵۷	سیر صحرائی، ۴۸	سِیْقا، ۹۶	شابهی، ۱۸۵
سوقاسنيس، ۱۰۵	سیر مو، ۴۸	سیقاموری، ۱۰۵	شابیژک، ۲۷۰
سوقطیون، ۱۳۵	سیسارون، ۲۵۲، ۲۵۴	سیقیرقرا، ۱۲۶	شات ردجه، ۲۷۹
سوکی فینون، ۲۳۳	سیساریون، ۱۸۱	سیقُس ایماروس، ۲۳۳	شاذاسبرم، ۱۹۸
سولان، ۱۸۱	سیسالوش، ۶۵	سیقوس اغریوس، ۱۲۶	شازف، ۱۸۳
سولجان، ۵۳	سیسالیوس، ۱۶۷	سیقوس پیقرا، ۱۲۶	شاض، ۱۸۳
سومر، ۱۴۸	سیسالیون، ۱۸۱	سیقوموروس، ۱۵۷	شاطرج، ۱۹۳
سوناخیوس، ۴۸	سیسالیون، ۲۴۸	سیقوموری، ۱۰۵	شاطوریون، ۱۳۵
سوتهه، ۱۶۴	سِیْسَامُن، ۱۷۶	سیکران، ۸۸	شَاغَة البستانی (اندلس)، ۱۷۶
سَوْنْدَهی، ۴۳	سیسامون، ۱۷۶	سیکران الحوت، ۹۰، ۲۷۷	شَاغَة الصخریة، ۲۷۴
سُونْدَهی، ۴۳	سیسامویداس الکبیر، ۱۰۱	سیکران (اندلس)، ۸۸	شَاغَة صخریة (اندلس)، ۱۷۶
سُونَف، ۱۵۲	سِیْسَبان، ۱۸۲	سی کوه، ۱۸۱	<b>شاکهباته (لاتینی)، ۱۷۳</b>
سونک (سجزی)، ۲۳۶	سیس بان (مازندران)، ۳۵	سیلا (بنگال)، ۲۹۲	
سوهنجته، ۲۲۷	سیسبر، ۱۸۲	سیلن، ۲۵۴	
سوی، ۱۵۲، ۱۸۴	سیسبرونه، ۱۲۲	سیلنا، ۲۵۳	
سَویداء، ۱۹۲	سیس بوان (فارس)، ۲۱۹	سیلونس، ۱۱۴	
سویلا، ۷۶	سیسدار (نبطی)، ۱۴۴	سیلهین، ۲۷۱	

شالویه، ۱۹۴، ۲۸۳	شاهسپرم سرخ، ۱۸۴	شبویانا، ۱۹۲	شجر الخابور، ۱۳۸
شالویه (اندلس)، ۶۰	شاهسفرم، ۱۵۹	شبوک، ۸۵	شجر الخیثه، ۱۴۵
شال حنی (مازندران و	شاهسفرم، ۱۸۳	شبوکه، ۱۱۰	شجر الخرنوب، ۳۰۱
تنکابن)، ۲۵۱	شاهسفرم، ۱۸۳	شبوکه (لاتینی)، ۱۳۸	شجر الخَلنج (مغرب)، ۴۶
شالم، ۱۹۴	شاهسفرم شیرازی، ۱۹۸	شبوکه، ۱۳۸	شجر الخَلنج (مغرب)، ۱۳۷
شامامک، ۱۸۳	شاهسفرم، ۱۱۳، ۲۸۰	شبهان، ۱۸۵	شجر الدردار، ۱۴۴
شامبه، ۴۸	شاهسفرم، ۱۵۹	شبی، ۱۹۱	شجر الدردار، ۲۹۰
شانسیه، ۲۶۶	شاه صینی، ۱۸۴	شیطه، ۲۶۹	شجر الدلب، ۱۴۵
شاه آلو، ۴۱	شاهلوج، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷	شیطه (لاتینی)، ۱۷۶	شجر الرند، ۱۴۹
شاه اسپرم، ۱۵۹	شاهلوج، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷	شیطه (لاتینی - اندلس)،	شجر الشیزی، ۳۳
شاه افسر، ۵۹	شاهنجیر، ۱۸۴	۱۷۶	شجر الصفصاف، ۱۲۷،
شاه امرو، ۲۶۱	شاه نرجس، ۲۹۰	شبی، ۱۸۵	۲۹۰
شاه امرو (خراسان)، ۲۶۱	شاهور (مصر)، ۱۰۱	شبی، الذهب، ۲۷۲	شجر الصفصاف، ۱۳۶
شاه املج، ۶۲	شایانج، ۱۸۳	شبی، الکواکب، ۵۴	شجر الصنوبر الکبار، ۱۹۷
شاه انجیر، ۹۶	شایکه، ۶۶	شبی، ۱۸۵	شجر الضیع، ۵۵
شاهبانج، ۱۸۳	شباب، ۲۷۶	شبی، بالکرات، ۶۳	شجر العیلق (اندلس)، ۵۱
شاهبانک، ۱۸۳	شب ارماس، ۱۱۹	شناور، ۵۶	شجر العناب، ۸۴
شاهبلوط، ۸۶	شب انبوی، ۱۳۳	شتین، ۱۴۷	شجر الغار، ۱۴۹، ۱۵۹
شاهبلوط، ۸۷	شب بو، ۱۳۳، ۱۴۰	شث، ۱۸۵	شجر الغنیراء، ۲۱۹
شاه بن، ۸۱	شیت، ۱۸۴	شجر، ۲۴۷	شجر الغرب، ۲۲۰
شاه بید، ۱۳۶	شب خیزک، ۱۱۵	شجر ابراهیم (ع)، ۲۲۰	شجر الفندک، ۲۹۰
شاه بید (شام)، ۱۳۷	شبدار، ۲۳۶	شجر الارز، ۳۰۱	شجر القوفل، ۱۰۹
شاه بید، ۱۳۶	شبدر، ۵۷، ۲۳۶	شجر الاهد، ۱۶۱	شجر القدس، ۲۳۳
شاه پسه، ۵۹	شبدر (اصفهان)، ۱۲۵	شجر الأثل، ۴۰	شجر القطران، ۲۳۴
شاهتج، ۸۳، ۱۰۳، ۱۰۶،	شبر، ۹۶	شجر الأثل، ۵۷	شجر القَطَلَب، ۲۳۱
۱۵۰، ۱۵۲، ۱۸۳، ۲۵۷	شبرق، ۱۳۷	شجر الأجاص، ۲۱۷	شجر القَطَلَب، ۲۴۲
شاهتج، ۱۸۳	شبرق، ۱۸۴	شجر الأصطرق، ۲۰۶	شجر القنا، ۲۴۵
شاهتیره، ۱۸۳	شبرق، ۲۷۸	شجر البان، ۱۱۱	شجر القنا، ۲۵۹
شاه تره (شیراز)، ۱۸۳	شبرق (حجاز)، ۱۹۸	شجر البراغیث، ۱۹۹	شجر الکافور، ۱۶۰
شاه تره (مازندران)، ۱۰۲	شبرم، ۱۸۴	شجر البق، ۱۴۴	شجر الکافور (موصل)، ۵۷
شاه چینی، ۱۸۴	شبرم، ۳۰۰	شجر البق، ۲۹۰	شجر الکلب، ۲۱۲
شاهدانج، ۱۵۸، ۱۸۵	شبریل، ۲۸۰	شجر التیس، ۱۸۶	شجر اللادن، ۲۶۵
شاهدانق، ۱۱۱، ۲۴۵	شبطاط، ۱۸۵	شجر الجن، ۱۴۹	شجر اللبئی (شام)، ۲۰۶
شاهدانه بری، ۱۱۱	شبطاط، ۲۱۰	شجر الجوز الرومی، ۲۶۴	شجر المَحَلَب، ۲۰۶
شاه زیره، ۲۵۶	شبطه وقرولن، ۷۸	شجر الحب (آفریقا)، ۵۹	شجر المران، ۲۷۸
شاه زیه، ۲۵۶	شبعالعين، ۲۶۹	شجر الحفض، ۲۷۱	شجر المیس، ۲۷۲
شاهسپرم، ۵۹	شیکنه (فرنگی)، ۱۹۱	شجر الحور الرومی، ۱۲۷	شجر المیس، ۲۹۰
شاهسپرم، ۱۸۳	شبناله، ۱۲۳	شجر الحیه، ۱۰۶	شجر النبق المصری، ۲۷۲

شجره اوسیتا، ۱۹۳	شجره الدب، ۵۸، ۱۶۲	شجره المریم، ۷۴	شَحْمَه (اندلس)، ۲۶۷
شجره تهام، ۱۷۴	شجره الدب، ۱۶۲، ۱۸۶	شجره المصطکی، ۲۸۲	شَحْ، ۲۹۰
شجر حب الأسیر، ۱۰۸	شجره الذبق، ۱۴۲	شجره المطهره، ۴۱	شخار، ۲۴۴
شجر دردار، ۱۷۸	شجره الدردار، ۱۸۵، ۲۶۹	شجره النبی، ۸۵، ۲۰۶	شَخْفراغه (لاتینی)، ۲۴۳
شجر رستم (مغرب)، ۱۶۰	شجره الدم، ۳۸، ۶۶	شجره الیمام، ۹۵	شُدَه، ۹۲
شجره ابراهیم، ۱۸۳	شجره الدم (شام)، ۱۸۳	شجره ابراهیم، ۱۸۳	شدوار (سند)، ۸۹
شجره الأرز، ۴۴	شجره الراهب، ۱۸۵	شجره أم کلب، ۶۲	شدونی، ۱۲۶
شجره قلی، ۱۸۷	شجره الرمح، ۲۷۸	شجره بارده، ۱۸۵	شرافط، ۱۷۸
شجره مریم، ۲۰۶	شجره الزغرور، ۱۶۲	شجره دردار، ۱۴۴	شراره، ۶۳
شجره ابراهیم، ۴۱، ۱۸۵	شجره الشین، ۱۸۶	شجره دم الاخوین، ۱۴۶	شرالیه آشش، ۳۰۱
۲۳۶	شجره الصبر، ۶۱	شجره ذوالقرنین الملک	شرالیه (لاتینی - اندلس)،
شجره ابی مالک، ۱۸۵	شجره الصبر، ۱۹۵	اسکندر، ۱۶۸	۲۹۸
۲۴۴، ۲۰۵	شجره الصنم، ۱۶۸	شجره رستم، ۱۸۶	شرالیه الحمار (اندلس)،
شجره اكله، ۳۹	شجره الضفادع، ۱۸۶، ۲۵۴	شجره سلیمان، ۱۳۲	۲۹۸
شجره الأجاص، ۴۱	شجره الطحال، ۱۹۵	شجره سلیمان بن داود،	شرائش (لاتینی)، ۲۱۸
شجره الأمیر یاریس، ۱۲۰	شجره الطرفاء، ۲۰۲	۱۶۸	شریب، ۲۲۴
شجره البراغیث، ۷۷، ۱۹۹	شجره الطلق، ۱۸۶	شجره سندیان الأرض، ۲۲۴	شریت، ۲۲۴
۲۱۹	شجره الطهر، ۴۱	شجره کثیراء، ۲۳۳	شیریت، ۲۸۰
شجره البطم، ۸۱	شجره العثم، ۱۱۲، ۲۰۶	شجره لا ولا، ۱۶۵	شریش (غری)، ۱۶۲
شجره البق، ۱۴۴، ۱۴۹	شجره العرس، ۲۹۲	شجره مخلب، ۱۱۲	شریلیون، ۲۷۳
۱۷۸	شجره العصب، ۲۹۲	شجره مریم، ۵۸، ۷۰، ۱۸۶	شرین، ۱۸۷
شجره البق (شام)، ۱۸۵	شجره العناب، ۱۶۸	شجره مریم (اندلس)، ۵۷	شرخره، ۱۱۳
شجره البق (شام و عراق)،	شجره العود، ۲۹۶	شجره مریم (مصر)، ۴۱	شرد (لبنان و بیروت)، ۱۶۹
۱۴۴	شجره العیاش، ۱۴۵	شج مال، ۱۵۵	شررفیون، ۲۳۲
شجره البق (عراق)، ۱۴۴	شجره الغار، ۱۴۸	شجیره مریم، ۱۸۳	شیرس، ۱۸۷
شجره البندق، ۱۰۵	شجره الغسلین، ۲۴۳	شحم الارض، ۱۰۷، ۲۴۲	شیر (سجزی)، ۲۰۷
شجره البهق، ۷۶، ۲۴۵	شجره الفارسیه، ۳۵، ۷۶	شحم الحنظل، ۱۸۷	شرغلی، ۸۰
شجره التنین، ۱۸۶	۲۶۶	شخم الطعام، ۶۷	شرم، ۱۸۷
شجره الجن، ۱۴۹	شجره الفرس، ۸۱	شخم المَرَج، ۱۳۶، ۲۱۱	شُرْبَلَه، ۴۱
شجره الحَب، ۵۹	شجره القلقل (اندلس)، ۴۱	شحم النخل، ۹۵	شرویه (مازندران)، ۱۲۵
شجره الحر، ۳۵	شجره القدس، ۲۹۱	شخماله، ۲۶۶	شری، ۱۸۷
شجره الحَضَض، ۱۲۰	شجره القرمز، ۶۱	شحمه الارض، ۲۶۰	شری، جنام دانه ج ۱۲۶
شجره الجلتیت، ۶۵	شجره الکف، ۱۸۶	شخمه الدجاجة، ۱۵۳	شریفه، ۱۸۷
شجره الجناء، ۱۲۵	شجره الکلاب، ۲۲۴	شخمه المَرَج، ۱۲۹	شسبدان، ۲۲۲
شجره الحَشَن، ۲۷۳	شجره الکلب، ۶۰	شحمیلة، ۱۴۸	شسمیرون، ۲۹۶
شجره الحیات، ۱۷۰	شجره اللبهق، ۲۴۵	شحمیه (اندلس)، ۶۰	شش بندان سیاه، ۲۲۲
شجره الخطاطیف، ۲۰۸	شجره الله، ۳۹	شحیره، ۲۰۴	شش بندان (شیراز)، ۲۲۲
شجره الخولان، ۸۱	شجره اللبئی (شام)، ۱۸۶	شَحْماله، ۲۵۸	ششیاز، ۲۲۲

ششتره، ۲۶۲	شعیر الحامض، ۱۷۳	شَقَواص البحر، ۲۸۴	شما، ۲۲۶
ششتره، ۲۸۸	شعیر الرومی، ۱۲۶	شَقَواص (اندلس)، ۲۶۵	شمار، ۷۸، ۱۵۲
ششتره، ۱۸۷	شعیر العاری، ۱۷۳	شَقَواصه، ۴۶	شمار العریض، ۱۵۳
شُشْرُئِب، ۱۸۷	شعیر العربی، ۱۳۹	شَقودیون، ۱۸۹	شمار (مصر و شام)، ۱۵۲
شُشْرِیث، ۱۸۷	شعیر الفارسی، ۱۲۶	شَقوشینا، ۲۳۳	شُماری (قبروان)، ۱۰۶
ششقاقل، ۱۰۳، ۱۸۸	شعیر الفاری، ۱۷۳	شَكْ، ۶۸	شمام، ۱۴۴، ۱۹۰
ششکاک (مازندران و	شعیر النبی (اندلس)، ۱۳۹	شَكْاص، ۲۶۴	شمامات (شام)، ۱۴۵
تنکابن)، ۲۳۶	شعیر رومی، ۱۳۹	شکاع، ۷۱، ۱۸۹	شمام (شام)، ۱۴۴
شطبانی قلوعرین، ۲۱۰	شعیعادیما، ۴۴	شکاعا، ۱۸۹، ۲۷۸	شمرک (سجزی)، ۱۳۲
شطبة (فاس)، ۱۰۲	شغالة، ۲۷۴	شکاعی، ۳۷، ۷۲، ۷۵، ۱۵۲	شُمَرْنَا، ۲۷۷
شطركا، ۵۳	شغدی مریری، ۲۷۱	شُکاعی، ۱۸۹	شمره، ۱۲۶
شطریه، ۱۸۷	شفتالو، ۱۳۹، ۱۹۰	شُکاعی، ۱۸۹	شمسار، ۸۲
شَطْریه، ۱۸۷	شفتوک (شیراز)، ۱۲۹	شکر انگور رویاه، ۲۱۴	شمسیر، ۲۳۲
شطریه، ۲۰۲	شَقَل، ۲۹۱	شکر داری، ۲۱۵	شمشاد، ۸۲
شَطْریه (لاتینی - اندلس)، ۱۹۵	شَقِذ، ۱۸۴	شُکَرَقند، ۱۸۹	شمشاد (شام)، ۸۲
شَطْریه (مغرب)، ۱۸۷	شَقَلَج، ۲۵۰	شکر هنج، ۱۱۸	شمشار، ۸۲
شطی رکس، ۵۳	شفلیش، ۲۱۴	شکم دریده (شیراز)، ۷۸	شمشرا، ۲۷۹
شعاریر، ۲۴۴	شقیقل، ۱۸۸	شکوئا، ۲۵۸	شمشیر، ۲۳۲، ۲۹۶
شعایر، ۲۳۳	شقائق الفرس، ۲۷۶	شکوفه خرما، ۹۵	شمالال، ۱۰۵
شعر الارض، ۷۶	شقائق النعمان، ۱۸۸	شکونیا، ۵۵	شملیت، ۱۲۰
شعر الجان، ۷۶، ۲۵۷	شقائق النعمانی البری، ۱۸۸	شکوهج، ۱۱۸، ۱۲۴	شملیز (شیراز)، ۱۲۱
شعر الجَبَّار، ۷۵، ۷۶، ۱۸۷	شَقاص، ۴۶	شکوهنج، ۱۱۸	شمور، ۱۵۳
شعر الجبال، ۷۶	شَقاقل، ۱۰۳، ۱۴۹، ۱۸۸	شکوهنج، ۱۱۸	شموسا، ۲۸۰
شعر الجن، ۷۵، ۷۶، ۲۵۷	شَقاقل، ۱۸۸	شکه (اندلس)، ۱۰۶	شَمِیث مَوِرس (لاتینی)، ۱۹۲
شِعْر الجیاد، ۱۸۷	شَقاقل، ۲۲۹	شکی، ۲۱۷	شَمِیثا، ۴۱
شعر الخنازیر، ۷۶، ۲۵۷	شقایق، ۳۵، ۱۸۸	شَلْ، ۸۵	شمین، ۲۹۶
شعر الذیپ، ۵۵	شقایق المنعم، ۱۸۸	شَلْ، ۱۸۹	شَنادِیا، ۸۴
شِعْر العِجَل، ۲۸۰	شقایق النعمان، ۱۳۴، ۱۵۸	شلار، ۸۰	شنار، ۲۲۴، ۲۸۰
شعر العیار، ۷۶	۱۸۸	شلباش (لاتینی)، ۲۱۸	شناقه، ۹۹
شِعْر الغزال، ۵۵	شقر، ۱۸۸	شلبش، ۲۵۲	شنبدله، ۹۶
شعر القُول، ۱۸۷، ۲۵۷	شَقِر، ۱۸۸	شَلْجَم، ۱۸۹	شنبر، ۱۱۳
شعر الکلاب، ۷۶	شَقْراض، ۱۸۸	شلشفین، ۱۰۶	شنبلید، ۱۷۹، ۵۳
شعر الماء، ۷۶، ۲۵۷	شَقردیون، ۱۸۹	شلغم، ۱۸۹	شَنبَلِید، ۱۸۰
شعران، ۱۲۳، ۱۵۸	شَقْرَوزین، ۹۸	شلمبی (مازندران)، ۱۲۹	شَنبَلِیلَه (اصفهان)، ۱۲۱
شعری، ۹۶	شقرنگ (خراسان)، ۱۹۰	شَلَمِیز، ۱۰۹	شنبنش، ۲۵۶
شعیر، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۸۷	شق (مصر)، ۵۱	شلوبینی، ۸۰	شَنَتالَه (لاتینی)، ۶۳
	شَقو، ۱۸۸	شلها (سندی)، ۵۳	شترن، ۱۰۴
	شَقوِاص، ۶۰	شَلِیل، ۱۹۰	



شوتله، ۱۵۷	شَوَحْط، ۳۳، ۱۳۹، ۱۹۰،	شوکه اعرابی، ۱۹۱	شونوز، ۱۹۲
شوتله (اندلس)، ۶۲	۲۰۰	شوکه اعرابی، ۶۲	شونیز، ۱۸۱
شِشَلَّة، ۶۳	شوخذانه، ۲۰۷	شوکه قبطیه، ۱۷۴	شُونیز، ۱۹۲
ششمن، ۱۵۳	شود، ۱۸۴	شوکه مصریه، ۶۲	شونیز القمح، ۱۴۵
شنجار، ۳۸، ۶۶، ۶۸، ۱۲۵،	شودر (اصفهان)، ۲۳۶	شوکه ابراهیم (شام)، ۲۳۶	شونیز بری، ۲۶۲
۱۳۴، ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۵۲	شود (شیراز)، ۱۸۴	شوکه البیضاء، ۵۸، ۵۹، ۷۱،	شویعة (اندلس)، ۲۰۴
شندله، ۹۶	شوران (سجزی)، ۲۱۰	۱۸۹، ۷۲	شوکه ابراهیم (اندلس)،
شَنْدَلَّة، ۱۹۰	شورد، ۲۳۲	شوکه الجمال، ۲۰۶	۲۳۶
شنداب (لبنان)، ۱۴۳	شورش لاطه، ۱۲۳	شوکه الدهن، ۱۱۴	شویلاء، ۷۶
شَنْدَلَّة (اندلس)، ۹۶	شورة (حجازی)، ۲۶۳	شوکه الزرقاء، ۱۹۱، ۲۳۶	شَوِیلاء، ۱۲۳
شنسطوره، ۱۰۳	شَوَز (حجازی)، ۱۹۱	شوکه الزرقاء (شام)، ۱۰۵	شَه بانو، ۱۸۳
شنغار، ۳۸	شوشما، ۲۳۲	شوکه السّوداء، ۱۹۱	شَهْدَانِج، ۱۱۲
شنفیل، ۲۵۴	شوشمانیا، ۲۹۶	شوکه السوداء، ۲۳۶	شهدانج، ۲۴۵
شنقار، ۳۸، ۱۹۰	شوشمشیر، ۷۰	شوکه الشهباء، ۱۰۹، ۲۷۰	شهدانج بری، ۱۳۷
شَنْقار، ۳۸	شوشمیر، ۲۳۲	شوکه العربیة، ۱۸۹	شهیدیه، ۱۵۵
شَنْقال، ۳۸	شوشینا، ۱۸۰	شوکه العصبیة، ۸۱	شهوت انگیز، ۲۴۵
شَنْقیریه، ۱۵۳	شوصرا، ۲۴۷	شوکه العقرب (حجاز)،	شیان، ۴۲
شَنْکار، ۳۸	شوطی، ۸۰	۱۱۴	شیان، ۱۴۶، ۲۱۵
شَنْکال، ۳۸	شوع، ۱۱۱	شوکه العقرب (شام)، ۱۰۵	شیان، ۱۹۲
شنکر (سندی)، ۲۱۸	شوقشمیر، ۲۹۶	شوکه العلك، ۵۱	شیان القاطر، ۶۹
شَنْک (زابلی)، ۲۶۹	شوک، ۲۸۲	شوکه المصریه، ۷۲، ۱۹۱	شیان القاطر، ۸۴
شنکوسا، ۱۵۳	شوک الجمال، ۵۰، ۲۷۰	شوکه المُنکرة، ۵۹	شیان (مغرب)، ۳۷
شنکی، ۲۶۷	شوک الجمل، ۱۱۴	شوکه الیهودیة، ۱۹۱	شیب الشجر، ۵۲
شنکیا (تبریز)، ۲۳۳	شوک الجمل (مصر)، ۱۵۶	شوکه الیهودیة، ۲۳۶	شیب العجوز (اندلس)، ۵۲
شِنْگ، ۱۵۱	شوک الحمیر، ۲۲۵	شوکه حادة، ۶۱	شَیْب العَجُوز (اندلس و
شنگ (اصفهان)، ۲۶۷	شوک الدراجین، ۱۱۴، ۱۴۸	شوکه رهاویة، ۱۰۹	مغرب)، ۵۶
شنگرفیر (طخاری)، ۱۶۴	شَوُک الدراجین، ۱۴۹	شوکه زرقاء، ۲۳۶	شیب العجوز (فاس)، ۵۵
شنگلیل، ۱۶۴	شوک الدراجین، ۱۴۹	شوکه شهباء، ۳۰۱	شَیْبَه، ۱۹۲
شنگویر، ۱۶۴	شوک الدَمَن، ۱۱۴	شوکه عربیة، ۱۸۹	شیبة العجوز، ۵۲، ۱۹۲
شنون، ۱۹۲	شوک العلك، ۵۱	شوکه مصریه، ۱۹۱، ۲۳۷	شیبیه، ۱۱۴
شواصر، ۷۷	شوک القَاذَرة، ۲۸۷	شوکه مغیلة، ۱۸۷	شیتره، ۱۹۳
شواصر، ۱۹۰، ۲۸۱	شوک القراء، ۲۲۵	شوکه مُتِنَّة، ۱۹۹، ۲۱۹	شییح، ۵۶
شواصره، ۱۹۰	شوک الفلک، ۱۱۴	شوکه منفته، ۱۹۹	شیح، ۱۳۳، ۱۴۰
شوال الحمار، ۱۳۳	شوک القتاد، ۳۰۱، ۲۵۱	شوکه یهودیة، ۲۳۶	شیح، ۱۹۳
شوبا، ۹۶	شوک المَغْفَل، ۵۹، ۱۰۵،	شولة دی رای (اندلس)،	شیح ارمنی، ۱۹۳، ۲۴۷
شوبر (اندلس)، ۹۱	۱۹۲، ۲۳۶	۱۵۰	شیح الارمنی، ۵۶، ۱۹۳،
شوت، ۱۸۴	شوکران، ۸۸، ۱۹۱	شومر، ۷۸، ۱۹۲	۲۵۸
شوت (سجزی)، ۱۸۴	شوکران الحوت، ۲۷۷	شَوْنَدَر، ۱۹۲	شیح الربیع، ۱۹۳

## حرف «ص»

صِعْتَرَه، ١٩٥	صِرَاخَه (اندلس)، ٢٧٣	حرف «ص»	شیخ المصری، ١٩٣، ٥٦
صغاییس، ١٩٨	صِرَاخَة (اندلس)، ٢٣١		شیخ ترکی، ١٩٣
صغد، ١٩٦	صراخه (اندلس)، ٢٧٣		شیخ جبلی، ١٩٣، ٥٦
صَفَار، ٩١	صربه، ١٧٤	صاب، ١٧٤	شیخ خراسانی، ١٩٣
صفراالدوی، ٩٩	صرخ بای، ١٢٢	صاب، ١٩٤	شیخ رومی، ٥٦
صَفْرَاء، ١٩٦	صَرَقُوقَلَّا، ٦٦	صابون الثیاب، ٢٤٤	شیرابه، ١٣٤
صفصاف، ٥٠، ٧٢، ١٣٦	صرقوقولا، ٦٦	صابون القاف (شام)، ٢٤٤	شیر امّج، ٦٢
٢٢٠، ٢٩٠	صرم الدیك، ١٤٦	صابون القاق، ١٨٥	شیر انجیر، ١٩٣، ٣٠٠
صفصاف البَنُخِی، ١٨٩	صرو، ١٩١	صابون القاق (شام)، ١٨٥	شَیْرَج، ١٧٦
صُفیراء، ٥٤، ٦٣	صریرا، ٧١	صابون القلی (دمشق)، ١٨٥	شیرخشت، ١٩٣
صغیراء، ٨٢، ٢٥٩	صریس، ٢٣٨	صابون لباس، ٣٥	شیرخشک، ١٩٣
صُفیراء، ١٩٦	صریمة الجدی، ١٦٠، ٢٢٧	صاتری، ١٩٥	شیرق، ٨٥، ١٩٨
صفینه، ٣٩	صریمة الجَذی، ١٩٥	صاڑه، ٢٧٣	شیرگیا (زابلستان)، ٢٨٦
صقابس، ٢٣٣	صریمة الجَذی (اندلس)، ٧٥	صاڑه (مغرب)، ٢٣١، ٢٧٣	شیرهو (خراسان)، ١٩٠
صقار، ٩١	صرین غنصلی، ٢٧٣	صارة الانثی (اندلس)، ٢٧٣	شیرین بان، ١٨٠
صَلَوَان (موصل)، ١٩٦	صَطَقَطی، ٢٨٦	صارة (اندلس)، ٢٧٣	شیریون، ١٤٥
صِلّیان، ١٩٦	صعاری، ١٨٧	صاصل، ١٩٤	شیستره، ٢٢٨
صمصوصخ، ١١٣	صَغْتَر، ١٩٥	صاصلی، ١٩٤	شیشاصینی، ١٣٣
ضمصُوخُن، ٢٧٩	صعتر، ٢٧٩	صاغایئِن، ١٧٣	شیشبان، ٣٥
صَمْعَاء، ٩١	صعتر البقر، ١٩٥	صالبیه، ١٩٤	شیشم، ١٣٣
صمغ الحششف، ١١٤	صعتر الجوارى، ١٩٥	صامریوما، ٩٥، ١١٢، ١٥١	شیشنبر، ١١٣
صمغ الدَمِیثا، ١٩٦	صعتر الحجازی، ١٩٥	١٥٧، ١٩٤	شیطَرَج، ١٩٣
صمغ العربی، ١٩١	صعتر الحمیر (مغرب)، ١١٠	صباحی، ٩٦	شیطرج، ٢٨١
صمغ القتاد، ٢٥١	صعتر الرمانی، ١٩٥	صبار، ٩٥	شیطرنج الهندی، ١٢٢
صمغ طرتوت، ٥١	صعتر الرومی، ٥٩	صَبَّار، ١٩٤	شیطرنج شامی (شامی)، ١٢٨
صمغ عربی، ٢٣٧	صعتر الزیتون، ١٩٥	صبارا، ١٩٥	
صمغ لبلاب، ١٧٣	صعتر العدس، ١٠٥	صَبَّارَه، ١٩٥	شیفار، ٣٨
صناب، ١٣٠	صعتر الغیاضی، ١٩٥	صَبَّارَه (مغرب)، ١٩٥	شیلرو، ١٥٧
صناب، ١٨٩	صَغْتَر الفارسی، ١٩٥	صَبَّارَة، ٦١	شیلیم، ١١٨، ١٦٤، ١٨٩
صنابی، ٩٦	صعتر الفرس، ١٠٥	صَبَّارِی، ١٩٤	شَنَلَم، ١٤٣، ١٩٤
صناحیه، ١٠٣	صعتر الفرس، ١٠٥	صبر، ١٢٠، ٢٣٩	شیلوم، ١٧٤
صنار، ١٤٥	صعتر الفُرس، ١٩٦	صَبْر، ١٩٥	شیلوما، ١٧٤
صنجیس، ٤٨	صعتر رومی، ١٦٥	صَبْر، ١٩٥	شینر، ١٩٢
صَنَخِیس، ٢٩٦	صعتر (شام)، ٢٢٩	صبر خضرمی، ١٩٥	شینه، ١٠٠
صَنَخِیس، ٢٩٦	صعتر فارسی، ١٠٥	صیب، ١٩٥، ٢٨٧	شیودان، ١٢٩
صندل، ١٥٩	صعتر روس، ١٩٥	صَدَح (اهالی سواد)، ٨٤	شیولی، ٩٦
صَنَدَل، ١٩٦	صَعْتَرَه، ٥٥	صدی، ٩٦	شیون، ٥٥
صندل ابیض، ١٩٦	صَعْتَرَه، ١١٨	صدیوند، ٢١٠	



طرباج، ۱۴۸	طرف، ۲۰۲	۱۲۵	طلعة، ۲۴۸
طربد، ۹۳	طرفاء، ۴۴، ۱۷۰، ۲۰۲	طریفلن، ۱۲۵، ۱۳۵، ۲۰۳	طلق، ۲۶۴
طربشکه، ۲۷۷، ۲۷۵	۲۲۰	۲۹۱	طلنطلی، ۱۸۹
طربه لبه، ۷۵	طرفاء البستانی، ۴۰	طریفلن، ۲۰۳	طلیطة، ۲۶۰
طربه لبه، ۸۷	طَرَفَرْدُس، ۲۰۲	طریفلون، ۱۵۵	طماخنا، ۱۵۳
طربه لبه، ۱۵۱	طَرَفُولُس، ۲۰۳	طریفوس، ۱۶۷	طمرشکه، ۲۰۲
طربید، ۹۳	طَرَفَه، ۲۰۲	طریفولون، ۱۱۸، ۱۲۵	طمره، ۱۳۳، ۲۰۳
طرتوشا، ۵۱	طرفة، ۲۰۲	طریفولین، ۱۰۷	طمری، ۱۳۳
طرنوث، ۲۰۱	طریفولون، ۶۰	طریفولیون، ۹۳، ۱۵۲، ۲۰۳	طمطم، ۱۷۵
طَرَنُوث، ۲۰۱	طریفوس، ۱۶۰	طریفولیون، ۹۳	طنجبین، ۲۰۲
طرنوث ابیض، ۲۰۱	طرقتیة، ۲۷۳	طَریفولیون، ۲۰۳	طنیة، ۵۵
طرج، ۱۴۸	طرقتیة، ۲۷۳	طریفولون، ۶۰	طنیة، ۲۲۲
طرجال، ۱۲۶	طرکسمی، ۲۹۷	طریفقن، ۱۶۲	طواخشیر، ۱۹۹
طَرَح النواتیة، ۲۰۲	طرمش، ۱۲۶	طَرِیقولیون، ۲۰۳	طواره، ۲۰۴
طَرَح النواتیة، ۲۴۸	طرم (لرستان)، ۸۵	طریخومانس، ۲۵۷	طوب، ۱۱۴
طرخشاقون، ۱۴۷، ۲۹۷	طَرَمَشَس، ۸۱	طریون، ۹۳	طوبه، ۲۰۴
۳۰۱، ۲۹۸	طرمیطس، ۲۶۵	طشور، ۲۰۴	طوبه، ۴۶
طرخشوق، ۲۹۸، ۳۰۰	طرنج، ۴۰	طشیر، ۲۰۴	طوذریک، ۹۶
طرخون، ۸۳، ۱۴۷، ۲۰۲	طَرَنَسول (اندلس)، ۹۵	ططریوغنون، ۲۹۴	طوررا، ۱۵۱
طَرَحون، ۲۰۲	طرنشول، ۵۹	طَعْمَة الحَمراء، ۲۳۱	طورنَه شول، ۹۵
طرخون الرومی، ۲۰۵	طَرَنَسول (اندلس)، ۱۹۴	طَعْمَة حَمراء، ۲۴۲	طورنَه شول، ۲۰۴
طرخون دشتی، ۲۰۵	طرنه (اندلس)، ۲۴۳	طغارنه، ۲۴۸	طورنَه لیته، ۲۰۴
طرخون رومی، ۲۶۱	طَرَنَه ماطر (ثغری)، ۱۳۰	طغارنه، ۲۴۸	طورنَه ماطرَس، ۲۸۳
طردج، ۱۲۳	طرنه، ۲۰۳	طفسقیویون، ۱۹۱	طورنَه مَرِیطش، ۲۰۵
طردج، ۱۵۸	طرنیة (اندلس)، ۲۴۳	طفشیقون، ۲۰۰	طورنَه مَرِیطه، ۲۰۴
طَرْدِج، ۲۵۸	طروبلیوس، ۱۱۸	طفک (شیرازی)، ۳۵	طَوْره، ۲۰۴
طردجه، ۱۲۳	طرویلِس، ۱۱۸	طفنیقوس، ۱۹۱	طوریدخ، ۲۲۴
طردجه، ۱۲۳	طَرِویِلُس، ۱۱۸	طَفی، ۲۸۳	طوس (شیراز)، ۳۹
طردقیه متیره، ۱۴۷	طرویین، ۲۴۸	طفیر، ۲۰۴	طوسک (شیراز)، ۱۴۹
طردیلن، ۲۵۳	طروج، ۵۲	طَقاره، ۱۴۸	طوط، ۲۴۲
طَرْدِیلَن، ۱۸۲	طروقون، ۷۶	طلافیون، ۳۷	طوطاق اغریون، ۱۲۲
طردیلون، ۱۶۷	طربیله، ۲۹۱	طِلاء، ۲۰۳	طوطاق غریون، ۱۲۳
طرسه (اندلس)، ۲۴۳	طریخومانس، ۱۸۷، ۲۰۳	طَلَح، ۶۲، ۲۰۳	طوطولون، ۱۷۴
طرشقوق، ۲۹۸	طربدلیون، ۲۴۸	طَلَح، ۲۶۳، ۲۸۵	طُوطُن، ۱۷۴
طسرتور الحاجب، ۱۱۳	طَرَنَظَر (مایرقا)، ۲۴۶	طلخشقوق، ۲۹۸	طوفریوس، ۲۰۴
۱۲۷	طریقا، ۲۳۶	طلخشقوق (زابلستان)، ۳۸	طوفسس، ۴۳
طرغاین، ۲۰۱	طریفل (اندلس)، ۲۰۳	طلع، ۹۴	طوفوریوس، ۲۶۰
طرخولیطوس، ۲۷۸	طریفلم اورانس (لاتین)،	طَلع، ۹۵	طوقریوس، ۲۰۴

طوقوریوس، ۱۱۹، ۲۶۰	ظفرة الفروج، ۱۱۶	عبثران، ۱۸۶	۲۲۱
طولّه، ۲۰۴	ظفرة الهرّ، ۲۰۵	عُبْثَرَان، ۲۰۶	عرصف، ۲۰۷
طولیدون، ۲۱۴	ظَفْثِرَه، ۲۰۴	عُبْثِرَة الْأَيْل، ۵۹	عرصمودون، ۲۳۷
طوماغا، ۲۰۸	ظفیره، ۲۰۵	عُثْرَب، ۱۷۵	عرصم (یمنی)، ۲۰۷
طومقرون، ۲۴۶	ظَفْثِرَة العجوز، ۱۱۸	عُثْم، ۱۶۵، ۲۶۶	عرطب، ۱۱۸
طَهْطَف، ۲۰۳	ظَفْثِرَة العجوز (قیران و	عُثْم، ۱۶۶، ۲۰۶	عرطینثا، ۳۴، ۲۰۷، ۲۵۸
طَهْف، ۱۵۰	شام)، ۱۱۸	عُثْر، ۲۰۶	۲۸۶
طی، ۲۰۴	ظَفْثِرَة الفروج، ۱۱۷	عُثْرَب، ۲۰۶	عرطینثا (آفریقا)، ۷۴
طینار، ۲۹۳	ظِلَام، ۲۰۵	عُثْق، ۲۰۶	عرطیفه، ۳۴
طیب العرب، ۴۳	ظِمْع، ۲۰۵	عُثْمَر، ۲۵۱	عرطینثا، ۱۸۶، ۲۲۱
طیب الغریب، ۴۳	ظِیَان، ۱۵۹	عجب، ۲۹۲	عرطینثا، ۳۵
طیشومالس، ۲۰۴	ظِیَان، ۲۰۵	عجما، ۲۰۷	عرعار، ۳۹
طَیْرَانَه، ۲۰۴		عدس، ۲۰۷	عرعر، ۳۹، ۱۴۷، ۱۷۰
طیرنه، ۲۰۴		عدس الماء، ۲۰۷، ۲۰۰	عَرعر، ۲۰۸
طیطان، ۲۰۴، ۲۵۲		عدس المأكول، ۲۰۷	عرف، ۲۰۸
طیفی، ۲۰۴	عابدة الشمس، ۲۰۴	عدس المَرّ، ۲۰۷	عرفج، ۴۱، ۵۰، ۸۵
طیلاقیون، ۱۱۸، ۲۰۴، ۲۸۰	عاریسا، ۲۵۵	عدس خوراکي، ۲۰۷	عَرَفْج، ۸۵
طیلاله، ۹۰	عاشق الشجر، ۲۶۶	عدس نبطی، ۲۰۷	عرفج بری، ۲۰۸
طیلسات، ۲۹۲	عاشق النبات، ۵۵	عَدَوَة، ۶۳	عرفج بری، ۲۹۵
طین الاخضر، ۲۹۲	عاقد اللبن، ۲۱۹	عَدْنِسَة، ۲۰۷	عَرُفْط، ۲۰۸
طین الْأَخْضَر، ۱۱۳	عاقر شمعاً، ۳۸، ۳۹، ۱۹۰	عَدْبِه، ۴۰	عرق الکافور (مصر و شام)، ۱۶۱
طین الأخضر، ۲۱۱	عاقِر قَرَحاً، ۲۰۲	عذبه، ۲۰۲	عرق الکافور (مکه)، ۱۶۱
	عاقر قرحا، ۲۰۲، ۲۰۵	عَدْبَة، ۵۷	عرق درخت توت، ۱۹۹
	عاقر قرحا، ۲۵۵	عَدْبَة (مصر)، ۲۰۷	عرق شجره هندی، ۱۹۹
	عاقول، ۱۱۰، ۱۲۳، ۲۰۶	عرا، ۲۰۲	عَرُفْصَان، ۱۵۰
	عالیه و برشقی، ۱۵۳	عرار، ۳۴، ۵۷	عَرُفْصَاء، ۲۰۸
	ععب، ۲۰۶	عَرار، ۹۰	عرقصاء (سجزی)، ۱۲۵
	عُعب، ۲۴۹	عرایس النیل، ۲۹۲	عرق (نجد)، ۹۵
	عُعب الثعلب، ۲۱۴	عرایس النیل (مصر)، ۸۰	عروس، ۲۹۲
	عُعب (مصر)، ۲۱۵	عُرب، ۹۱	عروس آب (رنگرزان)، ۱۰۳
	عُعبَرَت، ۱۷۵	عربثا، ۲۲۰	عروس الماء، ۲۹۲
	عُعبَری، ۱۶۸	عربرب، ۱۷۵	عروساَلَه، ۲۷۰
	عُعبَس، ۱۸۲، ۱۸۳	عربروس، ۷۸	عروس در پرده، ۲۴۹
	عُعبَر، ۱۸۰	عرب منشور (عراق)، ۱۴۰	عروس در پرده (شیراز)، ۲۴۹
	عبوثران، ۱۸۶، ۲۰۶	عردی اکهر، ۲۶۰	عرش نما، ۲۴۵
	عُعبَر، ۹۰، ۲۹۰	عرزاد مغوشی، ۲۹۹	عرشنة (بیت المقدس)، ۲۴۵
	عُعبَر، ۲۰۶	عرب منشور (عراق)، ۱۴۰	
	عُعبَر (شام)، ۱۸۶		

عُشْرَس، ۱۲۹	۱۷۹	عسل رومان، ۵۳	۲۴۹	النهر،
عُشْرَس، ۲۱۱	عُشْر، ۱۳۱، ۲۰۹	عسل لبنی، ۲۶۷، ۲۸۶	۲۴۹	عروس در قیّه (مرو)،
عطارد، ۱۷۸	عُشْر، ۳۰۰	عسلی، ۹۶	عروس رزانی (ماوراء)	
عُطاس، ۲۱۶	عشر الصبیان، ۲۱۰	عشار، ۲۰۹	۲۴۹	النهر،
عطب، ۲۴۲	عُشْرَق، ۲۰۹	عشبه کثیر الاغصان، ۲۰۲	عروسک پس پرده (فارس)،	
عُطشان، ۱۱۴، ۱۳۳، ۱۴۸	عُشْر الصبیان، ۱۹۱	عشبه مغربی، ۲۰۵	۲۴۹	
۱۴۹، ۲۶۳	عُشْق الصبیان، ۲۱۰	عُشْبَه مغربیّه، ۲۰۹	عروسه، ۲۷۰	
عطفل، ۱۹۸	عشق پیچان، ۲۶۶	عشبه مکرمه، ۷۰	عروسة المجلیّه، ۲۹۲	
عُظْم، ۲۱۱، ۲۹۲	عشقّه، ۱۲۱، ۲۶۶	عشبه البرطال، ۱۱۹	عروشیه، ۸۳	
عُظْم، ۲۹۲	عُشْقَه، ۲۱۰	عُشْبَةُ البَغْلَة، ۱۵۶	عروق الاصف، ۲۵۰	
عُظْمی، ۱۵۸	عصا الراعی، ۳۷، ۱۱۰	عشبه البغلة، ۲۹۱	عروق الزعفران، ۲۰۸	
عُفار، ۱۷۴، ۲۱۱	۱۱۳، ۱۱۹، ۱۴۹، ۱۵۱	عشبه التیسیه، ۶۵	عروق السوس، ۲۹۱	
عفار، ۲۷۸	۱۸۵، ۲۱۰	عشبه الثالیل، ۲۰۴	عروق الصباغین، ۲۰۸	
عفص، ۱۷۹	عَصَاب، ۱۹۳	عشبه الحرّ، ۲۸۲	۲۵۵، ۲۳۰	
عَفْص، ۲۱۱	عصارمرارت برا، ۱۲۶	عشبه الحومل، ۱۲۲	عروق الصفّر، ۱۲۷، ۱۶۳	
عفضیح (عراق)، ۸۶	عصافیر السنبِل، ۱۷۷	عشبه الخُروف، ۸۰	۲۷۶، ۲۱۶، ۲۰۸	
عفیون (فاس)، ۵۷	عصا هرمس، ۱۲۱، ۱۳۶	عُشْبَةُ السَّبَاع، ۲۰۹	عروق الصُفّر، ۲۵۵	
عقاب الجبل، ۱۶۶	۱۵۹	عُشْبَةُ السَّبَاع (اندلس)، ۲۵۳	عروق بیض، ۲۸۱	
عقاد، ۱۲۳	عصای موسی، ۲۱۰	عشبه الصباغ، ۲۵۳	عروق حُمَر، ۲۲۸	
عُفار، ۲۱۲	عصب، ۲۶۳، ۲۹۱	عشبه الصحیحه، ۳۰۰	عروق دارموم، ۱۸۰	
عُفارادبشکرا، ۵۴	عصب الحرفع، ۲۴۲	عُشْبَةُ الطحّال، ۸۷، ۱۱۹	عروق دار هرم، ۱۸۰	
عقارادشوشنا، ۷۰	عُصْفُر، ۴۲، ۵۷، ۲۱۰، ۲۳۶	۲۶۹، ۲۰۴	عزیز الصغیر، ۲۰۹	
عقاراسوسابی، ۷۰	عُصْفُر البری، ۲۱۰	عُشْبَةُ الطیور، ۱۴۹	عزیز الکبیر، ۲۰۹	
عقاراعرطینشا، ۳۵	عصفر بری، ۷۱، ۷۲، ۱۵۳	عشبه العجول، ۲۰۱	عریض، ۱۵۲	
عقارسوصیانی، ۷۰	۱۵۷	عشبه الفتوق، ۱۳۴	عریقضاء (سجری)، ۱۲۵	
عقارشوشا، ۱۸۰	عصفور البری، ۷۲	عشبه القلب، ۲۹۸	عزرو، ۶۶	
عُفار هندی، ۲۸۳	عصی الدب (اندلس)، ۲۴۲	عشبه القویاء، ۶۷	عزول، ۷۹	
عقاودم، ۲۸۳	عصی الراعی، ۴۴، ۷۶	عُشْبَةُ الکلب، ۱۷۰	عزیر الصغیر، ۲۰۹	
عقر، ۱۴۵	۱۵۱، ۱۵۷، ۲۲۰، ۲۴۱	عُشْبَةُ اللحم، ۹۵	عزیر الکبیر، ۲۰۹	
عُقْرَبان، ۱۰۶	۲۸۱، ۲۹۹	عشبه المُسلّحه، ۲۶۶	عسالیج، ۱۰۰، ۲۷۴	
عُقْرَبان (اندلس)، ۴۸	عَصَى الراعی، ۲۱۰	عشبه النار، ۱۵۹، ۲۰۵، ۲۶۶	عسالیج (اندلس)، ۲۷۴	
عقری، ۵۹	عصیر الدب، ۲۴۲	عشبه النار (مغرب)، ۲۰۹	عسطوس، ۱۴۰	
عقرمان (اندلس)، ۴۹	عصیر الدب (اندلس)، ۲۳۱	عشبه النساء، ۶۵	عسل القصب، ۲۴۱	
عُقْقه، ۲۷۱	۲۴۲	عشبه خیر من الف (فاس)، ۸۸	عَسَل اللَّبْنی، ۵۳	
عُقْریه (لبنان)، ۱۴۴	عُصْفُورَة، ۲۱۱	عشبه قبری، ۲۹۶	عسل اللَّبْنی، ۲۸۶	
عُقْقاء، ۲۱۲	عُصْیَة، ۱۸۵	عُشْبَةُ کُلِّ بَلا، ۱۷۹	عسل التدی، ۱۱۰	
عکارشا، ۱۵۳	عضات، ۱۹۳	عشبه کل بلاء (مغرب)، ۲۲۱	عُسْلُج، ۷۵	
عکاش (بلخ و طخاری)،	عُضاه، ۲۰۹		عسلج، ۲۲۱	

عود الريح (دمشق و مصر)، ۳۵	عَنْبُ الكِلَاب، ۴۲، ۱۲۸	علک الروم، ۲۸۲	۲۲۶
عود الريح (شام)، ۲۱۶	عنب خمري، ۲۱۴	علک رومی، ۲۸۲	عکبة (مصر)، ۱۷۹
عود السُّرَح، ۱۳۷	عنبر، ۲۷۰	عَلْکُک، ۱۲۹	عُکْر، ۱۱۴
عود السوس، ۳۳	عنبر بيد، ۱۰۳	عَلَو، ۱۹۵	عکر، ۲۵۰
عود الصليب، ۲۲۳، ۲۹۵	عَنْبُوب (فاس)، ۲۷۵	عَلِيق، ۲۱۳	عُکْرَب، ۲۱۲
عود العُطَّاس، ۱۷۲، ۲۱۶	عندم، ۲۱۰	عليجان، ۲۱۳	عُکْرَش، ۲۱۲، ۹۹
عود العُطَّاس، ۲۶۳	عَنْزُوت، ۶۶	عليجن، ۲۲۹	عُکْرَش، ۱۵۳، ۹۹
عود العطاس، ۲۶۳	عَنْضَل، ۴۹، ۲۱۵	عَلِيق، ۹۵، ۲۱۳، ۲۱۷	عُکْرَشه، ۲۰۰
عود الفالوج، ۱۹۰	عنصل، ۴۹، ۸۰، ۲۴۳	عَلِيق الکلب، ۱۸۶، ۲۱۳	عُکْنَه، ۲۱۲
عود الفرج، ۲۰۵	عَنْضَلان، ۴۹، ۲۱۵	عَلِيق (اندلس و مغرب)، ۲۱۳	عکنه (مصر)، ۱۷۹، ۲۱۲
عود القروح، ۲۱۶	عَنْصُوة، ۱۴۵	عمار، ۳۶	عُکُوب، ۱۱۴
عود القسینة (مصر)، ۱۹۶	عَنْطُوز، ۱۵۳	عمرو، ۲۵۳	عُکُوب الفارسی، ۱۱۴
عُود الکلب، ۱۳۸	عَنْق الحية، ۲۷۳	عمرو (لاتینی)، ۲۵۳	عکيفة، ۵۹
عود النسر، ۲۱۶	عنقر، ۳۴، ۲۷۹	عملج، ۸۱	عَلَام، ۱۲۵، ۲۵۴
عود الوج، ۲۱۶، ۲۹۳	عَنْقَر، ۷۵	عملول، ۲۴۵	علث، ۲۱۲
عود اليسر، ۲۱۶	عَنْقَر، ۵۹، ۲۷۹	عمول، ۷۶	علج، ۲۰۷
عود انجوح، ۲۱۶	عنقر، ۱۱۳	عمون، ۲۰۸	عَلْجَان (آفریقا)، ۲۱۲، ۲۳۸
عود بری، ۷۶	عَنْقَر، ۲۷۹	عَنْاب، ۱۶۸، ۲۱۳	عَلَس، ۲۱۳
عود رطب، ۲۱۶	عنقلی، ۱۸۹	عَنْاب الایض، ۳۵	علس، ۲۶۳
عود رنج، ۳۵	عنقود، ۶۱	عَنْاب الایض، ۲۱۳	علس (اندلس)، ۲۱۳
عود هندی، ۱۷۹، ۲۱۶	عَنْقُود، ۲۱۵	عَنْب، ۵۳، ۲۱۴، ۲۱۴	عَلَس (اندلس)، ۲۱۳
عود ینجوح، ۲۱۶	عنقیل، ۱۸۹	عَنْب، ۲۱۷	عَلَس (سجزی)، ۲۰۷
عُورَة الارض، ۹۲	عنقلی، ۱۸۹	عنب، ۲۱۴	علسی، ۱۹۵
عوسج، ۶۱، ۲۱۳، ۲۲۰	عَنْم، ۱۹۱، ۲۱۵	عنب، ۲۱۴	علف، ۱۵۵
عوسج، ۲۸۲، ۳۰۱	عَنْم (شام)، ۸۷	عنب الثعلب، ۱۵۴، ۲۱۴	علفک داغ، ۲۰۵
عوسج، ۲۱۷	عود، ۲۱۶	عنب الثعلب البستانی، ۲۴۹	علفوط، ۸۰
عوسج الاحمر، ۱۶۲	عود الاراک، ۲۳۳	عنب الثعلب (فاس)، ۲۴۹	عَلْفَة، ۲۶۳
عوسج الاسود، ۶۱	عود البخور، ۵۴	عنب الثعلب مخین، ۲۱۴	علقم، ۳۵، ۱۲۶، ۲۱۳
عوسج الأسود، ۱۲۰	عود البرق، ۱۴۱	عنب الحية، ۲۱۵، ۲۹۸	عَلْقَم، ۱۸۷
عوسج أسود، ۱۰۵	عود البلسان، ۸۶	عنب الدب، ۲۱۵، ۲۱۹	علقما، ۲۲۴
عوسجة، ۲۲۰	عود البندق، ۷۶	عنب الذئب (اندلس)، ۲۱۴	عَلْقَم (اندلس)، ۲۳۳
عوقیا، ۱۱۹	عود الحمیر (مغرب)، ۲۲۳	عنب الذئب، ۱۳۷	عَلْقَم (حجاز)، ۲۷۴
عیاشیة، ۱۵۷	عود الحية، ۲۱۶، ۲۲۲	عنب الذئب (فاس)، ۲۱۴	علقمه، ۲۱۳
عیادیوس، ۱۵۵	عود الرقة، ۶۵	عنب الطوال، ۵۳	علک، ۱۵۲، ۲۸۲
عیثام، ۱۴۵، ۲۱۷	عود الريح، ۲۲۳، ۲۷۲		علک، ۲۴۴
عید، ۲۱۷	عود الريح المغربي، ۱۲۰		عَلْک الأنباط، ۲۲۵
عیسوب، ۳۴، ۲۷۹	عود الريح (اندلس)، ۲۷۲		عَلْک البطم، ۸۱

عین الاخضر، ۲۱۱، ۲۹۲	غالالوطا، ۷۳	۲۷۳	غلوکس، ۲۲۱
عَینُ البقر، ۴۱، ۹۰، ۹۱	غالبون، ۲۵۰	غَرْقَد، ۲۱۷، ۲۲۰	غلوکش، ۱۰۴
۲۱۷	غالبه، ۲۴۹	غرقده، ۲۲۰	غلیاون، ۵۳
عین البقر (مغرب)، ۲۱۷	غالبه (اندلس)، ۲۱۴	غرناطش، ۱۵۷	غلیجن، ۲۲۹
عین البقر (مغرب و اندلس)، ۴۱	غالبه (قرطبه)، ۱۱۳	غرناطه (بیت المقدس)، ۱۴۶	غلیجن اُغریا، ۲۲۱
عین الثور، ۹۰	غالبه (لاتینی)، ۲۱۵	غرنوقی، ۱۲۹	غَلِیْجَن، ۲۲۹
عَینُ الخضراء، ۱۱۳	غالبسیر، ۲۱۹	غرنیواس، ۲۳۸	غلیخن اُغریا، ۲۲۹
عَینُ الدیک، ۲۱۷	غاله جاقه (لاتینی)، ۱۱۸	غروباوس (بلخی)، ۲۰۲	غلیشن، ۲۲۹
عین الدیکه، ۲۱۷	غاله جیقه، ۱۱۸	غری، ۵۱	غلیقیسیدی، ۲۲۳
عین العجل، ۲۱۷، ۹۰	غاله قَرَشَتَه (لاتینی)، ۱۷۸	غری الاساکفه، ۱۳۸	غمار، ۳۱، ۳۶
عین العِجَل (شام)، ۹۰	غالیسس، ۲۱۹	غریر، ۲۲۰	غملول، ۲۴۵
عین الهدهد (آفریقا)، ۳۴، ۲۱۸	غالیوس، ۱۷۰	غُرَبَاء، ۱۴۸، ۲۲۰	غَمْلُول، ۲۴۵
عَینُون، ۲۱۸، ۲۵۲	غالیون، ۲۱۹	غریزا، ۲۴۶	غنابلیان، ۲۲۶
عینی ثورا، ۹۰	غالیون، ۲۱۹	غریطیره، ۲۷۳	غنآفالیون، ۲۲۶
عیون البقر، ۴۱	غانافلیان، ۱۴۸	غُرَبَه (زابیل)، ۱۸۵	غنآفالیون، ۲۲۶
	غاوشیرک، ۲۱۷	غزل الماء، ۲۰۰	غنچ (هری)، ۱۹۲
	غباریه، ۲۱۹	غساقالس، ۲۴۲	غنچه خرما، ۹۵
	غبانستر، ۲۸۲	غَسَلَج، ۲۲۱	غنزروت، ۶۶
	غبرا، ۱۹۴	غسله، ۲۱۸	غنطیانی، ۱۰۶
	غُبَبْرَاء، ۱۶۶، ۱۹۴، ۲۱۹	غسلین، ۱۲۳	غنفس الجاری، ۱۷۷
	غُبَبْرَة الْأَيْل، ۲۸۱	غسول، ۴۳، ۱۲۹	غنغیطس اشقاقا، ۱۷۷
	غَدَر، ۲۳۰	غشاة، ۳۷	غُنْغِیْلِی، ۱۸۹
	غدو، ۷۲	غَضَف، ۲۲۱	غُنْغِیْلِی، ۱۸۹
	غرابه، ۲۸۲	غِلَالَة (اندلس)، ۱۴۴	غنکیلی، ۱۸۹
	غراله، ۹۹	غلبی، ۱۶۳	غویرک (زابیل)، ۱۶۲
	غرانیق، ۶۷	غلثان، ۵۱	غوتاغبنا، ۲۶۲
	غراء، ۱۴۸	غَلْثَان، ۱۴۲	غودیوله، ۲۵۲
	غراء، ۲۲۰	غَلْجَن، ۱۰۵	غُوْذِیَالَه (لاتینی)، ۲۱۰
	غَرْب، ۵۰، ۲۲۰	غلغلون، ۲۶۰	غوذیوله، ۸۷
	غَرْب، ۹۷، ۲۲۰، ۲۸۰	غللقا، ۲۲۱	غوره خرما، ۹۴
	غرب، ۱۳۶، ۱۸۹	غَلْقَة، ۲۲۱	غُوشِئَه، ۲۲۱
	غَرْد، ۲۶۰	غَلْقِی، ۲۲۱	غوشنه، ۲۳۰، ۲۶۰
	گردان، ۲۶۰	غلوقریزا، ۱۸۰	غوشنه جنسی، ۲۲۱
	غَرَز، ۲۲۰	غلوقی، ۲۷۶	غوشه، ۲۲۱
	غرغات، ۱۳۹	غلوقیریزا، ۱۸۰	غُولَان، ۱۲۳
	غرغال، ۶۰	غلوقیزیاء، ۱۸۰	غوشه، ۲۲۱
	غرغتیته (اندلس)، ۲۷۳	غلوقیون، ۲۷۶	غَیْطَل، ۲۲۹
	غَرْغِیْتَه (لاتینی)، ۲۳۱		

## حرف «غ»



غینغیدیون، ۱۸۳

**حرف «ف»**

فابا، ۷۳

فابش الیونانی، ۷۳

فابش القبطی، ۷۳

فابش یونانی، ۷۳

فابلص، ۸۳

فابه بورکه، ۹۳

فابه دیبوزکه، ۱۵۷

فابه (لاتینی)، ۷۳

فاتره (نبطی)، ۲۵۷

فاخر، ۹۶

فاخور، ۲۲۱

فادرونی، ۲۵۶

فارالیون، ۱۳۴

فارس العود، ۱۰۹

فارس الماء، ۱۷۱

فارستاریون، ۱۵۶

فارسطاریون، ۱۵۶

فارسطازیون، ۱۵۶

فارسطازیون، ۱۵۶

فارس ناریون، ۱۵۶

فارغه، ۲۲۲

فارق، ۹۶

فارقلومانن، ۱۶۰

فارنوخیانان، ۱۱۸

فارنیا (نبطی)، ۵۹

فاس، ۶۶

فاسی، ۲۲۲

فاسیلص، ۵۴

فاسیلون، ۵۴

فاشار، ۲۲۲

فاشر، ۷۸

فاشار، ۲۹۷، ۲۲۲، ۱۵۴

فاشار، ۲۲۲

فاشرستین، ۲۲۲

فاشرستین، ۲۲۲

فاشرستین، ۲۹۷، ۲۲۲

فاشرستین، ۹۰، ۲۲۲

فاشرشین (اندلس)، ۲۲۲

فاط، ۲۲۲

فاطن، ۷۳

فاغره، ۲۲۲

فاغرة الهندیه، ۲۹۶

فاغوس، ۱۹۳

فاغوش، ۱۹۳

فاغیه، ۲۲۷

فاغیه، ۱۲۵

فافا، ۷۳

فافبوس، ۵۷

فافس، ۸۱

فافل، ۲۲۸

فافیر، ۷۵

فافیوس الحدقی، ۵۷

فافوس، ۲۰۷

فافیر (مصر)، ۷۵

فالبرس، ۲۲۳

فالبرئس، ۲۲۳

فالسيسبانه، ۳۵

فالتجیطس، ۲۲۳

فالتجیئن، ۲۲۳

فالتجیئن، ۲۲۳

فالتجین، ۲۲۳

فالی بورس، ۲۲۳

فالیریس، ۲۲۳

فالینوس، ۱۸۳

فالیورس، ۱۸۵، ۱۶۸

فالیورس، ۲۲۳

فالیورون، ۱۶۸

فاناقس ابراقلیون، ۱۰۰

فاناقس اسقلیوس، ۱۶۵، ۲۲۳

فاناقس ابراقلیوس، ۱۰۰

فاناقس اَیْرِقَلْیون، ۱۰۰

فاناقس خمرونیون، ۲۲۳

فاناقس خیرونیون، ۲۲۳، ۲۴۸

فاناقس کبیر، ۱۰۰

فانتھاری (سند)، ۸۴

فانقراطیون، ۲۴۳

فانقوس، ۲۶۲

فانیرستینست، ۲۲۲

فانوانیا، ۲۱۶، ۲۲۳

فاورسیون، ۲۳۳

فاونیا، ۲۲۳، ۲۹۵

فاها، ۱۰۶

فایوقی، ۱۹۶

فأسی، ۶۶

فباله، ۲۷۳

فباواریس، ۱۵۱

فَتائِل الزَّهْبَان، ۲۲۳

فتحوریون، ۲۹۷

فت، ۱۲۹

فُجَل، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۶۶

فجل الصغیر، ۲۷۴

فُجَل الماء (مغرب)، ۲۳۵

فجل باعشقی، ۲۲۴

فجل بری، ۵۷، ۱۰۲، ۲۲۳

۲۲۴

فجل رخامی، ۲۲۳

فجل شامی، ۲۲۴

فجلن، ۹۰

فِجَن، ۶۲

فُجَن، ۷۴

فجی، ۱۳۰

فَخْدا، ۵۹

فَخْذ، ۵۹

فدلقم، ۲۵۲

فیرااشن قافالوطن، ۲۵۲

فراپیون، ۵۷

فراخشنه، ۲۶۹

فراژمنک (سجری)، ۲۷۱

فراسیا، ۲۶۶

فراسین، ۲۲۴

فراسینا، ۲۵۲

فَراسِیون، ۸۷، ۹۵، ۱۷۹

۲۵۲، ۲۲۴

فَراسِیون، ۲۲۴، ۲۵۲، ۲۸۰

فَراسِیون الابیض، ۲۲۴

فَراسِیون سیاه، ۲۲۴

فراشنه، ۱۴۴

فراط، ۹۶

فراقیون، ۵۰

فراولیون، ۷۹

فربوله، ۲۶۶

فربهن، ۸۳

فربیون، ۳۷، ۵۵، ۲۲۴

فَرَثانیون، ۵۸

فَرْج الأَرْض، ۱۸۰

فَرْخار، ۲۲۵

فَرْزَد، ۹۹

فرزدجویبار، ۴۴

فرسانا، ۷۶

فَرَسِسا، ۲۶۶

فرسطاریون، ۷۳

فرسطالیون، ۱۵۶

فرسک، ۱۳۹

فرزیک، ۱۳۹

فَرَسِیا، ۷۶

فرسیون، ۲۸۰

فرسیون (فرانسوی)، ۲۵۲

فرصاد، ۹۵

فرصاد (بصره)، ۹۵

فرفجین، ۸۲

فرفتح، ۸۲

فرفتح، ۲۶۶

فرفتح البری، ۸۲

فرقه، ۸۳

فَرَفِر، ۸۳

۸۹	فر فیر،	فَسُوْدُوْدِ قَطْمَن،	۲۸۱	فَطْر،	۲۲۶، ۲۲۱	فلاخان،	۱۸۳
۸۲	فر فین،	فَسُوْدُوْدِ قَطْمَن،	۲۸۱	فَطْر،	۲۲۶	فلار،	۳۵
۸۳	فر فینه،	فَسُوْدُوْدِ قَطْمَن،	۲۸۱	فَطْر،	۲۲۶، ۷۸، ۲۵۳	فَلَا قِش،	۶۶
۹۳	فر فیون،	فَسُوْشِ لَیون،	۸۹	فَطْر،	۲۶۱، ۲۲۶	فَلَل،	۳۴
۲۲۴	فر فیون،	فَسولن،	۲۷۱	فَطْر،	۲۲۶	فلانج (سندی)،	۵۷
۸۳	فر فین،	فَسولیدس،	۲۴۹	فَطْر،	۲۲۶	فلاروس،	۲۴۰
۱۰۳	فر لیون،	فَسولیدوس،	۲۴۹	فَطْر،	۵۴	فَلَا یَه،	۱۰۵
۲۹۸	فرما،	فَسوَة الضبع،	۹۳	فَطْسَا،	۳۱، ۳۵	فلجون،	۱۵۷
۲۲۵	فر میوس،	فَسوَة الضبع،	۲۲۶	فَعالا،	۲۲۳	فلجه،	۱۵۷
۱۸۳	فرن ت،	فَسیالانه،	۵۱	فَغلا سینوس،	۲۲۷	فلجیون،	۱۵۷
۵۳	فر نَجْمِشک،	فَش،	۳۰۱	فَغلامینوس،	۷۴	فلحون،	۱۶۹
۲۲۵	فر نَجْمِشک،	فشا،	۵۷	فَغلون،	۲۵۷	فلسب،	۲۴۷
۲۲۵	فرنجمشک،	فشاشیش،	۱۹۸	فَغوس،	۱۶۷	فلشراش،	۱۱۸
۱۰۷	فرو الحمام،	فشاع،	۱۹۵	فَغیلاموس،	۷۴	فلغیدس (نبطی)،	۱۲۶
۲۲۵	فرو دو هامان،	فشاع،	۲۲۶	فَقْلِیس،	۲۹۵	فَلْقَل،	۴۶، ۲۲۷
۲۲۵	فرو قودیلان،	فُشاع،	۱۶۰	فَقاح السورنجان،	۵۳	فلقل،	۲۲۸
۲۲۹	فریثا،	فُشاع،	۲۲۶	فَقاح الکرم،	۲۵۵	فلقل ابیض،	۴۶، ۲۲۷
۲۴۷	فریرسب،	فُشال،	۷۲، ۲۰۱	فَقَد،	۴۱، ۴۱	فلقل اسود،	۲۲۷
۹۹	فریز،	فشاله،	۲۰۱	فَقْع،	۲۲۶	فلقل الابيض،	۱۱۲
۲۴۹	فریغلیون،	فشرا،	۲۵۸	فَقْع،	۲۲۷	فلقل الأبيض،	۴۶
۲۷۱	فریقا،	فَشْع،	۲۲۶	فَقْلَامینوس،	۷۵	فَلْقَل الأبيض،	۱۴۲
۲۳۵	فریقان،	فشع،	۲۲۶	فَقْلَامینوس،	۲۲۷	فلقل الأخوص،	۲۷۶
۱۲۰	فریقه،	فشقل،	۱۵۳	فَقْلَامینوس آخر،	۲۲۷	فلقل الأسود،	۷۰
۱۲۰	فریقه (شام)،	فشک،	۹۶	فَقْلَامینوس آخر،	۷۵	فلقل الخواص،	۲۷۶
۷۰	فرینون صواستین،	فصفصه،	۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۶	فَقْلوطا،	۲۵۲	فلقل السودان،	۲۲۸، ۲۸۹
۱۵۱	فزع اللبوءه،	فَقْل،	۲۹۱، ۲۴۱	فَقّوس،	۲۲۷	فلقل السودان (اندلس و	
۲۲۶	فَزْغَد (سغدی)،	فصل مأكول،	۸۵	فَقّوس الحمیر،	۲۳۳	مغرب)،	۱۶۳
۲۲۵، ۱۱۳	فستق،	فصولیا،	۲۷۱	فَقّوس (مغرب)،	۲۳۳	فلقل الصقالیه،	۴۱
۱۱۱	فستق البادیه،	فصون،	۲۷۱	فَقوشا،	۱۳۰	فَلْقَل الصَقَالِیَه (اندلس)،	۴۱
۱۰۹	فُسْتَق المصری،	فضل الجوارى،	۸۰	فَقولیون،	۱۲۵	فلقل الصقالیه،	۲۲۸
۱۱۱	فستق الهاویه،	فضیه،	۲۲۶	فَقومیللاس،	۴۱، ۹۴	فلقل القروذ،	۲۵۱
۱۹۶	فستق (شیراز)،	فَضِیَه،	۶۰	فَقیص،	۱۸۳	فلقل الماء،	۲۲۸، ۲۵۴
۱۱۱	فستقی،	فَضِیَه،	۱۱۹	فَقیل،	۲۲۶	فلقل بری،	۴۱
۱۵۶	فسطاریون،	فَضِیَه،	۲۲۶	فَكْتلْمَن،	۴۴	فلقل تر،	۵۷
۱۸۱، ۱۴۶	فَسْغانیون،	فطاریقا،	۴۹	فَكی،	۲۰۷	فلقل دراز،	۱۴۲
۵۱	فسله،	فَطْر،	۱۷۳	فل،	۱۳۸، ۲۲۷	فلقل سفید،	۱۴۲
۷۸	فسلیون،	فَطْر،	۲۰۱	فَلْ،	۲۲۷	فلقل سیاه،	۷۰
۷۸	فَسْلَیون،	فَطْر،	۲۵۸، ۲۳۰، ۲۱۸	فلاح،	۲۳۲	فلقلک (طبرستان)،	۱۶۴

فوقاذین، ۷۴	فودنج البری، ۸۳	فم الطائر، ۱۲۹	فلفل کوهی، ۴۱
فُوقَس البحری، ۲۰۰	فودنج التیس، ۲۲۹	فم قریش، ۱۹۷، ۲۴۱	فلفل گرد، ۲۲۷
فُوقِش، ۲۷۵	فودنج بری، ۲۸۱	فمل قریش، ۱۹۷	فلفلمون، ۲۲۸
فوکرم، ۱۱۸	فودنج بستانی، ۲۸۱	فنا، ۲۱۴	فلفلموی، ۲۲۸
فول الحمام، ۱۰۱	فودنج جبلی، ۱۱۳	فناغیوس، ۲۵۷	فلفل مُوتِه، ۲۲۸
فول الحَمَام، ۲۴۶	فودنج جوهی، ۱۹۸	فنال، ۱۴۸	فلفل مویه، ۲۲۸
فول الخنزیر، ۱۲۸، ۲۷۱	فودنج نه‌ری، ۲۲۹	فنا (نبطی)، ۲۴۹	فُلُفْلُمویه، ۲۲۸
فول الشعال، ۲۴۸	فودیاسایس، ۳۰۰	فنجبون، ۱۷۱	فلفلة، ۲۵۷
فول المجوسی، ۲۷۳	فودنج، ۲۸۰	فنجریون، ۲۲۸	فلفمون، ۲۲۹
فول (قبطی و مصری)، ۷۳	فودنجات، ۸۳	فنجکشت، ۴۰	فلک تاز، ۲۴۵
فوله، ۲۲۸	فودنج البری، ۲۰۵	فنجگشت، ۴۱، ۱۵۲، ۲۲۸	فلمویه، ۲۲۸
فولیون، ۱۰۳، ۲۳۰	فودنج البستانی، ۲۲۱	فنجین، ۸۸	فلنجمشک، ۸۳، ۲۲۵
فُولیون، ۱۰۳	فودنج التیسی، ۲۸۱	فَنجیون، ۲۲۸	فلنجوس، ۲۷۳
فوم، ۱۲۶	فودنج النه‌ری، ۱۱۳، ۱۹۸	فندق، ۸۸، ۱۰۵	فلنجه، ۵۶، ۱۶۱، ۲۴۹
فوقَس، ۹۱	فودنج نه‌ری، ۱۱۳	فندقا، ۸۸	۲۵۰
فونیاثا، ۲۲۹	فودنو (سند)، ۲۲۹	فندق هندی، ۵۲، ۵۴	فلنلمنکا، ۲۲۵
فُوّه، ۲۳۰	فورا، ۱۲۶	فقطافلون، ۸۸، ۱۵۲	فُلُور اورو، ۸۰
فوه الصباغان، ۲۳۰	فورثرون، ۲۰۵	فقطافیلن، ۴۱	فلوریکا، ۱۹۶
فوه الصباغین، ۲۰۸، ۲۳۰	فورثون، ۲۰۵	فقطافیلون، ۸۸	فلورینه، ۱۴۹
فوه الصبغ، ۲۳۰	فورس، ۱۲۶	فقطسی، ۱۲۴	فلوس، ۲۷۷
فوهق، ۲۴۵	فورس، ۲۵۸	فقطراطیون، ۲۴۳	فلوسطیون، ۱۰۴
فوهل، ۷۶، ۲۴۵	فورش ابجی، ۲۷۵	فقتین، ۱۰۳	فُلُوسه کُد، ۱۴۰
فوة البرانیة، ۸۶	فوروفش، ۱۵۵	فنلیه، ۷۸	فلوغوناظن، ۲۱۰
فُویله، ۲۷۳	فورینه، ۱۴۹	فنیفس، ۲۳۶	فلوقاریش، ۲۸۰
فیاس، ۶۶	فوریون، ۲۵۷	فنیفس اغریون، ۲۳۶	فلوقرنیا، ۲۳۷
فیاقه، ۹۳	فوشنه، ۲۲۶	فَنیُکَس، ۹۵	فلوماین، ۱۸۵، ۲۰۵
فیاقیدنوس، ۱۵۲	فوضوفش، ۱۹۸	فُو، ۲۲۸	فلومس، ۳۳، ۹۰
فیثمون (فاس)، ۵۵	فوطینوس، ۲۲۴	فو، ۲۲۹، ۲۸۸	فُلُومَس، ۹۰
فَیْجَل، ۱۶۷	فوعین، ۲۳۰	فواحش، ۹۲	فلومس اداؤش، ۱۵۳
فیجن، ۱۶۷	فوغلی، ۲۲۳	فویاروم (فرنگی)، ۲۲۹	فلومس صغیر، ۶۰
فیخیون، ۱۱۹	فوفارون، ۱۲۵	فویاکینوم (فرنگی)، ۲۲۹	فلومس مَقْرُون، ۶۰
فیزیدجاغی، ۱۳۲	فوفل، ۵۴، ۲۴۸	فوتج، ۱۱۰، ۲۲۹	فلیطش، ۸۷
فیثوثا، ۳۳	فُوفَل، ۲۳۰	فوتج البری، ۱۰۵	فَلِیْفَله، ۲۲۸، ۲۴۸، ۲۹۶
فیطل، ۲۰۴	فُوفَل، ۲۳۰	فوتج بستانی، ۱۲۲	فلیفلة، ۲۹۶
فَیْطَل، ۲۰۴	فوفلا، ۲۳۰	فوتج نه‌ری، ۲۴۹	فلیمن، ۵۷
فیغائن، ۱۱۶	فوفیلاطینوس، ۷۴	فوئا، ۲۳۰	فلیورش، ۲۱۴
فیغانن، ۱۶۷	فوقادائن، ۳۰۰	فودنج، ۱۹۵	فُلَیه (مصر)، ۲۲۹
فیغائن، ۱۶۸	فوقاذائن، ۷۴	فودنج، ۲۲۹	فم، ۲۲۹

فیغانن اغریون، ۱۶۷	قاتل الذب، ۲۳۱	قاطر (صیادلده)، ۱۴۶	قَبَاة، ۱۴۷
فیغروا، ۱۲۵	قاتل الذنب، ۴۲، ۱۲۸	قاع قَلَا، ۲۳۲	قبتورية، ۲۵۸، ۲۵۴
فیغس باطس، ۲۵۰	قاتل العَلَق، ۲۳۱	قافلا (لاتینی)، ۷۶	قبساطه، ۹۹، ۱۴۳
فیغنا، ۱۶۷	قاتل الکلب، ۴۲، ۱۲۸، ۲۳۱	قافنون، ۲۶۲	قبسطاله، ۱۲۷، ۱۵۳
فیغن اغریون، ۲۳۶	قاتل النحل، ۲۳۲، ۲۹۲	قافنیس، ۲۶۲	قبسطلیه، ۵۴
فیقایفا (عبرانی)، ۵۷	قاتل النمر، ۱۲۸	قاقالیا، ۸۲، ۲۳۲	قبسطون، ۲۷۷
فیقس، ۱۲۶	قاتل نفسه، ۵۵، ۲۳۲	قافل، ۵۲، ۲۳۲	قبلی (مشرق)، ۲۰۷
فیقوس، ۱۰۵	قازاژش، ۱۵۳	قاقلا، ۲۴۳	قبوط، ۲۵۲
فیقومورا، ۱۰۵	قاراطیا، ۱۳۲	قاقله، ۲۳۲	قَبْلَه موره، ۲۵۷
فیقه، ۹۶	قاراطیطس، ۶۷	قاقله، ۲۳۲، ۲۳۵	قبی، ۹۶
فیقه متیره، ۱۰۵	قاراطیطس، ۱۳۴	قاقله الصغار، ۷۰	قُبُیْط، ۲۸۹
فیلا، ۲۲۹	قارامون، ۸۰	قاقله صغار، ۲۹۶	قُبُیْطَاء، ۲۸۹
فیلاطاریون، ۶۸، ۷۱، ۱۵۵	قارُبَاسَنِلَقا، ۱۰۷	قاقله صغیر، ۲۳۲	قبطه، ۱۹۱، ۲۸۹
فیلجوش، ۲۳۰	قارُبَانِیْطِقا، ۱۰۵	قاقلة صغیره، ۲۹۶	قَت، ۱۲۲، ۱۵۶
فیل جوش، ۲۷۳	قارج، ۵۰، ۱۴۸	قاقلی، ۱۵۵	قت، ۱۵۶
فیلزهرج، ۵۸، ۱۲۰، ۲۳۱	قارجی، ۷۵	قاقلی (قبطی)، ۲۳۲	قَت، ۲۹۱
فیلگوش، ۲۳۰	قارج، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۶۰	قاقلی (نبطی)، ۲۸۴	قتاد، ۱۸۹، ۲۵۱، ۲۹۲
فیلورا، ۱۱۲، ۲۰۶	قارسطاریون، ۱۵۶	قاقیا، ۲۳۳	قَتاد، ۲۳۳
فیلورا، ۲۰۶، ۲۵۱	قارسون، ۲۴۹	قالاس، ۲۴۰	قتاد الأعظم، ۲۳۳
فیلون، ۲۳۱	قارطیا هندی، ۱۴۰	قالاض، ۲۴۰	قتاد الصغیر، ۵۹
فیلیطس، ۲۳۱	قارنوخیا، ۱۱۸	قالامغرسطس، ۹۹	قت البر، ۲۹۱
فینقس، ۹۲	قارنیا (نبطی)، ۵۹	قالامُنْتی، ۱۹۸، ۲۲۹	قتد، ۲۳۴
فیهق (اندلس)، ۶۴	قارنی یاروق، ۷۸	قالنجی، ۱۹۲	قتاد، ۲۳۳
<b>حرف «ق»</b>		قالیر، ۱۹۲	قَتَاء، ۱۴۰
قاباش قبطی، ۷۳	قازوا، ۲۵۶	قالیقیا (شام)، ۱۹۳	قَتَاء، ۲۳۳
قابانیقی، ۲۳۲	قارواباسلیقا، ۱۰۶	قالیورس، ۶۱	قتاء البری، ۲۳۳
قابضه، ۱۳۴	قاروانا، ۲۵۶	قامارون، ۱۰۶	قتاء البری الهندی، ۸۵
قاب طیره، ۱۱۹	قارودیا، ۱۰۷	قاماریون، ۲۳۱، ۲۴۲	قتاء البستانی، ۲۳۳
قابطیره، ۲۸۰	قاروصبشو، ۶۵	قائش، ۲۵۹	قتاء الحمار، ۱۹۴، ۲۳۳
قابیش، ۲۴۰	قاره، ۶۰، ۲۳۲، ۲۸۰	قانیوس، ۱۸۳	قتاء الحمار، ۲۱۳، ۲۵۳
قابی طیاره، ۱۵۷	قاره (اندلس)، ۱۷۱	قاوند، ۲۳۳	قتاء الحمیر، ۲۳۳
قاتل ابنه، ۵۷	قاره (اندلس)، ۱۷۱	قبار، ۲۵۰	قتاء الحیة، ۲۳۴
قاتل ابنه، ۷۵، ۱۰۶، ۲۱۱	قاریا، ۱۰۶	قَبَار، ۲۵۰	قتاء العظم، ۱۲۶
قاتل ابنه، ۷۵، ۱۰۶، ۲۱۱	قاریاسلقا، ۱۰۶	قبارس، ۲۵۰	قتاء الکبر، ۲۵۳
قاتل ابنه، ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۴۲	قاسی، ۷۲	قبارومبدوس، ۲۴۵	قتاء النعام، ۱۲۶
قاتل اخیه، ۱۳۵	قاطانقی، ۲۰۵	قباریش، ۲۵۰	قتاء الهندی، ۱۴۰
قاتل الحمیر، ۱۴۵	قاطانقی، ۲۳۲	قَباسه، ۱۵۳	قتاء کوچک، ۱۹۸
	قاطانیقی، ۲۳۲	قباق، ۲۳۷	قَتد، ۲۳۴

قَتَد، ۲۳۴	قراطیا، ۱۳۲	قرشیون، ۱۰۳	قَرَط، ۲۳۷
قَتَد (حجاز)، ۲۳۴	قراطیارغیون، ۲۳۵	قُرَش قَبْلَه، ۲۵۷	قَرَع، ۱۴۲، ۱۵۴
قَتَل، ۲۳۴	قراقیا، ۱۵۷	قرشی، ۹۶	قَرَع، ۲۳۷
قَتی، ۲۳۴	قرالنا، ۲۳۵	قرشیقا، ۱۰۶	قَرَع، ۲۳۷
قَثیون، ۱۹۱	قرانیا، ۱۶۰، ۱۶۳، ۲۳۵	قرصعنه، ۴۷، ۸۴، ۱۰۵	قَرَع المَر، ۲۳۷
قَجَلال، ۹۶	۲۷۸	۱۵۸، ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۶۱	قَرَع الیابس، ۱۴۲
قَجَنار، ۸۴	قُرانی، ۱۶۳	۲۹۶	قَرغار، ۴۶
قَجی، ۲۶۶	قُرأ، ۲۳۷	قَرَضَعَه، ۲۳۶	قَرفا، ۵۷
قَحوان، ۵۷	قربان، ۱۳۹	قرصعنه جبلی، ۲۳۶	قَرفلون، ۲۳۸
قَداح، ۱۵۵	قربانیون، ۵۸	قرصعنه مسدس، ۲۳۶	قِرْفَه، ۱۴۱
قَدح مریم، ۲۳۴	قربض، ۶۵	قرصعنه، ۱۴۳، ۲۵۲	قِرْفَه، ۲۳۸
قَدرومیلا، ۴۰	قربوله (لاتینی)، ۲۶۶	قَرَضَعَه، ۱۵۲	قِرْفَه، ۱۰۷
قُدْبَه، ۱۵۱	قَرثان، ۱۸۷	قَرَضَعَه، ۱۹۱، ۲۳۶	قِرْفَه القَرنفل، ۱۴۱
قَدومه (اصفهان)، ۹۶	قَرثمن، ۲۳۵	قِرَضَعَه، ۲۲۹	قِرْقَا، ۲۰۹
قَذروس، ۲۳۴	قَرثی، ۱۸۷	قرصعنه الزرقاء، ۱۹۱	قَرْقاز (فاس)، ۲۴۳
قَذلبه (اندلس)، ۱۵۱	قَرَج، ۱۴۸	قرصونه، ۲۳۶	قَرقسِیون، ۲۳۸
قَرأ، ۲۳۷	قَرحا، ۲۰۹	قرصینا، ۶۵	قِرْقیمان، ۲۳۸
قَراح، ۲۱۳	قَرداسات الذوائب، ۱۲۱	قَرط، ۱۳۲	قَرَم، ۲۳۸
قَرادامنی، ۱۸۲	قَردامن، ۱۱۵	قُرَط، ۲۳۶	قَرمامومن، ۲۳۵
قَرادامومن، ۱۱۵، ۱۱۶	قَردامومن، ۱۱۵، ۲۳۲، ۲۳۵	قَرطبی، ۱۱۸	قَرمد، ۲۵۵
قَرادسینی، ۱۱۶	قَردامومون، ۲۳۵	قَرطف، ۲۴۱	قَرمقام، ۲۵۶
قَرادمن، ۱۱۵، ۲۳۵	قَردامون، ۲۳۵	قَرطم، ۱۱۳، ۲۱۰	قَرْمَل، ۱۲۳
قَرادیه، ۱۱۴	قَردامین، ۱۱۶	قُرْطُم، ۱۴۲	قَرمون، ۲۵۱
قَراسیا، ۱۱۳، ۲۳۴	قَردامانا، ۲۳۲، ۲۵۶، ۲۶۱	قَرطم، ۱۶۳	قَرمیدیا، ۸۰
قَراسیا (دمشق)، ۲۳۴	قَرْدیمان، ۲۳۵	قُرْطُم، ۲۳۶	قَرن الّاْیَل (اندلس)، ۲۳۵
قَراسیون، ۲۴۹	قُرْدمانا، ۲۳۵	قِرْطُم، ۲۳۶	قَرن البحر، ۲۶۴
قُرْاص، ۵۷، ۲۳۴	قُرْدمانا، ۲۳۵	قَرطمان، ۱۲۶، ۱۳۱، ۲۶۳	قَرنبا، ۱۲۲، ۲۵۵
قَراصیا، ۲۳۴	قَردمانی، ۲۳۵	قُرْطمان، ۲۳۷	قُرْنبَا، ۲۵۶
قَراصیا البعلبکیه (اهالی صقلیه)، ۲۳۴	قَردمون، ۱۱۵	قَرطمانا، ۲۳۵، ۲۵۶	قَرنبا انمارس، ۲۵۶
قَراصیا (مغرب و اندلس)، ۱۱۳	قَردی، ۱۳۳	قِرْطمانا، ۲۵۶	قَرنباد، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۶
قَرَضیا، ۲۳۴	قَرذالیوم، ۱۱۴	قَرطم بری، ۱۵۸	قُرْنباد، ۲۵۶
قَراطاغونن، ۲۳۵	قَرذباله (لاتینی)، ۶۳	قُرْطُم بری، ۲۳۶	قَرنباد، ۲۵۶
قَراطارغون، ۲۳۵	قَرذیوله، ۷۲	قَرطم هسک، ۲۱۰	قَرنبا (نبطی)، ۲۸۴
قَراطاط، ۲۳۵	قَرز، ۱۲۱	قَرطم هندی، ۱۱۳، ۲۳۷	قَرنبو، ۲۵۵
قُرْاطاغونن، ۱۲۶	قَرسطاریون، ۱۷۱	۲۹۲	قُرْنبی، ۱۰۵
قَراطاوس، ۱۴۷	قَرسیون، ۴۷، ۱۵۱	قَرطی، ۹۶	قُرْنبی ایمارس، ۲۵۶
	قَرشادوقاتا، ۱۲۶	قَرظ، ۵۷، ۲۳۷	قَرنبیط، ۲۵۶
		قَرَط، ۱۳۲، ۱۹۱	قُرْنج (اندلس)، ۵۹

قرنساء، ۶۷	قریطیقوس، ۶۷، ۱۴۸، ۲۰۴	۸۴	قسینی (لاتینی)، ۲۶۶
قرنفاد، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۶	قریطیقوس ارمالی، ۱۴۸	قسط بحری، ۲۳۹	قَش، ۲۴۰
قرنفار، ۲۵۶	قَرِیْعَة، ۲۲۲	قسط تلخ، ۲۳۹	قشا، ۱۷۴
قَرَنُفَل، ۲۳۸	قُرِیْعَة، ۲۵۸	قسطرون، ۸۷	قَشْبَة (حجازی)، ۲۴۰
قرنفل الارض، ۲۹۱	قُرِیْعَة الکَتان، ۲۵۸	قسط رومی، ۱۵۳	قَشْتَنیَوَلَه (لاتینی)، ۱۸۰
قَرَنفَل بستانى، ۲۲۵	قُرِیْعَة الکَتان (اندلس)، ۱۶۷	قَسْطَرُون، ۲۳۹	قشر ترجیه، ۲۴۰
قرنفل جبلی، ۴۶	قُرِیْعَة (اندلسی)، ۵۵	قسطریون، ۸۷	قشطل، ۸۷
قرنفل شامی، ۲۳۸	قرین مو، ۲۲۸	قسطس، ۲۳۹	قشطنیولا، ۸۰
قرنفلیه (اندلس)، ۱۶۵	قرینوس، ۷۰، ۱۸۰	قَشْطُس، ۲۳۹	قَشْطَنُوَلَه، ۱۴۵
قرنفلیه (مغرب)، ۲۳۸	قُرینوِضواسین، ۱۸۱	قسط سفید، ۲۳۹	قَشْعَر (یمین)، ۲۳۳
قرنفول، ۲۳۸	قریوله، ۲۶۶	قسط سیاه، ۲۳۹	قُشَف، ۲۱۱
قرنفار، ۲۵۶	قُرِیَوَلَه (اندلس)، ۲۶۶	قسط شامی، ۱۵۳	قشقابن فلسدیار، ۱۴۱
قرونوس، ۱۲۴، ۲۰۸	قُرِیَوَلَه (لاتینی)، ۲۶۶	قسط عربی، ۲۳۹	قشلومن، ۱۱۴
قرنوله دِکائِبَة، ۵۹	قریون، ۲۵۴	قسطل، ۸۶	قشنا، ۲۳۹
قَرْنُوْش (لاتینی)، ۲۳۵	قَزاح، ۲۱۲	قُسْطَل، ۸۶، ۸۷	قشوقی (سندی)، ۲۰۹
قرنوه، ۲۹۶	قَزاح، ۲۳۸	قَسْطَلَة صغیر، ۱۸۰	قُصاص، ۱۳۷
قَرْنَوَة، ۲۳۸	قَزحی، ۸۴	قَسْطَلَة صغیره، ۸۰	قصاص، ۲۴۰
قرنه، ۴۶	قزقحیر، ۸۳	قسط مر، ۲۳۹	قصب، ۳۷، ۱۵۵
قَرْنَة، ۱۲۹	قُس، ۲۳۹	قَسْطَنه، ۸۷	قَصَب، ۲۴۰
قرنی آغریا، ۲۵۶	قسا، ۲۳۹	قسطوریون، ۸۷	قصب البردی، ۷۲
قرنیثا، ۲۲۹	قساالحمار، ۱۹۴	قسطوس، ۲۳۹	قصب الذریرَه، ۲۴۰، ۲۴۴
قروِقوقیون، ۴۵	قسادق، ۲۶۷	قسطولیدون، ۲۴۹	قصب الذهبی (اندلس)، ۲۷۲
قروِص، ۶۵	قسارت، ۲۶۷	قسط هندی، ۲۳۹	
قروطن (قبرس)، ۱۳۳	قسارِیسمّا، ۲۴۰	قسطیدس، ۲۰۱	قصب الذیرَه، ۲۴۰
قروفا، ۲۳۷	قس الکلاب (مصر)، ۲۱۹	قسطیس، ۲۰۱	قصب الریح (اندلس)، ۲۷۲
قُرُوْش، ۱۶۳	قَسَب، ۹۵	قسعر، ۲۳۳	قصب الریح (فاس)، ۲۴۰
قُرُوْش، ۱۶۳	قَسب، ۹۵، ۲۳۹	قسماط، ۱۳۰	قَصَب السُکر، ۲۴۱
قَرُوْمان، ۸۱	قسبک (شیراز)، ۹۵	قسئانس، ۲۶۶	قصب الصین، ۱۴۱
قرومیدیا، ۸۰	قسئوس، ۴۶، ۱۸۸، ۲۶۷	قسوس، ۱۱۳، ۱۴۳، ۲۶۵	قصب بری، ۱۴۷
قرون السنبل، ۲۳۸	قِسئوس، ۲۶۵	۲۶۶، ۲۶۷	قصب بوا، ۲۴۰
قَرَة العین، ۱۰۳، ۱۸۲	قسئارون، ۴۶	قسئوس، ۱۲۱، ۲۴۰	قصب جبلی، ۱۴۷
قَرَة العین، ۲۳۵، ۲۵۸	قسئخروطن، ۲۳۹	قسوة الکلابغلتک، ۱۸۳	قصب شوی، ۳۴
قریثا، ۱۲۶	قسس، ۲۶۶	قِسِی، ۱۹۰	قَصْبور، ۲۵۷
قریدی، ۱۰۶	قُسْط، ۲۳۹	قِسْیا، ۱۷۴	قَصْبِه، ۹۹
قُرِیص، ۶۵	قُسْط الرومی، ۱۵۳	قِسْیا، ۲۳۹	قَصْبَة، ۱۴۸
قریص، ۶۵	قسطانیا، ۸۶	قسیاس، ۷۴	قصبی، ۲۱۲
قُرِیص، ۶۵، ۱۱۰	قُسْطانیقی، ۸۴	قسئ (اندلس)، ۲۰۰	قَصْد، ۲۱۷
قُرِیص، ۲۵۵	قُسْطانیقی (اهالی سواد)، ۲۶۶	قسیناد، ۲۶۶	قصری، ۹۶

قَصْعَة، ۲۶۶	قطن، ۱۵۲، ۲۲۶	قَلَا قَلَى، ۴۵	قلقاسی، ۲۴۳
قَصْعَة الحمیر، ۲۶۶	قَطْن، ۲۴۲	قَلال، ۷۹	قَلْقاص، ۹۴
قَصفا، ۱۳۳	قطوس، ۳۱، ۳۵	قَلَام، ۶۰، ۱۲۳، ۱۸۲	قَلقال، ۲۵
قَصم، ۲۴۲	قطولی، ۲۴۷	قَلام، ۲۴۳	قَلقل، ۱۱۲
قُصَة الحِیَة (مغرب)، ۲۴۶	قطنونا، ۷۸	قَلَام، ۲۵۴	قَلْقَل، ۲۴۴
قَصی، ۹۶	قطیا، ۲۳۳	قَلامس اُزوماطیس، ۲۴۱	قَلْقَل، ۲۴۴
قَصیص، ۴۲	قُطَیْطین، ۲۶۹	قَلامُغرسطس، ۱۴۸	قَلقلان، ۱۱۲
قَصیصه، ۹۶	قطیفه، ۲۴۲	قَلام کرمان، ۲۳۲	قَلقلان، ۲۴۴
قَصیم، ۲۴۲	قطید اوس، ۲۳۲	قَلامتی، ۲۲۹	قَلقونیا، ۲۴۴
قُضاب مصری (مصر)، ۲۴۱	قَعالا، ۱۵۳	قَلانتره، ۲۵۷	قَللجَة، ۳۹
قُضام، ۱۲۳	قَعَبَل، ۲۲۶، ۲۴۳	قَلانتره کمبائه، ۲۵۷	قَلماس، ۲۴۱
قُضَب، ۵۸، ۱۵۶، ۲۴۱	قَعْقور، ۸۰	قَلانُش، ۲۴۳	قَلنبارس، ۲۰۴
قُضَب، ۲۹۱	قَعنب، ۸۰	قَلَب، ۲۴۳	قَلنبارش (لاتینی)، ۱۵۶
قَضبانَا، ۱۱۶	قُغْنَب، ۲۴۳	قَلَب الأَرْض، ۱۸۰	قَلنبره، ۲۰۴
قَضْم قَریش، ۱۳۲، ۱۹۶	قُغْنَب، ۲۴۳	قَلب النخل، ۹۵	قَلنبه قَوْلَة، ۳۴
۲۴۱	قعیلاس، ۳۴	قَلبخ، ۲۲۱	قَلنبیل، ۱۴۱
قُطَب، ۱۱۸	قُف، ۲۲۰	قَلیرله، ۲۷۳	قَلنبینه، ۱۵۰
قَطبَا، ۱۱۸، ۲۴۱	قُفا، ۱۰۷	قَلت، ۱۱۲	قَلندیرله، ۶۰
قَطبی حمارا، ۲۳۳	قُفالوط، ۲۵۲	قُلْت، ۱۱۲	قَلنسد ناردین، ۱۴۱
قَطرات کوئی، ۲۴۱	قُفالیَا، ۲۴۹	قَلت، ۱۱۲	قَلوب الدحج، ۴۱
قَطران، ۳۹، ۲۰۳	قِف (دمشق و شام)، ۳۶	قَلتا، ۱۱۲	قَلوب النعام، ۵۴
قَطِیران، ۱۸۷	قُفر، ۲۸۳	قَلتمان، ۲۲۵	قَلودیقی، ۱۹۶
قَطریل، ۱۶۸	قُفر الیهود، ۵۰، ۱۲۴	قَلجونه، ۲۴۳	قَلوس، ۲۷۷
قَطَف، ۸۴، ۱۱۹، ۱۷۰	قُفروس، ۱۳۳	قَلخیغن، ۱۰۸	قَلوغیطون، ۱۹۶
قَطَف، ۲۴۱	قُفطا، ۲۴۱	قَلْخِیقُن، ۱۸۰	قَلوفیا، ۲۳۷
قُطفا، ۱۷۰	قُفُعا، ۲۵۲	قَلس، ۱۸۲	قَلومائی، ۴۶
قَطف بحری، ۲۴۲، ۲۷۱	قُفل، ۸۲	قَلسوفودیون، ۲۴۳	قَلومامش، ۴۶
۲۸۴	قُفلوط، ۲۴۳، ۲۵۲	قَلشتر، ۱۸۹	قَلومانن، ۱۸۵
قَطف بری، ۱۳۹	قُفُور، ۲۴۳	قَلطانه، ۲۵۰	قَلومائِن، ۱۸۵، ۲۴۴
قَطَف (مغرب)، ۱۷۰	قُفُورا، ۱۴۳	قَلفوح، ۱۵۳	قَلُومائِن، ۲۴۴
قُطَلَب، ۱۲۲	قُفَل، ۸۲	قَلفُورا، ۱۴۳	قَلومُس، ۲۴۴
قُطَلَب، ۱۲۳	قُقلامینس، ۲۲۷	قَلقوط، ۸۰	قَلومش، ۳۳
قُطَلَب، ۱۸۶	قُقومیلاس، ۴۱	قَلفون، ۸۱	قَلوین، ۱۰۳
قَطَلَب، ۲۳۱، ۲۴۲	قُقیس، ۲۱۱	قَلفونیا، ۱۵۲	قَلن، ۱۲۳
قُطَلَب (شام)، ۲۴۲	قُقیس، ۲۱۱	قَلْقاس، ۳۴	قَلی، ۲۴۴
قَطلم، ۱۶۶	قَلارسیس، ۱۸۴	قَلقاس، ۱۸۱	قَلیا، ۲۴۴
قَطلونیه، ۸۰	قَلّاظی، ۹۶	قَلْقاس، ۲۴۳	قَلیجوله، ۱۶۱
قُطْن، ۱۳۱، ۲۴۲	قَلال، ۱۱۲، ۲۴۴	قَلْقاس، ۲۴۳	قَلیقَل، ۲۷۴

قلیماصیس، ۲۴۱	قَنَابَری (نبطی)، ۲۴۵	قندیز، ۲۹۵	قوالن، ۷۹
قلیماطیطس، ۱۶۱	قنابس، ۲۴۵	قنطا، ۶۹	قوامس، ۷۳
قلیماطیطس، ۱۶۱	قَنَابَش، ۱۱۲، ۲۴۵	قنطادوس، ۲۳۶	قوبع، ۱۱۴
قلیمونه، ۹۰	قنابش آغریون، ۱۱۲	قنطس، ۲۲۶	قوتارشوق، ۱۵۲
قلینوفودیون، ۲۴۳	قنابوس، ۲۴۵	قنطورین غلیظ، ۲۴۶	قوت البریه (صیدلانیه)، ۸۶
قُلَیون، ۱۳۶	قناد (مغرب)، ۲۱۴	قنطوریون، ۳۶، ۲۲۰، ۲۴۶	قوتری، ۲۵۰
قلیون دِغاته (ثغری)، ۱۳۵	قنار، ۱۱۴	۲۷۴	قوتقس، ۹۱
قلیونش دِغاته، ۱۵۰	قناروخشک، ۵۳	قَنطُوریون، ۲۴۵	قوث، ۲۹۳
قلیه (مصر)، ۲۲۹	قَناریه، ۱۱۴	قنطوریون الأصفر، ۳۶	قوئیرا، ۱۹۹
قماشیر، ۲۶۰	قناریه (اندلس)، ۱۱۴	قنطوریون الجلیل، ۲۴۶	قوج (ترمذی)، ۲۲۶
قمح، ۱۲۶	قَناریه بری، ۱۱۴	قنطوریون الدقیق (اندلس)، ۲۴۶	قودونیا میلانا، ۱۷۲
قَمَح، ۱۲۶، ۱۶۴، ۱۹۴	قَناریه (مغرب)، ۱۱۴	۲۴۶	قورس، ۲۹۸
قمحادرزی، ۱۹۹	قنا صغیر، ۲۴۴	قنطوریون باریک، ۲۷۴	قورینا دطوری، ۲۲۹
قمح البری، ۴۲	قَنَاله، ۲۶۹	قنطوریون دقیق، ۲۰۹، ۲۴۶	قوروقوس، ۱۶۳
قَمَح الحَجَل، ۱۲۶	قنالیون، ۲۴۸	قنطوریون صغیر، ۲۴۵	قوروثقس، ۱۵۵
قمح السودان، ۱۰۰	قنا (مصر)، ۵۱	قنطوریون طرمقرون، ۲۴۶	قوریانون، ۲۵۷
قمح الشیطان، ۱۲۶	قناموشن، ۱۴۱	قنطوریون طُولبطون، ۲۴۶	قوریون، ۲۰۵، ۲۵۷، ۲۹۸
قمح الصقاله، ۱۲۶	قَناموشن، ۱۴۱	قنطوریون طولیطون، ۲۴۶	قوز، ۲۴۲
قمح جبلی، ۱۰۳	قنا هندی (خوازنه)، ۸۵	قنطوریون طوماغا، ۲۴۶	قوسطاریون، ۱۵۶
قمح ماناه، ۱۲۶	قَنَب، ۱۱۲، ۲۴۵	قنطوریون غلیظ، ۲۰۹	قوسی، ۲۰۱
قَمَحَة، ۲۴۱	قَنَب، ۲۴۵	قنطوریون کبیر، ۲۴۵	قوسیة، ۲۴۶
قمر، ۵۹	قَنباله، ۲۵۱	قنطیانی، ۱۰۶	قوش اوزی، ۲۱۴
قمرور، ۱۴۳	قَنَب بری، ۱۱۲	قنذی، ۱۱۸	قوشنا، ۲۳۹
قمره، ۵۹	قنب (مغرب)، ۲۴۵	قنقهر، ۲۴۷	قوشیا، ۲۳۹
قمریت (اصفهان)، ۲۵۵	قنب هندی، ۲۴۵	قنلیه، ۱۵۵	قوطاما، ۲۴۷
قمسلیل، ۱۴۸	قنبیرا، ۲۴۵	قنوبر (سند)، ۱۴۵	قوطس، ۲۴۰
قمش (جرجان)، ۲۷۹	قَنَبیط، ۲۴۵	قنول، ۱۴۱	قُوطَیْدُون، ۲۴۷
قملول، ۲۴۵	قَنَبیط، ۲۵۶	قَنه، ۲۴۶	قوطلیدون، ۳۳، ۳۴، ۱۶۹
قَمَلین، ۱۲۳	قَنَبیط، ۲۵۶	قَنه، ۷۲، ۲۶۱	قوطلیون، ۲۳۴
قُمْنش، ۲۶۲	قَنَبیط، ۲۵۶	قنه (اندلس)، ۲۵۹	قوفا، ۲۴۴
قمنصانا، ۵۹	قَنَبیط الذکر، ۲۵۶	قَنی، ۲۴۴	قوفی، ۴۴، ۲۴۷
قَمَنَحَه، ۲۴۴	قنبیل، ۲۴۴	قَنَبیه (اندلس)، ۱۱۲	قوقابس، ۱۴۸
قَمِیص، ۶۷	قنتوله، ۲۷۵	قَنیره، ۲۸۰	قوقالس، ۲۴۷
قَمَنَله (شام)، ۱۱۸، ۱۴۸	قنجوله، ۱۲۲	قنیقوس، ۲۳۶	قُوقامیلا، ۴۱
قنا، ۲۴۰	قنخروس، ۱۴۳	قواباوس، ۷۳	قوقامیلا، ۲۱۷
قنابری، ۷۶	قندرون (اصفهان)، ۸۱	قواد (سندی)، ۲۱۴	قوقو، ۱۶۳
قَنَابَری، ۲۴۵	قندس، ۲۶۳	قوال سرسی (سندی)، ۲۵۶	قولار، ۲۵۶
قنابری (شام)، ۴۸	قندول، ۱۰۹	۲۰۹	قواله، ۲۶۳



قولانی، ۲۴۷	قونیزا الأصغر، ۱۹۹	قیفهیمالون، ۲۴۵	کازوان، ۲۶۸
قولجیاله، ۲۵۶	قونیون، ۲۸۶، ۱۹۱	قیقُثْن، ۱۷۸	کاسات، ۲۴۷
قوللُئِه، ۲۵۶	قویابصل (سند)، ۴۹	قیقاوس، ۱۳۳	کاس بیل، ۵۵
قوللُئِه، ۲۰۷	قویارس، ۷۳	قیقَب، ۱۰۶، ۲۸۶، ۲۹۰	کاسر الحجر، ۱۱۲، ۲۴۳
قوللُئِه (اندلس)، ۱۷۱	قهلمان، ۲۸۰	قیقَبان (اندلس)، ۱۰۶	کاسنی، ۲۹۷
قولوریون، ۷۹	قهوه، ۸۹	قیقَمَن، ۱۷۸	کاسنی بری، ۱۳۹
قولوط، ۱۲۰	قیاصم، ۱۴۹، ۲۵۸	قیقَهَر، ۲۴۷	کاسنی رومی، ۲۶۱
قولوقثا اغریا، ۱۲۶	قیارس، ۱۷۱	قیقهن، ۲۴۷	کاش (تنکابن)، ۲۷۰
قولوقوثا، ۲۳۷	قیبأ، ۱۰۸	قیقی، ۱۳۳	کاشم، ۲۰۴، ۲۵۳
قولوقونطس، ۲۳۷	قیبوطیسرون، ۲۶۳	قیقیدیس، ۲۱۱	کاشم، ۲۴۸
قولوقیمن، ۱۵۳	قیج، ۲۳۳	قیقیس، ۲۱۱	کاشم الریفی، ۲۴۸
قولوقینس (لاتینی)، ۱۲۶	قیخوریون، ۲۹۸، ۶۳	قیلعی (شام)، ۲۸۶	کاشم الصغیر، ۲۰۲
قولوکتش، ۱۲۶	قیخوریون قارذنون، ۶۳	قیلورا، ۱۴۴	کاشم الکبیر، ۱۵۵
قولومینس، ۱۵۳	قیرع، ۲۳۷	قیمص، ۲۴۷	کاشم رومی، ۱۶۷، ۱۸۱
قوله د قباله، ۱۵۱	قیرف، ۲۸۳	قیموطمشور، ۲۳۳	کاشم رومی، ۲۴۸
قولی، ۲۵۶	قیروان (آفریقا)، ۲۴۳	قیمولیا، ۴۱، ۲۶۴	کاش (مصر)، ۵۷
قولی اغریا، ۲۵۶	قیرون، ۲۳۸	قیمین اغریون، ۲۶۲	کاشم صغیر، ۲۴۸
قولی اغریاس اقیمون، ۲۵۶	قیسادافورسما، ۸۶	قیمینون اُغریون، ۲۶۲	کاشم صینی، ۲۴۸
قولی ایماروس، ۲۵۶	قیسارون، ۲۰۱	قینا، ۲۴۷	کاشم کبیر، ۱۴۸
قولی طولی، ۲۵۶	قیستوس، ۲۶۵	قینهر، ۲۴۷	کاشوش، ۱۰۰
قولیلیه، ۱۲۲	قیس دافورسما، ۸۶	قیوفارروس، ۱۷۱	کافافلوس، ۱۲۶
قومارقوس، ۱۰۶	قیسوس، ۲۱۱	قیوند، ۲۳۳	کافور، ۲۴۸
قوماروس، ۲۳۱، ۲۴۲	قیسوم، ۷۶، ۲۴۷		کافوربوی، ۵۷
قوماریس، ۲۴۲	قیصر، ۵۹		کافوربویه، ۲۴۹
قومالیون، ۲۴۷	قیصوم، ۵۵، ۶۱، ۶۲، ۷۶		کافوری، ۵۷، ۲۹۰
قوماورس، ۲۴۲	۱۵۹، ۱۸۳، ۲۴۷	کابور (ترمذ)، ۷۵	کافوری نر، ۵۷
قومایس، ۶۷	قیصوم، ۷۷، ۲۸۱	کابیج، ۲۳۶	کافوریه، ۵۷
قومسی، ۲۰۱	قیصوم، ۲۴۷	کاپنهل، ۱۴۱	کافور یهودی، ۱۶۰، ۲۴۹
قومن، ۲۴۷	قیصوم الصغیر، ۲۸۲	کات، ۲۴۸	کافوریه (آفریقا)، ۵۷
قومنون باسیلقون، ۲۸۹	قیصی، ۲۸۲	کاج، ۱۹۶	کافوریه (مغرب)، ۱۸۶
قوما، ۲۳۳	قیطاقون، ۹۳	کاجر، ۱۰۳	کافیشه، ۲۱۰
قومینون، ۲۶۲	قیطس، ۳۱، ۳۵	کاج (شیراز)، ۱۹۶	کاکراسینکی، ۲۴۹
قومینون انتونیقون، ۲۸۹	قیعرن، ۱۴۸	کاجیره (دیلمی)، ۴۲	کاکره، ۲۰۵
قوئیون، ۴۵	قیفارس، ۱۷۱	کاجیره (همدان)، ۲۱۰	کاکسر، ۲۳۲
قوئس باطس، ۲۹۴	قیفر، ۹۵	کاذی، ۲۴۸، ۲۶۰	کاکل، ۲۳۲
قونوس، ۱۹۶	قیفرس، ۱۲۵	کاربا، ۲۶۴	کاکلک (اصفهان)، ۱۹۴
قونیزا، ۷۷	قیفروس، ۱۲۵	کاردوالی، ۹۵	کاک ماجهی، ۲۱۴
قونیزا، ۱۹۹، ۲۱۹، ۲۴۷	قیفوس، ۱۳۳	کازریسک (شیرازی)، ۲۷۷	کاکنج، ۱۴۷، ۲۱۴

### حرف «ک»

کاکنج، ۲۴۹	کاهربای، ۲۶۴	کبیکه، ۲۵۰	کثیر العقده، ۲۱۰
کاکنج المرجی، ۱۰۷	کاهل، ۱۰۰	کپاس، ۲۴۲	کثیر المنفعة، ۱۳۶
کاکنج المروج، ۲۴۹	کاهمکه، ۴۳	کپاس کاپهول، ۲۴۲	کثیر الورق، ۱۵۱
کاکنج النهري، ۱۳۷	کاهو، ۱۳۳	کپور، ۲۴۸	کثیرا، ۱۸۹
کاکنج غاليه (مغرب)، ۲۱۴	کاهوجرنه، ۳۸	کپور، ۲۶۴	کثیرا، ۲۵۱
کاکنج (قاهره)، ۲۰۶	کاهیان، ۲۳۶	کت، ۲۳۹	کثیرة الاضلاع، ۲۶۹
کاکنج منوم (مغرب)، ۲۱۴	کای پهل، ۱۴۱	کتانی بزرگ، ۷۸	کج، ۲۹۳
کاکنه، ۲۴۹	کایده، ۴۹	کتان، ۱۵۲، ۲۴۳، ۲۷۷	کجنتیب، ۶۵
کاکول، ۱۸۸	کاؤل، ۸۰	کتان، ۲۵۰	کجور، ۱۶۱
کاکیان، ۲۳۶	کأس، ۲۴۷	کتان، ۲۵۰	کجومن، ۲۴۹، ۲۵۲
کالاکوت، ۲۴۹	کب، ۲۵۰	کتان، ۲۵۸	کجی، ۸۷
کالچنگی، ۳۶	کباب چینی، ۲۴۹	کتان الماء، ۵۵	کجری، ۱۴۴
کالدم ارمانک (فرنگی)، ۲۴۰	کبابه، ۲۵۰، ۲۴۹	کتانی، ۲۴۵	کجری تلخ، ۲۳۳
کالسندروس، ۲۶۴	کبابه دهن شکافته، ۲۲۲	کتنبه، ۲۵۱	کچله، ۴۲
کال (شیراز)، ۱۰۰	کبابه دهن گشاد، ۲۲۲	کتنبه، ۲۲۲	کچنار، ۲۵۲
کال ماچهی (بنگال)، ۲۱۴	کبابه (عراق)، ۲۴۹	کتیکن، ۱۱۴	کچو (بنگال)، ۲۴۳
کالنجی، ۱۹۲	کبابه هندی، ۲۴۹	کتیل (بنگال)، ۲۶۴	کچور، ۱۶۱
کالو، ۲۴۴	کباب، ۴۳	کت پایره، ۱۸۳	کچوله، ۴۲
کالوسک (سنجری و سجزی)، ۷۳	کباب، ۲۴۹	کتکی، ۱۳۰	کچومن (شیراز)، ۲۴۹
کالی جهانپ، ۷۶	کبار، ۲۵۰	کتک، ۹۳	کحدان، ۲۱۸
کالیدونیون، ۲۰۸	کباس، ۱۲۴	کتک، ۲۵۱	کحلا، ۳۸، ۳۹، ۲۱۸
کالی زیری، ۲۴۹	کباعربایا، ۷۱	کتهاجوری، ۲۵۹	کحل السودان، ۹۴
کامن قریان، ۲۵۷	کیاء، ۲۱۶	کتهل (بنگال)، ۱۰۴	کخله، ۲۵۲، ۲۶۹
کانه، ۲۴۱	کبر، ۱۱۴، ۲۱۵، ۲۵۰	کنهه، ۲۳۹	کحلء الجبلی، ۲۵۲
کانیطوسک (شیراز)، ۱۸۴	کبر، ۲۵۰	کنهه، ۲۳۹	کحل خولان، ۱۲۰
کاو چشم، ۹۰	کبرالرومی، ۴۹	کتیرا، ۲۵۱	کخل خولان، ۱۲۰
کاو جيله، ۲۳۶	کبرک، ۱۱۸	کتیله، ۲۵۱	کخل فارس، ۶۶
کاو چشم، ۵۷	کبست، ۱۲۶	کتین، ۲۵۱	کخل فارس، ۶۶
کاورس، ۱۰۰	کبسون، ۲۵۰	کتینه، ۲۵۱	کحل فارسی، ۶۶
کاوزاون، ۲۶۸	کبلاس، ۱۲۴	کتا، ۱۰۲	کحل کرمانی، ۶۶
کاو زبان، ۲۶۸	کبنهی بخفای، ۲۲۶	کتاة، ۱۰۲	کحلوان، ۶۷، ۷۸، ۱۵۳
کاوکشک (شیراز)، ۱۸۴	کبّه، ۲۵۰	کتاة، ۱۰۲	کحلوان، ۲۱۸
کاول، ۲۵۲	کبیت، ۲۶۴	کثیر الأرجل، ۷۹	کحیلا، ۳۹
کاو مکه، ۴۳	کبیدانه، ۱۱۱	کثیر الأضلاع، ۲۶۹	کخیلا، ۱۹۰، ۲۱۸، ۲۵۲
کاوی، ۴۵، ۲۴۸	کیشاحمر، ۲۵۵	کثیر الركب، ۱۸۹	کددی، ۴۹
کاوی السبرز، ۴۹	کپیکج، ۲۵۰	کثیر الركب، ۲۵۲	کدر، ۲۴۸
	کپیکج، ۲۵۰، ۲۵۴	کثیر الرؤوس، ۹۰، ۲۵۲	کدرو (شیراز)، ۶۶
		کثیر العقده، ۹۰	کدو، ۲۳۷

کدو (شیرازی)، ۸۲	کراسیا، ۲۳۴	کرفس الجبلی، ۲۵۴	کرک سیاه، ۴۱
کدو مکه، ۲۳۷	کراعی قصصی، ۱۵۳	کرفس الریفی، ۲۵۴	کُرکم، ۱۶۳، ۱۲۰، ۲۷۶
کدوی تلخ، ۲۳۷	کرانبی، ۲۵۵	کرفس الشتوی، ۲۵۳	کُرْکُم، ۱۶۳، ۲۰۸، ۲۵۵
کدوی رومی، ۱۴۲	کراوی سریانی، ۲۵۶	کرفس الصخری، ۲۵۳	کرکما، ۱۶۳
کده پرته، ۱۲۵	کریخور، ۵۹	۲۵۴	کُرْکُم الصغیر، ۲۰۸
کدیمه، ۲۳۷	کُرْزَه، ۲۵۷	کرفس العریض، ۲۵۳	کرکمان، ۱۲۵، ۲۹۱
کذونی، ۱۷۲	کرز، ۲۳۳، ۲۵۳	کرفس العظیم، ۲۵۳، ۲۵۴	کرکون، ۲۵۵
کذی، ۲۹۷	کرزَه الحمام، ۱۸۳	کرفس الماء، ۲۳۵	کرکی، ۲۵۵
کراث، ۸۰، ۲۶۴	کرزَه البثر، ۷۶، ۲۰۳	کرفس المجوسی، ۲۵۴	کرکیش، ۵۷
کُراث، ۲۵۲	کُرْزَه البیر، ۱۱۹	کرفس المر، ۲۵۴	کرکیشه، ۱۵۹
کُراث، ۲۵۳، ۲۵۲	کرزَه الحمام، ۱۸۳	کرفس المشرقی، ۲۵۳	کرلفسابه، ۳۱، ۳۵
کراثا، ۲۵۲	کرت، ۲۳۷	کرفس النبطی، ۲۵۳	کُرْم، ۲۱۴
کراثادبرا، ۲۵۲	کرتویس (فرننگی)، ۱۵۵	کرفس بری، ۱۷۶، ۲۵۰	کُرْم، ۲۵۵
کراث الثومی، ۸۰	کیرته (سجزی)، ۱۲۱	کرفس بستانی، ۲۵۴	کُرْم الأسود، ۲۲۲
کراث الجبل، ۲۵۲	کرجاورنکوت، ۷۶	کرفس جبلی، ۲۵۳	کرم البری الابیض، ۲۲۲
کراث الجبلی، ۸۰	کرجیل (تنکابن)، ۱۶۲	کرفس جونئی، ۲۵۳	کُرْم البیضاء، ۲۲۲
کراث الجلیقی، ۸۰	کرچک، ۱۳۳	کرفس رومی (جرجان)، ۱۱۷	کرماله، ۱۴۰
کراث الروم، ۸۰، ۱۵۳	کرد، ۱۰۳	کرفس صخری، ۲۲۷	کرم بری، ۲۵۵
کراث الریفی، ۸۰	کَرْدَمَانا، ۲۳۵	کرفس عظیم، ۲۲۸	کرم بستانی، ۲۵۵
کُراث الشامی، ۸۰	کردموم (فرننگی)، ۲۳۲	کرفس کوهی، ۱۵۱، ۲۲۷	کِرْمَدَنه، ۲۵۵
کراث الشامی، ۲۵۲	کردیلن، ۲۵۳	۲۶۱	کرم دشتی، ۲۲۲
کُراث الشامی، ۲۵۲	کرزش، ۱۰۳	کرفس مائی، ۲۵۴	کُرْمه البیضاء، ۷۸، ۹۰، ۲۱۵
کُراث الصخر، ۲۵۲	کرساخسن، ۱۷۰	کرفس ماقدونئی، ۲۲۷	۲۲۲
کُراث الکرم، ۲۵۲	کرسب، ۲۵۳	کرفس مشرقی، ۲۵۳	کرمة البیضاء، ۷۸، ۹۲، ۲۲۲
کراث الکُرْمی، ۲۵۲	کرسب کوهی، ۲۲۷	کرفس مقدونئی، ۲۵۳	کرمة السوداء، ۲۲۲، ۲۵۰
کراث المائدة، ۲۵۲	کُرْشَف، ۲۴۲	کرفش، ۲۵۳	کرمة السوداء (اندلس)، ۹۰
کراث اندلسی، ۸۰	کرسف، ۲۴۲	کرفش، ۲۵۳	کرمة بیضاء، ۲۲۲
کراث بری، ۴۸، ۲۰۴	کرسنه، ۱۰۴، ۱۵۶	کرفشا، ۲۵۳، ۲۶۱	کرمة سوداء، ۲۲۲
کُراث بری، ۲۵۲	کُرْسَنه، ۲۵۳	کرفشا، ۲۳۵	کرمة شائکة، ۲۲۶
کراث جبلی، ۲۲۴	کرسنی، ۱۲۴، ۲۹۱	کرکاس (شیراز)، ۱۴۷	کرمی، ۲۳۳
کُراث رومی، ۲۵۲	کُرْش، ۲۵۳	کرکاش، ۵۷	کرمینون، ۲۶۲
کُراث شامی، ۲۴۳	کرشاد، ۱۰۶	کرکاش (مصر)، ۵۷، ۷۰	کرنا، ۲۸۹
کُراث شامی، ۲۵۲	کرفس، ۱۰۲، ۲۰۲	کرک جرواش (تنکابن)، ۹۹	کُرْثَب، ۲۵۵
کراث شامی (فلسطین)، ۲۵۲	کُرْفَس، ۲۵۳	کرکر، ۱۹۶	کُرْثَب، ۲۵۵
	کرفسادطورا، ۲۵۳	کرکر امحری، ۹۳	کرنباه، ۲۵۵
	کرفسادمیا، ۲۵۳	کُرْکُرْهَن، ۲۵۵	کرنبات، ۵۴
	کرفس الاجامی، ۲۵۴	کرکرینا، ۱۲۵	کرنباد، ۲۵۶
	کرفس البستانی، ۲۵۴	کرکسن، ۱۰۷	کرنب الاندلسی، ۲۵۶

کرنب البحرى، ۲۵۶	کروىای دشتى، ۲۳۵	۲۵۷	کثرثا، ۲۶۱
کرنب البرى، ۲۵۶	کروىای (لاتینى)، ۲۵۶	کسبرة الحمام، ۲۵۷	کُثُط، ۲۳۹
کُرنَب البرى، ۲۵۶	کرويه، ۲۵۶	کست، ۲۳۹	کشمخه، ۱۲۳
کرنب البستانى، ۲۵۶	کرويه (شيرازى)، ۲۵۶	کستج، ۸۴	کشمش کاوليا، ۱۴۳
کُرنَب البستانى، ۲۵۶	کره، ۵۷	کُستج (اهالى سواد)، ۸۴	کشمخ، ۱۲۳
کرنب الدورى، ۸۲، ۲۵۶	کرى، ۲۵۶	کست (فرنگى)، ۲۳۹	کُشمخ، ۲۴۳
کرنب السواحلى، ۲۵۶	کريشه (بيت المقدس)، ۲۲۱	کسته (شيرازى)، ۲۱۰	کُشمخ، ۲۵۸
کرنب العظیم، ۲۵۶	کریلا، ۲۵۶	کُستى (بنگال)، ۲۱۴	کشمورین، ۲۵۸
کرنب الکرماني، ۲۵۶	کریله، ۲۵۶	کسرافى، ۴۹	کُشن، ۲۵۳
کرنب الکلب، ۲۳۱	کریون، ۲۴۶	کسفیون، ۱۴۴	کُشج، ۲۵۸
کرنب الماء، ۲۵۶، ۲۹۲	کزبر السحرى، ۲۵۷	کُسما، ۶۶	کشنى، ۲۹۷، ۲۵۳، ۲۳۶
کرنب النبطى، ۲۵۶	کزبر الصخرى، ۲۵۷	کسم کاپهول، ۴۲	کُشنى (شام)، ۲۵۳
کرنب أندلسى، ۲۵۶	کزبرنا، ۲۵۶	کُسموقا، ۲۵۷	کُثوث، ۵۵، ۱۲۳، ۲۵۰
کرنب بحرى، ۲۵۶	کُزْبَرَه، ۲۵۶	کسمويا، ۲۵۷	کُثوث، ۲۵۸
کُرنَب برى، ۱۳۷	کُزْبَرَة البير، ۱۸۷، ۲۵۷	کسناج، ۲۹۷	کُثوثا، ۵۵، ۲۵۸
کرنب شامى، ۲۵۶	کُزْبَرَة البير (دمشق)، ۱۰۴	کُشَنب، ۲۱۰	کُثوث الجبلى، ۲۵۸
کرنب نبطى، ۲۵۶	کُزْبَرَة الثُغْلَب، ۱۷۹	کستيون، ۲۵۸	کُثوث الرومى، ۵۶
کُرنَج، ۴۴	کُزْبَرَة الثُغْلَب، ۲۵۷	کسنگ، ۲۵۳	کُثوث الرومى، ۲۵۸
کرنج، ۵۹	کُزْبَرَة الحبشه، ۹۷	کسنگ (شيرازى)، ۲۵۳	کُثوث المجوسى، ۲۵۸
کرنج (تورانى)، ۴۴	کز، ۲۶۳	کُشنى، ۲۹۷	کُثوث رومى، ۵۶
کرنجونه، ۲۴۳	کزج، ۳۷	کسین، ۱۱۹	کُثوث زنجى، ۵۶
کرونش (فاس)، ۲۲۳	کزطلخون، ۲۰۵	کس وبران (شيرازى)، ۲۵۰	کُثوث فارسى، ۲۵۸
کزنبيا، ۱۰۶	کزمارک، ۴۰	کُثول، ۲۵۷	کُثوث (مصر، مغرب،
کزواله، ۱۴۰	کزمازج، ۵۷	کسونجى، ۲۵۷	آفريقا)، ۱۶۷
کزوان، ۸۲	کزمازج، ۲۰۲	کُثوندى، ۲۵۷	کُثوثى (عراق)، ۱۶۷
کزوش الغنم، ۵۵	کزمازق، ۵۷، ۴۰	کس وبران (شيرازى)، ۲۵۰	کشور، ۱۰۳
کزوفس، ۱۲۷	کزمازک، ۵۷	کُسيرو، ۲۵۷	کشوش، ۱۰۰
کزوکسينه، ۲۳۶	کزمازک، ۲۰۲، ۹۳	کُسيفيون، ۱۴۶، ۱۸۱، ۲۵۷	کشول، ۴۳
کزوند، ۲۵۶	کُزَم (سجى و سمرقند)، ۱۸۵	کُسَيْلا (نبطى)، ۲۵۷	کُشيعاء (سجى جديد)،
کُزُونْدَه، ۲۵۶	کُزَمه دشتى، ۴۳	کُسَيْلى (نبطى)، ۲۵۷	۲۸۴
کُزُویا، ۲۵۶	کُزَوان، ۲۵۷	کُسَيْنَا، ۲۵۸	کستيون، ۲۵۸
کُزُویا، ۲۵۶	کُزَمين (بنگال)، ۱۴۴	کسيتيون، ۱۳۳	کطباس (لاتین)، ۱۸۹
کُزُویا الجبلية (اندلس)، ۲۳۵	کسب، ۱۲۶	کُشبه، ۴۱	کُطَف (صحرائشيان)، ۱۷۰
کُزُویا بستانيه، ۲۵۶	کسبت، ۱۲۶	کُشت، ۲۳۹	کُغر، ۲۵۹
کُزُویا جبليه، ۲۳۲	کسبرتا، ۲۵۷	کُشت بَزکُشت، ۲۵۷	کُف ادم، ۲۵۸
کُزُویا رومى، ۲۳۵	کسبرتا، ۲۵۷	کُشت برکُشت، ۲۵۷	کُف الأسد، ۲۵۸
کُزُویانه، ۲۵۵	کسبرة الثعلب (اندلس)، ۱۶۲	کُشتج، ۲۵۸	کُف الجُذما، ۴۱
		کشج، ۱۶۲	کُف الجذماء، ۲۵۸

کف الدابه، ۱۱۷	کَنَرول، ۲۵۹	کل کنول، ۲۶۰	۲۶۰
کف الذنب، ۲۵۸	کَنَرونده، ۲۵۹	کلم، ۲۵۵، ۲۵۶	کمداریوس التُّغعی، ۲۰۴
کف السبع، ۸۸، ۱۵۲، ۲۵۰، ۲۷۳، ۲۵۸	ککرونده، ۲۶۱	کلمرچ، ۲۲۷	کمداریون، ۱۱۳، ۲۶۰
کَف الضبع، ۹۳، ۲۵۰، ۲۵۹	ککروهن، ۲۴۱	کلم رومی، ۲۴۵	کماذریوس، ۸۶، ۲۵۹
کَف الضَّبُع، ۲۵۹	ککری، ۲۳۳	کلم کرد، ۲۴۵	کَماذریوس، ۲۶۰
کَف الضَّبُع (مغرب)، ۲۵۰	ککن دهل، ۲۲۶	کلموج، ۱۵۳	کُماشیر، ۲۶۰
کف العایشه، ۵۳	کلاجن، ۱۳۹	کلموح (اندلس)، ۱۵۳	کمافیطوس، ۲۰۷
کَف العذری، ۹۳	کلاغ پا (پهلوی)، ۱۵۵	کل مهندی، ۲۵۹	کُمافیطوس، ۲۶۱
کف العظابه، ۹۳	کلاکون، ۹۲	کَلَن، ۲۶۰	کمالایا، ۲۷۵
کَف العُقَاب، ۲۰۵	کل انگور (مکران و قزدار)، ۸۱	کلنبار، ۲۵۰	کمالیون، ۵۱، ۱۲۸، ۲۲۴، ۲۶۱
کف العقاب، ۲۳۲	کلب، ۲۴۳	کلنچ، ۶۶، ۲۶۰	کماه، ۲۲۷، ۲۳۰
کَف القُرد، ۲۵۹	کلبانی، ۵۱	کلنجه، ۷۰	کماه (شیراز)، ۲۳۸
کف الکلب، ۷۵، ۲۵۹	کلبک، ۲۵۵	کلنک، ۲۵۵	کماه کوهی (شیرازی)، ۱۷۱
کَف الکلب (مغرب)، ۲۵۰	کَلَت، ۲۵۹	کلنکار، ۲۵۰	کماة، ۲۰۱، ۲۲۶، ۲۶۰
کَف المَریم، ۲۵۹	کلته، ۱۱۲	کَلَنکَر، ۲۱۴	کَماة، ۲۶۰
کَف المَریم (اندلس)، ۲۵۹	کلتهه، ۱۱۲	کلنکرد، ۲۶۰	کماة حمراء، ۲۶۰
کف النسر، ۱۱۷	کَلَتِهی، ۱۱۲	کَلَنک (بستی)، ۸۳	کماة، ۳۸
کف النسر (مصر)، ۴۹	کلتیا، ۲۴۶	کلنکور (سند)، ۱۱۱	کماة، ۲۲۱
کَف الهَر، ۲۵۴	کَلخ، ۵۱، ۶۵، ۹۷، ۱۵۴، ۲۷۸	کلوخ، ۲۷۴	کَماة، ۲۵۸
کَف الهَر، ۲۵۹	کَلخ، ۱۷۲، ۲۰۴، ۲۳۹، ۲۴۸	کلوقورون، ۱۸۰	کَماة، ۲۸۳
کف الهَر، ۲۷۳	کَلخ، ۲۵۹	کلونجی، ۱۹۲	کَماة، ۲۸۳
کف أجذم، ۲۵۸	کَلخ الدَلَبی، ۲۵۹	کَلوی، ۲۶۰	کمبنوس (انگلیسی)، ۲۶۲
کفر اليهود، ۱۲۴	کَلخ الصغیر، ۳۰۰	کله، ۶۶	کمثری، ۶۲
کفرجک، ۲۹۳	کَلخ الکبیر، ۲۵۹	کَلهار، ۲۶۰	کُمَثری، ۱۴۳
کفرک (شیرازی)، ۱۰۲	کَلخ الکبیر (اندلس)، ۲۴۵	کلهازی، ۱۲۸	کُمَثری، ۲۶۱
کِفَری، ۹۵	کَلخ دَلَبی، ۱۴۶	کَلیان کاته (بنگال)، ۲۶۰	کُمَثری البَسنانی، ۵۷
کُفَری، ۹۵	کَلخ (مصر)، ۵۱	کلیجن، ۱۳۹	کمثری بری، ۲۶۱
کفسون، ۲۵۰	کَلخ (مغرب)، ۲۴۴	کلی قیسوس، ۲۹۸	کمثری جبلی، ۲۶۱
کَف عائشة، ۱۰۲، ۱۸۶، ۲۵۹	کَلخی، ۱۴۶، ۱۵۸	کلیکان، ۲۶۰	کمثری چینی، ۲۶۱
کفلیون، ۱۰۳	کَل داودی، ۲۵۹	کلیک (تنکابن)، ۱۴۶	کمثری حامض، ۲۶۱
کف مریم، ۵۳، ۱۸۶	کلدونیا، ۲۷۶	کلیل الملک، ۵۹	کمثری (شیرازی)، ۲۶۱
کَف مریم (اندلس)، ۸۹	کَلز، ۲۵۹	کلیل ملکا، ۵۹	کَمَزَهَرَه، ۲۶۱
کف مریم حجازی، ۲۵۹	کَلغَه، ۱۲۲	کلیلوطین، ۲۹۷	کَمَزَک، ۲۶۱
کفوف، ۸۹، ۹۳، ۹۵، ۱۰۰، ۱۲۶، ۲۷۳	کَلکان، ۲۵۲	کَم، ۲۳۳	کمکام، ۱۹۸
کفیثون، ۷۲	کَلکله، ۱۹۵	کمابیونیون، ۱۰۵	کم کام، ۱۹۸
	کل کنده (شیرازی)، ۲۶۰	کَمات، ۱۲۱	کُمَنکُوت (فرنگی)، ۲۶۲
		کمداریوس، ۶۰، ۸۶، ۱۶۰	کملاون، ۲۴۸، ۲۷۵

کومتان، ۱۰۳	کناوس، ۲۶۲	کنکر، ۱۱۴، ۲۶۳	کوتهمیر، ۲۵۷
کَمون، ۲۶۲	کنب، ۲۴۵	کَنکر، ۱۱۴	کوخر (شیراز)، ۱۱۷
کمون، ۲۶۲	کَنب، ۲۶۲	کنکر البری، ۲۷۰	کور، ۲۶۴، ۲۸۳
کموننا، ۲۶۲	کنباث، ۲۶۲	کنکر الکبیر، ۱۱۴	کورار، ۲۲۴
کمونادبر، ۲۶۲	کنبشک (سجزی)، ۱۱۱، ۸۱	کنکران (ری)، ۲۴۵	کورتره (مازندران)، ۱۰۲
کَمون الابيض، ۲۶۲، ۲۰۴	کَنبَن، ۸۱	کنکر بری، ۱۱۴، ۱۵۶، ۲۹۹	کور سور (کرمان)، ۷۶
کَمون الارمنى، ۲۵۶	کتور (شیرازی)، ۱۳۳	کنکر رزی (سجزی)، ۲۱۴	کورش، ۱۳۹
کَمون الارمینی، ۲۵۶	کتو (شیراز)، ۱۳۳	کنکرزد، ۱۱۴	کورک (شیراز)، ۲۵۰
کَمون الأسود، ۱۹۲	کنجد، ۱۷۶	کَنکرزد، ۱۱۴	کورو، ۱۳۲
کمون الأسود، ۲۶۲	کنجده، ۶۶	کنکریس، ۱۱۴	کوری، ۲۹۳
کمون البری، ۲۶۲	کنجده (اصفهان)، ۶۶	کنکنی، ۱۰۰، ۱۴۳	کوری زوله، ۲۱۰
کَمون البری، ۲۶۲	کنجده (اصفهان)، ۶۶	کنکون، ۱۶۳	کوزا، ۲۸۳
کَمون الجبل (بربرها)، ۹۳	کنجر، ۱۱۴	کَنکَهی، ۲۶۳	کوزبویا، ۱۰۷
کَمون الحَبشی، ۲۶۲	کنجروس، ۱۰۰	کنکهی، ۲۸۱	کوزد (شیراز)، ۶۶
کمون الحلو، ۶۷	کنخرن، ۱۰۰	کنکهی، ۲۶۳	کوز کلاغ، ۱۰۹
کَمون الحَلو، ۶۷	کنخروس، ۱۰۰، ۱۵۰	کنگر، ۱۱۴	کوز کندم، ۱۰۷
کَمون الحلو، ۲۶۲	کندبتر، ۱۶۶	کنگر آبی، ۲۳۵	کوز مائل، ۱۰۹
کَمون الرطالی، ۲۸۹	کندبیل، ۴۳	کنگرخر، ۱۸۹	کوزی بویا، ۱۰۷
کَمون الرومی، ۲۶۲	کندر، ۲۱۶، ۲۷۴	کنگرزد، ۱۱۴	کوزی دبسم، ۱۰۷
کمون الکرمانی، ۲۶۲، ۲۸۹	کَندر، ۲۶۳	کنگر سفید، ۷۱	کوزی دهفاختا، ۱۰۸
کمون الملوکی، ۲۶۲، ۲۴۸	کندر دریایی، ۲۶۳	کنگری، ۱۱۴	کَوسک (بستی)، ۷۳
کموناهندو، ۲۶۲	کَندری، ۲۶۳	کنوجه، ۲۸۰	کوشبیل (تنکابن و دیلم)، ۲۶۴
کمون أرمنی، ۲۵۶	کندریات، ۲۷۴	کنه، ۲۴۱	
کمون بری، ۲۶۲	کندریات، ۲۷۴	کَنهان، ۲۶۳	کوشاد، ۱۰۶
کَمون حبشی، ۲۶۲	کندس، ۱۷۱	کَنهَلَة، ۲۶۳	کوشت (شیراز)، ۱۲۶
کَمون حبشی، ۲۸۹	کَندس، ۲۶۳	کَنب، ۲۱۳	کوشکروا، ۱۱۸
کمون رومی، ۲۵۶	کندش، ۲۱۶	کنیب (یمنی)، ۲۶۳	کوشنه، ۲۳۹
کَمون صخری، ۲۶۲	کَندش، ۲۶۳	کنیث (یمنی)، ۲۶۳	کوشیر، ۱۰۰
کمون ملوکی، ۲۸۹	کندشه، ۲۶۳	کنیر، ۱۴۵	کوکب الارض، ۲۰۴، ۲۲۶
کَمون هندی، ۲۶۲	کندل، ۱۷۳	کَوار، ۱۹۵	کوکب الأرض، ۲۶۴
کمیداس (فرنگی)، ۲۶۰	کَندلاء، ۲۶۳	کوار (دیلم)، ۲۵۲	کوکبه، ۱۵۹
کغیش، ۲۶۲	کندمار، ۲۴۷	کواکب، ۴۶	کوکبیه (شام)، ۱۰۵
کمّه، ۲۶۰	کندنا، ۲۴۷	کوالهریها، ۱۷۶	کوکبیه، ۶۰
کنار، ۱۶۸	کنده بهروزه، ۷۲	کوامس، ۷۳	کوکرس اندیکریس
کنار (سجزی)، ۲۸۹	کندهیس، ۴۳	کوبرا، ۲۲۷	(فرنگی)، ۲۸۷
کناروس، ۱۱۴	کندیش، ۱۹۹	کویل، ۲۳۰	کوکروا، ۱۱۸
کنارهوشه، ۵۳	کنزک، ۱۱۸	کوپرکیسو (لاتین)، ۲۵۲	کَوکِل، ۲۸۳
کناریون، ۱۱۲	کنطینوس، ۱۰۴	کوتاکبنا، ۲۶۲	کوکنی، ۷۹

کوکو ابرس (فرنگی)، ۲۳۴	کهکب، ۷۲	کیلا دونیا، ۲۷۶	گردهیار، ۱۰۳
کوکولوتلا، ۲۳۲	کهکم، ۷۲	کیلجک (دیلیم)، ۸۸	گرز دشتی، ۱۸۸
کوکهر، ۱۱۸	کَهَنابا، ۲۲۳	کیلدارو، ۱۶۹	گرگ مرگ، ۱۲۸
کولان، ۴۹	کَهَنبِی، ۲۶۰	کیل دارو، ۱۶۹	گرگیری، ۱۰۲
کولر، ۱۰۵	کهنگالی، ۷۹	کیل سرخ (شیرازی)، ۱۶۳	گریال، ۱۰۳
کولرپر، ۱۲۱	کهنگچی، ۲۱۷	کیل (شیرازی)، ۱۶۲	گز، ۴۰، ۲۰۲
کولم، ۲۲۷	کهوپره، ۲۸۷	کیلکان، ۲۶۴	گز انگدان خوش، ۵۰
کوله پر (مازندران)، ۶۵	کهورات، ۲۶۴	کیله، ۲۸۵	گز انگدان خوش، ۱۲۱
کومرثل، ۲۶۴	کهه (شیراز)، ۲۳۸	کیموس، ۱۰۰	گزر، ۱۰۳
کوم (ماوراء النهر)، ۹۹	کهپانا، ۲۲۳	کین، ۱۴۵	گزنه، ۶۵
کومنون اغریون، ۲۶۲	کهپرک، ۷۲	کینار، ۱۴۰	گژ، ۵۱
کومینون، ۲۶۲	کهیکوار، ۱۹۵	کَینَتی بنگال، ۲۶۴	گشت برگشت، ۲۵۷
کوندل، ۷۵	کهیونی، ۱۱۲	کَینَکِیَط (فاس)، ۸۸	گشن، ۲۵۳
کونده (بنگال)، ۲۳۷	کیا، ۲۸۲	کیوار، ۲۴۸	گشنیز، ۱۷۶، ۲۵۷
کونژده (اصفهان)، ۶۶	کیارس، ۱۷۱	کهپر، ۲۴۸	گشنیز کوهی، ۲۷۷
کونک، ۲۸۵	کیتکی، ۲۴۸	کَیَه (سندی)، ۲۸۲	گل آفتاب پرست، ۳۴
کونکلوس (فرنگی)، ۲۷۳	کَیَنخُرس، ۱۰۰	کهپون، ۱۲۶	گلایی (شیراز)، ۲۶۱
کونله، ۲۶۴	کیدونی، ۲۶۱	کیهه، ۲۱۳	گل اربه (شیراز)، ۱۰۳
کونهان، ۲۶۳	کیدِه (اصفهان)، ۳۴۸	کَیَته، ۲۸۲	گل انار صد برگ، ۱۰۴
کووارات، ۱۳۲	کَیرانس، ۷۳	<b>حرف «گ»</b>	
کوهان، ۲۶۳	کَیرجک (دیلیم)، ۸۵		
کوهج، ۱۶۲	کَیر کازرونی (شیرازی)، ۱۳۲	گاو چشم، ۹۰، ۲۱۷	گل حلوا، ۷۹
کوهن (بنگال)، ۲۹۲	کَیر کاکول، ۱۸۸	گاو چشم، ۲۸۰	گل خنق، ۴۲
کوهیان، ۲۵۲	کیسر، ۱۶۳	گاو دانه، ۲۵۳	گل خوش نظر، ۲۷۷
کویت، ۲۶۴	کیسرگونه، ۱۰۳	گاودر، ۲۹۸	گل خیری، ۱۴۰
کویج (اصفهان)، ۱۶۲	کیسومر، ۱۰۳	گاورس، ۱۰۰	گل رای بیل، ۱۵۲
کهپانا، ۲۲۳	کیطروناکوس، ۲۳۴	گاوزبان، ۲۶۸	گل رعنا ی زیبا، ۲۹۴
کهپنا، ۲۲۳	کیکج، ۱۸۶	گاوزوان، ۲۶۸	گل روسپیجه، ۲۹۴
کهپرا، ۲۳۴	کیکر، ۱۰۲، ۲۳۷	گاوشیر، ۱۰۰	گل سرخ، ۲۹۴
کهچور، ۸۷، ۹۴	کیکرا، ۲۰۵	گاو مشنگ، ۱۵۶	گل سرخ صحرائی، ۱۴۶
کَهَنزَبا، ۲۶۴	کیکرکارس، ۲۳۷	گاو مطوسک (شیرازی)، ۱۸۷	گل سنگ، ۱۱۷
کَهَنزَبا، ۱۲۷	کیکروبیول، ۶۲	گدلفسی، ۳۱، ۳۵	گل سنگ، ۲۰۰
کهربیع، ۲۵۳	کیکنز، ۱۰۲	گر به دشتی، ۴۳	گل عاشقان (خراسان)، ۱۶۲
کَهَنزَبا، ۲۵۳	کَیک واشه، ۲۶۴	گردکان، ۱۰۶	گل عنبرین، ۲۹۰
کَهَنزَبا، ۲۶۴	کیک ولرش (طبرستان)، ۱۱۸	گردو هندی (شیرازی)، ۲۸۷	گل قبحه، ۲۹۴
کهزک (شیراز)، ۱۰۲	کیل، ۱۶۲		گل قبحه (شیراز)، ۲۹۴
که (شیرازی)، ۲۱۳			گل کافشه، ۴۲

گل کاوشه (اصفهان)، ۲۱۰  
گل کلم، ۲۵۵  
گل کیدی، ۲۴۸  
گل کیوره، ۲۴۸  
گل گندم، ۱۰۷  
گل گندم (شیرازی)، ۱۰۷  
گلگون (اصفهان)، ۹۶  
گل مشکین، ۲۹۰  
گلنار، ۱۰۴  
گلنار، ۲۳۴  
گلنار دشتی، ۱۰۴  
گل نرمه (سجزی)، ۱۳۳  
گلو سطقا، ۱۹۶  
گل هاشم (شیراز)، ۲۹۹  
گلیسر یزه (فرنگی)، ۱۸۰  
گلیم شوی، ۳۴، ۳۵، ۷۴  
گل یوسف، ۷۹  
گنجشک ازوان، ۲۶۹  
گندم، ۱۲۶، ۲۰۰  
گندم دیوانه، ۱۹۴  
گندم صحرايي، ۲۳۵  
گندم مکه، ۲۱۳  
گندم مکه (تنکابن)، ۱۳۹  
گندنا، ۲۵۲  
گندنا کوهی، ۲۲۴  
گندناي دشتی، ۲۵۲  
گندناي کوهی، ۲۲۴  
گنده انگزد، ۱۷۳  
گوزغست، ۲۴۵  
گور گندک، ۱۰۷  
گور گیاه، ۴۳  
گور گیاه، ۴۳  
گوز گندم، ۱۰۷  
گوزن تل (جرجان)، ۴۳  
گوزن گیاه (مازندران و  
دامغان)، ۲۶۴  
گوزنیک، ۲۶۴

گوش فیل، ۲۷۳  
گون، ۲۳۳، ۲۵۱  
گیاکو، ۱۷۸  
گیاه آبگینه، ۱۱۹  
گیاه عقرب (مصر)، ۱۹۴  
گیاهی آبگینه، ۱۱۹  
گیلاس، ۲۳۴  
گیل دارو، ۱۶۹  
گیله نار، ۲۳۴

## حرف «ل»

لانی، ۶۶  
لاباثون، ۱۲۲  
لايس، ۲۵۲  
لاثوریدس، ۱۰۴  
لاتوس، ۱۳۶  
لاجورديه، ۱۹۴  
لاحاس، ۵۵  
لاحی، ۷۰  
لاخشته، ۱۸۹  
لادن، ۱۹۸، ۲۶۵، ۲۷۳  
لادنه، ۲۶۵  
لاذن، ۲۶۵  
لاذن العنبري، ۲۶۵  
لاذینون، ۲۶۵  
لاذیون، ۲۶۵  
لاعرین، ۲۶۵  
لاعون، ۲۶۵  
لاعیه، ۲۲۴  
لاعیه، ۱۲۱  
لاغوین، ۲۶۵  
لاغوین، ۲۶۵  
لاغیه، ۲۶۵، ۳۰۰  
لاقنون، ۲۵۸  
لاقلیشت، ۳۷  
لاقوره، ۱۴۰  
لاک ساک، ۱۴۳

لالا، ۲۶۵  
لال ساک، ۲۱۰  
لاله، ۱۸۸  
لاله سرنگون، ۲۶۶  
لاله نغمانی، ۲۶۶  
لامی، ۲۶۶  
لانطوفودیون، ۲۶۶  
لاورس (فرنگی)، ۲۱۸  
لاور شیر، ۱۰۰  
لاونطویاطلن، ۲۵۸  
لایچی، ۲۳۲  
لایحل مول (سندی)، ۱۷۹  
لباب، ۲۶۶  
لباب القرطم، ۲۶۶  
لبازده (لاتینی اندلس)، ۷۷  
لباشتر، ۲۶۶  
لباصه (اندلس)، ۱۲۲  
لب النخل، ۹۵  
لباله، ۱۰۳  
لبالّه، ۲۸۱  
لبان، ۲۶۳  
لبان، ۲۶۶  
لبان، ۲۷۴  
لبانه مغریبه (مصر و شام)،  
۲۲۴  
لَبَخ، ۳۵، ۷۶، ۲۶۶  
لبخه، ۷۶  
لَبْرال، ۲۶۶  
لبسان، ۹۶، ۱۸۹  
لبسان، ۱۳۱، ۲۶۶  
لبلاب، ۶۰، ۱۲۱، ۱۴۳  
لبلا، ۲۴۰، ۲۷۱  
لبلاب، ۲۶۶  
لبلاب اعنم، ۲۶۶  
لبلاب الأحرش، ۶۰  
لبلاب الأحرش، ۲۶۷  
لبلاب الجعد، ۲۶۶  
لبلاب الحقیقی، ۲۶۶

لبلاب الشجر، ۲۶۶  
لبلاب الصغیر، ۱۸۵  
لبلاب الغنم، ۲۶۶  
لبلاب الکبیر، ۲۴۰  
لبلاب المجوس، ۱۱۳  
لبلاب المجوسی، ۲۶۷  
لبلاب بی ثمر، ۲۳۹  
لبلیس فرسن، ۲۴۳  
لبن الحماره، ۱۵۹، ۲۵۰،  
۲۶۷  
لبن السودا، ۵۵  
لَبْنی، ۵۳، ۲۶۷  
لبنی، ۲۸۶  
لبنی رومان، ۵۳  
لبنی رهبان، ۵۳  
لبوکا، ۲۷۵  
لبیانوا، ۲۶۳  
لَبْکُو، ۲۶۷  
لثوهر مرطیس، ۲۲۲  
لجالبو، ۲۶۷  
لحاح (مصر)، ۵۰  
لحام الذهب، ۵۱  
لحاء الغول، ۱۸۷  
لحاء الغول، ۲۶۷  
لحکا، ۲۶۹  
لحوز (شیرازی)، ۲۸۶  
لجیانی، ۲۶۷  
لحنس الاکلیه، ۲۶۸  
لحیه الارنب، ۱۰۳  
لَحْیة التیس، ۹۹  
لحیه التیس، ۱۵۱، ۱۸۸،  
۲۰۱، ۲۶۷، ۲۹۹  
لَحْیة التیس، ۲۶۷  
لَحْیة الجمل، ۲۵۷  
لحیه الحمار، ۷۶  
لحیه العنز، ۱۵۱  
لحیه القنیه، ۱۰۳  
لحیه امسون، ۵۵



لُخ، ٧٥	لسان الطیر، ٨٤	لُغَبه، ٢٧٠	لُغَبه، ٢٧٠	لُغَبه، ٢٧٠
لُخْتِرواله (لاتینی)، ٢١٩	لسان العصافیر، ١٩٩	لُغَبه البربریه، ٢١٢	لُغَبه البربریه، ٢١٢	لُغَبه البربریه، ٢١٢
لُخْتِره، ١٥٥	لسان العصافیر، ٢٦٩	لُغَبه البربریه (عراق)، ١٧٩	لُغَبه البربریه (عراق)، ١٧٩	لُغَبه البربریه (عراق)، ١٧٩
لُخْنِیس، ١٤٠، ١٣٢	لسان العصفور، ٨٨ ٦٦	لُغَبه بَزَیْری، ٢٧٠	لُغَبه بَزَیْری، ٢٧٠	لُغَبه بَزَیْری، ٢٧٠
لُخْنِیس، ٢٦٨	٢٦٩	لُغَبه مطلقه، ٢٧٠	لُغَبه مطلقه، ٢٧٠	لُغَبه مطلقه، ٢٧٠
لُخْنِیس اغریا، ٢٦٨	لسان الفرس، ٦٧	لُغَبه معبری، ٢٤٧	لُغَبه معبری، ٢٤٧	لُغَبه معبری، ٢٤٧
لُخْنِیس الاکلیله، ٢٦٨	لسان الفرس، ٢٥٢	لُغَس، ٤١	لُغَس، ٤١	لُغَس، ٤١
لُخْنِیس الاکلیه، ١٤٠	لسان الفرس، ٢٨٠	لُغَاح، ٢٧٠	لُغَاح، ٢٧٠	لُغَاح، ٢٧٠
لُخْنِیس الاکلیلیه، ٢٦٨	لسان الکلب، ٢٦٩	لُغَاح، ٣٠٠	لُغَاح، ٣٠٠	لُغَاح، ٣٠٠
لُخْنِیس اغریا، ٢٦٨	لسباراغوس، ٢٩٧	لُغَاح الجن، ٢٧٠	لُغَاح الجن، ٢٧٠	لُغَاح الجن، ٢٧٠
لُخْنِیس بستانی، ٢٦٨	لُستویری، ٢٥٠	لُغَاح الهندی، ٢٧٠	لُغَاح الهندی، ٢٧٠	لُغَاح الهندی، ٢٧٠
لُخوخ الماء (اندلس)، ٢٧٢	لُسعة (تونس و آفریقا)، ٦٨	لُغَاح بری، ٢٨٣، ٣٠٠	لُغَاح بری، ٢٨٣، ٣٠٠	لُغَاح بری، ٢٨٣، ٣٠٠
لُخْنِیس، ٣٠١، ١٦٨	لُسوالسومر، ٢٤٣	لُغَاح (شام)، ١٤٥، ١٩٠	لُغَاح (شام)، ١٤٥، ١٩٠	لُغَاح (شام)، ١٤٥، ١٩٠
لُدان (فرنگی)، ٢٦٥	لُسوده، ١٦٧	لُغَت، ١٨٩	لُغَت، ١٨٩	لُغَت، ١٨٩
لُدیقه، ٦٧	لُسورسطس، ١٣٦	لُغَت الأَخْمَر المَدَوْر، ١٨٩	لُغَت الأَخْمَر المَدَوْر، ١٨٩	لُغَت الأَخْمَر المَدَوْر، ١٨٩
لُذار، ٢٦٦	لُسیعه، ٦٨	لُغَت البلدی (فاس)، ١٨٩	لُغَت البلدی (فاس)، ١٨٩	لُغَت البلدی (فاس)، ١٨٩
لُرکیماس، ١٦٣	لُشانامرا، ٢٦٩	لُغَت الجن، ٢٧٣	لُغَت الجن، ٢٧٣	لُغَت الجن، ٢٧٣
لُزاق الذهب، ٥١	لُشان ثورا، ٢٦٨	لُغَت المحفور، ١٨٩	لُغَت المحفور، ١٨٩	لُغَت المحفور، ١٨٩
لُزاق الذهب، ٥١	لُشان صفرا، ٢٦٩	لُغَت بری، ١٠٢، ٢٠٤، ٢٦٦	لُغَت بری، ١٠٢، ٢٠٤، ٢٦٦	لُغَت بری، ١٠٢، ٢٠٤، ٢٦٦
لُزاق الذهب، ٢٩٥	لُصف، ٢٥٠	لُغَت مدور، ١٨٩	لُغَت مدور، ١٨٩	لُغَت مدور، ١٨٩
لُزاق الرخام، ٨٦	لُصِف (اندلس)، ١١٤	لُغَش، ٢٧٠	لُغَش، ٢٧٠	لُغَش، ٢٧٠
لُزموش، ١٩٥	لُصِف (اندلس)، ١١٤	لُغَیدیون، ١٩٣	لُغَیدیون، ١٩٣	لُغَیدیون، ١٩٣
لُسان، ٢٥٢	لُصَق، ٣٣	لُغَم القاضی، ١٠٨	لُغَم القاضی، ١٠٨	لُغَم القاضی، ١٠٨
لُسان الایل، ٢٦٨	لُصَق، ٢٥٢	لُک، ١٧٨	لُک، ١٧٨	لُک، ١٧٨
لُسان الایل، ٦٠	لُصَق، ٢٧٠	لُک، ٢٧٠	لُک، ٢٧٠	لُک، ٢٧٠
لُسان الایل، ٦٠	لُصِف، ١١٤، ١٥٦، ٢٧٠	لُک، ٢٧٠	لُک، ٢٧٠	لُک، ٢٧٠
لُسان الایل، ٢٦٨	لُصِیفی، ٣٣، ٢٧٠	لُکاع، ٢٧١	لُکاع، ٢٧١	لُکاع، ٢٧١
لُسان الثور، ١٣٨، ٢٥٢	لُصِیقاء، ٣٣، ٢٥٢	لُکاعه، ٢٧١	لُکاعه، ٢٧١	لُکاعه، ٢٧١
٢٨٠، ٢٦٩	لُصِیق، ٢٧٠	لُکونا (تکابین)، ٢٦٦	لُکونا (تکابین)، ٢٦٦	لُکونا (تکابین)، ٢٦٦
لُسان الثور، ٢٦٨	لُطرنه، ٢٥١	لُکونس (لاتین)، ٢٦٥	لُکونس (لاتین)، ٢٦٥	لُکونس (لاتین)، ٢٦٥
لُسان الحَمل، ٢٦٩	لُطوس، ٢٨٦	لُما، ٢١٤	لُما، ٢١٤	لُما، ٢١٤
لُسان الحَمل، ١١٩، ١٣١	لُطین، ٩٦	لُم لَم (برنیق)، ٢٧١	لُم لَم (برنیق)، ٢٧١	لُم لَم (برنیق)، ٢٧١
٢٧٠، ٢٦٩، ٢٠٥	لُطِی اُزِشْمِیْسَه (اندلس)، ٤٧	لُجَرویلَه، ٢٧١	لُجَرویلَه، ٢٧١	لُجَرویلَه، ٢٧١
لُسان الحَمل، ٢٦٩	لُعاب القتیل، ٥٥	لُجِطُس، ٢٧١	لُجِطُس، ٢٧١	لُجِطُس، ٢٧١
لُسان الحَمل الکبیر، ٣٣	لُعاس، ٢٤٣	لُخِطُس، ١٢٠، ٢٧١	لُخِطُس، ١٢٠، ٢٧١	لُخِطُس، ١٢٠، ٢٧١
لُسان الحَمل صغیر، ٢٦٩	لُعبت بربری، ١٧٩، ٢٧٠	لُخِطُس، ١٣٢	لُخِطُس، ١٣٢	لُخِطُس، ١٣٢
لُسان الحَمل کبیر، ٢٦٩	لُعبه، ٢٧٠	لُخِطُس آخر، ١٥٧	لُخِطُس آخر، ١٥٧	لُخِطُس آخر، ١٥٧
لُسان السُج، ٢٦٩		لُخِطُس آخر، ٢٧١	لُخِطُس آخر، ٢٧١	لُخِطُس آخر، ٢٧١

لوغیوس، ۴۱	لوقیقشی، ۷۱	لُیژوئِن، ۱۸۱	ماذریوس، ۲۶۰
لوف، ۱۳۰، ۲۳۰، ۲۷۳	لوقیمو بذاس، ۱۵۵	لیطفورس، ۳۵	ماراقونا، ۱۵۷
لوف، ۲۴۶، ۲۷۴	لوقیموس، ۵۸	لیغۀ، ۲۷۴	مارثون، ۱۵۲، ۷۸
لوفاعسقیاء، ۲۳۰	لوقیون، ۱۲۰، ۲۳۱، ۲۷۱	لیف، ۲۷۴	مارثون، ۱۵۳
لوف الارقط، ۲۷۳	لوقیون، ۱۲۰	لیف البحر، ۲۷۴، ۵۹	مارثون اُغریون، ۱۵۳
لوف البَطّ، ۲۷۳	لوقیان، ۱۴۰	لیفستیقون ساسالی، ۲۴۸	مارجوبه، ۲۹۷
لوف الجعد، ۲۳۰، ۲۷۳	لوکا، ۷۱	لیفطیغون، ۲۴۸	مارجوبه، ۲۹۷، ۹۲
لوف الجُعد، ۲۷۳	لوکرون، ۱۴۰	لیفیه، ۲۷۴	ماردارو، ۲۲۲
لوف الجعد اسخن، ۲۷۳	لوماین، ۲۰۵	لیقُسَطیقون، ۲۴۸	مار درخت (کرمان)، ۹۶
لوف الحیه، ۲۳۰	لونک، ۲۳۸، ۸۳	لیقیه، ۲۷۴	مارسیسقاء، ۳۹
لوف الحیّه، ۲۳۱	لونکهل، ۲۳۸	لیلَنج، ۲۹۲	مارش، ۱۰۳
لوف الحیّه، ۲۷۳	لَوَنگ، ۲۳۸	لیم، ۴۰	مارکیا، ۲۹۷
لوف الحیّه، ۱۸۶	لونیا، ۸۳	لیمو، ۱۰۴، ۲۷۴	ماز کُیَوا، ۲۷۵
لوف الحیّه، ۲۷۳	لونیّه، ۸۳	لیمودار، ۲۹۵	مارکیوا، ۲۸۸
لوف السُبَط، ۲۷۳	لویسطیقون، ۲۴۸	لیمون، ۴۰، ۲۴۲، ۲۷۴	مارگیاه، ۲۷۵
لوف السبط (اندلس)، ۲۷۳	لهسن، ۹۸	لیمونیون، ۲۷۴	مارمورد، ۳۶
لوف الصغیر، ۲۷۳	لهولوقوغزاتیس، ۲۷۴	لیمونیّه ماله (فرنگی)، ۴۰	مارن، ۱۱۳
لوف العقد، ۲۳۰	لیان، ۱۹۸	لیناری (رومانی)، ۲۵۱	مارنه، ۹۹
لوف الکبیر، ۳۴، ۱۰۶، ۱۸۶	لیانئون، ۲۶۳	لیئس بُرمون، ۲۵۱	مارون، ۲۷۵، ۲۷۹
لوفای فاخر، ۲۴۶	لیاء، ۲۷۱	لیئس فرمون، ۲۵۱	ماوُرن، ۲۷۹
لوفای کبیر، ۲۴۶	لیباطیش، ۵۹	لیئش، ۲۷۷	ماریقون، ۱۹۱
لوفطیون، ۲۶۰	لیبانس، ۲۶۶، ۲۷۴	لینوزسطس، ۱۳۶	ماریون، ۲۸۰
لوفقطوش، ۱۳۹	لیبانو، ۲۷۴	لینوزسُطیس، ۱۲۱	مازر، ۱۵۹
لوف کبیر، ۲۷۳	لیبانوطس، ۲۷۴	لینوسطو، ۸۵	مازر (نبطی)، ۲۷۵
لوفو سقردین، ۹۸	لیبانوفیلس، ۲۶۶	لینوفر، ۲۹۲	مازرو (مغرب)، ۱۴۹
لوفینیقی، ۷۱	لییدیون، ۱۹۳	لینوفر هندی، ۶۸	مازریون، ۴۶، ۵۱، ۵۴، ۵۵
لوفیون، ۱۲۰، ۲۶۱	لینوطس، ۱۸۶		۱۲۸، ۱۴۹، ۲۵۵، ۲۶۱
لوقا، ۱۲۷	لییدیون، ۱۹۳	<b>حرف «م»</b>	
لوقابا، ۱۴۰	لییدیون، ۱۱۵		
لوقابس، ۱۴۰	لیئسْفَرْمَن، ۲۴۳	مائده، ۲۵۴	مازریون سفید، ۲۷۵
لوقاس، ۱۳۳، ۲۶۸، ۲۷۴	لیتوقش، ۱۳۳	مائله، ۲۰۴	مازریون سیاه، ۴۶، ۱۲۸
لوقاس الجبلیه، ۱۳۳	لیتوقه کنییانه، ۱۳۳	مااستواچچکی، ۲۵۰	مازن شیر (بخاری)، ۲۱۱
لوقاقائثا، ۲۷۴	لیثانوس، ۲۷۴	مابرونه، ۱۶۴	مازو، ۱۵۴، ۲۱۱
لوقاقانسی، ۷۱	لیثورسطس، ۱۲۱	ماثرون، ۱۵۲	مازوی ریزه دانه کوهی، ۱۷۵
لوقاین، ۱۴۰، ۲۷۴	لیخونن، ۱۹۴	مادروپتیم (لاتین)، ۲۲۴	ماسفرم، ۲۷۵
لوقبسوس، ۳۷	لیذون، ۲۶۵	مادله، ۹۹	ماسقدون، ۲۷۵
لوقبسون، ۳۸	لیرون، ۲۷۴، ۵۰	مادیون، ۲۸۷	ماسقود، ۲۷۵
لوقیدس، ۱۵۵	لیرون (مغرب)، ۸۷	ماذر درخت (کرمان)، ۹۶	ماش، ۵۸، ۱۳۷، ۲۷۵

ماش دارو (شیراز)، ۲۶۱	مامون، ۱۱۰	متن هنک فار، ۱۲۱	مدارا، ۲۰۹
ماش دارو (شیرازی)، ۲۶۱	مامهستان، ۱۶۶	مُثَلَّث، ۲۰۱	مَذْبَقَة، ۵۴
ماش هندی، ۲۵۹	مامیثا، ۶۷	مُثَلَّث، ۲۴۷	مَذْرُومُ الْوَرَق، ۵۹
ماش هندی (عراق)، ۱۱۲	مامیثا (نبطی)، ۲۷۶	مُثَلَّث حجم، ۱۶۳	مَدْرَة الْبِه (فرنگی)، ۲۶۶
ماشیا، ۴۴	مامیثای سرخ، ۴۴	مُثَنان، ۲۷۵، ۲۵۵، ۹۷، ۵۳	مدقوش، ۲۷۹
ماطرُ شالْبَه (لاتینی)، ۷۵	مامیران، ۱۴۲، ۱۶۱، ۲۰۸	مُثَنان، ۲۷۷	مدلوک، ۸۸، ۲۵۹
ماطر شِلْبَة، ۱۶۰	۲۷۶، ۲۱۶	مُثَنان آخر، ۲۷۷	مدلوکَة، ۲۷۳
ماطوفیون، ۲۴۶	مامیر (قبطی)، ۲۷۱	مُثَنی، ۲۹۰	مدهوق، ۱۸۰
ماغره، ۸۰	ماتنه، ۱۱۳	مُجَّ، ۱۳۷	مدیکه (فاس)، ۴۹
ماغره الاسود، ۱۵۰	ماتنه (لاتینی)، ۱۸۲	مُج، ۲۷۵	مَذْهَب، ۶۱
ماقر، ۱۴۲، ۱۹۹	مسانداری تلخ (شیراز)، ۲۶۰	مُجاج، ۲۷۵	مَذْهَب الْکَلْب، ۶۰
ماقوق، ۲۴۲		مجتری، ۵۶	مُز، ۲۷۷
مالاثرن، ۱۶۷	ماوش أوطا، ۳۴	مجتهه، ۲۳۰	مرا، ۲۷۸
مالاثرن، ۱۶۶	ماه فرفین (مغرب)، ۱۰۱	مُجَزَّع، ۱۴۰	مراتیا، ۲۹۹
مالاثرن، ۱۶۶	ماه فروین (مغرب)، ۱۰۱	مُجَنَح، ۲۷۷	مرادکبار، ۲۷۷
مالایترون، ۱۶۶	ماهلو (شیرازی)، ۱۲۴	مُجَنَّن، ۲۴۹	مُزار، ۵۹، ۲۹۸
مَالْبَه، ۱۲۹	ماهویدانه، ۲۷۶	مجنون، ۱۲۵	مُزار، ۲۷۸
مَالْبَه اوراطه، ۱۲۹	ماهویدانه، ۲۷۶	مجنون (شام)، ۱۰۵	مُزار الصحراء، ۱۲۶
مَالْبَه بَسْکَه، ۱۲۹	ماهودانه، ۱۱۳، ۱۴۷، ۲۷۶	محاجم (اندلس)، ۲۷۷	مرار الصخر، ۱۲۶
مَالْبَه مِلُوخه، ۱۲۹	۳۰۰	محروت، ۵۰، ۶۵، ۱۲۱	مرارت فیلا، ۱۲۰
مالثرون، ۱۵۲	ماهودانه (مغرب و اندلس)، ۱۱۳	محروث، ۶۵، ۵۰	مرارة الفیل، ۲۳۱
مالسوفلن، ۷۱		محسنة، ۱۸۷	مراس، ۹۷
مالْکَنْکَنی، ۲۷۶	ماهومورد، ۳۶	مُخْفِرَة (اندلس)، ۵۱	مراطولس، ۲۴۹
مالیا، ۱۴۴، ۲۷۸	ماهویدانه، ۲۷۶	مَحْلَب، ۴۳	مُزافروط، ۲۷۸
مالیا، ۱۶۰، ۱۶۳	ماهوی دانه، ۲۷۶	محلِب، ۱۱۲	مران، ۱۶۰، ۱۷۱
مالیا، ۲۷۶	ماهیزهرج، ۲۷۷	مَحْلَب، ۲۱۶	مُزان، ۱۶۳، ۲۷۸
مالیبیون، ۱۳۰	ماهی زهرج (شام و عراق)، ۹۰	محلولة، ۶۲	مُزان، ۲۰۰
مالیسوْقْلَن، ۷۱		محموده، ۱۷۳	مرانیه، ۲۹۹
مالیسوْقْلَن، ۲۸۰	ماهی زهره، ۲۷۷	مخاطة، ۱۴۲، ۱۶۷	مراوح العجَن، ۲۹۲
مالیطا (لاتینی)، ۲۸۰	مبدکه ماله (فرنگی)، ۴۰	مُخْبِر (فاس)، ۴۹	مربیح، ۲۸۰
مالیطانا، ۷۱	مت، ۱۷۱	مخرج الريح، ۱۷۳	میرثش، ۳۶
مالیلوطس، ۵۹	متر، ۲۵۳	مخلب العقارب الأبيض، ۴۷	مُزْتَه (لاتینی)، ۳۶
مالیلوْطوس، ۵۹	مِترَسات، ۱۲۹	مخلصه، ۱۱۱	مرتینی، ۹۶
مالیشیون، ۱۹۲	متر کابلی، ۱۳۷	مُخْلَصَه، ۲۷۷	مِزْتیه، ۳۶
مالیون، ۵۱	مترک کازرونی (شیرازی)، ۱۱۷	مُخْلَصَة، ۱۰۷	مُزْثان (لاتینی)، ۳۶
ماما، ۲۷۵		مخنخ (بلخ)، ۸۴	مرج، ۲۲۷
ماماقولا، ۱۰۶	متک، ۳۹	مَخِیْطَا، ۴۳	مرجان، ۷۹
مامور، ۱۱۰	متکه، ۳۹	مخیطا، ۱۶۷	مرجان مروارید خرد، ۷۹

مرج (سغدیه)، ۲۲۷	مرسیفا، ۷۶	مروبری، ۲۸۰	مریق، ۵۷
مرجومک، ۲۰۷	مرسینا آغریا، ۳۶	مرو تلخ، ۲۸۰	مُریق، ۱۷۰
مرچ، ۲۲۷	مَرَسِیْسُ اَیْمَارُس، ۳۶	مرو تلخ (شیرازی)، ۲۸۰	مُریق، ۲۱۰
مرچانی، ۱۱۳	مرسینس اَیْمَاروس، ۳۱	مرو جبلی، ۲۷۹	مَرِیْمَدَهون، ۱۷۸
مَرخ، ۱۷۴، ۲۵۹، ۲۷۸	۳۶	مرو خوش، ۲۷۹	مربوت (فاس)، ۲۲۴
مرخ، ۲۱۱	مرسینوس، ۳۶	مرو دشتی، ۲۹۸	مَرِیْه، ۲۸۰
مرخوش (شیرازی)، ۲۸۰	مرسینی، ۳۱، ۳۵	مرو دقیق، ۱۶۳	مَرِیْه الاسود، ۲۸۰
مَرخَ، ۲۰۲	مرطنه، ۹۹	مرو رشک (شیرازی)، ۲۸۰	مَرِیْه ابیض، ۲۸۰
مرداراجی، ۲۱۵	مَرطَنه، ۱۴۸	مرو ر (فاس)، ۲۲۴	مَرِیْه الابیض، ۲۸۰
مرداودوش، ۱۱۳	مرطولست، ۲۷۹	مرو ریه، ۲۸۰	مری، ۱۸۰
مَرْدِایَنْج، ۳۶	مرغ زفانک، ۲۶۹	مرو ریه، ۲۸۰	مزابله، ۲۱۴
مرددوش، ۱۱۳	مرفوران، ۲۰۹	مروزشک، ۲۸۰	مزج، ۲۷۱
مرددوش، ۲۷۹	مرقد، ۱۰۹	مروس، ۲۵۲	مزل الصفار، ۴۹
مرددوش البری، ۱۹۵	مرقد، ۲۷۹	مروسرز (شیرازی)، ۷۲	مَزمَار الراعی، ۳۳، ۶۴
مَرْدَدُوش (اندلس)، ۲۷۹	مرقیره، ۱۸۷	مرو سفید، ۱۶۳، ۲۸۰	۲۱۰، ۲۸۱
مردقوش، ۲۷۹	مرماحور، ۹۱	مروسیا، ۴۴	مزوبه، ۲۳۷
مَرْدَقُوش، ۲۷۹	مَرْمَاحور، ۲۷۹	مروسیون، ۲۳۲	مزوده، ۲۰۷
مردوش، ۳۴	مرماحوز، ۲۷۹	مروش، ۳۴	مژو (اصفهان)، ۱۸۰
مَرْدَکَی، ۲۷۸	مرماخور، ۲۷۵	مروش آقطی، ۳۴	مسافق، ۲۸۱
مِرز، ۱۵۰	مرمار، ۱۵۸	مروشه (اندلس)، ۲۰۷	مَسْتار (زابل)، ۵۶
مِرز، ۲۴۷	مَرْمَازاد، ۲۷۹	مرولیه، ۱۳۳	مست رو (شیرازی)، ۲۷۵
مرزجوش، ۳۴	مرماطوس، ۲۸۰	مروه، ۵۶	مُسْت (زابل)، ۱۷۱
مَرَزْجُون (لاتینی)، ۲۱۰	مرماهان، ۲۸۰	مرو همیشه بهار، ۲۷۹	مستساققل، ۱۴۸
مرزنجوش، ۳۴، ۶۶، ۱۱۳	مرماهوز، ۲۷۹	مروی مشتهی، ۲۸۰	مستعجل، ۸۹
۱۶۰، ۲۸۸	مرماهوس، ۲۸۰	مَرِویْه بُنْتُوشَه (لاتینی)، ۸۷	مستعجله، ۸۹
مَرَزْجُوش، ۱۵۹	مرماهویه، ۲۸۰	۱۷۹، ۲۲۴	مُسْتَعْجَلَه، ۲۰۷، ۲۸۱
مَرَزْجُوش، ۲۷۹	مِرْمَلاط، ۲۷۹	مَرِویْه یلبوسه (لاتینی)، ۸۷	مسد، ۹۳
مرزنگوش، ۳۴، ۲۷۹	مرمیخا (سغدی)، ۲۷۹	مَرِویْه الأبیض، ۲۲۴	مَسَد، ۱۵۷
مرزه، ۱۸۷، ۱۹۵	مَرْنَاغر، ۱۰۲	مَره الطوفان، ۲۰۲	مس غات، ۲۸۱
مَرزِیر (مصر)، ۲۷۸	مرناغر، ۲۸۰	مریافلن، ۱۱۰، ۲۸۰	مسقط الأجنه، ۶۸
مرس، ۲۷۹	مرو، ۵۲، ۹۱، ۱۲۷، ۱۴۲	مَرِیَافْلَن، ۱۱۷	مسقینون، ۴۱
مرسالایمارس، ۳۱، ۳۵	۲۸۰، ۲۶۸، ۲۷۴، ۲۸۰	مریافلن، ۱۵۱	مسک الارض، ۱۰۳، ۲۸۱
مَرَسَطَس نبطی، ۲۷۹	مَرز، ۲۸۰	مریافلون، ۲۸۰	مِسْک البَجْن، ۱۰۳، ۱۹۰
مرسلون، ۱۴۱	مروازاد، ۲۷۹	مریافلون آخر، ۲۸۰	مسک البجن (اندلس)، ۲۸۱
مرسلیطس، ۳۰۰	مرو اسود، ۲۸۰	مریث، ۸۰	مسک الرمان، ۲۸۸
مرسین، ۳۱، ۳۵	مرو الاسود، ۲۸۰	مریخ، ۲۸۰	مسک القروء، ۵۲
مرسیا اغریا، ۳۶	مرو العراض، ۲۲۱	مَرِیْراء، ۱۶۴، ۱۹۴	مُسْکَنه، ۲۸۰
مرسیسا اغریا، ۳۶	مروانا، ۲۷۹	مَرِیْش، ۱۴۰	مسک جُده، ۲۸۱

مسک طرامسیع، ۲۲۹	مشک داش (تنکابن)، ۱۹۰	مصفی الرعاة (مغرب)، ۸۶	مقاتل الراعی، ۶۰
مِسْکِیة، ۱۲۵	مِشْکِرَامْشِیْع (نبطی)، ۲۸۱	مض، ۱۵۸	مقاتل الرعاة، ۶۰
مِسْکِیة، ۱۵۵	مشک زمین، ۱۷۱	مض، ۲۸۳	مقاتل المَرعی، ۱۵۱
مَسْمَقَار، ۱۶۱	مشکطرامشیر، ۵۴، ۲۲۱	مُضِیء البساتین، ۷۹	مَفْرَح، ۲۶۸
مسمقاره، ۱۶۰	مشکطرامشیر (نبطی)، ۲۸۱	مُطَبَّعَة، ۵۴	مُفْرِح، ۲۶۸
مسمقران، ۱۶۰	مشکطرامشیر، ۱۱۳، ۲۲۹	مطخشاله (اندلس)، ۲۶۶	مَفْرَح القلب، ۷۱
مَسْمَقْران، ۱۶۱	۲۹۹	مُطَر، ۱۵۰	مُفْرِح قلب المحزون، ۷۱
مسمقوره (عجمی اندلس)، ۱۶۰	مشکطرامشیر زور، ۲۸۱	مُطَر (اندلس)، ۴۹	۱۱۳، ۲۸۳
مسمقوره، ۱۶۰	مشکطرامشیر کاذب، ۲۸۱	مطردیه (عجمیت اندلس)، ۲۴۲	مُفَصَّحَة، ۴۸
مَسْنَالَه (لاتینی)، ۶۴	مشکک، ۱۷۱	مطرقال، ۹۸، ۲۶۶، ۲۸۲	مُفَلَّق، ۱۳۹
مسواک الراعی، ۱۹۳، ۲۸۱	مشکک (شیراز)، ۱۹۴	مَطَرَقال (اندلس)، ۹۸	مقارجه، ۱۴۸
مسواک العباس، ۲۸۱، ۲۹۱	مشکین جه (اصفهان)، ۲۹۰	مطرقال (اندلس)، ۱۸۹	مقارجه (اندلس)، ۹۰
مسواک القروء، ۵۲	مشماش (مغرب)، ۲۸۲	مطرقان، ۹۸	مَقَارِجَة (لاتینی - اندلس)، ۷۰
مسواک القياد، ۲۳۳	مشمش، ۲۸۲، ۳۰۰	مطرونیه، ۱۰۶	مقامح ابلیس، ۲۵۲
مسواک المسیح، ۲۳۳، ۲۹۲	مشمش (مغرب و اندلس)، ۷۶	مَطَرُونِیَه (لاتینی)، ۲۳۱	مقد، ۵۷
مَسور، ۲۰۷	مشنگ گاوی، ۲۵۳	مظ، ۱۰۴	مَقْدونس، ۲۰۲، ۲۵۳
مسی، ۳۶	مشو (شیراز)، ۸۹	مَظ، ۱۰۴، ۱۷۴، ۲۸۳	مقدونیس، ۲۵۳
مسیخا، ۱۸۱	مشی، ۲۹۰	مظلل الحمام، ۱۵۶	مَقَر، ۱۲۰
مشا، ۲۸۱	مشیشتر و (فاس)، ۲۲۹	معد، ۷۲	مقر، ۱۹۵
مَشْبِلَیْن، ۱۶۲	مُصاص، ۹۷	مُغَطَّس، ۱۷۲، ۲۱۶	مقرجالة، ۵۸
مشتان، ۲۸۱	مُصاصه، ۱۱۴	مُعَقَّرَب، ۵۹	مقشلان، ۸۰
مشتجی، ۲۸۲	مصاصة، ۱۳۴	مَعْقَلَاوس، ۲۷۲	مُثْقَل، ۲۵۶
مشت (شیراز)، ۲۷۵	مُصَاَصَة (اندلس)، ۲۶۹	معین، ۲۷۵	مُثَل، ۵۲، ۲۳۸، ۲۸۳
مَشْتَلِیْش، ۲۸۲	مصاصة (فاس)، ۲۶۹	مغاث، ۱۵۸	مقلا، ۲۸۳
مشتهی، ۱۶۲، ۶۳	مُص العسل، ۲۸۰	مُغاث، ۲۸۳	مقل ازرق، ۲۸۳
مشحادیرسا، ۱۸۰	مصباح الروم، ۲۶۴	مغافیر، ۲۸۳	مقل الیهود، ۲۶۴، ۲۸۳
مشحونا، ۱۷۹	مصطخای، ۲۸۲	مغد، ۷۲، ۲۷۰	مقلقل (مغرب)، ۹۵
مشرقی، ۲۵۳	مصطنخی، ۲۸۲	مَغْد، ۲۸۳	مقل مکی، ۲۸۳، ۲۸۴
مشط الذنب، ۲۳۳	مُصْطَکَاء، ۲۸۲	مغدود، ۲۸۳	مقلوب، ۱۱۳
مشط الراعی، ۱۴۸، ۱۴۹	مصطکی، ۲۰۱	مغربی، ۱۳۲	مقلونیا، ۲۸۵
مشط الراعی (مغرب)، ۱۴۹	مُصْطَکِی، ۲۸۲	مُغْزِرَة، ۲۸۳	مقلیانا، ۱۱۵، ۲۸۴
مشط الغول، ۲۸۱	مُصْطَکِی، ۲۸۲	میغفار، ۲۸۳	مقلیان، ۱۱۵
مَشْطُ الغُول، ۲۸۱	مصطنجی، ۲۸۲	مُغْفَر، ۲۸۳	مُغْلِیْثا، ۱۱۵
مُشْطِیَه (لاتینی)، ۲۴۳	مُصْع، ۶۳	مُغْفَر، ۲۸۳	مقل یهودی، ۲۸۳
مشک، ۱۸۰	مُصْع، ۲۸۲	مغفور الرمث، ۱۵۸	مقیفرون، ۲۶۰
مشک الجبن، ۱۹۰	مصنع، ۲۱۷	مغیلان، ۶۲	مقیل، ۳۷
مشک چوپان (فارس)، ۱۹۰			

مَکْثَرُ اللَّبَنِ، ۹۰	ملک (سجزی قدیم)، ۲۸۴	منبهل (سند)، ۱۰۸	مَیْرَة، ۲۸۵
مکثر اللبن، ۲۷۱، ۱۰۴	ملک طلحه، ۲۹۷	مَیْت، ۲۳۰	مَیْکُو (سواحل زنج)، ۳۳
مکرنه، ۹۹	ملمندر، ۸۸	متجوشه، ۱۷۸	مُو، ۹۳
مکنسه الاندر، ۲۷۷	مِلْمَنْدَر، ۸۸	مَتَّجوشه، ۱۷۸	مو، ۲۸۷، ۲۸۵
مکنسه قرشیه، ۲۷۷	ملوح، ۲۴۲	متن الرانحه، ۲۱۹	مواغزن، ۲۸۵
مکوجوا (زنج)، ۹۵	ملوح (شام)، ۲۸۴	مُتَنَة (مصر)، ۲۱۹	موتیه، ۱۵۴
مکوی و مکوی، ۲۱۴	مَلُوخ، ۲۴۲	متوله میوره، ۲۷۵	موجه (اصفهان)، ۲۴۵
مَکْهَازَه، ۲۸۴	مَلُوخ، ۲۴۲	مَتَّی، ۱۱۳	مودیان، ۲۴۹
مکیدش (فاس)، ۵۹	ملوخ، ۲۸۴	متور، ۱۴۰، ۱۵۸، ۲۸۵	مُوزَا، ۹۵
مَکِیْنَسَه (لاتینیو)، ۲۴۶	ملوخ البطریق، ۲۸۴	مُتَّور (مصر)، ۱۴۰	موران، ۲۸۷
ملاج، ۶۶	مَلُوخی، ۱۲۹، ۲۸۴	متی، ۲۹۰	موران، ۲۸۷
مَلَّاجَه اقوانته، ۱۴۳	ملوخیا، ۸۴، ۱۲۹، ۲۸۴	مَنج، ۲۸۵	مورجون، ۱۵۷
مَلَّاجَه بطره، ۱۴۳	مَلُوخِیَا الشَّجَر، ۱۳۶	منج (بلخ)، ۸۴	مورد، ۳۱، ۳۶
مَلَّاح، ۶۶، ۱۲۳، ۲۴۲، ۲۴۳	ملوخیان بستانی، ۱۲۹	مَنج زَرَاوْشان، ۲۸۵	موردا سبرم، ۳۶
۲۸۴	ملوخیه، ۱۲۹	مند، ۱۶۱	موردا سبرم، ۱۵۹
ملاح، ۲۴۳	ملوخیه (بلخ)، ۲۸۴	منداغورس، ۳۰۰	موردا سفرم، ۳۶
مَلَّاحی، ۹۶	ملوخیه بری، ۱۳۶	مندبونه، ۲۸۰	مورسقی، ۲۰۲
ملا فطون، ۱۲۶	ملوغه، ۱۲۹	مَنْدَرَاغوس، ۲۷۰	مورقا (اندلس)، ۲۸۵
مَلْبَالَه (ثغری)، ۱۳۰	ملوکیه، ۱۲۹	مندغوره، ۳۰۰	موريقا، ۲۰۲
ملبند شدرک، ۸۲	ملوکیه بری، ۱۲۹	مَنْدَه، ۱۱۳	موریقی، ۲۰۲
مَلْبُونَه، ۲۸۶	ملوکیه، ۲۸۴	مَنْ رَاى مِثْلِی، ۲۵۲	موریون، ۳۰۰
مَلنج، ۲۸۳	ملوکیه البحر، ۱۲۹	منره وشک، ۱۸۰	موز، ۲۰۳
ملجاله، ۹۸	ملوکیه البریه، ۱۲۹	مَنَسَانَه، ۹۴	مُوز، ۲۸۵
مَلنجی، ۱۴۸	مَلول، ۱۴۰، ۲۷۹	منسانیا، ۹۴	موزق، ۲۸۰
ملجی الایض، ۹۶	مَلون، ۸۱	منسم، ۲۷۱	موژ (سجزی)، ۱۸۰
ملجی الاسود، ۹۶	ملونیا، ۸۱، ۲۸۵	مَنَسِیَه، ۲۹۸	موس اوطا، ۳۴
ملح، ۲۴۲	ملونیه، ۲۸۵	مَنَسِیَه، ۲۸۵	مُوسَلی، ۲۸۶
ملحتفن، ۱۷۹	ملهتی حیتھی مد، ۱۸۰	منشحیا، ۸۹	موسولیون، ۱۴۱
مَلْخُج (زابل)، ۱۸۰	ملیح، ۲۳۲	منشخا، ۸۹	موسیر، ۴۸، ۹۸
ملس (یمین)، ۲۰۷	مَلِیخ، ۲۴۲	مَنَشِیم، ۲۸۵	موشان پیاز، ۴۹
ملطاء، ۱۴۸	ملیسون، ۲۴۶	منطر، ۳۱، ۳۵	موشک (اصفهان)، ۲۵۰
ملطاء، ۲۸۱	ملیونا، ۸۱	مَنْطِیْذایون، ۳۶	موفه، ۱۷۱
ملطیرغون، ۲۶۹	ممسک الارواح، ۴۷	مُتَفَتَلَه، ۱۲۹	موقوطس، ۲۲۶
ملفون، ۸۱	مَمْسِیک الأرواح، ۴۷	مَنْفُوخَه، ۱۷۳	موقولن، ۳۰۰
مُلک، ۱۳۷	ممنون البقر، ۴۱	منفوخه، ۲۴۸	موقیطس، ۲۲۶
ملک، ۱۶۲	ممنون، ۲۸۰	مَنْقَسِیم لخمسه اقسام، ۸۹	موکره، ۱۵۴
ملکا، ۵۹	من، ۴۴	منقوسیون، ۱۹۱	موکوطیس، ۲۲۶
مُلک (خراسان)، ۱۰۴	مَنج (شام)، ۲۷۶	مَنُوم، ۲۴۹	مُول سَری، ۲۸۶

مولسری (بنگال)، ۹۰	میدیقی، ۲۹۱	میلتی (سند)، ۱۸۰	نارجیل بحری، ۲۸۷
مولی، ۴۸، ۱۱۶، ۲۲۳، ۲۸۶	میدیکی، ۱۵۶	میلقص طراخیا، ۲۲۶	نارجیل دریائی، ۲۸۷
مولی آخر، ۸۵	میرادون، ۲۸۰	میلقص لیا، ۲۸۷	نارجین، ۱۳۲
مولیقنلس، ۹۸	میردارون، ۲۸۰	میلکندی (خراسانی)، ۱۶۳	ناردس، ۱۷۷
مون، ۲۸۵	میرک کازرونی (شیراز)، ۱۱۷	میل (مازندران)، ۹۷	ناردس اقلیطیقی، ۱۷۸
مونج، ۲۸۶		میمو، ۱۷۸	ناردوایتالیون (لاتین)، ۱۷۷
مونذی، ۲۸۶	میروقوین، ۱۹۲	میمون، ۲۲۲	ناردوس بری، ۲۲۸
مونس الوحش، ۱۴۱	میزیقا، ۳۹	میمون (مغرب)، ۲۲۲	ناردین، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۸۷
مونس الهموم، ۲۴۵	میس، ۱۲۷	میمونه، ۱۵۸	ناردین اقلیطی، ۱۷۷، ۱۷۸
مونک، ۲۷۵	میس، ۲۷۲	مین، ۲۸۷	۲۸۸
مویزج، ۱۱۱	میسن، ۲۸۶	مین بل، ۱۰۸	ناردین آغریا، ۲۸۸
مویزج عسلی (شیراز)، ۱۴۳	می سب، ۹۴	مین پهل، ۱۰۸	ناردین اقلیطی، ۲۸۸
	میشهار، ۳۷، ۲۸۰	مینزارما، ۲۹۰	ناردین آورنی، ۱۷۷
مویزک (شیرازی)، ۲۸۷	میشکجان، ۳۷	میواقتوس، ۲۸۷	ناردین اوری، ۲۸۸
مویزک عسلی، ۱۴۳	میشنا، ۲۸۶	میودیون، ۲۸۷	ناردین بری، ۴۶
موؤس، ۲۸۶	میشناء (سیستان)، ۳۷	میورسینه، ۲۰۲	ناردین بری، ۴۶
مهار، ۱۷۶	میشو، ۴۱	میوره، ۱۱۳	ناردین جبلی، ۲۸۸
مهاکال، ۱۲۶	میشهار، ۵۷	میوس، ۱۰۳	ناردین دبرآ، ۴۶
مَهت، ۴۴	میشی، ۲۱۱	میوش اوطا، ۸۳	ناردین صینی، ۲۸۸
مَهتد، ۲۸۶	میعه، ۵۳، ۲۸۶	میون، ۲۸۷	ناردین ناروس (فرنگی)، ۱۷۸
مهد (شام)، ۲۰۷	میعه تر، ۲۸۶	میوه درخت سرو، ۱۷۰	
مهرگیاه، ۳۰۰	میعه خشک، ۲۸۶	میوه کاکج، ۲۰۶	ناردین نهری، ۲۸۸
مهرمان، ۵۷	میعه سایله، ۲۶۷	میویزج، ۲۸۷	نارططس، ۵۹
مهک (شیراز)، ۱۸۰	میعه یابسه، ۵۳	مؤش اوطیش، ۱۱۹	نارغفف (سندی)، ۲۸۸
مهلت، ۱۸۰	میعه یابسه، ۲۸۶		نارغیث (سندی)، ۲۸۸
مهلتی (سند)، ۱۸۰	میعه، ۱۸۶		نارغیست (سندی)، ۲۸۸
مهندی، ۱۲۵	میعه السائله، ۲۸۶		نار فارس، ۲۸۸
مهیلیون، ۲۴۹	میعه سائله، ۲۸۶	نابطه، ۲۷۵	نار قیصر، ۲۸۸
میثون، ۲۸۵	میغالا فالون، ۲۴۹	نابطه (اندلس)، ۱۹۸	نارک، ۲۸۹
میامیر، ۱۵۶	میغن افرووس، ۱۰۰	نابلس، ۲۹۵	نارکیو، ۲۸۸
میربان، ۳۶	میغن، ۱۳۴	نابیارش، ۱۸۹	نارکیوا، ۲۷۵
میبه، ۲۸۶	میغن زواس، ۱۳۴، ۲۸۵	ناجو، ۱۹۶	نارکیتوا، ۲۸۸
میتهی، ۱۲۱	میغن افروس، ۱۳۵	نادر سَنفاریطیقی، ۱۷۷	نارماسیس، ۲۸۸
میثوبا، ۷۰	میکلس، ۲۸۷	ناذبود، ۱۵۹	نار مشک، ۱۵۸
میخک، ۲۳۸	میلا، ۹۴	نار، ۱۰۴، ۱۵۷	نار مشک، ۲۸۸
میدیغی، ۱۵۳	میلاؤس، ۹۴	نارتکس، ۲۴۵	نارنج، ۴۰
میدیقامیلا، ۴۰	میلانثاون، ۱۹۲	نارتکس، ۲۵۹	نارنج، ۲۸۹
میدیقی، ۱۵۶	میلانثیون، ۷۰	نارجیل، ۱۰۹، ۲۸۷	نارود (لاتین)، ۱۷۷

### حرف «ن»

نارونه خرما (شیراز)، ۹۵	نبات سحری، ۲۰۴	۲۹۰	نُصار، ۲۰۲
ناریل، ۲۸۷	نبات نورا، ۲۵۵	نرجس ایض، ۸۰	نصار، ۲۹۰
نارین بری، ۲۲۸	نَبال (اندلس)، ۱۲۸	نرجس الاصفَر، ۷۶	نطفّا، ۱۳۶
نازبو، ۱۸۳	نَبسیروله، ۱۵۳	نرجس مسکین، ۲۹۰	نعاقلیس، ۲۱۱
ناز، ۱۹۶	نَبع، ۲۸۹	نرجس مَقوَدَس، ۸۰	نعناع، ۲۹۰
ناشپاتی، ۲۶۱	نَبغ، ۲۸۹	نرجسینوس (لاتینی)، ۸۰	نَعنع، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۹۵
ناطس، ۲۱۳	نَبق، ۱۶۸، ۲۶۹، ۲۸۹	نردین، ۱۶۶	۲۲۹
ناطف، ۲۸۹	نَبقیرس، ۸۰	نرسک، ۲۰۷	نَعنع، ۲۹۰
ناعمة (اندلس)، ۲۶۸ ۶۰	نَبینا، ۲۶۲	نرسیس، ۸۰	نعیج الحبشه، ۱۰۷
ناغبشت، ۲۸۸	نَهی مائی، ۲۰۲	نَرکسوس، ۸۰	نغرون، ۱۲۶
ناغیست (سندی)، ۲۸۸	نَجاله، ۲۹۰	نرکسوس، ۸۰	نغریل، ۹۶
ناغیشت، ۲۸۹	نَجَب، ۱۷۴	نرگس، ۲۹۰ ۶۷	نغزک (تورانی)، ۶۳
ناغیطارس طوماغا، ۶۵	نَجَد، ۵۹	نرنج (فاس)، ۴۰	نغن خوالان، ۲۸۹
ناغیونس، ۲۵۳	نجم، ۴۳، ۹۹، ۱۲۹	نرنسبی، ۶۴	نَقاخ، ۱۰۸
نافع، ۷۸، ۱۵۲	نجمه، ۹۹، ۲۱۲	نَرُوک، ۲۹۰	نقل، ۱۵۷
نافوخ، ۱۴۶	نجیر، ۹۹	نزار، ۳۸	نَقْل، ۲۵۳
نافوس، ۱۰۳	نَجیر (لاتینی)، ۹۹	نُرُک (سجزی)، ۲۶۶	نَقْل، ۲۹۱
ناکرون، ۲۹۷	نَجیل، ۹۹، ۲۰۰	نسترن گل، ۲۹۰	نقخارس، ۱۶۵
ناکسیر، ۲۸۹	نَجیل (لاتینی)، ۹۹	نسج، ۲۶۳	نقد، ۲۱۰
ناکفف، ۲۸۸	نحلیة، ۱۵۵	نسرین، ۲۹۰	نقرار، ۹۶
ناککسیر، ۲۸۹	نحوفس، ۴۳	نسرین زرد بری، ۲۹۴	نقل خواجه، ۱۱۱
ناکمترو، ۲۸۸	نحیلک (مازندران)، ۱۲۹	نسرین زرد بستانی، ۲۹۴	نقیب (قدس)، ۲۴۲
ناکیس، ۲۸۸	نخل، ۹۴	نسرین (مغرب)، ۲۹۴	نِکاچونی، ۲۹۱
ناکیسر، ۲۸۸	نخل المقل، ۱۰۹	نسطوس، ۲۴۰	نکدبابوی، ۱۵۹
نالیر، ۲۸۷	نخود، ۱۲۴	نسلیون، ۷۸	نکریز (شیرازی)، ۲۳۶
نامی، ۱۵۹	نخود الوندی (اصفهان)، ۱۶۱	نسمة، ۲۸۰	نل، ۲۴۰
نانخاه، ۲۸۹	نخود دشتی، ۱۲۴	نشاط افزا، ۲۴۵	نلک، ۱۶۲، ۲۹۱
نانخواه، ۲۶۲	نخوشی (شیراز)، ۲۲۲	نَشانسَه (لاتینی)، ۵۶	نُلک، ۱۶۲
نانخواه، ۲۸۹	نَدغ، ۱۹۵	نشرا، ۱۶۹	نمام، ۱۱۳، ۱۸۲، ۲۷۹، ۲۹۱
نانخواه (اندلس)، ۲۲۸	نَدی، ۲۹۵	نَشَقَقَن، ۸۹	نمام الملک، ۱۸۲
نانخه، ۲۵۶، ۲۶۲	نَریسی، ۱۰۱	نشک، ۲۰۷	نیم (سند)، ۳۵
نانخه (اندلس)، ۲۸۹	نَرَنیَقَس، ۲۹۰	نَشم، ۱۰۶، ۱۸۵، ۲۹۰	نمشک، ۲۹۰
نانکش (نیشابور)، ۸۱	نَرَنیَقَس، ۲۴۴	نَشم الاسود، ۱۲۷	نملول، ۲۴۵
نان کلاغ، ۱۲۹	نَرَنیَقَس، ۲۴۵	نشم الاسود (اندلس)، ۲۷۲	نمیسقن، ۲۵۳
نانوخیه، ۲۸۹	نَرَنیَقَس، ۲۵۹	نَشم الأَسود (اندلس)، ۱۴۴	ننعا، ۲۹۰
نایزه، ۹۳	نَرَنیَقَس، ۲۵۹	نَشَک (زابل)، ۱۸۳	ننوا، ۲۸۹
نبات ازاد، ۱۰۳	نرجس، ۸۰، ۱۸۱، ۲۰۶	نصی (اندلس)، ۱۳۶	ننوند (شیرازی)، ۱۱۶
نبات الرعد، ۲۶۰		نُصار، ۴۰	ننهی مائین، ۴۰



نیلج، ۱۱۳، ۱۵۹، ۲۱۱، ۲۹۲	وازئیر، ۱۴۷	ورد الحب، ۲۵۰
نوارس، ۲۳۳	واشوه، ۱۲۹	ورد الحب، ۲۵۴
نوارس، ۲۹۱	وافلایا، ۶۵	ورد الحب، ۲۹۴
نواصیر، ۳۰۰	وانسه، ۴۶	ورد الحمار، ۴۶، ۲۹۴
نوجی، ۱۰۷	وانیموروسقلمیوس، ۲۱۸	ورد الحماق، ۲۹۴
نور مطلبیه (فرنگی)، ۱۰۸	واوزاق، ۱۴۷	ورد الحمه، ۲۹۵
نوغان، ۴۶	وايله، ۲۲۵	ورد الحمیر، ۲۲۳
نوفر، ۲۹۲	وتلخ، ۲۹۷	ورد الحمیر (اندلس)، ۲۲۳، ۲۹۵
نوقاقیس، ۲۲۳	وتورلت، ۴۶	ورد الذکر، ۱۰۵
نوکانی، ۱۲۱	وتیرا، ۲۹۴	ورد الزوان (فاس)، ۱۳۶
نونیاس، ۱۸۹	وج، ۵۱	ورد الزوانی (اندلس)، ۱۳۶
نونیناس، ۱۸۹	وج، ۱۶۵	ورد الزوانی (اندلس)، ۱۳۶
نونیف، ۱۵۳	وج، ۲۹۳	ورد الزبینه، ۱۲۹
نهشک، ۲۹۰	وجاثلق (کوهستان و لرستان)، ۱۰۳	ورد الزبینه البری، ۱۲۹
نهشل، ۱۰۳	وجد (یمن)، ۲۵۱	ورد الشمس، ۲۹۲
نَهَق، ۷۰، ۱۰۲	وحشی، ۹۶	ورد العجار، ۲۹۴
نَهَق، ۱۰۲	وحمو (فاس)، ۱۰۲	ورد الفجار، ۲۹۴
نه کوهی، ۲۲۸	وخشیزق، ۲۹۳	ورد الفحصی، ۲۶۵
نَهْمَا (نبطی)، ۲۹۲	وذع، ۲۹۳	ورد المجوس، ۲۹۲
نهنمک (ری)، ۱۴۸	ودود، ۸۶	ورد بری، ۲۹۴
نَهْدُ القینات، ۵۴	ودیفرونس، ۲۴۵	ورد جبلی، ۲۶۵
نی، ۲۴۰	وڈن، ۲۶۰	ورد صینی، ۲۹۰
نیاشبرش، ۲۸۲	وربوعن، ۲۴۹	ورد متن، ۲۹۵
نیپال، ۲۴۰	ورحالور، ۲۲۲	ورد موجه، ۲۹۴
نیروفل، ۲۹۲	ورد، ۱۱۹	ورد وفرا، ۱۸۸
نیریون، ۱۴۵	وزد، ۲۹۴، ۲۹۳	ورس، ۳۹، ۲۵۵
نیش (فاس)، ۲۸۲	وردا، ۲۹۳	ورس، ۲۹۵
نیشق، ۴۱	ورد ابیض بری، ۲۹۴	ورسالیون، ۲۵۳
نیشکر، ۲۴۱	ورد احمر، ۲۹۳	ورس غنده، ۳۹
نیشوف، ۵۱	ورد احمر بری، ۲۹۴	ورشاء، ۲۹۵
نیشوق، ۴۱	ورد احمر بستانی، ۲۹۴	ورشن، ۲۶۳
نیطاقلی، ۲۹۲	ورد ادرمانا، ۱۰۴	ورطوری، ۲۹۵
نیفاطوس، ۲۹۲	ورداد صیادی، ۱۴۶	ورق الحنا، ۱۱۳
نیقولا الراهب، ۶۰	ورداد صیاری، ۲۹۴	ورق الخیار، ۲۴۵
نیقولاس، ۹۶، ۱۸۲	ورد اصفر بری، ۲۹۴	ورق بارتنگ (شیراز)، ۲۶۹
نیل، ۱۱۳، ۲۱۱	ورد اصفر بستانی، ۲۹۴	ورق بنگو، ۷۸
نیل البری، ۲۱۱	ورد الانهار، ۲۹۲	ورق زیتون هندی، ۱۹۹
نیل بری، ۱۱۳، ۲۹۲	وارونه، ۱۰۹	
	وارد شیران، ۲۸۰	
	واردنگ، ۴۰	
	وابنیتون، ۱۸۴	
	وائی، ۱۳۰	

## حرف «و»

وریزه، ۹۹	ول، ۲۵۵	هَدَس، ۳۱، ۳۵	هزارجشان، ۲۲۲
وریژک، ۲۹۳	ولان المکی، ۱۲۰	هدل، ۱۲۰	هزار جشان، ۲۹۷
ورینه (تبریز)، ۹۶	وَلَب، ۲۹۵	هذوغورون، ۱۴۳	هزار سفید (شیرازی)، ۱۱۶
وزد، ۲۱۳	ون، ۸۱	هَذِیْلَة (اندلس)، ۲۹۶	هزار شاخه، ۲۲۲
وزق، ۱۴۴	ونا، ۲۵۸	هَذِیْلِیْه، ۱۰۶	هزار فشان، ۲۲۲
وزک (شیراز)، ۲۲۰	ونجهک، ۲۹۶	هراس، ۵۹	هزارکشان، ۲۲۲
وژ، ۲۹۳	وَنَقَازِف، ۴۱	هرانیه، ۲۹۶	هزارگشان، ۲۹۷
وسبطون، ۱۶۵	ونک (شیراز)، ۲۸۱	هرتما، ۱۱۳	هزاره، ۱۰۴
وسربیلیم (لاتین)، ۱۸۲	وَنُوشَک، ۸۱	هَرَجَان، ۲۸۵	هست چنکهار، ۱۱۸
وسق، ۵۱	ونیره، ۸۱	هرد، ۱۶۳	هَسَک، ۲۱۰
وسمه، ۲۹۲، ۲۵۱	ونیریون، ۸۰	هَرْد، ۲۰۸	هسک آقه، ۲۱۰
وسمه، ۱۳۶، ۲۹۲	وهل (شیراز)، ۲۰۸	هرداد (اصفهان)، ۱۱۸	هسک توم، ۲۱۰
وَسْمَة، ۲۱۱	وئی ایزه، ۲۱۰	هردا (صفاهان)، ۱۱۸	هَسَکْغَر، ۲۱۰
وَسْمَة، ۲۹۲	ویذویک (خوارزم)، ۲۸۶	هرسه (شیراز)، ۲۶۶	هشت دهان، ۱۳۶، ۲۹۷
وَسْمَة الذَّکَر، ۲۱۲	ویطس (لاتینی)، ۴۱	هرشه (شیراز)، ۲۶۶	هشار، ۱۱۳
وسندی کیه، ۲۸۲	وَيُوْذ (ترمذی)، ۲۶۰	هرطمان، ۲۳۷، ۲۶۳، ۲۹۶	هشقیقل، ۱۸۸
وسیج، ۲۹۵	وَيُوْذَه (بخاری)، ۲۶۰	هرقلوس، ۲۹۶	هطاطی، ۲۱۷
وسیل، ۱۸۸		هرقلو، ۳۹	هطی، ۲۱۷
وَشَج، ۵۱	<b>حرف «ه»</b>	هَرَقْلُوس، ۲۹۶	هفت، ۱۵۶
وَشَج، ۵۱		هرقلوه، ۲۹۶	هفت برج، ۲۷۵
وَشَج، ۲۹۵	هانجه، ۲۸۰	هرقلیون، ۱۸۲	هفت برگ، ۲۷۵
وَشَفَنَک (سجزی)، ۸۳	هاتورا، ۸۸	هرقولیون، ۱۸۲	هفت بزج، ۲۷۵
وَشَق، ۲۹۵	هاز سَنَکْهَار، ۲۹۶	هرقیلوس، ۲۹۶	هفت پهلو، ۲۶۹
وشک، ۸۱	هازان، ۱۱۳	هَرْم، ۲۰۰	هفت زرده (شیرازی)، ۲۹۰
وشک (اصفهان)، ۲۲۰	هازوما، ۱۱۳	هَرَنُوتُود، ۲۹۷	هلابوروس، ۱۳۰
وشیج، ۹۹	هاسیمونا (نبطی)، ۲۹۶	هرنوه، ۲۹۶	هَلَتی، ۱۷۴
وَشِیج، ۲۹۵	هال، ۲۳۲، ۲۹۶	هرنوة، ۲۲۸	هلدی، ۲۰۸
وض، ۲۹۳	هال بوا، ۷۰، ۲۹۶	هَرَنُوة، ۲۳۸	هلل (شیرازی)، ۱۲۰
وصف الاسود، ۷۶	هالم، ۱۰۲، ۱۱۵	هَرَوَا، ۲۸۶	هلل مشکک (شیراز)، ۱۲۰
وَطْم، ۲۹۵	هالوک، ۱۱۸	هروهره، ۶۸	هللیسفاقوس، ۵۹
وطه (سند)، ۱۲۰	هالوک (مصر)، ۶۸، ۲۰۱	هَره، ۲۹۶	هلموت، ۱۲۲
وغد، ۷۲، ۸۳	هالوم، ۱۰۲	هریتکه (گیلان)، ۶۵	هلو، ۱۳۹
وَعْد (آفریقا)، ۵۱	هالینوطس، ۵۹	هری سمن، ۹۶	هلهل، ۹۲
وقفص، ۱۸۳	هاهیرون، ۹۵	هَزین، ۶۸	هلیانسه، ۱۸۳
وَقْل، ۲۸۳	هید، ۱۲۶	هزار بندک، ۲۱۰	هلیقون، ۶۸
وقله، ۲۸۳	هیملیون، ۹۴	هزارپا، ۲۹۰	هلیلج، ۶۸
وقواق، ۲۹۵	هدبات، ۷۰، ۱۰۳، ۱۵۴	هزار جَسان، ۲۱۵	هلیلقی، ۶۸
وکونی کرانیس، ۷۳	۲۵۶، ۲۴۸	هزار جَسان، ۲۲۲	هلیله، ۳۵، ۶۸، ۸۷، ۲۴۹

هلیله زرد، ۶۸	هوزبد، ۶۸	هینگ (سجری)، ۶۵	یتلاق قرقرون، ۱۷۱
هلیله سیاه، ۶۸	هوزنی، ۸۱	هینگ (سند)، ۱۲۱	یتوع، ۱۰۱، ۱۴۷، ۱۵۷
هلیله کابلی، ۶۸	هوسفون، ۱۶۵	هیوازما، ۲۹۰	۱۸۴، ۱۹۴، ۲۶۷، ۳۰۰
هلیله کایم (لاتین)، ۲۴۹	هوفاریقون، ۶۹، ۱۴۱	هیوز (سوانم)، ۲۰۱	یتوع، ۲۶۵
هلیله موزیک (شیرازی)، ۶۸	۱۵۸، ۱۶۰، ۲۹۸	هیوسقاموس، ۸۸	یتوعات، ۱۶۵، ۱۹۴، ۲۰۹
هلیوس، ۲۹۷	هوفسطیداس، ۲۶۷، ۲۹۹	هیوفارقون، ۱۹۵	۲۲۱، ۲۲۴، ۲۹۵
هلیون، ۱۹۸	هوف طیداس، ۲۶۷	هیوفاریقون، ۳۴، ۶۹، ۸۶	یشون، ۹۳
هلیون، ۲۹۷	هوفسطیطاس، ۲۶۷	۲۸۵، ۲۹۸	یخصص، ۲۵۳
هملو (سند)، ۱۱۶	هوفیلوس، ۱۳۴، ۳۸	هیوفاطاریقون، ۵۴	یخصص، ۲۵۴
همون، ۲۲۲	هوفیوسقردن، ۹۸	هیوفسیطیوس، ۲۷۹	یدختن، ۱۵۷
همیشه بهار، ۳۷	هوم، ۲۹۹	هیوفقسطیداس، ۲۶۷	یدقه (لاتینی)، ۱۳۸
همینا، ۲۷۶	هوم‌المجوس، ۲۹۹	هیوفقسطیداس، ۲۶۵	یدره، ۱۱۳
هنجمنک (ری)، ۲۴۵	هوم‌الهرایده، ۲۹۹	هیوقسطیداس، ۲۹۹	یدره، ۲۴۰
هنداوانه (تبریزی)، ۸۲	هو یغون، ۲۹۹	هیومافطون، ۲۲۴	یدره، ۶۲
هندیبا، ۲۹۷	هیتماره، ۱۱۳	<b>حرف «ی»</b>	
هندبای بری، ۲۹۸	هیدبوا، ۲۹۶		
هندباء، ۶۶، ۸۴، ۲۸۰، ۲۹۶	هیده‌نیگره (فرنگی)، ۲۶۶	یابزوسیون، ۳۹	یرالجم (لاتین)، ۲۶۸
۲۹۷، ۳۰۱	هیروم، ۴۳	یاس سفید، ۲۰۵	یراع، ۲۴۰
هندباء، ۱۲۰	هیری، ۱۴۰	یاسمون، ۲۹۹	یرامع، ۲۹۷
هندباء الاجعد، ۱۰۳، ۱۱۹	هیری ارشق، ۱۴۰	یاسمین، ۱۰۶، ۱۶۴	یربناثه، ۶۹
هندباء البستانی، ۲۹۸	هیزارما، ۲۹۰	یاسمین، ۲۹۹	یربطور الساحلی (اندلس)، ۲۷۴
هندباء الشامی، ۶۶	هیزارنا، ۲۲۹	یاسمین البر، ۱۵۹	یربطور الشعراوی (اندلس)، ۲۷۴
هندباء بری، ۱۳۹، ۲۹۶	هیشر، ۱۱۴	یاسمین بری، ۲۰۵، ۲۴۶	یربطور (مغرب)، ۷۴
۲۹۸، ۳۰۰	هیشر، ۲۹۹	یاسمین سفید، ۱۵۲	یربطوره، ۲۶۲
هندباء شامی، ۲۹۸	هیضمان، ۲۲۳	یسروح، ۱۳۳، ۱۵۹، ۲۷۰	یربطوره (لاتینی)، ۷۴
هندباء (فاس)، ۲۹۷	هیطومون (نبطی)، ۱۳۰	۳۰۰	یربطوره (اندلس)، ۶۶
هندباء هاشمی، ۲۹۸	هیغیرس، ۲۶۴	یتروح الصنم، ۳۰۰	یربطوره (اندلس)، ۲۰۸
هندوانه، ۸۲	هیقلوس، ۳۹	یبروح الصنم، ۳۰۰	یربطوره (لاتینی)، ۳۰۰
هندوانه ابوجهل، ۱۲۶	هیگ، ۱۲۱	یبروح الوقاد، ۱۶۸	یربطه، ۱۰۶
هنس‌بدی، ۵۳	هیگل، ۲۲۶، ۲۲۷	یبروح الوقاد، ۱۶۸	یربوز، ۱۶۲
هنکفار، ۵۰	هیل، ۷۰، ۲۳۲، ۲۹۶	یبروح بری، ۲۷۰	یربوز (مغرب و فاس)، ۸۴
هوارغون، ۵۰	هیلاسقون، ۱۵۶	یبروح سریانی، ۲۷۰	یربوع، ۴۹
هواسمه (مصر)، ۷۶	هیلانیون، ۱۵۳	یبروح صنمی، ۱۶۸	یربه آسلی (لاتینی)، ۲۰۴
هویر، ۳۹	هیل بوا، ۷۰	یبروحی، ۳۰۰	یربه اشیلی، ۲۰۴
هوجویه، ۴۰	هیلورش، ۱۳۰	یبروحی دشینا، ۷۲	یربه اواناله، ۸۰
هودیا، ۲۶۰	هیل وهال، ۲۹۶	ییل، ۴۴	یربه اواناله، ۱۴۵
هوذاسمون، ۲۹۰	هین (سند)، ۱۲۱	ییقیه، ۳۰۰	یربه بانکه، ۲۵۷
هوره، ۲۶۰	هینک، ۱۲۱		

یَمِشاز، ۱۶۲	یَزَبَه بذلیره، ۱۰۳
یُمَین (اسکندریه)، ۲۱۸	یَزَبَه بُذلییره، ۱۲۰
یناشته دِیورکه، ۱۵۴	یَزَبَه بَطَره، ۲۵۳
ینبر (اندلس)، ۷۲	یربه بطره، ۲۹۱
ینبوت، ۱۰۹، ۱۳۲	یربه دفوفه، ۲۰۵
یَنبوت، ۱۳۲، ۲۴۷، ۳۰۱	یَزَبَه دی فَوْقَه، ۱۵۹
ینبوت زَنکورج، ۱۳۲	یَزَبَه دی فَوْقَه، ۲۶۶
ینبوتَه، ۱۰۹	یربه شانه، ۳۰۰
ینبوع، ۳۰۰	یربه (شَذ) یره (لاتینی)، ۹۵
یتون، ۹۷، ۱۶۷	یَزَبَه غَلِشَکَه، ۱۴۴
ینشتاله، ۱۵۴	یَزَبَه قَشوشَکَه، ۴۷
ینشتاله، ۱۵۱	یَزَبَه قَرَجِیِرَه (اندلس)، ۲۹۸
یُنَکَه (لاتینی)، ۲۰۹	یربه قرشته، ۱۰۳
یَنَمَه، ۲۶۹	یَزَبَه مَوَلَه (اندلس)، ۱۵۶
یوس اقطی، ۱۱۰	یَزَبَه نَقِیْشَه (لاتینی)، ۱۲۱
یوسیمون، ۱۱۳	یَزَبَه دی فَوِیْقَه، ۲۰۵
یونجه، ۱۵۵	یَزَنّا، ۱۲۵
	یَزَنّا (شام)، ۱۲۵
	یریک، ۳۴
	یستهارمک، ۱۷۹
	یش کشَکَه (اندلس)، ۱۰۶
	یشمه، ۹۴
	یطااس، ۱۳۶
	یعضید، ۸۳، ۱۳۹، ۲۸۰
	۲۹۸، ۳۰۰
	یعضید، ۱۴۳
	یعضید بری، ۱۳۳
	یعضید (مصر)، ۲۹۸
	یَعْفَر، ۲۰۴
	یَعْمِیصا، ۱۵۹
	یقطین، ۹۳، ۱۲۶، ۲۳۷
	یکهان بید، ۱۰۶
	یل شیرین (شیراز)، ۲۰۱
	یَنَم (سجزی)، ۲۱۰
	یلنجوج، ۱۷۹
	یمان (اسکندریه)، ۲۱۸
	یمرو، ۳۰۰
	یمور (شام)، ۸۴



## ضمیمه (۲)

### فهرست نام‌های کهن گیاهان داروئی در زبان‌های مختلف

(عربی، فارسی، یونانی، لاتینی، رومی، محلی، هندی، سریانی، بربری، ترکی)

برگرفته از کتب زیر:

- مخزن الادویه (قرن دوازدهم هجری)
- اختیارات بدیعی (قرن یازدهم هجری)
- حدیقه غسانی (قرن دهم هجری)
- جامع ابن بیطار (قرن هفتم هجری)
- تفسیر کتاب دیسکوریدس (قرن هفتم میلادی)
- عمدة الطیب فی معرفة النبات (قرن ششم هجری)
- صیدنه (قرن پنجم هجری)
- الابنیه (قرن چهارم هجری)
- الحاوی (قرن سوم هجری)

## فهرست نام‌های کهن گیاهان داروئی در زبان های مختلف

## ۱ - نام‌های عربی و مغرب

آبنوس، ۳۳	ابن، ۳۸، ۸۹	اذان الفیل، ۲۳۰	ارقان، ۱۰۵
آذان الأرنّب، ۳۳	إبن الأرض، ۳۸	اذان القسیس، ۲۴۷، ۲۷۴	ارقان (مغرب)، ۱۶۶
آذان التیس (اندلس)، ۳۳	ابن أوبر، ۳۸	اذان القسیس، ۲۴۷	ارمات، ۴۵
آذان الجداء، ۵۹	ابهل، ۳۹	إذخر، ۴۳	اروبی، ۲۶۵
آذان الجدی (دمشق و شام)، ۳۳	ابهل، ۱۰۵، ۱۴۳	اذخر، ۱۴۸	اروسه، ۳۸
آذان الدب، ۳۳	ابهل هندی، ۳۹	اذخر (فاس)، ۴۳	ازرّة الارض، ۲۹۱
آذان الشاة (اندلس)، ۳۳	ابی الولید، ۱۲۹	اذناب البقر، ۱۵۴	ازریول (فاس)، ۳۴
آذان العنز، ۳۳	ابی ان یموت، ۲۰۴	اذناب الخیل، ۱۵۴، ۲۱۰	ازغب، ۹۶، ۱۳۹
آذان الفار، ۳۳، ۶۳	آبید، ۱۴۳	اذناب الخیل (شام و شرق)، ۲۶۷	آسانوا (مغرب)، ۲۳۱
آذان الفار البری، ۳۳، ۳۴	ابی رستم، ۱۱۹	أذن الأرنّب، ۱۱۹، ۲۶۹، ۲۸۱	آسانوا (مغرب)، ۲۴۲
آذان الفار البستانی، ۳۳	ابی مقینة (فاس)، ۲۱۴	اذن الثور، ۲۲۴	اسبط، ۲۷۳
آذان الفار الرومی، ۳۴	ابی یموت، ۱۲۵	أذن الحمار، ۴۳، ۱۵۵، ۲۲۴	استب، ۴۶
آذان الفار الرومی، ۲۱۸	أثرج، ۳۹، ۱۶۲، ۲۷۴	۲۵۲	استبرق، ۴۶
آذان القسیس، ۳۴	اثاب، ۲۰۲	أذن الشاة (اندلس)، ۲۶۹	اسحارة، ۴۶، ۱۴۰، ۱۸۹
آذان الفیل، ۳۴	أتابه، ۷۶	أذن الفار، ۲۷۹	إسجل، ۴۶
آزر (فاس)، ۵۹	أثل، ۴۰، ۱۷۰، ۲۰۲	اذن القسیس، ۲۸۱	اسد الارض، ۴۶، ۱۲۸
آس، ۱۵۹	أثلق، ۴۰	اذن الوطواط، ۲۱۰	۲۷۵
آس البری، ۲۴۹	أجاص، ۴۱، ۱۸۴	أذن غزال، ۲۵۲	اسد العدس، ۴۷
آس البستانی، ۳۶	اجاص اصفر، ۱۸۴	أراک، ۴۳، ۱۶۱، ۲۳۳	إشرار (مغرب)، ۴۷
آس بری، ۲۸۳، ۳۶	اجبژنی (اسکندریه)، ۲۵۴	ارجاله، ۱۱۷، ۱۲۵، ۲۰۰	اسرون (فاس)، ۴۶
آس بری (اندلس)، ۱۴۰	اجرد، ۱۳۹	ارجان، ۱۶۶	اسفراج (مغرب)، ۲۹۷
آس بستانی، ۱۵۹	احباق، ۷۱	ارجان (مغرب)، ۱۰۵، ۱۶۶	اسفراج (مغرب و اندلس)، ۲۹۷
آس نبطی، ۳۶	احداق المرضی، ۵۷	أرجل الجراد، ۵۸، ۱۶۱	اسفناج، ۲۹۶
آفواه، ۵۲	إخریض، ۴۲، ۲۱۰	أرجوان، ۴۴	اسفغار، ۱۳۳
آکل نفسه، ۳۷	احریضه، ۲۳۶	أرز، ۴۴	اسقوردیون جبلی، ۴۸
آلایه، ۳۷	اخریط، ۱۲۳	أرز، ۱۲۶	اسقوردیون مصری، ۴۸
آلایه، ۳۷	اخشنة، ۱۰۲	ارز، ۱۷۰	آسل، ۴۹، ۱۴۸
آیس النفس، ۳۷	اخلة الارض، ۱۰۵۹	أرز الخلیل، ۷۶	اسنام، ۱۴۸
آنفثها، ۹۱	اخیون، ۶۸	أرزّم، ۲۷۷	آسان الذئب، ۵۰، ۸۴
آء، ۳۳	آذرک، ۴۲	ارزن هندی، ۱۴۹	اسنان الفار، ۲۵۹
إباله، ۶۰	ادقام الغرائق، ۱۲۹	ارزه، ۱۹۶	اسود، ۱۷۳
اباء، ۷۵	اذان الدب، ۲۴۴، ۲۷۰	ارطی، ۳۷، ۴۴	اشبنة آلبه، ۷۲
ابر نجمشک، ۲۲۵	اذان الفار، ۱۱۹	ارطی صغیر، ۱۵۵	اشتوان (مصر)، ۷۹
	اذان الفار حقیقی، ۳۴		

اشج، ۵۱	اصل اللوف، ۲۳۰	اکل نفسه، ۵۵، ۲۲۴	الفاضل لِنفساء، ۱۶۰
أشج، ۲۹۵	اصل المتک، ۱۸۰	إکلیل الجبل، ۵۹، ۱۹۳	الف دینار، ۱۶۰
إشخیص، ۵۱	اصل النیلوفر هندی، ۲۲۷	إکلیل المَلِک، ۵۹	القسینی، ۲۶۶
اشخیص، ۲۷۵	اصل الوردی، ۱۵۹	الأس، ۳۵	القسینی الکبیر، ۲۶۶
إشراس، ۵۱	اصل امیرباریس، ۳۵	الاثرار، ۶۱	الکور (یمنی)، ۲۸۳
أشراس (مغرب)، ۵۱	اضراس الکلب، ۷۹	إلب، ۶۰	المصافق، ۲۴۷
أشق، ۵۱، ۲۳۳	اطریشیة، ۲۸۰	البستنی، ۳۴	المُعین، ۲۷۵
أشق، ۲۹۵	أظفار الجن، ۵۴	البطن، ۸۰	النافع من الرّثیلاء، ۲۲۳
اشکریة، ۲۸۰	اعرابی، ۲۷۲	البّبل، ۱۴۱	النافع من أخلیوس، ۱۴۶
اشکّه، ۱۴۰	اعتاب السّراة، ۲۱۷	البهار، ۲۱۷	الوج، ۲۷۷، ۲۹۳
اشکیل، ۲۱۷	اغافت، ۵۴، ۹۰، ۱۵۴	التاجر، ۲۹۲	الهدایة، ۱۵۷
أشنان، ۵۲، ۶۹	اغافت، ۵۴	التاره، ۳۳	ام اربعة و اربعین، ۷۹
اشنان العربی، ۵۲	اغرقونیة، ۲۰۵	التواء بر التواء، ۲۵۷	أم الف ورق، ۶۲
اشنان الفارسی، ۱۲۳	اغلاث، ۱۲۱، ۱۴۸، ۲۴۹	الثّفاء، ۱۱۵	امجلیة، ۶۷
اشنان القصارین، ۱۲۳	افانی، ۱۲۳	الحاج، ۱۲۳	امرود، ۲۶۱
أشنة، ۵۲، ۱۱۸، ۱۹۲	افرنجوشک، ۱۵۹	الحاحی، ۱۲۹، ۱۳۳، ۲۵۶	أفطی، ۶۲
اشنه بستانی، ۱۹۲	افریقیة متتهونة، ۲۸۰	الحاذ، ۱۲۳	ام عمر، ۶۲، ۹۶
اصابع الصفّر، ۵۳	افستین، ۷۷، ۳۰، ۱۵۴، ۲۵۸	الخرفاء، ۱۰۴	أم غیلان، ۵۹، ۲۱۷
اصابع العذاری، ۵۳		الداد، ۱۱۴	أم غیلان، ۶۲
اصابع الفتیات، ۲۲۵	افستین البحر، ۱۹۳	الدوم، ۲۸۳	أمغیلان، ۶۲
اصابع القینات، ۱۱۳	افیون، ۵۷	الرّفعة الصّخریة (اندلس)، ۲۷۱	ام غیلان، ۱۹۱
اصابع اللّصوص، ۵۳	اقاحی، ۹۰، ۱۵۵		أم کلب، ۶۲
اصابع الملک، ۵۹، ۱۶۳	اقاقیا، ۲۳۷	الرمث، ۱۲۲	أمّنج، ۶۲
اصابع هرمس، ۱۷۹، ۵۸۰	أقحوان، ۳۵، ۵۷، ۵۸	الرّمیّنه (اندلس)، ۲۱۹	املس، ۱۳۹
اصطّرك، ۵۳، ۲۸۶	اقحوان البری، ۶۴	الزّنج، ۲۸۷	أمّوجع الکبد، ۶۳
اصطّرك (شام)، ۱۸۶	اقحوان العربی، ۱۵۳	الریح، ۲۷۳	ام یحیی (شام)، ۱۰۵
اصطفی، ۲۸۶	اقحوان بری، ۵۷	الزّرقطونا (فاس)، ۷۸	امیره، ۱۱۰
اصف، ۲۵۰	اقحوان بستانی، ۵۷	الزّوانی، ۱۳۶	امیطی، ۶۲
اصل الانجدان خراسانی، ۵۰	اقراض الملک، ۸۴	الشّرْمَج، ۱۷۰	انب، ۷۲
	اقرع، ۱۳۹	السّرْمَق، ۱۷۰	آئنج، ۶۳
اصل الخثی، ۱۳۸	اقطن (یمن)، ۲۷۵	السن، ۱۲۲	انج، ۲۸۲
اصل الراسن، ۱۵۳	اکثوث، ۲۵۸	السنة، ۱۲۹	انبوب الراعی، ۶۴
اصل السرح، ۳۰۰	أکرب البحری، ۱۲۲	السنة العصافیر، ۱۷۸، ۲۶۹	انبوب الملک، ۶۴
اصل السوس، ۱۸۰	اکرب الدوری، ۲۵۶	الصانع الصفّر، ۱۸۶	انتله، ۱۰۱
اصل السوسن الابیض، ۵۴	اکرب الرومی، ۲۵۶	الصینی، ۱۲۹	انجاص (فاس)، ۲۶۱
اصل الفلفل، ۲۲۸	اکرب الشامی، ۲۵۶	الطّفرا، ۲۰۴	أنجبار، ۶۴، ۸۷، ۱۵۷، ۲۹۱
اصل القصب، ۲۴۰	اکرب الكرمانی، ۲۵۶	الغسل، ۱۲۹	انجبار النهری، ۲۷۲، ۲۹۱
اصل اللفاح، ۲۷۰	اکرب الهاشمی، ۲۵۶	الف، ۲۲۲	انجدان، ۵۰، ۹۳، ۱۲۱



أفستین البحرى، ٥٦	أشجاره، ٤٦، ٩٦	أثم، ١٦٥	أنجذان، ٦٥
أفستین الساحلى (اندلس و مغرب)، ٥٦	أشخفان، ٤٦	أثاب، ٤٠	انجذان رومى، ١٦٧ ٦٥
أفستین بحرى، ١٩٣	أشجل، ١٣٧	أثبة، ٤٠	انجره، ٦٥
أفیون، ١٣٤، ٢٧٩	أسد الأرض، ٦٨	أثرار، ٤٠	انجسا الرملی، ١٥٥
أقاقیا، ١٣٢	أسطراغلُس، ٤٧	أثرار، ٦١	انجسا الساحلى، ١٥٥
أقحوان، ٣٥، ١٨٦، ٢٣٤	أسل، ١٧٥	أثل، ٢٩٠، ٢٠٧، ٤٠	انجیده، ٢٢٤
أقسوس، ١٨٦	أسل (اندلس)، ٥٠	أج، ١٠٦	انجيلة، ٣٧
أقطاف (شام)، ٢٧٥	أسلیج، ٥٠	أجاص، ٢١٧	اندروت، ٦٦
أقثا أریبقی، ١٨٩	أسنام، ٥٠	أجاص الأبیض، ١٨٤	أنزروت، ٦٦
أكباب، ٢١٦	أشتر، ٢٠٤، ٢٧٤	أجاص شتوی، ١٦٢	انس الارواح، ٤٧
أکر البحر، ٥٩	أشخیص، ٤٧	أجاص کوچک، ٧٦	انظر (دمشق و شام)، ٣٦
أکشوث (مغرب، مصر،	أشق، ٢٣٢	أجرد، ٤٢	أنف العیجل، ٦٦
أفریقا)، ٢٥٨	أشق الابله، ٥٢	أحرار (صقالبه)، ١١٦	انفحة، ٢٥٠
أکلیل الجبلی، ٢٧٤	أشق (مصر)، ٢٥٩	أحریص، ٤٢	انیت الشعر، ٢٥٧
أکلیل النفساء، ٢٧٤	أشقیل، ٤٩	أخلة، ٧٩	انیسون البری، ١١٤
أکلیلی، ٢٦٨	أشکل، ٢١٣	أداد الوحید (مغرب)، ٤٧	انیسون بری، ٧٨
الأطی، ٦٠	أشنان القصارین، ٥٢	أدادى (اندلس)، ٢٦٩	إهلیج، ٦٨
ألباین، ٦٠	أشنان داود، ٥٢	إذخیر، ٤٣	اهلیج اسود، ٦٨
ألسفاقس، ٦٠	أشنان فارسى، ٥٢	أذتاب البقر، ١٥١	اهلیج اصفر، ٦٨
ألسنة العسافیر، ١٧٨	أشنه، ٥٦	أذن الأرنب، ٢٦٩، ٢٧٠	اهلیج چینى، ٦٨
ألف دینار، ٦٠	أصابع الصفر، ١٨٦، ٢٥٩	أذن الثور،	اهلیج کابلی، ٦٨
ألف ذراع، ٢٩٧	أصابع العذرى، ٥٣	أذن الثور، ٢٥٢، ٢٦٩	اهلیج هندى، ٦٨
ألف ورق، ١١٠	أصابع الفتیات، ٢٢٥	أذن الجذی (اندلس)، ٨٢	ایدع، ١٤٦
أماره، ٦١	أصابع القینات، ٥٣	أذن الحمار، ٤٣	أباغساله، ١٨٥
أم الشغراء، ٧٥	أصابع هُرمس، ٥٣	أذن الحمار (اندلس)، ٦٨	أبامالک، ١٨٥
أم دفراء، ٦٢	أصاص، ٥٣	أذن الغزال، ٣٣، ٢٧٠	أباءه، ٣٧
أم غیلان، ٢١٦	أصطُرک، ٥٣	أذن الوطواط، ٤٣	أباؤ، ٣٧
أملیسی، ٢١٣	أصطفیلین (شام)، ٥٤	أراک، ٢١٦، ٢٤٩	أبرة الراعى، ٣٧
أنتله بیضاء، ٦٤	أضحیان، ٥٤	أریبان (شام)، ٤٤	أبرة الراهب، ٣٧
أنتله سوداء، ٦٤	أضراس الکلب، ٥٤	أرجل الجراد (لبنان، عراق، شام)، ١٦١	أبلم، ٣٨
أنجبار، ١٥٧	أطاء، ٥٤	أرجونیه، ٢٨٥	أبلم، ٣٨
أنجبار (اندلس)، ٦٤	أطباء الکلبه، ١٦٧	أرز، ١٩٧	أبلمه، ٣٨
أنجبار رومى، ٦٥	أطرماله، ٥٤	أرز، ٢٤٧	أبوشاد، ١٨٩
أنجيلة، ٣٨	أظفار القط، ١٨٥	أرنی، ٢٦٥	أبهل، ١٤٩
أنس النفس، ٦٦	أغیلان، ٦٢	أزاز، ٥٣	أیتد، ٣٩
أنف العیجل، ٦٧	أفانى، ٥٥	أزرارى، ٩٧	أبى مالک (مغرب)، ١٨٥
أوطمی، ٦٩	أفثیمون، ١٦٧	أستن، ٤٦	أترجى الرائحة، ٧١
	أفستین، ١٣٠، ١٩٣		

أهليلجات، ۶۸	باقلی، ۷۳	بردیه، ۳۷	بزر الخس، ۱۳۳
أیدع، ۲۶۳	بالکی البارد، ۲۵۹	بَرسیاوشان، ۱۸۷، ۷۵	بزر الخشخاش الاسود، ۲۹۸
أیزون الصغیر، ۳۷	بامیه، ۷۴	برشف، ۲۴۲	بزر الخطمی، ۱۳۶
أیزون الکبیر، ۳۷	بان، ۱۱۱	بُرشون، ۹۴	بزر الخمخم، ۹۶
بابونج، ۴۴، ۵۴، ۵۷، ۵۸	بانوج، ۲۶۱	بَرغوثی، ۷۸	بزر الرازیانج الرومی، ۶۷
۶۴، ۷۰، ۹۱، ۱۲۸، ۲۱۷	بُئلیه الاصفَر، ۵۴	برقوق، ۱۳۹، ۷۶	بزر الرطبه، ۱۵۵
۲۳۴	بحتریه، ۶۷	برقوق (فاس)، ۴۱	بزر الريحان، ۱۵۹
بابونج الاسود، ۵۸، ۱۵۳	بَحْن، ۷۴	برقه، ۱۰۶	بزر الريتون البری، ۴۶
بابونج الجبلی، ۵۸	بحنه، ۷۴	بِرکان، ۷۶	بزر السرمق، ۱۷۰
بابونج الحمیر (فاس)، ۵۷	بَحْره، ۷۴	برم، ۲۱۷	بزر السلقي، ۱۷۴
بابونج الخریفی، ۵۸	بَحور، ۲۴۷	برنجاسف کوهی، ۵۵	بزر الشبت، ۱۸۴
بابونج الرومی، ۵۸	بَحور الأکْراد، ۷۴	برنجان، ۹۶	بزر العلق، ۱۵۶
بابونج الطلیطلی، ۵۸	بخور البربر، ۱۷۰	برنجمشک، ۲۲۵	بزر الفصفصه، ۱۵۶
بابونق، ۶۴	بخور البربر، ۱۷۰	برنق، ۴۴	بزر القت، ۱۵۶
بابونق (مغرب)، ۷۰	بَحور السُودان، ۷۴	برنک، ۴۴	بزر القتا، ۲۳۳
بابونک، ۷۰	بخور النبی، ۲۶۶	برنوف، ۲۱۴	بزر القثد، ۱۵۶، ۲۳۴
بابونه، ۶۴	بخور عایشه، ۱۴۸	برواق (مغرب)، ۱۳۸	بزر القداح، ۱۵۶
بابونی، ۷۰	بخور عایشه، ۲۵۶	بروق، ۳۷	بزر القصب، ۱۵۶
بادروج، ۶۸، ۸۴، ۱۱۳	بخور مریم، ۳۴، ۱۷۰، ۱۸۶	بَرُون البحری، ۵۵	بزر القنب، ۲۴۵
بادره، ۲۹۵	۲۰۶، ۲۰۷، ۲۲۷	برهمَن، ۹۲	بزر الکثان، ۲۵۰
بادنجان، ۷۲	بَحور مریم، ۷۴	بَرّیا مصری (مصر)، ۷۸	بزر الکراث، ۲۵۲
بادنجان بری، ۷۲	بخور مریم (آفریقا)، ۱۳۰	بریر، ۴۳	بزر الکرفس البستانی، ۷۸
بادنجان بری (قدس)، ۱۱۴	بَدَاشِقان، ۷۵	بَریر، ۲۳۳	بزر الکرفس الجبلی، ۷۸
بادزنویه، ۲۵۷	بدسکان، ۷۵	بزاج، ۱۰۴	بزر الکرنب، ۲۵۵
بادزنویه بری، ۸۳	بدشغان، ۷۵	بَوازِیل القِطْه (آفریقا)، ۳۷	بزر الکشوث، ۲۵۸
بادزنجویه، ۸۲	بدکشان، ۷۵	بزر اسفناج البری، ۱۱۸	بزر المرو، ۲۰۹، ۲۸۰
بادزنجویه، ۲۵۷	بِذاشغان، ۷۵	بزر الانجره، ۶۵	بزر المط، ۱۵۸
بادرواکوهی، ۷۱	بذر، ۱۲۶	بزر البصل، ۸۰	بزر النمام، ۱۸۲
بَاذْروج، ۷۱	بذر السداب، ۱۶۷	بزر البطیخ، ۸۱	بزر الورد، ۲۹۳
بادرود، ۵۸	بر، ۱۲۶	بزر البنج، ۸۸	بزر الهلیون، ۲۹۷
بادنجان، ۷۲	بُرّ، ۱۲۶	بزر البتجنکشت، ۴۱	بزر الهوه، ۹۶
بادنجان البری (اندلس)، ۲۵۸	برجی، ۹۶	بزر الجرگیر، ۱۰۲	بَزْر بَرْدی، ۷۸
بادنجان بری، ۲۰۷	برجین، ۹۶	بزر الجزر البری، ۱۰۳	بزر خشخاش الأسود، ۱۰۴
بَاذْوَرد، ۱۱۴، ۷۲	بُرْجین، ۲۱۴	بزر الجزر البستانی، ۱۰۳	بَزْر قُطونا، ۷۸
بارض، ۹۱	برد الحریض، ۲۳۶	بزر الحجرى، ۲۴۳	بَزْر قُطونا، ۱۶۰
باقلّا، ۷۳	بردرده، ۲۰۸	بزر الخبازی، ۱۲۹	بزر قُطونا، ۱۷۷
باقُلّای قبطی (مصر)، ۷۳	برد و سلام، ۲۶۹	بزر الخَبّة، ۱۲۹	بزر قُطونا (عراق)، ۷۸
	بردی، ۷۵، ۱۶۷	بزر الخرفه، ۸۲	

بزرکتان، ٢٥١	بشمه (حجاز)، ٩٤	بصل بری، ١٥٠	بقلة الباردة، ١٨٥
بزرکتان، ٢٥١	بشمه (حجازی)، ١٩٢	بصل جبّلین، ٨٠	بقلة البراری، ٨٢، ٨٣
بزر لسان الحمل، ٢٦٩	بشنین، ٢٧٢، ٢٩٢	بصل نسرین المروج، ٨٠	بقلة الحسینیّه، ٨٣
بزشوم (نجد)، ٩٥	بشنین (مصر)، ٨٠	بطریون، ٨١	بقلة الحَمَقاء، ٨٢، ٨٣، ٢٤٧
بزواق (مغرب)، ١٣٨	بصل، ٨٠، ٩٠، ١٣٨، ٢٧٣	بطم، ١١١، ٨١، ٤٣	بقلة الحمقاء البریة، ١٢١
بساسة، ١٦١	بصل الأیض، ٨٠	بطیخ، ١٤٤، ١٩٠، ٢٧٠	بقلة الخطاطیف، ٢٠٨، ٢٥٥
بساط الغول، ٢٠٣	بصل الأکل، ٨٠	بطیخ اخضر، ٨٢	بقلة الرّماء، ٨٣
بساط الملك، ٢٩١	بصل البر، ٨٠، ٤٩	بطیخ الصخری، ١٢٦	بقلة الرمل، ٨٢
بسباس، ٧٨، ١٠٧، ٢٢٠	بَصَل البَرّ، ٢١٥	بطیخ الطویل، ٢٨٥	بقلة الزهراء، ٨٣
بَسباس، ١٥٢	بصل البری، ٤٩	بطیخ الفلسطینی، ١٢٦	بقلة السنانیر، ٨٣
بسباس رومی، ٧٨	بصل الخراسانی، ٨٠	بطیخ الهندی، ٨٢	بقلة الصَّبّ، ٨٣
بَسْباسه، ٧٨، ١٠٧، ١٤٢	بصل الخُرّم، ٨٠	بطیخ رقی، ٨٢	بقلة العدس، ٨٣
١٩٩، ٢٣٨	بصل الخُصی، ٨٠	بطیخ سكری، ٨١	بقلة العروس، ٨٣
بستان الجوارى، ٧٨	بصل الخنزیر، ٨٠	بطیخ سندی، ٨٢	بقلة الفارسیه، ٨٣
بستانه، ٥٥	بصل الخنزیر (فاس)، ٤٩	بطیخ عقابی، ٨١	بقلة اللینه، ٨٢، ١٦٢
بستیناج، ٧٩	بصل الخنزیر (مغرب)، ٤٩	بطیخ هندی، ٨٢	بقلة المبارکة، ٨٣، ٨٤
بُسْر، ٩٤	بصل الذنب، ٨١، ٨٥	بقرة العین، ١٨٢	بقلة الملك، ١٨٣
بُسْرَة، ٩١	بصل الرومی، ٨٠	بَقَس، ٨٢	بقلة الیمانی، ٢٥٨
بسفایج، ١٤٤، ٥٤	بصل الزئر، ٨٥	بقس البلدی، ٨٢	بقلة الیمانیة، ١٦٢
بَسِیْلَة، ٩٣	بَصَل الزاز، ٨٥	بقش الکرم، ١٦٠	بقلة اليهود، ٥٠، ١٢٩، ٢٩٨
بسیل، ١٠٤	بصل الزیدی، ٨٠	بقل، ٩٣، ١٠٣، ١٣٣، ١٣٥	بقلة اليهودیة، ٨٤، ٩٤، ٢٩٦
بسيله، ٩٣	بصل الزعفران، ٨٠	١٥٤، ٢٠٥، ٢٧٤	بقلة حامضه، ٨٣
بسيلة، ١٠٤	بصل الزیر، ٨٥	بَقْل، ١٤٧	بقلة حمقاء بری، ٣٧
بُشاش، ٧٠	بصل الزیر، ٨٠	بَقْل الحَمَقاء، ٨٢	بقلة حمقاء بریة، ٨٣
بُشام، ٨٠	بصل السنجار، ٨٠	بَقْل الذَّهَبی، ١٧٠	بقلة خراسانی، ٨٣
بُشام (آفریقا)، ٧٤	بصل السوسن، ٨٠	بقل الذهبی، ٢٤١	بقلة خراسانیة، ٨٣
بشانق، ٢٤٧	بصل الصغیر، ٨٠	بَقْل الزّوم، ١٧٠	بقلة دستیّه، ٤٨
بشیش، ١٢٦	بصل العنصل، ٤٩	بَقْل الزّوم، ٢٤١	بقلة ذهبیة، ١٧٠
بُشَج مانی، ٢٨٠	بصل الفار، ٤٩	بقل دمشقی، ٨٣	بقلة عائشة (اسکندریه)، ١٠٢
بشرمساح (مصر)، ٧٣	بصل الفارسی، ٨٠	بقل ریشی، ٨٣	١٠٢
بِشَط، ١٤٣	بصل الفأر، ٨٠، ٢١٥	بقله (شام)، ١٤٩	بقلة عربیّه، ٨٤
بشکرانی (اندلس)، ٥١	بَصَل الفأر (مغرب)، ٤٩	بقله یمانی، ١٥٥	بقلة فاطمه، ٨٣
بَشْکَرانیّه (اندلس)، ٥١	بصل القیء، ٨٠، ٨١	بقلة، ٢٦٣	بقلة فلغلیه، ٢٥٧
بشکرانیة، ٥١	بصل اللوف، ٨٠	بقلة اترجیه، ٢٥٧	بقلة لَیْنَة، ٨٢
بَشْکَراین الاسود، ٥١	بصل المجوسی، ٨٠	بقلة الانصار، ٨٢، ٢٥٥	بقلة مانیّه، ٨٤
بشکل (حجاز)، ٩٥	بصل النرجس، ٨٠، ٢٩٠	بقلة الاوجاع، ٨٢	بقلة مبارکه، ٨٢
بشل (اندلس)، ١٠٦	بصل النیلوفر، ٨٠	بقلة الأترجیة، ٨٢	بقلة یمانیّه، ٨٤
بشم الاسود، ٢٧٢	بصل الہام، ٨٠	بقلة الأنصار، ٢٥٥	بقلة یهودیة (اندلس)، ٢٣٦

بقل یمانی، ۲۰۲	بَنج، ۸۸	۲۴۵	تُفاح، ۶۴
بَقْم، ۲۱۵، ۲۷۰	بنج اسود، ۸۸	بیضة الارض، ۲۶۰	تُفاح، ۹۴
بقم، ۲۱۷	بنجانی، ۹۶	بیضة البلد، ۲۶۰	تفاح الارمنی، ۲۸۲
بُقول الشَّعَال، ۱۸۲	بنجاین، ۱۰۰	بیضة النعامة، ۲۶۰	تُفاح الأرض، ۶۴، ۷۰، ۱۲۸
بقول الصببة، ۱۸۳	بنجة، ۱۵۰	بیضی، ۸۰	تفاح الجمل، ۲۳۶
بقول المانده (مصر، اسکندریه، صقلیه)، ۲۳۵	بنجین، ۸۸	بِیْلَم، ۷۵	تفاح الجن، ۱۴۹، ۲۷۰، ۳۰۰
بكرش (حجاز)، ۲۱۲	بُنْدُق، ۸۸، ۱۰۵	بِیْثَب، ۹۲	تفاح الذب، ۴۱، ۹۴
بکریز، ۲۷۵	بُنْدُق هندی، ۵۴، ۵۹، ۸۸	تاجر الاصفَر، ۳۴	تفاح الفارسی، ۱۳۹
بلاد، ۳۴	۱۵۵	تاجر (فاس)، ۳۴	تفاح أرمنی، ۲۸۲
بلبان، ۲۱۴	بَنْفَسَج، ۸۹، ۱۲۹	تاسلقوا (فاس)، ۱۳۲	تفاح بری، ۹۴، ۱۶۲
بُلبلیة الاسود، ۱۵۳	بنفسج الکلاب، ۱۸۳	تَأْلَب، ۹۳	تفاح فارسی، ۱۳۹
بَلَج، ۹۴	بنفسج اللیل، ۱۶۸	تبرته، ۲۷۱	تفاح مائی، ۳۹
بَلَج، ۹۴	بُنْکَه، ۳۶	تبن مکه، ۴۳	تفاح ماهی، ۳۹
بِلِخته (مغرب)، ۸۶	بواب الحاجب، ۷۸	تبن مکه (فاس)، ۴۳	تفاف، ۸۳
بلخیة، ۸۶	بودال، ۹۶	تراب القی، ۱۱۴	تقاء، ۱۱۵
بلسان، ۱۴۳	بوَعْقَاد (فاس)، ۲۱۰	تراب الهالك (عراق)، ۶۸	تقده، ۲۵۶
بُلْسَکی، ۸۶	بهار ابیض، ۹۰	ثَرید، ۶۰، ۱۵۲، ۱۷۳، ۲۰۳	تفسیا، ۹۷
بلسکی، ۱۱۸، ۲۷۰	بهار الاصفَر، ۳۴	۲۴۵	تفوریة، ۲۱۹
بُلْسَن، ۲۰۷	بهار البر، ۳۴، ۹۰	ترید ابیض، ۹۳	تقده، ۲۵۶
بُلْسَن (مکه)، ۲۰۷	بهار الریاض، ۹۰	تربة، ۹۳	تَقْدَه، ۲۵۷
بلوز الریح، ۲۹۱	بهار (فاس)، ۲۹۰	تربة العسل (اندلس)، ۱۰۷	تَقْدَه، ۲۵۶
بلوط، ۷۷، ۱۶۸	بَهَج، ۲۸۱	تُرْس الماء، ۲۹۲	تقرد، ۲۵۶
بلوط الارض، ۳۷، ۸۶، ۸۷	بهرامج، ۲۱۰	ترسی، ۹۳	تلاد، ۳۴
۲۶۰	بهرامج البر، ۱۵۹	تُرْف، ۹۷، ۱۴۷	تمتم، ۱۷۵
بَلُوط الارض، ۸۶	بهرامج البر، ۲۰۵	ترفاس (مغرب)، ۲۶۰	تَمْر، ۹۴، ۲۳۹
بلوط الملك، ۸۷	بهرامة، ۱۳۷	تُرْمِس، ۹۳، ۱۰۲	تمر الجوزر، ۲۰۵
بلوطی، ۲۲۴	بَهْم، ۲۱۰	ترمس الثعلب، ۹۳	تمر الذهبی، ۳۹
بلیان (مصر)، ۸۷	بَهْش، ۲۸۳	ترمس الحجل، ۹۳	تمر الهندیة، ۳۹
بُلْیَحاء، ۵۹	بَهش، ۲۸۳	ترمس الخنزیر، ۹۳	تَمْک، ۶۷، ۲۷۴
بلیحاء، ۸۷	بهقان، ۱۰۲	تُرْمِس الخنزیر، ۱۵۷	تملول، ۱۷۵، ۲۴۵
بَلِیْلَج، ۸۷	بُهْماء، ۹۱	ترنجان، ۸۳، ۱۱۳	تمنس، ۲۷۷
بُنْ، ۸۹	بهمن الأحمر، ۲۵۸	ترنجان الثعلب، ۱۱۷	تمول، ۲۴۵
بنات الرعد، ۲۶۰	بهمن أبيض، ۱۰۵	تُرْنَج (فاس)، ۴۰	تمیط، ۱۱۴
بنات النار، ۶۵	بُهْمی، ۹۱	تریاق نبطی، ۳۰۰	تمیم، ۲۴۵
بنات أوبر، ۲۶۰	بیجه، ۱۷۳	تزلیت، ۹۴	تَنْصَب، ۹۴
بنادق البربر، ۱۰۸	بیض الاوَر، ۹۲	تشمیز، ۷۹	تَنْعیمه، ۹۴
بتومة، ۴۳	بیض العیار (شام و بغداد)،	تَشْمِیْرَج، ۹۴	تنوب، ۴۴، ۱۹۶، ۲۴۱

تُوب، ١٩٦، ١٩٧	ثاقب الحجر، ٧٩	ثوم الکلب، ٤٨	جُشجات، ١٠١، ٢٤٧
تنوم، ٥٩، ١١٢، ٢٩٢	ثالیل الجنات، ٧٢	ثوم بری، ٤٨، ٤٩، ٩٨	جُثم، ١٢٦
تُوم، ٩٥، ٢٠٤	ثامر، ١٢٢	ثوم جبلی، ٩٨	جخلق، ٣٧، ٦٧
تنین، ٢٧٣	تُداء، ٩٧	ثوم ذی الأسنان، ٩٨	جخلق، ٦٧
توت الثُعلب، ١٧٩	ثرمان، ٩٧	ثوم کُزائی، ٩٨	جَدَف، ١٧٤
توت الثعلب، ١٧٩	ثُزمان، ١٢٣	ثومية، ٩٨	جَدوار، ١٠١
توت الحریر، ٩٥	ثُرمَد، ١٢٣	ثیل، ٩٩، ٩٩، ٢١٢	جدوار اندلسی، ٦٤
توت العلیق، ٢١٣	ثعاله، ٢٤٩	ثیل، ١٢٣	جراد بحری، ٤٤
توت حامض، ٩٥	ثُعب، ٩٧	جابور، ٩٩	جراطه، ١٠٢
توت حلو، ٩٥	ثُعام، ٩٧	جادی، ١٦٣	جراطه، ١٢٢
توت لَحْن، ٩٥	ثُعام، ٢٩١	جار النهر، ٩٩	جر المشایخ (آفریقا)، ٧٤
توت وحشی، ٩٥	ثُعامه، ٤٨	جاسه، ٧٣	جربنه، ٤٣
توجده (مغرب)، ٨٢	ثُفاء، ١١٥	جامسه، ٧٣	جربوز، ٨٤ (شام)
تودری، ٤٦	ثُفاءه، ١١٥	جامع البُضع، ١٠١	جرجار، ١٠٢
توذریج، ٩٦	ثُلب، ٩٧	جامع البُضع، ١٥٧	جَزِجِر، ٩٣
توز، ١٢٧، ٢٦٤	ثُلاثان، ٢١٤	جامع اللحم، ١٠١	جرجر المصری، ٩٣
تومین (لبنان)، ٢٧١	ثُلاثان، ٢١٥، ٢٤٩	جامول الکُتان، ٢٥٨	جرجر (عراق)، ٧٣
تُوثته، ١٧٩	ثُلاثان، ٢١٥	جامول الکُتان (اندلس)، ١٦٧	جرجیر، ١٠٢
توهمان، ٩٦	ثُمام، ٩٧	جاوُرس، ١٠٠	جرجیر البری، ٧٠
تیسسی، ٢٠١	ثُمام، ١٥١	جاوُرس، ١٤٣، ١٥٠	جرجیر الکلاب، ١٠٢، ١١٥
تیفلت (فاس)، ٢٩٧	ثمر الغالبه، ١٠٨	جاوُرس هندی، ١٠٠	جرجیر الماء، ١٠٢، ١٥٩
تیمط (اندلس و مغرب)، ٢٢٥	ثمر الفؤاد (مصر)، ٨٦	جاوُروس، ١٠٠، ١٤٣	١٨٢، ٢٣٥، ٢٥٤
تیمق (اندلس و مغرب)، ٢٢٥	ثمر شجر الکافور، ٥٤	جاوُروس هندی، ١٤٩	جَزِجِیر الماء (مغرب)، ٢٣٥
تسین، ٢٢٥	ثمره الدب، ٢٨٠	جَبَّأ، ٢٦٠	جرجیر الهر، ١٠٢
٢٢٥	ثمره الکبر، ٢٥٠	جَبَّأه، ٢٦٠	جرجیر بری، ٧٠
تسین، ٢٢، ٩٦، ١٢٢، ١٢٣	ثملول، ٢٤٥	جبروان، ٦٧	جرزالشیاطین، ٣٦
١٨٤	ثُمَیْلَه (اندلس)، ٤٧	جَبْرَان، ٦٧	جرمامه، ١٠٣
تین آدم، ٦٦	ثور، ٢٠٠	جَبْرَة (مغرب)، ١٠١	جرمان، ٢٠٢
تین ابیض، ٨٦	ثوع، ٩٧	جبل المساکین، ١٢١	جریال، ١٠٣
تین الاحمق، ١٠٥	ثوم، ٤٩، ٨٠، ٩٨، ١٥٧	جبل هنج، ١٠١	جريله خمر، ١٠٣
تین الرحانی، ٩٦	ثُوم، ٩٧	جَبْلَهَنج، ١٠١	جَزَر، ٥٤، ١٠٣
تین الفُجج، ١٨٤	ثوم البستانی، ٩٨	جُبْلین، ١١٧	جَزَر البری، ٦٠
تین القیل، ١٠٨	ثوم الجبلی، ٨٠	جبن، ١٤٥	جَزَر البری، ١٤٨
تین أحمق، ١٠٥	ثوم الحیه، ٤٨	جُبْن الثعبان، ٢٧٣	جزر البستانی، ١٤٨
تین بری، ٩٦	ثوم الحیه، ٩٨، ٤٩	جبن القروء، ٢٧٣	جَزَر بری، ٥٠، ٢٢٩، ٢٩٠
تین جبلی، ٩٦، ١٠٥، ١٢٧	ثوم الحیه، ٩٨، ١٠٦	جَبه، ١٠١	جزمارج، ٢٠٢
تین مکه، ٤٣	ثوم الحیة، ٩٨، ١٨٩	جبین جبن، ١٤٥	جزو اعظم، ٢٤٥
ثافسیا (مغرب)، ٩٧	ثوم الضفادع، ٩٨	جشجات، ٧٦	جسد، ١٦٣

جَطیره، ۱۲۲	جَلَسَرین، ۱۰۵	جُنّی، ۱۰۶	جوز النعاس، ۱۰۹
جَعْد، ۲۵۶	جلوز، ۸۸	جَنّی الاحمر، ۲۳۱	جوز الهند، ۱۰۹، ۲۸۷
جَعْداء، ۱۰۳	جَلُوز، ۱۰۵	جنى الاحمر، ۲۴۲	جوز اليسرو، ۱۰۹
جَعْداء، ۲۵۴	جَلُوز، ۱۰۵	جنى العُشر، ۱۳۱	جَوَزبَوّاء، ۱۰۷
جُعْدَه، ۱۰۳	جَلُوز (مغرب)، ۱۰۵	جوارى، ۱۴۹	جوز جنا، ۴۳
جعدہ، ۲۳۰	جلیط، ۱۰۵	جَوَذَر، ۱۰۶، ۲۱۹	جَوَز جَندَم، ۱۰۷، ۱۶۵
جعدہ کبیر، ۱۰۳	جلیف، ۱۰۵	جوز، ۹۴، ۱۰۶، ۲۹۰	جوز جندم (رقه)، ۱۳۰
جَعْدَة، ۲۸۱	جلیقی، ۹۶	جَوَز آرقَم، ۱۰۷	جوز داود، ۱۰۸
جَعْدَة الجدران، ۱۰۳	جُمَار، ۹۵	جوز الابيض، ۲۹۰	جوز رومى، ۱۰۸، ۲۶۴
جعدَة الجُدران، ۱۱۹	جمان، ۱۶۹	جوز الاكل، ۱۰۷	جوز زوان، ۱۶۴
جعدَة القنا، ۷۶	جَمِجَم، ۱۰۵	جوز الأنهار، ۱۰۷	جوز سودار، ۱۳۹
جعدَة القنا، ۷۶، ۱۰۴	جَمِجَوّاء، ۱۰۶	جوز الجبل، ۱۰۵	جَوَز مائِل، ۱۰۹
جَعْدَة الماء، ۲۵۴	جمرة الارض، ۱۰۵	جوز الحبشه، ۱۰۸	جوز ماث، ۱۰۹
جعدَة حِرّان، ۲۰۳	جَمَرَة الارض، ۲۰۱	جوز الحَمَس، ۱۰۸	جوز ماثا، ۱۰۹
جعفرى، ۹۶	جَمَرَة (فاس)، ۳۴	جوز الدفع، ۱۰۸، ۱۵۷	جوز مائل، ۲۷۹
جعفریه، ۲۰۱	جُمَلَج، ۶۶	جوز الدُّلب، ۱۴۵	جوز ماثم، ۱۰۹
جَعْفیل، ۲۰۱	جُمَيز، ۹۶، ۱۰۵، ۱۵۷	جوز الرُثه، ۵۴	جوز هندى، ۲۸۰، ۲۸۷
جعه، ۱۵۰	جَمیم، ۹۱	جوز الرُثه، ۸۸	جوزة القروء، ۵۲
جَعِيداء، ۱۰۳	جنا الاحمر، ۵۸	جوز الرُفَع، ۱۰۸	جوك، ۷۱
جَعِيدَة، ۱۰۳	جناح، ۱۵۳	جوز الريح، ۱۰۸، ۲۷۱	جَوَلّی، ۱۴۱
جفت البلوط، ۸۶	جناح البشر، ۷۳	جوز الزنج، ۱۰۸	جینه، ۱۰۹
جُفَرى، ۲۴۸	جناح التيس، ۱۰۶	جوز السرو، ۱۷۰	حانن (اندلس)، ۴۷
جَفَن، ۱۰۴	جناح الزرزور، ۷۹	جوز السواك، ۱۰۷	حاج، ۱۱۰، ۲۰۵، ۲۱۲
جَلّ، ۲۹۴	جناح النسر، ۱۵۷	جوز الشيرك، ۱۰۸	حاذ، ۱۱۰
جَلبان، ۷۹، ۱۰۴، ۱۳۷	جناح (اندلس)، ۱۵۳	جوز الطيب، ۱۰۷	حارز الانهار، ۱۱۰
۲۳۷، ۲۱۳	جَنار، ۱۴۶	جوز العَبْهَر، ۱۰۸	حارز الماء، ۱۱۰
جَلبان، ۱۰۴، ۲۶۳، ۲۸۱	جَنّ القَتال، ۱۴۷	جوز العد، ۱۰۶	حارس، ۱۱۰
جَلبان البرى، ۵۶	جنا، ۱۰۶	جوز العرعر، ۳۹	حاسيس، ۱۱۱
جلبانه، ۱۳۷	جَناء الاحمر، ۸۴، ۲۱۱	جوز القروء (فاس)، ۵۲	حاشا، ۹۹، ۱۱۰، ۱۹۵، ۲۲۹
جلبوب، ۱۰۳	۲۴۲	جوز القَطا، ۱۰۷، ۱۰۸	حاشيش، ۱۱۱
جُلُجَل، ۴۶	جَنَبَد، ۱۰۴	۲۴۹، ۲۹۰	حافِر المَهر، ۱۷۹
جلجلان، ۱۷۶، ۲۵۷	جنبه، ۷۵، ۸۹، ۹۷، ۱۰۰	جوز القى، ۱۰۸، ۱۰۹	حافظ اطفال، ۲۲۴
جلجلان الحبشه، ۱۰۴	۱۰۵، ۱۰۶، ۱۲۲، ۱۲۵	جوز الكَوَثَل، ۱۰۹	حافظ الاجساد، ۴۹
جلجلان (حبشه)، ۱۷۶	۱۳۸، ۱۵۳، ۲۴۸، ۲۶۳	جوز المائل، ۱۰۹	حافظ الارواح، ۴۷
جلجلان مصرى، ۸۰	۲۸۰، ۳۰۰	جوز المَرَج، ۱۰۹	حافظ الاطفال، ۵۵، ۲۲۴
جلدان، ۱۰۴	جَنَبه، ۱۲۲	جوز المزج، ۲۴۹	حافظ الأجساد، ۹۸، ۱۸۹
جُلَنار، ۱۰۴، ۱۵۶	جنطيانا الجرمقانى، ۱۰۶	جوز الملك، ۱۰۷	حافظ الطفل، ۲۲۴
جُلَنار برى، ۲۰۱	جنطيان الرومى، ۱۰۶	جوز النسرو، ۱۰۹	حافظ الموتى، ۴۹، ۹۸

حب الصراط، ۲۷۵	اندلس، ۲۱۵	حب العریض الورق ۱۱۳
حب الصنوبر، ۱۹۶	حب المخلّب، ۱۱۲	حبّی الفتی، ۱۱۳، ۲۷۹
حب الصنوبر الصغار، ۱۱۲	حب الملوک، ۱۱۳، ۱۴۷	حب القیل، ۲۷۹
حب الصنوبر الکبار، ۱۱۲	۲۷۶	حبّی القرّنفلی، ۷۱
حب العرعر، ۲۰۸، ۴۰	حب الملوک (مغرب و	حبّی القرّنفلی، ۱۱۳
حب العروس، ۲۴۹، ۲۵۰	اندلس و فاس)، ۲۳۴	حبّی القرّنفلی (فاس)، ۱۸۴
۲۹۲	حب المینسم، ۱۱۳	حب القنا، ۳۴
حب العزیز، ۱۱۲	حب العنشم، ۲۸۵	حب القرمانی، ۱۱۳، ۱۲۲
حب العصفور، ۲۱۰، ۲۳۶	حب المینسم، ۱۱۳	حبّی الماء، ۱۹۸
حب الغار، ۱۴۹	حب النسل، ۴۱	حبّی الماء، ۲۲۹
حب الغراب، ۴۲	حب النشم، ۱۱۱	حبّی المرد، ۱۱۳
حب الفار، ۱۱۲	حبّ النعام (مغرب و	حبّی المرء، ۲۷۹
حب الفقد، ۴۱	اندلس)، ۲۲۶	حبّی المغز، ۷۰
حب الفنا، ۲۱۴	حب النیل، ۱۱۳، ۲۳۷، ۲۹۲	حبّی الممتن، ۱۱۳
حب الفول (مصر)، ۱۸۶	حب بلسان، ۱۱۱	حبّیالّة (اندلس)، ۱۱۹
حب الفهم، ۸۵	حبّو (عمان و شحر)، ۱۱۱	حبّی بستانی، ۷۹، ۱۲۲، ۲۲۹
حب القنا، ۲۷۹	حبریان، ۱۱۳، ۱۳۳	حب ترنخانی، ۷۱
حب القرع، ۲۳۷	حب سجستانی، ۲۳۲	حبّی جبلی، ۲۲۸
حب القطن، ۲۴۲	حب سرم بری، ۱۸۳	حب قطاہی، ۱۴۷
حب القلب، ۸۵	حب سلاطین، ۱۴۷	حبّی قرنفل، ۲۲۵
حب القلّت، ۱۱۲	حبّیة، ۱۰۴	حبّی قرنفلی، ۲۲۵
حبّی القلقل، ۴۵، ۱۱۲	حب صنوبر صغار، ۲۴۱	حبّی کرمانی، ۱۸۳
حب القلقل، ۱۵۸، ۲۸۳	حب صنوبر کبار، ۲۴۱	حبّی مصری، ۱۱۳
حب القلقل، ۲۴۴	حبّی، ۱۱۳، ۱۵۹	حبّی نبطی، ۱۲۲
حب القوقایا، ۱۵۹	حبّی، ۱۲۷	حبّی نبطی (شام)، ۱۲۲
حب الکاکنج، ۲۴۹	حبّی، ۲۲۹	حب کاکنج کوهی، ۱۰۹
حب الکاکنج الجبلی، ۱۰۹	حبّی (اندلس)، ۱۱۹	حبّی المساکین، ۱۱۳، ۲۶۶
حب الکلی، ۳۰۱، ۶۳	حبّی البربری، ۷۱	۲۴۰
حب الکلی (مصر)، ۶۲	حبّی البقر، ۷۰	حبّی المساکین (قرطبه)، ۱۱۳
حبّی الکلی (مصر)، ۱۳۲	حبّی الترنجانی، ۱۱۳	حبّی، ۱۴۵
۱۹۶	حبّی الثمناسخ، ۱۹۸، ۲۲۹	حبّی، ۲۹۶، ۲۰۱
حب الکمشی، ۲۶۱	حبّی الحاحی، ۱۱۳	حبّی الحلو (اندلس)، ۶۷
حب الکنی، ۶۳	حبّی الحرّ، ۱۱۳	حبّی الخضراء، ۸۱، ۱۱۱
حب اللهق، ۲۴۹	حبّی الحمامی، ۲۰۲	۱۹۸
حب اللهو، ۲۰۶، ۲۱۴، ۲۴۹	حبّی الراعی، ۷۶	حبّی السفرجل، ۱۷۲
حب اللهو (مغرب)، ۲۱۴	حبّی الشیوخ، ۲۸۰	حبّی السوداء، ۹۴، ۱۹۲
۲۴۹	حبّی الصعتری، ۱۱۳، ۱۸۳	
حبّی اللهو (مغرب و	حبّی الصلقلی، ۱۱۳	

حَبَّة السَّوْدَاء، ۱۹۲	حُرْض، ۱۲۳، ۵۲	حُرْقِيق، ۶۵	حشیش الغافت، ۵۴
حَبَّة المَسَاكِين، ۲۴۵	حُرْض صِنِی، ۵۲	حُرْقِيق الأَمْلَس، ۱۰۳	حشیش، ۴۴
حَبَّة المَلُوك، ۱۱۳	حُرْف، ۱۱۵، ۱۳۱، ۲۸۴	حُرْقِيق الأَمْلَس (اندلس)، ۱۲۱	حشیشة الارض، ۳۶
حَبَّة حَلَاوَة، ۶۷	حُرْف اَبِیض، ۴۸	حُرْقِيق (مغرب)، ۶۵	حشیشة الافعی، ۱۱۸
حَبِیْقَة (اندلس)، ۱۱۹	حَرْف اَبِیض، ۱۱۵، ۱۳۰	حَرِیْمَلَه، ۱۱۷	حشیشة الأسد، ۱۱۸
حَبِیْقَة، ۱۱۹	حَرْف البَابِلِی، ۱۱۵	حُرْیَمْلَة، ۱۱۶	حشیشة الأفعی، ۱۱۸
حَتَّى، ۲۸۳	حَرْف البَرِی، ۱۱۵	حَزَا، ۱۱۷	حشیشة البَابِلِی، ۴۳
حَثَا، ۹۶	حَرْف السُّطُوح، ۸۰، ۱۱۵	حَزَا، ۱۱۷	حشیشة البراغیث، ۱۱۸، ۱۴۸
حَثِیل، ۱۱۴	حَرْف الشَّامِی، ۱۱۵	حَزَا، ۲۰۰	حشیشة البراغیث (شام)، ۱۱۸
حَجَر البَقَر، ۲۹۵	حَرْف المَانِی، ۱۱۵	حَزَا الجَبَل، ۱۱۷	حشیشة البَرِص، ۱۱۸، ۳۶
حَد، ۱۹۱	حَرْف المَاء، ۱۱۶، ۱۸۲	حَزَا الصَّخَر، ۱۱۷	حشیشة الثُّومِی، ۱۸۹
حَدَج، ۱۲۶	حُرْف المَاء (مغرب)، ۲۳۵	حَزَا الصَّخُور، ۱۱۷	حشیشة الثُّومِیة، ۸۰، ۹۸
حَدَدِی، ۹۲	حَرْف المَشْرِقِی، ۱۱۵، ۱۱۶	حَزَاة، ۱۱۷	حشیشة الثُّومِیة، ۹۸، ۱۲۲، ۲۷۱
حَدَق، ۱۱۴، ۲۰۷	حَرْف اَبِیض، ۱۱۵، ۲۷۴	حَزَاة، ۱۱۷، ۱۴۸	حشیشة الثُّومِیة (اندلس)، ۴۹، ۹۸
حَدَقِی، ۶۷	حَرْف بَابِلِی، ۱۰۲، ۱۱۵، ۱۱۶	حَزَاة، ۱۱۷	حشیشة الحَلُو، ۱۸۰
حَدِیدِی، ۱۱۴	حُرْف بَرِی، ۱۱۷	حَزَاة أُخْرَى، ۱۱۷	حشیشة الحُمُرَة، ۲۷۶
حَرَاشَا، ۱۳۱	حُرْفَلَه (صقلیه)، ۶۷	حَزْئِیل، ۱۱۷	حشیشة الحُمَى (آفریقا)، ۲۰۳
حَزَاقَه، ۱۴۰	حُرْف مَشْرِقِی، ۲۲۸	حَزْئِیل، ۱۲۳	حشیشة الحُوت، ۱۴۳
حَزَا السَّحَر، ۳۵	حِرْکَة (اندلس)، ۹۱	حَزَنْبِل، ۲۸۰	حشیشة الخُرَّاسَانِیة، ۲۹۳
حِرَانِیَه، ۱۰۳	حَزْمَل، ۴۸، ۸۰	حَسَار، ۱۱۷	حشیشة الدَّاحِص، ۱۱۸
حِرْبَا، ۱۲۸	حَزْمَل، ۱۱۶	حَسَک، ۳۷، ۱۱۸، ۱۲۴	حشیشة الدَّم، ۱۱۹
حِرْبَان، ۴۵	حَرْمَل، ۲۸۶	حَسَک البَرِی، ۱۱۸	حشیشة الدُّودِیَه (اندلس)، ۴۸
حِرْبَاء، ۴۶	حَرْمَل البَلَدِی، ۱۹۱	حَسَک الجَمَال، ۵۹	حشیشة الذَّهَبِیَه (اندلس)، ۴۸
حُرْیْت، ۱۱۴	حَرْمَل عَامِی، ۱۱۶	حَسَک الفِرَاخ، ۲۱۲	حشیشة الرَّنَة، ۱۱۹، ۲۰۵
حُرْیْت، ۱۱۴، ۲۷۴	حَرْمَل عَرَبِی، ۱۱۶	حَسَکَة (مصر)، ۷۹	حشیشة الرِّجَاج، ۳۴
حَرِیَه، ۱۱۴	حُرْمَلَه، ۱۱۶	حَسِیب، ۸۲	حشیشة الرُّومَانِیَن، ۵۹
حَرِیَة، ۲۷۱	حَزْمَلَة، ۱۱۶	حَسِین، ۱۴۵	حشیشة الرِّجَاج، ۳۴، ۱۱۹
حَرَز الشَّیَاطِین، ۳۶	حَزَواعِظ، ۲۴۵	حَشِیث، ۲۴۵، ۷۸	حشیشة السَّعَال، ۱۱۹، ۱۷۱
حَرِشَا، ۱۳۰	حَرِشَاء، ۱۵۷	حَشِیث الأَعْظَم، ۱۵۶	حشیشة السَّلْحَا (شام)، ۳۷
حَرِشَاء، ۱۱۴، ۱۳۰، ۱۳۳	حُرِشَه، ۱۱۴	حَشِیث الدَّوَاب (مصر و شام)، ۲۹۶	حشیشة السَّلْحَاة (شام)، ۳۷
حَرِشَف، ۱۰۶، ۱۳۳، ۲۱۰	حَرِشَه، ۱۵۷، ۱۵۹	حَشِیث السَّلْطَان (مصر)، ۲۹۶	حشیشة السَّلْطَان (مصر)، ۲۹۶
حَرِشَف، ۲۶۵	حَرِیْطَه، ۳۵		
حَرِشَف، ۲۶۷	حَرِیْف الِامْلَس (اندلس)، ۱۲۱		
حَرِشَف البَرِی، ۱۱۴	حَرِیْق، ۶۵		
حَرِشَف البُسْتَانِی، ۱۱۴			
حَرِشَف بَرِی، ۲۱۲			
حَرِشَف بَسْتَانِی، ۱۱۴			



۱۳۱	حشیشة السِّلَخفَاة، ۶۰	حَلَاب، ۱۲۰	حماض الارض، ۱۲۳	حَمَصِص الترف، ۱۲۲
	حشیشة السنبِل الرومی، ۱۴۱	حَلالات، ۱۲۶	حماض الارنب، ۱۲۳ ۵۵	حمض، ۵۲، ۱۴۴، ۱۴۷
	حشیشة السَّواقی (مغرب)، ۹۵	حَلای، ۶۷	حماض البری، ۱۲۳	حَمَض، ۵۲
	حشیشة الشَّرك، ۸۸	حَلَب، ۱۲۲	حماض البقر، ۱۲۳	حَمَض، ۶۶، ۹۷، ۱۱۰
	حشیشة الصفراء، ۲۰۸	حَلَباب، ۱۲۲	حماض الجبلی، ۱۵۹، ۴۰	۱۵۵، ۲۵۰، ۲۸۴
	حشیشة الطحال، ۱۶۰، ۱۱۹	حَلَب التیسی، ۱۲۲	حماض الحسکی، ۱۲۲	حِمَض، ۱۳۹
	حشیشة الطلق، ۱۲۰	حَلَباب، ۱۲۲	حماض السبخی، ۱۲۲	حِمَض، ۱۵۸
	حشیشة العُرب، ۱۹۴	حَلوب، ۲۶۶، ۱۳۶	حماض السواقی، ۱۲۲	حمض الابل، ۱۲۳
	حشیشة العَلق، ۱۲۰ ۶۳	حَلُوب (اندلس)، ۱۲۱	۱۲۳	حَمَلَة، ۱۲۳
	حشیشة الغافث، ۲۱۹	حَلوب غیر منقط، ۱۲۱	حماض الشامی، ۱۲۲	حَمَیْش (فاس)، ۵۹
	حشیشة الفَرَج، ۱۲۰	حَلَبه، ۱۲۰	حماض الماء، ۱۲۳، ۱۲۲	حَمَیر، ۱۵۵
	حشیشة الفقرا، ۲۴۵	حَلِیب، ۱۲۱	حماض بزرگ، ۲۷۴	حمیرا، ۳۸
	حشیشة الکبد، ۱۲۰	حَلِیت، ۲۹۵، ۱۲۱، ۶۵	حماض بستانی، ۱۲۳	حَمَیراء، ۳۸، ۱۵۵، ۱۹۰
	حشیشة الکلاب، ۲۸۰	حَلِیت، ۱۲۱	حماض جبلی، ۱۵۹	حَمَیراء، ۱۲۵
	حشیشة الکلب، ۲۸۰، ۲۲۴	حَلحال (اندلس)، ۴۷	حَمَاض حَسَکَی، ۷۶	حَمَیْط (فاس)، ۱۲۲
	حشیشة اللجَاة، ۶۰	حَلحال (مغرب و فاس)، ۴۷	حماض حسکی، ۱۵۹	حَناء، ۱۲۵
	حشیشة اللجَاة (شام)، ۳۷	حَلحَل، ۲۵۱	حماض کبیر، ۱۲۲	حَناء القَوْلَة (مصر)، ۳۸
	حشیشة المَعْدِن، ۱۲۰	حَلَفاء، ۱۲۱	حماض نیری، ۱۲۳	حنامشه، ۱۹۳
	حشیشة المَقْدَسَة، ۶۹	حَلَفاء، ۳۷	حَمَاط، ۱۲۳، ۵۵	حناء الجبلیه، ۱۲۵
	حشیشة المَکْرَمَة، ۶۹	حَلَق، ۱۲۲	حَمَاما، ۱۲۴	حناء الرُعاة، ۱۲۵
	حشیشة النجاة (شام)، ۳۷	حَلَمَة، ۱۲۲، ۱۶۳	حمامی، ۷۳	حناء الغول، ۳۸
	حشیشة دودیة، ۱۱۹	حَلوانه، ۶۷	حمامی، ۱۵۶	حَناء الغولَة، ۱۲۵
	حَضَض، ۲۳۱، ۱۷۴، ۱۲۰	حَلوه، ۶۷	حَمَجم، ۲۵۲	حناء القریش (مصر)، ۱۱۷
	حَضَض هندی، ۲۳۱	حَلَة، ۱۲۲، ۱۸۴، ۲۷۱	حَمَجم (شام و شرق)، ۲۶۸	حناء المجنونه، ۱۲۵
	حَضَض یمانی، ۱۲۰	حَلی، ۹۷	حمر، ۱۲۴، ۹۵	حناء المروج، ۱۲۵
	حَطَب، ۱۸۸	حَلی، ۱۲۲	حمص، ۷۶	حناء قریش، ۱۱۷
	حَطَب الفَتَح، ۲۶۵	حَلِیق، ۶۰	حَمَض، ۱۲۴	حناء معجون، ۲۹۲
	حَطَبه، ۴۶	حَلِیلَة، ۵۴	حَمَض الامیر، ۱۱۸	حَنَدَقوقا، ۱۵۰، ۲۰۳، ۲۹۱
	حفا، ۷۵	حَمَاجِم، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۸۴	حَمَض الامیر (مغرب)، ۱۱۸	حندقوقا مصری، ۲۹۱
	حَفاء، ۷۵	حَمَاص بحری، ۲۰۱	حمص الامیر، ۱۲۴	حندقوقی، ۱۵۲، ۲۷۲
	حَفوظه (عجمیت اندلس)، ۱۹۱	حماض، ۸۳، ۹۷، ۲۶۶	حمص الامیر، ۱۲۴	حَنَدَقوقی (بغداد)، ۱۵۰
	حِفُول، ۱۲۷	حَمَاض، ۲۶۹	حَمَض الامیر (مغرب)، ۱۱۸	حَنَزاب، ۵۰
	حَقَل، ۱۲۶	حَمَاض، ۱۲۲	حمص البری، ۱۱۸	حَنَشی، ۲۷۳
	حَل، ۱۷۶	حَمَاض، ۱۲۴، ۱۷۴	حَمَض بری، ۱۲۴	حَنطه السوداء، ۱۹۴
		حماض الاترج، ۱۲۳	حمض بستانی، ۱۲۴	حَنطه رومیة، ۱۳۹
		حماض الاجامی، ۱۲۲	حَمَصی، ۲۹۱	حَنطَة، ۱۲۶
		۱۲۳	حَمَصِص، ۱۲۴	حَنطَة، ۱۵۱، ۱۵۷

حنطة البرية، ۱۲۶	۶۹، ۱۹۲، ۲۰۴، ۲۷۴، ۲۸۱	خیبازی شقایقی، ۱۲۹	خَرْزَقَة، ۱۳۱
حنطة الحبشية، ۱۲۶	حی العالم، ۳۷	خیبازی قُرطی، ۱۲۹	خَرْطال، ۹۱، ۱۲۶
حِنطَة الرمیه، ۱۳۹، ۱۲۶	حیربول (اندلس)، ۵۸	خبز الغراب، ۵۷، ۵۸	خرطال (فاس)، ۲۳۷
حنطة السداب، ۱۲۶	حی عالم، ۱۶۱	خبز الغراب (اندلس)، ۹۰	خرطال (مصر)، ۱۲۷
حنطة الفارسی، ۱۷۳	حَيْهَل، ۱۲۳	خَبْز القُرود، ۷۵، ۱۳۰	خرطان، ۸۸
حنطة الفارسیه، ۱۲۶	خابور، ۱۳۸	خبز الکلب، ۲۶۷	خَرْفَع، ۱۳۱
حنطة جبلیه، ۱۴۷	خار سو هک، ۱۱۸	خبز المشایخ، ۱۳۰	خَرْفَق، ۱۳۱
حنطة رومی، ۱۳۹	خافور، ۱۰۲، ۱۲۷، ۱۴۳	خبز رومی، ۱۳۰	خَرْفِی، ۱۰۴
حنطة صغيرة، ۱۷۳	۲۸۰	خَبْه، ۱۲۹	خِرَق، ۲۸۰
حَنْظَل، ۸۱، ۱۲۶، ۱۸۷	خالیدونیون ذو الخطافی، ۱۲۷	خَبِيزَة صغيرة، ۱۳۰	خَرْم، ۱۳۱
۲۱۳		خَنْزَق، ۵۵	خرم، ۱۶۹
حَنْظَل، ۱۲۶	خاماذفی، ۱۴۹	ختم الملك، ۱۶۷	خرمازق، ۲۰۲
حَنْظَل رومی، ۱۰۶	خامالاون ابيض، ۲۷۵	ختمی بری، ۲۱۱	خَرْنوب، ۱۳۲
حنوه، ۳۴	خامالاون الأسود، ۱۲۸	خداع الرجال، ۸۸	خَرْنوب، ۱۳۲
حَنْوَه، ۳۴، ۱۵۹	خامشه، ۱۲۸	خِذراف، ۹۹	خرنوب، ۱۳۲، ۲۴۱
حنوة، ۱۵۹	خائق الذئب، ۱۲۸	خِذرفات، ۱۲۳	خرنوب الخنزیر، ۱۳۲
حَنِیق زنبق، ۲۹۰	خائق الذباب، ۵۵	خراز الماء، ۲۰۰	خرنوب الخنزیر (مصر)، ۶۳
حنین، ۱۴۵	خائق الكرسنه، ۶۸	خراطین، ۱۲۳	خرنوب الشوک (شام)، ۱۳۲
حَوَاء البقر، ۲۹۸	خائق الكرسنه، ۲۰۱	خرافة العجوز، ۲۶۹	خَرْنوب الکَلْب، ۶۲
حَوْجَم، ۲۹۴	خائق الکلاب، ۹۳، ۱۲۸	خُراء النواتية، ۲۴۸	خرنوب المعزى، ۱۳۲
حَوْذَان، ۱۲۷، ۲۵۹	خائق الکلب، ۴۲، ۱۲۸	خربع، ۱۱۴	خرنوب المِعزى (شام)، ۳۰۱
حودان، ۱۵۳، ۲۷۳	۲۳۱	خَرْبِق، ۱۳۰	
حَوْر، ۱۲۷	خائق النمر، ۵۱، ۱۲۸، ۲۳۸	خَرْبِق اسود، ۱۲۹، ۱۳۰	خرنوب شامی، ۱۳۲
حَوْر، ۱۲۷	خائق التمر، ۱۲۸	۱۲۹، ۱۵۳، ۲۵۹	خرنوب مصری، ۱۳۲
حور اسفیدان، ۷۸	خائق نفسه، ۲۳۲	خریق أبيض، ۱۳۰	خرنوب نبطی، ۱۳۲، ۳۰۱
حَوْر الرومى، ۵۵	خَب، ۱۴۰	خَرْدَل، ۱۳۰	خرنوب هندى، ۱۴۰
حور الرومى، ۱۰۹، ۱۲۷	خَبَّاز، ۲۸۴	خردل، ۱۵۳، ۱۸۹	خرو الحمام، ۱۳۰
حور رومى، ۱۲۷	خَبَّازى، ۱۲۹	خردل الابيض، ۱۱۵	خرو الضفادع، ۲۰۰
حوز، ۱۲۷	خیبازی، ۱۲۹، ۲۸۴	خردل البر، ۱۳۰	خَرْوب، ۱۳۲
خُوك، ۷۱	خیبازی الاسود، ۱۲۹	خردل الفارسی، ۱۱۵	خروب، ۱۳۲
خوک، ۱۱۳	خَبَّازى الجَبَلِی، ۱۲۹	خردل بری، ۱۰۲، ۱۱۴	خَرْوب الخنزیر، ۱۹۶، ۲۷۱
خُوك، ۱۹۸	خیبازی السبخی، ۱۲۹	۱۱۶، ۱۳۱، ۲۶۶	خَرْوب السَّنَط، ۱۹۱
خَوْمانه، ۱۵۲	خیبازی الصقلی، ۱۲۹	خردل فارسی، ۱۳۱	خروب السودان، ۱۳۲
خومانه، ۲۰۳	خَبَّازى الفارسی، ۱۲۹	خردل فارسی (دمشق)، ۱۳۰	خَرْوب الشامی، ۱۳۲
خومانه (آفریقا)، ۲۰۳	خَبَّازى الماکول، ۱۲۹		خروب الشوک، ۱۳۲
خومر، ۱۲۴	خَبَّازى المجوسى، ۱۲۹	خرز الملوک، ۲۱۴	خروب العریض، ۳۰۱
حی، ۳۷	خیبازی الهندی، ۱۲۹	خِرْزَع، ۱۶۳	خَرْوب النبطی، ۱۰۹
حی العالم، ۳۴، ۳۷، ۶۴	خیبازی حَمَقاء، ۱۲۹	خَرْزَل، ۱۳۱	خروب النبطی، ۳۰۱

خربوب الهندی، ۱۴۰	خشخاش المَقْرَن، ۱۳۴	خطمی بری، ۱۳۶، ۱۸۷	خوخ قلبی استه، ۲۳۲
خربوب الهندی، ۱۴۰	خشخاش المَقْرَن، ۲۷۶	خطمیة البيضاء، ۱۲۹	خوشان، ۱۲۳
خروج، ۲۰۳، ۱۳۳	خشخاش اليهودی، ۱۳۴	خلاف، ۵۴، ۱۷۱	خوص (مصر)، ۷۵
خروج الاسود، ۲۸۷	خشخاش أبيض، ۱۳۴	خلاف، ۱۳۶	خوص (مغرب)، ۲۰۸
خروج الصفادع، ۲۰۰	خشخاش أسود، ۱۳۴	خلاف بلخی، ۱۳۷، ۱۵۹	خوصه (اندلس)، ۲۷۲
خزوع صینی، ۱۴۷	خشخاش بحری، ۱۳۵	خلاف (شام)، ۱۳۶	خولان، ۱۲۰
خزیرع، ۴۲	خشخاش بری، ۱۳۴	خلال، ۲۸۲	خولع، ۱۲۶
خزیرع، ۵۷، ۲۰۹، ۲۱۰	خشخاش بستانی، ۱۳۴	خلال مامونی، ۴۳	خوم، ۱۴۰
خزیرع، ۱۳۳	خشخاش زَبَدی، ۱۳۵	خَلَر، ۱۰۴	خویصه مصغر (اندلس)، ۲۷۲
خَزْء الحَمَام، ۱۳۰	خَشْخاش سائل، ۱۳۴	خَلَر، ۱۳۷	
خزوالحمام (رقه)، ۱۰۷	خشخاش مَقْرَن، ۱۳۵	خَلَص، ۱۳۷	خیار شنبر، ۱۴۰
خزّامی، ۱۴۰، ۱۹۳، ۲۶۸	خشخاش مثور، ۱۳۵	خلنج، ۱۱۰	خیار صنبور، ۱۴۰
خَزَم، ۱۳۳	خشل، ۲۸۳	خَلْنَج، ۱۳۷	خیار (عراق)، ۲۳۴
خَس، ۱۳۳	خصی الثعلب، ۸۰، ۸۹	خَلَوَانی (اندلس)، ۲۴۶	خیر مِنْ أَلَف، ۱۷۹
خَس، ۲۸۰	۱۳۵، ۱۵۲	خَلُوق، ۱۶۳	خیر من ألف درهم، ۱۷۹
خَس، ۲۹۷	خُصی الثُّغْلَب، ۱۳۵، ۲۰۳	خلوقة، ۲۶۱	خیری، ۲۸۵، ۲۹۲
خَسا، ۱۰۲	۲۴۶	خُلَّة، ۱۳۷	خیری ازرق، ۱۶۸
خس الارنب، ۱۳۳	خصی الדיک، ۱۳۵	خمان الأرض، ۱۳۸	خیری اصفر، ۱۶۸
خَس الاسود، ۱۳۳	خصی السمور، ۱۳۶	خمان الصغیر، ۱۳۸	خیری الاحمر، ۷۹
خس الحمار، ۳۸، ۹۴، ۱۳۴	خصی القط، ۱۳۵	خمان الکبیر، ۱۳۸	خیری الاصفر، ۱۴۰
خَس الحِمَار، ۳۸، ۴۳، ۶۸	خُصی الکلب، ۸۰، ۱۳۵	خِمْنَجِم، ۶۳	خیری البر، ۱۳۳
۱۳۳، ۲۹۶	خصی الہر، ۱۵۰	خمنخم، ۱۳۸	خیری البر، ۱۴۰
خس الحمار (فاس)، ۱۳۳	خُصی هرمس، ۱۲۱، ۱۳۶	خَمَر، ۲۰۲	خیری الماء، ۱۴۰، ۲۷۲
خس القدان، ۱۳۳	خَصِر، ۱۶۴، ۱۹۴	خَمْضِیض، ۱۲۲	خیری (بغداد و موصل)، ۲۱۱
خس الکلب، ۱۴۹	خِضَلَف، ۱۵۷، ۲۸۳	خَمَط، ۵۵، ۱۴۵	
خس بری، ۱۳۳	خُضیراء، ۱۵۹، ۲۷۵	خمل، ۱۷۹	خیری جبلی، ۱۳۳، ۲۶۸
خَس بستانی، ۱۳۳	خَطَّار، ۲۵۱	خَشی، ۳۷، ۵۱، ۸۰، ۸۶	خیزران، ۱۴۰
خسران، ۷۹	خَطَّافی، ۱۲۷	۱۳۸	خیزران البلیدی (اندلس)، ۳۶
خسف، ۱۰۶	خِطَر، ۱۲۵، ۲۹۲	خشی الصخریه، ۱۳۸	
خسّی، ۳۰۰	خَطَر، ۱۳۶	خنج، ۱۳۱	خیزران بلدی، ۱۴۰
خشب الحیه، ۲۹۷	خِطَر، ۲۵۱	خنداقل (مصر)، ۱۰۴	خیژو (مراکش)، ۱۰۳
خشب الصینی، ۱۰۶	خِطْرَة، ۱۳۶	خَنْدروس، ۱۲۶، ۱۳۹	خینوس، ۱۹۳
خشخاش، ۱۳۴، ۱۸۸	خطمی، ۱۲۹، ۲۱۶	خندروس، ۱۳۹، ۲۰۱	خیوز (سوانم)، ۲۰۱
خشخاش احمر، ۱۳۴	خِطْمی، ۱۳۶	خنزیری (مصر)، ۲۷۲	دائم العطش، ۱۴۸
خشخاش اسود، ۱۳۴	خطمی الازغب، ۱۲۹	خوخ، ۱۳۹	داح، ۱۴۳
خشخاش البری، ۱۳۴	خطمی الرومی، ۱۲۹	خوخ الماء، ۱۱۵، ۱۳۹	داد الأبیض (اندلس)، ۵۱
خشخاش الزَبَدی، ۱۰۰	خطمی المروج، ۱۲۹	۲۷۲	داد الأسود، ۵۱
خشخاش الساحلی، ۱۳۴	خطمی النهري، ۱۲۹	خوخ المروج، ۲۴۳	داد الوحید (آفریقا)، ۵۱

دادی، ۲۰۴	دَزیاس، ۱۴۵	دوقس (شام)، ۱۱۸	ذِفلی، ۱۴۵
داذی الرومی، ۲۹۸	دریاس (فاس)، ۶۵	دوقسو، ۱۰۳، ۱۱۷، ۱۴۸	ذُکار، ۹۶
داذی رومی، ۱۴۱	دریاس (مغرب)، ۹۷	۱۸۸، ۲۲۸، ۲۵۶	ذکر الارض، ۹۲
دار المرز، ۶۵	دستنبو، ۱۴۴	دوقوالاحرش، ۱۰۳، ۱۴۸	ذَکَر الدیک، ۱۵۰
دارصینی، ۲۳۸	دَسَم الشجر المرز، ۲۸۶	دوقو الرومی، ۱۰۳	ذکر الرئيس، ۱۳۵، ۱۵۰
دار صینی الدون، ۱۴۱	دسم الصوف الوزج، ۱۶۵	دوقو القراذی، ۱۰۳	ذکر الکلب، ۱۵۰
دارصینی حبشی، ۱۴۱	دسیسه (مصر)، ۵۶	دوقو القَراذی، ۱۰۳	ذَکَر الهَرز، ۸۰، ۲۰۱
دارصینی زور، ۱۴۱	دشینه، ۱۹۷	دوقو املس، ۱۴۸	ذکور البقل، ۱۴۴
دار فُلُقُل، ۲۲۷، ۴۶	دُعاع، ۱۴۵	دوقو بری، ۱۴۸	ذَنب الأُیَل، ۲۸۷
دارکسنة (عراق)، ۲۴۹	دُعُبوب، ۱۴۵	دوم، ۱۵۷، ۱۶۸، ۲۸۳، ۲۸۴	ذنب الثعلب، ۱۸۱
دارکیسه، ۱۹۹	دُغلول، ۱۴۵	دوم (مغرب)، ۲۰۸	ذَنب الجَمَل، ۱۲۶
دارکیسه (شام)، ۱۰۷	دِفلی، ۳۷	دومه، ۲۸۳	ذنب الحِدَاة (اندلس)، ۲۳۱
دارکیسه، ۱۴۲	دِفلی، ۳۷، ۱۴۵	دویره، ۲۷۳	ذَنب الحُرُوف، ۱۵۱
دارکیسه (شام)، ۱۹۹، ۲۴۹	دِفلی البیضاء، ۱۴۵	دیس، ۴۳، ۷۸، ۱۴۸	ذنب الخیل، ۵۰، ۶۲، ۲۶۷
دافع الغم، ۱۱۳	دِفلی الخضراء، ۱۴۵	دیس (اندلس)، ۵۰، ۱۷۵	ذَنب الخَیَل، ۵۰، ۱۵۱
دائج أبروج، ۱۴۲	دِق، ۱۴۳	دیک الاعمی، ۱۱۸	ذنب السَّیْع، ۱۵۱
داء الحیه، ۱۰۶	دُلَاع، ۸۱، ۸۲	دیک الاعور، ۱۱۸	ذَنب العقرب، ۱۵۱، ۱۵۲
دَب، ۲۹۱	دلاع البری، ۱۲۶	دیک (اندلس)، ۱۴۴	۲۰۴
دَبَا، ۱۴۲، ۲۳۷	دلال، ۱۸۰	دیک اَعُور، ۱۱۸	ذنب الفار، ۲۶۹
دَبِق، ۵۱، ۵۸، ۱۶۷	دُلب، ۱۴۵	ذات الریش، ۱۴۹	ذَنب الفار (اندلس)، ۲۶۹
دَبِق، ۱۴۲	دلب، ۲۱۷، ۲۹۰	ذات ثلاث حَبَات، ۱۶۲	ذنب الفاره، ۲۶۹
دِبقی، ۵۱	دِلبوث، ۴۵	ذافنی الأسکندری، ۱۴۹	ذنب الفرس (شام)، ۱۵۱
دبی، ۹۶	دِلبوث، ۲۵۷	ذاقنی الاسکندری، ۱۴۹	ذنب القط (اندلس)، ۱۵۱
دُجَر، ۲۷۱	دلغ، ۱۴۶	دُجیح، ۶۳، ۱۰۳، ۲۶۵	ذنب اللبوء، ۱۵۱
دحداح، ۱۴۳	دُلم (فاس)، ۱۴۵	دُجِخَة، ۶۳	ذنب اللُوء، ۱۵۱
دُخَن، ۱۰۰، ۱۴۳	دم الاخوین، ۱۹۲	ذراعه (مصر)، ۲۳۶	ذنب النمر، ۷۵
دُخَن البری، ۱۱۹	دم الأخوین، ۲۱۵، ۶۹	ذرق، ۱۲۵	ذنب الهَرز، ۸۷
دخن العصافیر، ۱۴۳	دم الأَخَوِین، ۱۴۶، ۱۷۹	ذُرَق، ۲۹۱	ذنبان، ۱۵۱
دخن النملی، ۱۴۳	دم الأمیر، ۱۴۷	ذُرَق الحَمَام، ۱۵۰	ذُنبیاء، ۱۵۱
دخن بری، ۱۰۰	دم الغزال، ۱۴۷	ذُرَق الطَیْر، ۸۷	ذوات الجُجم، ۲۰۴
دُخَنه، ۴۴	دمیثا، ۹۷	ذُرَق الطَیْرِ، ۱۵۰	ذوات جُجم، ۲۵۶
دُخَنه مریم، ۷۴	دند، ۱۴۷، ۲۷۶	ذُرّه، ۲۰۳	ذو أَلَف ورقه، ۱۵۱، ۱۷۱
درامج، ۱۴۳	دَنَقَة، ۱۶۴، ۱۹۴	ذُرّه، ۲۶۳	ذو ثلاث الوان، ۱۵۲
درانیج، ۱۴۳	دوام (انطاکیه)، ۸۶	ذُرّة، ۱۴۹	ذو ثلاث حَبَات، ۱۶۲
دُرَحُولَة، ۱۴۴	دواء الجنون، ۵۵	دُرَیْزَة السُّخَم (مصر)، ۲۷۳	ذو ثلاث شوکات، ۱۵۲
دِرق، ۱۲۵	دواء الحَیْه، ۱۰۶	ذریرة (مصر)، ۲۷۳	ذو ثلاث ورقات، ۱۵۲
درمامه، ۱۴۴	دواء الخَطاطِیف، ۲۷۶، ۲۰۸	ذریزه، ۱۵۰	ذو ثلاثة اوراق، ۲۰۳
درماء، ۱۴۴	دود الصخر، ۷۹	ذفراء، ۱۵۰	ذو ثلاثة ألوان، ۱۵۲

رجل صالح، ٢٨٠	رَبْرَق، ٢٤٩	راحة الكَلْب، ٢٥٤	ذو ثلاثة شعب، ١١٨
رجله، ٨٢	ربرق (يمن)، ١٥٤	رازقئ، ١٨١	ذو ثلاثة عناقيد، ٢٠٣
رجلة، ٨٣، ٨٤	رَبْل، ١٥٤	رازيانج، ٧٨، ١٥٢، ٢٣٨	ذو خمسة أجنحه، ٨٩
رجلة الشتاء و الصيف، ١٠٨	رَبْل (مصر)، ٥٤	رازيانج البستاني، ١٥٣	ذو خمسة اجنحه، ٤١
رجينة، ١٩٧	رَتَم، ١٥١، ١٥٤	رازيانج الرومي، ٦٧	ذو خمسة اجنحه، ٨٨، ١٥٢
رجينة (اندلس)، ١٥٢	رَتَم الخنزير، ١٥٤	رازيانج الشامي، ٦٧	ذو خمسة اصابع، ١٥٢، ٢٣٠
رجينه، ١٩٧	رَتَم الأطباء، ١٥٤	رازيانج القروذ، ١٤٨، ١٥٣	ذو خمسة اقسام، ٨٨، ١٥٢
رخامي، ١٥٥	رُتَه، ٥٢، ٥٤	رازيانج بری، ١٥٢، ١٥٣	ذو خمسة اوراق، ٤١، ٨٨
رخون (بغداد)، ٢٤١	رُتَه، ١٥٥	رازيانج حبشی، ١٥٣	١٥٢، ٢٣٠
رخينه، ١٥٢	رتيانج، ١٩٧	رازيانج رومي، ١٥٣	ذو خمسة أجنحة، ١٥٢
ردايف، ١١٤	رثيث، ٥٠	رازيانج شامي، ١٥٣	ذو خمسة أصابع، ٤١، ٨٨
رسيم (مصر)، ٢٣٦	رجبه، ١٥٥	رازيانج فارسي، ١٥٢	١٥٢
رشاد، ١٠٢، ١١٥	رجل الأرنب، ٢٦٥	رازيانج (مغرب و اندلس)، ٧٨	ذو خمسة أقسام، ١٥٢
رشال الاحمر، ٤٦	رجل البازي، ١٥٥، ٢٤٨	رازيانق، ٧٨	ذو سبعة اضلاع، ٢٦٩
رُشالة الابيض، ٢٦٤	رجل الجراد، ١٥٥، ١٦١	راس الذهب، ١٣٠	ذو شَوْنِكة، ١٥٢
رشينه، ١٥٢	رجل الحدأة، ١٥٥	راسن، ١٥٩، ٢٥٢	ذو مائة رأس، ١٥٢
رشينة (اندلس)، ١٥٢	رجل الحرشاء، ١٥٥	راسن (اندلس)، ١٠٦	ذهبي، ٣٤
رضاييف، ١١٤، ١٥٩	رجل الحمام (اندلس)، ١٢٥	راطينا، ١٩٧	ذهبيه، ١٥٢، ١٥٣
رطا، ٢٤٧	رجل الحمامه، ٣٨، ١١٩	رافعه، ١٣٠	ذی الورقة الواحدة، ٢٧٣
رطب القث، ١٥٦	١٢٥	رافعة، ١٥٤	ذُونون، ١٥٢، ٢٠١
رُطْبَه، ١٥٥	رِجْل الحَمَامَه، ٣٨، ٤٣، ٢٥٢	راوند، ١٥٤	رئيس الجَبَل، ١١٩
رطبَة، ٩٢، ٢٤١، ٢٣٧، ٢٩١	رِجْل الحَمَامَة (اندلس)، ٤٨	راوند الجبلي، ٢٥٠	رئيس الجبل، ١٢٠، ١٦٠
رُغَث، ١٥٦، ١٥٨	١٩٠	راوند الفارسي، ١٢٢، ١٥٩	رائحة الأثرُج، ٧١
رُغْي الأيل، ١٥٦	رجل الدجاجة، ١٥٥	راوند شامي، ١٥٤	رائحة البستان، ٢٨٠
رعى الأيل، ٦٠	رجل الدجاجة (أفريقا)، ٧٠	راء، ١٥٢	رابوقه، ٨٢
رعى الأبل، ٦٠، ٢٨١	رجل الزاغ (شام)، ١٥٥	راءآ، ١٥٢	راتيانج، ١٩٦
رُغْي الأيل، ١٥٦	رجل الزرزور، ١٥٥	راء، ٥٩، ١٣١، ١٣٩، ٢٦٣	راتيانج، ١٩٧
رُغْي الأيل، ١٥٦	رجل الطير، ٣٦	رأس الأفقي، ٤٢	راتينا، ١٩٧
رُغْي البَط، ١٤٨	رجل العقاب، ١٥٥	رأس الذهب، ١٣٢، ١٥٣	راتيناج، ١٥٢
رعى الحمار، ١٥٦	رجل العقق، ١٥٥	رأس الزرزور، ١٥٣	راتينج، ١٥٢، ١٩٧، ٢٤٤
رعى الحمام، ٦٠، ٧٣، ٢٠٤	رِجْل العُقْراب، ٣٦، ١٤٨	رأس الشيخ، ٥٨، ١٥٣	راتينج، ١٩٧
رُغْي الحَمَام، ٦٩، ١٥٦	١٥٥، ١٦٢، ٢٥٦	رأس العجل الكبير، ٦٧	راح، ٧٩
رعى الحمير، ٢٢٥	رجل الفروج، ٥٢، ١٢٣	رأس العصفور، ١٥٣	راح العرب، ٦٢
رعى الشواهين، ٢٠٤	٢٣٢	رأس القنفذ، ١٥٣	راحة الاسد، ٢٨٣
رعى الضفادع، ٢٥٤	رِجْل الفَرْج، ١١٦	رأس الهدهد (اسكندريه)، ٢٧٧	راحة الأسد، ٢٨٦
رعى العير، ٤٣	رجل الفروج (اندلس)، ١٥٥	رب القَرظ، ١٣٢	راحة الكَف، ٢٥٩
رُغْيَداء، ١٦٤	رجل القلوس، ١٥٥		راحة الكلب، ١٥٢
رُغْيَداء، ١٩٤	رجل القلوس، ١٥٥		

زَعَث، ۱۰۴	رَقَى (بغداد)، ۸۲	ریحان الثعلب، ۱۴۹، ۱۵۹	زراوند الطویل، ۲۳۴
رُغَل، ۸۳	رَكَف (آفریقا)، ۷۵	ریحان الجزّ، ۱۵۹	زراوند الطویل (آفریقا)، ۱۸۶
رُغَل، ۱۲۳، ۱۳۹، ۱۷۰	رَمَان، ۱۰۴	ریحان السلیمان، ۱۶۰	زراوند مُدَخَّرَج، ۱۶۱
رُغَیْداء، ۱۵۷، ۱۶۴، ۱۹۴	رُمان، ۱۵۷	ریحان السواقی، ۱۵۹	زراوند مدور، ۱۶۱
رِفایِد، ۱۱۹	رَمَان الأَنْهَار، ۱۵۸	ریحان الشیاطین، ۱۸۳	زرجون، ۲۱۴
رِقاع، ۱۵۷	رمان البر، ۱۵۸	ریحان الشیوخ، ۲۸۰	زرع، ۱۲۶
رُقاع الیمانی، ۱۵۷	رمان السُّعال، ۱۵۸، ۲۷۵	ریحان القبور، ۳۶	زَرَع، ۱۲۶
رِقَان، ۱۲۵	رَمَان السعالی، ۲۸۸	رِیحان الکافور، ۱۶۰	زرع علی، ۲۵۷
رُقَع، ۱۰۵، ۱۵۷	رمان الهند، ۱۸۹	ریحان الماء، ۳۹	زرق الطیر، ۱۵۷
رقعا، ۱۳۸	رمان الهندی، ۱۸۹	ریحان المُرْد، ۱۵۹	زرنب، ۱۵۵، ۱۶۱
رقع الیمانی، ۱۰۸	رمان بری، ۱۰۴، ۱۱۲	ریحان الملک، ۱۹۸	زَرَنْب، ۱۶۱
رقعاء، ۱۶۹	۲۸۳، ۱۵۸	ریحان النعنع (مصر)، ۳۹	زَرَنْبَاد، ۱۶۱
رَقَعَه، ۱۵۷	رمان بستانی، ۱۰۴	ریحان الیهود، ۱۶۰	زَرَنْبَاد، ۱۶۱
رقعة الرومیه، ۱۵۷	رمان حامض، ۱۵۷	ریحان (اندلس)، ۳۶	زَرَنْک، ۸۰
رقعة الصخریه، ۲۵۷	رمان حلّو، ۱۵۷	ریحان بری، ۸۳	زرنیلج، ۱۵۹
رقعة الصخریه (اندلس)، ۲۷۱	رمان هندی، ۱۴۱، ۲۸۸	ریحان داود، ۳۴	زریعة السّوداء، ۱۹۲
رقعة الصنوبریه، ۱۵۷	رِمث، ۴۴	ریحان سلیمان، ۱۰۵	زریعة أبلیس، ۱۸۷
رقعة الفارسیة (اندلس)، ۸۷	رِمث، ۱۵۸	ریحان قرنفلی، ۲۲۵	زریقاء، ۱۰۵
رقعة اللَّطِینِیة، ۹۷	رُمح صغیر، ۲۷۱	ریحانة الرومیه، ۱۱۳	زُرُغور، ۱۶۲
رقعة النهریه، ۲۹۱	رند، ۳۶، ۴۳، ۱۴۵، ۱۶۱	ریحانة الفتی، ۱۶۰	زعرور، ۱۶۳، ۱۸۶، ۲۹۱
رقعة (اهل سراق)، ۱۰۸	رُند، ۱۵۹	ریحانة المروء، ۱۱۳	زَعور، ۲۸۲
رقعة بربّه، ۱۵۷	رند اسکندرانی، ۱۵۹	ریحانة الملک، ۱۱۳، ۱۵۹	زعرور الأدویه، ۵۸
رقعة جبلیه، ۱۵۷	رندلی، ۶۷	رِیسم، ۱۲۲	زعرور یستاتی، ۱۶۳
رقعة خضفیة، ۱۵۷	رنف، ۱۵۹	ریفی، ۸۱، ۶۱	زعرور جبلی، ۱۶۲
رقعة سُهلیة، ۱۵۷	روبیان، ۴۴	ریوند، ۲۶۲	زَعفران، ۱۶۳
رقعة شعریة، ۱۵۷	رُوْز (فاس)، ۴۴	زُبَادی، ۱۶۰	زَعفران، ۲۵۵
رقعة طَلِیّیة، ۱۵۷	روطة (فاس)، ۱۶۷	زُب رِیاح، ۱۵۰	زَعفران بری، ۱۶۳
رقعة ظَلِیّیة، ۱۵۷	رَهْج الفأر (مغرب)، ۶۸	زُب رِیاح، ۲۰۱	زَعفران حبشی، ۱۶۳
رقعة فارسیة، ۱۵۷	ریباس، ۴۰، ۱۵۹، ۲۳۰	زُب رِیاح، ۲۰۱	زَعفران شرکی، ۱۶۳
رقعة قَرَنْقَلِبَة، ۱۵۷	۲۸۲	زَتَعَر، ۲۸۰	زَعفران هندی، ۱۶۳، ۲۵۵
رقعة لَطِینِیة، ۱۵۷	ریباس الجبلی، ۱۲۲	زَنُوج، ۲۰۶	زَعِیْقراء، ۱۶۳
رقعة مَرَجِیة، ۱۵۷	ریباس الخراسانی، ۱۲۲	زَبُوج (اندلس)، ۱۶۶	زَعِیْج، ۱۱۲، ۱۶۶، ۲۵۱
رقعة نهریه، ۱۵۷	ریباس الفارسی، ۱۲۲	زِیْب الجبل، ۱۱۱، ۲۸۷	زَعِیْج، ۲۰۶
رَقُون، ۱۲۵	ریحان، ۳۱، ۳۵، ۱۸۴، ۲۴۹	زِیْب الجبلی، ۲۸۷	زَعِیْج، ۲۰۶
رَقُون، ۱۲۵	زِیحان، ۱۵۹	زِیْب الریفی، ۲۸۷	زَعْبَر، ۲۸۰
رقه، ۲۱۸	زِیحان الامروء، ۲۷۹	زِیْب بری، ۱۱۱	زَعْبَر، ۲۸۰
رَقِیْب الشمس، ۱۵۷	ریحان التُّرنجانی، ۷۱	زِدوار، ۱۰۱	زَعْبَر، ۱۶۳
		زراوند، ۱۶۰	

سراج متوج، ۱۶۸	سامر (شام)، ۲۸۴	زَهرة، ۱۶۵	زفروزف (فاس)، ۲۱۳
سراجیه، ۶۰	سامری، ۱۵۴	زهرة الحجر، ۱۶۵	زفیزف (اندلس)، ۲۱۳
سراویل الطلول (اندلس)، ۶۰	سانوج (فاس)، ۱۹۲	زهم، ۱۶۱	زَقوم، ۱۶۳، ۱۹۸
سراویل الکُکَّه (اندلس)، ۲۶۷	سینت، ۵۷	زیت السودان، ۱۶۶	زقوم آخر، ۱۶۳
سَرَج، ۱۶۹	سینت، ۲۳۷	زیت المهرجان، ۱۶۶	زلائف الملوک، ۲۴۷
سرخس، ۶۵، ۱۵۷	سبط، ۲۷۳، ۲۵۶	زیت الهرجان، ۱۶۶	زلاویه، ۱۶۳
سرخس البلوط، ۱۴۴	سَبْع الأرض، ۷۵	زیتون، ۵۷	زلائف الملوک (مغرب)، ۲۴۷
سرخسی، ۶۵	سبع الشَّعراء، ۱۶۷	زیتون، ۱۶۵	زَلَم، ۴۹، ۱۶۳
سرسر الیدیک (شام)، ۱۴۶	سَبْع الکُتَّان، ۱۶۷	زیتون الأرض، ۱۲۸، ۲۷۵	زمارة الراعی، ۲۸۱
سرقوقینا (شام)، ۱۹۳	سبعة اصول، ۲۷۹	زیتون البحر، ۱۶۶	زَم البول، ۱۱۸
سَرْمَج، ۲۴۱	سجَلطاط، ۲۹۹	زیتون البری، ۱۶۶	زَن، ۱۳۷
سَرْمَق، ۱۷۰، ۲۴۱	سحار، ۹۶	زیتون الجبلی، ۲۰۶	زَن، ۱۴۷
سرمق، ۲۴۱، ۲۷۹	سحارة، ۱۸۹	زیتون الحَبَش، ۱۶۶	زَنْبِق، ۱۵۲، ۱۶۴
سرو، ۳۰۱	سَحیر، ۱۵۱	زیتون الطحال، ۱۶۶	زَنْبِق (دمشق)، ۱۶۴، ۱۸۱
سُرَّة الأرض، ۱۶۹	سحیمه (اندلس)، ۲۶۷	زیتون الکَلْبَة، ۱۶۶	زنبوج، ۱۶۵
سسترنه (اندلس)، ۱۸۷	سُخْر، ۱۶۷	زیتون الماء، ۱۶۵	زنبوع، ۴۰
سُطَّاح، ۲۵۲	سذاب، ۱۲۴، ۱۵۰	زیتون المعز، ۱۶۶	زَنْجیل، ۱۶۴، ۱۷۱
سط (مصر)، ۵۷	سذاب، ۱۶۷	زیتون بری، ۱۶۶	زنجیل الافرنجی، ۱۶۴
سعالی، ۱۷۱	سذاب البر، ۱۱۶	زیتون صخری، ۱۶۶	زنجیل العجم، ۵۰، ۱۶۴
سَعْتَر، ۱۶۵	سذاب بری، ۱۱۶، ۱۶۸	زیتون هندی، ۱۹۹	زنجیل الفارس، ۵۰
سَعْتَر، ۱۸۷، ۱۹۵	سذاب بستانی، ۱۶۸	زیتونیه، ۱۴۴	زنجیل الکلاب، ۱۶۴
سَعْتَر الحَمیر، ۱۱۰	سدایان (مصر)، ۱۷۴	زیتونیه (مصر)، ۷۰	زنجیل بلدی، ۱۵۳
سَعْد، ۱۷۱	سدر، ۱۶۸	زیزفون (دمشق)، ۱۶۶	زنجیل شامی، ۱۵۳
سعدان، ۱۷۲	سدر، ۲۱۴، ۲۷۲، ۲۸۹	زیتة الریاحین، ۷۹	زنجیلله (اسکندریه)، ۲۲۳
سَعْدی، ۱۴۸	سدر بری، ۶۲	سابقه، ۷۵	زند (شام)، ۲۱۸
سعدی المَضْفَرَة، ۱۷۱	سِدْرَوان، ۱۶۸	ساییزج، ۲۷۰	زَنقال، ۹۶
سَعْفور الصَفالیه، ۱۶۳	سِدْرَة، ۱۶۸	ساداوران، ۱۶۶	زوان، ۱۰۵، ۱۴۷، ۱۵۱
سَعْلَه، ۷۳	سدوس، ۲۹۲	ساداوران قنطار، ۱۶۷	زوان، ۱۵۷، ۱۹۴
سَعْلَه، ۱۷۲	سذاب، ۹۷	ساذج، ۲۸۸	زَوان، ۱۶۴
سَعْد، ۸۶	سذاب، ۱۶۷	ساذج هندی، ۱۶۷	زوان (مغرب)، ۱۹۴
سَعْوَط، ۱۷۲	سذاب البر، ۱۵۰	سارق الخاتم، ۲۹۲	زَوْفا، ۱۶۵، ۱۹۵، ۲۸۱
سَعْوَط الدَوَاب، ۲۶۳	سذاب بری، ۴۸، ۹۷	ساسم، ۳۳	زوفای رطب، ۱۶۵
سَفَرَجَل، ۱۷۲، ۱۸۶	سراج البری، ۱۶۸	ساسنوا (فاس)، ۱۰۶	زوفای یابس، ۵۲، ۱۶۵
سفرجل الهند، ۱۸۹	سراج الظلام، ۲۶۳	ساق الاسود، ۷۶	زوفرا، ۱۴۸، ۱۶۵، ۲۲۳
سفرجل هندی، ۱۸۹	سراج القطرب، ۱۳۲، ۱۴۰	ساکتة، ۲۸۰	زوان، ۲۴۸
سفری، ۱۵۸	سراج القَطْرَب، ۱۶۸	سالمة، ۴۸	زوفراء، ۱۴۸
	سراج القطریل، ۱۶۹	سالة، ۱۳۰	زهر الملح، ۱۶۵

سَفَناریه (فاس)، ۱۰۳	سَمَار، ۱۴۸	سَنبل الاقلیطی، ۲۸۷	سورنجان الدقیق (اندلس)، ۲۱۲
سِقَام الجن، ۲۵۷	سَمَار، ۱۷۵	سَنبل الرومی، ۲۸۸، ۱۷۸	
سَقْمُونیا محموده، ۱۷۲	سَمَاق، ۱۷۵	سَنبل الطیب، ۱۷۷	سورنجان قتال، ۱۰۸
سَقْوِردی، ۲۷۷	سَمَاق، ۲۰۶	سَنبل العَصافیر، ۱۷۸، ۱۷۷	سورنجان هندی، ۱۲۱
سُكَّات، ۱۷۳	سَمَاق الدباغین، ۱۷۵	سَنبل الکلاب، ۵۰	سوری، ۱۷۷
سُكَبینج، ۱۷۳	سَمَاق بری، ۲۸۰	سَنبل الکلب، ۱۷۸	سوس، ۱۶۰، ۱۸۰
سُکر، ۱۷۳	سَمَاقیل، ۱۷۵	سَنبل الملوک، ۲۸۱	سوسن، ۱۱۲
سُکَر، ۱۷۳	سَم البهائم، ۱۴۵	سَنبل اقلیطی، ۲۸۸	سوسن، ۱۸۰
سُکَر العُشَر، ۱۷۳	سَم الحمار، ۱۴۵	سَنبل بری، ۴۶، ۲۲۹، ۲۸۵	سوسن، ۱۸۰
سُکوم (فاس)، ۲۹۷	سَم الحمار، ۱۴۵	۲۸۸	سوسن اصغر، ۷۵، ۱۶۵
سَلَب، ۱۷۴	سَم السمک، ۲۷۷	سَنبل جبلی، ۱۷۷، ۲۸۸	سوسن الاحمر، ۱۴۶
سَلِبین، ۱۱۴	سَم الفأر، ۶۸	سَنبل رومی، ۴۶، ۱۷۷	سوسن الارجوانی، ۱۸۰
سُلَّت، ۱۲۶، ۱۷۳، ۱۷۴، ۲۰۱	سَمَام، ۲۲۱	۲۸۷، ۲۶۹، ۱۷۸	سوسن الاسمانجونی، ۷۵
سَلِجَم، ۹۰	سَمانی (اندلس)، ۲۹۲	سَنبل (عوام)، ۷۶	۱۸۱
سَلطان، ۱۵۸	سَمَر، ۶۲، ۱۷۶	سَنبل هندی، ۱۴۱، ۱۷۷	سوسن الاشمانجونی، ۱۸۱
سَلطان الاشجار، ۱۶۹	سَمَر (اهل بادیه)، ۶۲	۲۸۸، ۱۷۸	سوسن الأبیض، ۱۸۱
سَلطان البقول، ۱۸۳	سَمَرَاء، ۱۷۵	سَنجار، ۳۸، ۱۴۶، ۲۹۶	سوسن الأَزَاذ، ۱۸۰
سَلطان الجَبَل، ۷۵، ۲۴۹	سَمَسَر، ۳۴	سَنج سبویه، ۱۷۹	سوسن البری، ۱۴۶
سَلطان الجبل (اندلس)، ۱۹۵	سَمَسَق، ۳۴	سَنَدیان الأرض، ۱۷۹	سوسن الفیروزجی، ۷۰
سَلطان الریاحین، ۱۸۳	سَمَسَق، ۲۷۹	سَنط، ۷۷، ۲۳۷	سوسن أَصْفَر، ۱۶۴
سَلَع، ۱۷۴	سَمَسَم، ۱۰۱	سَنط، ۱۳۲	سوسن أَصْفَر، ۱۸۱
سَلَع، ۱۷۴	سَمَسِیم، ۱۷۶	سَنوت، ۲۶۲	سوسن بحری، ۸۰
سَلَق، ۸۲	سَمَسَم بری، ۱۷۶	سَنوت الجبلی، ۲۴۸	سوسن بری، ۱۴۴، ۱۴۶
سَلَق، ۱۳۳	سَمَعَر، ۵۹	سَواد الاکَراد، ۲۵۷	۱۸۱، ۲۰۷، ۲۵۷
سَلَق، ۱۷۴	سَمَهَر، ۱۲۶	سَواد الحکام، ۱۶۶	سوسن بستانی، ۸۰
سَلَق، ۱۹۷	سَمید العَنزروت (فاس)، ۶۶	سَواد السند، ۲۵۷	سوسن رملی، ۸۰
سَلَق البری، ۱۲۲	سَمَنَیْرَاء، ۱۳۰	سَواد العُصَاة، ۱۶۷	سومر، ۱۴۸
سَلَق المَاء، ۹۹، ۱۱۰	سَمَنَیْرَه (اندلس)، ۴۷	سَواد القضا، ۱۷۹	سَویداء، ۱۹۲
سَلَق بری، ۱۲۳، ۱۷۴	سَنَا، ۱۷۶	سَواد القضاة، ۱۶۶	سویلا، ۷۶
سَلَق بستانی، ۱۷۴	سَنَا البلدی (اندلس)، ۲۱۸	سَواد القَطَاة، ۱۶۸	سهلی، ۹۶
سَلَق جبلی، ۱۲۲	سَنَا اُنْدَلَسی، ۲۱۸	سَواد الهند، ۱۷۹، ۲۵۷	سَنَسَبان، ۱۸۲
سَلَم، ۱۷۴	سَنَار، ۲۲۴	سَواک العَبَّاس، ۱۵۶، ۲۵۴	سَنیف الغراب، ۷۰، ۱۴۶
سَلَمه، ۱۷۴	سَنامکی، ۱۷۶، ۲۰۹	سَواک القُرود، ۵۲	۱۸۱، ۲۵۷
سَلِیخ اسود، ۱۷۹	سَنایزه (مصر)، ۶۲	سَواک القُرود، ۱۹۲	سَیف القَراب، ۱۴۶
سَلِیخه، ۱۴۱، ۱۷۹، ۲۳۹	سَنای عَرِیض الورق (حجاز)، ۲۰۹	سَواک المَسِیح، ۲۹۲	سَیف القَراب، ۱۸۱
سَلِیط، ۱۷۶	سَنبل، ۱۴۱، ۲۵۸	سَواک عَباس، ۲۹۲	سیکران، ۸۸
سَمَار، ۴۹، ۷۸، ۱۴۸	سَنبل، ۱۷۷	سَواک عَباسی، ۲۹۲	سیکران الحوت، ۹۰، ۲۷۷
		سَوَداء الورق، ۱۹۱	سیکران (اندلس)، ۸۸



سیوف، ٧٥	شبه الكواكب، ٥٤	شجر الغُیْبَرَاء، ٢١٩	شجرة البق (شام و عراق)، ١٤٤
شابالنج، ٧٧	شبهان، ١٨٥	شجر الغرب، ٢٢٠	
شابانج، ٧٧	شبه بالكُرَاث، ٦٣	شجر القندک، ٢٩٠	شجرة البق (عراق)، ١٤٤
شابانک، ٧٧	شجر، ٢٤٧	شجر الفوفل، ١٠٩	شجرة البُنْدُق، ١٠٥
شاذاسبرم، ١٩٨	شجر ابراهيم (ع)، ٢٢٠	شجر القدس، ٢٣٣	شجرة البهق، ٧٦، ٢٤٥
شاض، ١٨٣	شجر الارز، ٣٠١	شجر القطران، ٢٣٤	شجرة التنين، ١٨٦
شاعَة البستانيه (اندلس)، ١٧٦	شجر الاهد، ١٦١	شجر القَطْلَب، ٢٣١، ٢٤٢	شجرة الجن، ١٤٩
شاعَة الصخرية، ٢٧٤	شجر الأثل، ٤٠	شجر القنا، ٢٤٥، ٢٥٩	شجرة الحَب، ٥٩
شاعَة صخرية (اندلس)، ١٧٦	شجر الأثل، ٥٧	شجر الکافور، ١٦٠	شجرة الحر، ٣٥
	شجر الأجاص، ٢١٧	شجر الکافور (موصل)، ٥٧	شجرة الحُضض، ١٢٠
	شجر الأصطرك، ٢٠٦	شجر الکلب، ٢١٢	شجرة الحِنَّا، ١٢٥
شالبيه، ٢٨٣، ١٩٤	شجر البان، ١١١	شجر اللاذن، ٢٦٥	شجرة الحَنَش، ٢٧٣
شالبيه (اندلس)، ٦٠	شجر البراغيث، ١٩٩	شجر اللبني (شام)، ٢٠٦	شجرة الحيات، ١٧٠
شالم، ١٩٤	شجر البق، ١٤٤	شجر المَحَلَب، ٢٠٦	شجرة الخطاطيف، ٢٠٨
شاهبانج، ١٨٣	شجر البق، ٢٩٠	شجر المَرَّان، ٢٧٨	شجرة الخولان، ٨١
شاهبانک، ١٨٣	شجر التيس، ١٨٦	شجر المَيْس، ٢٧٢، ٢٩٠	شجرة الدب، ٥٨، ١٦٢
شاهترج، ٨٣، ١٠٣، ١٠٦	شجر الجن، ١٤٩	شجر النبق المصري، ٢٧٢	شجرة الدب، ١٦٢، ١٨٦
١٥٠، ١٥٢، ١٨٣، ٢٥٧	شجر الجوز الرومي، ٢٦٤	شجر تهام، ١٧٤	شجرة الدبق، ١٤٢
شاه ترج، ١٨٣	شجر الحَب (آفريقا)، ٥٩	شجر حب الأسير، ١٠٨	شجرة الدردار، ١٨٥، ٢٦٩
شاهدانج، ١٨٥، ١٥٨	شجر الحَضض، ٢٧١	شجر دردار، ١٧٨	شجرة الدم، ٣٨، ٦٦
شاهدانق، ٢٤٥	شجر الحور الرومي، ١٢٧	شجر رستم (مغرب)، ١٦٠	شجرة الدم (شام)، ١٨٣
شاهسَنَرم، ١٨٣	شجر الحية، ١٠٦	شجره ابراهيم، ١٨٣	شجرة الراهب، ١٨٥
شاهلوج، ٢١٧، ١٨٤، ٤١	شجر الخابور، ١٣٨	شجره الأزز، ٤٤	شجرة الرمح، ٢٧٨
شاهلوك، ٤١	شجر الخبيثة، ١٤٥	شجره قلى، ١٨٧	شجرة الزغرور، ١٦٢
شاهور (مصر)، ١٠١	شجر الخرنوب، ٣٠١	شجره مريم، ٢٠٦	شجرة الشين، ١٨٦
شايبكه، ٦٦	شجر الحَلَنج (مغرب)، ٤٦	شجرة ابراهيم، ٤١، ١٨٥	شجرة الصبر، ٦١، ١٩٥
شباب، ٢٧٦	١٣٧	٢٣٦	شجرة الصنم، ١٦٨
شب ارماس، ١١٩	شجر الدردار، ١٤٤، ٢٩٠	شجرة ابى مالک، ١٨٥	شجرة الضفادع، ١٨٦، ٢٥٤
شَبِت، ١٨٤	شجر الدلب، ١٤٥	٢٠٥، ٢٤٤	شجرة الطحال، ١٩٥
شبر، ٩٦	شجر الرند، ١٤٩	شجرة اكله، ٣٩	شجرة الطرفاء، ٢٠٢
شَبِرَق، ١٣٧	شجر الشيزي، ٣٣	شجرة الأجاجص، ٤١	شجرة الطلق، ١٨٦
شبرق، ٢٧٨	شجر الصَفَصاف، ١٢٧	شجرة الأمير بارس، ١٢٠	شجرة الطهر، ٤١
شَبِرَق (حجاز)، ١٩٨	١٣٦، ٢٩٠	شجرة البراغيث، ٧٧، ١٩٩	شجرة العثم، ١١٢، ٢٠٦
شَبَرَم، ١٨٤	شجر الصنوبر الکبار، ١٩٧	٢١٩	شجرة العرس، ٢٩٢
شَبَرَم، ٣٠٠	شجر الصنع، ٥٥	شجرة البطم، ٨١	شجرة العصب، ٢٩٢
شَبَهان، ١٨٥	شجر العِلک (اندلس)، ٥١	شجرة البق، ١٤٤، ١٤٩	شجرة العناب، ١٦٨
شبيه، ١٨٥	شجر العناب، ٨٤	١٧٨	شجرة العود، ٢٩٦
شبيه الذهب، ٢٧٢	شجر الغار، ١٤٩، ١٥٩	شجرة البق (شام)، ١٨٥	شجرة العيثام، ١٤٥

شجره الغار، ۱۴۸	شجيرة مريم، ۱۸۳	شعر الجن، ۷۵، ۷۶، ۲۵۷	شَقَوَاصِ البحر، ۲۸۴
شجره الغسلین، ۲۴۳	شحم الارض، ۱۰۷، ۲۴۲	شِعْر الجياد، ۱۸۷	شَقَوَاضِ (اندلس)، ۲۶۵
شجره الفارسیة، ۷۶، ۳۵، ۲۶۶	شحم الحنظل، ۱۸۷	شعر الخنازیر، ۲۵۷، ۷۶	شَكْ، ۶۸
شجره الفُرس، ۸۱	شَحْم الطَّعام، ۶۷	شعر الذیْب، ۵۵	شَكَّاص، ۲۶۴
شجره الفُلْفُل (اندلس)، ۴۱	شَحْم المَرَج، ۲۱۱، ۱۳۶	شَعْر العِجَل، ۲۸۰	شکاک، ۷۱، ۱۸۹
شجره القدس، ۲۹۱	شحم النخل، ۹۵	شعر العیار، ۷۶	شکاعا، ۱۸۹، ۲۷۸
شجره القرمز، ۶۱	شَحْمَة الارض، ۲۶۰	شَعْر الغزال، ۵۵	شکاعی، ۳۷، ۷۲، ۱۵۲
شجره الکف، ۱۸۶	شَحْمَة الدجاجة، ۱۵۳	شعر الغُول، ۱۸۷	شُکاعی، ۱۸۹
شجره الکلاب، ۲۲۴	شَحْمَة المَرَج، ۱۲۹	شَعْر الغول، ۲۵۷	شُکاعی، ۱۸۹
شجره الکلب، ۶۰	شحمیة (اندلس)، ۶۰	شعر الکلاب، ۷۶	شکه (اندلس)، ۱۰۶
شجره اللبھق، ۲۴۵	شَحیرہ، ۲۰۴	شعر الماء، ۷۶	شَلْجَم، ۱۸۹
شجره الله، ۳۹	شَحِیمَه (اندلس)، ۲۶۷	شعر الماء، ۲۵۷	شمار، ۷۸
شجره اللیثی (شام)، ۱۸۶	شَخْ، ۲۹۰	شعران، ۱۲۳، ۱۵۸	شَمَار العریض، ۱۵۳
شجره المریم، ۷۴	شُدْهه، ۹۲	شعری، ۹۶	شمار (مصر و شام)، ۱۵۲
شجره المصطکی، ۲۸۲	شدونی، ۱۲۶	شعیر، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۸۷	شُماری (قبروان)، ۱۰۶
شجره المطهره، ۴۱	شرائط، ۱۷۸	شعیر الحامض، ۱۷۳	شمام، ۱۴۴، ۱۹۰
شجره النبی، ۸۵، ۲۰۶	شَراره، ۶۳	شعیر الرومی، ۱۲۶	شمامات (شام)، ۱۴۵
شجره الیمام، ۹۵	شرب، ۲۲۴	شعیر العاری، ۱۷۳	شمام (شام)، ۱۴۴
شجره أبراهیم، ۱۸۳	شربت، ۲۲۴	شعیر العربی، ۱۳۹	شمرة، ۱۲۶
شجره أم کلب، ۶۲	شربت، ۲۸۰	شعیر الفارسی، ۱۲۶	شمسار، ۸۲
شجره بارده، ۱۸۵	شرد (لبنان و بیروت)، ۱۶۹	شعیر الفاری، ۱۷۳	شمشاد (شام)، ۸۲
شجره دردار، ۱۴۴	شرم، ۱۸۷	شعیر النبی (اندلس)، ۱۳۹	شمشار، ۸۲
شجره دم الاخوین، ۱۴۶	شُرْبَله، ۴۱	شعیر رومی، ۱۳۹	شملال، ۱۰۵
شجره ذوالقرنین الملکی	شری، ۱۸۷	شغاله، ۲۷۴	شمور، ۱۵۳
اسکندر، ۱۶۸	شَری، جنام دانج، ۱۲۶	شَفَلَج، ۲۵۰	شنار، ۲۲۴، ۲۸۰
شجره رستم، ۱۸۶	شُزْب، ۱۸۷	شَقائِق الفرس، ۲۷۶	شَنبِلِذ، ۱۸۰
شجره سلیمان، ۱۳۲	شُشرِث، ۱۸۷	شَقائِق النعمان، ۱۸۸	شنجار، ۳۸، ۶۶، ۶۸، ۱۳۴، ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۵۲
شجره سلیمان بن داود، ۱۶۸	شطبہ (فاس)، ۱۰۲	شَقائِق النعمانی البری، ۱۸۸	شَنذاب (لبنان)، ۱۴۳
شجره سنديان الأرض، ۲۲۴	شطریه، ۱۸۷	شَقایِِق النعم، ۱۸۸	شنغار، ۳۸
شجره کثیراء، ۲۳۳	شَطْرِیة، ۱۸۷، ۲۰۲	شَقایِِق النعمان، ۱۳۴، ۱۵۸، ۱۸۸	شنقار، ۳۸، ۱۹۰
شجره لا ولا، ۱۶۵	شَطِیْه (مغرب)، ۱۸۷	شَقَر، ۱۸۸	شَنقار، ۳۸
شجره مَحْلَب، ۱۱۲	شعاریر، ۲۴۴	شَقِر، ۱۸۸	شَنقال، ۳۸
شجره مريم، ۷۰، ۱۸۶	شعیر الارض، ۷۶	شَقِر، ۱۸۸	شَنکال، ۳۸
شجره مريم (اندلس)، ۵۷	شعر الجان، ۷۶، ۲۵۷	شَقِراض، ۱۸۸	شوال الحمار، ۱۳۳
شجره مريم (مصر)، ۴۱	شعر الجَبَّار، ۷۶، ۷۵	شق (مصر)، ۵۱	شوبر (اندلس)، ۹۱
شَح مال، ۱۵۵	شعر الجَبَّار، ۱۸۷	شَقو، ۱۸۸	شَوْحَط، ۳۳، ۲۰۰
	شعر الجبال، ۷۶	شَقوِاض، ۶۰	شوحط، ۱۳۹

شَوَخْط، ۱۹۰	شوکة العصیة، ۸۱	شَنِیب العَجُوز (اندلس و صارة (اندلس)، ۲۷۳
شورة (حجازی)، ۲۶۳	شوکة العُقرَب (حجاز)، ۱۱۴	صالبیة، ۱۹۴
شَوَز (حجازی)، ۱۹۱	شوکة العُقرَب (شام)، ۱۰۵	صباحی، ۹۶
شوع، ۱۱۱	شوکة العُلق، ۵۱	صبار، ۹۵
شوک، ۲۸۲	شوکة المصریة، ۱۹۱، ۷۲	صَبَّار، ۱۹۴
شوک الجمال، ۲۷۰، ۵۰	شوکة المِصریة، ۱۹۱	صبارا، ۱۹۵
شوک الجمل، ۱۱۴	شوکة المُنکرة، ۵۹	صَبَّارَه، ۱۹۵
شوک الجمل (مصر)، ۱۵۶	شوکة اليهودیة، ۱۹۱، ۲۳۶	صَبَّارَه (مغرب)، ۱۹۵
شوک الحمیر، ۲۲۵	شوکة حادة، ۶۱	صَبَّارَه، ۶۱
شوک الدراجین، ۱۴۸، ۱۱۴	شوکة رهاویة، ۱۰۹	صَبَّاری، ۱۹۴
شوک الدراجین، ۱۴۹	شوکة زرقاء، ۲۳۶	صبر، ۱۲۰، ۲۳۹
شوک الدراجین، ۱۴۹	شوکة شهباء، ۳۰۱	صبر، ۱۹۵
شوک الدَمَن، ۱۱۴	شوکة عربیة، ۱۸۹	صبر، ۱۹۵
شوک العُلق، ۵۱	شوکة مصریة، ۱۹۱، ۲۳۷	صبر خضرمی، ۱۹۵
شوک الفَاَزَه، ۲۸۷	شوکة مغیلة، ۱۸۷	صیب، ۱۹۵، ۲۸۷
شوک الفراء، ۲۲۵	شوکة متنته، ۲۱۹	صدی، ۹۶
شوک الفلک، ۱۱۴	شوکة مُتینة، ۱۹۹	صراخه (اندلس)، ۲۷۳
شوک القنَاد، ۳۰۱، ۲۵۱	شوکة منفته، ۱۹۹	صَراخَة (اندلس)، ۲۳۱
شوک المُفلفل، ۵۹	شوکة یهودیة، ۲۳۶	صراخه (اندلس)، ۲۷۳
شوک المُفلفل، ۱۰۵	شومر، ۷۸	صرم الدیک، ۱۴۶
شوک المُفلفل، ۱۹۲، ۲۳۶	شونیز القمح، ۱۴۵	صرو، ۱۹۱
شوکَران، ۱۹۱	شونیز بری، ۲۶۲	صَریمَة الجَدی، ۱۶۰، ۱۹۵
شوکران الحوت، ۲۷۷	شویعة (اندلس)، ۲۰۴	صَریمَة الجَدی (اندلس)، ۷۵
شوکه اعرابی، ۱۹۱	شوکیة ابراهیم (اندلس)، ۲۳۶	صرین غصلی، ۲۷۳
شوکه اعرابی، ۶۲	شوکیة ابراهیم (اندلس)، ۲۳۶	صَغَتر، ۱۹۵، ۲۷۹
شوکه قبطیة، ۱۷۴	شویلاء، ۷۶	صعتر البقر، ۱۹۵
شوکه مصریة، ۶۲	شُویلاء، ۱۲۳	صعتر الجوارى، ۱۹۵
شوکه ابراهیم (شام)، ۲۳۶	شَهْدانج، ۱۱۲	صعتر الحجازی، ۱۹۵
شوکه البیضاء، ۵۸، ۵۹، ۷۱	شهدانج، ۲۴۵	صعتر الحمیر (مغرب)، ۱۱۰
شوکه الجمال، ۲۰۶	شهدانج بری، ۱۳۷	صعتر الرمانی، ۱۹۵
شوکه الدهن، ۱۱۴	شهدیة، ۱۵۵	صعتر الرومی، ۵۹
شوکه الزرقاء، ۱۹۱، ۲۳۶	شَیان، ۴۲	صعتر الزيتون، ۱۹۵
شوکه الزرقاء (شام)، ۱۰۵	شَیان، ۱۴۶، ۲۱۵	صعتر العدس، ۱۰۵
شوکه السُوداء، ۱۹۱	شَیان القاطر، ۸۴، ۶۹	صعتر الغیاضی، ۱۹۵
شوکه السُوداء، ۲۳۶	شَیان (مغرب)، ۳۷	صَغَتر الفارسی، ۱۹۵
شوکه الشهباء، ۱۰۹، ۲۷۰	شیب الشجر، ۵۲	صعتر الفرس، ۱۰۵
شوکه العربیة، ۱۸۹	شیب العجوز (اندلس)، ۵۲	صعتر الفرس، ۱۰۵

صعتر القُرْس، ۱۹۶	صنوبر نر، ۴۴	ضمران، ۱۵۹	طرف، ۲۰۲
صعتر رومی، ۱۶۵	صنبن، ۱۹۷	ضمیران، ۱۹۸	طرفاء، ۴۴، ۱۷۰، ۲۰۲
صعتر (شام)، ۲۲۹	صواب، ۹۵	ضمیران، ۱۸۴	۲۲۰
صَعْتِرَه، ۱۹۵، ۱۱۸، ۵۵	صوب، ۹۶	ضموران، ۷۱، ۱۹۸، ۲۲۹	طَرْفَه، ۲۰۲
صغد، ۱۹۶	صوصله، ۱۹۷	ضموران، ۱۵۹	طرفة، ۲۰۲
صَفار، ۹۱	صوف الارض، ۲۲۴	طَبَار، ۹۶	طروج، ۵۲
صَفراء، ۱۹۶	صوف البحر، ۵۵، ۲۰۰	طبار، ۹۶	طروقون، ۷۶
صفصاف، ۵۰، ۷۲، ۱۳۶	صومران، ۱۹۸	طبار، ۹۶	طریفا، ۲۳۶
۲۹۰، ۲۲۰	صیاره (اندلس)، ۲۷۳	طباشیر، ۱۹۹	طَعْمَة الحَمراء، ۲۳۱
صفصاف البَنخی، ۱۸۹	صیدلانی، ۱۳۲	طباشیر هندی، ۱۹۹	طَعْمَة حَمراء، ۲۴۲
صَفیراء، ۵۴، ۶۳، ۸۲، ۲۵۹	صیصاء، ۱۲۶	طَباق، ۱۹۹، ۲۴۷	طَفی، ۲۸۳
صَفَیراء، ۱۹۶	ضابطة، ۱۳۴، ۲۵۷	طَباق (آفریقا)، ۲۱۹	طفیر، ۲۰۴
صفینه، ۳۹	ضابطة الجبلية، ۱۳۰	طَباقَة، ۳۷	طَقارَه، ۱۴۸
صقابس، ۲۳۳	ضال، ۱۶۸	طَباقَة الجبلية، ۶۲	طِلاء، ۲۰۳
صقار، ۹۱	ضباب البری (اندلس)، ۱۳۱	طَباقَة (اندلس)، ۱۹۹	طَلح، ۶۲، ۲۰۳
صَلوان (موصل)، ۱۹۶	ضبر، ۲۹۰	طبق، ۲۰۰	طلح، ۲۶۳، ۲۸۵
صِلْیان، ۱۹۶	ضجاج، ۱۹۷	طبله، ۲۰۵	طَلع، ۹۴، ۹۵
صَغعاء، ۹۱	ضربوان، ۱۹۸	طثیه، ۲۰۰	طلعه، ۲۴۸
صمغ الحشَف، ۱۱۴	ضرس العجوز، ۱۱۸	طُخْلَب، ۵۵، ۲۰۰، ۲۰۷	طلیطه، ۲۶۰
صمغ الدَمیثا، ۱۹۶	ضِرْع الکلب، ۱۶۳	طحلب بحری، ۲۰۰	طمره، ۲۰۳
صمغ العربی، ۱۹۱	ضِرْع الکلیه (یمن)، ۱۹۸	طحلب لیفی، ۲۰۰	طمطم، ۱۷۵
صمغ القتاد، ۲۵۱	ضرم، ۱۹۷	طحلب نهري، ۲۰۰	طنیه، ۲۲۲
صمغ عربی، ۲۳۷	ضُرم (مکه)، ۴۷	طحما، ۱۹۱	طواره، ۲۰۴
صمغ لَبلاب، ۱۷۳	ضرو، ۴۳، ۸۱، ۸۴، ۱۶۸	طَحْماء، ۲۰۰	طوب، ۱۱۴
صَناب، ۱۳۰، ۱۸۹	ضِرْو، ۱۹۸	طرائث، ۴۶، ۵۱، ۶۸، ۱۵۱	طوبه، ۴۶
صنابی، ۹۶	ضِرْو، ۲۸۲	۲۰۱، ۲۹۹	طوط، ۲۴۲
صناحیه، ۱۰۳	ضروان، ۱۹۸	طراغین آخر، ۲۰۱	طولَه، ۲۰۴
صنار، ۱۴۵	ضرو بستانی، ۸۱	طرثوث، ۲۰۱	طَهف، ۱۵۰
صندل ابیض، ۱۹۶	ضروع الکلبه (یمن)، ۱۹۸	طَرُوث، ۲۰۱	طی، ۲۰۴
صندل احمر، ۱۹۶	ضریع، ۱۸۴، ۲۰۰	طرثوث ابیض، ۲۰۱	طیار، ۲۹۳
صنط، ۲۳۷	ضَریع، ۱۹۸	طرج، ۱۴۸	طیب العرب، ۴۳
صَنَویر، ۱۱۳، ۱۹۶	ضریم، ۴۷	طَرَح النواتیه، ۲۰۲	طیب الغرب، ۴۳
صنوبر الارض، ۱۶۳، ۲۲۴	ضط (مصر)، ۵۷	طَرَح النواتیه، ۲۴۸	طین الأَخْضَر، ۱۱۳، ۲۱۱
۲۶۱	ضَعْو، ۱۹۸	طَرَحون، ۸۳، ۱۴۷، ۲۰۲	۲۹۲
صنوبر الصِغار، ۱۹۷	ضَغاییس، ۱۹۸	طَرَحون، ۲۰۲	ظفائر الجَن، ۲۵۷
صنوبر الکبیر، ۱۱۳	ضَغیوس، ۱۹۸	طرخون الرومی، ۲۰۵	ظَفَر الفرس، ۲۶۹
صنوبر الماء، ۱۱۰	ضفائر الجَن، ۷۵	طرطور الحاجب، ۱۱۳	ظَفَر اللَّط، ۲۰۵، ۲۴۴
صنوبر الهندی، ۱۴۹	ضفدعی، ۲۵۰	۱۲۷	ظفر القطة، ۲۰۵

عشبه كثير الاغصان، ۲۰۲	عرق الكافور (مصر و شام)، ۱۶۱	عُثم، ۱۶۶، ۲۰۶	ظفر النسر، ۲۰۵
عشبه مغربی، ۲۰۵		عثر، ۲۰۶	ظفراء، ۲۰۵
عُشْبِه مغربیه، ۲۰۹	عرق الكافور (مکه)، ۱۶۱	عُثْرَب، ۲۰۶	ظْفَرَة، ۲۰۵، ۲۸۱
عشبه مكرمه، ۷۰	عرق شجره هندی، ۱۹۹	عَثَق، ۲۰۶	ظْفَرَة الفرس، ۲۰۵
عشبه البرطال، ۱۱۹	عَرْقُصَاء، ۲۰۸	عُثْمَر، ۲۵۱	ظْفَرَة الفرس، ۲۶۹
عُشْبَة البَغْلَة، ۱۵۶	عرق (نجد)، ۹۵	عجب، ۲۹۲	ظفرة الفروج، ۱۱۶
عشبه البغلة، ۲۹۱	عروس، ۲۹۲	عجماء، ۲۰۷	ظفرة الهر، ۲۰۵
عشبه التيسية، ۶۵	عروس الماء، ۲۹۲	عدس، ۲۰۷	ظْفَرِیه، ۲۰۴
عشبه الثاليل، ۲۰۴	عروسة المجلية، ۲۹۲	عدس الماء، ۲۰۷، ۲۰۰	ظفیره، ۲۰۵
عشبه الحر، ۲۸۲	عروشية، ۸۳	عدس المأكول، ۲۰۷	ظْفَرَة العجوز، ۱۱۸
عشبه الحومل، ۱۲۲	عروق الاصف، ۲۵۰	عدس المُر، ۲۰۷	ظفيرة العجوز (قيران و
عشبه الخروف، ۸۰	عروق الزعفران، ۲۰۸	عدس نبطي، ۲۰۷	شام)، ۱۱۸
عُشْبَة السَّبَاع، ۲۰۹	عروق السوس، ۲۹۱	عَدَوَة، ۶۳	ظْفَرَة الفروج، ۱۱۷
عُشْبَة السباع (اندلس)، ۲۵۳	عروق الصباغين، ۲۰۸، ۲۳۰	عَدَيْسَة، ۲۰۷	ظِلَام، ۲۰۵
عشبه الصباغ، ۲۵۳	عروق الصفرة، ۱۲۷، ۱۶۳	عَذْبَة، ۲۰۲، ۴۰	ظَمَخ، ۲۰۵
عشبه الصحيحة، ۳۰۰	۲۰۸، ۲۱۶، ۲۵۵، ۲۷۶	عَذْبَة، ۵۷	ظَيَان، ۱۵۹
عُشْبَة الطحال، ۸۷، ۱۱۹	عروق بيض، ۲۸۱	عَذْبَة (مصر)، ۲۰۷	ظَيَان، ۲۰۵
۲۶۹، ۲۰۴	عروق خمر، ۲۲۸	عرار، ۵۷، ۳۴	عابدة الشمس، ۲۰۴
عُشْبَة الطيور، ۱۴۹	عروق داروموم، ۱۸۰	عَرَار، ۹۰	عاشق الشجر، ۲۶۶
عشبه العجول، ۲۰۱	عروق دار هرم، ۱۸۰	عرايس النيل، ۲۹۲	عاشق النبات، ۵۵
عشبه الفتوق، ۱۳۴	عزيز الصغير، ۲۰۹	عرايس النيل (مصر)، ۸۰	عاقد اللبن، ۲۱۹
عشبه القلب، ۲۹۸	عزيز الكبير، ۲۰۹	عَرِز، ۹۱	عافر شمعا، ۱۹۰
عشبه القوباء، ۶۷	عريض، ۱۵۲	عرب منشور (عراق)، ۱۴۰	عافر قَرَحَا، ۲۰۲
عُشْبَة الكلب، ۱۷۰	عزول، ۷۹	عرشنة (بيت المقدس)، ۲۲۱	عافر قرحا، ۲۰۵، ۲۰۲
عُشْبَة اللحم، ۹۵	عزيز الصغير، ۲۰۹	عرصف، ۲۰۷	عافر قرحا، ۲۵۵
عشبه المُسَلَّحَة، ۲۶۶	عزيز الكبير، ۲۰۹	عَرِصَم (يمنى)، ۲۰۷	عاقول، ۱۱۰، ۱۲۳، ۲۰۶
عشبه النار، ۱۵۹، ۲۰۵، ۲۶۶	عساليج، ۱۰۰، ۲۷۴	عرطب، ۱۱۸	عُجَب، ۲۴۹
عشبه النار (مغرب)، ۲۰۹	عساليج (اندلس)، ۲۷۴	عرطنيا (آفريقيا)، ۷۴	عُجَب الثعلب، ۲۱۴
عشبه النساء، ۶۵	عسل القصب، ۲۴۱	عرعار، ۳۹	عُجَب (مصر)، ۲۱۵
عشبه خير من الف (فاس)، ۸۸	عَسَل اللَّبْنِي، ۵۳	عرعر، ۳۹، ۱۴۷، ۱۷۰	عَبْرَت، ۱۷۵
عُشْبَة كُلِّ بَلَا، ۱۷۹	عسل اللبنی، ۲۸۶	عرعر، ۲۰۸	عبرى، ۱۶۸
عشبه كل بلاء (مغرب)، ۱۷۹	عسل الندى، ۱۱۰	عرف، ۲۰۸	عبر، ۱۸۰
عُشْر، ۱۳۱، ۲۰۹	عُشْنُج، ۷۵	عرفج، ۴۱، ۵۰، ۸۵	عبوثان، ۱۸۶، ۲۰۶
عُشْر، ۳۰۰	عسلج، ۲۲۱	عَرَفَج، ۸۵	عَبْهر، ۲۹۰
عشر الصبيان، ۲۱۰	عسل رومان، ۵۳	عرفج بری، ۲۰۸	عَبْهر (شام)، ۱۸۶
عُشْرَق، ۲۰۹	عسل لبنی، ۲۶۷، ۲۸۶	عرفج بری، ۲۹۵	عَبْهر (شام)، ۱۸۶
عُشْضَر الصبيان، ۱۹۱	عسيلي، ۹۶	عَرْقُط، ۲۰۸	عَبْهر (شام)، ۱۸۶

عشق الصبیان، ۲۱۰	عَظْمی، ۱۵۸	عَلَس (اندلس)، ۲۱۳	عنب الذیب (فاس)، ۲۱۴
عَشَقَه، ۱۲۱، ۲۶۶	عَفار، ۱۷۴، ۲۱۱	عَلَف، ۱۵۵	۲۴۹
عَشَقَه، ۲۱۰	عفار، ۲۷۸	عَلَقَه، ۲۶۳	عِنَب السَّقَف، ۳۷، ۱۵۵
عصا الراعی، ۳۷، ۱۱۰	عَفَص، ۱۷۹، ۲۱۱	عَلَقَم، ۳۵، ۱۲۶، ۱۸۷، ۲۱۳	عنب الطوال، ۵۳
۲۱۰، ۱۱۳	عَفَضِیج (عراق)، ۸۶	عَلَقَمَا، ۲۲۴	عِنَب الْکِلَاب، ۴۲، ۱۲۸
عصا الراعی، ۱۱۹، ۱۴۹	عَفِیون (فاس)، ۵۷	عَلَقَم (اندلس)، ۲۳۳	عنب خمری، ۲۱۴
۱۸۵، ۱۵۱	عقاب الجبل، ۱۶۶	عَلَقَم (حجاز)، ۲۷۴	عنبر، ۲۷۰
عصافیر السنبِل، ۱۷۷	عَقَاد، ۱۲۳	عَلَقَمَه، ۲۱۳	عَنْبُوب (فاس)، ۲۷۵
عصا هَرَمَس، ۱۲۱، ۱۳۶	عَقَار، ۲۱۲	عَلَك، ۱۵۲، ۲۸۲	عَنْدَم، ۱۴۶، ۲۱۵
۱۵۹، ۱۲۱	عَقَار هندی، ۲۸۳	عَلَك الْأَنْبَاط، ۸۱، ۲۲۵	عندم، ۲۱۰
عصب، ۲۹۱	عَقَر، ۱۴۵	عَلَك الْبَطْم، ۸۱	عَنْزَرُوت، ۶۶
عصب الحَرْفِج، ۲۴۲	عَقْرَبَان، ۱۰۶	عَلَك الروم، ۲۸۲	عَنْصَل، ۴۹، ۲۱۵
عُضْفَر، ۴۲، ۵۷، ۲۱۰	عَقْرَبَان (اندلس)، ۴۸	عَلَك رومی، ۲۸۲	عنصل، ۴۹، ۸۰، ۲۴۳
عُضْفَر، ۲۳۶	عَقْرَبی، ۵۹	عَلِیق، ۹۵، ۲۱۳	عنصلان، ۴۹
عُضْفَر الْبَری، ۲۱۰	عَقْرَمَان (اندلس)، ۴۹	عَلِیق، ۲۱۳، ۲۱۷	عَنْصَلَان، ۴۹، ۲۱۵
عصفَر بری، ۷۱، ۷۲، ۱۵۳	عَقَقَه، ۲۷۱	عَلِیق الْکَلْب، ۱۸۷، ۲۱۳	عَنْصُوه، ۱۴۵
۱۵۷	عَقْفَرِیة (لبنان)، ۱۴۴	۲۹۴	عَنْق الْحِیة، ۲۷۳
عصفور البری، ۷۲	عَقْفِیَاء، ۲۱۲	عَلِیق (اندلس و مغرب)، ۲۱۳	عنقر، ۳۴، ۲۷۹
عصی الدب (اندلس)، ۲۴۲	عَكْبَة (مصر)، ۱۷۹	۲۱۳	عَنْقَر، ۷۵
عصی الراعی، ۶۴، ۷۶	عَكْر، ۲۵۰	عَمَلِج، ۸۱	عَنْقَر، ۲۷۹
۱۵۱، ۱۵۷، ۲۲۰، ۲۴۱	عَكْرَب، ۲۱۲	عَمَلُول، ۲۴۵	عَنْقَر، ۵۹، ۲۷۹
۲۸۱، ۲۹۹	عَكْرَش، ۹۹، ۲۱۲	عَمُون، ۲۰۸	عنقر، ۱۱۳
عَصَى الراعی، ۲۱۰	عَكْرَش، ۹۹، ۱۵۳	عَنْاب، ۱۶۸، ۲۱۳	عَنْقَر، ۲۷۹
عصیر الدب، ۲۴۲	عَكْرَشَه، ۲۰۰	عَنْاب الْاَبِیض، ۳۵	عَقود، ۶۱
عصیر الدب (اندلس)، ۲۳۱	عَكْنَة (مصر)، ۱۷۹، ۲۱۲	عَنْاب الْاَبِیض، ۲۱۳	عَنْقود، ۲۱۵
عصیر الدب (اندلس)، ۲۴۲	۲۷۰	عَنْب، ۵۳، ۲۱۴	عنم، ۱۹۱
عُصْفَرَة، ۲۱۱	عَكُوب، ۱۱۴	عَنْب، ۲۱۷	عَم (شام)، ۸۷
عِضَاه، ۲۰۹	عَكُوب، ۱۱۴	عَنْب الثَّغْلَب، ۱۵۴، ۲۱۴	عود، ۲۱۶
عَضْرَس، ۱۲۹، ۲۱۱	عَكُوب، ۱۱۴	۲۱۵، ۲۴۹	عود الاراک، ۲۳۳
عطارد، ۱۷۸	عَكُوب الْفَارَسِی، ۱۱۴	عَنْب الثَّغْلَب الْبِستَانِی، ۲۴۹	عود البخور، ۵۴
عُطَاس، ۲۱۶	عَكِیْفِیة، ۵۹	عَنْب الثَّغْلَب (فاس)، ۲۴۹	عود البرق، ۱۴۱
عطب، ۲۴۲	عَلَام، ۱۲۵	عَنْب الثَّغْلَب مَخِین، ۲۱۴	عود البلسان، ۸۶
عُطْشَان، ۱۱۴، ۱۳۳، ۱۴۸	عَلَام، ۲۵۴	عَنْب الْحِیة، ۲۹۸	عود البندق، ۷۶
۱۴۹، ۲۶۳	عَلث، ۲۱۲	عَنْب الْحِیة، ۲۱۵	عود الحمیر (مغرب)، ۲۲۳
عُظْل، ۱۹۸	عَلِج، ۲۰۷	عَنْب الدب، ۲۱۵	عود الْحِیة، ۲۱۶
عُظْلَم، ۲۱۱، ۲۹۲	عَلِجَان (آفریقا)، ۲۱۲	عَنْب الدب، ۲۱۹	عود الْحِیة، ۲۲۲
عُظْلَم، ۲۹۲	عَلِجَان (آفریقا)، ۲۳۸	عَنْب الذَّئْب (اندلس)، ۲۱۴	عود الرَقَّة، ۶۵
عُظْلَم، ۲۹۲	عَلَس، ۲۱۳، ۲۶۳	عَنْب الذَّیْب، ۱۳۷	عود الریح، ۲۲۳، ۲۷۲

عود الريح المغربی، ۱۲۰	عَین البقر، ۴۹، ۹۰، ۹۱	عَرَب، ۵۰، ۲۲۰	فاخر، ۹۶
عود الريح (اندلس)، ۲۷۲	۲۱۷	عَرَب، ۹۷، ۲۲۰، ۲۸۰	فاخور، ۲۲۱
عود الريح (دمشق و مصر)، ۳۵	عَین البَقَر، ۲۱۷	غرب، ۱۸۹	فارس العود، ۱۰۹
عود الريح (شام)، ۲۱۶	عين البقر (مغرب)، ۲۱۷	عَرَد، ۲۶۰	فارس الماء، ۱۷۱
عود الشرح، ۱۳۷	عين البقر (مغرب و اندلس)، ۴۱	غردان، ۲۶۰	فارق، ۹۶
عود السوس، ۳۳	عين الثور، ۹۰	عَرَز، ۲۲۰	فاشرا، ۲۲۲
عود الصليب، ۲۹۵، ۲۲۳	عَین الخضر، ۱۱۳	غرغال، ۶۰	فاشرا، ۲۲۲
عود العطاس، ۱۷۲، ۲۱۶	عَین الديک، ۲۱۷	غرغتیة (اندلس)، ۲۷۳	فاغیر، ۲۲۲
۲۶۳	عين الديكة، ۲۱۷	عَرَقَد، ۲۱۷، ۲۲۰	فاغرة الهندیه، ۲۹۶
عود الفالوج، ۱۹۰	عين العجل، ۹۰، ۲۱۷	غرقد، ۲۲۰	فاغوس، ۱۹۳
عود الفرج، ۲۰۵	عين العجل (شام)، ۹۰	غرناطة (بيت المقدس)، ۱۴۶	فاغوش، ۱۹۳
عود القروح، ۲۱۶	عين الهمهد (آفريقا)، ۳۴	غری، ۵۱	فاغیه، ۱۲۵
عود القسینة (مصر)، ۱۹۶	عين الهمهد (آفريقا)، ۲۱۸	غری الاساکفه، ۱۳۸	فافیر، ۷۵
عُود الکلب، ۱۳۸	عَینون، ۲۱۸، ۲۵۲	غریر، ۲۲۰	فاقیر (مصر)، ۷۵
عود النسر، ۲۱۶	عیون البقر، ۴۱	عَرَزَاء، ۱۴۸، ۲۲۰	فاناقس کبیر، ۱۰۰
عود الوج، ۲۱۶، ۲۹۳	غار، ۱۴۸، ۱۵۹، ۲۱۸	غریراء، ۲۲۰	فَاسِی، ۶۶
عود الیسر، ۲۱۶	غار الاسکندری، ۱۴۹	غزل الماء، ۲۰۰	فباله، ۲۷۳
عود انجوح، ۲۱۶	غار (شام)، ۱۵۹	غَسَلَج، ۲۲۱	فَنائل الرُهْبَان، ۲۲۳
عود بری، ۷۶	غاسول، ۳۹، ۵۲، ۱۲۳	غسله، ۲۱۸	فَت، ۱۲۹
عود رطب، ۲۱۶	غاسول رومی، ۳۹	غسلین، ۱۲۳	فُجَل، ۲۲۳، ۲۲۴
عود رنج، ۳۵	غافت، ۱۲۰، ۱۹۹، ۲۱۹	غسول، ۴۳، ۱۲۹	فُجَل، ۲۶۶
عود هندی، ۱۷۹، ۲۱۶	غافت الشاهدانجی، ۲۱۹	غشاة، ۳۷	فجل الصغیر، ۲۷۴
عود ینجوح، ۲۱۶	غافت، ۱۹۹، ۲۱۹	غَصَف، ۲۲۱	فُجَل الماء (مغرب)، ۲۳۵
عَورة الارض، ۹۲	غافت (فاس)، ۲۱۹	غِلالة (اندلس)، ۱۴۴	فجل باعشقی، ۲۲۴
عَوسَج، ۶۱، ۲۱۳، ۲۱۷	غالبه، ۲۴۹	غلبی، ۱۶۳	فجل بری، ۵۷، ۱۰۲، ۲۲۳
۳۰۱، ۲۸۲، ۲۲۰	غالبه (اندلس)، ۲۱۴	غَلْتان، ۵۱	۲۲۴
عوسج الاحمر، ۱۶۲	غالبه (قرطبه)، ۱۱۳	غَلْتان، ۱۴۲	فجل رخامی، ۲۲۳
عوسج الاسود، ۶۱	غباریه، ۲۱۹	غلغلون، ۲۶۰	فجل شامی، ۲۲۴
عوسج الأشود، ۱۲۰	غبراء، ۱۹۴	غللقا، ۲۲۱	فِجن، ۶۲
عوسج أسود، ۱۰۵	عُتیرا، ۱۹۴، ۲۱۹	عَلَقَة، ۲۲۱	فُجَن، ۷۴
عوسجة، ۲۲۰	عُتيرة الأیل، ۲۸۱	عَلَقی، ۲۲۱	فَخْداء، ۵۹
عیاشیه، ۱۵۷	عَدَر، ۲۳۰	غملول، ۲۴۵	فَخْد، ۵۹
عیثام، ۱۴۵، ۲۱۷	غدو، ۷۲	عَمْلول، ۲۴۵	فَراسیون، ۸۷، ۹۵، ۱۷۹
عید، ۲۱۷	غرایه، ۲۸۲	غنزروت، ۶۶	۲۵۲، ۲۲۴
عیسوب، ۳۴	غرانیق، ۶۷	غوشنه، ۲۳۰، ۲۶۰	فَراسیون الابيض، ۲۲۴
عیسوب، ۲۷۹	غراء، ۱۴۸	عَولان، ۱۲۳	فَراسیون سیاه، ۲۲۴
عَین الأخضر، ۲۱۱، ۲۹۲	غَرَاء، ۲۲۰	عَیْطَل، ۲۲۹	فراط، ۹۶

فربون، ۳۷	فقاح السورنجان، ۵۳	فم الطائر، ۱۲۹	فوه الصباغین، ۲۰۸، ۲۳۰
فَرْج الأَرْض، ۱۸۰	فقاح الکرم، ۲۵۵	فم قریش، ۱۹۷، ۲۴۱	فوه الصبغ، ۲۳۰
فرصاد، ۹۵	فَقْد، ۴۱	فمل قریش، ۱۹۷	فوهق، ۲۴۵
فرصاد (بصره)، ۹۵	فُقْع، ۲۲۶	فَنّا، ۲۱۴	فوة البرانية، ۸۶
فرغخ، ۸۲، ۲۶۶	فَقْع، ۲۲۷	فنجین، ۸۸	فَوْنَلَه، ۲۷۳
فرغخ البری، ۸۲	فَقُوس، ۲۲۷	فندق هندی، ۵۲	فیثمون (فاس)، ۵۵
فَرْفیر، ۸۳	فَقُوس الحمیر، ۲۳۳	فواحش، ۹۲	فیجن، ۱۶۷
فرغیر، ۸۹	فَقُوس (مغرب)، ۲۳۳	فوتنج، ۱۱۰، ۲۲۹	فیلجوش، ۲۳۰
فرغین، ۸۲	فقیض، ۱۸۳	فوتنج البری، ۱۰۵	فیل جوش، ۲۷۳
فَرْفِیون، ۲۲۴	فل، ۲۲۷	فوتنج بستانی، ۱۲۲	فیلزهرج، ۵۸، ۱۲۰، ۲۳۱
فَرْجَمَشک، ۲۲۵	فلاح، ۲۳۲	فوتنج نهري، ۲۲۹	فیهق (اندلس)، ۶۴
فرو الحمام، ۱۰۷	فُلُل، ۴۶، ۲۲۷	فودنج، ۱۹۵	قابضه، ۱۳۴
فریقا، ۲۷۱	فلفل، ۲۲۸	فودنج، ۲۲۹	قَابْطِیرَة، ۲۸۰
فریقه (شام)، ۱۲۰	فلفل ابیض، ۴۶	فودنج البری، ۸۳	قاتل ابنه، ۵۷
فزع اللبوء، ۱۵۱	فلفل ابیض، ۲۲۷	فودنج التیس، ۲۲۹	قاتل ابیه، ۷۵، ۱۰۶، ۲۱۱، ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۴۲
فُسْتَق، ۱۱۳، ۲۲۵	فلفل اسود، ۲۲۷	فودنج بری، ۲۸۱	قاتل اخیه، ۱۳۵
فستق البادیه، ۱۱۱	فلفل الابیض، ۱۱۲	فودنج بستانی، ۲۸۱	قاتل الحمیر، ۱۴۵
فُسْتَق المصری، ۱۰۹	فلفل الابیض، ۴۶	فودنج جبلی، ۱۱۳	قاتل الدب، ۲۳۱
فستق الهاویه، ۱۱۱	فُلُل الابیض، ۱۴۲	فودنج نهري، ۲۲۹	قاتل الذئب، ۴۲، ۱۲۸
فسله، ۵۱	فلفل الأخوص، ۲۷۶	فودنج، ۲۸۰	قاتل العلق، ۲۳۱
فَسَوَة الضبع، ۹۳، ۲۲۶	فلفل الأسود، ۷۰	فودنجات، ۸۳	قاتل الکلب، ۴۲، ۱۲۸، ۲۳۱
فَسْر، ۳۰۱	فلفل الخواص، ۲۷۶	فودنج البری، ۲۰۵	قاتل النحل، ۲۳۲، ۲۹۲
فشاع، ۱۶۰، ۱۹۵، ۲۲۶	فلفل السودان، ۲۲۸، ۲۸۹	فودنج البستانی، ۲۲۱	قاتل النمر، ۱۲۸
فَشال، ۷۲، ۲۰۱	فلفل السودان (اندلس و مغرب)، ۱۶۳	فودنج التیس، ۲۸۱	قاتل نفسه، ۵۵، ۲۳۲
فشغ، ۲۲۶	فلفل الصقالیه، ۴۱	فودنج نهري، ۱۱۳	قارج، ۵۰، ۱۴۸
فشک، ۹۶	فُلُل الصَّقَالِیَه (اندلس)، ۴۱	فوفل، ۵۴، ۲۴۸	قارة، ۶۰، ۲۳۲، ۲۸۰
فصفصة، ۱۵۲، ۱۵۵، ۲۴۱	فلفل الصقالیه، ۲۲۸	فَوَقْل، ۲۳۰	قارة (اندلس)، ۱۷۱
فِصْفِصَة، ۱۵۶، ۲۹۱	فلفل القروء، ۲۵۱	فَوَقْل، ۲۳۰	قارة (اندلس)، ۱۷۱
فصل مأکول، ۸۵	فلفل الماء، ۲۲۸، ۲۵۴	فول الحمام، ۱۰۱	قاطر (صیادله)، ۱۴۶
فضل الجوارى، ۸۰	فلفل بری، ۴۱	فول الحَمَام، ۲۴۶	قَاقْلَه، ۲۳۲
فَضِیَة، ۶۰، ۲۲۶	فلفله، ۲۵۷	فول الخنزیر، ۱۲۸، ۲۷۱	قَاقْلَه، ۲۳۲، ۲۳۵
فضیة، ۱۱۹	فلنجمشک، ۸۳، ۲۲۵	فول الشعال، ۲۴۸	قَاقْلَه الصغار، ۷۰
فضیة، ۲۲۶	فلنجة، ۱۶۱، ۲۴۹	فول المجوسی، ۲۷۳	قَاقْلَه صغار، ۲۹۶
فَطْر، ۱۷۳	فلوس، ۲۷۷	فول (قبطى و مصری)، ۷۳	قَاقْلَه صغیر، ۲۹۶
فَطْر، ۲۰۱	فلومس صغیر، ۶۰	فوم، ۱۲۶	قَاقْلِی، ۱۵۵
فطر، ۲۱۸، ۲۳۰، ۲۵۸	فُلِفَلَة، ۲۴۸، ۲۹۶	فَوّه، ۲۳۰	قالیقیا (شام)، ۱۹۳
فَطْر، ۲۲۱، ۲۲۶	فُلِیَه (مصر)، ۲۲۹	فوه الصباغان، ۲۳۰	قُبَار، ۲۵۰
فَطْر، ۲۲۶			



قَبَاة، ۱۴۷	قراصیا (مغرب و اندلس)، ۱۱۳	قرع الیابس، ۱۴۲	قَزَاح، ۲۱۲
قَبی، ۹۶	قربان، ۱۳۹	قرغار، ۴۶	قُزَاح، ۲۳۸
قُبَیْط، ۲۸۹	قربض، ۶۵	قرفا، ۵۷	قُس، ۲۳۹
قُبَیْطَاء، ۲۸۹	قَزَج، ۱۴۸	قِرْفَه، ۱۴۱	قَسا، ۲۳۹
قبیطة، ۲۸۹، ۱۹۱	قَرْدَب الاسود، ۲۵۹	قِرْفَه، ۱۰۷، ۲۳۸	قَسا الحمار، ۱۹۴
قَت، ۱۲۲، ۱۵۶	قرشی، ۹۶	قِرْفَه القَرْنفل، ۱۴۱	قَس الکلاب (مصر)، ۲۱۹
قَت، ۲۹۱	قَرصعنه، ۴۷، ۸۴، ۱۰۵	قَرْقاز (فاس)، ۲۴۳	قَسَب، ۹۵
قَتاد، ۱۸۹، ۲۳۳، ۲۵۱، ۲۹۲	۱۵۸، ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۶۱	قَزَم، ۲۳۸	قَسَب، ۹۵، ۲۳۹
قَتاد الأعظم، ۲۳۳	۲۹۶	قَرمامومن، ۲۳۵	قُسْط، ۲۳۹
قَتاد الصغیر، ۵۹	قَرَضَعَنه، ۲۳۶	قَزَل، ۱۲۳	قُسْط الرومی، ۱۵۳
قَت البر، ۲۹۱	قَرصعنه جبلی، ۲۳۶	قَرْن الأیل (اندلس)، ۲۳۵	قُسْط بحری، ۲۳۹
قَتد، ۲۳۴	قَرصعنه مسدس، ۲۳۶	قَرْن البحر، ۲۶۴	قُسْط رومی، ۱۵۳
قَتاد، ۲۳۳	قَرصعنه الزرقاء، ۱۹۱	قَرْنباد، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۶	قُسْط شامی، ۱۵۳
قَتاء، ۱۴۰، ۲۳۳	قَرصونه، ۲۳۶	قُرْئیی، ۱۰۵	قُسْط عربی، ۲۳۹
قَتاء البری، ۲۳۳	قرط، ۱۳۲	قُرْئَج (اندلس)، ۵۹	قَسْطَل، ۸۶
قَتاء البری الهندی، ۸۵	قُرْط، ۲۳۶	قَرْنساء، ۶۷	قِسْطَلَة صغیره، ۸۰، ۱۸۰
قَتاء البستانی، ۲۳۳	قرطم، ۱۱۳، ۲۱۰	قَرْنفاد، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۶	قَسْط مر، ۲۳۹
قَتاء الحمار، ۱۹۴، ۲۳۳	قُرْطَم، ۱۴۲	قَرْنفل، ۲۳۸	قَسْط هندی، ۲۳۹
قَتاء الحمار، ۲۱۳، ۲۵۳	قُرْطَم، ۱۶۳	قَرْنفل الارض، ۲۹۱	قَسوس، ۱۱۳، ۱۴۳، ۲۶۵
قَتاء الحمیر، ۲۳۳	قُرْطَم، ۲۳۶	قَرْنفل بستانی، ۲۲۵	قَسوس، ۲۴۰
قَتاء الحیة، ۲۳۴	قِرْطَم، ۲۳۶	قَرْنفل جبلی، ۴۶	قَسیاس، ۷۴
قَتاء العظم، ۱۲۶	قَرطمان، ۱۲۶، ۱۳۱، ۲۶۳	قَرْنفل شامی، ۲۳۸	قَسی (اندلس)، ۲۰۰
قَتاء الکبر، ۲۵۳	قُرْطمان، ۲۳۷	قَرْنفلیه (اندلس)، ۱۶۵	قَش، ۲۴۰
قَتاء النعام، ۱۲۶	قَرطمانا، ۲۵۶، ۲۳۵	قَرْنفلیه (مغرب)، ۲۳۸	قَشاء، ۱۷۴
قَتاء الهندی، ۱۴۰	قُرْطَم بری، ۱۵۸	قَرْنفل، ۲۳۸	قَشَبَة (حجازی)، ۲۴۰
قَتد، ۲۳۴	قُرْطَم بری، ۲۳۶	قَرْنفل السنبِل، ۲۳۸	قَشَعْر (یمن)، ۲۳۳
قَتد، ۲۳۴ (حجاز)	قُرْطَم، ۲۱۰	قُرْة العین، ۱۰۳، ۱۸۲، ۲۳۵	قَشْف، ۲۱۱
قَتل، ۲۳۴	قُرْطَم هسک، ۲۱۰	۲۵۸	قُصاص، ۱۳۷، ۲۴۰
قَتی، ۲۳۴	قُرْطَم هندی، ۲۳۷، ۲۹۲	قَرینا، ۱۲۶	قَصَب، ۳۷، ۱۵۵
قَجْلال، ۹۶	قُرْطی، ۹۶	قُرَیص، ۶۵	قَصَب، ۲۴۰
قَداح، ۱۵۵	قُرْط، ۵۷، ۲۳۷	قُرَیص، ۶۵	قَصَب البردی، ۷۲
قَدح مریم، ۲۳۴	قَرْط، ۱۳۲، ۱۹۱	قُرَیص، ۱۱۰، ۶۵	قَصَب الذَریره، ۲۴۰
قَرّاح، ۲۱۳	قَرْط، ۲۳۷	قُرَیص، ۲۵۵	قَصَب الذَریره، ۲۴۴
قَرادیه، ۱۱۴	قَرع، ۱۴۲، ۱۵۴	قُرَیصه، ۲۲۲	قَصَب الذهبی (اندلس)، ۲۷۲
قَراسیا (دمشق)، ۲۳۴	قَرع، ۲۳۷	قُرَیصه الکَثان، ۲۵۸	قَصَب الذیره، ۲۴۰
قُرّاص، ۵۷، ۲۳۴	قَرع، ۲۳۷	قُرَیصه الکَثان (اندلس)، ۱۶۷	قَصَب الریح (اندلس)، ۲۷۲
قَراسیا البعلبکیه (اهالی)	قَرع المُر، ۲۳۷	قُرَیصه (اندلسی)، ۵۵	قَصَب الریح (فاس)، ۲۴۰
صَقْلِبَه، ۲۳۴			

قَصَب السُّكَّر، ۲۴۱	قُطْلَب (شام)، ۲۴۲	قِلْقَالَ، ۴۵	قُنْب بری، ۱۱۲
قَصَب الصَّيْن، ۱۴۱	قُطْن، ۱۳۱، ۲۴۲	قِلْقَل، ۱۱۲	قَنْب (مغرب)، ۲۴۵
قَصَب بری، ۱۴۷	قُطْن، ۱۵۲، ۲۲۶	قِلْقَلان، ۱۱۲	قَنْب هندی، ۲۴۵
قَصَب بوا، ۲۴۰	قُطْن، ۲۴۲	قَلْلَجَة، ۳۹	قُنْبِيط، ۲۵۶
قَصَب جبلی، ۱۴۷	قُطُونا، ۷۸	قَلْماس، ۲۴۱	قُنْبِيط، ۲۵۶
قَصَب شوی، ۳۴	قُطْطِيطْن، ۲۶۹	قُلُوب الدَّحِج، ۴۱	قُنْبِيط الذَّكْر، ۲۵۶
قَصْبَة، ۱۴۸، ۹۹	قُطِيفَه، ۲۴۲	قُلُوب النِّعَام، ۵۴	قَنْبِل، ۲۴۴
قَصْبی، ۲۱۲	قُعْبَل، ۲۴۳	قَلْنی، ۱۲۳	قُدَس، ۲۶۳
قَصْد، ۲۱۷	قُعْفُور، ۸۰	قَلْی، ۲۴۴	قَدُول، ۱۰۹
قَصْری، ۹۶	قَعْنَب، ۸۰	قَلِیه (مصر)، ۲۲۹	قَنْطُورِین غلیظ، ۲۴۶
قَصْعَة، ۲۶۶	قُعْنَب، ۲۴۳	قَماشیر، ۲۶۰	قَنْطُورِیون، ۲۴۵
قَصْعَة الحَمِیر، ۲۶۶	قُعْنَب، ۲۴۳	قَمَح، ۱۲۶	قَنْطُورِیون الأصْفَر، ۳۶
قَصْم، ۲۴۲	قُف، ۲۲۰	قَمَح، ۱۲۶، ۱۶۴، ۱۹۴	قَنْطُورِیون الجَلِیل، ۲۴۶
قَصَة الحَیَة (مغرب)، ۲۴۶	قِف (دمشق و شام)، ۳۶	قَمَح البری، ۴۲	قَنْطُورِیون الدَّقِیق (اندلس)، ۲۴۶
قَصی، ۹۶	قُفَر، ۲۸۳	قَمَح الحَجَل، ۱۲۶	قَنْطُورِیون دَقِیق، ۲۰۹، ۲۴۶
قَصِیص، ۴۲	قُفَر الیهُود، ۵۰، ۱۲۴	قَمَح السُّودان، ۱۰۰	قَنْطُورِیون صَغِیر، ۲۴۵
قَصِیصه، ۹۶	قُقْعاء، ۲۵۲	قَمَح الشَّیطان، ۱۲۶	قَنْطُورِیون غَلِیظ، ۲۰۹
قَصِیم، ۲۴۲	قُفَل، ۸۲	قَمَح الصَّقَالِیه، ۱۲۶	قَنْطُورِیون کَبِیر، ۲۴۵
قُضاب مصری (مصر)، ۲۴۱	قُفُور، ۲۴۳	قَمَح جبلی، ۱۰۳	قَنْغْذی، ۱۱۸
قُضام، ۱۲۳	قُقُل، ۸۲	قَمَح ماناه، ۱۲۶	قَه، ۷۲، ۲۶۱
قُضْب، ۵۸، ۱۵۶، ۲۴۱	قُلَاظی، ۹۶	قُمْنَحَة، ۲۴۱	قَه، ۲۴۶
۲۹۱	قُلاقل، ۱۱۲	قُمر، ۵۹	قَه، ۷۲
قُضبانان، ۱۱۶	قُلَاقَلی، ۴۵	قُمرُون، ۱۴۳	قَه، ۲۵۹
قُضْم قَرِیش، ۱۳۲، ۱۹۶	قُلال، ۷۹	قُمرَة، ۵۹	قَه (اندلس)، ۱۱۲
۲۴۱	قُلَام، ۱۲۳، ۱۸۲	قُمْلُول، ۲۴۵	قَه (اندلس)، ۱۱۲
قُطْب، ۱۱۸	قُلَام، ۲۴۳	قُمْلِین، ۱۲۳	قَوِیع، ۱۱۴
قُطران، ۲۰۳، ۳۹	قُلَام، ۲۵۴	قُمْنِله (شام)، ۱۱۸، ۱۴۸	قوت البریه (صیدلانیه)، ۸۶
قُطران، ۱۸۷	قُلَام کَرمان، ۲۳۲	قُنَابَری، ۲۴۵	قوز، ۲۴۲
قُطَف، ۱۷۰، ۸۴، ۱۱۹	قُلْب، ۲۴۳	قُنابری (شام)، ۴۸	قوسِیَّه، ۲۴۶
قُطَف، ۲۴۱	قُلْب الْأَرْض، ۱۸۰	قُنَاد (مغرب)، ۲۱۴	قَوْلِیَّه، ۲۰۷
قُطَف بحری، ۲۴۲، ۲۷۱	قُلْب النِّخْل، ۹۵	قُناریه، ۱۱۴	قَوْلِیَّه (اندلس)، ۱۷۱
۲۸۴	قُلِیخ، ۲۲۱	قُناریه (اندلس)، ۱۱۴	قَوْلِیَّه، ۱۲۲
قُطَف بری، ۱۳۹	قُلْت، ۱۱۲	قُناریه بری، ۱۱۴	قومسی، ۲۰۱
قُطَف (مغرب)، ۱۷۰	قُلْت، ۱۱۲	قُناریه (مغرب)، ۱۱۴	قونیز الأصْغَر، ۱۹۹
قُطْلَب، ۱۲۲	قُلْت، ۱۱۲	قُنَا صَغِیر، ۲۴۴	قِیاصم، ۱۴۹، ۲۵۸
قُطْلَب، ۱۲۳	قُلْثمان، ۲۲۵	قُنَا (مصر)، ۵۱	قِیخوریون قارذَنون، ۶۳
قُطْلَب، ۱۸۶	قُلْثاس، ۲۴۳	قُنْب، ۱۱۲، ۲۴۵	قِیروان (آفریقا)، ۲۴۳
قُطْلَب، ۲۳۱، ۲۴۲	قُلْثاص، ۹۴	قُنْب، ۲۴۵	قِیسوم، ۷۶، ۲۴۷

کریزه الحمام، ۱۸۳	کثیرة الاضلاع، ۲۶۹	کاؤل، ۸۰	قیصوم، ۵۵، ۶۱، ۶۲، ۷۶
کریزه البشر، ۷۶، ۲۰۳	کحلا، ۳۸	کأس، ۲۴۷	۱۵۹، ۱۸۳، ۲۴۷
کُرْبُزَةُ البیر، ۱۱۹	کحل السودان، ۹۴	کَبْ، ۲۵۰	قَصُوم، ۷۷، ۲۸۱
کریزه الحمام، ۱۸۳	کَحْلَاء، ۲۵۲، ۲۶۹	کَبَابَه، ۲۴۹	قَصُوم، ۲۴۷
کرسف، ۲۴۲	کحلاء الجبلی، ۲۵۲	کبابه، ۲۵۰	قیصوم الصغیر، ۲۸۲
کرسنه، ۱۵۶	کُحْل خولان، ۱۲۰	کَبَابَه، ۲۳۸	قیعرن، ۱۴۸
کَرْسَنَه، ۲۵۳	کُحْل فارس، ۶۶	کبابه (عراق)، ۲۴۹	قَيْقَب، ۱۰۶، ۲۸۶
کرسنی، ۱۲۴، ۲۹۱	کحل فارسی، ۶۶	کبابه هندی، ۲۴۹	قیقبان (اندلس)، ۱۰۶
کَرش، ۲۵۳	کحل کرمانی، ۶۶	کَبَاث، ۴۳	قیلعی (شام)، ۲۸۶
کرفس، ۱۰۲، ۲۰۲	کحلوان، ۱۵۳، ۶۷	کیاث، ۲۴۹	کاذی، ۲۴۸، ۲۶۰
کَرْفَس، ۲۵۳	کُحْلوان، ۲۱۸	کَبَار، ۲۵۰	کاسات، ۲۴۷
کرفس الاجامی، ۲۵۴	کُحْلَاء، ۱۹۰، ۲۱۸، ۲۵۲	کیاء، ۲۱۶	کاسر الحجر، ۱۱۲، ۲۴۳
کرفس البستانی، ۲۵۴	کدر، ۲۴۸	کبر، ۱۱۴، ۲۱۵، ۲۵۰	کاسنی بری، ۱۳۹
کرفس الجبلی، ۲۵۴	کراث، ۸۰، ۲۶۴	کَبَر، ۲۵۰	کاشم، ۶۵، ۲۰۴، ۲۵۳
کرفس الریفی، ۲۵۴	کُراث، ۲۵۲	کبرالرومی، ۴۹	کاشم، ۲۴۸
کرفس الشنوی، ۲۵۳	کراث، ۲۵۲، ۲۵۳	کَبَه، ۲۵۰	کاشم الریفی، ۲۴۸
کرفس الصخری، ۲۵۳، ۲۵۴	کراث الثومی، ۸۰	کَبِیکَج، ۲۵۰	کاشم الصغیر، ۲۰۲
	کراث الجبل، ۲۵۲	کتان، ۱۵۲، ۲۴۳، ۲۷۷	کاشم الکبیر، ۱۵۵
کرفس العریض، ۲۵۳	کراث الجبلی، ۸۰	کِتَان، ۲۵۰	کاشم رومی، ۱۶۷
کرفس العظیم، ۲۵۳، ۲۵۴	کراث الجلیقی، ۸۰	کِتَان، ۲۵۰	کاشم رومی، ۲۴۸
کرفس الماء، ۲۳۵	کراث الروم، ۸۰، ۱۵۳	کِتَان، ۲۵۸	کاش (مصر)، ۵۷
کرفس المجوسی، ۲۵۴	کراث الریفی، ۸۰	کِتَان الماء، ۵۵	کاشم صغیر، ۲۴۸
کرفس المرّ، ۲۵۴	کُراث الشامی، ۸۰، ۲۵۲	کتم، ۹۳	کاشم صینی، ۲۴۸
کرفس المشرقی، ۲۵۳	کُراث الصخر، ۲۵۲	کَتَم، ۲۵۱	کاشم کبیر، ۱۴۸
کرفس النبطی، ۲۵۳	کُراث الکرم، ۲۵۲	کَتِین، ۲۵۱	کافور، ۲۴۸
کرفس بری، ۱۷۶، ۲۵۰	کراث الکَرَمی، ۲۵۲	کُثَا، ۱۰۲	کافوری، ۵۷، ۲۹۰
کرفس بستانی، ۲۵۴	کراث المائدة، ۲۵۲	کُثَاءَه، ۱۰۲	کافوریه (آفریقا)، ۵۷
کرفس جبلی، ۲۵۳	کراث اندلسی، ۸۰	کثیر الأرجل، ۷۹	کافوریه (مغرب)، ۱۸۶
کرفس صخری، ۲۲۷	کراث بری، ۴۸، ۲۰۴	کثیر الأضلاع، ۲۶۹	کاکنج، ۱۴۷، ۲۱۴
کرفس عظیم، ۲۲۸	کُراث بری، ۲۵۲	کثیر الرکب، ۱۸۹	کاکنج، ۲۴۹
کرفس مائی، ۲۵۴	کراث جبلی، ۲۲۴	کثیر الرُکب، ۲۵۲	کاکنج المرجی، ۱۰۷
کرفس مشرقی، ۲۵۳	کُراث رومی، ۲۵۲	کثیر الرؤوس، ۹۰، ۲۵۲	کاکنج المروج، ۲۴۹
کرفس مقدونی، ۲۵۳	کراث شامی، ۲۴۳، ۲۵۲	کثیر العقد، ۹۰	کاکنج النهری، ۱۳۷
کرکاش (مصر)، ۵۷، ۷۰	کراث شامی (فلسطین)، ۲۵۲	کثیر العقَد، ۲۱۰	کاکنج غالیه (مغرب)، ۲۱۴
کُرکم، ۱۲۰		کثیر المنفعة، ۱۳۶	کاکُنج (قاهره)، ۲۰۶
کرکم، ۲۷۶	کراث ملوکی، ۸۰	کثیر الورق، ۱۵۱	کاکنج منوم (مغرب)، ۲۱۴
کُرْکَم الصغیر، ۲۰۸	کُراث نبطی، ۲۵۲	کُثیراء، ۱۸۹	کاکنه، ۲۴۹
کُرْم، ۲۱۴	کُرْبُزَه، ۲۵۷	کُثیراء، ۲۵۱	کاوی السهرز، ۴۹

کرم، ۲۵۵	کرویا، ۲۵۶	کَف ادم، ۲۵۸	کلخ الصغیر، ۳۰۰
کُرم الأسود، ۲۲۲	کُرویا الجبلية (اندلس)، ۲۳۵	کف الأسد، ۲۵۸	کَلَخ الکبیر، ۲۵۹
کرم البری الابيض، ۲۲۲	کُرویا بستانیه، ۲۵۶	کَف الْجُذْمَا، ۴۱، ۲۵۸	کَلَخ الکبیر (اندلس)، ۲۴۵
کُرم البیضاء، ۲۲۲	کرویا جبلیه، ۲۳۲	کف الدابه، ۱۱۷	کلخ دلبی، ۱۴۶
کرم بری، ۲۵۵	کری، ۲۵۶	کف الذئب، ۲۵۸	کلخ (مصر)، ۵۱
کرم بستانی، ۲۵۵	کریشه (بیت المقدس)، ۲۲۱	کَف السبع، ۸۸، ۱۵۲، ۲۵۰	کلخ (مغرب)، ۲۴۴
کُرمۃ البیضاء، ۷۸، ۹۰، ۲۱۵، ۲۲۲	کربر السحری، ۲۵۷	۲۷۳، ۲۵۸	کلخی، ۱۴۶، ۱۵۸
کرمۃ البیضاء، ۷۸، ۹۲، ۲۲۲	کربر الصخری، ۲۵۷	کَف الضبع، ۹۳	کلموح (اندلس)، ۱۵۳
کرمۃ السوداء، ۲۲۲، ۲۵۰	کُزْبَرَه، ۲۵۶	کَف الضَّبْع، ۲۵۰، ۲۵۹	کلنج، ۶۶
کرمۃ السوداء (اندلس)، ۹۰	کُزْبَرۃ البیر، ۱۸۷	کَف الضَّبْع (مغرب)، ۲۵۰	کلوخ، ۲۷۴
کرمۃ بیضاء، ۲۲۲	کُزْبَرۃ البیر، ۲۵۷	کف العایشه، ۵۳	کلیل الملک، ۵۹
کرمۃ سوداء، ۲۲۲	کُزْبَرۃ البیر (دمشق)، ۱۰۴	کَف العذری، ۹۳	کمداریوس الثُعْنی، ۲۰۴
کرمۃ شائکة، ۲۲۶	کُزْبَرۃ الثُعْلَب، ۱۷۹	کف العظابه، ۹۳	کَمَادَرِیوس، ۲۶۰
کُزْنَب، ۲۵۵	کُزْبَرۃ الثُعْلَب، ۲۵۷	کَف الثُعَاب، ۲۰۵، ۲۳۲	کماه، ۲۲۷، ۲۳۰
کُزْنَب، ۲۵۵	کُزْبَرۃ الحبشه، ۹۷	کَف القرد، ۲۵۹	کماة، ۲۰۱، ۲۲۶، ۲۶۰
کرنباد، ۲۵۶	کُزْمَازِج، ۲۰۲	کف الکلب، ۷۵، ۲۵۹	کَمَاة، ۲۶۰
کرنب الاندلسی، ۲۵۶	کُزْمَازِک، ۹۳	کَف الکلب (مغرب)، ۲۵۰	کماة حمراء، ۲۶۰
کرنب البحری، ۲۵۶	کسب، ۱۲۶	کَف المَریم، ۲۵۹	کَمَاة، ۳۸
کرنب البری، ۲۵۶	کسبرۃ الثعلب (اندلس)، ۲۵۷	کَف المَریم (اندلس)، ۲۵۹	کَمَاة، ۲۲۱
کُزْنَب البری، ۲۵۶	کسبرۃ الحمام، ۲۵۷	کف النسر، ۱۱۷	کَمَاة، ۲۵۸
کرنب البستانی، ۲۵۶	کَسْمَا، ۶۶	کف النسر (مصر)، ۴۹	کَمَاة، ۲۸۳
کُزْنَب البستانی، ۲۵۶	کَسْمِینَا، ۲۵۸	کَف الهَر، ۲۵۴، ۲۵۹، ۲۷۳	کَمَاة، ۲۸۳
کرنب الدوری، ۸۲، ۲۵۶	کشج، ۱۶۲	کف أجذم، ۲۵۸	کَمْشَرِی، ۶۲
کرنب السواحلی، ۲۵۶	کَشْمَلِخ، ۲۵۸	کفر اليهود، ۱۲۴	کُمُشْرِی، ۱۴۳
کرنب العظیم، ۲۵۶	کُشْنِی (شام)، ۲۵۳	کُفَرِی، ۹۵	کُمُشْرِی، ۲۶۱
کرنب الکرمانی، ۲۵۶	کشوث، ۱۲۳، ۲۵۰	کَف عَائِشَة، ۱۰۲، ۱۸۶	کُمُشْرِی البُستانی، ۵۷
کرنب الکلب، ۲۳۱	کُشوث، ۲۵۸	۲۵۹	کَمْشَرِی بری، ۲۶۱
کرنب الماء، ۲۵۶، ۲۹۲	کشوث الجبلی، ۲۵۸	کَف عایشه، ۲۵۹	کَمْشَرِی جبلی، ۲۶۱
کرنب النبطی، ۲۵۶	کُشوث الرومی، ۵۶	کَف مَریم، ۵۳، ۱۸۶	کَمْشَرِی حامض، ۲۶۱
کرنب اُنْدَلِسی، ۲۵۶	کُشوث الرومی، ۲۵۸	کَف مَریم (اندلس)، ۸۹	کَمکام، ۱۹۸
کرنب بحرِی، ۲۵۶	کشوث المجوسی، ۲۵۸	کف مَریم حجازی، ۲۵۹	کَمون، ۲۶۲
کُرنَب بری، ۱۳۷	کُشوث رومی، ۵۶	کفوف، ۸۹، ۹۳، ۹۵، ۱۰۰	کَمُون الابيض، ۲۰۴، ۲۶۲
کرنب شامی، ۲۵۶	کُشوث (مصر، مغرب، آفریقا)، ۱۶۷	۱۲۶، ۲۷۱، ۲۷۳	کَمُون الارمنی، ۲۵۶
کرنب نبطی، ۲۵۶	کُشوثی (عراق)، ۱۶۷	کَلخ، ۵۱، ۶۵، ۹۷، ۱۵۴	کَمُون الارمنی، ۲۵۶
کُزْنَج، ۴۴	کُشوثی (عراق)، ۱۶۷	۲۷۸	کَمُون الأسود، ۱۹۲، ۲۶۲
کروش الغنم، ۵۵	کُطَف (صحرائشینان)، ۱۷۰	کَلخ، ۱۷۲، ۲۰۴، ۲۳۹، ۲۴۸	کَمُون البری، ۲۶۲
کُزُویَا، ۲۵۶	کُفَر، ۲۵۹	کَلخ الدَلْبِی، ۲۵۹	کَمُون الحَبَسِی، ۲۶۲

کمون الحلو، ٦٧	کَهْرَنَا، ١٢٧، ٢٦٤	لَبْلَابِ المَجُوسِ، ٢٦٧	لسان الحمل الكبير، ٣٣
کَمُونُ الحُلُو، ٦٧	لابس، ٢٥٢	لَبْلَابِ بِي ثَمَر، ٢٣٩	لسان الحمل صغير، ٢٦٩
کَمُونُ الحُلُو، ٢٦٢	لاجورديه، ١٩٤	لَبْنِ الحِمَارَةِ، ١٥٩، ٢٥٠، ٢٦٧	لسان الحمل كبير، ٢٦٩
کَمُونُ الرطالي، ٢٨٩	لاحی، ٧٠	لَبْنِ السُّدَا، ٥٥	لسان السُّع، ٢٦٩
کَمُونُ الرومی، ٢٦٢	لاخسنة، ١٨٩	لَبْنِي، ٢٦٧	لسان الطير، ٨٤
کمون الکرماني، ٢٨٩، ٢٦٢	لاذن، ٢٦٥	لَبْنِي رومان، ٥٣	لسان العَصافير، ١٩٩، ٢٦٩
کمون الملوکی، ٢٦٢، ٢٤٨	لاذن العنبری، ٢٦٥	لَبْنِي رهبان، ٥٣	لسان العصفور، ٦٦، ٨٨
کمون أرمن، ٢٥٦	لاغیه، ١٢١، ٢٢٤	لِحاح (مصر)، ٥٠	٢٦٩
کمون بری، ٢٦٢	لاغیه، ٢٦٥، ٣٠٠	لِحام الذهب، ٥١	لسان الفَرَس، ٦٧، ٢٥٢، ٢٨٠
کَمُون حَبَشِي، ٢٨٩، ٢٦٢	لالا، ٢٦٥	لِحَاء الغول، ١٨٧، ٢٦٧	لسان الکَلْب، ٢٦٩
کمون رومی، ٢٥٦	لباب، ٢٦٦	لَحِنَسِ الاکلیه، ٢٦٨	لسعة (تونس و أفريقيا)، ٦٨
کَمُون صخري، ٢٦٢	لَبَابِ القُرطم، ٢٦٦	لَحِيَةِ الارنب، ١٠٣	لسوالسومر، ٢٤٣
کمون ملوکی، ٢٨٩	لَبَابَصَة (اندلس)، ١٢٢	لَحِيَةِ التيس، ٩٩، ١٨٨، ٢٠١	لسيعه، ٦٨
کَمُون هندي، ٢٦٢	لب النخل، ٩٥	لَحِيَةُ التيس، ٢٩٩، ٢٦٧	لَصَف، ٢٥٠
کَم، ٢٦٠	لباله، ١٠٣	لَحِيَةُ التيس، ٢٦٧	لَصِف (اندلس)، ١١٤
کنجده، ٦٦	لباله، ٢٨١	لَحِيَةُ الجَمَل، ٢٥٧	لَصِف (اندلس)، ١١٤
کندر، ٢١٦	لبان، ٢٦٣	لَحِيَةِ الحمار، ٧٦	لَصَق، ٣٣
کَنْدَر، ٢٦٣	لبان، ٢٦٦	لَحِيَةِ العنز، ١٥١	لَصَق، ٢٥٢
کندريات، ٢٧٤	لبان، ٢٧٤	لَحِيَةِ القنليه، ١٠٣	لِضَق، ٢٧٠
کندس، ١٧١	لبانه مغريه (مصر و شام)، ٢٢٤	لَحْنِسِ الاکلیه، ١٤٠	لِصِف، ١١٤، ١٥٦، ٢٧٠
کَنْدَس، ٢٦٣	لَبَخ، ٧٦	لَحْنِسِ الأکلیه، ٢٦٨	لِصِفِي، ٢٧٠
کَنْدَلَاء، ٢٦٣	لَبَخ، ٣٥، ٧٦، ٢٦٦	لَحْنِسِ بستانى، ٢٦٨	لِصِقَاء، ٣٣، ٢٥٢
کنکر البری، ٢٧٠	لبسان، ٩٦، ١٨٩	لَحُوخِ الماء (اندلس)، ٢٧٢	لِصِقِي، ٢٧٠
کنکر الکبير، ١١٤	لبسان، ١٣١، ٢٦٦	لَدِيْقَة، ٦٧	لَطِين، ٩٦
کَنْهَان، ٢٦٣	لَبْلَاب، ١٢١، ١٤٣، ٦٠	لِزَاقِ الذَّهَب، ٥١، ٢٩٥	لَطِيْن أَرَشِمِيْسَة (اندلس)، ٤٧
کَنْهَيْلَة، ٢٦٣	١٨٥، ٢٤٠، ٢٧١	لِزَاقِ الرخام، ٨٦	لُعَابِ القَتِيل، ٥٥
کَنْب، ٢١٣	لَبْلَاب، ٢٦٦	لسان، ٢٥٢	لُعَاس، ٢٤٣
کَنْبِ (يمنى)، ٢٦٣	لَبْلَابِ اعنم، ٢٦٦	لسان الإيْل، ٦٠، ٢٦٨	لُعَبْتِ بَرَبْرِی، ٢٧٠
کَنْبِ (يمنى)، ٢٦٣	لَبْلَابِ الأَحْرَش، ٦٠	لسان الأَيُّل، ٦٠	لُعْبَة، ٢٧٠
کواکب، ٤٦	لَبْلَابِ الأَحْرَش، ٢٦٧	لسان الأَيُّل، ٢٦٨	لُعْبَة، ٢٧٠
کور، ٢٦٤، ٢٨٣	لَبْلَابِ الجَعْد، ٢٦٦	لسان الشور، ١٣٨، ٢٥٢	لُعْبَة البربرية، ٢١٢
کوکب الارض، ٢٠٤، ٢٢٦	لَبْلَابِ الحَقِيقِي، ٢٦٦	لسان الجَمَل، ٢٦٩، ٢٨٠	لُعْبَة البربرية (عراق)، ١٧٩
٢٦٤	لَبْلَابِ الشجر، ٢٦٦	لسان الجَمَل، ٢٦٩	لُعْبَة بَرَبْرِی، ٢٧٠
کوکبة، ١٥٩	لَبْلَابِ الصغیر، ١٨٥	لسان الحَمَل، ١١٩، ١٣١	لُعْبَة مَطْلَقَة، ٢٧٠
کوکبیه (شام)، ١٠٥	لَبْلَابِ الغنم، ٢٦٦	٢٠٥، ٢٦٩، ٢٧٠	لُقَاح، ٢٧٠
کوکبیه، ٦٠	لَبْلَابِ الکبير، ٢٤٠	لسان الحَمَل، ٢٦٩	لُقَاح، ٣٠٠
کونهان، ٢٦٣	لَبْلَابِ المَجُوس، ١١٣		

لفاح الجن، ۲۷۰	لوف العقد، ۲۳۰	متکه، ۳۹	مُذْهَب، ۶۱
لفاح الهندی، ۲۷۰	لوف الکسیر، ۳۴، ۱۰۶	مُثَلَّث، ۲۰۱	مُذْهَب الکَلْب، ۶۰
لفاح بری، ۲۸۳، ۳۰۰	۱۸۶، ۲۷۳	مُثَلَّث، ۲۴۷	مُر، ۲۷۷
لفاح (شام)، ۱۴۵، ۱۹۰	لوقاس الجبلیه، ۱۳۳	مثلث حجم، ۱۶۳	مُرار، ۵۹، ۲۹۸
لِفَت، ۱۸۹	لیاء، ۲۷۱	مثنان، ۵۳، ۹۷، ۲۵۵، ۲۷۵	مُرار، ۲۷۸
لِفَت الْأَحْمَر المَدَوَّر، ۱۸۹	لیرون (مغرب)، ۸۷	مُثْنان، ۲۷۷	مُرار الصحراء، ۱۲۶
لِفَت البُلْدی (فاس)، ۱۸۹	لیغۀ، ۲۷۴	مثنان آخر، ۲۷۷	مُرار الصخر، ۱۲۶
لِفَت الجن، ۲۷۳	لیف، ۲۷۴	مَج، ۱۳۷	مرارة الفیل، ۲۳۱
لِفَت المحفور، ۱۸۹	لیف البحر، ۵۹، ۲۷۴	مَج، ۲۷۵	مران، ۱۶۰
لِفَت بری، ۱۰۲، ۲۰۴، ۲۶۶	لیقیه، ۲۷۴	معجاج، ۲۷۵	مُران، ۱۶۳، ۲۷۸
لِفَت مدور، ۱۸۹	لیقیۀ، ۲۷۴	مُجَزَّع، ۱۴۰	مُران، ۲۰۰
لَفَش، ۲۷۰	لیم، ۴۰	مُجَنِّح، ۲۷۷	مراوح الجن، ۲۹۲
لِقَم القاضی، ۱۰۸	لیمون، ۴۰	مُجَنِّن، ۲۴۹	مربح، ۲۸۰
لُک، ۱۷۸	مانده، ۲۵۴	مجنون، ۱۲۵	مرتینی، ۹۶
لُکَاع، ۲۷۱	مانلة، ۲۰۴	مجنون (شام)، ۱۰۵	مرجان، ۷۹
لُکَاعۀ، ۲۷۱	مازر، ۱۵۹	محاجم (اندلس)، ۲۷۷	مَرْنَح، ۱۷۴، ۲۵۹، ۲۷۸
لویانۀ المغربیہ (مصر)، ۲۲۴	مازرو (مغرب)، ۱۴۹	محروث، ۵۰، ۶۵، ۱۲۱	مَرْنَحۀ، ۲۰۲
لُویانۀ (مصر)، ۵۵	مازیرون، ۴۶، ۵۱، ۵۴، ۵۵	محروث، ۶۵، ۵۰	مرددوش، ۲۷۹
لویبا الابيض، ۲۷۱	۱۲۸، ۱۴۹، ۲۵۵، ۲۶۱	مَحْسَنۀ، ۱۸۷	مرددوش البری، ۱۹۵
لُوز، ۲۷۱	۲۷۷، ۲۹۸، ۳۰۰	مُخْفِرَة (اندلس)، ۵۱	مَرْدَدُوش (اندلس)، ۲۷۹
لوز البربر، ۱۰۵، ۲۷۱، ۲۷۲	مازیرون، ۲۷۵	مَحَلَب، ۴۳	مَرْدَقُوش، ۲۷۹
لوز الحلو، ۲۷۱	ماش، ۲۷۵	محلَب، ۱۱۲	مردوش، ۳۴
لوز العَر، ۲۷۱	ماش هندی (عراق)، ۱۱۲	مَحَلَب، ۲۱۶	میرز، ۱۵۰
لوز المر (ایتالیا)، ۲۷۲	ماشیا، ۴۴	محلولة، ۶۲	مرزجوش، ۳۴
لوز بری، ۲۷۲	ماغرۀ، ۸۰	محموده، ۱۷۳	مرزنجوش، ۳۴، ۱۶۰، ۲۸۸
لوز حلو، ۲۷۱	ماغرۀ الاسود، ۱۵۰	مخاطة، ۱۴۲، ۱۶۷	مَرَزَنْجُوش، ۱۵۹، ۲۷۹
لوز مر، ۲۷۱	ماقر، ۱۴۲	مُخْبِر (فاس)، ۴۹	مُرْزیر (مصر)، ۲۷۸
لوف، ۱۳۰، ۲۳۰، ۲۷۳	مامور، ۱۱۰	مخرج الريح، ۱۷۳	مرقد، ۱۰۹
لوف الارقط، ۲۷۳	مامون، ۱۱۰	مخلَب العقارب الأبيض، ۴۷	مرقد، ۲۷۹
لوف البَط، ۲۷۳	ما هو بذاته، ۲۷۶	مخلصه، ۱۱۱	مرمار، ۱۵۸
لوف الجعد، ۲۳۰، ۲۷۳	ماهودانه (مغرب و اندلس)، ۱۱۳	مُخْلَصُهُ، ۱۰۷، ۲۷۷	مُرو، ۵۲، ۹۱، ۱۶۳، ۲۷۴
لوف الجَعْد، ۲۷۳		مَخِيطا، ۴۳، ۱۶۷	۲۸۰
لوف الجعد اسخن، ۲۷۳	ماهودانه، ۲۷۶	مَدْبَقَة، ۵۴	مرو اسود، ۲۸۰
لوف الحَیة، ۱۸۶، ۲۳۰	ماهی‌زهرج، ۲۷۷	مُدْرَهَمُ الزُّرَق، ۵۹	مرو الاسود، ۲۸۰
۲۳۱، ۲۷۳	ماهی زهرج (شام و عراق)، ۹۰	مدلوك، ۸۸، ۲۵۹	مرو العراض، ۲۲۱
لوف السَّبَط، ۲۷۳		مدلوكۀ، ۲۷۳	مرو تلخ (شیرازی)، ۲۸۰
لوف السبَط (اندلس)، ۲۷۳	مِثْرَسَات، ۱۲۹	مدهوق، ۱۸۰	مرو دقیق، ۱۶۳
لوف الصغیر، ۲۷۳	متک، ۳۹	مدیکه (فاس)، ۴۹	مروشة (اندلس)، ۲۰۷

مروی مشتَهی، ۲۸۰	مسواک المسيح، ۲۳۳، ۲۹۲	مَظْ، ۱۰۴، ۱۷۴، ۲۸۳	مقل ازرق، ۲۸۳
مَرْوِیة الأبیض، ۲۲۴	مشتان، ۲۸۱	مظلل الحمام، ۱۵۶	مقل اليهود، ۲۶۴، ۲۸۳
حرة الطوفان، ۲۰۲	مشتهی، ۶۳، ۱۶۲	معد، ۷۲	مقلقل (مغرب)، ۹۵
مربخ، ۲۸۰	مشرقی، ۲۵۳	مُعْطَس، ۱۷۲، ۲۱۶	مقل مکی، ۲۸۳، ۲۸۴
مُرْزَاء، ۱۶۴، ۱۹۴	مشط الذنب، ۲۳۳	مُعْغَرَب، ۵۹	مقلوب، ۱۱۳
مریق، ۵۷	مشط الراعی، ۱۴۸، ۱۴۹	معین، ۲۷۵	مقل یهودی، ۲۸۳
مُرْیَق، ۲۱۰	مشط الراعی (مغرب)، ۱۴۹	مغاث، ۱۵۸	مقلیل، ۳۷
مَرْیَه الاسود، ۲۸۰	مَشْطُ الغول، ۲۸۱	مُغاث، ۲۸۳	مُكْثَر اللَّبَن، ۹۰، ۱۰۴، ۲۷۱
مَرْیة ابيض، ۲۸۰	مشک الجن، ۱۹۰	مغافیر، ۲۸۳	مکنسة الاندر، ۲۷۷
مَرْیة الابيض، ۲۸۰	مشکطرامشیع زور، ۲۸۱	مَغْد، ۷۲، ۲۸۳	مکنسة قرشیه، ۲۷۷
مزج، ۲۷۱	مشکطرامشیع کاذب، ۲۸۱	مغدود، ۲۸۳	ملاج، ۶۶
مزقل الصفار، ۴۹	مشماش (مغرب)، ۲۸۲	مغربی، ۱۳۲	مُلَّاح، ۶۶، ۱۲۳، ۲۴۳
مزمار الراعی، ۳۳، ۶۴، ۲۱۰	مِشْمِش، ۲۸۲	مُغْرِرة، ۲۸۳	مُلَّاح، ۲۴۲، ۲۸۴
میزمار الراعی، ۲۸۱	مشمش، ۲۸۲	مِغْفار، ۲۸۳	ملاح، ۲۴۳
مزودة، ۲۰۷	مشمش (مغرب و اندلس)، ۷۶	مُغْفَر، ۲۸۳	مَلَّاحی، ۹۶
مسافق، ۲۸۱	مُصاص، ۹۷	مِغْفَر، ۲۸۳	مُلبونه، ۲۸۶
مستعجل، ۸۹	مُصاصه، ۱۱۴	مغفور الرمث، ۱۵۸	مُلْج، ۲۸۳
مستعجله، ۸۹	مصاصة، ۱۳۴	مقاتل الراعی، ۶۰	مُلْجی، ۱۴۸
مُسْتَعْجَلَه، ۲۰۷، ۲۸۱	مَصَّاصَة (اندلس)، ۲۶۹	مقاتل الرعاة، ۶۰	ملجی الابيض، ۹۶
مسد، ۹۳	مصاصة (فاس)، ۲۶۹	مقاتل المَرعی، ۱۵۱	ملجی الاسود، ۹۶
مَسَد، ۱۵۷	مَضَّ العسل، ۲۸۰	مُفْرَح، ۲۶۸	ملس (یمن)، ۲۰۷
مسقط الأجنة، ۶۸	مصباح الروم، ۲۶۴	مفروح القلب، ۷۱	ملطاء، ۱۴۸
مسک الارض، ۱۰۳، ۲۸۱	مَضْطَکاء، ۲۸۲	مُفْرَح قلب المحزون، ۷۱	ملطاء، ۲۸۱
مِسْک الجن، ۱۰۳	مصطکی، ۲۰۱	مفروح قلب المحزون، ۷۱، ۱۱۳، ۲۸۳	ملفون، ۸۱
مسک الجن، ۱۰۳، ۱۹۰	مَضْطَکی، ۲۸۲	مُفْصِحة، ۴۸	مُلْک، ۱۳۷
مسک الجن (اندلس)، ۲۸۱	مَضْطَکی، ۲۸۲	مُفْصِحة، ۲۸۳	ملک، ۱۶۲
مسک الرمان، ۲۸۸	مُصع، ۶۳	مُفَلِّق، ۱۳۹	ملکا، ۵۹
مسک القروء، ۵۲	مُصع، ۲۸۲	مقارجه، ۱۴۸	ملوح، ۲۴۲
مُسْکنة، ۲۸۰	مصغ، ۲۱۷	مقارجه (اندلس)، ۹۰	ملوح (شام)، ۲۸۴
مسک جَدَه، ۲۸۱	مصفی الرعاة (مغرب)، ۸۶	مقامح ابلیس، ۲۵۲	مُلُوخ، ۲۴۲
مِسْکیة، ۱۲۵	مض، ۱۵۸	مقد، ۵۷	مُلُوخ، ۲۴۲
مِسْکیة، ۱۵۵	مَض، ۲۸۳	مقر، ۱۲۰	ملوخ، ۲۸۴
مسقاره، ۱۶۰	مُضیء البساتین، ۷۹	مقر، ۱۹۵	ملوخیا، ۸۴
مسقران، ۱۶۰	مُطَبَّقة، ۵۴	مقرجالة، ۵۸	مُلُوخیا الشَّجَر، ۱۳۶
مسواک الراعی، ۱۹۳، ۲۸۱	مُطَر، ۱۵۰	مُفْغَل، ۲۵۶	ملوخیان بستانی، ۱۲۹
مسواک العباس، ۲۸۱، ۲۹۱	مُطَر (اندلس)، ۴۹	مُقل، ۵۲، ۲۸۳	ملوخیه، ۱۲۹
مسواک القروء، ۵۲	مَظ، ۱۰۴	مقل، ۲۳۸	ملوخیه بری، ۱۳۶
مسواک القیاد، ۲۳۳			

ملوکیه، ۱۲۹	میعه، ۵۳، ۲۸۶	نخل المقل، ۱۰۹	تُوَیْفَع، ۱۵۳
ملوکیه بری، ۱۲۹	میعه سایله، ۲۶۷	نَدَغ، ۱۹۵	نَهْشَل، ۱۰۳
ملوکیه، ۲۸۴	میعه یابسه، ۵۳	نَدی، ۲۹۵	نَهَق، ۷۰، ۱۰۲
ملوکیه البحر، ۱۲۹	میعه یابسه، ۲۸۶	نرجس، ۸۰، ۱۸۱، ۲۰۶	نُهود القینات، ۵۴
ملوکیه البریه، ۱۲۹	میعه، ۱۸۶	۲۹۰	نیش (فاس)، ۲۸۲
ملول، ۱۴۰، ۲۷۹	مِیْعَة السائله، ۲۸۶	نرجس ابیض، ۸۰	نیقولا الراهب، ۶۰
ملونیه، ۲۸۵	میعه سائله، ۲۸۶	نرجس الاصفر، ۷۶	نیل، ۱۱۳، ۲۱۱
ملیح، ۲۳۲	میمون (مغرب)، ۲۲۲	نرجس مسکین، ۲۹۰	نیل البری، ۲۱۱
ممسک الارواح، ۴۷	میمونه، ۱۵۸	نرجس مَقْوَدَس، ۸۰	نیل بری، ۱۱۳، ۲۹۲
مُتْسِک الأرواح، ۴۷	نارجیل، ۱۰۹، ۲۸۷	نرنج (فاس)، ۴۰	نیلج، ۱۱۳، ۱۵۹، ۲۱۱، ۲۹۲
معنون البقر، ۴۱	نارجیل بحری، ۲۸۷	نسج، ۲۶۳	۲۹۲
من، ۴۴	نارجین، ۱۳۲	نسرين (مغرب)، ۲۹۴	نیل رومی، ۱۳۶
منبج (شام)، ۲۷۶	ناردين بری، ۴۶	نسمه، ۲۸۰	نیلوفر، ۹۳، ۲۵۶
متن الرائحه، ۲۱۹	ناردين صینی، ۲۸۸	نَسَم، ۱۰۶، ۱۸۵، ۲۹۰	نیلوفر، ۲۹۲
مُتْنَة (مصر)، ۲۱۹	ناردين نهري، ۲۸۸	نَسَم الاسود، ۱۲۷	نیلوفر ابیض البری، ۸۰
مثور، ۱۴۰، ۱۵۸، ۲۸۵	نارنج، ۴۰، ۲۸۹	نشم الاسود (اندلس)، ۲۷۲	نیلوفر ابیض المانی، ۸۰
مَثُور (مصر)، ۱۴۰	ناطف، ۲۸۹	نَسَم الأَسْوَد (اندلس)، ۱۴۴	نیلوفر البَرک، ۲۸۰، ۲۹۲
منبج، ۲۸۵	ناعمة (اندلس)، ۶۰، ۲۶۸	نصی (اندلس)، ۱۳۶	نیلوفر الصینی، ۲۹۲
من رآی مثلی، ۲۵۲	نافع، ۷۸، ۱۵۲	نَضار، ۴۰	نیلوفر القَمَری، ۲۹۲
منسم، ۲۷۱	نافوخ، ۱۴۶	نَضار، ۲۰۲	نیلوفر المجوسی، ۲۹۲
مُنْسِيَه، ۲۹۸	نامی، ۱۵۹	نضار، ۲۹۰	نیلوفر ذهبی، ۲۹۲
مُنْسِيَة، ۲۸۵	نانخواه، ۲۶۲	نَعْنَع، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۹۵	نیلوفر مجوسی، ۸۰
مُنْشِم، ۲۸۵	نانخه، ۲۵۶، ۲۶۲	۲۲۹	نیلوفر هندی، ۲۲۲، ۲۲۷
مُتْفَتَلَة، ۱۲۹	نانخه (اندلس)، ۲۸۹	نَعْنَع، ۲۹۰	وایله، ۲۲۵
مُتْفُوخَة، ۱۷۳	نانوخیه، ۲۸۹	نعيج الحبشه، ۱۰۷	وَتیر، ۲۹۴
منفوخه، ۲۴۸	نبات الرعد، ۲۶۰	نغریل، ۹۶	وَج، ۵۱، ۱۶۵، ۲۹۳
مُنْقَسِم لخمسه أقسام، ۸۹	نبات سحری، ۲۰۴	نَغَاخ، ۱۰۸	وجد (یمن)، ۲۵۱
مُنُوم، ۲۴۹	نَبَع، ۲۸۹	نفل، ۱۵۷	وحشی، ۹۶
مُنْبِرَة، ۲۸۵	نَبِغ، ۲۸۹	نَفْل، ۲۵۳	وحمو (فاس)، ۱۰۲
مودیان، ۲۴۹	نبق، ۱۶۸، ۲۶۹، ۲۸۹	نَفْل، ۲۹۱	وَذَع، ۲۹۳
مُوز، ۲۸۵	نَجَب، ۱۷۴	نقد، ۲۱۰	ودود، ۸۶
مونس الوحش، ۱۴۱	نَجْد، ۵۹	نقرار، ۹۶	وَرْد، ۱۱۹، ۲۹۳، ۲۹۴
مونس الهموم، ۲۴۵	نجم، ۴۳، ۹۹، ۱۲۹	نقیب (قدس)، ۲۴۲	ورد ابیض بری، ۲۹۴
مویزج، ۱۱۱	نجمه، ۲۱۲	نُک، ۱۶۲، ۲۹۱	ورد احمر، ۲۹۳
مهد (شام)، ۲۰۷	نجیر، ۹۹	نمام، ۱۱۳، ۱۸۲، ۲۷۹، ۲۹۱	ورد احمر بری، ۲۹۴
میامیر، ۱۵۶	نجیل، ۹۹، ۲۰۰	نمام الملک، ۱۸۲	ورد احمر بستانی، ۲۹۴
میس، ۱۲۷	نحلیه، ۱۵۵	نملول، ۲۴۵	ورد اصفر بری، ۲۹۴
میسسن، ۲۸۶	نخل، ۹۴	نوغان، ۴۶	ورد اصفر بستانی، ۲۹۴



ورد الانهار، ۲۹۲	وصف الاسود، ۷۶	هندباء هاشمی، ۲۹۸	یَعْضِید، ۱۴۳
ورد الحب، ۲۵۰	وَطْم، ۲۹۵	هواسمه (مصر)، ۷۶	یعضید بری، ۱۳۳
ورد الحب، ۲۵۴، ۲۹۴	وغد، ۷۲، ۸۳	هوفاریقون، ۲۹۸	یعضید (مصر)، ۲۹۸
ورد الحمار، ۲۹۴، ۴۶	وَعْد (آفریقا)، ۵۱	هوم‌المجوس، ۲۹۹	یقطین، ۹۳، ۱۲۶، ۲۳۷
ورد الحماق، ۲۹۴	وَقْل، ۲۸۳	هیشر، ۱۱۴	یمان (اسکندریه)، ۲۱۸
ورد الحمه، ۲۹۵	وقله، ۲۸۳	هَیْشَر، ۲۹۹	یَمِین (اسکندریه)، ۲۱۸
ورد الحمیر، ۲۲۳	ولان المکی، ۱۲۰	هیوز (سوانم)، ۲۰۱	یمور (شام)، ۸۴
وَرْد الحَمِیر (اندلس)، ۲۲۳، ۲۹۵	وَلَب، ۲۹۵	یاسمین البر، ۱۵۹	ینبوت، ۱۰۹، ۱۳۲
ورد الذکر، ۱۰۵	هائجه، ۲۸۰	یاسمین بری، ۲۴۶	یَنْبُوت، ۱۳۲، ۲۴۷
ورد الزوان (فاس)، ۱۳۶	هال، ۲۳۲	یسروح، ۱۳۳، ۱۵۹، ۲۷۰، ۳۰۰	ینبوت زنکورج، ۱۳۲
ورد الزوانی (اندلس)، ۱۳۶	هالوک، ۱۱۸	یَبْرُوح الصَّنَم، ۳۰۰	ینبوت، ۱۰۹
وَرْد الزَّوَانِی (اندلس)، ۱۳۶	هالوک (مصر)، ۶۸، ۲۰۱	یبروح الصنم، ۳۰۰	ینبوع، ۳۰۰
ورد الزیتنه، ۱۲۹	هید، ۱۲۶	یبروح الوقاد، ۱۶۸	یَنَمه، ۲۶۹
ورد الزیتنه البری، ۱۲۹	هدبات، ۷۰، ۱۰۳، ۱۵۴	یبروح الوقاد، ۱۶۸	
ورد الشمس، ۲۹۲	۲۴۸، ۲۵۶	یبروح بری، ۲۷۰	
ورد العجار، ۲۹۴	هَدَس، ۳۱، ۳۵	یبروح سریانی، ۲۷۰	
ورد الفُجَار، ۲۹۴	هَذِیلَه (اندلس)، ۲۹۶	یبروح صنمی، ۱۶۸	
ورد الفُحْصی، ۲۶۵	هَذِیلِیه، ۱۰۶	یَتُوع، ۱۰۱، ۱۴۷، ۱۵۷	
ورد المجوس، ۲۹۲	هَرَجَان، ۲۸۵	۱۸۴، ۱۹۴، ۲۶۵، ۲۶۷، ۳۰۰	
ورد بری، ۲۹۴	هرد، ۱۶۳	یتوعات، ۱۶۵، ۱۹۴، ۲۰۹	
ورد جبلی، ۲۶۵	هَرْد، ۲۰۸	۲۲۱، ۲۲۴، ۲۹۵	
ورد صینی، ۲۹۰	هَرْم، ۲۰۰	یزره، ۲۴۰	
ورد متن، ۲۹۵	هزارچشان، ۲۲۲	یزره، ۶۲	
ورد موجه، ۲۹۴	هَسْک، ۲۱۰	یزراع، ۲۴۰	
ورق الحنا، ۱۱۳	هلیج، ۶۸	یزْبَاتَه، ۶۹	
ورق الخیار، ۲۴۵	هَیْذِیَا، ۲۹۷	یَزْبُطُور السَّاحِلِی (اندلس)، ۲۷۴	
ورق زیتون هندی، ۱۹۹	هندبای بری، ۲۹۸	یربطور الشعراوی (اندلس)، ۲۷۴	
وزق، ۱۴۴	هندباء، ۸۴، ۲۸۰، ۲۹۶	یربطوره (اندلس)، ۶۶	
وسق، ۵۱	۲۹۷، ۳۰۱	یربوز (مغرب و فاس)، ۸۴	
وَسْمَه، ۲۹۲، ۲۱۱، ۱۳۶	هَیْذِیَا، ۱۲۰	یَزْنَا، ۱۲۵	
وَسْمَه الذَّکَر، ۲۱۱	هَیْذِیَا، ۱۰۳، ۱۱۹	یَزْنَاء (شام)، ۱۲۵	
وسیل، ۱۸۸	هندباء البستانی، ۲۹۸	یشمه، ۹۴	
وَشْج، ۵۱	هندباء الشامی، ۶۶	یعضید، ۸۳، ۱۳۹، ۲۸۰	
وشج، ۵۱	هندباء بری، ۱۳۹، ۲۹۶	۲۹۸، ۳۰۰	
وَشْج، ۲۹۵	۲۹۸، ۳۰۰	هندباء شامی، ۲۹۸	
وَشْق، ۲۹۵	هندباء (فاس)، ۲۹۷		
وشیج، ۹۹			

## ۲ - نام‌های فارسی و محلی

آذرگون، ۳۴	اسبَرِیون، ۳۴	اسلیخ، ۲۶۷	انار، ۱۵۷
آذریون، ۲۵۸	اسبلنج، ۲۶۷	اسمار، ۳۶	انار دانه، ۱۵۸
آزاددرخت، ۳۵	اسبندان خوش، ۱۳۰	اشبرک (سجزی)، ۱۲۱	اناریچه (مازندران)، ۱۱۷
آزادِرخت، ۳۵	اسبیدار، ۱۴۹، ۱۳۳	اشتر (اصفهان)، ۱۱۰	انبرود، ۲۶۱
آزاد سوسن، ۱۸۰	اسبیزمرد، ۴۶	اشترانگبین (اصفهان)، ۱۱۰	آنجره، ۶۵
آس، ۳۱، ۳۵	اسپره (اصفهان)، ۷۸	اشترخاراست، ۵۰	انجیر، ۹۳، ۹۶، ۱۰۵، ۱۸۴
آلو، ۴۱، ۱۸۴، ۲۱۷	اسپرغم بیابانی، ۱۹۹	اُشترغار، ۶۵، ۵۰	انجیر آدم، ۶۶
آلوبالو، ۲۳۴	اسپست باغ تازه، ۱۵۵	اشترغاز، ۵۰	انجیر حلوانی، ۹۶
آلوبوعلی، ۲۳۴	اسپناج، ۴۸	اشخیص اسود، ۵۱	انجیر دشتی، ۹۶
آلوبولی، ۲۳۴	اسپند، ۱۳۱	اشخیص سفید، ۵۱	انجیر زمینی، ۱۲۷
آلو جلی، ۵۱	استکو (تنکابن)، ۱۷۱	اشراز، ۳۷	انجیر وریری، ۱۸۴
آلوجه، ۵۱	آسَخَن، ۱۰۸	اشراس، ۳۷	انچلک (شیراز)، ۱۴۲
آلوجه، ۴۱	اسفد، ۱۱۶	اشریس، ۳۷	اندقوقو (شیراز)، ۱۲۵
آلوجه سلطانی، ۴۱، ۴۲	اسفردانه، ۸۱	اشنان گازران، ۵۲	انده قوقو (شیرازی)، ۱۲۵
آلوکشته بتر، ۵۱	اسفرک (شیراز)، ۱۶۲	آشه، ۵۱	انغوزه، ۱۲۱
آلوی زرد بخارانی، ۴۱	اسفرم، ۳۱، ۳۵	افتاب پرست، ۲۹۹	انکر (شیرازی)، ۲۳۶
آلوی سیاه، ۴۱	اسفناج، ۴۸	افرنجمشک، ۱۱۳، ۲۲۵	انکزر، ۱۲۱
آلی باقلی (شیرازی)، ۲۳۴	اسفناج رومی، ۲۴۱	افریژ، ۲۹۳	انگدان، ۶۵
آلی بالی، ۲۳۴	اسفناج رومی (شیرازی)، ۲۴۱	افزغنج (بخاریه)، ۲۲۶	انگدان زد، ۱۲۱
آشله، ۶۲		افس سک (شیرازی)، ۱۸۳	انگدان، ۶۵
آویشن، ۱۹۵	اسفند، ۱۱۵، ۱۱۶	افنان سر، ۲۲۴	انگزد، ۱۲۱
ابونس، ۳۳	اسفندار، ۱۱۶	اقحوان زرد، ۷۰	انگزه، ۱۲۱
ابی، ۱۷۲	اسفند اسفید، ۱۱۵، ۱۳۱	اگیرترکی، ۲۹۳	انگشت، ۵۳
اخفاک، ۲۱۰	اسفندان سفید، ۱۱۵	الاشنگ (اصفهان)، ۲۶۷	انگشت کنده (اصفهان)،
اردشیران، ۲۸۰	اسفندسفا، ۱۱۵	الاملك (طبرستان و	۱۲۱
اردشیر دارو، ۲۸۰	اسفند سفید، ۱۱۵	تنکابن)، ۲۲۲	انگور، ۲۱۴، ۲۱۷
ارزن، ۱۰۰، ۱۴۳، ۱۴۹	اسفندسناه، ۱۱۵	الثال، ۱۳۶	انگور سگان، ۱۲۸
ارغوان، ۴۴	اسفیدار، ۱۷۸	الداس واش، ۱۲۹	انگیان، ۶۵
آزگوان، ۴۴	اسفیدش، ۷۸	آلدر، ۲۱۳	اوبرنیون، ۲۲۴
ارود (فارس)، ۱۱۰	اسفیدکشیر، ۳۰۰	السنة، ۱۲۹	اویزر، ۲۴۶
اریسه، ۱۹۸	اسفیندار، ۱۳۰	إلقیس (سجزی)، ۲۶۶	اوجا (تنکابن و دیلم)، ۲۲۰
ازاددرخت، ۲۱۳	آسفیوس، ۷۸	إلقیوس (سجزی)، ۲۶۶	اوحی (مازندران)، ۱۲۰
ازاددرخت، ۲۱۳، ۲۶۶	اسفیوش، ۷۸	آلم (شیراز)، ۱۰۰	اوسبید، ۶۸
ازدشیر زاد، ۲۸۰	اس کرمانی، ۳۶	الم (شیراز)، ۱۴۳	اوسبید، ۶۸
اسباناج، ۴۸	اسکیلیم چشم (سجزی)،	الویا، ۲۷۱	اوسفید، ۶۸
اسبک، ۵۹	۲۱۷	آمرو، ۶۲، ۲۶۱	اوشن، ۱۹۵

اوشه (شیرازی)، ۱۹۵	بادرنجبویه، ۷۱	برس، ۳۹	بُکمون، ۸۵
اونیره، ۸۱	بادنجان، ۱۱۴	برس غنچه، ۳۹	بَلادُر، ۸۵
اویشم (اصفهان)، ۱۹۵	بادنجان دشتی، ۱۱۴	برسیاج دارو، ۲۱۰	بلادر، ۸۵
اهر، ۱۷۸، ۲۶۹	بادنگان، ۷۲	برسیان دارو، ۲۱۰	بلبل شامی، ۲۷۷
ایرامامیز، ۶۹	بادیان، ۱۵۲	برسیاوشان، ۲۰۷	بلس، ۹۶
ای‌رس، ۳۹	بادیان خطائی، ۷۲	برش، ۲۵۸	بُلسُن (سجزی)، ۲۰۷
ایشن، ۱۹۵	بادیان رومی، ۶۷	برشاد، ۱۸۹	بَلَنجاسف، ۷۷
ایکور، ۷۵	بازام طلخ، ۲۷۱	برشیان دار، ۲۱۰	بلنجاسف، ۱۹۰، ۲۴۷
أبرس، ۲۰۸	بازامک، ۷۲	برشیان دارو، ۲۱۰	بلوط، ۷۷، ۸۶، ۸۷، ۹۱
أبرنج، ۴۴	بازرنبویه، ۷۱	برشیاوشان، ۱۸۷	۱۴۴، ۲۵۰، ۲۶۰
أردمانه، ۲۶۷	بازرنگ، ۴۰	برشیاوشان داوران، ۲۵۷	بلوط الارض، ۸۷
أزاددرخت، ۳۵	بازنجان، ۲۸۳	برغث (خراسان)، ۲۴۵	بلوط (شام)، ۱۷۹
أزْدَف، ۱۶۲	بازْدَوَزْد، ۳۴	برغست، ۲۴۵	بلیذا، ۱۴۰
أسیست، ۱۵۶	بازورد، ۱۱۴	برغشت، ۲۴۵	بن، ۸۱
أَسْفَنَت، ۱۵۶	بازرْد، ۷۲، ۲۴۶	بَزْکک شیرازی، ۷۶	بَنج اَنگُشت، ۴۰
أسفند، ۴۸	بازرْد، ۷۲	برکینه، ۲۴۰	بنجسکروان، ۲۶۹
أَسْفیوس، ۷۸	بارشک، ۲۶۹	برگ فرنجمشک، ۲۲۵	بنجسکروان، ۸۸
أشترغاز، ۱۶۴	باقلا مصری، ۹۳	برگک (شیرازی)، ۲۴۵	بنجشک زیان، ۲۶۹
أقحوان زرد، ۹۰	باقلی هندی، ۵۴	برنج، ۴۴، ۲۴۸	بنجکسروان، ۱۴۴
أوسین، ۶۸	بالش عاشقان (شیراز)، ۲۳۳	برنجاسب، ۲۴۷	بنجکُشت، ۱۵۲
أیمونیطس، ۷۰	بالنکو، ۷۳	برنجاسف، ۲۴۷	بنجنکست، ۱۷۰
بابونه، ۷۰، ۵۷	بالنگ، ۴۰	برنج کابلی، ۷۷	بنجنکشت، ۱۸۵، ۱۸۶
بابونه گاو، ۵۷	بالنگو، ۷۱	برنجمشک، ۲۲۵	۲۲۸، ۲۵۸
بابونه گاو چشم، ۵۷	بالوط، ۸۶	برنگ، ۷۷	بنجنکشت، ۴۰
باتو (شیراز)، ۱۴۷	بانقش (نیشابور)، ۸۱	بزیار (شیرازی)، ۷۸	بنجه، ۱۲۶
بادآورد، ۲۷۸	باهستان، ۲۱۸	بزیاز، ۱۰۷	بنحنک (خوارزم)، ۸۴
بادام، ۱۹۷، ۲۷۱	بچند (سیستان)، ۲۴۵	بَزْغَنج، ۲۲۵	بن شاه، ۸۱
بادام تلخ، ۲۷۱	بچو (فارس)، ۲۵۷	بزغند، ۲۲۵، ۲۳۷	بنفشه، ۸۹
بادام شیرین، ۲۷۱	بخرک (شیراز)، ۱۰۵	بزندوبخند، ۲۴۵	بنک، ۸۸، ۲۴۵
بادامک، ۱۳۶	بداوان (شیراز)، ۱۴۸	بَزْییر (سجستان)، ۲۴۷	بنک (شیرازی)، ۲۴۵
بادام کوهی، ۱۰۵	بدران (شیراز)، ۵۱	بستان ابروز، ۷۸	بنکو (شیراز)، ۷۸
بادام نشک، ۱۹۶	بدسکان، ۷۵	بستان افروز، ۷۱، ۷۶، ۱۲۲	بنگ، ۸۸
باداورد، ۷۱	بدکستان، ۷۵	بُستان افروز، ۷۸	بن لیلوفر، ۲۹۲
بادتخم (سیستان)، ۱۵۲	بذه، ۲۲۰	بستان افروز، ۷۱، ۷۶، ۷۸	بُثو (سجزی)، ۲۱۲
بادرنبویه، ۷۱	بربهن (اصفهان)، ۸۳	۱۲۲، ۱۴۷	بنو سیاه (شیرازی)، ۲۷۵
بادرنجبویه، ۷۱	برتراسک، ۲۴۷	بستولاک، ۱۷۰	بنوماش (شیرازی)، ۲۷۵
بادرنجبویه، ۱۱۳	برتراسک (شیراز)، ۷۷	بفرخ، ۸۳	بوخل (نیشابور)، ۸۳
بادرننگ، ۷۱	برتراسک (شیرازی)، ۷۷	بقلة دشتی، ۸۳	بوذنه، ۲۹۰

بورمندی (جرجان)، ۸۴	بید مشک، ۱۳۶، ۱۳۷	پیچک (شیرازی)، ۲۵۷	تخم قاوند، ۲۳۳
بورمنی (بخارا و جرجان)، ۸۴	بیذانجیر، ۱۳۳	پیر در بهار، ۷۰	تخم کاج، ۱۱۲
بومادران، ۷۷	پیرزد، ۲۴۶	پیرز، ۱۶۷	تخم کاجره (گیلان)، ۲۳۶
بوی جهودان، ۲۸۳	بیم (دیلیم و تنکابن)، ۱۶۷	پیرزد، ۷۲	تخم کازیره (گیلان)، ۲۳۶
بوی مادران، ۲۴۷	بیوه‌زا، ۲۳۶	پیزد، ۷۵	تخم کافشه، ۲۳۶
بوی مادران، ۲۴۷	بیوه‌زا (آذربایجان)، ۹۲	پیزرا، ۱۲۱	تخمکان (تبریز)، ۸۳
بوی هیربذان (سجستان)، ۱۸۰	پای کلاغ (پهلوی)، ۱۵۵	پیل زهره، ۱۲۰	تخم کرفس رومی، ۲۶۱
به، ۱۷۲	پَرسایوشان، ۷۵	پیل گوش، ۲۳۰	تخم کشوث، ۲۵۸
بهار، ۴۴، ۵۷، ۹۰، ۱۴۲، ۲۹۴، ۲۱۷	پرسیاوشان، ۷۶، ۱۷۸، ۱۸۷	پیوند مریم، ۱۱۲	تخم کلم (شیرازی)، ۲۵۵
بهار خرما، ۹۵	پرکاج (شیراز)، ۱۹۶	تاتوله، ۱۰۹	تخم کنب، ۱۱۱
بهاری، ۲۹۰	پسته، ۲۲۵	تاج خروس، ۷۹	تخم گزر، ۱۰۳
به دانه، ۱۷۲	پشم، ۹۴	تاج ریزی (اصفهان)، ۲۱۴	تخم نیلوفر، ۱۱۳
بهمن، ۹۱	پلپل، ۲۲۷	تاک، ۲۲۲، ۲۵۵	تخم نیلوفر هندی، ۵۴
بهمی، ۱۷۲	پلنگ مشک، ۸۳	تال شال، ۲۱۰	تخم وهل، ۳۹، ۴۰
بهمی (سجزی)، ۱۲۶	پلنگمشک، ۲۲۵	تالکن، ۲۹۸	تذری (شیراز)، ۹۶
بیخ آسمان گون، ۷۰	پلیهیم (طبرستان)، ۲۱۹	تبرزد، ۲۰۰	ترب، ۲۲۳
بیخ برنده، ۱۹۳	پنبه، ۲۴۲	تخم اسبست، ۱۵۶	تُرئد، ۹۳
بیخ بنفشه، ۷۰	پنبه دانه، ۲۴۲	تخم امرود جنگلی، ۱۴۲	تربزه (شیراز)، ۲۲۳
بیخ تفت، ۱۹۱	پنچنگشت، ۴۱	تخم اهر (شیرازی)، ۲۶۹	تربیزک (شیرازی)، ۲۲۳
بیخ جگری، ۱۵۴	پنیرک، ۱۲۹	تخم بزوشه (تبریزی)، ۲۶۹	تربیزه، ۲۲۳
بیخ چکری، ۱۵۴	پنیرک خطمی (کرمانی)، ۱۲۹	تخم بلوک (کرمان)، ۸۳	ترخانی، ۲۰۲
بیخ چینی، ۱۰۶	پنیرک (سجزی جدید)، ۲۸۴	تخم بیخ رومی، ۱۹۱	تر (خراسان)، ۱۱۰
بیخ سنبل، ۲۲۸	پنیر نخل، ۹۵	تخم پدران (شیرازی)، ۲۳۵	ترخونی (شیرازی)، ۲۰۲
بیخ سوسن سفید، ۵۴	پوبهکل (شیرازی)، ۲۲۵	تخم پیاز، ۸۰	ترسک (شیرازی)، ۱۲۳
بیخ عرطیثا، ۳۴	پودنک، ۲۲۹	تخم ترخر (شیرازی)، ۲۳۵	ترشح، ۱۲۲
بیخ کازران، ۲۶۳	پودنه، ۲۲۸، ۲۲۹	تخم ترشه، ۱۲۲	ترشک، ۱۲۲
بیخ لفاح، ۳۰۰	پودنه جبلی، ۲۸۱	تخم ترشیشک (شیرازی)، ۱۲۲	ترشه، ۱۲۲
بیخ مهک، ۱۸۰	پودنه کوهی، ۱۱۰، ۲۲۹	ترشه (شیراز)، ۱۲۲	ترشینک، ۱۲۲
بید، ۱۳۶	پوست بیخ زرشک، ۳۵	تره تیزک، ۱۱۵	ترف (خراسان)، ۱۲۴
بیدار، ۱۴۹	پوست درخت کاژی، ۴۵	تخم توخره، ۲۳۵	تُرُم (ری)، ۱۶۴
بیدانجیر، ۱۳۳	پیاز تلکه (شیرازی)، ۸۵	تخم جزربری، ۱۴۸	ترنج، ۴۰
بیدبری، ۱۳۶	پیاز دشتی، ۴۹	تخم خرد، ۱۲۹	ترنجان، ۲۸۳
بید گیاه، ۹۹	پیاز موش، ۴۹	تخم خیار، ۲۳۴	ترنجبین، ۱۱۰، ۱۹۳
بیدمر، ۴۱	پیاز نرگس، ۲۹۰	تخم دل آشوب (شیرازی)، ۴۱	تُرنگ (اهواز)، ۴۰
	پیچک، ۲۵۷	تخم ریاس، ۱۱۱	تره (اصفهان)، ۲۵۲
		تخم زرداب، ۹۹	تره تیزک، ۱۰۲
		تخم سپندان، ۱۱۵	تره خراسانی، ۷۱، ۸۳

تره داهان، ۸۳	جَبَل‌هَنگ، ۱۰۱	چشمک (شیراز)، ۹۴	خردل بابلی، ۱۳۱
تره گربه، ۸۳	جُذری (بلخ و طخاری)، ۲۲۶	چشمیز، ۹۴	خردل سفید، ۱۱۵، ۱۳۱
تره میره (سیستان)، ۱۰۲	جرجیر بیابانی، ۷۰	چشمیزج، ۹۴	خرزهرج، ۱۴۵
تریاق کوهی، ۲۷۷	جز (تنکابن)، ۳۶	چشمیزج، ۹۴	خرزهره، ۱۴۵
تستر، ۲۰۵	جعفریه (جرجان)، ۱۱۷	چشمیژه، ۹۴	خرزهره (کرمان)، ۱۲۶
تستریه، ۲۰۵	جغش (هرات)، ۱۱۷	چشوم، ۹۴	خرس گیا، ۲۶۴
تشن (سیستان)، ۹۴	جُفت آفرید، ۱۵۷، ۱۰۴	چغندر، ۱۷۳، ۱۷۴	خرس گیاه، ۱۴۸
تشیک (زابل)، ۱۸۳	جُکری، ۱۵۹	چگندر، ۱۷۴	خرفه، ۸۳
تلخه پیاز، ۸۵	جگری، ۱۵۹	چنار، ۱۴۵، ۱۹۶	خرک، ۱۷۳
تمر هندی، ۱۲۴، ۹۵	جلغوزه، ۱۹۶	چنار (شیراز)، ۱۴۵	خرک (شیرازی)، ۹۴
تمر هندی ترش، ۱۹۴	جماز (تنکابن و دیلم)، ۱۶۹	چوب چینی، ۱۰۶	خرگوشک، ۲۶۹
تمر هیرونی، ۹۵	جم اسپرم، ۱۶۰	چوب چینی خطائی، ۱۰۶	خرل، ۲۰۹
تمش (جرجان)، ۲۱۳	جمسینج (خوارزم)، ۹۴	چوه صباغان، ۳۴	خرما، ۹۴، ۲۳۸
تموش (دیلم)، ۲۱۳	جن آر، ۱۹۶	چهار مغز، ۱۰۶	خرما هیرون، ۹۵
تتکر، ۲۱۷	جنجه، ۹۵	چینه کبوتران، ۱۵۶	خرمای سنگ اشکن، ۹۵
تبویج، ۲۶۶	جنکک (بلخ)، ۱۳۲	حارسوهک (شیراز)، ۱۱۸	خرو، ۱۲۹
توت، ۹۵	جو، ۱۸۷	حرف سفید، ۱۱۵	خروس لوچ، ۱۱۸
توت حامض، ۹۵	جواشیر، ۱۰۰	حسن لبه، ۱۹۸	خزران، ۱۴۰
توت حلو، ۹۵	جوانسپرم، ۱۸۳	حسن یوسف، ۱۱۱	خسرو دارو، ۱۳۹، ۲۲۲
توت سه گل (شیراز)، ۲۱۳	جوانسفرم، ۱۸۳	حسینی، ۲۶۱	خسق، ۲۱۰
توت شامی، ۹۵	جو برهنه، ۱۷۳	حسینی (مرشدآباد)، ۶۲	خسک دانه، ۲۳۶
توت نبطی، ۹۵	جوجادو، ۱۴۱	حشیش، ۲۴۵	خشخاش، ۷۰، ۱۵۸، ۲۷۵
توت وحشی، ۲۱۳	جوزبویا، ۱۰۷	حماحم، ۱۵۹	۲۸۵، ۲۸۸
تودری، ۹۶	جوزروت، ۱۰۹	حماض سه برگ، ۱۲۲	خشخاش سفید، ۱۳۴، ۱۵۸
تودری، ۱۹۰	جوشیصا، ۱۰۹	حفظل زرد، ۱۲۶	خشخاش سیاه، ۱۳۴
تورک، ۸۳	جوگندم (زابل)، ۱۷۳	خارِئِن، ۲۱۷	خشخاش شاخ دار، ۱۳۴
تورکی (شیراز)، ۸۳	جوگندم زابل، ۱۷۳	خار خسک، ۱۱۸، ۲۳۶	خطای (شیرازی)، ۱۴۰
تورم، ۳۴	جولاه کش (سیستان)، ۷۱	خارشر، ۱۱۰	خطمی، ۱۲۹
توز، ۱۲۷	جیدار، ۱۰۹	خاص تره (تنکابن)، ۱۰۲	خطمی کوچک (شیراز)، ۱۲۹، ۲۸۴
تویوش، ۱۶۴	جیلان (گیلان)، ۱۷۹	خاکشی (اصفهان)، ۱۲۹	خفروج (بلخ و زابلستان)، ۸۳
ثامروان، ۲۷۱	جیلان (گیلان)، ۱۷۹	خایه ابلیس (فارس)، ۵۹	خلبه (گیلان)، ۱۲۱
ثمر پشه، ۱۰۵	چتر اخضر، ۲۴۵	خربزه، ۸۱	خُلَر (قزوین)، ۱۰۴
جاحوشی (شیراز)، ۱۰۰	چرچه، ۱۸۹	خربزه دراز، ۲۸۵	خلیمو (شیرازی)، ۱۲۳
جافر (هرات)، ۱۱۷	چشم، ۹۴	خربزه روباه، ۱۲۶	خنجک، ۱۱۱
جاکج (خوارزم)، ۹۴	چشم خروس، ۲۱۷	خربزه زمستان، ۸۱	خنجک (خراسان)، ۸۱
جاکجو (خوارزم)، ۹۴	چشمک، ۹۴	خربزه طلخک (زابل)، ۱۲۶	خنیس (گیلان)، ۱۲۰
جاکسو، ۹۴		خربزه هندی، ۸۲	خوززهرج، ۱۴۵
جامه خواب، ۲۰۰		خرجکوک (زابلستان)، ۳۸	

خوش سایه، ۱۴۴	داربرنیا، ۸۴	درخت عود، ۲۹۶	دهمشت، ۲۱۸
خوشک، ۷۳	دارچوبه، ۱۴۲	درخت غایش، ۲۱۵	دینارو، ۱۱۷
خوشه ارزن، ۱۹۰	دارچینی، ۱۴۱	درخت فلفل، ۱۴۲	دینارویه، ۱۱۷
خوللو (شیرازی)، ۱۵۲	دارشاه، ۵۹	درخت کدز، ۴۵	دیواسپست صحرائی، ۱۲۵
خوم (سغدی)، ۲۹۹	دار شیرین، ۱۸۰	درخت کلنورا، ۱۹۸	دیودار، ۱۴۹، ۲۰۹، ۳۰۰
خونسیاوشان، ۱۴۶	دارشیشعان، ۱۰۹، ۱۴۱	درخت کوت، ۲۶۲	دیودار (طبرستان)، ۲۶۴
خون سیاوشان، ۱۴۶	۱۷۱، ۱۷۸	درخت مسواک، ۴۳	دیودر، ۱۴۹
خویبو (سجزی)، ۱۷۱	دارصینی، ۱۴۱	درخت هلیله (شهری)، ۳۵	دیوزوان (بستی)، ۲۱۰
خیار، ۱۴۰، ۲۳۴، ۲۵۵	دارفلفل، ۱۴۲، ۲۲۷	دژدار، ۱۴۴	دیوسپست، ۱۲۵
خیار بادرنگ (خراسان)، ۲۳۴	دارمازو، ۸۶	دردار، ۲۶۹، ۲۹۰	دیومشنگ، ۱۵۶
خیار باذرنگ، ۲۳۴	دارمیران، ۱۴۲	درمنه، ۱۹۳، ۵۵	ذرت، ۱۰۰
خیارباذرنگ (خراسان)، ۲۳۴	دارواش (دیلم و تنکابن)، ۲۱۵	درمنه اسپید، ۹۷	ذرق، ۱۵۰
خیار بالنگ (شیراز)، ۲۳۴	داروان (تنکابن)، ۳۵	درمنه ترکی، ۱۹۳	ذره مکه، ۱۳۹
خیارتلخ، ۱۲۶	دارورهرام، ۱۸۰	درنک، ۲۸۰	رازیانه، ۱۵۲، ۲۱۳
خیار چنبر، ۱۴۰	دارون، ۱۴۴	دروکی کنکر، ۱۱۴	رازیانه بری، ۱۵۳
خیارخر، ۲۳۳	داری، ۱۳۰	دروئج، ۱۴۴	رازیانه شامی، ۶۷
خیار (خراسان)، ۲۳۳	دانه سجستان، ۱۶۷	درونک، ۱۴۴	راژموک (ترمدی)، ۲۷۱
خیار خوراکی، ۲۳۴	دبندار، ۱۴۹	درهن، ۱۸۴	راقوته (شیراز)، ۲۹۰
خیار دراز، ۲۳۳	دبوکی (بلخ)، ۲۸۴	درینه (تبریز)، ۹۶	رانج وبر (فارس)، ۱۱۱
خیار دراز (شیراز)، ۲۳۴	دخنخ (بخارا)، ۸۴	دستنبویه، ۱۴۴	رانداروی تلخ، ۲۶۰
۲۸۵	در، ۲۱۳	دستنبویه، ۱۴۵	راوند، ۱۵۴
خیار درزده، ۲۳۳	دراز (شیرازی)، ۱۱۷	دل اشوب (شیرازی)، ۴۱	راء، ۱۲۶
خیار دشتی، ۱۲۶	درامک، ۲۸۰	دنبی دارو (شیرازی)، ۴۹	رتک (شیراز)، ۲۸۱
خیارزره سفید، ۲۳۳	درحسک، ۱۹۸	دندان جانان (سجزی)، ۲۹۳	رجمول، ۲۵۸
خیارزره، ۲۳۳	درخت اثل، ۱۸۲	دندان گرگ، ۵۰، ۸۴	رزی (تبریز)، ۸۵
خیارزره اسپند، ۲۳۳	درخت پشه، ۱۴۴	دوالک، ۵۲	رسین (اصفهان)، ۲۳۶
خیارزره کوچک، ۱۹۸	درخت توت، ۹۳	دواله، ۵۲	رقاقس، ۱۵۷
خیار طلخ، ۱۲۶	درخت دبق، ۵۱	دوالی، ۵۲	رنکبار (شیراز)، ۱۵۲
خیارک بسی بر (بلخ و طبرستان)، ۲۸۶	درخت درداز، ۱۷۸	دوراز، ۱۱۷	رنگ زعفران، ۴۲
خیرو، ۱۲۹	درخت دلیک، ۲۹۴	دورس، ۱۴۵	رنگ زعفران (اصفهان)، ۲۱۰
خیروج، ۱۳۶	درخت زکریا، ۱۶۹	دوسر، ۱۴۷	روبارزج، ۲۱۴
خیری، ۱۲۹	درخت زهرناک، ۲۰۹	دوسر، ۲۰۱	روباه تربک، ۲۱۴
خیری سیاه، ۱۴۰	درخت سال، ۲۰۲	دوشر، ۱۴۷	روباه تورک، ۲۱۴
داذی کوهی، ۲۹۸	درخت سیستان، ۱۴۲	دهکلو (شیراز)، ۲۶۰	روباه رزک، ۲۱۴
دارافرسام، ۸۶	درخت شانه، ۲۶۳	دهمست، ۱۴۸	رودک، ۲۳۰
	درخت عرعر، ۱۷۰	دهمست، ۲۱۸	رؤزبارج، ۲۱۵

روشنک، ۲۲۱	زَرین گیاه، ۹۲، ۱۶۲	سببذخار (سجزی)، ۲۱۷	سک انگور (زابل)، ۲۱۴
روشی‌مینس (شیراز)، ۵۱	زُط (سجستان)، ۲۰۱	سپرم، ۱۵۹	سکینه، ۱۷۳
روغناز (جرجان)، ۲۳۰	زغیر، ۱۹۴	سَپستان، ۱۶۷	سکفس (ترمذی)، ۲۱۱
روناس، ۲۳۰	زغیر (سغد، سمرقند)، ۲۵۱	سپست‌تر، ۱۵۵	سکوک (بخاری)، ۲۱۱
رونک (سجزی)، ۱۷۳	زغیره (سغد، سمرقند)، ۲۵۱	سپند، ۱۱۶	سکوهنج، ۱۱۸
روی (سجزی)، ۲۰۰	زُقال، ۱۶۳	سپندان، ۱۳۱	سگ انگور، ۲۱۴
روین، ۲۳۰	زمرد رنگ، ۲۴۵	سپید اسفند، ۱۳۱	سگبستان، ۱۶۷
ریباس، ۱۵۴	زمین قند، ۱۸۹	سپید گیاه، ۹۷	سلجم، ۱۸۹
ریحان سلیمان، ۱۶۰	زمین (گروگان)، ۳۵	ستاره ائیکا، ۴۸	سلس (فارس)، ۲۱۹
ریحان کوهی، ۷۱	زُثبا، ۱۶۴	سدا بستان، ۱۱۶	سلق، ۱۷۳
ریحان مطلق، ۱۸۴	زُتجرو (سجزی)، ۶۶	سذاب، ۱۶۷	سلم سرخ (یزدی)، ۲۱۰
ریش سمندر، ۱۲۰	زنک فلج، ۱۳۲	سریبل (شیراز)، ۲۳۳	سلمه، ۲۴۱
ریشه انجدان خراسانی، ۶۵	زنکورج، ۳۰۱	سرخ پای، ۱۲۲	سلیسک (فارس)، ۲۱۹
ریشه خيرو، ۲۹۷	زنگباری (شیراز)، ۲۴۴	سرخس، ۱۶۹	سماروغ، ۲۶۰، ۲۲۶
ریشه ریباس، ۱۵۴	زنگبیر، ۱۶۴	سرخس‌نر، ۱۶۹	سمالو، ۲۶۰
ریواج، ۱۵۹	زوار، ۱۰۱	سرخ فرد (شیرازی)، ۲۱۰	سماهنگ، ۲۳۳
ریواس، ۱۵۹	زوان گندم، ۱۹۴	سرخ مرد، ۱۴۳	سمرقندیا (زابل)، ۲۷۶
ریوند، ۱۵۴	زوباترس (تنکابن)، ۳۵	سرزردک (شیراز)، ۲۴۷	سم (سجزی)، ۱۳۲
زارج، ۶۱، ۳۸	زوفرا، ۱۱۷	سرشو (شیرازی)، ۲۶۶	سنبل سفید، ۲۳۸
زبان گنجشک، ۲۶۹	زوله (خوارزم)، ۲۲۸	سر (شیرازی)، ۲۴۵	سنبل فارسی، ۱۷۸
زر، ۲۵۵	زهر زمین (جرجان)، ۳۵	سرکوه، ۱۸۱	سنجد، ۲۱۹
زراوند، ۱۶۰	زیتون کوهی، ۲۰۶	سرم، ۲۲۶	سندل، ۱۹۶
زراوند خراسانی، ۱۶۰	زیر، ۸۵	سرمک، ۲۴۱	سنگ سبویه، ۱۷۹
زراوندگرد، ۱۶۱	زیر خار (سجزی)، ۲۱۷	سَرمه، ۱۷۰	سنگسبویه، ۱۷۹
زرجویک، ۲۰۸	زیرکش، ۶۱	سرو، ۱۴۹، ۱۹۷، ۱۷۰	سنگ حنا (ديلم)، ۱۱۷
زرچویه، ۲۰۸	زیره، ۲۶۲	سُرو، ۲۶۹	سنگ سبویه، ۲۴۳
زردآلو، ۱۹۰، ۲۸۲	زیره رومی، ۶۷، ۲۵۶	سرو ترکستانی، ۱۵۵، ۱۶۱	سوده (شیراز)، ۲۴۵
زردجویه، ۲۰۸	زیره هندو سیاه، ۲۶۲	سُرو (سجزی)، ۲۶۹	سوردن (تبریز)، ۱۲۹
زردچویه، ۲۷۶	زینان (شیرازی)، ۲۸۹	سرو کوهی، ۳۹، ۲۰۸	سورنگان، ۱۷۹
زردک، ۱۰۳	زینیان، ۲۸۹	سریش، ۵۱	سوسن، ۱۶۰، ۱۸۰
زرشک، ۳۸، ۶۱، ۱۲۰	ژالکه (سجزی)، ۵۲	سزه (شیرازی)، ۲۳۶	سوسن آزاد، ۱۶۴، ۱۸۰
۲۳۱، ۲۷۱، ۲۹۸	ساییزک، ۲۷۰، ۳۰۰	سعد (تنکابن)، ۴۹	سوسن آسمانجونی، ۷۰
زرشگ، ۶۱	ساذرون، ۱۶۷	سفتا، ۸۰	۱۸۰
زِرک، ۶۱	ساق ترشک، ۸۳	شفجه، ۱۹۸	سوسن آسمانگون، ۷۰
زرنک، ۶۱	سبری تهلك (سجزی)، ۱۱۶	سفند اسفندو، ۲۷۴	سوسن ادرا، ۱۸۰
زرواش (تنکابن)، ۹۷	سبزیار، ۱۰۷	سفند آسفید، ۲۷۴	سوسنبر، ۱۸۲
زَرَوَان زُنج، ۲۱۵	شَبزه (شیراز)، ۲۴۵	سفیدار، ۱۴۴	سوسن خطاهی، ۱۸۰
زره (شیراز)، ۱۴۹		سفید مرز، ۸۴	سوسن زرد، ۷۰

شنگرفیر (طخاری)، ۱۶۴	شرویه (مازندران)، ۱۲۵	شاه املج، ۶۲	سوسن سرخ صحرائی، ۱۴۶
شنگلیل، ۱۶۴	شسبندان، ۲۲۲	شاه انجیر، ۹۶	سوسن سفید، ۱۵۲، ۱۸۰
شنگویر، ۱۶۴	شش‌بندان سیاه، ۲۲۲	شاهبانک، ۱۸۳	سوسن کبود، ۱۸۰
شوبا، ۹۶	شش‌بندان (شیراز)، ۲۲۲	شاهبلوط، ۸۶	سوفاس، ۹۶
شوت، ۱۸۴	شستره، ۲۸۸	شاهبلوط، ۸۷	سونک (سجزی)، ۲۳۶
شوت (سجزی)، ۱۸۴	ششقال، ۱۰۳، ۱۸۸	شاه بن، ۸۱	سه سنبل، ۱۸۲
شود، ۱۸۴	ششکاک (مازندران و	شاه بید، ۱۳۶	سهک داوران (شیرازی)، ۱۶۷
شودر (اصفهان)، ۲۳۶	تنکابن، ۲۳۶	شاه بید (شام)، ۱۳۷	سه کوهنج، ۱۱۸
شود (شیراز)، ۱۸۴	شفتالو، ۱۳۹، ۱۹۰	شاه بید، ۱۳۶	سیاه برگ، ۱۹۱
شوران (سجزی)، ۲۱۰	شفتک (شیراز)، ۱۲۹	شاه پسه، ۵۹	سیاه‌داران، ۱۶۶
شورد، ۲۳۲	شفتل، ۲۹۱	شاهتره، ۱۸۳	سیاه دانه، ۱۹۲
شونوز، ۱۹۲	شقااص، ۴۶	شاه تره (شیراز)، ۱۸۳	سیب، ۹۴، ۱۶۳
شونیز، ۱۸۱	شقال، ۱۰۳، ۱۴۹، ۱۸۸	شاه تره (مازندران)، ۱۰۲	سیبزه، ۲۷۰
شونیز، ۱۹۲	شقال، ۱۸۸، ۲۲۹	شاه چینی، ۱۸۴	سیر، ۹۸
شه بانو، ۱۸۳	شقایق، ۳۵	شاهدانق، ۱۱۱	سیردشتی، ۹۸
شهوت‌انگیز، ۲۴۵	شقرنگ (خراسان)، ۱۹۰	شاهدانه بری، ۱۱۱	سیر صحرائی، ۴۸
شیره، ۱۹۳	شکر انگور روباه، ۲۱۴	شاه زیره، ۲۵۶	سیر مو، ۴۸
شیخ خراسانی، ۱۹۳	شکره‌نج، ۱۱۸	شاه زیه، ۲۵۶	سیس‌بان (مازندران)، ۳۵
شیرابه، ۱۳۴	شکم‌دریده (شیراز)، ۷۸	شاهسپرم، ۱۸۳	سیس‌بوان (فارس)، ۲۱۹
شیر املج، ۶۲	شکوفه خرما، ۹۵	شاهسپرم سرخ، ۱۸۴	سیسنبر، ۱۱۳
شیرانجیر، ۱۹۳	شکوهج، ۱۱۸، ۱۲۴	شاهسفرم، ۱۵۹	سی سنبل، ۱۸۲
شیرانجیر، ۳۰۰	شکوهنج، ۱۱۸	شاهسفرم شیرازی، ۱۹۸	سیسنبر، ۱۱۳
شیرخشت، ۱۹۳	شکویهج، ۱۱۸	شاهشبرم، ۱۱۳	سی سنبل، ۱۸۲
شیرخشک، ۱۹۳	شکی، ۲۱۷	شاهشبرم، ۲۸۰	سی سنبل، ۱۸۲
شیرگیا (زابلستان)، ۲۸۶	شلغم، ۱۸۹	شاهشفرم، ۱۵۹	سی کوه، ۱۸۱
شیرهو (خراسان)، ۱۹۰	شلم‌بی (مازندران)، ۱۲۹	شاه صینی، ۱۸۴	شیونک (سجزی)، ۲۱۰
شیستره، ۲۲۸	شلمیز، ۱۰۹	شاهلوك، ۱۸۴، ۲۱۷	سیهک، ۴۳
شیشبان، ۳۵	شما، ۲۲۶	شاهنجیر، ۱۸۴	شبابانک، ۷۷، ۲۳۲
شیلیم، ۱۸۹	شمرک (سجزی)، ۱۳۲	شاه نرجس، ۲۹۰	شاییزک، ۲۷۰
صابون لباس، ۳۵	شمشاد، ۸۲	شایانج، ۱۸۳	شال حنی (مازندران و
صذیوند، ۲۱۰	شملیت، ۱۲۰	شب انبوی، ۱۳۳	تنکابن، ۲۵۱
صریه، ۱۷۴	شملیز (شیراز)، ۱۲۱	شب بو، ۱۳۳، ۱۴۰	شامامک، ۱۸۳
صرخ بای، ۱۲۲	شنبلیل (اصفهان)، ۱۲۱	شب خیزک، ۱۱۵	شاه‌آلو، ۴۱
صعتر فارسی، ۱۰۵	شنجار، ۱۲۵، ۱۳۴	شبدار، ۲۳۶	شاه‌اسپرم، ۱۵۹
صنوبر، ۱۵۲	شنک (زایلی)، ۲۶۹	شبدر، ۵۷، ۲۳۶	شاه افسر، ۵۹
صنوبر بی بار، ۴۴	شنکیا (تبریز)، ۲۳۳	شبدر (اصفهان)، ۱۲۵	شاه‌امرو، ۲۶۱
صنوبر کوچکی، ۱۹۷	شینگ، ۱۵۱	شنخار، ۲۴۴	شاه‌امرو (خراسان)، ۲۶۱
صنوبر هندی، ۳۹	شنگ (اصفهان)، ۲۶۷	شیر (سجزی)، ۲۰۷	



ضدل دانه، ۱۱۶	غُزبه (زابل)، ۱۸۵	قشارون، ۴۶	کاو چشم، ۹۰
طاحک (طبرستان)، ۳۵	غنچ (هری)، ۱۹۲	قسط تلخ، ۲۳۹	کاو جيله، ۲۳۶
طاق، ۲۴۴	غنچه خرما، ۹۵	قسط سفید، ۲۳۹	کاو چشم، ۵۷
طانیطونک (شیراز)، ۱۸۴	غوبزک (زابل)، ۱۶۲	قسط سیاه، ۲۳۹	کاورس، ۱۰۰
طبرزد، ۲۰۰	غوره خرما، ۹۴	قسوة الکلابغلتک، ۱۸۳	کاوزاون، ۲۶۸
طرخون دشتی، ۲۰۵	غویش، ۲۲۱	قشر ترجیه، ۲۴۰	کاو زیان، ۲۶۸
طرخون رومی، ۲۶۱	فراژمنک (سجزی)، ۲۷۱	قطرات کوئی، ۲۴۱	کاوشک (شیراز)، ۱۸۴
طرم (لرستان)، ۸۵	فریهن، ۸۳	قمریت (اصفهان)، ۲۵۵	کاو مکه، ۴۳
طفک (شیرازی)، ۳۵	فُرژد، ۹۹	قمش (جرجان)، ۲۷۹	کاه‌رای، ۲۶۴
طلخشقو (زابلستان)، ۳۸	فرزد جویبار، ۴۴	قناروخشک، ۵۳	کاهل، ۱۰۰
طنجبین، ۲۰۲	فرینه، ۸۳	قندرون (اصفهان)، ۸۱	کاه‌مکه، ۴۳
طوس (شیراز)، ۳۹	فَرَنجَمَشک، ۵۳	قنطوریون باریک، ۲۷۴	کاهو، ۱۳۳
طوسک (شیراز)، ۱۴۹	فریرسب، ۲۴۷	قوج (ترمذی)، ۲۲۶	کاهیان، ۲۳۶
عَبَس، ۱۸۳	فریز، ۹۹	قهوه، ۸۹	کیابه دهن شکافته، ۲۲۲
عدس خوراکی، ۲۰۷	فَزغند (سغدی)، ۲۲۶	قیچ، ۲۳۳	کیابه دهن گشاد، ۲۲۲
عرش نما، ۲۴۵	فستق (شیراز)، ۱۹۶	قیصر، ۵۹	کبرک، ۱۱۸
عرق درخت توت، ۱۹۹	فَلال، ۳۴	قیصی، ۲۸۲	کبست، ۱۲۶
عروس آب (رنگرزان)، ۱۰۳	فلسب، ۲۴۷	کاج، ۱۹۶	کبیدانه، ۱۱۱
عروس در پرده، ۲۴۹	فلقل تر، ۵۷	کاج (شیراز)، ۱۹۶	کیکه، ۲۵۰
عروس در پرده (شیراز)، ۲۴۹	فلقل دراز، ۱۴۲	کاجیره (دیلمی)، ۴۲	کجومن، ۲۴۹، ۲۵۲
۲۴۹	فلقل سفید، ۱۴۲	کاجیره (همدان)، ۲۱۰	کچومن (شیراز)، ۲۴۹
عروس در پرده (ماوراء)	فلقل سیاه، ۷۰	کاردوالی، ۹۵	کحل فارسی، ۶۶
النهر، ۲۴۹	فلقلک (طبرستان)، ۱۶۴	کازریسک (شیرازی)، ۲۷۷	کدرو (شیراز)، ۶۶
عروس در قبه (مرو)، ۲۴۹	فلقل کوهی، ۴۱	کازوان، ۲۶۸	کدو، ۲۳۷
عروس رزانی (ماوراء)	فلقل گرد، ۲۲۷	کاسنی، ۲۹۷	کدو (شیرازی)، ۸۲
النهر، ۲۴۹	فلک تاز، ۲۴۵	کاسنی رومی، ۲۶۱	کدو مکه، ۲۳۷
عروسک پس پرده (فارس)، ۲۴۹	فلنجمشک، ۲۲۵	کاش (تنکابن)، ۲۷۰	کدوی تلخ، ۲۳۷
۲۴۹	فلنجکشت، ۴۰	کاشم رومی، ۱۸۱	کدوی رومی، ۱۴۲
عریقصاء (سجزی)، ۱۲۵	فلنجکشت، ۴۱، ۱۵۲، ۲۲۸	کافوریوی، ۵۷	کذی، ۲۹۷
عکاش (بلخ و طخاری)، ۲۲۶	فندق، ۱۰۵، ۸۸	کافور یهودی، ۱۶۰، ۲۴۹	کربز، ۲۳۳
۲۲۶	فندق هندی، ۵۴	کاکسر، ۲۳۲	کرت، ۲۳۷
عَلَس (سجزی)، ۲۰۷	فودنج جوهی، ۱۹۸	کاکل، ۲۳۲	کیرته (سجزی)، ۱۲۱
علفک داغ، ۲۰۵	فیلگوش، ۲۳۰	کاکلک (اصفهان)، ۱۹۴	کرجیل (تنکابن)، ۱۶۲
عنبر بید، ۱۰۳	قارچ، ۲۲۱، ۲۱۸	کاکیان، ۲۳۶	کرد، ۱۰۳
غاوشیرک، ۲۱۷	قِئاء کوچک، ۱۹۸	کال (شیراز)، ۱۰۰	کرسب، ۲۵۳
غرب، ۱۳۶	قدومه (اصفهان)، ۹۶	کالوسک (سنجری و	کرسب کوهی، ۲۲۷
غروب‌اوس (بلخی)، ۲۰۲	قرمون، ۲۵۱	سجزی، ۷۳	کرفس جوئی، ۲۵۳
	قسبک (شیراز)، ۹۵	کانیطوسک (شیراز)، ۱۸۴	کرفس رومی (جرجان)،

کشی، ۲۹۷	کندر دریایی، ۲۶۳	کویج (اصفهان)، ۱۶۲
کشوت، ۵۵	کُنْدُش، ۲۶۳	کهزک (شیراز)، ۱۰۲
کشوآ، ۵۵	کندشه، ۲۶۳	کهزک (شیراز)، ۱۰۲
کشوت فارسی، ۲۵۸	کنزک، ۱۱۸	که (شیراز)، ۲۱۳
کُشِنِیاء (سجری جدید)، ۲۸۴	کنکر، ۱۱۴، ۲۶۳	کهه (شیراز)، ۲۳۸
کفرک (شیرازی)، ۱۰۲	کَنکَر، ۱۱۴	کیده (اصفهان)، ۲۴۸
کلاغ پا (پهلوی)، ۱۵۵	کنکران (ری)، ۲۴۵	کیرجک (دیلم)، ۸۸
کل انگور (مکران و قزدار)، ۸۱	کنکرززی (سجری)، ۲۱۴	کیر کازرونی (شیراز)، ۱۳۲
کلبانی، ۵۱	کنکرزد، ۱۱۴	کیکر، ۱۰۲
کلبک، ۲۵۵	کَنکَرزَد، ۱۱۴	کیکز، ۱۰۲
کل کنده (شیرازی)، ۲۶۰	کنگر، ۱۱۴	کیک ولرش (طبرستان)، ۱۱۸
کلم، ۲۵۵، ۲۵۶	کنگر آبی، ۲۳۵	کیل، ۱۶۲
کلم رومی، ۲۴۵	کنگرخر، ۱۸۹	کیلجک (دیلم)، ۸۸
کلم کرد، ۲۴۵	کنگرزد، ۱۱۴	کیلدارو، ۱۶۹
کلنجه، ۷۰	کنگر سفید، ۷۱	کیل سرخ (شیرازی)، ۱۶۳
کلنک، ۲۵۵	کنگری، ۱۱۴	کیل (شیراز)، ۱۶۲
کَلَنکَر، ۲۱۴	کوار (دیلم)، ۲۵۲	کیهه، ۲۱۳
کلول (آذربایجان)، ۱۰۴	کوخر (شیراز)، ۱۱۷	گاوچشم، ۲۱۷، ۲۸۰، ۹۰
کلیک (تنکابن)، ۱۴۶	کورار، ۲۲۴	گاو دانه، ۲۵۳
کُم، ۲۳۳	کورتره (مازندران)، ۱۰۲	گاورس، ۱۰۰
کلمات، ۱۲۱	کور سور (کرمان)، ۷۶	گاوزبان، ۲۶۸
کُماشیر، ۲۶۰	کورک (شیراز)، ۲۵۰	گاوزوان، ۲۶۸
کماه (شیراز)، ۲۳۸	کوزبویا، ۱۰۷	گاوشیر، ۱۰۰
کماه کوهی (شیرازی)، ۱۷۱	کوزد (شیراز)، ۶۶	گاو مشنگ، ۱۵۶
کمثری (شیرازی)، ۲۶۱	کوز کلاغ، ۱۰۹	گاسمطوسک (شیرازی)، ۱۸۷
کنار، ۱۶۸	کوز کندم، ۱۰۷	گره دشتی، ۴۳
کنار (سجری)، ۲۸۹	کوز مائل، ۱۰۹	گردکان، ۱۰۶
کنارهوشه، ۵۳	کوشْتیل (تنکابن و دیلم)، ۲۶۴	گردو هندی (شیراز)، ۲۸۷
کنب، ۲۴۵	کوشاد، ۱۰۶	گرزد دشتی، ۱۸۸
کنبشک (سجری)، ۱۱۱، ۸۱	کوشت (شیراز)، ۱۲۶	گرگ مرگ، ۱۲۸
کِنَبَهن، ۸۱	کوشنه، ۲۳۹	گز، ۴۰، ۲۰۲
کتور (شیرازی)، ۱۳۳	کوشیر، ۱۰۰	گز انگدان خوش، ۵۰
کتو (شیراز)، ۱۳۳	کوله پر (مازندران)، ۶۵	گز انگدان خوش، ۱۲۱
کنجد، ۱۷۶	کونژده (اصفهان)، ۶۶	گز، ۱۰۳
کنجده (اصفهان)، ۶۶	کونک، ۲۸۵	گز نه، ۶۵
کنجده (اصفهان)، ۶۶	کوارات، ۱۳۲	گز، ۵۱
کرفس صخری، ۲۲۷	کوهان، ۲۶۳	
کرفس کوهی، ۱۵۱، ۲۲۷، ۲۶۱		
کرفس ماقدونی، ۲۲۷		
کرفش، ۲۵۳		
کرکاس (شیراز)، ۱۴۷		
کرک جرواش (تنکابن)، ۹۹		
کرک سیاه، ۴۱		
کرم، ۲۵۵		
کِرْمَدانه، ۲۵۵		
کرم دشتی، ۲۲۲		
کروان، ۸۲		
کُزویا رومی، ۲۳۵		
کرویای دشتی، ۲۳۵		
کرویه، ۲۵۶		
کرویه (شیرازی)، ۲۵۶		
کره، ۵۷		
کریون، ۲۴۶		
کزطلخون، ۲۰۵		
کزمارک، ۴۰		
کزمازق، ۴۰		
کُزمازک، ۵۷		
کزمازک، ۲۰۲		
کُزْم (سجری و سمرقند)، ۱۸۵		
کُزَنه دشتی، ۴۳		
کسبت، ۱۲۶		
کسته (شیرازی)، ۲۱۰		
کسناج، ۲۹۷		
کسنگ، ۲۵۳		
کسنگ (شیرازی)، ۲۵۳		
کُشی، ۲۹۷		
کس وبران (شیرازی)، ۲۵۰		
کُشت بَزکُشت، ۲۵۷		
کُشت برکُشت، ۲۵۷		
کشمش کاولیا، ۱۴۳		
کُشَر، ۲۵۳		

گشت بر گشت، ۲۵۷	گل یوسف، ۷۹	لرکیماس، ۱۶۳	۳۰۰
گشن، ۲۵۳	گنجشک ازوان، ۲۶۹	لعبت بربری، ۱۷۹	ماهومورد، ۳۶
گشنیز، ۱۷۶، ۲۵۷	گندم، ۱۲۶، ۲۰۰	لعل معبری، ۲۴۷	ماهی زهره، ۲۷۷
گشنیز کوهی، ۲۷۷	گندم دیوانه، ۱۹۴	لکونا (تنکابن)، ۲۶۶	مترک کازرونی (شیراز)، ۱۱۷
گل آفتاب پرست، ۳۴	گندم صحرایی، ۲۳۵	لوییا، ۱۳۴، ۲۷۱	مخنخ (بلخ)، ۸۴
گلایبی (شیراز)، ۲۶۱	گندم مکه، ۲۱۳	لویبای سفید، ۵۴	مران، ۱۷۱
گل اریه (شیراز)، ۱۰۳	گندم مکه (تنکابن)، ۱۳۹	لویبای هندی، ۱۴۷	مرجان مروارید خرد، ۷۹
گل انار صد برگ، ۱۰۴	گندنا، ۲۵۲	لوف، ۲۴۶	مرج (سفید)، ۲۲۷
گل پر، ۲۴۸	گندنا کوهی، ۲۲۴	لوفای فاخر، ۲۴۶	مرجومک، ۲۰۷
گل حلوا، ۷۹	گندنا دشتی، ۲۵۲	لیذون، ۲۶۵	مرخوش (شیراز)، ۲۸۰
گل خق، ۴۲	گندنا کوهی، ۲۲۴	لیمو، ۱۰۴، ۲۷۴	مرزنجوش، ۶۶، ۱۱۳
گل خوش نظر، ۲۷۷	گوزغست، ۲۴۵	لیمودار، ۲۹۵	مرزنگو، ۳۴، ۲۷۹
گل خیری، ۱۴۰	گوزگندک، ۱۰۷	لیمون، ۲۷۴	مرزه، ۱۸۷، ۱۹۵
گل رعنا زیا، ۲۹۴	گورگیا، ۴۳	لینوفر هندی، ۶۸	مرغ زفانک، ۲۶۹
گل روسبیجه، ۲۹۴	گورگیا، ۴۳	ماذر درخت (کرمان)، ۹۶	مرماهان، ۲۸۰
گل سرخ، ۲۹۴	گوزگندم، ۱۰۷	مارجوبه، ۲۹۷	مرماهوز، ۲۷۹
گل سرخ صحرانی، ۱۴۶	گوزن تل (جرجان)، ۴۳	مارجوبه، ۹۲، ۲۹۷	مرماهوس، ۲۸۰
گل سنگ، ۱۱۷	گوزن گیا، ۲۶۴	ماردارو، ۲۲۲	مرماهویه، ۲۸۰
گل سنگ، ۲۰۰	گوزن گیاه (مازندران و	مار درخت (کرمان)، ۹۶	مرمیخا (سفید)، ۲۷۹
گل عاشقان (خراسان)، ۱۶۲	دامغان)، ۲۶۴	ماز کینوا، ۲۷۵	مرو، ۲۶۸
گل عنبرین، ۲۹۰	گوزنیک، ۲۶۴	مارگیا، ۲۷۵	مژو، ۲۸۰
گل قبحه، ۲۹۴	گوش فیل، ۲۷۳	مارمورد، ۳۶	مروازاد، ۲۷۹
گل قحبه (شیراز)، ۲۹۴	گون، ۲۳۳، ۲۵۱	مارنه، ۹۹	مرو بری، ۲۸۰
گل کافشه، ۴۲	گیاه آبگینه، ۱۱۹	مازیون سفید، ۲۷۵	مرو تلخ، ۲۸۰
گل کاوشه (اصفهان)، ۲۱۰	گیاه عقرب (مصر)، ۱۹۴	مازیون سیاه، ۴۶، ۱۲۸	مرو جبلی، ۲۷۹
گل کلم، ۲۵۵	گیاهی آبگینه، ۱۱۹	مازن شیر (بخاری)، ۲۱۱	مرو خوش، ۲۷۹
گل کیدی، ۲۴۸	گیلاس، ۲۳۴	مازو، ۱۵۴، ۲۱۱	مرو دشتی، ۲۹۸
گل گندم، ۱۰۷	گیل دارو، ۱۶۹	مازوی ریزه دانه کوهی، ۱۷۵	مرو رشک (شیراز)، ۲۸۰
گل گندم (شیرازی)، ۱۰۷	گیله نار، ۲۳۴	ماش، ۵۸، ۱۳۷، ۲۷۵	مروزشک، ۲۸۰
گلگون (اصفهان)، ۹۶	لادن، ۱۹۸، ۲۶۵	ماش دارو (شیراز)، ۲۶۱	مروسرز (شیراز)، ۷۲
گل مشکین، ۲۹۰	لادنه، ۲۶۵	ماش هندی، ۲۵۹	مرو سفید، ۱۶۳، ۲۸۰
گلنار، ۱۰۴	لاک ساق، ۱۴۳	مامیثای سرخ، ۴۴	مروه، ۵۶
گلنار، ۲۳۴	لاله سرنگون، ۲۶۶	مامیران، ۱۴۲، ۱۶۱، ۲۷۶	مرو همیشه بهار، ۲۷۹
گلنار دشتی، ۱۰۴	لاله نغمانی، ۲۶۶	مسانداری تلخ (شیراز)، ۲۶۰	مژو (اصفهان)، ۱۸۰
گل نرمه (سجزی)، ۱۳۳	لاور شیر، ۱۰۰	ماهلو (شیرازی)، ۱۲۴	مستار (زابل)، ۵۶
گل هاشم (شیراز)، ۲۹۹	لحوز (شیرازی)، ۲۸۶	ماهوانه، ۱۱۳، ۱۴۷، ۲۷۶	مست رو (شیراز)، ۲۷۵
گلیم شوی، ۳۴، ۳۵، ۷۴	لُخ، ۷۵		مُست (زابل)، ۱۷۱

مشت (شیراز)، ۲۷۵	میرک کازرونی (شیراز)، ۱۱۷	تَرُوک، ۲۹۰	وزک (شیراز)، ۲۲۰
مشک چوپان (فارس)، ۱۹۰	می سیب، ۹۴	تُرُک (سجزی)، ۲۶۶	وَرُ، ۲۹۳
مشک داش (تنکابن)، ۱۹۰	میشبهار، ۲۸۰	نسترن گل، ۲۹۰	وسمه، ۲۵۱
مشک زمین، ۱۷۱	میشاء (سیستان)، ۳۷	نسرين، ۲۹۰	وَشْفَنگ (سجزی)، ۸۳
مشکک (شیراز)، ۱۹۴	میعه تر، ۲۸۶	نسرين زرد بری، ۲۹۴	وشک، ۸۱
مشکین جه (اصفهان)، ۲۹۰	میعه خشک، ۲۸۶	نسرين زرد بستانی، ۲۹۴	وشک (اصفهان)، ۲۲۰
مشنگ گاوی، ۲۵۳	میلکندی (خراسانی)، ۱۶۳	نشاط افزا، ۲۴۵	ول، ۲۵۵
مشو (شیراز)، ۸۹	میل (مازندران)، ۹۷	نشک، ۲۰۷	ون، ۸۱
مغد، ۲۷۰	میوه درخت سرو، ۱۷۰	نِشَنگ (زابل)، ۱۸۳	ونک (شیراز)، ۲۸۱
مغیلان، ۶۲	میوه کاکتج، ۲۰۶	نعناع، ۲۹۰	وَنُوشک، ۸۱
مکرنه، ۹۹	میویج، ۲۸۷	نغن خوالان، ۲۸۹	ونیره، ۸۱
ملبند شدرک، ۸۲	ناجو، ۱۹۶	نقل خواجه، ۱۱۱	وهل (شیراز)، ۲۰۸
مَلَنج (زابل)، ۱۸۰	نار، ۱۵۷، ۱۰۴	نکریز (شیراز)، ۲۳۶	وئی ایزه، ۲۱۰
مُلک (خراسان)، ۱۰۴	نارجیل دریائی، ۲۸۷	نونند (شیراز)، ۱۱۶	ویذویک (خوارزم)، ۲۸۶
ملک (سجزی قدیم)، ۲۸۴	نار فارس، ۲۸۸	نوارس، ۲۳۳	وَنُود (ترمذی)، ۲۶۰
ملک طلخه، ۲۹۷	نار قیصر، ۲۸۸	نه کوهی، ۲۲۸	وَنُودَه (بخاری)، ۲۶۰
ملوخیه (بلخ)، ۲۸۴	نارک، ۲۸۹	نهمنک (ری)، ۱۴۸	هدل، ۱۲۰
منج (بلخ)، ۸۴	نارکیوا، ۲۷۵	نی، ۲۴۰	هرداد (اصفهان)، ۱۱۸
مَنج زراوُشان، ۲۸۵	نار مشک، ۱۵۸	نیپال، ۲۴۰	هردا (صفاهان)، ۱۱۸
منره وشک، ۱۸۰	نارِمشک، ۲۸۸	نیشکر، ۲۴۱	هرسه (شیراز)، ۲۶۶
موجه (اصفهان)، ۲۴۵	نارونه خرما (شیراز)، ۹۵	نیلوپرک، ۲۹۲	هرشه (شیراز)، ۲۶۶
مورد، ۳۱، ۳۶	نازبو، ۱۸۳	نیلوفر، ۲۳۲، ۲۷۲	هرطمان، ۲۳۷
مورداسبرم، ۳۶	ناز، ۱۹۶	نیلوفر ترکی، ۸۰	هرنوه، ۲۹۶
مورداسبرم، ۱۵۹	نانخاه، ۲۸۹	نیلوفر فارسی، ۸۰	هَره، ۲۹۶
مورداسفرم، ۳۶	ناخنواه، ۲۸۹	نیلوفر هندی، ۵۶، ۶۸	هریتکه (گیلان)، ۶۵
موز، ۲۰۳	نانکش (نیشابور)، ۸۱	نی نهاوندی، ۲۴۰	هزار بندک، ۲۱۰
موژ (سجزی)، ۱۸۰	نان کلاغ، ۱۲۹	نی هندو (سجزی)، ۱۴۰	هزارپا، ۲۹۰
موسیر، ۴۸، ۹۸	نبات ازاد، ۱۰۳	وادرنک، ۴۰	هزار جَسان، ۲۱۵
موشان پیاز، ۴۹	نجمه، ۹۹	وارد شیران، ۲۸۰	هزار چَسان، ۲۲۲
موشک (اصفهان)، ۲۵۰	نخود، ۱۲۴	وتلخ، ۲۹۷	هزار جشان، ۲۹۷
مویزج عسلی (شیراز)، ۱۴۳	نخودک (مازندران)، ۱۲۹	وجاثلق (کوهستان و لرستان)، ۱۰۳	هزار سفید (شیراز)، ۱۱۶
مویزک (شیراز)، ۲۸۷	نخود الوندی (اصفهان)، ۱۶۱	ورس، ۳۹	هزار شاخه، ۲۲۲
مویزک عسلی، ۱۴۳	نخود دشتی، ۱۲۴	ورق بارتنگ (شیراز)، ۲۶۹	هزار فشان، ۲۲۲
مهر گیاه، ۳۰۰	نخوشی (شیراز)، ۲۲۲	ورق بنگو، ۷۸	هزار کشان، ۲۲۲
مهک (شیراز)، ۱۸۰	نرسک، ۲۰۷	وریژک، ۲۹۳	هزار گشان، ۲۹۷
میخک، ۲۳۸	نرگس، ۶۷، ۲۹۰	ورینه (تبریز)، ۹۶	هزاره، ۱۰۴
میردارون، ۲۸۰		وزد، ۲۱۳	هشت دهان، ۱۳۶، ۲۹۷
			هفت برج، ۲۷۵

- هفت برگ، ۲۷۵  
 هفت بزج، ۲۷۵  
 هفت پهلوی، ۲۶۹  
 هفت زرده (شیراز)، ۲۹۰  
 هلال (شیراز)، ۱۲۰  
 هلال مشکک (شیراز)، ۱۲۰  
 هلو، ۱۳۹  
 هلیله، ۳۵، ۶۸، ۸۷، ۲۴۹  
 هلیله زرد، ۶۸  
 هلیله سیاه، ۶۸  
 هلیله کابلی، ۶۸  
 هلیله مویزک (شیراز)، ۶۸  
 همیشه بهار، ۳۷  
 هنجمک (ری)، ۲۴۵  
 هنداوانه (تبریز)، ۸۲  
 هندوانه، ۸۲  
 هندوانه ابوجهل، ۱۲۶  
 هوجویه، ۴۰  
 هوره، ۲۶۰  
 هیکل، ۲۲۶، ۲۲۷  
 هیل، ۲۳۲  
 هینگ (سجزی)، ۶۵  
 یاس سفید، ۲۰۵  
 یاسمین بری، ۲۰۵  
 یاسمین سفید، ۱۵۲  
 یریک، ۳۴  
 یل شیرین (شیراز)، ۲۰۱  
 یلم (سجزی)، ۲۱۰

## ۳ - نام‌های یونانی، لاتینی، رومی

آقوزون، ۱۶۵	ابویناقس، ۱۰۰	ادی دولی، ۲۶۰	آزطامیسا، ۲۴۷
آبیوس، ۲۶۱	ابویاناقس، ۱۰۰	اذررقوس (رومی)، ۵۲	ارطمیسا (رومی)، ۷۷
آذربو، ۱۷۱، ۳۴	ابوخلسا، ۱۳۴، ۳۸	اذرقیس (رومی)، ۵۲	ارطوس (رومی)، ۲۶۹
آذربوا، ۳۴	ابوسمس، ۲۵۴	اذقونیدیس (رومی)، ۱۴۸	ارطیسیا، ۶۱
آذربوی، ۳۴	ابوغلصن، ۶۷	اذقیوس (رومی)، ۱۴۸	ارطیه ماسیا، ۷۶
آذربویه، ۳۴	ابوفاطریوس، ۵۴	اذیارتون (رومی)، ۷۶	ازفامسیس اریثوس، ۱۲۴
آرمنیس، ۴۵	ابوفاطریوس (رومی)، ۵۴	ارایشس، ۱۲۴	ارفلس، ۱۸۲
آطه، ۲۲۰	ابوفایس، ۳۹	ارایشوس، ۱۲۴	ارفلن، ۱۱۳
آغئس، ۱۸۵	ابوفسطن، ۳۹	ارایشس ایمارس، ۱۲۴	ارقطوس، ۱۲۴
آقطی، ۱۳۸	ابوقانس، ۱۲۳، ۳۹	ارامانیا، ۲۸۲	ارقالیا، ۲۶۶
آلسن، ۳۷	ابوقاوس، ۳۹	ارامونی، ۱۸۸	ارقان، ۱۲۵
آلوسن، ۲۸۰	ابوقسطنطس، ۳۹	ارب، ۲۷۳	ارقطس، ۱۱۳
آمی، ۲۸۹	ابوقینوس، ۵۹	ارباننش، ۱۲۴	ارقوس، ۳۹
آزئزذائن، ۲۳۰	ابومارس، ۱۲۰	اربسارم (فرنگی)، ۲۷۳	ارقولس، ۳۹
الوبیقواون، ۵۶	ابونیطس، ۲۵۰	اریصارن، ۲۷۳	ارقونیدوس (رومی)، ۲۱۸
ابابوس، ۲۲۳، ۳۳	ایید، ۲۶۱	اریقانن (رومی)، ۲۲۹	ارقیسون، ۴۵
اباخورس (رومی)، ۶۳	اییدی (رومی)، ۲۶۱	اربوطانون، ۱۲۱	آزقیطون، ۴۵
ابارس، ۱۰۵	اییکه (لاتینی)، ۲۶۱	ارییان، ۱۵۵	ایومزردقطولوس (رومی)، ۱۷۹
اباریقون، ۱۰۶	اپوپاقس، ۱۰۰	اریپانس، ۱۲۴	ارمیتافن، ۲۸۲
اباغلس، ۶۳	اثاریون، ۵۰	ارییشوس، ۱۲۴	ارمنیقون، ۲۴۰
اباغورس (رومی)، ۶۳	اثانقون، ۵۱	ارتقش (لاتینی)، ۲۶۵	ارمنین، ۴۵
ابانس، ۳۳	اثونیون، ۲۴۰	ارتیک پریم (لاتینی)، ۶۵	آزمتین، ۴۵
ابانون، ۳۳	اثونیطس، ۲۵۰	ارتینوس، ۱۹۴	ارموکی (رومی)، ۲۷۱
ابردیون، ۵۲	اثویس، ۲۸۰	ارثیوس، ۸۰	ارمیناقن، ۲۸۲
ابرقیا (رومی)، ۴۸	اجیلیه (رومی)، ۲۴۶	ارجیقن، ۱۶۲	ارمیناقون (رومی)، ۲۸۲
ابرنج، ۷۷	آخیون، ۴۲	ارخس، ۱۳۶	آزن، ۲۷۳
ابرو، ۸۹	اخردس، ۲۹۰	ارخس طوماغن، ۱۳۶	آزن صاژن، ۲۷۳
ابروطائن، ۱۲۳	آخزساج، ۴۲	ارخیس، ۱۳۶	ارنغلیسون (رومی)، ۲۶۹
ابروطنیون (رومی)، ۱۹۳	اخرسون، ۱۵۳	ازدق ناقی، ۴۴	ارتقالس، ۲۶۹
آبرون، ۳۷	آخیروس، ۴۲	ارزااردفناقی، ۴۴	آزنوغلسن، ۲۶۹
ابرویون، ۵۲	اخیونس (رومی)، ۱۸۰	ارسطالوخیا، ۱۶۰	ارنیوقرینوس، ۷۰
ابریامتی، ۱۱۳	اخیون، ۲۵۲	ارسطالوخیا، ۱۶۰	اروییموس، ۲۵۳
ابریمون (رومی)، ۷۰	ادرک، ۴۱	ارسطالوخیا، ۱۶۰	اروس، ۲۰۸
ابلاطنوس، ۱۴۵	ادرومیلن (رومی)، ۹۴	ارطاماسیا، ۷۶، ۶۱	اروسا، ۳۸
ابن سراپیون (رومی)، ۷۶	ادمظوس (رومی)، ۲۶۴	ارطاماسیا (رومی)، ۲۴۷	اروسیمن، ۹۶
ابنیس، ۱۱۳	ادیانطن، ۲۵۷	آزطاماسا، ۲۴۷	

اروسیمون، ۱۸۹	اسطراکه لیکه (فرنگی)، ۲۸۶	اسقلا، ۴۹	اطیا، ۲۲۰
آرون، ۱۴۶	اسطرخلو (رومی)، ۲۱۵	اسکردا (رومی)، ۹۸	اطیرنه، ۲۵۱
اروناردش، ۱۰۵	اسطرس، ۲۶۳	اسکردیون (رومی)، ۹۸	اطیطون، ۴۹
اریزجیم (فرنگی)، ۲۳۶	اسطروبیلیا (رومی)، ۱۹۶	اسکی‌نان‌تو (فرنگی)، ۴۱	اطیوس (رومی)، ۷۶
اریزون (رومی)، ۴۴	اسطروثیون (رومی)، ۲۶۳	اسلوقوطیس (رومی)، ۴۹	اظا، ۲۲۰
اریغانون، ۱۹۵	اسطوخودوس، ۴۷، ۱۱۹	اسلیوس، ۱۷۴	اعروعلیطوس (رومی)،
اریغانون (رومی)، ۲۲۹	۱۳۳، ۱۹۳، ۱۹۵	آسماقوس (رومی)، ۱۳۵	۲۷۷
اریقابوشا، ۲۰۲	اسطوخودوس، ۱۰۳	اسمیم باروم (فرنگی)، ۱۸۴	اغاریقون، ۲۱۸
ارینفس، ۲۲۷	اسطوریقون (رومی)، ۲۴۴	اسمیم (فرنگی)، ۱۸۴	اگرانیون، ۲۸۱
ازحمیون، ۲۵۶	اشفاراغش بظراؤس، ۲۹۷	اسمیم ماکنوم (فرنگی)،	اغرسطورون (رومی)، ۲۵۵
اسارون، ۱۱۹، ۱۴۲، ۲۸۸	اسفرینه (فرنگی)، ۲۰۹	۱۸۴	اغرسطس، ۴۳، ۹۹
اسارون (رومی)، ۴۶	اسفکوخوس (رومی)، ۸۶	اسوفس، ۱۶۵	اغرسطیس، ۹۹
اساطوس، ۲۹۲	اسفلیاطیقوس، ۴۸	اسیلیسقان (رومی)، ۱۰۶	اغرسوذوطوس (رومی)،
آساطیس، ۲۹۲	اسفلیس، ۴۹	اشپرون (اندلس)، ۱۱۵	۲۵۵
اساطیس اغریا، ۲۹۲	إسقلیناس، ۴۸	آشفاقش، ۴۸	اغروسطوس (رومی)، ۴۴
اسبالاقوس، ۱۰۹	اسفودالوس، ۱۳۸	اشلیه پاتم (فرنگی)، ۱۲۲	اغرو سوقومیس (رومی)،
اسپالاتوس، ۱۴۱	اسفودلوس، ۳۷	اشلیه (فرنگی)، ۱۲۲	۲۳۳
اسپنس (فرنگی)، ۴۸	اشفودلوس، ۱۳۸	اشیرون (اندلس)، ۱۱۶	اغریا (رومی)، ۲۵۵
استب (لاتینی)، ۲۶۴	اسفومغری، ۱۰۵	اصاقو (رومی)، ۲۸۲	اغریمون، ۱۰۲
آسنب (لاتینی-اندلس)،	اسفیراداغیوس، ۲۳۳	اصطفالینوس، ۱۰۳	اغریوس، ۱۲۴
۲۶۵	اسفیقوس (رومی)، ۲۶۲	اصطفیذه (رومی)، ۲۱۴	اغریوس (رومی)، ۱۲۶
استراتیکو، ۴۸	اسفیون الشوذه، ۷۸	اصطفیقوس (رومی)، ۲۶۲	اغرواطس، ۹۹
استراطیقوس، ۵۴	اسقال، ۴۹	اصوفورون، ۲۷۱	اغفورقیون (رومی)، ۲۳۳
اسطاری، ۹۳	اسقردین، ۲۸۳	اطا، ۲۲۰	اغلبس، ۱۴۷
اسطافالیقوس اغریوس،	اسقروامس، ۸۸	آطراطیقوس، ۵۴	اغلبص، ۱۴۷
۱۰۳	اسقلیاطیقوس (رومی)، ۵۴	اطرافعس، ۲۴۱	اغلقندریا (رومی)، ۲۸۲
اسطافالینوس اغریوس،	اسقلیطاس (رومی)، ۵۴	اطراقولیس، ۲۱۰	اغلبس، ۲۵۴
۱۰۳	اسقندریون، ۹۸	آطرقفسوس (رومی)، ۱۷۰	اغلیطوس، ۲۲۲
اسطافالینوس اغریوس،	اسقنوقراطیس (رومی)، ۴۹	اطرقطوس، ۲۳۶	اغنس، ۴۱
۱۴۸	اسقوانس، ۷۸	اطرقطولس، ۲۳۶	اغنوس، ۴۱
اسطافالیوس، ۱۰۳	أسقوردیون، ۴۸	اطروکیا (رومی)، ۳۵	اغنوس (رومی)، ۴۱
اسطافیدوس اغریا، ۲۸۷	اسقوردیون، ۸۰، ۹۸، ۱۸۹	اطریفلین، ۱۲۲	اغنیس، ۴۰، ۴۱
اسطاکیس (فرنگی)، ۲۷۹	اسقورولوس، ۱۳۸	اطریون، ۲۳۳	اغوری، ۱۲۱
اسطبخیس (رومی)، ۲۶۲	أسقولوقندریون، ۴۹	اطریون (رومی)، ۲۳۳	اغیراطون، ۵۵
أسطخودوس، ۴۷	اسقیدولیون (رومی)، ۲۴۹	اطزوخیوس، ۲۱۴	اغیرس، ۱۰۹، ۱۲۷
اسطراطیقوس، ۴۸، ۱۳۱	اسقیرن، ۲۹۸	اطفکسوس، ۲۴۱	اغیرس، ۲۶۴
اسطراطیقوس الصغری،	إسقل، ۴۹	اطمیثا (رومی)، ۲۴۷	اغیلفس، ۱۴۷
۱۰۵	اسقیل، ۲۱۵	اطمیسا، ۷۶	افاتیس، ۲۲۳

افاریقون، ۲۹۸	افیوسطافیلن (رومی)، ۲۵۰	اکیروس، ۱۰۸	الیکا (رومی)، ۲۲۰
افامیرون، ۷۰، ۱۸۰	اقرارو، ۲۵۶	اگیراتون، ۵۵	الیمون، ۲۸۴
افیمون، ۵۵، ۱۴۱	اكارون، ۲۹۳	الابورش مألش، ۱۳۰	آلینو، ۲۵۱
آفیمون، ۵۵	اقاقالیس، ۵۷	الاطینی، ۲۶۶	الیون (رومی)، ۱۵۳
آفریبون، ۵۵	اقاقلیس، ۲۰۲	آلاطینی (رومی)، ۲۶۷	آماریطن، ۶۱
افریبون، ۱۶۳، ۲۲۴	اقاقیا، ۵۷، ۸۲	الالسفاقس، ۲۶۸	اماریطون، ۱۵۳
آفستتین، ۵۵	اقالیفی، ۶۵	البانونس، ۱۳۱	اماریقون، ۱۰۶
افستثون (رومی)، ۵۶	اقتلقا (رومی)، ۷۵	البروس، ۱۳۰	امامون، ۱۲۴
افطریون، ۱۷۳	اقدینا، ۱۹۳	البوزش لوقس، ۱۳۰	امانیاقن، ۵۱
افطیمس، ۳۰۰	اقدی (رومی)، ۱۷۲	البیسم (لاتینی)، ۲۳۰	آمبزیباریس، ۶۱
افکرکسیس، ۲۴۱	اقرانیقی، ۱۸۹	الثا، ۱۲۹	امبلویراسون (لاتینی)، ۲۵۳
افلایوس (رومی)، ۶۵	اقرسینی (رومی)، ۲۶۶	الثا، ۱۳۶	امبودیس، ۳۸
افلیطون (رومی)، ۴۹	اقریطون، ۲۴۸	آلسن، ۱۳۳	آندزیان، ۶۲
افلیوکیبون، ۲۴۱	اقریطی، ۲۸۱	الطیرون (رومی)، ۲۳۳	امراطیون، ۲۶۲
افثیثون، ۵۸	اقریون، ۲۵۴	الغثه (لاتینی)، ۲۹۵	امراقون (رومی)، ۲۷۹
آفنیقون، ۵۶	اقسوس، ۱۴۳، ۱۶۲	الفوثویا (رومی)، ۱۵۳	امرقون (رومی)، ۷۰
افنین بدونون (رومی)، ۵۵	آفسون، ۵۸	القباپن، ۲۴۹	امروسیا، ۲۹۸
افودوس (رومی)، ۱۲۶	اقسیس، ۱۶۲	القسینی، ۱۱۹	امفلویراسیون (رومی)، ۲۵۲
افوروس (رومی)، ۱۲۶	اقسینی (رومی)، ۲۶۶	آلقسینی، ۲۶۶	إمقدال بیقرا، ۲۷۲
افوسالین، ۲۵۴	اقسیوس، ۱۶۱	القطرون (رومی)، ۲۶۴	إمقدال غلوقیا، ۲۷۲
افوسالینون، ۲۵۴	اقطاطاقیس (رومی)، ۸۱	القیس، ۲۶۶	امونیاقن، ۲۹۵
افوسالیون، ۲۳۵	اقططرمتثوس (رومی)، ۸۱	الکس، ۱۲۶	امونیاقون (رومی)، ۵۱
افوقونس، ۱۲۸	اقلفوس (رومی)، ۲۵۵	الکسینا (رومی)، ۲۶۶	امونیقون (رومی)، ۵۱
آفیمون، ۵۵	اقلفی (رومی)، ۲۵۵	إلکسینی، ۱۱۹	امیانی، ۲۸۹
افیشمون، ۱۹۵	اقلیطی، ۱۷۸	الکن (رومی)، ۲۳۹	امیریباریس، ۲۷۱
افیشمون لیتون، ۵۵	اقتالوقی، ۷۱	اللشی، ۶۰	امی (رومی)، ۲۸۹
افیغورون، ۵۶	اقتالوقین، ۷۱	آلمو (لاتینی)، ۱۰۷	امیرون (رومی)، ۷۰
افیقرورون، ۵۶	اقتالوقی، ۷۲	المیون، ۴۹	امیغدالی (رومی)، ۲۷۱
آفیقُطس، ۵۶	اقورون، ۲۹۳	آلتج، ۶۰	امیولوفرأس (رومی)، ۲۲۵
افیقون، ۸۸	اقوقوس (رومی)، ۸۱	النیسون (رومی)، ۱۵۳	امؤمن، ۱۲۴
افیلون، ۵۶	اقولاقائن، ۱۲۲	الواس (رومی)، ۲۱۶	آناغالس، ۶۳
افیمارن، ۷۰	اقونیا، ۱۱۲	الودین، ۲۶۰	اناغلس، ۳۴
افیمارون، ۱۰۸، ۱۷۹	اقونیطن، ۱۲۸	آلوسن، ۶۰	آناغورس (رومی)، ۶۳
افیمدیون، ۲۶۹	اقیاقیلونی (رومی)، ۲۴۰	آلوسن، ۶۰	اناغیرس، ۶۲
افیمدیون، ۲۷۵	اقیثالوقی، ۵۸	آلوسون، ۶۰	انانوس (رومی)، ۱۵۲
آفیمدیون، ۵۷	اقیرون (رومی)، ۲۹۳	آلوین، ۶۰	انبالس مالیا، ۲۲۲
افینوس، ۱۶۸	اکاکیا (فرنگی)، ۲۳۷	الیا، ۱۳۶	انبالقراشن، ۲۵۲
آفیوس، ۵۷	اکثیقوس، ۱۴۳	الیسما، ۲۸۱	انبریباریس، ۳۸، ۴۰، ۶۱



انبویاریس، ۳۸	انکسینی، ۱۱۹	اورمون (رومی)، ۱۰۲	ایدامیر، ۶۹
انثامیس، ۶۴	انگذاله (فرنگی)، ۲۷۱	آوروپس، ۲۵۳	ایدوصارون، ۲۶۹
آنثلیس، ۶۴	انتوس، ۲۶۱	اوروذیس (رومی)، ۲۳۰	ایدیاسمن، ۱۱۳
انثوس (رومی)، ۲۹۳	انوخیلوس، ۱۵۵	اوروسیمون (رومی)، ۱۷۶	ایدیاسمن، ۲۹۰
انثون (رومی)، ۱۸۴	انوسما، ۴۳	اوریز، ۴۴	ایدیاسمین، ۱۱۳
انجسا، ۳۸	آنوشه (لاتینی)، ۱۷۱	اوریزا، ۱۲۶	آیندآریذا، ۶۹
اندراسیون، ۲۶۲	آنوپیلون، ۶۷	اوریزوژینوس (رومی)، ۲۳۰	ایدنطوس (رومی)، ۲۶۶
اندرافکسیس، ۲۴۱	آنوما، ۶۸	اوریفاسن، ۱۹۵	ایدوسارون، ۶۹
اندرخانا (رومی)، ۸۲	انومیا، ۱۸۸	اوزمون (رومی)، ۱۰۲	ایدوصارون، ۶۹
اندرخنا (رومی)، ۸۲	انونکسا (رومی)، ۱۳۶	اوزنس، ۲۵۳	ایدون، ۴۶
اندرسامس، ۱۵۸	انیسن (رومی)، ۶۷	اوزونا، ۲۶۰	ایدونیارون، ۶۹
آندرزوارون، ۶۶	انیسوم (رومی)، ۶۷	اوسفدنون، ۲۴۹	ایدوسومون (رومی)، ۲۹۰
اندرصارون، ۶۹	آنیسون (رومی)، ۶۷، ۷۸	اوسفول (رومی)، ۱۶۵	ایدیصارون، ۱۴۴
اندروآفقسس، ۱۷۰	۱۵۲، ۱۵۳، ۲۶۲	اوسفون (رومی)، ۱۶۵	ایرسا، ۷۰، ۱۴۶، ۱۸۰، ۱۸۱
اندروساقس، ۲۹۸	انیطوا (لاتینی)، ۱۸۴	اوسیرس، ۱۲۲	ایرصابا، ۲۷۳
اندروسامن، ۲۹۸	انیولیس، ۲۸۰	اوسیمون، ۴۶	ایرنجان، ۲۳۶
اندروصارون، ۲۲۲	انیولیون، ۲۵۴	اوقاریقن، ۲۹۸	ایرنجی، ۲۳۶
آندروطالیس، ۶۶	انیون، ۱۵۳	اوقاریقون، ۲۹۸	آیرنی، ۲۷۳
اندیقا، ۲۹۷	آنیته دغائه، ۱۱۹	اوقارینداس، ۶۸	ایرنیوقرینوس (رومی)، ۱۸۰
انسون (رومی)، ۶۷	آوافیوس، ۶۷	اوقاس، ۳۹	ایروفلون (رومی)، ۱۵۳
انسیتون (رومی)، ۵۶	اوبانیس، ۵۷	اوقانتوس، ۶۱	ایروقولیون (رومی)، ۱۷۴
انشعی، ۱۲۹	اوبیطوری (لاتینی)، ۲۱۹	اوقلاوقا، ۵۹	ایریس، ۷۰
انطرقطولس، ۲۳۶	اوبیانس، ۵۷	اوقیمون، ۷۱	ایریفارون، ۷۰
انطریون، ۶۶	اوبیانیس، ۵۷	اوقیمویداس، ۶۸	ایریمورون (رومی)، ۱۸۰
انطویا (رومی)، ۲۹۷	اوئنا (رومی)، ۱۰۴	اولسطیون، ۱۰۱	ایرینون، ۷۰
انطوینا (لاتینی)، ۲۹۸	اوئومیس (رومی)، ۲۷۵	اولیاطیوم، ۲۵۵	ایزون، ۳۷
انطینس، ۱۲۲	اوزدمون (رومی)، ۱۷۳	اومومون، ۱۲۴	ایزیون (رومی)، ۳۷
آنغزا، ۶۶	اوزی تغس (رومی)، ۲۴۳	اومیطرون، ۲۴۶	ایزیفازن، ۷۰
انفالیوس (رومی)، ۷۰	اوراسالیون، ۲۵۳	اونطریثا، ۲۲۶	ایساطس، ۲۹۲
انفسینی، ۱۱۹	اوراسیمون (رومی)، ۲۹۰	آوتیا، ۶۸	ایسقوس، ۱۳۶
انفلوس (رومی)، ۲۵۵	اورافلون (رومی)، ۱۵۳	اونیاغائه (لاتینی)، ۲۴۴	ایصورین، ۱۱۳
انفولوفا (رومی)، ۱۵۳	اوردپاپاری، ۲۲۸	ایارانوطابی، ۶۹	ایفلوفوس (رومی)، ۲۵۰
انقردیا (رومی)، ۸۵	اوردقیون (رومی)، ۲۳۲	ایسقسوس (رومی)، ۲۸۴	ایفوریس (رومی)، ۱۵۱
انقسوس، ۲۶۱	اورزأ، ۴۴	ایبولوبوس (رومی)، ۲۵۰	ایلرسیا (رومی)، ۸۸
انتقلامی (رومی)، ۹۴	اورسالتون، ۲۵۴	ایثوسیس (رومی)، ۲۷۵	ایلیوٹرویون، ۲۰۴
انقیون (رومی)، ۱۸۴	اورسیمون (رومی)، ۲۳۰	ایشولیس، ۶۹	ایلیوٹرویون طوماغا، ۲۰۴
انکالن (فرنگی)، ۶۳	اورغیون (رومی)، ۵۰	ایدراسیمون، ۱۱۳	ایلیوٹرویون طومقرون، ۲۰۴
انکسینس (رومی)، ۳۳	اورمش، ۱۰۵		

ایمارانو طولی، ۷۰	آرتقی، ۱۱۰	أسطوخودوس، ۱۹۷	إفومارثن، ۱۵۳
ایمارس، ۹۳	أرجه (لاتینی)، ۲۱۳	أسطوخودس، ۴۷	أفومارثون، ۱۵۲
ایمارو قالاس، ۸۰	أرخس، ۱۳۵	أسقلیئس، ۴۸	أفیغژون، ۵۶
ایهقان، ۱۰۲	أرسطلوخیا، ۱۶۰	أسقردین، ۹۸	أفیققطس، ۵۶
آآقتس، ۱۱۴	أرسطولوخیا، ۱۶۰	أسقلیاس، ۴۸	أفیئیون، ۵۶
أارون، ۲۷۳	أرطاماسیا، ۶۱	أسقیرن، ۶۹	أفیمارون، ۵۶
أاقونیطن، ۱۲۸	أرطاماسیا، ۷۷	أسوقون، ۱۶۵	أفیمارون، ۱۸۱
أقیئس، ۲۲۵	أرطریفیون، ۶۰	أسیرون (اندلس)، ۱۱۶	أفیمیزیون، ۵۷
ألیمون، ۲۴۲	أرغامونی، ۱۳۸، ۱۸۸	أشبطانہ (لاتینی)، ۱۸۱	أفیمیدیون، ۵۷
أموئن، ۱۲۴	أرغامونی أغریا، ۱۸۸	أشقالیہ (اندلس)، ۲۱۳	أفیوس، ۵۷
أمی، ۲۶۲	أرقطیون، ۴۵	أشقرزین، ۴۹، ۹۸	أقاقالیس، ۴۰
أنیئن، ۶۷	أرقطیون آخر، ۴۵	أشکالیه (لاتینی - اندلس)، ۲۱۳	أقاقالیس، ۵۷
أبابئس، ۳۳	أرقوش، ۲۰۸		أقاقیا، ۱۹۱
أآذاریذا، ۶۴	أزمینن، ۴۵	أشکیطله (لاتینی)، ۱۲۰	أقالیقی، ۶۵
أارن، ۲۷۳	أرتقالس، ۲۶۹	أصفوزن، ۵۴	أقسوس، ۵۸، ۵۱
أاریصارن، ۲۷۳	أرنیئوس غالا، ۱۹۴	أطاء، ۲۲۰	أقسوس، ۱۴۳
أاطا، ۱۳۶	أروسیطیقون، ۱۷۱	أطرقطولس، ۲۱۰	أقسیا، ۵۸
أآامونی، ۱۸۸	أروسیئمن، ۹۶	أغافث، ۱۸۸	أقطی، ۸۵، ۱۳۸
أبروئوذیا (رومی)، ۱۱۸	أروسیمن، ۱۹۰	أغرسطس، ۹۹	أقطی، ۱۳۸
أبروئوتون، ۷۷	أروسیمون، ۹۶	أغرسطس، ۹۹	أقطیون، ۹۰
أبروئوتون، ۲۴۷	أریصارون، ۲۷۳	أغرسطس، ۹۹	أقتا، ۷۱
أبوخلسا، ۳۸	أریقارون، ۱۹۳	أعئس، ۴۱	أقتا أرابیقا، ۱۸۹
أبوفایس، ۳۹	أریقون شاطوریون، ۱۳۵	أغیراطن، ۵۵	أقتا آقینس، ۶۱
أبوفایس، ۳۹	أریقی، ۴۶	أغیراطین، ۵۵	أقتالوقی، ۵۸
أبوسفطن، ۳۹	أریقی، ۱۳۷	أغیرس، ۵۵	أقتالوقی، ۷۱
أیوسفطن، ۳۹	أسارون، ۴۶	أغیرس، ۱۲۷	أقتس، ۱۱۴
أبومارثون، ۱۵۲	أسارون، ۲۸۸	أفارینی، ۸۶، ۱۱۸	أقتنون، ۵۸
أیبله دطلباطه (اندلس)، ۳۷	أساطیس، ۱۱۳	أفاقی، ۹۲	أقتا، ۷۱
أجیلپس، ۱۴۷	أساطیس، ۲۱۱	أفئیمون، ۲۵۸	أقیمن، ۵۹
أحیرش، ۴۲	أساطیس أغریا، ۱۱۳	أفریبون، ۵۵	أقینس، ۲۲۵
أخلیوس، ۴۲	أساطیس، ۲۹۲	أفلاطینس، ۱۴۶	أقئس، ۲۲۵
أخلیوس سندریطس، ۱۴۶	أساطیس أغریا، ۲۱۱	أفملیس، ۱۶۲	أکسورس، ۱۸۱
أخلیوس سندریطس، ۱۷۹	أسجل، ۴۶	إفورس، ۵۰، ۱۵۱	الآخزیا، ۱۶۶
أخیون، ۴۲	أسطافالینوس أغریوس، ۱۰۳	أفورس، ۱۵۱	الافوسقن، ۱۵۶
أرا، ۱۶۴، ۱۹۴		أفوسالینون، ۲۵۳	الافوشقن، ۱۵۶
أزباقه (لاتینی)، ۱۴۹	أسطافاندا أغریا، ۱۱۱	أفوقونن، ۴۲	الآنیون، ۱۵۳
أزئش ایمازس، ۱۲۴	أسطراطیقوس، ۴۷	أفوقونن، ۱۲۸	الآنیون، ۱۵۳
أربیان، ۴۴	أسطراطیوس، ۱۵۱	أفولابائن، ۱۲۲	الآلسناقس، ۶۰

اَلْثَّاءُ، ۱۳۶	اَنْدَرُ وَاَفْسُسُ، ۲۴۱	اِثیوئیس، ۶۹	بالانوس، ۱۰۷
اَلْثَّاءُ، ۱۳۶	اَنْدروسا، ۱۵۸	اَیدایاریزا، ۶۹	بالانوس (رومی)، ۲۵۰
اَلْسِیْنِی، ۳۴	اَنْدروسامُن، ۶۹	اَیدوصارون، ۶۶	بالسطیون، ۱۰۴
اَلْقَسِیْنِی، ۱۱۹	اَنْدروصاقس، ۶۶	اَیدِیصارون، ۶۶	بالسطیون، ۱۰۴
اَللِّیْقَاثِیْن (رومی)، ۲۱۵	اَنْدَراسِیون، ۷۴	اَیرَنجان، ۱۹۲	باناقس (رومی)، ۱۰۰
اَلوین، ۶۰	اَنْطَرِیْتِن، ۶۷	اَیرَنجی، ۱۹۱	بَیْرَاطَه (لاتینی)، ۱۹۲، ۲۳۶
اَلوَسَن، ۶۰	اَنْطویا (رومی)، ۲۹۸	اَیرَنجی، ۲۳۶	بیلیون، ۲۹۵
اَلوَمُس، ۱۴۳	اَنْغرا، ۶۶	اَیرِیس، ۷۰، ۱۸۱	بشروطوس، ۲۵۸
اَلوُی، ۶۱	اَنْقردیا (رومی)، ۶۷	اَیرِیغران، ۷۰	بدالیون (رومی)، ۲۸۳
اَلوُی، ۱۹۵	اَنِسون (رومی)، ۱۵۳	اَنِسْفُس، ۱۶۵	بدولیون (رومی)، ۲۸۳
اَلِیْخْرِیْسُون، ۶۱	اَنِط (لاتینی)، ۱۸۴	اَنِسْقَواشس، ۸۸	بدیلئون (رومی)، ۲۵۵
اَمَارِطُن، ۶۱	اَوَا، ۲۱۹	اَیفورِس، ۵۰	بذالیون (رومی)، ۲۸۳
اَمَارِطُن، ۶۱	اَواقشوس، ۶۷	اَیفورِس، ۱۵۱	بَذلیون، ۲۸۳
اَمْبَرِسیا، ۷۷	اَوِشْنِشِی، ۵۶	اَیلیوطرویون، ۱۹۴	برائی، ۳۹
اَمْذریان، ۶۲	اَوِیقلصن، ۶۷	اَیْلِیوطَرْوِیون طُومِقْرُن، ۹۵	بِرائی، ۳۹
اَمروسیا، ۶۱	اَوِیوطیلون، ۶۷	اَیماروقالس، ۷۰	بِرَاسِنُوشْقَرْدِزین، ۹۸
اَملیس، ۶۳	اَوْبَه فَنینَه (لاتینی)، ۲۱۵	اَیمارُوقالِیس، ۱۸۱، ۱۶۴	براسن وقافالوطن، ۸۰
اَمیرباریس، ۱۲۰	اَوِیْبِذْجی، ۸۳	اَیْهَقان، ۱۰۲	بِرَاسِین، ۲۲۴
اَمیونیطس، ۱۱۹	اَوْذَرْباباری، ۲۲۸	بالیدونیقی، ۲۷۶	براونیا، ۲۲۲
اَناطیریا ارمالی، ۶۳	اَوراسالینون، ۲۵۳	باباری، ۴۶، ۷۰، ۱۴۲، ۲۲۷	برباریس، ۳۵، ۵۸، ۶۱، ۱۶۳
اَنَاغالیس، ۳۴	اَوِرسِیْمون، ۴۶	بابروس، ۷۵	بریشکَه (اندلس)، ۹۰
اَنَاغرن، ۶۲	اَوِروِیْنجی، ۲۰۱	بابلص، ۲۹۵	بِرِیُوْذِیَه (لاتینی)، ۷۹
اَنَاغلس، ۲۳۱	اَوِروِیْنخی، ۴۷، ۱۱۸	بابیر، ۷۵	برئانیون، ۵۷، ۵۸
اَنَاغورس، ۱۳۲، ۲۱۶	اَوِریغانش، ۱۹۵	بادلیون، ۲۸۳	بردنمانمون، ۲۵۷
اَنبالس لوقی، ۲۲۲	اَوِزِیْمَن، ۱۰۲	بادیقون (سوریه)، ۶۵	بردسیون، ۱۰۱
اَنبالس مالیس، ۲۲۲	اَوسانی (آفریقا)، ۲۶۹	بارسطاریون، ۷۰، ۷۳	بردیقیاس، ۱۱۹
اَنبطرون، ۶۳	اَوْفِیُوْشْقَرْدِزین، ۹۸	بارقیون، ۱۹۱	برسانیون، ۱۲۱
اَنْتِیْلِش، ۶۴	اَوْقِیْمَن، ۷۱	باریسطاریون، ۱۵۶	بِرِیُسْتَم (فاس)، ۱۶۰
اَنْتامیس، ۷۰	اَوکسجونس، ۵۰	باسلیقا، ۱۰۶	برسون، ۲۲۴
اَنْتِیْلِیس، ۶۴	اَوکسجونوس، ۵۰	باسلیقون، ۲۸۹	برسیا، ۲۶۶
اَنْتِیْمُس، ۶۴	اَولسطیون، ۱۰۱	باطاسیطس، ۹۳	بِرِیْسِیقا، ۱۳۹
اَنْتِیْمَس، ۷۰	اَولیرا، ۲۱۳	باطالا، ۱۴۴	برشِیقا (افرنجی)، ۴۰
اَنْتِیون، ۱۸۴	اَولیرا، ۲۶۳	باطانیقی، ۱۵۵	برشِیقا میلا، ۱۳۹
اَنجشا، ۶۶	اَونوسما، ۶۸	باطراخیون (رومی)، ۲۵۳	برطانیقی، ۶۰
اَنْحَسَا، ۳۸	اَونوما، ۴۳، ۶۸	باطس، ۲۱۳	بِرْطَانِیقی، ۷۶
اَنْحوسا، ۳۸	اَوِنیاغائَه (لاتینی)، ۱۸۵	باطس، ۲۱۳	بِرْطَانِیقی، ۷۶
اَنْدَراسِیون (لاتینی)، ۶۶	اَیارابوطانی، ۶۹	باقولا، ۲۴۲	برطانیقی (رومی)، ۲۳۹
اَنْدَرْخَنی، ۸۳	اَیارابوطانی، ۷۰	باکسیان، ۸۲	برطانیقی (لاتینی)، ۲۳۹

برطوماش، ۴۶	بسیلون، ۷۸	بکریدیا (رومی)، ۲۹۷	بَظادَقَطولُن، ۸۹
برطینی (لاتینی)، ۲۵۹	بشبوقة (اندلس)، ۱۳۸	بکلورم (لاتینی)، ۲۶۸	بَظاطوس، ۸۸
برغال‌سالی (فرنگی)، ۸۳	بَشَلْسَكَه (لاتینی)، ۱۰۶	بلایس، ۸۰	بَظافلُن، ۸۸
بر (فرنگی)، ۲۵۳	بشوریقون، ۲۲۷	بلاپیوس (رومی)، ۱۰۸	بَظافلُن، ۸۸
بِرَقَقلی (لاتینی)، ۸۳	بشیوما، ۹۶	بَلاسنطور (فرنگی)، ۸۵	بَظافلُن، ۸۸
بِرکسوس، ۷۶	بطارس، ۱۶۹	بلاقه (لاتینی)، ۱۰۹	بَظافلُن، ۱۵۲
برکیره، ۴۷	بَظالایا، ۱۴۴	بلال، ۳۵	بَظافلُن، ۲۵۹
برکینه، ۴۷	بطراخیون، ۲۵۴، ۲۵۰	بَلايه، ۲۲۹	بَظافلون، ۱۲۵، ۲۵۸
بِرَمَس	بَظراخیون، ۲۵۰	بَلايَه جَزبَوَنَه (لاتینی)، ۲۸۱	بَظاموَمُن، ۸۸
بِرَنجاسف، ۷۶	بطراسالنون، ۲۵۳	بلايه قَبرونه، ۵۹	بَظاناَطی، ۸۸
برنج اسف، ۷۶	بطراسالینون، ۲۲۷، ۲۲۶	بلباسی (رومی)، ۲۵۰	بَظفلون، ۴۱
برنجاسف، ۷۷	بطراسالینون، ۲۲۶	بُلِيسا، ۸۰	بَظطیقا، ۱۵۴
بِرنجاسف (رومی)، ۷۷، ۱۹۰	بطرس، ۶۱	بُلْبَس طویل، ۸۰	بَظقراطیون، ۲۴۳
برواونثلاسیون، ۲۰۰	بُطرس، ۷۷	بلیوس، ۸۰	بنولیون، ۵۴
برواه (رومی)، ۵۲	بُطرس، ۱۹۰	بَلْبوس، ۸۵	بوارس، ۲۸۱
بروطوس (رومی)، ۲۵۷	بطرسالی (فرنگی)، ۲۲۷	بلبوسا، ۱۷۹	بوئالمیوس، ۲۱۷
بروق، ۱۳۸	بطرسالینوس، ۲۵۴	بلطانس (فرنگی)، ۱۴۵	بویلسمون (رومی)، ۸۶
بروقیا، ۲۰۴	بطرسالینون، ۲۵۳	بلطان، ۸۴	بویونیاون، ۱۸۹
برومس، ۱۲۶	بطرساموه، ۲۵۴	بلغوثیون برمندار، ۲۱۰	بوثلمون، ۹۰
بَرون، ۵۵	بطرسلینون، ۲۵۴	بلغیس، ۲۵۲	بوذاغانن، ۲۰۴
برون، ۲۰۰	بطرمیقی، ۱۷۲	بلناس (رومی)، ۲۵۰	بوراطاغرین، ۱۲۶
برون (پرتغال)، ۲۶۲	بَظَرَمِیقَی، ۲۱۶	بَلْتائین (لاتینی)، ۲۶۹	بوراطاغونس، ۳۹
بَرون ثالاسیون، ۲۰۰	بَظَرِیون، ۲۳۳	بلودقش، ۱۳۳	بورکر (رومی)، ۱۳۷
بروند (فرنگی)، ۲۴۰	بطریون، ۲۹۲	بلوس، ۲۰۲	بوصیر، ۳۳
برون (رومی)، ۳۹، ۱۳۰	بطم، ۱۹۸	بلوطی، ۸۷، ۱۴۴	بوظاموغیطس، ۱۱۰
بَزیون، ۱۹۲، ۵۲	بطوس، ۱۹۰	بَلوطی، ۸۷، ۱۷۹	بوظاموغیطن، ۹۹
بزوثون (رومی)، ۳۹	بطیالایا، ۲۹۰	بلوغوناظن، ۸۷	بوطنیه (اندلس)، ۲۲۲
بسباث بلی کوئیم (لاتینی)، ۲۱۰	بَطِیخ (رومی)، ۸۱	بَلوغوَنُن، ۲۱۰	بوطنیه، ۹۰، ۲۲۲
بسبکه (فرنگی)، ۲۲۵	بغلیس، ۲۵۲	بَلوئین، ۱۰۳	بوغلصن، ۲۵۲
بسد، ۷۹	بَقْلَمُن، ۲۱۷، ۹۱	بَلِیطی، ۸۴	بوغلصن، ۲۶۸
بَسَد، ۷۹	بَقْثوَفِرْثُن، ۸۲	بُشرقه (رومی)، ۲۳۹	بوغلوسن (رومی)، ۲۶۸
بَسَد، ۱۴۰	بقریس، ۲۹۸	بُتتوقس اَظا، ۳۴	بوفاالمون، ۹۰
بَسَد، ۷۹	بقسیس، ۸۲	بتتومه (اندلس)، ۸۷	بوقی، ۲۴۶
بَسَد، ۷۹	بقسین، ۸۲	بتتومه، ۱۵۷، ۱۵۰	بوکسطیلان طریول رماکه
بَسَد، ۷۹	بقسیون، ۸۲	بَظاباطیس، ۸۸	(لاتینی)، ۱۲۵
بسطاقیا، ۲۲۵	بقطانین (رومی)، ۱۹۶	بَظابیَطوس، ۸۹	بولاییطس، ۱۰۵
بَسَظاقیا، ۲۲۵	بقغانین، ۲۴۹	بَظادانِیقَا، ۱۴۴	بولاقیطس، ۱۳۴
	بقنوقومُن، ۸۵	بَظادَقَطولُن، ۸۸	بولامنیون، ۹۰

بولامونیون، ۹۰	پوروس (رومی)، ۱۲۶	نمبرا، ۱۹۵	حماقسیس، ۱۱۱
بولدین، ۲۸۱	تاجیقطن، ۲۸۰	ئوس، ۱۱۰	خارقیاس، ۳۰۰
بولوبودیون، ۷۹	تاسلفی، ۱۱۵	ئومالا، ۲۷۷	خالاون مالس، ۵۱
بولوبودیون، ۷۹	تاکوب، ۵۵	ئومالا، ۲۷۷	خالدونیون، ۲۰۸
بولودیون، ۱۵۷	تالاسفیس، ۱۰۲	ئومس، ۱۱۰	خالیدونیون، ۱۲۷، ۲۰۸
بولوزیون، ۷۹	تالیسفیس، ۲۸۱	ئوش، ۹۹	خالیدونیون طوماغا، ۲۰۸
بولوطریخون، ۷۵	تاموک، ۶۷	ئومش، ۱۱۰	۲۷۶، ۲۵۵
بولوطوطریخون، ۷۶	تترک، ۱۷۵	ئیلوطارس، ۱۵۷	خالیدونیون طومقرن، ۲۰۸
بولوطونخون، ۷۶	تخم، ۹۹	جالقیسدس، ۲۲۳	خالیدونیون طومقرن، ۲۷۶
بولوغاناطن، ۲۵۲	تخمه، ۹۹	جانوری، ۱۰۷	خاماقطی، ۱۳۸، ۱۵۷
بولوغانطن، ۹۰	ترمئ ایماروس، ۹۳	جرودا، ۲۹۴	خاماقطی، ۱۳۸
بولوغن، ۹۰	تکظیت، ۲۰۵	جسمی، ۱۱۸	خامادریوس، ۸۶، ۸۷، ۲۶۰
بولوقیمن، ۹۰	تلاسفین، ۱۱۶	چطره، ۱۲۲	خامادزیون، ۸۷، ۲۶۰
بولوقیمن، ۲۵۲	تلاشفین، ۱۱۵	چطریا، ۴۰	خامادفی، ۱۴۵، ۱۵۹
بولیطریخو، ۷۶	تلسفی، ۱۱۵	جقوطة (لاتینی)، ۱۹۱	خامادافنی، ۱۴۹
بونیاس، ۱۸۹	تلسفی، ۱۱۶	جلب (انگلیسی)، ۱۰۴	خاماسوقی، ۱۲۷
بونیاون، ۱۸۹	تنبایس، ۲۶۶	جلوقوریزون، ۱۸۰	خامافیطس، ۲۶۱
بونیقا، ۱۵۷	تنزیک، ۱۷۵	جنت قابضة، ۱۹۲	خامافیطس، ۲۶۱
بونون، ۹۰	توانیقی (رومی)، ۱۱۲	جنت قابضة (لاتینی)، ۲۳۶	خاماقسیس، ۱۲۸
بونون، ۹۰	توتاملون (رومی)، ۳۰۰	جنتوری (رومی)، ۲۴۵	خامالا، ۲۷۵
بهرامج (رومی)، ۱۳۷	توجردره (مغرب)، ۸۲	جنجیدیون، ۱۰۳	خامالآ، ۲۷۵
بیای درازاتیم (لاتینی)، ۱۸۸	توزانکون ناریه (فرنگی)، ۱۱۱	جنخلیدس، ۱۸۹	خامالان اونمالس، ۵۱
بیوریس، ۲۷۷	توفته (رومی)، ۵۲	چنطیانا، ۱۰۶	خامالان لوفش، ۵۱
پیرون، ۱۴۵	تومس، ۱۱۰	چنطیانا، ۱۰۶	خامالان مالس، ۴۷
بیشاک میسور (فرنگی)، ۲۶۹	تیزغا (فاس)، ۲۱۹	چنطیانا، ۲۵۸	خامالان مالش، ۵۱
بیشاک مینور (فرنگی)، ۲۶۹	تی سملیل، ۲۰۹	چنطیانا (رومی)، ۱۰۶	خامالان مالیس، ۵۱
بیطویداس، ۱۹۷	تیطرانگورن (رومی)، ۲۳۴	چنطیانه (رومی)، ۱۲۶	خامالاون، ۴۶، ۱۲۸
بیطویداس، ۱۹۷	ثالاسطون، ۱۵۸	جوده (فرنگی)، ۲۶۱	خامالاون لوقس، ۵۱
بیغانس، ۱۶۸	ئبوریدوس، ۲۲۸	جوله (لاتینی)، ۲۱۱	خامالاون لوقس، ۵۱
بیغانن، ۱۱۶	ئرئوقس ایماروس، ۱۳۳	جیسو (فرنگی)، ۹۲	خامالاون مالس، ۴۶، ۱۲۸
بیقرون (رومی)، ۵۶	ئرودوقس ایمارس، ۱۳۳	حاقطی، ۱۱۰	خامالاون مالس، ۵۱
بیلطس، ۱۱۹	ئعره، ۲۵۶	حاماقسیس، ۱۱۱	خامالآ، ۱۲۸، ۲۷۵
بیلیو (لاتینی)، ۹۱	ئقولس، ۲۹۷	حامافیطوس، ۲۶۱	خامالوقی، ۱۲۸
بیلیون، ۱۲۱	ئلاسفی، ۱۱۵	حجاکبوس، ۲۰۹	خامالوقی، ۲۱۸
بیلیو (لاتینی)، ۲۱۷	ئلس، ۲۴۰	حسمی، ۱۱۸	خامالیون، ۴۷، ۱۲۸
پاناقس، ۱۰۰	ئلسفی، ۱۳۱	حقوق (لاتینی)، ۱۹۱	خامامیلن، ۱۲۸
پم (فرنگی)، ۱۸۹	ئمارون، ۲۰۸	حلوسطقاقیل، ۱۹۶	خامانیطس، ۲۶۱
		حلیلوطن (رومی)، ۲۲۲	خاملاون مالس، ۲۲۵

خامون، ۲۶۲	دراقینی، ۱۳۹	دوقس، ۲۹۲	رودا ایدا، ۱۵۷
خاولنجان، ۱۳۹	دریقا (رومی)، ۷۱	دُوقو، ۱۴۸	رودیاریزا، ۱۵۹
خروسوقومی، ۱۵۱	درَس، ۸۶	دوقواغریا، ۱۴۸	رُودا، ۲۹۴
خطمی، ۱۳۶	درقنطیون، ۱۴۶	دیامنطیس، ۲۶۴	رُوداآریذا، ۱۵۹
خلبانی، ۷۲	درقیانا، ۳۰۰	دیامیرون، ۹۵	رُوداآیذا، ۱۵۸
خَلبانی، ۲۴۶، ۷۲	دروبطارس، ۱۴۴	دیبساقوس، ۱۴۸، ۱۳۳	روذوس (رومی)، ۱۵۷
خلدانئون، ۲۰۸	دُروبطارس، ۱۴۴	دیبناقوس، ۱۴۸	روس (رومی)، ۲۱۳
خلوانی (رومی)، ۷۲	دروفینوس، ۱۴۴	دیدرون‌اسایا (رومی)، ۲۵۵	رومیرو رومینیو (رومی)، ۵۹
خمادریوس، ۲۶۰	دروقی، ۲۴۹	دیقمطینون (رومی)، ۲۸۱	رویذون (رومی)، ۱۵۷
خمادفنی، ۲۷۵	دُروقیون، ۱۴۴	دیقورس، ۲۳۵	رویذین (رومی)، ۱۵۷
خمالاژن، ۲۷۵	دروقیون، ۱۴۴، ۱۴۷	دیبساقوس، ۱۴۸	رُؤوس اُ (أبی) اُطا اُؤنسا، ۱۷۵
خَما میلَن، ۶۴	دروقیون، ۱۴۴	ذافنی، ۱۴۹	زآ، ۲۱۳
خما یملن، ۷۰	درویطارس، ۵۲	ذافنی، ۲۱۸	زآء، ۲۱۳
خندروس، ۱۳۹	دریقون، ۲۴۹	ذافنیدس، ۱۴۹	زُبان لباسا (رومی)، ۸۶
خندروش، ۱۳۹	دریولطاس (رومی)، ۲۶۳	ذافنیدس، ۱۴۹	زتنکل (فرنگی)، ۲۵۰
خندریل، ۲۹۷	دسقس، ۱۳۳	ذاقنیداس، ۱۴۹	زُزغد (انطالیا)، ۲۴۸
خندریلی، ۱۳۹، ۲۱۲	دفعوس، ۱۰۳	ذاقنی، ۲۱۸، ۱۴۹	زُغیباری، ۱۶۴
۲۹۸، ۳۰۰	دفعین (رومی)، ۱۰۳	ذاقنی الاسکندری، ۱۴۹	زیزوفی، ۲۱۴
خَندریلی، ۲۹۸	دقنوداس، ۱۵۹	ذاقنوداس، ۱۴۹	سارس، ۲۹۸
خندوس، ۱۳۹	دقیقه، ۱۰۳	ذروفینون، ۱۵۰	ساریقون، ۱۹۳، ۵۶
خَیری، ۱۴۰	دفیون (رومی)، ۲۲۳	رآء، ۱۵۴	ساریقون، ۱۹۳
دارقنوطون، ۱۴۲	دَقَسِطُس، ۹۵	رابانس ازغریا، ۵۷	سازساحوره، ۲۱۳
دافنی، ۱۴۵، ۱۵۹	دقتابانون (رومی)، ۲۸۱	رافانوس، ۲۲۴	ساسالی، ۱۸۱
دبساقوس، ۱۴۸	دقظامیون (رومی)، ۲۸۱	رامنُس، ۲۱۷	ساسالیوس، ۱۸۲
دیبساقوس، ۱۴۹	دِقَطْمَن، ۲۸۱	رای مُنت، ۷۵	ساسالیون، ۱۸۲
درابی، ۱۱۵، ۱۱۶	دقطنن (رومی)، ۲۸۱	رائی مُنت، ۱۶۰	ساسلیون، ۱۸۱
درافس، ۱۳۹	دَلبُوث، ۱۴۴، ۱۴۶	ردین، ۲۶۰	ساتریوس، ۱۰۱
درافیون، ۲۷۳	دلپوس، ۱۴۶	رسماریتا (رومی)، ۲۳۹	ساتریون، ۱۳۵
دراقنطی، ۲۵۱	دماسونئون، ۲۸۱	رفالس (فرنگی)، ۲۲۳	ساتریه، ۱۳۵
دُراقن، ۱۳۹	دمسقینی (رومی)، ۴۱	رفانی (رومی)، ۲۲۳	ساتوریون، ۱۳۵
دراقن (شام)، ۱۳۹	دواغریا، ۱۴۷	رفینون (رومی)، ۲۲۳	ساتیورین، ۱۳۵
ذراقنطیون، ۲۳۱	دوا یا آغریا، ۱۴۷	رُقَعَة الصخری (اندلس)، ۱۵۷	سالتین اغریون، ۲۵۰
ذراقنطیون، ۲۷۳	دوا یا اغریا، ۱۴۸	رنف (رومی)، ۱۳۷	سالس اغریون، ۲۵۰
ذراقنطیون، ۲۷۳	دودزلوس، ۲۳۰	رواس، ۱۸۸، ۱۳۴	سالیونس قیفاژن، ۲۵۴
ذراقنوسقردیون، ۸۰، ۹۸	دودسطاروس، ۱۴۴	رویاس، ۱۸۹	سالیون ایمارش، ۲۵۴
ذراقونطیون، ۲۷۳	دورقنیطون (رومی)، ۲۳۰	رویپه (فرنگی)، ۲۳۰	سالیون ریفان، ۲۵۴
ذراقیطن، ۲۷۳	دوقس، ۱۱۸		
ذراقیطون، ۲۷۳، ۲۳۰	دُوقس، ۱۴۸		

سالمون قیفون، ۲۵۳	سطراطیوس ماریوس، ۱۱۰	سقر دیون براسن، ۸۰	سمیلئس، ۱۹۰
سالیون، ۲۵۳	سطراطیوطس، ۱۷۱، ۲۸۰	سقلیاس، ۲۴۵	سمیلئس، ۲۰۰
سامون، ۸۶	سطراطیوطس، ۱۷۱	سقلیاس، ۲۴۵	سمیلئس، ۲۷۱
سایر (رومی)، ۲۱۳	سطرخنوس، ۲۴۹	سقوس، ۱۲۶	سمیلئس، ۲۷۱
سبیره (اندلس - لاتین)، ۱۸۵	سُطرویللو، ۱۹۷	سُقوفندریون، ۱۵۷	سنبریون، ۱۱۶
سپارک (فرنگی)، ۲۹۷	سُطروئین، ۱۷۱، ۲۰۷	سقو قتریون، ۴۹	سنبل اقلیطی، ۱۷۸
سُتخادیس، ۴۷	۲۶۳	سقولوفندرو، ۱۱۹	سندریطس، ۱۱۴
ستوخس (رومی)، ۴۷	سُطروخنس، ۲۴۹	سقولوفندریا، ۴۹	سُندریطس، ۱۷۸
سجومیس، ۴۳	سُطروخنس فنجوش، ۲۴۹	سُقُولُوفندریون، ۴۸	سُندریطس، ۱۷۸
سُخس، ۴۳	سُطروخُتن البستانی، ۲۱۵	سقولوفندریون، ۴۹، ۱۱۹	سندریطس آخر، ۱۷۹
سُخوزیون، ۱۷۳	سُطروخنس، ۲۴۹	سقولوفندریون، ۲۷۱	سُندریطس آخر، ۲۵۷
سُخوئس لئا، ۵۰، ۱۷۵	سُطرومیون، ۱۷۱	سُقُولُوقندریون، ۴۹	سندریون (رومی)، ۹۳
سُخیس، ۴۳	سُطرونیون، ۱۷۱	سقولومس، ۱۱۴	سنتجی (لاتینی)، ۲۹۴
سُخینس، ۲۸۲	سطوبی، ۴۶	سُقُولُومس، ۱۱۴	سنو، ۱۹۲
سُخیئوس، ۴۳	سطوسا، ۱۸۴	سقولوموا، ۱۱۴	سوسان فوسوخیوس، ۴۸
سُخیونس، ۲۸۲	سُعب، ۱۶۹	سقولونیون، ۱۹۱	سوسنین (رومی)، ۱۸۰
سُخیونس، ۴۳	سُغابینون، ۱۷۳	سُقیلآ، ۴۹	سوکی فینون (رومی)، ۲۳۳
سُخیونس الأجامی، ۵۰	سُغادیکس، ۱۷۲	سککن، ۳۰۰	سولان، ۱۸۱
سرابیون، ۴۶	سُفارغانیون، ۲۰۷	سلاطم (لاتینی)، ۲۱۴	سولجان، ۵۳
سربن طین (فرنگی)، ۲۷۳	سُقذولیون، ۲۵۹	سلدهری (لاتینی)، ۲۵۳	سوناخیوس، ۴۸
سُزفغُلین (رومی)، ۶۶	سُفرطس، ۱۳۴	سلری (فرنگی)، ۲۵۳	سیدریطس آخر، ۱۷۹
سرونمارون، ۲۰۸	سُفرغانیون، ۱۸۱	سلفیون، ۶۵	سیسارون، ۲۵۲، ۲۵۴
سُرینه (رومی)، ۲۰۹	سُفلاریقون، ۲۴۳	سِلْفیون، ۶۵	سیساریون، ۱۸۱
سسالیوس ابونیقون، ۱۵۵	سُفلیون، ۴۹	سلفیون، ۶۵	سیسالوش، ۶۵
سسالیون، ۲۴۸	سُفندولیون، ۲۰۴	سلینون، ۲۳۵	سیسالیوس، ۱۶۷
سسالیون (رومی)، ۶۵	سُفوذلوس، ۱۳۸	سُمرنا، ۲۷۷	سیسالیون، ۱۸۱
سُشرم، ۱۸۲	سُفوس (لاتینی)، ۱۲۹	سُمرنیون، ۲۵۴	سیسالیون، ۲۴۸
سُسطاخیس، ۱۷۱، ۲۳۱	سُفیدلیون، ۱۷۲	سُمرنیون، ۲۵۴	سُیسانم، ۱۷۶
۲۳۲، ۲۸۰، ۲۹۵	سُقازطغانیون، ۱۸۱	سُمرنیون، ۲۵۴	سیسامون (رومی)، ۱۷۶
سُطاخیش، ۱۷۱	سُقاون (رومی)، ۴۱	سُمسخون، ۲۷۹	سیسامویداس الکبیر، ۱۰۱
سُطاریون، ۱۷۱	سُقراویداس، ۲۰۴	سُفسق (رومی)، ۲۷۹	سیسنبرون، ۱۱۶، ۲۵۴
سُطاریون، ۲۶۹	سُقراویداس، ۱۵۱	سُفقوط آخر، ۱۷۶	سیسنبرون، ۱۸۲
سُطاغونس، ۲۶۶	سُقراطیون، ۲۴۳	سُفقوطن بَطْراؤن، ۱۷۶	سیسنبرینی اقوانته، ۱۱۶
سُطالیون، ۲۸۰	سُقراغانیون، ۱۴۶	سُفقوطن آخر، ۱۷۶	سیسنبریون، ۱۸۲
سُطانیق، ۱۲۶	سُقربیون، ۲۰۴، ۲۰۲	سُفقوطن بطرا، ۲۷۴	سیسنبُریون، ۲۳۵
سُطانیون، ۲۱۹	سُقردونواس، ۸۰	سُفقوطن، ۱۷۶	سیطرمنون، ۳۴
سطراطیوس، ۱۷۱، ۲۶۹	سُقردین، ۹۸	سُمون، ۸۶	سیفایطوس، ۳۳
	سُقردین، ۲۸۳	سمیقلس، ۱۷۶	سیفروس (رومی)، ۲۶۳

سینقا، ۹۶	ششپاز (رومی)، ۲۲۲	طابلیدیون (رومی)، ۱۸۳	طَرْمَشَس، ۸۱
سیقاموری، ۱۰۵	ششتره، ۲۶۲	طارطقة (اندلس)، ۲۷۶	طَرْمَسُول (اندلس)، ۹۵
سیفس ایماروس، ۲۳۳	شَطْرِيَة (لاتینی - اندلس)، ۱۹۵	طارطْلَه (لاتینی)، ۲۷۶	طرویلیوس، ۱۱۸
سیقوس اغریوس، ۱۲۶	شطی رکس، ۵۳	طالسفر، ۱۹۹	طرویلِس، ۱۱۸
سیقوس پقرا، ۱۲۶	شَقْرَذِين، ۹۸	طالون (رومی)، ۳۵	طَرَوِيلَس، ۱۱۸
سیقوموروس، ۱۵۷	شقواصة (رومی)، ۴۶	طباط، ۲۱۰	طروین، ۲۴۸
سیقوموری، ۱۰۵	شقوشینا، ۲۳۳	طَبَاق (لاتینی اندلس)، ۷۷	طریله، ۲۹۱
سیلن، ۲۵۴	شکونیا (رومی)، ۵۵	طبق، ۱۷۳	طریخومانس، ۱۸۷، ۲۰۳
سیلنا (رومی)، ۲۵۳	شلباش (لاتینی)، ۲۱۸	طَخْش (لاتینی)، ۱۹۰	طریلدیون، ۲۴۸
سیلهین، ۲۷۱	شلشغین، ۱۰۶	طرابثیوس (رومی)، ۸۱	طریفِل (اندلس)، ۲۰۳
سین، ۱۸۲	شمار (رومی)، ۱۵۲	طرابثیوس (رومی)، ۸۱	طریفلم اورانم (لاتینی)، ۱۲۵
سینی، ۱۳۰	شمرنا، ۲۷۷	طراخیس، ۱۲۶، ۱۷۳	طریفِلن، ۱۲۵، ۱۳۵، ۲۹۱
سینون، ۲۲۰	شَمِث مَوْرِس (لاتینی)، ۱۹۲	طراغافئا، ۲۵۱	طریفْلُن، ۲۰۳
سیو (فرنگی)، ۱۸۲	شَمِث مَوْرِس (لاتینی)، ۱۹۲	طراغاقانثی، ۲۵۱	طریفْلُن، ۲۰۳
سیون (رومی)، ۲۳۵	شَتَالَه (لاتینی)، ۶۳	طراغاقثا، ۲۵۱	طریفْلون، ۱۵۵
شات ردجه، ۲۷۹	شنتله (اندلس)، ۶۲	طراغویوغن، ۲۰۱	طریفوس (رومی)، ۱۶۷
شاطرج، ۱۹۳	شَنکار، ۳۸	طراغوثن، ۲۰۱	طریفولون، ۱۲۵
شاطوریون، ۱۳۵	شنون، ۱۹۲	طراغوریغاس (رومی)، ۲۲۹	طریفولون (رومی)، ۱۱۸
شاکهبانته (لاتینی)، ۱۷۳	شوصرا، ۲۴۷	طراغوس، ۲۰۱	طریفولین، ۱۰۷
شالبین اغریون، ۲۵۰	شیریون، ۱۴۵	طراغون سقریون، ۲۰۱	طریفولیون، ۹۳، ۱۵۲، ۲۰۳
شالبیه (لاتینی)، ۶۰	شیلرو، ۱۵۷	طراغیس، ۱۷۴	طریفولیون، ۹۳
شالبیه (لاتینی)، ۲۶۸	شیون (رومی)، ۵۵	طراغین، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۸۲	طریفولیون، ۲۰۳
شالبیه، ۴۸	شاغابیشن، ۱۷۳	طراغیون، ۱۸۶	طریفولون، ۶۰
شاهسبرم (رومی)، ۵۹	صَرْقُوقْلا، ۶۶	طراغیون، ۲۰۱	طریفولون، ۱۶۲
شبنکه (فرنگی)، ۱۹۱	صرقوقولا (رومی)، ۶۶	طراغیون آخر، ۲۰۲	طریفولون، ۲۵۷
شبقوه (لاتینی)، ۱۳۸	صریوس، ۲۷۳	طرافلون، ۲۰۴	طریفولون (رومی)، ۹۳
شبقوه (رومی)، ۱۳۸	صَطَقْطی، ۲۸۶	طراقافیا، ۲۵۱	طریفولون (رومی)، ۲۹۴
شَبِیْطَه (لاتینی)، ۱۷۶	صعتروس، ۱۹۵	طرامنیوس (رومی)، ۸۱	طریفولون، ۱۹۱
شبیطة (لاتینی - اندلس)، ۱۷۶	صمصوخن، ۱۱۳	طرخشوق، ۲۹۸	طریفولون، ۱۹۱
شجر اوسینا، ۱۹۳	صَمْصُوحْن، ۲۷۹	طَرْمَزِيلُن، ۱۸۲	طریفولون، ۳۷
شجرة الجلتیت، ۶۵	صنجیس، ۴۸	طَرْمَزِيلُن، ۱۸۲	طریفولون، ۳۷
شَخْفراغته (لاتینی)، ۲۴۳	صَنخیس، ۲۹۶	طَرْمَزِيلُن، ۱۸۲	طریفولون، ۳۷
شرالیه آششش، ۳۰۱	صَنخیس، ۲۹۶	طَرْمَزِيلُن، ۱۸۲	طریفولون، ۳۷
شرالیه (لاتینی - اندلس)، ۲۹۸	صنفور، ۲۷۱	طَرْمَزِيلُن، ۱۸۲	طریفولون، ۳۷
شرالیه الحمار (اندلس)، ۲۹۸	صیصاموغریون، ۱۳۳	طَرْمَزِيلُن، ۱۸۲	طریفولون، ۳۷
شریائش (لاتینی)، ۲۱۸	صیکه (رومی)، ۹۶	طَرْمَزِيلُن، ۱۸۲	طریفولون، ۳۷
	صیموطوس، ۲۳۰	طَرْمَزِيلُن، ۱۸۲	طریفولون، ۳۷



طوفسس، ۴۳	غلوقریزا، ۱۸۰	فافا (رومی)، ۷۳	فَرَنائون، ۵۸
طوفوریوس، ۲۶۰	غلوقریزا، ۱۸۰	فافس، ۸۱	فَرَسِسا، ۲۶۶
طوقریوس، ۲۰۴	غلوقیون، ۲۷۶	فاقوس، ۲۰۷	فرسطاریون، ۷۳
طوقوریوس، ۱۱۹، ۲۶۰	غلوکس، ۲۲۱	فالنچیتس، ۲۲۳	فرسطالیون، ۱۵۶
طوماغا، ۲۰۸	غلیاون، ۵۳	فالنچیتن، ۲۲۳	فَرَسِیا، ۷۶
طومقرون، ۲۴۶	غلیجن، ۲۲۹	فالِنچِیتَن، ۲۲۳	فرسیون، ۲۸۰
طیرنه، ۲۰۴	غلیجن اُغریا، ۲۲۱	فالنچین، ۲۲۳	فرسیون (فرانسوی)، ۲۵۲
طیفی، ۲۰۴	غَلِیَحَن، ۲۲۹	فالیریس، ۲۲۳	فرفیون (رومی)، ۹۳
طیلافیون، ۱۱۸، ۲۰۴	غلیخن اُغریا، ۲۲۹	فالینوس، ۱۸۳	فَرَمیوس، ۲۲۵
ظریفان، ۱۳۵	غلیشن (رومی)، ۲۲۹	فالِیورُس، ۱۶۸	فریغلیون (رومی)، ۲۴۹
عارسا (رومی)، ۲۵۵	غَلِیقِسیدِی، ۲۲۳	فالِیورس، ۱۸۵	فرینون صواسنین، ۷۰
عرذی اکهر (رومی)، ۲۶۰	غنابلیان، ۲۲۶	فالِیورس، ۲۲۳	فسطاریون، ۱۵۶
عرصمودون، ۲۳۷	غنافالیون، ۲۲۶	فالِیورُون، ۱۶۸	فَسْغانیون، ۱۴۶
علیجن، ۲۲۹	غَنافَلِیان، ۲۲۶	فاناقس ابراقلیون، ۱۰۰	فَسْغانیون، ۱۸۱
عمرود (لاتینی)، ۲۵۳	غَنافَلِیون، ۲۲۶	فاناقس اسفینوس، ۲۲۳	فسلیون، ۷۸
عنقلی، ۱۸۹	غنطیانی (رومی)، ۱۰۶	فاناقس اَسْقَلِیبوس، ۱۶۵	فَسْلِیون، ۷۸
عنقلی، ۱۸۹	غَنغَلِی، ۱۸۹	۲۲۳	فَسْودُودِقطْمَن، ۲۸۱
غالونیس، ۲۱۹	غَنغَلِی، ۱۸۹	فاناقس اَیْراقلیوس، ۱۰۰	فَسودودِیقطامَن، ۲۸۱
غارانیون، ۳۷	غنکیلی (رومی)، ۱۸۹	فاناقس اَیْزَقْلِیون، ۱۰۰	فسودودِیقطامین، ۲۸۱
غارنیون، ۲۱۸	غُوذِیالَه (لاتینی)، ۲۱۰	فاناقس خمرونیون، ۲۲۳	فسوشی لیون (رومی)، ۸۹
غاریقون، ۲۱۸	غینغیدیون، ۱۸۳	فاناقس خیرونیون، ۲۲۳	فسولن (رومی)، ۲۷۱
غاغالس، ۲۱۹	فابا (رومی)، ۷۳	۲۴۸	فسیالانه، ۵۱
غالارتون، ۲۱۹	فابش القبطی، ۷۳	فانقراطیون، ۲۴۳	فشاشیش (رومی)، ۱۹۸
غالیَه (لاتینی)، ۲۱۵	فابش یونانی، ۷۳	فانقوس، ۲۶۲	فصولیا (رومی)، ۲۷۱
غالسیر، ۲۱۹	فابش یونانی، ۷۳	فوانیا، ۲۱۶، ۲۲۳	فطاربقا، ۴۹
غاله جاقه (لاتینی)، ۱۱۸	فابلص، ۸۳	فاورسیون (رومی)، ۲۳۳	فطراسالیون، ۷۸، ۲۵۳، ۲۶۱
غاله قَرَشْتَه (لاتینی)، ۱۷۸	فَابَه (لاتینی)، ۷۳	فاونیا، ۲۲۳، ۲۹۵	فَطْراسالیون، ۲۲۶
غالیسیس، ۲۱۹	فادرونی (رومی)، ۲۵۶	فایوقی (رومی)، ۱۹۶	فطریون (رومی)، ۵۴
غالیون، ۲۱۹	فارالیون، ۱۳۴	فباواریس، ۱۵۱	فغلاسیونس، ۲۲۷
غالیون، ۲۱۹	فارستاریون، ۱۵۶	فتحوریون، ۲۹۷	فغلامینوس، ۷۴
غانافلیان، ۱۴۸	فارسطاریون، ۱۵۶	فِرااَسَن قافالوْطَن، ۲۵۲	فغلون، ۲۵۷
غَرغَنیته (لاتینی)، ۲۳۱	فارِسطازِیون، ۱۵۶	فراسیا، ۲۶۶	فغوس (رومی)، ۱۶۷
۲۷۳	فارسطازِیون، ۱۵۶	فراسین، ۲۲۴	فغیلاموس، ۷۴
غرنیواس، ۲۳۸	فارس نارِیون، ۱۵۶	فراسینا، ۲۵۲	فقلیس، ۲۹۵
غریزا (رومی)، ۲۴۶	فارقلومانن، ۱۶۰	فراسیون، ۲۸۰	فَقْلامینوس، ۷۵
غَلْجن، ۱۰۵	فارنوخیا، ۱۱۸	فرافیون، ۵۰	فَقْلامینوس، ۲۲۷
غلوقریزا، ۱۸۰	فاسیلِس، ۵۴	فراولیون، ۷۹	فَقْلامینوس آخر، ۲۲۷
غلوقی، ۲۷۶	فاسیلون، ۵۴	فریبون (رومی)، ۲۲۴	فَقْلامینوس اخر، ۷۵

فقلوطا (رومی)، ۲۵۲	فورینه، ۱۴۹	قازوا، ۲۵۶	قربوله (لاتینی)، ۲۶۶
فقولیون، ۱۲۵	فوربون، ۲۵۷	قاروآباسلیقا، ۱۰۶	قرئران (رومی)، ۱۸۷
فقومیلاس (رومی)، ۹۴، ۴۱	فوضوفش، ۱۹۸	قاروانا، ۲۵۶	قَزْئِی، ۱۸۷
فقیص، ۱۸۳	فوطینوس (رومی)، ۲۲۴	قاریا، ۱۰۶	قرحا، ۲۰۹
فکتلمن، ۴۴	فوفیلاطینوس (رومی)، ۷۴	قاریاسلقا، ۱۰۶	قردامن، ۱۱۵
فکی (رومی)، ۲۰۷	فوقاذن، ۳۰۰	قاطانقی، ۲۰۵	قردامومن، ۲۳۵، ۲۳۲، ۱۱۵
فلار، ۳۵	فوقاذن، ۷۴	قاطانقی، ۲۳۲	قردامومون، ۲۳۵
فَلَاقِئِس، ۶۶	فوقاذین، ۷۴	قاطانیقی، ۲۳۲	قردامون، ۲۳۵
فلوس (رومی)، ۲۴۰	فُوقَس البحری، ۲۰۰	قافلا (لاتینی)، ۷۶	قردامینز، ۱۱۶
فلوریکا (رومی)، ۱۹۶	فوله، ۲۲۸	قافنون (رومی)، ۲۶۲	قردمانا، ۲۵۶، ۲۳۲
فلورینه، ۱۴۹	فولیون، ۱۰۳	قافنیس (رومی)، ۲۶۲	قَزْدِمَنا، ۲۳۵
فلوسطیون (رومی)، ۱۰۴	فُولِیون (رومی)، ۱۰۳	قاقالیا، ۸۲	قُردمانا، ۲۳۵
فلوغوناظن، ۲۱۰	فونئس، ۹۱	قالاس، ۲۴۰	قُردمانا، ۲۳۵
فلوقرنیا (رومی)، ۲۳۷	فیاقیدنوس، ۱۵۲	قالاض، ۲۴۰	قردمانی، ۲۳۵
فلوماین، ۱۸۵	فیخیون، ۱۱۹	قالامنتی، ۱۹۸، ۲۲۹	قردمون، ۱۱۵
فلومس، ۳۳، ۹۰	فیغائن، ۱۱۶	قالیورس، ۶۱	قرذالیوم، ۱۱۴
فلومس، ۹۰	فیغانن، ۱۶۷	قاماریون (رومی)، ۲۳۱	قَزْدَنَالَه (لاتینی)، ۶۳
فلومس مُقَرَن، ۶۰	فیغائن، ۱۶۸	۲۴۲	قرسطاریون، ۱۷۱
فلیمن، ۵۷	فیغانن اغریون، ۱۶۷	قائش، ۲۵۹	قرسیون، ۴۷، ۱۵۱
فلیورش، ۲۱۴	فیغروا، ۱۲۵	قانیوس، ۱۸۳	قرصیناا (رومی)، ۶۵
فناغیوس، ۲۵۷	فیغس باطس، ۲۵۰	قبارس، ۲۵۰	قرفلون (رومی)، ۲۳۸
فنجبون، ۱۷۱	فیغن اغریون، ۲۳۶	قبارومبدوس (رومی)، ۲۴۵	قَزْقا، ۲۰۹
فنطافلون، ۸۸، ۱۵۲	فیقس، ۱۲۶	قباریش (رومی)، ۲۵۰	قرقسیون، ۲۳۸
فنطافیلن، ۴۱	فیلورا، ۱۱۲، ۲۰۶	قَباسه، ۱۵۳	قرمیدیا، ۸۰
فنطافیلون، ۸۸	فیلورا، ۲۰۶، ۲۵۱	قبسطلیه، ۵۴	قربنا، ۲۵۵
فنقراطیون، ۲۴۳	قابانیقی، ۲۳۲	قثیون، ۱۹۱	قَرْنبا، ۲۵۶
فنیفس، ۲۳۶	قاذارش، ۱۵۳	قدرومیلا، ۴۰	قربنا انمارس، ۲۵۶
فنیفس اغریون، ۲۳۶	قاراطیا، ۱۳۲	قرادامومن، ۱۱۵، ۱۱۶	قُرْنباد، ۲۵۶
فُنِئِکْس، ۹۵	قاراطیطس، ۶۷	قردامن، ۱۱۵، ۲۳۵	قربو، ۲۵۵
فُو، ۲۲۸	قاراطیطس، ۱۳۴	قراسیا، ۱۱۳	قُرْنِی ایمارس، ۲۵۶
فو، ۲۲۹، ۲۸۸	قاراماون، ۸۰	قراسیا (رومی)، ۲۳۴	قرونوس، ۱۲۴
فوباروم (فرنگی)، ۲۲۹	قارَبَاسِئِلِقا، ۱۰۷	قراسیون، ۲۴۹	قرونوس (رومی)، ۲۰۸
فوباکینوم (فرنگی)، ۲۲۹	قارَبانیطِقا، ۱۰۵	قَراصِیا (رومی)، ۲۳۴	قُرْئوئش (لاتینی)، ۲۳۵
فودیاسایس، ۳۰۰	قارسطاریون، ۱۵۶	قُرَاطاغونن، ۱۲۶	قرنی اغریا، ۲۵۶
فورا، ۱۲۶	قارسون، ۲۴۹	قراطیا، ۱۳۲	قروص، ۶۵
فورثرون، ۲۰۵	قارطیا هندی، ۱۴۰	قرانیا، ۱۶۳، ۲۷۸	قروفا، ۲۳۷
فورثون، ۲۰۵	قارنوخیا، ۱۱۸	قُرَانِیا، ۱۶۳	قُرْوقَس، ۱۶۳
فورُس (رومی)، ۱۲۶	قارو، ۲۵۶	قربانیون، ۵۸	قُرْوقَس، ۱۶۳

قرومیان، ۸۱	قفروس، ۱۳۳	قنطوریون (رومی)، ۲۴۶	قولی طولی، ۲۵۶
قرومیدیا، ۸۰	ققلامینس، ۲۲۷	قنطوریون طرمقرون، ۲۴۶	قوماروس، ۲۳۱، ۲۴۲
قریدی (رومی)، ۱۰۶	ققومیلاس، ۴۱	قنطوریون طُولُبطون، ۲۴۶	قوماریس، ۲۴۲
قریطیقوس، ۶۷، ۱۴۸، ۲۰۴	ققیس، ۲۱۱	قنطوریون طولیطون، ۲۴۶	قومالیون، ۲۴۷
قریطیقوس ارمالی، ۱۴۸	ققیس، ۲۱۱	قنطوریون طوماغا، ۲۴۶	قوماورس، ۲۴۲
قرینوس، ۷۰	قلارسیس، ۱۸۴	قنطوریون طوماغا، ۲۴۶	قومنون باسیلقون، ۲۸۹
قرینوس (رومی)، ۱۸۰	قلامس اُروماطیقس، ۲۴۱	قنطیانی (رومی)، ۱۰۶	قومیا (رومی)، ۲۳۳
قرینوضواسینن، ۱۸۱	قلخیقن، ۱۸۰	قنقهر، ۲۴۷	قومینون انتونیقون، ۲۸۹
قُریوله (اندلس)، ۲۶۶	قلسوفودیون، ۲۴۳	قنیقوس، ۲۳۶	قومینون (رومی)، ۲۶۲
قُریوله (لاتینی)، ۲۶۶	قلقاس، ۳۴	قوالن (رومی)، ۷۹	قُومیون، ۴۵
قصادق، ۲۶۷	قلقاس (رومی)، ۲۴۳	قوامس (رومی)، ۷۳	قُونس باطُس، ۲۹۴
قسارت، ۲۶۷	قلنبارس، ۲۰۴	قوتقس، ۹۱	قونوس (رومی)، ۱۹۶
قستوس، ۴۶، ۱۸۸، ۲۶۷	قلنبارش (لاتینی)، ۱۵۶	قوئیرا، ۱۹۹	قُونیزا، ۷۷
قِستوس، ۲۶۵	قلندیرله، ۶۰	قودونیا میلانا، ۱۷۲	قونیزا، ۱۹۹، ۲۱۹، ۲۴۷
قسخروطون، ۲۳۹	قلودیقی (رومی)، ۱۹۶	قورس، ۲۹۸	قونیون، ۱۹۱، ۲۸۶
قسطانیان، ۸۶	قلوغیطون، ۱۹۶	قورو قوس، ۱۶۳	قویارس (رومی)، ۷۳
قسطرن، ۸۷	قلوفیا، ۲۳۷	قورونفس، ۱۵۵	قیبارس، ۱۷۱
قَسْطُرون، ۲۳۹	قلومائی، ۴۶	قوریانون، ۲۵۷	قیبأ، ۱۰۸
قسطریون، ۸۷	قلومانن، ۱۸۵	قوریون، ۲۰۵، ۲۵۷	قیوطیسرون، ۲۶۳
قسطس، ۲۳۹	قلومائن، ۱۸۵، ۲۴۴	قوسطاریون، ۱۵۶	قیخوریون، ۶۳، ۲۹۸
قَسْطُس، ۲۳۹	قلُومائِن، ۲۴۴	قوطس، ۲۴۰	قیسوس (رومی)، ۲۱۱
قُسطل (رومی)، ۸۶، ۸۷	قلومُس، ۲۴۴	قُوطلیدون، ۲۴۷	قیطس، ۳۱، ۳۵
قَسْطَنه (رومی)، ۸۷	قلومش، ۳۳	قُوطلیدون، ۲۴۷	قیفارس، ۱۷۱
قسطوریون، ۸۷	قلیماصیس، ۲۴۱	قوطولیدون، ۳۳، ۳۴، ۱۶۹	قیفر، ۹۵
قسطوس (رومی)، ۲۳۹	قلینوفودیون، ۲۴۳	قوطولیون، ۲۳۴	قیفرس، ۱۲۵
قسشانس، ۲۶۶	قِمِیص، ۶۷	قوفی، ۴۴، ۲۴۷	قیفروس، ۱۲۵
قسوس، ۲۶۶، ۲۶۷	قنابس، ۲۴۵	قوقالس، ۲۴۷	قیفوس، ۱۳۳
قِسی، ۱۹۰	قَنابِش، ۱۱۲	قُوقامیلا، ۴۱	قیفهیمالون، ۲۴۵
قِسیا، ۱۷۴	قَنابِش، ۲۴۵	قوقامیلا، ۲۱۷	قیقُئِن، ۱۷۸
قِسیا، ۲۳۹	قنابش اُغریون، ۱۱۲	قولوریون (رومی)، ۷۹	قیقاوس، ۱۳۳
قسینی (لاتینی)، ۲۶۶	قنابوس، ۲۴۵	قولوقنئا اغریا، ۱۲۶	قِیقُئِن، ۱۷۸
قَسْتِنُیُولَه (لاتینی)، ۱۸۰	قنالیون، ۲۴۸	قولوقنئا (رومی)، ۲۳۷	قَبَقَهَر، ۲۴۷
قشطل (رومی)، ۸۷	قنامومُن، ۱۴۱	قولوقنطس، ۲۳۷	قیقهن، ۲۴۷
قطولی، ۲۴۷	قَنامومُن، ۱۴۱	قولوقینس (لاتینی)، ۱۲۶	قیقی، ۱۳۳
قتیدادوس، ۲۳۲	قتخروس، ۱۴۳	قولومینس، ۱۵۳	قیقیس، ۲۱۱
قتالا (رومی)، ۱۵۳	قتادوس (رومی)، ۲۳۶	قولی اغریا، ۲۵۶	قیموطمشور، ۲۳۳
قتأ، ۱۰۷	قتس، ۲۲۶	قولی اغریاس اقیمون، ۲۵۶	قیمین اغریون، ۲۶۲
قتالیا، ۲۴۹	قنطوریون، ۳۶، ۲۲۰، ۲۷۴	قولی ایماروس، ۲۵۶	قیمینون اُغریون، ۲۶۲

قَهَنَر، ۲۴۷	کمافیطوس، ۲۰۷	لاغوبن، ۲۶۵	لُوسِیماخِیوس، ۲۷۲
قیوفارروس (رومی)، ۱۷۱	کُمافیطوس، ۲۶۱	لاغوئن، ۲۶۵	لوسِیماخِیوس، ۲۷۲
کافافلوس (رومی)، ۱۲۶	کمالایا (رومی)، ۲۷۵	لانطوفودیون، ۲۶۶	لوطس، ۲۹۱
کاکره (رومی)، ۲۰۵	کمالیون، ۱۲۸، ۲۲۴	لاورس (فرنگی)، ۲۱۸	لوطس اغریوس، ۲۹۱
کالدِم ارماتک (فرنگی)، ۲۴۰	کمبنوس (انگلیسی)، ۲۶۲	لاونطوباطلن، ۲۵۸	لوطس طوماغا، ۲۹۱
کالیدونیون (رومی)، ۲۰۸	کُمکُوت (فرنگی)، ۲۶۲	لَبازَدَه (لاتینی اندلس)، ۷۷	لوطوس، ۸۰، ۱۲۵، ۲۷۲
کتانی (رومی)، ۲۴۵	کمیداس (فرنگی)، ۲۶۰	لَباشتر، ۲۶۶	لوطوس اغریوس، ۱۲۵
کَتَنَه، ۲۵۱	کناریون (رومی)، ۱۱۲	لبیس فرسن، ۲۴۳	لوطوس اَغْرِیوس، ۱۲۶، ۱۵۰
کثا، ۱۰۲	کنخرن (رومی)، ۱۰۰	لبیانوا، ۲۶۳	لوطوس سکرار (لاتینی)، ۱۲۵
کذونی (رومی)، ۱۷۲	کنخروس، ۱۰۰، ۱۵۰	لشوهرمرطیس (رومی)، ۲۲۲	لوغس، ۴۱
کراسیا (رومی)، ۲۳۴	کظینوس، ۱۰۴	لَختیرواله (لاتینی)، ۲۱۹	لوغیوس (رومی)، ۴۱
کرتویس (فرنگی)، ۱۵۵	کنکریس (رومی)، ۱۱۴	لخنس، ۱۳۲، ۱۴۰	لوفطیون، ۲۶۰
کَرْدَمانا، ۲۳۵	کوامس (رومی)، ۷۳	لَخنس، ۲۶۸	لوفقطوش، ۱۳۹
کردموم (فرنگی)، ۲۳۲	کوپرکیسو (لاتینی)، ۲۵۲	لُخنس اغریا، ۲۶۸	لوفو سقردین، ۹۸
کرزش (رومی)، ۱۰۳	کوکرس اندیکریس (فرنگی)، ۲۸۷	لُخنس الاکلیله، ۲۶۸	لوفینیقی (رومی)، ۷۱
کرکسن (رومی)، ۱۰۷	کوکوابرس (فرنگی)، ۲۳۴	لخنس، ۱۶۸، ۳۰۱	لوفیون، ۱۲۰، ۲۶۱
کرمینون، ۲۶۲	کومینون، ۲۶۲	لدان (فرنگی)، ۲۶۵	لوقا، ۱۲۷
کرویای (لاتینی)، ۲۵۶	کونکلوس (فرنگی)، ۲۷۳	لژموش (رومی)، ۱۹۵	لوقاس، ۱۳۳، ۲۶۸
کست (فرنگی)، ۲۳۹	کیبارس، ۱۷۱	لسورسطس، ۱۳۶	لوقاقانسی (رومی)، ۷۱
کسفیون، ۱۴۴	کَیْخُرس، ۱۰۰	لطوس، ۲۸۶	لوقاین، ۱۴۰
کسنین (رومی)، ۱۱۹	کیدونی، ۲۶۱	لُقس، ۴۱	لوقبسوس، ۳۷
کُسیفیون، ۱۴۶	کیرانس (رومی)، ۷۳	لفیدیون، ۱۹۳	لُوقَبسون، ۳۸
کُسیفیون، ۱۸۱	کیطروناکوس (رومی)، ۲۳۴	لکونس (لاتینی)، ۲۶۵	لوقیقشی (رومی)، ۷۱
کسیفیون، ۲۵۷	کیکرا (رومی)، ۲۰۵	لَنجَریله، ۲۷۱	لوقیموبذاس، ۱۵۵
کسیثیون، ۱۳۳	کیلادونیا، ۲۷۶	لَنجِیْطس، ۲۷۱	لوقیون، ۱۲۰، ۲۳۱، ۲۷۱
کشمورین (رومی)، ۲۵۸	کَینکِیْط (فاس)، ۸۸	لَنجِیْطس، ۱۲۰، ۲۷۱	لوقیون، ۱۲۰
کشونا، ۲۵۸	گلوسطقا (رومی)، ۱۹۶	لَنخِیْطس، ۱۳۲	لوقیون (رومی)، ۱۲۰
کشور (رومی)، ۱۰۳	گلیسریرزه (فرنگی)، ۱۸۰	لَنخِیْطس آخر، ۱۵۷	لوقیبیان، ۱۴۰
کطباس (لاتینی)، ۱۸۹	لاباثون، ۱۲۲	لَنخِیْطس آخر، ۲۷۱	لوکرون، ۱۴۰
کفیشون، ۷۲	لائتوریدس (رومی)، ۱۰۴	لوبادون (رومی)، ۱۹۳	لوماین، ۲۰۵
کلتیا (رومی)، ۲۴۶	لائوس (رومی)، ۱۳۶	لوخنس اغریا، ۶۶	لوئسطیقون (رومی)، ۲۴۸
کلدونیا، ۲۷۶	لاحاس، ۵۵	لورقی، ۲۹۰	لیباطیش، ۵۹
کلیلوطنین (رومی)، ۲۹۷	لادن، ۲۷۳	لورونیا، ۲۷۴	لیانس، ۲۶۶، ۲۷۴
کمایونیون، ۱۰۵	لاذینون، ۲۶۵	لوره (لاتینی)، ۱۴۹	لیانو، ۲۷۴
کمداریوس، ۶۰، ۸۶، ۱۶۰	لاذیون (رومی)، ۲۶۵	لوسوس، ۲۸۶	لیانوطس، ۲۷۴
۲۶۰	لاغرین، ۲۶۵	لوسیماخاس، ۱۶۸	لیانوفیلس، ۲۶۶

لییدیون، ۱۹۳	مالابثرون، ۱۶۶	مرفوران، ۲۰۹	ملح، ۲۴۲
لینوٹس، ۱۸۶	مالاثرون، ۱۶۶	مرقیره، ۱۸۷	ملحتفن، ۱۷۹
لییدیون (رومی)، ۱۹۳	مالایترون، ۱۶۶	مرور (فاس)، ۲۲۴	ملطیرغون (رومی)، ۲۶۹
لییدیون، ۱۱۵	مالثرون (رومی)، ۱۵۲	مروس (رومی)، ۲۵۲	ملوخی، ۱۲۹، ۲۸۴
لیثسفرژن، ۲۴۳	مالسوفلن، ۷۱	مروسیا (رومی)، ۴۴	ملوخیا، ۱۲۹
لیثورسطس، ۱۲۱	مالیا، ۱۶۰، ۱۶۳	مروسیون، ۲۳۲	ملونیا، ۸۱
لیخونن (رومی)، ۱۹۴	مالیا، ۲۷۸	مروش، ۳۴	ملیخ، ۲۴۲
لیرون، ۲۷۴	مالیدیون، ۱۳۰	مروش آقطی، ۳۴	ملیسون، ۲۴۶
لیژوئن، ۱۸۱	مالیسوفلن، ۷۱	مرویه ببتوشه (لاتینی)، ۸۷	متی، ۱۱۳
لیطفورس (رومی)، ۳۵	مالیسوفلن، ۲۸۰	۱۷۹	متی، ۲۹۰
لیفستیقون ساسالی، ۲۴۸	مالیطا (لاتینی)، ۲۸۰	مرویه ببتوشه (لاتینی)، ۲۲۴	مندبونه، ۲۸۰
لیفطیغون، ۲۴۸	مالیطانا، ۷۱	مرویه یلبوسه (لاتینی)، ۸۷	مندراغوس، ۲۷۰
لیقسطیقون، ۲۴۸	مالیلوطس، ۵۹	مریافلن، ۱۱۰، ۲۸۰	منسانیا، ۹۴
لیمون، ۲۴۲	مالیلوطوس، ۵۹	مزیافلن، ۱۱۷	مظیذایون، ۳۶
لیمونیون، ۲۷۴	مالیشیون، ۱۹۲	مریافلن، ۱۵۱	منقوسون، ۱۹۱
لیمونیه ماله (فرنگی)، ۴۰	مالیون، ۵۱	مریافلون، ۲۸۰	مئیکو (سواحل زنج)، ۳۳
لیئس بزمون، ۲۵۱	مانته، ۱۱۳	مریافلون آخر، ۲۸۰	مؤ، ۹۳
لیئس فرمون، ۲۵۱	مانته (لاتینی)، ۱۸۲	مریق، ۱۷۰	مو، ۲۸۷
لیئش، ۲۷۷	ماوش اوطا، ۳۴	مربوت (فاس)، ۲۲۴	مؤزا، ۹۵
لینوزسطس، ۱۳۶	ماه فرقین (مغرب)، ۱۰۱	مرویه، ۲۸۰	مورسقی، ۲۰۲
لینوزسطیس، ۱۲۱	ماه فروین (مغرب)، ۱۰۱	مسقینون (رومی)، ۴۱	موریکا، ۲۰۲
ماثرون (رومی)، ۱۵۲	مبدکه ماله (فرنگی)، ۴۰	مسئاله (لاتینی)، ۶۴	موریکا (رومی)، ۲۰۲
مادروپتیم (لاتینی)، ۲۲۴	مثنی، ۲۹۰	مشیلیئن، ۱۶۲	موریقی، ۲۰۲
ماذریوس، ۲۶۰	مدره‌البه (فرنگی)، ۲۶۶	مضطیه (لاتینی)، ۲۴۳	موس اوطا، ۳۴
مارثون، ۷۸، ۱۵۲	مراس، ۹۷	مشکطرامشیع زور، ۲۸۱	موسولون، ۱۴۱
مارژون، ۱۵۳	مژته (لاتینی)، ۳۶	مشی، ۲۹۰	موقوطس، ۲۲۶
مارژون آغریون، ۱۵۳	مژنان (لاتینی)، ۳۶	مصطخای، ۲۸۲	موقولن، ۳۰۰
مارسیسقاء، ۳۹	مژزجون (لاتینی)، ۲۱۰	مصطخی (رومی)، ۲۸۲	موقیطس، ۲۲۶
مارسیقا، ۳۹	مرسایمارس، ۳۱، ۳۵	مطرقال، ۲۸۲	موکوطیس (رومی)، ۲۲۶
مارن، ۱۱۳	مرسلیطس، ۳۰۰	مطرونیه (لاتینی)، ۲۳۱	مولی، ۴۸، ۱۱۶
مارون، ۲۷۹	مرسین (رومی)، ۳۱، ۳۵	مطرونیه (لاتینی)، ۲۴۲	مولی اخر، ۸۵
مارژون، ۲۷۹	مرسیا اغریا، ۳۶	مقارجه (لاتینی - اندلس)، ۷۰	مولیقنلس، ۹۸
ماریقون، ۱۹۱	مرسیسا اغریا، ۳۶	مقدونس، ۲۰۲	موؤس، ۲۸۶
ماریون، ۲۸۰	مرسینا اغریا، ۳۶	مقیفرون، ۲۶۰	مهیلیون، ۲۴۹
ماطرشالبه (لاتینی)، ۷۵	مرسیئس ایمارز، ۳۶	مکیدش (فاس)، ۵۹	میثون، ۲۸۵
ماطوفیون، ۲۴۶	مرسینس ایماروس، ۳۱	مکینسه (لاتینی)، ۲۴۶	میدیقامیلا، ۴۰
ماقر، ۱۹۹	۳۶	ملاجه اقوانته، ۱۴۳	میدیقی، ۱۵۶
مالابثرن، ۱۶۷	مرسینی (رومی)، ۳۱، ۳۵		میدیقی، ۲۹۱

میدیکی (رومی)، ۱۵۶	ناردین جبلی، ۲۸۸	وافلایا (رومی)، ۶۵	هیوفاریقون، ۳۴، ۶۹، ۸۶
میروقوقین (رومی)، ۱۹۲	ناردین ناروس (فرنگی)، ۱۷۸	وانیموروسقلمیوس، ۲۱۸	۲۸۵، ۲۹۸
میزیقی، ۳۹		ودیفرونس، ۲۴۵	هیوفاطاریقون، ۵۴
میشکجان، ۳۷	نارطیطس، ۵۹	وُذَن، ۲۶۰	هیوفسیطیوس (رومی)، ۲۷۹
میغالا فالون، ۲۴۹	نارود (لاتینی)، ۱۷۷	ورسالیون، ۲۵۳	هیوفقسطیداس، ۲۶۷
میغن افروُدس، ۱۰۰	ناطس، ۲۱۳	وسبطون (رومی)، ۱۶۵	هیوفقسطیداس، ۲۶۵
میغن، ۱۳۴	ناغیطارس طوماغا، ۶۵	وسریلم (لاتینی)، ۱۸۲	هیومافطون (رومی)، ۲۲۴
میغن اُفروُدس، ۱۳۵	ناغیونس (رومی)، ۲۵۳	وسندی کیه (رومی)، ۲۸۲	یابزوسیون (رومی)، ۳۹
میثُن رُواس، ۱۳۴	نافوس (رومی)، ۱۰۳	وقفقص، ۱۸۳	یشون (رومی)، ۹۳
میغن افروُدس، ۱۳۵	نَجیر (لاتینی)، ۹۹	ونیریون (رومی)، ۸۰	یَذَقَه (لاتینی)، ۱۳۸
میغن رُواس، ۲۸۵	نَجیل (لاتینی)، ۹۹	ویطس (لاتینی)، ۴۱	یَذَقَه (اندلس)، ۱۳۸
میلاَس، ۹۴	نحوفس، ۴۳	هالینوطس، ۵۹	یرالجم (لاتینی)، ۲۶۸
میلا (رومی)، ۹۴	نَرثُقَس، ۲۴۴	هیمیلیون، ۹۴	یَزَبطوره (لاتینی)، ۷۴
میلانثایون، ۱۹۲	نَرثُقَس، ۲۴۵	هذوغورون، ۱۴۳	یربطوره (لاتینی)، ۳۰۰
میلانثیون، ۷۰	نَرثُقَس، ۲۵۹	هری سمن، ۹۶	یَزَبَه آسلی (لاتینی)، ۲۰۴
میلقص طراخیا، ۲۲۶	نرجسینوس (لاتینی)، ۸۰	هللیسفاقوس، ۵۹	یَزَبَه بذلیره، ۱۰۳
میلقص لیا، ۲۸۷	نردین، ۱۶۶	هلیقون (رومی)، ۶۸	یربه دقوفه، ۲۰۵
مین، ۲۸۷	نرسیس، ۸۰	هللیله کایم (لاتینی)، ۲۴۹	یَزَبَه دی فوقه، ۱۵۹
مینزارما، ۲۹۰	نرکسوس، ۸۰	هللیون (رومی)، ۲۹۷	یربه شانه (رومی)، ۳۰۰
میورسینه، ۲۰۲	نرکسوس، ۸۰	هوارغون (رومی)، ۵۰	یربه (شَد)یره (لاتینی)، ۹۵
میون، ۲۸۷	نسطوس، ۲۴۰	هودیا (رومی)، ۲۶۰	یَزَبَه قَرَجِیْره (اندلس)، ۲۹۸
نابطه، ۲۷۵	نسلیون، ۷۸	هوذاسمون (رومی)، ۲۹۰	یَزَبَه نَقِیْشَه (لاتینی)، ۱۲۱
نابطه (اندلس)، ۱۹۸	نشانسه (لاتینی)، ۵۶	هوسفون (رومی)، ۱۶۵	یَزَبَه دی فوقه، ۲۰۵
نابلس، ۲۹۵	نُشَقُقَن، ۸۹	هوفاریقون، ۶۹، ۱۴۱	یطاس، ۱۳۶
نابیارش، ۱۸۹	نو، ۲۶۸	۱۵۸، ۱۶۰	ینبر (اندلس)، ۷۲
نَادس سَنفاریطیقی، ۱۷۷	نَواریس، ۲۹۱	هوفسطیداس، ۲۶۷	یتون، ۱۶۷
نارتکس، ۲۴۵	نور مطلبه (فرنگی)، ۱۰۸	هوف طیداس، ۲۶۷	یُنکَه (لاتینی)، ۲۰۹
نارَدس، ۱۷۷	نوقاقیس، ۲۲۳	هوفقسطیطاس، ۲۶۷	
ناردس اقلیطیقی، ۱۷۸	نونیاَس، ۱۸۹	هوفیلوس، ۳۸، ۱۳۴	
ناردوایتالیون (لاتینی)، ۱۷۷	نونیناس، ۱۸۹	هوفیوسقردن، ۹۸	
ناردوس بری، ۲۲۸	نیریون، ۱۴۵	هیده نیگره (فرنگی)، ۲۶۶	
ناردین، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۸۷	نیفاطوس، ۲۹۲	هیری، ۱۴۰	
ناردین اقلیطی، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۸۸	نیقولاس، ۹۶، ۱۸۲	هیری ارشق، ۱۴۰	
	نیلی (لاتینی)، ۱۹۲	هیغیرس (رومی)، ۲۶۴	
	نیمفا، ۲۹۲	هیلا بسقون، ۱۵۶	
	نیمفا، ۲۹۲	هیلا نیون، ۱۵۳	
	نیمفا، ۲۹۲	هیوسقاموس (رومی)، ۸۸	
	وابنیتون، ۱۸۴	هیوفارقون، ۱۹۵	

## ۴ - نام‌های هندی، سندی و بنگالی

آت جو، ۱۷۳	امل بیل، ۵۵، ۲۵۸	بجوڑه، ۴۰	بنک آس‌را، ۳۱، ۳۵
آک، ۱۷۳، ۲۰۹	اَمَل کِجانی، ۶۲	بچه، ۲۹۳	بَنیاله، ۸۹
ابر سناروا، ۱۰۷	املناس، ۱۴۰	بُذآة، ۲۶۰	بوئی، ۹۰
ابنی هلدی، ۱۴۲	اَناس، ۶۷	براهمی، ۱۶۱	بول، ۲۷۷
اَنُتکن، ۶۵	انبل، ۲۲۵	برنبهی، ۱۶۱	بول (بنگالی)، ۹۰
اجاجی، ۲۶۲	انبلی، ۹۵	برواه، ۲۰۲	بولسری، ۹۰
اجواین، ۲۸۹	انبه، ۶۳	پَرهتا، ۷۸	بولو، ۱۹۵
اجواین خراسانی، ۸۸	اندراین کاپهل، ۱۲۶	برهمی، ۱۶۱	بهانتانا، ۷۲
اجود، ۲۵۳	اندرجو، ۲۶۹	بَزیاله، ۷۸	بهتکتیه، ۱۱۴
اخروی، ۱۰۶	اندرجو (سندی)، ۲۶۹	بریجا، ۷۲	بهرینه، ۱۲۶
اذرک، ۱۶۴	انروله، ۱۲۲	بری مائی، ۲۰۲	بهرتا، ۷۲
ادهیره، ۳۵، ۳۱	انزروت، ۶۶	بَڑ، ۷۵	بهرمان، ۲۱۰
ارو، ۱۳۹	اَنکول، ۶۷	بسکپهره، ۱۲۵	بهطل کطی، ۲۹۸
اروی، ۲۴۳	انوله، ۶۲	بسوره، ۱۶۹	بهکتائی، ۷۲
ارهرتور، ۱۸۳	اوکله، ۲۴۱	بشررسون، ۱۸۰	بهلاوه، ۸۵
ازنید، ۱۳۳	اونت کتاره، ۵۰	بصلا (سندی)، ۸۰	بهنگ، ۲۴۵
آزوسه، ۴۶	اونت کتاره، ۱۸۹	بکام، ۳۵، ۳۱	بُهَنکره، ۹۱
اسپغل، ۷۸	آوهیر، ۳۹	بکاین، ۱۱۱، ۳۹	بُهوئی انوله، ۹۲
اِسکنده، ۴۹	اوهریر، ۳۹	بَکَتر، ۱۴۰	بهولسری، ۹۰
اصطُرک، ۵۳	اهالوا، ۱۱۵	بُکچی، ۸۵	بهیره، ۸۷
اَطْمَط، ۵۴	اَطْمَط، ۵۴	بَکَم، ۸۵	بیارانکا، ۹۲
اَطْموط، ۵۴	اُعرابی، ۸۰	بُکَن، ۸۵	بیل، ۹۲
اکاس بیل، ۲۵۸	بابجی، ۸۵	بَکْهرِنده، ۸۵	بیت، ۱۴۰
اکر، ۲۱۶	بابری، ۷۱	بلاذر، ۶۷	بیر، ۱۶۸، ۲۲۲، ۲۴۹
اکر کره، ۲۰۵	باتو، ۱۷۰	بلاس، ۸۵	بیره، ۲۶۲
اکری (بنگالی)، ۲۰۷	باجرا، ۱۰۰	بلاس بابره، ۸۵	بیش، ۹۲
اکسیر، ۵۲	باکر، ۷۳	بلول، ۸۷	بیکن، ۷۲
اکول، ۶۷	بال چهر، ۱۷۷	بمولتان اهری، ۱۳۰	بیل، ۹۲
اکون، ۲۰۹	بالسه، ۷۳	بن پوتکه، ۲۴۹	پالک، ۴۸، ۲۴۱
اگر، ۲۱۶	بالک جوهری، ۷۳	بن چهتکی، ۸۹	پاندروت (سندی)، ۱۴۶
السی، ۲۵۰	بانس، ۲۴۰	بَندا، ۸۸	پاندورت، ۱۴۶
السی کابیچ، ۲۵۱	بانسه، ۴۶	بندا، ۱۳۱	پت پایره، ۱۸۳
الوا، ۱۹۵	بانکریزی کلوف، ۲۳۸	بَنْدال، ۸۸	پترو تیزپاپ، ۱۶۶
امرتیه، ۲۵۸	بَیسه، ۷۴	بَنسِتکی، ۸۹	پتوهری (بنگالی)، ۹۳
اَمَرّه، ۶۲	بتال مکھانه، ۲۸۴	بنس روجن، ۱۹۹	پدیهر، ۲۲۶
اَمَل بید، ۶۲	بترج، ۱۶۱	بنس لوجن، ۱۹۹	پربی، ۱۶۱

پرنک، ۵۹	ترمرا، ۱۰۲	جورانکلی، ۵۳	چیپال، ۱۴۷
پل پرنک، ۵۶	تسوت، ۹۳	جوراواراج ناکهه، ۲۷۲	چیپژک، ۱۹۳
پنکهرج (بنگالی)، ۱۶۹	تکر، ۴۶	جوھی، ۲۰۵	چیر، ۱۴۹
پنواز، ۱۰۴	تل، ۱۷۶	جهار، ۲۰۲	حادثج (سندی)، ۲۳۸
پوست، ۱۳۴	تلسی، ۱۸۴	جهاز قرچه (بنگالی)، ۱۱۳	حبارھاری، ۷۹
پوندا، ۲۴۱	تور، ۲۹۶	جھاو، ۴۰	حماض املی، ۱۲۲
پهته، ۷۵	تنبیل، ۹۳	جیپالگوت، ۲۷۶	حوان (سندی)، ۲۸۹
پهیلی، ۲۵۷	تنبول، ۹۳	جیروا (سندی)، ۲۶۲	خپه، ۱۲۴
پهین چھتر، ۲۲۶	تورنی، ۹۶	جینت، ۱۰۹	خروک، ۸۱
پیپل، ۱۴۲	توشیر، ۱۹۹	چاکسو، ۹۴	خس، ۱۳۳
پیپلامور، ۲۲۸	توله بانس، ۱۹۹	چامرکھاس، ۱۰۰	خُلجان، ۱۳۷
پیپلامول بلام، ۲۲۸	تونبری، ۲۳۷	چاندریل، ۲۱۰	خُلجی، ۱۳۷
پی پل مول، ۲۲۸	تونیا (هندی و سندی)، ۱۶۱	چاندلی بیل، ۲۶۶	خوب کلان، ۱۲۹
پیپلی، ۱۴۲	ته توره، ۱۰۹	چاول، ۴۴	خولنجان، ۱۰۶
پیتهه، ۲۳۷	تھکار، ۹۶	چاولانی، ۸۴	خیار چنبر، ۱۴۰
پیزا، ۷۵	تهور، ۱۶۳	چاؤل مُنکر، ۱۰۱	دارم، ۱۵۷
پیل، ۴۳	تیسی، ۲۵۱	چتره، ۱۹۳	دارمون، ۱۵۷
پیلو و جال، ۴۳	تیونی، ۲۹۰	چرایتا، ۲۴۰	داک، ۲۱۴
تار، ۹۲	ثالاسفیس، ۱۱۵	چرایته، ۲۴۰	داکهه جهاز، ۲۵۵
تاک پترویداره، ۹۳	ثوب مُبهرَم، ۲۱۰	چرکانا، ۱۲۲	دالان بزرگ، ۱۵۲
تال مَکھارا، ۹۳	جادوبوی، ۱۰۷	چِرُونجی، ۱۰۳	دانج ابروج، ۱۴۲
تال مکھانانبول، ۹۳	جادیفیل، ۱۰۷	چریره، ۵۲	دانه، ۲۰۶
تالیس، ۱۶۱	جاکله، ۹۴	چَکوتره، ۱۰۴	داونه مروا، ۲۰۶
تالیسپتر، ۱۶۱	جالکری، ۲۲۸	چَکوند، ۱۰۴	دند هندی، ۲۷۶
تامول، ۹۳	جاماها (سند)، ۶۲	چَکئی، ۱۰۴	دوئی، ۲۴۲
تانبول، ۹۳	جام بَهل، ۱۰۰	چنیلی، ۲۹۹	دودھالی، ۱۸۸
تاوه، ۱۰۴	جامون، ۱۰۰	چند سر، ۱۰۲	دَھار (سندی)، ۴۷
تباکیر، ۱۹۹	جاهی، ۲۰۵	چند سور، ۱۰۲	دهتوره، ۱۰۹
تبھو، ۲۴۱	جای بل، ۱۰۷	چندن، ۱۹۶	دهماسا، ۱۴۸
تتل، ۱۷۵	جای پهل، ۱۰۷	چَنیّا، ۱۰۶	دهنیه، ۲۵۷
تتلی (بنگالی)، ۱۶۷	جزیری، ۸۰	چَولانی، ۱۰۹	دهونه، ۲۴۷
تیج، ۱۷۴، ۲۳۸	جل نیل، ۲۵۰	چونلانی، ۸۴	دیسندس، ۲۳۷
تخم پنوار، ۱۷۹	جناماسی، ۱۷۷	چوهه کنی، ۳۴	دیله، ۱۲۲
تخم چکوند، ۱۷۹	جنجر، ۶۶	چهارا، ۹۴	دیودار، ۳۹
تربج، ۹۳	جنکی چنیلی، ۲۰۵	چهال کری، ۲۲۸	ذره، ۱۰۰
تربوز، ۸۲	جنیه، ۱۴۹	چهریخای ها، ۲۲۶	رائی، ۱۳۰
تُربیزه، ۱۳۰	جوار، ۱۰۰، ۱۳۹، ۱۴۹	چهریله، ۵۲	راجپونکه، ۲۴۹
ترله بانس، ۲۴۰	جواسا، ۷۱، ۱۱۰	چھوتی مائین، ۴۰	راج کیری، ۲۱۰



فالنجی، ۱۹۲	سیبیزوا (سندی)، ۲۷۰	سَرُهنجی، ۱۷۰	رال، ۱۷۸، ۲۴۷
قالیر، ۱۹۲	سیج، ۱۶۳	سریس (سندی)، ۱۳۷	رام‌تلسی، ۲۲۵
قرین مو، ۲۲۸	سیخ، ۵۲	سفری (بنگالی)، ۱۰۰	رای، ۱۳۰
قشوقی (سندی)، ۲۰۹	سیر آملج، ۶۲	سَکوه، ۱۷۳	رای‌بیل، ۱۵۴
فطوس، ۳۵، ۳۱	سیسنبر (سندی)، ۱۸۲	سک هنو، ۱۷۳	رتن جوت، ۴۰
قَمینَحه، ۲۴۴	سیلا (بنگالی)، ۲۹۲	سلارس، ۲۸۶	رجله، ۸۳
قنوبر (سند)، ۱۴۵	سینبل، ۱۸۲	سلغارها (سندی)، ۸۲	رُذوَنَی، ۱۵۵
قواد (سندی)، ۲۱۴	سیندنی (بنگالی)، ۱۴۴	سلهارس، ۲۸۶	رس، ۲۰۹
قوال سریسی (سندی)، ۲۰۹	سپهنده، ۱۶۳	سِلْهَس، ۲۸۶	رسوت، ۱۲۰
قوتری، ۲۵۰	شارف، ۱۸۳	سِلْهَه، ۲۸۶	رند (سندی)، ۲۱۸
قولوط، ۱۲۰	شتاور، ۵۶	سنبهالو، ۴۱	رنیکا، ۴۱
قویابصل (سندی)، ۴۹	شدوار (سندی)، ۸۹	سند، ۱۶۴	روس، ۴۳
قیرع، ۲۳۷	شریفه، ۱۸۷	سندھی، ۱۶۴	رونا، ۲۷۹
کابج، ۲۳۶	شمیرون، ۲۹۶	سنگاهولی، ۲۶۸	رونق‌الملک، ۵۹
کاپنهل، ۱۴۱	شکرداری، ۲۱۵	سنگپره، ۸۸	ریته، ۸۸
کاجر، ۱۰۳	ثل، ۱۸۹	سِنْگهارا، ۱۷۹	زیرکی، ۱۱۳
کاس‌بیل، ۵۵	شلها (سندی)، ۵۳	سنگهات، ۱۴۴	زیره، ۲۶۲
کاکراسینکی، ۲۴۹	شمشیر، ۲۹۶	سنگهاورت، ۱۴۴	سایشک (سندی)، ۲۷۰
کاک ماجهی، ۲۱۴	شمینا، ۴۱	سِنْگهبا، ۱۷۹	ساتر، ۱۹۵
کاکول، ۱۸۸	شنکر (سندی)، ۲۱۸	سوا، ۱۸۴	ساتری، ۱۶۷
کالاکوت، ۲۴۹	شوخدانه، ۲۰۷	سوالی، ۱۸۸	ساج، ۱۶۶
کال‌چنگی، ۳۶	شوقشمیر، ۲۹۶	سوب، ۱۵۲	ساجی، ۲۴۴
کال‌ماجهی (بنگالی)، ۲۱۴	طالیسفر، ۱۹۹	سوتن (سندی)، ۵۹	سانول، ۱۶۷
کالنجی، ۱۹۲	طج، ۲۳۸	سورج‌الملک، ۵۹	سپاری، ۲۳۰
کالو، ۲۴۴	طوذریک، ۹۶	سورج‌مکھی، ۳۴	سپنی، ۱۶۱
کالی‌جهانپ، ۷۶	عسپوس، ۱۴۰	سورنجان، ۵۶، ۸۰، ۲۱۲	ستالی، ۱۸۸
کالی‌زیری، ۲۴۹	عشق‌پیچان، ۲۶۶	۲۷۰	ستاور، ۱۸۸
کانده، ۲۴۱	عصای موسی، ۲۱۰	سورنجان، ۱۷۹	سیج، ۱۸۷
کای پهل، ۱۴۱	عنا، ۲۱۴	سورنجان، ۱۸۰	سجی، ۲۴۴
کایده، ۴۹	غنفس‌الجاری، ۱۷۷	سوریا، ۴۳	سَرُپْهونْگه، ۱۷۱
کباب‌چینی، ۲۴۹	غنغیطس‌اشقاقا، ۱۷۷	سونهه، ۱۶۴	سیرس، ۱۶۹
کبته‌بخفای، ۲۲۶	فانتھاری (سندی)، ۸۴	سُونْدھی، ۴۳	سرساد، ۴۱
کبیت، ۲۶۴	فاها، ۱۰۶	سوندھی، ۴۳	سرس (سندی)، ۱۳۷
کپاس، ۲۴۲	فرسک، ۱۳۹	سُونَف، ۱۵۲	سرسون، ۱۱۵
کپاس‌کاپهول، ۲۴۲	فَطْسا، ۳۵، ۳۱	سوهنجه، ۲۲۷	سرکنده، ۲۴۰
کپور، ۲۴۸	فلانج (سندی)، ۵۷	سوی، ۱۵۲، ۱۸۴	سَرُنجی، ۱۷۰
کپور، ۲۶۴	فلوسه‌گد، ۱۴۰	سَهْجَه، ۱۸۱	سروالی، ۷۶
		سیاک‌لاتی، ۱۴۰	سروق (سندی)، ۶۷

کت، ۲۳۹	کسرافى، ۴۹	کندهیس، ۴۳	کیرکاکول، ۱۸۸
کتبیکن، ۱۱۴	کسم‌کاپهول، ۴۲	کنکنی، ۱۰۰، ۱۴۳	کیسر، ۱۶۳
کتبیل (بنگالی)، ۲۶۴	کُسنَب، ۲۱۰	کنکون، ۱۶۳	کیکر، ۲۳۷
کت‌پایره، ۱۸۳	کسونجی، ۲۵۷	کَنکَهی، ۲۶۳	کیکرکارس، ۲۳۷
کَتْرَبِلا، ۴۳	کَسُونْدِی، ۲۵۷	کنکهی، ۲۸۱	کیکروبیول، ۶۲
کتکی، ۱۳۰	کَسِرو، ۲۵۷	کنکپه، ۲۶۳	کیل دارو، ۱۶۹
کتهاجوری، ۲۵۹	کشول، ۴۳	کنوچه، ۲۸۰	کیلَه، ۲۸۵
کتهل (بنگالی)، ۱۰۴	کفرجک، ۲۹۳	کنه، ۲۴۱	کین، ۱۴۵
کتِهه، ۲۳۹	کَنرول، ۲۵۹	کنیر، ۱۴۵	کینار، ۱۴۰
کتیرا، ۲۵۱	کَنزُونْدَه، ۲۵۹	کُوار، ۱۹۵	کَنتِی (بنگالی)، ۲۶۴
کج، ۲۹۳	ککرونده، ۲۶۱	کوالهرپها، ۱۷۶	کیوار، ۲۴۸
کجور، ۱۶۱	ککروهن، ۲۴۱	کوبرا، ۲۲۷	کیهر، ۲۴۸
کجی، ۸۷	ککری، ۲۳۳	کوبل، ۲۳۰	کَیَه (سندی)، ۲۸۲
کچری، ۱۴۴	ککن دهل، ۲۲۶	کوتهمیر، ۲۵۷	کیهون، ۱۲۶
کچری تلخ، ۲۳۳	کلاجن، ۱۳۹	کورى، ۲۹۳	گاورس، ۱۰۰
کچله، ۴۲	کلته، ۱۱۲	کُویَل، ۲۸۳	گل انول، ۱۸۲
کَنخار، ۲۵۲	کلتهه، ۱۱۲	کوکنى، ۷۹	گل رای بیل، ۱۵۲
کچو (بنگالی)، ۲۴۳	کُلتِهی، ۱۱۲	کوکولاولتا، ۲۳۲	گل کیوره، ۲۴۸
کچور، ۱۶۱	کِلز، ۲۵۹	کوکهر، ۱۱۸	گندنا، ۲۵۲
کچوله، ۴۲	کلغه، ۱۲۲	کولان، ۴۹	لانی، ۶۶
کددی، ۴۹	کل کنول، ۲۶۰	کولر، ۱۰۵	لال ساک، ۲۱۰
کدو، ۲۳۷	کلمرچ، ۲۲۷	کوندل، ۷۵	لامی، ۲۶۶
کده پرتَه، ۱۲۵	کل مِهندی، ۲۵۹	کونده (بنگالی)، ۲۳۷	لایچی، ۲۳۲
کدیمه، ۲۳۷	کَلَن، ۲۶۰	کُونْدَه، ۲۶۴	لایحل مول (سندی)، ۱۷۹
کریخور، ۵۹	کلنکور (سند)، ۱۱۱	کوهن (بنگالی)، ۲۹۲	لُنبی، ۵۳
کرجاور نکوت، ۷۶	کلونجی، ۱۹۲	کَویت، ۲۶۴	لَجالو، ۲۶۷
کرماله، ۱۴۰	کِلوی، ۲۶۰	کِهپرا، ۲۳۴	لستوپری، ۲۵۰
کرمی، ۲۳۳	کله، ۶۶	کهجور، ۸۷، ۹۴	لسوده، ۱۶۷
کرنا، ۲۸۹	کُلْهار، ۲۶۰	کهربیع، ۲۵۳	لُک، ۲۷۰
کرنات، ۵۴	کلهاڑی، ۱۲۸	کُهرپا، ۲۵۳	لُک، ۲۷۰
کرنج، ۵۹	کَلْیان کاتَه (بنگالی)، ۲۶۰	کِهرنی، ۲۶۴	لویا، ۲۷۱
کرواله، ۱۴۰	کلیجن، ۱۳۹	کُهنی، ۲۶۰	لونک، ۸۳، ۲۳۸
کروکسینه، ۲۳۶	کلی قیسوس، ۲۹۸	کهنگالی، ۷۹	لونکهل، ۲۳۸
کروندا، ۲۵۶	کندبتر، ۱۶۶	کهنگچی، ۲۱۷	لُونگ، ۲۳۸
کَرُونْدَه، ۲۵۶	کندبیل، ۴۳	کهوپره، ۲۸۷	لونیا، ۸۳
کززع، ۳۷	کندل، ۱۷۳	کهیکوار، ۱۹۵	لونیَه، ۸۳
کَزمین (بنگالی)، ۱۴۴	کندمار، ۲۴۷	کهیونی، ۱۱۲	لهسن، ۹۸
کُستی (بنگالی)، ۲۱۴	کندنا، ۲۴۷	کیتکی، ۲۴۸	لیان، ۱۹۸

مالکَنکَنی، ۲۷۶	مهاکال، ۱۲۶	رَطه (سندی)، ۱۲۰
مامهستان، ۱۶۶	مَهَت، ۴۴	وقواق، ۲۹۵
ماهوی دانه، ۲۷۶	مَهَد، ۲۸۶	هاتورا، ۸۸
مت، ۱۷۱	مهلت، ۱۸۰	هازسَنکهار، ۲۹۶
متر، ۲۵۳	مهلتی (سندی)، ۱۸۰	هالم، ۱۰۲، ۱۱۵
متر کابلی، ۱۳۷	مهندی، ۱۲۵	هالوم، ۱۰۲
متن هنک فار، ۱۲۱	میتهی، ۱۲۱	هرورهره، ۶۸
مجتری، ۵۶	میلتی (سندی)، ۱۸۰	هَرزین، ۶۸
مجتهه، ۲۳۰	میمو، ۱۷۸	هست چنکهار، ۱۱۸
مدارا، ۲۰۹	مین بل، ۱۰۸	هفت، ۱۵۶
مدقوش، ۲۷۹	مین پهل، ۱۰۸	هلدی، ۲۰۸
مرج، ۲۲۷	ناذبود، ۱۵۹	هملو (سندی)، ۱۱۶
مرچ، ۲۲۷	نارغفف (سندی)، ۲۸۸	هنسیدی، ۵۳
مرچائی، ۱۱۳	نارغیث (سندی)، ۲۸۸	هنکفار، ۵۰
مروانا، ۲۷۹	نارغیست (سندی)، ۲۸۸	هویر، ۳۹
مَرِیَمَدَهون، ۱۷۸	ناریل، ۲۸۷	هوزید، ۶۸
مریی، ۱۸۰	ناشیپاتی، ۲۶۱	هیگ، ۱۲۱
مَسور، ۲۰۷	ناغیست (سندی)، ۲۸۸	هیل، ۲۹۶
مسی، ۳۶	ناکرون، ۲۹۷	هین (سندی)، ۱۲۱
مشکک، ۱۷۱	ناکسیر، ۲۸۹	هینک، ۱۲۱
مکوی و مکوی، ۲۱۴	ناکفف، ۲۸۸	هینگ (سندی)، ۱۲۱
مَنکهارَه، ۲۸۴	ناککسیر، ۲۸۹	یکهان بید، ۱۰۶
ملتهی حیتھی مد، ۱۸۰	ناکمتر، ۲۸۸	
منبهل (سندی)، ۱۰۸	ناکیس، ۲۸۸	
مَنیت، ۲۳۰	ناکسیر، ۲۸۸	
مند، ۱۶۱	نالیر، ۲۸۷	
منظر، ۳۱، ۳۵	نایزه، ۹۳	
موتیه، ۱۵۴	نَتهی مائی، ۲۰۲	
مُؤسلی، ۲۸۶	نیرِیسی، ۱۰۱	
موفه، ۱۷۱	نرنسبی، ۶۴	
موکره، ۱۵۴	نِکاچونی، ۲۹۱	
مُولَسری، ۲۸۶	نکدبابوی، ۱۵۹	
مولسری (بنگالی)، ۹۰	نل، ۲۴۰	
مولی، ۲۲۳	نِیم (سندی)، ۳۵	
مون، ۲۸۵	نَتهی مائین، ۴۰	
مونذی، ۲۸۶	نیلوپهل، ۲۹۲	
مونک، ۲۷۵	وائی، ۱۳۰	
مهار، ۱۷۶	وانسه، ۴۶	

## ۵ - نام‌های سریانی

آسا، ۳۱، ۳۵	املک، ۶۲	پلپلی، ۲۲۷	حمصلیثا، ۱۲۰
آسای، ۳۱، ۳۵	انبأتورا، ۶۵	تحلی، ۱۱۵	حمصی، ۱۲۴
ابروتا، ۱۹۳	اندراسیون، ۷۴	ترمسا، ۹۳	حمصی دبرا، ۱۲۴
اتبلیس، ۲۲۵	انزروتا، ۶۶	تریامان، ۵۴	حمصی لیتا، ۱۷۹
ادم، ۱۸۰	انقث الا، ۲۵۱	تمرا، ۹۴	حملایا، ۲۷۵
آذارقی، ۴۲	انکزانا اوکاما، ۶۵	تملمح، ۱۵۳	حموعیثا، ۱۲۲
اذوس، ۲۹۷	اوثرمسوا، ۹۳	توما، ۹۸	حوحانیثا، ۴۱
اراثموس، ۷۰	اوکا، ۷۱	نین، ۹۶	حوربخانا، ۱۳۰
ارزا، ۱۹۶	اوکامانا، ۲۲۷	ثومادیرا، ۹۸	حوکا، ۷۱
ارزمی، ۲۶۰	ایلیقس، ۱۲۶	جاسا آکاما، ۴۱	حولانا، ۷۶
ارزند، ۱۹۶	أکلیل الجیل، ۵۹	جَدوار، ۱۴۴	حیائوا، ۲۶۴
ارعاحورا، ۴۱	أیلاقدیشا، ۴۱	جطرغ، ۱۹۳	خردلا، ۱۳۰
آزمال، ۴۵	بابلایانا، ۱۱۵	جغثاریحثانا، ۲۷۷	خریعا، ۲۳۶
ارمالی، ۴۵	بابلس، ۳۳	حاحی اکامی، ۴۱	خطری دَغیا، ۲۱۰
ازروی، ۶۶	باقریقی خنجر، ۲۱۰	حالوما، ۳۸، ۳۹، ۱۹۰	خُفت، ۱۶۷
ازمایلوس، ۸۸	بانورس، ۷۵	حبلیلی، ۲۶۶	خفجرومیثا، ۲۳۷
آسارون، ۴۶	بَرّیخینا، ۸۲	حُجثا، ۱۳۲	خمیری مرجا، ۲۴۹
اسخرون، ۹۶	برشیکا، ۱۰۷	حدبی، ۲۹۷	خمساطرفی، ۴۱
اسطرکاییشا، ۵۳	بروثا، ۳۹	حرمل، ۸۵، ۱۱۶	خُثی، ۱۳۸
اسفلیغین، ۱۵۳	بَرورا، ۱۰۰	خُزَمَل، ۱۱۶	دبوقا، ۱۴۳
اسقال، ۴۹	بزوثا، ۳۹	حروبی، ۱۳۲	دتبلیغ، ۱۷۹
اسکیغیلای، ۲۴۶	بزوسیاء، ۳۹	حزا اوکامی، ۱۸۰	دُعْثا، ۸۱
اسمرنا، ۲۷۸	بسباسا، ۱۱۶	حزازینا دخیقا، ۱۰۷	دعتادشغاری، ۸۱
اصطفیلن، ۱۰۳	بستقی، ۲۲۵	حزوزی، ۹۴	دعتادقرطی، ۸۲
اصوفورون، ۲۷۱	بصلا، ۸۰	حشرما، ۲۹۰	دعثاقورینثا، ۱۲۱
اطروغا، ۳۹	بطباط، ۲۱۰	حصّ، ۲۹۵	دعثالغنا، ۱۱۴
اطروکا، ۳۹	بَطْباط، ۲۱۰	حطارا، ۲۵۲	دقتا، ۲۶۴
اغفت، ۵۴	بطما، ۸۱	حطری راعیا، ۲۱۰	دقنادعزی، ۲۶۷
افصی، ۲۱۱	بطمتا، ۸۱	حلاذقاصری، ۵۲	دهنون دوزی، ۲۵۰
اقتولوقایثادشتا، ۷۱	بلابس، ۸۵	حلبادشغفینون، ۱۷۳	دینار، ۲۵۸
اقونطیاون، ۱۳۰	بلوط اراعا، ۲۶۰	حلبانیثا، ۲۴۶	ذرعا، ۲۶۱
اکتر، ۹۶	بلوطاملکا، ۸۷	حلتیتا، ۱۲۱	ذفارا، ۱۰۰
ألتینیا، ۲۶۲	بلوطی صقلا، ۹۴	حلمثا، ۱۳۶	رُزّا، ۴۴
السری، ۲۶۴	بنات مریرا، ۱۲۶	حمرا دحزوری، ۹۴	رعاولیا، ۱۵۶
الفشرا، ۲۹۷	بوسینی، ۲۳۳	حمرما، ۲۶۴	رعنادملا، ۲۲۸
المیس، ۲۹۰	بوفساقسوس، ۶۱	حمری مرکی، ۱۲۹	رعیادیلا، ۱۵۶

رَغَاذِيلا، ۱۵۶	سَقَى رَغلا، ۷۹	صامريوما، ۹۵، ۱۱۲، ۱۵۱، فاشار، ۲۲۲
رغبا، ۲۵۸	سقيلا، ۴۹	فاشر، ۷۸
رقبه، ۲۶۸	سكفينه، ۱۷۳	فاشار، ۱۵۴، ۲۹۷
رقوثا، ۲۹۰	سكى رغلا، ۷۹	فاشَر، ۲۲۲
رُمَانا، ۱۵۷	سلطاري، ۱۲۶	فاشِرِشْتين، ۲۲۲
رمانادبرا، ۱۰۴	سلقا، ۱۷۴	فاشِرِشْتين، ۲۲۲
رمانامصرينا، ۱۰۴	سماقيل، ۱۷۵	فاشرستين، ۲۲۲
روديون، ۱۴۵	شَماقيل، ۱۷۵	فاشرستين، ۲۹۷
روزی، ۴۴	سمرنابيوطيقا، ۲۷۸	فاشرشتين، ۹۰، ۲۲۲
رومانی دبرقويا، ۲۸۲	سَنت ذيبی، ۵۰	فرايون، ۵۷
ريستا، ۱۵۳	سنگ بادکوکافيلون، ۴۱	فرما، ۲۹۸
زرع آدم، ۱۱۲	سورمور، ۵۵	فستقی، ۱۱۱
زرع بشاشا، ۱۱۶	سوسانی، ۱۸۰	فشا، ۵۷
زرع بطراسليئون، ۲۲۷	سوسرخون، ۶۵	فشرا، ۲۵۸
زرعشامر، ۶۷	شابهی، ۱۸۵	فشقل، ۱۵۳
زرع شخرونيا، ۸۸	شَبطاط، ۲۱۰	فطريانا، ۲۲۶
زرع کرفساد طورا، ۲۲۷	شبعالعين، ۲۶۹	فعالا، ۲۲۳
زرقوتبا، ۱۵۳	شبوينا، ۱۹۲	فقوشا، ۱۳۰
زريات، ۱۳۲	شررفيون، ۲۳۲	فلنلمنكا، ۲۲۵
زَرير، ۱۶۲	شطبانی فلوعرين، ۲۱۰	فندقا، ۸۸
زريرا، ۸۲، ۱۶۲	شطرکا، ۵۳	فوئا، ۲۳۰
زنکبيل، ۱۶۴	شعيعاديماء، ۴۴	فوغلی، ۲۲۳
زوفارطيا، ۱۶۵	شغدی مریری، ۲۷۱	فوفلا، ۲۳۰
زوفایشا، ۱۶۵	شکوئا، ۲۵۸	فونيئا، ۲۲۹
زوفرا، ۱۱۵	شَنَازيبا، ۸۴	فَيَجَل، ۱۶۷
زيتارعا، ۲۷۵	شنبليذ، ۱۷۹	فيزيدجاغی، ۱۳۲
زیزوفی، ۲۱۳	شنکوسا، ۱۵۳	فیشونا، ۳۳
سابا حورارا، ۷۱	شواصر، ۷۷	فيغنا، ۱۶۷
ساناحور، ۷۱	شواصر، ۱۹۰، ۲۸۱	فیلا، ۲۲۹
سحيلس، ۴۳	شَوَاصِر، ۱۹۰	قاروصبو، ۶۵
سَخى رَغلا، ۷۹	شواصره، ۱۹۰	قبار، ۲۵۰
سروبياجيلا، ۲۰۸	شوشما، ۲۳۲	قرا، ۲۳۷
سطرکا، ۱۷۱	شوشمانيا، ۲۹۶	قرأ، ۲۳۷
سعدی، ۱۷۱	شوشينا، ۱۸۰	قردی، ۱۳۳
سغبين، ۱۷۳	شيلوم، ۱۷۴	قرشادوقاتا، ۱۲۶
سفاری، ۸۱	شيلوما، ۱۷۴	قَرَصَغَنه، ۱۵۲
سفرکلا، ۱۷۲	صاتری، ۱۹۵	قَرَصَغَنه، ۱۹۱، ۲۳۶
سفوللا، ۱۶۰	صاره، ۲۷۳	قَرَصَغَنه، ۲۲۹
		عینی ثورا، ۹۰
		عصارمرارت برا، ۱۲۶
		عَصِيه، ۱۸۵
		عَقارادبشکرا، ۵۴
		عقارادشوشنا، ۷۰
		عقاراسوسابی، ۷۰
		عقاراعرطینثا، ۳۵
		عقاراسوصیانی، ۷۰
		عقارشوشا، ۱۸۰
		عکارشا، ۱۵۳
		علفوط، ۸۰
		عَلْکَلْک، ۱۲۹
		عَلْوا، ۱۹۵
		عینی ثورا، ۹۰

قرصعنه، ۲۵۲	کراثادبرا، ۲۵۲	گرگیری، ۱۰۲	نیروفل، ۲۹۲
قرطبی، ۱۱۸	کراعی قمصی، ۱۵۳	گنده انگژد، ۱۷۳	نیل فلفل، ۱۱۳
قرطف، ۲۴۱	کرانی، ۲۵۵	لحکا، ۲۶۹	نیلن، ۱۱۳
قرطمان، ۱۲۶	کراوی سریانی، ۲۵۶	لحیه التیس، ۱۵۱	نیل‌ی‌شا، ۲۴۸
قرطم هندی، ۱۱۳	کرفسادطورا، ۲۵۳	لشانامرا، ۲۶۹	نینیا، ۲۸۹
قساریسما، ۲۴۰	کرفسادمیا، ۲۵۳	لشان ثورا، ۲۶۸	وردا، ۲۹۳
قشنا، ۲۳۹	کرفشا، ۲۵۳، ۲۶۱	لشان صفرا، ۲۶۹	وردادرمانا، ۱۰۴
قطبا، ۲۴۱	کرفشا، ۲۳۵	لوزدمریا، ۲۷۱	ورداد صیادی، ۱۴۶
قطبی حمارا، ۲۳۳	کرکاش، ۵۷	لوفاعسقیاء، ۲۳۰	وردادصیاری، ۲۹۴
قطفا، ۱۷۰	کرکرینا، ۱۲۵	لوکا، ۷۱	ورشا، ۲۹۵
قطیا، ۲۳۳	کرکم، ۱۶۳	لیانوون، ۲۶۳	وض، ۲۹۳
قفطا، ۲۴۱	کُزُکُم، ۱۶۳، ۲۰۸، ۲۵۵	مامیران، ۲۷۶	وکوتی کرانیس، ۷۳
قلتا، ۱۱۲	کرکما، ۱۶۳	مرادکیار، ۲۷۷	ونا، ۲۵۸
قلفوج، ۱۵۳	کرکون، ۲۵۵	مرارت فیلا، ۱۲۰	هرقلو، ۳۹
قلفوط، ۸۰	کرکیش، ۵۷	مرافروط، ۲۷۸	هطاطی، ۲۱۷
قلقاسی، ۲۴۳	کرلفسابه، ۳۱، ۳۵	مُردایانج، ۳۶	هطی، ۲۱۷
قلومامش، ۴۶	کرنا، ۲۵۵	مرسلون، ۱۴۱	هلابوروس، ۱۳۰
قلیا، ۲۴۴	کرنب الماء، ۲۹۲	مریث، ۸۰	هلیلقی، ۶۸
قمحادرزی، ۱۹۹	کزیرناء، ۲۵۶	مشحادیرسا، ۱۸۰	هیزارنا، ۲۲۹
قنا، ۲۴۰	کسبرتا، ۲۵۷	مشحونا، ۱۷۹	هیقلوس، ۳۹
قنبیرا، ۲۴۵	کشنی، ۲۳۶، ۲۵۳	مشکطرامشیر، ۵۴، ۲۲۱	هیوازما، ۲۹۰
قندیز، ۲۹۵	کشوش، ۱۰۰	مشکطرامشیع، ۱۱۳، ۲۹۹	یبروحی، ۳۰۰
قواباوس، ۷۳	کَلنج، ۲۵۹	مقلا، ۲۸۳	یپلا، ۴۴
قوتری، ۲۵۰	کلیل ملکا، ۵۹	مقلیائا، ۱۱۵، ۲۸۴	یغمیصا، ۱۵۹
قورنیشادطوری، ۲۲۹	کمون، ۲۶۲	مقلیانا، ۱۱۵	
قوشنا، ۲۳۹	کمونا، ۲۶۲	مقلیثا، ۱۱۵	
قومایس، ۶۷	کمونادبرا، ۲۶۲	ملافتون، ۱۲۶	
قیرف، ۲۸۳	کموناهندو، ۲۶۲	ملوخیا، ۲۸۴	
قیسادافورسما، ۸۶	کوزی بویا، ۱۰۷	منشحیا، ۸۹	
قیس دافورسما، ۸۶	کوزی دبسما، ۱۰۷	منشخا، ۸۹	
قیمولیا، ۴۱	کوزی دهفاختا، ۱۰۸	میثوبا، ۷۰	
کباعریایا، ۷۱	کومنون اغریون، ۲۶۲	میشی، ۲۱۱	
کبیشاحمرا، ۲۵۵	کهپانا، ۲۲۳	ناردین دبرا، ۴۶	
کَبیکج، ۲۵۰	کهپنا، ۲۲۳	نبات نورا، ۲۵۵	
کتبنا، ۲۲۲	کَهَنابا، ۲۲۳	نشرا، ۱۶۹	
کحلا، ۳۹	کهپانا، ۲۲۳	نطفشا، ۱۳۶	
کحیلا، ۳۹	کیا، ۲۸۲	ننعا، ۲۹۰	
کراثا، ۲۵۲	گدلفسی، ۳۱، ۳۵	ننوا، ۲۸۹	

## ۶ - نام‌های بربری و نبطی

آاُکثار، ۳۷	اطماط، ۸۸	أشتیوان، ۷۹	تاغُنْدَسْت، ۲۰۵
آاملیس، ۳۷	اطموط، ۸۸	أعصاب، ۱۹۳	تاغندست، ۲۰۵
آتفاح، ۹۴	افار، ۹۹	أفار، ۹۹	تاغیشت، ۱۵۸
آذان الشاة، ۳۳	أفلدان، ۷۵	أقامم، ۳۶	تاغیغشت، ۱۷۱، ۲۰۷
آذان الغزال، ۳۳	افلسطين، ۸۱	أقنن، ۹۰	تافرزیرت، ۱۲۶
آرغیس، ۳۵، ۶۱	اقروم، ۱۰۴	أكفیل، ۴۹	تافسیا، ۹۷، ۱۶۷
آزرغنت، ۶۱	اقطفیت، ۸۸	أمصوخ، ۶۲	تافیفرا، ۲۵۹
آست، ۲۶۶	اکثار، ۱۰۷	أملال، ۹۰	تافیقرا، ۱۷۲
آشک بردین، ۶۱	اکرمیوسنه، ۲۱۹	أملال، ۹۱	تاکسوت، ۲۲۴
آطریلال، ۱۵۵، ۱۱۸، ۳۶	الازاز، ۲۷۷	أملال، ۲۱۷	تاکوت، ۵۵، ۲۲۴
آطریلان (فاس)، ۱۵۵	الونی، ۲۷۳	أوطمو، ۲۹۵	تاکوت، ۹۳
آیزنی، ۲۷۳	امسُخسر، ۲۹۲	بادژج، ۷۱	تاکوت، ۱۶۳
ابراز، ۶۱	أمسوخ، ۶۲	بادروج (نبطی)، ۷۱	تامرت، ۲۶۷
ابزیر، ۲۰۵	اناکیر (نبطی)، ۶۳	بانقیب، ۲۱۰	تامسورت، ۹۳
اتسویک، ۱۰۷	انتلی، ۱۴۹	برهلیا، ۱۵۲	تاممشت، ۲۰۲
آذار، ۷۵	انثار، ۲۰۴	بسلیت، ۱۴۹	تانقیت، ۹۳
ادریاس، ۶۵	انلی، ۱۵۰	بکسیتلان ازمو، ۲۱۴	تخصیص، ۲۵۳
ادمام، ۲۹۴	اورباس، ۹۷	بلاسفین، ۱۱۵	تراست، ۸۰
ارجالون، ۲۲۲	ایرن، ۲۷۳	بوختو، ۱۰۶	ترفاس، ۲۶۰
ارماس، ۲۴۲	ایغرتی، ۳۷	تازیل، ۲۷۰	ترفس، ۲۶۰
ازاز، ۲۷۷	ایغسه، ۹۳	تازرت، ۹۶	ترمشیر (نبطی)، ۲۸۱
ازالیم، ۸۰	أفشرو، ۳۶	تازرت، ۲۲۲	ترنج، ۴۰
ازبوج، ۲۵۱	أداد، ۵۱	تازغَلت (بربری - مصر)، ۴۰	ترنج، ۴۰
ازدری، ۱۴۱	أدریاس، ۹۷	۲۵۰	ترهلا، ۷۷
ازروده، ۴۵	أدریس، ۹۷	تازلفت، ۵۵	ترهلا، ۲۱۹
ازقون، ۱۴۷	أذنه، ۵۹	تازلفت الینو، ۵۵	ترهلان، ۱۹۹
اساسنوا، ۱۰۶	أرجان، ۴۴	تاسکرا، ۲۲۵	ترهلان، ۱۹۹
اساسنه، ۱۲۵	أزغیس (اندلس)، ۱۲۰	تاسلت، ۱۵۹	ترهلان (آفریقا)، ۲۱۹
اسغارن امشانتن، ۳۳	أزرغن، ۶۱	تاسلغا، ۲۱۸	ترهلیان (نبطی)، ۱۴۸
اسغارن یزان، ۳۳	أزرو، ۴۵	تاسلغا، ۱۷۰	ترهلیه (نبطی)، ۱۴۸
اسقون، ۱۲۶	أزمو، ۱۶۶	تاسمت، ۱۲۲	تغیغشت (فاس)، ۲۶۳
اسقیراسن، ۸۸	أزوری، ۱۴۱	تاسمت، ۱۲۲	تقاف، ۸۳، ۸۴، ۹۴، ۲۹۶
اسکروان (نبطی)، ۲۶۹	أزیر، ۵۹	تاشمست، ۱۲۲	تفسیا، ۱۶۷
اشلابوس، ۱۴۱	أسرغت، ۱۷۰	تاصالیمت، ۸۰	تکوت (مغرب)، ۲۲۴
أصاص، ۲۷۷	أسلیلی، ۱۸۴	تاغفیت (آفریقا و تونس)، ۴۶	تیرحله، ۴۶
أطریلال، ۱۵۵	أساممن، ۲۸۵	۱۳۳	تیزمارت، ۷۰

تیطمست، ۴۳	سوارون، ۱۲۹	مَیمون، ۲۲۲
تیغَل، ۱۲۶	سیسدار (نبطی)، ۱۴۴	نَهما (نبطی)، ۲۹۲
تيفرست، ۲۶۱	طاكا، ۲۰۸	وازينر، ۱۴۷
تيفست ازوزغار، ۲۵۱	طرفاء البستاني، ۴۰	واوزاق، ۱۴۷
تيكظا، ۱۳۲	طرميطس، ۲۶۵	وتورلَت، ۴۶
تيمر ساط، ۲۲۹	عَروسه، ۲۷۰	ورجالور، ۲۲۲
تيمزين، ۱۲۶	عشبة قبرى، ۲۹۶	وَنقازَف، ۴۱
تيمشطان، ۱۴۹	عَصَاب، ۱۹۳	هاسيمونا (نبطی)، ۲۹۶
ثابَقا، ۲۱۳	عضات، ۱۹۳	هرفلوس، ۲۹۶
ثاروبيا، ۲۳۰	عَكَنه، ۲۱۲	هرقِلوس، ۲۹۶
ثافيقرا، ۱۴۶	فاتره (نبطی)، ۲۵۷	هرقيلوس، ۲۹۶
خَزَنَف (نبطی)، ۱۱۴	فارنيا (نبطی)، ۵۹	همون، ۲۲۲
خَزَف (نبطی)، ۱۱۵	فلشراش، ۱۱۸	هيطومون (نبطی)، ۱۳۰
خَزَف (نبطی)، ۱۱۵	فلغيدس (نبطی)، ۱۲۶	يَخْصِص، ۲۵۴
حرفی، ۲۲۸	فنا (نبطی)، ۲۴۹	
حسومی، ۲۸۹	قارنيا (نبطی)، ۵۹	
حَطَب السودان، ۳۳	قاقلى (نبطی)، ۲۸۴	
حَلْبُوب (نبطی)، ۱۲۱	قربا (نبطی)، ۲۸۴	
حَماما (نبطی)، ۱۲۴	قرنه، ۴۶	
خندقوق، ۱۲۵	قَتَابرى (نبطی)، ۲۴۵	
خندقوقی، ۹۲	كَزْكَزَهَن، ۲۵۵	
خَنَدقوقى (نبطی)، ۱۲۵	كُسَيْلا (نبطی)، ۲۵۷	
خَمان (نبطی)، ۱۳۸	كَسِيلی (نبطی)، ۲۵۷	
دييداريا (نبطی)، ۱۴۳	كورى زوله، ۲۱۰	
درغل، ۲۰۴	لاقليشت، ۳۷	
رته (نبطی)، ۸۸	لَحِيه امسون، ۵۵	
رستنی نودیه، ۲۱۰	لصيفی، ۳۳	
روبيه منور، ۲۳۰	مازر (نبطی)، ۲۷۵	
رُوز، ۴۴	ماميئا، ۶۷	
زان، ۱۶۰، ۱۶۳	ماميئا (نبطی)، ۲۷۶	
زنبوج، ۲۵۱	مَرَسَطُس نبطی، ۲۷۹	
سرغنت، ۱۷۰	مرو، ۱۲۷، ۱۴۲	
سعسع (عبری)، ۱۴۷	مزابله، ۲۱۴	
سعیع (نبطی)، ۱۴۷	مَسْمَقار، ۱۶۰	
سَلْدانيون (نبطی)، ۱۷۴	مَسْمَقران، ۱۶۱	
سَلغوا، ۱۳۲	مسمقورة، ۱۶۰	
سملايا (نبطی)، ۸۱	مَشْكِرامَشيع (نبطی)، ۲۸۱	
سمون، ۲۲۲	مشكطرامشير (نبطی)، ۲۸۱	



## ۷ - نام‌های ترکی

۱۲۹، اېم‌کماجی،	قَراطاط، ۲۳۵
۲۸۲، اردک،	قوش اوزی، ۲۱۴
۳۹، ارزوج،	کجتيپ، ۶۵
۱۵۳، آنذر،	کرچک، ۱۳۳
۲۱۴، اوزم،	کلکله، ۱۹۵
۲۱۹، ایکده،	ماستواچچکی، ۲۵۰
۱۴۶، اینبروئی،	ماقوق، ۲۴۲
۲۶۹، باغ پر باغ،	مرداراغاجی، ۲۱۵
۶۵، بالدرغان،	واشوه، ۱۲۹
۲۱۳، بکوزتیکان،	هوم، ۲۹۹
۱۲۴، بولچاق،	یتلاق قرقرون، ۱۷۱
۲۴۲، بینوق،	یمیشاز، ۱۶۲
۹۹، پیلان‌افردی،	یونجه، ۱۵۵
۱۷۱، توبالاغ،	
۱۰۹، جیکلک،	
۱۷۲، حیوا،	
۱۳۳، خاس،	
۸۵، داغ سوغائی،	
۱۱۰، دویتکانی،	
۱۷۱، سعادی (ترکیه)،	
۸۱، سقز،	
۱۸۰، شیرین‌بان،	
۱۲۹، شیودان،	
۹۹، صفراادوی،	
۱۷۱، طبرقاق (ترکیه)،	
۱۵۳، عَنطوز،	
۳۶، غازایاغی،	
۱۵۵، غازیاغی،	
۱۳۹، غرغات،	
۱۳۰، فجی،	
۲۴۰، قابیش،	
۲۶۰، قارچ،	
۷۸، قارنی‌باروق،	
۷۲، قاسی،	
۲۳۷، قباق،	
۲۶۶، قجی،	

## ۸ - نام‌های متفرقه

آبیل، ۳۳	ابوعیس، ۱۴۰	ارکه، ۱۲۶	اسلیج، ۲۷۴
آچین، ۳۳	ابی دالس، ۲۴۸	ارمارینون، ۱۲۴	اسمادوسفرم، ۳۶
آدریس، ۳۳	ابیغل، ۳۹	آزمالک، ۴۵	اسمار، ۳۱، ۳۵
آذریون، ۳۴	ابیلائس، ۱۰۵	ارمالک، ۴۵	اسماروزند، ۳۱، ۳۶
آذریونه، ۳۵	اپراچنا، ۱۱۳	ارموش، ۱۷۰	اسملیس، ۲۸۰
آزرو، ۲۹۱	اثامنطیقون، ۲۸۷	ارمیس، ۴۵	اسمورنین، ۲۵۳
آطرس، ۱۶۰	اثر، ۳۸	ارنثاله، ۱۰۵	اسنولوس، ۵۰
آله، ۱۵۳	اثقلیا، ۳۸	ارنوله، ۱۴۵	اسواس، ۲۰۳
آله قَبْرُونَه، ۶۵	اِحْطَالَه، ۱۲۲	اروس بلغار، ۲۶۴	اشبته، ۲۰۰
آله دبقر، ۱۵۷	احنیه، ۲۶۶	ارید برید، ۴۵	اشبرون، ۱۸۹، ۲۰۴
آلیلی، ۱۴۵	اخرادس، ۲۶۱	ارید برید، ۴۵	اشبطاله، ۱۲۶
آمارقون، ۵۸	اخراطن، ۸۴	اریقه، ۱۳۳	اشبیه، ۵۵
آمزقور، ۱۵۰	اخروطن، ۸۴	ازرار، ۲۹۱	اشترینه میاطش، ۱۱۶، ۱۱۸
ابارتل، ۲۵۱	ادریس، ۳۳	ازلاف، ۱۴۸	اشتکه، ۱۳۵
اباسیا، ۵۰	ادریفن، ۲۷۳	ازورا (حیشی)، ۳۱، ۳۵	اشقیطله، ۶۱
اباقی، ۱۰۴	آراقق، ۴۳	ازیریا، ۱۰۶	اشقیل، ۸۰
أبالش، ۲۴۹	اراقوا، ۴۳	اسپاراغوس، ۲۹۷	اشموسا، ۵۲
ابجه، ۳۷	اراه، ۲۸۲	استر (اندلس)، ۲۷۴	اشود، ۱۸۴
ابجه، ۲۵۲	اریاقه، ۱۵۹	استرمونیه، ۱۰۹	اصبالاثوس، ۱۴۱
ابراوی، ۱۰۰	اریلش، ۱۰۴	اسراش، ۱۳۸	اصطرک، ۲۰۶
ابریون، ۵۵، ۲۲۴	اریان، ۵۸	اسطاقدماغریا، ۱۱۱	اصل التهل، ۱۶۹
ابر فیون، ۵۵	ارتارون، ۲۶۹	اسطراطیقوس، ۱۰۵	اطرایلس، ۹۴
ابرقان، ۸۱	ارتکا، ۲۰۴	اسطورا، ۱۱۵	أطرْماله، ۵۴
ابر قطس، ۱۲۳	ارجقیل، ۲۵۷	اسطوماخوس، ۴۸	اطه، ۱۸۲
ابر قلیون، ۱۰۰	ارجمونیه، ۲۸۵	اسفارج الصینی، ۲۵۶	اطیوس، ۲۳۱
ابر قینون، ۱۰۰	ارجیولیه، ۱۵۵	اسفاناج، ۴۸	اغافت، ۹۴
ابر نان (اندلس)، ۴۹	اردم، ۳۴	إسفاناخ، ۴۸	اغرقتیة، ۲۷۳
ابروخیون، ۸۴	اردمیردا، ۲۸۰	اسفلیطس، ۲۰۳	اغروغن، ۱۲۶
ابرویه، ۱۲۲	آرز، ۴۴	اسفندشغان، ۱۱۵	اغریذی، ۲۵۶
آبرولیه (ثغری)، ۷۵	آرزّه، ۴۴	اسفیدارا راغیا، ۲۸۰	افادملس، ۱۲۴
ابریجون، ۱۵۸	ارسطیون، ۱۵۳	اسفی دیون، ۱۸۹	افرسیر، ۱۵۷
آبزار، ۳۸	آزغامونی، ۴۴	اسقال، ۴۹	افرقه دلف، ۴۶
ابزراله، ۲۲۲	ارغیلیم (عبرانی)، ۸۳	اسقولس، ۸۸	أفلَنْجَه، ۵۶
ابق، ۲۴۵	ارقطون، ۴۵	اسکتو، ۴۹	افیلون، ۱۹۳
ابلر، ۱۶۳	آزْقَطیون، ۴۵	اسکرسول، ۱۶۲	اقرون، ۲۲۳، ۲۳۵
ایمیلُس، ۲۸۰	ارقلیا، ۱۱۹	إسْلَنْج، ۵۰	اقرونش، ۱۲۳

اقربوش، ۲۵۴	الیش، ۹۸	انطبذه، ۲۴۸	ایو سقوامس، ۸۸
اقط، ۱۸۲	إلیشکه، ۱۴۰	انطولیا (شام)، ۲۹۷	أبجالة، ۶۷
اقط (یمن)، ۵۸	الیلاون، ۲۸۳	انفیطینا، ۱۹۱	أبجّه (اندلس)، ۱۳۸
اقلولش، ۱۲۹	الیون، ۱۰۳	انکولس، ۱۲۲	أذیرزا، ۴۲
اقلیشا، ۱۰۳	امارا قوا، ۵۸	آنکیز، ۶۷	أذریون، ۳۵
اقلیولش، ۶۷	امارنطون، ۵۸	انلی، ۸۸	أرتدبرید، ۴۵
اقد، ۱۵۳	اماری، ۱۳۳	آنلیه کمیانه، ۱۵۳	أرتقی (اندلس)، ۱۱۰
اقین، ۷۲	اماریقون، ۵۸	انوئیرا، ۱۴۱	أرجنقه، ۴۴
اقینی، ۱۰۴	امامانیطس، ۲۹۸	انیراتا، ۶۷	أرجیقن، ۴۴
اکت مکت، ۵۹	اماموس مانیوس، ۲۸۹	انیلس، ۱۶۵	أرماک، ۴۵
اکتمکت، ۵۹	امباشا، ۱۱۱	آنیه دی غائه، ۲۰۵	أسطنکه (فرنجی)، ۶۱
اکرفس، ۲۵۳	أمبروسیا، ۶۱	اویلس و فلوطن، ۱۲۰	أسفراغس، ۲۹۷
اکروفس، ۱۰۸	امرباطون، ۱۱۸	أویه قنینه، ۲۴۹	أسکاطامن، ۶۶
اکسوفیلن، ۲۰۳	امرو، ۲۶۱	اودومالی، ۶۸	أسلیج، ۸۷
اکسیوس، ۵۹	ام غیلان، ۲۰۳	اورابالواسطون، ۱۰۴	أسیدار، ۵۰
الالسا فاقن، ۶۰	اموره، ۲۷۵	اوراهیا سلیون، ۲۵۳	أشیرتاله، ۵۰
الالط، ۱۸۲	امیرون، ۳۰۰	اورمینون، ۲۲۴	أشزّه، ۴۶
الباشه، ۱۳۰	امیرون (اندلس)، ۲۹۸	اوفال، ۲۵۹	أشقیطله، ۶۱
الباین، ۱۵۱	امیره، ۲۶۹	اوقانتوس، ۶۱	أشقیل، ۲۱۵
البوقاله، ۱۵۷	امیریا، ۲۶۹	اوقینه، ۵۹	أشکوذ، ۶۱
التوبل، ۲۴۸	انبجّه، ۲۸۰	اولایی بوشاشا، ۱۱۶	أصطرك، ۲۸۶
آلتیه، ۱۲۹	انبرسول، ۲۸۱	اولیذا، ۱۴۷	أغالوجن، ۵۴
الراسن، ۸۰	آلتله (عجمی اندلس)، ۶۴	اولیه، ۲۵۲	أغرومی، ۲۸۹
الزّز، ۴۴	انجاص، ۴۱	اولیه دلیتر، ۲۶۹	أغلیس، ۹۸
السفاقن، ۶۰	انجدان رومی، ۲۴۸	اومادا، ۲۳۳	أقجالّه (اندلس)، ۲۴۷
السمته، ۲۸۰	انجرک، ۲۷۹	اونودی، ۲۳۳	أقسیا، ۵۱
الطانه، ۲۰۴	آنجرک، ۲۷۹	ایدع، ۶۹	أقطن (یمن)، ۵۸
الطردونه، ۱۰۶	انجره، ۲۵۵	ایردوساناس، ۶۹	أکرار، ۵۹
الطورثه شول، ۲۰۳	انجیله، ۷۸	ایردوسیاناس، ۶۹	أکمویزان، ۶۰
الفلیس، ۱۲۲	اندرساخس، ۶۹	ایرنجی، ۱۰۵	ألبایته، ۶۰
القسنی، ۸۳	اندرسافس، ۶۹	ایعاسوفسین، ۱۰۵	أماسیرنیون، ۱۵۱
القون، ۲۹۵	اندروساماس، ۶۹	ایقد، ۱۱۴	أمیرون، ۲۹۸
الکیا، ۲۸۲	اندروسامن، ۲۹۸	ایل، ۷۰، ۲۳۲	أناطیا (قبطی)، ۶۳
اللقامن، ۲۰۴	آندروطون، ۶۶	ایلانجی، ۲۳۲	أنجوك، ۶۶
النینا، ۲۷۴	اندمولیا، ۱۰۶	ایلیق طران، ۲۶۴	أنطویا، ۶۶
الویاس، ۹۳	اندُمیان، ۲۵۶	اینارهر، ۱۳۸	أنقردیا، ۶۷
الوخن، ۲۸۳	اندوا (ماوراء النهر)، ۱۰۲	اینه، ۱۲۶	أوثنا، ۶۷
الیاله، ۱۰۳	انطاین، ۱۴۵	ایورش، ۲۸۳	أوثنا، ۶۸

اُوروینخی، ۶۸	بُجبلین، ۱۱۶	برقا مصر، ۷۶	بشعیرا، ۱۶۹
اوشیرس، ۶۸	بُجه، ۱۴۷	برقوقیه، ۲۸۲	بشکرانیه، ۱۱۴
أهلال قسطا، ۶۸	بُخترنه، ۶۰	برکشان، ۲۵۷	بشلسه، ۱۰۶
أیهقان، ۷۰	بُخشش، ۲۹۰	برکینه، ۱۵۴	بشنه، ۸۰
بابلص، ۷۰	بدشکان، ۲۵۹	بَرَم، ۷۷	بَشْنین، ۸۰
بائِلن، ۱۴۵	بدلیون، ۷۵	برمس، ۷۷	بشوش، ۸۰
باجروجی، ۷۰	بدلوزن، ۱۰۶	برنفیس، ۲۲۵	بطالش، ۱۱۸
باخاریون، ۱۴۶	بدلیره، ۱۰۳	بَرَنوف، ۷۷	بَطْرَاسالینون (مصر)، ۲۵۴
باخيون، ۷۳	براجیل، ۲۵۳	بَرَنوف، ۷۷	بطرقیره، ۱۱۹، ۱۵۹
باد دقلنبه، ۱۲۴	براخشنه، ۱۴۴	برنوف، ۱۸۳	بطرمیقی تاغیغشت، ۲۶۳
باددَلبرینه، ۲۶۵	براذج، ۱۶۱	برنيس، ۷۷	بطره، ۸۱
باددَلَبه، ۲۵۸	براسن، ۸۰	برنیکان، ۸۴	بطوریره، ۱۱۹، ۱۵۹
باددَلَبَیْنه، ۲۵۸	براکیس یری، ۷۶	بَرَوانی، ۷۸	بطورنه ماطرش، ۹۹
باداينگان، ۷۲	برانیا، ۶۷	بروانیا، ۷۸	بطیقی، ۲۹۶
بادبیلین، ۱۱۶	براونیا، ۲۲۲	برورا، ۱۰۰	بَعصران، ۲۰۴
بادی بلاله، ۱۲۳	برباریس، ۶۱	بُروله، ۲۸۰	بقشلمن، ۹۰
باربه دلابر، ۱۰۳	بربطور (اندلس)، ۲۷۴	برون، ۲۴۹	بقش، ۸۲
باربه قُتلیه، ۱۰۳	بربله، ۲۶۳	بریدفوقه (اندلس)، ۲۰۵	بقم، ۸۴
بارزد، ۲۹۱	بربناقه، ۷۵	بزریلاستیس، ۱۱۵	بکا، ۸۵
بارسطوان، ۱۲۴	بربناقه، ۱۲۲	بسباس، ۲۱۱	بکسیس، ۸۲
بارلیوس، ۳۰۰	بربوث، ۵۲	بسباس حبشی، ۷۸	بکم، ۸۴
بارنج، ۱۰۹	بربوذا، ۵۲	بسباس نبطی، ۷۸	بَل، ۸۵
بارون، ۲۰۵	برتقش، ۴۶	بستناج، ۸۱	بَل، ۸۵
بارونوخیا، ۲۳۱	برتلاقش، ۴۶	بسطیقون، ۱۰۳	بَل، ۱۳۸
بارویشا، ۲۳۱	برثماز، ۱۱۳	بسطیقیا، ۱۰۵	بلاقس، ۲۶۹
باریلوماین (اندلس)، ۷۳	برجارش، ۱۱۳	بَسفایج، ۷۹	بلاثه (اندلس)، ۲۲۹
باسلیقی، ۱۱۳	بردبلاسقیس، ۱۱۵	بسقما، ۱۸۳	بلارجه، ۱۲۹
باشان، ۷۳	برس، ۲۴۲	بسقواس (اندلس)، ۲۶۷	بلاطر، ۲۹۲
باشیون، ۷۳	بُرُسْتُم (آفریقا)، ۱۶۱	بَسماط، ۱۳۰	بلاقه، ۱۰۹
باطرنیقی، ۷۵، ۸۷	برسیا، ۷۶، ۸۸	بَسناج، ۱۴۸	بَلان، ۸۵
بالقس، ۳۸	برسیانا، ۷۶	بَسْنیسَه، ۹۳	بَلایه (اندلس)، ۲۲۹
باله، ۷۴	برسیاندارو، ۷۶	بسيله، ۹۳	بَلبراله، ۲۴۸
بَبَره، ۱۱۴	برسیون، ۷۶	بسيلة، ۷۹	بلبوس، ۸۱
بیسطین، ۲۷۵	برشاد، ۱۸۹	بُشْبش، ۱۲۶	بلحشکوک، ۳۰۱
بیلجش، ۱۵۷	برشک، ۲۲۵	بِشت، ۱۰۵	بَلزِیاله، ۹۸
بَبَلِیه، ۵۸	برشیواوشان، ۲۵۷	بشتر، ۲۶۶	بلس، ۸۶
بَبَلیرَه، ۵۸	برطره، ۲۰۵	بشتناقه، ۱۰۳	بَلسان، ۸۶
بَبَیْتَه، ۷۴	برغشت، ۲۴۵	بشطانیکا، ۸۴	بطلالة، ۸۷

بُلقیره، ۱۱۸	بوست، ۱۲۴	بیلیطش، ۸۷	تهلول، ۷۶
بَلتائین، ۲۶۹	بوسیر، ۸۸، ۲۴۴	پرپهن، ۸۳	تیاج، ۱۵۲
بلورا، ۲۹۶	بوش، ۹۰	پیل، ۲۲۸	تیبی ان و امان، ۱۲۹
بلوسیطون، ۱۰۴، ۱۹۱	بوش دربندی، ۹۰	پی زمی، ۲۶۰	تیسو، ۸۵
بَلوط، ۸۶	بوشیاد، ۹۰	پیل گوشک، ۲۳۰	تیشرت، ۹۸
بَلَه بانته، ۲۴۸	بوصیر، ۹۰، ۲۷۷	تارتقه، ۱۴۷	تیلِت اینرِفت، ۱۱۹
بلیار، ۱۰۸	بوطاماحیطس، ۹۰	تازه قبرونه، ۶۵	تیمجّا (مراکش)، ۲۲۹
بُلیار، ۲۴۹	بوطانیه (اندلس)، ۲۲۲	تازرت، ۹۲	تیواج، ۹۷
بلیطس (اندلس)، ۸۴	بوظل، ۲۵۴، ۲۵۹	تافندوت، ۱۰۹	ثالیطرن، ۹۷
بلیطش، ۸۴	بوطولون، ۲۵۴	تافیزان، ۱۰۳	ثامرا، ۲۷۱
بلیطن، ۸۷، ۸۴	بُوقاذّاس، ۷۴	تاکوب، ۲۲۴	ثریا، ۹۲۷
بناطش ابدال، ۱۵۳	بوقی، ۲۹۲	تاینس، ۱۵۵	ثریا (اندلس)، ۷۰
بشترقه، ۱۶۰	بوقیصا، ۱۴۴	ترانشول (اندلس)، ۱۹۴	ثومارس، ۱۰۶
بُشترنقه، ۸۷	بولوغالی، ۱۰۴	ترتلی، ۲۰۴	ثومون، ۹۹
بِشَنقه، ۸۷	بولیون، ۱۰۳	ترتیق، ۲۰۴	جاجر، ۱۰۴
بتوشه (اندلس)، ۱۷۱	بوتق، ۷۷	ترخر، ۱۴۸	جارکون، ۱۰۷
بتومه، ۱۵۷، ۵۲	بهار، ۵۷، ۸۰	ترمانان، ۵۴	جاسوس، ۱۰۰
بنجاین، ۱۴۳	بهاسلواواکرا، ۲۹۶	ترنجاش، ۱۱۳	جاشوش، ۱۰۰
بَنقه، ۸۹	بهرامه، ۲۱۰	ترنجان، ۷۱	جامالا، ۲۷۷
بنک، ۸۸	بهران، ۱۶۴	تریامان، ۹۴	جامسیه (مصر)، ۷۳
بَنک، ۸۹	بَهراة، ۱۹۳	تسکرت، ۹۸	جاوردشیر، ۱۰۰
بَنک، ۱۴۳	بَهش، ۹۱	بَقده، ۲۵۷	جاوشیر، ۱۰۰
بَنک مَخیر، ۸۹	بهفانج، ۹۱	بَقزد، ۲۵۶	جاهبَنک، ۷۴
بنکه قیطس، ۳۱، ۳۶	بهنک، ۱۰۳	تقزین، ۱۱۳	جبراهنگ، ۱۰۱
بنور، ۱۵۳	بیخین، ۷۳	تلسی جنگلی، ۷۱	جبرش، ۲۵۰
بنوش، ۱۳۹	بید موله، ۱۳۶	تلغوطة، ۳۷	جبل اهتق، ۱۰۱
بنیشه، ۱۵۰	بیرو، ۸۰	تلکنّت، ۶۷	جبلهنج، ۱۰۱
بودی، ۲۷۵	بیروم، ۴۳	تلش، ۲۴۲، ۲۸۴	جبلهنک، ۹۳
بوذریج، ۸۹	بیزه، ۹۲، ۲۸۷	تلیوت، ۲۵۰	جبلهنک، ۱۰۱
بورشاد، ۱۸۹	بیستی کوسک، ۷۳	تمک، ۱۱۴	جِبَلَة، ۸۰
بورفیا، ۴۳	بیسیم، ۹۲	تنالیش، ۱۱۵	جحفیل، ۴۷
بورقداس، ۱۲۲	بیش، ۲۰۴	تنطریه، ۲۹۲	جَجِخَن (اهل هری)، ۹۴
بورنسون، ۲۵۸	بیش موش بیشا، ۹۲	تَنعیمه، ۹۵	جدوار اندلسی، ۶۴
بورّه، ۸۰	بَيَضُمون، ۸۸	تنوب، ۱۹۶	جراشیا، ۲۳۴
بوریکا، ۱۱۳	بَيَقور، ۲۹۲	تنیفن، ۱۰۴	جرامغه، ۱۴۸
بوریداس، ۱۲۲	بیقه، ۹۲	تومالی، ۲۷۵	جرامقه، ۱۴۹
بوزیدان، ۵۴	بیقیه، ۹۲، ۱۰۴	تومرنا، ۲۰۱	جَزینّه، ۱۴۸
بُوزیدان، ۸۹	بیلَمون، ۸۲	تَوَن تَرّه، ۱۱۵	جُربونه، ۲۵۳

جرجس، ۱۶۶	جنگبل، ۱۰۶	حرمانه، ۲۰۳	خَرَم، ۴۸
جرجمه، ۱۳۷	جنجیدیون، ۱۰۶	خَرَمی، ۱۷۶	خَرَم، ۵۴
جرذیونته، ۱۰۸	جنسفسوج، ۲۴۲	حسک کوهی، ۱۱۸	خرمدانق، ۲۵۵
جرمامه، ۲۶۵	جنشاله، ۱۵۲	خَسَل، ۱۱۸	خرنوب نبطی، ۳۰۱
چرموز، ۸۴	جنطیان، ۱۰۶	حسم عوسج، ۲۱۷	خروسوقولی، ۷۰
جَزَمیلک، ۱۰۳	جنکهارمول، ۱۱۸	حِشْرِق، ۱۳۹	خروسوقومی، ۱۳۲، ۱۳۰
جرنوب، ۱۰۳	جنگلا، ۱۱۲	حشغنیفل، ۱۸۸	خروسوموغالی، ۱۳۳
جریال بقم، ۱۰۳	جَنی، ۱۰۶	حشیثه القمل، ۱۲۰	خروهک، ۷۹
چساد، ۱۶۳	جَوَان سَهَرَم، ۱۰۶	حضض هندی، ۲۳۰	خَرَامی، ۱۳۳
جَعْدَه، ۱۲۰	جوج، ۴۳	حقوق، ۸۳	خسکدانه، ۲۶۶
جعله بحری، ۱۰۳	جوجهرج، ۱۴۵	جیلناب، ۱۲۱	خُشَبَرَم، ۲۸۰
جعفیل، ۱۱۸	جوری، ۳۰۰	حلیثا، ۱۲۱	خشب سومر، ۱۸۱
جغزیه، ۱۷۹	جوز اُرمانیوس، ۱۰۷	حلیمو، ۱۲۲	خشقاقل، ۱۸۸
جقلال، ۲۶۶	جوزناق، ۹۰	حماروحوش، ۹۵	خَسَل، ۲۸۳
جَلَبَهَنک، ۱۰۱	جولق (اندلس)، ۱۰۹	حندقوقا، ۲۹۱	خلجا، ۲۵۷
جلجمانا، ۲۳۴	جهنک، ۱۰۳	حنزاب، ۵۰	خلجلا، ۲۵۷
جلغوزه، ۱۱۲	جیرش، ۱۰۹	حوسالی (اهالی جزیره)، ۱۰۹	خلوق، ۱۶۳
جلغوزه مصری، ۱۰۵	جیلغوز، ۱۰۵	حیصل، ۷۲	خنجر، ۱۱۴
جلماث، ۲۳۴	چا، ۹۹	حیلت، ۲۵۳	خندروس، ۱۲۶
جلنجمون، ۱۰۵	چاکشو، ۹۴	خاروه، ۲۹۸	خوردییلان، ۱۸۰
جلنجویه، ۱۰۵	چراسیا (صقلب)، ۲۳۴	خالادل، ۵۱	خوز، ۶۷
جلوکا، ۱۰۰	چغرب، ۱۸۰	خالاون، ۱۳۹	خَوْشان، ۱۳۹
جُلهم، ۱۰۵	چغرب، ۱۸۰	خامالاس، ۵۷	خوشک امحری، ۹۳
جلهنک، ۱۰۱	چَلاپا، ۱۰۴	خامانیل، ۷۰	خوفان، ۲۰۲
جماهو سلیمان، ۱۰۵، ۱۶۰	چلغوزه، ۱۹۶	خاوانی (صقالیه)، ۶۷	خولاذولیون، ۱۳۳
جم جم، ۱۰۵	چمکدلا، ۲۴۳	خَترِف، ۱۳۰	خَوْنجان، ۱۳۹
جمسفرم، ۱۰۵	حاراسوافی، ۹۳	خراما، ۲۸۰	خومان، ۲۰۲
جَمَشک، ۹۴	حارکو، ۱۴۴	خَرَامقان، ۱۳۰	خومر، ۹۵
جُمعلج، ۱۷۰	حاله غوره، ۶۲	خراقة، ۱۱۷	خومه، ۹۹
جملج (اندلس)، ۲۱۹	حاماسوقی، ۱۱۱	خَرَزون، ۱۴۵	خیاط، ۱۲۵
جَمَیز، ۱۰۵	حاوزوان، ۲۵۲	خرسیطس، ۱۰۲	خیر بوا، ۲۹۶
جَمَیز، ۱۲۳	حباقا، ۱۲۵	خرطال، ۱۳۱	خیر خیر، ۱۷۱
جنید، ۱۹۵	حباقی، ۱۲۵	خرغول، ۷۸	خیروج، ۱۲۹
جَنَت قابطه، ۱۰۵	حب جنکلا، ۱۱۱	خَرَقطان، ۱۳۱	خَیسَفوج، ۲۴۲
جَنجَبانسه، ۱۰۶	حدق، ۷۲	خرقع، ۱۷۳	خیوخیر، ۱۷۱
جنجبانسه، ۱۳۹	حدمانه، ۲۸۰	خرکوش، ۱۳۱	داذاروان، ۴۴
جنجبنیه، ۱۲۲	حر، ۱۶۴		دازی، ۱۴۱
جنجقش، ۸۳	حرحم، ۲۹۳		دارارون، ۴۴

دارم، ۱۴۲	دَوْدِم، ۱۴۷	رواس، ۱۵۹	زیا، ۱۹۴
دارما، ۲۸۰	دوراو، ۱۱۷	رواش، ۲۵۴	زیزفون، ۲۱۹
دارمک، ۱۴۲	دوزخولی، ۱۴۶	روبادوج، ۲۴۹	زیغس، ۱۸۲
دارهَلْد، ۱۴۲	دورحولی، ۱۸۱	روذ دقنی، ۱۴۵	زَيْلَعی، ۲۳۹
دافنطس (اسکندریه)، ۱۷۴	دورحولی، ۲۵۷	روشکه، ۵۵	ساذج، ۱۶۶
دائک، ۱۴۲	دورقنی، ۱۴۷	روفس، ۱۱۰	ساراقیاس، ۱۳۶
دانک افرونک، ۱۴۲	دوقص، ۸۰	رهلیا، ۶۷	ساسالیوس، ۱۶۷
دباب، ۱۸۲	دهاک، ۸۵	ریشه والا، ۱۷۷	ساسلیوس، ۲۵۳، ۶۵
دبقت، ۱۴۲	دهاهاهیج، ۱۴۸	ریمنده (اندلس)، ۲۱۹	ساسلیوس، ۱۶۷
دبیراز، ۱۴۳	دهمست، ۱۵۹	ریوله (اندلس)، ۲۲۶	ساصلی، ۱۹۴
دخسیسا، ۱۴۳	دیاکلمن، ۱۴۱	ریون، ۱۵۴	ساطریون، ۱۶۷
دراجن، ۱۳۹	دیشار، ۲۸۱	ریهقان، ۱۶۳	سافاریعون، ۱۳۰
دراشنا، ۲۶۱	دینارویه، ۱۴۸	زابر، ۱۶۱	ساکرکهوله (سانس کرت)، ۵۹
دراقیل، ۱۴۳	دیواسپست، ۱۲۵	زائا، ۵۲	سالم (عبری)، ۱۴۷
دربرق، ۲۱۴	دیوفونیطس، ۲۷۳	زجمول، ۲۵۸	سالی، ۱۶۷
درجکان، ۱۳۹	ذریون، ۱۸۸	زحموک، ۲۵۸	سالین، ۲۵۴
دَزْداب، ۱۴۴	ذرقی، ۱۵۰	زردلان، ۱۶۱	سامان، ۱۶۷، ۱۴۸
دردریه (بکر)، ۲۷۸	ذرقونن، ۱۳۹	زرقفت، ۱۶۱	سایس، ۲۱۸
درق، ۱۲۵	ذفکر، ۲۲۶	زرقوری، ۱۵۵	سبسرین، ۱۱۵
درنک، ۳۸	ذیره، ۱۲۳	زرنبوزی، ۸۴	سپندانک، ۱۱۵
دَزْواژْد، ۱۹۸	رابج، ۱۱۲	زرنبوری، ۱۶۲	سجا، ۱۶۷
دُزْیان، ۱۴۵	رابستیاج، ۱۹۳	زفیزف ونیق، ۲۱۴	سیجستان، ۱۶۷
دسنطو، ۸۵	رازقی، ۱۵۲	زُقُشته، ۱۶۳	سجس افراغیه (اندلس)، ۲۴۳
دعقیلا، ۱۱۸	راسن (اندلس)، ۱۵۳	زَمَان شرار، ۷۶	سجلات، ۲۹۹
دققینی، ۱۰۳	رامک، ۱۵۴	زنابیر، ۹۶	سجیوس، ۴۳
دِقان، ۱۳۶	رانج، ۱۰۹	زَنْبار، ۹۶	سحر، ۲۶۰
دُقْتَرانش، ۱۴۵	رائج، ۲۸۷	زَنْبوره، ۹۶	سحسونه، ۱۶۷
دقتوریه، ۹۹	راون، ۱۵۴	زنبوش، ۹۰	سَخار، ۱۶۷
دقلیوس، ۶۷	رَبْنالَه، ۲۷۴	زنبوقه، ۱۲۲	سخیونس الیا، ۱۴۸
دلویاخوسطس، ۲۳۰	ربوذی، ۸۴	زَنْبیره، ۹۶	سدر، ۱۱۸
دَلِیک، ۱۴۶	رجنه، ۱۳۳	زنجبیل شامی، ۱۵۳	سُدوس، ۲۱۱
دَمادم، ۱۴۷	رُسفاریتا، ۸۷	زنجی، ۱۶۷	سُدوس، ۲۹۲
دَمَدام، ۱۴۷	رسون هندی، ۱۹۹	زَنْغباری، ۱۶۴	سراش، ۱۳۸
دندان ساوکف، ۸۳	رَشاله، ۴۶	زَوْبَری، ۱۲۶	سرالیه، ۲۹۸
دنقه، ۱۴۷	رغیدا، ۴۴	زوذوذا، ۱۴۵	سَرَزک، ۱۶۲
دوادم، ۱۴۷	رَکُل، ۲۵۲	زوفس، ۱۰۳	سرشاد، ۱۷۰
دویژ (مصر)، ۲۷۳	رمرام، ۱۵۸	زول زده، ۲۵۱	
دَوْدَر، ۱۴۵	رَمْرام، ۱۵۸	زهرور، ۲۸۹	

سرقسنة، ۱۷۰	سنانی، ۱۵۶	شبیطاط، ۱۸۵	شناقه، ۹۹
سرقسطه بطلاله مرکلیته، ۲۶۶	سُنیراس، ۱۷۷	شبطه وقرولن، ۷۸	شندله، ۹۶
سرما، ۱۷۰	سَنجَاب (هری)، ۸۳	شبناله، ۱۲۳	شنبر، ۱۱۳
سرمج اطرافاکسیس، ۱۷۰	سَنجسفویه، ۱۷۷	شیوق، ۸۵	شنبلید، ۵۳
سرمس، ۱۷۰	سندروس، ۱۷۸	شیوقه، ۱۱۰	شنبنش، ۲۵۶
سروی، ۳۰۰	سَنَدروس، ۱۷۸	شَبیبی، ۱۹۱	شترن، ۱۰۴
سریش، ۱۳۸	سندوقس، ۵۸	شبیطة، ۲۶۹	شتله، ۱۵۷
سریقون ارمنی، ۱۹۳	سندهان، ۱۷۹	شتین، ۱۴۷	شَتَلَة، ۶۳
سسطیعون، ۱۶۵	سندیان، ۱۷۹	شث، ۱۸۵	شثمن، ۱۵۳
سطاقانن، ۱۵۹	سَنفَالَة، ۱۴۸	شَحْمَالَة، ۲۶۶	شندله، ۹۶
سطراطیوس، ۱۷۱	سَنَقِزَه، ۱۳۹	شَحْمِیْلَة، ۱۴۸	شَنَدَلَة، ۱۹۰
سطراک، ۱۶۱	سِن نوذَه، ۱۵۵	شَحْمِیْمَالَة، ۲۵۸	شَنَدَلَة (اندلس)، ۹۶
سطرکا، ۵۳	سوراج، ۲۴۹	شریش (ثغری)، ۱۶۲	شنشظوره، ۱۰۳
سطوبی، ۱۷۱	سوراهند، ۲۵۷	شریلیون، ۲۷۳	شنفیل، ۲۵۴
سطیوس، ۱۰۴	سوربارو، ۲۸۸	شرین، ۱۸۷	شَنَقِزِیْرَه، ۱۵۳
سفانی، ۱۵۶	سوفال، ۱۸۱	شرخره، ۱۱۳	شنکی، ۲۶۷
سفتک، ۲۹۲	سوفامینوس، ۹۵، ۱۰۵	شِرَس، ۱۸۷	شورش لاطه، ۱۲۳
سفندولیون، ۱۷۲	سوفطیون، ۱۶۷	شرغلی، ۸۰	شوشمشیر، ۷۰
سفودالس، ۱۹۵	سوفی، ۹۳، ۱۵۷	ششتره، ۱۸۷	شوشمیر، ۲۳۲
سقربیون، ۲۰۴	سوقاسنيس، ۱۰۵	ششقافل، ۱۸۸	شوطی، ۸۰
سَقْمُونِیَا، ۱۷۲	سوقطیون، ۱۳۵	شَفِذ، ۱۸۴	شوکران، ۸۸
سقندوقس، ۵۸	سیدیریطس، ۲۵۷	شفلیش، ۲۱۴	شولة دی رای (اندلس)، ۱۵۰
سقونیوس، ۲۰۱	سیسبر، ۱۸۲	شفیقل، ۱۸۸	شومر، ۱۹۲
سَكْرَجَه، ۱۷۳	سیسبرونه، ۱۲۲	شقایق، ۱۸۸	شَوَنَدَر، ۱۹۲
سکنبویه، ۱۷۳	سِیْسْتَر، ۱۸۲	شقردیون، ۱۸۹	شیان، ۱۹۲
سَلِیْخَه، ۱۷۴	سیسنه، ۱۱۳	شقدیون، ۱۸۹	شیرق، ۱۹۸
سلیس، ۲۱۸	سیسون، ۷۹	شکاعی، ۷۵	شیشاصینی، ۱۳۳
سمرنیون، ۱۷۶	سیصامویداس، ۱۳۰	شَكْرَقَنْد، ۱۸۹	شیشم، ۱۳۳
سمریا، ۲۵۴	سیطوس، ۱۹۱	شَل، ۸۵	شیشنبر، ۱۱۳
سمسخون، ۱۱۳	سیقریقره، ۱۲۶	شلار، ۸۰	شيلم، ۱۱۸، ۱۶۴
سمسقون، ۱۱۳	سیلونس، ۱۱۴	شلبش، ۲۵۲	شینر، ۱۹۲
سمشیر، ۳۴	سیناپهل، ۱۸۷	شلوبینی، ۸۰	صاصل، ۱۹۴
سمفوطن، ۲۶۹	سیوس، ۱۶۵	شَلیل، ۱۹۰	صاصلی، ۱۹۴
سمقشمحون، ۳۴	شالمن، ۱۶۱	شمسیر، ۲۳۲	صَدَح (اهالی سواد)، ۸۴
سمورنیون، ۱۷۶	شامبه، ۴۸	شمشرا، ۲۷۹	صریرا، ۷۱
سمونیون، ۱۷۶	شانسیه، ۲۶۶	شمشیر، ۲۳۲	صغاییس، ۱۹۸
سناتیا، ۲۴۸	شَبْرِق، ۱۸۴	شموسا، ۲۸۰	صمغ طرثوث، ۵۱
	شبريله، ۲۸۰	شمین، ۲۹۶	



صندل، ۱۵۹	طرذیلون، ۱۶۷	طیطان، ۲۰۴، ۲۵۲	غزاله، ۹۹
صوصل، ۱۹۴	طرسه (اندلس)، ۲۴۳	طیلافیون، ۲۸۰	غرناطش، ۱۵۷
صومر، ۷۱	طرشقوق، ۲۹۸	طیلاله، ۹۰	غرنوقی، ۱۲۹
ضدخ، ۸۴	طرغاین، ۲۰۱	طیلسات، ۲۹۲	غریطیره، ۲۷۳
ضدخ، ۸۴	طرقتیه، ۲۷۳	عاقر شمع، ۳۸	غساقالس، ۲۴۲
ضومر، ۷۱	طرقتیه، ۲۷۳	عالیه و برشقی، ۱۵۳	غلوکش، ۱۰۴
طاحسک، ۳۵	طرمش، ۱۲۶	عبب، ۲۰۶	غمار، ۳۱، ۳۶
طار طقه، ۱۱۳	طرنج، ۴۰	عَبَس، ۱۸۲	غوتاغبنا، ۲۶۲
طالیسفر، ۱۴۲، ۱۹۹	طرنشول، ۵۹	عِبهَر، ۹۰	غودیوله، ۲۵۲
طاموغیطن، ۱۱۰	طُرُنْشول (اندلس)، ۱۹۴	عَبْهَر، ۲۰۶	غودیوله، ۸۷
طبرش، ۲۶۰	طرنه (اندلس)، ۲۴۳	عَبْثِران، ۲۰۶	عُوشَنه، ۲۲۱
طخش، ۱۳۹، ۲۰۰	طُرْنه ماطر (نغری)، ۱۳۰	عُترب، ۱۷۵	غوشنه جنسی، ۲۲۱
طخشیقون، ۲۰۰	طرنه، ۲۰۳	عربرب، ۱۷۵	غوشه، ۲۲۱
طَخْشیقون، ۲۰۰	طرنیه (اندلس)، ۲۴۳	عروطنیا، ۲۰۷	غوشه، ۲۲۱
طَرَّاشَنه، ۲۰۱	طَرْنِطَر (مایرقا)، ۲۴۶	عروطنیفه، ۳۴	فایه بورکه، ۹۳
طَرَاغْئون، ۲۰۱	طشور، ۲۰۴	عَرَقْصان، ۱۵۰	فایه دیوزکه، ۱۵۷
طَرَاغین، ۲۰۱	طشیر، ۲۰۴	عرقصاء (سجزی)، ۱۲۵	فارغه، ۲۲۲
طرامشیع، ۲۸۱	طغانه، ۲۴۸	عروس، ۲۹۲	فاس، ۶۶
طرامه، ۲۰۲	طغاره، ۲۴۸	عرو ساءه، ۲۷۰	فاسی، ۲۲۲
طرامیش، ۲۰۱	طفشیقون، ۲۰۰	عصب، ۲۶۳	فاشَرَشین (اندلسی)، ۲۲۲
طرباج، ۱۴۸	طلخشقو، ۲۹۸	عقادوم، ۲۸۳	فاط، ۲۲۲
طربشکه، ۲۷۵، ۲۷۷	طلق، ۲۶۴	عَکَر، ۱۱۴	فاطن، ۷۳
طربه لبه، ۷۵	طانیطلی، ۱۸۹	علسی، ۱۹۵	فافبوس، ۵۷
طربه لبه، ۸۷	طمرشکه، ۲۰۲	عَلک، ۲۴۴	فافل، ۲۲۸
طربه لبه، ۱۵۱	طمره، ۱۳۳	عَلیق، ۲۱۳	فافیوس الحدقی، ۵۷
طرتوشا، ۵۱	طَئِیه، ۵۵	علیجان، ۲۱۳	فالبرس، ۲۲۳
طرجال، ۱۲۶	طوبه، ۲۰۴	عمار، ۳۶	فالبرِئس، ۲۲۳
طرخشقوق، ۲۹۷	طورنه شول، ۲۰۴	عمرو، ۲۵۳	فالسسیسانه، ۳۵
طرخشقون، ۱۴۷، ۲۹۸	طورنه لیه، ۲۰۴	عمول، ۷۶	فالی بورس، ۲۲۳
۳۰۱	طورنه مَریطش، ۲۰۵	عنقیل، ۱۸۹	فانیرستینست، ۲۲۲
طرخشوق، ۳۰۰	طورنه مَریطه، ۲۰۴	عَتم، ۲۱۵	فجلن، ۹۰
طردج، ۱۲۳	طَوْره، ۲۰۴	عوقیا، ۱۱۹	فدلقم، ۲۵۲
طردج، ۱۵۸	طوریدخ، ۲۲۴	عیادیوس، ۱۵۵	فراخشنه، ۲۶۹
طَرْدِج، ۲۵۸	طوطاق اغریون، ۱۲۲	غالا لوطا، ۷۳	فَراسیون، ۲۲۴
طردجه، ۱۲۳	طولیدون، ۲۱۴	غالبون، ۲۵۰	فراسیون، ۲۵۲
طردجه، ۱۲۳	طَهْطَف، ۲۰۳	غاله جیقه، ۱۱۸	فراشنه، ۱۴۴
طردقیره متیره، ۱۴۷	طیثومالس، ۲۰۴	غالییوس، ۱۷۰	فربوله، ۲۶۶
طردیلن، ۲۵۳	طَیْرائه، ۲۰۴	غبانستر، ۲۸۲	فربیون، ۵۵

قرنمن، ۲۳۵	قاباش قبطی، ۷۳	فلنجة، ۲۵۰	فَرخار، ۲۲۵
قرداسات الذوائب، ۱۲۱	قاب طیره، ۱۱۹	فُلور اورو، ۸۰	فرسانا، ۷۶
قردمانا، ۲۶۱	قابی طیاره، ۱۵۷	فلوقاریش، ۲۸۰	فِرِسک، ۱۳۹
قرذیوله، ۷۲	قارجی، ۷۵	فلوماین، ۲۰۵	فرعجین، ۸۲
قرز، ۱۲۱	قارودیا، ۱۰۷	فلومس اداؤش، ۱۵۳	فرفه، ۸۳
قرسطاریون، ۱۷۱	قاع قَلّا، ۲۳۲	فلیطش، ۸۷	فرقین، ۸۳
قرشبیون، ۱۰۳	قاقالیا، ۲۳۲	فلیفله، ۲۲۸	فرلیون، ۱۰۳
قُرش قبله، ۲۵۷	قافل، ۵۲، ۲۳۲	فلینفلة، ۲۲۸	فرنّت، ۱۸۳
قرشبقا، ۱۰۶	قاقلا، ۲۴۳	فم، ۲۲۹	فرو دوهامان، ۲۲۵
قرصعنة، ۱۴۳	قاقله صغیر، ۲۳۲	فنال، ۱۴۸	فرو قودیلاون، ۲۲۵
قِرْشِیمان، ۲۳۸	قاقلی (قبطی)، ۲۳۲	فنجریون، ۲۲۸	فریثا، ۲۲۹
قرمد، ۲۵۵	قاقیا، ۲۳۳	فَنجِیون، ۲۲۸	فریقان، ۲۳۵
قرمقام، ۲۵۶	قالا مغرسطس، ۹۹	فقطسی، ۱۲۴	فریقه، ۱۲۰
قربنا، ۱۲۲	قالیورس، ۶۱	فتقین، ۱۰۳	فسولیدس، ۲۴۹
قرنباذ، ۲۵۶	قامارون، ۱۰۶	فتلیه، ۷۸	فسولیدوس، ۲۴۹
قرنیبط، ۲۵۶	قاوند، ۲۳۳	فورس، ۲۵۸	فُشاغ، ۲۲۶
قرنفار، ۲۵۶	قبتوریة، ۲۵۴، ۲۵۸	فورش ابجی، ۲۷۵	فشاله، ۲۰۱
قرنفار، ۲۵۶	قبساطه، ۹۹، ۱۴۳	فوروفش، ۱۵۵	فُشغ، ۲۲۶
قرونله دِکائبة، ۵۹	قبسطاله، ۱۲۷، ۱۵۳	فوشنه، ۲۲۶	فصون، ۲۷۱
قرونه، ۲۹۶	قبسطون، ۲۷۷	فوعین، ۲۳۰	فطراسلیون، ۲۲۶
قَرَنوة، ۲۳۸	قبلی (مشرق)، ۲۰۷	فوفارون، ۱۲۵	فقیل، ۲۲۶
قَرَنه، ۱۲۹	قبلوط، ۲۵۲	فُوقش، ۲۷۵	فل، ۱۳۸
قرنیثا، ۲۲۹	قَبْلُه موره، ۲۵۷	فوکرم، ۱۱۸	قَل، ۲۲۷
قرو سوقیون، ۴۵	قجنار، ۸۴	فولیون، ۱۰۳، ۲۳۰	فلاخان، ۱۸۳
قروطن (قبرس)، ۱۳۳	قحوان، ۵۷	فوהל، ۲۴۵، ۷۶	فلایه، ۱۰۵
قریوله، ۲۶۶	قَدْلَبه، ۱۵۱	فیاس، ۶۶	فلجون، ۱۵۷
قریون، ۲۵۴	قَدْرُوس، ۲۳۴	فیاقه، ۹۳	فلجه، ۱۵۷
قُرْحی، ۸۴	قذلبه (اندلس)، ۱۵۱	فیطل، ۲۰۴	فلجیون، ۱۵۷
قرزقحیر، ۸۳	قرادامنی، ۱۸۲	فَیطل، ۲۰۴	فلحون، ۱۶۹
قسس، ۲۶۶	قرادسینی، ۱۱۶	فیقایفا (عبرانی)، ۵۷	فلفلمون، ۲۲۸
قَسْطانیقی، ۸۴	قراضیا، ۲۳۴	فیقوس، ۱۰۵	فلفلموی، ۲۲۸
قَسْطانیقی (اهالی سواد)، ۸۴	قراطاغونن، ۲۳۵	فیقومورا، ۱۰۵	فلفل مویه، ۲۲۸
قَسْطَرُون، ۲۳۹	قَرَطارِغُون، ۲۳۵	فیقه، ۹۶	فلفل مویه، ۲۲۸
قسطولیدون، ۲۴۹	قراطارس، ۱۴۷	فیقه متیره، ۱۰۵	قَلْقَلْمویه، ۲۲۸
قسطیدس، ۲۰۱	قراطیارغیون، ۲۳۵	فیلاتاریون، ۵۸، ۷۱، ۱۵۵	فلفلمون، ۲۲۹
قسطیس، ۲۰۱	قراقیا، ۱۵۷	فیلون، ۲۳۱	فلمویه، ۲۲۸
قسعر، ۲۳۳	قرالنا، ۲۳۵	فیلیطس، ۲۳۱	فلنجوس، ۲۷۳
قسماط، ۱۳۰	قرانیا، ۱۶۰، ۲۳۵	فیئقس، ۹۲	فلنجه، ۵۶

قَسَوس، ۱۲۱	قَلْنَبْرَه، ۲۰۴	قوفا، ۲۴۴	کاوی، ۴۵، ۲۴۸
قَسیناد، ۲۶۶	قَلْنَبَه قَوْلَه، ۳۴	قوقایس، ۱۴۸	کاهوجرنه، ۳۸
قَشَطَنْبُولَا، ۸۰	قَلَنْبِل، ۱۴۱	قوقو، ۱۶۳	کباس، ۱۲۴
قَشَطَنْبُولَه، ۱۴۵	قَلْنَبَه، ۱۵۰	قولار، ۲۵۶	کَبَسُون، ۲۵۰
قَشَقَابَن فَلَسْدِیَار، ۱۴۱	قَلْنَسْد نَارْدِیْن، ۱۴۱	قولاله، ۲۶۳	کَبلاس، ۱۲۴
قَشَلُومَن، ۱۱۴	قَلُوس، ۲۷۷	قولانی، ۲۴۷	کیکیج، ۲۵۴
قَضُبُور، ۲۵۷	قَلُوبِن، ۱۰۳	قولجیاله، ۲۵۶	کئانی بزرگ، ۷۸
قَصفا، ۱۳۳	قَلِیجُولَه، ۱۶۱	قوللئه، ۲۵۶	کُئِلَه، ۲۵۱
قَطبا، ۱۱۸	قَلِیْقَل، ۲۷۴	قولوقیمن، ۱۵۳	کُئِنَبَه، ۲۵۱
قَطْرِیْل، ۱۶۸	قَلِیْمَاطِیْطُس، ۱۶۱	قولوکتش، ۱۲۶	کُحْدَان، ۲۱۸
قَطْلَم، ۱۶۶	قَلِیْمَاطِیْطُس، ۱۶۱	قوله د قَباله، ۱۵۱	کُحَلَا، ۲۱۸
قَطْلُونِبَه، ۸۰	قَلِیْمُونَه، ۹۰	قولی، ۲۵۶	کُحْلُوان، ۷۸
قَعْبَل، ۲۲۶	قَلْیُون، ۱۳۶	قومارقوس، ۱۰۶	کدر، ۲۴۸
قَعِیْلَاس، ۳۴	قَلِیُون دِغَاتَه (ثَغْرِی)، ۱۳۵	قومن، ۲۴۷	کربز، ۲۵۳
قَفَالُوط، ۲۵۲	قَلِیُونَش دِغَاتَه، ۱۵۰	قهلمان، ۲۸۰	کردیلن، ۲۵۳
قَفْلُوط، ۲۴۳، ۲۵۲	قَمَسِیْل، ۱۴۸	قیرون، ۲۳۸	کرساخسن، ۱۷۰
قَفُورَا، ۱۴۳	قَمِشْ، ۲۶۲	قیسارون، ۲۰۱	کُرْشَف، ۲۴۲
قَلَاقَل، ۲۴۴	قَمَضَانَا، ۵۹	قیستوس، ۲۶۵	کرسنه، ۱۰۴
قَلَامْغَرَسَطُس، ۱۴۸	قَنَابَرِی، ۷۶	قیطاقون، ۹۳	کرشاد، ۱۰۶
قَلَامَتِی، ۲۲۹	قَنَار، ۱۱۴	قیطس، ۳۵، ۳۱	کرکر، ۱۹۶
قَلَانْتَرَه، ۲۵۷	قَنَالَه، ۲۶۹	قَبْیَب، ۲۹۰	کرکر امحر، ۹۳
قَلَانْتَرَه کِمَبَانَه، ۲۵۷	قَنَا هِنْدِی (خَوَازَنَه)، ۸۵	قیقیدیس، ۲۱۱	کرکمان، ۱۲۵، ۲۹۱
قَلَانْش، ۲۴۳	قُنْبَالَه، ۲۵۱	قیلورا، ۱۴۴	کرکی، ۲۵۵
قَلْب، ۲۴۳	قُنَبِیْط، ۲۴۵	قیمص، ۲۴۷	کرکیشه، ۱۵۹
قَلْبَزَلَه، ۲۷۳	قُنَبِیْط، ۲۵۶	قیمولیا، ۲۶۴	کرنباد، ۲۵۶
قَلِیْجُونَه، ۲۴۳	قَتُولَه، ۲۷۵	قینا، ۲۴۷	کرنج (تورانی)، ۴۴
قَلِیْخِیْغَن، ۱۰۸	قَنْجُولَه، ۱۲۲	قیوند، ۲۳۳	کرنجونه، ۲۴۳
قَلَس، ۱۸۲	قَنْطَا، ۶۹	کابور (ترمذ)، ۷۵	کرنونش (فاس)، ۲۲۳
قَلَشْتَر، ۱۸۹	قَنْلِیَه، ۱۵۵	کات، ۲۴۸	کرنیبا، ۱۰۶
قَلْطَانَه، ۲۵۰	قَنْوَل، ۱۴۱	کاربا، ۲۶۴	کروفس، ۱۲۷
قَلْغُورَا، ۱۴۳	قَنْی، ۲۴۴	کاشوش، ۱۰۰	کرویانه، ۲۵۵
قَلْفُون، ۸۱	قَنْیَرَه، ۲۸۰	کافوریوه، ۲۴۹	کریلا، ۲۵۶
قَلْفُونِیَا، ۱۵۲	قَوْتَارَشُوق، ۱۵۲	کافوری نر، ۵۷	کریله، ۲۵۶
قَلْقَاس، ۱۸۱	قَوْث، ۲۹۳	کافوریه، ۵۷	کزز، ۲۶۳
قَلْقَل، ۲۴۴	قَوْرِیُون، ۲۹۸	کافیشه، ۲۱۰	کَرْمَازَج، ۵۷
قَلْقَل، ۲۴۴	قَوْسِی، ۲۰۱	کالستندروس، ۲۶۴	کَرْمَازَق، ۵۷
قَلْقَلَان، ۲۴۴	قَوْشِیَا، ۲۳۹	کامن قزیان، ۲۵۷	کَزُوان، ۲۵۷
قَلْقُونِیَا، ۲۴۴	قَوْطَامَا، ۲۴۷	کاول، ۲۵۲	کست، ۲۳۹

کستج، ۸۴	کمیش، ۲۶۲	گردهیار، ۱۰۳	مابرونه، ۱۶۴
کَستُج (اهالی سواد)، ۸۴	کناروس، ۱۱۴	گریال، ۱۰۳	مادله، ۹۹
کَشموقا، ۲۵۷	کناوس، ۲۶۲	گیاکو، ۱۷۸	مادیون، ۲۸۷
کسمویا، ۲۵۷	کَنِب، ۲۶۲	لاعون، ۲۶۵	ماراقونا، ۱۵۷
کستیون، ۲۵۸	کنباث، ۲۶۲	لاقئون، ۲۵۸	مارش، ۱۰۳
کُسول، ۲۵۷	کنجر، ۱۱۴	لاقوره، ۱۴۰	مارکیا، ۲۹۷
کُشه، ۴۱	کنجروس، ۱۰۰	لَبَرال، ۲۶۶	مارکیوا، ۲۸۸
کُشت، ۲۳۹	کندر، ۲۷۴	لیوکا، ۲۷۵	مارون، ۲۷۵
کُشتج، ۲۵۸	کُندری، ۲۶۳	لَنکو، ۲۶۷	ماسفرم، ۲۷۵
کشرنا، ۲۶۱	کندریاث، ۲۷۴	لیحیانی، ۲۶۷	ماسقدون، ۲۷۵
کُشط، ۲۳۹	کندش، ۲۱۶	لختیره، ۱۵۵	ماسقود، ۲۷۵
کشمخه، ۱۲۳	کنده بهروزه، ۷۲	لذار، ۲۶۶	ماطرشَلَبَه، ۱۶۰
کشمخ، ۱۲۳	کندیر، ۱۹۹	لسباراغوس، ۲۹۷	مَالَبَه، ۱۲۹
کُشمُخ، ۲۴۳	کوتاکبنا، ۲۶۲	لطره، ۲۵۱	مَالَبَه اوراطه، ۱۲۹
کُشتج، ۲۵۸	کورش، ۱۳۹	لما، ۲۱۴	مَالَبَه بَشکَه، ۱۲۹
کشوت زَنجی، ۵۶	کورو، ۱۳۲	لَم لَم (برنیق)، ۲۷۱	مَالَبَه مِلوخه، ۱۲۹
کستیون، ۲۵۸	کوزا، ۲۸۳	لِنقَوِذِیوی، ۲۵۲	مالیا، ۱۴۴
کفسون، ۲۵۰	کوسک (بستی)، ۷۳	لوبیانیه (اشبیل)، ۴۶	مالیا، ۲۷۶
کفلیون، ۱۰۳	کوشکروا، ۱۱۸	لوسطیون، ۱۵۸	ماما، ۲۷۵
کلاکون، ۹۲	کوکروا، ۱۱۸	لوعَجِدِیطوس، ۲۷۳	ماماقولا، ۱۰۶
کُلت، ۲۵۹	کولرپر، ۱۲۱	لوفا، ۲۷۴	مامیران، ۲۰۸، ۲۱۶
کُل داودی، ۲۵۹	کُولَم، ۲۲۷	لوفای کبیر، ۲۴۶	مامیر (قبطی)، ۲۷۱
کُلکان، ۲۵۲	کومرثل، ۲۶۴	لوقابا، ۱۴۰	ما هویداته، ۲۷۶
کلموج، ۱۵۳	کوم (ماوراء النهر)، ۹۹	لوقابس، ۱۴۰	مرا، ۲۷۸
کلنبار، ۲۵۰	کوهج، ۱۶۲	لوقاس، ۲۷۴	مراتیا، ۲۹۹
کلنج، ۲۶۰	کوهیان، ۲۵۲	لوقاقاٹا، ۲۷۴	مراطولس، ۲۴۹
کلنکار، ۲۵۰	کهکب، ۷۲	لوقاین، ۲۷۴	مرانیه، ۲۹۹
کلنکرد، ۲۶۰	کهکم، ۷۲	لوقیدس، ۱۵۵	مِرثُش، ۳۶
کِلَنکک (بستی)، ۸۳	کهورات، ۲۶۴	لوقیموس، ۵۸	مِرْزِیَه، ۳۶
کلوقورون، ۱۸۰	کهیرک، ۷۲	لِهولوقوغَزاتیس، ۲۷۴	مرخ، ۲۱۱
کلیکان، ۲۶۰	کیسرگونه، ۱۰۳	لیتوقش، ۱۳۳	مرداودوش، ۱۱۳
کماذریوس، ۲۵۹، ۸۶	کیسومر، ۱۰۳	لیتوقه کنبیانه، ۱۳۳	مرددوش، ۱۱۳
کمالیون، ۲۶۱، ۵۱	کیکج، ۱۸۶	لیثانوس، ۲۷۴	مردقوش، ۲۷۹
کُمثری چینی، ۲۶۱	کَیکَواشه، ۲۶۴	لیرون، ۵۰	مِرْذَکَی، ۲۷۸
کَمَرَزَهَره، ۲۶۱	کیلکان، ۲۶۴	لیلَنج، ۲۹۲	مرز، ۲۴۷
کَمَرک، ۲۶۱	کیموس، ۱۰۰	لیناری (رومانی)، ۲۵۱	مرس، ۲۷۹
کم کام، ۱۹۸	کِیَته، ۲۸۲	لینوسطو، ۸۵	مرسیفا، ۷۶
کموتان، ۱۰۳	گاودر، ۲۹۸	لینوفر، ۲۹۲	مرسینوس، ۳۶

مرطنه، ۹۹	مطرقان، ۹۸	مهرمان، ۵۷	نمشک، ۲۹۰
مَرطنه، ۱۴۸	مطرونیه، ۱۰۶	میربان، ۳۶	نمیسقن، ۲۵۳
مرطولست، ۲۷۹	مَقْلاوس، ۲۷۲	میبه، ۲۸۶	نواصیر، ۳۰۰
مرماحور، ۹۱	مَقْدونس، ۲۵۳	میدیغی، ۱۵۳	نوجی، ۱۰۷
مَرْماحور، ۲۷۹	مقدونیس، ۲۵۳	میرادون، ۲۸۰	نوفر، ۲۹۲
مرماحوز، ۲۷۹	مقر، ۱۹۵	میس، ۲۷۲	نوکانی، ۱۲۱
مرماخور، ۲۷۵	مقشلان، ۸۰	میشهار، ۳۷	نہشک، ۲۹۰
مَرمازاد، ۲۷۹	مقلونیا، ۲۸۵	میشنای، ۲۸۶	نیاشیرش، ۲۸۲
مرماطوس، ۲۸۰	مقلیانا، ۱۱۵	میشو، ۴۱	نیشق، ۴۱
مرماهوس، ۲۸۰	مکوجوا (زنج)، ۹۵	میشهار، ۵۷	نیشوف، ۵۱
مِرْمَلاط، ۲۷۹	مَلّاجه بطره، ۱۴۳	میکلس، ۲۸۷	نیشوق، ۴۱
مَرناغر، ۱۰۲	مَلْبَالَه (نغری)، ۱۳۰	میواقتوس، ۲۸۷	نیطافلی، ۲۹۲
مرناغر، ۲۸۰	ملجاله، ۹۸	میودیون، ۲۸۷	وارونه، ۱۰۹
مروریه، ۲۸۰	ملمندر، ۸۸	مَیوره، ۱۱۳	وَخشیزق، ۲۹۳
مروریه، ۲۸۰	مِلْمَنْدَر، ۸۸	میوس، ۱۰۳	وریوعن، ۲۴۹
مرولیہ، ۱۳۳	ملوغه، ۱۲۹	میوش اوطا، ۸۳	ورد و فرا، ۱۸۸
مَریش، ۱۴۰	مُلون، ۸۱	مُوش اوطیش، ۱۱۹	ورس، ۲۵۵
مزوبه، ۲۳۷	ملونیا، ۲۸۵	نارتکس، ۲۵۹	وَرَس، ۲۹۵
مستساققل، ۱۴۸	ملیونا، ۸۱	نارکیو، ۲۸۸	وَرَس غَنده، ۳۹
مس غات، ۲۸۱	ممونون، ۲۸۰	نارکیو، ۲۸۸	ورشن، ۲۶۳
مسک طرامسیع، ۲۲۹	متجوشه، ۱۷۸	نارماسیس، ۲۸۸	ورطوری، ۲۹۵
مسمقوره (عجمی اندلس)، ۱۶۰	مَشجوشه، ۱۷۸	نارین بری، ۲۲۸	وریزه، ۹۹
	متوله میوره، ۲۷۵	ناغبشت، ۲۸۸	وسیج، ۲۹۵
مسیخا، ۱۸۱	منداغورس، ۳۰۰	ناغیشت، ۲۸۹	وَشیج، ۲۹۵
مشا، ۲۸۱	مندغوره، ۳۰۰	نانخواه (اندلس)، ۲۲۸	ونجهک، ۲۹۶
مشتجی، ۲۸۲	مَنده، ۱۱۳	نَبال (اندلس)، ۱۲۸	هازان، ۱۱۳
مُشْتَلِش، ۲۸۲	مُشائَه، ۹۴	نَبَسیروله، ۱۵۳	هازوما، ۱۱۳
مشک، ۱۸۰	مو، ۲۸۵	نبقیرس، ۸۰	هال، ۲۹۶
مشکطرامشیع، ۲۲۹	مواغرَن، ۲۸۵	نبنیا، ۲۶۲	هال بوا، ۷۰، ۲۹۶
مشمش، ۳۰۰	موران، ۲۸۷	نجاله، ۲۹۰	هاهیرون، ۹۵
مشیشترو (فاس)، ۲۲۹	موران، ۲۸۷	نَرْتِیُقس، ۲۹۰	هراس، ۵۹
مصطنجی، ۲۸۲	مورجون، ۱۵۷	نرثقس، ۲۵۹	هرانیه، ۲۹۶
مطخشاله (اندلس)، ۲۶۶	مورقا (اندلس)، ۲۸۵	نزار، ۳۸	هرتما، ۱۱۳
مطر دیه (عجمیت اندلس)، ۲۴۲	موریون، ۳۰۰	نعاقلیس، ۲۱۱	هرطمان، ۲۶۳
	موز، ۲۰۳	نغرون، ۱۲۶	هرقلوه، ۲۹۶
مطرقال، ۹۸، ۲۶۶	موزق، ۲۸۰	نغزک (تورانی)، ۶۳	هرقلیون، ۱۸۲
مَطْرَقال (اندلس)، ۹۸	مولی، ۲۸۶	نقخارس، ۱۶۵	هرقلیون، ۱۸۲
مطرقال (اندلس)، ۱۸۹	موئج، ۲۸۶	نلک، ۱۶۲	هَرْتُونْد، ۲۹۷

هرنوه، ۲۹۶	یرامع، ۲۹۷
هرنوة، ۲۲۸	یَرْطُور (مغرب)، ۷۴
هَرْنُوة، ۲۳۸	یربطوره، ۲۶۲
هَرّوا، ۲۸۶	یربطورة (اندلس)، ۲۰۸
هسک آقه، ۲۱۰	یَرْبَطَه، ۱۰۶
هسک توم، ۲۱۰	یربوز، ۱۶۲
هُسْکُفَر، ۲۱۰	یربوع، ۴۹
هشرار، ۱۱۳	یَرْبَه اشبیلی، ۲۰۴
هشقیقل، ۱۸۸	یربه اوناله، ۸۰
هَلْتی، ۱۷۴	یَرْبَه اوناله، ۱۴۵
هلموت، ۱۲۲	یَرْبَه بانکه، ۲۵۷
هلهل، ۹۲	یَرْبَه بُذلییره، ۱۲۰
هلیانسه، ۱۸۳	یَرْبَه بَطْرَه، ۲۵۳
هلیوس، ۲۹۷	یربه بطره، ۲۹۱
هلیون، ۱۹۸	یَرْبَه دِی فَرْقَه، ۲۶۶
همینا، ۲۷۶	یَرْبَه غَلِشْکَه، ۱۴۴
هوزنی، ۸۱	یَرْبَه فَشوشْکَه، ۴۷
هوفسطیداس، ۲۹۹	یربه قرشته، ۱۰۳
هوم الهرایده، ۲۹۹	یَرْبَه مَوْلَه (اندلس)، ۱۵۶
هوِغون، ۲۹۹	یستهارمک، ۱۷۹
هیتماره، ۱۱۳	یش کشکه (اندلس)، ۱۰۶
هیدبوا، ۲۹۶	یعضید، ۱۳۹
هیروم، ۴۳	یَغْفَر، ۲۰۴
هیزارما، ۲۹۰	یلنجوح، ۱۷۹
هیضمان، ۲۲۳	یمرو، ۳۰۰
هیل، ۷۰	یناشته دِنُورْکَه، ۱۵۴
هیل بوا، ۷۰	یَنْبُوت، ۳۰۱
هیلورش، ۱۳۰	یتون، ۹۷
هیل وهال، ۲۹۶	ینشتاله، ۱۵۴
هیوقسطیداس، ۲۹۹	ینشتاله، ۱۵۱
یاسمون، ۲۹۹	یوس اقطی، ۱۱۰
یاسمین، ۱۰۶، ۱۶۴	یوسیمون، ۱۱۳
یاسمین، ۲۹۹	.
یبروحی دشینا، ۷۲	
یبیقیه، ۳۰۰	
یخصص، ۲۵۳	
یَدْخْتَن، ۱۵۷	
یَنْدَرَه، ۱۱۳	



## ضمیمه (۳)

### فهرست نام‌های علمی و انگلیسی

- ۱ - فهرست نام‌های علمی و انگلیسی گیاهان داروئی به ترتیب حروف الفبا
- ۲ - فهرست نام‌های علمی و انگلیسی گیاهان داروئی به ترتیب خانواده



## فهرست نام های علمی و نام های انگلیسی

نام ها در غالب کتب و منابع موجود گیاهان داروئی ، دارای برخی اشتباهات املائی یا چاپی هستند که متأسفانه در کتاب های دیگر نیز به همان صورت تکرار شده اند . همچنین برخی از نام های موجود در منابع ، اکنون نام های مترادف محسوب می شوند. نام درست و اصلی گیاهان با حروف راست سیاه (غیر ایتالیک) در مقابل نام مترادف آن ها ( با حروف ایتالیک ) در جدول مشخص شده است.

نام عمومی یا معادل انگلیسی ( COMMON NAME ) گیاهان داروئی در ستون مقابل نام های علمی آن ها قرار دارد. در یافتن نام های اصلی برای تدوین جدول ، از منابع جدید گیاه شناختی و از اطلاعات اینترنتی نیز استفاده شده است. بدیهی است برخی از نام های جدول - که غالباً مربوط به گیاهان خارج از فلات ایران هستند - در منابع گیاه شناختی و اینترنتی یافت نشد و چون در کتب گیاهان داروئی مکرراً آمده اند به همان صورت در جدول باقی مانده اند. املاء نام های آمده در منابع به طور دقیق بررسی و اصلاح شده است.<sup>۱</sup>

### جدول نام های علمی گیاهان داروئی

#### ۱ - نام های علمی گیاهان داروئی به ترتیب حروف الفبا

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Abelmoschus esculentus</i> (L.) Moench = <i>Hibiscus esculentus</i> L.	**	Malvaceae	Akar; Gumbo	۷۴
<i>Acacia arabica</i> Willd. = <i>Acacia nilotica</i> Del.	*	Mimosaceae	Babulacacia	۱۹۱، ۱۷۴، ۱۳۲، ۸۲، ۶۲، ۵۲، ۳۲۷، ۳۱۰، ۲۳۹
<i>Acacia ehrenbergiana</i> Hayne.	*	Mimosaceae		۱۷۴
<i>Acacia flava</i> Forsk.		Mimosaceae		۱۷۴
<i>Acacia mellifera</i> Boiss.		Mimosaceae		۱۷۶
<i>Acacia nilotica</i> Del.		Mimosaceae	Gum arabic tree	۱۹۱
<i>Acacia oerfota</i> (Forsk.) Sch.	*	Mimosaceae		۲۸۳، ۲۰۸
<i>Acacia senegal</i> Willd.		Mimosaceae		۲۳۳
<i>Acacia senegalensis</i>		Mimosaceae		۲۳۳
<i>Acacia spirocarpa</i> Hook.		Mimosaceae		۱۷۶
<i>Acacia vera</i> Willd.		Mimosaceae		۳۲۷، ۱۹۱
<i>Acanthus mollis</i> L.	**	Acanthaceae	Bear's breach soft acanthus	۳۳۷
<i>Aceras anthropophora</i> Steud. = <i>Orchis anthropophora</i> (L.) Allioni		Orchidaceae	Man Orchid	۱۳۵
<i>Achillea ageratum</i> L.		Compositae		۳۵۰، ۵۵
<i>Achillea fragrantissima</i> Sch.		Compositae		۲۴۷، ۳۳۷

<sup>۱</sup> - (\*) گیاهان داروئی بومی ایران

(\*\*) گیاهان داروئی کاشته شده

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Achillea millefolium</i> L.	*	Compositae	Common yarrow	۳۵۶، ۱۸۱، ۱۷۱، ۱۵۱
<i>Achillea ptarmica</i> L.		Compositae	Sneezewoort	۳۳۳، ۳۱۲، ۲۱۶
<i>Achillea pubescens</i> L.		Compositae		۷۷
<i>Achillea</i> sp.		Compositae		۳۴۹
<i>Achillea tomentosa</i> L.		Compositae		۳۴۹، ۳۱۹، ۲۵۷، ۲۲۰، ۱۷۸، ۱۴۶
<i>Achillea viscosa</i> Lam.		Compositae		۳۵۰
<i>Achium diffusum</i> L.		Boraginaceae		۳۴۸
<i>Aconitum anthora</i> L.		Ranunculaceae	Pyrenees monkshood	۲۰۴، ۶۴
<i>Aconitum erectum</i> L.		Ranunculaceae		۱۲۸، ۴۲
<i>Aconitum ferox</i> Wall.		Ranunculaceae		۹۲
<i>Aconitum luridum</i> Hook.		Ranunculaceae		۹۲
<i>Aconitum lycoctonum</i> L.		Ranunculaceae	Wolfsbane monkshood	۳۵۲، ۱۲۹
<i>Aconitum napellus</i> L.	**	Ranunculaceae	Aconite monkshood	۳۵۲، ۳۲۰، ۱۲۹
<i>Aconitum</i> sp.		Ranunculaceae	Monkshood	۹۲، ۶۴
<i>Acorus aromaticus</i> Gilib.		Araceae		۲۹۳، ۲۴۱
<i>Acorus calamus</i> L.	*	Acoraceae	Drug sweet flag; Calamus	۳۰۹، ۲۹۳، ۲۴۱، ۲۴۰، ۱۶۵، ۱۵۰، ۳۲۴
<i>Acrostichum dichotomum</i> Forsk.		Adiantaceae	Maidenhair fern	۲۸۶
<i>Actaea</i> sp.	*	Ranunculaceae	Baneberry	۱۳۸
<i>Adiantum capillus-veneris</i> L.	*	Adiantaceae	South maidenhair; Venus's-hair	۳۵۵، ۱۸۷، ۷۶
<i>Adonsonia</i> sp.		Bombacaceae		۱۲۵
<i>Aegiceras</i> sp.		Myrsinaceae		۳۳
<i>Aegilops ovata</i> L.	*	Gramineae		۳۵۵، ۱۴۷
<i>Aegle marmelo</i> Cor.	*	Rutaceae	Bael fruit ; Bel golden apple Bengal	۱۶۶، ۸۹، ۸۵
<i>Aeluropus littoralis</i> Ga.	*	Gramineae		۲۱۲
<i>Aesculus hippocastanum</i> L.		Hippocastanaceae	Common horse chestnut	۸۷
<i>Aethusa cynapium</i> L.		Umbelliferae	Fool's-parsley aethusa	۱۹۱
<i>Agallochum</i> sp. = <i>Aquilaria agallicha</i>		Thymelaeaceae	Aloes wood, Eagle	۵۴
<i>Agaricus</i> sp.		Agaricaceae - (Mushroom)	Fool's-parsley agric	۲۱۹
<i>Agrimonia eupatoria</i> L.	*	Rosaceae	Agrimony	۳۴۹، ۳۳۵، ۳۱۹، ۲۱۹، ۹۴، ۵۴
<i>Agrimonia</i> sp.		Rosaceae		۲۱۹
<i>Agropyrum repens</i> Beauv.	*	Gramineae	Couch-grass ; Quakgrass	۳۴۹، ۲۱۲، ۹۹
<i>Agrostemma githago</i> L.		Caryophyllaceae	Common corn cockle	۳۴۳، ۲۶۸، ۱۹۲، ۱۶۹، ۲۷
<i>Agrostemma</i> sp.		Caryophyllaceae	corn cockle	۱۶۸، ۱۳۲
<i>Ahyrium filix-mas</i> L.		Dryopteridaceae		۱۷۱
<i>Ajuga chamaepitys</i> L.		Labiatae	Ground pine	۳۴۷، ۳۱۸، ۲۶۱، ۲۰۷
<i>Ajuga chamaepitys</i> Sch.		Labiatae		۲۶۱
<i>Ajuga iva</i> L.		Labiatae		۲۶۱، ۱۰۴
<i>Ajuga</i> sp.		Labiatae	Bugle	۲۰۷

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Alangium lamrckii</i> Th.		Alangiaceae	Ankola (Sanskrit)	۷۷
<i>Alangium salviifolium</i> (L.F.) Wan.		Alangiaceae	Sage Leaves	۷۷
<i>Albersia blitum</i> Kunth . = <i>Amaranthus blitum</i> subsp. <i>blitum</i>		Amaranthaceae		۸۴
<i>Albizia lebbek</i> Bth.	*	Mimosaceae	Lebbek tree ; Siris tree	۲۶۶، ۲۶۷
<i>Alcea rosea</i> L.	**	Malvaceae		۳۳۱
<i>Alhagi camelorum</i> Fisch.		Papilionaceae	Camel's-thorn	۳۳۱
<i>Alhagi mannifera</i> Desv.		Papilionaceae		۲۰۶، ۱۱۰
<i>Alhagi maurorum</i> Tourn. = <i>Alhagi pseudalhagi</i> (M.B.) Desf.		Papilionaceae		۲۰۶، ۱۱۰
<i>Alisma plantaga</i> L.		Alismataceae	American water plantain	۳۴۷، ۳۱۸، ۲۸۱
<i>Alisma</i> sp.		Alismataceae	Water plantain	۲۸۱
<i>Alkanna orientalis</i> (L.) Boiss.	*	Boraginaceae	Yellow bugloss	۲۶۳
<i>Alkanna</i> sp.		Boraginaceae	Alkanet	۱۳۴
<i>Alkanna tinctoria</i> Tausch.	*	Boraginaceae	Dyer's alkanet	۳۴۸، ۳۹، ۳۸
<i>Alliaria officinalis</i> L. = <i>Alliaria petiolata</i> (M.B.) Cav. & Grand.	*	Cruciferae	Garic mustard ; Hedge ; Garrlic	۹۸
<i>Allium ampeloprasum</i> L.	*	Liliaceae	Great round ; Headed garlic	۳۳۳، ۳۱۲، ۲۵۳، ۲۵۲
<i>Allium ascalonicum</i> L.	*	Liliaceae	Shallot	۳۳۳، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۴۳
<i>Allium carinatum</i> L.		Liliaceae	Keeled onion	۹۸
<i>Allium cepa</i> L.	*	Liliaceae	Garden onion	۳۳۳، ۲۵۳، ۸۱
<i>Allium descendens</i> L.		Liliaceae		۳۳۳
<i>Allium dioscoridis</i> Sibth.		Liliaceae		۳۳۹
<i>Allium magicium</i> L.		Liliaceae		۸۶
<i>Allium moly</i> L.	**	Liliaceae	Lily leek	۳۳۹، ۳۱۴، ۸۶
<i>Allium porrum</i> L.		Liliaceae	Leek	۳۳۳، ۲۵۲
<i>Allium roseum</i> L.		Liliaceae		۲۵۳
<i>Allium sativum</i> L.	*	Liliaceae	Garlic	۳۳۳، ۹۸
<i>Allium scorodoprasum</i> L.		Liliaceae		۳۳۳، ۳۱۲، ۲۵۲، ۹۹، ۹۸
<i>Allium silvestrum</i>		Liliaceae		۱۸۹، ۹۹، ۹۸
<i>Allium subhirsutum</i> L.		Liliaceae		۳۳۳
<i>Allium ursinum</i> L.		Liliaceae	Ramsons ; Bear's-garlic	۲۵۲
<i>Allium vineale</i> L.		Liliaceae	Field garlic	۲۵۲
<i>Allium xiphopetalum</i> Ait.	*	Liliaceae		۱۸۹، ۹۹، ۹۸
<i>Aloe aloexylon</i>		Liliaceae		۶۱
<i>Aloe scotrina</i>		Liliaceae	Socotrine aloe	۶۱
<i>Aloe vera</i> L.	*	Liliaceae	True aloe	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۹۵، ۶۱
<i>Aloe vulgaris</i> Lam.		Liliaceae	Mediterranean aloe	۳۳۷
<i>Aloexylon agallocha</i> Roxb.		Papilionaceae	Aloe Wood	۲۱۶
<i>Aloexylon agallochum</i> Lou.		Papilionaceae	Aloe Wood	۳۲۵
<i>Alpinia galanga</i> (L.) Will.		Zingiberaceae	Great	۱۳۹

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Alpinia khulanjan</i> (L.) Will.		Zingiberaceae		۱۳۹
<i>Alpinia officinarum</i> Hance	**	Zingiberaceae	Galangal	۱۳۹
<i>Alpinia</i> sp.		Zingiberaceae		۱۳۹
<i>Althaea cannabina</i> L.	*	Malvaceae		۳۴۶، ۳۱۸، ۱۱۲
<i>Althaea ficifolia</i> R.Br.		Malvaceae		۱۳۶
<i>Althaea officinalis</i> L.	*	Malvaceae	Hollyhock	۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۷، ۱۳۶
<i>Althaea rosea</i> Cavan.		Malvaceae		۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۵، ۱۳۶
<i>Althaea</i> sp.		Malvaceae	Althaea	۱۲۹
<i>Alyssum campestre</i> L. = <i>Aysem minus</i> (L.) Rothu.	*	Cruciferae		۹۶
<i>Alyssum clypeatum</i> L.		Cruciferae		۳۴۲
<i>Alyssum saxatile</i> L.	*	Cruciferae	Golden tuft ; Golden-tuft alyssum	۳۴۲، ۳۱۵، ۶۰
<i>Alyssum</i> sp.		Cruciferae	Alyssum	۶۰
<i>Amaracus dictamnus</i> Ben. = <i>Origanum dictamnus</i> L.		Labiatae	Cretan Dittany	۲۸۱
<i>Amaranthus blitum</i> L. = <i>Amaranthus graecizans</i> L. Var. <i>sylvestris</i> (Vil.) Asch.		Amaranthaceae	Prostrate amaranth	۳۳۰، ۳۱۱، ۸۴
<i>Amaranthus cruentus</i> L.	*	Amaranthaceae	Grain Amaranth	۷۹
<i>Amaranthus gangeticus</i> L.		Amaranthaceae	Tumbelweed amaranth	۱۴۳
<i>Amaranthus graecizas</i> L. var. <i>sylvestris</i> (Vil.) Asch.	*	Amaranthaceae		۸۴
<i>Amaranthus paniculatus</i> L.		Amaranthaceae	Scarlet amaranth	۱۴۳
<i>Amaranthus tricolor</i> L.		Amaranthaceae	Love-lies-bleeding	۱۴۳، ۷۹، ۷۶
<i>Ambrosia maritima</i> L.		Compositae		۳۴۴، ۳۱۶، ۷۷، ۶۱
<i>Ammi copticum</i> Boiss.		Umbelliferae		۲۸۹
<i>Ammi visnaga</i> (L.) Lam.	*	Umbelliferae	Bishop's Flower; Visnaga	۳۴۰، ۲۸۹
<i>Amomum cardamomum</i> L. = <i>Amomum compactum</i> Sol. ex Maton = <i>Elettaria cardamomum</i> (L.) Maton		Zingiberaceae	Tooth pick ammi ; Bishop's-weed	۱۲۴
<i>Amomum granum-paradisi</i> L. = <i>Aframomum granum-paradisi</i> K. Schum		Zingiberaceae		۲۹۶، ۲۳۲، ۱۰۸
<i>Amomum racemosum</i> L.		Zingiberaceae		۱۲۴
<i>Amomum racemosum</i> Lam.		Zingiberaceae		۳۲۴، ۳۰۹
<i>Amomum repens</i> Son.		Zingiberaceae		۲۳۲
<i>Amomum</i> sp.		Zingiberaceae		۲۹۶، ۲۳۲
<i>Amomum zerumbet</i> L. = <i>Zingiber zerumbet</i> (L.) Smith = <i>Zingiber officinale</i> Roscoe		Zingiberaceae		۱۶۱
<i>Amomun melegueta</i> Ros. = <i>Aframomum melegueta</i> K. Schum.		Zingiberaceae		۲۹۶، ۲۳۶، ۲۳۲
<i>Amygdalus amara</i> Hayne		Rosaceae		۲۷۲
<i>Amygdalus communis</i> L.	*	Rosaceae	Almond	۳۲۹، ۲۷۲
<i>Amygdalus dulcis</i> Mill.		Rosaceae		۲۷۲

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Amygdalus persica</i> L.		Rosaceae	Peach tree	۱۳۹
<i>Amyris elemifera</i> L.		Rutaceae	Galangal ; Java galangal ; Galingale	۲۶۶
<i>Amyris gileadensis</i> L.		Rutaceae		۱۶
<i>Amyris kataf</i> Forsk.		Rutaceae		۳۲۵، ۱۷۸
<i>Amyris myrrh</i> Hafal.		Rutaceae		۳۲۵
<i>Amyris opobalsamum</i>		Rutaceae		۲۸۵
<i>Amyris</i> sp.		Rutaceae	Torchwood ; Balsam shrub	۳۲۵
<i>Anacyclus pyrethrum</i> DC.		Compositae		۳۴۱، ۳۱۵، ۲۵۵، ۲۰۶
<i>Anacyclus radiatus</i> L.		Compositae		۹۱
<i>Anacyclus valentine</i>		Compositae		۹۱
<i>Anagallis arvensis</i> L.	*	Primulaceae	Scarlet runner bean	۳۳۵، ۶۳، ۳۴
<i>Anagallis coerulea</i> Schreb.		Primulaceae	Blue pimpernel	۳۳۵، ۶۳
<i>Anagyris foetida</i> L.	*	Papilionaceae	Mediterranean stinkbush	۳۴۶، ۳۱۸، ۳۰۱، ۶۳، ۶۲
<i>Anagyris</i> sp.		Papilionaceae		۳۰۱
<i>Anamirta paniculata</i> Colebr. = <i>Cocculus indicus</i> Royle		Menispermaceae	Indicus Cocculus	۲۷۷
<i>Anastatica hierochuntica</i> L.	*	Cruciferae	Jericho resurrection mustard	۱۹۸، ۱۸۶
<i>Anchusa hybrida</i> Ten.		Boraginaceae	Carly bugloss	۲۶۸
<i>Anchusa italica</i> Retz.		Boraginaceae	Italian bugloss	۲۶۸، ۲۶۸
<i>Anchusa officinalis</i> L.		Boraginaceae	Common buckwheat	۲۶۸
<i>Anchusa paniculata</i> Ait.		Boraginaceae		۳۵۴
<i>Anchusa tinctoria</i> L.		Boraginaceae		۱۲۴، ۳۹
<i>Andropogon jawarancusa</i> Jo.		Boraginaceae		۴۳
<i>Andropogon lanigera</i> Desf.		Gramineae		۴۳
<i>Andropogon nardus</i> L.		Gramineae		۱۱۷
<i>Andropogon schoenanthus</i> L.		Gramineae		۳۲۴، ۳۰۹، ۴۳
<i>Andropogon sorghum</i> Brot. = <i>Sorghum vulgare</i> Pers.	*	Gramineae	Sorghum	۳۲۹، ۱۵۰، ۱۴۳
<i>Andropogona martini</i> Roxb.		Gramineae		۲۴۱
<i>Androsace lactea</i> L.		Primulaceae		۳۴۵، ۳۱۷، ۲۴۳
<i>Androsace</i> sp.	*	Primulaceae		۲۴۳، ۱۰۴
<i>Anemone coronaria</i> L.		Ranunculaceae	Poppy anemone	۳۳۵، ۳۱۲، ۱۸۸
<i>Anemone hortensis</i> L.		Ranunculaceae		۳۳۵، ۱۸۸
<i>Anemone pulsatilla</i> L.		Ranunculaceae	Yellow Anemone	۱۸۸
<i>Anemone</i> sp.	*	Ranunculaceae	Anemone	۱۸۸، ۱۳۴
<i>Anethum graveolens</i> L.	*	Umbelliferae	Dill	۳۴۰، ۳۱۴، ۱۸۴، ۱۱۷، ۹۷
<i>Angelica sylvestris</i> L.		Umbelliferae	Angelika, Echte Brustwurz	۳۴۰
<i>Anisum stellatum</i> L.		Umbelliferae		۷۲
<i>Anisum vulgare</i> Gaertn.		Umbelliferae		۶۷
<i>Antennaria</i> sp.		Compositae	dillweed, dillseed, dill	۲۰۵

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Anthemis arvensis</i> L.		Compositae	Field camomile	۳۴۶، ۲۹۵، ۲۱۷، ۹۱، ۵۸
<i>Anthemis chia</i> L.		Compositae		۳۴۵
<i>Anthemis nobilis</i> L.		Compositae	Roman chamomile ; English camomile	۳۴۵، ۳۱۷، ۲۳۵، ۷۰، ۶۴، ۵۸
<i>Anthemis pyrethrum</i> L.		Compositae		۲۱۶، ۲۰۶
<i>Anthemis rosea</i> Sibth.		Compositae		۳۴۶
<i>Anthemis</i> sp.		Compositae	Comomile	۵۸
<i>Anthemis tinctoria</i> L.		Compositae	Golden Marguerite	۳۴۶، ۹۱، ۵۸
<i>Anthemis valentina</i> L.		Compositae		۳۴۶
<i>Anthericum graecum</i> L.		Scrophulariaceae		۳۴۳
<i>Anthericum ramosum</i> L.		Scrophulariaceae		۲۲۳
<i>Antirrhinum asarina</i> L.		Scrophulariaceae		۱۲۸
<i>Antirrhinum majus</i> L.	*	Scrophulariaceae	Common snapdragon	۳۵۷، ۳۲۰، ۶۷
<i>Apargia</i> sp. = <i>Leontodon</i> sp.		Compositae		۳۳۲
<i>Apera spica-venti</i> L.		Gramineae	Wind bent grass ; Wind grass ; Corn grass	۲۹۶
<i>Apium</i> Gr.		Umbelliferae	Celery	۲۵۴
<i>Apium graveolens</i> L.	*	Umbelliferae	Wihd celery	۳۴۱، ۲۵۴
<i>Apium petroselinum</i> L. = <i>Petroselinum sativum</i> Hoffm.		Umbelliferae	Percely, Persil, Petersilie, Petroselinum, Roc Parsley	۲۵۴
<i>Apium vulgare</i> L.		Umbelliferae		۲۵۴
<i>Apocynum erectum</i> Vell.		Apocynaceae		۳۵۲، ۳۲۰، ۲۳۲، ۴۳
<i>Apocynum</i> sp.		Apocynaceae	Dogbane	۱۲۸
<i>Aquilaria malaccensis</i> Lam.		Thymelaeaceae	Agarwood	۲۱۶
<i>Arbutus andrachne</i>		Ericaceae		۳۲۸
<i>Arbutus</i> sp.		Ericaceae		۲۴۲، ۲۳۱
<i>Arbutus unedo</i> L.	*	Ericaceae	Strawberry saxifrage ; Aron's- beard	۳۲۸، ۲۴۲، ۲۳۱، ۲۱۱، ۱۰۶
<i>Arctium bardana</i> Willd.		Compositae		۴۵
<i>Arctium lappa</i> L.	*	Compositae	Great burdock	۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵
<i>Arctium tomentosum</i> Shkuhr.		Compositae	Cotton burdock	۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵
<i>Arctostaphylos uva-ursi</i> Spreng.		Ericaceae	Bearberry	۲۱۵
<i>Areca catechu</i> L.		Araceae	Betel-nut palm ; betel palm	۲۳۰، ۵۴
<i>Areca catechu</i> Willd.		Araceae	Areca Nut	۱۲۰
<i>Areca faufel</i> Gaertn.		Araceae		۲۳۰
<i>Argemone</i> sp.		Papaveraceae	Prickly poppy	۴۴
<i>Aristolochia boetica</i>		Aristolochiaceae		۳۳۶
<i>Aristolochia longa</i> L.		Aristolochiaceae	Long-rooted Birthwort	۱۶۱
<i>Aristolochia pallids</i> Round = <i>Aristolochia pallida</i> Willd.		Aristolochiaceae	Wild Ginger	۳۳۵
<i>Aristolochia rotunda</i> L.		Aristolochiaceae	snakeroot	۱۶۱

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Aristolochia sempervirens</i> L.		Aristolochiaceae	Birthwort	۳۳۶
<i>Aristolochia</i> sp.		Aristolochiaceae	Dutchman's-pipe-birthwort	۳۳۵، ۳۱۳، ۱۶۱
<i>Armeniaca vulgaris</i> Lam. = <i>Prunus armeniaca</i> L.		Rosaceae	Common apricot ; Apricot	۲۸۲
<i>Arnopogon picroides</i> Willd. = <i>Tragopogon capensis</i> Jacq. = <i>Tragopogon picroides</i> L. = <i>Urospermum capense</i> (Jacq.) Spreng. = <i>Urospermum</i> <i>picroides</i> (L.) Scop. ex Schmidt		Compositae	prickly goldenfleece, urospermum	۳۴۰
<i>Artemisia abrotanum</i> L.		Compositae	Old-man wormwood ; Southern wood	۲۴۷، ۱۹۰، ۷۷
<i>Artemisia absinthium</i> L.	*	Compositae	Common worm ; Absinthium	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۳۰، ۵۶
<i>Artemisia arborescens</i> L.		Compositae	Sagewort worm wood ; Field wormwood	۳۴۴، ۱۹۳
<i>Artemisia campestris</i> L.		Compositae	Tarragon	۳۴۴
<i>Artemisia dracunculus</i> L.	*	Compositae	Maritime wormwood	۲۰۲
<i>Artemisia judaica</i> L.		Compositae	Wormwood	۲۰۶، ۱۹۳
<i>Artemisia maritima</i> L.		Compositae	Sea Wormwood	۳۳۷، ۱۹۳، ۷۷، ۵۶
<i>Artemisia palmate</i> Lam.		Compositae		۳۳۷
<i>Artemisia pontica</i> L.		Compositae	Roman wormwood	۳۳۷، ۱۹۳
<i>Artemisia santonica</i> Lam.	*	Compositae		۱۹۳
<i>Artemisia siversiana</i> Ehrh. & Willd.		Compositae		۵۶
<i>Artemisia</i> sp.		Compositae	Wormwood ; Sagebrush	۱۹۳، ۷۷
<i>Artemisia vulgaris</i> L.	*	Compositae	Douglas Mugwort	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۴۷، ۱۹۰، ۷۷
<i>Arum arisarum</i> L.		Araceae		۳۳۴، ۳۱۲، ۲۷۳
<i>Arum colocasia</i> L.		Araceae		۲۴۴، ۲۳۱، ۱۲۵
<i>Arum dioscoridis</i> L.		Araceae		۳۳۴
<i>Arum dracunculus</i> L.		Araceae	Common stink dragon	۳۳۴، ۳۱۲، ۲۸۶، ۲۷۳، ۲۳۱
<i>Arum esculenta</i> L.		Araceae		۲۴۴
<i>Arum italicum</i> L.		Araceae	Italian arum	۲۷۳، ۱۵۰، ۱۴۲
<i>Arum maculatum</i>		Araceae	Lords-and-lodies ; Cuckoopint	۳۳۴، ۲۷۳
<i>Arum</i> sp.		Araceae	Arum	۲۳۱
<i>Arum vulgare</i> L.		Araceae		۳۳۴، ۳۱۲، ۲۷۳
<i>Arundinaria</i> sp.	*	Gramineae		۲۱۳
<i>Arundo bambos</i> L.		Gramineae		۱۹۹
<i>Arundo donax</i> L.	*	Gramineae	Giant reed	۳۳۶، ۲۴۰
<i>Arundo phragmites</i> L.		Gramineae		۲۴۰
<i>Asarum europaeum</i> L.		Aristolchiaceae	European wild ginger	۳۳۴، ۳۰۹، ۲۹۰، ۴۶
<i>Asclepias cynanchoides</i> Humb.		Aslepiadiaceae		۲۰۹



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Asclepias gigantea</i> R.Br.		Aslepiadiaceae		۲۰۹
<i>Asclepias vincetoxicum</i> L.		Aslepiadiaceae		۳۴۲، ۳۱۵، ۲۴۵
<i>Ashbia gossypii</i> = <i>Eremothecium gossypii</i> (Fungi)			Strain Number	۲۴۰
<i>Asparagus acutifolius</i> L.		Asparaginaceae	Sharp-leaved asparagus	۳۳۱، ۲۸۹
<i>Asparagus adscendens</i> Roub.		Asparaginaceae		۲۹۷
<i>Asparagus officinalis</i> L.		Asparaginaceae	Common asparagus	۳۳۱، ۳۱۱، ۲۹۷، ۲۸۹، ۱۹۸
<i>Asparagus</i> sp.		Asparaginaceae	Asparagus	۲۹۷
<i>Asperugo procumbens</i> L.	*	Boraginaceae	Grman madwort ; madwort	۷۱، ۳۴
<i>Asphodelus damascenus</i> Boiss.		Liliaceae		۵۱
<i>Asphodelus microcarpus</i> (L.) Swartz		Liliaceae		۱۳۸
<i>Asphodelus ramosus</i> L.		Liliaceae		۳۳۴، ۱۳۸
<i>Asphodelus</i> sp.		Liliaceae		۱۳۸
<i>Aspidium aculeatum</i> Smit . = <i>Polystichum aculeatum</i>		Polypodiaceae	Hard shield fern; prickly shield fern; hedge fern	۳۵۷
<i>Aspidium lonchitis</i> L.		Polypodiaceae		۳۴۶، ۳۱۷، ۲۷۱، ۱۵۷، ۱۱۴، ۱۱۳
<i>Asplenium adiantum-nigrum</i> L.		Aspleniaceae	Black spleenwort	۱۶۹، ۴۴ ۳۵۷
<i>Asplenium ruta muraria</i> L.		Aspleniaceae	Wall rue	۱۷۱
<i>Asplenium trichomanes</i> L.		Aspleniaceae	Maidenhair spleenwort	۳۵۵، ۱۸۷، ۱۶۹
<i>Aster alpinus</i> L.	*	Compositae	Alpine aster	۱۳۲
<i>Aster amellus</i> L.		Compositae	Italian aster	۳۵۴، ۵۴، ۴۸
<i>Aster atticus</i> Pall.		Compositae		۵۴، ۴۸، ۴۷
<i>Aster tripolium</i> L.	*	Compositae	Tripoli aster ; Sea aster	۲۰۳، ۹۳، ۴۸
<i>Astragalus annulairis</i> FORSSK.	*	Papilionaceae		۱۱۴
<i>Astragalus aristatus</i> L.		Papilionaceae		۳۳۷
<i>Astragalus arnacantha</i> M.		Papilionaceae		۲۹۲، ۲۳۳
<i>Astragalus boeticus</i> L.	*	Papilionaceae	Swedish coffe	۳۵۱
<i>Astragalus creticus</i> Lam.		Papilionaceae		۳۳۶
<i>Astragalus fasciculaefolius</i> Boiss.	*	Papilionaceae		۶۶
<i>Astragalus glaux</i> L.		Papilionaceae	Tragacanth milk vetch	۳۵۵
<i>Astragalus gummifera</i> Lab.		Papilionaceae		۳۵۱، ۲۳۳، ۸۵
<i>Astragalus hamosus</i> L.	*	Papilionaceae		۵۹
<i>Astragalus poterium</i> L.		Papilionaceae		۳۳۶، ۳۱۳، ۲۳۳
<i>Astragalus sarcocolla</i> Dym.		Papilionaceae		۶۶
<i>Astragalus sarcocolla</i> L.		Papilionaceae		۳۴۲، ۳۱۵
<i>Astragalus sesameus</i> L.	*	Papilionaceae		۴۸۳، ۴۷
<i>Astragalus</i> sp.		Papilionaceae		۳۵۵، ۳۵۱، ۳۱۹
<i>Astragalus tragcantha</i> L.		Papilionaceae		۳۳۷، ۳۱۳، ۳۵۱، ۲۳۳



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Astrattikos tripolium</i> L. = <i>Aster tripolium</i> L.ssp. <i>tripolium</i>		Compositae		۳۵۷
<i>Athamanta cretensis</i> L.		Umbeliferae		۱۴۸، ۱۱۸، ۱۰۳
<i>Athamanta macedonica</i> L.		Umbeliferae		۲۶۱
<i>Athamanta oreoselinum</i> L.		Umbeliferae		۲۵۴
<i>Athamanta</i> sp.		Umbeliferae		۳۴۱
<i>Atractylis gummifera</i> L.Q.		Compositae		۳۳۶، ۹۷، ۵۱
<i>Atriplex halimus</i> L.	**	Chenopodiaceae	Shrubby arach	۳۲۶، ۳۰۹، ۲۸۴، ۲۴۲
<i>Atriplex hastata</i> L.	*	Chenopodiaceae	Halberd-leaved Arrach	۲۴۲
<i>Atriplex hortensis</i> L.	*	Chenopodiaceae	Garden orach	۳۴۲، ۳۳۱، ۲۴۱، ۱۶۱، ۱۷۰
<i>Atriplex rosea</i> L.		Chenopodiaceae	Tumbling orach	۳۳۱، ۲۴۲، ۱۷۰، ۱۷۰
<i>Atriplex</i> sp.		Chenopodiaceae		۲۴۱، ۱۷۰
<i>Atropa mandragora</i> L.		Solanaceae		۳۵۲، ۳۰۰
<i>Aucklandia costus</i> Fal. = <i>Aucklandia lappa</i> (Decne.)= <i>Saussurea costus</i> (Falc.)= <i>Saussurea lappa</i> (Decne.)		Compositae		۲۳۹
<i>Avena elatior</i> L.		Gramineae		۱۴۷
<i>Avena fatua</i> L.	*	Gramineae	Wild oat	۳۵۰، ۲۳۷، ۹۱
<i>Avena sativa</i> L.	*	Gramineae	Common oat	۳۵۰، ۲۹۶، ۲۳۷، ۱۷۴
<i>Avena</i> sp.		Gramineae	Oat	۱۳۱
<i>Avicennia officinalis</i> L.	*	Avicenniaceae		۲۳۸
<i>Azadirachta indica</i> Juss. = <i>Melia Azadirachta</i> L.	**	Meliaceae	Margosa; Neem	۳۵
<i>Baccharis</i> sp.		Compositae	Baccharis	۳۳۹، ۳۱۴
<i>Balanites aegyptiaca</i> L.		Balanitaceae	Higleeg	۱۶۳
<i>Balaustion</i> sp.		Myrtacea		۱۵۸
<i>Ballota nigra</i> L.	*	Labiataeae	Black balllota ; Blak horehound	۳۴۳، ۳۱۶، ۱۷۹، ۸۷، ۲۲۴
<i>Ballota pseudodictamnus</i> Benth.		Labiataeae	Ballota	۳۳۸
<i>Balsamina hortensis</i> L.		Balsaminaceae		۲۱۱
<i>Balsamodendron africanum</i> Arn.		Burseraceaea	African Bdeillum	۲۸۴
<i>Balsamodendron</i> DC.		Burseraceaea		۸۶
<i>Balsamodendron kataf</i> = <i>Commiphora kataf</i>		Burseraceaea		۲۴۲
<i>Balsamodendron mukul</i> Hook.		Burseraceaea	Bdeillum Gum, Guggul, Guggulipid, Gum Gugal, Salaitree	۲۸۴، ۲۶۴
<i>Balsamodendron myrrha</i> Nees.		Burseraceaea	Gum myrrh tree	۲۷۸، ۸۶
<i>Bambusa arundinacea</i> Willd. = <i>Arundo bambos</i> L. = <i>Bambusa bambos</i> (L.) Voss		Gramineae	Reed bamboo, Spiny bamboo, Thorny bamboo, Indian bamboo.	۲۰۰، ۱۴۰
<i>Bambusa</i> sp.		Gramineae	Bamboo	۱۴۰
<i>Barbarea vulgaris</i> R.Br.		Cruciferae	Bitter winter cress	۱۰۲

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Barjonia racemosa</i> Decne.		Asclepiadaceae		۴۲
<i>Baswellia</i> Roxb.		Burseraceae		۳۲۵، ۲۷۴
<i>Bdellium</i> Engl.		Burseraceae	aromatic gum resin obtained from trees of the genus <i>Commiphora</i>	۲۸۴
<i>Bdellium indicum</i>		Burseraceae		۲۸۴
<i>Berberis asiatica</i> Roxb.	*	Berberidaceae	Asiatic barberry	۶۱
<i>Berberis lycium</i> Roy.	**	Berberidaceae		۱۲۰
<i>Berberis vulgaris</i> L.	*	Berberidaceae	European barberry	۶۱
<i>Beta vulgaris</i> L.	*	Chenopodiaceae	Common beet	۳۳۱، ۱۹۷، ۱۹۲، ۱۷۴
<i>Betonica alopecuroides</i> L.		Labiataeae		۳۴۷
<i>Betonica officinalis</i> L.		Labiataeae	Common betony	۲۳۹
<i>Bistorta officinalis</i> Rafin. = <i>Polygonum bistorta</i> L.		Polygonaceae	Common betony	۶۴
<i>Blepharis persica</i>	*	Acantaceae		۶۵
<i>Blitum virgatum</i> L. = <i>Chenopodium foliosum</i> (Moench) Asch.		Chenopodiaceae	Strawberry Blite, Goosefoot, Pigweed	۸۴
<i>Bonaveria securidaca</i> Desv. = <i>Coronilla securidaca</i> L. = <i>Securigera coronilla</i> DC. = <i>Securigera securidaca</i> (L.) Degen & Doerfler		Papilionaceae		۶۹
<i>Borago officinalis</i> L.	**	Boraginaceae	Common borrago	۲۶۸
<i>Boswellia carterii</i> Bird		Burseraceae	Bible frankincense	۲۶۳، ۳۲۵،
<i>Boswellia serrata</i> Roxb.		Burseraceae	Indian frankincense; Salai tree	۲۶۳
<i>Boswellia</i> sp.		Burseraceae	Frankincense ; Incense tree	۲۶۱
<i>Bovista plumbea</i> Pers. = <i>Lycoperdon plumbeum</i>		Lycoperdaceae – Macrofungi	Lead-grey Bovist.	۲۲۶
<i>Brassica alba</i> L.		Cruciferae	White mustard	۳۳۳، ۱۱۵
<i>Brassica bunias</i> DC.		Cruciferae		۳۳۰
<i>Brassica campestris</i> L.	*	Cruciferae	Bird rape	۱۹۰
<i>Brassica campestris</i> L. var. <i>napus</i> Bal.		Cruciferae		۱۹۰
<i>Brassica capitata</i> Hort.		Cruciferae		۲۵۶
<i>Brassica caulorapa</i> Pasq.		Cruciferae		۲۵۶
<i>Brassica cretica</i> L.		Cruciferae		۳۳۱
<i>Brassica erucastrum</i> L.		Cruciferae		۱۰۲
<i>Brassica incana</i> L.		Cruciferae		۳۳۱، ۲۵۶
<i>Brassica napus</i> L.		Cruciferae	Winter rape	۳۳۰، ۱۹۰
<i>Brassica nigra</i> Koch.		Cruciferae	Black mustard	۱۳۱
<i>Brassica oleracea</i> L.	*	Cruciferae	Wild cabbage	۳۳۱، ۲۵۶
<i>Brassica oleracea</i> var. <i>botrytis</i>	*	Cruciferae	Cauliflower	۲۴۵
<i>Brassica rapa</i> L.		Cruciferae	Turnip	۳۳۰
<i>Brassica sinapistrum</i> Boiss.		Cruciferae		۱۳۱

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Bryonia alba</i> L.		Cucurbitaceae	White bryony	۲۹۷، ۲۲۲
<i>Bryonia dioica</i> Jacq.	*	Cucurbitaceae	Red-berry bryony	۲۹۷، ۲۲۲
<i>Bryonia</i> sp.		Cucurbitaceae	Bryony	۲۲۲
<i>Bulbocodium vernum</i> L.		Liliaceae	Vernal Bulbocodium, Medowe Saffron	۱۶۲
<i>Bunias erucago</i> L.		Cruciferae		۳۳۰
<i>Bunium bulbocastanum</i> L.		Umbeliferae		۱۰۸
<i>Bupthalmum speciosissimum</i> Ard.		Umbeliferae		۲۹۵
<i>Bupleurum fruticosum</i> L.		Umbeliferae	Shrub thoroughwax	۳۴۰، ۱۸۲، ۱۲۱
<i>Bupleurum rotundifolium</i> Schou.	*	Umbeliferae	Round-leaved thoroughwax ; Round-leave hare's-ear	۱۲۱
<i>Bupleurum</i> sp.		Umbeliferae	Oxyeye	۱۲۱
<i>Buxus dioica</i> For.		Buxaceae		۲۵۱
<i>Buxus sempervirens</i> L.		Buxaceae	Common box	۲۰۷، ۸۲
<i>Cacalia</i> sp.		Compositae		۲۳۳، ۲۳۲
<i>Cacalia verbascifolia</i> Sib.		Compositae		۲۳۲
<i>Caccinia glauca</i> Savi . = <i>Cacalia macranthera</i> Var. <i>crassifolia</i> (Vent.) Brand	*	Boraginaceae		۲۶۸
<i>Cachrys libnotis</i> L.		Umbeliferae		۳۴۱، ۳۱۵
<i>Cadaba farinosa</i> Forsk.		Capparidaceae		۱۶۹، ۳۳
<i>Cadaba</i> sp.		Capparidaceae		۱۶۹
<i>Caesalpinia bonducella</i> Fl. = <i>Caesalpinia bonduc</i> Roxb.	*	Caesalpinaceae	Nicker-nut caesalpina	۱۵۵، ۸۸، ۵۴
<i>Caesalpinia echinata</i> L.		Caesalpinaceae	Prickly brazilwood	۲۱۵
<i>Caesalpinia sappan</i> L.		Caesalpinaceae	Sappan caesalpinia	۸۵
<i>Caesalpinia</i> sp.		Caesalpinaceae	Brasiletto	۲۱۵
<i>Cakile maritima</i> Sco.		Cruciferae	GULF SEAROCKET	۲۴۳، ۲۳۲
<i>Calamintha acinos</i> Man.		Labiatae	Spring savory	۲۲۵
<i>Calamintha graveolens</i> Benh.		Labiatae		۲۲۵
<i>Calamintha incana</i> Boiss. & Held.		Labiatae		۱۵۳
<i>Calamus aromaticus</i> = <i>Acorus aromaticus</i> Lam.		Araceae	Sweet flag	۲۹۳، ۲۴۰
<i>Calamus asiaticus</i>		Araceae		۲۹۳
<i>Calamus draco</i> Willd . = <i>Daemonoropos draco</i> BLUME		Araceae		۱۴۷
<i>Calendula arvensis</i> L.		Compositae	Pot marigold	۳۵
<i>Calendula officinalis</i> L.	*	Compositae		۳۵۷، ۳۵
<i>Calligonum comosum</i> L.	*	Polygonaceae		۴۴
<i>Calligonum</i> sp.		Polygonaceae	Calligonum	۴۴
<i>Callitris quadrivalvis</i> Vent.		Cupressaceae	Arar tree	۱۷۸
<i>Callitris</i> sp.		Cupressaceae	Cypress pine	۱۷۸

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Calotropis procera</i> R.B.	*	Asclepiadaceae	French cotton	۲۰۹
<i>Calotropis</i> sp.		Asclepiadaceae	Calotrope	۲۰۹
<i>Calycotom spinosa</i> Lk . = <i>Calycotome spinosa</i> (L.) Link.		Papilionaceae	ginestra spinosa	۳۲۴، ۱۴۱
<i>Camelina sativa</i> Crant.		Cruciferae	Big-seeded false flax	۳۵۴
<i>Campanula lacinata</i> L.		Campanulaceae		۳۴۸
<i>Campanula ramosissima</i> Sibth.		Campanulaceae		۴۲
<i>Camphorosma glabrum</i> L.		Chenopodiaceae		۲۴۹
<i>Camphoresma</i> sp.	*	Chenopodiaceae	Camphorfume	۱۶۰
<i>Canna</i> sp.		Cannaceae	Canna	۲۴۵
<i>Cannabis indica</i> L.		Cannabaceae		۱۱۲
<i>Cannabis sativa</i> L.		Cannabaceae	Hemp	۳۴۶، ۲۴۵، ۱۱۲، ۹۵
<i>Cannabis sativa</i> L. var. <i>indica</i>		Cannabaceae		۳۴۶، ۳۱۷، ۱۱۲
<i>Cannabis sylvestris</i>		Cannabaceae		۲۴۵
<i>Capparis</i> sp.		Capparidaceae	Caper-caperbush	۲۵۰
<i>Capparis spinosa</i> L.	*	Capparidaceae	Common capers	۳۳۴، ۳۱۲، ۲۵۰
<i>Capsicum frutescens</i> L.		Solanaceae	Spanish pepper ; Bush red pepper	۲۲۸، ۱۴۲
<i>Capsicum minimum</i> Rox.		Solanaceae		۲۹۷
<i>Capsicum</i> sp.		Solanaceae	Red pepper	۲۲۸
<i>Cardamine amara</i> L.		Cruciferae		۲۳۶
<i>Cardamomum</i> sp. = <i>Elettaria</i> <i>cardamomum</i> (L.) Maton = <i>Amomum cardamomum</i> L.		Zingiberaceae	cardamom	۳۰۹، ۲۳۶
<i>Cardopatum corymbosum</i> pers.		Compositae		۳۳۶، ۵۱، ۴۷
<i>Carduus benedictus</i> Auct.		Compositae		۷۱
<i>Carduus pycnocephalus</i> L.	*	Compositae		۳۳۶
<i>Carthamus lanatus</i> L.	*	Compositae	Woolly safflower	۳۴۲، ۲۳۷، ۲۱۰، ۴۲
<i>Carthamus</i> sp.		Compositae	Safflower ; False saffron	۲۳۸
<i>Carthamus tinctorius</i> L.	*	Compositae	Safflower	۲۳۶، ۲۱۰، ۴۲
<i>Carum ammioides</i> Benth.		Umbeliferae		۱۵۵
<i>Carum ammioides</i> Benth.		Umbeliferae		۳۶
<i>Carum bulbocastanum</i> Koch.		Umbeliferae		۲۶۲
<i>Carum carvi</i> L.		Umbeliferae	Caraway	۳۴۰، ۳۱۴، ۲۶۲، ۲۵۶
<i>Carum copticum</i> Ben . = <i>Trachypnum copticum</i> (L.) Link		Umbeliferae	Ajowan caraway	۳۴۰، ۲۸۹، ۲۶۲
<i>Carum petroselinum</i> Benth. & Hook.		Umbeliferae		۳۴۱، ۳۱۵، ۲۲۷، ۲۵۴
<i>Carya</i> sp.		Juglandaceae	Hickory	۲۳۲
<i>Caryophyllus aromaticus</i> L.		Caryophyllaceae		۲۳۸
<i>Cassia absus</i> L.		Caesalpinaceae		۹۴
<i>Cassia acutifolia</i> Deli.		Caesalpinaceae	Alexandria senna	۱۷۷
<i>Cassia angustifolia</i> Vahl.		Caesalpinaceae	Congo senna	۱۷۷
<i>Cassia fistula</i> L.		Caesalpinaceae	Golden-shower	۱۴۰

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			senna ; purging cassia	
<i>Cassia lanceolata</i> Forsk.		Caesalpinaceae		۱۷۷
<i>Cassia obovata</i> Coll.		Caesalpinaceae		۲۱۰
<i>Cassia sophora</i> L.		Caesalpinaceae		۲۱۰
<i>Cassia tora</i> L.		Caesalpinaceae		۲۴۴، ۲۱۰، ۱۵۸
<i>Castanea sativa</i> Mill.		Fagaceae	European chestnut ; Spanish chestnut	۸۷
<i>Castanea vesca</i> Gaertn.		Fagaceae		۸۷
<i>Castanea vulgaris</i> Lam.		Fagaceae		۸۷
<i>Caucalis maritima</i> L.		Umbeliferae		۳۳۲، ۳۱۴
<i>Caucalis orientalis</i> (L.) RE . = <i>Astrodaucus orintalis</i> (L.)Drude		Umbeliferae		۸۹
<i>Cedrus deodara</i> Loud.	**	Pinaceae	Deodar cedar	۱۴۹
<i>Cedrus libani</i> Barrel.	**	Pinaceae	Cedar Lebanon	۳۲۶، ۳۰۹، ۲۳۴، ۴۴
<i>Cedrus libani</i> Loud.	**	Pinaceae		۱۴۹
<i>Celosia argentea</i> L.	**	Amarantaceae	Feather cockscomb	۷۹
<i>Celtis australis</i> L.	*	Ulmaceae	European hackberry	۳۲۸، ۲۷۲
<i>Celtis</i> sp.		Ulmaceae	Haircap moss	۲۸۶
<i>Cenchrus frutescens</i> Sieber		Gramineae		۳۲۶
<i>Centaurea aegypiaca</i> Del.		Compositae		۲۷۸
<i>Centaurea alexandrina</i> D.		Compositae		۲۷۸
<i>Centaurea behen</i> L.	*	Compositae	White behen	۹۱
<i>Centaurea benedicta</i> L.		Compositae		۱۱۰
<i>Centaurea calcitrapa</i> L.		Compositae	Star thistle	۲۷۸
<i>Centaurea centaurium</i> L.		Compositae		۳۳۶، ۳۱۳، ۲۴۶
<i>Centaurea cyanus</i> L.	*	Compositae	Corn flower ; Bachlor's button ; Bluebottle	۲۴۶، ۱۰۸
<i>Centaurea minus</i> Moen.		Compositae		۲۴۶
<i>Centaurea officinale</i>		Compositae		۲۴۶
<i>Centaurea pallescens</i> Del.		Compositae		۲۷۸
<i>Centaurea</i> sp.		Compositae		۲۴۶
<i>Centaurea stellata</i>		Compositae		۲۷۸
<i>Cephalaria pilosa</i> Schr . = <i>Dipsacus pilosus</i> L.	*	Dipsaceae		۲۱۰
<i>Cerastium aquaticum</i> L. = <i>Myosoton aquaticum</i> (L.)Monch.	*	Caryophyllaceae		۳۴۹
<i>Cerasus avium</i> L.	*	Rosaceae	Mazzard cherry ; Gean ; Sweet cherry	۲۳۴
<i>Cerasus mahaleb</i> Mill.	*	Rosaceae	Mahhlab	۱۱۳
<i>Ceratonia siliqua</i> L.	*	Caesalpinaceae	Carob	۳۲۸، ۳۰۱، ۱۳۲
<i>Cercis siliquastrum</i> L.	*	Caesalpinaceae	Judas tree	۱۴۱، ۴۴
<i>Cercis</i> sp.	*	Caesalpinaceae	Cercis ; Redbud	۴۴
<i>Cerithe minor</i> L.		Boraginaceae	Lesser honeywort	۳۳۵
<i>Ceterach officinarum</i> L.		Boraginaceae	Miltwaste	۱۱۹، ۴۹۹
<i>Ceterach</i> sp.		Boraginaceae		۳۵۷

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Cetraria islandica</i> (L.) Ach. (moss)		Aspleniaceae		۱۱۷
<i>Chaerophyllum</i> sp.		Umbeliferae	Chervill	۲۳۲
<i>Chamacyparis</i> sp.		Cupressaceae	False cypress	۱۸۷
<i>Chamaeleo vulgaris</i> = <i>Chamaeleo chamaeleon</i> (Parasite)		Chamaeleonidae	Common or European or Mediterranean Chameleon	۴۷
<i>Chamaepeuce diacantha</i> DC.		Compositae		۱۲۸
<i>Cheiranthus cheiri</i> L.	**	Crucifrae	Common wallflower	۲۸۵، ۱۷۰، ۱۴۰
<i>Cheiranthus flava</i> L.		Crucifrae		۳۴۴
<i>Cheiranthus incanus</i> L.		Crucifrae		۱۶۹
<i>Cheiranthus</i> sp.		Crucifrae	Wallflower	۲۸۵، ۱۴۰
<i>Cheiranthus tricuspidatus</i> L.		Crucifrae		۳۴۴
<i>Chelidonium cerniculatum</i> L.		Papaveraceae		۲۷۶
<i>Chelidonium dodecandrum</i> Forsk.		Papaveraceae		۱۶۱
<i>Chelidonium majus</i> L.	*	Papaveraceae	Greater celandine	۳۳۵، ۳۱۳، ۲۷۶، ۲۰۹، ۱۲۷
<i>Chenopodium ambrosioides</i> L.	*	Chenopodiaceae	Wormseed goose ; Wormseed tea ; Mexican tea	۱۹۰، ۷۷
<i>Chenopodium botrys</i> L.	*	Chenopodiaceae	Jerusalem-oak goosefoot ; Jerusalem oak	۳۴۴، ۳۱۶، ۱۹۰، ۷۷
<i>Chenopodium capitatum</i> L.		Chenopodiaceae	Blire goosefoot ; Straw berry blite	۸۳
<i>Chenopodium murale</i> L.	*	Chenopodiaceae	Nettle-leaf goosefoot	۱۵۹
<i>Chondrilla juncea</i> L.		Compositae	Rush skeleton weed ; Gun succory	۳۲۲، ۳۱۱، ۳۰۱، ۲۹۸، ۱۳۹
<i>Chondrilla ramosissima</i> Sibth.		Compositae		
<i>Chondrilla</i> sp.		Compositae	Sierra juniper	۱۳۹
<i>Chrysanthemum coronarium</i> L.		Compositae	Crowndaisy ; Crown-daisy chrysanthemum	۳۵۰، ۹۱
<i>Chrysanthemum parthenium</i> Pers. = <i>Tanacetum parthenium</i> (L.) Shultz-Bip.	*	Compositae	Feverfew ; Feverfew chrysanthemum	۳۴۶، ۳۱۷، ۱۸۸، ۵۸
<i>Chrysanthemum segetum</i> L.		Compositae	Corn chrysanthemum ; Corn marigold	۹۱
<i>Chrysocoma linosyris</i> L.		Compositae		۳۵۰
<i>Chrysocoma</i> sp.		Compositae		۳۵۰، ۳۱۹، ۱۵۱،
<i>Cicer arietinum</i> L.	*	Papilionaceae	Chick-pea ; Gram chick-pea	۳۳۰، ۱۲۴
<i>Cichorium endivia</i> L.	**	Compositae		۳۳۲، ۲۹۸
<i>Cichorium intybus</i> L.	*	Compositae	Common chicory	۲۹۸، ۲۹۸
<i>Cicuta virosa</i> L. = <i>Selinum virosum</i> (L.) E.H.L. Krause		Umbeliferae	European water hemlock ; Wasserschierling, Borstenkraut	۱۹۱
<i>Cincus acarna</i> = Picnomon		Compositae		۵۸



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>acarna</i> (L.) Cass.				
<i>Cincus</i> sp.		Compositae		۳۵۷
<i>Cinnamomum camphora</i> Nees.		Lauraceae	Camphor tree	۲۴۸
<i>Cinnamomum cassia</i> Boiss.		Lauraceae	Cassia bark tree ; Chinese cinnamon	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۹، ۲۳۹، ۱۷۵، ۱۴۱
<i>Cinnamomum citriadorum</i> Th.		Lauraceae		۳۲۴، ۱۶۷
<i>Cinnamomum iners</i> Reinw.		Lauraceae		۳۲۴، ۱۷۵
<i>Cinnamomum malabathrum</i> Burm.		Lauraceae		۱۶۷
<i>Cinnamomum obtusifolium</i> Nees.		Lauraceae		۱۷۵
<i>Cinnamomum tamala</i> Nees.		Lauraceae		۱۶۷
<i>Cinnamomum zeilanicum</i> Nees.	**	Lauraceae	Ceylon cinnamon	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۳۹، ۲۳۸، ۱۴۱
<i>Cinnamomum</i> sp.		Lauraceae	Cinnamon	۱۴۱
<i>Circaea lutetiana</i> L.	*	Onagraceae	Paris circaea	۲۱۰
<i>Circaea</i> sp.		Onagraceae	Enchanter's nightshade	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۱۰
<i>Cirsium diacantha</i> DC.		Compositae		۱۲۸
<i>Cirsium rhocephalum</i> C.A.Mey.	*	Compositae		۱۵۱
<i>Cirsium stellatum</i> L.		Compositae		۳۵۷، ۳۹
<i>Cirsium tenuiflorum</i> Boiss.		Compositae		۳۵۴
<i>Cirsium tuberosum</i> All.		Compositae		۳۳۷
<i>Cissus</i> sp.		Vitaceae	Treebine	۱۷۴
<i>Cissus vitiginea</i> L.		Vitaceae		۳۲۴، ۱۲۴
<i>Cistus creticus</i> L.		Cistaceae	Wrinkle leaf rockrose	۳۲۷، ۲۶۵
<i>Cistus hypocistis</i> L.		Cistaceae		۳۲۷، ۳۱۰
<i>Cistus ladanifolius</i> L.		Cistaceae	Gum rockrose	۳۲۷، ۲۶۵، ۲۳۹
<i>Cistus salviaefolius</i> Boiss.		Cistaceae		۳۲۷
<i>Cistus</i> sp.		Cistaceae	Rockrose	۲۶۵
<i>Cistus villosus</i> L.	**	Cistaceae	Rock rose	۳۲۷، ۲۶۵
<i>Citrullus colocynthis</i> Schrad	*	Cucurbitaceae		۲۳۷، ۱۲۷
<i>Citrus amara</i> Link.		Rutaceae	Sour orange ; Seville orange	۲۸۹
<i>Citrus aurantifolia</i> Sw . = <i>Citrus aurantium</i> L.	*	Rutaceae		۲۷۴، ۴۰
<i>Citrus aurantium</i> Lou.& Auc.	*	Rutaceae	Sour orange ; Seville orange	۲۸۹
<i>Citrus bigaradia</i> Lois . = <i>Citrus aurantium</i> L.	*	Rutaceae		۲۸۹
<i>Citrus limonum</i> Risso		Rutaceae	Lemon	۲۷۴، ۴۰
<i>Citrus medica</i> L.	*	Rutaceae	Cloza	۲۷۴، ۴۰
<i>Citrus medica</i> Risso	*	Rutaceae		۲۷۴
<i>Citrus medica</i> Risso var. <i>cerata</i>		Rutaceae		۳۲۸، ۳۱۰، ۴۰
<i>Citrus</i> sp.		Rutaceae	Citrus	۲۷۴
<i>Citrus vulgaris</i> Riss.		Rutaceae	Sour orange ; Seville orange	۲۸۹

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Cladrastis</i> sp. = <i>Cladrastis lutea</i> = <i>Cladrastis kentukea</i>		Papilionaceae	Yellowwood	۱۳۶
<i>Clematis cirrhosa</i> L.		Ranunculaceae	Vernal clematis	۳۵۶
<i>Clematis ochroleuca</i> Poir.		Ranunculaceae		۲۰۵
<i>Clinopodium montanum</i> (L.) Kuntz.		Labiatae		۲۳۸
<i>Clinopodium vulgare</i> L.	*	Labiatae	Wild basil savory	۳۴۲، ۳۱۵
<i>Clitoria ternatea</i> L.		Papilionaceae	Butterfly Pea	۲۷۵
<i>Cnicus acarna</i> L.		Compositae		۳۳۶، ۷۱
<i>Cnicus tuberosus</i> L.		Compositae		۳۳۷
<i>Cochlearia armoracia</i> L.		Cruciferae		۲۲۴
<i>Cochlearia coronopus</i> L.		Cruciferae		۱۱۶، ۳۶
<i>Cocos nucifera</i> L.	**	Palmaeae	Coconut palm	۲۸۷، ۲۸۹
<i>Cola acuminata</i> Sch. = <i>Sterculia acuminata</i>		Sterculiaceae	Sudan colanut	۱۳۲
<i>Colacasia antiquorum</i> Sch.		Araceae		۲۴۴
<i>Colacasia esculenta</i> L. = <i>Colocasia antiquorum</i> var <i>esculenta</i>		Araceae	papa china, taro, bore, ocumo, quiquisque	۲۴۴
<i>Colchicum autumnale</i> L.		Cholchicaceae		۳۵۲، ۳۲۰، ۲۳۲
<i>Colchicum autumnale</i> L.		Cholchicaceae	Common autumn crocus ; Meadow saffron	۱۸۰
<i>Colchicum montanum</i> L. = <i>Cholchicum szovitsii</i> Fisch & C.A. Mey.	*	Cholchicaceae		۲۱۲
<i>Colchicum parnassicum</i> Sart.		Cholchicaceae		۳۵۳
<i>Colchicum persicum</i> Bak.		Cholchicaceae		۱۸۰
<i>Colchicum</i> sp.		Cholchicaceae	Autumn crocus	۱۸۰
<i>Colchicum speciosum</i> Ste.		Cholchicaceae		۱۸۰
<i>Colchicum variegatum</i> L.		Cholchicaceae		۱۸۰
<i>Collinsonia canadensis</i> L.		Labiatae	Stone Root, Horseweed, Richweed, Richleaf, Knob-Root, Knobweed, Horsebalm	۸۲
<i>Colocasia antiquorum</i> Shott. = <i>Arum esculentum</i> L., <i>Caladium esculentum</i> (L.) Vent.,		Araceae	taro, eddo, kalo, dasheen, cocoyam, elephant ears	۲۳۱
<i>Commiphora abyssinica</i> Engl.		Burseraceae	Abyssinian myrrh tree	۲۷۸
<i>Commiphora africanum</i> Engl.		Burseraceae		۲۸۴
<i>Commiphora kataf</i> Engl.		Burseraceae		۲۴۲
<i>Commiphora mukul</i> Engl. = <i>Balsamodendrum mukul</i> Hook.		Burseraceae		۳۲۵، ۲۸۴
<i>Commiphora mulomol</i> Engel.		Burseraceae		۲۸۴
<i>Commiphora myrrha</i> Engl.		Burseraceae	Common myrrh tree	۳۲۵، ۲۸۹، ۲۷۸
<i>Commiphora opobalsamum</i> Engl.		Burseraceae	Mecca myrrh tree	۸۶



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Conandron sp.		Gesneriaceae	Iwa-tabako	۲۴۳
Conium maculatum L.	*	Umbeliferae	Poison hemlock	۳۵۲، ۳۲۰، ۲۰۱، ۱۹۱
Convallaria polygonatum L.		Liliaceae		۳۴۸
Convallaria rusticellata L.		Liliaceae		۳۵۳
Convolvulus arvensis L.	*	Convolvulaceae	European glovybind	۳۴۸، ۲۶۷
Convolvulus farinosus L.		Convolvulaceae		۳۵۶
Convolvulus hystirix Vahl.		Convolvulaceae		۱۹۸
Convolvulus scammonia L.		Convolvulaceae	Scammony glorybind	۳۵۶، ۱۷۳
Convolvulus sepium L.		Convolvulaceae	Heath rush	۲۸۹
Convolvulus sepium L.		Convolvulaceae	Glorybind	۳۵۵، ۳۴۸
Convolvulus sp.		Convolvulaceae		۲۶۷
Convolvulus syriacus		Convolvulaceae		۱۷۳
Convolvulus turpethum L.		Convolvulaceae		۹۴
Conyza candida L.		Compositae		۳۵۴
Conyza squarrosa L.		Compositae		۳۳۹
Coptis teeta Wall.		Ranunculaceae		۲۷۶
Corallina officinalis L.		Corallinaceae		۳۵۳، ۲۰۱
Corallium rubraum L. (Red Coral)			Potato bean	۷۹
Corchorus olitorius L.	*	Liliaceae		۲۸۴
Cordia myxa L.	*	Boraginaceae		۱۶۷، ۱۴۳
Cordia sebestena L.		Boraginaceae		۱۶۷
Coriandrum sativum L.	*	Umbeliferae	Coriader	۳۴۰، ۲۵۷
Coriandrum sp.		Umbeliferae	Coriader	۲۵۷
Cornus mas L.	*	Cornaceae	Cornelian cherry ; Cornelian cherry	۳۲۸، ۲۳۵، ۱۶۳
Cornus mascula L.		Cornaceae		۳۲۸، ۲۷۸
Cornus sanguinea L.	*	Cornaceae	Red dog wood	۲۳۵
Cornus sp.		Cornaceae	Campion	۲۳۵
<i>Croton tinctorium</i> L. = <i>Chrozophora tinctoria</i> (L.) A. Juss.		Euphorbiaceae	Croton; Maurelle(F)	۳۵۷
Corydalis claviculata (L.) DC.		Fumariaceae		۳۵۷
Corylus avellana L.	*	Corylaceae		۳۲۹، ۱۰۵، ۸۸
Costus albus A.Chev		Zingiberaceae		۲۳۹
Costus amarus Rad.		Zingiberaceae		۲۳۹
Costus arabicus L.		Zingiberaceae		۲۳۹
Costus speciosus Sm.		Zingiberaceae	Crape Ginger	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۳۹
Cotoneaster nigra Wahl.		Rosaceae		۱۹۳
Cotoneaster nummularia Fich & Mey.		Rosaceae		۱۹۳
Cotoneaster spp.		Rosaceae	Cotoneaster	۸۵
<i>Cotoneaster vulgaris</i> L. = <i>Cotoneaster integerrima</i> Medicus	*	Rosaceae		۱۹۳
Cotyledon lusitanicus Lam.		Crassulaceae		۳۵۲، ۳۲۰، ۲۴۷

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Cotyledon serrata</i> L.		Crassulaceae		۳۵۳
<i>Cotyledon umbilicus</i> L.		Crassulaceae		۳۵۳، ۱۷۰، ۳۴
<i>Crambe maritima</i> L.		Cruciferae	Common colewort	۳۵۶
<i>Crataegus azarolus</i> L.	*	Rosaceae	Azarole hawthorn	۳۲۸، ۲۹۱، ۱۶۲، ۹۴
<i>Crataegus lagenaria</i> Fisch.		Rosaceae		۱۶۲
<i>Crataegus melanocarpa</i> Bory & Chu.	*	Rosaceae		۱۶۲
<i>Crataegus monogyna</i> Jacq. = <i>Crataegus microphylla</i> C.koch.	*	Rosaceae	Single-seed hawthorn	۱۶۲
<i>Crataegus orientalis</i> Bieb.	*	Rosaceae	Silver hawthorn	۱۶۲
<i>Crataegus oxyacantha</i> L.	*	Rosaceae	English hawthorn ; European hawthorn	۳۲۶، ۳۱۰، ۱۶۲، ۵۹
<i>Crataegus pentagyna</i> (St.-Hil.) Eng. = <i>Crataegus melanocarpa</i> M.B.	*	Rosaceae		۱۶۲
<i>Crataegus pyracantha</i> Medic.		Rosaceae		۳۲۶
<i>Crataegus sinaica</i> Boiss.		Rosaceae		۹۴
<i>Crataegus</i> sp.		Rosaceae	Hawthorn	۱۶۲
<i>Cressa cretica</i> L.		Convolvulaceae		۳۴۵، ۱۶۵، ۶۴
<i>Crinum</i> sp.		Amarantaceae	Crinum	۱۴۳
<i>Crithmum maritimum</i> L.		Umbelliferae	Samphire	۳۳۱، ۳۱۱، ۱۵۵
<i>Crocus sativus</i> L.	*	Iridaceae	Saffron crocus	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۶۳
<i>Crocus</i> sp.		Iridaceae	Crocus	۱۶۳
<i>Crotalaria juncea</i> L.Q		Papilionaceae	Sunn crotalaria; Sunn hemp	۱۷۷
<i>Crotalaria retusa</i> L.	**	Papilionaceae		۲۴۴، ۱۵۸
<i>Croton tiglium</i> L.		Euphorbiaceae	Purging coroton	۲۷۷، ۱۴۷، ۱۱۳
<i>Croton tinctorium</i> L.		Euphorbiaceae		۹۵
<i>Cucumis asininus</i> Willd.		Cucurbitaceae		۲۳۳
<i>Cucumis colocynthis</i> L.		Cucurbitaceae		۳۵۶، ۲۳۷
<i>Cucumis flexuosus</i> L.		Cucurbitaceae	Snake melon	۲۳۳
<i>Cucumis melo</i> L.	*	Cucurbitaceae	Muskmelon	۳۳۲، ۱۹۰، ۸۱
<i>Cucumis pepo</i> Dum.		Cucurbitaceae	Pumpkin	۳۳۲
<i>Cucumis sativus</i> L.	*	Cucurbitaceae	Cucumber	۳۳۲، ۲۲۷، ۲۳۴، ۲۳۳، ۱۳۹
<i>Cucumis vulgaris</i>		Cucurbitaceae		۸۲، ۸۱
<i>Cucurbita citrullus</i> L.		Cucurbitaceae		۸۲
<i>Cucurbita lagenaria</i> L.		Cucurbitaceae		۳۳۲، ۲۳۷
<i>Cucurbita maxima</i> Duch.		Cucurbitaceae	Winter squash	۲۳۸
<i>Cucurbita pepo</i> L.	*	Cucurbitaceae		۲۳۷، ۱۴۲
<i>Cucurbita</i> sp.		Cucurbitaceae	Gourd ; squash	۲۳۷، ۱۴۲
<i>Cuminum cyminum</i> L.	*	Umbliferae	Cumin	۳۴۰، ۳۱۵، ۲۶۲
<i>Cupressus horizontalis</i> Mill.		Cupressaceae		۳۹
<i>Cupressus sempervirens</i> L.	**	Cupressaceae	Italian cypress	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۷۰، ۳۹
<i>Cupressus</i> sp.		Cupressaceae	Cypress	۱۷۰
<i>Curcuma aromatica</i> Salisb.		Zingiberaceae	Curcuma; Status(es) (compiled from	۳۵۶

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Curcuma caesia Roxb.		Zingiberaceae		۲۵۵، ۱۰۲
Curcuma domestica Valet.		Zingiberaceae		۵۳
Curcuma longa Ra.	**	Zingiberaceae	Common turmeric	۲۷۶، ۲۵۵، ۲۱۰، ۵۳
Curcuma sp.		Zingiberaceae	Turmeric	۲۵۵
Curcuma tinctoria Gui.		Zingiberaceae		۲۷۶، ۵۳
Curcuma zedoaria Rosc.		Zingiberaceae		۲۵۵، ۱۶۱، ۱۰۲، ۵۳
Cuscuta epithymum Mur.		Cuscutaceae	Common dodder	۳۵۶، ۲۵۸، ۱۲۳، ۵۶، ۵۵
Cuscuta europaea L.	*	Cuscutaceae	Greater dodder	۳۳۲، ۲۵۸، ۵۵
Cuscuta hyalina Roth.		Cuscutaceae		۲۵۸
Cuscuta monogyna Vahl.	*	Cuscutaceae		۲۵۸
Cuscuta planifolia Ten.	*	Cuscutaceae		۲۵۸
Cuscuta sp.		Cuscutaceae		۲۶۰
Cyclamen europaeum L.		Primulaceae	European cyclamen	۳۳۳، ۳۱۲، ۱۸۶، ۷۵، ۲۳
Cyclamen graecum L.		Primulaceae		۳۳۳
Cyclamen hederacifolium Ait.		Primulaceae		۳۳۴، ۱۶۵
Cyclamen sp.		Primulaceae	Cyclamen	۲۰۸، ۱۳۰، ۷۵، ۳۵
Cydonia indica Spach	*	Rosaceae		۱۸۹
Cydonia oblonga Mill.	*	Rosaceae	Apple quince	۱۷۲
Cydonia semina = Pyrus cydonia L.		Rosaceae		۱۷۲
Cydonia vulgaris Delarbre = Cydonia Oblonga		Rosaceae	(Kwee)	۱۷۲
Cydonia vulgaris Pers.		Rosaceae	Common quince	۳۲۸، ۳۱۰
Cymbopogon schoenanthus Spreng.		Gramineae	Halfa bar	۳۲۴، ۴۴۳
Cynanchum erectum L.		Asclepiadaceae		۳۵۲، ۴۴۲
Cynanchum nigrum Pers.		Asclepiadaceae		۳۴۴
Cynanchum pyrotechnicum L.		Asclepiadaceae		۲۷۸
Cynanchum vincetoxicum Pers.		Asclepiadaceae	White swallowwort	۳۴۲
Cynara cardunculus L.		Compositae	Cardoon	۲۹۹، ۱۱۵، ۱۱۴
Cynara scolymus L.		Compositae	Artichoke ; Globe artichoke	۳۳۷، ۲۶۲، ۱۱۵، ۱۱۴
Cynara sp.		Compositae		۲۹۹، ۱۱۵
Cynara syriacus Gaer.		Compositae		۲۹۹، ۲۹۹
Cynips gallaeturciae Hart.		Cynipidae	Gall wasps	۲۱۲
Cynodon dactylon Pers.		Gramineae		۳۳۶، ۲۰۰، ۹۹
Cynoglossum officinale L.		Boraginaceae	Common hound's-tongue	۳۵۴، ۲۷۰
Cynoglossum sp.		Boraginaceae	Hound's-tongue	۲۷۰
Cynomorium coccineum L.		Cynomoriaceae		۲۰۱
Cynosurus egyptiaca L.		Gramineae	Hedgehog dog's-tall	۳۴۹
Cyperus esculentus L.		Cyperaceae	Chufa flat sedge ; chufa; Earth almond	۱۶۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۴۹
Cyperus longus L.	*	Cyperaceae	Galingale flat sedge ; Long cyperus	۱۷۲، ۳۲۴، ۳۰۹

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Cyperus papyrus</i> L.		Cyperaceae	Payrus	۷۰
<i>Cyperus papyrus</i> Trin.		Cyperaceae		۳۲۶، ۳۰۹
<i>Cyperus rotundus</i> L.	*	Cyperaceae	Nut grass flat sedge	۱۷۲
<i>Cyperus</i> sp.		Cyperaceae	Flat sedge cypress grass	۱۷۲
<i>Cytisus hypocistis</i> L.		Papilionaceae		۲۹۹، ۲۶۷، ۲۶۵
<i>Cytisus lanigerus</i> DC.		Papilionaceae		۳۲۴
<i>Cytisus scoparius</i> Br.		Papilionaceae	Scotch cotton thistle	۱۵۴
<i>Cytisus spinosus</i> Lam.		Papilionaceae		۱۴۱
<i>Dactylis repens</i> L.		Gramineae		۳۴۹
<i>Dactylon officinale</i> Villars . = <i>Cynodon dactylon</i> (L.) Persoon		Gramineae	bermuda-grass	۹۹
<i>Daemia cordata</i> R.Br.		Asclepiadaceae		۲۲۱
<i>Daemonorops draco</i> Blume = <i>Calamus draco</i> Willd.		Arecaceae	dragon's blood	۱۴۷
<i>Dalbergia lanceolaria</i> L.		Papilionaceae		۷۴
<i>Dalbergia melanoxylon</i> G.D.R.		Papilionaceae	African blackwood	۳۳
<i>Dalbergia volubilis</i> Roxb.		Papilionaceae		۷۴، ۳۷
<i>Danthonia</i> sp.		Gramineae	Danthonia	۱۲۷
<i>Daphne angustifolium</i> C.Koch = <i>Daphne mucronata</i> Royle	*	Thymelaceae		۲۷۵
<i>Daphne gnidium</i> L.		Thymelaceae	Rose daphne	۳۵۷، ۲۷۷
<i>Daphne gnidium</i> L.		Thymelaceae		۲۷۷، ۲۵۰
<i>Daphne mezereum</i> L.	*	Thymelaceae	February daphne	۳۵۰، ۲۷۵، ۲۶۱
<i>Daphne oleoides</i> Schr.	*	Thymelaceae		۲۷۵، ۱۶۶
<i>Daphne tartourensis</i> L.		Thymelaceae		۲۰۹
<i>Datura fastuosa</i> L.		Solanaceae		۸۸
<i>Datura metel</i> L. = <i>Datura innoxia</i> Miller	*	Solanaceae	Hindu datura	۲۸۵، ۱۰۹
<i>Datura stramonium</i> L.	*	Solanaceae	Jimso-weed datura	۳۵۲، ۱۰۹
<i>Daucus carota</i> L.	*	Umbeliferae	Wild carrot	۳۴۰، ۱۴۸، ۱۰۳، ۵۳
<i>Daucus gingidium</i> L.		Umbeliferae		۳۳۲، ۳۱۱، ۱۰۳
<i>Daucus guttatus</i> Sib. & Sm.		Umbeliferae		۳۴۰
<i>Delphinium consolida</i> L. = <i>Consolida regalis</i> S.F.Gray		Ranunculaceae	Branchin larkspur	۳۴۱
<i>Delphinium peregrinum</i> L.		Ranunculaceae		۳۴۱
<i>Delphinium semibarbatum</i> Bie.	*	Ranunculaceae		۱۶۲
<i>Delphinium zalil</i> Ait.		Ranunculaceae		۱۶۲
<i>Delphinium staphisagria</i> L.		Ranunculaceae		۳۵۰، ۲۸۹
<i>Dianthus caryophyllus</i> L.		Caryophyllaceae	Pink-carnation	۲۳۸
<i>Dianthus</i> sp.		Caryophyllaceae		۲۳۸
<i>Digitalis aegyptiaca</i>		Solanaceae		۳۴۹
<i>Digitaria stolonifera</i> Schrad.		Graminae		۹۹
<i>Diospyros ebenum</i> Kon.		Ebenaceae	Ebony persimmon	۳۳
<i>Diospyros melanoxylon</i> Roub.		Ebenaceae		۳۲۷
<i>Dipsacus fullonum</i> L.		Dipsacaceae	Wild teasel	۳۳۶، ۳۱۳، ۱۵۰

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Dipsacus sylvestris</i> Mill. = <i>Dipsacus fullonum</i> ssp. <i>sylvestris</i>		Dipsacaceae	Teasel, Common or Wild	۳۳۶
<i>Docynia</i> sp.		Rosaceae		۱۸۹
<i>Dolichos biflorus</i> L.		Papilionaceae		۲۵۹, ۱۱۲
<i>Dolichos lablab</i> L.		Papilionaceae	Hyacinth dolchos	۲۶۷
<i>Dolichos lubia</i> Forsk		Papilionaceae		۳۳۳, ۳۱۲, ۲۷۱
<i>Dolichos</i> sp.		Papilionaceae	Dolichos	۱۱۱
<i>Dolichos uniflorus</i> L.		Papilionaceae		۱۱۲
<i>Dorema ammoniacum</i> Don.	*	Umbeliferae	Bombay sumbul	۳۴۲, ۳۱۵, ۲۹۵, ۵۲
<i>Dorema ammoniacum</i> Don.		Umbelliferae	Gummi-resina ammoniacum	۵۲
<i>Dorema</i> spp.		Umbeliferae	Sumbul	۵۲
<i>Doronicum cordatum</i> C.Koch = <i>Doronicum wulfenianum</i> Poir. = <i>Doronicum columnae</i> Ten.		Compositae		۱۲۹
<i>Doronicum hookeri</i> Hook.		Compositae		۱۴۵
<i>Doronicum pardalianches</i> L.		Compositae		۳۵۲, ۱۴۵, ۱۴۵, ۱۲۹
<i>Doronicum roylei</i> DC.		Compositae		۱۴۵
<i>Doronicum scorpioides</i> Lam. = <i>Doronicum viscosum</i> Nym. = <i>Doronicum grandiflorum</i> Lam.		Compositae		۱۴۵, ۱۴۵
<i>Dorycnium</i> L.		Papilionaceae		۱۴۴, ۳۵۲, ۳۱۹,
<i>Dracaena cinnabari</i> Balf.		Agavaceae		۱۴۷, ۶۹
<i>Dracocephalum kotschy</i> Boiss.	*	Labiatae		۸۴
<i>Dracocephalum moldavica</i> L.	*	Labiatae	Moldvian dragon head	۷۱
<i>Dracontium</i> sp.		Araceae		۱۸۶
<i>Dracunculus vulgaris</i> Schot. = <i>Arum Dracunculus</i>		Araceae		۲۷۳, ۱۴۲
<i>Dryopteris aculeata</i> (L.) Kuntze		Aspidiaceae		۱۷۱
<i>Dryopteris filix max</i> L.	*	Aspidiaceae	Male fern	۳۵۷, ۱۶۹
<i>Dryopteris robertiana</i> (Hof.) C.Chr		Aspidiaceae		۱۶۹
<i>Ebenoxylon verum</i> Lour		Papilionaceae		۳۲۷
<i>Ebenus cretica</i> L.		Papilionaceae		۶۴
<i>Ebenus</i> L.		Papilionaceae		۳۲۷, ۳۱۰, ۳۳
<i>Ebonytree</i> (E) = <i>Dalbergia</i> sp.		Papilionaceae		۳۳
<i>Ecballium elaterium</i> Rich.		Cucurbitaceae	Squirting cucumber	۲۳۴, ۱۹۴
<i>Echinophora tenuifolia</i> L. = <i>Echinophora sibthorplana</i> Guss.	*	Umbeliferae		۳۴۰, ۳۳۹, ۱۶۵, ۱۱۷
<i>Echinops sphaerocephalus</i>		Compositae	Common globe thistle	۳۴۱, ۳۳۶
<i>Echium amoenum</i> Fisch. & Mey.	*	Boraginaceae		۲۶۸
<i>Echium creticum</i> L.		Boraginaceae		۳۴۸
<i>Echium diffusum</i> L.		Boraginaceae		۳۸
<i>Echium italicum</i> L.	*	Boraginaceae		۳۴۹, ۳۸
<i>Echium rubrum</i> L.	*	Boraginaceae		۳۴۹, ۳۱۹, ۴۲

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Echium sericeum</i> Vahl.		Boraginaceae		۲۶۸
<i>Echium</i> sp.		Boraginaceae	Viper's bugloss	۴۲
<i>Echium vulgare</i> L.		Boraginaceae	Common viper's bugloss	۳۴۹
<i>Elaeagnus angustifolius</i> L.	*	Elaeagnaceae	Russian olive	۲۱۹، ۱۶۳
<i>Elaeagnus hortensis</i> Boiss.		Elaeagnaceae		۲۱۹
<i>Elaeagnus</i> sp.		Elaeagnaceae	Eleagnus	۱۶۳
<i>Elaterium agreste</i>		Cucurbitaceae		۲۳۴
<i>Elaterium officinale</i>		Cucurbitaceae		۲۳۴
<i>Elcaya jemenensis</i> Forsk.				۱۵۷، ۱۰۸
<i>Eletteria cardamomum</i> White & Maton	**	Zingiberaceae	Cardamon	۲۹۶، ۲۳۶، ۲۳۲
<i>Eletteria</i> sp.		Zingiberaceae		۳۰۹
<i>Eleusine coracana</i> Gaer.		Gramineae	Ragi millet ; raggee ; tocusso	۲۶۳
<i>Embelica officinalis</i> Ga.		Euphorbiaceae	Embelic myrobalan Indian gooseberry	۶۳
<i>Ephedra distachya</i> Bort.	*	Ephedraceae	Joint-fir ephedra ; sea grape	۳۵، ۳۲۹، ۲۰۱
<i>Ephedra vulgaris</i> Rich.		Ephedraceae		۲۹۹
<i>Epimedium alpinum</i> L.		Podophyllaceae	Alpine willoweed	۳۴۸، ۵۷
<i>Equisetum arvense</i> L.	*	Equisetaceae	Field horsetail	۳۵، ۲۶۲، ۲۱۱، ۱۵۱، ۵۰
<i>Equisetum fluviatile</i> L.		Equisetaceae		۳۵
<i>Equisetum hyemale</i> L.		Equisetaceae	Scouring rush	۲۶۲، ۱۵۱
<i>Equisetum limosum</i> L. = <i>Equisetum fluatile</i> L.	*	Equisetaceae	Swamphorse tail	۳۵
<i>Equisetum pallidum</i> L.		Equisetaceae		۳۴۷، ۲۱۰
<i>Equisetum ramosissimum</i> Desf.	*	Equisetaceae		۲۴۶، ۵۰
<i>Equisetum sylvaticum</i> L.		Equisetaceae		۳۵
<i>Eramothecium ashybi</i> Filamentous (Fungi)			Routien	۲۴۰
<i>Erianthus ravnennas</i> Beauv.		Graminaeae	Sacchrurn ravnennae	۳۲۶
<i>Erica arborea</i> L.		Ericaceae		۳۲۶، ۳۰۹، ۱۳۷، ۴۶
<i>Erica cinerea</i> L.		Ericaceae	Twisted heath	۱۳۷
<i>Erica</i> sp.		Ericaceae	Heath	۱۳۷
<i>Erigeron</i> sp.		Compositae	Fleabane; Cutleaf Daisy	۱۹۳
<i>Erodium malachoides</i> Willd.		Geraniaceae		۳۴۴
<i>Eruca sativa</i> Lam.		Cruciferae	Rocket salad	۱۰۲
<i>Eruca sativa</i> Mill.		Cruciferae		۳۳۲
<i>Ervum ervillia</i> L.		Papilionaceae		۳۳، ۲۵۴، ۲۵۳
<i>Ervum lens</i> L. = <i>Lens culinaris</i> Medik. subsp. <i>Culinaris</i>		Papilionaceae	Lentil; Cultivated lentil	۳۳
<i>Eryngium campestre</i> L.		Umbeliferae	Snakeroot eryngo	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۹۲، ۱۸۸، ۹۲، ۸۴، ۵۰
<i>Eryngium coeruleum</i> ?		Umbeliferae		۲۱۰
<i>Eryngium creticum</i> L.		Umbeliferae		۲۳۶، ۲۱۰، ۱۹۲، ۸۴، ۵۰
<i>Eryngium maritimum</i> L.		Umbeliferae	Sea-holly eryngo	۲۶۴
<i>Eryngium planum</i> L.		Umbeliferae		۳۳۷



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Erysimum barbarea</i> L.		Cruciferae		۱۳۰
<i>Erysimum cheiranthoides</i> L.		Cruciferae	Treacle erysimum	۱۳۰
<i>Erysimum officinale</i> L. = <i>Sisymbrium officinale</i> (L.) Scop.	*	Cruciferae	Hedg mustard	۹۷
<i>Erysimum repandum</i> L.	*	Cruciferae	Spreading erysimum	۱۲۹
<i>Erythraea centaurium</i> Pers. = <i>Centaurium erythraea</i> = <i>Centaurium umbellatum</i>		Gentianaceae	Drug cenaarium	۲۳۶، ۲۴۶
<i>Eugenia aromatica</i> Baill.		Myrtaceae		۲۳۸
<i>Eugenia caryophyllata</i> Thunb.	**	Myrtaceae	Clover tree	۲۳۸
<i>Eupatorium cannibinum</i> L.	*	Compositae	Hemp eupatorium	۲۴۹، ۲۳۸، ۹۴
<i>Euphorbia aculeata</i> Forsk.		Euphorbiaceae		۲۵۳
<i>Euphorbia aleppica</i> L.	*	Euphorbiaceae		۲۵۶
<i>Euphorbia apios</i> L.		Euphorbiaceae		۲۵۶، ۵۷
<i>Euphorbia chamaesyce</i> L.		Euphorbiaceae		۱۲۷
<i>Euphorbia characias</i> L.		Euphorbiaceae		۲۵۶
<i>Euphorbia curcas</i>		Euphorbiaceae		۱۰۸
<i>Euphorbia dendroides</i> L.		Euphorbiaceae		۲۵۶، ۱۲۱
<i>Euphorbia esula</i> L. = <i>Euphorbia boissieriana</i> (Woron.)prokh.	*	Euphorbiaceae	Leafy euphorbia	۲۶۵
<i>Euphorbia falcata</i> L.	*	Euphorbiaceae	Sickle-grass	۲۵۶
<i>Euphorbia helioscopia</i> L.	*	Euphorbiaceae	Sun euphorbia	۲۵۶، ۳۰۰، ۲۲۵
<i>Euphorbia lathyris</i> L.		Euphorbiaceae	Caper euphorbia	۲۵۶، ۲۷۷، ۲۲۴
<i>Euphorbia myrsinites</i>	*	Euphorbiaceae		۲۵۶، ۳۰۰
<i>Euphorbia officinarum</i> L.		Euphorbiaceae		۲۲۵
<i>Euphorbia paralias</i> L.		Euphorbiaceae	Sea staff-sea wand	۲۵۶، ۳۰۰
<i>Euphorbia pilosa</i> L.		Euphorbiaceae		۲۵۶
<i>Euphorbia pilulifera</i> L.		Euphorbiaceae		۶۵
<i>Euphorbia pithyusa</i> L.		Euphorbiaceae		۲۲۵، ۱۸۴
<i>Euphorbia pythuse</i> Friw.		Euphorbiaceae		۱۷۵
<i>Euphorbia resinifera</i> Berg.		Euphorbiaceae		۲۲۵
<i>Euphorbia sibthorpii</i> Boiss.		Euphorbiaceae		۳۰۰
<i>Euphorbia</i> sp.		Euphorbiaceae	Ebebright	۲۴۲، ۳۱۵، ۳۰۰، ۲۲۴، ۵۵
<i>Euphorbia spinosa</i> L.	*	Euphorbiaceae		۲۵۷، ۳۹
<i>Euphorbia triaculeata</i> For.		Euphorbiaceae		۲۶۵
<i>Evernia prunastri</i> (L.) Ach. (Lichen)			Staghorn	۵۲
<i>Evonymus europeus</i> L.	**	Celasteraceae	Prickwood	۸۲
<i>Evonymus latifolia</i> L.	*	Celasteraceae	Broad-leowed evonymus	۸۲
<i>Evonymus velutina</i> L.	*	Celasteraceae	Prickwood	
<i>Evonymus verrucosa</i> L.	*	Celasteraceae	Warty-barked	۸۲
<i>Faba vulgaris</i> Monch.		Papilionaceae	Broad bean	۷۳
<i>Fagara</i> sp.		Rutaceae		۲۲۳
<i>Fagonia cretica</i> L.		Zygophyllaceae		۷۱

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Farsetia clypeata</i> R.Br.		Cruciferae		۷۰
<i>Feniculum</i> sp.		Umbelliferae	Fennel	۱۵۳
<i>Ferula assafoetida</i> L.		Umbelifetae	Asafetida giant fennel	۳۴۲، ۱۲۱، ۷۵، ۵۱
<i>Ferula communis</i> L.		Umbelifetae	Common giant fennel	۳۴۱، ۲۵۹، ۲۴۵، ۷۲
<i>Ferula ferulago</i> L.		Umbelifetae		۳۴۲، ۷۲
<i>Ferula galbaniflua</i> Boiss. & Bus. = <i>Ferula gumosa</i> Boiss.	*	Umbelifetae		۳۴۲، ۲۴۶، ۱۰۱، ۷۲
<i>Ferula gumosa</i> Boiss.	*	Umbelifetae	Galbanum plant	۲۴۶
<i>Ferula marmarica</i>		Umbelifetae		۵۲
<i>Ferula narthex</i> Boiss.		Umbelifetae		۷۵
<i>Ferula nodiflora</i> L.		Umbelifetae		۳۱۵
<i>Ferula nodosa</i> Benth & Hook.		Umbelifetae		۳۳۹
<i>Ferula opopanax</i> Spreng.		Umbelifetae		۳۳۹
<i>Ferula orientalis</i> L.	*	Umbelifetae		۳۴۲
<i>Ferula persica</i> Willd.	*	Umbelifetae	Persian asafetida	۳۴۲، ۱۷۳
<i>Ferula rubricaulis</i> Boiss.	*	Umbelifetae		۲۴۶، ۷۲
<i>Ferula saapenum</i> Polack		Umbelifetae		۱۷۳
<i>Ferula scordosma</i> Benth & Hook		Umbelifetae		۱۲۱
<i>Ferula scowitziana</i> D.C.		Umbelifetae		۳۴۲، ۱۷۳
<i>Ferula sumbul</i> Hook.		Umbelifetae		۲۵۴
<i>Ferula tingitana</i> L.		Umbelifetae		۳۴۲
<i>Festuca altissima</i> Boiss.	*	Gramineae		۲۱۲
<i>Festuca</i> sp.		Gramineae	Fescue	۲۱۲
<i>Ficus carica</i> L.	*	Moraceae	Common fig	۳۲۹، ۹۷، ۹۶
<i>Ficus laccifera</i> Roxb.	**	Moraceae		۲۷۱
<i>Ficus palmata</i> Forsk.	*	Moraceae		۹۶
<i>Ficus</i> sp.		Moraceae	Fig	۹۶
<i>Ficus sycomorus</i> L.		Moraceae	Sycomore	۳۲۹، ۳۱۱، ۱۰۵، ۶۶
<i>Filipendula ulmaria</i> Maxim.		Rosaceae	European meadowsweet	۲۶۸
<i>Flacourita cataphracta</i> Willd.		Flacourtiaceae	Paniala; coffee plum; paniala; puneala; Chinese plum	۱۹۹، ۱۶۱
<i>Flemmigia rhodocarpo</i> Bak.		Papilionaceae		۲۹۵
<i>Flores tussilaginis</i> = <i>Flores Farfarae</i> , <i>Flores Tussilaginis</i> , <i>Flos Farfarae</i> = <i>Farfarae flos</i>		Compositae		۷۳
<i>Foeniculum vulgare</i> Mill.		Umbeliferae	Common fennel	۳۴۱، ۱۵۳، ۷۸
<i>Fragra avicennae</i> Lam.				۲۲۳
<i>Fraxinus excelsior</i> L.		Oleaceae	European ash	۳۲۶، ۲۷۸، ۲۶۹
<i>Fraxinus</i> sp.		Oleaceae	Ash	۲۷۸
<i>Fritillaria imperialis</i> L.		Liliaceae		۵۹
<i>Fucus</i> sp.		Fucacea	Rock weed-sea oak	۱۹۸



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Fumaria officinalis</i> L.		Fumariaceae		۱۸۳
<i>Fumaria parviflora</i> Lam.		Fumariaceae		۱۸۳
<i>Fumaria</i> sp.		Fumariaceae	Fumitory	۱۸۳
Fungi sp.				۳۵۲، ۲۲۶
<i>Galium aparin</i> L.	*	Rubiaceae	Catchweed; Catchweed bedstraw ;cleavers	۳۴۲، ۳۱۵، ۲۷۰، ۵۵
<i>Galium</i> sp.		Rubiaceae	Bedstraw	۲۱۹
<i>Galium verrucosum</i> Spr.		Rubiaceae		۳۴۲
<i>Galium verum</i> L.	*	Rubiaceae	Yellow bedstraw	۳۵۳، ۳۲۰، ۲۱۹
<i>Garicina mangostana</i> L.		Guttiferae	Mangosteen	۱۰۷
<i>Genista acathoclada</i> DC.		Papilionaceae		۳۲۴
<i>Gentiana lutea</i> L.		Gentianaceae		۳۳۵، ۳۱۳، ۱۰۶
<i>Geranium arabicum</i> Forsk.		Geraniaceae		۲۲۱
<i>Geranium columbinum</i> L.		Geraniaceae	Long-stalked geranium	۳۷
<i>Geranium rotundifolium</i> L.		Geraniaceae	Round-leaved fluellen; Cancerwort	۳۴۴، ۳۱۶
<i>Geranium</i> sp.		Geraniaceae	Geranium ; Crowfoot	۲۱۸، ۳۷
<i>Geranium tuberosum</i> L.	*	Geraniaceae	Tuberous-rooted crane's bill	۳۴۴
<i>Gladiolus communis</i> L.	**	Iridaceae	Common ginger	۳۴۸، ۲۵۵، ۱۸۱، ۱۴۶، ۴۵
<i>Gladiolus segetum</i> Ke.	*	Iridaceae	Corn flag gladiolus	۴۵
<i>Gladiolus</i> sp.		Iridaceae	Gladiolus ;Corn flag	۱۴۶
<i>Glaucium corniculatum</i> Curt.	*	Papaveraceae	Black-spot horn poppy;red celandine	۳۵۱، ۳۴۲، ۲۷۶، ۱۳۴
<i>Glaucium flavum</i> Crantz.	*	Papaveraceae	Yellow horn poppy ; sea celandine	۱۳۵
<i>Glaucium luteum</i> Scop.		Papaveraceae		۳۵۱
<i>Glaucium</i> sp.		Papaveraceae	Horn poppy	۲۷۶
<i>Globularia</i> sp.		Globulariaceae	Globe daisy	۲۱۸
<i>Glossostemon bruguieri</i> DC.		Papilionaceae	Sahlab	۲۸۳
<i>Glossostemon</i> sp.		Papilionaceae		۲۸۳
<i>Gloxinia</i> sp.		Gesneriaceae	Gloxinia	۲۲۱
<i>Glycyrrhiza glabra</i> L.	*	Papilionaceae	Japan clover common lespedeza	۳۳۶، ۳۱۳، ۱۸۰
<i>Gnaphalium dioicum</i> L.		Compositae		۲۲۶
<i>Gnaphalium leontopodium</i> L. = <i>Leontopodium alpinum</i> Cass.		Compositae	Edelweiss; Pied de lion; Immortelle des neiges	۳۵۳، ۲۰۰، ۱۴۷
<i>Gnaphalium sanguineum</i> Spr.		Compositae		۳۳۹، ۱۴۷
<i>Gnaphalum</i> L.		Compositae	Cudweed	۳۴۴، ۲۲۶، ۳۱۶،
<i>Gossypium herbaceum</i> L.		Malvaceae	Levant cotton	۲۴۲
<i>Gossypium</i> sp.		Malvaceae	Cotton	۲۴۲
<i>Gratiola officinalis</i> L.		Scrophulariaceae	Drug hedge hyssop	۱۰۰
<i>Grewia bicolor</i> Just.		Tiliaceae	White Raisin	۲۹۰

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Grewia populifolia</i> L.		Tiliaceae		۲۸۹
<i>Guilandina boneculla</i> Flem.		Papilionaceae		۱۵۵
<i>Gundelia tournefortii</i> L.	*	Compositae		۱۱۵
<i>Gymnogramma ceterach</i> (L.) Spre.		Polypodiaceae		۳۴۵
<i>Gypsophila</i> sp.		Caryophyllaceae	Gypsophila; chalk plant	۲۲۳
<i>Gypsophila struthium</i> L.		Caryophyllaceae		۲۲۳، ۱۷۱
<i>Hedera helix</i> L.	*	Araliaceae	English ivy	۳۳۵، ۲۲۷، ۲۴۰
<i>Hedera</i> sp.		Araliaceae	Ivy	۲۱۰، ۱۱۳
<i>Hedysarum</i> sp.		Papilionaceae	Sweet vetch-frenh honeysuckle	۳۴۵، ۳۱۷، ۲۰۷، ۲۶
<i>Helichrysum sanguineum</i> Cost.		Compositae		۱۴۷
<i>Helichrysum siculum</i> (Spr.) Boiss.		Compositae		۳۵۰
<i>Helichrysum</i> sp.		Compositae	Eveylasting	۳۵۰، ۳۱۹
<i>Helichrysum stoenchas</i> DC.		Compositae		۶۱
<i>Heliconia</i> sp.		Heliconiaceae	Heliopsis	۲۹۵
<i>Helicteris isora</i> L.	*	Sterculiaceae	Indian screw tree; Isora	۲۵۸
<i>Heliothrips haemorrhoidalis</i> Bouc.		Boraginaceae		۱۵۷
<i>Heliotropium europaeum</i> L.		Boraginaceae	Common helitrope	۳۵۷، ۳۲۱، ۱۹۴، ۱۵۱، ۳۵
<i>Heliotropium villosus</i> Pers.	**	Boraginaceae		۳۵۷
<i>Helleborus alba</i> L.		Ranunculaceae		۱۳۰
<i>Helleborus cyclophyllus</i> Boiss.		Ranunculaceae		۳۵۵
<i>Helleborus niger</i> L.		Ranunculaceae	Christmas rose	۱۳۰
<i>Helleborus officinalis</i> Salisb.		Ranunculaceae		۳۵۵
<i>Helleborus</i> sp.		Ranunculaceae	Hellebor	۱۳۰
<i>Helminthia echiodes</i> Gaertn. = <i>Helminthotheca echioides</i> (L.) Wolud		Compositae	Bugloss	۳۳۱
<i>Helvella phalloides</i>		Helvellaceae		۲۲۱
<i>Hemerocallis flava</i> L.		Liliaceae	Lemon daylily	۳۴۴، ۳۱۶، ۱۸۱، ۱۶۴
<i>Hemionitis</i> L.		Hemionitidaceae		۳۴۵، ۳۱۷
<i>Heracleum spondylium</i> L.		Umbeliferae	Hogweed cow parsnip	۳۴۱، ۳۱۵، ۲۵۹، ۱۷۲
<i>Hermodactylus tuberosis</i> Salisb.		Iridaceae	Snake's-head iris	۲۷۰
<i>Herniaria tourneforti</i>		Caryophyllaceae		۲۳
<i>Hetrocarpus santalinus</i> L.		Pandalidae		
<i>Hibiscus esculentus</i> L.	**	Malvaceae	Okra-gubo	۸۴، ۷۴
<i>Hibiscus mutabilis</i> L.	**	Malvaceae	Cotton-rose-changeable rose	۷۴
<i>Hibiscus rosa-sinensis</i> L.	**	Malvaceae	Chinese hibiscus	۱۰۱
<i>Hibiscus tortuosus</i> Roub.		Malvaceae		۷۴
<i>Hippomane manchinella</i> L.		Euphorbiaceae	manchineel	۱۹۴
<i>Hippomarathrum libanotis</i>		Umbeliferae		۳۴۱، ۳۱۵، ۱۵۳

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Koch.				
Hippophae rhamnoides L.	*	Elaeagnaceae	Common sea buckthorn	۳۵۶، ۳۹
Hippuris vulgaris	*	Hippuridaceae	Mare's-tail	۳۴۷
Holcus dochna Forscal		Gramineae		۱۴۳
Holcus sorghum L.		Gramineae	Sudan grass	۱۵۰، ۱۰۰
Holosteum sp.		Caryophyllaceae	Mouse-ear	۳۴۸
Holosteum umbellatum L.	*	Caryophyllaceae	Jagged chickweed	۳۴۸، ۳۱۸، ۱۰۱
Hordeum morinum L.	*	Gramineae	Mouse barley	۳۵۰
Hordeum sp.		Gramineae	Barley	۳۲۹، ۱۸۷
Hordeum vulgare L.		Gramineae	Berley	۱۸۸، ۱۸۷
Horminum pyrenaicum L.		Labiatae		۴۵
Hyacinthus comosus		Liliaceae		۳۳۴
Hyacinthus orientalis	**	Liliaceae	Common hyacinth	۳۵۱، ۳۱۹
Hyoscyamus albus L.		Solanaceae		۳۵۱، ۸۸
Hyoscyamus aureus L.		Solanaceae		۳۵۱
Hyoscyamus niger L.	*	Solanaceae	Black henbane sticking-roger	۳۵۱، ۱۹۱، ۸۸
Hyoscyamus reticulatus L.	*	Solanaceae		۸۸
Hyoscyamus Sp.		Solanaceae		۳۵۱، ۳۱۹
Hypecoum procumbens L.	**	Papaveraceae		۵۶
Hypericum barbatum L.		Hypericaceae		۳۴۷، ۳۱۸، ۲۹۸
Hypericum ciliatum L.		Hypericaceae		۳۴۷، ۲۹۸، ۶۸
Hypericum coris L.		Hypericaceae		۳۴۷، ۲۹۸
Hypericum hircinum L.	*	Hypericaceae		۳۵۰، ۲۸۲، ۲۰۱، ۱۸۶
Hypericum perforatum L.	*	Hypericaceae	John's wort	۳۴۷، ۳۰۱، ۱۴۱
Hypericum procumbens L.		Hypericaceae		۳۵۱
Hypericum quadrangulum L.		Hypericaceae	Square-stalked s.t-john's-wort.	۵۶
Hypericum sp.		Hypericaceae	St. -john's-wort	۳۰۱، ۱۴۱
Hyphaene thebaica (L.) Mart. = <i>Corypha thebaica</i> L. = <i>Hyphaene guineense</i>		Arecaceae	Egyptian doum palm	۳۲۵، ۲۸۴
Hyssopus officinalis L.	*	Labiatae	Hyssop	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۶۵
Ilex aquifolium L.	*	Aquifoliaceae	English holly	۶۲
<i>Illecebrum paronychia</i> L. = <i>Paronychia verticillata</i> Lam.		Illecebraceae	coral necklace	۳۵۰
Illicium anisatum L.		Illiciaceae	anise tree	۷۲
Illicium verum Hooker fil		Illiciaceae	star anise	۷۲
Impatiens balsamina L.	*	Balsaminaceae		۲۱۱
Indigofera sp.		Papilionaceae	Indigo	۲۹۲
Indigofera tinctoria L.	**	Papilionaceae	True lavender	۲۹۲، ۲۱۱
Inula britannica L.	*	Compositae	British inula	۳۴۴
Inula candida Cass.		Compositae		۳۵۴
Inula conyzoides DC.		Compositae	Cinnamonroot inula	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۰۰، ۷۷
Inula conyzoides L.		Compositae		۱۸۳

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Inula helenium</i> L.		Compositae	Elecampane inula	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۵۴، ۱۵۳
<i>Inula saxatilis</i> Lam.		Compositae		۳۴۴
<i>Inula viscosa</i> Ait.		Compositae		۳۰۱، ۲۰۰
<i>Ipomea hederacea</i> Jack.		Convolvulaceae		۲۹۲، ۱۱۳
<i>Ipomea turpethum</i> R.Br.		Convolvulaceae		۹۳
<i>Iris ensata</i> Thund.	**	Iridaceae		۷۰
<i>Iris florentina</i> L.		Iridaceae	Florentine iris	۳۲۴، ۳۰۹، ۱۸۱، ۷۰
<i>Iris foeditissima</i> L.	*	Iridaceae		۳۴۸
<i>Iris germanica</i> L.	*	Iridaceae	German iris	۱۶۴، ۷۰
<i>Iris nobilis</i> Pall.		Iridaceae		۷۹
<i>Iris pseudacorus</i> L.	*	Iridaceae	Yellow flag iris	۳۲۴، ۲۹۳
<i>Iris</i> sp.		Iridaceae	Iris	۱۸۱، ۶۷
<i>Isatis lusitanica</i> Brot.	*	Cruciferae		۳۳
<i>Isatis</i> sp.		Cruciferae	Woad	۲۱۱
<i>Isatis titictoria</i> L.	*	Cruciferae	Dyer's woad	۳۳۵، ۳۱۳، ۲۹۲، ۲۵۱، ۲۱۱، ۱۱۳
<i>Jasminum gradiflorum</i> L.	**	Oleaceae	Catalonian jasmine- spanish jasmine	۲۹۹
<i>Jasminum officinale</i> L.	**	Oleaceae	Common jasmine	۲۹۹
<i>Jasminum sambac</i> (L.) Ait.	**	Oleaceae	Arabian jasmine	۲۹۹، ۲۲۷
<i>Jasminum</i> sp.		Oleaceae	Jasmine	۲۹۹
<i>Jatropha curcas</i> L.		Euphorbiaceae	Barbados nut ; physic nut	۱۰۸
<i>Jatropha gossipifolia</i> L.		Euphorbiaceae		۲۲۷
<i>Juglans regia</i> L.	*	Juglandaceae	Persian walnut; Royal walnut tree	۳۲۹، ۱۰۷
<i>Juncus acutus</i> L.	*	Juncaceae		۳۵۰، ۱۷۵، ۵۰
<i>Juncus arabicus</i> Post.		Juncaceae		۳۵۰، ۲۲۰، ۱۷۵، ۵۰
<i>Juncus maritimus</i> Lam.	*	Juncaceae	Sea rush	۱۷۵
<i>Juncus soinosus</i> For.		Juncaceae		۱۷۵
<i>Juncus</i> sp.		Juncaceae	Rush	۱۷۵، ۵۰
<i>Juniperus communis</i> L.	*	Cupressaceae	Common juniper	۳۲۵، ۲۰۸، ۳۹
<i>Juniperus oxycedrus</i> L.	*	Cupressaceae	Prickly juniper; Red berried juniper	۲۳۴، ۲۰۸
<i>Juniperus sabina</i> L.		Cupressaceae	Sarin juniper	۳۲۵، ۳۹
<i>Juniperus</i> sp.		Cupressaceae	Juniper	۲۰۸
<i>Juniperus vulgaris</i>		Cupressaceae		۲۰۸
<i>Kandelia rheedii</i> W. & A.		Rhizophoraceae	Mangrove	۱۷۳
<i>Laburnum vulgare</i> Bercht. & Prsl.		Papilionaceae		۳۵۴
<i>Lactuca sativa</i> L.	**	Compositae	Garden lettuce	۳۳۲، ۱۳۴، ۱۳۳
<i>Lactuca scariola</i> L. = <i>Lactuca serriola</i> L.	*	Compositae	Prickly lettuce	۳۳۲
<i>Lactuca</i> sp.		Compositae	Lettuce	۱۳۳
<i>Lagenaria vulgaris</i> Ser.	**	Cucurbitaceae	Calabash gourd; Bottle gourd	۱۴۲
<i>Lagoecia cuminoides</i> L.		Umbelliferae		۳۴۰، ۲۶۲
<i>Lallemantia iberica</i> F.&M..	*	Labiatae		۷۳

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Lallemantia royleana</i> Benth.	*	Labiatae		۷۳
<i>Lamium album</i> L.	*	Labiatae	White durra	۲۱۹، ۱۱۵
<i>Lamium maculatum</i> L.	*	Labiatae	Spotted dead nettle	۳۴۳، ۲۷۴، ۱۳۳
<i>Lamium purpureum</i> L.	*	Labiatae	Purple dead nettle	۳۵۳
<i>Lamium striatum</i> Sibth.	**	Labiatae		۳۴۳
<i>Lapathum aquaticum</i> Scop.		Polygonaceae		۱۲۳
<i>Lappa major</i> Gaertn. = <i>L. officinalis</i> All. = <i>Arctium lappa</i> L.		Compositae	Great burdock	۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵۰
<i>Laserpitium siler</i> L.		Umbelliferae		۱۶۵، ۱۱۷
<i>Lathyrus aphaca</i> Tourn. & L.	*	Papilionaceae	Yellow vethling; Tare	۳۳۳
<i>Lathyrus sativus</i> L.	*	Papilionaceae	Grass pea vin	۱۰۴، ۱۳۷
<i>Lathyrus</i> sp.		Papilionaceae	Pea vine	۱۳۷، ۱۰۴
<i>Laurus camphora</i> L.		Lauraceae		۲۴۸، ۱۱۰
<i>Laurus nobilis</i> L.	**	Lauraceae	Grecian laurel; True bay	۳۲۵، ۲۱۸، ۱۵۹، ۱۴۹، ۱۴۸
<i>Lavandula dentata</i> L.		Labiatae	Fringed Lavender, French Lavender	۴۷
<i>Lavandula</i> sp.		Labiatae	Lavender	۱۳۳
<i>Lavandula spica</i> Cav.		Labiatae		۱۳۳
<i>Lavandula stoechas</i> L.	**	Labiatae	French Lavendar	۳۳۷، ۳۱۳، ۴۷
<i>Lavandula vera</i> DC.	*	Labiatae	True lavender	۱۳۳
<i>Lawsonia alba</i> Lam.		Lythraceae		۳۲۶، ۱۲۵
<i>Lawsonia inermis</i> L.	*	Lythraceae	Henna	۱۲۵
<i>Lawsonia</i> sp.		Lythraceae	Henna bush	۱۲۵
<i>Lecanara circummunita</i> Nyl.		Lecanoraceae	Lichen	۱۱۷
<i>Lecanora affini</i> Ev.		Lecanoraceae	Lichen	۱۰۷
<i>Lecanora esculenta</i> Ev.		Lecanoraceae	Lichen	۱۰۷
<i>Lemna minor</i> L.	*	Lemnaceae	Common duckweed	۳۵۳، ۲۰۱
<i>Lemna</i> sp.		Lemnaceae	Duckweed	۳۵۳، ۲۰۷
<i>Lens culinaris</i> Medic. = <i>Lens esculenta</i> Monch.	*	Papilionaceae	Common lentil	۲۰۷
<i>Lens esculenta</i> Monch.	*	Papilionaceae		۳۳۰، ۲۰۷
<i>Leontice chrysogonum</i> L.		Podophyllaceae		۳۴۲
<i>Leontice leontopetalum</i> L.	*	Podophyllaceae	Leon's leaf	۳۵۰، ۳۴۲، ۳۱۵، ۳۵۰
<i>Leontodon</i> sp.		Compositae	Hawkbit	۳۰۱
<i>Leontodon taraxacum</i> L.		Compositae		۲۰۰
<i>Leontopodium de Dioscoride</i>		Compositae		۳۵۷، ۶۷
<i>Lepidium campestre</i> L.	*	Cruciferae		۱۱۶، ۱۱۵، ۱۰۲
<i>Lepidium campestre</i> R.Br.		Cruciferae	Field pepper weed	۳۳۳، ۱۳۱
<i>Lepidium draba</i> L. = <i>Cardaria draba</i> (L.)Des.		Cruciferae	Pepper weed white top	۳۳۳، ۳۱۲، ۲۵۵، ۱۱۶
<i>Lepidium iberis</i> L.		Cruciferae		۱۹۴
<i>Lepidium latifolium</i> L.	*	Cruciferae	Eropean papperwort	۳۳۴، ۱۹۴
<i>Lepidium sativum</i> L.	*	Cruciferae	Garden-cress; Peppergrass	۳۳۴، ۳۳۳، ۳۱۲، ۱۹۴، ۱۱۵

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Lepidium</i> sp.		Cruciferae	Pepperweed; Peppergrass	۲۸۱، ۱۹۳
<i>Leptochloa bipinnata</i> (L.) Hochst.		Gramineae		۱۲۲، ۱۲۲
<i>Leucojum</i> sp.	*	Amaryllidaceae	Snowflake	۲۰۶
<i>Levisticum officinale</i> Koch.	*	Umbelliferae	Garden lovage	۳۴۰، ۳۱۴، ۲۵۴، ۲۴۸، ۱۱۷
Lichen				۵۲
<i>Ligusticum levisticum</i> L. = <i>Levisticum officinale</i>		Umbelliferae	Lovage	۲۴۸، ۶۵
<i>Lilium candidum</i> L.		Liliaceae	Madonna lily	۳۴۳، ۱۸۱
<i>Lilium chalcidonicum</i> L.		Liliaceae	Chalcedonian lily	۳۴۴
<i>Lilium</i> sp.		Liliaceae	Lily	۱۸۱، ۱۶۴
<i>Linaria elatine</i> Mill.		Scrophulariaceae	Sharp pointed fluellin	۳۴۹، ۳۱۹، ۲۶۷
<i>Linaria spuria</i> Mill.		Scrophulariaceae		۳۴۹
<i>Linaria vulgaris</i> Mill.	*	Scrophulariaceae	Butter and eggs	۲۷۷
<i>Linum</i> sp.		Linaceae	Flax	۲۵۱
<i>Linum usitatissimum</i> L.	*	Linaceae	Fiber flax ; Common flax	۳۲۹، ۲۵۱
<i>Liquidambar orientalis</i> L.	*	Hamameliaceae	Sweet gum	۲۸۹
<i>Liquidambar orientalis</i> Mill.		Hamameliaceae		۵۳
<i>Liquidambar</i> sp.		Hamameliaceae		۲۶۷
<i>Liserpitium siler</i> L.		Umbelliferae		۳۴۰
<i>Lithospermum purpurea-coeruleum</i> Defs. & DC.	*	Boraginaceae	Creeping gromwell	۳۳۵
<i>Lithospermum fruticosum</i> L.		Boraginaceae		۳۸
<i>Lithospermum officinale</i> L.		Boraginaceae	Common gromweel	۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۶، ۲۵۹، ۲۴۳، ۴۸ ۳۴۸
<i>Lithospermum tinctorium</i> L.		Boraginaceae		۱۹۰
<i>Lodoicea sechellarum</i> Lab.		Arecaceae	Coco maledivicus ; Nux media	۲۸۷
<i>Lolium perenne</i> L.	*	Gramineae	Perennial rye grass	۹۱
<i>Lolium</i> sp.		Gramineae	Rye grass	۱۶۴
<i>Lolium temulentum</i> L.	*	Gramineae	Darnel rye grass	۳۲۹، ۱۹۴، ۱۶۴
<i>Lonicera caprifolium</i> L.	**	Caprifoliaceae	Sweet honeysuckle	۳۳۴، ۱۹۵، ۷۵
<i>Lonicera periclymenon</i> L.		Caprifoliaceae		۳۴۸، ۳۱۸، ۲۴۴، ۱۸۵
<i>Lonicera</i> sp.		Caprifoliaceae	Honeysucle	۱۹۵
<i>Lophotenaria aurea</i> L.		Gramineae		۱۸۲
<i>Loranthus europeus</i> Jack.		Loranthaceae		۲۱۶
<i>Loranthus europaeus</i> L.	*	Loranthaceae	Continental mistletoe	۱۶۷، ۱۴۳، ۸۸
<i>Loranthus globiferus</i> A.Rich.		Loranthaceae		۱۳۱
<i>Loranthus</i> sp.		Loranthaceae	Loranth	۲۱۶
<i>Lotus ornithopodioides</i> L.		Papilionaceae		۲۱۶
<i>Lotus</i> sp.		Papilionaceae	Deervetch; Bird's- foot trefoil	۳۵۴، ۳۲۰، ۲۷۲
<i>Luffa aegyptiaca</i> Mill.		Cucurbitaceae		۲۷۳
<i>Luffa cylindrica</i> M.Roe.	**	Cucurbitaceae	Suakwa-vegetable	۲۷۳



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			spone	
Luffa sp.		Cucurbitaceae	Towel ground ; Dishcloth gourmd	۲۷۳
Lupinus albus L.		Papilionaceae	White lupine	۹۳
Lupinus angustifolius L..		Papilionaceae	Blue lupine	۳۳۰، ۹۳
Lupinus pilosus Murr.		Papilionaceae		۳۳۰
Lupinus sp.		Papilionaceae	Lupine	۹۳
Lupinus termis Forsk.		Papilionaceae		۳۳۰، ۳۱۱، ۹۳
Lychnis chalcidonica L.		Caryophyllaceae	Maltese cross campion	۲۶۸
Lychnis coronaria Desf.		Caryophyllaceae	Rose campion	۳۴۳، ۳۱۶، ۲۶۸
Lychnis githago L.		Caryophyllaceae		۱۶۹
Lychnis sp.		Caryophyllaceae		۲۶۸
Lycium afrum L.		Solanaceae		۳۲۶، ۲۳۱، ۲۱۷، ۱۲۰، ۶۱
Lycium europaeum L. = Lycium edgeworthii Dun.		Solanaceae		۲۱۷
Lycium sp.		Solanaceae	Wolfberry; desert thorn	۲۱۷، ۱۲۰
Lycoperdon sp. (Fungi)			Puffbal	۲۲۷
Lysimachia vulgaris L.		Primulaceae	Golden loosestrife	۳۴۷، ۳۱۸، ۲۷۲، ۱۷۱
Lythrum salicaria L.	*	Lythraceae	Purple lythrum	۳۴۷
Maerua crassifolia Forsk.		Capparidaceae	Sunduhi, Hasu (Ou)	۳۳
Majorana hortensis Moench.		Labiatae	Sweet marjoram	۲۷۸
Majorana sp.		Labiatae	Marjoram	۲۷۸
Malabaila pumila Rois.		Umbelliferae		۱۸۸
Malabaila secacul Russ.	*	Umbelliferae		۱۸۸
Mallotus philippinensis Mull.		Euphorbiaceae	Red kamala	۲۹۰، ۲۴۴
Mallotus sp.		Euphorbiaceae		۲۴۴
Malus orientalis Ugli.	*	Rosaceae		۹۴
Malva alcea L.		Malvaceae	Hollyhock mallow	۳۴۶
Malva parviflora L.	*	Malvaceae		۱۲۹
Malva rotundifolia Diss.	*	Malvaceae		۳۳۰، ۲۸۴، ۱۲۹، ۸۰
Malva sp.		Malvaceae		۱۲۹
Malva sylvestris L.	*	Malvaceae	High mallow; Wild mallow	۳۳۰، ۲۸۴، ۱۲۹
Mandragora officinarum L.		Solanaceae		۳۵۲، ۳۲۰، ۳۰۰، ۲۷۰، ۱۶۲
Mandragora sp.		Solanaceae	Mandrake	۲۷۰
Mandrgora officinarum L.	**	Solanaceae		۱۴۹
Mangifera indica L.	**	Anacardiaceae	Common marchantia	۲۱۴، ۶۳
Marrubium pseudodictamnus L.		Labiatae		۳۳۸
Marrubium sp.		Labiatae	Hoarhound	۲۳۰، ۲۲۴
Marrubium vulgare L.	*	Labiatae	Common horehound	۳۴۳، ۲۲۴
Marsednia erecta L.	*	Asclepiadaceae	Marsdenia	۴۲
Matricaria aurea Sch.	*	Compositae		۵۸
Matricaria chamomilla L.		Compositae	German comomile	۲۳۰، ۱۸۷، ۵۸

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Matricaria parthenium</i> L.		Compositae	Feverfew	۵۸
<i>Matthiola incana</i> R.Br.		Cruciferae	Common stock	۳۴۵، ۱۶۹، ۷۹
<i>Matthiola livida</i> DC.		Cruciferae		۲۸۵، ۱۳۸
<i>Medicago arborea</i> Mill.		Papilionaceae	Tree medic; Tree alfalfa	۲۴۰
<i>Medicago ciliaris</i> Hook.	**	Papilionaceae		۲۹۱
<i>Medicago hispida</i> Gaertn.		Papilionaceae	Califonia bur clover	۲۹۱
<i>Medicago intertexta</i> L.	*	Papilionaceae	Horns and hedgehog	۲۹۱
<i>Medicago littoralis</i> Rhod.		Papilionaceae		۲۹۱
<i>Medicago sativa</i> L.	*	Papilionaceae	Alfalfa	۳۳۲، ۳۱۲، ۲۹۱، ۱۵۶
<i>Medicago</i> sp.		Papilionaceae	Medic	۲۴۱
<i>Melastoma</i> sp.		Melastomaceae	Melastoma family	۱۶۷
<i>Melia azadarach</i> L.	*	Meliaceae	Margosa	۳۵
<i>Melilotus officinalis</i> Lam.	*	Papilionaceae	Yellow sweet clover	۳۳۹، ۳۱۴، ۵۹، ۳۹
<i>Melilotus parviflora</i>		Papilionaceae		۲۳۶
<i>Melilotus</i> sp.		Papilionaceae	Sweet clover melilot	۱۲۶
<i>Melissa calamintha</i> L. = <i>Calamintha officinalis</i> Moench		Labiatae	Calamint savory	۱۲۶
<i>Melissa clinopodium</i> Benth.		Labiatae		۳۴۲
<i>Melissa officinalis</i> L.	*	Labiatae	Common balm	۳۴۳، ۳۱۶، ۲۲۵، ۷۱
<i>Memecylon edule</i> Rox.		Melastomataceae	Iron wood tree	۲۹۵
<i>Memecylon tinctoria</i> Wil.		Melastomataceae		۲۹۵
<i>Memecylon tinctorium</i> L.		Melastomataceae		۵۳
<i>Menispermum cocculus</i> L.		Menispermaceae		۲۷۷
<i>Mentha aquatica</i> L.	*	Labiatae	Water mint	۳۳۸، ۲۹۱، ۲۸۲، ۲۲۹، ۱۹۸
<i>Mentha arvensis</i> L.	*	Labiatae	Field mint	۳۴۲
<i>Mentha officinalis</i> Hull.		Labiatae		۲۲۹
<i>Mentha piperita</i> Smith.	*	Labiatae	Peppermint	۳۳۸، ۲۹۱، ۲۲۹
<i>Mentha pulegium</i> L.	*	Labiatae	Pennyroyal	۳۳۸، ۲۲۹، ۲۲۱، ۱۹۶، ۱۰۵، ۸۳
<i>Mentha pulegium</i> var. <i>erecta</i>		Labiatae		۳۳۸
<i>Mentha sativa</i> L.		Labiatae		۳۳۸، ۲۹۱
<i>Mentha</i> sp.		Labiatae	Mint	۲۹۱
<i>Mentha sylvestris</i> L.		Labiatae		۳۳۸، ۲۲۹، ۲۰۵
<i>Mercurialis annua</i> L.	*	Euphorbiaceae	Herb mercury	۳۵۷، ۳۴۴، ۱۲۱
<i>Mercurialis</i> sp.		Euphorbiaceae		۱۲۱
<i>Merendera persica</i> Boiss. = <i>Colchicum robustum</i> (Bge) Stefan	*	Colchicaceae		۱۸۰
<i>Mespilus pycnoloba</i> C.Koch.		Rosaceae		۲۱۹
<i>Mesua ferrea</i> L.		Guttiferae	Iron wood	۲۸۸
<i>Meum athamanticum</i> Jack		Umbelliferae		۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۵،
<i>Mezereum officinal</i> C.A.Mey.		Thymelaeaceae		۲۷۵
<i>Micromeria juliana</i> Benth.		Labiatae		۳۳۹
<i>Micropus erectus</i> L.		Compositae		۳۵۵
<i>Milium indicum</i>		Gramineae		۱۰۰



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Millium nigricans</i> Ruis.		Gramineae		۲۰۴
<i>Mimosa arabica</i> Lam.		Mimosaceae		۲۳۷
<i>Mimosa nilotica</i> L.		Mimosaceae		۲۳۷، ۲۳۷، ۱۹۱
<i>Mimosa oerfota</i> Fork.		Mimosaceae		۲۰۸
<i>Mimusops schimperi</i> Hochst. = <i>Mimusops laurifolia</i> (Forssk.) I.Friis		Sapotaceae		۳۲۹، ۲۶۶، ۷۶
<i>Mogorium sambac</i> Lam. = <i>Jasminum</i> L.		Oleacea		۲۲۷
<i>Momordica elaterium</i> L. = <i>Ecballium elaterium</i> (L.) A. Reich		Cucurbitaceae	squirting cucumber, pepino de Sao Gregorio, pepino do Diabo, elaterio	۳۵۵، ۲۳۴
<i>Morchella esculenta</i> Pers. (Mushrooms)		Morchellaceae	Pancita, morilla, mazorquita, , elotito mazorca, elote, hueccasy colmena.	۲۲۱
<i>Moringa aptera</i> Gaertn.		Moringaceae		۱۱۱
<i>Moringa arabica</i> Pers.		Moringaceae		۱۱۵
<i>Moringa pterygosperma</i> Gaertn.		Moringaceae		۱۱۱
<i>Morus acedosa</i> Cr.		Moraceae		۹۶
<i>Morus alba</i> L.	*	Moraceae	White mustard	۳۲۹، ۳۱۱، ۹۶، ۹۵
<i>Morus indica</i> L.		Moraceae		۹۶
<i>Morus nigra</i> L.	*	Moraceae	Black mixed	۳۲۹، ۹۶، ۹۵
<i>Morus</i> sp.		Moraceae	Mulberry	۹۵
<i>Moschosma</i> sp. (Moss)		Labiatae		۱۹۸
<i>Musa paradisiaca</i> L.	*	Musaceae		۲۸۵، ۲۰۳
<i>Musa sepientum</i> L.	*	Musaceae	Banana tree	۲۸۵، ۲۰۳
<i>Musa</i> sp.		Musaceae	Banana	۲۸۵
<i>Muscari comosum</i> Mill.	*	Liliaceae	Feathered grape hyacinth	۳۳۴، ۸۶
<i>Muscari</i> sp.		Liliaceae	Grape hyacinth	۸۶
<i>Muscus arboreus</i>		(Moss)		۵۲
<i>Muscus</i> sp. (Mushroom )		(Moss)		۵۲
<i>Myosotis alpestris</i> Schm.		Boraginaceae	Alpine forget-me- not	۳۴
<i>Myosotis arvensis</i> L.		Boraginaceae	Field forget-me-not	۳۴
<i>Myosotis palustris</i> Lam.	*	Boraginaceae	True forget-me-not	۳۳۵، ۳۱۳، ۲۱۸، ۳۴
<i>Myosotis</i> sp.		Boraginaceae	Forget-me-not	۳۴
<i>Myosotis stricta</i> Roem & Schut.	*	Boraginaceae		۳۴
<i>Myrica sapida</i> Wall . = <i>Myrica</i> <i>nagi</i> Thunb		Myricaceae	Box myrtle	۱۴۱
<i>Myriophyllum</i> sp.		Haloragaceae	Water milfoil parrot feather	۲۸۰
<i>Myriophyllum spicatum</i> L.	*	Haloragaceae	Spiked milfoil	۳۵۶، ۳۲۰، ۱۱۷
<i>Myristica aromatica</i> Lam.		Myristcaceae		۱۰۷

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Myristica fragrans</i> Houtt.		Myristaceae	Common nutmeg	۳۲۶، ۲۰۰، ۱۴۲، ۱۰۷، ۷۸
<i>Myrobalanus bellerica</i> Gaertn.		Combretaceae		۷۹
<i>Myrobalanus chebulae</i> <i>Gaertn.</i> = <i>Terminalia chebula</i>		Combretaceae		۷۹
<i>Myrobalanus citrinae</i> Gaertn.		Combretaceae		۷۹
<i>Myrobalanus nigrae</i>		Combretaceae		۷۹
<i>Myrrhis odorata</i> Scop. = <i>Scandix odorata</i>		Umbelliferae	Sweet cicely	۳۵۴، ۳۴۰، ۳۲۶
<i>Myrtus communis</i> L.	*	Myrtaceae	Turemyrtle	۳۲۸، ۳۶
<i>Myrtus</i> sp.		Myrtaceae	Mangel	۳۶
<i>Narcissus jonquilla</i> L.		Amarillidaceae	Jonquil	۲۹۰
<i>Narcissus poeticus</i> L.		Amarillidaceae		۳۵۶، ۲۹۰، ۲۰۶
<i>Narcissus</i> sp.		Amarillidaceae	Poet's narcissus	۲۹۰
<i>Narcissus tazetta</i> L.	*	Amarillidaceae		۲۹۰، ۲۰۶
<i>Nardostachys jatamansi</i> DC.	*	Valerianaceae		۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۸، ۱۷۸، ۱۷۷
<i>Nardostachys sampharitke</i> ?		Valerianaceae		۲۳۸
<i>Nardus indica</i> L.		Gramineae		۱۷۸
<i>Narthecium ossifragum</i> Huds.		Liliaceae		۲۵۵
<i>Narthecium</i> sp.		Liliaceae	Bog asphodel	۲۵۵
<i>Nasturtium officinale</i> R.Br.		Cruiferae		۲۸۴، ۲۳۵، ۲۲۴، ۱۱۵
<i>Nasturtium officinalis</i> L.	*	Cruiferae	Water cress	۳۳۱، ۱۱۶
<i>Nauclea</i> sp.		Rubiaceae		۲۳۰
<i>Nelmbium nuciferum</i> Gaer.	*	Nymphaceae	Hindu lotus	۷۸
<i>Nelmbium speciosum</i> L. = <i>Nelmbium nuciferum</i> Gaertn.	**	Nymphaceae	Chinese water lily	۷۸
<i>Nelumbium speciosum</i> Willd.		Nymphaceae		۳۳۰
<i>Nemastopora corylii</i> (Fungi)				۲۴۰
<i>Nepeta micrantha</i> Bu.		Labiatae		۱۶۵
<i>Nepeta mispahanica</i> Bo.		Labiatae		۱۶۵
<i>Nerium oleander</i> L.	*	Apocynaceae		۳۵۲، ۳۲۰، ۲۹۴، ۱۴۵
<i>Nerium</i> sp.		Apocynaceae	Common oleander	۱۴۵
<i>Neurada procumbens</i> L.	*	Rosaceae	Garden fennelflower; Black cumin	۱۷۲
<i>Nigella sativa</i> L.	*	Ranunculaceae	Nutmeg flower	۱۹۲، ۹۴، ۳۴
<i>Nigella</i> sp.		Ranunculaceae	Fennelflower	۱۹۲
<i>Nuphar alba</i> L.	*	Nymphaceae		۲۹۳
<i>Nuphar luteum</i> L.	*	Nymphaceae	European cow lily	۳۴۵، ۲۹۳
<i>Nymphaea alba</i> L.	*	Nymphaceae	White water lily	۳۴۵، ۳۱۷، ۲۹۳، ۸۰
<i>Nymphaea coerulea</i> L.		Nymphaceae	Yellow mexican water lily	۲۹۳
<i>Nymphaea flava</i> Leitner		Nymphaceae		۲۹۳
<i>Nymphaea indica</i> ?		Nymphaceae		۲۹۳، ۷۸
<i>Nymphaea lotus</i> L.		Nymphaceae	White Egyptian lotus	۳۵۴، ۲۹۳، ۲۸۶، ۲۷۲، ۸۰
<i>Nymphaea lutea</i> L.	*	Nymphaceae		۲۹۳

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Nymphaea nelumbo</i> L.		Nymphaeaceae	European cow lily	۳۳۰، ۷۳
<i>Nymphaea</i> sp.		Nymphaeaceae	Water lily	۲۹۳
<i>Nymphaea stellata</i> Willd.		Nymphaeaceae		۳۵۴
<i>Ochna</i> sp.		Ochnaceae	Ochna	۱۱۷
<i>Ocimum album</i> L.		Labiatae		۷۱
<i>Ocimum basilicum</i> L.	*	Labiatae	Sweet basil; hoary basil	۳۱۱، ۲۲۵، ۱۸۴، ۱۶۰، ۱۲۲، ۷۱ ۳۳۲
<i>Ocimum filamentosum</i> Forsk.		Labiatae		۱۶۰، ۱۰۵
<i>Ocimum gratissimum</i> L.		Labiatae		۱۶۰، ۱۰۵
<i>Ocimum minimum</i> L.		Labiatae		۱۹۸، ۱۸۴
<i>Ocimum pilosum</i> Willd.		Labiatae		۳۳۹، ۲۲۵، ۱۸۴، ۱۲۲
<i>Oenothera biennis</i> L.		Onagraceae	evening primrose, fever plant, night willow-herb, scabish, scurvish, tree primrose	۳۵۴
<i>Olea europaea</i> L.	*	Oleaceae	Common olive	۱۶۶
<i>Olea oleaster</i> L.		Oleaceae		۳۲۷، ۲۰۶، ۱۶۶
<i>Onobrychis viciaefolia</i> Scop. = <i>Onobrychis altissima</i> Grossh.		Papilionaceae	Common sainfoin	۳۳۴، ۳۱۸
<i>Ononis antiquorum</i> L. = <i>Ononis spinosa</i> subsp. <i>Antiquorum</i>		Papilionaceae	Balomaga	۳۳۷، ۳۱۳
<i>Ononis antiquorum</i> L.		Papilionaceae		۳۳۷، ۱۹۸، ۱۸۴
<i>Onopordon acanthium</i> L.	*	Compositae	Cotton thistle	۳۳۶، ۲۰۴، ۱۸۹، ۷۱، ۵۸
<i>Onopordon arabicum</i> L.		Compositae		۳۳۷، ۱۸۹
<i>Onopordon illiricum</i> L.		Compositae		۳۳۷
<i>Onosma echinoides</i> L.	**	Boraginaceae		۳۴۵، ۳۱۷، ۶۸، ۴۳
<i>Onosma</i> sp.		Boraginaceae	Old- field toadflax	۳۴۵، ۱۹۰، ۱۲۵، ۳۸
<i>Onosma tinctoria</i> Bieb.		Boraginaceae		۲۵۲
<i>Ophioxylon serpentium</i> L.		Orchidaceae		۲۱۶
<i>Ophrys apifera</i> Huds.	*	Orchidaceae	Bee orchid	۳۴۵
<i>Ophrys</i> sp.		Orchidaceae		۳۴۵
<i>Opopanax chironium</i> Koch.		Umbelliferae		۳۳۹، ۱۰۰
<i>Opopanax hispidus</i> Griseb.		Umbelliferae		۳۳۹
<i>Opuntia hircina</i> ?		Cactaceae		۹۰
<i>Opuntia</i> sp.		Cactaceae	Prickly pear	۱۹۵
<i>Orchis anthropophora</i> L.		Orchidaceae		۳۴۵، ۱۳۵
<i>Orchis hircina</i> Griseb.		Orchidaceae		۱۳۶، ۱۳۵، ۹۰
<i>Orchis morio</i> L.		Orchidaceae		۳۴۴، ۳۱۶، ۹۰، ۸۹
<i>Orchis rubra</i> Jacq.		Orchidaceae		۳۴۴
<i>Orchis</i> sp.		Orchidaceae	Orchid; Orchis	۱۳۵، ۹۰، ۸۹
<i>Orchis undulatifolia</i> L.		Orchidaceae		۳۴۵، ۳۱۶
<i>Origanum aegyptiacum</i> L.		Labiatae		۱۶۵
<i>Origanum amaracus</i> Gled.		Labiatae		۲۷۹، ۲۷۸
<i>Origanum creticum</i> L.		Labiatae		۲۸۱
<i>Origanum dictamnus</i> L.		Labiatae		۳۳۸، ۳۱۴، ۲۸۱، ۲۳۰

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Origanum hirtum</i> L.		Labiatae		۲۸۱
<i>Origanum lirium</i>		Labiatae		۳۳۷
<i>Origanum majorana</i> L.		Labiatae	Sweet majoran	۳۳۹، ۲۷۸
<i>Origanum maru</i> L.		Labiatae		۲۷۹، ۲۲۱
<i>Origanum marum</i> L.		Labiatae		۳۳۹
<i>Origanum onitis</i> L.		Labiatae		۳۳۸
<i>Origanum sipyleum</i> L.		Labiatae		۳۳۷
<i>Origanum</i> sp.		Labiatae	Origanum	۳۳۸، ۳۱۳، ۱۹۶، ۱۹۵
<i>Origanum vulgare</i> L.	*	Labiatae	Common origanum; Wild marjoram	۳۳۸، ۲۳۰، ۱۹۶
<i>Origanum vulgare</i> var. <i>megastachyum</i>		Labiatae		۳۳۸
<i>Ornithogalum</i> sp.		Liliaceae	Star-of-bethlehem	۱۹۴، ۵۱
<i>Ornithogalum stachyoides</i> Host.		Liliaceae		۳۳۴، ۱۳۸
<i>Ornithogalum umbellatum</i> L.	*	Liliaceae	Common star-of-bethlehem	۳۳۲، ۵۱
<i>Orobanche aegyptiaca</i> Pers.	*	Orobanchaceae		۷۸
<i>Orobanche caryophyllacea</i> SM. = <i>Orobanch vulgaris</i> Poir.	*	Orobanchaceae	Clove-scented broomrape	۳۳۲، ۳۱۱، ۲۰۱
<i>Orobanche</i> sp.		Orobanchaceae	Broomrape	۷۸، ۴۷
<i>Orseille tinctoria</i> = <i>Rocella tinctoria</i> DC. (Lichen)			Dyer's Weed ; Orchella Weed ; Lichen Rocella	۱۶۸
<i>Oryza sativa</i> L.	*	Graminae	Rice	۳۲۹، ۳۱۱، ۴۴
<i>Osmunda cinnamomea</i> L.		Osmundaceae		۱۶۹
<i>Osmunda regalis</i> L.		Osmundaceae	Royal fern	۱۶۹
<i>Osyris alba</i> L.		Santalaceae		۳۵۵
<i>Oxalis acetosella</i> L.	*	Oxalidaceae	Wood-sorrel; oxalis	۸۳
<i>Oxalis corniculata</i> L.	*	Oxalidaceae	Creeping oxalis	۱۲۵
<i>Oxalis</i> sp.		Oxalidaceae	Oxalis ; Wood sorrel	۱۲۳
<i>Paeonia corallina</i> L.		Paeoniaceae	Coral peony	۳۴۶، ۲۲۳
<i>Paeonia corallina</i> Ret.		Paeoniaceae		۲۹۵
<i>Paeonia officinalis</i> L.		Paeoniaceae	Common peony	۲۹۵
<i>Paeonia officinalis</i> Retz.		Paeoniaceae		۳۴۶، ۲۲۳
<i>Paeonia wittmanniana</i> Hart.	*	Paeoniaceae		۲۹۵
<i>Paliurus aculeatus</i> Lam.		Rhamnaceae		۳۲۶، ۳۰۹، ۱۶۸
<i>Paliurus</i> sp.		Rhamnaceae	Paliurus	۱۸۵
<i>Pancratium maritimum</i> L.		Amaryllidaceae	sea daffodil	۲۴۳، ۲۲۶
<i>Pandanus</i> sp.		Pandanaceae	Screw pine pandnus	۲۴۸، ۴۵
<i>Panicum dactylon</i> L.		Geramineae		۹۹
<i>Panicum italicum</i> L.		Geramineae		۱۴۳
<i>Panicum milliaceum</i> L.	*	Geramineae	Proso-broomcorn; millet	۳۲۹، ۱۴۳، ۱۰۰
<i>Pannkratium maritimum</i> L.		Amaryllidaceae		۳۳۴، ۳۱۲

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Papaver argemone</i> L.	*	Papaveraceae	Fall daffodil	۴۴
<i>Papaver rhoeas</i> L.	*	Papaveraceae	Corn poppy ; Field poppy	۳۵۱، ۲۸۸، ۱۹۰، ۱۳۴
<i>Papaver somniferum</i> L.	*	Papaveraceae	Opium poppy	۳۵۱، ۱۵۸، ۱۳۵، ۱۳۴
<i>Papaver</i> sp.		Papaveraceae	Poppy	۱۳۴
<i>Papyrus antiquorum</i> Willd. = <b>Cyperus Papyrus</b>		Cyperaceae	Papyrus	۳۲۶، ۷۵
<i>Papyrus domesticus</i> Poir.		Cyperaceae		۷۶
<i>Parietaria cretica</i> L.		Urticaceae		۳۵۳، ۱۱۹، ۳۴
<i>Parietaria diffusa</i> L.		Urticaceae		۱۱۹
<i>Parietaria officinalis</i> L.		Urticaceae	Wall pellitory	۳۴
<i>Parietaria</i> sp.		Urticaceae	Pellitory	۳۵۳
<i>Paris incompleta</i> Bieb.		Trilliaceae	Jorusalem thorn; hore-bean	۲۱۵
<i>Parkinsonia aculeata</i> L.	*	Aesalpinaceae		۷۵
<i>Parkinsonia</i> sp.		Aesalpinaceae		۷۵
<i>Parnassia palustris</i> L.		Saxifragaceae	Wide-world parnassia	۳۴۹
<i>Paronichia</i> sp.		Caryophyllaceae	Nailwort; Whitwort	۱۱۸
<i>Paronychia serpyllifolia</i> DC.		Caryophyllaceae		۳۵۰، ۳۱۹، ۲۳۱
<i>Passeina hirsuta</i> L.		Umbelliferae		۳۴۷
<i>Pastinaca graeca</i> ?		Umbelliferae		۳۴۱
<i>Pastinaca sativa</i> L.		Umbelliferae	Garden parsnip	۳۳۰، ۱۸۱، ۱۵۹، ۱۵۶، ۱۰۳
<i>Pastinaca schekakul</i> Russ.		Umbelliferae		۱۸۸
<i>Pastinaca secacul</i> Russ. = <b>Malabaila secacul</b> (Miller) Boiss. <b>Susp. Secacul</b>		Umbelliferae		۱۰۳
<i>Pedicularis tuberosa</i> Vill.		Scrophulariaceae		۳۴۴
<i>Peganum harmala</i> L.	*	Zygophyllaceae	Harmel peganum African rue	۳۳۹، ۳۱۴، ۱۱۶
<i>Penaea mucronata</i> L.		Penaeaceae		۶۶
<i>Penaea</i> sp.		Penaeaceae		۳۴۲
<i>Pennisetum</i> sp.		Gramineae	Pennisetum	۹۷
<i>Peperomia</i> sp.		Piperaceae	Peperomia	۲۲۱
<i>Pergularia tomentosa</i> L.	*	Asclepiadaceae		۲۲۱
<i>Periploca</i> sp.		Periplocaceae	Silk vine	۸۶
<i>Persica vulgaris</i> Mill.	*	Rosaceae	Peach	۱۳۹
<i>Petroselinum oreoselinum</i> L. = <i>Peucedanum oreoslinum</i> (L.) Moe.		Umbelliferae		۲۵۴
<i>Petroselinum sativum</i> Hoffm.	*	Umbelliferae	Common garden parsly	۲۵۴
<i>Peucedanum ammoniacum</i> ?		Umbelliferae		۳۰۰
<i>Peucedanum cervaria</i> L.		Umbelliferae	Much-good	۳۴۱
<i>Peucedanum officinale</i> L.	*	Umbelliferae	Common hog's- fenel	۳۴۱، ۳۱۵، ۷۴
<i>Peucedanum oreoseinum</i> Moench.		Umbelliferae	Mountain parsley	۳۱۵، ۳۶۳، ۳۴۱،

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Peucedanum sativum</i> Benth.		Umbelliferae		۱۸۱
<i>Phalangium ramosum</i> Lam.		Phalangida		۳۴۳، ۳۱۶، ۲۲۳
<i>Phalaris canariensis</i> Nutt.	**	Gramineae	Canary grass	۳۴۶
<i>Phalaris tuberosa</i> L.		Gramineae		۳۴۶، ۳۱۷، ۲۲۳
<i>Phaseolus communis</i> Paritz.		Papilionaceae		۲۷۱
<i>Phaseolus max</i> L.		Papilionaceae		۲۷۶
<i>Phaseolus mrabatus</i> L.		Papilionaceae		۲۷۶
<i>Phaseolus mungo</i> L.		Papilionaceae	Mungo bean; Black gram	۲۷۵
<i>Phaseolus radiatus</i> L.	**	Papilionaceae		۲۷۵
<i>Phaseolus vulgaris</i> L.	*	Papilionaceae	Kidney bean	۲۷۱
<i>Phelypaea coccinea</i> Poir. = <i>Anoplon coccineum</i> (M.B.) H.Riedl		Orobanchaceae		۲۷۱
<i>Phelypaea egyptiaca</i> Walp.		Orobanchaceae		۲۰۱
<i>Philadelphus</i> sp.		Saxifragaceae	Mock orange	۱۷۱
<i>Phillyrea latifolia</i> L.		Oleaceae	Tree phillyrea	۳۲۷، ۳۱۰، ۲۰۶، ۱۶۶، ۱۱۲
<i>Phoenix dactylifera</i> L.	*	Palmaceae	Date; Plum persimmon	۳۲۸، ۳۱۰، ۹۵
<i>Phragmites communis</i> Trin		Gramineae	Common reed	۳۲۶، ۲۴۰
<i>Phyllanthus emblica</i> L. = <i>Emblia officinalis</i>		Euphorbiaceae	Emblic leaf flower	۶۳
<i>Phyllitis scolopendrium</i> L.	*	Aspleniaceae	Hart's-tongue;	۳۴۳، ۳۱۶، ۱۶۹
<i>Physalis alkekengi</i> L.	*	Solanaceae	Strawberry; Alkekengi	۳۵۲، ۲۴۹، ۲۱۵
<i>Physalis somnifera</i> L.		Solanaceae		۳۵۲
<i>Picea excelsa</i> Link.		Pinaceae	Norway spruce	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۹۷، ۴۴
<i>Picnomon acarna</i> (L.) Cass.	*	Compositae	Yellow plume thiste	۷۲
<i>Picnomon acarna</i> Coss.		Compositae		۳۳۶، ۷۳
<i>Pimpinella anisum</i> L.		Umbelliferae	Anise	۳۴۰، ۳۱۴، ۹۴، ۶۷
<i>Pimpinella dioica</i> L.		Umbelliferae		۳۵۴
<i>Pimpinella dissecta</i> Polli. = <i>Pimpinellarhodantha</i> Boiss.	*	Umbelliferae		۳۵۴
<i>Pimpinella trgium</i> Vill.		Umbelliferae		۲۰۲
<i>Pinites stroboides</i> (Conw.) Sch.		Cecidomyiinae		۲۶۴
<i>Pinites succinifer</i> Goppert & Bernedt		Cecidomyiinae	Amber	۲۶۴
<i>Pinus cembra</i> L.		Pinaceae	Swiss stone pine	۱۹۷
<i>Pinus eldarica</i> Medew.		Pinaceae		۱۹۷
<i>Pinus halepensis</i> Mill.	*	Pinaceae	Aleppo pine	۳۵۶، ۱۹۷، ۴۴
<i>Pinus maritima</i> Lam.		Pinaceae		۱۹۷
<i>Pinus nigra</i> L.	**	Pinaceae	Austrian pine	۱۹۷
<i>Pinus orientalis</i> Link.		Pinaceae		۱۹۷
<i>Pinus pinea</i> L.	*	Pinaceae	Italian stone pine	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۹۷
<i>Pinus</i> sp.		Pinaceae	Pine	۱۹۷
<i>Pinus sylvestris</i> L.		Pinaceae	Scotch pine	۱۹۷



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Piper aromaticum</i> Lam.		Piperaceae		۳۳۳، ۳۱۲، ۲۲۸، ۱۴۲، ۴۶
<i>Piper betle</i> L.		Piperaceae	Betel pepper	۲۳۰، ۱۸۴، ۹۳
<i>Piper cubeba</i> L.		Piperaceae		۲۴۹، ۵۶
<i>Piper longum</i> L.		Piperaceae		۲۲۸، ۱۴۲
<i>Piper nigrum</i> L.	**	Piperaceae	Black pepper	۳۳۳، ۲۲۹، ۱۴۲، ۴۶
<i>Piper</i> sp.		Piperaceae	Pepper	۲۲۸
<i>Pistacia chia</i> DC.		Anacardiaceae		۲۸۲
<i>Pistacia khinjuk</i> Stoc.	*	Anacardiaceae		۱۱۱، ۸۱
<i>Pistacia lentiscus</i> L.		Anacardiaceae	Lentisk pistache; Mastic tree	۳۲۹، ۳۲۵، ۲۸۲، ۱۹۸
<i>Pistacia terebinthus</i> L.		Anacardiaceae	Terebinth pistache	۳۲۵، ۱۹۸، ۱۱۱، ۸۱
<i>Pistacia vera</i> L.	*	Anacardiaceae	Common pistache	۳۲۹، ۳۱۱، ۲۲۵
<i>Pistia stratiotes</i> L.		Anacardiaceae		۳۵۳، ۳۲۰، ۱۷۱، ۳۸
<i>Pisum sativum</i> L.	*	Papilionaceae	Garden pea	۱۳۷، ۱۰۴، ۷۹
<i>Plantago coronopus</i> L.	*	Plantaginaceae	Crowfoot; Buckhorn plantain	۳۳۱، ۳۱۱
<i>Plantago major</i> L.	*	Plantaginaceae	Ripple-seed plantain-great plantain	۲۶۹
<i>Plantago psyllium</i> L.	*	Plantaginaceae	Flaxseed plantain; Psyllium seed	۳۵۱، ۳۱۹، ۷۸
<i>Platanus orientalis</i> L.	*	Platanaceae	Oriental plant tree	۳۲۶، ۳۰۹، ۱۴۶
<i>Platanus</i> sp.		Platanaceae	Plant tree sycamore	۲۱۷، ۱۴۶
<i>Plumbago europaea</i> L.		Plumbaginaceae		۲۴۵، ۲۰۳
<i>Plumbago rosea</i> L.		Plumbaginaceae		۱۹۴
<i>Plumbago zeylanica</i> L.		Plumbaginaceae		۱۹۳
<i>Poa cynosuroides</i> Retz.		Gramineae		۱۲۲
<i>Poa multiflora</i> Forsk.		Gramineae		۱۲۲
<i>Podospermum jacquinianum</i> Koch . = <i>Scorzonera cana</i> (C.A. Meyer) O. Hoffm		Compositae		۲۶۸
<i>Polemonium coeruleum</i> L.		Polemoniaceae	Greek-valerian polemonium	۳۴۸، ۳۱۸
<i>Polemonium</i> Sp.		Polemoniaceae	Polemonium; Greek valerian; Jacob's ladder	۹۰
<i>Polygonatum officinale</i> L.		Asparaginaceae	Drug solomon's- seal	۳۴۸، ۳۱۸، ۲۱۱
<i>Polygonum amphibium</i> L.	*	Polygonaceae		۲۲۰
<i>Polygonum aviculare</i> L.		Polygonaceae		۲۰۳، ۳۴۷، ۳۱۸، ۲۱۱، ۲۲۰
<i>Polygonum bistorta</i> L.	*	Polygonaceae	European bistort	۶۴
<i>Polygonum equisetiforme</i> Sibth. = <i>Polygonum equisetiformis</i> Sibth.	*	Polygonaceae		۲۱۱
<i>Polygonum hydropiper</i> L.	*	Polygonaceae	Marsh-pepper smartweed	۳۳۴، ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۲۸، ۱۶۴
<i>Polygonum</i> sp.		Polygonaceae	Knotweed	۲۱۱
<i>Polygonum tinctorium</i> Hort.		Polygonaceae		۱۸۵
<i>Polygonum viviparum</i> L.		Polygonaceae	Viviparous bistort	۶۵

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Polypodium vulgare</i> L.	*	Polypodiaceae	Common polypody; Wall fern	۳۵۷، ۳۲۱، ۸۰
<i>Polyporus officinalis</i> Fr. (Fungi)			Purging agaric	۳۳۵، ۲۶۰، ۲۱۸
<i>Poppia fabiana</i> Koch. = <i>Luffa cylindrica</i> (L.) Roem.		Cucurbitaceae		۲۷۳
<i>Populus alba</i> L.	*	Salicaceae	White poplar	۳۲۶، ۱۲۷
<i>Populus euphratica</i> L.	*	Salicaceae	Willows	۲۲۰
<i>Populus nigra</i> L.	*	Salicaceae	Black poplar	۳۲۶، ۲۶۴، ۱۰۸
<i>Populus</i> sp.		Salicaceae	Poplar	۱۲۷
<i>Portulaca oleracea</i> L.	*	Portulacaceae	Common purslane	۳۳۱، ۸۳
<i>Portulaca sativa</i> Ha.		Portulacaceae		۸۳
<i>Potamogeton natans</i> L.		Potamogetonaceae		۳۵۳، ۳۲۰، ۹۹
<i>Potentilla reptans</i> L.	*	Rosaceae	Creeping cinquefoil	۳۴۹، ۸۹
<i>Poterium sanguisorba</i> L. = <i>Sanguisorba minor</i> Scop.	*	Rosaceae	Small burnet	۳۴۹، ۲۵۷، ۱۷۸
<i>Poterium</i> sp.		Rosaceae	Burnet	۳۴۱
<i>Poterium spinosum</i> L.		Rosaceae		۳۴۸
<i>Prangos ferulacea</i> L.	*	Umbelliferae		۳۴۱
<i>Prangos pabularia</i> L.	*	Umbelliferae	Hay plant	۲۵۴، ۷۲
<i>Premna latifolia</i> Roxb.		Verbenaceae		۷۳
<i>Prenanthes purpurea</i> L.		Compositae		۳۴۱
<i>Protea</i> sp.		Proteaceae	Purple rattlesnake root	۲۲۶
<i>Prunus amygdalus communis</i> L.		Rosaceae	Protea	۲۷۲
<i>Prunus amygdalus</i> Stokes. = <i>Amygdalus communis</i> L.	*	Rosaceae		۳۲۹، ۳۱۱، ۲۷۲
<i>Prunus amygdalus</i> var. <i>amara</i> Focke		Rosaceae		۳۲۹، ۳۱۱، ۲۷۲
<i>Prunus armeniaca</i> L.		Rosaceae	Common apricot	۳۲۸، ۳۱۰، ۲۸۲
<i>Prunus avium</i> L. = <i>Cerasus avium</i> (L.) Monch	*	Rosaceae	Mazzard cherry	۲۳۵
<i>Prunus cerasia</i> Br.		Rosaceae	Sour chery	۳۲۸، ۳۱۰
<i>Prunus cerasifera</i> Ehrh.		Rosaceae	Myrobalan plum	۲۳۵
<i>Prunus divaricata</i> Led.	*	Rosaceae	Wild myrobalan plum	۲۹۱، ۴۱
<i>Prunus domestica</i> L.	*	Rosaceae	Gardan plum	۳۲۸، ۲۶۱، ۲۱۷، ۱۴۰، ۷۶، ۴۲، ۴۱
<i>Prunus mahaleb</i> L. = <i>Cerasus mahaleb</i> (L.) Mill.	*	Rosaceae	Mahaleb cherry; St. lucy cherry	۱۱۲
<i>Prunus persica</i> Sieb. = <i>Persica vulgaris</i> Mill.	*	Rosaceae	Peach	۳۲۸، ۳۱۰
<i>Prunus spinosa</i> L.	*	Rosaceae	Sole-blackthorn	۴۱
<i>Psidium guajava</i> L.	**	Myrtaceae	Common guava	۲۲
<i>Psoralea bituminosa</i> L.		Papilionaceae		۳۴۳، ۲۰۳
<i>Psylla</i> sp.		Psyllidae	psylla	۱۲۴
<i>Pteris aquilina</i> L.		Pteridaceae	Western bracken	۳۵۷
<i>Pteris radiofa</i> Mett.		Pteridaceae		۲۸۶
<i>Pterocarpus santalinus</i> L.		Papilionaceae	Sandlwood padauk; Lal - Chandan	۱۹۶



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Ptychotis verticellata</i> Duby		Umbelliferae		۳۶
<i>Pulicaria crispa</i> Cass. = <i>Francoeuria undulate</i> (L.) Loc.	*	Compositae		۱۰۲
<i>Pulicaria odora</i> Reichb.		Compositae		۱۸۳
<i>Pulmonaria officinalis</i> L.		Boraginaceae	Common lungwort	۲۶۸
<i>Punica granatum</i> L.		Punicaceae	Pomegranate	۳۲۸، ۲۸۹، ۲۸۳، ۱۰۴
<i>Pyrethrum parthenium</i> Sm. = <i>Tanacetum parthenium</i> (L.) Sch.	*	Compositae	Feverfew; Feverfew chrysanthemum	۳۴۶، ۱۸۶
<i>Pyrus amygdaliformis</i> L.		Rosaceae	Almond pear	۳۲۸
<i>Pyrus communis</i> L.	*	Rosaceae	Common pear	۳۲۸، ۲۶۱، ۵۷، ۴۱
<i>Pyrus communis</i> var. <i>akhras</i>		Rosaceae		۳۲۸، ۳۱۱
<i>Pyrus cydonia</i> L.		Rosaceae	Cydonia oblonga	۱۷۲
<i>Pyrus germanica</i> Hook.		Rosaceae		۱۶۲
<i>Pyrus germanica</i> L.		Rosaceae		۳۲۸، ۱۶۲
<i>Pyrus malus</i> L. = <i>Malus</i> <i>orientalis</i> Ugl.	*	Rosaceae	Appel	۳۲۸، ۳۱۰، ۹۴
<i>Pyrus sorbus</i> Gaertn.		Rosaceae		۳۲۸، ۲۲۰، ۶
<i>Quercus aegilops</i> L.		Fagaceae	Valonia oak	۳۲۷
<i>Quercus aesculus</i> Boiss.	*	Fagaceae		۳۲۷
<i>Quercus coccifera</i> L.		Fagaceae	Kermes oak	۳۵۰، ۳۲۷، ۸۶
<i>Quercus ilex</i> L.		Fagaceae	Holly oak	۳۵۲، ۲۱۲، ۸۶
<i>Quercus infectipria</i> Olivier	*	Fagaceae	Aleppo oak	۲۱۲
<i>Quercus lusitanica</i> Lam.		Fagaceae		۳۲۷، ۲۱۲
<i>Quercus lustanica</i> var. <i>tauricola</i>		Fagaceae		۲۱۲
<i>Quercus persica</i> Jaub. & Sp. = <i>Quercus brantii</i> Lindl.	*	Fagaceae	Oak ; Manna tree	۸۶
<i>Quercus robur</i> L.	*	Fagaceae		۸۶
<i>Quercus</i> sp.		Fagaceae	Oak	۲۱۲، ۱۷۹
<i>Randia dumetorum</i> L.		Rubiaceae	Malabar randia	۱۰۹
<i>Randia</i> sp.		Rubiaceae		۱۵۴
<i>Ranunculus acris</i> L.		Ranunculaceae	Tall buttercup	۳۳۴
<i>Ranunculus aquatilis</i> L.		Ranunculaceae	Water crowfoot	۳۳۵، ۲۵۰
<i>Ranunculus arvensis</i> L.		Ranunculaceae	Corn buttercup	۲۵۹
<i>Ranunculus asiaticus</i> L.		Ranunculaceae	Persian buttercup	۳۳۴، ۲۹۴، ۲۶۶، ۲۵۰، ۱۸۹
<i>Ranunculus ficaria</i> L.		Ranunculaceae	Figroot buttercup	۳۳۵
<i>Ranunculus lanuginosus</i> L.		Ranunculaceae	Buttercup ficaria	۳۳۵، ۲۵۰
<i>Ranunculus muricatus</i> L.	*	Ranunculaceae		۳۳۵
<i>Ranunculus muricolus</i> L.		Ranunculaceae		۲۵۰
<i>Ranunculus repens</i> L.		Ranunculaceae		۳۴۱
<i>Ranunculus</i> sp.		Ranunculaceae	Buttercup; Crowfoot	۱۲۷
<i>Raphanus niger</i> Mill.		Cruciferae		۲۲۴
<i>Raphanus raphanistrum</i> L.	*	Cruciferae	Wild radish	۳۳۰، ۲۲۴
<i>Raphanus sativus</i> L.	**	Cruciferae	Garden radish	۳۳۰، ۳۱۱، ۲۲۴
<i>Raphanus</i> sp.		Cruciferae	Radish	۲۲۴
<i>Reseda alba</i> L.	*	Resedaceae	White mignonette	۱۰۱

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Reseda canescens</i> L.		Resedaceae		۳۵۵
<i>Reseda luteola</i> L.	*	Resedaceae	Weld mignonette	۲۹۵
Resin				۱۵۲
<i>Retama</i> sp.		Papilionaceae	Retama	۱۵۵
<i>Rhamnus alaternus</i> L.	**	Rhamnaceae	Common alaternus	۳۷
<i>Rhamnus cathartica</i>	*	Rhamnaceae	Common buckthorn	۲۱۷
<i>Rhamnus infectoria</i> L.		Rhamnaceae	Persian berry buckthorn	۳۲۷، ۲۳۱، ۲۱۷، ۱۲۰، ۶۱
<i>Rhamnus tinctoria</i> Waldst.		Rhamnaceae		۱۹۶
<i>Rhamnus zizyphus</i> L.		Rhamnaceae		۲۱۴
<i>Rheum officinale</i> Baill.		Polygonaceae	Medicinal rhubarb	۱۵۴
<i>Rheum palmatum</i> L.		Polygonaceae	Sorrel rhubarb	۱۵۴
<i>Rheum raphaniticum</i> L. (Rhubarbes)		Polygonaceae	Garden rhubarb	۱۵۴
<i>Rheum ribes</i> L.	*	Polygonaceae	Cuvrant-fruited ; Rhubarb	۱۵۹
<i>Rheum</i> sp.		Polygonaceae	Rhubarb	۱۵۹
<i>Rhubarbes officinale</i> Baillon.		Polygonaceae		۱۵۴
<i>Rhubarbes ribes</i> ?		Polygonaceae		۱۵۴
<i>Rhus coriaria</i> L.	*	Anacardiaceae	Sicilian sumac	۳۲۷، ۳۱۰، ۱۷۵
<i>Rhus cotinus</i> L.	*	Anacardiaceae	Common smok tree; Aaron's	۱۷۵
<i>Rhus glabra</i> L.		Anacardiaceae	Smooth sumac	۱۷۵
<i>Rhus</i> sp.		Anacardiaceae	Sumac	۱۷۵
<i>Rhus vermicifera</i> DC.		Anacardiaceae	Japanese lacquer tree	۱۷۸
<i>Ricinus communis</i> L.	*	Euphorbiaceae	Castor bean	۳۵۶، ۲۰۳، ۱۳۳
<i>Rocella tinctoria</i> DC. (Lichen)		Rocellaceae	Litmus roccella	۱۱۷
<i>Romeria dodecandra</i> Stapf. = <i>Romeria hybrida</i> (L.) DC.	*	Papaveraceae	Violt horned poppy	۱۶۱
<i>Rosa alba</i> L.		Rosaceae	Cottage rose	۲۹۴
<i>Rosa anserinaefolia</i> Boiss. = <i>Rosa beggeriana</i> Schrnk	*	Rosaceae	Begger rose	۱۴۶
<i>Rosa canina</i> L.	*	Rosaceae	Dog-rose	۳۲۶، ۲۹۴، ۲۹۰
<i>Rosa centifolia</i> L.	**	Rosaceae	Cabbage rose	۲۹۴، ۱۴۶
<i>Rosa cinensis</i> Jac.		Rosaceae		۲۹۴
<i>Rosa damascena</i> Mill.	*	Rosaceae	Domask rose	۲۹۴، ۱۴۶
<i>Rosa gallica</i> L.	**	Rosaceae	French rose	۲۹۴، ۱۴۶
<i>Rosa indica</i> L.		Rosaceae	Chines rose	۲۹۴
<i>Rosa lutea</i> Bort. = <i>Rosa foetida</i> Herrm	*	Rosaceae	Austrian briar rose	۳۲۷
<i>Rosa maialis</i> Desf.		Rosaceae		۲۸۹
<i>Rosa moschata</i> Herrm.	*	Rosaceae	Musk rose	۲۹۰
<i>Rosa sempervirens</i> L.		Rosaceae	Evergreen rose	۳۲۶
<i>Rosa</i> sp.		Rosaceae	Rose	۳۲۷، ۳۱۰، ۲۹۴
<i>Rosmarinus officinalis</i> L.	**	Labiatae	Rosemary	۶۰
<i>Rottlera tinctoria</i> Roxb. =		Euphorbiaceae	Common madder;	۲۹۵، ۲۴۴

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Croton philippensis</i> Lam. <i>Mallotus reticulatus</i> Dunn = <i>Mallotus philippensis</i> (Lam.) Muell. Arg.			kemala tree	
<i>Rubia cordiifolia</i> L.		Rubiaceae		۲۳.
<i>Rubia tinctorium</i> L.	*	Rubiaceae		۳۴۶، ۲۳.
<i>Rubus fruticosus</i> L.		Rosaceae	European blackberry	۲۷۹، ۲۱۳
<i>Rubus idaeus</i> L.		Rosaceae	Red raspberry	۳۴۹، ۲۱۳
<i>Rubus sanctus</i> Schreb.		Rosaceae	European raspberry	۲۱۳
<i>Rubus</i> sp.		Rosaceae	Raspberry blackberry	۲۱۷، ۲۱۳
<i>Rubus ulmifolius</i> Schott. = <i>Rubus anatolicus</i> (Focke) Fock & Wauss.	*	Rosaceae	Elm-leaved blackberry	۳۴۹
<i>Rumex acutus</i> L.		Polygonaceae		۳۳۰، ۲۷۰، ۱۲۲
<i>Rumex aquaticus</i> L.		Polygonaceae		۳۳.
<i>Rumex brettanica</i> L.		Polygonaceae		۳۴۷، ۳۱۸، ۷۶
<i>Rumex conglomeratus</i> L.	*	Polygonaceae	Clustered	۱۲۳
<i>Rumex elbursensis</i> Boiss.	*	Polygonaceae		۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۳
<i>Rumex hydrolapathum</i> L.		Polygonaceae	Water dock	۳۳۰، ۱۷۴، ۱۲۲
<i>Rumex lacerus</i> Balb.		Polygonaceae		۱۲۴
<i>Rumex obtusifolius</i> L.	*	Polygonaceae	Bitter dock	۱۲۴، ۱۲۳
<i>Rumex patientia</i> L.	*	Polygonaceae	Potenc dock	۳۳۰، ۱۲۳، ۱۲۲
<i>Rumex scutatus</i> L.	*	Polygonaceae	French sorrel	۱۲۲
<i>Rumex vesicarius</i> L.	*	Polygonaceae	Bladder dock; Bladder sorrel	۱۲۴
<i>Ruscus aculeatus</i> L.		Liliaceae	Butcher's-broom	۳۵۵، ۳۶
<i>Ruscus hypoglossum</i>		Liliaceae		۳۵۵
<i>Ruscus hypophyllum</i>		Liliaceae		۳۵۷، ۳۵۵
<i>Ruscus racemosus</i> L.		Liliaceae		۳۵۷
<i>Ruta graveolens</i> L.		Rutaceae	Common rue-herb of grace	۳۳۹، ۱۶۸
<i>Ruta hortensis</i> Mill.		Rutaceae		۱۶۸
<i>Ruta montana</i> L.		Rutaceae		۳۳۹، ۳۱۴، ۱۶۸، ۱۵۰
<i>Ruta</i> sp.		Rutaceae	Rue	۱۶۸
<i>Ruta tuberculata</i> Fisch. = <i>Haplophyllum versicolor</i> Fisch & C.A. Mey.	*	Rutaceae		۱۶۸
<i>Saccharum officinarum</i> L.	**	Gramineae	Sugar cane	۲۴۱، ۱۷۳
<i>Saelanthus quadragonum</i> Forsk.		Vitidaceae		۱۷۴
<i>Salicornia fruticosa</i> L.	*	Chenopodiaceae		۵۲
<i>Salicornia herbacea</i> L. = <i>Salicornia europaea</i> L.	*	Chenopodiaceae	Marsh samphire	۲۴۴، ۵۲
<i>Salicornia</i> sp.		Chenopodiaceae	Glasswort	۵۲
<i>Salix acmophylla</i> Boiss.		Salicaceae		۱۳۷
<i>Salix aegyptiaca</i> Forsk.	*	Salicaceae	Egyptian willow	۱۳۷، ۱۱۰
<i>Salix alba</i> L.	*	Salicaceae	White willow	۱۳۷
<i>Salix australior</i> Forbes = <i>Salix excelsa</i> S.G.G.M.	*	Salicaceae		۱۳۷

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Salix babylonica</i> L.	*	Salicaceae	Babylon weeping willow	۳۲۷، ۲۲۰، ۱۳۷
<i>Salix balchia</i>		Salicaceae		۱۳۷
<i>Salix caprea</i> L.		Salicaceae	Good willow	۱۳۷
<i>Salix fragilis</i> L.		Salicaceae	Brittle willow	۱۳۷
<i>Salix rosmarinifolia</i> L.		Salicaceae		۱۳۷
<i>Salix safsaf</i> Forsk		Salicaceae		۱۳۷
<i>Salix</i> sp.		Salicaceae	Willow-osier	۲۲۰، ۳۲۷
<i>Salsola kali</i> L.	*	Chenopodiaceae	Common russian thistle	۵۲
<i>Salsola soda</i> L.	*	Chenopodiaceae	Soda plant; bakilla-plant	۵۲
<i>Salsola tragus</i> L. = <i>Salsola kali</i> Subsp. <i>Tragus</i>	*	Chenopodiaceae		۵۲
<i>Salvadora indica</i> Royle		Salvadoraceae	Niepa bark tree	۴۳
<i>Salvadora persica</i> Gaer.	*	Salvadoraceae	Kikuel oil plant; Mustard- seed	۲۵۰، ۴۳
<i>Salvia aethiopsis</i> L.		Labiatae	Ethiopian sage-woolly clay	۳۵۴
<i>Salvia cyanescens</i> Boiss.		Labiatae		۳۳۸
<i>Salvia horminum</i> L. = <i>Salvia viridis</i> L.	*	Labiatae		۳۴۵، ۳۱۷، ۴۵
<i>Salvia officinalis</i> L.	**	Labiatae	Garden sage	۳۳۸، ۲۶۸، ۱۵۶، ۶۰، ۴۸
<i>Sambucus ebulus</i>	*	Caprifoliaceae	Mediterranean herb elder; danwort	۳۵۶
<i>Sambucus nigra</i> L.	*	Caprifoliaceae	European elder	۳۵۷، ۱۳۸
<i>Sanguisorba officinalis</i>	*	Rosaceae	Garden carrot	۳۴۹
<i>Sanguisorba</i> sp.		Rosaceae	Bloodroot	۳۴۹
<i>Santalum album</i> L.		Santalaceae		۱۹۶
<i>Santalum</i> sp.		Santalaceae	Sandalwood	۱۹۶
<i>Santolina maritima</i> Smith.		Compositae		۳۴۴، ۲۲۶
<i>Saponaria officinalis</i> L.	*	Caryophyllaceae	Bouncing bet	۳۳۳، ۱۷۱
<i>Sarcostemma viminalis</i> R.Br. = <i>Euphorbia viminalis</i>		Asclepiadaceae	Rapunzel Plant, Somabutta	۱۱۷
<i>Satureia hortensis</i> L.		Labiatae	Summer savory	۳۳۹، ۱۹۵
<i>Satureia thymbra</i> L.		Labiatae		۱۹۵
<i>Saussurea lappa</i> Clarke		Compositae	Saussura	۲۳۹
<i>Scandix pecten veneris</i> L.	*	Umbelliferae	Shepherd's-needle-lady's-comb; Venus's-comb	۳۳۲، ۳۱۱
<i>Schaenus</i> sp.		Cyperaceae	Bog rush	۲۱۷
<i>Schoenocaulon officinale</i> A.Gray = <i>Veratrum officinale</i> Schl. & Cham = <i>Veratrum sabadilla</i> Retz		Liliaceae	Drug sabadilla ; sabadilla	۲۶۱
<i>Scilla bifolia</i> L. = <i>Scilla autumnalis</i> L.	*	Liliaceae	Twin-leaved squill	۳۵۱
<i>Scilla maritima</i> L.		Liliaceae		۳۳۴، ۳۱۲، ۴۹
<i>Scilla pancratium</i> Nym.		Liliaceae		
<i>Scilla</i> sp.		Liliaceae	Squill	۲۱۵
<i>Scolopendrium hemionitis</i> L.		Polypodiaceae		۳۴۵

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Scolopendrium vulgare</i> Sw . = <i>Scolopendrium officinale</i> Swartz = <i>Phyllitis scolopendrium</i> (L.) Newman		Polypodiaceae	Hart's-tongue	۳۴۵، ۴۸
<i>Scolymus hispanicus</i> L . = <i>Scolymus grandiflorus</i> auct.	*	Compositae	Spanis; golden thistle	۳۳۶، ۳۱۳، ۱۱۴
<i>Scorpiurus</i> sp.		Papilionaceae	Scorpoin's-tail; Caterpillar plant	۱۵۱
<i>Scorzonera elongata</i> L.		Compositae		۳۴۰
<i>Scrophularia aquatica</i> L. = <i>Scrophularia umbebrosa</i> Dumort.	*	Scrophulariaceae	Water-betony	۱۲۷
<i>Scrophularia chrysanthemifolia</i> L.		Scrophulariaceae		۳۴۹، ۱۷۸
<i>Scrophularia lucida</i> L.		Scrophulariaceae		۳۴۹
<i>Scrophularia peregrina</i> L.		Scrophulariaceae		۳۵۳
<i>Secale cereale</i> L.	*	Gramineae	Rye; Rie	۱۹۴
<i>Secale corutum</i>		Gramineae		۱۴۷
<i>Securigera coronilla</i> DC . = <i>Securigera securidaca</i> (L.) DE. & DO.	*	Papilionaceae	Hatchet vetch	۳۴۵، ۷۰
<i>Securigera securidaca</i> (L.) DE. & DO.	*	Papilionaceae		۳۴۵، ۷۰
<i>Sedom anopetalum</i> DC.		Crassulaceae	Goldmoss; stonecrop goldmoss	۳۵۶
<i>Sedum acre</i> L.		Crassulaceae		۳۵۳، ۳۸
<i>Sedum cepaea</i> L.		Crassulaceae		۳۴۶، ۳۱۸، ۱۰۸
<i>Sedum ochroleucum</i> Vill.		Crassulaceae		۳۵۳
<i>Sedum roseum</i> Scop.		Crassulaceae	Rose-root stonecrop	۳۵۰
<i>Sedum</i> sp.		Crassulaceae	Stonecrop	۳۸
<i>Sedum stellatum</i> L.		Crassulaceae		۳۵۳
<i>Sedum telephium</i> L.		Crassulaceae	Live-forever	۲۲۳، ۳۸
<i>Sedum telephullon</i> L.		Crassulaceae		۳۵۳
<i>Selinum galbanum</i>		Umbelliferae		۳۴۲
<i>Selinum officinal</i>		Umbelliferae		۷۴
<i>Semecarpus anacardium</i> L.		Anacardiaceae	Marking Nut	۱۶، ۸۵
<i>Sempervivum arboreum</i> L.		Crassulaceae		۳۵۳، ۶۴، ۳۸
<i>Sempervivum</i> sp.		Crassulaceae	Houseleek	۳۸
<i>Sempervivum tectorum</i> L.		Crassulaceae	Hen-and-chickens; Roof houseleek	۳۸
<i>Senebiera coronopus</i> (L.) Poir. = <i>Coronopus squamatus</i> (Forssk.) Ascherson		Cruciferae	Coronopus; Greater swinecress	۱۱۶
<i>Senecio coronopifolius</i> Dcfs . = <i>Senecio glaucus</i> L.	*	Compositae		۱۰۲
<i>Senecio vulgaris</i> L. = Common groundsel	*	Compositae		۳۵۳
<i>Serapias lingua</i> L.		Orchidaceae		۳۴۶، ۲۷۱
<i>Serratula chamepeuce</i> L.		Compositae		۲۱۸
<i>Sesamum indicum</i> L.	*	Pedaliaceae	Oriental sesme	۳۲۹، ۳۱۱، ۱۷۶

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Sesamum oleiferum</i> Moench		Pedaliaceae		۱۷۶
<i>Sesamum orientale</i> L. = <i>Sesamum indicum</i> L.	*	Pedaliaceae		۱۷۶
<i>Sesbania aegyptiaca</i> Poir.		Papilionaceae	Peabush	۱۸۲
<i>Sesbania</i> sp.		Papilionaceae	Sesbania	۱۸۲
<i>Seseli ammoides</i> L.		Umbelliferae	Seseli; Meadow	۳۴۱
<i>Seseli tortuosum</i> L.		Umbelliferae		۳۴۰، ۳۱۴، ۲۴۸، ۱۸۲، ۱۶۷
<i>Setaria italicum</i> Beauv.	*	Gramineae	Foxtail barley; Squirrel; Tail grass	۳۲۹
<i>Sideritis remota</i> Urv.		Labiatae	Ironwort	۳۴۹
<i>Silene cucubalus</i> Will.		Caryophyllaceae	Bladder silene	۱۰۰
<i>Silene gallica</i> L.		Caryophyllaceae	French silene	۳۴۹
<i>Silene infelata</i> Sm.		Caryophyllaceae		۳۵۱، ۱۳۶، ۱۰۰
<i>Silene</i> sp.		Caryophyllaceae	Catchfly; Campion	۳۵۰
<i>Silybum marianum</i> Gaer.	*	Compositae	Blessed milk Thistle; St.mary thistle	۳۵۰، ۲۱۳، ۱۱۵، ۷۱
<i>Silybum syriacum</i>		Compositae		۳۳۷
<i>Sinapis alba</i> L.	*	Cruciferae	White mustard	۱۳۱، ۱۱۵
<i>Sinapis arvensis</i> L.	*	Cruciferae	Charlock	۳۳۰، ۱۳۱
<i>Sinapis nigra</i> L.		Cruciferae		۱۳۱
<i>Sinapis</i> sp.		Cruciferae	Mustard	۱۳۱
<i>Sison ammi</i> Jac. = <i>Trachyspermum copticum</i> (L.)Lin.	*	Umbelliferae		۲۸۹
<i>Sison amomum</i> L.		Umbelliferae		۳۴۰، ۳۱۴، ۲۲۰
<i>Sisymbrium alliaria</i> Scop.		Cruciferae		۹۹
<i>Sisymbrium irio</i> L.	*	Cruciferae	London pride	۱۲۹
<i>Sisymbrium nasturtium</i> Muhl.		Cruciferae		۳۳۱
<i>Sisymbrium officinale</i> L.	*	Cruciferae	Hedg mustard	۹۶
<i>Sisymbrium officinale</i> Scop.		Cruciferae		۳۳۳، ۱۲۹
<i>Sisymbrium polyceratium</i>		Cruciferae		۳۳۳، ۱۲۹
<i>Sisymbrium sophia</i> L. = <i>Descurainia sophia</i> (L.)Sct.	*	Cruciferae		۱۳۰
<i>Sisymbrium</i> sp.		Cruciferae	Sisymbrium	۹۶
<i>Sium latifolium</i> L.		Umbelliferae		۳۳۱، ۳۱۱، ۲۵۴، ۲۳۵، ۱۸۲، ۱۰۲
<i>Sium nodiflorum</i> L.		Umbelliferae		۳۳۱
<i>Sium sisarum</i> L.	*	Umbelliferae	Skirret water parsnip	۳۳۰، ۳۱۱، ۱۸۱
<i>Smilax aspera</i> L.	*	Asparaginaceae	Rough bindweed	۳۵۰، ۳۳۳، ۲۸۹، ۲۲۶
<i>Smilax glabra</i> Roxb.		Asparaginaceae		۱۰۶
<i>Smilax</i> L.		Asparaginaceae	Greenbrier	۲۲۶، ۱۰۶
<i>Smilax sarsaparilla</i> L.		Asparaginaceae		۲۰۹
<i>Smyrnum dioscoridis</i> Spreng.		Umbelliferae		۳۴۱
<i>Smyrnum olusatrum</i> L.		Umbelliferae		۳۴۱، ۳۱۵، ۲۵۴
<i>Smyrnum perfoliatum</i> L.		Umbelliferae		۳۴۱، ۲۵۴
<i>Smyrnum</i> sp.		Umbelliferae	Alexanders	۱۷۶



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Solanum indicum</i> L. = <i>Solanum indicum</i> L.	*	Solanaceae		۷۸
<i>Solanum melongena</i> L.	*	Solanaceae	Garden egg plant	۲۸۳، ۷۲
<i>Solanum nigrum</i> L.	*	Solanaceae	Black nightshade	۳۵۲، ۲۱۵، ۱۵۴
<i>Solanum sodomum</i> L.		Solanaceae		۷۰
<i>Solanum tuberosum</i> L.	*	Solanaceae	Potato	۳۵۲
<i>Sonchus arvensis</i> L.		Compositae	Field sow thistle	۳۳۱
<i>Sonchus ciliatus</i> L.		Compositae		۸۴، ۵۰
<i>Sonchus oleraceus</i> L.	*	Compositae	Common sow thistle	۳۳۱، ۳۱۱، ۲۹۶، ۸۴، ۵۰
<i>Sophora mollis</i> Gr.	*	Papilionaceae	Himalayan laburnum	۴۴
<i>Sophora</i> sp.		Papilionaceae	Pagoda tree	۱۹۶
<i>Sorbus aucuparia</i> L. = <i>Sorbus boissieri</i> Sch.	*	Rosaceae		۲۲۰
<i>Sorbus boissieri</i> Schn.	*	Rosaceae		۲۲۰
<i>Sorbus domestica</i> L.		Rosaceae	Serviceberry; Juneberry	۳۲۸، ۲۲۰
<i>Sorbus Pyrus</i> Crantz		Rosaceae		۲۲۰
<i>Sorbus</i> sp.		Rosaceae	Mounthain ash	۲۲۰
<i>Sorbus torminalis</i> (L.) Crantz	*	Rosaceae	Checker-tree mountain ash	۲۸۶
<i>Sorghum vulgare</i> L.	**	Gramineae	Sorghum; Broom corn	۱۵۰، ۱۴۳
<i>Sparganium ramosum</i> Huds.		Sparganiaceae		۳۴۸، ۳۱۹، ۱۸۱
<i>Spartium junceum</i> L.		Papilionaceae	Weaver's-broom; Spanish broom	۳۵۰، ۷۵
<i>Spartium spinosum</i> L.		Papilionaceae		۱۴۱
<i>Spermophthora gossypii</i> (Fungi)		Metschnikowiaceae		۲۴۰
<i>Spinacia oleracea</i> L.	**	Chenopodiaceae	Spinach; Prickly-seeded spinach	۴۸
<i>Spiraea filipendula</i> L.		Rosaceae		۳۴۴
<i>Sqtaria italica</i> Beauv		Graminae	Millet, foxtail; Italian millet	۱۴۳
<i>Stachys betonica</i> Benth.		Labiatae		۳۴۷، ۲۳۹
<i>Stachys germanica</i> L.		Labiatae	Mouse-earbetony	۳۴۳، ۳۱۶، ۲۹۵، ۱۷۱
<i>Stachys hirta</i> L.		Labiatae		۱۷۱
<i>Stachys lavandulaefolia</i> Vahl.		Labiatae		۲۷۸
<i>Stachys palaestina</i> L.		Labiatae		۳۴۳
<i>Stachys recta</i> L.		Labiatae		۳۴۹، ۱۸۰
<i>Stachys</i> sp.		Labiatae	Betony-woundwort	۲۹۵، ۱۷۱
<i>Statice limonium</i> L. = <i>Limonium vulgare</i> Miller		Plumboginaceae		۳۴۸، ۳۱۹، ۹۱
<i>Sterculia acuminata</i> Beauv.		Sterculiaceae		۱۰۸
<i>Stipa</i> sp.		Gramineae	Needlegrass; Feather grass	۱۲۲
<i>Stratiotes aloides</i> L.		Hydrocharitaceae	Water-soldier	۳۵۳، ۱۷۱
<i>Streptosolen</i> sp.		Solanaceae		۲۰۷
<i>Strychnos nux-vomica</i> L.		Loganiaceae	Poison Nut; Semen	۱۲۸، ۱۰۸، ۴۴۲

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			strychnos	
<i>Styrax officinale</i> L.		Styracaceae	Drug snowbell	۳۲۵، ۳۰۹، ۲۸۹، ۲۶۸، ۲۶۷، ۵۳
<i>Swertia chirata</i> Ham.		Gentianaceae		۲۴۱
<i>Symphytum bulbosum</i> Schimp.		Boraginaceae		۳۴۸، ۱۷۶
<i>Symphytum officinale</i> L.		Boraginaceae	Common comfrey; Woundwort	۱۷۶، ۴۳
<i>Symphytum petraeum</i> ?		Boraginaceae		۳۴۸، ۳۱۸، ۱۷۶
<i>Symphytum</i> sp.		Boraginaceae	Comfrey	۳۴۸، ۱۷۶
<i>Syringa</i> sp.		Oleaceae	Lilac	۲۹۲
<i>Syzygium aromaticus</i> (L.) Merr. = <i>Eugenia caryophyllata</i> Thunb = <i>E. aromatica</i> Kuntze. = <i>Caryophyllus aromaticus</i> Linn.		Myrtaceae	Clove tree	۲۳۸
<i>Tagetes erecta</i> L. = <i>Tagetes mayor</i>		Compositae	Aztec marigold	۲۴۳، ۲۰۱
<i>Tamarindus indica</i> L.		Caesalpiniaceae	Tamarind	۱۲۴، ۹۵
<i>Tamarix articulata</i> Vahl. = <i>Tamarix aphylla</i> (L.) Kay.	**	Tamaricaceae		۳۲۶، ۲۰۲، ۵۷، ۴۰
<i>Tamarix gallica</i> L.	*	Tamaricaceae	French tamarisk	۳۲۶، ۲۰۲، ۴۰
<i>Tamarix gallica</i> L. var. mann?		Tamaricaceae		۴۰
<i>Tamarix nilotica</i> Ehr & Bung.		Tamaricaceae		۴۰
<i>Tamarix orientalis</i> Forsk.		Tamaricaceae		۴۰
<i>Tamarix pentandra</i> Pall. = <i>Tamarix ramosissima</i> Led.	*	Tamaricaceae	Five-stamen tamarisk	۲۰۲
<i>Tamarix</i> sp.		Tamaricaceae	Tamarisk	۲۰۲، ۴۰
<i>Tamarix tetrandra</i> Guebh.	*	Tamaricaceae	Four stamen tamarisk	۲۰۲
<i>Tamus communis</i> L.		Dioscoraceae		۳۵۷، ۳۵۶، ۲۲۲
<i>Tamus dioica</i>	*	Dioscoraceae	Adder's meat	۲۲۲
<i>Tamus</i> sp.		Dioscoraceae	Black bryony	۲۹۷، ۲۲۲
<i>Tanacetum annuum</i> L.		Compositae		۶۱
<i>Tanacetum umbeliferum</i> Boiss.		Compositae		۸۹
<i>Tanacetum vulgare</i> L.		Compositae	Common tansy	۱۱۹
<i>Taraxacum dens-leonis</i> DC.		Compositae		۲۰۰
<i>Taraxacum officinale</i> Will.		Compositae	Common dandelion	۲۹۸، ۲۹۶، ۲۰۰، ۱۳۴
<i>Taraxacum vulgare</i> Shramk = <i>Taraxacum vagum</i> V.S.	*	Compositae		۲۰۰
<i>Taxus baccata</i> L.	*	Taxaceae	English yew	۳۵۲، ۱۹۹، ۱۹۰، ۱۶۱، ۱۵۵
<i>Tectonia grandis</i> L.		Verbenaceae	Teca	۱۶۶
<i>Tectonia</i> sp.		Verbenaceae	Teak	۱۶۶
<i>Telekia speciosissima</i> DC. = <i>Buphthalmum speciosissimum</i> L.		Compositae		۲۹۵
<i>Telephium imperati</i> L.	*	Caryophyllaceae	Tree orpine	۱۷۰، ۷۵
<i>Terfezia claveriji</i> (Fungi)				۲۶۰
<i>Terminalia bellerica</i> Roxb.	*	Combretaceae	Myrobalan tree	۸۷، ۶۹
<i>Terminalia chebula</i> Ret.		Combretaceae	Hebula terminalia	۶۹، ۶۸
<i>Terminalia citrina</i> Roxb.		Combretaceae		۶۹



SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Terminalia horrida</i> Stend.		Combretaceae		۷۹
<i>Teucrium chamaedrys</i> L.		Labiatae	Chamaedoreas germander	۳۴۳، ۳۱۵، ۲۶۰، ۸۷
<i>Teucrium flavum</i> L.		Labiatae	Cat thyme	۳۴۲، ۳۱۵
<i>Teucrium marum</i> L.		Labiatae		۲۸۰، ۲۷۵
<i>Teucrium polium</i> L.		Labiatae		۳۴۳، ۳۱۶، ۱۰۴
<i>Teucrium sapinum</i> L.		Labiatae		۲۶۱
<i>Teucrium scordium</i> L.		Labiatae	Water germander	۳۴۳، ۳۱۶، ۹۸، ۴۹
<i>Teucrium</i> sp.		Labiatae	Germander	۲۰۴
<i>Thalictrum aquilegifolium</i> L.		Ranunculaceae	Columbne meadow rue	۹۷
<i>Thalictrum flavum</i> L.		Ranunculaceae	Yellow meadow rue	۳۵۳، ۳۲۰
<i>Thalictrum minus</i> L.		Ranunculaceae		۳۵۳
<i>Thapsia garganica</i> L.		Umbelliferae		۳۵۵، ۱۶۸، ۱۴۵، ۹۷
<i>Thea sinensis</i> L.		Theaceae	Common tea; chinese tea	۹۹
<i>Thelygonum cynocrambe</i> L.		Thelygonaceae		۳۵۷
<i>Thlaspi bursa-pastoris</i> L.		Cruciferae		۳۳۳
<i>Thlaspi campestre</i> L.		Cruciferae		۱۳۱، ۱۰۲
<i>Thrinicia tuberosa</i> DC.		Compositae		۳۳۲
<i>Thus oxyantha</i> = <i>Crataegus laevigata</i> (Poiret) De Candolle = <i>Crataegus oxyantha</i> L.		Rosaceae	Hawthorn, English hawthorn, haw, May flower, whitethorn, quickthorn	۲۷۱
<i>Thuja articulata</i> Vahl.		Cupressaceae	Oriental arborvitae; Chinese arborvitae	۱۷۹
<i>Thuja orientalis</i> L.		Cupressaceae		۲۱۲
<i>Thymbra spicata</i> Stric. & Hort.	*	Labiatae	Spiked thymbra	۳۳۷
<i>Thymelaea hirsuta</i> Endl.		Thymeliaceae		۲۷۷
<i>Thymelaea mezereum</i> Scop.		Thymeliaceae		۲۷۵
<i>Thymelaea tartonraira</i> Endl.		Thymeliaceae		۲۰۹
<i>Thymus barrelieri</i> Spreng.		Labiatae		۳۱۴، ۲۲۹
<i>Thymus calamintha</i> Scop.		Labiatae		۳۳۸، ۳۱۴، ۲۲۹
<i>Thymus capitatus</i> L.		Labiatae		۳۳۸، ۳۱۴
<i>Thymus capitatus</i> Lk. & Hoffm.		Labiatae		۹۹، ۱۱۰
<i>Thymus glaber</i> Mill.		Labiatae		۳۳۹، ۲۹۱، ۱۸۲
<i>Thymus graveolens</i> Bieb.		Labiatae		۳۳۸
<i>Thymus kotschyanus</i> Boiss.		Labiatae		۱۹۶
<i>Thymus nepeta</i> Sm.		Labiatae		۳۱۴، ۲۲۹
<i>Thymus nummularius</i> Benth.		Labiatae		۱۸۲
<i>Thymus serpyllum</i> Frie.		Labiatae	Mother-of- thyme	۱۸۲
<i>Thymus serpyllum</i> L.		Labiatae	Serpolet; Wild Thyme	۲۹۱، ۱۹۵
<i>Thymus sibthorpii</i> Benth.		Labiatae		۳۳۹
<i>Thymus vulgaris</i> L.		Labiatae	Common thyme	۳۳۹، ۱۹۶، ۱۱۰
<i>Tilia rubra</i> De. & T.		Tiliaceae		۱۶۶

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Tilia silvestris</i> Desf.	*	Tiliaceae	Little-leaf-linden	۱۶۶
<i>Tilia</i> sp.		Tiliaceae	Lindlofia	۱۶۶
<i>Tithymalus cotinifolius</i> Haw. = <i>Euphorbia cotinifolia</i> L.		Euphorbiaceae	Red spurge	۱۸۴
<i>Tordilium officinale</i> L.		Umbelliferae		۳۴۰، ۳۱۴، ۱۸۲
<i>Torilis leptophylla</i> Reichb.		Umbelliferae		۸۹
<i>Trachyspermum copticum</i> Link. = <i>Trachyspermum ammi</i> (L.) Sprague		Umbelliferae		۲۸۹
<i>Tragium columnae</i> Spreng.		Umbelliferae		۳۵۰، ۳۱۹، ۲۰۱
<i>Tragopogon orientalis</i> L.		Compositae		۳۳۲، ۳۱۲
<i>Tragopogon pratensis</i> L.		Compositae	Meadow salsify	۲۶۸، ۱۵۱
<i>Tragopogon</i> sp.		Compositae	Salsify ; Goatsbeard	۲۶۸
<i>Tragopogon villosus</i> L.		Compositae		۳۳۲
<i>Trapa natans</i> L.		Trapaceae	Water chestnut	۱۱۸
<i>Tribulus terrestris</i> L.		Zygophyllaceae	Puncture rine	۳۴۸، ۳۱۹، ۱۱۸
<i>Trichera arvensis</i> Schrad. = <i>Knautia arvensis</i> (L.) Coulter = <i>Scabiosa arvensis</i> L.		Dipsacaceae	Status(es) (compiled from below "Data sources"): Weed	۱۷۱
<i>Trichodesma indicum</i> DC.		Boraginaceae		۲۶۸
<i>Trichodesma molle</i> DC.		Boraginaceae		۲۶۸
<i>Trichodesma zeylanicum</i> R.Br.		Boraginaceae		۲۶۸
<i>Trichilia emetica</i> Wahl.		Meliaceae		۱۵۷، ۱۱۰، ۱۰۸
<i>Trifolium alexandrinum</i> L.		Papilionaceae		۲۳۶، ۱۵۶
<i>Trifolium arvense</i> L.		Papilionaceae	Rabbit-foot clover; Hare's-foot	۳۴۸، ۲۶۵
<i>Trifolium fragiferum</i> L.		Papilionaceae	Strawberry clover	۳۹
<i>Trifolium italicum</i> Boiss.		Papilionaceae		۳۳۹
<i>Trifolium melilotus-indica</i> L.		Papilionaceae		۲۹۱
<i>Trifolium officinalis</i> Willd.		Papilionaceae		۳۳۹
<i>Trifolium pratense</i> L.		Papilionaceae	Red clover	۱۵۶
<i>Trifolium sipyleum</i>		Papilionaceae		۳۳۹
<i>Trifolium</i> sp.		Papilionaceae	Clover	۲۹۱، ۲۰۳
<i>Trigonella coerulea</i> Ser.		Papilionaceae	Blue-white trigonella	۲۸۶، ۱۲۶
<i>Trigonella corniculata</i> L.		Papilionaceae		۱۵۰
<i>Trigonella elatior</i> Sybth.		Papilionaceae		۲۸۶
<i>Trigonella foenum-graecum</i> L.		Papilionaceae	Fenugreek trigonella; Fenugreek	۳۲۹، ۱۲۱
<i>Trigonella graeca</i> Boiss.		Papilionaceae		۳۳۹
<i>Trigonella grandiflora</i> Bunge.		Papilionaceae		۱۲۱، ۵۹
<i>Trigonella hamosa</i> L.		Papilionaceae		۱۲۷، ۱۲۶، ۳۹
<i>Trigonella laciniata</i> L.		Papilionaceae		۱۵۰
<i>Trigonella</i> sp.		Papilionaceae	Trigonella	۱۲۱

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
<i>Tripteris vaillantii</i> L.		Papilionaceae		۲۷۸
<i>Triticum dicoccum</i> Schr.		Graminae	Emmer; Dinkel wheat	۲۶۳، ۲۱۳
<i>Triticum monococcum</i> L.		Graminae	Einkorn; One-grained wheat	۳۲۹، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۱۳
<i>Triticum ovatum</i> L.		Graminae		۱۴۷
<i>Triticum repens</i> L.		Graminae		۹۹
<i>Triticum romanum</i> L.		Graminae		۳۲۹، ۱۳۹
<i>Triticum spelta</i> L.		Graminae	Splet	۲۶۴، ۱۷۴، ۱۳۹،
<i>Triticum vulgare</i> Vill.		Graminae	Wheat	۱۲۶
<i>Triticum zeae</i> Host.		Graminae		۲۶۴
<i>Trodylium ackakul</i>		Umbelliferae		۱۸۸
<i>Tropaeolum majus</i> L.		Tropaeolaceae	Tropae	۲۶۵
<i>Tuber album</i> Sow. (Fungi)				۲۶۰، ۲۲۶
<i>Tuber brumale</i> Vittad. (Fungi)				۲۲۶
<i>Tuber cibarium</i> (Fungi)				۳۳۲، ۲۵۸
<i>Tuber magnatum</i> (Fungi)				۲۶۰
<i>Tuber melanosporum</i> Vitt. (Fungi)			Perigord truffle	۲۶۰، ۲۵۸
<i>Tuber michell</i> (Fungi)				۳۳۲، ۲۶۰
<i>Tulipa gesneriana</i> L.		Liliaceae		۱۳۵
<i>Tussilago farfara</i> L.	*	Compositae	Horse-hoof; Common colt's foot	۳۳۴، ۱۷۲، ۱۱۹، ۷۳
<i>Tussilago vulgaris</i> L.		Compositae		۳۴۴
<i>Typha angustata</i> L. = <i>Typha australis</i> Sch.&Th.	*	Typhaceae	Narrow-leaved cattail	۳۴۴
<i>Typha latifolia</i> L.	*	Typhaceae	Common cattail	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۰۴
<i>Ulmus campestris</i> L.	*	Ulmaceae	English elm	۳۲۶، ۱۸۶، ۱۴۴
<i>Ulmus effusa</i> Sibth.		Ulmaceae	Spreading	۱۸۵، ۱۴۴
<i>Ulmus glabra</i> L.	*	Ulmaceae	Scoth elm; wych elm	۱۸۶
<i>Ulmus minor</i> Mill.	*	Ulmaceae		۲۹۳
<i>Ulmus montana</i> With.		Ulmaceae	Scoth elm; wych elm	۱۸۵، ۱۴۴
<i>Ulmus</i> sp.		Ulmaceae		۱۸۵، ۱۴۴
<i>Ulva lactuca</i> (Green algae)			Common sea lettuce; green laver	۳۵۳
<i>Uncaria gambier</i>		Rubiaceae	Bengal gambir plant	۲۳۰
<i>Ungula caballina</i>		Compositae		۷۳
<i>Urginea maritima</i> Bak.	*	Liliaceae	Shore sea onion	۴۹
<i>Urtica dioica</i> L.		Urticaceae	Big-sting nettle; Sting nettle	۶۵
<i>Urtica pilulifera</i> L.	*	Urticaceae	Roman nettle	۳۵۳، ۲۱۲، ۶۵
<i>Urtica</i> sp.		Urticaceae	Nettle family	۲۲۴، ۶۵
<i>Urtica urens</i> L.	*	Urticaceae	Dog nettle	۳۵۳، ۲۵۵، ۶۵
<i>Usenea articulata</i> (L.) Hoffm. (Lichen)				۵۳
<i>Usenea barbata</i> Ach. (Lichen)			Bearded bell flower	۳۲۴، ۱۹۲، ۱۱۷، ۵۲
<i>Usenea barbata</i> var. <i>florida</i> (Lichen)				۳۵۰

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Usenea sp. (Lichen)			Usenea	۳۲۴، ۵۲
Uvularia amplexifolia L.		Uvulariaceae		۳۵۰، ۶۴
Valeriana celtica L.		Valerianaceae		۳۲۴، ۲۸۸، ۱۷۸، ۱۷۷
Valeriana dioscorides Sibth.		Valerianaceae		۳۲۴، ۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۸
Valeriana hardwickii Wal.		Valerianaceae		۴۶
Valeriana jatamansi DC.		Valerianaceae		۲۸۸
Valeriana jatamansi Jone.		Valerianaceae	Nard	۱۷۷
Valeriana montana L.		Valerianaceae	Mountain valerian	۲۸۸
Valeriana officinalis L.		Valerianaceae	Common valerian	۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۸، ۱۷۷
Valeriana phu L.		Valerianaceae		۲۸۸، ۲۲۹
Valeriana sp.		Valerianaceae	Phu; all-heal; fragrant valerian; heliotrope	۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۷
Valeriana spica Vahl.		Valerianaceae		۲۸۸
Valeriana tubereuse Sprun.		Valerianaceae		۳۲۴، ۱۷۷
Valeriana wallichii DC.		Valerianaceae	Indian Valerian	۲۸۸
Veratrum album L.		Liliaceae	White Hellebore	۳۵۵، ۲۶۳، ۱۳۰
Veratrum nigrum L.		Liliaceae	Black false hellebore	۱۳۰
Verbascum nigrum L.		Scrophulariaceae	Black mullein	۹۰، ۳۵۴
Verbascum plicatum Sibth.		Scrophulariaceae		۳۵۴
Verbascum sinuatum Desc.	*	Scrophulariaceae	Mediterranean hrb elder; Danewort	۳۵۴
Verbascum sp.		Scrophulariaceae	Mullein	۳۵۴، ۹۰
Verbascum thapsus L.	*	Scrophulariaceae	Flannet mullen; Great mullein	۳۵۴، ۲۷۵، ۹۰، ۷۷
Verbena officinalis L.		Verbenaceae	European verbena	۳۵۱، ۱۵۶، ۷۳
Verbena sapina L.		Verbenaceae		۳۵۱، ۶۹
Verbena sp.		Verbenaceae	Vervain	۳۵۱، ۱۵۶
Veronica officinalis L.	*	Scrophulariaceae	Drug speedwell	۲۶۷
Veronica teucrium L.		Scrophulariaceae		۳۴۲
<i>Vesicaria gnaphaloides</i> Boiss. = <i>Veronica viscose</i> Boiss.	*	Scrophulariaceae		۱۴۰
Vicia cracca L.	*	Papilionaceae	Brid vetch; Cow vetch	۳۳۳، ۹۲
Vicia ervillia Willd.	*	Papilionaceae	Bitter vetch	۳۳۰، ۲۷۶، ۳۵۴، ۲۵۳
Vicia faba L.	*	Papilionaceae	Broad bean	۳۳۰، ۷۳
Vicia onobrachiodes L.		Papilionaceae		۳۴۷
Vicia sativa L.	*	Papilionaceae	Common vetch	۲۷۶، ۹۷، ۹۲
Vigna catjang Walp		Papilionaceae	Catjang cowpea	۲۷۱
Vigna sinensis Endl.		Papilionaceae	Common cowpea	۲۷۶
Vinca minor L.	**	Apocynaceae	Periwinkle	۳۴۸، ۲۴۱
Vincetoxicum officinale Monch.		Asclepiadaceae	White swallowwort	۲۲۱
<i>Viola cinerea</i> Boiss = <i>Viola behboudiana</i> Rech.F.&Esf.	*	Violaceae		۸۹
Viola odorata L.	*	Violaceae	Violet ; sweet	۳۵۴، ۸۹

SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	FAMILY	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			Violet	
<i>Viola serpens</i> Wa.		Violaceae		۱۹
<i>Viola</i> sp.		Violaceae	Violet	۱۹
<i>Viola tricolor</i> L.	*	Violaceae	Wild pansy	۱۹
<i>Virgilia</i> sp.		Papilionaceae	Ax plant	۱۳۶
<i>Viscum album</i> L.	*	Loranthaceae	European mistletoe	۳۴۲، ۲۱۶، ۱۴۳
<i>Vitex agnus-castus</i> L. = <i>Vitex Pseudo-negundo</i> (Haus.)Hand-Mzt.	*	Verbenaceae	Lilac chaste; Agnus castus	۲۹۷، ۲۵۹، ۱۸۵، ۱۷۰، ۵۳، ۴۱ ۳۲۷، ۳۱۰
<i>Vitis repanda</i> Wight		Vitaceae		۱۲۴
<i>Vitis vinifera</i> L.	*	Vitaceae	Eropean grape; Vine grape	۲۵۵، ۲۱۴
<i>Withania coagulans</i> Dunal	*	Solanaceae	Cheese-maker; Puneer cardaoms	۲۴۹
<i>Withania somnifera</i> Dunal.	*	Solanaceae	Clustered winter cherry	۱۹
<i>Xanthium strumarium</i> L.	*	Compositae	Lesser burdock	۳۵۵
<i>Xanthoxylon avicenne</i> DC. = <i>Zanthoxylum piperitum</i> DC.		Rutaceae	Aniseeed, Ash Berries, Badiana, Brown Peppercorns, Chinese Anise	۲۲۳
<i>Zea mays</i> L.	*	Gramineae	Maize; Indian corn	۱۵۰، ۱۰۰
<i>Zelkova crenata</i> Spac. = <i>Zelkova carpinifolia</i>	*	Ulmaceae	Zelkova elm of Siberia	۳۵
<i>Zingiber officinale</i> Rosc.		Zingiberaceae	Common ginger	۳۳۳، ۱۶۴
<i>Zingiber</i> sp.		Zingiberaceae	Ginger	۱۶۴
<i>Zingiber zerumbet</i> Rosc.		Zingiberaceae		۱۶۱
<i>Zizyphora capitata</i> L.	**	Labiatae		۳۴۲
<i>Zizyphus jujuba</i> Lam.		Rhamnaceae		۲۱۴
<i>Zizyphus lotus</i> Lam.	*	Rhamnaceae	African lotus	۱۶۸
<i>Zizyphus sativa</i> G.		Rhamnaceae		۲۱۴
<i>Zizyphus spina-christi</i> Willd	*	Rhamnaceae	Christ's thorn ; Nubk tree	۱۶۸
<i>Zizyphus vulgaris</i> L.		Rhamnaceae		۳۲۶، ۲۱۴

## ۲ - جدول نام های علمی گیاهان دارویی به ترتیب خانواده

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	<i>Ulva lactuca</i> (Green algae)		Common sea lettuce; green laver	۳۵۳
	<i>Corallium rubra</i> L. (Red Coral)		Potato bean	۷۹
Lycoperdaceae	<i>Bovista plumbea</i> Pers. = <i>Lycoperdon plumbeum</i> (Macrofungi)		Lead-grey Bovist.	۲۲۶
	<i>Ashbia gossypii</i> = <i>Eremothecium gossypii</i> (Fungi)		Strain Number	۲۴۰
	<i>Eremothecium ashybi</i> (Fungi)		Routien	۲۴۰
	Fungi sp.			۳۵۲، ۲۲۶
	<i>Lycoperdon</i> sp. (Fungi)		Puffbal	۲۲۷
Morchellaceae	<i>Morchella esculenta</i> Pers. (Mushrooms)		Pancita, morilla, mazorquita, elotito, mazorca, elote, huecasy colmena.	۲۲۱
	(Mushroom )			۲۲۶
	<i>Nemastopora corylii</i> (Fungi)			۲۴۰
	<i>Polyporus officinalis</i> Fr. (Fungi)		Purging agaric	۳۳۵، ۲۶۰، ۲۱۸
Metschnikowiaceae	<i>Spermophthora gossypii</i> (Fungi)			۲۴۰
	<i>Terfezia claveriji</i> (Fungi)			۲۶۰
	<i>Tuber album</i> Sow. (Fungi)			۲۶۰، ۲۲۶
	<i>Tuber brumale</i> Vittad. (Fungi)			۲۲۶
	<i>Tuber cibarium</i> (Fungi)			۳۳۲، ۲۵۸
	<i>Tuber magnatum</i> (Fungi)			۲۶۰
	<i>Tuber melanosporum</i> Vitt. (Fungi)		Perigord truffle	۲۶۰، ۲۵۸
	<i>Tuber michell</i> (Fungi)			۳۳۲، ۲۶۰
	<i>Evernia prunastri</i> (L.) Ach. (Lichen)		Staghorn	۵۲
Lecanoraceae	<i>Lecanora circummunita</i> Nyl. (Lichen)			۱۱۷
Lecanoraceae	<i>Lecanora affini</i> Ev. (Lichen)			۱۰۷
Lecanoraceae	<i>Lecanora esculenta</i> Ev. (Lichen)			۱۰۷
Roccellaceae	<i>Roccella tinctoria</i> DC. (Lichen)		Litmus roccella	۱۱۷
	<i>Usenea articulata</i> (L.) Hoffm. (Lichen)			۵۳
	<i>Usenea barbata</i> Ach. (Lichen)		Bearded bell flower	۳۲۴، ۱۹۲، ۱۱۷، ۵۲
	<i>Usenea barbata</i> var. <i>florida</i> (Lichen)			۳۵۰
	<i>Usenea</i> sp. (Lichen)		Usenea	۳۲۴، ۵۲
Agaricaceae	<i>Agaricus</i> sp. (Mushroom)		Fool's-parsley agric	۲۱۹
	(Moss)			۲۰۰
Aspleniaceae	<i>Cetraria islandica</i> (L.) Ach. (moss)			۱۱۷

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	<i>Muscus arboreus</i> (Moss)			۵۲
	<i>Muscus</i> sp. (Moss)			۵۲
Acantaceae	<i>Blepharis persica</i>	*		۶۵
Acanthaceae	<i>Acanthus mollis</i> L.	**	Bear's breach soft acanthus	۳۳۷
Acoraceae	<i>Acorus calamus</i> L.	*	Drug sweet flag; Calamus	۳۰۹، ۲۹۳، ۲۴۱، ۲۴۰، ۱۶۵، ۱۵۰، ۳۲۴
Adiantaceae	<i>Acrostichum dichototum</i> Forsk.		Maidenhair fern	۲۸۶
Adiantaceae	<i>Adiantum capillus-veneris</i> L.	*	South maidenhair; Venus's-hair	۳۵۵، ۱۸۷، ۷۶
Aesalpinaceae	<i>Parkinsonia aculeata</i> L.	*		۷۵
Aesalpinaceae	<i>Parkinsonia</i> sp.			۷۵
Agavaceae	<i>Dracaena cinnabari</i> Balf.			۱۴۷، ۶۹
Alangiaceae	<i>Alangium lamrckii</i> Th.		Ankola (Sanskrit)	۶۷
Alangiaceae	<i>Alangium salviifolium</i> (L.F.) Wan.		Sage Leaves	۶۷
Alismataceae	<i>Alisma plantaga</i> L.		American water plantain	۳۴۷، ۳۱۸، ۲۸۱
Alismataceae	<i>Alisma</i> sp.		Water plantain	۲۸۱
Amarantaceae	<i>Celosia argentea</i> L.	**	Feather cockscomb	۷۹
Amarantaceae	<i>Crinum</i> sp.		Crinum	۱۴۳
Amaranthaceae	<i>Albersia blitum</i> Kunth . = <i>Amaranthus blitum</i> subsp. <i>Blitum</i>			۸۴
Amaranthaceae	<i>Amaranthus blitum</i> L. = <i>Amaranthus gracizans</i> L. Var. <i>sylvestris</i> (Vil.)Asch.		Prostrate amaranth	۳۳۰، ۳۱۱، ۸۴
Amaranthaceae	<i>Amaranthus cruentus</i> L.	*	Grain Amaranth	۷۹
Amaranthaceae	<i>Amaranthus gangeticus</i> L.		Tumbelweed amaranth	۱۴۳
Amaranthaceae	<i>Amaranthus graecizas</i> L. var. <i>sylvestris</i> (Vil.) Asch.	*		۸۴
Amaranthaceae	<i>Amaranthus paniculatus</i> L.		Scarlet amaranth	۱۴۳
Amaranthaceae	<i>Amaranthus tricolor</i> L.		Love-lies-bleeding	۱۴۳، ۷۹، ۷۶
Amarillidaceae	<i>Narcissus jonquilla</i> L.		Jonquil	۲۹۰
Amarillidaceae	<i>Narcissus poeticus</i> L.			۳۵۶، ۲۹۰، ۲۰۶
Amarillidaceae	<i>Narcissus</i> sp.		Poet's narcissus	۲۹۰
Amarillidaceae	<i>Narcissus tazetta</i> L.	*		۲۹۰، ۲۰۶
Amarylloidaceae	<i>Leucojum</i> sp.	*	Snowflake	۲۰۶
Amarylloidaceae	<i>Pancratium maritimum</i> L.		sea daffodil	۲۴۳، ۲۲۶
Amarylloidaceae	<i>Pannkratium maritimum</i> L.			۳۳۴، ۳۱۲
Anacardiaceae	<i>Mangifera indica</i> L.	**	Common marchantia	۲۱۴، ۶۳
Anacardiaceae	<i>Pistacia chia</i> DC.			۲۸۲
Anacardiaceae	<i>Pistacia khinjuk</i> Stoc.	*		۱۱۱، ۸۱
Anacardiaceae	<i>Pistacia lentiscus</i> L.		Lentisk pistache; Mastic tree	۳۲۹، ۳۲۵، ۲۸۲، ۱۹۸
Anacardiaceae	<i>Pistacia terebinthus</i> L.		Terebinth pistache	۳۲۵، ۱۹۸، ۱۱۱، ۸۱



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Anacardiaceae	<i>Pistacia vera</i> L.	*	Common pistache	۳۲۹، ۳۱۱، ۲۲۵
Anacardiaceae	<i>Pistia stratiotes</i> L.			۳۵۳، ۳۲۰، ۱۷۱، ۳۸
Anacardiaceae	<i>Rhus coriaria</i> L.	*	Sicilian sumac	۳۲۷، ۳۱۰، ۱۷۵
Anacardiaceae	<i>Rhus cotinus</i> L.	*	Common smok tree; Aaron's	۱۷۵
Anacardiaceae	<i>Rhus glabra</i> L.		Smooth sumac	۱۷۵
Anacardiaceae	<i>Rhus</i> sp.		Sumae	۱۷۵
Anacardiaceae	<i>Rhus vermicifera</i> DC.		Japanese lacquer tree	۱۷۸
Anacardiaceae	<i>Semecarpus anacardium</i> L.		Marking Nut	۸۶، ۸۵
Apocynaceae	<i>Apocynum erectum</i> Vell.			۳۵۲، ۳۲۰، ۲۳۲، ۴۳
Apocynaceae	<i>Apocynum</i> sp.		Dogbane	۱۲۸
Apocynaceae	<i>Nerium oleander</i> L.	*		۳۵۲، ۳۲۰، ۲۹۴، ۱۴۵
Apocynaceae	<i>Nerium</i> sp.		Common oleander	۱۴۵
Apocynaceae	<i>Vinca minor</i> L.	**	Periwinkle	۳۴۸، ۲۴۱
Aquifoliaceae	<i>Ilex aquifolium</i> L.	*	English holly	۶۲
Araceae	<i>Acorus aromaticus</i> Gilib.			۲۹۳، ۲۴۱
Araceae	<i>Areca catechu</i> L.		Betel-nut palm ; betel palm	۲۳۰، ۵۴
Araceae	<i>Areca catechu</i> Willd.		Areca Nut	۱۲۰
Araceae	<i>Areca faufel</i> Gaertn.			۲۳۰
Araceae	<i>Arum arisarum</i> L.			۳۳۴، ۳۱۲، ۲۷۳
Araceae	<i>Arum colocasia</i> L.			۲۴۴، ۲۳۱، ۱۲۵
Araceae	<i>Arum dioscoridis</i> L.			۳۳۴
Araceae	<i>Arum dracunculus</i> L.		Common stink dragon	۳۳۴، ۳۱۲، ۲۸۶، ۲۷۳، ۲۳۱
Araceae	<i>Arum esculenta</i> L.			۲۴۴
Araceae	<i>Arum italicum</i> L.		Italian arum	۲۷۳، ۱۵۰، ۱۴۲
Araceae	<i>Arum maculatum</i>		Lords-and-lodies ; Cuckoopint	۳۳۴، ۲۷۳
Araceae	<i>Arum</i> sp.		Arum	۲۳۱
Araceae	<i>Arum vulgare</i> L.			۳۳۴، ۳۱۲، ۲۷۳
Araceae	<i>Calamus aromaticus</i> = <i>Acorus aromaticus</i> Lam.		Sweet flag	۲۹۳، ۲۴۰
Araceae	<i>Calamus asiaticus</i>			۲۹۳
Araceae	<i>Calamus draco</i> Willd . = <i>Daemonoropos draco</i> BLUME			۱۴۷
Araceae	<i>Colacasia antiquorum</i> Sch.			۲۴۴
Araceae	<i>Colacasia esculenta</i> L . = <i>Colocasia antiquorum</i> var <i>esculenta</i>		papa china, taro, bore, oculo, quiquisque	۲۴۴
Araceae	<i>Colocasia antiquorum</i> Shott . = <i>Arum esculentum</i> L., <i>Caladium esculentum</i> (L.) Vent.,		taro, eddo, kalo, dasheen, cocoyam, elephant ears	۲۳۱
Araceae	<i>Dracontium</i> sp.			۱۸۶
Araceae	<i>Dracunculus vulgaris</i> Schot . = <i>Arum Dracunculus</i>			۲۷۳، ۱۴۲
Araliaceae	<i>Hedera helix</i> L.	*	English ivy	۳۳۵، ۲۱۷، ۲۴۰



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Araliaceae	Hedera sp.		Ivy	۲۱۰، ۱۱۳
Arecaceae	<i>Daemonorops draco</i> Blume = <i>Calamus draco</i> Willd.		dragon's blood	۱۴۷
Arecaceae	<i>Hyphaene thebaica</i> (L.) Mart. = <i>Corypha thebaica</i> L. = <i>Hyphaene guineense</i>		Egyptian doum palm	۲۲۵، ۲۸۴
Arecaceae	<i>Lodoicea sechellarum</i> Lab.		Coco maledivicus ; Nux media	۲۸۷
Aristolochiaceae	<i>Asarum europaeum</i> L.		European wild ginger	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۹۰، ۴۶
Aristolochiaceae	<i>Aristolochia boetica</i>			۳۳۶
Aristolochiaceae	<i>Aristolochia longa</i> L.		Long-rooted Birthwort	۱۶۱
Aristolochiaceae	<i>Aristolochia pallids</i> Round = <i>Aristolochia pallida</i> Willd.		Wild Ginger	۳۳۵
Aristolochiaceae	<i>Aristolochia rotunda</i> L.		Snakeroot	۱۶۱
Aristolochiaceae	<i>Aristolochia sempervirens</i> L.		Birthwort	۳۳۶
Aristolochiaceae	<i>Aristolochia</i> sp.		Dutchman's-pipe-birthwort	۳۳۵، ۳۱۳، ۱۶۱
Asclepiadaceae	<i>Pergularia tomentosa</i> L.	*		۲۲۱
Asclepiadaceae	<i>Barjonia racemosa</i> Decne.			۴۲
Asclepiadaceae	<i>Calotropis procera</i> R.B.	*	French cotton	۲۰۹
Asclepiadaceae	<i>Calotropis</i> sp.		Calotrope	۲۰۹
Asclepiadaceae	<i>Cynanchum erectum</i> L.			۳۵۲، ۴۲
Asclepiadaceae	<i>Cynanchum nigrum</i> Pers.			۳۴۴
Asclepiadaceae	<i>Cynanchum pyrotechnicum</i> L.			۲۷۸
Asclepiadaceae	<i>Cynanchum vincetoxicum</i> Pers.		White swallowwort	۳۴۲
Asclepiadaceae	<i>Daemia cordata</i> R.Br.			۲۲۱
Asclepiadaceae	<i>Marsdenia erecta</i> L.	*	Marsdenia	۴۲
Asclepiadaceae	<i>Sarcostemma viminale</i> R.Br. = <i>Euphorbia viminale</i>		Rapunzel Plant, Somabutta	۱۱۷
Asclepiadaceae	<i>Vincetoxicum officinale</i> Monch.		White swallowwort	۲۲۱
Asclepiadiaceae	<i>Asclepias cynanchoides</i> Humb.			۲۰۹
Asclepiadiaceae	<i>Asclepias gigantea</i> R.Br.			۲۰۹
Asclepiadiaceae	<i>Asclepias vincetoxicum</i> L.			۳۴۲، ۳۱۵، ۲۴۵
Asparaginaceae	<i>Asparagus acutifolius</i> L.		Sharp-leaved asparagus	۳۳۱، ۲۸۹
Asparaginaceae	<i>Asparagus adscendens</i> Roub.			۲۹۷
Asparaginaceae	<i>Asparagus officinalis</i> L.		Common asparagus	۳۳۱، ۳۱۱، ۲۹۷، ۲۸۹، ۱۹۸
Asparaginaceae	<i>Asparagus</i> sp.		Asparagus	۲۹۷
Asparaginaceae	<i>Polygonatum officinale</i> L.		Drug solomon's-seal	۳۴۸، ۳۱۸، ۲۱۱
Asparaginaceae	<i>Smilax aspera</i> L.	*	Rough bindweed	۳۵۵، ۳۳۳، ۲۸۹، ۲۲۶
Asparaginaceae	<i>Smilax glabra</i> Roxb.			۱۰۶
Asparaginaceae	<i>Smilax</i> L.		Greenbrier	۲۲۶، ۱۰۶
Asparaginaceae	<i>Smilax sarsaparilla</i> L.			۲۰۹
Aspidiaceae	<i>Dryopteris aculeata</i> (L.) Kuntze			۱۷۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Aspidiaceae	Dryopteris filix max L.	*	Male fern	۳۵۷، ۱۲۹
Aspidiaceae	Dryopteris robertiana (Hof.) C. Chr			۱۲۹
Aspleniaceae	Asplenium adianthum-nigrum L.		Black spleenwort	، ۱۲۹، ۴۴ ۳۵۷
Aspleniaceae	Asplenium ruta muraria L.		Wall rue	۱۷۱
Aspleniaceae	Asplenium trichomanes L.		Maidenhair spleenwort	۳۵۵، ۱۸۷، ۱۲۹
Aspleniaceae	Phyllitis scolopendrium L.	*	Hart's-tongue;	۳۴۳، ۳۱۶، ۱۲۹
Avicenniaceae	Avicennia officinalis L.	*		۲۳۸
Balanitaceae	Balanites aegyptiaca L.		Higleeg	۱۶۳
Balsaminaceae	Balsamina hortensis L.			۲۱۱
Balsaminaceae	Impatiens balsamina L.	*		۲۱۱
Berberidaceae	Berberis asiatica Roxb.	*	Asiatic barberry	۶۱
Berberidaceae	Berberis lycium Roy.	**		۱۲۰
Berberidaceae	Berberis vulgaris L.	*	European barberry	۶۱
Bombacaceae	Adonsonia sp.			۱۲۵
Boraginaceae	Achium diffusum L.			۳۴۸
Boraginaceae	Alkanna orientalis (L.) Boiss.	*	Yellow bugloss	۲۶۳
Boraginaceae	Alkanna sp.		Alkanet	۱۳۴
Boraginaceae	Alkanna tinctoria Tausch.	*	Dyer's alkanet	۳۴۸، ۳۹، ۳۸
Boraginaceae	Anchusa hybrida Ten.		Carly bugloss	۲۶۸
Boraginaceae	Anchusa italica Retz.		Italian bugloss	۲۶۸، ۲۶۸
Boraginaceae	Anchusa officinalis L.		Common buckwheat	۲۶۸
Boraginaceae	Anchusa paniculata Ait.			۳۵۴
Boraginaceae	Anchusa tinctoria L.			۱۲۴، ۳۹
Boraginaceae	Andropogon jawarancusa Jo.			۴۳
Boraginaceae	Asperugo procumbens L.	*	Grman madwort ; madwort	۷۱، ۳۴
Boraginaceae	Borago officinalis L.	**	Common borrago	۲۶۸
Boraginaceae	<i>Caccinia glauca</i> Savi . = <i>Cacalia macranthera</i> Var. <i>crassifolia</i> (Vent.) Brand	*		۲۶۸
Boraginaceae	Cerinthe minor L.		Lesser honeywort	۳۳۵
Boraginaceae	Ceterach officinarum L.		Miltwaste	۱۱۹، ۴۹
Boraginaceae	Ceterach sp.			۳۵۷
Boraginaceae	Cordia myxa L.	*		۱۲۷، ۱۴۳
Boraginaceae	Cordia sebestena L.			۱۲۷
Boraginaceae	Cynoglossum officinale L.		Common hound's-tongue	۳۵۴، ۲۷۰
Boraginaceae	Cynoglossum sp.		Hound's-tongue	۲۷۰
Boraginaceae	Echium amoenum Fisch. & Mey.	*		۲۶۸
Boraginaceae	Echium creticum L.			۳۴۸
Boraginaceae	Echium diffusum L.			۳۸
Boraginaceae	Echium italicum L.	*		۳۴۹، ۳۸

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Boraginaceae	Echium rubrum L.	*		۳۴۹، ۳۱۹، ۴۲
Boraginaceae	Echium sericeum Vahl.			۲۶۸
Boraginaceae	Echium sp.		Viper's bugloss	۴۲
Boraginaceae	Echium vulgare L.		Common viper's bugloss	۳۴۹
Boraginaceae	Heliothrips haemorrhoidalis Bouc.			۱۵۷
Boraginaceae	Heliotropium europaeum L.		Common heliotrope	۳۵۷، ۳۲۱، ۱۹۴، ۱۵۱، ۳۵
Boraginaceae	Heliotropium villosum Pers.	**		۳۵۷
Boraginaceae	Lithospermum purpurea-coeruleum Defs. & DC.	*	Creeping gromwell	۳۳۵
Boraginaceae	Lithospermum fruticosum L.			۳۸
Boraginaceae	Lithospermum officinale L.		Common gromweel	۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۶، ۲۵۹، ۲۴۳، ۴۸ ۳۴۸
Boraginaceae	Lithospermum tinctorium L.			۱۹۰
Boraginaceae	Myosotis alpestris Schm.		Alpine forget-me-not	۳۴
Boraginaceae	Myosotis arvensis L.		Field forget-me-not	۳۴
Boraginaceae	Myosotis palustris Lam.	*	True forget-me-not	۳۳۵، ۳۱۳، ۲۱۸، ۳۴
Boraginaceae	Myosotis sp.		Forget-me-not	۳۴
Boraginaceae	Myosotis stricta Roem & Schut.	*		۳۴
Boraginaceae	Onosma echinoides L.	**		۳۴۵، ۳۱۷، ۶۸، ۴۳
Boraginaceae	Onosma sp.		Old- field toadflax	۳۴۵، ۱۹۰، ۱۲۵، ۳۸
Boraginaceae	Onosma tinctoria Bieb.			۲۵۲
Boraginaceae	Pulmonaria officinalis L.		Common lungwort	۲۶۸
Boraginaceae	Symphytum bulbosum Schimp.			۳۴۸، ۱۷۶
Boraginaceae	Symphytum officinale L.		Common comfrey; Woundwort	۱۷۶، ۴۳
Boraginaceae	Symphytum petraeum?			۳۴۸، ۳۱۸، ۱۷۶
Boraginaceae	Symphytum sp.		Comfrey	۳۴۸، ۱۷۶
Boraginaceae	Trichodesma indicum DC.			۲۶۸
Boraginaceae	Trichodesma molle DC.			۲۶۸
Boraginaceae	Trichodesma zeylanicum R.Br.			۲۶۸
Burseraceae	Baswellia Roxb.			۳۲۵، ۲۷۴
Burseraceae	Bdellium Engl.		aromatic gum resin obtained from trees of the genus Commiphora	۲۸۴
Burseraceae	Bdellium indicum			۲۸۴
Burseraceae	Boswellia carterii Bird		Bible frankincense	۲۶۳، ۳۲۵،
Burseraceae	Boswellia serrata Roxb.		Indian frankincense; Salai tree	۲۶۳
Burseraceae	Boswellia sp.		Frankincense ; Incense tree	۲۶۱
Burseraceae	Commiphora abyssinica Engl.		Abyssinian myrrh tree	۲۷۸
Burseraceae	Commiphora africanum Engl.			۲۸۴

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Burseraceae	Commiphora kataf Engl.			۲۴۲
Burseraceae	Commiphora mukul Engl. = <i>Balsamodendrum mukul</i> Hook.			۳۲۵، ۲۸۴
Burseraceae	Commiphora mulomol Engel.			۲۸۴
Burseraceae	Commiphora myrrha Engl.		Common myrrh tree	۳۲۵، ۲۸۹، ۲۷۸
Burseraceae	Commiphora opobalsamum Engl.		Mecca myrrh tree	۸۶
Burseraceae	Balsamodendron africanum Ar.		African Bdellium	۲۸۴
Burseraceae	Balsamodendron DC.			۸۶
Burseraceae	<i>Balsamodendron kataf</i> = Commiphora kataf			۲۴۲
Burseraceae	Balsamodendron mukul Hook.		Bdellium Gum, Guggul, Guggulipid, Gum Gugal, Salaitree	۲۸۴، ۲۶۴
Burseraceae	Balsamodendron myrrha Nees.		Gum myrrh tree	۲۷۸، ۸۶
Buxaceae	Buxus dioica For.			۲۵۱
Buxaceae	Buxus sempervirens L.		Common box	۲۰۷، ۸۲
Cactaceae	Opuntia hircina?			۹۰
Cactaceae	Opuntia sp.		Prickly pear	۱۹۵
Caesalpinaceae	<i>Caesalpinia bonducella</i> Fl. = <i>Caesalpinia bonduc</i> Roxb.	*	Nicker-nut caesalpina	۱۵۵، ۸۸، ۵۴
Caesalpinaceae	Caesalpinia echinata L.		Prickly brazilwood	۲۱۵
Caesalpinaceae	Caesalpinia sappan L.		Sappan caesalpinia	۸۵
Caesalpinaceae	Caesalpinia sp.		Brasiletto	۲۱۵
Caesalpinaceae	Cassia absus L.			۹۴
Caesalpinaceae	Cassia acutifolia Deli.		Alexandria senna	۱۷۷
Caesalpinaceae	Cassia angustifolia Vahl.		Congo senna	۱۷۷
Caesalpinaceae	Cassia fistula L.		Golden-shower senna ; purging cassia	۱۴۰
Caesalpinaceae	Cassia lanceolata Forsk.			۱۷۷
Caesalpinaceae	Cassia obovata Coll.			۲۱۰
Caesalpinaceae	Cassia sophera L.			۲۱۰
Caesalpinaceae	Cassia tora L.			۲۴۴، ۲۱۰، ۱۵۸
Caesalpinaceae	Ceratonia siliqua L.	*	Carob	۳۲۸، ۳۰۱، ۱۳۲
Caesalpinaceae	Cercis siliquastrum L.	*	Judas tree	۱۴۱، ۴۴
Caesalpinaceae	Cercis sp.	*	Cercis ; Redbud	۴۴
Caesalpinaceae	Tamarindus indica L.		Tamarind	۱۲۴، ۹۵
Campanulaceae	Campanula lacinata L.			۳۴۸
Campanulaceae	Campanula ramosissima Sibth.			۴۲
Cannabaceae	Cannabis indica L.			۱۱۲
Cannabaceae	Cannabis sativa L.		Hemp	۳۴۶، ۲۴۵، ۱۱۲، ۹۵
Cannabaceae	Cannabis sativa L. var. indica			۳۴۶، ۳۱۷، ۱۱۲
Cannabaceae	Cannabis sylvestris			۲۴۵
Cannaceae	Canna sp.		Canna	۲۴۵
Capparidaceae	Cadaba farinosa Forsk.			۱۶۹، ۳۳

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Capparidaceae	Cadaba sp.			۱۶۹
Capparidaceae	Capparis sp.		Caper-caperbush	۲۵۰
Capparidaceae	Capparis spinosa L.	*	Common capers	۲۲۴، ۳۱۲، ۲۵۰
Capparidaceae	Maerua crassifolia Forsk.		Sunduhi, Hasu (Ou)	۲۳
Caprifoliaceae	Lonicera caprifolium L.	**	Sweet honeysuckle	۲۲۴، ۱۹۵، ۷۵
Caprifoliaceae	Lonicera periclymenon L.			۲۴۸، ۳۱۸، ۲۴۴، ۱۸۵
Caprifoliaceae	Lonicera sp.		Honeysucle	۱۹۵
Caprifoliaceae	Sambucus ebulus	*	Mediterranean herb elder; danwort	۲۵۶
Caprifoliaceae	Sambucus nigra L.	*	European elder	۲۵۷، ۱۳۸
Caryophyllaceae	Gypsophila sp.		Gypsophila; chalk plant	۲۶۳
Caryophyllaceae	Gypsophila struthium L.			۲۶۳، ۱۷۱
Caryophyllaceae	Holosteum sp.		Mouse-ear	۲۴۸
Caryophyllaceae	Holosteum umbellatum L.	*	Jagged chickweed	۲۴۸، ۳۱۸، ۱۰۱
Caryophyllaceae	Agrostemma githago L.		Common corn cockle	۲۴۳، ۲۶۸، ۱۹۲، ۱۶۹، ۲۷
Caryophyllaceae	Agrostemma sp.		corn cockle	۱۶۸، ۱۳۲
Caryophyllaceae	<i>Cerastium aquaticum</i> L. = <i>Myosoton aquaticum</i> (L.) Monch.	*		۲۴۹
Caryophyllaceae	Dianthus caryophyllus L.		Pink-carnation	۲۳۸
Caryophyllaceae	Dianthus sp.			۲۳۸
Caryophyllaceae	Paronichia sp.		Nailwort; Whitwort	۱۱۸
Caryophyllaceae	Paronychia serpyllifolia DC.			۲۵۰، ۳۱۹، ۲۳۱
Caryophyllaceae	Saponaria officinalis L.	*	Bouncing bet	۲۳۳، ۱۷۱
Caryophyllaceae	Silene cucubalus Will.		Bladder silene	۱۰۰
Caryophyllaceae	Silene gallica L.		French silene	۲۴۹
Caryophyllaceae	Silene infelata Sm.			۲۵۱، ۱۳۶، ۱۰۰
Caryophyllaceae	Silene sp.		Catchfly; Campion	۲۵۵
Caryophyllaceae	Telephium imperati L.	*	Tree orpine	۱۷۰، ۷۵
Caryophyllaceae	Caryophyllus aromaticus L.			۲۳۸
Caryophyllaceae	Herniaria tourneforti			۶۳
Caryophyllaceae	Lychnis chalcidonica L.		Maltese cross campion	۲۶۸
Caryophyllaceae	Lychnis coronaria Desf.		Rose campion	۲۴۳، ۳۱۶، ۲۶۸
Caryophyllaceae	Lychnis githago L.			۱۶۹
Caryophyllaceae	Lychnis sp.			۲۶۸
Cecidomyiinae	Pinites stroboides (Conw.) Sch.			۲۶۴
Cecidomyiinae	Pinites succinifer Goppert & Berned		Amber	۲۶۴
Celasteraceae	Evonymus europeus L.	**	Prickwood	۸۲
Celasteraceae	Evonymus latifolia L.	*	Broad-leaved evonymus	۸۲
Celasteraceae	Evonymus velutina L.	*	Prickwood	
Celasteraceae	Evonymus verrucosa L.	*	Warty-barked	۸۲
Chamaeleonidae	<i>Chamaeleo vulgaris</i> = <i>Chamaeleo chamaeleon</i> (Parasite)		Common or European or Mediterranean	۴۷

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			Chameleon	
Chenopodiaceae	<i>Atriplex halimus</i> L.	**	Shrubby arach	۳۲۶، ۳۰۹، ۲۸۴، ۲۴۲
Chenopodiaceae	<i>Atriplex hastata</i> L.	*	Halberd-leaved Arrach	۲۴۲
Chenopodiaceae	<i>Atriplex hortensis</i> L.	*	Garden orach	۳۴۲، ۳۳۱، ۲۴۱، ۱۶۱، ۱۷۰
Chenopodiaceae	<i>Atriplex rosea</i> L.		Tumbling orach	۳۳۱، ۲۴۲، ۱۷۰، ۱۷۰
Chenopodiaceae	<i>Atriplex</i> sp.			۲۴۱، ۱۷۰
Chenopodiaceae	<i>Beta vulgaris</i> L.	*	Common beet	۳۳۱، ۱۹۷، ۱۹۲، ۱۷۴
Chenopodiaceae	<i>Blitum virgatum</i> L. = <i>Chenopodium foliosum</i> (Moench) Asch.		Strawberry Blite, Goosefoot, Pigweed	۸۴
Chenopodiaceae	<i>Camphorosma glabrum</i> L.			۲۴۹
Chenopodiaceae	<i>Camphorosma</i> sp.	*	Camphorfume	۱۶۰
Chenopodiaceae	<i>Chenopodium ambrosioides</i> L.	*	Wormseed goose ; Wormseed tea ; Mexican tea	۱۹۰، ۷۷
Chenopodiaceae	<i>Chenopodium botrys</i> L.	*	Jerusalem-oak goosefoot ; Jerusalem oak	۳۴۴، ۳۱۶، ۱۹۰، ۷۷
Chenopodiaceae	<i>Chenopodium capitatum</i> L.		Blire goosefoot ; Straw berry blite	۸۳
Chenopodiaceae	<i>Chenopodium murale</i> L.	*	Nettle-leaf goosefoot	۱۵۹
Chenopodiaceae	<i>Salicornia fruticosa</i> L.	*		۵۲
Chenopodiaceae	<i>Salicornia herbacea</i> L. = <i>Salicornia europaea</i> L.	*	Marsh samphire	۲۴۴، ۵۲
Chenopodiaceae	<i>Salicornia</i> sp.		Glasswort	۵۲
Chenopodiaceae	<i>Salsola kali</i> L.	*	Common russian thistle	۵۲
Chenopodiaceae	<i>Salsola soda</i> L.	*	Soda plant; bakilla-plant	۵۲
Chenopodiaceae	<i>Salsola tragus</i> L. = <i>Salsola kali</i> Subsp. <i>Tragus</i>	*		۵۲
Chenopodiaceae	<i>Spinacia oleracea</i> L.	**	Spinach; Prickly-seeded spinach	۴۸
Cholchicaceae	<i>Colchicum autumnale</i> L.			۳۵۲، ۳۲۰، ۲۳۲
Cholchicaceae	<i>Colchicum autumnale</i> L.		Common autumn crocus ; Meadow saffron	۱۸۰
Cholchicaceae	<i>Colchicum montanum</i> L. = <i>Colchicum szovitsii</i> Fisch&C.A.Mey.	*		۲۱۲
Cholchicaceae	<i>Colchicum parnassicum</i> Sart.			۳۵۳
Cholchicaceae	<i>Colchicum persicum</i> Bak.			۱۸۰
Cholchicaceae	<i>Colchicum</i> sp.		Autumn crocus	۱۸۰
Cholchicaceae	<i>Colchicum speciosum</i> Ste.			۱۸۰
Cholchicaceae	<i>Colchicum variegatum</i> L.			۱۸۰
Cistaceae	<i>Cistus creticus</i> L.		Wrinkle leaf rockrose	۳۲۷، ۲۶۵
Cistaceae	<i>Cistus hypocistis</i> L.			۳۲۷، ۳۱۰
Cistaceae	<i>Cistus ladanifolius</i> L.		Gum rockrose	۳۲۷، ۲۶۵، ۲۳۹



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cistaceae	<i>Cistus salviaefolius</i> Boiss.			۳۲۷
Cistaceae	<i>Cistus</i> sp.		Rockrose	۲۶۵
Cistaceae	<i>Cistus villosus</i> L.	**	Rock rose	۳۲۷، ۲۶۵
Colchicaceae	<i>Merendera persica</i> Boiss. = <i>Colchicum robustum</i> (Bge) Stefan	*		۱۸۰
Combretaceae	<i>Myrobalanus bellerica</i> Gaertn.			۷۹
Combretaceae	<i>Myrobalanus chebulae</i> <i>Gaertn.</i> = <i>Terminalia chebula</i>			۷۹
Combretaceae	<i>Myrobalanus citrinae</i> Gaertn.			۷۹
Combretaceae	<i>Myrobalanus nigrae</i>			۷۹
Combretaceae	<i>Terminalia bellerica</i> Roxb.	*	Myrobalan tree	۸۷، ۷۹
Combretaceae	<i>Terminalia chebula</i> Ret.		Hebula terminalia	۷۹، ۷۸
Combretaceae	<i>Terminalia citrina</i> Roxb.			۷۹
Combretaceae	<i>Terminalia horride</i> Stend.			۷۹
Compositae	<i>Achillea ageratum</i> L.			۳۵۰، ۵۵
Compositae	<i>Achillea fragrantissima</i> Sch.			۲۴۷، ۳۳۷
Compositae	<i>Achillea millefolium</i> L.	*	Common yarrow	۳۵۶، ۱۸۱، ۱۷۱، ۱۵۱
Compositae	<i>Achillea ptarmica</i> L.		Sneezewort	۳۳۳، ۳۱۲، ۲۱۶
Compositae	<i>Achillea pubescens</i> L.			۷۷
Compositae	<i>Achillea</i> sp.			۳۴۹
Compositae	<i>Achillea tomentosa</i> L.			۳۴۹، ۳۱۹، ۲۵۷، ۲۲۰، ۱۷۸، ۱۴۶
Compositae	<i>Achillea viscosa</i> Lam.			۳۵۰
Compositae	<i>Ambrosia maritima</i> L.			۳۴۴، ۳۱۶، ۷۷، ۶۱
Compositae	<i>Anacyclus pyrethrum</i> DC.			۳۴۱، ۳۱۵، ۲۵۵، ۲۰۶
Compositae	<i>Anacyclus radiatus</i> L.			۹۱
Compositae	<i>Anacyclus valentine</i>			۹۱
Compositae	<i>Antennaria</i> sp.		dillweed, dillseed, dill	۲۰۵
Compositae	<i>Anthemis arvensis</i> L.		Field camomile	۳۴۶، ۲۹۵، ۲۱۷، ۹۱، ۵۸
Compositae	<i>Anthemis chia</i> L.			۳۴۵
Compositae	<i>Anthemis nobilis</i> L.		Roman chamomile ; English camomile	۳۴۵، ۳۱۷، ۲۳۵، ۷۰، ۶۴، ۵۸
Compositae	<i>Anthemis pyrethrum</i> L.			۲۱۶، ۲۰۶
Compositae	<i>Anthemis rosea</i> Sibth.			۳۴۶
Compositae	<i>Anthemis</i> sp.		Comomile	۵۸
Compositae	<i>Anthemis tinctoria</i> L.		Golden Marguerite	۳۴۶، ۹۱، ۵۸
Compositae	<i>Anthemis valentina</i> L.			۳۴۶
Compositae	<i>Apargia</i> sp. = <i>Leontodon</i> sp.			۳۳۲
Compositae	<i>Arctium bardana</i> Willd.			۴۵
Compositae	<i>Arctium lappa</i> L.	*	Great burdock	۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵
Compositae	<i>Arctium tomentosum</i> Shkuhr.		Cotton burdock	۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵
Compositae	<i>Arnopogon picroides</i> Willd. = <i>Tragopogon capensis</i> Jacq. = <i>Tragopogon picroides</i> L. = <i>Urospermum capense</i> (Jacq.) Spreng. = <i>Urospermum</i> <i>picroides</i>		prickly goldenfleece, urospermum	۳۴۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Compositae	<i>Artemisia abrotanum</i> L.		Old-man wormwood ; Southern wood	۲۴۷، ۱۹۰، ۷۷
Compositae	<i>Artemisia absinthium</i> L.	*	Common worm ; Absinthium	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۳۰، ۵۶
Compositae	<i>Artemisia arborescens</i> L.		Sagewort worm wood ; Field wormwood	۳۴۴، ۱۹۳
Compositae	<i>Artemisia campestris</i> L.		Tarragon	۳۴۴
Compositae	<i>Artemisia dracunculus</i> L.	*	Maritime wormwood	۲۰۲
Compositae	<i>Artemisia judaica</i> L.		Wormwood	۲۰۶، ۱۹۳
Compositae	<i>Artemisia maritima</i> L.		Sea Wormwood	۳۳۷، ۱۹۳، ۷۷، ۵۶
Compositae	<i>Artemisia palmate</i> Lam.			۳۳۷
Compositae	<i>Artemisia pontica</i> L.		Roman wormwood	۳۳۷، ۱۹۳
Compositae	<i>Artemisia santonica</i> Lam.	*		۱۹۳
Compositae	<i>Artemisia siversiana</i> Ehrh. & Willd.			۵۶
Compositae	<i>Artemisia</i> sp.		Wormwood ; Sagebrush	۱۹۳، ۷۷
Compositae	<i>Artemisia vulgaris</i> L.	*	Douglas Mugwort	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۴۷، ۱۹۰، ۷۷
Compositae	<i>Aster alpinus</i> L.	*	Alpine aster	۱۳۲
Compositae	<i>Aster amellus</i> L.		Italian aster	۳۵۴، ۵۴، ۴۸
Compositae	<i>Aster atticus</i> Pall.			۵۴، ۴۸، ۴۷
Compositae	<i>Aster tripolium</i> L.	*	Tripoli aster ; Sea aster	۲۰۳، ۹۳، ۴۸
Compositae	<i>Astrattikos tripolium</i> L. = <i>Aster tripolium</i> L. ssp. <i>tripolium</i>			۳۵۷
Compositae	<i>Atractylis gummifera</i> L.Q.			۳۳۶، ۹۷، ۵۱
Compositae	<i>Aucklandia costus</i> Fal. = <i>Aucklandia lappa</i> (Decne.) = <i>Saussurea costus</i> (Falc.) = <i>Saussurea lappa</i> (Decne.)			۲۳۹
Compositae	<i>Baccharis</i> sp.		Baccharis	۳۳۹، ۳۱۴
Compositae	<i>Cacalia</i> sp.			۲۳۳، ۲۳۲
Compositae	<i>Cacalia verbascifolia</i> Sib.			۲۳۲
Compositae	<i>Calendula arvensis</i> L.		Pot marigold	۳۵
Compositae	<i>Calendula officinalis</i> L.	*		۳۵۷، ۳۵
Compositae	<i>Cardopatum corymbosum</i> pers.			۳۳۶، ۵۱، ۴۷
Compositae	<i>Carduus benedictus</i> Auct.			۷۱
Compositae	<i>Carduus pycnocephalus</i> L.	*		۳۳۶
Compositae	<i>Carthamus lanatus</i> L.	*	Woolly safflower	۳۴۲، ۲۳۷، ۲۱۰، ۴۲
Compositae	<i>Carthamus</i> sp.		Safflower ; False saffron	۲۳۸
Compositae	<i>Carthamus tinctorius</i> L.	*	Safflower	۲۳۶، ۲۱۰، ۴۲
Compositae	<i>Centaurea aegpitiaca</i> Del.			۲۷۸
Compositae	<i>Centaurea alexandrina</i> D.			۲۷۸
Compositae	<i>Centaurea behen</i> L.	*	White behen	۹۱
Compositae	<i>Centaurea benedicta</i> L.			۱۱۰



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Compositae	<i>Centaurea calcitrapa</i> L.		Star thistle	۲۷۸
Compositae	<i>Centaurea centaurium</i> L.			۳۳۶، ۳۱۳، ۲۴۶
Compositae	<i>Centaurea cyanus</i> L.	*	Corn flower ; Bachlor's button ; Bluebottle	۲۴۶، ۱۰۸
Compositae	<i>Centaurea minus</i> Moen.			۲۴۶
Compositae	<i>Centaurea officinale</i>			۲۴۶
Compositae	<i>Centaurea pallescens</i> Del.			۲۷۸
Compositae	<i>Centaurea</i> sp.			۲۴۶
Compositae	<i>Centaurea stellata</i>			۲۷۸
Compositae	<i>Chamaepeuce diacantha</i> DC.			۱۲۸
Compositae	<i>Chondrilla juncea</i> L.		Rush skeleton weed ; Gun succory	۳۲۲، ۳۱۱، ۳۰۱، ۲۹۸، ۱۳۹
Compositae	<i>Chondrilla ramosissima</i> Sibth.			
Compositae	<i>Chondrilla</i> sp.		Sierra juniper	۱۳۹
Compositae	<i>Chrysanthemum coronarium</i> L.		Crowndaisy ; Crown-daisy chrysanthemum	۳۰۰، ۹۱
Compositae	<i>Chrysanthemum parthenium</i> Pers. = <i>Tanacetum parthenium</i> (L.) Shultz-Bip.	*	Feverfew ; Feverfew chrysanthemum	۳۴۶، ۳۱۷، ۱۸۸، ۵۸
Compositae	<i>Chrysanthemum segetum</i> L.		Corn chrysanthemum ; Corn marigold	۹۱
Compositae	<i>Chrysocoma linosyris</i> L.			۳۰۰
Compositae	<i>Chrysocoma</i> sp.			۳۰۰، ۳۱۹، ۱۵۱،
Compositae	<i>Cichorium endivia</i> L.	**		۳۳۲، ۲۹۸
Compositae	<i>Cichorium intybus</i> L.	*	Common chicory	۲۹۸، ۲۹۸
Compositae	<i>Cincus acarna</i> = <i>Picnomon</i> <i>acarna</i> (L.) Cass.			۵۸
Compositae	<i>Cincus</i> sp.			۳۵۷
Compositae	<i>Cirsium diacantha</i> DC.			۱۲۸
Compositae	<i>Cirsium rhizocephalum</i> C.A.Mey.	*		۱۵۱
Compositae	<i>Cirsium stellatum</i> L.			۳۵۷، ۳۹
Compositae	<i>Cirsium tenuiflorum</i> Boiss.			۳۵۴
Compositae	<i>Cirsium tuberosum</i> All.			۳۳۷
Compositae	<i>Cnicus acarna</i> L.			۳۳۶، ۷۱
Compositae	<i>Cnicus tuberosus</i> L.			۳۳۷
Compositae	<i>Conyza candida</i> L.			۳۵۴
Compositae	<i>Conyza squarrosa</i> L.			۳۳۹
Compositae	<i>Cynara cardunculus</i> L.		Cardoon	۲۹۹، ۱۱۵، ۱۱۴
Compositae	<i>Cynara scolymus</i> L.		Artichoke ; Globe artichoke	۳۳۷، ۲۶۲، ۱۱۵، ۱۱۴
Compositae	<i>Cynara</i> sp.			۲۹۹، ۱۱۵
Compositae	<i>Cynara syriacus</i> Gaer.			۲۹۹، ۲۹۹
Compositae	<i>Doronicum cordatum</i> C.Koch = <i>Doronicum wulfenianum</i> Poir. = <i>Doronicum columnae</i>			۱۲۹

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	Ten.			
Compositae	Doronicum hookeri Hook.			۱۴۵
Compositae	Doronicum pardalianches L.			۳۵۲، ۱۴۵، ۱۴۵، ۱۲۹
Compositae	Doronicum roylei DC.			۱۴۵
Compositae	Doronicum scorpioides Lam. = <i>Doronicum viscosum</i> Nym. = <i>Doronicum grandiflorum</i> Lam.			۱۴۵، ۱۴۵
Compositae	Echinops sphaerocephalus		Common globe thistle	۳۴۱، ۳۳۶
Compositae	Erigeron sp.		Fleabane; Cutleaf Daisy	۱۹۳
Compositae	Eupatorium cannabinum L.	*	Hemp eupatorium	۳۴۹، ۲۳۸، ۹۴
Compositae	<i>Flores tussilaginis</i> = <i>Flores Farfarae</i> , <i>Flores Tussilaginis</i> , <i>Flos Farfarae</i> = <i>Farfarae flos</i>			۷۳
Compositae	Gnaphalium dioicum L.			۲۲۶
Compositae	<i>Gnaphalium leontopodium</i> L. = <i>Leontopodium alpinum</i> Cass.		Edelweiss; Pied de lion; Immortelle des neiges	۳۵۳، ۲۰۰، ۱۴۷
Compositae	Gnaphalium sanguineum Spr.			۳۳۹، ۱۴۷
Compositae	Gnaphalum L.		Cudweed	۳۴۴، ۲۲۶، ۳۱۶،
Compositae	Gundelia tournefortii L.	*		۱۱۵
Compositae	Helichrysum sanguineum Cost.			۱۴۷
Compositae	Helichrysum siculum (Spr.) Boiss.			۳۵۰
Compositae	Helichrysum sp.		Eveylasting	۳۵۰، ۳۱۹
Compositae	Helichrysum stoenchas DC.			۶۱
Compositae	<i>Helminthia echiodes</i> Gaertn. = <i>Helmnthothecea echioides</i> (L.) Wolud		Bugloss	۳۳۱
Compositae	Inula britannica L.	*	British inula	۳۴۴
Compositae	Inula candida Cass.			۳۵۴
Compositae	Inula conyzoides DC.		Cinnamonroot inula	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۰۰، ۷۷
Compositae	Inula conyzoides L.			۱۸۳
Compositae	Inula helenium L.		Elecampane inula	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۵۴، ۱۵۳
Compositae	Inula saxatilis Lam.			۳۴۴
Compositae	Inula viscosa Ait.			۳۰۱، ۲۰۰
Compositae	Lactuca sativa L.	**	Garden lettuce	۳۳۲، ۱۳۴، ۱۳۳
Compositae	Lactuca scariola L. = <i>Lactuca serriola</i> L.	*	Prickly lettuce	۳۳۲
Compositae	Lactuca sp.		Lettuce	۱۳۳
Compositae	<i>Lappa major</i> Gaertn. = L. <i>officinalis</i> All. = <i>Arctium lappa</i> L.		Great burdock	۳۵۴، ۳۲۰، ۴۵۰
Compositae	Leontodon sp.		Hawkbit	۳۰۱
Compositae	Leontodon taraxacum L.			۲۰۰
Compositae	Leontopodium de Dioscoride			۳۵۷، ۶۷
Compositae	Matricaria aurea Sch.	*		۵۸

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Compositae	<i>Matricaria chamomilla</i> L.		German comomile	۲۳۵، ۱۸۷، ۵۸
Compositae	<i>Matricaria parthenium</i> L.		Feverfew	۵۸
Compositae	<i>Micropus erectus</i> L.			۳۵۵
Compositae	<i>Onopordon acanthium</i> L.	*	Cotton thistle	۳۳۶، ۲۰۴، ۱۸۹، ۷۱، ۵۸
Compositae	<i>Onopordon arabicum</i> L.			۳۳۷، ۱۸۹
Compositae	<i>Onopordon illiricum</i> L.			۳۳۷
Compositae	<i>Picnomon acarna</i> (L.) Cass.	*	Yellow plume thiste	۷۲
Compositae	<i>Picnomon acarna</i> Coss.			۳۳۶، ۷۳
Compositae	<i>Podospermum jacquinianum</i> Koch . = <i>Scorzonera cana</i> (C.A. Meyer) O. Hoffm			۲۶۸
Compositae	<i>Prenanthes purpurea</i> L.			۳۴۱
Compositae	<i>Pulicaria crispa</i> Cass . = <i>Francoeuria undulate</i> (L.) Loc.	*		۱۰۲
Compositae	<i>Pulicaria odora</i> Reichb.			۱۸۳
Compositae	<i>Pyrethrum parthenium</i> Sm . = <i>Tanacetum parthenium</i> (L.) Sch.	*	Feverfew; Feverfew chrysanthemum	۳۴۶، ۱۸۶
Compositae	<i>Santolina maritima</i> Smith.			۳۴۴، ۲۲۶
Compositae	<i>Saussurea lappa</i> Clarke		Saussura	۲۳۹
Compositae	<i>Scolymus hispanicus</i> L . = <i>Scolymus grandiflorus</i> auct.	*	Spanis; golden thistle	۳۳۶، ۳۱۳، ۱۱۴
Compositae	<i>Scorzonera elongata</i> L.			۳۴۰
Compositae	<i>Senecio coronopifolius</i> Defs . = <i>Senecio glaucus</i> L.	*		۱۰۲
Compositae	<i>Senecio vulgaris</i> L. = Common groundsel	*		۳۵۳
Compositae	<i>Serratula chamepeuce</i> L.			۲۱۸
Compositae	<i>Silybum marianum</i> Gaer.	*	Blessed milk Thistle; St.mary thistle	۳۵۵، ۲۱۳، ۱۱۵، ۷۱
Compositae	<i>Silybum syriacum</i>			۳۳۷
Compositae	<i>Sonchus arvensis</i> L.		Field sow thistle	۳۳۱
Compositae	<i>Sonchus ciliatus</i> L.			۸۴، ۵۰
Compositae	<i>Sonchus oleraceus</i> L.	*	Common sow thistle	۳۳۱، ۳۱۱، ۲۹۶، ۸۴، ۵۰
Compositae	<i>Tagetes erecta</i> L . = <i>Tagetes</i> mayor		Aztec marigold	۲۴۳، ۲۰۱
Compositae	<i>Tanacetum annum</i> L.			۶۱
Compositae	<i>Tanacetum umbeliferum</i> Boiss.			۸۹
Compositae	<i>Tanacetum vulgare</i> L.		Common tansy	۱۱۹
Compositae	<i>Taraxacum dens-leonis</i> DC.			۲۰۰
Compositae	<i>Taraxacum officinale</i> Will.		Common dandelion	۲۹۸، ۲۹۶، ۲۰۰، ۱۳۴
Compositae	<i>Taraxacum vulgare</i> Shramk = <i>Taraxacum vagum</i> V.S.	*		۲۰۰
Compositae	<i>Telekia speciosissima</i> DC . = <i>Bupthalmum speciosissimum</i> L.			۲۹۵
Compositae	<i>Thrinicia tuberosa</i> DC.			۳۳۲
Compositae	<i>Tragopogon orientalis</i> L.			۳۳۲، ۳۱۲
Compositae	<i>Tragopogon pratensis</i> L.		Meadow salsify	۲۶۸، ۱۵۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Compositae	Tragopogon sp.		Salsify ; Goatsbeard	۲۶۸
Compositae	Tragopogon villosus L.			۳۳۲
Compositae	Tussilago farfara L.	*	Horse-hoof; Common colt's foot	۳۳۴، ۱۷۲، ۱۱۹، ۷۳
Compositae	Tussilago vulgaris L.			۳۴۴
Compositae	Ungula caballina			۷۳
Compositae	Xanthium strumarium L.	*	Lesser burdock	۳۵۵
Convolvulaceae	Convolvulus arvensis L.	*	European glovybind	۳۴۸، ۲۶۷
Convolvulaceae	Convolvulus farinosus L.			۳۵۶
Convolvulaceae	Convolvulus hystirix Vahl.			۱۹۸
Convolvulaceae	Convolvulus scammonia L.		Scammony glorybind	۳۵۶، ۱۷۳
Convolvulaceae	Convolvulus sepium L.		Heath rush	۲۸۹
Convolvulaceae	Convolvulus sepium L.		Glorybind	۳۵۵، ۳۴۸
Convolvulaceae	Convolvulus sp.			۲۶۷
Convolvulaceae	Convolvulus syriacus			۱۷۳
Convolvulaceae	Convolvulus turpethum L.			۹۴
Convolvulaceae	Cressa cretica L.			۳۴۵، ۱۶۵، ۶۴
Convolvulaceae	Ipomea hederacea Jack.			۲۹۲، ۱۱۳
Convolvulaceae	Ipomea turpethum R.Br.			۹۳
Corallinaceae	Corallina officinalis L.			۳۵۳، ۲۰۱
Cornaceae	Cornus mas L.	*	Cornelian cherry ; Cornelian cherry	۳۲۸، ۲۳۵، ۱۶۳
Cornaceae	Cornus mascula L.			۳۲۸، ۲۷۸
Cornaceae	Cornus sanguinea L.	*	Red dog wood	۲۳۵
Cornaceae	Cornus sp.		Campion	۲۳۵
Corylaceae	Corylus avellana L.	*		۳۲۹، ۱۰۵، ۸۸
Crassulaceae	Cotyledon lusitanicus Lam.			۳۵۲، ۳۲۰، ۲۴۷
Crassulaceae	Cotyledon serrata L.			۳۵۳
Crassulaceae	Cotyledon umbilicus L.			۳۵۳، ۱۷۰، ۳۴
Crassulaceae	Sedum anopetalum DC.		Goldmoss; stonecrop goldmoss	۳۵۶
Crassulaceae	Sedum acre L.			۳۵۳، ۳۸
Crassulaceae	Sedum cepaea L.			۳۴۶، ۳۱۸، ۱۰۸
Crassulaceae	Sedum ochroleucum Vill.			۳۵۳
Crassulaceae	Sedum roseum Scop.		Rose-root stonecrop	۳۵۰
Crassulaceae	Sedum sp.		Stonecrop	۳۸
Crassulaceae	Sedum stellatum L.			۳۵۳
Crassulaceae	Sedum telephium L.		Live-forever	۲۲۳، ۳۸
Crassulaceae	Sedum telephullon L.			۳۵۳
Crassulaceae	Sempervivum arboreum L.			۳۵۳، ۶۴، ۳۸
Crassulaceae	Sempervivum sp.		Houseleek	۳۸
Crassulaceae	Sempervivum tectorum L.		Hen-and-chickens; Roof houseleek	۳۸
Cruciferae	Alliaria officinalis L. = Alliaria petiolata (M.B.) Cav.&Grand.	*	Garicmustard ; Hedge ; Garrlic	۹۸

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cruciferae	<i>Alyssum campestre</i> L. = <i>Ayssum minus</i> (L.) Rothu.	*		۹۶
Cruciferae	<i>Alyssum clypeatum</i> L.			۳۴۲
Cruciferae	<i>Alyssum saxatile</i> L.	*	Golden tuft ; Golden-tuft alyssum	۳۴۲، ۳۱۵، ۶.
Cruciferae	<i>Alyssum</i> sp.		Alyssum	۶.
Cruciferae	<i>Anastatica hierochuntica</i> L.	*	Jericho resurrection mustard	۱۹۸، ۱۸۶
Cruciferae	<i>Barbarea vulgaris</i> R.Br.		Bitter winter cress	۱۰۲
Cruciferae	<i>Brassica alba</i> L.		White mustard	۳۳۳، ۱۱۵
Cruciferae	<i>Brassica bunias</i> DC.			۳۳.
Cruciferae	<i>Brassica campestris</i> L.	*	Bird rape	۱۹۰
Cruciferae	<i>Brassica campestris</i> L. var. <i>napus</i> Bal.			۱۹۰
Cruciferae	<i>Brassica capitata</i> Hort.			۲۵۶
Cruciferae	<i>Brassica caulorapa</i> Pasq.			۲۵۶
Cruciferae	<i>Brassica cretica</i> L.			۳۳۱
Cruciferae	<i>Brassica erucastrum</i> L.			۱۰۲
Cruciferae	<i>Brassica incana</i> L.			۳۳۱، ۲۵۶
Cruciferae	<i>Brassica napus</i> L.		Winter rape	۳۳۰، ۱۹۰
Cruciferae	<i>Brassica nigra</i> Koch.		Black mustard	۱۳۱
Cruciferae	<i>Brassica oleracea</i> L.	*	Wild cabbage	۳۳۱، ۲۵۶
Cruciferae	<i>Brassica oleracea</i> var. <i>botrytis</i>	*	Cauliflower	۲۴۵
Cruciferae	<i>Brassica rapa</i> L.		Turnip	۳۳.
Cruciferae	<i>Brassica sinapistrum</i> Boiss.			۱۳۱
Cruciferae	<i>Bunias erucago</i> L.			۳۳.
Cruciferae	<i>Cakile maritima</i> Sco.		GULF SEAROCKET	۲۴۳، ۲۳۲
Cruciferae	<i>Camelina sativa</i> Crant.		Big-seeded false flax	۳۵۴
Cruciferae	<i>Cardamine amara</i> L.			۲۳۶
Cruciferae	<i>Cochlearia armoracia</i> L.			۲۲۴
Cruciferae	<i>Cochlearia coronopus</i> L.			۱۱۶، ۳۶
Cruciferae	<i>Crambe maritima</i> L.		Common colewort	۲۵۶
Cruciferae	<i>Eruca sativa</i> Lam.		Rocket salad	۱۰۲
Cruciferae	<i>Eruca sativa</i> Mill.			۳۳۲
Cruciferae	<i>Erysimum barbarea</i> L.			۱۳۰
Cruciferae	<i>Erysimum cheiranthoides</i> L.		Treacle erysimum	۱۳۰
Cruciferae	<i>Erysimum officinale</i> L. = <i>Sisymbrium officinale</i> (L.) Scop.	*	Hedg mustard	۹۶
Cruciferae	<i>Erysimum repandum</i> L.	*	Spreading erysimum	۱۲۹
Cruciferae	<i>Farsetia clypeata</i> R.Br.			۶۰
Cruciferae	<i>Isatis lusitanica</i> Brot.	*		۳۳
Cruciferae	<i>Isatis</i> sp.		Woad	۲۱۱
Cruciferae	<i>Isatis titictoria</i> L.	*	Dyer's woad	۳۳۵، ۳۱۳، ۲۹۲، ۲۵۱، ۲۱۱، ۱۱۳
Cruciferae	<i>Lepidium campestre</i> L.	*		۱۱۶، ۱۱۵، ۱۰۲

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cruciferae	<i>Lepidium campestris</i> R.Br.		Field pepper weed	۳۳۳، ۱۳۱
Cruciferae	<i>Lepidium draba</i> L. = <i>Cardaria draba</i> (L.)Des.		Pepper weed white top	۳۳۳، ۳۱۲، ۲۴۵، ۱۱۶
Cruciferae	<i>Lepidium iberis</i> L.			۱۹۴
Cruciferae	<i>Lepidium latifolium</i> L.	*	Eropean papperwort	۳۳۴، ۱۹۴
Cruciferae	<i>Lepidium sativum</i> L.	*	Garden-cress; Peppergrass	۳۳۴، ۳۳۳، ۳۱۲، ۱۹۴، ۱۱۵
Cruciferae	<i>Lepidium</i> sp.		Pepperweed; Peppergrass	۲۸۱، ۱۹۳
Cruciferae	<i>Matthiola incana</i> R.Br.		Common stock	۳۴۵، ۱۶۹، ۷۹
Cruciferae	<i>Matthiola livida</i> DC.			۲۸۵، ۱۳۸
Cruciferae	<i>Raphanus niger</i> Mill.			۲۲۴
Cruciferae	<i>Raphanus raphanistrum</i> L.	*	Wild radish	۳۳۰، ۲۲۴
Cruciferae	<i>Raphanus sativus</i> L.	**	Garden radish	۳۳۰، ۳۱۱، ۲۲۴
Cruciferae	<i>Raphanus</i> sp.		Radish	۲۲۴
Cruciferae	<i>Senebiera coronopus</i> (L.) Poir. = <i>Coronopus squamatus</i> (Forssk.) Ascherson		coronopus; Greater swinecress	۱۱۶
Cruciferae	<i>Sinapis alba</i> L.	*	White mustard	۱۳۱، ۱۱۵
Cruciferae	<i>Sinapis arvensis</i> L.	*	Charlock	۳۳۰، ۱۳۱
Cruciferae	<i>Sinapis nigra</i> L.			۱۳۱
Cruciferae	<i>Sinapis</i> sp.		Mustard	۱۳۱
Cruciferae	<i>Sisymbrium alliaria</i> Scop.			۹۹
Cruciferae	<i>Sisymbrium irio</i> L.	*	London pride	۱۲۹
Cruciferae	<i>Sisymbrium nasturtium</i> Muhl.			۳۳۱
Cruciferae	<i>Sisymbrium officinale</i> L.	*	Hedg mustard	۹۶
Cruciferae	<i>Sisymbrium officinale</i> Scop.			۳۳۳، ۱۲۹
Cruciferae	<i>Sisymbrium polyceratium</i>			۳۳۳، ۱۲۹
Cruciferae	<i>Sisymbrium sophia</i> L. = <i>Descurainia sophia</i> (L.)Sct.	*		۱۳۰
Cruciferae	<i>Sisymbrium</i> sp.		Sisymbrium	۹۶
Cruciferae	<i>Thlaspi bursa-pastoris</i> L.			۳۳۳
Cruciferae	<i>Thlaspi campestre</i> L.			۱۳۱، ۱۰۲
Crucifrae	<i>Cheiranthus cheiri</i> L.	**	Common wallflower	۲۸۵، ۱۷۰، ۱۴۰
Crucifrae	<i>Cheiranthus flava</i> L.			۳۴۴
Crucifrae	<i>Cheiranthus incanus</i> L.			۱۶۹
Crucifrae	<i>Cheiranthus</i> sp.		Wallflower	۲۸۵، ۱۴۰
Crucifrae	<i>Cheiranthus tricuspidatus</i> L.			۳۴۴
Cruiferae	<i>Nasturtium officinale</i> R.Br.			۲۸۴، ۲۳۵، ۲۲۴، ۱۱۵
Cruiferae	<i>Nasturtium officinalis</i> L.	*	Water cress	۳۳۱، ۱۱۶
Cucurbitaceae	<i>Bryonia alba</i> L.		White bryony	۲۹۷، ۲۲۲
Cucurbitaceae	<i>Bryonia dioica</i> Jacq.	*	Red-berry bryony	۲۹۷، ۲۲۲
Cucurbitaceae	<i>Bryonia</i> sp.		Bryony	۲۲۲
Cucurbitaceae	<i>Citrullus colocynthis</i> Schrad	*		۲۳۷، ۱۲۷
Cucurbitaceae	<i>Cucumis asininus</i> Willd.			۲۳۳



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cucurbitaceae	Cucumis colocynthis L.			۳۵۶، ۲۳۷
Cucurbitaceae	Cucumis flexuosus L.		Snake melon	۲۳۳
Cucurbitaceae	Cucumis melo L.	*	Muskmelon	۳۳۲، ۱۹۰، ۸۱
Cucurbitaceae	Cucumis pepo Dum.		Pumpkin	۳۳۲
Cucurbitaceae	Cucumis sativus L.	*	Cucumber	۳۳۲، ۲۲۷، ۲۳۴، ۲۳۳، ۱۳۹
Cucurbitaceae	Cucumis vulgaris			۸۲، ۸۱
Cucurbitaceae	Cucurbita citrullus L.			۸۲
Cucurbitaceae	Cucurbita lagenaria L.			۳۳۲، ۲۳۷
Cucurbitaceae	Cucurbita maxima Duch.		Winter squash	۲۳۸
Cucurbitaceae	Cucurbita pepo L.	*		۲۳۷، ۱۴۲
Cucurbitaceae	Cucurbita sp.		Gourd ; squash	۲۳۷، ۱۴۲
Cucurbitaceae	Ecballium elaterium Rich.		Squirting cucumber	۲۳۴، ۱۹۴
Cucurbitaceae	Elaterium agreste			۲۳۴
Cucurbitaceae	Elaterium officinale			۲۳۴
Cucurbitaceae	Lagenaria vulgaris Ser.	**	Calabash gourd; Bottle gourd	۱۴۲
Cucurbitaceae	Luffa aegyptiaca Mill.			۲۷۳
Cucurbitaceae	Luffa cylindrica M.Roe.	**	Suakwa-vegetable sponge	۲۷۳
Cucurbitaceae	Luffa sp.		Towel ground ; Dishcloth gourd	۲۷۳
Cucurbitaceae	<i>Momordica elaterium</i> L. = <i>Ecballium elaterium</i> (L.) A. Reich		squirting cucumber, pepino de Sao Gregorio, pepino do Diabo, elaterio	۳۵۵، ۲۳۴
Cucurbitaceae	<i>Poppia fabiana</i> Koch . = <i>Luffa</i> <i>cylindrica</i> (L.) Roem.			۲۷۳
Cupressaceae	Callitris quadrivalvis Vent.		Arar tree	۱۷۸
Cupressaceae	Callitris sp.		Cypress pine	۱۷۸
Cupressaceae	Chamacyparis sp.		False cypress	۱۸۷
Cupressaceae	Cupressus horizontalis Mill.			۳۹
Cupressaceae	Cupressus sempervirens L.	**	Italian cypress	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۷۰، ۳۹
Cupressaceae	Cupressus sp.		Cypress	۱۷۰
Cupressaceae	Juniperus communis L.	*	Common juniper	۳۲۵، ۲۰۸، ۳۹
Cupressaceae	Juniperus oxycedrus L.	*	Prickly juniper; Red berried juniper	۲۳۴، ۲۰۸
Cupressaceae	Juniperus sabina L.		Sarin juniper	۳۲۵، ۳۹
Cupressaceae	Juniperus sp.		Juniper	۲۰۸
Cupressaceae	Juniperus vulgaris			۲۰۸
Cupressaceae	Thuja articulata Vahl.		Oriental arborvitae; Chinese arborvitae	۱۷۹
Cupressaceae	Thuja orientalis L.			۲۱۲
Cuscutaceae	Cuscuta epithymum Mur.		Common dodder	۳۵۶، ۲۵۸، ۱۲۳، ۵۶، ۵۵
Cuscutaceae	Cuscuta europaea L.	*	Greater dodder	۳۳۲، ۲۵۸، ۵۵
Cuscutaceae	Cuscuta hyalina Roth.			۲۵۸
Cuscutaceae	Cuscuta monogyna Vahl.	*		۲۵۸
Cuscutaceae	Cuscuta planifolia Ten.	*		۲۵۸
Cuscutaceae	Cuscuta sp.			۲۶۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Cynipidae	Cynips gallaeturciae Hart.		Gall wasps	۲۱۲
Cynomoriaceae	Cynomorium coccineum L.			۲۰۱
Cyperaceae	Cyperus esculentus L.		Chufa flat sedge ; chufa ; Earth almond	۱۶۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۴۹
Cyperaceae	Cyperus longus L.	*	Galingale flat sedge ; Long cyperus	۱۷۲، ۳۲۴، ۳۰۹
Cyperaceae	Cyperus papyrus L.		Payrus	۷۵
Cyperaceae	Cyperus papyrus Trin.			۳۲۲، ۳۰۹
Cyperaceae	Cyperus rotundus L.	*	Nut grass flat sedge	۱۷۲
Cyperaceae	Cyperus sp.		Flat sedge cypress grass	۱۷۲
Cyperaceae	<i>Papyrus antiquorum</i> Willd. = <b>Cyperus Papyrus</b>		Papyrus	۳۲۲، ۷۵
Cyperaceae	Papyrus domesticus Poir.			۷۶
Cyperaceae	Schaenus sp.		Bog rush	۲۱۷
Dioscoraceae	Tamus communis L.			۳۵۷، ۳۵۶، ۲۲۲
Dioscoraceae	Tamus dioica	*	Adder's meat	۲۲۲
Dioscoraceae	Tamus sp.		Black bryony	۲۹۷، ۲۲۲
Dipsacaceae	Dipsacus fullonum L.		Wild teasel	۳۳۶، ۳۱۳، ۱۵۰
Dipsacaceae	<i>Dipsacus sylvestris</i> Mill. = <b>Dipsacus fullonum ssp. sylvestris</b>		Teasel, Common or Wild	۳۳۶
Dipsacaceae	<i>Trichera arvensis</i> Schrad. = <i>Knautia arvensis</i> (L.) Coulter = <i>Scabiosa arvensis</i> L.		Status(es) (compiled from below "Data sources"): Weed	۱۷۱
Dipsacaceae	<i>Cephalaria pilosa</i> Schr. = <b>Dipsacus pilosus</b> L.	*		۲۱۰
Dryopteridaceae	Ahyrium filix-mas L.			۱۷۱
Ebenaceae	Diospyros ebenum Kon.		Ebony persimmon	۳۳
Ebenaceae	Diospyros melanoxylon Roub.			۳۲۷
Elaeagnaceae	Elaeagnus angustifolius L.	*	Russian olive	۲۱۹، ۱۶۳
Elaeagnaceae	Elaeagnus hortensis Boiss.			۲۱۹
Elaeagnaceae	Elaeagnus sp.		Eleagnus	۱۶۳
Elaeagnaceae	Hippophae rhamnoides L.	*	Common sea buckthorn	۳۵۶، ۳۹
Ephedraceae	Ephedra distachya Bort.	*	Joint-fir ephedra ; sea grape	۳۵۰، ۳۲۹، ۲۰۱
Ephedraceae	Ephedra vulgaris Rich.			۲۹۹
Equisetaceae	Equisetum arvense L.	*	Field horsetail	۳۵۰، ۲۶۲، ۲۱۱، ۱۵۱، ۵۰
Equisetaceae	Equisetum fluviatile L.			۳۵۰
Equisetaceae	Equisetum hyemale L.		Scouring rush	۲۶۲، ۱۵۱
Equisetaceae	<i>Equisetum limosum</i> L. = <b>Equisetum fluatile</b> L.	*	Swamphorse tail	۳۵۰
Equisetaceae	Equisetum pallidum L.			۳۴۷، ۲۱۰
Equisetaceae	Equisetum ramosissimum Desf.	*		۲۴۶، ۵۰
Equisetaceae	Equisetum sylvaticum L.			۳۵۰
Ericaceae	Erica arborea L.			۳۲۶، ۳۰۹، ۱۳۷، ۴۶
Ericaceae	Erica cinerea L.		Twisted heath	۱۳۷



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Ericaceae	Erica sp.		Heath	۱۳۷
Ericaceae	Arbutus andrachne			۳۲۸
Ericaceae	Arbutus sp.			۲۴۲، ۲۳۱
Ericaceae	Arbutus unedo L.	*	Strawberry saxifrage ; Aron's-beard	۳۲۸، ۲۴۲، ۲۳۱، ۲۱۱، ۱۰۶
Ericaceae	Arctostaphylos uva-ursi Spreng.		Bearberry	۲۱۵
Euphorbiaceae	Croton tiglium L.		Purging coroton	۲۷۷، ۱۴۷، ۱۱۳
Euphorbiaceae	Croton tinctorium L.			۹۵
Euphorbiaceae	<i>Croton tinctorium</i> L. = <i>Chrozophora tinctoria</i> (L.) A. Juss.		Croton; Maurelle(F)	۳۵۷
Euphorbiaceae	Embellica officinalis Ga.		Embelic myrobalan Indian gooseberry	۶۳
Euphorbiaceae	Euphorbia aculeata Forsk.			۲۵۳
Euphorbiaceae	Euphorbia aleppica L.	*		۳۵۶
Euphorbiaceae	Euphorbia apios L.			۳۵۶، ۵۷
Euphorbiaceae	Euphorbia chamaesyce L.			۱۲۷
Euphorbiaceae	Euphorbia characias L.			۳۵۶
Euphorbiaceae	Euphorbia curcas			۱۰۸
Euphorbiaceae	Euphorbia dendroides L.			۳۵۶، ۱۲۱
Euphorbiaceae	<i>Euphorbia esula</i> L. = <i>Euphorbia boissieriana</i> (Woron.)prokh.	*	Leafy euphorbia	۲۶۵
Euphorbiaceae	Euphorbia falcata L.	*	Sickle-grass	۳۵۶
Euphorbiaceae	Euphorbia helioscopia L.	*	Sun euphorbia	۳۵۶، ۳۰۰، ۲۲۵
Euphorbiaceae	Euphorbia lathyris L.		Caper euphorbia	۳۵۶، ۲۷۷، ۲۲۴
Euphorbiaceae	Euphorbia myrsinites	*		۳۵۶، ۳۰۰
Euphorbiaceae	Euphorbia officinarum L.			۲۲۵
Euphorbiaceae	Euphorbia paralias L.		Sea staff-sea wand	۳۵۶، ۳۰۰
Euphorbiaceae	Euphorbia pilosa L.			۳۵۶
Euphorbiaceae	Euphorbia pilulifera L.			۶۵
Euphorbiaceae	Euphorbia pithyusa L.			۲۲۵، ۱۸۴
Euphorbiaceae	Euphorbia pythuse Friw.			۱۷۵
Euphorbiaceae	Euphorbia resinifera Berg.			۲۲۵
Euphorbiaceae	Euphorbia sibthorpii Boiss.			۳۰۰
Euphorbiaceae	Euphorbia sp.		Ebebright	۲۴۲، ۳۱۵، ۳۰۰، ۲۲۴، ۵۵
Euphorbiaceae	Euphorbia spinosa L.	*		۳۵۷، ۳۹
Euphorbiaceae	Euphorbia triaculeata For.			۲۶۵
Euphorbiaceae	Hippomane manchinella L.		manchineel	۱۹۴
Euphorbiaceae	Jatropha curcas L.		Barbados nut ; physic nut	۱۰۸
Euphorbiaceae	Jatropha gossipifolia L.			۲۲۷
Euphorbiaceae	Mallotus philippinensis Mull.		Red kamala	۲۹۵، ۲۴۴
Euphorbiaceae	Mallotus sp.			۲۴۴
Euphorbiaceae	Mercurialis annua L.	*	Herb mercury	۳۵۷، ۲۴۴، ۱۲۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Euphorbiaceae	<i>Mercurialis</i> sp.			۱۲۱
Euphorbiaceae	<i>Phyllanthus emblica</i> L. = <i>Emblia officinalis</i>		Emblia leaf flower	۶۳
Euphorbiaceae	<i>Ricinus communis</i> L.	*	Castor bean	۳۵۶، ۲۰۳، ۱۳۳
Euphorbiaceae	<i>Rottlera tinctoria</i> Roxb. = <i>Croton philippensis</i> Lam. <i>Mallotus reticulatus</i> Dunn = <i>Mallotus philippensis</i> (Lam.) Muell. Arg.		Common madder; kemala tree	۲۹۵، ۲۴۴
Euphorbiaceae	<i>Tithymalus cotinifolius</i> Haw. = <i>Euphorbia cotinifolia</i> L.		Red spurge	۱۸۴
Fagaceae	<i>Castanea sativa</i> Mill.		European chestnut ; Spanish chestnut	۸۷
Fagaceae	<i>Castanea vesca</i> Gaertn.			۸۷
Fagaceae	<i>Castanea vulgaris</i> Lam.			۸۷
Fagaceae	<i>Quercus aegilops</i> L.		Valonia oak	۳۲۷
Fagaceae	<i>Quercus aesculus</i> Boiss.	*		۳۲۷
Fagaceae	<i>Quercus coccifera</i> L.		Kermes oak	۳۵۰، ۳۲۷، ۸۶
Fagaceae	<i>Quercus ilex</i> L.		Holly oak	۳۵۲، ۲۱۲، ۸۶
Fagaceae	<i>Quercus infectipria</i> Olivier	*	Aleppo oak	۲۱۲
Fagaceae	<i>Quercus lusitanica</i> Lam.			۳۲۷، ۲۱۲
Fagaceae	<i>Quercus lutanica</i> var. <i>tauricola</i>			۲۱۲
Fagaceae	<i>Quercus persica</i> Jaub. & Sp. = <i>Quercus brantii</i> Lindl.	*	Oak ; Manna tree	۸۶
Fagaceae	<i>Quercus robur</i> L.	*		۸۶
Fagaceae	<i>Quercus</i> sp.		Oak	۲۱۲، ۱۷۹
Flacourtiaceae	<i>Flacourita cataphracta</i> Willd.		Paniala; coffee plum; paniala; puneala; Chinese plum	۱۹۹، ۱۶۱
Fucacea	<i>Fucus</i> sp.		Rock weed-sea oak	۱۹۸
Fumariaceae	<i>Corydalis claviculata</i> (L.) DC.			۳۵۷
Fumariaceae	<i>Fumaria officinalis</i> L.			۱۸۳
Fumariaceae	<i>Fumaria parviflora</i> Lam.			۱۸۳
Fumariaceae	<i>Fumaria</i> sp.		Fumitory	۱۸۳
Gentianaceae	<i>Erythraea centaurium</i> Pers. = <i>Centaurium erythraea</i> = <i>Centaurium umbellatum</i>		Drug cenaurium	۳۳۶، ۲۴۶
Gentianaceae	<i>Gentiana lutea</i> L.			۳۳۵، ۳۱۳، ۱۰۶
Gentianaceae	<i>Swertia chirata</i> Ham.			۲۴۱
Gramineae	<i>Panicum dactylon</i> L.			۹۹
Gramineae	<i>Panicum italicum</i> L.			۱۴۳
Gramineae	<i>Panicum milliaceum</i> L.	*	Proso-broomcorn; millet	۳۲۹، ۱۴۳، ۱۰۰
Geraniaceae	<i>Erodium malachoides</i> Willd.			۳۴۴
Geraniaceae	<i>Geranium arabicum</i> Forsk.			۲۲۱
Geraniaceae	<i>Geranium columbinum</i> L.		Long-stalked geranium	۳۷
Geraniaceae	<i>Geranium rotundifolium</i> L.		Round-leaved	۳۴۴، ۳۱۶

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
			fluellen; Cancerwort	
Geraniaceae	Geranium sp.		Geranium ; Crowfoot	۲۱۸، ۳۷
Geraniaceae	Geranium tuberosum L.	*	Tuberous-rooted crane's bill	۳۴۴
Gesneriaceae	Conandron sp.		Iwa-tabako	۲۴۳
Gesneriaceae	Gloxinia sp.		Gloxinia	۲۲۱
Globulariaceae	Globularia sp.		Globe daisy	۲۱۸
Graminae	Digitaria stolonifera Schrad.			۹۹
Graminae	Oryza sativa L.	*	Rice	۳۲۹، ۳۱۱، ۴۴
Graminae	Sqtaria italica Beauv		millet, foxtail; Italian millet	۱۴۳
Graminae	Triticum dicoccum Schr.		Emmer; Dinkel wheat	۲۶۳، ۲۱۳
Graminae	Triticum monococcum L.		Einkorn; One- grained wheat	۳۲۹، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۱۳
Graminae	Triticum ovatum L.			۱۴۷
Graminae	Triticum repens L.			۹۹
Graminae	Triticum spelta L.		Splet	۲۶۴، ۱۷۴، ۱۳۹،
Graminae	Triticum vulgare Vill.		Wheat	۱۲۶
Graminae	Triticum zea Host.			۲۶۴
Gramineae	Aegilops ovata L.	*		۳۵۰، ۱۴۷
Gramineae	Aeluropus littoralis Ga.	*		۲۱۲
Gramineae	Agropyrum repens Beauv.	*	Couch-grass ; Quakgrass	۳۴۹، ۲۱۲، ۹۹
Gramineae	Andropogon lanigera Desf.			۴۳
Gramineae	Andropogon nardus L.			۱۱۷
Gramineae	Andropogon schoenanthus L.			۳۲۴، ۳۰۹، ۴۳
Gramineae	<i>Andropogon sorghum</i> Brot. = <i>Sorghum vulgare</i> Pers.	*	Sorghum	۳۲۹، ۱۵۰، ۱۴۳
Gramineae	Andropogona martini Roxb.			۲۴۱
Gramineae	Apera spica-venti L.		Wind bent grass ; Wind grass ; Corn grass	۲۹۶
Gramineae	Arundinaria sp.	*		۲۱۳
Gramineae	Arundo bambos L.			۱۹۹
Gramineae	Arundo donax L.	*	Giant reed	۳۲۶، ۲۴۰
Gramineae	Arundo phragmites L.			۲۴۰
Gramineae	Avena elatior L.			۱۴۷
Gramineae	Avena fatua L.	*	Wild oat	۳۵۰، ۲۳۷، ۹۱
Gramineae	Avena sativa L.	*	Common oat	۳۵۰، ۲۹۶، ۲۳۷، ۱۷۴
Gramineae	Avena sp.		Oat	۱۳۱
Gramineae	<i>Bambusa arundinacea</i> Willd. = <i>Arundo bambos</i> L. = <i>Bambusa bambos</i> (L.) Voss		Reed bamboo, Spiny bamboo , Thorny bamboo, Indian bamboo.	۲۰۰، ۱۴۰
Gramineae	Bambusa sp.		Bamboo	۱۴۰
Gramineae	Cenchrus frutescens Sieber			۳۲۶
Gramineae	Cymbopogon schoenanthus		Halfa bar	۳۲۴، ۴۳

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	Spreng.			
Gramineae	Cynodon dactylon Pers.			۳۳۶، ۲۰۰، ۹۹
Gramineae	Cynosurus egyptiaca L.		Hedgehog dog's-tail	۳۴۹
Gramineae	Dactylis repens L.			۳۴۹
Gramineae	<i>Dactylon officinale Villars . = Cynodon dactylon (L.) Persoon</i>		bermuda-grass	۹۹
Gramineae	Danthonia sp.		Danthonia	۱۲۷
Gramineae	Eleusine coracana Gaer.		Ragi millet ; raggee ; tocusso	۲۶۳
Gramineae	Erianthus ravennas Beauv.		Sacchrum ravennae	۳۲۶
Gramineae	Festuca altissima Boiss.	*		۲۱۲
Gramineae	Festuca sp.		Fescue	۲۱۲
Gramineae	Holcus dochna Forscal			۱۴۳
Gramineae	Holcus sorghum L.		Sudan grass	۱۰۰، ۱۰۰
Gramineae	Hordeum morinum L.	*	Mouse barley	۳۰۰
Gramineae	Hordeum sp.		Barley	۳۲۹، ۱۸۷
Gramineae	Hordeum vulgare L.		Berley	۱۸۸، ۱۸۷
Gramineae	Leptochloa bipinnata (L.) Hochst.			۱۲۲، ۱۲۲
Gramineae	Lolium perenne L.	*	Perennial rye grass	۹۱
Gramineae	Lolium sp.		Rye grass	۱۶۴
Gramineae	Lolium temulentum L.	*	Darnel rye grass	۳۲۹، ۱۹۴، ۱۶۴
Gramineae	Lophotenia aurea L.			۱۸۲
Gramineae	Milium indicum			۱۰۰
Gramineae	Milium nigricans Ruis.			۲۰۴
Gramineae	Nardus indica L.			۱۷۸
Gramineae	Pennisetum sp.		Pennisetum	۹۷
Gramineae	Phalaris canariensis Nutt.	**	Canary grass	۳۴۶
Gramineae	Phalaris tuberosa L.			۳۴۶، ۳۱۷، ۲۲۳
Gramineae	Phragmites communis Trin		Common reed	۳۲۶، ۲۴۰
Gramineae	Poa cynosuroides Retz.			۱۲۲
Gramineae	Poa multiflora Forsk.			۱۲۲
Gramineae	Saccharum officinarum L.	**	Sugar cane	۲۴۱، ۱۷۳
Gramineae	Secale cereale L.	*	Rye; Rie	۱۹۴
Gramineae	Secale corutom			۱۴۷
Gramineae	Setaria italicum Beauv.	*	Foxtail barley; Squirrel; Tail grass	۳۲۹
Gramineae	Sorghum vulgare L.	**	Sorghum; Broom corn	۱۰۰، ۱۴۳
Gramineae	Stipa sp.		Needlegrass; Feather grass	۱۲۲
Gramineae	Triticum romanum L.			۳۲۹، ۱۳۹
Gramineae	Zea mays L.	*	Maize; Indian corn	۱۰۰، ۱۰۰
Guttiferae	Garicina mangostana L.		Mangosteen	۱۰۷
Guttiferae	Mesua ferrea L.		Iron wood	۲۸۸
Haloragaceae	Myriophyllum sp.		Water milfoil parrot feather	۲۸۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Haloragaceae	Myriophyllum spicatum L.	*	Spiked milfoil	۳۵۶، ۳۲۰، ۱۱۷
Hamameliaceae	Liquidambar orientalis L.	*	Sweet gum	۲۸۹
Hamameliaceae	Liquidambar orientalis Mill.			۵۳
Hamameliaceae	Liquidambar sp.			۲۶۷
Heliconiaceae	Heliconia sp.		Heliopsis	۲۹۵
Helvellaceae	Helvella phalloides			۲۲۱
Hemionitidaceae	Hemionitis L.			۳۴۵، ۳۱۷
Hippocastanaceae	Aesculus hippocastanum L.		Common horse chestnut	۸۷
Hippuridaceae	Hippuris vulgaris	*	Mare's-tail	۳۴۷
Hydrocharitaceae	Stratiotes aloides L.		Water-soldier	۳۵۳، ۱۷۱
Hypericaceae	Hypericum barbatum L.			۳۴۷، ۳۱۸، ۲۹۸
Hypericaceae	Hypericum ciliatum L.			۳۴۷، ۲۹۸، ۶۸
Hypericaceae	Hypericum coris L.			۳۴۷، ۲۹۸
Hypericaceae	Hypericum hircinum L.	*		۳۵۰، ۲۸۲، ۲۰۱، ۱۸۶
Hypericaceae	Hypericum perforatum L.	*	John's wort	۳۴۷، ۳۰۱، ۱۴۱
Hypericaceae	Hypericum procumbens L.			۳۵۱
Hypericaceae	Hypericum quadrangulum L.		Square-stalked s.t-john's-wort.	۵۶
Hypericaceae	Hypericum sp.		St. -john's-wort	۳۰۱، ۱۴۱
Illecebraceae	<i>Illecebrum paronychia</i> L. = <i>Paronychia verticillata</i> Lam.		coral necklace	۳۵۰
Illiciaceae	Illicium anisatum L.		anise tree	۷۲
Illiciaceae	Illicium verum Hooker fil		star anise	۷۲
Iridaceae	Crocus sativus L.	*	Saffron crocus	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۶۳
Iridaceae	Crocus sp.		Crocus	۱۶۳
Iridaceae	Gladiolus communis L.	**	Common ginger	۳۴۸، ۲۵۵، ۱۸۱، ۱۴۶، ۴۵
Iridaceae	Gladiolus segetum Ke.	*	Corn flag gladiolus	۴۵
Iridaceae	Gladiolus sp.		Gladiolus ;Corn flag	۱۴۶
Iridaceae	Hermodactylus tuberosis Salisb.		Snake's-head iris	۲۷۰
Iridaceae	Iris ensata Thund.	**		۷۰
Iridaceae	Iris florentina L.		Florentine iris	۳۲۴، ۳۰۹، ۱۸۱، ۷۰
Iridaceae	Iris foeditissima L.	*		۳۴۸
Iridaceae	Iris germanica L.	*	German iris	۱۶۴، ۷۰
Iridaceae	Iris nobilis Pall.			۷۹
Iridaceae	Iris pseudacorus L.	*	Yellow flag iris	۳۲۴، ۲۹۳
Iridaceae	Iris sp.		Iris	۱۸۱، ۶۷
Juglandaceae	Carya sp.		Hickory	۲۳۲
Juglandaceae	Juglans regia L.	*	Persian walnut; Royal walnut tree	۳۲۹، ۱۰۷
Juncaceae	Juncus acutus L.	*		۳۵۰، ۱۷۵، ۵۰
Juncaceae	Juncus arabicus Post.			۳۵۰، ۳۲۰، ۱۷۵، ۵۰
Juncaceae	Juncus maritimus Lam.	*	Sea rush	۱۷۵
Juncaceae	Juncus soinosus For.			۱۷۵
Juncaceae	Juncus sp.		Rush	۱۷۵، ۵۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Labiatae	Ajuga chamaepitys L.		Ground pine	۳۴۷، ۳۱۸، ۲۶۱، ۲۰۷
Labiatae	Ajuga chamaepitys Sch.			۲۶۱
Labiatae	Ajuga iva L.			۲۶۱، ۱۰۴
Labiatae	Ajuga sp.		Bugle	۲۰۷
Labiatae	<i>Amaracus dictamnus</i> Ben. = <i>Origanum dictamnus</i> L.		Cretan Dittany	۲۸۱
Labiatae	Calamintha acinos Man.		Spring savory	۲۲۵
Labiatae	Calamintha graveolens Benh.			۲۲۵
Labiatae	Calamintha incana Boiss. & Held.			۱۵۳
Labiatae	Clinopodium montanum (L.) Kuntz.			۲۳۸
Labiatae	Clinopodium vulgare L.	*	Wild basil savory	۳۴۲، ۳۱۵
Labiatae	Collinsonia canadensis L.		Stone Root, Horseweed, Richweed, Richleaf, Knob-Root, Knobweed, Horsebalm	۸۲
Labiatae	Dracocephalum kotschy Boiss.	*		۸۴
Labiatae	Dracocephalum moldavica L.	*	Moldvian dragon head	۷۱
Labiatae	Horminum pyrenaicum L.			۴۵
Labiatae	Lallemantia iberica F.&M..	*		۷۳
Labiatae	Lallemantia royleana Benth.	*		۷۳
Labiatae	Lamium album L.	*	White durra	۲۱۹، ۱۱۵
Labiatae	Lamium maculatum L.	*	Spotted dead nettle	۳۴۳، ۲۷۴، ۱۳۳
Labiatae	Lamium purpureum L.	*	Purple dead nettle	۳۵۳
Labiatae	Lamium striatum Sibth.	**		۳۴۳
Labiatae	Lavandula dentata L.		Fringed Lavender, French Lavender	۴۷
Labiatae	Lavandula sp.		Lavender	۱۳۳
Labiatae	Lavandula spica Cav.			۱۳۳
Labiatae	Lavandula stoechas L.	**	French Lavendar	۳۳۷، ۳۱۳، ۴۷
Labiatae	Lavandula vera DC.	*	True lavender	۱۳۳
Labiatae	Majorana hortensis Moench.		Sweet marjoram	۲۷۸
Labiatae	Majorana sp.		Marjoram	۲۷۸
Labiatae	Marrubium pseudodictamnus L.			۳۳۸
Labiatae	Marrubium sp.		Hoarhound	۲۳۰، ۲۲۴
Labiatae	Marrubium vulgare L.	*	Common horehound	۳۴۳، ۲۲۴
Labiatae	<i>Melissa calamintha</i> L. = <i>Calamintha officinalis</i> Moench		Calamint savory	۱۲۶
Labiatae	Melissa clinopodium Benth.			۳۴۲
Labiatae	Melissa officinalis L.	*	Common balm	۳۴۳، ۳۱۶، ۲۲۵، ۷۱
Labiatae	Mentha aquatica L.	*	Water mint	۳۳۸، ۲۹۱، ۲۸۲، ۲۲۹، ۱۹۸
Labiatae	Mentha arvensis L.	*	Field mint	۳۴۲
Labiatae	Mentha officinalis Hull.			۲۲۹



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Labiatae	<i>Mentha piperita</i> Smith.	*	Peppermint	۳۳۸، ۲۹۱، ۲۲۹
Labiatae	<i>Mentha pulegium</i> L.	*	Pennyroyal	۳۳۸، ۲۲۹، ۲۲۱، ۱۹۶، ۱۰۰، ۸۳
Labiatae	<i>Mentha pulegium</i> var. <i>erecta</i>			۳۳۸
Labiatae	<i>Mentha sativa</i> L.			۳۳۸، ۲۹۱
Labiatae	<i>Mentha</i> sp.		Mint	۲۹۱
Labiatae	<i>Mentha sylvestris</i> L.			۳۳۸، ۲۲۹، ۲۰۰
Labiatae	<i>Micromeria juliana</i> Benth.			۳۳۹
Labiatae	<i>Moschosma</i> sp.			۱۹۸
Labiatae	<i>Nepeta micrantha</i> Bu.			۱۶۰
Labiatae	<i>Nepeta mispahanica</i> Bo.			۱۶۰
Labiatae	<i>Ocimum album</i> L.			۷۱
Labiatae	<i>Ocimum basilicum</i> L.	*	Sweet basil; hoary basil	۳۱۱، ۲۲۰، ۱۸۴، ۱۶۰، ۱۲۲، ۷۱ ۳۳۲
Labiatae	<i>Ocimum filamentosum</i> Forsk.			۱۶۰، ۱۰۰
Labiatae	<i>Ocimum gratissimum</i> L.			۱۶۰، ۱۰۰
Labiatae	<i>Ocimum minimum</i> L.			۱۹۸، ۱۸۴
Labiatae	<i>Ocimum pilosum</i> Willd.			۳۳۹، ۲۲۰، ۱۸۴، ۱۲۲
Labiatae	<i>Origanum aegyptiacum</i> L.			۱۶۰
Labiatae	<i>Origanum amaracus</i> Gled.			۲۷۹، ۲۷۸
Labiatae	<i>Origanum creticum</i> L.			۲۸۱
Labiatae	<i>Origanum dictamnus</i> L.			۳۳۸، ۳۱۴، ۲۸۱، ۲۳۰
Labiatae	<i>Origanum hirtum</i> L.			۲۸۱
Labiatae	<i>Origanum lirium</i>			۳۳۷
Labiatae	<i>Origanum majorana</i> L.		Sweet majoran	۳۳۹، ۲۷۸
Labiatae	<i>Origanum maru</i> L.			۲۷۹، ۲۲۱
Labiatae	<i>Origanum marum</i> L.			۳۳۹
Labiatae	<i>Origanum onitis</i> L.			۳۳۸
Labiatae	<i>Origanum sipyleum</i> L.			۳۳۷
Labiatae	<i>Origanum</i> sp.		Origanum	۳۳۸، ۳۱۳، ۱۹۶، ۱۹۰
Labiatae	<i>Origanum vulgare</i> L.	*	Common origanum; Wild marjoram	۳۳۸، ۲۳۰، ۱۹۶
Labiatae	<i>Origanum vulgare</i> var. <i>megastachyum</i>			۳۳۸
Labiatae	<i>Rosmarinus officinalis</i> L.	**	Rosemary	۶۰
Labiatae	<i>Salvia aethiopis</i> L.		Ethiopian sage-woolly clay	۳۰۴
Labiatae	<i>Salvia cyanescens</i> Boiss.			۳۳۸
Labiatae	<i>Salvia horminum</i> L. = <i>Salvia viridis</i> L.	*		۳۴۰، ۳۱۷، ۴۰
Labiatae	<i>Salvia officinalis</i> L.	**	Garden sage	۳۳۸، ۲۶۸، ۱۰۶، ۶۰، ۴۸
Labiatae	<i>Satureia hortensis</i> L.		Summer savory	۳۳۹، ۱۹۰
Labiatae	<i>Satureia thymbra</i> L.			۱۹۰
Labiatae	<i>Sideritis remota</i> Urv.		Ironwort	۳۴۹
Labiatae	<i>Stachys betonica</i> Benth.			۳۴۷، ۲۳۹
Labiatae	<i>Stachys germanica</i> L.		Mouse-earbetony	۳۴۳، ۳۱۶، ۲۹۰، ۱۷۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Labiatae	Stachys hirta L.			۱۷۱
Labiatae	Stachys lavandulaefolia Vahl.			۲۷۸
Labiatae	Stachys palaestina L.			۳۴۳
Labiatae	Stachys recta L.			۳۴۹، ۱۸۰
Labiatae	Stachys sp.		Betony-woundwort	۲۹۵، ۱۷۱
Labiatae	Teucrium chamaedrys L.		Chamaedoreas germander	۳۴۳، ۳۱۵، ۲۶۰، ۱۸۷
Labiatae	Teucrium flavum L.		Cat thyme	۳۴۲، ۳۱۵
Labiatae	Teucrium marum L.			۲۸۰، ۲۷۵
Labiatae	Teucrium polium L.			۳۴۳، ۳۱۶، ۱۰۴
Labiatae	Teucrium sapinum L.			۲۶۱
Labiatae	Teucrium scordium L.		Water germander	۳۴۳، ۳۱۶، ۹۸، ۴۹
Labiatae	Teucrium sp.		Germander	۲۰۴
Labiatae	Thymbra spicata Stric. & Hort.	*	spiked thymbra	۳۳۷
Labiatae	Thymus barrelieri Spreng.			۳۱۴، ۲۲۹
Labiatae	Thymus calamintha Scop.			۳۳۸، ۳۱۴، ۲۲۹
Labiatae	Thymus capitatus L.			۳۳۸، ۳۱۴
Labiatae	Thymus capitatus Lk. & Hoffm.			۹۹، ۱۱۰
Labiatae	Thymus glaber Mill.			۳۳۹، ۲۹۱، ۱۸۲
Labiatae	Thymus graveolens Bieb.			۳۳۸
Labiatae	Thymus kotchyanus Boiss.			۱۹۶
Labiatae	Thymus nepeta Sm.			۳۱۴، ۲۲۹
Labiatae	Thymus nummularius Benth.			۱۸۲
Labiatae	Thymus serpyllum Frie.		Mother-of- thyme	۱۸۲
Labiatae	Thymus serpyllum L.		Serpolet; Wild Thyme	۲۹۱، ۱۹۵
Labiatae	Thymus sibthorpii Benth.			۳۳۹
Labiatae	Thymus vulgaris L.		Common thyme	۳۳۹، ۱۹۶، ۱۱۰
Labiatae	Zizyphora capitata L.	**		۳۴۲
Labiatae	Ballota nigra L.	*	Black ballota ; Blak horehound	۳۴۳، ۳۱۶، ۱۷۹، ۱۸۷، ۲۲۴
Labiatae	Ballota pseudodictamnus Benth.		Ballota	۳۳۸
Labiatae	Betonica alopecuroides L.			۳۴۷
Labiatae	Betonica officinalis L.		Common betony	۲۳۹
Labiatae	Hyssopus officinalis L.	*	Hyssop	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۶۵
Lauraceae	Cinnamomum camphora Nees.		Camphor tree	۲۴۸
Lauraceae	Cinnamomum cassia Boiss.		Cassia bark tree ; Chinese cinnamon	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۹، ۲۳۹، ۱۷۵، ۱۴۱
Lauraceae	Cinnamomum citriadorum Th.			۳۲۴، ۱۶۷
Lauraceae	Cinnamomum iners Reinw.			۳۲۴، ۱۷۵
Lauraceae	Cinnamomum malabathrum Burm.			۱۶۷
Lauraceae	Cinnamomum obtusifolium Nees.			۱۷۵
Lauraceae	Cinnamomum tamala Nees.			۱۶۷



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Lauraceae	Cinnamomum zeilanicum Nees.	**	Ceylon cinnamon	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۳۹، ۲۳۸، ۱۴۱
Lauraceae	Cinnamomum sp.		Cinnamon	۱۴۱
Lauraceae	Laurus camphora L.			۲۴۸، ۱۱۰
Lauraceae	Laurus nobilis L.	**	Grecian laurel; True bay	۳۲۵، ۲۱۸، ۱۵۹، ۱۴۹، ۱۴۸
Lemnaceae	Lemna minor L.	*	Common duckweed	۳۵۳، ۲۰۱
Lemnaceae	Lemna sp.		Duckweed	۳۵۳، ۲۰۷
Lichen	Lichen			۵۲
Lichen	<i>Orseille tinctoria</i> = <i>Roccella tinctoria</i> DC.		Dyer's Weed ; Orchella Weed ; Lichen Roccella	۱۶۸
Liliaceae	Allium ampeloprasum L.	*	Great round ; Headed garlic	۳۳۳، ۳۱۲، ۲۵۳، ۲۵۲
Liliaceae	Allium ascalonicum L.	*	Shallot	۳۳۳، ۲۵۳، ۲۵۲، ۲۴۳
Liliaceae	Allium carinatum L.		Keeled onion	۹۸
Liliaceae	Allium cepa L.	*	Garden onion	۳۳۳، ۲۵۳، ۸۱
Liliaceae	Allium descendens L.			۳۳۳
Liliaceae	Allium dioscoridis Sibth.			۳۳۹
Liliaceae	Allium magicium L.			۸۶
Liliaceae	Allium moly L.	**	Lily leek	۳۳۹، ۳۱۴، ۸۶
Liliaceae	Allium porrum L.		Leek	۳۳۳، ۲۵۲
Liliaceae	Allium roseum L.			۲۵۳
Liliaceae	Allium sativum L.	*	Garlic	۳۳۳، ۹۸
Liliaceae	Allium scorodoprasum L.			۳۳۳، ۳۱۲، ۲۵۲، ۹۹، ۹۸
Liliaceae	Allium silvestrum			۱۸۹، ۹۹، ۹۸
Liliaceae	Allium subhirsutum L.			۳۳۳
Liliaceae	Allium ursinum L.		Ramsons ; Bear's-garlic	۲۵۲
Liliaceae	Allium vineale L.		Field garlic	۲۵۲
Liliaceae	Allium xiphopetalum Ait.	*		۱۸۹، ۹۹، ۹۸
Liliaceae	Aloe aloexylon			۶۱
Liliaceae	Aloe scotrina		Socotrine aloe	۶۱
Liliaceae	Aloe vera L.	*	True aloe	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۹۵، ۶۱
Liliaceae	Aloe vulgaris Lam.		Mediterranean aloe	۳۳۷
Liliaceae	Asphodelus damascenus Boiss.			۵۱
Liliaceae	Asphodelus microcarpus (L.) Swartz			۱۳۸
Liliaceae	Asphodelus ramosus L.			۳۳۴، ۱۳۸
Liliaceae	Asphodelus sp.			۱۳۸
Liliaceae	Bulbocodium vernum L.		Vernal Bulbocodium, Medowe Saffron	۱۶۲
Liliaceae	Convallaria polygonatum L.			۲۴۸
Liliaceae	Convallaria rusticellata L.			۳۵۳
Liliaceae	Corchorus olitorius L.	*		۲۸۴
Liliaceae	Fritillaria imperialis L.			۵۹
Liliaceae	Hemerocallis flava L.		Lemon daylily	۳۴۴، ۳۱۶، ۱۸۱، ۱۶۴

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Liliaceae	Hyacinthus comosus			۳۳۴
Liliaceae	Hyacinthus orientalis	**	Common hyacinth	۳۵۱، ۳۱۹
Liliaceae	Lilium candidum L.		Madonna lily	۳۴۳، ۱۸۱
Liliaceae	Lilium chalconicum L.		Chalcedonian lily	۳۴۴
Liliaceae	Lilium sp.		Lily	۱۸۱، ۱۶۴
Liliaceae	Muscari comosum Mill.	*	Feathered grape hyacinth	۳۳۴، ۸۶
Liliaceae	Muscari sp.		Grape hyacinth	۸۶
Liliaceae	Narhecium ossifragum Huds.			۲۵۵
Liliaceae	Narhecium sp.		Bog asphodel	۲۵۵
Liliaceae	Ornithogalum sp.		Star-of-bethlehem	۱۹۴، ۵۱
Liliaceae	Ornithogalum stachyoides Host.			۳۳۴، ۱۳۸
Liliaceae	Ornithogalum umbellatum L.	*	Common star-of-bethlehem	۳۳۲، ۵۱
Liliaceae	Ruscus aculeatus L.		Butcher's-broom	۳۵۵، ۳۶
Liliaceae	Ruscus hypoglossum			۳۵۵
Liliaceae	Ruscus hypophyllum			۳۵۷، ۳۵۵
Liliaceae	Ruscus racemosus L.			۳۵۷
Liliaceae	<i>Schoenocaulon officinale</i> A.Gray = <i>Veratrum officinale</i> Schl. & Cham = <i>Veratrum sabadilla</i> Retz		Drug sabadilla ; sabadilla	۲۶۱
Liliaceae	<i>Scilla bifolia</i> L. = <i>Scilla autumnalis</i> L.	*	Twin-leaved squill	۳۵۱
Liliaceae	<i>Scilla maritima</i> L.			۳۳۴، ۳۱۲، ۴۹
Liliaceae	<i>Scilla pancratium</i> Nym.			
Liliaceae	<i>Scilla</i> sp.		Squill	۲۱۵
Liliaceae	<i>Tulipa gesneriana</i> L.			۱۳۵
Liliaceae	<i>Urginea maritima</i> Bak.	*	Shore sea onion	۴۹
Liliaceae	<i>Veratrum album</i> L.		White Hellebore	۳۵۵، ۲۱۳، ۱۳.
Liliaceae	<i>Veratrum nigrum</i> L.		Black false hellebore	۱۳.
Linaceae	<i>Linum</i> sp.		Flax	۲۵۱
Linaceae	<i>Linum usitatissimum</i> L.	*	Fiber flax ; Common flax	۳۲۹، ۲۵۱
Loganiaceae	<i>Strychnos nux-vomica</i> L.		Poison Nut; Semen strychnos	۱۲۸، ۱۰۸، ۴۲
Loranthaceae	<i>Loranthus europeus</i> Jack.			۲۱۶
Loranthaceae	<i>Loranthus europaeus</i> L.	*	Continental mistletoe	۱۶۷، ۱۴۳، ۸۸
Loranthaceae	<i>Loranthus globiferus</i> A.Rich.			۱۳۱
Loranthaceae	<i>Loranthus</i> sp.		Loranth	۲۱۶
Loranthaceae	<i>Viscum album</i> L.	*	European mistletoe	۳۴۲، ۲۱۶، ۱۴۳
Lythraceae	<i>Lawsonia alba</i> Lam.			۳۲۶، ۱۲۵
Lythraceae	<i>Lawsonia inermis</i> L.	*	Henna	۱۲۵
Lythraceae	<i>Lawsonia</i> sp.		Henna bush	۱۲۵
Lythraceae	<i>Lythrum salicaria</i> L.	*	Purple lythrum	۳۴۷
Malvaceae	<i>Abelmoschus esculentus</i> (L.)	**	Akar; Gumbo	۷۴

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	<i>Moench = Hibiscus esculentus L.</i>			
Malvaceae	<i>Alcea rosea L.</i>	**		۳۳۱
Malvaceae	<i>Althaea cannabina L.</i>	*		۳۴۶، ۳۱۸، ۱۱۲
Malvaceae	<i>Althaea ficifolia R.Br.</i>			۱۳۶
Malvaceae	<i>Althaea officinalis L.</i>	*	Hollyhock	۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۷، ۱۳۶
Malvaceae	<i>Althaea rosea Cavan.</i>			۳۴۶، ۳۱۷، ۲۹۵، ۱۳۶
Malvaceae	<i>Althaea sp.</i>		Althaea	۱۲۹
Malvaceae	<i>Gossypium herbaceum L.</i>		Levant cotton	۲۴۲
Malvaceae	<i>Gossypium sp.</i>		Cotton	۲۴۲
Malvaceae	<i>Hibiscus esculentus L.</i>	**	Okra-gubo	۸۴، ۷۴
Malvaceae	<i>Hibiscus mutabilis L.</i>	**	Cotton-rose- changeable rose	۷۴
Malvaceae	<i>Hibiscus rosa-sinensis L.</i>	**	Chinese hibiscus	۱۰۱
Malvaceae	<i>Hibiscus tortuosus Roub.</i>			۷۴
Malvaceae	<i>Malva alcea L.</i>		Hollyhock mallow	۳۴۶
Malvaceae	<i>Malva parviflora L.</i>	*		۱۲۹
Malvaceae	<i>Malva rotundifolia Diss.</i>	*		۳۳۰، ۲۸۴، ۱۲۹، ۸۵
Malvaceae	<i>Malva sp.</i>			۱۲۹
Malvaceae	<i>Malva sylvestris L.</i>	*	High mallow; Wild mallow	۳۳۰، ۲۸۴، ۱۲۹
Melastomaceae	<i>Melastoma sp.</i>		Melastoma family	۱۶۷
Melastomataceae	<i>Memecylon edule Rox.</i>		Iron wood tree	۲۹۵
Melastomataceae	<i>Memecylon tinctoria Wil.</i>			۲۹۵
Melastomataceae	<i>Memecylon tinctorium L.</i>			۵۳
Meliaceae	<i>Azadirachta indica Juss . = Melia Azadirachta L.</i>	**	Margosa; Neem	۳۵
Meliaceae	<i>Melia azadarach L.</i>	*	Margosa	۳۵
Meliaceae	<i>Trichilia emetica Wahl.</i>			۱۵۷، ۱۱۰، ۱۰۸
Menispermaceae	<i>Anamirta paniculata Colebr . = Cocculus indicus Royle</i>		Indicus Cocculus	۲۷۷
Menispermaceae	<i>Menispermum cocculus L.</i>			۲۷۷
Mimosaceae	<i>Albizzia lebbek Bth.</i>	*	Lebbek tree ; Siris tree	۲۶۶، ۷۶
Mimosaceae	<i>Acacia arabica Willd . = Acacia nilotica Del.</i>	*	Babulacacia	۱۹۱، ۱۷۴، ۱۳۲، ۸۲، ۶۲، ۵۲ ۳۲۷، ۳۱۰، ۲۳۹
Mimosaceae	<i>Acacia ehrenbergiana Hayne.</i>	*		۱۷۴
Mimosaceae	<i>Acacia flava Forsk.</i>			۱۷۴
Mimosaceae	<i>Acacia mellifera Boiss.</i>			۱۷۶
Mimosaceae	<i>Acacia nilotica Del.</i>		Gum arabic tree	۱۹۱
Mimosaceae	<i>Acacia oerfota (Forsk.) Sch.</i>	*		۲۸۳، ۲۰۸
Mimosaceae	<i>Acacia senegal Willd.</i>			۲۳۳
Mimosaceae	<i>Acacia senegalensis</i>			۲۳۳
Mimosaceae	<i>Acacia spirocarpa Hook.</i>			۱۷۶
Mimosaceae	<i>Acacia vera Willd.</i>			۳۲۷، ۱۹۱
Mimosaceae	<i>Mimosa arabica Lam.</i>			۲۳۷
Mimosaceae	<i>Mimosa nilotica L.</i>			۲۳۷، ۲۳۷، ۱۹۱
Mimosaceae	<i>Mimosa oerfota Fork.</i>			۲۰۸

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Moraceae	<i>Ficus carica</i> L.	*	Common fig	۳۲۹، ۹۷، ۹۶
Moraceae	<i>Ficus laccifera</i> Roxb.	**		۲۷۱
Moraceae	<i>Ficus palmata</i> Forsk.	*		۹۶
Moraceae	<i>Ficus</i> sp.		Fig	۹۶
Moraceae	<i>Ficus sycomorus</i> L.		Sycomore	۳۲۹، ۳۱۱، ۱۰۵، ۶۶
Moraceae	<i>Morus acedosa</i> Cr.			۹۶
Moraceae	<i>Morus alba</i> L.	*	White mustard	۳۲۹، ۳۱۱، ۹۶، ۹۵
Moraceae	<i>Morus indica</i> L.			۹۶
Moraceae	<i>Morus nigra</i> L.	*	Black mixed	۳۲۹، ۹۶، ۹۵
Moraceae	<i>Morus</i> sp.		Mulberry	۹۵
Moringaceae	<i>Moringa aptera</i> Gaertn.			۱۱۱
Moringaceae	<i>Moringa arabica</i> Pers.			۱۱۵
Moringaceae	<i>Moringa pterygosperma</i> Gaertn.			۱۱۱
Musaceae	<i>Musa paradisiaca</i> L.	*		۲۸۵، ۲۰۳
Musaceae	<i>Musa sepientum</i> L.	*	Banana tree	۲۸۵، ۲۰۳
Musaceae	<i>Musa</i> sp.		Banana	۲۸۵
Myricaceae	<i>Myrica sapida</i> Wall. = <i>Myrica nagi</i> Thunb		Box myrtle	۱۴۱
Myristaceae	<i>Myristica aromatica</i> Lam.			۱۰۷
Myristaceae	<i>Myristica fragrans</i> Houtt.		Common nutmeg	۳۲۶، ۲۰۰، ۱۴۲، ۱۰۷، ۷۸
Myrsinaceae	<i>Aegiceras</i> sp.			۳۳
Myrtaceae	<i>Balaustion</i> sp.			۱۵۸
Myrtaceae	<i>Eugenia aromatica</i> Baill.			۲۳۸
Myrtaceae	<i>Eugenia caryophyllata</i> Thunb.	**	Clover tree	۲۳۸
Myrtaceae	<i>Myrtus communis</i> L.	*	Turemyrtle	۳۲۸، ۳۶
Myrtaceae	<i>Myrtus</i> sp.	.	Mangel	۳۶
Myrtaceae	<i>Psidium guajava</i> L.	**	Common guava	۶۲
Myrtaceae	<i>Syzygium aromaticus</i> (L.) Merr. = <i>Eugenia caryophyllata</i> Thunb = <i>E. aromatica</i> Kuntze. = <i>Caryophyllus aromaticus</i> Linn.		Clove tree	۲۳۸
Nymphaeaceae	<i>Nelmbium nuciferum</i> Gaer.	*	Hindu lotus	۶۸
Nymphaeaceae	<i>Nelmbium speciosum</i> L. = <i>Nelmbium nuciferum</i> Gaertn.	**	Chinese water lily	۶۸
Nymphaeaceae	<i>Nelumbium speciosum</i> Willd.			۳۳۰
Nymphaeaceae	<i>Nuphar alba</i> L.	*		۲۹۳
Nymphaeaceae	<i>Nuphar luteum</i> L.	*	European cow lily	۳۴۵، ۲۹۳
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea alba</i> L.	*	White water lily	۳۴۵، ۳۱۷، ۲۹۳، ۸۰
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea coerulea</i> L.		Yellow mexican water lily	۲۹۳
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea flava</i> Leitner			۲۹۳
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea indica</i> ?			۲۹۳، ۶۸
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea lotus</i> L.		White Egyptian lotus	۳۵۴، ۲۹۳، ۲۸۶، ۲۷۲، ۸۰
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea lutea</i> L.	*		۲۹۳
Nymphaeaceae	<i>Nymphaea nelumbo</i> L.		European cow lily	۳۳۰، ۷۳

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Nymphaeaceae	Nymphaea sp.		Water lily	۲۹۳
Nymphaeaceae	Nymphaea stellata Willd.			۳۰۴
Ochnaceae	Ochna sp.		Ochna	۱۱۷
Oleaceae	<i>Mogorium sambac</i> Lam. = <i>Jasminum</i> L.			۲۲۷
Oleaceae	Fraxinus excelsior L.		European ash	۳۲۶، ۲۷۸، ۲۶۹
Oleaceae	Fraxinus sp.		Ash	۲۷۸
Oleaceae	Jasminum gradiflorum L.	**	Catalonian jasmine-spanish jasmine	۲۹۹
Oleaceae	Jasminum officinale L.	**	Common jasmine	۲۹۹
Oleaceae	Jasminum sambac (L.) Ait.	**	Arabian jasmine	۲۹۹، ۲۲۷
Oleaceae	Jasminum sp.		Jasmine	۲۹۹
Oleaceae	Olea europaea L.	*	Common olive	۱۶۶
Oleaceae	Olea oleaster L.			۳۲۷، ۲۰۶، ۱۶۶
Oleaceae	Phillyrea latifolia L.		Tree phillyrea	۳۲۷، ۳۱۰، ۲۰۶، ۱۶۶، ۱۱۲
Oleaceae	Syringa sp.		Lilac	۲۹۲
Onagraceae	Circaea lutetiana L.	*	Paris circaea	۲۱۰
Onagraceae	Circaea sp.		Enchanter's nightshade	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۱۰
Onagraceae	Oenothera biennis L.		evening primrose, fever plant, night willow-herb, scabish, scurvish, tree primrose	۳۰۴
Orchidaceae	<i>Aceras anthropophora</i> Steud. = <i>Orchis anthropophora</i> (L.) Allioni		Man Orchid	۱۳۰
Orchidaceae	Ophioxylon serpentium L.			۲۱۶
Orchidaceae	Ophrys apifera Huds.	*	Bee orchid	۳۴۰
Orchidaceae	Ophrys sp.			۳۴۰
Orchidaceae	Orchis anthropophora L.			۳۴۰، ۱۳۰
Orchidaceae	Orchis hircina Griseb.			۱۳۶، ۱۳۰، ۹۰
Orchidaceae	Orchis morio L.			۳۴۴، ۳۱۶، ۹۰، ۱۸۹
Orchidaceae	Orchis rubra Jacq.			۳۴۴
Orchidaceae	Orchis sp.		Orchid; Orchis	۱۳۰، ۹۰، ۱۸۹
Orchidaceae	Orchis undulatifolia L.			۳۴۰، ۳۱۶
Orchidaceae	Serapias lingua L.			۳۴۶، ۲۷۱
Orobanchaceae	Orobanche aegyptiaca Pers.	*		۶۸
Orobanchaceae	<i>Orobanche caryophyllacea</i> SM. = <i>Orobanch vulgaris</i> Poir.	*	Clove-scented broomrape	۳۳۲، ۳۱۱، ۲۰۱
Orobanchaceae	Orobanche sp.		Broomrape	۶۸، ۴۷
Orobanchaceae	<i>Phelypaea coccinea</i> Poir. = <i>Anoplon coccineum</i> (M.B.) H.Riedl			۲۷۱
Orobanchaceae	Phelypaea egyptiaca Walp.			۲۰۱
Osmundaceae	Osmunda cinnamomea L.			۱۶۹
Osmundaceae	Osmunda regalis L.		Royal fern	۱۶۹

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Oxalidaceae	<i>Oxalis acetosella</i> L.	*	Wood-sorrel; oxalis	۱۳
Oxalidaceae	<i>Oxalis corniculata</i> L.	*	Creeping oxalis	۱۲۵
Oxalidaceae	<i>Oxalis</i> sp.		Oxalis ; Wood sorrel	۱۲۳
Paeoniaceae	<i>Paeonia corallina</i> L.		Coral peony	۳۴۶، ۲۲۳
Paeoniaceae	<i>Paeonia corallina</i> Ret.			۲۹۵
Paeoniaceae	<i>Paeonia officinalis</i> L.		Common peony	۲۹۵
Paeoniaceae	<i>Paeonia officinalis</i> Retz.			۳۴۶، ۲۲۳
Paeoniaceae	<i>Paeonia wittmanniana</i> Hart.	*		۲۹۵
Palmaceae	<i>Phoenix dactylifera</i> L.	*	Date; Plum persimmon	۳۲۸، ۳۱۰، ۹۵
Palmaeae	<i>Cocos nucifera</i> L.	**	Coconut palm	۲۸۷، ۲۸۹
Pandalidae	<i>Hetrocarpus santalinus</i> L.			
Pandanaceae	<i>Pandanus</i> sp.		Screw pine pandnus	۲۴۸، ۴۵
Paoilionaceae	<i>Psoralea bituminosa</i> L.			۳۴۳، ۲۰۳
Papaveraceae	<i>Argemone</i> sp.		Prickly poppy	۴۴
Papaveraceae	<i>Chelidonium carniculatum</i> L.			۲۷۶
Papaveraceae	<i>Chelidonium dodecandrum</i> Forsk.			۱۶۱
Papaveraceae	<i>Chelidonium majus</i> L.	*	Greater celandine	۳۳۵، ۳۱۳، ۲۷۶، ۲۰۹، ۱۲۷
Papaveraceae	<i>Glaucium corniculatum</i> Curt.	*	Black-spot horn poppy; red celandine	۳۵۱، ۳۴۲، ۲۷۶، ۱۳۴
Papaveraceae	<i>Glaucium flavum</i> Crantz.	*	Yellow horn poppy ; sea celandine	۱۳۵
Papaveraceae	<i>Glaucium luteum</i> Scop.			۳۵۱
Papaveraceae	<i>Glaucium</i> sp.		Horn poppy	۲۷۶
Papaveraceae	<i>Hypecoum procumbens</i> L.	**		۵۶
Papaveraceae	<i>Papaver argemone</i> L.	*	Fall daffodil	۴۴
Papaveraceae	<i>Papaver rhoeas</i> L.	*	Corn poppy ; Field poppy	۳۵۱، ۲۸۸، ۱۹۰، ۱۳۴
Papaveraceae	<i>Papaver somniferum</i> L.	*	Opium poppy	۳۵۱، ۱۵۸، ۱۳۵، ۱۳۴
Papaveraceae	<i>Papaver</i> sp.		Poppy	۱۳۴
Papaveraceae	<i>Romeria dodecandra</i> Stapl . = <i>Romeria hybrida</i> (L.)DC.	*	Violt horned poppy	۱۶۱
Papilionaceae	<i>Alhagi camelorum</i> Fisch.		Camel's-thorn	۳۳۱
Papilionaceae	<i>Alhagi mannifera</i> Desv.			۲۰۶، ۱۱۰
Papilionaceae	<i>Alhagi maurorum</i> Tourn. = <i>Alhagi pseudalhagi</i> (M.B.)Desf.			۲۰۶، ۱۱۰
Papilionaceae	<i>Aloexylon agallocha</i> Roxb.		Aloe Wood	۲۱۶
Papilionaceae	<i>Aloexylon agallochum</i> Lou.		Aloe Wood	۳۲۵
Papilionaceae	<i>Anagyris foetida</i> L.	*	Mediterranean stinkbush	۳۴۶، ۳۱۸، ۳۰۱، ۶۳، ۶۲
Papilionaceae	<i>Anagyris</i> sp.			۳۰۱
Papilionaceae	<i>Astragalus annulairis</i> FORSSK.	*		۱۱۴
Papilionaceae	<i>Astragalus aristatus</i> L.			۳۳۷
Papilionaceae	<i>Astragalus amacantha</i> M.			۲۹۲، ۲۳۳
Papilionaceae	<i>Astragalus boeticus</i> L.	*	Swedish coffe	۳۵۱



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Papilionaceae	<i>Astragalus creticus</i> Lam.			۳۳۶
Papilionaceae	<i>Astragalus fasciculaeifolius</i> Boiss.	*		۶۶
Papilionaceae	<i>Astragalus glaux</i> L.		Tragacanth milk vetch	۳۵۵
Papilionaceae	<i>Astragalus gummifera</i> Lab.			۲۵۱، ۲۳۳، ۸۵
Papilionaceae	<i>Astragalus hamosus</i> L.	*		۵۹
Papilionaceae	<i>Astragalus poterium</i> L.			۳۳۶، ۳۱۳، ۲۳۳
Papilionaceae	<i>Astragalus sarcocolla</i> Dym.			۶۶
Papilionaceae	<i>Astragalus sarcocolla</i> L.			۳۴۲، ۳۱۵
Papilionaceae	<i>Astragalus sesameus</i> L.	*		۴۸۳، ۴۷
Papilionaceae	<i>Astragalus</i> sp.			۳۵۵، ۳۵۱، ۳۱۹
Papilionaceae	<i>Astragalus tragacantha</i> L.			۳۳۷، ۳۱۳، ۲۵۱، ۲۳۳
Papilionaceae	<i>Bonaveria securidaca</i> Desv. = <i>Coronilla securidaca</i> L. = <i>Securigera coronilla</i> DC. = <i>Securigera securidaca</i> (L.) Degen & Doerfler			۶۹
Papilionaceae	<i>Calycotom spinosa</i> Lk. = <i>Calycotome spinosa</i> (L.) Link.		ginestra spinosa	۳۲۴، ۱۴۱
Papilionaceae	<i>Cicer arietinum</i> L.	*	Chick-pea ; Gram chick-pea	۳۳۰، ۱۲۴
Papilionaceae	<i>Cladrastis</i> sp. = <i>Cladrastis lutea</i> = <i>Cladrastis kentukea</i>		Yellowwood	۱۳۶
Papilionaceae	<i>Clitoria ternatea</i> L.		Butterfly Pea	۲۷۵
Papilionaceae	<i>Crotalaria juncea</i> L.Q		Sunn crotalaria; Sunn hemp	۱۷۷
Papilionaceae	<i>Crotalaria retusa</i> L.	**		۲۴۴، ۱۵۸
Papilionaceae	<i>Cytisus hypocistis</i> L.			۲۹۹، ۲۶۷، ۲۶۵
Papilionaceae	<i>Cytisus lanigerus</i> DC.			۳۲۴
Papilionaceae	<i>Cytisus scoparius</i> Br.		Scotch cotton thistle	۱۵۴
Papilionaceae	<i>Cytisus spinosus</i> Lam.			۱۴۱
Papilionaceae	<i>Dalbergia lanceolaria</i> L.			۷۴
Papilionaceae	<i>Dalbergia melanoxylon</i> G.D.R.		African blackwood	۳۳
Papilionaceae	<i>Dalbergia volubilis</i> Roxb.			۷۴، ۳۷
Papilionaceae	<i>Dolichos biflorus</i> L.			۲۵۹، ۱۱۲
Papilionaceae	<i>Dolichos lablab</i> L.		Hyacinth dolchos	۲۶۷
Papilionaceae	<i>Dolichos lubia</i> Forsk			۳۳۳، ۳۱۲، ۲۷۱
Papilionaceae	<i>Dolichos</i> sp.		Dolichos	۱۱۱
Papilionaceae	<i>Dolichos uniflorus</i> L.			۱۱۲
Papilionaceae	<i>Dorycnium</i> L.			۱۴۴، ۳۵۲، ۳۱۹،
Papilionaceae	<i>Ebenoxylon verum</i> Lour			۳۲۷
Papilionaceae	<i>Ebenus cretica</i> L.			۶۴
Papilionaceae	<i>Ebenus</i> L.			۳۲۷، ۳۱۰، ۳۳
Papilionaceae	Ebonytree (E) = <i>Dalbergia</i> sp.			۳۳
Papilionaceae	<i>Ervum ervillia</i> L.			۳۳۰، ۲۵۴، ۲۵۳
Papilionaceae	<i>Ervum lens</i> L. = <i>Lens culinaris</i> Medik. subsp. <i>Culinaris</i>		Lentil; Cultivated lentil	۳۳۰

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Papilionaceae	<i>Faba vulgaris</i> Monch.		Broad bean	۷۳
Papilionaceae	<i>Flemmigia rhodocarpus</i> Bak.			۲۹۵
Papilionaceae	<i>Genista acathoclada</i> DC.			۳۲۴
Papilionaceae	<i>Glossostemon bruguieri</i> DC.		Sahlab	۲۸۳
Papilionaceae	<i>Glossostemon</i> sp.			۲۸۳
Papilionaceae	<i>Glycyrrhiza glabra</i> L.	*	Japan clover common lespedeza	۳۳۶، ۳۱۳، ۱۸۰
Papilionaceae	<i>Guilandina boneculia</i> Flem.			۱۵۵
Papilionaceae	<i>Hedysarum</i> sp.		Sweet vetch-frenh honesuckle	۳۴۵، ۳۱۷، ۲۰۷، ۶۶
Papilionaceae	<i>Indigofera</i> sp.		Indigo	۲۹۲
Papilionaceae	<i>Indigofera tinctoria</i> L.	**	True lavender	۲۹۲، ۲۱۱
Papilionaceae	<i>Laburnum vulgare</i> Bercht. & Prsl.			۳۵۴
Papilionaceae	<i>Lathyrus aphaca</i> Tourn. & L.	*	Yellow vethling; Tare	۳۳۳
Papilionaceae	<i>Lathyrus sativus</i> L.	*	Grass pea vin	۱۰۴، ۱۳۷
Papilionaceae	<i>Lathyrus</i> sp.		Pea vine	۱۳۷، ۱۰۴
Papilionaceae	<i>Lens culinaris</i> Medic. = <i>Lens esculenta</i> Monch.	*	Common lentil	۲۰۷
Papilionaceae	<i>Lens esculenta</i> Monch.	*		۳۳۰، ۲۰۷
Papilionaceae	<i>Lotus ornithopodioides</i> L.			۲۱۶
Papilionaceae	<i>Lotus</i> sp.		Deervetch; Bird's-foot trefoil	۳۵۴، ۳۲۰، ۲۷۲
Papilionaceae	<i>Lupinus albus</i> L.		White lupine	۹۳
Papilionaceae	<i>Lupinus angustifolius</i> L..		Blue lupine	۳۳۰، ۹۳
Papilionaceae	<i>Lupinus pilosus</i> Murr.			۳۳۰
Papilionaceae	<i>Lupinus</i> sp.		Lupine	۹۳
Papilionaceae	<i>Lupinus termis</i> Forsk.			۳۳۰، ۳۱۱، ۹۳
Papilionaceae	<i>Medicago arborea</i> Mill.		Tree medic; Tree alfalfa	۲۴۰
Papilionaceae	<i>Medicago ciliaris</i> Hook.	**		۲۹۱
Papilionaceae	<i>Medicago hispida</i> Gaertn.		Califonia bur clover	۲۹۱
Papilionaceae	<i>Medicago intertexta</i> L.	*	Horns and hedgehog	۲۹۱
Papilionaceae	<i>Medicago littoralis</i> Rhod.			۲۹۱
Papilionaceae	<i>Medicago sativa</i> L.	*	Alfalfa	۳۳۲، ۳۱۲، ۲۹۱، ۱۵۶
Papilionaceae	<i>Medicago</i> sp.		Medic	۲۴۱
Papilionaceae	<i>Melilotus officinalis</i> Lam.	*	Yellow sweet clover	۳۳۹، ۳۱۴، ۵۹، ۳۹
Papilionaceae	<i>Melilotus parviflora</i>			۲۳۶
Papilionaceae	<i>Melilotus</i> sp.		Sweet clover melilot	۱۲۶
Papilionaceae	<i>Onobrychis viciaefolia</i> Scop. = <i>Onobrychis altissima</i> Grossh.		Common sainfoin	۳۳۴، ۳۱۸
Papilionaceae	<i>Ononis antiquorum</i> L.			۳۳۷، ۱۹۸، ۱۸۴
Papilionaceae	<i>Ononis antiquorum</i> L. = <i>Ononis spinosa</i> subsp. <i>Antiquorum</i>		Balomaga	۳۳۷، ۳۱۳



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Papilionaceae	Phaseolus communis Paritz.			۲۷۱
Papilionaceae	Phaseolus max L.			۲۷۶
Papilionaceae	Phaseolus mrabatus L.			۲۷۶
Papilionaceae	Phaseolus mungo L.		Mungo bean; Black gram	۲۷۵
Papilionaceae	Phaseolus radiatus L.	**		۲۷۵
Papilionaceae	Phaseolus vulgaris L.	*	Kidney bean	۲۷۱
Papilionaceae	Pisum sativum L.	*	Garden pea	۱۳۷، ۱۰۴، ۷۹
Papilionaceae	Pterocarpus santalinus L.		Sandlwood padauk; Lal - Chandan	۱۹۶
Papilionaceae	Retama sp.		Retama	۱۵۵
Papilionaceae	Scorpiurus sp.		Scorpioin's-tail; Caterpillar plant	۱۵۱
Papilionaceae	<i>Securigera coronilla</i> DC . = <i>Securigera securidaca</i> (L.) DE. & DO.	*	Hatchet vetch	۳۴۵، ۷۰
Papilionaceae	<i>Securigera securidaca</i> (L.) DE. & DO.	*		۳۴۵، ۷۰
Papilionaceae	<i>Sesbania aegyptiaca</i> Poir.		Peabush	۱۸۲
Papilionaceae	<i>Sesbania</i> sp.		<i>Sesbania</i>	۱۸۲
Papilionaceae	<i>Sophora mollis</i> Gr.	*	Himalayan laburnum	۴۴
Papilionaceae	<i>Sophora</i> sp.		Pagoda tree	۱۹۶
Papilionaceae	<i>Spartium junceum</i> L.		Weaver's-broom; Spanish broom	۳۵۵، ۷۵
Papilionaceae	<i>Spartium spinosum</i> L.			۱۴۱
Papilionaceae	<i>Trifolium alexandrinum</i> L.			۲۳۶، ۱۵۶
Papilionaceae	<i>Trifolium arvense</i> L.		Rabbit-foot clover; Hare's-foot	۳۴۸، ۲۶۵
Papilionaceae	<i>Trifolium fragiferum</i> L.		Strawberry clover	۳۹
Papilionaceae	<i>Trifolium italicum</i> Boiss.			۳۳۹
Papilionaceae	<i>Trifolium melilotus-indica</i> L.			۲۹۱
Papilionaceae	<i>Trifolium officinalis</i> Willd.			۳۳۹
Papilionaceae	<i>Trifolium pratense</i> L.		Red clover	۱۵۶
Papilionaceae	<i>Trifolium sipyleum</i>			۳۳۹
Papilionaceae	<i>Trifolium</i> sp.		Clover	۲۹۱، ۲۰۳
Papilionaceae	<i>Trigonella coerulea</i> Ser.		Blue-white trigonella	۲۸۶، ۱۲۶
Papilionaceae	<i>Trigonella corniculata</i> L.			۱۵۰
Papilionaceae	<i>Trigonella elatior</i> Sybth.			۲۸۶
Papilionaceae	<i>Trigonella foenum-graecum</i> L.		Fenugreek trigonella; Fenugreek	۳۲۹، ۱۲۱
Papilionaceae	<i>Trigonella graeca</i> Boiss.			۳۳۹
Papilionaceae	<i>Trigonella grandiflora</i> Bunge.			۱۲۱، ۵۹
Papilionaceae	<i>Trigonella hamosa</i> L.			۱۲۷، ۱۲۶، ۳۹
Papilionaceae	<i>Trigonella laciniata</i> L.			۱۵۰
Papilionaceae	<i>Trigonella</i> sp.		<i>Trigonella</i>	۱۲۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Papilionaceae	<i>Tripteris vaillantii</i> L.			۲۷۸
Papilionaceae	<i>Vicia cracca</i> L.	*	Brid vetch; Cow vetch	۳۳۳، ۹۲
Papilionaceae	<i>Vicia ervillia</i> Willd.	*	Bitter vetch	۳۳۰، ۲۷۶، ۲۵۴، ۲۵۳
Papilionaceae	<i>Vicia faba</i> L.	*	Broad bean	۳۳۰، ۷۳
Papilionaceae	<i>Vicia onobrachioides</i> L.			۳۴۷
Papilionaceae	<i>Vicia sativa</i> L.	*	Common vetch	۲۷۶، ۹۷، ۹۲
Papilionaceae	<i>Vigna catjang</i> Walp		Catjang cowpea	۲۷۱
Papilionaceae	<i>Vigna sinensis</i> Endl.		Common cowpea	۲۷۶
Papilionaceae	<i>Virgilia</i> sp.		Ax plant	۱۳۶
Pedaliaceae	<i>Sesamum indicum</i> L.	*	Oriental sesme	۳۲۹، ۳۱۱، ۱۷۶
Pedaliaceae	<i>Sesamum oleiferum</i> Moench			۱۷۶
Pedaliaceae	<i>Sesamum orientale</i> L. = <i>Sesamum indicum</i> L.	*		۱۷۶
Penaceaeae	<i>Penaea mucronata</i> L.			۶۶
Penaceaeae	<i>Penaea</i> sp.			۳۴۲
Periplocaceae	<i>Periploca</i> sp.		Silk vine	۸۶
Phalangida	<i>Phalangium ramosum</i> Lam.			۳۴۳، ۳۱۶، ۲۲۳
Pinaceae	<i>Cedrus deodara</i> Loud.	**	Deodar cedar	۱۴۹
Pinaceae	<i>Cedrus libani</i> Barrel.	**	Cedar Lebanon	۳۲۶، ۳۰۹، ۲۴۴، ۴۴
Pinaceae	<i>Cedrus libani</i> Loud.	**		۱۴۹
Pinaceae	<i>Picea excelsa</i> Link.		Norway spruce	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۹۷، ۴۴
Pinaceae	<i>Pinus cembra</i> L.		Swiss stone pine	۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus eldarica</i> Medew.			۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus halepensis</i> Mill.	*	Aleppo pine	۳۵۶، ۱۹۷، ۴۴
Pinaceae	<i>Pinus maritima</i> Lam.			۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus nigra</i> L.	**	Austrian pine	۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus orientalis</i> Link.			۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus pinea</i> L.	*	Italian stone pine	۳۲۵، ۳۰۹، ۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus</i> sp.		Pine	۱۹۷
Pinaceae	<i>Pinus sylvestris</i> L.		Scotch pine	۱۹۷
Piperaceae	<i>Peperomia</i> sp.		Peperomia	۲۲۱
Piperaceae	<i>Piper aromaticum</i> Lam.			۳۳۳، ۳۱۲، ۲۲۸، ۱۴۲، ۴۶
Piperaceae	<i>Piper betle</i> L.		Betel pepper	۲۳۰، ۱۸۴، ۹۳
Piperaceae	<i>Piper cubeba</i> L.			۲۴۹، ۵۶
Piperaceae	<i>Piper longum</i> L.			۲۲۸، ۱۴۲
Piperaceae	<i>Piper nigrum</i> L.	**	Black pepper	۳۳۳، ۲۲۹، ۱۴۲، ۴۶
Piperaceae	<i>Piper</i> sp.		Pepper	۲۲۸
Plantaginaceae	<i>Plantago coronopus</i> L.	*	Crowfoot; Buckhorn plantain	۳۳۱، ۳۱۱
Plantaginaceae	<i>Plantago major</i> L.	*	Ripple-seed plantain-great plantain	۲۶۹
Plantaginaceae	<i>Plantago psyllium</i> L.	*	Flaxseed plantain; Psyllium seed	۳۵۱، ۳۱۹، ۷۸
Platanaceae	<i>Platanus orientalis</i> L.	*	Oriental plant tree	۳۲۶، ۳۰۹، ۱۴۶

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Platanaceae	Platanus sp.		Plant tree sycamore	۲۱۷، ۱۴۶
Plumbaginaceae	Plumbago europaea L.			۲۴۰، ۲۰۳
Plumbaginaceae	Plumbago rosea L.			۱۹۴
Plumbaginaceae	Plumbago zeylanica L.			۱۹۳
Plumbaginaceae	<i>Statice limonium</i> L. = <i>Limonium vulgare</i> Miller			۳۴۸، ۳۱۹، ۹۱
Podophyllaceae	Epimedium alpinum L.		Alpine willoweed	۳۴۸، ۵۷
Podophyllaceae	Leontice chrysogonum L.			۳۴۲
Podophyllaceae	Leontice leontopetalum L.	*	Leon's leaf	۳۰، ۳۴۲، ۳۱۵، ۳۵
Polemoniaceae	Polemonium coeruleum L.		Greek-valerian polemonium	۳۴۸، ۳۱۸
Polemoniaceae	Polemonium Sp.		Polemonium; Greek valerian; Jacob's ladder	۹۰
Polygonaceae	<i>Bistorta officinalis</i> Rafin. = <i>Polygonum bistorta</i> L.		Common betony	۶۴
Polygonaceae	Calligonum comosum L.	*		۴۴
Polygonaceae	Calligonum sp.		Calligonum	۴۴
Polygonaceae	Lapathum aquaticum Scop.			۱۲۳
Polygonaceae	Polygonum amphibium L.	*		۲۲۰
Polygonaceae	Polygonum aviculare L.			۲۰۳، ۳۴۷، ۳۱۸، ۲۱۱، ۲۲۰
Polygonaceae	Polygonum bistorta L.	*	European bistort	۶۴
Polygonaceae	<i>Polygonum equisetiforme</i> Sibth. = <i>Polygonum equisetiformis</i> Sibth.	*		۲۱۱
Polygonaceae	Polygonum hydropiper L.	*	Marsh-pepper smartweed	۳۳۴، ۳۳۳، ۳۱۲، ۲۲۸، ۱۶۴
Polygonaceae	Polygonum sp.		Knotweed	۲۱۱
Polygonaceae	Polygonum tinctorium Hort.			۱۸۵
Polygonaceae	Polygonum viviparum L.		Viviparous bistort	۶۵
Polygonaceae	Rheum officinale Baill.		Medicinal rhubarb	۱۵۴
Polygonaceae	Rheum palmatum L.		Sorrel rhubarb	۱۵۴
Polygonaceae	Rheum raphaniticum L. (Rhubarbes)		Garden rhubarb	۱۵۴
Polygonaceae	Rheum ribes L.	*	Cuvrant-fruited ; Rhubarb	۱۵۹
Polygonaceae	Rheum sp.		Rhubarb	۱۵۹
Polygonaceae	Rhubarbes officinale Baillon.			۱۵۴
Polygonaceae	Rhubarbes ribes?			۱۵۴
Polygonaceae	Rumex acutus L.			۳۳۰، ۲۷۰، ۱۲۲
Polygonaceae	Rumex aquaticus L.			۳۳۰
Polygonaceae	Rumex brettanica L.			۳۴۷، ۳۱۸، ۷۶
Polygonaceae	Rumex conglomeratus L.	*	Clustered	۱۲۳
Polygonaceae	Rumex elbursensis Boiss.	*		۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۳
Polygonaceae	Rumex hydrolapathum L.		Water dock	۳۳۰، ۱۷۴، ۱۲۲
Polygonaceae	Rumex lacerus Balb.			۱۲۴
Polygonaceae	Rumex obtusifolius L.	*	Bitter dock	۱۲۴، ۱۲۳

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Polygonaceae	Rumex patientia L.	*	Potenc dock	۳۳۰، ۱۲۳، ۱۲۲
Polygonaceae	Rumex scutatus L.	*	French sorrel	۱۲۲
Polygonaceae	Rumex vesicarius L.	*	Bladder dock; Bladder sorrel	۱۲۴
Polypodiaceae	<i>Aspidium aculeatum</i> Smit . = <i>Polystichum aculeatum</i>		Hard shield fern; prickly shield fern; hedge fern	۳۵۷
Polypodiaceae	<i>Aspidium lonchitis</i> L.			۳۴۶، ۳۱۷، ۲۷۱، ۱۵۷، ۱۱۴، ۱۱۳
Polypodiaceae	<i>Gymnogramma ceterach</i> (L.) Spre.			۳۴۵
Polypodiaceae	<i>Polypodium vulgare</i> L.	*	Common polypody; Wall fern	۳۵۷، ۳۲۱، ۸۰
Polypodiaceae	<i>Scolopendrium hemionitis</i> L.			۳۴۵
Polypodiaceae	<i>Scolopendrium vulgare</i> Sw . = <i>Scolopendrium officinale</i> Swartz = <i>Phyllitis scolopendrium</i> (L.) Newman		Hart's-tongue	۳۴۵، ۴۸
Portulacaceae	<i>Portulaca oleracea</i> L.	*	Common purslane	۳۳۱، ۸۳
Portulacaceae	<i>Portulaca sativa</i> Ha.			۸۳
Potamogetonaceae	<i>Potamogeton natans</i> L.			۳۵۳، ۳۲۰، ۹۹
Primulaceae	<i>Anagallis arvensis</i> L.	*	Scarlet runner bean	۳۳۵، ۶۳، ۳۴
Primulaceae	<i>Anagallis coerulea</i> Schreb.		Blue pimpernel	۳۳۵، ۶۳
Primulaceae	<i>Androsace lactea</i> L.			۳۴۵، ۳۱۷، ۲۴۳
Primulaceae	<i>Androsace</i> sp.	*		۲۴۳، ۱۰۴
Primulaceae	<i>Cyclamen europaeum</i> L.		European cyclamen	۳۳۳، ۳۱۲، ۱۸۶، ۷۵، ۲۳
Primulaceae	<i>Cyclamen graecum</i> L.			۳۳۳
Primulaceae	<i>Cyclamen hederacifolium</i> Ait.			۳۳۴، ۱۶۵
Primulaceae	<i>Cyclamen</i> sp.		Cyclamen	۲۰۸، ۱۳۰، ۷۵، ۳۵
Primulaceae	<i>Lysimachia vulgaris</i> L.		Golden loosestrife	۳۴۷، ۳۱۸، ۲۷۲، ۱۷۱
Proteaceae	<i>Protea</i> sp.		Purple rattlesnake root	۲۲۶
Psyllidae	<i>Psylla</i> sp.		psylla	۱۲۴
Pteridaceae	<i>Pteris aquilina</i> L.		Western bracken	۳۵۷
Pteridaceae	<i>Pteris radiofa</i> Mett.			۲۸۶
Punicaceae	<i>Punica granatum</i> L.		Pomegranate	۳۲۸، ۲۸۹، ۲۸۳، ۱۰۴
Ranunculaceae	<i>Anemone coronaria</i> L.		Poppy anemone	۳۳۵، ۳۱۲، ۱۸۸
Ranunculaceae	<i>Anemone hortensis</i> L.			۳۳۵، ۱۸۸
Ranunculaceae	<i>Anemone pulsatilla</i> L.		Yellow Anemone	۱۸۸
Ranunculaceae	<i>Anemone</i> sp.	*	Anemone	۱۸۸، ۱۳۴
Ranunculaceae	<i>Clematis cirrhosa</i> L.		Vernal clematis	۳۵۶
Ranunculaceae	<i>Clematis ochroleuca</i> Poir.			۲۰۵
Ranunculaceae	<i>Coptis teeta</i> Wall.			۲۷۶
Ranunculaceae	<i>Delphinium consolida</i> L . = <i>Consolida regalis</i> S.F.Gray		Branchin larkspur	۳۴۱
Ranunculaceae	<i>Delphinium peregrinum</i> L.			۳۴۱
Ranunculaceae	<i>Delphinium semibarbatum</i> Bie.	*		۱۶۲

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Ranunculaceae	Delphinium zalil Ait.			۱۶۲
Ranunculaceae	Delphinium staphisagria L.			۳۰۰، ۲۸۹
Ranunculaceae	Helleborus alba L.			۱۳.
Ranunculaceae	Helleborus cyclophyllus Boiss.			۳۰۰
Ranunculaceae	Helleborus niger L.		Christmas rose	۱۳.
Ranunculaceae	Helleborus officinalis Salisb.			۳۰۰
Ranunculaceae	Helleborus sp.		Hellebor	۱۳.
Ranunculaceae	Nigella sativa L.	*	Nutmeg flower	۱۹۲، ۹۴، ۳۴
Ranunculaceae	Nigella sp.		Fennelflower	۱۹۲
Ranunculaceae	Ranunculus acris L.		Tall buttercup	۳۳۴
Ranunculaceae	Ranunculus aquatilis L.		Water crowfoot	۳۳۰، ۲۰.
Ranunculaceae	Ranunculus arvensis L.		Corn buttercup	۲۰۹
Ranunculaceae	Ranunculus asiaticus L.		Persian buttercup	۳۳۴، ۲۹۴، ۲۶۶، ۲۰، ۱۸۹
Ranunculaceae	Ranunculus ficaria L.		Figroot buttercup	۳۳۰
Ranunculaceae	Ranunculus lanuginosus L.		Buttercup ficaria	۳۳۰، ۲۰.
Ranunculaceae	Ranunculus muricatus L.	*		۳۳۰
Ranunculaceae	Ranunculus muricolus L.			۲۰.
Ranunculaceae	Ranunculus repens L.			۳۴۱
Ranunculaceae	Ranunculus sp.		Buttercup; Crowfoot	۱۲۷
Ranunculaceae	Thalictrum aquilegifolium L.		Columbne meadow rue	۹۷
Ranunculaceae	Thalictrum flavum L.		Yellow meadow rue	۳۰۳، ۳۲.
Ranunculaceae	Thalictrum minus L.			۳۰۳
Ranunculaceae	Aconitum anthora L.		Pyrenees monkshood	۲۰۴، ۶۴
Ranunculaceae	Aconitum erectum L.			۱۲۸، ۴۲
Ranunculaceae	Aconitum ferox Wall.			۹۲
Ranunculaceae	Aconitum luridum Hook.			۹۲
Ranunculaceae	Aconitum lycoctonum L.		Wolfsbane monkshood	۳۰۲، ۱۲۹
Ranunculaceae	Aconitum napellus L.	**	Aconite monkshood	۳۰۲، ۳۲۰، ۱۲۹
Ranunculaceae	Aconitum sp.		Monkshood	۹۲، ۶۴
Ranunculaceae	Actaea sp.	*	Baneberry	۱۳۸
Resedaceae	Reseda alba L.	*	White mignonette	۱۰۱
Resedaceae	Reseda canescens L.			۳۰۰
Resedaceae	Reseda luteola L.	*	Weld mignonette	۲۹۰
Rhamnaceae	Paliurus aculeatus Lam.			۳۲۶، ۳۰۹، ۱۶۸
Rhamnaceae	Paliurus sp.		Paliurus	۱۸۰
Rhamnaceae	Rhamnus alaternus L.	**	Common alaternus	۳۷
Rhamnaceae	Rhamnus cathartica	*	Common buckthorn	۲۱۷
Rhamnaceae	Rhamnus infectoria L.		Persian berry buckthorn	۳۲۷، ۲۳۱، ۲۱۷، ۱۲۰، ۶۱
Rhamnaceae	Rhamnus tinctoria Waldst.			۱۹۶
Rhamnaceae	Rhamnus zizyphus L.			۲۱۴
Rhamnaceae	Zizyphus jujuba Lam.			۲۱۴

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Rhamnaceae	<i>Zizyphus lotus</i> Lam.	*	African lotus	۱۶۸
Rhamnaceae	<i>Zizyphus sativa</i> G.			۲۱۴
Rhamnaceae	<i>Zizyphus spina-christi</i> Willd	*	Christ's thorn ; Nubk tree	۱۶۸
Rhamnaceae	<i>Zizyphus vulgaris</i> L.			۳۲۶، ۲۱۴
Rhizophoraceae	<i>Kandelia rheedii</i> W. & A.		Mangrove	۱۷۳
Rosaceae	<i>Agrimonia eupatoria</i> L.	*	Agrimony	۳۴۹، ۳۳۵، ۳۱۹، ۲۱۹، ۹۴، ۵۴
Rosaceae	<i>Agrimonia</i> sp.			۲۱۹
Rosaceae	<i>Amygdalus amara</i> Hayne			۲۷۲
Rosaceae	<i>Amygdalus communis</i> L.	*	Almond	۳۲۹، ۲۷۲
Rosaceae	<i>Amygdalus dulcis</i> Mill.			۲۷۲
Rosaceae	<i>Amygdalus persica</i> L.		Peach tree	۱۳۹
Rosaceae	<i>Armeniaca vulgaris</i> Lam. = <i>Prunus armeniaca</i> L.		Common apricot ; Apricot	۲۸۲
Rosaceae	<i>Cerasus avium</i> L.	*	Mazzard cherry ; Geau ; Sweet cherry	۲۳۴
Rosaceae	<i>Cerasus mahaleb</i> Mill.	*	Mahhlab	۱۱۳
Rosaceae	<i>Cotoneaster nigra</i> Wahl.			۱۹۳
Rosaceae	<i>Cotoneaster nummularia</i> Fich & Mey.			۱۹۳
Rosaceae	<i>Cotoneaster</i> spp.		Cotoneaster	۸۵
Rosaceae	<i>Cotoneaster vulgaris</i> L. = <i>Cotoneaster integerrima</i> Medicus	*		۱۹۳
Rosaceae	<i>Crataegus azarolus</i> L.	*	Azarole hawthorn	۳۲۸، ۲۹۱، ۱۶۲، ۹۴
Rosaceae	<i>Crataegus lagenaria</i> Fisch.			۱۶۲
Rosaceae	<i>Crataegus melanocarpa</i> Bory & Chu.	*		۱۶۲
Rosaceae	<i>Crataegus monogyna</i> Jacq. = <i>Crataegus microphylla</i> C.koch.	*	Single-seed hawthorn	۱۶۲
Rosaceae	<i>Crataegus orientalis</i> Bieb.	*	Silver hawthorn	۱۶۲
Rosaceae	<i>Crataegus oxyacantha</i> L.	*	English hawthorn ; European hawthorn	۳۲۶، ۳۱۰، ۱۶۲، ۵۹
Rosaceae	<i>Crataegus pentagyna</i> (St.- Hil.) Eng. = <i>Crataegus</i> <i>melanocarpa</i> M.B.	*		۱۶۲
Rosaceae	<i>Crataegus pyracantha</i> Medic.			۳۲۶
Rosaceae	<i>Crataegus sinaica</i> Boiss.			۹۴
Rosaceae	<i>Crataegus</i> sp.		Hawthorn	۱۶۲
Rosaceae	<i>Cydonia indica</i> Spach	*		۱۸۹
Rosaceae	<i>Cydonia oblonga</i> Mill.	*	Apple quince	۱۷۲
Rosaceae	<i>Cydonia semina</i> = <i>Pyrus</i> <i>cydonia</i> L.			۱۷۲
Rosaceae	<i>Cydonia vulgaris</i> Delarbre = <i>Cydonia Oblonga</i>		(Kwee)	۱۷۲
Rosaceae	<i>Cydonia vulgaris</i> Pers.		Common quince	۳۲۸، ۳۱۰
Rosaceae	<i>Docynia</i> sp.			۱۸۹
Rosaceae	<i>Filipendula ulmaria</i> Maxim.		European meadowsweet	۲۶۸
Rosaceae	<i>Malus orientalis</i> Ugli.	*		۹۴



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Rosaceae	<i>Mespilus pycnoloba</i> C.Koch.			۲۱۹
Rosaceae	<i>Neurada procumbens</i> L.	*	Garden fennelflower; Black cummin	۱۷۲
Rosaceae	<i>Persica vulgaris</i> Mill.	*	Peach	۱۳۹
Rosaceae	<i>Potentilla reptans</i> L.	*	Creeping cinquefoil	۳۴۹، ۸۹
Rosaceae	<i>Poterium sanguisorba</i> L. = <i>Sanguisorba minor</i> Scop.	*	Small bureat	، ۳۴۹، ۲۵۷، ۱۷۸
Rosaceae	<i>Poterium</i> sp.		Burnet	۳۴۱
Rosaceae	<i>Poterium spinosum</i> L.			۳۴۸
Rosaceae	<i>Prunus amygdalus communis</i> L.		Protea	۲۷۲
Rosaceae	<i>Prunus amygdalus</i> Stokes. = <i>Amygdalus communis</i> L.	*		۳۲۹، ۳۱۱، ۲۷۲
Rosaceae	<i>Prunus amygdalus</i> var. <i>amara</i> Focke			۳۲۹، ۳۱۱، ۲۷۲
Rosaceae	<i>Prunus armeniaca</i> L.		Common apricot	۳۲۸، ۳۱۰، ۲۸۲
Rosaceae	<i>Prunus avium</i> L. = <i>Cerasus avium</i> (L.) Monch	*	Mazzard cherry	۲۳۵
Rosaceae	<i>Prunus cerasia</i> Br.		Sour chery	۳۲۸، ۳۱۰
Rosaceae	<i>Prunus cerasifera</i> Ehrh.		Myrobalan plum	۲۳۵
Rosaceae	<i>Prunus divaricata</i> Led.	*	Wild myrobalan plum	۲۹۱، ۴۱
Rosaceae	<i>Prunus domestica</i> L.	*	Gardan plum	۳۲۸، ۲۶۱، ۲۱۷، ۱۴۰، ۷۶، ۴۲، ۴۱
Rosaceae	<i>Prunus mahaleb</i> L. = <i>Cerasus mahaleb</i> (L.) Mill.	*	Mahaleb cherry; St. lucy cherry	۱۱۲
Rosaceae	<i>Prunus persica</i> Sieb. = <i>Persica vulgaris</i> Mill.	*	Peach	۳۲۸، ۳۱۰
Rosaceae	<i>Prunus spinosa</i> L.	*	Sole-blackthorn	۴۱
Rosaceae	<i>Pyrus amygdaliformis</i> L.		Almond pear	۳۲۸
Rosaceae	<i>Pyrus communis</i> L.	*	Common pear	۳۲۸، ۲۶۱، ۵۷، ۴۱
Rosaceae	<i>Pyrus communis</i> var. <i>akhras</i>			۳۲۸، ۳۱۱
Rosaceae	<i>Pyrus cydonia</i> L.		Cydonia oblonga	۱۷۲
Rosaceae	<i>Pyrus germanica</i> Hook.			۱۶۲
Rosaceae	<i>Pyrus germanica</i> L.			۳۲۸، ۱۶۲
Rosaceae	<i>Pyrus malus</i> L. = <i>Malus orientalis</i> Ugl.	*	Appel	۳۲۸، ۳۱۰، ۹۴
Rosaceae	<i>Pyrus sorbus</i> Gaertn.			۳۲۸، ۲۲۰، ۴
Rosaceae	<i>Rosa alba</i> L.		Cottage rose	۲۹۴
Rosaceae	<i>Rosa anserinaefolia</i> Boiss. = <i>Rosa beggeriana</i> Schrnk	*	Begger rose	۱۴۶
Rosaceae	<i>Rosa canina</i> L.	*	Dog-rose	۳۲۶، ۲۹۴، ۲۹۰
Rosaceae	<i>Rosa centifolia</i> L.	**	Cabbage rose	۲۹۴، ۱۴۶
Rosaceae	<i>Rosa cinensis</i> Jac.			۲۹۴
Rosaceae	<i>Rosa damascena</i> Mill.	*	Domask rose	۲۹۴، ۱۴۶
Rosaceae	<i>Rosa gallica</i> L.	**	French rose	۲۹۴، ۱۴۶
Rosaceae	<i>Rosa indica</i> L.		Chines rose	۲۹۴
Rosaceae	<i>Rosa lutea</i> Bort. = <i>Rosa foetida</i> Herrm	*	Austrian briar rose	۳۲۷

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Rosaceae	<i>Rosa maialis</i> Desf.			۲۸۹
Rosaceae	<i>Rosa moschata</i> Herrn.	*	Musk rose	۲۹۰
Rosaceae	<i>Rosa sempervirens</i> L.		Evergreen rose	۳۲۶
Rosaceae	<i>Rosa</i> sp.		Rose	۳۲۷، ۳۱۰، ۲۹۴
Rosaceae	<i>Rubus fruticosus</i> L.		European blackberry	۲۷۹، ۲۱۳
Rosaceae	<i>Rubus idaeus</i> L.		Red raspberry	۳۴۹، ۲۱۳
Rosaceae	<i>Rubus sanctus</i> Schreb.		European raspberry	۲۱۳
Rosaceae	<i>Rubus</i> sp.		Raspberry blackberry	۲۱۷، ۲۱۳
Rosaceae	<i>Rubus ulmifolius</i> Schott. = <i>Rubus anatolicus</i> (Focke) Fock & Wauss.	*	Elm-leaved blackberry	۳۴۹
Rosaceae	<i>Sanguisorba officinalis</i>	*	Garden carrot	۳۴۹
Rosaceae	<i>Sanguisorba</i> sp.		Bloodroot	۳۴۹
Rosaceae	<i>Sorbus aucuparia</i> L. = <i>Sorbus boissieri</i> Sch.	*		۲۲۰
Rosaceae	<i>Sorbus boissieri</i> Schn.	*		۲۲۰
Rosaceae	<i>Sorbus domestica</i> L.		Serviceberry; Juneberry	۳۲۸، ۲۲۰
Rosaceae	<i>Sorbus Pyrus</i> Crantz			۲۲۰
Rosaceae	<i>Sorbus</i> sp.		Mounthain ash	۲۲۰
Rosaceae	<i>Sorbus torminalis</i> (L.) Crantz	*	Checker-tree mountain ash	۲۸۶
Rosaceae	<i>Spiraea filipendula</i> L.			۳۴۴
Rosaceae	<i>Thus oxycantha</i> = <i>Crataegus laevigata</i> (Poirot) De Candolle = <i>Crataegus oxycantha</i> L.		Hawthorn; English hawthorn; May flower; whitethorn; haw; quickthorn	۲۷۱
Rubiaceae	<i>Galium aparin</i> L.	*	Catchweed; Catchweed bedstraw ;cleavers	۳۴۲، ۳۱۰، ۲۷۰، ۱۰۰
Rubiaceae	<i>Galium</i> sp.		Bedstraw	۲۱۹
Rubiaceae	<i>Galium verrucosum</i> Spr.			۳۴۲
Rubiaceae	<i>Galium verum</i> L.	*	Yellow bedstraw	۳۰۳، ۳۲۰، ۲۱۹
Rubiaceae	<i>Nauclea</i> sp.			۲۳۰
Rubiaceae	<i>Randia dumetorum</i> L.		Malabar randia	۱۰۹
Rubiaceae	<i>Randia</i> sp.			۱۰۴
Rubiaceae	<i>Rubia cordiifolia</i> L.			۲۳۰
Rubiaceae	<i>Rubia tinctorium</i> L.	*		۳۴۶، ۲۳۰
Rubiaceae	<i>Uncaria gambier</i>		Bengal gambir plant	۲۳۰
Rutacea	<i>Aegle marmelo</i> Cor.	*	Bael fruit ; Bel golden apple Bengal	۱۶۶، ۸۹، ۸۰
Rutaceae	<i>Amyris elemifera</i> L.		Galangal ; Java galangal ; Galingale	۲۶۶
Rutaceae	<i>Amyris gileadensis</i> L.			۸۶
Rutaceae	<i>Amyris kataf</i> Forsk.			۳۲۰، ۱۷۸
Rutaceae	<i>Amyris myrrh</i> Hafal.			۳۲۰
Rutaceae	<i>Amyris opobalsamum</i>			۲۸۰



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Rutaceae	Amyris sp.		Torchwood ; Balsam shrub	۳۲۵
Rutaceae	Citrus amara Link.		Sour orange ; Seville orange	۲۸۹
Rutaceae	<i>Citrus aurantifolia</i> Sw . = <i>Citrus aurantium</i> L.	*		۲۷۴ ، ۴۰
Rutaceae	<i>Citrus aurantium</i> Lou. & Auc.	*	Sour orange ; Seville orange	۲۸۹
Rutaceae	<i>Citrus bigaradia</i> Lois . = <i>Citrus aurantium</i> L.	*		۲۸۹
Rutaceae	<i>Citrus limonum</i> Risso		Lemon	۲۷۴ ، ۴۰
Rutaceae	<i>Citrus medica</i> L.	*	Cloza	۲۷۴ ، ۴۰
Rutaceae	<i>Citrus medica</i> Risso	*		۲۷۴
Rutaceae	<i>Citrus medica</i> Risso var. <i>cerata</i>			۳۲۸ ، ۳۱۰ ، ۴۰
Rutaceae	<i>Citrus</i> sp.		Citrus	۲۷۴
Rutaceae	<i>Citrus vulgaris</i> Riss.		Sour orange ; Seville orange	۲۸۹
Rutaceae	<i>Fagara</i> sp.			۲۲۳
Rutaceae	<i>Ruta graveolens</i> L.		Common rue-herb of grace	۳۳۹ ، ۱۶۸
Rutaceae	<i>Ruta hortensis</i> Mill.			۱۶۸
Rutaceae	<i>Ruta montana</i> L.			۳۳۹ ، ۳۱۴ ، ۱۶۸ ، ۱۵۰
Rutaceae	<i>Ruta</i> sp.		Rue	۱۶۸
Rutaceae	<i>Ruta tuberculata</i> Fisch . = <i>Haplophyllum versicolor</i> Fisch & C.A. Mey.	*		۱۶۸
Rutaceae	<i>Xanthoxylon avicenne</i> DC. = <i>Zanthoxylum piperitum</i> DC.		Aniseseed, Ash Berries, Badiana, Brown Peppercorns, Chinese Anise	۲۲۳
Salicaceae	<i>Populus alba</i> L.	*	White poplar	۳۲۶ ، ۱۲۷
Salicaceae	<i>Populus euphratica</i> L.	*	Willows	۲۲۰
Salicaceae	<i>Populus nigra</i> L.	*	Black poplar	۳۲۶ ، ۲۶۴ ، ۱۰۸
Salicaceae	<i>Populus</i> sp.		Poplar	۱۲۷
Salicaceae	<i>Salix acmophylla</i> Boiss.			۱۳۷
Salicaceae	<i>Salix aegyptiaca</i> Forsk.	*	Egyptian willow	۱۳۷ ، ۱۱۰
Salicaceae	<i>Salix alba</i> L.	*	White willow	۱۳۷
Salicaceae	<i>Salix australior</i> Forbes = <i>Salix excelsa</i> S.G.G.M.	*		۱۳۷
Salicaceae	<i>Salix babylonica</i> L.	*	Babylon weeping willow	۳۲۷ ، ۲۲۰ ، ۱۳۷
Salicaceae	<i>Salix balchia</i>			۱۳۷
Salicaceae	<i>Salix caprea</i> L.		Good willow	۱۳۷
Salicaceae	<i>Salix fragilis</i> L.		Brittle willow	۱۳۷
Salicaceae	<i>Salix rosmarinifolia</i> L.			۱۳۷
Salicaceae	<i>Salix safsaf</i> Forsk			۱۳۷
Salicaceae	<i>Salix</i> sp.		Willow-osier	۲۲۰ ، ۳۲۷
Salvadoraceae	<i>Salvadora indica</i> Royle		Niepa bark tree	۴۳
Salvadoraceae	<i>Salvadora persica</i> Gaer.	*	Kikuel oil plant; Mustard- seed	۲۵۰ ، ۴۳

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Santalaceae	Osyris alba L.			۳۵۵
Santalaceae	Santalum album L.			۱۹۶
Santalaceae	Santalum sp.		Sandalwood	۱۹۶
Sapotaceae	<i>Mimusops schimperi</i> Hochst. = <i>Mimusops laurifolia</i> (Forssk.) L.Fris			۳۲۹، ۲۶۶، ۷۶
Saxifragaceae	Parnassia palustris L.		Wide-world parnassia	۳۴۹
Saxifragaceae	Philadelphus sp.		Mock orange	۱۷۱
Scrophulariaceae	Anthericum graecum L.			۳۴۳
Scrophulariaceae	Anthericum ramosum L.			۲۲۳
Scrophulariaceae	Antirrhinum asarina L.			۱۲۸
Scrophulariaceae	Antirrhinum majus L.	*	Common snapdragon	۳۵۷، ۳۲۰، ۶۷
Scrophulariaceae	Gratiola officinalis L.		Drug hedge hyssop	۱۰۰
Scrophulariaceae	Linaria elatine Mill.		Sharp pointed fluellin	۳۴۹، ۳۱۹، ۲۶۷
Scrophulariaceae	Linaria spuria Mill.			۳۴۹
Scrophulariaceae	Linaria vulgaris Mill.	*	Butter and eggs	۲۷۷
Scrophulariaceae	Pedicularis tuberosa Vill.			۳۴۴
Scrophulariaceae	<i>Scrophularia aquatica</i> L. = <i>Scrophularia umbellifera</i> Dumort.	*	Water-betony	۱۲۷
Scrophulariaceae	<i>Scrophularia chrysanthemifolia</i> L.			۳۴۹، ۱۷۸
Scrophulariaceae	<i>Scrophularia lucida</i> L.			۳۴۹
Scrophulariaceae	<i>Scrophularia peregrina</i> L.			۳۵۳
Scrophulariaceae	<i>Verbascum nigrum</i> L.		Black mullein	۹۰، ۳۵۴
Scrophulariaceae	<i>Verbascum plicatum</i> Sibth.			۳۵۴
Scrophulariaceae	<i>Verbascum sinuatum</i> Desc.	*	Mediterranean hrb elder; Danewort	۳۵۴
Scrophulariaceae	<i>Verbascum</i> sp.		Mullein	۳۵۴، ۹۰
Scrophulariaceae	<i>Verbascum thapsus</i> L.	*	Flannet mullen; Great mullein	۳۵۴، ۲۷۵، ۹۰، ۷۷
Scrophulariaceae	<i>Veronica officinalis</i> L.	*	Drug speedwell	۲۶۷
Scrophulariaceae	<i>Veronica teucrium</i> L.			۳۴۲
Scrophulariaceae	<i>Vesicaria gnaphaloides</i> Boiss. = <i>Veronica viscosa</i> Boiss.	*		۱۴۰
Solanaceae	<i>Atropa mandragora</i> L.			۳۵۲، ۳۰۰
Solanaceae	<i>Capsicum frutescens</i> L.		Spanish pepper ; Bush red pepper	۲۲۸، ۱۴۲
Solanaceae	<i>Capsicum minimum</i> Rox.			۲۹۷
Solanaceae	<i>Capsicum</i> sp.		Red pepper	۲۲۸
Solanaceae	<i>Datura fastuosa</i> L.			۸۸
Solanaceae	<i>Datura metel</i> L. = <i>Datura</i> <i>innoxia</i> Miller	*	Hindu datura	۲۸۵، ۱۰۹
Solanaceae	<i>Datura stramonium</i> L.	*	Jimso-weed datura	۳۵۲، ۱۰۹
Solanaceae	<i>Digitalis aegyptiaca</i>			۳۴۹
Solanaceae	<i>Hyoscyamus albus</i> L.			۳۵۱، ۸۸

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Solanaceae	<i>Hyoscyamus aureus</i> L.			۳۵۱
Solanaceae	<i>Hyoscyamus niger</i> L.	*	Black henbane sticking-roger	۳۵۱، ۱۹۱، ۸۸
Solanaceae	<i>Hyoscyamus reticulatus</i> L.	*		۸۸
Solanaceae	<i>Hyoscyamus</i> Sp.			۳۵۱، ۳۱۹
Solanaceae	<i>Lycium afrum</i> L.			۳۲۶، ۲۳۱، ۲۱۷، ۱۲۰، ۶۱
Solanaceae	<i>Lycium europaeum</i> L. = <i>Lycium edgeworthii</i> Dun.			۲۱۷
Solanaceae	<i>Lycium</i> sp.		Wolfberry; desert thorn	۲۱۷، ۱۲۰
Solanaceae	<i>Mandragora officinarum</i> L.			۳۵۲، ۳۲۰، ۳۰۰، ۲۷۰، ۱۶۲
Solanaceae	<i>Mandragora</i> sp.		Mandrake	۲۷۰
Solanaceae	<i>Mandrgora offiicinarum</i> L.	**		۱۴۹
Solanaceae	<i>Physalis alkekengi</i> L.	*	Strawberry; Alkekengi	۳۵۲، ۲۴۹، ۲۱۵
Solanaceae	<i>Physalis somnifera</i> L.			۳۵۲
Solanaceae	<i>Solanum indicum</i> L. = <i>Solanum indicanum</i> L.	*		۷۸
Solanaceae	<i>Solanum melongena</i> L.	*	Garden agg plant	۲۸۳، ۷۲
Solanaceae	<i>Solanum nigrum</i> L.	*	Black nightshade	۳۵۲، ۲۱۵، ۱۵۴
Solanaceae	<i>Solanum sodomum</i> L.			۷۰
Solanaceae	<i>Solanum tuberosum</i> L.	*	Potato	۳۵۲
Solanaceae	<i>Streptosolen</i> sp.			۲۰۷
Solanaceae	<i>Withania coagulans</i> Dunal	*	Cheese-maker; Puneer cardaoms	۲۴۹
Solanaceae	<i>Withania somnifera</i> Dunal.	*	Clustered winter cherry	۸۹
Sparganiaceae	<i>Sparganium ramosum</i> Huds.			۳۴۸، ۳۱۹، ۱۸۱
Sterculiaceae	<i>Cola acuminata</i> Sch. = <i>Sterculia acuminata</i>		Sudan colanut	۱۳۲
Sterculiaceae	<i>Helicteris isora</i> L.	*	Indian screw tree; Isora	۲۵۸
Sterculiaceae	<i>Sterculia acuminata</i> Beauv.			۱۰۸
Styracaceae	<i>Styrax officinale</i> L.		Drug snowbell	۳۲۵، ۳۰۹، ۲۸۹، ۲۶۸، ۲۶۷، ۵۳
Tamaricaceae	<i>Tamarix articulata</i> Vahl. = <i>Tamarix aphylla</i> (L.) Kay.	**		۳۲۶، ۲۰۲، ۵۷، ۴۰
Tamaricaceae	<i>Tamarix gallica</i> L.	*	French tamarsk	۳۲۶، ۲۰۲، ۴۰
Tamaricaceae	<i>Tamarix gallica</i> L. var. mann?			۴۰
Tamaricaceae	<i>Tamarix nilotica</i> Ehr & Bung.			۴۰
Tamaricaceae	<i>Tamarix orientalis</i> Forsk.			۴۰
Tamaricaceae	<i>Tamarix pentandra</i> Pall. = <i>Tamarix ramosissima</i> Led.	*	Five-stamen tamarisk	۲۰۲
Tamaricaceae	<i>Tamarix</i> sp.		Tamarisk	۲۰۲، ۴۰
Tamaricaceae	<i>Tamarix tetrandra</i> Guebh.	*	Four stamen tamarisk	۲۰۲
Taxaceae	<i>Taxus baccata</i> L.	*	English yew	۳۵۲، ۱۹۹، ۱۹۰، ۱۶۱، ۱۵۵
Theaceae	<i>Thea sinensis</i> L.		Common tea; chinese tea	۹۹
Thelygonaceae	<i>Thelygonum cynocrambe</i> L.			۳۵۷

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Thymelaceae	<i>Daphne angustifolium</i> C.Koch = <i>Daphne mucronata</i> Royle	*		۲۷۵
Thymelaceae	<i>Daphne cnidium</i> L.		Rose daphne	۳۵۷، ۲۷۷
Thymelaceae	<i>Daphne gnidium</i> L.			۲۷۷، ۲۵۵
Thymelaceae	<i>Daphne mezereum</i> L.	*	February daphne	۳۵۵، ۲۷۵، ۲۶۱
Thymelaceae	<i>Daphne oleoides</i> Schr.	*		۲۷۵، ۱۶۶
Thymelaceae	<i>Daphne tartonrarira</i> L.			۲۰۹
Thymelaeaceae	<i>Agallochum</i> sp. = <i>Aquilaria agalicha</i>		Aloes wood, Eagle	۵۴
Thymelaeaceae	<i>Aquilaria malaccensis</i> Lam.		Agarwood	۲۱۶
Thymelaeaceae	<i>Mezereum officinal</i> C.A.Mey.			۲۷۵
Thymeliaceae	<i>Thymelaea hirsuta</i> Endl.			۲۷۷
Thymeliaceae	<i>Thymelaea mezereum</i> Scop.			۲۷۵
Thymeliaceae	<i>Thymelaea tartonraira</i> Endl.			۲۰۹
Tiliaceae	<i>Grewia bicolor</i> Just.		White Raisin	۲۹۰
Tiliaceae	<i>Grewia populifolia</i> L.			۲۸۹
Tiliaceae	<i>Tilia rubra</i> De. & T.			۱۶۶
Tiliaceae	<i>Tilia silvestris</i> Desf.	*	Little-leaf-linden	۱۶۶
Tiliaceae	<i>Tilia</i> sp.		Lindelofia	۱۶۶
Trapaceae	<i>Trapa natans</i> L.		Water chestnut	۱۱۸
Trilliaceae	<i>Paris incompleta</i> Bieb.		Jorusalem thorn; hore-bean	۲۱۵
Tropaeolaceae	<i>Tropaelum majus</i> L.		Tropae	۲۶۵
Typhaceae	<i>Typha angustata</i> L. = <i>Typha australis</i> Sch.&Th.	*	Narrow-leaved cattail	۳۴۴
Typhaceae	<i>Typha latifolia</i> L.	*	Common cattail	۳۴۴، ۳۱۶، ۲۰۴
Ulmaceae	<i>Celtis australis</i> L.	*	European hackberry	۳۲۸، ۲۷۲
Ulmaceae	<i>Celtis</i> sp.		Haircap moss	۲۸۶
Ulmaceae	<i>Ulmus campestris</i> L.	*	English elm	۳۲۶، ۱۸۶، ۱۴۴
Ulmaceae	<i>Ulmus effusa</i> Sibth.		Spreading	۱۸۵، ۱۴۴
Ulmaceae	<i>Ulmus glabra</i> L.	*	Scotch elm; wych elm	۱۸۶
Ulmaceae	<i>Ulmus minor</i> Mill.	*		۲۹۳
Ulmaceae	<i>Ulmus montana</i> With.		Scotch elm; wych elm	۱۸۵، ۱۴۴
Ulmaceae	<i>Ulmus</i> sp.			۱۸۵، ۱۴۴
Ulmaceae	<i>Zelkova crenata</i> Spac. = <i>Zelkova carpinifolia</i>	*	Zelkova elm of Siberia	۳۵
Umbeliferae	<i>Athamanta cretensis</i> L.			۱۴۸، ۱۱۸، ۱۰۳
Umbeliferae	<i>Athamanta macedonica</i> L.			۲۶۱
Umbeliferae	<i>Athamanta oreoselinum</i> L.			۲۵۴
Umbeliferae	<i>Athamanta</i> sp.			۳۴۱
Umbeliferae	<i>Bunium bulbocastanum</i> L.			۱۰۸
Umbeliferae	<i>Bupththalmum speciosissimum</i> Ard.			۲۹۵
Umbeliferae	<i>Bupleurum fruticosum</i> L.		Shrub thoroughwax	۳۴۰، ۱۸۲، ۱۲۱

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Umbeliferae	Bupleurum rotundifolium Scho.	*	Round-leaved th Round-leave hare's- ear; thoroughwax	۱۲۱
Umbeliferae	Bupleurum sp.		Oxyeye	۱۲۱
Umbeliferae	Cachrys libnotis L.			۳۴۱، ۳۱۰
Umbeliferae	Carum ammioides Benth.			۱۰۰
Umbeliferae	Carum ammioides Benth.			۳۶
Umbeliferae	Carum bulbocastanum Koch.			۲۶۲
Umbeliferae	Carum carvi L.		Caraway	۳۴۰، ۳۱۴، ۲۶۲، ۲۰۶
Umbeliferae	<i>Carum copticum</i> Ben. = <i>Trachypernum copticum</i> (L.) Link		Ajowan caraway	۳۴۰، ۲۸۹، ۲۶۲
Umbeliferae	Carum petroselinum Benth. & Hook.			۳۴۱، ۳۱۰، ۲۲۷، ۲۰۴
Umbeliferae	Caucalis maritima L.			۳۳۲، ۳۱۱
Umbeliferae	<i>Caucalis orientalis</i> (L.) RE. = <i>Astrodaucus orientalis</i> (L.) Drude			۸۹
Umbeliferae	Chaerophyllum sp.		Chervill	۲۳۲
Umbeliferae	Conium maculatum L.	*	Poison hemlock	۳۰۲، ۳۲۰، ۲۰۱، ۱۹۱
Umbeliferae	Coriandrum sativum L.	*	Coriader	۳۴۰، ۲۰۷
Umbeliferae	Coriandrum sp.		Coriader	۲۰۷
Umbeliferae	Daucus carota L.	*	Wild carrot	۳۴۰، ۱۴۸، ۱۰۳، ۰۳
Umbeliferae	Daucus gingidium L.			۳۳۲، ۳۱۱، ۱۰۳
Umbeliferae	Daucus guttatus Sib. & Sm.			۳۴۰
Umbeliferae	Dorema ammoniacum Don.	*	Bombay sumbul	۳۴۲، ۳۱۰، ۲۹۰، ۰۲
Umbeliferae	Dorema spp.		Sumbul	۰۲
Umbeliferae	<i>Echinophora tenuifolia</i> L. = <i>Echinophora sibthorpiana</i> Guss.	*		۳۴۰، ۳۳۹، ۱۶۰، ۱۱۷
Umbeliferae	Eryngium campestre L.		Snakeroot eryngo	۳۳۷، ۳۱۳، ۱۹۲، ۱۸۸، ۹۲، ۸۴، ۰۰
Umbeliferae	Eryngium coeruleum?			۲۱۰
Umbeliferae	Eryngium creticum L.			۲۳۶، ۲۱۰، ۱۹۲، ۸۴، ۰۰
Umbeliferae	Eryngium maritimum L.		Sea-holly eryngo	۲۶۴
Umbeliferae	Eryngium planum L.			۳۳۷
Umbeliferae	Foeniculum vulgare Mill.		Common fennel	۳۴۱، ۱۰۳، ۷۸
Umbeliferae	Heracleum spondylium L.		Hogweed cow parsnip	۳۴۱، ۳۱۰، ۲۰۹، ۱۷۲
Umbeliferae	Hippomarathrum libanotis Koch.			۳۴۱، ۳۱۰، ۱۰۳
Umbeliferae	Seseli ammoides L.		Seseli; Meadow	۳۴۱
Umbeliferae	Seseli tortuosum L.			۳۴۰، ۳۱۴، ۲۴۸، ۱۸۲، ۱۶۷
Umbelifetae	Ferula assafoetida L.		Asafetida giant fennel	۳۴۲، ۱۲۱، ۶۰، ۰۱
Umbelifetae	Ferula communis L.		Common giant fennel	۳۴۱، ۲۰۹، ۲۴۰، ۷۲
Umbelifetae	Ferula ferulago L.			۳۴۲، ۷۲
Umbelifetae	<i>Ferula galbaniflua</i> Boiss. & <i>Bus</i> = <i>Ferula gumosa</i> Boiss.	*		۳۴۲، ۲۴۶، ۱۰۱، ۷۲
Umbelifetae	<i>Ferula gumosa</i> Boiss.	*	Galbanum plant	۳۴۶

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Umbelifetae	<i>Ferula marmarica</i>			۵۲
Umbelifetae	<i>Ferula narthex</i> Boiss.			۶۵
Umbelifetae	<i>Ferula nodiflora</i> L.			۳۱۵
Umbelifetae	<i>Ferula nodosa</i> Benth & Hook.			۳۳۹
Umbelifetae	<i>Ferula opopanax</i> Spreng.			۳۳۹
Umbelifetae	<i>Ferula orientalis</i> L.	*		۳۴۲
Umbelifetae	<i>Ferula persica</i> Willd.	*	Persian asafetida	۳۴۲، ۱۷۳
Umbelifetae	<i>Ferula rubricaulis</i> Boiss.	*		۲۴۶، ۷۲
Umbelifetae	<i>Ferula saapenum</i> Polack			۱۷۳
Umbelifetae	<i>Ferula scordosma</i> Benth & Hook			۱۲۱
Umbelifetae	<i>Ferula scowitziana</i> D.C.			۳۴۲، ۱۷۳
Umbelifetae	<i>Ferula sumbul</i> Hook.			۲۵۴
Umbelifetae	<i>Ferula tingitana</i> L.			۳۴۲
Umbelliferae	<i>Aethusa cynapium</i> L.		Fool's-parsley aethusa	۱۹۱
Umbelliferae	<i>Ammi copticum</i> Boiss.			۲۸۹
Umbelliferae	<i>Ammi visnaga</i> (L.) Lam.	*	Bishop's Flower; Visnaga	۳۴۰، ۲۸۹
Umbelliferae	<i>Anethum graveolens</i> L.	*	Dill	۳۴۰، ۳۱۴، ۱۸۴، ۱۱۷، ۹۷
Umbelliferae	<i>Angelica sylvestris</i> L.		Angelika, Echte Brustwurz	۳۴۰
Umbelliferae	<i>Anisum stellatum</i> L.			۷۲
Umbelliferae	<i>Anisum vulgare</i> Gaertn.			۶۷
Umbelliferae	<i>Apium</i> Gr.		Celery	۲۵۴
Umbelliferae	<i>Apium graveolens</i> L.	*	Wihd celery	۳۴۱، ۲۵۴
Umbelliferae	<i>Apium petroselinum</i> L. = <i>Petroselinum sativum</i> Hoffm.		Percely, Persil, Petersilie, Petroselinum, Roc Parsley	۲۵۴
Umbelliferae	<i>Apium vulgare</i> L.			۲۵۴
Umbelliferae	<i>Cicuta virosa</i> L. = <i>Selinum virosum</i> (L.) E.H.L. Krause		European water hemlock ; Wasserschierling, Borstenkraut	۱۹۱
Umbelliferae	<i>Crithmum maritimum</i> L.		Samphire	۳۳۱، ۳۱۱، ۱۵۵
Umbelliferae	<i>Dorema ammoniacum</i> Don.		Gummi-resina ammoniacum	۵۲
Umbelliferae	<i>Feniculum</i> sp.		Fennel	۱۵۳
Umbelliferae	<i>Lagoecia cuminoides</i> L.			۳۴۰، ۲۶۲
Umbelliferae	<i>Laserpitium siler</i> L.			۱۶۵، ۱۱۷
Umbelliferae	<i>Levisticum officinale</i> Koch.	*	Garden lovage	۳۴۰، ۳۱۴، ۲۵۴، ۲۴۸، ۱۱۷
Umbelliferae	<i>Ligusticum levisticum</i> L. = <i>Levisticum officinale</i>		Lovage	۲۴۸، ۶۵
Umbelliferae	<i>Liserpitium siler</i> L.			۳۴۰
Umbelliferae	<i>Malabaila pumila</i> Rois.			۱۸۸
Umbelliferae	<i>Malabaila secacul</i> Russ.	*		۱۸۸
Umbelliferae	<i>Meum athamanticum</i> Jack			۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۵،
Umbelliferae	<i>Myrrhis odorata</i> Scop. =		Sweet cicely	۳۵۴، ۳۴۰، ۳۲۶



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
	<i>Scandix odorata</i>			
Umbelliferae	<i>Opopanax chironium</i> Koch.			۳۳۹، ۱۰۰
Umbelliferae	<i>Opopanax hispidus</i> Griseb.			۳۳۹
Umbelliferae	<i>Passeina hirsuta</i> L.			۳۴۷
Umbelliferae	<i>Pastinaca graeca</i> ?			۳۴۱
Umbelliferae	<i>Pastinaca sativa</i> L.		Garden parsnip	۳۳۰، ۱۸۱، ۱۵۹، ۱۵۶، ۱۰۳
Umbelliferae	<i>Pastinaca schekakul</i> Russ.			۱۸۸
Umbelliferae	<i>Pastinaca secacul</i> Russ. = <i>Malabaila secacul</i> (Miller) Boiss. <i>Susp. Secacul</i>			۱۰۳
Umbelliferae	<i>Petroselinum oreoselinum</i> L. = <i>Peucedanum oreoselinum</i> (L.) Moe.			۲۵۴
Umbelliferae	<i>Petroselinum sativum</i> Hoffm.	*	Common garden parsly	۲۵۴
Umbelliferae	<i>Peucedanum ammoniacum</i> ?			۳۰۰
Umbelliferae	<i>Peucedanum cervaria</i> L.		Much-good	۳۴۱
Umbelliferae	<i>Peucedanum officinale</i> L.	*	Common hog's- fenel	۳۴۱، ۳۱۵، ۷۴
Umbelliferae	<i>Peucedanum oreoselinum</i> Moench.		Mountain parsley	۳۱۵، ۳۶۳، ۴۱۰
Umbelliferae	<i>Peucedanum sativum</i> Benth.			۱۸۱
Umbelliferae	<i>Pimpinella anisum</i> L.		Anise	۳۴۰، ۳۱۴، ۹۴، ۶۷
Umbelliferae	<i>Pimpinella dioica</i> L.			۳۵۴
Umbelliferae	<i>Pimpinella dissecta</i> Polli. = <i>Pimpinella rhodantha</i> Boiss.	*		۳۵۴
Umbelliferae	<i>Pimpinella trgium</i> Vill.			۲۰۲
Umbelliferae	<i>Prangos ferulacea</i> L.	*		۳۴۱
Umbelliferae	<i>Prangos pabularia</i> L.	*	Hay plant	۲۵۴، ۷۲
Umbelliferae	<i>Ptychotis verticellata</i> Duby			۳۶
Umbelliferae	<i>Scandix pecten veneris</i> L.	*	Shepherd's-needle- lady's-comb; Venus's-comb	۳۳۲، ۳۱۱
Umbelliferae	<i>Selinum galbanum</i>			۳۴۲
Umbelliferae	<i>Selinum officinal</i>			۷۴
Umbelliferae	<i>Sison ammi</i> Jac. = <i>Trachyspermum copticum</i> (L.) Lin.	*		۲۸۹
Umbelliferae	<i>Sison amomum</i> L.			۳۴۰، ۳۱۴، ۲۲۰
Umbelliferae	<i>Sium latifolium</i> L.			۳۳۱، ۳۱۱، ۲۵۴، ۲۳۵، ۱۸۲، ۱۰۲
Umbelliferae	<i>Sium nodiflorum</i> L.			۳۳۱
Umbelliferae	<i>Sium sisarum</i> L.	*	Skirret water parsnip	۳۳۰، ۳۱۱، ۱۸۱
Umbelliferae	<i>Smyrniolum dioscoridis</i> Spreng.			۳۴۱
Umbelliferae	<i>Smyrniolum olusatrum</i> L.			۳۴۱، ۳۱۵، ۲۵۴
Umbelliferae	<i>Smyrniolum perfoliatum</i> L.			۳۴۱، ۲۵۴
Umbelliferae	<i>Smyrniolum</i> sp.		Alexanders	۱۷۶
Umbelliferae	<i>Thapsia garganica</i> L.			۳۵۵، ۱۶۸، ۱۴۵، ۹۷
Umbelliferae	<i>Tordilium officinale</i> L.			۳۴۰، ۳۱۴، ۱۸۲

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Umbelliferae	<i>Torilis leptophylla</i> Reichb.			۱۹
Umbelliferae	<i>Trachyspermum copticum</i> Link. = <i>Trachyspermum ammi</i> (L.) Sprague			۲۸۹
Umbelliferae	<i>Tragium columnae</i> Spreng.			۳۰، ۳۱۹، ۲۰۱
Umbelliferae	<i>Trodylium ackakul</i>			۱۸۸
Umbelliferae	<i>Cuminum cyminum</i> L.	*	Cumin	۳۴۰، ۳۱۰، ۲۶۲
Urticaceae	<i>Parietaria cretica</i> L.			۳۰۳، ۱۱۹، ۳۴
Urticaceae	<i>Parietaria diffusa</i> L.			۱۱۹
Urticaceae	<i>Parietaria officinalis</i> L.		Wall pellitory	۳۴
Urticaceae	<i>Parietaria</i> sp.		Pellitory	۳۰۳
Urticaceae	<i>Urtica dioica</i> L.		Big-sting nettle; Sting nettle	۷۰
Urticaceae	<i>Urtica pilulifera</i> L.	*	Roman nettle	۳۰۳، ۲۱۲، ۷۰
Urticaceae	<i>Urtica</i> sp.		Nettle family	۲۳۴، ۷۰
Urticaceae	<i>Urtica urens</i> L.	*	Dog nettle	۳۰۳، ۲۰۰، ۷۰
Uvulariaceae	<i>Uvularia amplexifolia</i> L.			۳۰، ۷۴
Valerianaceae	<i>Nardostachys jatamansi</i> DC.	*		۳۲۴، ۳۰۹، ۲۸۸، ۱۷۸، ۱۷۷
Valerianaceae	<i>Nardostachys sampharitke</i> ?			۲۳۸
Valerianaceae	<i>Valeriana celtica</i> L.			۳۲۴، ۲۸۸، ۱۷۸، ۱۷۷
Valerianaceae	<i>Valeriana dioscorides</i> Sibth.			۳۲۴، ۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۸
Valerianaceae	<i>Valeriana hardwickii</i> Wal.			۴۶
Valerianaceae	<i>Valeriana jatamansi</i> DC.			۲۸۸
Valerianaceae	<i>Valeriana jatamansi</i> Jone.		Nard	۱۷۷
Valerianaceae	<i>Valeriana montana</i> L.		Mountain valerian	۲۸۸
Valerianaceae	<i>Valeriana officinalis</i> L.		Common valerian	۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۸، ۱۷۷
Valerianaceae	<i>Valeriana phu</i> L.			۲۸۸، ۲۲۹
Valerianaceae	<i>Valeriana</i> sp.		Phu; all-heal; fragrant valerian; heliotrope	۲۸۸، ۲۲۹، ۱۷۷
Valerianaceae	<i>Valeriana spica</i> Vahl.			۲۸۸
Valerianaceae	<i>Valeriana tubereuse</i> Sprun.			۳۲۴، ۱۷۷
Valerianaceae	<i>Valeriana wallichii</i> DC.		Indian Valerian	۲۸۸
Verbenaceae	<i>Premna latifolia</i> Roxb.			۷۳
Verbenaceae	<i>Tectonia grandis</i> L.		Teca	۱۶۶
Verbenaceae	<i>Tectonia</i> sp.		Teak	۱۶۶
Verbenaceae	<i>Verbena officinalis</i> L.		European verbena	۳۰۱، ۱۰۶، ۷۳
Verbenaceae	<i>Verbena sapina</i> L.			۳۰۱، ۶۹
Verbenaceae	<i>Verbena</i> sp.		Vervain	۳۰۱، ۱۰۶
Verbenaceae	<i>Vitex agnus-castus</i> L. = <i>Vitex</i> <i>Pseudo-negundo</i> (Haus.) Hand- Mzt.	*	Lilac chaste; Agnus castus	۲۹۷، ۲۰۹، ۱۸۰، ۱۷۰، ۵۳، ۴۱ ۳۲۷، ۳۱۰
Violaceae	<i>Viola cinerea</i> Boiss = <i>Viola</i> <i>behboudiana</i> Rech.F.&Esfa..	*		۱۹
Violaceae	<i>Viola odorata</i> L.	*	Violet ; sweet Violet	۳۰۴، ۸۹



FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Violaceae	<i>Viola serpens</i> Wa.			۱۹
Violaceae	<i>Viola</i> sp.		Violet	۱۹
Violaceae	<i>Viola tricolor</i> L.	*	Wild pansy	۱۹
Vitaceae	<i>Cissus</i> sp.		Treebine	۱۷۴
Vitaceae	<i>Cissus vitiginea</i> L.			۳۲۴، ۱۲۴
Vitaceae	<i>Vitis repanda</i> Wight			۱۲۴
Vitaceae	<i>Vitis vinifera</i> L.	*	Eropean grape; Vine grape	۲۰۰، ۲۱۴
Vitidaceae	<i>Saelanthus quadragonum</i> Forsk.			۱۷۴
Zingiberaceae	<i>Alpinia galanga</i> (L.) Will.		Great	۱۳۹
Zingiberaceae	<i>Alpinia khulanjan</i> (L.) Will.			۱۳۹
Zingiberaceae	<i>Alpinia officinarum</i> Hance	**	Galangal	۱۳۹
Zingiberaceae	<i>Alpinia</i> sp.			۱۳۹
Zingiberaceae	<i>Amomum cardamomum</i> L = <i>Amomum compactum</i> Sol. ex Maton = <i>Elettaria cardamomum</i> (L.) Maton		Tooth pick ammi ; Bishop's-weed	۱۲۴
Zingiberaceae	<i>Amomum granum-paradisi</i> L. = <i>Aframomum granum-paradisi</i> K. Schum			۲۹۶، ۲۳۲، ۱۰۸
Zingiberaceae	<i>Amomum racemosum</i> L.			۱۲۴
Zingiberaceae	<i>Amomum racemosum</i> Lam.			۳۲۴، ۳۰۹
Zingiberaceae	<i>Amomum repens</i> Son.			۲۳۲
Zingiberaceae	<i>Amomum</i> sp.			۲۹۶، ۲۳۲
Zingiberaceae	<i>Amomum zerumbet</i> L. = <i>Zingiber zerumbet</i> (L.) Smith = <i>Zingiber officinale</i> Roscoe			۱۶۱
Zingiberaceae	<i>Amomun melegueta</i> Ros. = <i>Aframomum melegueta</i> K. Schum.			۲۹۶، ۲۳۶، ۲۳۲
Zingiberaceae	<i>Cardamomum</i> sp. = <i>Elettaria</i> <i>cardamomum</i> (L.) Maton = <i>Amomum cardamomum</i> L.		cardamom	۳۰۹، ۲۳۶
Zingiberaceae	<i>Costus albus</i> A.Chev			۲۳۹
Zingiberaceae	<i>Costus amarus</i> Rad.			۲۳۹
Zingiberaceae	<i>Costus arabicus</i> L.			۲۳۹
Zingiberaceae	<i>Costus speciosus</i> Sm.		Crape Ginger	۳۲۴، ۳۰۹، ۲۳۹
Zingiberaceae	<i>Curcuma aromatica</i> Salisb.		Curcuma; Status(es) (compiled from below	۲۰۶
Zingiberaceae	<i>Curcuma caesia</i> Roxb.			۲۰۰، ۱۰۲
Zingiberaceae	<i>Curcuma domestica</i> Valet.			۵۳
Zingiberaceae	<i>Curcuma longa</i> Ra.	**	Common turmeric	۲۷۶، ۲۰۰، ۲۱۰، ۵۳
Zingiberaceae	<i>Curcuma</i> sp.		Turmeric	۲۰۰
Zingiberaceae	<i>Curcuma tinctoria</i> Gui.			۲۷۶، ۵۳
Zingiberaceae	<i>Curcuma zedoaria</i> Rosc.			۲۰۰، ۱۶۱، ۱۰۲، ۵۳
Zingiberaceae	<i>Elettaria cardamomum</i> White & Maton	**	Cardamon	۲۹۶، ۲۳۶، ۲۳۲
Zingiberaceae	<i>Elettaria</i> sp.			۳۰۹

FAMILY	SCIENTIFIC NAME	IN IRAN	COMMON NAME	PAGE NUMBER
Zingiberaceae	Zingiber officinale Rosc.		Common ginger	۳۳۳، ۱۶۴
Zingiberaceae	Zingiber sp.		Ginger	۱۶۴
Zingiberaceae	Zingiber zerumbet Rosc.			۱۶۱
Zygophyllaceae	Fagonia cretica L.			۷۱
Zygophyllaceae	Peganum harmala L.	*	Harmel peganum African rue	۳۳۹، ۳۱۴، ۱۱۶
Zygophyllaceae	Tribulus terrestris L.		Puncture rine	۳۴۸، ۳۱۹، ۱۱۸

## کتابنامه:

### فارسی:

- ابن سینا، ابو علی الحسین بن علی. قانون در طب، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی، چاپ چهارم، انتشارات سروش ۱۳۶۸ هـ - ش).
- ابن سینا، ابو علی الحسین بن علی. طبیعت، نشر دانش.
- اژدری، اسماعیل. مجموعه طب سستی، (۱۳۷۰ هـ - ش)، انتشارات باربد مشهد.
- افشار، ایرج. پزشکی سستی مردم ایران، (۱۳۷۰ هـ - ش).
- امیری، منوچهر. فرهنگ داروها و واژه های دشوار تحقیق در باره کتاب الالبیه عن حقایق الادویه، (۱۳۵۳ هـ - ش)، انتشارات بنیاد فرهنگ.
- امین، غلامرضا. گیاهان داروئی سستی ایران، (۱۳۷۰ هـ - ش)، موسسه پژوهشهای گیاهان داروئی ایران دانشکده داروسازی دانشگاه تهران.
- انصاری، علی بن حسین معروف به حاج زین الدین عطار. اختیارات بدیعی، (۱۰۲۳ هـ - ق)، آستان قدس رضوی شماره ۱۳۱۰۵.
- بهرامی، حسینعلی. فرهنگ گیاهی، (۱۳۲۹ هـ - ش).
- پارسا، احمد. دارونامه، از نشریات موزه علوم طبیعی، چاپخانه دانش.
- تاج بخش، حسن. تاریخ دامپزشکی ایران، (۱۳۷۵ هـ - ش)، انتشارات دانشگاه تهران.
- جرجانی، اسماعیل. خفی علائی، (۵۰۴ هـ - ق)، به کوشش علی اکبر ولایتی، محمود نجم آبتدی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۹ هـ - ش.
- جرجانی، اسماعیل. ذخیره خوارزمشاهی، (۵۰۴ هـ - ق)، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- حویزی، عبداللطیف. بیماری ها و درمان گیاهی، (۱۳۷۰ هـ - ش)، انتشارات کتاب آفرین.
- خسروی، سید مهدی. گیاهان داروئی و نحوه کاربرد آن برای بیماری های مختلف در طب سستی، (۱۳۷۴ هـ - ش)، نشر محمد.

- خلخالی، کاظم. ترجمه طب الرضا علیه السلام و طب الصادق علیه السلام، علامه عسکری، انتشارات رثوف.
- دهخدا، علی اکبر. فرهنگ دهخدا، (۱۲۵۸ ه - ش)، موسسه لغت نامه دهخدا.
- رجب نیا، مسعود. (ترجمه کتاب) تاریخ طب اسلامی، ادوارد بروان (۱۳۷۱ ه - ش)، انتشارات علمی فرهنگی.
- رنگجی، غلامحسین. گل و گیاه در ادبیات منظوم فارسی، (۱۳۷۳ ه - ش)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زاهدی، اسماعیل. واژه نامه گیاهی، (۱۳۳۷ ه - ش)، انتشارات دانشگاه تهران.
- زرگری، علی. گیاهان دارویی، جلد ۱ تا ۵، (۱۳۶۶ ه - ش)، انتشارات دانشگاه تهران.
- زمانی، ساعد. ترجمه گیاهان دارویی، ژان ولاگ، (۱۳۷۶ ه - ش)، انتشارات ققنوس.
- سزگین، فواد. تاریخ نگارش های عربی، جلد ۳ و ۴، (۱۳۸۰ ه - ش)، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
- شمالی، مهرداد. واژه نامه گیاهی، (۱۳۶۹ ه - ش)، انتشارات عمید.
- صفی پور، عبدالرحمن بن عبدالکریم. منتهی الارب، (۱۳۷۷ ه - ق)، تهران.
- عطار یزدی، میر حسین. نسخه حکیم طب قدیم، (۱۳۶۹ ه - ش)، انتشارات جاوید.
- عقیلی علوی، محمد حسین. قرابادین کبیر، (۱۱۸۹ ه - ش)، انتشارات کتابفروشی محمودی.
- فهرست نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی.
- فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- فهرست نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- کریمی، هادی. اسامی گیاهان ایران، (۱۳۷۴ ه - ش)، مرکز نشر دانشگاهی.
- مصطفوی، حسن. مقایسه طب سنتی با پزشکی نوین، انتشارات دانشگاه تهران.
- مظفریان، ولی الله. فرهنگ نام های گیاهان ایران، (۱۳۷۵ ه - ش)، انتشارات فرهنگ معاصر.
- معین، محمد. برهان قاطع، (۱۳۶۲ ه - ش)، انتشارات امیر کبیر.
- مومن دیلمی تنکابنی، محمد. تحفه، با مقدمه محمود نجم آبادی، (۱۳۳۰ ه - ش)، کتابخانه مصطفوی.
- میر حیدر، حسین. گنجینه اسرار گیاهی، جلد ۱ تا ۳، (۱۳۶۳ ه - ش)، انتشارات وحید.
- میر حیدر، حسین. معارف گیاهی، جلد ۱ تا ۸، (۱۳۷۳ ه - ش)، نشر فرهنگ اسلامی.
- نجم آبادی، محمود. تاریخ طب در ایران، ج ۱ و ۲، (۱۳۷۵ ه - ش)، انتشارات دانشگاه تهران.
- نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطبا). پزشکی نامه، (۱۳۱۷ ه - ق)، خط عبد الله قزوینی، تهران.
- هروی، قاسم بن یوسف ابو نصر. ارشاد الزراعه، به اهتمام محمد مشیری، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۳۷۱ ه - ش.

هروی، موفق الدین علی . الابنیه عن حقایق الادویه، (۳۵۰ هـ - ق) به تصحیح احمد بهمنیار ، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۱.

یوسفی، غلامحسین. ترجمه تقویم الصحه ابن بطلان بغدادی، (اوایل قرن ششم) ، انتشارات علمی و فرهنگی.

## منابع غیر فارسی :

### ۱- عربی:

ابن مراد ، ابراهیم.. المصطلح الاعجمی، ج ۱ و ۲، (۱۹۸۵ م)، دار الغرب الاسلامی.

اخوینی البخاری، ابو بکر ربیع بن احمد . هدايه المتعلمين، به اهتمام جلال متینی، انتشارات دانشگاه فردوسی ۱۳۷۱ هـ - ش.

ابن بیطار المالقی، ابی محمد عبد الله احمد بن محمد . الجامع، (۶۴۶ هـ - ق).

ابن بیطار المالقی، ابی محمد عبد الله احمد بن محمد. تنقیح الجامع ، (۶۴۶ هـ - ق)، دارا لغرب الاسلامی.

ابن بیطار المالقی، ابی محمد عبد الله احمد بن محمد. تفسیر کتاب دیاسقوریوس ، (۶۴۶ هـ - ق)، تحقیق ابراهیم بن مراد ، دار الغرب الاسلامی ، ۱۹۸۹ م.

ابن جزله بغدادی، یحیی بن عیسی . منهاج البیان فی مستعملات انسان ، (۱۱۰۹ هـ - ق) ، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۱۳۹۹۰.

ابن جوزیه، شمس الدین محمد بن ابی بکر ایوب الزرعی. الطب النبوی صلوات الله علیه و اله، (۷۵۱ هـ - ق)، دار الفکر.

ابن سینا، ابو علی الحسین بن علی . قانون فی الطب، جلد ۱ الی الرابع، (۴۲۸ هـ - ق) ، موسسه عز الدین ۱۴۱۳ هجری.

ابن قریب الاصمعی، ابو سعید عبد الملک. النبات ، (۱۲۸ هـ - ق) ، با تحقیق عبدالله یوسف الغتیم، مکتبه المبتنی شارع الجمهوریه القاهره - ۱۹۷۲ م.

ابن مراد، ابراهیم . بحوث فی تاریخ الطب و الصيدله عند العرب ، (۱۹۹۱ م)، دار الغرب الاسلامی.

ابن منظور، الافریقی . لسان العرب، (۷۱۱ هـ - ق)، اعداد و تصنیف یوسف الحیاط، بیروت.

الاشبیلی، ابی الخیر. عمدہ الطیب فی معرفه النبات ، (قرن ششم هجری)، دار الغرب الاسلامی.

ابن محمود، احمد.. مجموعه، (۱۲۷۴ هـ - ق) ، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۱۰۶۸۴.

ابن سلیمان، اسحاق . الاغذیه و الادویه، (٣٢٠ هـ - ق)، موسسه عز الدین تحقیق دکتور محمد الصباح.

اسرائیلی قرطبی، ابو عمران موسی بن عبید الله . شرح اسماء العقار، باهتمام ماکی میرهوف، قاهره ١٩٤٠ م .

انطاکی، شیخ داوود . تذکره، (٩٥٠ هـ - ق)، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ١٠٧١٠.

انیس، ابراهیم . المعجم الوسیط، (١٩٧٢ م)، مجمع اللغة العربیه بالقاهره.

بیرونی، ابو ریحان . صیدنه، (٤٤٠ هـ - ق)، با تصحیح عباس زریاب ١٣٧٠.

جزایری، عبدالرزاق محمد بن حمدوش. کشف الرموز فی شرح العقاقیر و الاعشاب، (١١٦٣ هـ - ق)، دار الکتب العلمیه بیروت.

حایک، میساک. موسوعه النبات الطبیہ المعجم، الاول الی الرابع، (١٩٩٢ م)، مکتبه اللبنان .

خراسانی، سید حسن . طب الامام الرضا علیه السلام، (١٣٨٥ هـ - ق)، منشورات الکلیه الحیدریه و مطبعه النجف.

خلیلی، محمد. طب الامام الصادق علیه السلام، (١٣٨٩ هـ - ق)، منشورات الکلیه الحیدریه و مطبعه النجف. خوئی، شافعی یوسف بن اسماعیل . ما لایسع الطیب جهله، (١٠٦٧ هـ - ق)، کتابخانه آستان قدس، شماره ٥٢١٦.

دینه وری، ابو حنیفه احمد داود بن وند . النبات، (٢٨٢ هـ - ق)، المعهد العلمی الفرنسی لاثار الشرقیه بالقاهره.

رازی، محمد بن زکریا. اسرار و سر الاسرار با تجارب شهریار، (٢٥١ هـ - ق)، به کوشش محمد تقی دانش پژوه ١٣٤٣ هـ - ش.

رازی، محمد بن زکریا. الحاوی، ج ١ و ٢، (٢٥١ هـ - ق)، باهتمام شرکت داروسازی الحاوی ١٣٧٢ هـ - ش.

رازی، محمد بن زکریا. خواص الخاص، نسخه خطی آستان قدس، شماره ١٠٣.

رفعت، محمد. الموسوعه الصحیه العلاج بلاعشاب، (١٩٩٥ م)، موسسه عزالدین.

رواجبه، عایده احمد. اسرار الطب العربی و الحدیث، (١٤١٦ هـ - ق)، دار ابن زیدون.

سنکری، محمد نذیر. ابحاث المؤتمر السنوی الاولی لتاریخ العلوم عند العرب، (١٩٧٧ م)، معهد التراث العربی جامعه حلب.

سنکری، محمد نذیر. ابحاث المؤتمر السنوی الثالث لتاریخ العلوم عند العرب، (١٩٨٠ م)، معهد التراث العربی جامعه حلب.

سنکری، محمد نذیر. ابحاث المؤتمر السنوی الثانی لتاریخ العلوم عند العرب، (١٩٧٩ م)، معهد التراث العربی جامعه حلب.

- شبر، عبدالله. طب الاثمه، (١١٨٨ هـ - ق)، الارشاد لطباعه و النشر بیروت - لندن.
- شیرازی، قطب الدین. قوانین الطب، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ٥١٣١.
- عبد الرحیم، محمد. الاعشاب و النباتات الطیبه و الاغذیه فی تفسیر الاحلام، دارالفکر بیروت، (١٤١٧ هـ - ق).
- غالب، ادوار. الموسوعه فی علوم الطیبه، ج ١ تا ٣، (١٩٦٥ میلادی)، مطبعه الکاتولیکیه بیروت.
- غسانی، ابوالقاسم بن محمد بن ابراهیم معروف به وزیر. حدیقه الازهار ماهیه العشب و اللعقار، (٨٩٨ هـ - ق) تحقیق محمد العربی الخطابی، دار الغرب الاسلامی.
- قینسی، احسان. الطب العربی المعروف تذکره السویدی، شرح و تعلیق محسن عقیل، دار المجتبی بیروت، ١٩٩٥ م.
- کرمانی، حاج محمد کریم. حقایق الطب، (١٢٦٤ هـ - ق)، نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی شماره ٥١٧٣.
- مرعشلی، ندیم و مرعشلی، اسامه. الصحاح فی اللغة و العلوم، ج ١ و ٢، (١٩٧٤ م)، دار الحضاره العربیه - بیروت.
- ابن منصور، مهران. الحشایش، (شرح کتاب دیسکوریدوس)، (قرن ششم هجری)، نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی.
- میدانی، ابوالفتح احمد بن محمد. السامی فی الاسامی، (٦٠١ هـ - ق)، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ١٣٤٥ هـ - ش.
- هروی، محمد بن یوسف. بحرالجواهر، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ٥٠٥٠.
- هروی، محمد بن یوسف. جواهر اللغة (١٢٤٥ هـ - ق)، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ٥١٧١.
- هروی، محمد بن یوسف و ابن علینقی، شریف محمد جامع الفوائد، فوائد الاخبار، زاد المسافرین (١٢٥٨ هـ - ق)، نسخ خطی آستان قدس رضوی، شماره ١٠٣١١.
- یاقوت حموی، شهاب الدین. معجم البلدان، مصر، ١٣٣٤ هـ - ق.

## ٢ - لاتینی :

- CHENALLIER A. 1996. *ENCYCLOPEDIA OF MEDICINAL PLANT*, DORLING KINDERSEY.
- CHIEJ ROBERTO. 1982. *LES PLANTES MEDICINALES*, GIUSEPPE MAZZA.
- FORSKAL PETRUS. 1775. *FLORA EGYPTIACO - ARABICA*, HAUNIE.
- GHAREMAN A. 1999. *BIODIVERSITY OF PLANT SPECIES IN IRAN*, TEHRAN UNIVERSITY PUBLICATION.
- GHOPRA R.N. & NAYAR S.L. & CHOPRA I.C. 1956. *GLOSSARY OF INDIAN MEDICINAL PLANTS*, COUNCIL OF SCIENTIFIC.

- GUEST E. 1966. **FLORA OF IRAQ**, PUBLISHED BY THE MINISTRY OF AGRICULTURE OF THE REPUBLIC OF IRAQ.
- HASAN KAMAL. 1975. **ENCYCLOPAEDIA OF ISLAMIC MEDICINAL**, GENERAL EGYPTIAN BOOK ORGANIZATION.
- HOOKE & JACKSON. 1895. **INDEX Kewensis VOLUM 1 & 2**, OXFORD.
- LAUFER BERTNOLD. 1873. **SINO-IRANICA**, FIELD MUSEUM OF NATURAL HISTORY.
- MACURR P. 1979. **ELSVIER'S DICTIONARY OF BOTANY & PLANT NAMES**, ELSEVIER SCIENTIFIC PUBLISHING COMPANY, AMSTERDAM-OXFORD-NEW YORK.
- MAHDIHASSAN S. 1984. **BAZAR DRUGS AND FOLK MEDICINE IN PAKISTAN**, HAMDARD FOUNDATION PRESS.
- MIKI, HONDA, USMINGHAM. 1986. **HERB DRUGS AND HERBALISM**, INSTITUTE FOR THE STUDY OF LANGUAGES AND CULTURES OF ASIA AND AFRICA.
- PANGLOSS D. 1987. **MEDICINAL PLANTS BANGKOK & THAILAND**, EXHIBITION COMMITTEE.
- PARSA A. 1960. **FLORA DE L' IRAN**, TEHRAN UNIVERSITY PUBLICATION.
- RECHINGER K. 1976. **FLORA OF IRAN**.
- ROBERT T. 1934. **THE GREEK HERBAL OF DIOSCORIDES**, OXFORD.
- TAHMIJAH H. 1983. **WILD PLANTS OF QATAR**, ARAB ORGANIZATION FOR AGRICULTURAL DEVELOPMENT.



# **Matching The Old Medicinal Plant Names With Scientific Terminology**

**Vol 1**

- A History of Medicinal Plants
- The Methodology For Using Ancient Medicinal Plant Texts And Sources
- The Old Medicinal Plant Names
- The Terminology And Old Names in The Identification of Scientific Names For Plants

**by**

**Ahmad Ghahreman**

Professor of Botany Faculty of Science Tehran University

**&**

**Ahmad Reza Okhovvat**

Academic Member of Biology Group Faculty of Science Tehran University